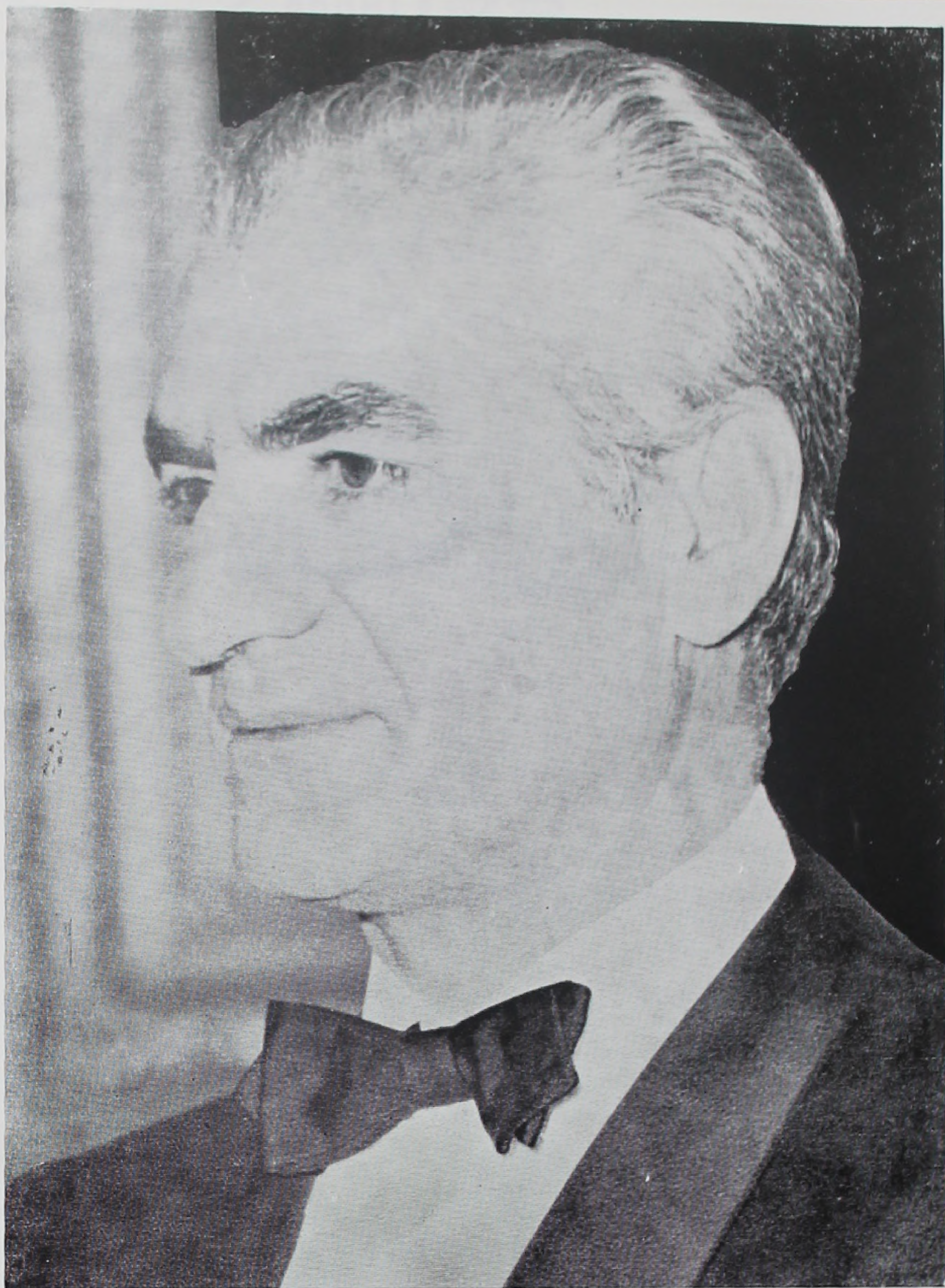
DA

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date
	1805		1
	2/8		1
	2073		







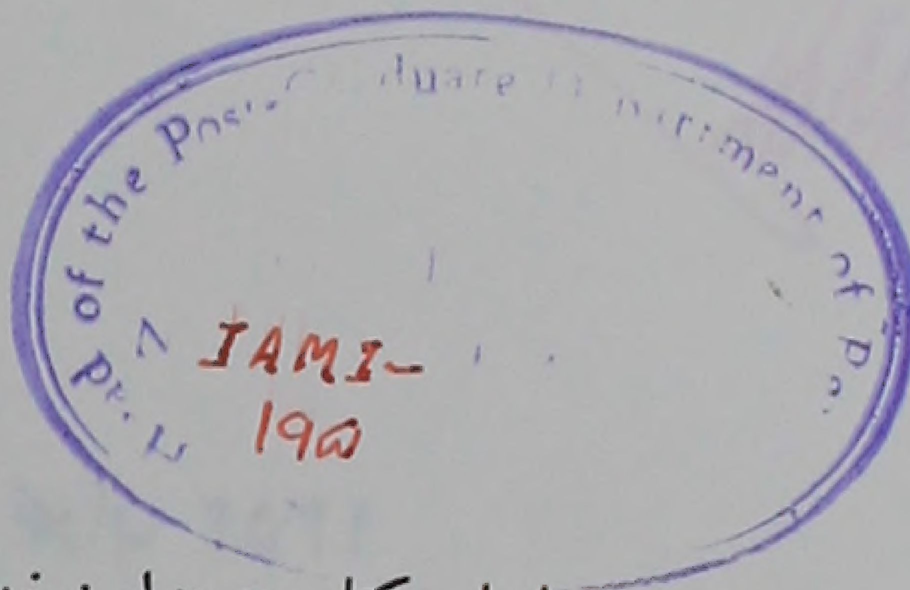
سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی
«۱۰۱»

آثار ملّی اصفهان

تألیف

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

تهران ۱۳۵۲



از این کتاب دو هزار نسخه در چاپخانه اتحاد
در اسفندماه ۱۳۵۲ بچاپ رسید
شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۶۶۹ مورخ ۵۲/۸/۲۲

سرآغاز

بنام پروردگار بزرگ یکتا و دانا.

باتقدیم سپاس بی قیاس بدرگاه آفریننده جهان و درود نامحدود بر پیغمبر بزرگ اسلام (ص) در پرتو الطاف کریمانه ذات خجسته اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر کتاب «آثار ملی اصفهان» به معرض انتشار گذارده میشود.

از چندسال پیش که انجمن آثار ملی باهمکاری و پایمردی دانش پژوهان و محققان ارجمند نسبت به تألیف کتابهای مربوط به ابنیه و آثار تاریخی ایران کوشش بخرج داده و میدهد (خوشبختانه دراین راه گامهائی برداشته و تاحدی بمقصود نائل آمده است) برای شهر تاریخی اصفهان مناسبتر دانست ازاقدام به تألیف و چاپ کتابی همانند آنچه درباره استانها وشهرهای دیگرایران فراهم ساخته است خودداری نماید، چه درباره ابنیه وآثاراصفهان کتابهای مختلف ازطرف دانشمندان و مؤلفان ارجمند تدوین ومنتشر گردیده است. ونیازی به کتاب تازه احساس نمی شد وبدین سبب انجمن آثار ملی کوشش خودرا درترتیب

مساعی [illegible] این همائی طی سالیان دراز گردآوری و فراهم ساخته‌اند مصروف نموده

و امید وار است در تحقق این مهم توفیق یابد   لکن بر اثر مکاتباتی که از طرف استاندارئ

محترم اصفهان با انجمن آثار ملّی بعمل آمد تألیف کتابی حاوی اطّلاعات اجمالی و سودمند

درباره جمیع ابنیه و آثار تاریخی آن شهر مهم باستانی از طرف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

که صاحب تألیفاتی در زمینهٔ معرّفی یادگارهای فرهنگی و آثار تاریخی شهرستانهای تابع

اصفهان هستند بمورد شناخته شد و در نتیجه تهیّه و چاپ و انتشار کتاب حاضر برای استفادهٔ

خوانندگان و علاقه‌مندان گرامی منظور نظر قرار گرفت .

با توجّه به اهمیّت فراوان آثار تاریخی اصفهان و در نظر داشتن این نکته که کتابهای گوناگون

جهت معرّفی آثار نامبرده به چاپ رسیده و انتشار یافته است و کلّیهٔ آنها هم پس از گذشت

زمانی کوتاه باتمام رسیده و چه بسا در اختیار و دسترس دوستداران و مشتاقان نمانده است امیدوار

کتاب «آثار ملّی اصفهان» نیز بنوبهٔ خود تا حدّی نیاز خواستاران و جویندگان اطّلاعات مربوط

بدینگونه آثار و ابنیه را بر آورد و پیشگامی در راه رسیدن به هدف و آرزوی دیرین انجمن آثار ملّی جهت

ادای حق عظیم و دیرین شهر کهن سال بزرگ و تاریخی اصفهان بشمار آید .

هیئت مدیره
انجمن آثار ملی
بخط زنجانی

مدخل کتاب :

که گوید اصفهان نصف جهان است ؟ جهانی گر بود آن اصفهان است

اصفهان یکی از آن نقاط تاریخی و باستانی است که در اثر مرور زمان و گذشت دهور و حدثان و نزول حوادث و بروز وقایع گوناگون سرگذشت تاریخی آن از خاطره ها محو و از صفحات صدور سترده شده است ! و تاریخهائی هم که درباره آن نوشته شده ، یا چون تاریخ اصفهان حمزه اصفهانی متوفی حدود (۳۵۰ ه . ق) و تاریخ اصفهان ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب بن ابی عبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده اصفهانی متوفی (۵۱۲ ه . ق) و تاریخ ابن مردویه درباره اصفهان بکلی از میان رفته و وجود ندارد ! یا اینکه مربوط بقسمتی از سرگذشت این مرز و بوم است ، مانند :

سنی ملوک الارض والانبیاء حمزه اصفهانی – ذکر اخبار اصبهان ابی نعیم – محاسن اصفهان مافروخی – ترجمه محاسن اصفهان – قلائد الشرف – الازمنة والامکنة مرزوقی – تذکره حزین – سوانح العمر همو – سفرنامه شاردن فرانسوی – سفرنامه تاورنیه – سفرنامه کامفر – سفرنامه فلاندن – تاریخ عالم آرای عباسی – تذکره نصرآبادی –

تاریخ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ارباب — جغرافیای اصفهان تحویلدار
الاصفهان جناب — راهنمای اصفهان همو — گزارش میرزا غلامعلیخان نائینی — روضات الجنات
چهارسوقی — تاریخ نیمه جهان و همه جهان جابری انصاری — تاریخ اصفهان زوری همو — آگهی شهان
از کار جهان همو — تذکرة القبور جزی — تاریخ اصفهان حاج سید محمدعلی مبارکه ای متوفی سال
(۱۳۶۵ ه. ق) در پنج مجلد — دانشوران اصفهان همو ۲ مجلد — تاریخ اصفهان نور
صادقی — اصفهان هدایت — تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان بهزاد حسینی — تاریخ نائین
سید عبدالحجة بلاغی — فرهنگ تاریخ نائین همو — انساب خاندان نائین همو — تذکرة العلما
همو — راهنمای اصفهان حسین عمارزاده کرمکندی اصفهانی — رجال اصفهان سید مصلح الدین
مهدوی — تذکرة القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان همو — تذکره شعرای اصفهان
همو — تاریخچه محله خواجو همو — بخشی از آثار ملا بهشتی — آتشکده اردستان مؤلف
درة بخش — فرهنگ اصفهان مؤلف — راهنمای اصفهان دکتر لطف الله هنرفر — گنجینه
آثار تاریخی اصفهان همو — اصفهان جوانان همو — مختصری از آثار تاریخی اصفهان همو —
راهنمای اصفهان عطارپور — تاریخ خوانسار زهرائی — تذکره شعرای خوانسار دلیسانی

دیگر از کتابها و رسالات و سفرنامه‌ها که یادآوری همه آنها بدرازا میکشد و با مقدمه کتاب تناسب ندارد . از شادروان دکتر محمد معین متوفی (۱۳/۴/۵۰ هـ.ش) که از بزرگان مؤلفان و محققان و لغت‌شناسان معاصر و رئیس سازمان لغت‌نامه دهخدا و استاد دانشگاه تهران بود شنیدم که استاد مفضال و دانشمند بی‌همال جلال‌الدین همائی که از فضلای برجسته و ادباء و شعراء و محققان پرکار عصر حاضر است کتابی راجع باصفهان تألیف کرده‌اند که از هر جهت جامع است و اگر بچاپ درآید تاریخ کامل اصفهان خواهد بود . و شایسته است تمام طالبان در انتظار چنین کتابی باشند . خود استاد همائی هم در مقدمه دیوان طرب باین کتاب اشاره کرده‌اند . بعلاوه در مقدمه دیوان مزبور و در مقدمه برگزیده دیوان شه شاعر صفاهانی قسمتی از تاریخ اصفهان را شرح داده‌اند خلاصه اینکه تا زمان تحریر تاریخ جامعی درباره اصفهان بنظر نرسیده که روشن کننده سرگذشت تاریخی آن باشد قدر مسلم اینکه اصفهان در گذشته اهمیت تاریخی بسزائی داشته و پادشاهان و امراء و رجال و علماء و محدثان و عرفاء و شعراء و ادباء و خطاطان بزرگ و معماران هنرمند و حرفت‌اندوز و بصیر از آنجا برخاسته‌اند و در ازمنه پیش از اسلام و بعد از آن حوادث بزرگ و تحولات سترگ در آن روی داده است که از نظر ما مخفی مانده و اطلاعی از سرگذشت تفصیلی آن در دست نیست .

و اما بناهای تاریخی که در اصفهان و اطراف مربوط بقبل از اسلام وجود داشته بتقریب بورطه نیستی گرائیده است ، و آنچه بعد از صفویه باقی مانده بود ، هر زمان که دچار انهدام میگردید اوضاع کشور طوری بود که کمترین توجهی بتعمیر و مرمت آن معطوف نمیگردید ، مگر اینکه پادشاهی چون فتحعلیشاه و یا ناصرالدین شاه قاجار عازم عبور از شهری میشدند که مرکز اینگونه آثار بود ، و در این موقع کارکنان دیوانی ناچار بعضی محلهای مورد عبور را سر و صورت میدهند و آثار مندرس را تعمیر و مرمت کنند که مبادا مورد مؤاخذه و بازخواست قرار گیرند ! مثل اینکه یکی دو مرتبه عمارت عالیقاپوی اصفهان ، یا پل خواجو و جاهای دیگر در اثر پیش آمد عبور پادشاه وقت تعمیر گردید ! و الا قطع نظر از اینکه خرابیها را جبران نمیکردند بیشتر قصور و باغهای سلطنتی و ملی را پیش از طلوع سلسله پهلوی خراب و مصالح آنرا مورد استفاده قرار داده‌اند ! ولی پس از طلوع آن سلسله حفظ آثار باستانی مورد توجه و حمایت واقع و بموجب قانون و در حدود امکان و هر ساله و همه جا آثار باستانی تعمیر و تحفظ یافت ! و بحمدالله بیشتر آن بخصوص آثار باستانی اصفهان با اهتمام انجمن آثار ملی و سازمان حفاظت آثار باستانی کشور صورت نوی گرفت و از انهدام و ویرانی آن جلوگیری بعمل آمد ، با انتظار میرود که در زمان عاجلی کلیه آثار باستانی کشور مورد تعمیر و مرمت کامل قرار گیرد .

این همه از نتایج سحر است　　　　باش تا صبح دولتش بدمد

در کتاب حاضر (آثار ملی اصفهان) از آثاری بحث شده که نام و یا اثری از آنها باقی و یا معمور است، و از این رو کتاب بشرح زیر مرتب گردیده است،

فهرستهای کتاب :

در خاتمه از توجه انجمن آثار ملی بخصوص تیمسار بزرگوار فرهنگ شعار سپهبد آق اولی

در انتشار کتاب؛ و در راهنمائیهای گرانبهای استاد دانشمند جناب آقای سید محمد تقی

مصطفوی؛ و از اولیای اداره کل باستان شناسی در تهیه عکس از بعضی از آثار

باستانی اصفهان و شهرستانهای آن؛ و نیز از کمک تیمسار سرلشگر ضیا مهدوی

استاندار اصفهان در تنظیم نقشه آثار تاریخی شهر اصفهان؛ و همچنین از کمک و اهتمام

کارکنان چاپخانه اتحاد در طبع و تهیه گراور و صحافی کتاب؛ و بطور کلی از همه

کسانی که مؤلف را در این امر فرهنگی بنحوی یاری و همراهی کرده اند سپاسگزاری

نموده و توفیق همگی را در خدمت بفرهنگ از خداوند باری مسئلت مینمایم.

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

بنام یزدان پاك

آثار ملی اصفهان

آثار جمع اثر است ، ودرلغت تازی‌بچیزی اثر گویندکه ازکسی یاکسانی‌از دیرین‌بار بازمانده باشد و دراصطلاح وعرف باستان شناسی آثار ملی بمجموعه‌ای از اشیاء گفته میشودکه درجات تمدن وفرهنگ وهنر و نبوغ یك ملت را نشان دهد ، مانند ابنیه و مصنوعات باستانی که سبك بنا وطرز ساختمان و یا طراحی و رنگ‌آمیزی و نقشهٔ آنها نمودار تمدن و فرهنگ و هنر بانیان و سازندگان آن زمان‌است. چون بحث دراین‌کتاب محدود و راجع به آثارملی اصفهان است نخست بشرح حدود وقلمرو اصفهان پرداخته وسپس باصل موضوع میپردازیم .

جغرافیای تاریخی اصفهان

اصفهان در ادوارگذشته حدود و قلمرو آن متغیر بوده است ، و آنچه از تاریخ برمیآید، در ازمنهٔ لاحقه وسعت خاك اصفهان کمتر شده است.

در ابتدا وپیش‌ازاسلام قلمرواصفهان یکصدوبیست فرسنگ دریکصدوبیست فرسنگ وحدود آن مابین‌اطراف همدان ودینور ونهاوند تا اطراف‌کرمان ومیانه اطراف ری وقومس تااطراف فارس وخوزستان بوده ودارای سه استان وسی روستاو یکصدوبیست طسوج و پنجهزار قریه وهفت شهر بوده است .

اسامی شهرهای اصفهان

۱- کهثه[۱] ۲-جار ۳- جی ۴- قه ۵- مهرین[۲] ۶- درام[۳] ۷- سارویه.

شهرهای: کهثه- جار - درام- سارویه‌پیش‌ازاسلام ویران‌گردید ، بطوریکه هنگام فتح اصفهان بوسیله مسلمانان‌که‌بنا بر اختلاف سال۱۹ و یا ۲۱ هجرت بوده فقط شهرهای : جی - قه ومهرین[٤] باقی مانده بود ومشتمل بردو استان و بیست‌و هفت روستا وسه هزارو سیصدو سیزده قریه بود .

پس‌از ورود اعراب باصفهان شهرهای قه ازروستای جه وسارویه از روستای کاشان را ویران ساختند وفقط شهرجی باقی‌ماند . دنباله آن هارون‌الرشید استان قم را با چهار روستاکه ازهمدان ونهاوند بآن اضافه شده بود ازاصفهان جداکرد ، و این وضع باقی‌بود تا معتصم شهرکرج را بنا نهاد و به چهار روستا تقسیم و آنرا نیز از اصفهان‌مجزاکرد وبااین‌ترتیب اصفهان بعداز معتصم‌دارای یك استان ونوزده روستا ودوهزاروپانصد قریه‌گردید .

بانی و بنای شهر جی

در بانی شهر جی اختلاف است، برخی بنای نخست آن‌را به‌اسکندر رومی با مباشرت : جی‌بن[۵]زراده یا زاردة دانسته‌اند و گفته‌اندکه پهنای پایه دیوار آن شصت خشت بوده است .

برخی دیگر نوشته‌اندکه شهرجی پیش از پادشاهی جم ساخته شده ودرزمان افراسیاب ترك مانند سایر شهرهای ایران شهرخراب‌گردید وخمانی چهرآزاد که

۱- دربعضی ازجاهای کتاب ذکراخبار اصفهان ابونعیم : کهته بتای منقوطه است .
۲- درذکر اخبار اصبهان مهربن بباء موحده نوشته شده .
۳- درذکراخبار اصبهان دررام نوشته شده ولی درست آن چیزی است‌که درمتن مرقوم‌گردید.
۴- مهرین وسارویه ازبناهای طهمورث بوده است . (فارسنامه ابن بلخی ص۳۵)
۵- درذکر اخبار اصبهان ج۱ ازاردة نوشته شده است ولی‌دربقیه مدارك زراده است .

به‌هما دختر بهمن‌بن اسفندیار شهرت دارد پیش‌از ورود اسکندر آن شهر مخروبه را از اساس بنیان نهاد وهنوز بیش از نصف بارو ساخته نشده بود که بدرود حیات گفت ، و چون اسکندر وارد شد از اتمام بنای آن درگذشت و بحال نیمه خراب واگذاشت ، و چنین بود تا زمان سلطنت فیروزبن یزدجرد که آن موقع یکصد و هفتادسال‌پیش‌ازاسلام بود ، فیروز به‌آذرشاپورپسر آذرمانان‌که مردم قریه هراستان ماربین بود دستور داد تا باروی جی‌را بانجام برساند .

پاره‌ای از مورخان بنای شهرجی را به طهمورث دیـوبند نسبت داده‌اند ، دسته‌ای‌هم اسکندر را بانی‌آن شهرمیدانند .

کیفیت ساختمان بارو

پایه ساختمان بارو باندازه‌ای استحکام داشت‌که پهنای آن سوای‌گل وملاط چسبیده بآن شصت خشت بود ، وبربالای آن‌کنگره هائی قرار داد وبرای‌کارزار و تیراندازی سوراخها وجاهائی‌را مهیاکرد ، سپس چهار دروازه از چهار طرف بارو درچهار روز آماده‌کرد، دروازه‌ای‌که روی‌آن بطرف میدان بازار بود در روز خور بسته می‌شد وآن را : دروازه خور یعنی دروازه خورشید مینامیدند ، وفردای‌آن روز یعنی در روز مـاه دروازه دوم را می‌بست و آن را مـاه‌بر یعنی دروازه ماه مینامیدند وآن محل‌را بعدها اسفیس واسفیش ودر زمان حال شئیش نیزمیگویند که محل‌کنونی محله بیدآباد است.

و روز بعد که روز تیر باشد دروازه سوم را می‌بست و آن را تیربـر یعنی دروازه تیرکه عطارد باشد میخواندند وروزبعد دروازه چهارم را می‌بستند وآن‌را کوش‌بر[1] ویا دروازه یهودیه میگفتند وعلت تسمیه اخیر آنست‌که عده‌ای‌از اولاد کوش‌بن حام‌بن نوح‌که طایفه الوار باشند در آن‌جا سکونت داشتند .

۱- نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص ۱۶۵

وضع هندسی دروازه‌ها

وضع هندسی دروازه‌ها طوری بودکه هرگاه خورشید در درجه نخست برج جدی منزل داشت از دروازه خور طلوع ودر دروازه یهودیه غروب میکرد . وهرگاه دردرجه یکم برج سرطان جا داشت ، ازدروازه اسفیش طلوع ودر دروازه تیره غروب میکرد.

اسکان شهر جی

شهرجی پیش‌از اسلام‌قلعه‌ای بود برای مردم دهات روستای‌جی وخود مردم در شهر قه‌سکونت داشتند وتنها خانه مطیار بودکه بامر خسروپرویز در ازاء فتح قسطنطنیه برای او در جی ساخته شده بود در آنجا قرار داشت ، ولی پس از فتح اصفهان ازطرف مسلمانان وخراب‌کردن شهر قه مردم قه هم درجی ساکن‌شدند .

مساحت جی

دورهٔ باروی جی هزار نی وقطر شهر سیصدوبیست نی‌بود وچنانچه نصف‌قطر ضرب درنصف دورهٔ بارو شود حاصل هشتاد هزارنی خواهد شد وچون هرچهل‌هزار نی یك‌جریب اصفهان بوده مساحت شهرجی دوهزار جریب بوده است .

کوشکهای شهر جی

درشهر جی یکصدو چهارده کوشك بشکل برجهای معوج وموسع در دنباله دوره باروی شهربکیفیتی ساخته‌شده بودکه درهرفاصله معینی چند برج‌باین‌ترتیب وجود داشت :

۱ـ از دروازه خور تا دروازه یهودیه کوچك که یکصدو بیست ذراع فاصله

داشت هیجده برج .

۲ـ از دروازه یهودیه تا دروازه تیره که هزار و صد ذراع فاصله بود سی و سه برج .

۳ـ از دروازه تیره تا دروازه اسفیس که هزارو سیصد ذراع مسافت داشت بیست و چهاربرج .

۴ـ از دروازه اسفیس تا دروازه خور که هزار و چهارصد ذراع فاصله بود سی وپنج برج .

وبا این کیفیت محیط شهرجی بالغ بر هفتهزار ویکصد ذراع بوده‌که بذراع دست ده هزار وششصد وپنجاه ذراع میشده وطول آن هزار وپانصد وعرضش هزارو هفتصد و پنجاه و دو ذراع بوده است[1] .

بنیان یهودیه و حدود آن

پس از اینکه بخت‌النصر یهودیان را از اورشلیم آواره‌کرد آنان سرگردان دراطراف زمین گردش میکردند وخاك اورشلیم‌را که همراه داشتند باخاك آن‌زمین مقایسه میکردند هیچ خاکی‌را مناسب با اورشلیم ندانستند تا اینکه وارد اصفهان شدند ودرمحلی‌که آنرا بزبان عبری بنجار می‌گفتند و معنی‌آن : فرود آئید بود خاك اورشلیم را با خاك آنجا مطابق و موافق دیدند و فرود آمدند و همانجـا را یهودیه‌گفتند .

یهودیه ازطرفی به قریه یوان وطرف دیگر به قریه خرجان وسنبلان‌که همان چمبلان یا چملان یاجمیلان فعلی‌باشد و طرف سوم به‌قرای‌کمائان واشکهان و چهارم بقرای جروائان وخشینان متصل بود و مساحت این قسمت بالغ برهفتصد جریب میگردید وتمام سکنه آن یهود و بکارهای‌کثیف چون : حجامت ـ دباغی ـ گازری وقصابی اشتغال داشتند .

۱ـ این‌مساحت برحسب محاسبه محمدبن لره حاسب اصفهانی است .

شهر شدن یهودیه

درسال یکصدو پنجاه واندی گذشته ازهجرت ایوب بن زیاد ازطرف ابوجعفر منصورخلیفه بعنوان عامل وسعیدبن منصورحمیری خال مهدی برای جنگ وارد اصفهان شدند چون سعید تغییر داده شد هردو سمت را ایوب عهده‌دارگردید و در قریه خشینان فرود آمد و درکنار نهر فوسان کوشکی ساخت و در مقابل آن نیز مسجدی بنا کرد که مقصوره داشت و این مسجد تا اوایل قرن پنجم باقی بود ، درآن مسجد منبری گذارد و برای بازرگانان و صاحبان متاع بازاری آماده ساخت که دارای صفه‌ها و میدانها بود واین قسمتها در میدان کاه‌فروشان با یهودیه متصل میشد ، و در همین موقع خانه‌های قریه خشینان با یهودیه متصل گردید ویهودیه وخشینان به‌شهر واحدی تبدیل‌شدند .

طول مسیر خانه ایوب بن‌زیاد ازدرمسجد خشینان تا در باغ عیسی‌بن ایوب و عرضش از طرف محله کوراء تا ملنجه بود .

چون ایوب مورد سخط خلیفه واقع گردید و ببغداد احضار و زنـدانی شد عرب قریه طهران (تیران‌فعلی)که بنی‌تیم بودند مصمم شدند مسجد جامع وسیعی بسازند و منبر مسجد ایوب را بآنجا منتقل‌کنند، چون زمین صدر جامع مسقف تا پشت آنجائیکه آب میکشیدند از آن صخربن سنان بود و آن زمین متروکه و در راه طهران (تیران) واقع شده بود تمام آن زمین را بجامع بخشید و جامع وسعت یافت. منبر مسجد ایوب هم بآنجا منتقل‌گردید ، این انتقال مصادف با سال یکصدوپنجاه وشش هجری و زمان حکمرانی هانی‌بن ابی‌هانی وپس از انقضای‌پنج سال از عمران وآبادی ایوب‌بن‌زیاد بود. پس‌از آنکه جامع یهودیه درصحراساخته شد ، پانزده قریه بشرح زیر بشهر یهودیه ضمیمه شد :

۱- باطرقان. ۲- فرسان. ۳- یوان. ۴- خرجان. ۵- فلفلان. ۶- سنبلان. ۷- فرائان. ۸-کمائان. ۹- جوزدان. ۱۰- لنبان. ۱۱- اشکهان. ۱۲- جروائان. ۱۳- خشینان. ۱۴- برؤسکان. ۱۵- فابجان .

وچون شهر توسعه‌یافت مردم درتوسعه مسجدنیز کوشیدند و اراضی خصیب‌آباد ضمیمه مسجدشد، ونیز درسال دویست وبیست وشش درخلافت معتصم وامارت یحیی‌بن‌عبدالله بن‌مالك خزاعی‌مسجد تجدید بناگردید وابوعلی‌بن‌رستم‌ـ رستم‌آباد را که مشتمل بر کاروان‌سراها و مستراحها بود پاکیزه‌کرده وضمیمه‌مسجد ساخت، این وسعت اخیر درسال سیصد وهفت هجری و در خلافت مقتدر و امارت احمدبن مسرور اتفاق افتاد .

قلمرو اصفهان در ۲۹۰ هجری

مساحت اصفهان در۲۹۰ هجری هشتاد فرسنگ در هشتاد فرسنگ ودارای هفده روستا بشرح زیر بود :

۱- **جی**. ۲- **ماربین**. ۳- **النجان**. ۴- **براان**. ۵- **برخوار**. ۶- **رویدشت**. ۷- **اردستان**. ۸- **کروان**. ۹- **برزاوند**. ۱۰- **دارك**. ۱۱- **فریدن**. ۱۲- **قهستان**. ۱۳- **قامدار**. ۱۴-**گرمسیر کاشان**. ۱۵- **سردسیر کاشان**. ۱۶- **ارزنان**. ۱۷- **تیمره کوچك**. ۱۸- **تیمره بزرگ** و هر روستا سیصدوشصت قریه داشته است[۱].

برخی دیگر در همان تاریخ‌عدد روستاها را بیست شمرده‌اند و این روستاها را اضافه کرده‌اند:

۱- **طسوج‌الرود**. ۲- **آران**. ۳-**انار والوار** وعدد قراء آن‌را بالغ بردو هزار وسیصد نوشته‌اند[۲].

تغییرات وضع‌جغرافیائی اصفهان درهمین‌حدود بوده تابقرن چهاردهم‌هجری رسیده است .

۱ـ البلدان ابن‌الفقیه همدانی

۲- جلد هفتم اعلاق‌النفیسه

تقسیمات اصفهان در قرن چهاردهم

تقسیمات اصفهان در سال یکهزاروسیصد وهشت (۱۳۰۸ هـ. ق.) باین ترتیب و شرح بوده :

مرکز شهر اصفهان و نه بلوك بنامهای :

۱- **جی**. ۲- **برخوار**. ۳- **قهاب**. ۴- **برآن**. ۵- **رویدشت**. ۶- **ماربین**. ۷- **لنجان**. ۸- **کرون**. ۹- **کرارج** و **هشت‌محل** بنامهای :

الف - محلهای متصل بیکدیگر موسوم به‌چهارمحل : ۱- **رار**. ۲- **کیار**. ۳- **گندمان**. ۴- **میزدج**.

ب- محال چهارگانه‌جدا ازیکدیگر: ۱- **سیمرم**. ۲- **جرقویه**. ۳- **اردستان** ۴- **قهپایه** و هرند ، و دوقصبه نجف آباد و قمشه .

وپنج ناحیه که عبارت از پنج ناحیه فریدن : ـ ۱- **ورزق**. ۲- **چادگان**. ۳- **گرجی**. ۴-**کرچنبوت** (تخماقلو). ۵- **چنار رود**[1].

در حدود سال یکهزار وسیصد ونه شمسی سازمان بلوکات اصفهان باین‌شرح بوده است :

۱- **چهارمحال‌وفریدن**. ۲- **النجان**. ۳- **ماربین**. ۴- **جی**. ۵- **کرارج**. ۶- **برآن** ۷- **رویدشتین** ۸- **تیران** ۹- **دهق** ۱۰-**کرونین** ۱۱- **برخوار** ۱۲- **اردستان** ۱۳- **قهپایه** ۱۴- **دهاقان** ۱۵- **سمیرم** ۱۶- **اسفرجان** ۱۷- **قمشه** ۱۸- **جرقویه** .

درسال یکهزار و سیصدوسی وپنج شمسی نائین ونطنز هم جزء سازمان استان اصفهان‌شد ودنبال آن یزد هم‌اضافه شد ولی فرمانداری‌های‌کل چهارمحال وبختیاری و یزد مستقل گردیدند و در حال حاضر استان اصفهان مـرکب از شهرستانهای : ۱ـ اصفهان ۲ـ شهرضا ۳ ـ نجف‌آباد ۴ ـ فریدن ۵ ـ اردستان ۶ ـ نائین ۷ـ نطنز ۸ـ گلپایگان ۹ـ سمیرم میباشد.

---

۱ ـ نصف جهان محمدمهدی ارباب اصفهانی ص ۲۲ .

عنوان اصفهان

بطوریکه دربنای نخست اصفهان گفته شد کلمه اصفهان در بدو امر به‌مجموعه هفت شهر : کهنه ـ جار ـ درام ـ قه ـ سارویه ـ مهرین ـ جی اطلاق میگردید و چون آن شهرها خراب گردید وفقط شهر جی از آنها باقی ماند ، پس از آبادی یهودیه وخشینان یهودیه جای‌گزین همه آن هفت‌شهر شد ونام اصفهان را بآن‌شهر میگفتند . ولی بتدریج برقلمرو آن افزوده گردید و اصفهان دو عنوان یافت : یکی شهر اصفهان‌که همان‌یهودیه اخیر باشد ودیگراقلیم یااستان اصفهان.

چرا یهودیه را اصفهان گفتند؟

درعلت نام‌گزاری اصفهان وجوه مختلفی گفته‌اندکه برخی باساطیر شباهت دارد ، و پاره‌ای از گفته‌ها هم‌سند و دلیلی ندارد ، مانند . قصه سوزانیدن نمرود ابراهیم خلیل را که چون به‌اصفهانیان امر شد که در سوزاندن خلیل‌الله شرکت کنند و از قبول آن خودداری کردند درباره آنها گفته شد: « اسپاه‌آن » یعنی آنها سواران خدایند[1]، و یا اینکه اصفهان از بناهای اصبهان‌بن فلوج‌بن سام‌بن نوح علیه‌السلام[2] و یا اصبهان‌بن فلوج‌بن لنطی‌بن یونان‌بن‌یافث است[3].که این دو در اصل روایت متحد بنظر میرسند منتهی در مراتب نسب تغییری وجود دارد .

آنچه منطقی ومناسب‌بنظرمیرسد وجه تسمیه‌ایست‌که‌حمزه اصفهانی اختیار کرده و آن چنین است :

لفظ اصبهان و اصفهان و اصفاهان از اسپاهان‌که‌بمعنی سپاه‌ها و لشکر است گرفته‌شده و اسپاه[4]و اسپه نام لشکر وهم‌نام‌سگ است، زیرا هردو درکار نگهبانی و حراست اشتراك دارند، و ازاینرو اصفهان وسجستان راکه مرکز سپاهی بوده‌اند بترتیب: اسپاهان[5] وسگان یا سگستان خوانده‌اند ، وچون مردم اصفهان از زمان

۱ـ محاسن‌اصفهان ص۶ ۲ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۲۰۶ ۳ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۲۰۶
۴و۵ـ درسنی ملوك‌الارض و الانبیاء اسبه‌واسباه بباء موحدة نوشته شده‌ولی علی‌التحقیق بپای فارسی هم درست است .

کاوه آهنگر بسپاهی‌گری شهرت داشتند و در دوره ساسانیان برای حمل درفش کاویانی فقط از وجود آنان استفاده میکردند و اساوره‌ایکه دربین تازیان شهرت دارد همان سواران برجسته مردم اصفهان را میگفته‌اند یعنی مردم سپاهی یا جای سپاه.

وبرخی طریق نامگذاری‌را چنین گفته‌اندکه در روزگار فرس چون گودرزبن کشواد دراصفهان سوار میشد در دنبال اوهشتاد پسر شجاع و نواده‌ها و اتباع‌دلیر سوار میشدند وچون این منظره بسیار جالب وچشمگیر بود باین دسته میگفتند: اسپاهان یعنی‌لشکر وسپاهی واین‌کلمه بتدریج نام محل‌گردید[۱] و دراین‌مورد هم باید اذعان‌کرد که الف و نون آخر معنی جمع میدهد برخلاف وجه تسمیه پیش که الف و نون علامت مکان است چون: گیلان‌که معنی جای‌گیل میدهد[۲].

ساختمانهای تاریخی اصفهان

اصفهان‌که در ادوارمختلف زمان ازلحاظ موقعیت جغرافیائی‌وسیاسی وقدمت دربنا موردتوجه حکمرانان وقت‌بوده‌هرکدام از فرمان روایان‌بمناسبتی بساختمان بنا و یا ایجاد اثری مهم پرداخته‌اند، منتها آن آثار بنسبت مرور زمان و کیفیت ساختمان ویا طرز و سبك ایجاد اثر، برخی از آنها چنان معدوم شده که نامی هم از آن آثار باقی نمانده است واز موضوع بحث کتاب خارج خواهد بود.

و از بعضی دیگر نامی بجا وپاره‌ای دیگر را اثری باقی مانده که شرح این دو قسمت در سه فصل بیان میگردد:

۱ــ محاسن اصفهان ص۶.

۲ــ نصف‌جهان فی تعریف‌الاصفهان ص ۱۶۱.

فصل اول

دربیان آثاری‌که فقط نامشان باقی‌است وآن مشتمل بر دوگفتار است:

گفتار اول

آثار تاریخی پیش از اسلام

آثار تاریخی پیش از اسلام که تنها نامی از آنها باقی مانده باروها و دژها و آتشکده‌ها ومعابدی است که در آغاز عمران شهرها و دهات وقصبات بنا شده و سپس در اثر مرور زمان و توارد حوادث‌جوی چون طوفان و زلزله و سیل وامثال آنها درمعرض زوال درآمده و برجای بعضی از آنها بنائی دیگر ساخته شده است:

الف ـ باروهائی‌که درحوزه استان اصفهان ساخته شده و بتدریج بویرانی انجامیده وفقط نامی از آنها باقی مانده بشرح زیر است:

۱ـ باروی قلعه طبرك (تبره) درشهراصفهان‌که پیش ازتجدید بنای قلعه بوسیله دیلمیان در زمان ساسانیان ساخته شده بوده است.

۲ـ باروی طهمورثی جی که بوسیله طهمورث دیوبند پادشاه پیشدادی ایران بنا شده وفقط نامی از آن درکتابها باقی است.

۳ـ باروی جی که از طرف فیروزبن یزدجرد آذرشاپوران پسرآذرمانان کشیده بود و معدوم‌الاثر شده است[1].

۱ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۳۸.

۴- باروی همان شهر که بفرمان هما دختر بهمن‌بن اسفندیار بنا شده بود.
۵- باروئی که اسکندر بگرد شهر جی کشیده بوده است.
۶- **باروی شهر اردستان** از زمان ساسانیان.
۷- **باروی زواره** از پیش از ساسانیان.
۸- **باروی آتشگاه** بین‌راه اصفهان و نجف‌آباد[۱].
ب- آتشکده‌هائی که پیش از اسلام بنا و در زمان حاضر فقط نامی از آنها مانده است:

۱- **آتشکده ذروان** اردشیر که بنا بامر بهمن[۲] بن اسفندیار معروف به اردشیر دراز دست در دارك از توابع خوار[۳] بنا شده و در زمان حاضر اثری از آن باقی نیست.

۲- **آتشکده مهر** اردشیر در اردستان که نیز بامر همان بهمن‌بن اسفندیار بنا شده.

۳- **آتشکده شهر اردشیر**[۴] که هم‌ودرقلعه‌مارین[۵] برپاداشته‌است، ومتأخران احتمال داده‌اند که آتشکده مزبور همان آتشگاه واقع در راه ماربین است و بااین فرض جزء آثار موجود خواهد بود. این سه آتشکده دریك روز بـاین ترتیب: که آتشکده ذروان اردشیر درهنگام طلوع آفتاب وشهر اردشیر در وقت‌ظهر ومهر اردشیر در غروب آفتاب برپا گردید.

۴- **آتشکده سروش آذران** که شاپور ذوالاکتاف درقریه حروان از روستای جی بنا وقرای یوان وجاجاه از رستاق النجان را وقف برآن‌کرد.

۵- **آتشکده رستاق اناراباد** ازدیه ممنور که‌کی‌کشتاسب کیانی آنرا بنا و

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۲۵.
۲- بنی‌اسرائیل بهمن را کورش خوانده‌اند (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۲۸).
۳- درسنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸ . خوا نوشته شده که شاید محرف برخوار باشد ولی در زمان ما جزء قهاب است.
۴- شهر نام سپیده صبح است . و اردشیر نام بهمن . (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸).
۵- مارین و مهرین اصل ماربین است.

املاکی از همان رستاق بر آن وقف کرده است .

۶ـ **آتشکده شاپور ذوالاکتاف** در یوان جروائان اصفهان[۱] .

۷ـ آتشکده‌ایکه بهمن‌بن اسفندیار در دیه جز جزء برخوار بنا کرده بوده است[۲] .

۸و۹ـ آتشکده‌های امهران و جوگند در اردستان[۳] .

ج ـ مساجدی‌که پیش از اسلام محل آن آتشکده بـوده و خـراب و تبدیل به‌مسجد شده :

۱ـ محل قسمتی از مسجد جامع اصفهان که احتمال داده‌اند پیش از اسلام آتشکده بوده و خراب و برروی آن مسجد جامع را ساخته‌اند[۴] .

۲ـ محل مسجد ازیران واقع در هفده کیلومتری غرب اصفهان از روستای برآن‌که از دوره ساسانیان بوده وسپس بعد ازاسلام و خرابی آن تبدیل به‌مسجد گردیده و درتاریخ اول دیماه هزار وسیصد وچهل وهشت (۱۳۴۸) شمسی طی‌شماره ۸۹۰ به‌ثبت باستان‌شناسی رسیده است[۵] .

۳ـ محل مسجد بن‌کویه زواره که دریکصد و نود کیلو متری اصفهان واقع و در زمان ساسانیان محل آتشکده بوده است و سپس در زمان‌اسلام تبدیل بمسجد گردیده است[۶] .

۴ـ محل‌مسجد دیه‌ویدان‌از روستای سفلای اردستان[۷] که دومحراب‌دارد[۸] .

۵ـ محل مسجد خرابه دشت رامیان اردستان[۹] .

د ـ دژها و قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام ساخته شده و در زمان حـاضر اثری از آن باقی نیست :

---

۱ ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص ۸۵ . ۲ ـ نزهت‌القلوب . ۳ ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۱۹ . ۴ـ ومساحت پیشین‌آن سی‌وشش جریب‌بوده (تاریخ اصفهان و ری ص۹). ۵ـ گزارش اداره باستان‌شناسی. ۶ـ آتشکده اردستان ص ۱۵۱ . ۷ـ آتشکده اردستان بخش یك ص ۱۰۳ . ۸ ـ یکی از آنها بطرف بیت‌المقدس و دیگری بمکه . ۹ـ آتشکده اردستان بخش یك ص۲۹ .

۱ـ سارویه مشهور به‌هفت هلکه[۱]

بعضی [۲] این کلمه را ساروق گفته‌اند و در هرحال بنائی گویندکه از ساروج ساخته شده باشد وگمان میرودکه ساروق هم معرب ساروج باشد .

طبق گفته‌حمزه اصفهانی[۳] و بنقل از ابومعشربلخی که صاحب‌محاسن اصفهان و ابونعیم نیز از او نقل‌کرده‌اند و در فهرست ابن‌الندیم هم روایت شده ، درزمان سلطنت طهمورث دیوبند یا زیباوند از دوستداران علوم وحکمت ونجوم حکماءِ و منجمان زمان پیش‌بینی کرده بودندکه طوفانی سهمگین خواهد آمد که همه‌چیز را نابود میکند، طهمورث‌شاه برای ایمن بودن‌کتابهای علمی‌بخصوص زیج‌شهریاری که مورد عمل در استخراج ارصاد کواکب بود و تا اوائل اسلام هم مورد عمل بوده است ، دستور داد ورقی را که از لحاظ دوام وصحت ممتاز باشد انتخاب وعلوم را برروی آن بنویسند وسپس درجای امنی‌که صلاحیت حفظ آن نوشته‌ها را داشته باشد قرار دهند ، پس از رسیدگی برای‌نوشتن برگ درخت خدنگ (توز) ومحل سپردن آن‌جائی را بنام کهندز سارویه انتخاب و ساختمانی را بـا ساروج و شفته بناکردندکه مانند‌اهرام مصر استوار وموجب شگفتی‌بود و آن نوشته‌ها را درآنجا بودیعت گذاردند و در زمانی قدیم پیش‌ازحمزه اصفهانی قسمتی‌از ساختمان‌سارویه خراب ومقداری از آن‌کتابها بدست‌آمدکه پس‌از ترجمه از طرف مترجمان‌معلوم گردید راجع بعلوم اوائل است .

درسال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری زمان حمزه اصفهانی نیز قسمت دیگری ویران وخانه‌ای ازآن نمایان‌گردیدکه درآن پنجاه (۵۰) عدل کتاب بود ، چون کسی از وضع ومحتویات کتابها اطلاعی نداشت بکتاب ابومعشربلخی رجوع ومعلوم گردیدکه‌کتابها در زمان طهمورث‌دیوبند برای‌ایمنی ازحوادث وطوفان درآن‌محل گذارده شده است . و این محل را که‌کهندزسارویه میخواندند تا سال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری باقی بوده ولی در زمان حال اثری از آن باقی نیست . مگر اینکه

۱ـ فارسنامه‌ابن‌بلخی ص۲۵. ۲ـ ابن‌رسته دراعلاق‌النفیسه. ۳ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۷ .

تپه اشرف درجی (شهرستان) باقی مانده سارویه باشد. بعضی هم گفته‌اند که مناره ساربان واقع درجوباره درهمان محل‌سارویه میباشد وساروان محرف‌سارویه‌است[۱].

در فارسنامه ابن‌البلخی آمده‌که سارویه دروسط شهرستان اصفهان و درمیان آبی شیرین وخوش بوده‌که‌کسی منبع آن را نمیدانسته کجاست و در ۴۶۵ رکن‌الدوله خمارتکین که والی فارس شده بود سرآن را بکند و بر آن کوشکی‌ساخت که آنرا هفت هلکه خوانند این‌کلمه بزبان اصفهانی یعنی هفت سوراخ‌است[۲].

۲ـ قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام در اردستان درمحلات آن ساخته شده بود[۳]. یکی از آنها موسوم به دژ ارونه که فردوسی‌گفته : ز سرحد ری تا دژ ارونه[۴]، و دیگری قلعه خرابه محله رامیان از زمان ساسانیان و بالاتر ، دژ ارونه[۵] همان قلعه میان شهر است‌که آتشکده مهر اردشیر درآن برپا بوده وانوشیروان عادل‌نیز درآن متولد شده است[۶].

۳ـ قلعه‌ای در روستای النجان که در محاذات قریه روسان و آزادوار محل اقامت بهرام‌گور ساخته شده و اثری ازآن باقی نیست[۷].

۴ـ قلعه وهانزاد واقع در رستاق قمذاز که اثری از آن نمانده است[۸].

۵و۶ـ دوقلعه درقریه یوان‌واقع در دروازه شهر اصفهان[۹]. درفارسنامه ابن‌البلخی این محل بنام بوان ببای موحدة نوشته شده ولی درست‌آن همان‌یوان بیاء مثناة از زیر میباشد.

۷ـ قلعه جوگند از برزاوند اردستان مربوط به‌پیش از اسلام‌که بنیان آن آتشکده بوده است[۱۰].

هـ ـ معابدی‌که پیش ازاسلام بنا شده و اثری ندارد :

۱ـ تاریخ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲ . ۲ـ فارسنامه ابن‌بلخی ص۳۵ .
۳ـ معجم‌البلدان بنقل ازاصطخری ج۱ ص۱۴۶. ۴ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۸.
۵ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص ۲۸ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص ۲۲۲ .
۷ـ محاسن اصفهان ص۲۲ . ۸ـ محاسن اصفهان ص۱۸ . ۹ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۲ . ۱۰ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۸ .

۱ و ۲ـ دومعبد بنام قبة‌النصاری که در محله شهشهان و گلبـار درزمان خسرو پرویز بنا شده است[۱].

۳ـ کنیسه‌ایکه فیروزبن یزدجرد برای حکیم رومی در میان دوقلعه یوان بنا کرد[۲]، ونیز خانه‌ایکه برای همو درجائی‌که خانه نوشجان بود بناکرد .کنیسه در زمان ابونعیم اصفهانی در محل مسجد جامع کنونی بوده است[۳].

و ـ قصور وکوشکهائی که پیش از اسلام بوده و اکنون جزنام اثری ندارند:

۱ـ قصر چملان یا چلمان واقع در محله چملان یا چلمان درکنار قبرستان بهمان نام و این‌قبرستان قسمتی از باغی بوده‌که ازطرف خسروپرویز برای‌شیرین اصفهانی ساخته شده و قصر مزبور در وسط آن باغ بوده است[۴].

این قصر نقبی داشته که درب آن در قبرستان نـامبرده باز میشده و هولناك بوده وکسی آخرش‌را ندیده وبعضی کسان با شمع‌وچراغ‌مقداری راه رفته وبه‌چهار طاقی رسیده و گاهی‌هم تاچهارطاقی پیش رفته‌اند وچون‌احساس تنگی نفس‌کرده‌اند برگشته‌اند . این قصر تا اوائل قرن چهاردهم آثاری داشته است .

۲ـ قصوری که ازطرف انوشیروان دادگر یا پـدرش قباد در اردستان برای همدرسها و همبازیهای نوشیروان ساخته شده بـوده و تـا قرن هفتم هجری باقی و مورد افتخار اعقاب آنان بوده است[۵].

فعلاً محله‌ای در اردستان بنام کوشك موسوم است کـه نشان میدهد جای آن قصور بوده است .

۳ـ قصوری هم در زواره در زمان ساسانیان ساخته شده بوده که در آنجا هم فقط محلی بنام کوشك وجود دارد[۶] .

ز ـ گورستانهائیکه پیش از اسلام دائر و اکنون اثری ندارد :

۱ـ گورستان تاریخی چملان یـا چلمان کـه صابئان را در آنجـا در خمره

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۷ . ۲ـ محاسن اصفهان ص ۸ . ۳ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۴۴ . ۴ ـ جغرافیای اصفهان ص ۳۴ . ۵ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۴۹ .

سفالین گذارده دفن میکرده‌اند و درموقع حفریات اسکلتهائی دیده‌شده که‌درخمره سفالین ایستاده دفن شده بوده است[1].

۲- گورستان زردشتیان واقع درقسمت‌شرقی مهرآبادسفلای‌اردستان درمحلی بنام ملنگو که بارها هنگام حفرزمین آثاری از مردگان بدست آمده است[2].

۳- خانه‌گبرها[3] واقع‌درقسمت‌غربی‌قنات‌بلوچهادرقریه‌شهراب‌سفلای‌اردستان که هنگام خاکبرداری خمره‌هائی از آنجا بیرون آمده ومعلوم میشود مردگان را درآن خمره‌ها دفن میکرده‌اند.

۴- گورستان صابئان‌واقع در حدود گنهران‌کرون‌که در اوایل قرن‌چهاردهم هجری درموقع حفرزمین‌گورهائی پیدا شد ودرآن خمره‌های سفالین ایستاده بود که صابئان برای دفن مردگان خود برپا میداشته‌اند[4].

ح- شهرها و ساختمانهائی‌که پیش از اسلام احداث و اکنون تپه خاکی‌است:

۱- هفت شهر لیلاز ویا لاسون‌که از نزدیکی دیه‌موغار و مه‌آباد گرمسیر اردستان آغاز و ازکنار زواره و امیرآبادگذشته به‌یزد منتهی میشده است[5].

چنانکه دهان بدهان نقل‌شده‌این‌شهرها مرکزحکمروائی لیلاز پدرکیخسرو کیانی‌بوده ، و در اثر زلزله ویا هجوم ریگ‌روان ویا حمله افراسیاب ترك ویران گردیده و اکنون جز تپه‌هائی خاك‌که درفصل بارندگی و تابش آفتاب اشیائی مانند خرده‌طلا و امثال‌آن ازآن بدست میآید اثری نیست ودراین‌باب این اشعار خرابی هفت شهر را بخوبی مجسم میکند[6]:

موغار که بدمغ آر دیگر نبود آثار — پندار که ذکر مغ گردیده دگردستان
مه باد که بد آباد در عهد مهابادان — بینی‌که شده اینسان ویرانه چوقبرستان

۱- تاریخ اصفهان وری ص۴۴۱ .
۲ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۷۷ .
۳- آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۵ .
۴- تاریخ اصفهان و ری ص۶ .
۵- آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۴۴ .
۶- مطلع قصیده چنین است :
دیدی چو مدائن را با دیدهٔ عبرت هان — زانجا قدمی بگذار در خطه اردستان
وبرای ملاحظه مقطع آن به‌آتشکده اردستان بخش۱ ص۵ رجوع شود .

لیلازودگرلاسون گردیده چنان هامون — اطلال همه بینی در معبر ریگستان
بس قصرزمردگون چون طاس شده وارون — در قعر زمین مدفون گردیده نگارستان
زانجا نگهی بنما با دیدهٔ خون پالا — بر باروی اردستان یا بارگه دستان

۲ـ خرابه‌های ساسانی واقع درشمال مدینةالسادات زواره که طبق تحقیقات باستان‌شناسان اردستان قدیم در آنجا بوده و اکنون جز تپه‌های خاك اثری دیگر مشهود نیست واین خرابه‌ها بموجب تصویبنامه شماره $\frac{۵۱۹۷}{۱۴۱۰ر۶ر۲۸}$ هیئت وزیران جزو آثار باستانی ثبت‌شده است[۱] و غربیان این خرابه‌ها را بنام لاسریه میخوانند. بنظر نگارنده این‌خرابه‌ها اگر از ساسانیان هم باشد باید از عمارتهای اوایل دوره سلطنت ساسانیان باشدکه آغاز عمارت آن پیش از سلطنت قباد و انوشیروان باشد چه همانطورکه نگاشته شد قلعه میان شهرکه مسقط‌الرأس انوشیروان عادل بوده تا اوایل قرن چهاردهم آثاری از آن باقی[۲] واز آن ببعد تبدیل به‌باغ شده ودرزمان حاضرهم بباغ قلعه معروف است.

۱ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۲۹ .

۲ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۷-۲۸.

گفتار دوم :

در آثار تاریخی بعداز اسلام که فقط نامی از آن باقی است:

الف - گورستانهای بزرگ :

۱- قبرستان آسیاب چهارسنگ واقع در نزدیکی خاجوی قدیم اصفهان که گورستان یهودیان بوده و اکنون از بین رفته است .

۲- قبرستان گلستانه واقع در احمدآباد اصفهان که در زمان صفویه اهمیت داشته و درقسمت شمالی خیابان حافظ فعلی جنب چشمه پا قلعه قرار داشته وتاسال ۱۳۵۰ هجری قسمتی از آن باقی بود ولی اکنون همه آن تبدیل بعمارات گوناگون گردیده است .

۳- گورستان باغ خلفاء جنب چهارسو مقصود اصفهان که اثری از آن نیست و در آنجا مدرسه مریم بیگم بناشده است .

۴- گورستان باغ سهیل وشیرسبز دراطراف طوقچی اصفهان که مدفن سادات گلستانه بوده و از میان رفته و در آن محل مسجدی ساخته‌اند .

۵- مقبره بکتاش در حوالی محله حسن‌آباد اصفهان که در حدود هشتاد جریب وسعت داشته و تمام آن تبدیل بخانه گردیده است .

۶- گورستان بیدآباد اصفهان که در دنباله جوی بیدآباد وحوالی یخچال درکوشك بوده و در یکقرن‌ونیم پیش تبدیل بباغ و خانه شده است .

۷- گورستان پشت مسجد شاه اصفهان که در قسمت جنوبی مسجدشاه قرار

داشته و یکقرن‌ونیم پیش تبدیل به‌خانه وباغ شده است .

۸- **گورستان درکوشك** اصفهان‌که پیش از پادشاهان آق‌قوینلو ایجادشده بوده تبدیل به‌عمارات مختلف چون‌مدرسهٔ با قریه‌که بمدرسه درکوشك شهرت‌دارد گردیده است .

۹- **گورستان چملان** یاسنبلستان‌دراصفهان‌که بمقبره درب امام اتصال‌داشته بتدریج از بین رفته تا در سال ۱۳۵۵ هجری بقیه آن تسطیح و تبدیـل بعمارات شده است .

۱۰- **گورستان قبله دعاء** که پیش‌از صفویه مصلای‌اصفهان و درقسمت‌غربی محله آب بخشان واقع و وسعت‌آن ۴۰ هـزار ذرع بوده از ۱۳۷۰ هجری تبدیـل بعمارات گوناگون شده است .

۱۱- **گورستان آل‌ترکه** که در جنب لنبـان ، و از قبرستانهـای‌کهن سال اصفهان بوده و از بین رفته است .

۱۲- **گورستان دوشاباد** یا روشاباد مشهور به‌قبرستان‌شیخ یوسف‌بنا واقع‌در قصر منشی اصفهان از گورستانهای‌قدیمی بوده است‌که طبق دستور شاه‌عباس‌تسطیح ودر آن مسجد ومدرسه وحمام وبازارچه وخانه وقصر احداث شده است .

۱۳- **گورستان باغ نقش‌جهان** دراصفهان‌که سلاطین و شاهزاده‌ها و امرای قبل از صفویه درآنجا دفن و هرکدام بتناسب بقعه‌هائی روی قبر آنان ساخته شده بوده است . در عصر شاه‌عباس[1] و شاید شاه اسماعیل صفوی تبدیل به میدان شده وآن امرچنین نقل‌شده: روزی شاه عباس ازطبقه آخر عالی‌قاپوباطراف مینگریست آن بقاع‌که ازآن شاهان وشاهزادگان‌گذشته بود بنظرش آمد پرسید اینها چیست جواب دادندکه قبور سلاطین و شاهزادگان گذشته است . شاه‌عباس گفت فعلاً بیش از یك سلطان لزومی ندارد آن بقعه‌ها را خراب و اینجا را میدان مشق وچوگان

۱- طبق‌گفته منتخب مظفری بدستور شاه‌عباس‌بقعه‌های امراء وسلاطین تسطیح و تبدیل‌بمیدان گردیده است .

بازی کنید و چنین کردند .

۱۵- گورستان شهرستان اصفهان

۱۶- گورستان محله کران اصفهان که در قرون اوائل اسلام دائر بوده است

۱۷- گورستان شهداء در قهجاورستان که عده‌ای از شهدای مسلمانان در آنجا مدفون شده‌اند .

۱۸- گورستان یهودیه

۱۹- مقبره ملامحمد صادق پلوی اردستانی[۱]

این مقبره واقع بود در آن طرف پل خاجو که بطرف تخت فولاد اصفهان میرفتند و در دست چپ کنار جاده سکوئی بودکه در روی آن چندین قبر مشاهده میشد و محل آن گوشه شمال غربی باغ محمود (فعلا محل اداره تنباکو) میبود. یکی از مدفونان درآن سکو حکیم ربانی وعارف صمدانی آخوند ملامحمدصادق معروف به‌پلوی بودکه در هنگام هجوم افاغنه باصفهان در سال ۱۱۳۴ وفات یافت. این محل در حدود چهل سال قبل خراب گردید و آثار موجود درقبر بتخت فولاد منتقل گردید[۲]. و درکنار قبر میرزا محمد گلکار عارف (ناصر علی) نرسیده به آب‌انبار تکیه‌کازرونی دفن شد .

۱- وی ازجمله فلاسفه وحکمای قرن یازدهم هجری و از بزرگان الهیون و عرفای زمان خود بود وچون درعصرشاه سلطان حسین صفوی میزیسته و مصادف با دوره تصوف و عرفان بوده اخبار و حکایات مختلفی در باره او نقل گردیده است شیخ‌علی حزین که از شاگردان او بوده درباره‌اش چنین گفته:

«پس بخدمت سلطان‌المحققین، افضل‌الحکماءالراسخین، المولی‌الاعظم، والحبرالاعلم ، مظهرالمعارف والحقایق مکمل علوم‌السوالف واللواحق، محیی‌الحکمة ابوالفضایل ، مولانا محمدصادق‌اردستانی علیه‌الرحمة که از متوطنین اصفهان و بتدریس زبده‌ای از اذکیای فاضل میپرداخت رسیده باستفاده مشغول شدم وی از اساطین حکماء بوده و قرنها بایدکه مثل او کسی از میان دانشمندان برخیزد.» برای استحضار کامل از شخصیت و نژاد ملامحمدصادق اردستانی واحفاد و اولاد اوبه‌کتاب آتشکده اردستان بخش۱ و۲ مراجعه‌گردد.

۲- تاریخچه محله خواجو ص۶۷ .

۲۰- مقبره فدای[۱] اردستانی

این مقبره درآن طرف پل خاجوی اصفهان که بطرف تخت فولاد میرفتند در دست چپ جاده روی سکوئی واقع بود و مردم بزیارت مقابر آنجا میرفتندولی در حدود چهل سال قبل ازاین از بین رفت و دیگر اثری ازآن مشهود نیست[۲].

۲۱- مقبره شیخ محمدبن یوسف بناء :

محمدبن یوسف بن‌معدان بن‌یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بناء صوفی‌جد[۳] پدر حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی است‌که درسال (۲۴۵ هـ. ق.) بحج رفت ودرسال (۲۸۶ هـ. ق.) بدرود حیات گفت وی ازعبدالجبار و سعید مخزومی و عابدی و حسین مروزی ومحمدبن منصور خـزاز و ابراهیم‌بن سلام‌بن حبیب ومحمدبن جعفربن زنبور وبندار وابوموسی ونصربن‌علی ومحمدبن

۱- میرزا محمد سعید متخلص به‌فدا فرزند حاج‌میرزا مهدی بن‌میرزا محمدسعیدبن‌میرمحمد حسین‌بن میریحیی‌بن میرآقابیك‌بن میریحیی‌بن امیرحسن‌بن سیدروح‌الله اردستانی از عرفا بوده است. فدا تحصیلات مقدماتی را در اصفهان و عـالیه را در عراق عرب انجـام داد وسپس باصفهان مراجعت و بتدریس و افاضه‌پرداخت. پیوسته درمحضرش فضلاء و طالبان علم بکسب دانش و معرفت میپرداختند. وی درعصرآقا محمدخان قاجار درسال (۱۲۰۴هـ.ق) متولد ودر حدود (۱۲۷۰ هـ. ق) وفات یافت. درعصر فتحعلیشاه ومحمدشاه قاجار ازمشاهیر فضلاء و شعراء بشمار میرفت و مورد توجه بود بخصوص صدر اصفهانی‌که فرزندان خود را موظف کرده بود از محضر فدا استفاده‌کنند وپیوسته‌رعایت‌حال اورا مینمود و ازبذل مال‌ومنال‌درباره او مضایقت نداشت . معتمدالدوله‌گرجی حاکم اصفهان نیز نسبت‌باو محبت مخصوصی‌داشت ولی‌هم فدا بیشتر مصروف تدریس و افاده بودوکمتر بسرودن شعر میپرداخت واغلب‌اشعارش در مدایح اهل‌بیت‌اطهاراست بحکم ضرورت قصایدی‌هم درمدح محمدشاه وصدراصفهـانی و معتمدالدوله سروده است. دیوان شعر اوهم‌تاکنون بچاپ‌نرسیده و اصل‌آن نزد جناب‌حاج‌آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی ادیب معاصر و نماینده سابق مجلس شورای ملی موجود است‌که از روی‌آن دیگران هم نسخه‌هائی برداشته‌اند. ازاشعار اواست:

مارا که جا بکنج قفس خوش‌بود چه‌غم　　　گر باغبان بیاد دهد آشیان ما

۲- تاریخچه محله خواجو ص۱۶۷ .　　　۳- از رسیدگی به‌کیفیت نسب و باضافه آنچه مشهور است مراد جد مادری پـدر ابونعیم میباشد زیرا جد پدری پدرش اسحاق بوده است بنابراین باید اذعان‌کردکه همانطورکه اشتهار دارد شیخ محمد بنای‌صوفی جد مادری‌پدرش بوده است .

میمون‌خیاط‌واحمدبن‌محمدبن‌ابی‌برة ویحیی‌بن‌حبیب‌بن‌عربی واحمدبن‌عبدالرحمن بن‌الفضل واسحاق‌بن الجراح الاذنی و بصریان و اصفهانیان روایت کرده و در شام از شامیان درسال (۲۰۵هـ. ق.) از برکة‌بن‌محمدحلبی وطبقه‌اش‌حدیث‌نوشته‌است. ابومحمد حیان اصفهانی درکتاب خودگفته که شیخ مزبور مستجاب‌الدعوة و یکی از سران صوفیان زمان بوده و کتابهای نیکوئی تصنیف‌کرده است[1] . پس از وفات در محله خاجوی قدیم درجائی معروف به‌محله پاکوچه شیخ یوسف مدفون‌گردیده و دارای مقبره و خادم نیز بوده‌است وکتیبه ذیل‌کتیبه اوزون حسن در صفه صاحب مسجد جامع عتیق باین عبارت[2]: « هذه‌التجدید عمل جمال خادم الشیخ محمدبن یوسف البناء رحمه‌الله[3] » دلیل براینست که در قرن نهم هم مقبره باقی و دارای خادم بوده است . و بطوریکه درکتاب تـذکرةالقبور و یـا بزرگـان و دانشمندان اصفهان مذکور گردیده آثار قبر تا سال (۱۳۳۶ هـ. ق.) باقی بوده است .

موضوعی‌که قابل تذکر است اینـکه دراصفهان چند تن بنام محمدبن یوسف وجود داشته‌اندکه همه آنها از زهاد ومحدثان وبعضی هم‌متصوف بوده‌اند . یکی از آنها[4]: ابوعبدالله محمدبن یوسف‌بن معدان‌بن سلیمان جورجیری است که درسال (۱۸۴ هـ. ق.) وفات و در مصیصه دفن گردیده است و او معروف به‌عروس الزهاد بوده است . دومین[5] آنان محمدبن‌یوسف صوفی اصفهانی محدث بوده‌که پیش از قرن چهارم میزیسته وحسین‌بن محمدبن‌علی ومحمدبن‌احمدبن جعفر از اوروایت کرده‌اند و خود نیز از احمدبن مهران وحسین‌بـن علی‌بن غـالب واسطی روایت کرده است .

سومین آنها محمدبن‌یوسف ابوالعباس اصفهانی محدث است کـه در بغداد سکونت داشت ومحمدبن‌المظفر از او وخود ازولیدبن حماد روایت‌کرده است[6] . چهارمین آنان محمدبن‌یوسف‌بن محمد ابوعبدالله جلاب اصفهانی بوده که خوداز

---

۱ ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۲۰ . ۲ ــ تذکرةالقبورو یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۱۱۱ . ۳ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۹۵ . ۴ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۷۰ . ۵ و۶ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۴۹ .

احمدبن مهران ومحمدبن مسلمة وعبیدبن شریك وکدیمی روایت‌کرده واحمدبن یوسف خشاب از او حدیث روایت کرده است[1]. و پنجمین آنـان شیخ محمدبن یوسف صوفی‌بنا جد مادری پدر ابونعیم اصفهانی‌که ذکرش گذشت بوده است . این چند محمد در جد از یکدیگر امتیاز دارند .

۲۲ـ مقبره حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن‌موسی‌بن مهران اصفهانی :

صاحب روضات الجنات[2] در کلمه احمد راجـع بحافظ ابونعیم اصفهـانی چنین گفته :

« شیخ فقیه نبیه ومتقن حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی از اعلام محدثان و روات واکابر حفاظ‌ثقات است‌که افاضل محدثان ازاو وخود نیز از افاضل اعلام‌نقل حدیث‌کرده است . اوراست: کتاب حلیةالاولیاء که از بهترین‌کتابها است و این مطلب‌را ابن‌خلکان تأییدکرده و کتاب معروف بین اصحاب شیعه است‌که ازآن اخبار مناقب و اخلاق را نقل میکنند و نیز اوراست : کتاب اربعین محتوی احادیثی که راجع بامامت مهدی[3] آخـرالزمان علیه‌السلام است‌که صاحب کشف‌الغمه بمقتضای مقام از آن بسیار نقل‌کرده است . ونیز کتاب ذکرالمهدی واوصاف وجای‌خروجش وثبوتش‌که سیدرضی‌الدین‌بن طاوس درطرائف باو نسبت داده است ولکن ظاهر اینست کـه کتـاب اربعین مهدی و ذکرالمهدی یکی است و با حلیةالاولیاء اختلاف دارد . ونیز کتاب طب‌النبی بنا بـگفتهٔ دمیری درحیات‌الحیوان‌وکتاب فضائل‌الخلفاء که حموئی درکتاب فوائد خود باو نسبت‌داده ونیزکتاب حلیةالابرار وکتاب‌الفتن وکتاب‌الفوائد که‌سیدهاشم‌بحرانی درکتاب غایة

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۳۰۶ . ۲ ـ ازتألیفات عمدةالعلماء القمقام حاج‌سید محمد باقربن‌حاج‌میرزا زین‌العابدین خوانساری اصفهانی چهارسوئی متولد (۲۲ صفر۲۲۶ ه.ق) و متوفی سال (۱۳۱۳ ه. ق) است‌که شرح حال عمده علمای اسلام‌را بیان‌کرده است. و در ماده تاریخ وفاتش چنین‌گفته‌اند :

آمدیکی برونو بگوش خرد سرود قل حبذا بوفدك یا باقرالعلوم .

۳ ـ این‌کتاب درکتابخانه ملك موجود است و نگارنده دیده‌ام .

المرام خود باو نسبت داده واگرچه ظاهر اتحاد حلیةالابرار با حلیةالاولیاء است. و نیز کتاب مختصر استیعاب باو منسوب است. و صاحب معالم‌العلماء در ترجمه ابونعیم گفته: او مردی است عامی مذهب‌الااینکه اوراست کتاب منقبةالطاهرین و مرتبةالطیبین وکتاب ما نزل من‌القران فی امیرالمؤمنین (انتهی) و نیز اوراست: کتاب تاریخ اصبهان[1] و در این کتاب از او نقل شده‌که گفته جد من مهران اول کسی است که اسلام قبول‌کرده‌است. و او (مهران) غلام‌عبدالله‌بن‌معاویةبن عبدالله ابن جعفربن ابی‌طالب بوده است. و دربعضی از فوائد امیرمحمدحسین خواتون آبادی سبط مجلسی است‌که گفته: و ازکسانیکه مطلع شدم بر تشیعش از مشاهیر علماء عامه همان حافظ ابونعیم محدث اصفهانی صاحب کتاب حلیةالاولیاء میباشد و او از اجداد جدم علامه مجلسی است و بتحقیق نقل‌کرده است جدم مجلسی از پدرش مجلسی اول از پدرش تا باو رسیده است وگفته ابونعیم از مشاهیر محدثان عامه ظاهراً مگر اینکه او از خالص شیعیان‌است باطناً وتقیه‌میکرده است بروفق مقتضای زمان واز اینرواست‌که درکتاب‌حلیةالاولیاء بیشتر درمناقب امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام مطالبی را بحث‌کرده که درکتابهای دیگر یافت نمیشود وگفته‌است چون فرزند آگاه‌تر از دیگران بحال پدر خود میباشد دیگر شکی درتشیع او نخواهد بود. پس خدا او را رحمت‌کند ومقدس گرداند ودربهشت با کسی‌که‌دوست داشته محشورگردد. وصاحب ریاض‌العلماءِ گفته: که ابونعیم از اجداد عالیه محمد تقی مجلسی و محمدباقر مجلسی است و معروف اینستکه از محدثان عامه است و لکن شنیدم از مجلسی دوم استادم که‌گفت: ظاهر اینستکه از علمای شیعه است و از مخالفان تقیه میکرده چنانچه بیشتر از احوال مردم آن زمان بوده است و در جای دیگر از ریاض‌العلماءِ گفته است: که‌ابونعیم ازنواده‌های دختری شیخ‌محمدبن یوسف بناءِ صوفی اصفهانی است یعنی همان کسیکه در محله خاجوی اصفهان در بقعه‌ایکه معروف‌نزد عامه مردم بلحن خودشان ازکثرت استعمال شیخ سبنا میباشد

۱ــ این‌کتاب بنام (ذکر اخبار اصبهان) در دو جلد چاپ شده است.

مدفون است . ونیز گفته‌که از جمله مشایخ ابونعیم ابوالقاسم‌طبرانی صاحب‌کتاب معجم‌البلدان و دیگر اینکه این‌کنیه از او مکبرة و مصغرة گاهی اطلاق میشود بر حافظ ابونعیم فضل‌بن دکین واو از مشاهیر قدمای‌علمای شیعه و عامه از او روایت کرده‌اند ومورد وثوق است نزد جمیع وگرچه نامش‌درکتب رجال ذکر نشده واین مطلب از این‌جهت است که‌شهید و نواده‌اش شیخ محمد در رجالیات خودگفته‌اند. و همین‌طور ابونعیم بر نصربن عصام‌بن‌المغیرة‌الفهری معروف به‌قرقاره و نیز برپدر شیخ ابوالعباس عقده ونیز بر ربعی‌بن عبدالله البصری از اصحاب صادق و کاظم علیهماالسلام اطلاق میشده است . در تاریخ اخبار البشر است که ابونعیم اصفهانی از حفاظ و قاضی ابوزید موسی از حنفیه و امام ابومنصور ثعالبی و شیخ ابوالفتح بستی ازشعراء معروف درسال ۴۳۰ هجری وفات‌کرده‌اند وابن‌خلکان نیز همین‌تاریخ را تأیید کرده است . حافظ‌ابونعیم‌درهنگام وفات ۷۷سال‌داشت و قبرش (در هنگام تألیف روضات الجنات درحدود اول‌قرن چهاردهم بوده) معروف است در محله درب‌الشیخ ابی مسعود از محلات اصفهان درقبرستان معروف آب‌بخشان و مقبره شیخ ابومسعود نیز درجوار قبر مزبور است .

ونقل شده‌که سید امیر لوحی موسوی‌سبزواری ساکن اصفهان یکی‌ازکسانی بوده‌که با مجلسی عداوت داشته و در زمان خود قبر ابونعیم را خراب کرده است بگمانش این کار توهینی بعلامه مجلسی است و برای اینکه قلب او را بسوزاند مرتکب خراب‌کاری شده است و خداوند نیت او را بهتر میداند مولی نظام‌الدین قرشی شاگرد شیخ‌بهائی درکتاب نظام‌الاقوال گفته: قبر ابونعیم را دراصفهان زیارت کردم برقبرش نوشته بود :

قال رسول‌الله مکتوب علی‌ساق‌العرش لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدبن عبدالله عبدی و رسولی و ایدته بعلی‌بن ابی‌طالب رواه‌الشیخ الحافظ المؤمن‌الثقة العدل ابونعیم احمدبن‌عبدالله سبط احمدبن یوسف‌البناء الاصفهانی ره و رضی‌عنه و رفع فی‌اعلی علیین درجته وحشره مع‌من یتولاه من‌الائمة المعصومین (انتهی) .

و ابن جوزی نقل‌کرده که وفات حافظ ابـونعیم در ۱۲ محرم ۴۱۲ هجری اتفاق افتاده است و اگر این نظر درست باشد مبنی است بر غلطی در اصل و یـا تصحیفی شده است[1].

این‌مطالب از روضات‌الجنات با نقلی‌که درآن ازکتب مختلفه‌آورده بود ودر مورد شخصیت ابونعیم و نسب و مقام علمی و روحانی و مدفن او بود ایرادگردید و دراین‌جا مطالب منقول تمام میگردد .

چند نکته از مطالب مزبور معلوم‌گردیدمانند اینکه مقبره ابونعیم‌درمحله مردبان که در زمان حاضر آب‌بخشان یا آب‌بخشگان‌میگویندواقع و در مجاورت خانقاه و باغ و مقبره شیخ ابومسعود رازی بوده است . وتا زمان میرلوحی‌موسوی سبزواری‌که معاصر باعلامه مجلسی بوده یعنی تا قرن‌یازدهم بقعه و مقبره ابونعیم بحال خود باقی وبنابدستور سبزواری بقعه و بارگاهش خراب‌گردیده وتا سال۱۳۳۶ هجری اثر قبر نیز دیده میشده و در آن تاریخ کـه قبرستان تسطیح گردید مزار ابونعیم هم ازبین رفت .

نکته دیگر اینکه ابونعیم درکتاب ذکر اخبار اصبهان خود را سبط شیخ محمدبن یوسف‌بنای صوفی معرفی‌کرده ولی در محاوره عوام و بعضی نوشته‌ها او را نواده شیخ یوسف‌بنای صوفی معرفی کرده‌اند و در نظام‌الاقوال هم بجای‌شیخ محمد احمد نوشته شده است درصورتیکه احمد دائی پدر ابونعیم بوده‌است‌وبظاهر منافات دارد ولی ممکن است گفت همانطورکه شیخ محمد صوفی‌بناءِ مشهور بوده پـدرش شیخ یوسف‌بناءِ نیز معروف بوده و شاید درهمانجا که شیخ محمد مدفون شده شیخ یوسف هم مدفون بوده است و از اینرو به‌مدفن شیخ یوسف و محله شیخ یـوسف شهرت یافته است و اما اینکه اورا نواده احمدبن یوسف‌بنای صوفی‌در نظام‌الاقوال گفته دو راه ممکن است داشته باشد یکی آنکه درنوشتن محمد تصحیف و احمد خوانده شده باشد و دیگر اینکه چـون شیخ یـوسف دو پسر دیگـر هم داشته

۱ـ روضات الجنات ص ۷۴ .

یکی بنام احمد و دیگری یعقوب[1] در انتساب ابونعیم باو اشتباه شده باشد. در هرحال ابونعیم برای یوسف ثقفی مقامی قائل نشده و محمدبن یوسف ثقفی را (بناءِ وصوفی) خوانده است.

ب - مدارسی که پس از اسلام احداث و اکنون فقط نامی از آنها مانده است:

۱- **مدرسه دده‌خاتون** واقع در محله چرخاب و چهارسو نقاشی در شهر اصفهان. این مدرسه در زمان صفویه بوسیله دده خاتون که یکی از بانوان حرم بوده احداث و در اثر مرور زمان بویرانی انجامیده و در اوایل قرن چهاردهم برحسب اجازه علماء وقت مصالح آن بمصرف ساختمان مساجد رسیده است و اکنون محل آن جزءِ اراضی بایر ودرکنار خیابان ثریا میباشد[2].

۲- مدرسه آقا مبارك:

این مدرسه را آقامبارك که از خواجگان شاه سلیمان صفوی بوده در شهر اصفهان ساخته و تاریخ بناءِ معلوم نیست. درسال[3] (۱۱۰۵هـ. ق) دائر بوده وگویا یکی ازمدارس هفتگانه است که بویرانی کشیده وفعلا اثری از آن نیست. حاجی محمدبن محمدعلی اردبیلی مؤلف جامع الرواة درسال (۱۱۰۰هـ. ق) درآن مدرسه مقیم بوده است[4] واین مدرسه را مبارکیه هم خوانده‌اند.

۳- مدرسه اسفندیاربیك:

این مدرسه از بناهای اسفندیاربیك از امرای شاه‌عباس اول بوده است و اکنون محل آن زمین بایری است که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی در خیابان ثریا واقع است.

۴- مدرسه آقاکمال خازن:

این مدرسه درمحله مستهلك اصفهان واقع و بانی آن آقاکمال خازن شاه‌سلطان حسین صفوی بوده است. کتیبه سردرآن حاکی است که بنای مدرسه درسال (۱۱۰۷هـ.ق)

۱- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۳۵۲ .
۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۸۷ .
۳- فهرست مشکوة ج۱ ص ۴۵۵ .
۴- فهرست آستان قدس ج۶ ص۵۹۸ .

خاتمه یافته ولی بمرورزمان خراب و آثار آن از بین [1] رفته است و کتیبه سردر آن که درمسجد رحیم‌خان نگهداری میشود چنین‌است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم — من‌فضل‌الله سبحانه ومیامن دولة‌السلطان‌الاعظم و برکات»
«خدمة‌الخاقان‌الافخم، ظل‌الله فی‌العالم، سیدالسلاطین، قهرمان‌الماء والطین ، السلطان‌بن »
«السلطان، ابوالمظفر شاه‌سلطان‌حسین‌الصفوی‌الموسوی‌الحسینی بهادر خان لازال‌با به‌مرجعاً»
«لاعاظم‌السلاطین وفق‌لبناء هذه‌المدرسة خادمه‌الخازن الخزانة عطیاته‌الممتاز بالقرب الی»
«حریم سرادقاته، آقاکمال، جعل‌الله سعیه‌مشکوراً واتفق اتمامها فی۱۱۰۸ کتبه عبدالرحیم»
«عمل محمد طاهر». (۲)

ازکتیبه مزبور معلوم میگرددکه بانی آقاکمال خازن و تاریخ اتمام بنـا در (۱۱۰۸ هـ . ق) ودرعصر شاه سلطان‌حسین بوده است. این مدرسه هم یکی از هفت مدرسه ویران شده میباشد.

۵ـ مدرسه زینب‌بیگم:

این مدرسه‌که بانی آن یکی از بانوان حرمسرای صفویه بوده در مجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی واقع بوده است و در اثر مرور زمان روبویـرانی نهاده و سرانجام‌در اوایل قرن حاضر برحسب تجویز علمای دین مصالح ساختمانی آن در ساختن مسجد رحیم‌خان وشبستان مسجد نو بکاررفته‌است.

۶ـ مدرسه پریخان‌خانم :

این مدرسه هم مانند مدرسه پیش‌از بناهای پریخان خانم از بانوان صفویه بوده‌که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی واقع بوده است وپس‌ازخرابی مصالحش درساختمان مساجد رحیم‌خان و مسجد نو بکاررفته است.

۷ـ مدرسه حاج آقاکافور:

این مدرسه نیز یکی ازهفت مدرسه مخروبه است‌که ساختمان آن بوسیله حاج آقا کافور خزانه‌دار حرم شاه عباس ثانی درسال یکهزاروشصت‌ونه (۱۰۶۹هـ.ق)

۱ـ مصالح آن در ساختن مسجد نو بکار رفته است. گنجینه آثار تاریخی اصفهان‌صفحه۸۰۴.
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۰۳.

انجام شده است. آنچه معلوم است محل این مدرسه در مجاورت بازار توپچی باشی وبازار محمد امین بوده است.

حاج آقا کافور از خواجه‌های حرم و مردی فحاش و تندخو بوده که هنگام مسافرت شاردن باصفهان با یکدیگر مواجه شده‌اند.

این مدرسه بتدریج روبویرانی گذارده وازبین رفته‌است. گویامصالح ساختمانی این مدرسه هم درساختمان مساجد جدید بکاررفته است.

طبق کتیبه‌ای از مدرسهٔ مزبورکه درمسجد خان واقع درمحله‌دارالبطیخ (به احمدآباد معروف است) نگهداری میشود معلوم میگردد که ازآن مدرسه جز همان‌کتیبه اثری باقی نمانده است وآن‌کتیبه چنین است :

«درزمان دولت نواب کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس ارفع همایون شاهی »
«مروج مذهب بحق حضرات ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین، السلطان‌بن»
«السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان‌بن‌الخاقان‌السلطان‌شاه‌عباس الثانی‌الصفوی»
«الموسوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه‌وافاض علی‌العالمین بره و احسانه ،
«کمترین این‌آستان حاجی‌کافور صاحبجمع خزاین عامره‌خالصاًلله و مخلصاً لوجهه
«بنای این مدرسه عالیه‌کرد و وقف برطلبه علوم دینیه اثناعشریه نمود که طلبه »
«علوم دینیه اثناعشریه درمحل مزبور سکنی‌نموده بافاده و استفاده علوم دینیه و»
« معارف یقینیه مشغول شوند، باشد که ثواب‌آن بروح پر فتوح حضرات ائمه »
«معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین و بروزگار فرخنده‌آثارصاحبقران عایدگردد»
« بحق‌النبی وآله فی‌شهر ربیع‌الثانی سنة تسع و ستین والف کتبه محمد رضا »
« الامامی[1] »

۸ـ مدرسه مریم‌بیگم :

این مدرسه در نزدیکی محله خاجوی اصفهان و در مجاورت چهارسو نقاشی واقع بوده وتا چندسال‌قبل بطور نیمه‌خراب وجودداشت ولی بصورت مدرسه نبود .

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۶۰۵

در این اواخر درمحل آن دبستانی ساخته‌اند وازبنای مدرسه قدیم اثری جزدولوح سنگی مرمری که متمم وقفنامهٔ مدرسه میباشد باقی نمانده‌است.

کتیبه سردر مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین ثبت شده بوده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم- لقدوقفت هذه‌المدرسة‌المبارکة‌النواب العلیة‌العالیة‌الموفقة»
«لافعال‌الخیر ابنة‌السلطان‌الاعظم السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان شاه صفی‌الصفوی»
«الموسوی الحسینی‌قدس‌الله مرقده اعنی ملکة‌الافاق علی‌الاطلاق‌سمیة من‌افصح عن‌وصفها»
«الذکرالمبین بکریمة یامریم ان‌الله اصطفیك وطهرك علی‌نساءالعالمین مریم‌بیگم لازالت»
«موفقة لخیرالدنیا والاخرة بحق محمد وعترته الطاهرة علینقی‌الامامی ۱۱۱۵.»

و قسمتی از وقفنامه مدرسه چنین است:

«... علوم‌دینیه بشروطی‌چندکه دروقفنامچه بتفصیل مذکور و مسطور است»
« وازجمله‌آن شروط اینستکه بایدسکنه‌مدرسه‌مذکوره‌مشغول تحصیل‌علوم دینی»
«که‌فقه و حدیث و تفسیر ومقدمات آنهاست وصالح و متقی و پرهیزگار واز اهل»
«قناعت باشند و از زمره ارباب بطالت و کسالت و شرارت نبوده حجره خود را »
«معطل و مقفل‌نگذارند بلکه شب و روز درحجره خود بمباحثه و مطالعه‌وعبادت»
«مشغول باشند و اگر یك سال براحدی بگذردکه ترقی در حال او بحسب علم و »
«عمل نشده باشد یامظنون مدرس‌شودکه قابل ترقی نیست از مدرسه اخراج‌نماید»
«و جماعتی‌که درعرض یکسال بحسب علم وعمل ترقی‌کنند یامظنون شودقابلیت»
«و ترقی ایشان بایدکه زیاده ازپنج سال درآن مدرسه ساکن نشوند، اگر احیاناً »
«حرکت بعضی اشخاص بعداز مدت پنج‌سال‌متعذر یا متعسر باشد یاآنکه درعوض»
«ایشان جمعی متصف بمقامات مذکوره حاضر نباشدبایدکه تا برطرف شدن عذر»
«در مدرسه باشند و نهایتش تا هفت‌سال امابعداز هفت سال البته بایدکه بدرروند،»
«و بر مدرس آنکه سعی بلیغ کند که جمعی دیگر متصف بصفات مذکور باشند »
«تحصیل نموده بجای ایشان ساکن سازد و حجره‌هارا خالی‌ومعطل‌نکنند، وهرکه »

«بعداز هفت سال یك روز بماند غاصب باشد و بغضب خدا و رسول خدا گرفتار »
«شود و بایدکه کتابهای علوم وهمیة یعنی علوم شکوك و شبهات‌که بعلوم عقلیه و»
«حکمت مشهور و معروف است مثل : شفاء و اشارات وحکمة‌العین و شرح‌هدایة»
« و امثال ذلك بشبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند و وجه معاش خواه »
« وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیرآنها از هیچ ممری نداشته‌باشند، و بایدکه‌مدرس»
درتمشیت واجراءِ امور مزبوره اهتمام...[۱].

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مریم بیگم:

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مشتمل براشعاری‌بوده‌که بخط نستعلیق‌سفید بر کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین نوشته شده بوده :

« . . . . . . [۲] والانژاد گوهر بحرین ملك‌و دین »
«نیکو نتیجهٔ شه رضوان مکان صفی » مریم‌بیگم که باد بعمر ابد قرین»
«تا ساخته‌است بهر خدا این بنای‌خیر دارالعیارخانه نقد علوم دین»
« ارباب فضل را که تمامی شکفته‌اند چون‌گل‌شده‌است‌غنچه‌گشای‌دل‌حزین»
«بحری است این‌مدینهٔ علم‌ازبرای‌آن هر حجره‌اش بود صدف گوهر یقین»
« درگلشن زمانه چو نرگس علم شود گل کرد هر که . . . [۳] گل زمین »
«چون‌گردغم...[۴] ز دل او غبار جهل منزل گزید هر که دراین‌مسکن‌گزین»
« از جان‌ودل صحیفه نگاردعای‌اوست هر کس دراین مکان مشرف‌شودمکین»
«کردم چو نقشبندی تاریخ این بنا دل گفت ... [۵] این علوم دین [۶] »

۱ـ آغاز وقفنامه و پایان افتادگی داشته‌است. گنجینه‌آثار تاریخی ص ۶۶۳ بنقل‌از روزنامه سرنوشت. ۲ ـ افتادگی در اصل داشته است. ۳ ـ در اصل ریخته شده بود.
۴ـ شاید دراصل زدود باشد. ۵ـ دراصل ریخته شده‌بوده است. ۵ ـگنجینهٔ‌آثار تاریخی اصفهان ص۶۶۵ بنقل از روزنامه سرنوشت.

آنچه بر دولوح سنگی که موجود است نوشته شده :

در طرف راست وچپ ایوان شرقی مدرسه مریم‌بیگم در دولوح مرمرین که روز بنا نصب شده بوده چنین نوشته شده بوده :

درلوح اول :

«هوالمعزجلت عظمته. ازجمله شروط سکنای مدرسهٔ مزبوره آنستکه باید»
« زوجه یا خانه یا پدر یا صاحب‌خانه یا مادر صاحب‌خانه درچهار فرسخی‌شهر یا »
«زیاده بر چهارفرسخی داشته باشد بایدکه ماهی زیاده بردوشب در آنجا نماند »
«میخواهدکه دوشب را پی‌درپی بماند میخواهد متفرق و هرگاه میسر و مقدورش»
«نشودکه بشرایط مذکوره عمل‌نماید بایدکه دراین مدرسه سکنی ننماید و تظلم »
«نکندکه مرا منع‌میکنند از رفتن بخانه خود یا بخانه پدر یامادر یا زوجه‌خود»
«چه‌کسی مانع ازرفتن‌نشده بلکه‌منع کردیم اورااز‌ساکن‌شدن‌درمکانهای‌غیر بناحق»
«چه‌این مدرسه محل‌ومکان اونیست بلکه محل‌ومکان سکنی‌آن جماعتی‌که وفا»
«کردن بجمیع شرایط مذکوره میسر و مقدور ایشان باشد وهیچ دقیقه از دقایق»
«شرایط از ایشان تخلف نکند وتظلم‌کردن این قسم شخص مانند تظلم‌کسی‌باشد»
«که بگوید نمیگذارندکه خانه مردم را غصب‌کنم وساکن شوم درآن، پس‌این‌قسم»
«شخص خودش ظالم خواهدبودبصورت‌مظلوم‌که میخواهدکه حق‌ومال‌ومحل‌سکنی»
« و مأوای موقوف علیهم را بناحق غصب‌کنـد و ساکن شود و تظلم هـم میکند »
« سنه ۱۱۱۶ . »

درلوح دوم :

«چون شرایط وقفیه‌که درکتیبهٔ مدرسه مرقوم‌گشته‌دوعبارت اجمـال دارد»
«لهذا توضیح آن دوعبارت را لازم دانستیم‌که دراجمال آنها شبهه نکنندﺍول‌آنکه»
«نوشته شده‌که تا هفت‌سال بیشتر سکنا در مدرسه نکنندوبعـداز هفت سال البته»
«بایدکه بدرروند تفصیل‌آن اجمال‌آنکه بعداز هفت‌سال هرگاه تا شش‌ماه یا کمتر»
« از مدرسه غیبت اختیار نمایند وبعداز غیبت معاودت بمدرسه نمایند بر ایشان »

«حرجی نیست و توقف ایشان مجدداً تاهفت‌سال درمدرسه مزبوره مجوزخواهدبود»
«دویم آنکه نوشته شده‌که وجه معاشی‌خواه وظیفه وخواه‌تعلیم وخواه غیرآنها از»
«هیچ ممری‌نداشته‌باشندمفصل آن مجمل آنکه‌وظیفه‌ومواجب ومددمعاش‌مستمری»
«از جائی دیگر نداشته باشند واگر مردم از موهبت و عطایاگاهی رعایتی بطلبه»
«مدرسه مزبوره نمایند دراخذ این وجوه مؤاخذنخواهند بود فی‌تاریخ‌شهرشعبان»
«سنه ۱۱۱۶ و همچنین اگر کسی‌راازطلبه مدرسه مزبوره قدر قلیلی وظیفه باشد»
«که باخراجات اوکفاف نباشد و با وجود آن وجه وظیفه درمرتبه استحقاق باقی»
«باشد توقف آن‌کس درمدرسه مجوز است وبراو حرجی نیست. علی‌نقی‌الامامی».

در تاریخ حاضر کتیبهٔ سر درمدرسه درموزه ایران باستان نگهداری میشود و دیگر آثاری از مدرسه مریم‌بیگم وجود ندارد.(۱)

۹- مدرسه افتخارالملك :

این مدرسه درمحله شیخ‌یوسف بناء واقع وبانی‌آن‌خانمی بنام افتخارالملك بوده است .

۱۰- مدرسه‌افندی :

مدرسه‌ای‌بوده‌که میرزاعبدالله افندی جیرانی اصفهانی‌متوفی ایام فتنهٔ‌افغان آنرا در نزدیکی منزلش در اصفهان بناکرده بود واکنون‌ازآن اثری نیست(۲)

۱۱- مدرسه ایلچی :

این مدرسه درمحله احمدآباد اصفهان واقع بوده وکتابخانه‌ای داشته‌که‌آن کتابخانه تاسال یکهزار و سیصدوسی‌وهشت دائر بوده است(۳)

۱۲- مدرسه شیخ یوسف :

این مدرسه درمحله شیخ‌یوسف بناجزءِ محله خاجو واقع بوده است(۴)

۱- تاریخچه محله خواجو ص۲۹. ۲- تاریخ حزین ص۶۳.
۳- تاریخ کتابخانه در ایران ۴- تاریخچه محله خواجو ص۳۰

۱۳ ـ مدرسه شاه‌حسن :

این مدرسه در دروازه حسن آباد اصفهان ومجاور قصرشاه حسن واقع بوده و مخروبه شده است واکنون دبیرستان صارمیه جای‌آن مدرسه میباشد.(۱)

۱۴ـ مدرسه سیدرکن‌الدین یزدی :

این مدرسه درقرن هفتم هجری بهمت سیدرکن‌الدین محمد یزدی در بازار خواجه محمود در اصفهان ساخته شده و مشتمل بـردارالحـدیث و دارالکتب و دارالادویه بوده است ولی دیگر اثری ازآن نیست.

موقوفات این مدرسه بشرح زیر بوده:

الف ـ تمام بازار خواجه‌محمودکه دوطرف دارد وبجنب مدرسه است و هر طرفی مشتمل برچند دکان میباشد که درجلوآن درهمان محله واقع است.

ب و ج ـ حمام‌مردانه متصل باین‌بازار وحدود یکی ازدوطرف بازار وحمام منتهی ببازار خواجه‌محمود و کارگاه فخاری وکوچه مشهور به ابوسعید قصاب و باغچه و خانه ورثه سعد پور داود و مستراحها و سقاخانه‌های مسجد امام محمود شفروه میگردد و حدود طرف دیگر بخانه و خزانه سپهسالار فخرالدین مبارز از محله دارالحدیث و ممرومدخل منتهی میشود.

د ـ دکانهای سه‌گانه متصل بهم نوساز واقع درهمان محله و همان موضع و حدودش منتهی براه مسجد منسوب به محمد بن سعید صباغ و به مسجد و بـازار خواجه‌محمود وشارع عام و ممر است .

ه ـ تمام سرای‌نو دوسقف‌که آنرا خود سیدرکن‌الدین محمدبن قوام‌الدین محمدبن نظام حسینی یزدی قاضی‌القضات قرون۷و۸ ساخته ودربازارآرتش‌اصفهان واقع و حدودش بدودکان که ذکرش خواهدشد وجزء رقبات وقف است ونیز بمسجد مشهوربه انماطی و بازار امیر سعید بابلاق ومسجد سدید ودکان طباخی و مسجدی که در آن ببازار است وبشارع عام وممر ومدخل منتهی میگردد.

۱ـ تاریخچه محله‌خواجو ص ۱۳ .

و ـ دکان طباخی که سه‌طبقه ومتصل به‌کاروانسرای محله وبازار مسگر است که به کاروانسرای نواز طرفین منتهی میگردد و نیز دکان بقالی وشارع عام وممر و مدخل .

ز ـ دو دکان متصل به کاروانسرای جدیدکه یکی‌ازآن دو بقالی و دیگری نانوائی است درهمان محله و بازارکه حدشان بهمان‌دکان‌وقف وسقاخانه‌وکاروانسری مذکور منتهی میگردد .

ح ـ دو باب دکان دوسقف حلوائی دربازار عسکر مقابل‌دکان بقالی‌ونانوائی که حدودشان منتهی میشود به دکان موقوفه حرمین شریفین وکاروانسرای امیر-بقمور از دوضلع و شارع عام و ممرومدخل باسایرحدود وحقوق همگی.

ط ـ تمام قصرمورح واقع دربازار عسکرکه مستغنی‌ازتحدید وتوصیف‌است. و شرط‌کرده است که دارالحدیث و خانه‌هائی‌که در آن مسکن و منزل میگیرند ده نفر از فقهای از اصحاب حدیث منزل نمایند وسالیانه بهـرکدام مبلغ $\frac{1}{3}$۶۸۰ دینار از پول رایج که هرروزی $\frac{2}{3}$۱ دینار باشد داده شود. و برای تدریس وتعلیم طلبه علم و فقه مدرس عالم متبحر متفنن و مجتهد ذوفنون درعلم حدیث گمـارده شودکه هرروز بعداز نماز صبح بعدازختم قرآن وخطبه و دعاءِ واقف بالقای درس بپردازد. وهرسال مبلغ ۱۸۲ یانصف دینار در روز از پول رایج باو داده شود. ودر آن مدرسه معیدی [1] منصوب شود عالم و دانشمندکه درس استاد را تکرار کند و سالی مبلغ $\frac{1}{4}$۹۱یعنی هرروز $\frac{1}{4}$ دینار باو پرداخت‌گردد. ونیزامامی‌درآنجا نصب شودکه عالم بارکان نماز و شروطش باشد ومواظب براقامه جماعت درصلوات‌خمس باشد و در هرسال باو $\frac{3}{4}$۶۰ دینار یعنی روزی $\frac{1}{6}$دینار باو پرداخت شود ، و نیز مؤذنی پرهیزگار و متدین نصب شود. ونیز چهارنفر نصب شوندکـه پـرهیزگار و متدین و حـافظ قرآن و دائماً تلاوت قـرآن کنند ، بخصوص در ایـام ولیـالـی متبرکه و در هرشب جمعه سور خمس مدعوبه پنج الحمد راقرائت‌کنند وبه‌آنان

۱ـ معیدکسی راگویندکه درس استاد را یاکلمات نماز امام جماعت را تکرارکند.

هریك سالی $182\frac{1}{2}$ از پول رایج بدهند که روزی نصف دینار باشد، وبمؤذن ۶۰ دینار و نصف و $\frac{1}{3}$ دینار که روزی $\frac{1}{6}$ باشد داده‌شود. و یك نفر مرتب برای نقابت جماعت بطوریکه مرسوم است منصوب شود. وهرسال مبلغ ۶۰ دینار نصف و $\frac{1}{3}$ دینار که روزی $\frac{1}{6}$ دینار باشد پرداخت شود. وکسی‌را منصوب کنندکه فراش و دربان باشد و مدرسه را نظارت‌کند وهرسال $60\frac{3}{6}$ دینار یعنی روزی $\frac{1}{6}$ دینار باو داده شود و هر روزی $\frac{2}{3}$ دینار خرج عمارت موقوفات شودکه استنماءِ آن ممکن باشد، و عمارت دارالحدیث و بیت ادویه و توابع آن و پول فرش مناسب آن و باید متولی این مقدار را روزبروز جمع کند، متولی هرسالی مبلغ $60\frac{3}{6}$ دینار را در مصالح خودش خرج کند، ونیز متولی سالی $34\frac{1}{6}$ دینار یعنی روزی $\frac{1}{12}$ دینار به‌مشرف و ناظر مدرسه میدهد و در هرسال برای پول خوراك و خورش و سفره برای قرای سور خمس هرکدام $3\frac{1}{3}$ دینار فضی رایج بدهد. و درهرشب‌رغائب[1] $3\frac{1}{3}$ دینار رایج صرف‌کند ، و در روز عیدین و مولد نبی صلی‌الله‌علیه واله وسلم ۳۰ دینار یعنی روزی ده(۱۰) دینار خرج‌کند، و درشب نصف شعبان $6\frac{1}{3}$ برای وجه‌مأکول بدهد، ودرشبهای رمضان شبی ده دینار برای پول خرما بدهدکه روزه‌داران افطار کنند، و برای خرج سفره عبورکنندگان و مسافران سالی $60\frac{3}{6}$ دینار بدهدوبرای مصالح بیت‌الادویه از اشربه و ادویه مفرده و مرکبه سالی ۲۴۳ دینارکه هرروزی $\frac{1}{3}$ دینار باشد بپردازد، و برای تکفین مردگان وتجهیزشان هرسال $12\frac{1}{3}$ دینار خرج‌کند، و آنچه زایدآمد خرج عمارت مدرسه شوداگرمنهدم شود و اعاده آن ممکن باشد ازمحل محصولات موقوفات دریك سال یاچندسال واگر ممکن نشد صرف فقراءِ و مساکین‌گردد.[2]

۱۵- مدرسه جامع تاج الملك:

این مدرسه را ابونصر تاج‌الملك‌ابن بهرام هنگامیکه وزیرشمس‌الدوله بود

۱- شب جمعه اول‌ماه رجب را رغیبه‌گویند وجمع آن رغائب است مجمع‌البحرین .

۲- فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل از وقفنامه سیدرکن‌الدین محمد یزدی .

در اصفهان بناکرد و در آن علوم شرعی وسایر علوم تدریس میگردید.[۱]

۱۶- مدرسه جعفریه :

این مدرسه دراصفهان درقرن یازدهم دائر بوده است[۲] مدرسه مزبور بزرگ ودارای حجرات وکاشیکاری‌های شگرف بوده و درجنب بقعه جعفریه بود ولی در قرن‌اخیر مجاوران آن مدرسه را بعنوان‌خانه تصاحب کردند[۳]

۱۷- مدرسه حاجی باقر:

این مدرسه را حاجی محمدباقر مـه‌آبـادی در اصفهـان ساخته و درسال (۱۰۷۶ه . ق) دائر بوده است[۴]

۱۸- مدرسه خواجه ملك مستوفی:

این مدرسه را خواجه ملك مستوفی درمقابل باغ نقش‌جهان پهلوی میدان نقش‌جهان و میدان شاه‌کنونی‌بناء کرده است و در دوران صفویه دائر و عده‌ای از علمای بزرگ مانندآقاحسین خوانساری درآنجا تحصیل کرده‌اند ولی‌فعلا اثری‌از آن باقی نیست. این مدرسه را مدرسه شیخ‌لطف‌الله هم میگفته‌اند چون‌شیخ‌لطف‌الله چندی مدرس آنجا بوده است[۵]. و احتمال هم میرود که مدرسه مزبور با مدرسه عربان یکی باشد .

۱۹- مدرسه خواجه‌نظام‌الملك :

این‌مدرسه‌که بنظامیه اصفهان‌هم معروف‌بوده بهمت خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی احداث و تا قرن هشتم درمحله در دشت باقی و موقوفات آن‌که درآمد سالیانـه‌اش بالغ برده‌هزاردینارمیشده مستأکله بوده است[۶] از مدرسان‌بزرگ‌این‌نظامیه قاضی ارجانی ازاحفاد جابر انصاری بوده است .[۷]

۱ـ هزاره ابوعلی‌سینا . ۲- فهرست مدرسه سپهسالار ج۲ ص۴۲۱.
۳ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰ . ۴- فهرست استان قدس ج۶ ص۶۱۲.
۵- زندگانی شاه‌عباس‌اول ج۱ ص۲۸۹. ۶- ترجمه محاسن اصفهان
۷ـ ازاشعارعربی اواست : ادب‌المرء ظاهره جمیل ـ وباطنه لطاهرة سلیم ـ مودته‌تدوم لکل هول - وهل کل مودته تدوم - تاریخ اصفهان وری ص۲۱۶.

۲۰- مدرسه سارو تقی:

این مدرسه را ساروتقی بنا و درمحله باغات اصفهان واقع بوده است وپس از ویرانی مدرسه حاج‌شیخ محمدعلی بجای آن ساخته شده است[۱]

۲۱- مدرسه سلطان‌محمد سلجوقی :

این مدرسه که از مستحدثات سلطان‌محمدسلجوقی دراصفهان بوده اکنون اثری از آن دیده نمیشودو بعضی گفته‌انداحتمال دارد مدرسه حاج‌حسن باشدکه‌متصل بمسجدعلی واقع درهارون ولایت میباشد[۲].

۲۲- مدرسه سن‌پیروسن‌پل :

مدرسه‌ای بودکه شاه‌عباس اول اجازه داده بود کشیشان کرملیت دراصفهان تأسیس کنندتاکودکان اتباع و میهمانان عیسوی‌زبان‌اروپائی درآن تحصیل‌کنند[۳].

۲۳- مدرسه شاهزاده‌ها :

این مدرسه را شهربانوخانم دخترشاه‌سلطان‌حسین صفوی در نزدیك مسجد حکیم اصفهان درانتهای بازار رنگرزان درزمینی بمساحت یك‌جریب ویك‌قفیز دو طبقه ساختمان‌کرد وحمام شاهزاده‌ها را موقوفه‌آن قرار داد و طلبه‌نشین بود[۴]. از مدرسان معروف آن مدرسه ملاعبدالجواد حکیم بوده است. این مدرسه خراب و تبدیل بدبستان‌گردیده است[۵]

۲۴- مدرسه‌شفیعیه : (۶)

این مدرسه درسال (۱۰۹۹ه. ق) بهمت محمد شفیع میرزا حسینی در محله احمدآباد اصفهان درعهد سلطنت شاه‌سلیمان صفوی ساخته شده است.

تاریخ آغاز و اتمام ساختمان‌را چنین سروده‌اند :

خرد سال آغاز و انجام را   در فیض گفت مقام افاضل

۱۰۹۴   ۱۰۹۹

۱- تاریخچه‌محله خواجو ص۲۹ وتذکره‌نصرآبادی ص۲۴۷. ۲- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۷۹. ۳- زندگی شاه‌عباس اول ج۳ ص۷۰ ۴- نگارنده‌آنرا دیده بودم مدرسه‌ای معمور بود. ۵و۶- تاریخ اصفهان وری ص۳۰۶و۳۰۸

واز ماده تاریخ مزبور معلوم میشودکه آغاز بنا در۱۰۹۴ و ختم آن در۱۰۹۹ بوده است. مساحت این مدرسه حدود یك جریب و متصل بخانه‌های خود بانی بوده که مجموع آنها درحدود دوازده جریب وهنوز نژادش که معروف به نوابان حسینی و اولاد دختری صفویه‌اند درخانه‌ها سکونت دارند ولی مدرسه خراب و از صورت نخست خارج گردیده است. دارای سردری باکاشیهای معرق بوده که از بین رفته‌است.

۲۵ ـ مدرسه شیخ الاسلام :

مدرسه‌ای بوده درشهر اصفهان که آخوندملامحمدباقرسبزواری در آن تحصیل میکرده است [۱]

۲۶ ـ مدرسه‌شیخ لطف‌الله :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع و درسال (۱۰۱۵هـ . ق) دائر و طلبه نشین بوده أست [۲] و احتمال دارد این‌مدرسه با مدرسه خواجه‌ملك مستوفی که در جنب مسجد شیخ لطف‌الله واقع بوده یکی باشد چه شیخ لطف‌الله مدرس این مدرسه نیز بوده است .

۲۷ ـ مدرسه نقاشان :

این مدرسه در تختگاه هارون ولایت‌شهر اصفهان‌واقع بوده و درویش یوسف کشمیری [۳] مدتی درآن سکونت داشته است [۴]

۲۸ ـ مدرسه نجفقلی بیك :

این مدرسه دراصفهان واقع و از بناهای نجفقلی‌بیك ناظر شاه‌سلطان حسین صفوی است ودر (۱۱۰۴هـ . ق) ساختمان آن بپایان رسیده است [۵]

۱ـ تذکره نصرآبادی
۲ـ تاریخ خط و خطاطان ج۱ ص۲۰۸
۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۴
۴ـ ازکشمیر باصفهان آمده‌متاهل شد ودرمدرسه نقاشان سکونت و از فنون علم بهره داشت . او راست :

ای آنکه ترا دیدن رویش هوس است — نالان دلت ازبهر رخش چون جرس است
زنهار مکن تکیه بلطفش زنهار — همراهی شعله آفت خار و خس است

تذکره نصرآبادی ص۲۰۴ .

۵ـ فهرست آستان قدس ج۵ ص۵۹

۲۹ ـ مدرسه میرزا رضی :

این مدرسه از بناهای میرزا رضی صدر اصفهانی است که در عهد صفویه صدارت داشته ودرشهر اصفهان واقع بوده است[1]

۳۰ ـ مدرسه میرزا تقی :

این مدرسه درمحله جماله‌کله اصفهان بهمت میرزاتقی[2] بن محمدباقر دولت آبادی درزمان شاه‌عباس ثانی درسال(۱۰۷۱ه.ق)ساخته‌شده‌وچنانچه‌سید نعمت‌الله جزائری درشرح‌حال خود نوشته این مدرسه را میرزاتقی برای سکونت‌اوساخته‌و چندسال جزائری درآن مدرسه ساکن و بتحصیل اشتغال و ازمدارس نامی آن‌زمان بشمار میرفته است .

در زمان حال مدرسه مزبور درتصرف ابوالحسن‌بیك نامی‌است واحتمال‌داده شده‌که در اوائل قرن چهاردهم هجری بتصرف اشخاص درآمده‌است.

از این مدرسه درتاریخ حاضر اثری ازصورت‌مدرسه نیست و خانه است‌ولی درموقعیکه دائر بوده کتیبه سردرآن چنین خوانده شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ قدوفق ببنآء هذه‌المدرسة فی‌زمن دولة‌السلطان‌الاعظم »
«والخاقان‌الاکرم، مولی ملوك‌العرب والعجم ، قهرمان‌الماء والطین ، مروج مذهب الائمة
«المعصومین علیهم‌السلام ،السلطان بن‌السلطان بن‌السلطان والخاقان بن‌الخاقان بن‌الخاقان(۳)...
«ابن مرحوم محمدباقر دولت‌آبادی کتبه محمدرضاالامامی الاصفهانی.»

«این بنا را سه نام نامی آن — که فرح‌بخش شاب و هم شیخ است»

«اولین : مدرسه دویم : طیبه — سیمین : خالصیه تاریخ است »

۳۰۹ — ۲۶ — ۷۳۶

ومعلوم میگرددکه نام‌مدرسه : مدرسهٔ طیبه خالصیه است ودرسال یکهزارو هفتادویك بنای‌مدرسه پایان پذیرفته‌است .

بطوریکه نوشته‌اند این‌مدرسه رامدرسهٔ‌حوابیگم نیزخوانده‌اند واگر چنین شهرتی درست باشد بایدگفت که بعدازبنای‌نخست‌ازطرف حوابیگم‌که ازحرمسرایان

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۶۰۸ بنقل ازروزنامه سرنوشت ۲ـ انوارالنعمانیه سیدنعمت‌الله جزائری . ۳ـ تراشیده شده بوده‌که نام بانی معلوم نباشد .

بوده تعمیری بعمل آمده وباین نام هم خوانده شده‌است. این کتیبه را دانشمندمتوفی سیدمحمد صدرهاشمی درروزنامه سر نوشت شماره ۲۱ و۲۲ سال اول آن روزنامـه نوشته است.[۱]

۳۱ ـ مدرسه محرمیه :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع ودر بیست‌وششم جمادی‌الاولی‌سال(۱۱۰۸) محمدبن‌الغنی‌الجبلی درآن اقامت داشته است[۲]

۳۲ ـ مدرسه محمدصالح :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف جزء خاجوی اصفهان واقع بوده است[۳]

۳۳ ـ مدرسه‌مرتضویه :

این مدرسه در تاریخ سال یکهزار وصدویازده (۱۱۱۱ه.ق) در شهر اصفهان دائر بوده است[۴]

۳۴ ـ مدرسه‌کوچه کلباسی :

مدرسه‌ای بوده واقع درنزدیکی مسجد حکیم اصفهان که بـوسیله حـاجی قرچقای بیك در زمان شاه‌صفی در سال (۱۰۷۵ه.ق) بناگردیده و در اثرمرورزمان تبدیل بخانه شده والآن به‌کوچه‌کلباسی معروف است.

قطعه‌ای روی سنگ سقاخانه روبروی سردرشمال غربی مسجد حکیم نوشته شده‌که حکایت ازوجودچنین مدرسه وبانی آن وبانی سنگ‌آب‌آن میکند ولی چند جا افتادگی داشته و خوانده نشده است.

و قطعه چنین است :

«شاه جنت مقـام شاه صفی — کـه روانش غریق رحمت باد»
«داشت یك بندهٔ رضایت بخش — پاك گوهر . . . . . . »
«قرچقای بیك آنکه حضرت حق — از عنـایت قبـول حجش داد»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۰۸
۲ـ۳ـ تاریخچه محله خواجو ص ۳۰
۴ ـ فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج۱۱ ص۲۳۱۲ .

«کرد عالی بنای مدرسه‌ای / که ز فیضش ملك خبر میداد»
«خواجهٔ او که حاجی نصرت بود / بعطاء شه کریم نژاد»
«سنگ آبی نمود وقف که هست / کوثر سلسبیل . . . . . . »
«این سعادت بخیر جاری یافت / در زمان شهی بعدل و بداد»
«شاه عباس ثانی آن کوهست / صدچوفیض وجود اوبو . . . »
«بهر تاریخ آن رسید : «ندا / رحمت ایزدی براین کس باد»

درواقع ماده تاریخ (ندا رحمت ایزدی براین کس باد) است. وآن بحساب جمل مساوی است با (۱۰۷۵) که تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان نوشته است. این مدرسه دراثرمرور زمان ازبین‌رفته وچون مقبره مرحوم‌حاج‌محمد ابراهیم‌کلباسی متوفی (۱۲۶۱ه . ق) درمقابل در شرقی مسجد حکیم واقع شده‌محل مدرسه دربدو امر به مدرسه‌کلباسی وسپس بکوچه کلباسی اشتهار یافته است[۱] .

قطعه مزبور حکایت از بانی‌که حاج قرچقای بیك باشد وزمان سلطنت شاه عباس ثانی وبانی سنگ‌آب آن‌که حاجی‌نصرت باشد مینماید .

۳۵ ـ مدرسهٔ کلباسی[۲] :

این‌مدرسه درکوچه‌جنب‌مسجد حکیم دراصفهان واقع وبانی‌آن‌حجة‌الاسلام حاج محمدابراهیم‌کلباسی بوده ویکجریب وسعت‌داشته ودرسال۱۳۵۷ه.ق باهتمام

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۸۵

۲ـ حاج‌محمدابراهیم‌کلباسی فرزندمحمدحسن کاخکی‌است‌که پدرش ازهرات باصفهان‌آمده‌از معاریف فقهاء و مجتهدان وعلماءومحققان قرن‌سیزدهم بشمارمیرفته ودرزهدوتقوی‌ضرب‌المثل بوده است .

باحجة‌الاسلام رشتی معاشرت ومصاحبت داشته وهریك مورد احترام دیگری بوده‌اند. وی در روز نوزدهم ربیع الثانی سال(۱۱۸۰ه.ق) دراصفهان متولدگردیده ومقدمات‌علوم‌را در اصفهان تحصیل و سپس برای تکمیل بعتبات‌عالیات مسافرت‌کرده ودرآنجا از اعلام کرام چون وحید بهبهانی وآقاسید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفرنجفی وصاحب ریاض استفادتها برده وپس‌از مراجعت درقم از محضر میرزای قمی ودرکاشان از ملامهدی نراقی و باصفهان مراجعت وبتدریس پرداخته است وعده‌ای از بزرگان علماء ازمحضرش استفاده کرده‌اند. ودر جمادی‌الاولی (۱۲۶۱ ه . ق) وفات یافت(تذکرةالقبور یابزرگان ودانشمندان‌اصفهان‌ص۴۶)

نبیره‌های کلباسی[1] اکنون تبدیل بخانه شده است.

۳۶- مدرسه صفویه:

این مدرسه درشهر اصفهان پشت باغ شرکت هند وهلند درمحله بی‌نقابان[2] واقع بوده است.

محله بی‌نقابان از سه کوچه وهفت کاروان‌سرای بزرگ تشکیل میشده و آن کاروان‌سراها را کاروان‌سرای بی‌نقابان میخوانده‌اند وزنان روسبی که مالیات دیوانی برای کارشان میپرداخته‌اند درآن کاروان‌سراها اقامت داشتند. این مدرسه درزمان شاه‌عباس اول دائر وطلبه نشین بوده است[3]

۳۷- مدرسه عمر بن عبدالعزیز:

این مدرسه را قطب‌الدین محمودشاه آل‌مظفر (۷۶۷-۷۷۸ه.ق) در محل مسجدجامع شهر اصفهان بناکرده است[4]. بنظر نگارنده مدرسه از بناهای عمر بن عبدالعزیز بوده وبهمت قطب‌الدین محمود تعمیر شده‌است.

۳۸- مدرسه فاطمیه:

این مدرسه درسال (۱۰۶۷ه. ق) در شهر اصفهان دائر و طلبه نشین بوده است[5].

۳۹- مدرسه فخریه:

مدرسه فخریه‌را فخرالملك بن خواجه نظام‌الملك طوسی درشهر اصفهان بناکرده وتاسال (۱۰۹۸ه.ق) طلبه‌نشین بوده است.[6]

۱- گمان میرود مدرسه کلباسی ومدرسه کوچه کلباسی و مدرسه قرچقای‌بیك هر سه‌یکی بوده است باین‌طور که مدرسه قرچقای‌بیك بوسیله کلباسی تعمیر ویاچون درآن مدرسه درس میداده بنام او معروف شده ودرهرحال دیگر اثری از هیچکدام نیست (تاریخ اصفهان‌دری ص۴۱۶)

۲- چون زنانی که عفیف بوده‌اند حجاب ونقاب داشتند از اینرو زنان روسبی‌را بی‌نقابان میخواندند. نقاب پارچه‌ای بودمشبك که زنان برروی خود میانداختند.

۳- زندگانی شاه‌عباس اول ج۳ ص۵۶.

۴- راهنمای اصفهان عطارپور ص۴۸

۵- فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه‌تهران ج۱ ص ۴۲۱

۶- فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج ۳ ص ۲۷۷

۴۰- مدرسه فرچقای بیك :

مدرسه‌ای بوده واقع در بازار رنگرزان اصفهان[۱] . و ظاهراً این مدرسه همان مدرسه معروف بمدرسه کلباسی و یاکوچه کلباسی است.

۴۱ - مدرسه شهشهان :

مدرسه‌ای بودکه شاه علاءالدین‌محمد مقتول در(۸۵۰هـ . ق) هنگـام بنـای خانقاه وحسینیه درمحله شهشهان اصفهان‌که قبلا نام محله مزبور دریه بوده بنـا نموده ولی بمرورزمان وپیش آمد حوادث اثری ازآن باقی‌نمانده‌است[۲]

۴۲ - مدرسه دردشت :

این مدرسه درمحله دردشت‌اصفهان ودردنباله آرامگاه سلطان‌بخت آغامقتول در(۷۶۹ هـ. ق) واقع شده است وظاهراً آثار مدرسه درقرن سیزدهم باقی بوده ولی درقرن حاضر ازآن اثری نیست . بانی مدرسه‌هم معلوم‌نیست‌ممکن است‌ازبناهای خود سلطان‌بخت آغا باشد چنانکه سنك مزار خودرانیزدرزمان حیات آماده کرده بوده واحتمال‌هم دارد از بناهای سلطان‌محمود از آل‌مظفر باشد وچون امامـزاده شوری هم در نزدیکی آن مدرسه بوده شاید ایـن مدرسه همان مدرسه امـامزاده شوری باشد[۳]

۴۳ - مدرسه کران :

مدرسه‌ای بوده‌که خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی درمحله‌کران اصفهان بنـاکـرده بود، وچون خواجه درمذهب حنفی اصرار وتعصب داشت مقررکرده بودکه بربالای درب مدرسه نام شافعی‌را ننویسند، بلکه بنویسند: وقف علی‌اصحاب‌امـامـی‌الائمة صدری‌الاسلام .[۴] و ممکن است این مدرسه هم همان نظامیه اصفهان باشد .

۴۴ - مدرسه علمیه طاهریه :

این مدرسه درشهر اردستـان درمحله فهـره درجنب بقعه پیر مرتضی‌علـی

---

(۱) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی‌اصفهان ص۱۸۵ .   (۲-۳) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی اصفهان‌ص۱۵۸ .
(۴) تجارب السلف

اردستانی عارف مشهور قرن نهم هجری واقع وازبناهای میرزامحمد طاهراردستانی بوده است و برای تحصیل علوم دینیه ساخته شده و رقبات موقوفه‌ای برای آن معین کرده که بشرح زیراست :

یکم مزرعه چاهریسه در علیای اردستان - دوم - مزرعه خرونده در سفلای اردستان - سوم مزرعه ارسوره نزدیك شهر اردستان. چهارم یکطاق وربع محله کبودان. پنجم - زمین یکباب عصارخانه واقع درمحله بازاراردستان. این مدرسه درنیمه‌دوم قرن حاضر بوسیله اداره معارف وقت خراب وجزء دبیرستان آنجا گردید[۱].

۴۵ - مدرسه درویشان :

این مدرسه درمحله خاجو ومجاور قبرشاه حسن بوده‌است ولی دراین زمان اثری ازآن نیست[۲]

۴۶ - مدرسه مادرشاه :

این مدرسه ازمدارس بزرگ اصفهان وبوسیله مادرشاه احداث ودرحدودشاهزاده ابراهیم قرار داشته است[۳]

۴۷ - مدرسه الماسیه :

این مدرسه درچهارسو مقصود اصفهان واقع و دارای ششصد ذرع مساحت و دوطبقه بود ولی درسال هزاروسیصدوپنجاه‌وپنج قمری خراب گردید. وآجرهای آن بفروش رفت[۴]. این مدرسه ازآثار حاج الماس نامی از غلامان دربار صفوی بوده و وقفنامه‌ای از این مدرسه بتاریخ یکهزارویکصدوچهار هجری قمری هنوز باقی است.[۵]

۴۸ - مدرسه شهرستان :

این مدرسه درشهرستان (جی قدیم) اصفهان واقع بوده است و بمرورزمان از

۱- آتشکده اردستان بخش۱ ص۳۵ ۲- تاریخچه محله خواجو بنقل ازسفرنامه شاردن ص۱۳ ۳- تاریخچه محله خواجو ص۳۱ ۴- تاریخ اصفهان وری ص۴۱۲ و ص ۳۰۴ ۵- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۳۶

میان رفته است.[1]

۴۹ـ مدرسه خواجه محبت :

این مدرسه درقرن یازدهم درعصر شاه‌سلیمان صفوی دراصفهان دائربوده و محمدداود تویسرکانی برادرزاده قاضی‌حسن‌تویسرکانی در آنجا تحصیل‌میکرده است و اکنون اثری از آن مدرسه نیست و ممکن است جزء آن هفت‌مدرسه باشدکه در قرن چهاردهم مصالح ساختمانی مخروبه آنها صرف ساختن‌مساجدگردیده است[2]

۵۰ـ مدرسه خواجه‌صدرالدین علی‌طبیب :

خواجه‌صدرالدین‌علی‌طبیب که ازطرف‌سلطان‌محمدگورکان‌حاکم‌اصفهان‌بوده دراصفهان و نواحی سه‌مدرسه‌ساخت. یك مدرسه درحوالی‌مسجدجامع قدیم درجنب خانه‌میرزاهدایت‌الله طبیب‌که درزمان مؤلف تذکره نصرآبادی‌قرن یازدهم‌کتابه‌آن موجود بوده است و گویا میرزاصدرالدین جابری داخل کاروانسرای خـود کرده بوده است و درهمان زمان حیات نصرآبادی دیگر اثری از آن باقی نبوده‌است[3].

۵۱ـ مدرسه صدرالدین علی‌طبیب :

این‌مدرسه را صدرالدین علی‌طبیب اصفهانی‌حاکم‌اصفهان‌درمحله باباقاسم در کوچه‌میرزاشریف‌حکیم‌بناکردوچندی‌آن‌مدرسه مهمانخانه میرزایوسف‌نامی‌بود و سپس عده‌ای درویش درآن مسکن‌گزیدند ولی اکنون اثری از آن مدرسه وجود ندارد[4].

ج ـ مساجدی‌که بعد از اسلام احداث و اثری از آنها باقی نیست:

۱ ـ مسجدخرابه قدیمی که بجای‌آن مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تجدید بنا گردیده است[5].

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ ۲ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۱
۳ـ تذکره نصرآبادی ص۴۵۷ ۴ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۵۷ ۵ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۱۱ .

۲ ـ مسجد آقاسی .

این مسجد درمحله میدان کهنه اصفهان واقع و آثاری ازعهد پارسیان درآن دیده میشده و عوام آنرا نقاره‌خانه ملکشاه مینامیدند و درزیرزمین آن معبری‌بود وچاهی داشت‌که‌آنرا چاه‌دجال میخواندند ونیز کاشیهای‌گران بهائی داشت‌که‌نقوش ستاره‌های منطقة البروج وماه وخورشید برآن‌رسم شده بود وگمان میرفت که این محل در زمان پیش ازمسجدشدن میکده بوده است. کاشیهای دیگری‌هم داشت‌که صورت‌گاو وببر بران رسم‌بود ونشان میداد که درزمان دیالمه درآن تعمیری بعمل آمده است. این مسجد درسال (۱۳۰۷ه.ش) در معرض خیابان قرار گرفت واکنون کاشیهای متفرقه‌ای بنام مسجد آقاسی در چهلستون اصفهان نصب است[۱]

۳ ـ مسجد انماطی :

این مسجد در اوائل قرن هشتم دائر بوده و محل آن بازار خواجه محمود در اصفهان بوده است[۲].

۴ـ مسجد امام محمود شفروه:[۳]

این مسجد نیز در اصفهان دربازار خواجه‌محمود واقع و درقرن هشتم دائر بوده است و ظاهراً امام را تب این مسجد امام محمود شفروه بوده است نه‌بانی آن و این امام محمود شفروه‌نیز از خاندان شفروه بوده است .

۵ـ مسجد سدید.

این مسجد دربازار امیرسعید بابلاق واقع ودرقرن هشتم دائر بوده‌است.

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۱ ۲ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

۳ـ کلمهٔ شفروه را تفسیرهای مختلفی کرده‌اند ولی‌آنچه معلوم است در اصفهان بیشتر مردم بخصوص طبقات ممتاز ، القابی داشته‌اند و درزمان اعراب و دوره خلفاکه عربیت غلبه داشته این‌القاب را معرب کرده‌اند مانند سه لبه که سلفه شده وهمین‌طور شب روه یعنی‌کسیکه شب راه میرود به شفروه معرب گردیده است و خانواده بزرگی بوده‌اند مانند سلیمان بن احمدبن جلال‌الدین محمدبن‌الشریف رکن‌الدین علی‌بن جلال‌الدین محمدبن هبة‌الله‌بن حمزة معروف به شفروه اصفهانی که بعداز(۹۵۳ ه . ق) وفات‌یافته وازعلماء وبزرگان عصرخود بوده‌است .

۶- مسجد محمدبن‌سعید صباغ :

این مسجد در بازار خواجه‌محمود درشهر اصفهان دائر و بانی‌آن محمدبن سعید صباغ بوده است.

۷- مسجد بازارخواجه‌محمود :

این مسجد نیز دربازار خواجه محمود اصفهان واقع و درقرن هشتم دائر بوده است .

۸- مسجد روبروی بازارعسکر :

این مسجد نیز درمجاورت بازار عسکر اصفهان در قرن هشتم دائرومقابل و روبروی بازار عسکرواقع بوده است.

۹- مسجد بازارامیرسعید بابلاق :

این مسجدنیز در اصفهان در بازار امیرسعید بابلاق واقع و در قرن هشتم دائر بوده است .

۱۰- مسجد باذانه:

این مسجد درمحله باذانه یهودیه اصفهان واقع و بانی‌آن ولیدبن ثمامة امیر اصفهان بوده‌که در ۱۵۰ هجری بناکرده است [1].

→

دیگری شرف‌الدین‌محمد یا عبدالمؤمن بن هبةالله یا فضل‌الله شفروه متوفی (۵۹۸ ه. ق) که از طرف اتابك شیرگیر ملقب به‌ملك‌الشعرائی گردیده و دیگری ظهیرالدین عبدالله‌بن شفروه از شعراءکه برادر یا پسرعم شرف‌الدین‌محمداست و معاصر با اوبوده‌است بطوریکه‌مذکور گردید در این خانواده بزرگانی هم چون ابوالسعادات اسعدبن عبدالقاهربن اسعد معروف به شیخ‌ابوالسعادات اصفهانی‌که استاد سیدرضی‌الدین علی‌بن‌طاوس حلی وشیخ طوسی‌بوده و درسال (۶۳۵ ه.ق) میزیسته است میباشند و اوراست تصنیفاتی چون : (رشح‌العرفاء فی شرح‌الدعاء و اکسیرالسعادتین و توصیف الوزراء و دعاء صنمی قریش و توجیه السؤالات فی‌حل‌الاشکالات ونیز جامع‌الدلائل و مجمع‌الفضایل. ومعلوم نیست‌که این‌لقب ازآن چه‌کسی ازآنان بوده است. واینکه صاحب مجمع‌الفصحاء شفروه را معرب پزوه دانسته وعده زیادی از او پیروی‌کرده‌اند مستندی‌ندارد. و امام محمود شفروه‌که مسجد مورد بحث منسوب باو است از همین خانواده بوده است .

۱- ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱ - ۱۹

۱۱- مسجد باباسوخته یامسجد سلطان ابوسعید بهادرخان:

این مسجد دراصفهان در انتهای محله جوباره واقع و با دومنارخود بمناره باغ قوشخانه‌که اکنون نیز وجود دارد متصل بوده است وبانی آن ساطان ابوسعید بهادرخان ودرقرن هشتم هجری ساخته شده است.

سیاحان اروپائی این مسجد را هنگامیکه قسمتی از آن‌هم خراب شده بوده بیك قطعه جواهر حقیقی توصیف‌کرده‌اند و در آن موقع گنبد و تمام اطراف و مناره‌هایش ازکاشیهای گران‌بها ورنگارنگ مزین‌بوده است وگفته شده‌که آن‌کاشیها حاشیه‌ای داشته‌که خطوطش سفید و بر روی زمینه سبز نوشته شده بوده است.

مناره‌اش‌فوق‌العاده شیواوجالب وازتوده مارپیچهای سبزوسفید تشکیل‌میشده که درفواصل‌کاشیهای آبی بکاررفته بوده‌است. دراین زمان اثری از آن‌مسجد و دو مناره‌اش نیست و فقط منارباغ[۱] قوشخانه درکنارمادی سودان دیده میشود[۲].

۱۲- مسجد کاروانسرای دومنار:

این مسجد درمحله دردشت‌اصفهان واقع و درجای کاروانسرای دومنار بوده که هنگام مبارزه شیخ‌ابواسحاق با مبارزالدین دراثر ضربه منجنیق ویران‌گردید و روی‌آن کاروانسرای دومنار ساخته شد[۳].

۱۳- مسجد جامع خشینان:

این مسجد در دوران خلافت‌ظاهری‌امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام و بکوشش ابوخناس آزادکرده عمربن‌خطاب خلیفه دوم در محله خشینان‌که از دهات متصل به یهودیه اصفهان بود بناگردید و اکنون چنین مسجدی وجود ندارد لیکن بعضی از[۴] نویسندگان حدس میزنندکه حدودامامزاده‌اسماعیل واحمدآباد همان خشینان است ولی‌بگفته ابونعیم اصفهانی مسجد جامع خشینان را ایوب‌بن

۱ـ ارتفاع این منار چهل متر و دارای پلکان معمولی است. (تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۶۰) ۲- گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۲۹۴ ۳- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۱۴ - ۲۱۵ ۴ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۸۰

زیاد ساخته است[1].

۱۴- مسجد حفص بن معدان :

این مسجدرادرقرن‌سوم هجری حفص بن معدان بناکرده ومؤذن آن ابواسحاق ابراهیم‌بن عیینه بوده است[2].

۱۵- مسجد جامع شهرستان :

این مسجد در سال(۲۵۰هـ.ق) در شهرستان (جی) اصفهان دائر و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزید هلالی متوفی(۲۵۰هـ.ق) بوده‌است[3].

۱۶- مسجد خواجه‌محمود [4] :

این مسجد در بازار خواجه محمود اصفهان واقـع و در قرن هشتم دائر بوده است.

۱۷- مسجد درب‌طوقچی :

این مسجد در درب طوقچی اصفهان ودر مجاورت بقعه سلطان اسدبن جنید واقع بوده و درزمان حاضر اثری از مسجد مزبور باقی‌نیست ولی لوح سنگی بر- دیوار جنوبی اداره فرهنگ اصفهان منصوب است‌که میرساند در محل اشاره شده چنین مسجدی‌بوده‌که بهمت‌مردی بنام‌حاجی یاربیك صباغ ساخته شده وموقوفاتی برای مسجد و بقعه سلطان قرار داده‌است و این‌کار درسال (۱۰۴۴ هـ . ق) و در دور سلطنت شاه‌صفی انجام گردیده و آن لوح بخط‌نستعلیق برجسته چنین است:

«غرض‌نقشی‌است‌کز ما بازماند (۱۰۴۴) که هستی را نمی‌بینم بقائی»
«مگرصاحب‌دلی‌روزی‌برحمت(من‌شهور) کند در کار درویشان دعائی»

«در زمان‌دولت‌خاقان‌جمشیدرای، سکندرصولت‌وسلطان فریدون‌فر ، دارای»
«حشمت،ابوالمظفر،معزالدوله‌و[5]عز نصره،سلطان‌شاه‌صفی‌الحسینی‌الموسوی‌الصفوی»

۱- ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶. ۲- ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱۸۲. ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۹۲ . ۴- فرهنگ‌اصفهان‌مخطوط بنقل ازوقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی . ۵- درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱ باواو نوشته‌شده ولی درست‌نیست و واو آن زائد است .

«بهادرخان خلدالله تعالی ملکه ابداً، توفیق رفیق حال وقرین آمال کهف الحاج والمعتمرین»
«وزایر رسول الثقلین حاجی یاربیك صباغ گشته احداث مسجدی قویم البنیان ، »
«سلیم الارکان که نموده بود باتمام رسانید واقع درجنب شارع درب طوقچی وبضلع»
«شرقی و خالصاً مخلصاً لوجه الله وقف نمود بر مسجد مزبور همگی وتمامی چهارباب»
«دکان که یکی بقالی است وهمه بدان مربوط است که احداث کرده واقف مشارالیه»
«درست مقابل مسجدمزبور بضلع غربی که در وقفنامه ثبت است وهمگی وجملگی»
«یکباب خانه معینه واقعه درجنب مسجد مزبور و همگی وتمامی یك درخانه واقعه»
«درسکه باب التبریزیه مشهور بخانه فتح الله نساج بحد دومی که در وقفنامه مسطور»
«است، وهمگی وتمامی اعیان وعمارت دو در دکان معینه یکی صباغی ویکی علافی که»
«واقف مزبور خود احداث نموده درعرصه معینه که وقف است برمزار کثیرالانوار سلطان»
«اسدبن جنیدمتصل بیکدیگر واقع در محله طوقچی مزبور بحدی که در وقفنامه»
«مذکور است اثاث آلات و ادوات و خم صباغی و غیره که وقف نموده بر مسجد»
«مزبور و مزار مذکور و دروقفنامه شرط نمودکه آنچه بعلت نفع و اجاره عرصه»
«مزبور و اعیان و اشیاءِ مذکـور بهمرسد منقسم بده قسمت نموده سه قسمت آن را»
«صرف تعمیر و روشنائی و غیره مسجد مزبور نمایند بشرط واقف .»

دنباله این کتیبه بخط نستعلیق در دو حاشیه طرفین لوح سنگی مزبور در فوق چنین حجاری شده :

«چون تولیت موقوفات مزبور مادام الحیات متعلق بواقف مشارالیه و بعداز»
«آن اولاد او و دیوان الصدارة وناظران و متصدیان اوقاف اجاره نودساله نموده»
«بود خانه بـاب التبریزیه را بجهت سکنای اولاد خود مشروط به آنکه بعد از »
«اخراجات تعمیرخانه مزبور آنچه از وجه اجاره باقی ماند صرف تعمیر فرش و»
«روشنائی مسجدمزبور نماید بازبهمین دستور تولیت خانه مزبور متعلق است باولاد»
«واقف مشارالیه که بعد از تعمیر خانه مزبوره آنچه زائد باشد بشرط واقف صرف»
«تعمیر فرش و روشنائی مسجد مزبور نمایند . تغییردهنده بلعنت خدا و نفرین»

«رسول گرفتار باد[1].»

۱۸- مسجد دروازه اردستان :

این مسجد در محله رامیان اردستان واقع بوده و در حدود چهل سال پیش تبدیل بباغ گردیده وخلاصه مسجد را ازبین برده‌اند[2].

۱۹- مسجد خرابه‌ایکه برروی آن مسجد شجره درخیابان شاه‌عباس اصفهان بناگردیده است.[3]

۲۰- مسجد خرابه‌ایکه برروی آن‌مسجد شیخ‌بهائی درخیابان‌معروف به‌شیخ بهائی دراصفهان بنا شده است.

۲۱- مسجد عبدالله‌بن کوشیذ :

مسجدی بوده در اصفهان که مهران‌بن شبیب مؤذن آن و عبدالله‌بن کوشیذ آن را بنا کرده بوده‌است[4] ولی درحال‌حاضر اثری ازآن نیست.

۲۲- مسجد طیبه :

مسجدی بوده درحوالی مسجد حکیم وظاهراً با مدرسه طیبه که بنامهای میرزاتقی و حوابیگم وکلباسی نیز معروف بوده واکنون اثری جز سنگ سقاخانه از آن وجود ندارد متصل‌بوده است. برای تشریح موضوع بمدرسه میرزا تقی رجوع شود.[5]

۲۳- مسجد درویشان :

این مسجد در محله خاجو در مجاورت مدرسه درویشان و قبر حسن شاه بوده است.[6]

---

۱ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۴۱ .　۲ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۴۱
۳- تاریخچه محله‌خاجو ص ۷۲　۴- ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۲.　۵- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۸۱ .　۶ - تاریخچه محله خاجو بنقل از سفرنامه شاردن ص ۱۳ .

۲۴- مسجد سلمان :

این مسجد در دیه‌جیان اصفهان واقع و مورد زیارت مردم بـوده است [۱] و اکنون اثری ازآن نیست .

۲۵ - مسجد عمرو بن راشد :

این مسجد دراوایل طلوع اسلام‌دراصفهان ساخته شده و ابوجعفر محمدبن جعفر صابونی درآن تلاوت قرآن میکرده است. [۲]

۲۶- مسجد فضل بن برغوث :

این مسجد را فضل‌بن برغوث اصفهانی پیش‌از قرن چهارم هجری دراصفهان بناکرده و رجاءبن صهیب جروائانی در آن اذان میگفته و اکنون جز نام اثری ندارد . [۳]

۲۷- مسجدقبا :

مسجدی بود جزء مخروبه‌های عباس آباد اصفهان که برطبق اجازه علمای دین آجر ومصالح آن درساختمان مسجد نو بکار رفت . [۴]

۲۸- مسجد مصلی:

این‌مسجد درخارج محله طوقچی‌اصفهان واقع بوده ودرزمان دیالمه مصلای شهر بوده است ولی اکنون اثری‌از آن‌نیست[۵] وممکن است همان مسجد معروف به مسجد عمر باشد[۶] .

۲۹- مسجد حسینیه شهشهان :

این مسجد درحسینیه شهشهان‌که شاه‌علاءالدین‌محمدبانی آن‌بوده قرارداشته و پس‌از دفن جسد او در آن مکان بمرور زمان مسجد و چنانکه قبلاً نوشته شد مدرسه وخانقاه‌آن نیز ازبین رفته است وظاهراً اطرافیان تبدیل بخانه‌کرده‌اند[۷].

۱- مرآت‌البلدان‌ناصری . ۲- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۹۸ . ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵ . ۴- تاریخ اصفهان‌وری ص ۲۹۷. ۵ - تذکرةالقبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص یو . ۶- مرآت‌البلدان ناصری . ۷ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۵۹ .

۳۰- مسجد بزرگ محله نو :

این مسجد پیش‌از صفویه وجود داشته و شانزده قفیز مساحت آن بوده ودر گوشهٔ آن تکیه و بقعه شیخ‌عبدالله انصاری فقیه متوفی (۸۹۰ هـ. ق) واقع وپس از آنکه محل تبدیل بمسجد شده سنگ قبر را بدیوار نصب کرده‌اند ولی از زمان نادرشاه به‌بعد ازبین رفته است[۱].

۳۱- مسجد جامع رنگرزان :

جامعی بوده درشهر اصفهان در محلی‌که روی خرابه آن مسجد جورجیر و حکیم فعلی بناشده وتا قرن سوم هجری وجودداشته است شیخ‌ابومسعوداحمدبن‌فرات رازی درآن جامع بمنبر میرفته و مردم را موعظت میکرده است[۲].

۳۲- مسجدجامع شهرستان (مدینة) :

این مسجد درشهرستان اصفهان‌که‌آنرا سابقاً جی میخوانده‌اند قرار داشته‌و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزیدالهلالی متوفی (۲۵۰هـ.ق) بوده‌است[۳]

۳۳ - مسجد خواجه‌علم :

این مسجد نزدیك مناره خواجه‌علم واقع بود، مناره در اوایل‌نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط کرد و مسجد هم درمسیر خیابان هاتف فعلی قرار گرفت و بالطبع از میان رفت[۴] این مسجد قبل‌از صفویه احداث و در زمان آنان مورد تعمیر واقع شده بود[۵].

۳۴- مسجد نصرآباد :

این مسجد دارای کاشیهای عتیقه‌ای بودکه از بین رفت و اکنون اثـری از آن نیست[۶].

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۹ .   ۲ - خلدبرین ص ۱۹۲.   ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۹۲ .   ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۲ .   ۵- تاریخ اصفهان و ری ص۲۷۷.   ۶- تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۴.

۳۵- مسجد شیخ ابو مسعود رازی :

این مسجد درمحله درشیخ اصفهان درمجاورت بقعه شیخ ابومسعودرازی واقع بوده[۱] و بفتوای یکی ازعلماء قرن سیزدهم خراب شده‌است[۲].

۳۶- مسجدجامع عباس آباد:

این مسجد درقرن یازدهم درمحله عباس آباد اصفهان دائر وحجراتی داشته که طالبان علم وشعرای عارف درآن حجره‌ها ساکن بوده‌اند ازآن جمله شیخ عماد پسرمیرزا ابراهیم خوش‌نویس تبریزی متخلص به‌رافع یاارفع دریکی ازآن حجره‌ها ساکن بود و با قناعت زندگی‌میکرد وگاهی شعری میسرود از اشعار اوست:

رباعی

خواهی که دلت محرم اسرارشود — از جمله علم حق خبردار شود
از گریه بشو غبار آیینهٔ دل — مگذار ز گرد معصیت تار شود

از این‌جامع دراین تاریخ اثری نیست.[۳]

۳۷- مسجد مستوفی :

این مسجدامیرزا شکرالله مستوفی ازمستوفیان معروف‌زمان شاه‌طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰هـ . ق) درسال (۹۸۱هـ.ق) که ازطرف شاه بمنصب استیفا منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ‌اصفهان بناکردواکنون اثری ازآن نیست[۴].

د- قصوری‌که بعد از اسلام احداث وکنون اثری ندارد:

۱- قصراحمد سیاه :

این قصر درزمان اعراب دراصفهان احداث‌گردیده و نواده[۵] احمد سیاه از محدثان اصفهان بوده است و چنین حدس زده‌اندکه احمدآبادکنونی جای‌آن قصر بوده است[۶].

۱- خلدبرین ص۱۹۶. ۲- میزان‌الانساب ص۵۸. ۳- تذکره نصرآبادی‌ص۴۰۴.
۴- تاریخچه محله خواجو بنقل از منتظم ناصری ص۸۱ . ۵- ابومسلم عبدالرحمن‌بن محمدبن‌احمدبن‌سیاه مذکر متوفی سلخ رجب ۳۴۶ هجری . ۶- تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸ .

۲- قصر اصفهان :

احداث این قصر نیز پیش‌از قرن هفتم هجری بوده ومحله‌ای‌هم بنام محله قصر بآن منسوب وحسین‌بن معمر قصری که ازمشایخ [۱]سمعانی‌صاحب‌الانساب بوده باین‌محله انتساب دارد[۲] وباب‌القصر نیز گفته‌اند.ومنظورهمان‌درب‌کوشك‌فعلی‌است که در قرون پیش بقصر رستم معروف بوده است .

۳ - قصر جهان‌نما :

خانه مربع‌کوچکی‌را در اول خیابان چهارباغ بالای اصفهان دو طبقه بشکل کلاه فرنگی درزمان صفویه ساخته بودندکه مخصوص‌حرمسراباشد ودارای‌نقاشیها و تزیینات بسیارعالی و اطرافش ایوان وپنجره‌هائی وجود داشته که از آن مکان بلند خیابان را تماشا میکردند[۳]. این قصر مشتمل‌بود برصور زنان ودختران‌عجم ازکیانی تا ساسانی با جامه‌های خسروانی[۴].

۴- قصر صخربن سدوس :

این قصر درقرن ششم هجری در تیران اصفهان وجودداشته ولی‌اکنون جز نام اثری ازآن باقی‌نیست[۵].

۵ - قصر خصیب :

این قصر دارای‌کوشکها واشجار وریاحین ودرکنارپل‌حسین در اصفهان‌واقع بوده ودر هنگام‌تفوق مسلمانان دراصفهان ساخته شده[۶]. و تازمان سلجوقیان و دوره‌ملکشاه‌باقی‌بوده است بانی این قصر همان خصیب‌بن‌سلم است که بقاعی را بر

---

۱ - قاضی ابوسعد عبدالکریم‌بن ابی‌بکر محمدبن ابی‌المظفرالمنصوربن محمدبن عبدالجبار التمیمی‌السمعانی متولد ۲۱ شعبان ۵۰۶ و متوفی لیله ۲۰ ربیع‌الاول ۵۶۱ هجری قمری . روضات‌الجنات ص ۴۲۷ . ۲- معجم‌البلدان ج ۴ ص۳۵۵ . ۳ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۷. ۴-کسان بانوعظمی بیهانه‌اینکه درآنجا اندرونی هشت بهشت پیداست خراب‌کردند. (تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۳) . ۵ - محاسن اصفهان ص۵۶.
۶- بانی این‌قصر ظاهراً خصیب‌بن سلم‌بن عوذبن سلامة‌حنفی ازمردم شهرستان اصفهان وعامل خراج اصفهان درسال (۲۲۵ ه. ق) بوده است. نواده اوخصیب‌بن‌الفضل از عبدالله‌بن عمران روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰۷) .

مسجد جامع افزوده است.[1]

۶- قصر عبدویة‌بن حبة :

این قصر نیز دراصفهان درکنار زاینده‌رود واقع و درقرن ششم دائر و بانی آن عبدویة‌بن حبة بوده است.[2]

۷- قصر فراشخانه:

این قصر درزمان صفویه احداث شده و درسال۱۲۹۸ هجری مخروبه‌وعمارت با عرض و طولی بوده بسیارعالی و بعضی کاشیهای آن‌که مانده بوده مانندچینی‌بوده است[3] این قصر دربرابر برج چهلستون واقع وجایگاه ضباط وزیـر آن شارع خیابان پشت چهل‌ستون بود وسقاخانه مفصلی داشت‌وهمان خیابان جزءِ خیابان‌سپه فعلی شده است[4]

۸- قصر هارون هفت درب:

این قصر در دیمرتین حوالی اصفهان واقع و صاحب اشجار ومتنزهات بوده است[5].

۹- قصر فرقد:

این قصر در دروازه شهرستان واقع بوده و دارای انواع و اقسام تـزیینات واشجار بوده است[6].

۱۰- قصر گوهان:

این قصر درماربین اصفهان واقع و دارای تزیینات واشجار گـوناگون بـوده است[7].

۱۱ - قصر یحیی :

ظاهراً این قصر منسوب به یحیی برمکی‌بوده که درکنار زرین‌رود و کنار خندقین واقع شده بوده است.[8]

۱- محاسن‌اصفهان ص۸۴. ۲- محاسن اصفهان ص۵۶. ۳- جغرافیای‌اصفهان ص۲۵.
۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۴۷ . ۵ و۶ و۷- محاسن اصفهان ص۵۶ .
۸- محاسن اصفهان ص۵۷ .

۱۲ - قصر مغیرة :

این قصرهم درزمان تفوق اعراب در اصفهان احداث شده وشعرای تازی‌زبان درباره‌آن اشعاری سروده‌اند[۱].

۱۳ - قصرعلی بن‌رستم‌دیمرتی :

این قصر در دیمرت اصفهان واقع و از احداثات علی‌بن‌رستم دیمرتی بوده است و برادرزاده‌اش احمدبن‌القاسم‌بن علی رستمی در وصف‌آن قصر ومتنزهات‌آن چنین سروده است :

ضحك الربيع بمبسم الابرار	و بكى بعين سحة مدرار
فبد معه‌اكتست‌البسيطة نبتها	و بضحكه ضحكت ذری‌الاشجار
و اذا الرياح امالها فكانه	ثمل يميل لنغمة‌الاقمار
والنرجس الغض الجنی كانما	تدويره بشظيتی مدوار
حدقت به فوق الزبرجدفضة	تبكی شعاع كواكب الاسحار (۲)

۱۴ - قصر منشی :

این قصر را منشی‌الممالك شاه‌عباس‌که نامش میرزارضی بوده در محله‌ایکه امروزه بقصر منشی معروف‌است احداث واز میان رفته است.[۳]

۱۵ - قصر مورح :

این قصر دربازار عسکر اصفهان واقع و در قرون ۷و۸ دائر و از موقوفات سیدرکن‌الدین یزدی بر مدرسه او بوده است [۴]

۱- ازجمله شعرائی‌که درباره قصر مغیره شعرگفته‌اند ابوسعید رستمی مدینی است‌که مطلع آن چنین است:

سقى قصر المغيرة كل دان	اجش الرعد منهمر الغوالی

و دیگر شیخ ابوالرجاء حسن‌بن محمدبن‌عوذ‌که چنین‌گفته :

ظللنااليوم فی‌قصر المغيرة	و انوارالحدائق مستنيرة

که بعداز چند بیت دیگرچنین میگوید:

عيان‌الخلداوجنات عدن	لارشدنا الی قصرالمغيرة

محاسن اصفهان ص۵۷ و ۶۱. ونیز سعدمافروخی چنین‌گفته :

الی جسرالحسين فباغ بكر	فقصر مغيرة ففناء خندق.

۲- محاسن‌اصفهان ص۶۵. ۳- تاریخ‌اصفهان وری ص۱۰۰ ۴-فرهنگ‌مخطوط اصفهان بنقل از وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی ص۲۳۳۷.

۱۶و۱۷ ـ دوقصر درباغ تخت :

باغ تخت در مغرب چهارباغ واقع و قریب چهل‌هزار ذرع مساحت داشت و درآن باغ دوقصر بسیار عالی ساخته شده بود یکی رو بچهار باغ و دیگری رو بخیابان فرعی محل شمس‌آبادکه امروز خیابان شیخ‌بهائی خوانده میشود این‌باغ و قصور آنرا میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت و قطعه قطعه کرد و بدیگران فروخت[۱].

۱۸ ـ قصر سرپوشیده :

این قصر در دوره فتحعلی‌شاه [۲] در اصفهان ساخته شده ولی در این تاریخ اثری ازآن نیست .

۱۹ ـ قصر آینه‌خانه :

این قصر جزء باغ سعادت‌آباد درمیان مایل بشمال باغ بوده دارای طنابی زیبا و تالاری بزرگ‌آینه‌دار وبکمال خوبی ساخته وپرداخته شده بود و به قصر آینه‌خانه معروف [۳] وبین پل خواجو و پل جوئی قرار داشت. ودر (۱۳۱۹هـ.ق) بوسیله مأموران مسعودمیرزا ظل‌السلطان ویران‌گردید.[۴]

۲۰ ـ قصر قوشخانه :[۵]

این قصر در وسط باغ قوشخانه و بسیار وسیع و رفیع و دو طبقه بوده و در آن‌بیوتات وامکنه‌کثیره ملوکانه وجود داشته ودارای‌حوضهاوجداول‌وخیابان‌بندی

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵ ۲ـ سیف‌الدوله سلطان‌محمدمیرزا ساخته‌وظل‌السلطان درتزیین‌آن اقدام‌کرده(نصف‌جهان‌ص۳۶). ۳ـ نصف‌جهان ص۴۵. ۴ـ میرزامظفر ترکه این اشعار را در وصف‌آینه‌خانه در۱۰۷۶ سروده است:

فانوس و شمع قدسی و پا تا سرآینه — نقاش صنع لم یزل از سایه تو بست
این جلوه‌گاه‌کیست که ازهرطرف دراو — عشرت سرای شاه صفی دان کزو بود
رویت صباح عید ترا پیکر آینه — بر پرده‌های دیده هفت اختر آینه
صورت‌نمای گشته ز یکدیگر آینه — روشن چراغ اختر چشم هر آینه
خواند خط جبین ملایک بنه فلک — افتد اگر ز روی تو عکسی در آینه

نقل ازگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان‌ص۵۷۵

۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۰.

بوده و این قصر و باغ قوشخانه جزء خالصجات دولتی و در دوره قاجاریه محل خلعت‌پوشی بود ولی در این‌تاریخ جز منار قوشخانه اثری نه‌از باغ‌ونه ازقصراست.

۲۱ - قصر گلدسته :

این قصر درمیان باغ‌گلدسته واقع واز بناهای شاه‌عباس بزرگ‌صفوی‌است . مساحت باغ سی‌هزار ذرع بود این قصروباغ در این زمان تبدیل بخانه شده است .[۱]

۲۲ - قصر قاضی معز :

این قصر درمحله خاجوی کوچك اصفهان و متصل بدروازه حسن‌آباد واقع بود و متعلق بقاضی معز ازقضات دوره صفویه بوده است .[۳]

۲۳ - قصر علی‌بیك[۴] :

بانی این قصر علی‌بیك پسر علیمراد خان حاکم قندهار و در محله خاجوی کوچك اصفهان ومتصل بدروازه حسن‌آباد واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست .

۲۴ - قصر میر کشیك بیك درخاجوی کوچك .

۲۵ - قصر علیقلی‌خان. درخاجوی کوچك .

۲۶ - قصر حوابیگم معروف بقصر میرزارضی :

این قصر نیزکه درخاجوی کوچك ومتصل بدروازه حسن‌آباد اصفهان بوده از مستحدثات حوابیگم دختر شاه‌عباس و زن میرزا رضی منشی الممالك بوده‌است.

۲۷ - قصر هفت‌دست :

این قصر واقع بوده درباغ وسیع سعادت‌آباد اصفهان‌که پیش‌از احداث آن درسال ۱۰۵۶ه.ق مسکن‌گبران بوده شاه‌عباس دوم دستور دادگبران را بانتهای‌جلفا کوچانیده ونسبت باحداث باغ مزبور وقصرهای داخل‌آن اقدام نمایند.

۱- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۷ و جغرافیای اصفهان ص۲۴. ۲ - تاریخ‌اصفهان وری ص۳۴۷ ۳ و ۴- تاریخچه محله خواجو ص۱۴.

این باغ میان پل‌اللهوردیخان وپل خاجو ودرکنار جنوبی زاینده رود واقع بوده و روبروی این باغ باغی دیگر بنام باغ دریاچه در شمال رودخانه خودنمائی میکرده است، وضع طوری‌نشان میدادکه هردوباغ درحکم یك باغ است ورودخانه زاینده‌رود ازمیان آن میگذرد، این دو باغ بوسیله پل جوئی[1] بیکدیگر متصل میشدند . درباغ سعادت آباد قصرهائی وجود داشته‌که مهمترین آنها قصرنمکدان و قصر آینه خانه و قصر هفت دست بوده است . این قصر در سال (۱۳۱۸ هـ. ق) بامر مسعودمیرزا ظل‌السلطان خراب شده است والآن محل کارخانه وطن اصفهان است .

۲۸ ـ قصر نمکدان :

این قصر نیز در باغ سعادت‌آباد و بفاصله یکصدو پنجاه متر درجنوب قصر آینه واقع وبشکل‌مستدیری روی زمین‌بناشده بود زمین‌آن مرتفع وعمارت‌مثمن وسه طبقه وازطبقهٔ بالارودخانه پدیدار میگردید این‌قصر نیز درسال(۱۳۰۶ هـ. ق) بوسیله کارکنان مسعود میرزا ظل‌السلطان خراب گردید.[2]

۲۹ ـ قصر منظر: [3]

این قصر نیز ازجمله قصوری است‌که در دوران صفویه احداث واکنون جز اسم اثری ازآن نمانده است. امکان داردکه این‌قصر همان‌طبقه فوقانی‌قصر نمکدان باشدکه ازآن طبقه رودخانه زاینده رود دیده میشده‌است .

این‌بود عده‌ای از عمارات‌که بنام قصر معروف بوده وگرنه اغلب باغهای معروف دوران سلاجقه و صفویه درمیان یا در سر دربِ آنها عمارت و ساختمانهای شگرف و جالبی بوده‌که حکم قصر داشته است. قصر در اصطلاح[4] قدماء بعمارتی گفته میشده‌که محصور و فقط از نقطه معینی داخل و خارج میشده‌اند و بسیار استوار ساخته شده و مشرف بر ساختمانهای دیگر باشد .

۱ـ این پل درسال (۱۰۶۸ هـ.ق) ساخته‌شده. گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵.

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵.　　۳ـ آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص ۹۱.

۴ـ معجم‌البلدان ج۴ ص ۳۵۴.

۳۰ - قصر هفت هلکه یا قصر کهندز سارویه :

این قصر را رکن‌الدوله خمارتکین که درسال(۴۶۵هـ. ق) بسمت والی فارس انتخاب شده بود هنگام عبورازاصفهان‌بناکرد باین کیفیت که سر بنای کهندزسارویه را کند و بر آن قصری بساخت و سارویه را در زمان خمارتکین مـردم اصفهـان هفت هلکه میخواندند و این هفت هلکه درمیان شهرستان اصفهان واقع ومیان‌آن آبی خوشگوار بودکه منبع‌آن راکسی ندانست‌کجاست. واکنون آثاری ازآن قصر نیست. [1]

۳۱ - قصرغازی‌خان :

این قصر درمحله صالح‌آباد درچهارسوی اسفندیاربیك [2] دربازارحسن‌آباد اصفهان واقع بوده است[3]

۳۲ - قصر نقاره‌چیان هندی :

این قصر در قسمت محله خاجوی‌کوچك اصفهان واقع وازجملـه عمـارات صفویه بوده‌که از بین رفته است. [4]

۳۳ - قصر گاریچیان :

این قصر نیز در محله خاجوی کوچـك اصفهان و ازاحداثات دوره صفـویه بوده است. [5]

۳۴ - قصر میرزاطاهر وقایع نویس : [6]

این قصر نیز در قسمت محله خاجوی کوچك اصفهان‌که به حدود چهارباغ عباسی امتداد داشته واقع بوده است.

۳۵ - قصر تفنگدارباشی :

این قصر در قسمت خاجوی بزرگ اصفهان که بصحرا منتهی میشده واقـع

۱- فارسنامه ابن‌البلخی ص۳۵. ۲- همان چهارسوی نقاشی‌است‌که خراب وجزء خیابان شاه‌عباس گردیده است. (تاریخچه محله خـواجو ص۱۵). ۳و۴و۵و۶ - تـاریخچه محله خاجو ص۱۵ .

بوده است. [1]

هـ - باغهائی که بعداز اسلام احداث واکنون تنها اسم آنها باقی است:

۱ - باغ نقش‌جهان :

درمشرق و شمال چهلستون اصفهان واقع و درآن‌عمارات وباغچه‌های دولتی بودکه شاه اسماعیل از سلاطین صفویه ساخته بود وچهار حوض وپستخانه قدیم و خلوت‌های عدیده درآن باغ بود ولی دراین تاریخ‌فقط نامی ازآن مانده‌است. [2]

۲ - باغ چینی‌خانه :

این باغ نیز در زمان صفویــه در مجاورت چهلستون ساخته شده بــوده است. [3]

۳ - باغ خرگاه و کجاوه خانه :

این باغ درقسمت غربی چهلستون اصفهان واقع بوده است. [4]

۴ - باغ بادامستان :

باغی بود درعمارت هشت‌بهشت‌که بانو عظمی عمارت تلگرافخانه را از آن جدا نموده بود این باغ نخست به بختیاریها و سپس بجلال‌السلطنه واگذار گردید و دیگر اثری ازآن باغ نیست. [5] مساحت‌آن ۲۵هزارمتر بود. [6]

۵ - باغ بهشت‌آئین صفوی :

این باغ نیز از ساختمانهای‌صفویه و دارای عمارت ودراطراف‌باغ‌هشت‌بهشت بوده است واکنون باغ مزبورکه درکوچه فتحیه واقع است تبدیل به‌کالج‌دختران شده است. [7] و ظاهراً این باغ با باغ انگورستان یکی باشد.

۶ - باغ انگورستان :

این‌باغ ازنامش معلوم میشودکه باغ انگور بوده وآنراباعمارت‌خسروخانی

۱- تاریخچه محله خواجو ص۱۵. ۲- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۴۸. ۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۸۴. ۴ و ۵- تاریخ اصفهان وری ص۳۴۷. ۶- فرمان آنرا مرتضی‌خان نوری گرفت و قطعه قطعه فروش رفت (تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۴).
۷- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰.

بدست سردار اعظم داده بوده‌اند این باغ هم وصل به چهلستون بوده است [۱] باغ مزبور اندرونی صفویه بوده و افغانها بطمع دفینه خراب‌کردند [۲].

۷ - باغ رشك‌جنان:

این باغ در مجاورت کاخ هشت‌بهشت ودر اختیار بانوعظمی بوده است [۳]

۸ - باغ خیمه‌گاه :

این باغ هم درپشت چهلستون واقع بوده و اینك تبدیل بخانه و گاراژ و مغازه شده است [۴].

۹ - باغ سلطانعلی‌خان :

این باغ در حدود چهارده هزار ذرع مساحت داشته و مقداری هم ساختمان که از بین رفت. [۵]

۱۰ - باغ جزایرخانه :

این باغ در مقابل چهلستون بود واکنون تبدیل بخانه و باغات عدیده شده و مساحت‌آن با باغ جزایرخانه ۳۶ هزار متر بود. حاج محمد حسین‌کازرونی و غیر او درآن خانه‌ها ساخته‌اند . [۶]

۱۱ - باغ نواب :

این باغ هم از باغهای زمان صفویه بوده‌که عمارت داشته و از بین رفته است . [۷]

۱۲ - باغ گجاوه‌خانه :

این باغ نزدیك بازار صباغان اصفهان واقع و بیش‌از ۴۵هزار ذرع‌مساحت داشته میرزا احمدخان فاتح‌الملك فرمان صادرکرد ودست‌بدست فروخته خانه‌های بسیار شد [۸]

۱- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ .
۲ - گزارش میرزا علیخان نائینی در ۱۳۰۰ .
۳و۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.
۵- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۹.
۶و۷- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۴ .
۸- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۲ .

۱۳ - باغ احمد سیاه :

باغی بوده که احمدبن سیاه جد عبدالرحمن‌بن محمدبن سیاه در قرن سوم هجری دراصفهان ساخته و درزمان ملکشاه سلجوقی محل‌سکونت ترکان خاتون زن اوبود. این‌باغ بسیاربزرگ وتالارهای‌تو درتو وسقفهای بلند با قابهای منقش و مصور ودیوارهای گچبری شده و آئینه‌کاری و تالارهائی که دارای دیوار مشبك از چوب قرنفل خوش‌نقش و خوش تراش بود داشت[۱] و در کنار زاینده رود قسمت غربی اصفهان واقع بود .

۱۴ - باغ بکر :

این‌باغ درحدود ناژونان والیادران وباغ جنت واقع بوده است .[۲]

۱۵ - باغ معتمد خسرو :

این‌باغ ازباغهای دوران صفویه است که معدوم‌الأثر شده است .[۳]

۱۶ - باغ بیت‌المأ :[۴]

این باغ ازمستحدثات دورهٔ ملکشاه سلجوقی دراصفهان بوده است .[۵]

۱۷ - باغ کاران :

این‌باغ نیز ازبناهای ملکشاه سلجوقی است که دراصفهان احداث کرده و محل آن ظاهراً محلهٔ باغات امروزی وقسمتی از محله خاجو بوده است و خواجه حافظ شیرازی و دیگران نیز درتوصیف آن مطالبی نگاشته واشعاری سروده‌اند .

خواجه حافظ دروصف این‌باغ چنین‌گفته :

گرچه صد رود است در چشمم‌مدام　　　زنده رود و باغ کاران یاد باد

عبداللطیف‌خجندی نیز چنین‌گوید :

اصفهانا در آرزوی توام　　　گشته انده فزای و شادی کم

۱ـ فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل ازآشیانه عقاب ص۱۴۳۳.　۲ـ تاریخ اصفهان‌وری ص۴۰۹　۳ - آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۱.　۴ - درتاریخچه محله خاجو ص۸ بنقل از سلجوقنامهٔ بیت‌المال ذکر شده است.　۵ - راحة‌الصدور ص ۱۲۹

عکس شکلت بخواب میجویم | زنده رودت در آب میجویم
مار ببینت که نسخهٔ ارم است | آفتاب اندر او درم درم است
هریك از باغهاش صد بیشه | گم شده در میانش اندیشه
سبزه زار فلك زغایت رشك | چهره‌کرد است ازستاره پر اشك
برد گلزار تو ز چرخ کلاه | رفت آب ارم ز آتشگاه
هر که اکنون به باغ کاران‌است | گو نگه‌دار جا که‌کار آن است[1]

۱۸ - باغ دشت گور :

باغی است که ملکشاه سلجوقی در دوره سلطنت خـود در اصفهان احـداث کرده است .[2]

۱۹ - باغ تاج آباد :

این‌باغ طبق فرمان شاه‌عباس اول در اطراف نطز ساخته شده بوده‌که هنگام تفرج وصید وشکار گاهگاهی درآن باغ اقامت میکرده است .[3]

۲۰ - باغ تخت :

این باغ از مستحدثات صفویه و در مغرب چهارباغ اصفهان واقع و تقریباً چهل هزار ذرع مساحت داشت .

میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت وآنرا قطعه قطعه کرده بفروش رسانید . این باغ دوقصر داشت یکی روبچهار باغ‌ویکی روبخیابان فرعی‌شمس‌آباد (خیابان شیخ‌بهائی‌کنونی) .[4] پیش‌از اینکه ناظر مزبور فرمان‌بگیرد باغ‌تخت در مقابل عیادت به‌حاج میرزا محمد باقر حکیم بعنوان حق‌القدم از طـرف مشیر انصاری داده شد ولی مرحوم حکیم ردکرد ونپذیرفت .[5]

---

۱ - ترجمه محاسن اصفهان ص۲۹. ۲ـ راحة‌الصدور وآیة‌السرور در تاریخ‌آل‌سلجوق ص ۱۳۹. ۳ـ فرهنگ اصفهان مخطوط ص ۱۴۴۱. ۴ - تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵ . ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۶۰ .

۲۱ - باغ طاوس‌خانه :

این‌باغ ازبناهای شاه عباس دوم و در مشرق چهارباغ و ضمیمه باغ پهلوان حسین بود ومادی نیاصرم از میانش میگذشت و در وسط این دو باغ ساختمانهائی از شاه‌عباس دوم وجود داشت، مساحت آن بیش‌ازچهل هزار ذرع بود این دوباغ‌هم به اربابی میرزا هادیخان پیشخدمت و ندیم مسعود میرزا ظل‌السلطان داده شد و سپس دست بدست گشت تا اینکه قسمتی از آن مدرسه ستاره صبح و قسمتی هم عمارت‌گردید.[1]

۲۲ - باغ پهلوان حسین :

این‌باغ هم ازمستحدثات زمان صفویه وشرح آن‌گذشت .

۲۳ - باغ محمد علی حیدر :

این باغ نیز ازبناهای زمان صفویه است‌که علیرضاخان فرمان آن‌را گرفته وازبین برد .[2]

۲۴ - باغ سیف‌الدین معروف به باغ آلبالو :

این‌باغ نیز ازمبانی زمان صفویه که دارای هیجده هزار متر مساحت و در تصرف میرزا علی محمد مستوفی‌گلستانه بود وسپس تبدیل بباغ وعمارات‌گوناگون گردید .[3]

۲۵ - باغ نسترن :

باغی‌بوده که در زمان صفویه احداث وکنار مادی نیاصرم اصفهان و وصل برودخانه بود ومیرزاتقی‌اشراقی ملقب به امین‌الشریعه با باغهای دیگری‌برد .[4]

۲۶ - باغ ناظر :

باغی‌بوده‌که مقداری عمارت‌هم داشته ودرب آن دربازار مسگران بازمیشده است و درب جدائی‌هم داشت .[5] قریب سی‌وپنجهزار ذرع مساحت داشت محمود

---

۱ و۲ و۳ و۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶.   ۵ - تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.

آقاخان پس از بنان‌الملك فرمانی گرفت ودست بدست‌گردید .[1]

۲۷ - باغ میرزا مهدیخان :

این باغ در محله تلواسکان واقع و از آثار میرزا مهدیخان اعتمادالدوله و صدرالممالك شاه عباس‌ثانی‌معروف به امیراشرف است‌که در (۱۰۷۹ هـ . ق) مقتول شده . باغ مزبور وقفی[2] ومساحت آن بیش‌از۲۷ هزار ذرع بوده است فرمان‌آنرا مصطفی قلی‌خان فراشباشی گرفت وبعدها تبدیل بعمارات شد .[3]

۲۸ - باغ بابا امیر :

این‌باغ درچهارباغ اصفهان واقع وسی وسه هزار ذرع مسافت داشت و دارای سردرب وعمارت بود و در دوران صفویه احداث شده بود فرمان از ناصرالدین‌شاه گرفتند وبعدبملکیت صارم‌الدوله درآمد وقطعه قطعه‌کرده بدیگران فروختند.[4]

۲۹ - باغ قراخان :

این‌باغ درلب رودخانه اصفهان درقسمت شمالی آن واقع بوده است .[5]

۳۰ - باغ صالح آباد :

این‌باغ میان چهار باغ کهنه ونو واقع ومانند مینو بود و در آن خانه هائی از مردم ثروتمند وجود داشت بنام آقا عبدالحسین فرمان دادند و تبدیل بعمارات گوناگون گردید .[6]

۳۱ - باغ نظر :

این باغ دراصفهان واقع وازمستحدثات زمان صفویه بود ومساحت‌آن چهل وپنج‌هزار متر ومادی نیاصرم ازوسط آن‌میگذشت. شیخ‌حسن شیخ‌العراقین فرمان گرفت و اولادش فروختند وقسمتی را حاج زین‌العابدین و مختصری‌را دکتر جواد خرید .[7]

۱- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۲. ۲ - تاریخچه محله خواجو ص۸۷. ۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶. ۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۲. ۵ و۶ و۷- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷.

۳۲ - باغ نگار :

بین پل انجیری و باغ قوشخانه واقع بوده است .[۱]

۳۳ - باغ کلعنایت :

این باغ از بناهای کلعنایت مسخره شاه عباس است که دارای شکمی بزرگ بوده مساحت باغ بیش از هشتادو پنجهزارمتر ومیان دربدشت وخاوجان واقع شده بود وآنرا میرزا حسین‌خان ضابط اسناد خرج بنام دامادش سیف‌الله خان صدری مجاهدالسلطنه گرفت و انتقالاتی شد بحاج مشیرالملك و غیره و بتدریج از بین رفت .[۲]

۳۴ - باغ قوشخانه :

باغی‌بود درنزدیکی باغ لنجانی‌که از آنجا بطرف زینبیه میروند و درآن باغ قوشهای سلطنتی را نگاهداری میکردند .[۳]

۳۵ - باغ صدر جهان :

باغی بوده که قاضی صدر جهان از علمای دوره شاه عباس اول احداث کرده است .[۴]

۳۶ - باغ شرکت هند وهلند .

باغی بوده در زمان شاه‌عباس اول‌که محل شرکت هندوهلند و در نزدیکی محله بی‌نقابان (روسبیان) واقع بوده است .[۵]

۳۷ - باغ شاه :

باغی بوده در اصفهان‌که بدربارشاه متصل و پس‌ازتماشای چوگان‌بازی برای استراحت بآن باغ میرفته‌اند.[۶]

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .

۲- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۷۱ .

۳ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .

۴- ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء .

۵ - زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۵۶.

۶- زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۰۵.

۳۸ - باغ سهیل :

این باغ دریکی از محلات اصفهان بنام باغ سهیل واقع بوده است.[1]

۳۹ - باغ سلم :

باغی بوده که خانه محمدبن یحیی بن ابان دراصفهان در آن بوده و مردم اطراف آن چادر میزدند و ابوعلی لغذه از علماءِ ادب ونحو درآنجا برای مردم تدریس میکرده است. دروازه باغ سلم نیز منسوب بآن میباشد[2]

۴۰ - باغ عبدالله :

این باغ که بانی آن عبدالله نامی بوده و پیش از قرن چهارم میزیسته در محله جوباره اصفهان واقع بوده است. از منسوبان باین باغ است :

ابوعبدالله محمدبن سعیدبن اسحاق قطان باغ عبداللهی[3]

۴۱ - باغ عیسی بن ایوب :

باغی بوده در اصفهان که ازیك طرف بمحله خشینان وازطرف دیگر به محله کوراء و ملنجه محدود بوده است وخشینان ویهودیه که جوباره کنونی باشد درقرن چهارم هجری در دو طرف باغ مزبور واقع بوده است[4] از منسوبان آن باغ است : ابومحمد عیسی بن ایوب بانی آن باغ و دیگر سندیله عبدالله بن داود عابد باغ عیسائی.[5]

۴۲ - باغ فراشخانه :

این همان باغی است که قصر فراشخانه درآن ساخته شده بود ودرطرف شمالی مقابل چهلستون بود. این باغ درسال (۱۳۱۴هـ. ق) بامر مسعود میرزا ظل السلطان

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲. ۲ـ ابوبکرمحمدبن حسنو متوفی بعد(۳۶۰) وابومسلم نوح بن منصوربن مرداس سلمی متوفی (۲۹۵) از مردم محله باغ سلم بوده‌اند. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ ومعجم الادباء ج۸ ص۱۴۰). ۳ـ ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۷۲ وص۲۷۴. ۴ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱ـ۱۹ ۵ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸.

خراب گردید.[1]

۴۳ - باغ فلاسان :

این باغ از مستحدثات ملکشاه و هزار جریب مساحت داشت و در اطراف چهارباغ اصفهان واقع بود واکنون جز اسم اثری ندارد[2]

۴۴ - باغ علی‌بن سهل :

این باغ در محله طوقچی اصفهان واقع و[3] بخانقاه علی‌بن‌سهل پیوسته بوده است.

۴۵ و ۴۶ - باغ توپخانه و باغ عسکر :

این دو باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی واقع و درحدود چهل وچهار هزار متر مساحت داشت و در دست میرزاآقاخان محاسب‌الدوله و میرزاعلی‌اکبرخان سرتیپ بود وقسمتی ازآن نیز بدیگران منتقل‌گردید.[4]

۴۷ - باغ گلدسته :

این باغ محتوی بر قصری بوده‌که شرح آن نوشته شد و از بناهای‌شاه‌عباس بزرگ بوده است.[5]

۴۸ - باغ لنجانی :

باغی بوده درنزدیکی باغ قوشخانه که ازآنجا بطرف زینبیه میروند و اکنون آنجا خیابان هاتف است.[6]

۴۹ - باغ مابان :

این باغ درقرن پنجم هجری درمحله جورجیر اصفهان در زمان المقتدر بالله عباسی وجود داشته است.

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۴. ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۶.
۳ـ اصفهان جوانان ص۲۰۵. ۴ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۵۶. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵. ۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۳.

۵۰ - باغ ستاره :

از باغهائی است که در زمان صفویه درخیابان چهارباغ بالا واقـع بـوده و اکنون نام‌آن باقی است.[۱]

۵۱ - باغ زرشك :[۲]

این باغ درمحل فعلی کارخانه صنایع پشم اصفهان واقع بوده و وقتی کـه‌از پل‌اللهوردیخان بطرف عباس‌آباد عبور میکردند باغ مزبور درخیابانی واقع‌بودکه شیب‌زیادی‌داشت ودردوران صفویه‌درباچه‌ای‌بوده‌است‌که ازهزارجریب‌بآن‌میریخته و درحدود چنار باغ زرشك‌که اکنون هم‌وجود دارد آبشاری تشکیل میداده است.

مساحت باغ زرشك در حدودهشتادهزار مترمربع و سر در آن‌مشتمل بـر عماراتی مفصل و مجلل بوده است وگلهای رنگارنگ‌آنرا احاطه‌کرده بوده و بر بالای سردرآن تالارها وغلام‌گردشهائی بودکه منظره رودخانه وکوه و جلفا و باغ وسیع سعادت‌آباد و هزار جریب درسمت مشرق آن بر صفای این عمارت و بـاغ میافزوده است. این باغ را سیدشهاب از ناصرالدین‌شاه فرمان‌گرفت و به آغاباشی فروخت و امروزه کارخانه ریسباف است.[۳]

۵۲ - باغ مراد :

باغی بوده دراصفهان‌که اکنون جای آن محله نو خوانده میشود.[۴]

۵۳ - باغ منوچهرخان معتمدالدوله :

این باغ زیاد وسیع و کلاه فرنگی وسطش بسیار عالی و دو طبقه و خـوش طرح بود بطوریکه کلاه فرنگی نظائر تهران با اندك تصرفی از روی آن ساخته شده بود، خلوتها وعمارات دیگری هم در اطراف باغ داشت[۵]این باغ هـم قسمت شده وتبدیل بعمارات مختلف‌گردید.[۶] باغ‌مزبوردرمحل معروف‌به‌پشت مطبخ‌واقع

۱ـ تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص۱۸. ۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۴۸۷.
۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰. ۴ـ الاصفهان ص۸۴. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵. ۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷.

بودکه منتهی بقسمت جنوبی میدان شاه میگردید.[۱]

۵۴ - باغ عموطاهر :[۲]

این باغ درپشت باغ آلبالو دراصفهان واقع وبیش‌از سی‌هزار ذرع مساحت داشت قسمتی ازآن در دست حاج میرزاحسین‌بنکدار و برادرانش میباشدوتبدیل بعمارت گوناگون شده است .

۵۵ و ۵۶ - باغهای : زین‌خانه و فتح‌آباد :

این دوباغ درمشرق چهارباغ اصفهان واقع بودند و مساحت آنها بحدود شصت‌هزار متر میرسید و در جلو مدرسه چهارباغ و از موقوفات شاه سلطان‌حسین بود، بباغات کوچك و عمارات مبدل‌گشت وکارخانه‌های نجاری و آهن‌بری در آن ساخته‌اند .[۳]

۵۷ - باغ دمور :

این باغ میان هشت‌بهشت و پشت مسجدشاه واقع بوده است.[۴]

۵۸ - باغ شیرخانه :

این باغ هم در طرف شرقی چهارباغ اصفهان در محلی که امروز بکوچه شیرخانه شهرت دارد واقع و معبرش از باغ پهلوان‌حسین بوده است. در این باغو سایر باغها آثار عمارات عالی و سردرب‌ها وجود داشته ولی درقرن حاضر از روی عمد همه‌آن‌آثار را محو و تبدیل بعمارات دیگر گردید و در واقع آثار باستانی را از میان بردند.[۵]

۵۹ - باغ علی‌قاسم :

این‌باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی‌واقع وحدود چهارده هزار ذرع‌مساحت داشته وبتدریج از صورت اولیه خارج‌گردیده است .[۶]

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۸ .　　۲ و۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶.
۴و۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷ .　　۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۸.

۶۰- باغ حاج باقر :

این باغ در همان خیابان چهارباغ واقع و پانزده هزار ذرع مساحت داشت و حاج ابراهیم آقا فرمان گرفت وبصورت دیگری درآمد.[۱]

۶۱- باغ فیل خانه :

این باغ که فیلخانه بود و در خیابان چهار باغ اصفهان واقع بود همان حاج ابراهیم آقا بضمیمه سردرب وعمارت فرمان گرفت وآنرا دگرگون ساخت.[۲]

۶۲- باغ قورچی‌باشی علیا :[۳]

این باغ درچهارباغ بالای اصفهان واقع بود وزمان شاه‌عباس بانی باغ منصب قورچی‌باشی داشته. مساحت آن تقریباً بیست وششهزارذرع بود، میرزاجعفربیدآبادی فرمان صادرکرد و بصورت دیگری درآورد.[۴]

۶۳- باغ قورچی‌باشی سفلی :

این باغ نیز که‌از مبانی صفویه بود در چهارباغ بالای اصفهان واقع و قریب سی هزار ذرع مساحت داشت میرزاتقی اشراقی درزمان مظفرالدین شاه قاجار فرمان‌گرفت ودیگرگون‌گردید.[۵]

۶۴- باغ ایشك آقاسی :

این باغ هم در چهارباغ بالای اصفهان واقع و سی هزار ذرع مساحت داشت و آنرا هم میرزاتقی اشراقی در زمان مظفرالدین شاه فرمان گرفت و در آن تصرفات کرد.[۶]

۶۵- باغ قرچقای‌خان :

این باغ نیز درچهارباغ بالای اصفهان واقع‌ومساحتش‌تقریباً بیست‌وپنجهزار ذرع بود آنرا نیز میرزاتقی اشراقی در(۱۳۰۳ه.ق) فرمانی چاپی برای تملك‌آن در دست داشت ودرآن عمارات‌گوناگون ساخته شد.[۷]

۱و۲- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۵۸.   ۳و۴و۵و۶و۷- تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰.

۶۶ـ باغ توشمال باشی :

این باغ بسیارعالی و وسعتش از باغهای دیگر بیشتر بود سلطان‌حسین‌میرزا نواده علیشاه ظل‌السلطان فرمان‌گرفت و در اثر معامله شرطی بامیرزاتقی اشراقی درتصرف نامبرده اخیر درآمد و مانند دیگر باغات دیگر گون شد.(۱)

۶۷ ـ باغ داروغه :

این باغ هم درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و درحدود شانزده هزار ذرع بودکه حاج ابراهیم‌آقا فرمان‌گرفت و او خالوزاده مسعودمیرزا ظل‌السلطان بود .(۲)

۶۸ـ باغ رضاقلی‌خان :

این باغ هم در خیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و بیش از دوازده هزار ذرع مساحت داشت ، برای این باغ توسط ابراهیم آقای فوق‌الذکر فرمان گرفته شد و دگرگون‌گردید.(۳)

۶۹ ـ باغ خواجه :

این باغ هم مانند باغ رضاقلیخان درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع بود و ابراهیم‌آقا آنرا با فرمان تصرف و دگرگون ساخته است.(۴)

۷۰ ـ باغ داروغه دفتر :

برای این باغ که در اصفهان واقع بود بضمیمه سر درب آن آقاکمال‌الدین شریعتمدار اصفهانی فرمان‌گرفت ومساحت‌آن قریب پانزده‌هزارذرع بود و سپس دست بدست‌گشته واز صورت نخست درآمد .(۵)

۷۱ ـ باغ وقایع نویس :

این باغ که محل سکونت وقایع نویس وقت بوده و با سردرب آن بیست‌وهشت‌هزار ذرع‌مساحت داشت مانند باغ پیش‌گفته شریعتمدار اصفهانی‌فرمان گرفت و تصرفاتی درآن بعمل‌آورد .(۶)

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰ .   ۲و۳و۴و۵و۶ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱.

۷۲ - باغ دیوان بیگی :

این باغ را هم که دراصفهان واقـع و بیست و پنجهزار ذرع مساحت داشت شریعتمدار بوسیله فرمان متصرف وآنرا تغییر صورت داد.[۱]

۷۳ - باغ تفنگچی آقاسی :

این باغ‌راکه دراصفهان واقع وسی‌هزارذرع مساحت‌داشت درسال(۱۳۱۲هـ.ق) حاج‌میرزاحسین‌خان ولد میرزانصرالله خان‌مستوفی فرمان‌گرفته وبه محمدحسین گیوه‌فروش‌فروخت ولی شریعتمدار مانع تصرف‌او شده خود در دست داشت وآنرا دگرگون ساخت .[۲]

۷۴ - باغ چرخاب صفوی:

این باغ درناحیه۴ اصفهان واقع و درحدود بیست‌وهشت‌هزار ذرع مساحت دارد این‌باغ وباغهای‌دیگری‌را میرزامهدی‌بن‌ملاهاشم‌بنام اولادش: میرزاحیدرعلی و حاج‌میرزا احمد و برادرزادگانش : میـرزا حسن و میـرزا حسین پسران میرزاعبدالوهاب فرمان‌گرفت و دست‌بدست بدیگران منتقل‌کردند.[۳]

۷۵و۷۶ ـ باغ قوشچیان و غلامان مطبخ :

این دو باغ شانزده‌هزار ذرع مساحت داشت‌که میرزامهدی فرمان‌گرفت.[۴]

۷۷ - باغ میر آخور شاه‌عباس :

این باغ دراصفهان واقع ودرحدودهیجده‌هزارذرع‌مساحت داشت.محمودخان فرمان تصرف‌آن راگرفت وفروخت وقطعه قطعه‌گردید.[۵]

۷۸ - باغ مهردار شاه‌عباس :

این باغ هم‌که دراصفهان ودر اطراف چهارباغ بود قریب سی‌وچندهزارذرع مساحت داشت رضاخان نامی فرمان‌گرفت و دست بدست‌گشت.[۶]

۱و۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱.　　۳و۴و۵و۶ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۳۶۲.

۷۹ - باغ جلودار :

این باغ هم درحدود بیست‌وپنجهزار ذرع بود و مورد تصرف اشخاص واقع و قطعه قطعه گردید.[۱]

۸۰ - باغ جون کمر :

این باغ درحدود باغ سعادت‌آباد بوده وسی و دو هزار ذرع مساحت داشته و آنرا حاج ابراهیم‌آقا سعیدالملك فرمان گرفته و دست بدست گشته است.[۲]

۸۱ - باغ درب کارخانه :

این باغ نیز درهمان اطراف واقع و سی‌وشش‌هزار ذرع وسعت داشت و آنهم جزء فرمان سعیدالملك بود.[۳]

۸۲ - باغ کلاه شاه :

این باغ هم که دراطراف سعادت‌آباد بود سی‌وچهار هزار ذرع مساحت داشت وسعیدالملك فرمان آنرا گرفت.[۴]

۸۳ - باغ سپهسالار :

درهمان اطراف بود وبیست وششهزار ذرع وسعت داشت وفرمان‌آنرا همان سعیدالملك گرفت ودست بدست گردید.[۵]

۸۴ - باغ محمود صفوی :[۶]

این باغ بانضمام تکیه‌آن بیست و شش‌هزارذرع مساحت داشت و عمده آنرا میرزا فضل‌الله خان دهش ضبط کرد.

۸۵ - باغ بهارستان :

این باغ‌هم درهمان حدود باغ سعادت آباد معروفیت داشت که فعلاً اثری از آن نیست.[۷]

۸۶ - باغ برج و ۸۷ - باغ حاج صالح :

این دو باغ در مشرق چهارباغ نو و راه پل خاجو واقع و بیش از یکصد و

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۲ .   ۲و۳و۴و۵و۶و۷- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۴.

چهل هزار ذرع وسعت داشتند درسال (۱۳۰۳ ه . ق) بمیرزاعلی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء و میرزا مسیح خان حافظ‌الصحه فرمان چاپی دادند و سهم ناظم‌الاطباء را سادات خاجوئی خریدند وامروز قسمتی ازباغ برج را آقایان تجار روغنی محل شرکت وکارخانه بافندگی بناءِ نهاده‌اند .[1]

۸۸ - باغ جشاران = جوشاران = گوش‌آران :[2]

این باغ که معلوم‌میشود سابقه طولانی‌دارد و دراصل گوش آران بوده‌که‌گوش نام قدیم جهودان بوده واز اینرو دروازه جوباره را در قدیم‌گوش‌بر مینامیده‌اند و سپس معرب شده به جوشاران‌یاجشاران تبدیل‌گردیده‌است . وسعت آن هفتادهزار ذرع و در طرف پل‌خاجو واقع بوده است .[3]

۸۹ - باغ جعفرخان :

این باغ نیز درطرف پل‌خاجو واقع و تبدیل باراضی زراعتی شده و اگرهم ساختمانی داشته ازبین رفته است .[4]

۹۰ - باغ جلوخان :

درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائراست .[5]

۹۱ - باغ حبشی‌خانه :

این باغ‌هم درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائر است .[6]

۹۲- باغچهٔ یخچال :

این‌باغچه هم دراطراف هفت دست بوده ولی اکنون از میان رفته است .[7]

۹۳ - باغ عباس‌آباد :

این‌باغ در طرف غرب چهار باغ که بطرف محله عباس‌آباد اصفهان میرفت واقع شده بود واز بناهای شاه عباس بود واکنون محله عباس‌آباد نیز درمحل‌همان باغ است . قسمت شرقی‌آن باغ را نیزعباس‌آباد میگویند . و چون این باغ هزار

۱و۲- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۴ و ۳۶۵   ۳- در مجله ارمغان سال اول شماره ۱۰۶۹ ص۶۰ خوشاران نوشته شده است .   ۴و۵و۶و۷- تاریخ‌اصفهان ص۳۶۷.

جریب مساحت داشت به‌باغ هزارجریب نیز شهرت یافت.[1]

۹۴ - باغ خیاطخانه :

این باغ جنب چهلستون بوده ودوازده هزارذرع وسعت داشت وخانه ومغازه شده است.[2]

۹۵ - باغ توحید خانه :

باغی بوده که خلیفةالخلفای صوفیان در شبهای جمعه درویشان و صوفیان را جمع ودرآن باغ بذکرمشغول میشدند و درهمین شبها مقداری نان وحلوا بانظارت او میان درویشان وصوفیان تقسیم میگردید[3] واین باغ درپشت عالی قاپو وتالار طویله واقع و درکنار آن خلوتهای تو درتو و وسطش گنبد بسیار وسیع وعجیب‌الشکل ومرتفعی بوده است.[4]

۹۶ - باغ خلیل :

۹۷ - باغ مستمند یا مستمن :

این‌دوباغ با باغ توحید خانه وبرج باغ مستمند در حدود شصت هزار ذرع وسعت داشته‌اند وتبدیل بخانه شده‌اند.[5]

۹۸- باغ محمد امین :

این باغ درطرف جنوبی باغ تخت بوده که محل آن امـروز خیابان شیخ بهائی است وتبدیل بخانه شده است.[6]

۹۹ - باغ جنت :

این باغ در شمال‌رودخانه زاینده رود ومجاورمحلهٔ لنبان واقع‌بوده است.[7]

۱۰۰ - باغ فرح‌آباد :

این‌باغ‌که بعدها به‌کاخ فرح‌آباد معروف‌گردیده در دامنه‌کوه صفهٔ‌اصفهان

---

۱ ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷ .
۲ ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵ .
۳ــ زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۴۰۷.
۴ــ جغرافیای اصفهان ص۲۵ .
۵و۶- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵.
۷- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۲۳.

بنا وبانی آن شاه سلطان حسین صفوی بوده است .

شاه سلطان حسین در ماه شعبان سال (۱۱۲۳ هـ . ق) بباغ فرح آباد نزول و در دوم شهر رمضان همان سال مراجعت کرد و فرمان داد که در باغ مزبور بسرکاری ابراهیم آقا یوزباشی عمارت کنند واز جمعی از مقربان دربار نیز خواسته شد که درحوالی باغ عمارت کنند و از آن جمله بعلامه مجتهدالزمان میرمحمد باقرمدرس مدرسه‌سلطانی نیز تکلیف عمارت گردید و آن عالم بزرگوار با عدم تمایل ناچار بخریدن زمینی و بنای عمارتی گردید و مقدار ده جریب شاه از آب نهر سعادت آباد باو ارزانی شد، در آن سال شاه باغ فرح آباد و بقیه زمین سعادت آباد را نیزوقف کرد .

بنای این باغ وعمارات داخل آن بسیار سست وبیشتر آن ازخاك وخشت بود وازنظر هنری ارزشی نداشته وآنجا کاخ تابستانی شاه بوده است . طول این باغ یك فرسنگ وعرض آن تقریباً نیم فرسنگ بوده است ، از وقایع مهم این کاخ ورود محمود افغان درآن وتسلیم شاه سلطان حسین در یازدهم محرم (۱۱۳۵ هـ . ق) میباشد . وازآن روز ببعد فرح آباد رو بویرانی گذارد و اکنون جز ویرانه هائی درجنوب جاده اصفهان بدستگرد چیز دیگری باقی نمانده است . [۱]

۱۰۱ - باغ هزارجریب :

پس‌ازعبور ازچهارباغ وپل زاینده رود وارد خیابانی میشودکه اطراف آن جوی شکل است وازآن خیابان وارد زمینی مربع شکل میگردد که معروف به باغ هزار جریب است ودارای عماراتی عالی وآبشار زیادبوده وظل‌السلطان مسعود میرزا پسر ناصرالدین‌شاه آنرا خراب کرد . [۲]

۱۰۲ - باغ وعمارات هفت دست خاقانی :

این‌باغ وعمارات راکه بهفت دست معروف است‌صدر اصفهانی برای‌فتحعلی-

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان وذیل وقایع‌السنین ص۲۷۳ .

۲- الاصفهان ص۴۲ .

شاه ساخت ولی بتدریج مخروبه واز بین رفت.[1]

۱۰۳ - باغ بهشت برین :

این باغ نیزاز بناهای زمان فتحعلی شاه قاجار بوده که ویرانه شده‌است.[2]

۱۰۴ - باغ درب سنگ :

این باغ که در دوران صفویه ساخته شده دارای عماراتی نیز بوده که بتدریج ازبین رفته است.[3]

۱۰۵ - باغ وعمارت کرکس صفوی :[4]

۱۰۶ - باغ نارنجستان صفوی :

این باغ هم ظاهراً در نزدیکی باغ بادامستان و چهلستون بوده و بتدریج خراب و ویران وتبدیل بامکنه دیگری شده است.[5]

۱۰۷ - باغ و عمارت کاخ صفوی :

این باغ و عمارات آن نیزکه در اطراف عمارات دولتی بوده معدوم‌الاثر گردیده است.[6]

۱۰۸- باغچه وعمارت حمام صفوی:

این باغچه وعمارات وابسته آن نیز خراب ومعدوم‌الاثر گردیده است.[7]

۱۰۹ - باغ محمد علی صدری :

این باغ که از دوره قاجاریه است نیز معدوم‌الاثر گردیده است.[8]

۱۱۰ - باغ محمد علی‌خان :

۱۱۱ - باغچه نواب صفوی :

هردوباغ وباغچه وعمارت آنها ویران شده است.[9]

۱۱۲ - باغ وعمارت قادرخان صفوی

۱و۲- مجله ارمغان سال‌اول شماره ۹ و ۱۰ ص۵۹ . ۳- آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲. ۴- مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص۵۹. ۵و۶و۷و۸- مجله‌ارمغان سال۱ ، شمارهٔ۹و۱۰ ص۶۰. ۹- مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص ۶۱ .

۱۱۳ - باغ وعمارت صفی‌میرزای صفوی :

این باغ در بیرون دروازه در دشت واقع بوده و در اثر عدم توجه و بروز حوادث ویران‌گردیده است وجزنام اثری ندارد . (۱)

۱۱۴ - باغ وعمارت رضاقلی‌خان صفوی :

این باغ نیز که در دوران صفویه احداث شده و دارای عمارت نیز بوده مانند سایر عمارات‌آن زمان ویران شده است(۲)

۱۱۵- باغ لب مادی صفوی :

این باغ هم که لب مادی واقع واز احداثات صفویه بوده خراب‌ومعدوم‌الاثر گردیده است. (۳)

۱۱۶ - باغ وعمارت ملك صفوی :

این باغ وعمارت نیز که از دوران صفویه ودر اطراف چهارباغ بوده بتدریج ویران وبلااثر شده است. (۴)

۱۱۷ - باغ وعمارت چشمه صفوی :

این باغ و عمارت‌که احداث آن مربوط بدوران صفویه و در لنجان واقع بوده بتدریج از بین رفته است. (۵)

۱۱۸ - باغ وعمارت کومه صفوی درلنجان :

این باغ وعمارت‌آن درلنجان واقع وگویاشکارگاه شاه‌عباس بوده واشعاری‌در وصف‌این‌کومه نیزسروده‌اند وشرح‌آن‌چنین‌است‌که‌شاه‌عباس‌درلنجان‌جای‌مخصوصی برای صید و شکار پرندگان ساخته بود. درماه شعبان‌سال (۱۰۱۷ه . ق)که بعزم‌شکار بآن‌ناحیه رفته‌بود بزمینی‌رسیدکه بسیار سبز وخرم و ازکنارآن نهرآبی‌میگذشت و پرندگان آبی وهوائی درآنجا بسیار دیده میشد، پس دستور دادکه درآن زمین عمارتی‌دوطبقه بااطاقها وایوان‌های‌زیبابناکردند وبرابرآن‌دریاچه‌ای‌بزرگ‌ساختند

---

۱ و ۲ و ۳ و ۴- مجله ارمغان سال ۱ شماره ۹و۱۰ ص۶۱ ۵- آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲

وکنار دریاچه کومه‌ای که‌دیوارهای کاشی داشت برای پرندگان آبی و پشت آن کومه علفزاری ترتیب دادند. درمیان دریاچه نیز جزیره کوچکی بصورت مربع مستطیل ساختند که با پلی بساحل مربوط میشد، وچون پل‌را برمیداشتند دیگر کسی به آن جزیره نمیتوانست رفت. اطراف دریاچه راهم بانواع گلهای سوسن وهمیشه بهار وشببو و قرنفل آراستند، وپشت آنرا تایك‌جریب یونجه کاشتندکه همیشه سبز باشد. گردآن یونجه‌زار نیز ازهرسو چنارها نشاندند، ودورچنارها خندقی‌عمیق کندند، تاجانوران وحشی بآن محوطه وعمارت داخل نتوانندشد. گرد خندق نیزنی کاشتند که چون سبزگردد خود دیواری دیگر شود.

ازآن‌پس همه‌سال شاه برای شکار پرندگان باین‌مکان میرفت و آنرا کومه سگ‌علی نام داده بود درآنجا همیشه انواع غذاها و مشروبها ولوازم زندگی‌ازفرش و خوابگاه و وسائل روشنائی فراهم‌بود وبهمین‌سبب نیزیکی‌از شاعران تاریخ‌اتمام بنای آن را درجمله:کومه پرنعمت سگ‌علی پیداکرد.که بحروف جمل‌مطابق‌عدد هزاروبیست وسه (۱۰۲۳) هجری میشود و ذوقی معروف به‌علیشاه‌اردستانی‌ازشعرای دربارشاه‌عباس ومردم اردستان درتاریخ شروع آن این‌قطعه را سروده است:

شاه عباس آنکه در هنگام صید	شیر گردون بستهٔ فتراك او است
صید گاهی ساخت در ملك عراق	صید گاهی کاسمان را آبرو است
صیدگاهی آنچنان تا ساخته	صید از شادی نمیگنجد بپوست
شاه آنجا چون کمین سازد بصید	همچوجان درقالب ومی‌درسبواست
گفت ذوقی از پی تاریخ آن :	« صیدگاه پادشاه صید دوست »
	۱۰۱۷

شاه‌دریکی‌از روزهای‌شکار دراین‌کومه۱۰۴کلنگ و۱۸۰اردك وکلاغ‌وهوبره و۱۷۰ مرغابی‌گرفت.(۱)

۱۱۹ ـ باغچه ملای صفوی :

این باغچه‌که دارای عمارت و از بناهای زمان صفویه ودر اطراف چهارباغ

---

۱ ـ زندگی شاه‌عباس ج ۲ ص۲۹۹ .

بوده خراب و ویران وبلااثر است.[1]

۱۲۰ - باغ وحش صفوی :

این باغ هم‌که درحدود چهارباغ اصفهــان بوده خراب و اثری ازآن بــاقی نیست .[2]

۱۲۱ - باغ و عمارت دریاچه :

این باغ درشمال رودخانه زاینده رود دراطراف پل جوئی و در مقــابل باغ سعادت‌آباد اصفهان واقع بوده است. [3]

۱۲۲ - باغ حسن‌پاشا :

این باغ درمحله خاجوی اصفهان واقع وازبناهای حسن‌پاشا دامادامیرتیمور بوده است. [4]

۱۲۳ - باغ حاجی :

این باغ درشمال زاینده‌رود اصفهان واقع بوده و هنگامیکـه همایـون شاه باصفهان نزول‌کرد درآن محل اقامت داشت وبرای او طبق دستور شاه‌عباس عمارات دولتی بناکردند وآنجارا باب‌همایون میخواندند تا زمانی‌که حاجی‌آقا محمدحاکم اصفهان از طرف کریم‌خان‌زند مأمور تعمیر خرابیهای اصفهان‌شد در این محل‌باغ بزرگی برای‌خود بنا نهاد ومحل موسوم به‌باغ حاجی‌شد ولی‌آن باغ بتدریج تبدیل بعمارات مختلف‌گردیده است. [5]

۱۲۴ - باغ عبدالعزیز:

این باغ در زمان علاءالدوله در داخل حصاری بوده که در اطراف اصفهان کشیده ومحله‌ایکه باغ درآن واقع بوده بنام باغ عبدالعزیز خوانده میشد. گویـا بانی باغ عبدالعزیز نامی بوده‌که پیش‌ازعلاءالدوله میزیسته است. [6]

۱و۲ ـ مجله ارمغان سال۱ شماره ۹ و۱۰ ص ۶۲ ۳ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵ . ۴ - زنده‌رود ج ۱ ص۳۲ . ۵ - جغرافیای اصفهان ص۳۲ .
۶ - محاسن اصفهان ص۸۱.

۱۲۵ - باغ نگارستان :

این باغ درچهارباغ فتح آباد اصفهان واقع بوده است. [۱]

۱۲۶ - باغ معیر :

این باغ نیزدرکنار نهر نیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی‌بوده است. [۲]

۱۲۷ - باغ فراخان :

این باغ نیز درکنارنهر نیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی بوده‌است [۳]

۱۲۸ - باغ وعمارت قرچه‌خان صفوی :

این باغ وعمارت مربوط بزمان صفویه است‌که معدوم‌الاثر گردیده است [۴]

۱۲۹ - باغ عدن :

این باغ جزء حرمسرای ملکشاه سلجوقی دراصفهان و از احداثات خود او بوده است. [۵]

۱۳۰ تا ۱۴۲- باغهای: فرنگ- ارم - خالقی - پل کله- پهلوان‌لنجان- صفی‌آباد - قورچیها - مستوفی - مردارکش - مودون- احمدافغان- درب قلعه - انارستان [۶] **- سقاخانه** از باغهای دوره صفویه‌است‌که معدوم شده‌اند. [۷]

علاوه برباغهائی‌که ذکر شد بطوریکه نوشته‌اند درحدود چهارصدباغ مهم‌در اصفهان تا پیش‌ازقرن چهاردهم هجری وجود داشته‌که از بدو اسلام تا زمان‌حاضر ازبین رفته وفقط معدودی که در مبحث خود توصیف خواهد شد باقی مانده است گذشته از باغهای مهم چهارباغهائی‌هم‌که ذیلا نگاشته میشود درشهراصفهان وجود داشته‌که اکنون فقط نام‌آنها باقی است:

۱ - چهارباغ سلجوقی :

این چهارباغ درشمال شرقی شهراصفهان واقع ومتصل‌بمحله طوقچی‌که‌آنرا

۱و۲و۳- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۵۶ ۴- مجله ارمغان سال۱ شماره۹و۱۰ ص۶۰

۵- آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ ۶- تاریخچه محله خواجو ص ۲۱ .

۷- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص ۹۱-۹۲

محله دریه میگفته‌اند بوده است و ظاهراً محله جروائان یاگروائان همانجائی است که به چهارباغان معروف است.[1]

۲ - چهارباغ قهوه‌ای :

این چهارباغ هم مربوط بدوران پیش‌ازصفویه است.[2]

۳ - چهارباغ ملکشاهی :

این چهار باغ مرکب از باغهای : کاران ـ طرازآباد و خاجوی‌کنونی بوده است.[3]

۴ - چهارباغ اصفهان :

این‌چهارباغ مرکب ازباغهای: فلاسان ـ بکر[4] ـ سلم ـ عبدالله ـ عیسی‌بن‌ایوب بوده است.

و ـ عماراتی‌که بعد از اسلام احداث و جز نام اثری ازآن نمانده است:

۱ - عمارت جمال‌الدین :

این عمارت را جمال‌الدین محمدبن شجاع‌الدین لنبانی اصفهانی در مسقط‌الرأس خود لنبان بناکرد و بنام جمال‌الدین مشهور شد و اکنون اثری از آن باقی نیست[5] سعید هروی در وصف‌آن سروده :

غیرت باغ خورنق رشك بستان ارم ‌ ‌ ‌ ‌ صورت‌ارژنگ‌مانی‌نسخهٔ صحن‌جنان

۲ - نقاره‌خانه:

این عمارت در دوطرف جلوخان سردر قیصریه‌اصفهان واقع بوده و درزمان صفویه عده‌ای نقاره‌چی باطبل‌ودهل و بوق وکرنا درآن جا داشته وطلوع‌آفتاب و غروب‌آن را با نواختن موسیقی ایرانی اعلام میداشته‌اند. این عمارت تااواخردوره قاجاریه وجود داشته است.[6]

۱ـ مرآت‌البلدان ج ۴ درکلمه چهار باغ . ۲و۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۲
۴ـ محاسن اصفهان ص۵۴ـ۵۶. ۵- ترجمه محاسن اصفهان ص۷۵ . ۶ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۶۵.

۳ ـ عمارت خلوت رکیب‌خانه صفوی :

این عمارت در وسعت حیاط متوسط و در نیکوئی عالی، اطاقهای فوقانی و تحتانی آن زیبا و تمام منقش ومطلا بوده است.[۱]

۴ ـ عمارت صدری :

این عمارت دیوانخانه وبی‌اندازه وسیع ومیان عمارات دولتی کمتر عمارتی بااین‌وسعت و جامعیت بود چه دارای حمام و خلوتها و نارنجستانهای بزرگ بود و آنرا صدراعظم اصفهانی بعنوان تقدیمی برای قدوم فتحعلی‌شاه قاجار ساخته بود، اعیانی آن از چهارسمت تحتانی وفوقانی دورآن حیاط اطاقهای ملوکانه‌که هرکدام یکدست عمارت شمرده میشد و تالار بزرگ وبلندکه درضلع شرقی واقع بودداشت و بعداز چهلستون و عالی‌قاپو وقصر آینه عمارتی بااین‌خوبی نبود، سردرب زیرتالار غیرقابل‌وصف وبی‌نظیر وتالار دو رو داشت یکی‌بحیاط بزرگ ودیگری‌بنارنجستان حیاط نارنجستان نیز مشتمل برچندین‌عمارت بودکه درهریك حمامی هم ساخته شده بود و اندرونی فتحعلی‌شاه بشمار میرفت[۲] واین عمارت درسال ۱۳۱۷هجری بکلی ازمیان برداشته شد.[۳]

۵ ـ طالار طویله:

این عمارت درجنب‌کاخ عالی‌قاپوی اصفهان واقع و از بناهای صفویه وبسیار شگرف بود. درسال۱۳۱۷هجری مانند سایر قصور وعمارات سلاطین صفویه ویران گردید.[۴] و دبیرستان‌کنونی سعدی درقسمتی‌ازجای‌آن قرار دارد.

۶ ـ عمارت اشرف:

این عمارت‌که بسیار مفصل و ازجمله‌آن تالار اشرف بوده است‌که منقش و مذهب بود و قسمتی از آن تجدید عمارت‌گردیده و فعلاً محل اداره آموزش وپرورش اصفهان است[۵] ولی بقیه‌آن ازبین رفت .

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۲۲ . ۲ـ جغرافیای اصفهان ص۲۴. ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۰ . ۴و۵ـ آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۱۱۳

۷ ـ عمارت بزرگ صفوی معروف به صدری :

این عمارت نیز درسال یکهزاروسیصدونوزده هجری خراب‌گردیده است.[۱]

۸ ـ حمام خواجه‌های صفویه:

ساختمان این حمام بسیار شگرف بود و در سال ۱۲۹۹ هجری خراب گردید.[۲]

۹ ـ حمام چهارباغ اصفهان :

این حمام نیز که از زمان صفویه و در خیابان چهار باغ عباسی واقع بود در ۱۳۱۱ هجری خراب‌گردید.[۳]

۱۰ ـ عمارات ملکشاهی:

قصور و خانه‌هائی بوده‌که دارای‌حمام واصطبل وصدها میدان وباغ وبوستان وهر کدام از آنها مسکن امیری بزرگ وسپهسالاری عالی‌مقام باخیل وحشم ودواب و اسباب بوده و دوهزار از آن قصوروخانه‌ها از آن ارکان دولت ومحتشمان‌و وزرای سترك و پیشوایان و زعماء بوده‌که درهریك حجرات معمور و تالارهای فاخر بوده است.[۴]

۱۱ ـ حمام امین‌الدوله:

این حمام درکنارچهارباغ اصفهان واقع و تا سال ۱۲۹۵ هجری دائر و از حمامهای دوره صفویه درجه دوم بوده است.[۵]

۱۲ ـ حمام حاتم‌بیك:

این حمام در خیابان شاه‌عباس اصفهان و درسه راه ملك واقع بوده‌است.[۶]

۱۳ ـ حمام قاراخان :

این حمام‌که مربوط بزمان صفویه و در اول چهارباغ نزدیك‌کوچه‌امامزاده

۱ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۱۱۴
۲ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۷۷
۳ـ آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۹۰
۴ـ محاسن اصفهان ص ۸۳.
۵و۶ـ تاریخچه محله خواجو ص۷۱

باقر واقع بوده درسال ۱۳۳۶هجری بدست متولی آن خراب گردیده است.[۱]

۱۴ - حمام سرچهارراه :

این حمام درمحله تلواسکان اصفهان قرار داشته ومربوط بزمان صفویه بوده است.[۲]

۱۵ - حمام محمد صالح :

این حمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع بوده است.[۳]

۱۶ - حمام سارو تقی : درمحله عباس آباد.[۴]

۱۷ - حمام درقهوه :

این دوحمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع و مربوط بزمان صفویه بوده است.[۵]

۱۸ - حمام آقاتیمور :

این حمام نزدیك باغ مراد واقع و مربوط بزمان صفویه بوده است.[۶]

۱۹ - حمام چادردوز:

این حمام مربوط بزمان صفویه ودرکوچه گاریچیان نزدیك چهارسو نقاشی که اکنون خیابان شاه‌عباس میباشد واقع بوده است.[۷]

۲۰ - حمام درویشان :

این‌حمام نیز درنزدیکی‌تکیه بکتاش درمحله خاجوی اصفهان واقع‌ومربوط بدوره صفویه بوده است.[۸]

۲۱ - حمامهای روغنی :

این دوباب حمام‌که یکی‌کوچك و دیگری بزرگ در محله خاجوی اصفهان واقع واز احداثات دوره صفویه بوده‌است.[۹]

۱و۲و۳و۵و۶و۷و۸و۹- تاریخچه محله خواجو ص۷۱

۴- تاریخچه محله خواجو ص۶۷

۲۲ ـ کاروانسراهای بی‌نقابان :

هفت کاروانسرا بودکه در زمان شاه‌عباس بزرگ برای زنان روسبی تعیین‌شده بودکه درآنها سکونت کنند و این کاروانسراها اختصاص بزنـان روسبی داشته که مالیات دیوانی میپرداخته‌اند ومحل آن در اصفهان در محله‌ای بنام محله بی‌نقابان و پشت باغ شرکت هندوهلند قرار داشته است.[۱]

۲۳ ـ تکیه دولت صفوی :

این عمارت‌ازبناهای صفویه وفضای‌آن متوسط و وسعتش کمترازسایرعمارات عالی و دارای تالار و ایوانها وبالاخانه‌ها و طاقنماهای بسیارخوب ومرغوب‌وحوضی بسیاربزرگ واقع درجلو تالار و سایرملزومات عمارات دولتی درآن جمع‌بوده واز قدیم‌درآنجا تعزیه خامس آل‌عبا علیه‌السلام‌برپا میشده‌است وپس‌از بنای‌تکیه‌جدید در زمان حکومت ظل‌السلطان‌آن تکیه متروك و روبویرانی گذارده است.[۲]

۲۴ ـ عمارت دارالنظاره آشپزخانه وشربتخانه :

این عمارت‌که برای نظارت در امورآشپزخانه و شربت‌خانه ساخته شده بود مشتمل بر انبار وخلوتهای تودرتوی نشیمنگاه و باغ بزرگ عقب‌آن بسیار مرغوب بوده[۳]که از بین رفته است.

۲۵ ـ میدان چهارحوض صفوی :

این میدان درمقابل عمارت تیموری (باشگاه فعلی افسران) قرار داشته و از طریق بازار مسگران بمیدان شاه مربوط میگردیده است، سابق براین‌چهارحوض درچهارجای‌آن واقع ومحل سکونت یك‌فوج سربازبوده‌است میدان مزبوربمنزله جلوخان عمارات دولتی و دارای سردری مرتفع وعالی مشتمل برجاهای خوب و نیکو بوده ولی بتدریج ازبین رفته وصورت دیگری بخودگرفته است.[۴]

۱ـ زندگانی شاه‌عباس بزرگ ج ۳ ص۵۶ ۲ـ جغرافیای اصفهان ص۲۲
۳ـ جغرافیای اصفهان ص۲۳ ۴ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان ص ۸۳۱

۲۶- عمارت چهارسو نقاشی :

این عمارت در راسته بزرگ میان محله خاجو و محله حسن آباد در وسط بازارچه چهارسو نزدیك چهارباغ صدری اصفهان واقع و دارای کمال زینت و آراستگی، اطراف و نماهای آن بصورت سلاطین و بعضی از پهلوانان مصور بوده است، در زمان ظل السلطان نقاشیهای آن چهارسو را تغییر و نام بازارچه را به رکن آباد تغییر دادند زیرا رکن الملك نایب الحکومه اصفهان متصدی این تعمیر بوده است.[۱]

چهارسو نقاشی همان چهارسوی اسفندیار بیك است که در اثر مرور زمان و داشتن نقاشیهای گوناگون بدیع به چهارسو نقاشی معروف و اخیراً درمسیر خیابان شاه عباس واقع و خراب گردیده است.[۲]

۲۷ - تکیه بکتاش :

این تکیه دراصفهان درچهارباغ کهنه واقع وقریب هشتاد جریب باغ واراضی اطراف آن برای دستگیری واعانت فقرای دراویش وتعمیرات بقعه وقف شده بوده و با وجود فرمانهای متعدد ازسلاطین صفویه چون شاه سلطان حسین و شاه طهماسب وسلاطین قاجاریه چون فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه املاك آنرا ازبین برده و حتی بقعه را نیز تبدیل بمغازه کرده اند.

دراویش بکتاشیه منسوبند به حاج بکتاش ولی که درقرن نهم میزیسته ودر ۸۶۰ هجری در روم ساکن بوده وپس از وفات درقریه بکتاش ولی میان قونیه وقیصریه مدفون گردیده است.[۳]

۲۸ - عمارت کتابخانه صفوی :

این ساختمان پشت عمارت نمکدان صفوی دراصفهان واقع بوده که شاردن[۴] کتابهای آن کتابخانه را درحدود پانزده هزار جلد گفته وعمارت مزبور را ضمن توصیف طالار طویله چنین بیان کرده: در دوسمت این طالار اطاقهای بزرگ است، در یکی

۱- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۵۲ ۲- تاریخچه محله خواجو ص۱۵
۳- تاریخچه محله خواجو ص۲۸ ۴- مرآت البلدان ج۴ بنقل از سفرنامه شاردن

از این اطاقها کتابخانه پادشاه است و میرزا مقیم کتابدار است، میرزامقیم در ۱۸۵۰ مسیحی مطابق ۱۰۶۸ هجری بسفارت هندوستان مأمور شده بود درکتابخانه تقریباً پانزده هزار جلد کتاب بنظرم آمد و اغلب بزبان ترکی و عربی بود و فارسی کمتر داشت از میرزامقیم پرسیدم بزبان فرنگی کتابی درکتابخانه پادشاهی هست یا نه دوصندوق بمن نشان داد، درهرصندوقی شصت هفتاد جلد کتاب بود یکی ازاین صندوقها کتبی بودکه ازکلیسای هرمز بغارت آورده بودند واین کتابها غالباً بزبان فرانسه یا آلمانی بود واطاقی دیگر محاذی کتابخانه رختدارخانه است که هیچکس را در آن راه نمیدهند.

۲۹ ـ طویله خورشید :

این عمارت نیز جزء طالارطویله بوده است.

۳۰ ـ عمارت اصطبل کالسکه :

این ساختمان نیز در داخل طالار طویله بوده‌است.

۳۱و۳۲ ـ عمارت فردوس وعمارت میهمانخانه :

این دوساختمان درحرمخانه‌صفویه دراصفهان‌واقع بوده وزنانی که‌ازحرمسرای سلطنتی بشوهر میرفته‌اند درموقع ورود مجدد بحرمسرا در آن عمارت اقامت میکرده‌اند. [۱]

۳۳ ـ عمارت گمرك صفوی :

این عمارت محل فیصله امورگمرکی اصفهان بوده و دراین تاریخ محل آن بانك گردیده است. [۲]

۳۴ ـ سقاخانه عزیزالله : [۳]

این سقاخانه در وسط چهارسوی بازار مقابل دربزرگ ورودی مسجد جمعه اصفهان واقع و دارای سنگابی بوده وآن سنگاب پس از ویرانی سقاخانه در نیمه

۱ـ سفرنامه شاردن ۲ـ آگهی شهان از کار جهان ج۳ ص۹۱ و۹۲
۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۴۶.

نخست قرن چهاردهم درگوشه‌ای ازمسجد عمر نگهداری شده است کتیبه سنگاب حاکی از آن‌است که سنگاب مزبور بوسیله عزیزالله نامی در زمان شاه‌سلیمان‌صفوی درآن محل نصب گردیده‌است.

کتیبه سنگاب بخط نستعلیق برجسته چنین میباشد:

«نظام داد عزیز این بنای عالی را بعهد خسرو اقلیم دین سلیمان‌شاه»

«سقی‌الله‌ثراه وجعل‌الجنة مأویه»

« زبهرخیر تراشید سنگ آب زلال که‌بریزیدتوان‌کرد لعن‌خاطرخواه»

«رقم زد از پی تاریخ خامهٔ مسعود: «سبیل باد سقاخانـه عزیزالله »

درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان سال تاریخ مطابق شعرمزبور یکهزاروهشتاد وهفت (۱۰۸۷) تشخیص داده شده ولی این تشخیص بنظر نگارنده درست نیست و سال تاریخ برطبق حروف تهجی‌که در کتابت‌آمده یکهزار و هشتاد وشش (۱۰۸۶) میباشد، زیرا ملاك حروف مکتوبه است نه ملفوظه.

۳۵ ـ گنبد دروازه طوقچی :

این‌گنبدکه بوسیله سلاطین دیالمه بر دروازه طوقچی اصفهان ساخته شده بود در سال۱۳۴۲هجری بوسیله شهرداری اصفهان بمنظور ایجاد خیابان‌های‌حافظ و هاتف خراب گردید.(۱)

۳۶ ـ گنبد مهرارت :

این‌گنبدکه درحوالی شهراصفهان واقع و در زمان ملکشاه سلجوقی عمارتی باشکوه وچنان جالب بوده‌که اگر از بالای‌آن چشم میانداختند منظره جالبی را تماشا میکردند بخصوص باغهائی‌که ملصق بآن بودآن عمارت را بسیار زیبا جلوه میداد وناظررا در دیدن‌آن خیره‌میکرد وآواز پرندگان وصفیر مرغان‌گوش‌رالذت نیوش می‌بخشید ولی مرورزمان چنان آن بنیان را برافکندکه نشانی از آن باقی نیست.(۲)

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۴۰۰. ۲ـ محاسن اصفهان ص۵۳.

۳۷و۳۸ ـ کوذکرت ونفاذه :

این دوعمارت نیز در اطراف شهر اصفهان واز ساختمانهای باشکوه و جالب و دارای بستانهای پراز درخت و ریاحین وگلهای گوناگون بوده‌است واکنون‌نشانی جز نام ندارند.[۱]

۳۹ ـ عمارت خسروخانی صفوی :

۴۰ ـ کاروان‌سرای صفوی:

۴۱ ـ خلوت سرپوشیده صفوی:

۴۲ ـ خلوت آبدارخانه صفوی :

۴۳ ـ عمارت‌گلشن صفوی:

این پنج عمارت نیز از ساختمانهای دوره صفویه بوده‌که بمرورزمان ازبین رفته است.[۲]

۴۴ ـ عمارت پست خانه :

این عمارت نیز که از دوره صفویه بوده تبدیل ببانك شده است.[۳]

۴۵ ـ عمارت بیمارستان درویشان :

این بیمارستان درمحله حسن‌آباد خاجوی اصفهان درنزدیکی‌مسجدومدرسه وحمام درویشان از احداثات اوزون‌حسن واقع و در زمان سیاحت شاردن‌فرانسوی (۱۰۶۷ه.ق) دائر بوده ولی اکنون نشانه‌ای ازآن نیست.[۴]

۴۶ ـ عمارت بیگلر بیگی :

این ساختمان را صدر اصفهانی روی پل خاجوی اصفهان بنا کرد و در سال ۱۳۱۰هجری‌آنرا خراب‌کردند.[۵]

۴۷ ـ قلعه شهر:

قلعه‌ای بوده‌که در زمان ملکشاه سلجوقی در شهر اصفهان ساخته شده است

۱ـ محاسن اصفهان ص۵۳ ۲و۳ـ تاریخ اصفهان و ری وآگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۹۱ـ۹۲. ۴ـ تاریخچه‌محله خواجو ص۱۳ ۵ـ تاریخچه محله‌خواجو ص۱۹

و اکنون اثری از آن باقی نیست.[۱]

۴۸ - نقاره‌خانه شهرستان :

این نقاره‌خانه که درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع بوده بمرورزمان ازبین رفته است.[۲]

۴۹ - قلعه شهرستان :

این قلعه نیز درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع‌بوده که بمرورزمان تبدیل به تل خاکی شده است.[۴]

۵۰ - حمام شیخ ابومسعود رازی :

این حمام در محله درشیخ اصفهان در مجاورت مسجد و بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفی (۲۵۸ه.ق) واقع بوده و درقرن سیزدهم بفتوای یکی از علمای زمان ظاهراً سیدصدرالدین عاملی ویران شده‌است.[۵]

۵۱ - خانه برّ :

خانه‌هائی بوده در دوره صفویه در شهر اصفهان که عدد آن چهل واز واردان در مدت سه روز پذیرائی میشده است.[۶]

۵۲ - دارالشفاء :

بیمارستانی بوده دراصفهان که درنزدیکی قیصریه واقع میشده است[۷] وبازار متصل بآن هم معروف ببازار دارالشفاء میباشد که بازار رنگرزها بوسیله بازار ترکش‌دوزها بآن منتهی میشود[۸]

۵۳ - عمارت رختدارخانه:

محلی بوده درعمارات دیوانی اصفهان که درآنجا در زمان صفویه خلعتهائی

۱- اصفهان جوانان ص۸۸ ۲و۳و۴ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۹۳.
۵ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۴ . ۶- الاصفهان ص۷۵ . ۷- تذکره نصرآبادی ص۲۳۸ . ۸- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۹ .

که بمردم میداده‌اند نگهداری میشده است.[1]

۵۴ ـ عمارت رختدارخانه‌خاصه :

جائی‌بوده درعمارات دیوانی‌صفویه‌که درآن‌لباسهای خصوصی‌سلاطین‌صفویه در اصفهان نگهداری میگردیده است.[2]

۵۵ ـ بیمارستان ورنوسفادران :

این بیمارستان در ورنوسفادران از دهات سده اصفهان بوده‌که ساکنان محل آنرا بن‌اصفهان میخوانند، بیمارستان مزبور در زمان صفویه درقرن یازدهم دائر بوده ولی دراین تاریخ اثری ازآن نیست.[3]

۵۶ ـ تکیه درویش محمد صالح :

درویش‌محمدصالح چندی درمسجدلنبان اصفهان تکیه‌ای داشت وسپس‌بامر شاه‌عباس ثانی برای او تکیه‌ای درکنار نهر طاق‌نما بنا کردند و درویش مزبور در آن تکیه اقامت داشت تا پس‌از اندك مدتی فوت ودرهمان تکیه مدفون شد، زمین تکیه را برحسب امر شاه‌عباس ثانی جبراً از رئیس اویس لنبانی خریدند و تکیه با صفائی ساختند . این تکیه‌که در قرن یازدهم دائر بوده اکنون اثری از آن نیست .[4]

۵۷ ـ تکیه درویش‌صادق:

این تکیه را مرتضی‌قلیخان حاکم بندرعباس هنگامیکه دراصفهان‌بود برای درویش‌صادق که مرد درویش و بیچاره‌ای‌بود در مزار بابارکن‌الدین اصفهان‌بساخت

۱و۲ـ گنج‌دانش ص۲۵. ۳ـ تذکره نصرآبادی ص۳۲۳.

۴ـ درویش محمدصالح که مردی وارسته و درویش بوده طبع شعرهم داشته‌واشعاری میسروده است. از اشعار او است:

مطرب جان مینوازد سازها — میرسد در گوش جان آوازها
بانگ طبل باز آن شه شد بلند — میطپد دل در سر شهباز ها
بسکه ناز نازنینان میکشم — میکنم بر نازنینان ناز ها

(تذکره نصرآبادی ص۲۱۰).

و درآنجا زندگی‌میکرد، شعر کمتر از او شنیده میشد مگر این‌شعر:

دل‌خانه‌خداست مکن‌وقف‌چون‌مزار　　　این‌خانه‌را بصاحب‌این‌خانه‌واگذار[1]

۵۸ ـ تکیه باباحیدر :

این تکیه‌را شاه‌عباس‌کبیر برای باباسلطان قلندر متخلص به‌لوائی ازدرویشان وقلندران وارسته در خیابان چهارباغ اصفهان بنانمود ومقرری نیز برای‌او تعیین کرد که بموجب‌آن اعاشه میکرد.

وی درحدود سال ۱۰۷۰ هجری وفات کرد و بابائی تکیه مزبور به باباحیدر انتقال یافت ، باباحیدر نیز بفاصله اندکی فوت و بابائی‌آن تکیه به پسرش باباصفی محول شد آنهم درسن‌جوانی بدرود حیات گفت و برادرش بابارضی که درویشی‌وارسته بود عهده‌دار گردید.[2]

۵۹ ـ تکیه فیض :[3]

تکیه‌ای بوده‌که در سال یکهزاروشصت وهشت هجری بامر شاه‌عباس دوم‌در اصفهان بنا شده و میرزا مؤمن نصرآبادی ماده تاریخ‌آن بنا را چنین‌گفته:

چون ساخت‌شهنشاه جهان‌تکیه‌فیض　　　شد اهل صلاح را مکان تکیه فیض

مؤمن تاریخ سال اتمامش گفت :　　　«خالی است زنا مقیدان تکیه‌فیض»

۱۰۶۸

تکیه فیض دیگری نیز دراصفهان وجود داردکه علیمرادخان زند برای فیضعلی‌شاه اول ساخته است، وتا۱۱۹۴هجری‌که وفات یافت درآن تکیه مقیم وپس از وفات‌نیز درآنجا مدفون‌گردید.[4]

۱ـ تذکره نصرآبادی ص۲۱۱.　　۲ـ باباسلطان‌قلندرعلاوه بردرویشی‌وقلندری‌مردی شاعر بود وگاهی بسرودن شعر مشغول میگردید از اشعار اواست:

قطعه

لوائی نیست شاد از وصل امروز　　　چو هجران خواهدش افسرد فردا

چه باشد حال بیماری که امروز　　　یقین داند که خواهد مرد فردا

تذکره نصرآبادی ص ۲۸۴.

۳ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۸۶ .　　۴ـ تذکره‌القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۴۶۱ .

۶۰ ـ بقعه محمد بیك :

این بقعه درمزار بابارکن‌الدین اصفهان در قرن یـازدهـم دائر بوده است و ملاعلی حبش[1] که از احفادبلال مؤذن حضرت رسول صلی‌الله علیه‌وآله بوده پس‌از وفات (۱۰۷۰هـ. ق) درآن بقعه مدفون‌گردیده است .

۶۱ ـ قهوه‌خانه جنب دارالشفاء :

در دوره صفویه قهوه‌خانه مرکز فضلاء وشعراء و بزرگان بوده وبهمین‌جهت شاه‌عباس‌کبیر بسیار اتفاق افتاده‌که بقهوه‌خانه‌ها نزول‌کرده واغلب قهوه‌خانه‌ها بامر سلاطین بنا میشده‌است.

این قهوه‌خانه درنزدیکی دارالشفای‌قیصریه‌یعنی‌بیمارستانی‌که دربازارقیصریه بوده واقع میشده است و در آنجا شعراء و ادباءِ و موزونان و عرفاء و دوستداران آنان مجتمع میشده‌اند و ببحث و گفتگو و مشاعره و مناظره میپرداخته‌اند.[2]

۶۲ ـ قهوه‌خانه شمس تیشی :[3]

این قهوه‌خانه را شاه‌عباس‌کبیر دستور داده بودکه در خیابان چهارباغ برای شمس‌تیشی‌که از اواسط الناس و مردم شیراز بود و درعلم موسیقی وآواز وارد بود بسازند و درکنارآن شرابخانه هم دائرکردندکه هرکس در میخانه او شراب‌بنوشد مهری درکف دست‌او بزنند تا ملا زمان‌داروغه متعرضش نشوند، ازاین قهوه‌خانه‌هم اکنون اثری نیست.[4]

۱ـ ملاعلی حبش مردی فاضل وکریم الطبع و شاعربود،در اوان جوانی درمشهدمقدس بتحصیل مشغول بود و در اواخر عمر بقضای مازندران اشتغال داشت ولی بیشتر اوقات را با شعراء و موزونان صرف میکرد، دربدو امردانش و درآخر جاوید تخلص میکرد. از اشعار او است:

مجنون که‌خویشرا بجهان‌روشناس کرد — پنداشت عاشقی نتوان در لباس کرد

تذکره نصرآبادی ص۳۷۴.

۲ـ تذکره نصرآبادی ص۳۲۶. ۳و۴ـ شمس‌را ازآن جهت تیشی میگفتندکه درلباسش شپش بسیار بود و درشیراز به شپش تیش میگویند . شمس علاوه براینکه درموسیقی وعمل آنوارد بودوبهمین‌جهت هم مورد توجه شاه عباس واقع شده‌بود تصنیف میساخت وشعر هم میگفت : از تصنیفانش :

←

۶۳ـ قهوه‌خانه بابافراش :

این قهوه‌خانه در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع ودرآن انواع بازیها و سرگرمیها موجود بوده و پسربچه‌های خوب رو برقص میپرداخته‌انـد و ظاهراً اینگونه قهوه‌خانه‌ها با همراهی شاه‌عباس اول دائر میشده است و بیشتر اهل دل و صورت‌پسندان وشعراءِ میعادگاه آنان قهوه‌خانه‌بوده‌است.(۱) اکنون از این قهوه‌خانه اثری نیست .

۶۴ـ قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی :

قهوه‌خانه بزرگی بوده در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان و دارای‌طاقنماها و شاه‌نشینهاکه با قالی وفرشهای دیگرمفروش‌میشده ونشیمن مشتریان‌وتماشاگران بود وهمه درآنجا برزمین می‌نشستند. شبها چراغهای فراوان برسقف میآویختند و درمیان قهوه‌خانه هم حوض بزرگی‌بودکه همیشه آب پاك وروشن ازاطـراف آن میریخت، و درشب از انعکاس نورچراغهاچون‌آسمانی‌پرستاره بنظر میرسید صاحب قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی بود، ازاین قهوه‌خانه هم اکنون اثری نیست.(۲)

۶۵ـ قهوه‌خانه طوفان :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وبکمك‌شاه‌عباس اول دائر شده بود و بسبب وجودجوان خوب‌روئی بنام (طوفان) که درآنجا خدمت میکرد شهرت یافته بود. شاه‌عباس نیز گاه‌بگاه بآنجا میرفت. ازجمله شاعرانی‌که باین قهوه‌خانه دلبستگی داشته‌اند یکی‌رشیدای‌زرگرتبریزی ودیگری‌مظفرحسین کاشی‌لنگ شاعروطبیب خوشنویس بوده است. شاعر اخیر(مظفرحسین) این‌رباعی

→

ای خال و خط و زلف توآرایش دیده ای دیده بسی دیـده و مثل تو ندیده

ازاشعار اواست : رباعی:

ای شیخ توخبث جام احباب مزن خود را بدم گرم می‌ناب مزن

زاهد تو بافسردگی خویش بساز چون بار تو کاغذ است برآب مزن

(تذکره نصرآبادی ص۱۴۷ - ۱۴۸)

۱ـ زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۳۶ . ۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۵.

را برای طوفان قهوه‌چی سروده و در آن به لنگی خود اشاره کرده است :

درقهوه طوفان که سر خوبان است / سه عاشق پا شکسته سرگردان است
آن رفت مظفر که سمندر بودی / مرغابی شو که کار با طوفان است

وچون بمنظور پاکش توجه نمیکرد و با رقیبان شاعر محبت میکرد از او رنجیده و رباعی دیگری گفت :

بد باطن و چاپلوس میباید گشت / خواهان کنار و بوس میباید گشت
حیف است چو پروانه بگردت گشتن / برگردتو چون خروس میباید گشت[1]

۶۶ ـ قهوه‌خانه عرب :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع و در آن مردمان مختلف جمع و معمولاً پسربچه‌هائی برقص میپرداختند وانواع سرگرمیها وبازیها دائر بود.[2] این قهوه‌خانه‌هم درقرن یازدهم دائربوده و در تذکره نصرآبادی آمده که روزی شاه‌عباس اول وارد این قهوه‌خانه شد و ملا شکوهی همدانی خوشنویس نستعلیق باتفاق میر آگهی درقهوه‌خانه بودند ، از ملاشکوهی پرسیدکه‌توچکاره‌ای؟ جواب داد شاعرم، شعر از اوخواست این‌شعررا خواند :

ما بی‌دلان بباغ‌جهان همچو برگ‌گل / پهلوی یکدگرهمه‌درخون‌نشسته‌ایم

شاه تحسین کرده وگفت : عاشق‌را به‌برگ‌گل تشبیه‌کردن اندکی ناملایم‌است این شعر نیز از اوست:

چشم بددورکه در گشت گلستان وصال / دست‌بردوش‌هم‌انداخته‌چون‌برگ‌گلیم[3]

ز ـ مناره‌هائی که بعد ازاسلام احداث واکنون جز نام‌نشانی ندارند:

۱و۲ ـ دومناره دشتی :

این دو مناره در دوطرف‌گنبد مغولی مسجدجامع دشتی در حدود دوازده کیلومتری جنوب زاینده‌رود واقع بوده وچون مسجد نیز روبویرانی است مناره‌ها بکلی از میان رفته است.[4]

۱و۲ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۶. ۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۳۹.
۴ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۰۱

۳ ـ مناره شهرستان :

این مناره در مجاورت بقعهٔ‌الراشدبالله وپل قدیمی شهرستان در اصفهان‌واقع و از بناهای دوره سلاجقه بوده‌که درعداد مناره‌های زیبا وجالب اصفهان بشمار میرفته. طبق‌اوصافی‌که باستان‌شناسان ازآن‌کرده‌اند دارای دوپلکان بوده‌که‌ازیکی بالا میرفته‌اند واز دیگری فرود میآمده‌اند وازلحاظ معماری نیزدارای‌تزیینات و نقوش عالی چون مناره مسجدعلی و ساربان بوده وسیاحان بخصوص سیاحان قرن اخیر ازآن توصیف‌کرده‌اند. (۱) وبرخی‌آنرا(۲) بنام مناره شهرستان و دیگری شاه رستم یادکرده‌اند.

این مناره را بطمع آجرهایش درسال ۱۳۳۳هجری عمداً خراب‌کردند.

۴ ـ مناره پاشاخ :

این‌مناره درشهر اصفهان درمحله‌ایکه‌بنام پاشاخ‌معروف‌است درزمان‌شاه‌عباس ازکله شکار ساخته شده وکنایه ازکثرت شکار بزکوهی بوده(۳) کـه در یکروز شکار شده است. (۴)

۵ـ مناره کله :

مناره‌ای بوده که در زمان تیمور از کله مـردم ساخته بوده‌انـد و محل آن بازارچه اسماعیل‌کوسج بوده‌است. (۵)

۶ ـ مناره خواجه علم :

این‌مناره درآخرمحله‌گلبار اصفهان بطرف‌شمال واقع ومرتفع وکمی‌ازمناره مسجدعلی‌کوتاهتر بود(۶) و دراوائل نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط‌کرد. (۷) این مناره بشماره ۹۹ـ۱۰۱۱۵/۱۳۱۰ بثبت رسیده بود .

مناره مسجدعلی درحدود پنجاه متر وقطرتنه‌آن درنزدیکی زمین ۶ متر و

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۱۰. ۲ـ سمیث باستان‌شناس. ۳ـ سیاحت‌نامه شاردن فرانسوی ۴ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص۲۹۷. ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۳۳. ۶ـ نصف‌جهان ص۳۲. ۷ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۶.

کلفتی دیوار خارجی ۱/۴۵ متر وقطر ستون گرد درونی یادکل مناره ۱/۶ متر میباشد[۱] وبااین ترتیب مناره خواجه‌علم در حدود چهل‌وپنج متر ارتفاع داشته است.

۷ ـ مناره مسجد امام‌حسن اردستان :

این مسجد که درمحله کبودان اردستان واقع شده دارای دومناره بوده که یکی از آن دو بکلی ازمیان رفته وازدیگری مقداری برجا است.[۲]

۸ ـ مناره‌های مسجد کاج :

این مسجد که در۲۵ کیلومتری اصفهان واقع واز بناهای قرن هشتم هجری میباشد دارای مناره‌هائی بوده که در این تاریخ اثری ازآن‌ها نیست.[۳]

۹ ـ مناره های مسجد جوجو :

این دومناره که بمسجد جوجو یا جورجیر ویا جامع صغیر اصفهان متصل بوده و در قرن چهارم آباد بوده برحسب مرورزمان و بروز حوادث از بین رفته است.[۴]

۱۰ ـ مناره شاه رستم :

این مناره درمجاورت پل شهرستان اصفهان واقع بوده‌است وبعضی گفته‌اندکه این مناره و مناره شهرستان یکی است.[۵]

ح ـ رباطها و ساباطها وکاروان‌سراها و قلعه‌ها و برجها :

۱ ـ رباط اردستان :

این رباط را سیدرکن‌الدین‌محمدیزدی متوفی(۷۳۷هـ.ق)هنگامی که‌اردستان ونطنز یك واحد جغرافیائی بود بناکرد ولی آثاری جز نام ازآن رباط نیست.[۶]

۲ ـ رباط زبرقند :[۷]

کلمه‌زبرقند بتعابیر: جوگند وزفرقندنیز استعمال میشود، باین‌کیفیت‌که‌در

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۳۳. ۲ ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۲۰.
۳ـ فهرست‌بناهای تاریخی‌واماکن باستانی‌ایران ص۳۵ ۴ـ تاریخ‌اصفهان وری‌ص۲۲۴
۵ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ ۶ و۷ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

دفاتر دیوانی ونوشتجات واسناد زفرقند مینویسند ومردم‌خود محل وعوام جوگند تلفظ میکنند ولی از مفاد وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی معلوم میگرددکه‌در قرن‌هشتم زبرقند تلفظ میشده وآنهم‌معرب زبرگند است و شاید وجه‌تسمیه‌اش‌آن باشدکه شهر اردستان در پائین دره و زبرکند دربالای‌آن دره واقع میباشدوازاینرو با این نام مناسبت دارد.

این رباط در بیرون دیه زبرقندکه جزء روستای برزاوند اردستان‌میباشد[1] بناگردیده و سیدرکن‌الدین محمد یزدی بانی‌آن ـ رباط راکه ازمال خالص خود بوده وقف بر عابران و واردان و صادران که متصف بصفت صلاحیت وعفاف‌باشند واز فسق‌وفجور ومناهی دوری‌کنندکرده ومطالبه حق‌السکنی و نزول‌واخذومطالبه هرچیزی را ولو بقدر دانه‌ای باشد حرام‌کرده است.

از موقوفات آن رباط است: نصف‌وثلث تمام شایع درجماعت قریه مسماة به خوقندکه محتاج بتعریف نیست باتمام لواحق ومضافات وچشمه‌ها وباغها و اشجار و اراضی بائر ودائرو بیوت وقلاع واصطبل ومزابل وطواحین. وشرط‌کردکه‌متولی در ابتداء عمارت رقبه را بجاآورد وسپس بعمارت رباط بپردازد وآنچه زیاد آمد صرف اطعام مسافران‌کند(باشرطی‌که برای مسافران تعیین شده) وخرج سفر آنان در هرسال ۳۶۶۰ من از دونوع‌که درهر روز ده من ومبلغ ۳۶۰دینار وجه‌رایج در هرروزی یك دینار و مقدار دوهزار من انگوررنگین بتفرقه بر طبق مصلحت دید متولی است. وبکسی‌که مراقب مسافران است سالی ۷۲۰ من از دونوع غله بدهد. و دیگراینکه ۹۶ دینار و $\frac{1}{2}$ دینار مقرری واقف از متوجهات املاك بهائیه نطنز صرف رباط زبرقندشود، ونیز۶۵ دیناری‌که ازمتوجهات ضیاع‌نطنزدرقریه‌جوشقان بنام متولی ثبت است بمصرف رباط مزبور برسد.

و چنانچه رباط زبرقند خراب شد واعاده‌آن ممکن نشد موقوفات‌آن‌خرج رباط نه‌گنبدان شود، واگرآن هم‌خراب شد خرج رباط نیستانه‌گردد.

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص ۱۳۸.

در زمان حاضر دو رباط در دیه مزبور یکی بنام شاه‌عباس که در حال انهدام است و دیگری بنام تاجر یزدی که نام‌آن مجهول است ومورد استفاده است قراردارد وآنچه که در وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی مقرر گردیده اثری از آن در رباطهای فوق‌الذکر مشهود ومحسوس نیست و علی‌الاصول باید چنانچه دروقفنامه اشعارشده آن رباط سیدرکن‌الدین‌محمد خراب گردیده و موقوفات آن درجای دیگر صرف شده است.

۳ـ ساباط دروازه اصفهان :

بقعه‌ای بوده بطور ساباط که سیدرکن‌الدین محمد یزدی متوفی (۷۳۷هـ. ق) درخارج شهر اصفهان در دروازه نزدیك مزار علی‌بن‌سهل‌صفوی اصفهانی بناکرده و اکنون نشانی ازآن نیست.[۱]

۴ـ کاروان‌سرای سبة :

کاروان‌سرائی بوده درشهر اصفهان که‌اسماعیل‌بن‌بکیرصاحب‌آن معاصر اصمعی ومحمدبن‌عیسی مقری بوده است واین بناکه در اوائل قرن پنجم دائر بوده کنون اثر ونشانی ندارد.[۲]

۵ـ برج ساعت :

این برج درقسمت جنوبی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تقریباً مقابل عمارت عالی‌قاپو واقع شده بوده وآن را سیاحان فرانسوی برج ساعت مینامیده‌اند . برج مزبور برای سرگرمی شاه‌عباس دوم ساخته شده بود و درون‌آن ماشینهای‌مکانیکی قرار داشت که ساعات شبانه روز را نشان میداد ، هروقت‌که این ساعت زنگ‌میزد فوجی از مجسمه‌ها مانند عروسکهای خیمه‌شب‌بازی و حیوانات‌گوناگـون بیرون میآمدند و مانند سربازان بتمرین نظامی میپرداختند. این ساعت را صنعتگـران اروپائی‌که در دربار شاه‌عباس دوم اقامت داشتند برای او ساخته بودند.[۳]

۱ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی. ۲ـ ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴.
۳ ـ سیاحت‌نامه هانری رنه آلمانی ترجمه فره‌وشی .

۶ ـ عمارت چراغ‌خانه :

این‌عمارت محلی بوده دراصفهان در دیوانخانه صفویه‌که امورچراغ در آن انجام و چراغها در آن نگهداری میشده است.(۱)

۷ ـ کاروان‌سرای گیلک :

کاروان‌سرای کوچکی بوده در اصفهان‌که مرکز معاملات سوداگران و مردم گیلان بوده است.(۲)

۸ ـ خان‌کاشیان :

کاروانسرائی بوده‌که درقرن یازدهم در اصفهان دائر و مسافرانی که مردم کاشان بوده‌اند درآن منزل میکرده‌اند از این‌کاروانسرا اثری باقی نیست. نوراولد خواجه محمدحسین‌کاشی متخلص به‌نجیب از شعراءِ درآن کاروانسرا بزازی‌داشته و از اشعار او است:

از بدی نتوان رهائی داد ظلم اندیشرا
بسته باچندین‌گزد برخویش‌عقرب نیش‌را(۳)

۹ ـ کاروان‌سرای نقش‌جهان :

این سرا از بناهای شاه‌عباس بزرگ و یا یکی‌از جانشینان اوبوده‌که تااوائل سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وجود داشته است ودرعهدشاه مزبور چون بمرورزمان ویران وغیرقابل تعمیربوده بوسیله ظل‌السلطان تبدیل به میدان سربازی و موسوم به میدان ناصری‌گردیده است.

این‌کاروان‌سرا مشتمل‌بود برصحنی‌وسیع‌و دوطبقه وحجرات‌بزرگ ومحتوی برچهار در و چهار دهلیز که در هر دهلیز حجرات و دوتیمچه داشت وهریک از تیمچه‌های هشتگانه‌آن بقدرکاروانسرای متعارفی وسیع بود. خلاصه کاروانسرائی بخوبی‌آن درهمه ایران بلکه جهان نبوده است.(۴)

---

۱ ـ گنج دانش ص ۲۵ . ۲ ـ زندگی شاه عباس ج۲ ص ۲۸۹ . ۳ ـ تذکره نصرآبادی ص۳۷۲. ۴ـ جغرافیای اصفهان ص۷۸

۱۰ - بازار زین سازها :

این بازار جزء چهار بازار اطراف میدان نقش‌جهان بوده و در آن در زمان صفویه زین اسب و لوازم آن را تهیه میکردند ولی امروز اثری از آن نیست. (۱)

۱۱ - بازار مسگرها : (۲)

درطرف غربی میدان نقش‌جهان روبروی خیابان حافظ وبموازات خیابان سپه بازاری بنام بازار مسگرها و نیزچهارسوئی وجود داشت که بمیدان چهارحوض منتهی میشد - این بازارمنهدم ومیدان چهارحوض هم قسمتی جزءِ خیابان استانداری و قسمتی ضمیمه اراضی بانك ملی شد وازصورت اصلی خارج گردید.

۱۲ - چهارسوی بازار رنگرزها :

این بازارکه از بناهای شاه‌عباس بزرگ میباشد وازبازار ترکش دوزها ببازار دارالشفاءِ منتهی میشود چهارسوئی داشته درآخر آن درمقابل حمام شاهزادگان که کدخدای صنف رنگرز درآنجا اقامت داشت واین چهارسو ازبین‌رفته است. (۳)

۱۳ - بازار ریخته‌گرها :

این بازار درحوالی بازار رنگرزها بوده و امور ریخته‌گری فلزات در آن انجام میگردید و از بازارهای دوره صفویه بوده است ولی اکنون اثری از آن نیست. (۴)

۱۴ - چهارسوی فراشخانه :

این چهارسوکه ازچهارسوی بازار رنگرزها منشعب میشدازبین‌رفته وامروز آنجا را خیابان تلفونخانه مینامند. (۵)

۱۵ - بازار شاهی :

بازار شاهی درعصرصفویه بکوی شاهزادگان متصل میشده و آنرا بنام بازار شاهزادگان مینامیدندبیشتراین بازارکه همان بازارچه بلندباشد ودرخیابان چهارباغ

۱و۲ - بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۷ ۳و۴ - بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۹.
۵- بخشی ازگنجینه آثارملی ص۳۰.

واقع است ازبین رفت و باقی‌مانده آن انبار دخانیات است از مدرسه چهارباغ وسرای فتحیه که اکنون مهمانسرای شاه‌عباس است و باغ هشت‌بهشت درهائی باین بازار باز میشده است. (۱)

۱۶ - سرای الماسیه :

این سرا در بازار مقصودبیک که از جنوب شرقی میدان نقش‌جهان تا بازار حسن‌آباد امتداد داشته واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست. (۲)

۱۷ - چهارسوی الماسیه :

این چهارسو درنزدیکی سرا و مدرسه‌الماسیه در بازار مقصودبیک واقع بوده ولی اکنون اثری ندارد. (۳)

۱۸ - بازارمشعلدارباشی :

این‌بازار ببازار منجم‌باشی که به‌چهارسوی ساروتقی منتهی میشود می‌پیوسته است واکنون اثری ازآن نیست. (۴)

۱۹ - بازار اسلحه‌سازان :

این بازارکه درحدود بازار تفنگسازهاواقع و درآنجا مبادرت بساختن‌انواع اسلحه میکرده‌اند از بناهای شاه‌عباس بوده است و اکنون اثری ازآن نیست. (۵)

۲۰ - کاروانسرای اسلحه‌سازان :

این کاروانسراکه ازبناهای شاه‌عباس بوده دربازار اسلحه‌سازان واقع بوده بوده است و اینك اثری ازآن نیست. (۶)

۲۱ - چهارسوی بازار مسگرها :

این چهارسوکه دربازار مسگرهادرغرب میدان نقش‌جهان مقابل‌خیابان‌حافظ فعلی وجود داشته پس‌از انهدام بازارآن چهارسوهم ویران‌گردید. (۷)

---

۱ - بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۳۰

۳و۲- بخشی ازآثار ملی ص۳۶

۴- بخشی ازگنجینه‌آثار ملی ص۱۸ .

۷و۵- بخشی ازگنجیه آثار ملی ص۲۷.

۶- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص ۲۶.

۲۲ ـ بازار عربان :

بازاری بوده که ازمسجد جامع اصفهان تا محل خیابان فعلی محمدرضاشاه ممتد وعصارخانه وسرائی بنام میرحاج درآن وجود داشته که اعراب ساکن اصفهان در اوایل طلوع اسلام درآنجا اجتماع میکرده‌اند واز اینرو این بازار را بازار عربان وبمناسبت مجاورت باگنبدخواجه نظام‌الملك بازار نظامیه و نظام‌الملکی نیز مینامیده‌اند و شایدوجه تسمیه آن این باشدکه چون امارت حاج‌مردم آن محل‌را عربان‌داشته‌اند ببازارعربان‌موسوم‌بوده است این بازار ببازارهای دروازه طوقچی وبازار غاز وبازار میدان‌میر وصل‌میگردید و بازارهای منشعب ازآن‌عبارت بود از: بازار ریسمان‌که بمیدان هاتف‌فعلی وصل است، مدرسه‌کاسه‌گران دربازار ریسمان میباشد.دیگر از بازارهای‌منشعب از بازار عربان‌بازار نجف‌آبادیها است‌که سراهای معروفش: سرای اردستانیها وسرای خانی میباشد. دراین‌تاریخ از بازار عربان‌که‌گفته شد اثری‌نیست واگر هم بوده از صورت نخست خارج‌گردیده است. (۱)

۲۳ ـ کاروان‌سرای امیر بقمور:

این کاروانسرا درقرن هشتم هجری در اصفهان دائر بوده است ولـی اکنون اثری ازآن نیست. (۲)

۲۴ ـ کاروانسرای لله‌بیك :

این کاروانسرا نیز در زمان صفویه وبدست لله‌بیك خزانه‌دار شاه‌عباس‌کبیر احداث شده وکارهای مربوط بخزانه‌داری‌را درآن‌انجام میداده‌اند. ازکاروانسرای مزبور اکنون اثری باقی‌نیست. (۳)

۲۵ ـ کاروانسرای محله‌بازار مسگر :

این‌کاروانسرا درمحله بازار مسگر اصفهان درقرن هشتم هجری دائر بوده ولی اکنون اثری ازآن نیست. (۴)

۱ـ بخشی ازگنجینه آثارملی ص۷و۸.
۲ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .
۳ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص ۲۸۹.
۴ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی.

۲۶ - بازار لله‌بیك :

این بازار درجانب راست میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وتجارتخانه‌شرکت هندانگلیس درانتهای‌آن بازار بود. اکنون از این بازار اثری‌نیست. (۱)

۲۷ - عمارت جارچی‌باشی :

این عمارت که‌درمیان باغی‌وسیع وباشکوه ودرسه قسمت بناشده بوداختصاص به ملك‌علی‌بیك جارچی‌باشی شاه‌عباس‌کبیر داشت وچون مورد خشم واقع گردید اموالش بتصرف شاه درآمدودراین‌هنگام نماینده شرکت هندشرقی‌انگلیس‌بایران آمد، شاه‌عباس این عمارت راکه درمرکز معاملات بازرگانی و نزدیك دیوانخانه‌بود باو بخشید. سقف‌آن عمارات مذهب ونقاشیهای جالبی داشته و دیوارهای‌آن بسیار زیبا بوده وهنگامیکه شاردن فرانسوی در زمان شاه‌سلیمان دراصفهان بوده نوشته که رو بویرانی است وکارکنان شرکت هم تقلیل یافته‌اند و اخیراً بصورت خانه ییلاقی مأموران‌انگلیسی‌بندرعباس درآمده بوده‌است. از این‌باغ وعمارت‌هم اکنون اثری نیست. (۲)

۲۸ - بازار مستوفی :

این‌بازر را میرزاشکرالله مستوفی‌اصفهانی درسال(۹۸۱هـ.ق)که‌بسمت‌مستوفی دیوان‌اعلای شاه‌طهماسب صفوی‌منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ اصفهان‌بناکرد ولی اکنون اثری ازآن نیست. (۳)

۲۹ - بازار صرافان :

این بازار درقرن پنجم هجری دراصفهان (شهر) دائربوده وناصرخسروعلوی در هشتم صفر ۴۴۴که وارد شهر اصفهان شده‌گفته: بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود این بازارکه درمدخل ومخرج آن دربندی داشته اکنون اثری از آن نیست. (۴)

۱و۲- زندگانی شاه‌عباس اول ج۴ ص۲۶۹.   ۳- تاریخچه محله خواجو ص۸۱ بنقل از منتظم ناصری .   ۴- سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶ .

۳۰ ـ بازار میان طوقچی و باباقاسم :

این بازار نیز واقع بود میان محله طوقچی اصفهان و باباقاسم و در زمان قدیم بنا شده بود ودر حکمرانی صدر اصفهانی موردتعمیر قرارگرفت ولی درتاریخ تألیف از بین رفته است.(۱)

۳۱ ـ بازار نقش‌جهان :

این بازار از دروازه حسن‌آباد شروع و بدروازه طـوقچی ختم میشده است و در زمان صفویه دائر بوده است ولیکن در دوره فترت افغان این بازار از بین رفته است.(۲)

ط ـ دروازه‌های شهر اصفهان :

دراصفهان (شهر) ازقدیم‌الایام مانند تمام کشوردروازه‌هائی درجهات مختلف شهر وجود داشت که در موقع هجوم دشمن آن دروازه ها را می‌بستند ونیز درهر محله‌ای چند دربند بودکه هنگام لزوم آن دربند ها را نیزمی‌بستند و وقتی بسته میشد چون شهر دارای حصار بلند بود دیگر ورود دشمن بآسانی میسر نبود این وضع تا اول‌دهه پنجم قرن چهاردهم باقی بود ولی‌پس‌ازطلوع دولت پهلوی وشیوع امنیت درسرتاسر کشور آن دروازه‌ها ودربندها برداشته شد .

نگارنده بخاطر دارم‌که درهای دروازه‌ها ودربندها بسیار مرتفع وباچوبهای محکم وضخیم وآهنکوبی ساخته‌شده‌بود وآن‌درها را بدون‌ادوات وآلات‌آهنگری ونجاری غیرممکن بودکه از حیّز استفاده بیرون‌آورد .

اغلب آن درها از ازمنه خیلی قدیم بود و در حقیقت جنبه تاریخی داشت . اینك برای ضبط درتاریخ آثار ملی دروازه‌های شهرقدیم شهراصفهان‌راکه اینك‌جز نام اثردیگری ندارد مینگارد :

۱ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۰. ۲ـ نصف جهان ص۲۴.

۱- دروازه اسماعیل کوسج:[۱]

این دروازه درمحله‌ای بهمین نام واقع بوده است که نزدیکی خیابان حافظ کنونی میشود.

۲ - دروازه اشرف :[۲]

محل آن درشمال رودخانه زاینده رود وظاهراً همان محله پشت بارو است که بنام دروازه اشرف خوانده میشود.[۳]

۳ - دروازه اصفهان :

این دروازه همان دروازه معروف به تیره میباشدکه در آنجا قبـر حممة‌بن ابی حممة است.[۴]

۴ - دروازه الیاران :

این دروازه درمغرب‌شهر اصفهان واقع‌بوده است واکنون نیزجای‌آن‌معروف بدروازه الیاران است.[۵]

۵ - دروازه باب‌السجن :

یکی از دروازه های قدیم اصفهان که درآن نزدیکی زندانی بوده‌است.[۶]

۶- دروازه باغ سلم :

این دروازه ازدروازه‌های زمان ورود اعراب باصفهان میباشدکه درحدودباغ سلم و محله باغ سلم واقع و محمدبن احمدبن حسنویه محدث‌متوفی(۳۶۰ ه. ق) و ابو مسلم نوح‌بن منصوربن مـرداس سلمی متوفی ۲۹۵ ه . ق در آنجا سکونت داشته‌اند[۷].

۱- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۳۳ ۲- تاریخ‌اصفهان وری ص۹۹ ۳-گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۷۲۸. ۴- تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص۱۵ ۵- نصف جهان ص۲۳ ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۶۴ ۷- ذکراخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۹۵

۷ - دروازه بخارا :

دروازه‌ای بوده دراصفهان که ابوبکر محمدبن ثابت دربکوشکی درحدودآن منزل‌داشته‌است .گویا وجه تسمیه‌آن بوده‌که مردم بخارا که به اصفهان میآمده‌اند یا ساکن بوده‌اند درآن حدود مقیم بوده‌اند .[۱]

۸ - دروازه بیدآباد :

این‌دروازه درمغرب شهر اصفهان بوده است .[۲]

۹ - دروازه جوباره :

این دروازه درمشرق شهراصفهان واقع[۳] و از دروازه طوقچی‌شروع وکلیه قسمتهای شرقی شهردرآن بوده است .[۴]

۱۰ - دروازه جوزدان :

این دروازه در مغرب شهر اصفهان واقع بوده است . جوزدان در زمان پیش بیرون شهر بوده وچون بشهر اتصال یافته جوزدان دروازه شده است .[۵]

۱۱ - دروازه چهارباغ :

این دروازه درجنوب شهر اصفهان واقع بوده است .[۶]

۱۲ - دروازه چهاررو :

این‌دروازه درجهت شمال شهر اصفهان قرارگرفته بوده است.[۷]

۱۳ - دروازه حسن‌آباد :

این دروازه از بناهای امیر حسن‌بیك آق قوینلو[۸] و در زیر محله خاجو واقع بوده است .[۹]

۱۴ - دروازه خاجو (خواجو) :

این دروازه درمحلی بوده‌که نهر نیاصرم ازکنار آن میگذرد وعرض شهر

۱- معجم‌الادباء ج ۱۸ ص ۳۲ ۲و۵و۷- نصف جهان در تعریف اصفهان ص ۲۳
۳و۶- نصف جهان ص۲۴ ۴-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳ .
۸- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۱ ۹- نصف جهان ص۲۲

نیز ازاین طرف است ودرسمت جنوب شهر اصفهان واقع شده است.[1]

۱۵ ـ دروازه درب کوشك :

این‌دروازه درمحله باب کوشك واقع بوده است .

۱۶ ـ دروازه دردشت :

این‌دروازه درسمت شمال شهراصفهان واقع بوده است .[2]

۱۷ـ دروازه دولت :

این‌دروازه درقدیم جای فعلی محله دولت بوده است .[3]

۱۸ ـ دروازه ساروج :[4]

این دروازه ازدروازه های بسیار قدیمی اصفهان بوده و شاید در همان مکان ساروبه باشد .

۱۹ ـ دروازه سه پله :

این دروازه درسمت مغرب شهر اصفهان واقع بوده است.[5]

۲۰ ـ دروازه سید احمدیان :

این دروازه درسمت مشرق اصفهان واقع بوده است .[6]

۲۱ ـ دروازه طبره :

این دروازه درشهرستان اصفهان واقع بوده است.[7]

۲۲ـ دروازه طوقچی (تقچی) :

این‌دروازه درسمت شمال شهراصفهان واقع‌بوده است .[8]

۲۳ ـ دروازه ظله :

این دروازه درقسمت شرقی شهر اصفهان‌قرار داشته و از دروازه‌های قدیمی است .[9]

۱و۲و۵و۸ـ نصف‌جهان ص۲۳ ۳و۴ـ جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۶و۹ـ نصف جهان ص۲۴ . ۷ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۳۴۸

۲۴ ـ دروازه عباسی :

این‌دروازه همان دروازه جوباره است که درقسمت شرق اصفهان واقع میباشد.

۲۵ ـ دروازه عطاء خشك :

از دروازه‌های اصفهان است که به عطاء خشك‌ابن سائب باب عطائی منسوب واز سرکردگان بنی‌عباس درخراسان بوده است .[۱]

۲۶ ـ دروازه کران :

این دروازه درطرف مشرق شهر اصفهان واقـع و مجاور دروازه خاجـو و وگلبار است .[۲]

۲۷ ـ دروازه کله :

این دروازه در شمال رودخانه زاینده رود واقع و اکنون جـزء بخش ۴ از محلات شمال زاینده رود است .[۳]

۲۸ـ دروازه لنبان :

این‌دروازه درمحله لنبان ودرمشرق اصفهان واقع بوده است .[۴]

۲۹ - دروازه مارنان = مورنان = ماربانان :

این‌دروازه درسمت شمالی‌شهر اصفهان ونزدیکی‌پل‌مارنان واقع‌بوده است.[۵]

۳۰ ـ دروازه ممیل = درب ممیل :

دروازه ای‌بوده درشهر اصفهان‌که درسال (۳۴۹ هـ . ق) ابومحمد قـرمطی مؤذن درآن ناحیه سکونت داشته است .[۶]

۳۱ ـ دروازه نو :

این دروازه درجای محله‌ایست‌که قسمتی از آن جزءِ بخش ۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده رود واقع شده واز دروازه‌های قدیمی است .[۷]

۱ـ عطاء خشك‌ابن سائب متوفی (۱۳۰ هـ. ق) است. (ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۱۴۷)

۲و۳و۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳

۵ - نصف جهان ص۲۳ ۶ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص ۱۱۹

این دروازه‌ها بتناسب عمران و آبادی شهر اصفهان کم وزیاد میشده وگاهی نام بعضی از آنها تبدیل میگردیده است . و از این رو تعداد حقیقی این دروازه‌ها در اوقات خرابی و یا عمران معلوم نیست و گاهی بانام محلات و کوچه‌ها متحد شده است .

عده دروازه های شهر اصفهان در هنگـام ساختن باروی جـی چهار دروازه بنامهای: خور - ماه‌بر - کوش‌بر - تیر بر که‌خور در مشرق وماه‌بر در مغرب باروبود وماه‌بر را اسفیس‌واسفیش وشهیش وشئیش نام داده‌اند وکوش‌بر را جوش‌بر ویهودیه نیزخوانده‌اند .

عده‌آن دروازه ها درزمان علاءالدوله حاکم اصفهان دوازده بود که تمام‌آن درها از آهن وبطوری مرتفع وگشاد ساخته شده بود که فیل با تخت روان براحتی داخل دروازه‌ها میگردید و در پشت باروی شهر‌خندق نیز کنده شده بود که مانع ورود ناگهانی دشمن‌گردد .

در طی مرور زمان عده دروازه های شهر تغییر کـرده بطوریکه سی و یك دروازه برای شهر اصفهان شمردیم .

در اواخر قرن سیزدهم عده دروازه‌های شهر اصفهان شانزده[1] باین اسامی بوده است :

۱- دروازه‌دولت. ۲- دروازه حسن‌آباد. ۳- دروازه‌خاجو. ۴- سیداحمدیان ۵- ظله. ۶-کران. ۷- جوباره. ۸-طوقچی. ۹- باب‌الدشت. ۱۰- دروازه‌نو. ۱۱-ساروج ۱۲- بیدآباد. ۱۳- جوزدان. ۱۴- الیاران. ۱۵- سه پله. ۱۶- مارنان .

مؤلف نصف جهان [2] دروازه‌های اصفهان را در تاریخ هزار و سیصد و هشت هجری چهارده باین شرح نامبرده : ۱- دروازه مارنان. ۲-سه‌پله. ۳- الیاران. ۴- جوزدان . ۵- بیدآباد . ۶- چهاررو . ۷- دردشت . ۸- طوقچی . ۹- جوباره . ۱۰- سیداحمدیان. ۱۱-کران. ۱۲- ظله. ۱۳- خاجو. ۱۴- چهارباغ.

۱- جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۲- نصف جهان ص۲۳.

فصل دوم

در ابنیه و آثار تاریخی که نام و نشان از آنها باقی است
ومشتمل است بر ۲ گفتار :

گفتار اول:

در بیان آثار پیش از اسلام:

الف ـ آتشکده‌ها :

۱ـ آتشکده اصفهان :

درمغرب اصفهان مشرف به جاده اصفهان و نجف‌آباد روی قله‌کوه ساختمانی ازخشت ضخیم وملاط رس وقطعات نی بشکل قلعه ساخته شده بوده و در اثر مرور زمان وباد وباران قسمت مختصری از آن باقی مانده که بنام آتشگاه خوانده میشود وکوه آنجا را نیزکوه آتشگاه مینامند. (ش ۱)

تاریخ احداث آن بطور وضوح معلوم نیست آنچه محققان معاصر نوشته‌اند اینستکه این ساختمان بقیه ساختمانی است که جغرافیانویسان قدیم وحمزهٔ اصفهانی نگاشته‌اندکه بهمن بن اسفندیار در ناحیت ماربین آتشکده شهراردشیر را بناکـردو بگفته ابن‌حوقل دراین بخش تل بزرگی است که برروی آن قلعه‌ای بنا شده و درآن قلعه آتشکده‌ای است که میگویند آتش آن از آتشهای ازلی است ومراقبان آن مجوسی وهمه‌مردمانی ثروتمندند. ونیز درمحاسن اصفهان از قلعه ماربین وآتشکده‌مزبور نام میبردومعلوم میگردد درقرن پنجم دائر بوده‌است. این بنای تاریخی که فقط نشانه‌هائی



(ش ۱)

از آن‌باقی مانده طی‌شماره $\frac{۳۸۰}{۲۳۳۰/۹/۱۱}$ به ثبت تاریخی رسیده است. (ش ۲)

از وضع فعلی آتشگاه معلوم میگرددکه در زمان بعداز اسلام [۱] و دوران مغول تصرفاتی درآن بعمل‌آمده است. [۲]

۲ ـ آتشکده ساسانی نطنز :

درحوالی مسجدجمعه نطنز میان باغ ملك شخصی بنام امام سکوئی بارتفاع دومتر از سطح زمین‌آثار عمارت مختصر وجالب توجهی‌کوشك مانند بنظر میرسد

۱ - سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء و صورت‌الارض ابن‌حوقل و محاسن اصفهان ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵



(ش ۲)

که ازلحاظ ظرافت وتناسب بنا شباهت کاملی به آثار ساختمانی دوره ساسانی دارد و چنان معلوم میگرددکه جای آتشکده بوده است.

چهارستون ازهفت ستون اولیه ویك اطاق از چهار اطاق آن برپاوبجامانده وبقیه خراب شده‌است. و نیزدوطاقچه ازچهار طاقچه‌آن‌که سطح بنارا بطاق‌بالای گنبد سنگی وصل میکرده باقی مانده است.

ابعاد هریك از این اضلاع خارجی بنا ۱۱/۳۵ متر وضلع داخل بنا۷متر طول دارد و دهانه هر اطاق۵/۶۹متر است، اصل بنا را باسنگ لاشه که روی آن گچ مالیده شده ساخته‌اند.

این اثر باستانی در دیماه ۱۳۱۰ شمسی بشماره ۱۸۷ بثبت تاریخی رسیده است. [۱]

۳ ـ آتشدان سنگی :

این آتشدان سنگی که مربوط بعهد هخامنشیان است در سمیرم بختیاری اصفهان بدست آمده [۲] که ثبت تاریخی آن جریان دارد.

۴ و ۵ ـ دوسرستون سنگی متعلق بدوره ساسانی که نقش خسروپرویز روی آنها دیده میشود ویکی از آنهاکه سالم است درموزه ایران باستان و دیگری که کمی شکستگی دارد درکاخ چهلستون اصفهان نگهداری میشود. این دوسرستون در حدود سال ۱۲۳۰ درنزدیکی تالار تیموری اصفهان کشف شده است. [۳]

ب ـ قلعه‌ها و رباطها و نظائر آن :

۱ ـ قلعه وشاق نطنز :

دریکی از ارتفاعات کوه کرکس آثار قلعه خرابه‌ای است که دلالت بر سوابق تاریخی آن میکندوتا قرن هشتم هجری دائر بوده و حمدالله مستوفی چنین گفته : وشاق قلعه‌ایست در ولایت نطنزوچون وشاق بر آنجاحاکم شد به وشاق معروف گشت و این گفته میرساندکه‌این قلعه بسیار قدیمی واحداث آن به‌پیش از اسلام میرسیده است .

این قلعه که روی قله کوهی بنا شده هنگام آبادی وسایل زندگی از هر جهت مانندآسیاب بادی وغیر آن درآن فراهم بوده وآسیاب بادی آن هنوز وجوددارد.

اطراف کوه را بطوری تراشیده‌اندکه راه بالا رفتن و رسیدن بقلعه بوسیله

---

۱ ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۳۸۸-۳۸۹ ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۵۱ ۳ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۸

میخهای ضخیم آهنین که بر بدنه کوه کوفته شده ممکن باشد. [1] نجیب الـدین [2] جرفادقانی گفته :

چوسر کشی که بهر صبحدم بگاه طلوع — در آید از کمرت پای آفتاب بسنگ

۲ ـ قلعه زواره :

در زمان قدیم در زواره قلعه‌ای بوده برای ذخیره آرتش و از اینرو محله‌ای را بنام بنجیره یعنی جای جیره قشون خوانده‌اند، و این قلعه چهار دروازه داشته و در فاصله از هر دروازه تا دروازه دیگر ده برج وجود داشته که تاکنون هم آثارش نمایان است، ودرداخل قلعه بزرگ چهارقلعه بوده که اکنون دوقلعه از آنها باقی است. [3]

۳ ـ نارنج یا نارین قلعه نائین :

این قلعه که در شهر نائین درنزدیکی مسجدعلویان درمحله باب المسجد واقع است بسیار قدیمی و از خشت خام ساخته شده است .

خشتهای خام آن دارای نیم ذرع طول ویکربع عرض و وزن هـر خشت هفت الی هشت من است.

عمارات زیرین برج قلعه بتل خاکی تبدیل ولی خود برج که بیست وپنج ذرع ارتفاع دارد باقی است. دراطراف این قلعه درقدیم خندقی بوده بعرض ۲۵ ذرع ولی اکنون پرشده است. دراین قلعه چیزی که دلالت برسال احداث این بنا بکند وجود ندارد وفقط ازسبك ساختمان ومتلاشی شدن آن نشان میدهد که پیش از اسلام ساخته شده است، واحتمال میرودکه برای آتشگاه احداث شده باشد.

معروف است که ناصرالدین شاه قاجار این قلعه را بپاداش قرآنی که مریم بانو دختر آقامحمدبن ابوطالب نائینی برایش نوشته بود اهداءکرده است. [4]

باستان‌شناسان معتقدند که احداث این قلعه مربوط بزمان پیش از اسلام ازساسانیان تا اشکانیان میباشد و نائین نخست همان قلعه وحمام مجاور آن بوده است، درمیان

۱ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۴۲۱ — ۲ ـ زینت المجالس بنقل ازنزهت القلوب ص۷۷۴ — ۳ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶۱ — ۴ـ تاریخ نائین ص۷۰

قلعه و در برجهای چهارطرف آن چاههای عمیقی بوده که از آنها بـوسیله راههـای زیرزمینی بخارج میرفته‌اند و راهی بمسجد جامع نیز دارد. ارتفاع قـلعه از سطح کوچه‌ها ۲۵متر وازکف خندق ۴۰متر ومعلوم است که در روزگارپیشین ازاین‌مقدار مرتفعتر بوده واکنون بتلی‌خاك شبیه‌تراست تا بعمارت .

جنـگ امیرمبارزالدین‌محمد پادشاه آل‌مظفر وملك‌اشرف چوپانی دراین‌قلعه واقع شده است. [۱]

۴ ـ قلعه رستم بافران :

این قلعه درقریه بافران درمشرق نائین واقع و چاهی درآنجا است‌که‌درباره آن افسانه‌هائی گفته شده و این قلعه درحال ویرانی است. [۲]

۵ ـ عمارت مخروبه شاه‌جهان :

این‌عمارت مخروبه‌که نام اصلی‌آن سلطان چشم‌جان است در زیر مزرعـه شهدادنائین واقع ومطابق نوشته‌مورخ۷۴۴هجری مدفن‌مردی بزرگ ومورداحترام مردم اطراف بوده است. [۳]

۶ ـ قلعه مخروبه نیستانك :

این قلعه‌که ازلحاظ قدمت وطرز ساختمان به پیش‌از اسلام ارتبـاط دارد در قصبه نیستانك تابع شهرستان نائین واقع است. [۴]

۷ ـ قلعه بزی :

این قلعه‌که درلنجان اصفهان واقـع است در زمان ساسانیـان بنا شده و در دوران سلاجقه الحاقاتی پیداکرده ولی اکنون بائر و فقط نشانی‌ازآن باقی‌وبشماره ۷۵۷ در۲۶/۲/۱۳۴۶ شمسی بثبت تاریخی رسیده است. [۵]

۱ـ فرهنگ تاریخ‌نائین ص۱۲ ۲ـ فرهنگ‌تاریخ‌نائین ص۲۳ ۳ـ فرهنگ‌تاریخ نائین ص۲۸ ۴ـ فرهنگ تاریخ‌نائین ص۳۹ ۵ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۶۰

۸ ـ قلعه فارفاآن :

این قلعه درقریه فارفاآن رویدشت اصفهان واقع و دژی نظامی بوده که در عهد ساسانیان بناگردیده‌است. فارفاآن در قدیم یکی از شهرهای حاکم‌نشین اصفهان بشمار میآمده است.[۱]

۹ ـ قلعه دیو :[۲]

این قلعه عبارت است از یك‌عده چهار دیواری‌کوچك و بزرگ بشکل قلعه که بعضی ازآنهاکه آثارشان بکلی خراب نشده میرساند ساخته آن درگاه نداشته مگر بطور نقب از زیرزمین و دیوارآنها بالتمام از سنگهائی ساخته شده است که دارای شکل هرم ناقص وضلع قاعده مربع آنهـا قریب به ۵/۲۵ متر و ارتفـاعش قدری بیشتر بوده است. دیوارهای‌کلفت که از این سنگها درست شده بـوده است عادةً بغیراز بادست وکلنگ ممکن‌نبوده است خراب شود، و این قلعه‌ها را قلعه دیو گویند و احتمال میرودکه در قدیم آتش‌پرستان جهت دفن اجساد اموات خود ساخته‌اند وعمرهریك بیش‌ازچندین‌هزار سال‌است واین قلعه‌ها درامتداد جاده‌چشمه درویش[۳] بسمت مغرب در پای‌کوه صفه اصفهان واقع شده است .

۱۰ ـ تخت رستم :

عمارتی است واقع درسه‌هزار متری غربی‌کوه صفه اصفهان درقله‌کوهی که از کوهها جدا افتاده وآن‌چند دیوار است‌با خشتهای بزرگ با اضلاع قریب نیم‌متر و اثر دیگری ندارد، جنگ اسکندر، و دارا درآنجا واقع شده است.[۴] چون قلعه دیو و تخت رستم‌که حقا ازآثار باستانی است تاکنون به ثبت نـرسیده اقتضاء دارد مورد توجه واقع و نسبت به ثبت و حفظ و حراست‌آنها اقدام مقتضی معمول‌گردد.

۱ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۲۱ ۲ـ الاصفهان ص ۴۳ ۳ـ چشمه درویش درسه هزارمتری باغ هزار جریب اصفهان واقع وآن حوضی است طبیعی و مسقف درپایه‌کوه صفه وآب ازآن خارج نمیشود. الاصفهان ص۴۳ ۴ـ الاصفهان ص۴۴

گفتار دوم:

در آثاریکه بعداز اسلام احداث و فقط نام و نشانی از آنها مانده:

الف ـ گورستانها:

۱ ـ گورستان آب‌بخشان:

گورستان آب‌بخشان [1] یا مردبان دراصفهان‌که اکنون میدان پهلوی است ودارای هفتادهزارذرع وسعت‌بوده وبسیاری‌ازاولیاء واقطاب‌وعلماءِ درآن مدفون‌شده بودند واکنون‌تبدیل بساختمان‌های‌گوناگون چون‌اداره بهداشت ودبیرستان‌تبریزی و هنرستان دختران شده وفقط بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفـی (۲۵۸ هـ. ق) و قبر میرزا ابراهیم جوهری [2] باقی مانده است.

۱ـ آب بخشان و آب بخشگان محل کنونی میدان‌پهلوی شهر اصفهان است و درزمان ابونعیم اصفهانی (اوائل قرن پنجم) آنجا را مردبان مینامیده‌اند ووجه تسمیه آنستکه درروز جشن آبریزان دراین‌محل‌که مادی فدین عبور میکرده‌آب بهم میپاشیدند (رجال اصفهان‌ص۱۴۲)

۲ ـ میرزا ابراهیم متخلص بجوهری پسر محمد باقر مروی اصفهانی از شعراء و وعاظ و نژادش از مرو بود ، پس‌از اتمام تحصیلات چندی در سیر و سیاحت بسر برد و زمانی‌هم در قزوین اقامت کرد وازاینرو اورا قزوینی‌هم‌نامیده‌اند . کتاب طوفان البکاء معروف به‌جوهری را هم در قزوین باتمام رسانیده سپس باصفهان آمد و درخدمت سید حجة‌الاسلام حاج سید محمد باقر رشتی معزز ومحترم میزیست تا در تاریـخ سال ۱۲۵۳ هجری بدرود زندگـی گفت و بدیار دیگرشتافت و درقبرستان آب بخشان مدفون گردید ، درسال (۱۲۹۰ هـ. ق) ←

۲ ـ گورستان شاهزاده ابراهیم :

واقع است در محله مستهلك از گورستانهای دوران صفویه که بصورت باغ و خانه درآمده و عمارات دبیرستان شاهدخت و آذر و دانشسرای دختران در آن بنا گردیده است ، و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده که اخیراً بهمت مردان اخیار عمارت صحن وبقعه تجدید بنا شده است [۱]

۳ ـ گورستان امامزاده احمد :

واقع است در محله حسن آباد از قبرستانهای مربوط بعهد سلاطین صفویـه که ازهمان زمان بتدریج از صورت گـورستان بیرون وهمه آن تبدیل بخانه گردید و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده است. [۲]

۴ ـ گورستان امام‌زاده اسماعیل[۳] :

واقع است در محله گلبهار یا گلبار که در قدیم آنرا خشینان یـا خوشینان میخوانده‌اند، بتدریج ازصورت گورستان خارج وفقط عمارت امامزاده بجامانده است.

۵ ـ گورستان سرقبر آقا :

واقع است درمحل خاوجان یا خابجان[۴] که تبدیل به دکان وخانه وتیمارستان وهنرستان حرفه‌ای شده وحتی قسمتی از مقبره نیزجزءِ هنرستان شده است.

→

زنی گور اورا تعمیر کرد وچون این اواخر قبرستان ازبین رفت بهمت مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی تاجر اصفهانی اطاقی روی قبرش بناگردید و روی مزارش سنگی تمام قد گذارده شد وبر سر آن قصیده میرزا محمد باقر متخلص به بهای شاعر در بی‌اعتباری دنیا کـه مطلعش اینست حجاری شده :

ای برادر گر بچشم اعتبار اندرجهان برقبور مردگان آری گذار و بنگری

و مقطع :

کلك سحرانگیز اوبنوشت این مصرع تمام « همره سلطان دین آید بمحشر جوهری »

۱۲۵۳

(تذکرة‌القبور یا بزرگان اصفهان ص۴۵)

۱و۲و۳و۴ـ تذکرة‌القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان (ص ی)

۴ـ خابجون (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ی).

۶ـ گورستان امامزاده باقر :

واقع است درمحله خاجوی قدیم و ازگورستانهای‌کهن‌که مدفن ابن‌مسکویه نیز بوده و تبدیل‌به ساختمانهای‌گوناگون مانند اداره‌کشاورزی وغیرآن شده وتنها عمارت امامزاده بحال خود باقی مانده است. (۱)

۷ـ گورستان بابارکن‌الدین (۲) که معروف به تخت فولاد است مقدار زیادی ازآن تبدیل بساختمانهای گوناگون گردیده است. (۳)

۸ـ گورستان باغ درویش :

واقع است در اراضی آهنگران که در قرن دهم هجری دائر بوده و اکنون فقط اثر چند قبر دیده میشود. (۴)

۹ـ گورستان بابانوش: (۵)

از متفرعات‌گورستان چملان واقع درمحله در وازه‌نواست‌که پیش‌از صفویه دائرشده وتکیه بابانوش تا نیم‌قرن‌پیش وجود داشته ولی اکنون ازصورت‌گورستان درآمده است ولی‌از وضع در و دیوار معلوم میگرددکه‌گورستان بوده است.

۱۰ـ گورستان تکیه ظلمات(۶) نزدیك چهارراه‌کرمانی.

۱۱ـ گورستان خواجه میرحسن(۷) واقع درمقابل مسجد مصری.

۱۲ـ گورستان امامزاده دوقلی : (۸)

واقع درکنار خیابان شاه‌عباس درمحله خاجو از مزارات عهد صفوی .

۱۳ـ گورستان امامزاده شاه زید:(۹)

در زمینهای بافجان (بافجون هم تلفظ میکنند) در قسمت شرقی خیابان بزرگمهر واقع و ازگورستانهای‌کهن سال اصفهان‌که مقدارکمی ازآن باقی است .

۱ـ تذکرةالقبور ص ی .　۲ـ بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله انصاری بیضاوی فارسی از اولیاء و مورداحترام شیخ‌بهائی ومجلسی‌وکلباسی و متوفی یکشنبه بیست‌وششم ربیع‌الاول (۷۶۹ ه.ق)، وی درتکیه‌ای بنام بابارکن‌الدین مدفون است. (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ۱۵۳)　۳و۴ ـ (تذکرة القبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ی).　۵و۶و۷و۸و۹ ـ (تذکرةالقبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص باتاید .)

۱۴ - گورستان سادات[۱] جنب مسجد حکیم :

واقع است در محله جورجیر در قسمت چپ درب صاحب‌بن‌عباد .

۱۵ - گورستان ستی فاطمه [۲]:

واقع است در قسمت شمالی محله چهارسو شیرازیها و از مزارات قدیمی و بزرگ اصفهان است که در دوران پادشاهان آق قوینلو و صفوی اعتباری داشته و بتدریج بیمارستان صد تختخوابی و پرورشگاه در قسمتی از آن ساخته‌شده‌است .

۱۶- گورستان طوقچی[۳] یا تقچی[۴]:

از قبرستان‌های بزرگ وکهن‌سال اصفهان است که محل دفن‌اموات حنفیان بوده ، ومصلای قدیم‌هم در مجاورت این‌گورستان واقع بوده است .

قسمتی از این گورستان دبستان و دبیرستان هاتف و درمانگاه و استخر و کشتارگاه شده است و ازبقاع متبرکه بقعه امامزاده ابراهیم و علی‌بن سهل صوفی باقی مانده است .

۱۷- گورستان شاه سید علی[۵] :

واقع در محله خاجوی قدیم و از مزارات زمان تراکمه و صفویه‌است‌که در قرن‌کنونی بتدریج تبدیل بباغ و ملك و خانه و دبستان‌گردیده است .

۱۸- گورستان شاه میرحمزه[۶]:

واقع در قسمت شرقی خیابان سروش از گورستانهای وسیع زمان سلاجقه تا صفویه ومحل دفن مردگان شافعیان بوده است. درسالهای اواخر تسطیح وتبدیل بباغ و ملك و خانه و عمارات مختلف گردیده و تنها عمارت امامزاده باقی وتعمیر شده است .

۱- تذکرةالقبور ویابزرگان‌ودانشمندان‌اصفهان ص‌یا تاید.	۲و۳و۵و۶-تذکرةالقبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص یه-یو	۴- درجغرافیای‌اصفهان‌تقچی نوشته‌شده ص۳۲

۱۹ - سنگ سفید یامقبره امیراویس:

این مقبره درخارج شهر اردستان نزدیك راه شوسه اردستان بزواره واقع شده است در ایام قدیم بقعه‌ای کوشك مانند از آجر داشته که بمرور زمان ازبین رفته است .

آنچه مانده آجرهای اطراف قبر که بسیار بزرگ و دو سنگ مرمر که یکی بطور عمودی ودیگری افقی نصب شده‌اند . (ش ۳)

سنگ مرمر افقی دارای خطوط و نوشته‌هائی است که میرساند صاحب قبر که ازشیعیان بوده درسال نهصد و بیست در سن سی‌سالگی کشته شده و پدر و مادر



(ش ۳)

او زنده بوده وازدست دادن فرزند خود درسوز وگداز بوده‌اند .

عبارات مکتوب بر سنگ افقی کـه بطور مکعب و پنج سطح آن پیداست و درازای آن ۲/۷۵ مترونیم متر آن درپشت سنگ افقی پوشیده شده چنین است .

« هذا مشهد الامیرالکریم الغفیرالشهید ، نتیجة‌الاکابر الکرام بین‌الانام، الامیر »
« جلال‌الدولة والدین امیراویس‌ابن عالیجناب رفعت آیات ، جلالتمآب ، اکابر انتساب »
« شمس‌الدولة والدین محمد نجیبا ۹۲۰ »

« باو بودم شبی افسانه آن شب بگوئیدم
و گر میرم بتعظیم سگان او بموئیدم »
« مرا امروز بردار فنا جلـوات بهر او
سرودی‌کان‌میان نوحه‌گوئید آن بگوئیدم »
« شهید خنجر عشقم بخون دیده آلـوده
بخاکم‌همچنان‌برخون درآرید و مشوئیدم »
« همه جا ازشهیدان نور خیزد و زدلم آتش
نشان‌است این‌میان‌کشتگانش گربجوئیدم »
« گلی‌کزخاك من روید بگوش اهل‌دل‌گوید
که من بوی فلان دارم مبوئیدم مبوئیدم »
« گرازگل‌گل‌شودخرم زمن‌خواهدزدن‌بویش
مبوئیدم که از غیرت بسوزم گر ببوئیدم »
«پس‌ازکشتن‌که‌خون‌آلوده‌افتدبرزمین‌خسرو
از آن بهترکه ازغیرت بآب دیده شوئیدم »

وبعد این اشعار نقش شده :

امیر زاده اعظم دلاور دوران — امیراویس‌که‌بدفخرآل نوشروان
بهفده رمضان وبسال نهصدو بیست — شهیدگشت‌وروان‌شدبروضه‌رضوان

درحاشیه اول متصل بمتن سنگ این‌اشعار خوانده میشود :

« زیر گل سنگدل ای غنچه رعنا چونی

بی تو ما غرقه بخونیم تـو بی مـا چونی »

« سلك جمعیت ما را فلك از هم بگسست

ما که جمعیم چنینیم تو تنها چـونی »

بر حاشیه دیگر سنگ دوازده امام بخط ثلث بشرح زیر نقش شده :

« بنبی عربی ورسول مدنی واخیه اسدالله مسمی بعلی و بزهراء بتول و بام ولدتها»
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل زکی وبسجاد وبالباقر والصادق حقا وبموسی وعلی وتقی و»
نقی . وبذی العسکر والحجة حقا الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی وعلیهم صلواتی وسلامی»
« بالوف وبلیل ونهار وغداة وعشی ».

دردنباله آن این قطعه حجاری شده :

« قضا نقش یـوسف جمالی نکـرد — که ماهی گورش چو یونس نخورد »

« در این باغ سروی نیامد بلند — که باد اجل بیخش از بن نکند »

سپس این دوبیت خواند میشود :

« نهالی به سی سال گردد درخت — زبیخش برآرد یکی باد سخت »

« عجب نیست برخاك گر گل شکفت — که چندین گل اندام درخاك خفت »

درقسمت بالائی سنگ افقی که دارای ۲/۵ طول ونیم متر ضخامت میباشد این قطعه حجاری شده :

« با حکم خداوند مکـن دل ناخـوش

در محنت فـرزنـد خـود از آه مـکش »

« چون جای جوانیش مصیبت گشته است

تاریـخ وفات او شده : « جای خـوش »
۹۲۰

و درپائین سنگ افقی چنین حجاری شده :

« ای نور دو دیده جهان افروزم — رفتی وزفرقت تو شب شد روزم »

« گوئی من وتو دوشمع بودیم بهم — کایام ترا بکشت ومن میسوزم »

درطرفین شمالی وجنوبی سنگ‌افقی اشعار زیر منقوش است :

« دردی بدل رسید کز آن درد جان برفت
کان سرور جهان بدریغ از جهان برفت »
« بالا تمام کرد درخت بلند ناز
ناگه بحسرت از نظر باغبان برفت »
« تلخ است شربت غم هجران و تلختر
هر سرو قامتی که بحسرت جوان برفت »
« چندان برفت خون جراحت از آستین
کز چشم مادر و پدر مهربان برفت »
« همچون شقایقم دل خونین سیاه شد
کان سرو نو برآمده از بوستان برفت »
« زخمی چنان نبود که مرهم توان نهاد
داروی دل چه فایده کارام جان برفت »
« سعدی همیشه بار فراق انتظار داشت
این نوبتش ز دست تحمل عنان برفت »

برقسمت فوقانی سنگ افقی مجدداً ماده تاریخ : امیرزاده اعظم تا آخر آن تکرار شده است

بقیه سطح فوقانی سنگ افقی باگل و بوته حجاری شده و درکنار آن این غزل نقش‌گردیده :

« بلبلی خون جگرخورد وگلی حاصل کرد
باد غیرت بصدش حال پریشان دل کرد »
« طوطئی را بهوای شکری دل خوش بود
ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد »
« قرةالعین من آن میوه دل یادش باد
که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد »

« ساربان بار من افتاد خدا را مددی
که امید مددم همره این محمل کرد »

« روی خاکی و نم چشم حسود مه ومهر
در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد »

« نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چکنم بازی ایام مرا غافل کرد »

نام صاحب قبر امیراویس ولقبش جلال‌الدوله و یا جلال‌الدین بود و نام پدرش شمس‌الدوله ویاشمس‌الدین محمد نجیبا بوده‌است . وی ازبزرگان و امرای دولت شاه اسماعیل سر دودمان سلسله صفویه و خود وپدر از مفاخر آل نوشیروان بشمار و دارای مذهب تشیع وبتصوف مایل بوده‌اند .

امیراویس مردی دلاور ودرحال پیکار وجنگ پس‌از زدوخورد های بسیار دراثر جراحت وخون ریزی درسن سی‌سالگی درتاریخ هفدهم رمضان سال نهصد و بیست هجری شهیدگردیده است. (۱)

۱- در اینجا چند نکته روشن نیست که امیراویس از احفاد انوشیروان بوده که در اردستان میزیسته‌اند یا احفادیکه درشروان سلطنت داشته‌اند ، و دیگر اینکه قتل او بدست چه کسانی درکجا اتفاق افتاده است بنظر میرسدکه امیرجلال‌الدوله که ازامرای شاه اسماعیل و تاریخ ولادت او ۸۹۰ هجری بوده فرزند امیرشمس‌الدوله محمد نجیبا و فرزند زاده امیر شمس‌الدین محمد ندیم شاه منصور متوفی (۷۹۵ ه . ق) بوده‌که دراصفهان‌میزیسته است .

زن امیرشمس‌الدین محمد طبق روایت پیرجمالی اردستانی درکتاب روح‌القدس از پیرمرتضی علی اردستانی (فرزند امیر مزبور) ازاحفاد انوشیروان عادل بوده است . و امیر شمس‌الدین محمدآنچه معلوم‌است دوپسرداشته‌یکی ازآنها درسن‌جهارده سالگی بدرودحیات گفته که شرح‌آن دربخش دوم‌آتشکده اردستان درشرح حال پیرمرتضی علی اردستانی‌مذکور است، پسردوم اوپیر مرتضی‌علی اردستانی عارف معروف‌قرن نهم هجری بوده که شرح‌حال او نیز در همان قسمت مذکور بیان گردیده پسر سومی‌هم‌داشته که پدر امیرشمس‌الدوله‌محمد نجیبا بوده است .

ولی بنظر نگارنده محمد نجیبا پسرپیرمرتضی‌علی اردستانی بوده ، زیرا درشرح‌حال پیرمرتضی نوشته‌اند که درکودکی‌یتیم شده وغیرازمادر پرستاری نداشته واگر احیاناً عموئی داشت بالطبیعه از او پرستاری میکرد در صورتیکه در شرح حال او که پیر جمالی اردستانی
←

اقتضاء دارد این اثر تاریخی به ثبت رسیده ودر اطراف آن دیواری وپناهگاهی مناسب ساخته شود که ازگزند حوادث جوی مصون باشد .

ب ـ رباطها و عمارات گوناگونی که بعد از اسلام احداث و نام و اثر دارند :

۱ـ نارین قلعه شهراب :[۱]

این قلعه درقریه شهراب جزء دهستان سفلای شهرستان اردستان واقع و از بناهای محمد حسین‌خان عرب عامری[۲] است . قلعه مزبور شامل تارنج یا نارین

←

مریدش نوشته هیچ اشاره‌ای بداشتن چنین کسی نکرده است پس باید باور کرد که امیرجلال ـ الدوله پسر محمد نجیبا فرزند پیرمرتضی‌علی اردستانی واز احفاد انوشیروان عادل است که در اردستان میزیسته و در هنگام مبارزه شیعه و سنی شهیدشده است .

آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۶ .

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۳۲ . ۲ـ محمدحسین‌خان‌عرب عامری پسر محمد علی‌خان بن امیرشمشیر خان ازجمله کسانی بوده که باتفاق آغا محمد خان قاجار در دربار کریمخان زند خدمت سپاهی میکرده وازسران سپاه بوده‌است .

چه این‌طایفه از زمان میرزا علی بیك عرب عامری پیوسته در دربار سلاطین صفویه ببعد خدمت میکرده‌اند ، منتها بعضی دراثر ارجاع وانجام خدمات بزرگ مشهور شده‌اند و بعضی گمنام مانده‌اند .

محمد حسین‌خان پس‌از فوت کریم‌خان باتفاق آغا محمدخان ازشیراز خارج شد ودر بین‌راه خان‌قاجار باوگفت میروم تهران وزمام امورسلطنت‌را دردست خواهم‌گرفت و تو راهم سپهسالار قشون خواهم کرد ، محمد حسین‌خان که خود را در دوره کریم‌خان بالاتر از او میدانست جوابداد که اگر تو شاه شوی من ادعای خدائی خواهم کرد و از یکدیگر جدا شدند .

محمدحسین‌خان دراردستان ونطنز وبیابانك مستقر وعده‌ای سوار تهیه وقلاعی‌مستحکم نیز بناکرد ، بخصوص در قریه شهراب قلعه مستحکمی که درآن آب و حمام و مسجد و تمام لوازم زندگی فراهم بود ساخت و درآن اقامت کرد و منال دیوانی تمام اردستان و نطنز و بیابانك را وصول مینمود ، کم بکم امیراسماعیل‌خان عرب عامری عموزاده‌اش باو ملحق گردیده وبا اینکه حکومت آنان برنطنز واردستان از طرف آغا محمد خان قاجار تأیید شده بود وکسی معارضشان نبود تصمیم‌گرفتند باتفاق امیرمحمدخان طبسی اصفهان را اشغال نمایند وپس‌ازچهارده روز جنگ درمحل رویدشت مغلوب وفراری‌گردیدند ، ازآن تاریخ ببعدمحمد

←

قلعه وآب قنات وحمام ومسجد وتمام لوازم زندگی در آن جمع وعمارات باشکوهی داشته ونقبی هم داشت که درهنگام لزوم از آن نقب فرارکنند و بطوریکـه معروف

→
حسین‌خان دراردستان وبیابانك ونطنز مشغول تاخت وتاز وجمع آوری مالیات و آزار بمردم بود ، شنیده شد که برای ساختن قلعه شهراب دستور داده بود خاکستر ازاطراف بیاورند و حاجی ابوطالب که جد خوانین اولادکریم بود خاکستر ازهفت فرسخی شهراب آورده بود و چون غربال نشده بود امرکرد که بمحل برگردانیده و پس‌از غربال‌کردن بیاورد. دراثرظلم زیاد وشکایت مردم محمد حسین‌خان شیبانی حاکم‌کاشان مامور دفع اوگردید و سرانجام اورا درمحل معروف به چاه علم که دربیابان شهراب واقع است دستگیروبه تهران اعزام ومحاکمه ومقتول‌گردید. صباحی بیدگلی درتاریخ‌این‌فتح ازطرف حاکم‌کاشان قصیدهٔ ذیل‌را سروده‌است:

در زمان شه جمجاه محمد خان آن — که زفرط خدمش نام فریدون گم‌شد
آنکه رخسارظفر آنکه کلید درفتح — آشکارش ز گریبان و عبا درکم شد
زیرحکمش همه‌آفاق کران تابکران — گرچه عرض‌سپهش‌ساحت‌ری تاقم‌شد
روزکین روی بآورد گهی‌چون‌آورد — تیغ‌خودمعرکه‌گردون وسپاه انجم‌شد
خان‌فرزانه حسین‌آنکه زبیمش‌مریخ — متواری بفـراز فلـك پنجم شد
چاکرانش‌چوبه:من‌اشجع‌لب‌بگشادند — اهل‌لابل همه را ورد زبان آهم شد
تهنیت‌گوید از او مادرگردون وزمین — چون درآغوش ابش جازکنار ام شد
شد به‌چاه علم‌آنجاکه زآغاز وجود — دور چون وادی غولان زپی مردم شد
مسکن طایفهٔ راهـزن کالانعام — که بلد قائدشان تابدر بل هم شد
آن‌قدرماندکه‌شب‌خرقه بیفکندزدوش — صبحدم‌کز پی‌سنجاب روان قاقم شد
تاخت‌برقلب‌عدوکشت‌ازایشان‌چندان — که‌زخون‌معرکه عمان‌و زمین‌قلزم شد
نیزه‌اش گشت نهالی و سرآورد بیار — توسنش‌نعل‌رکاب‌آمد ومرجان‌سم‌شد
چرخ‌را گردبسر برشد وخون تابکمر — خنگ‌گردون‌مشکین‌کاکل‌وگلگون‌دم‌شد
کاسه‌های‌سرشان دستخوش‌وحش‌آمد — کاسهٔ خود چوبلند ازسر نیلی‌خم شد
ازطمع آتش بیداد عدو میافروخت — شدبلند آتش ونخل املش هیزم شد
مردرا می‌فکند حرص بخواری‌آری — رهزن آدم خاکی طمع گندم شد
چون باقبال سلیمان زمان مردم را — دور از راه سرمار و دم کژدم شد
سال این‌فتح همایون زصباحی‌جستم — زد رقم: «فاتح بیرعلم دویم شد»

از مضمون این قطعه معلوم میگرددکه حاکم‌کاشان از راه غیر متعارف حرکت و شبانه دراطراف موضع‌گرفته و هنگام طلوع‌آفتاب برمحمدحسین‌خان عرب عامری و اتباعش تاخته وپس‌ازکشت وکشتار زیاد برخان عرب چیره میگردد .

وبالاخره محمد حسین‌خان پس‌از یکعمر ظلم وستم برمردم اردستان و نطنز و بیابانك دستگیر وبه تهران اعزام ومقتول میگردد . این‌واقعه درتاریخ یکهزارو دویست و شش هجری قمری اتفاق افتاده است .(آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۵۲)

است سالها مردم اطراف نائین واردستان و نطنز را بعنف میآوردند که دربنای مزبور کمك کنند ولی چون از روی ظلم ساخته شده بود پایدار نماند و بدست خود مردم شهراب ویران وخاك آن بمصرف زراعت رسید و اکنون جز حمام ومسجد آن که مورد استفاده عموم بود چیزی باقی نمانده است و باید اذعان کرد که:

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

مسجدی که از آن قلعه باقی مانده بحال مخروبه ویك برنج از آب شهراب و یکدرب باغ وقف بر آن میباشد.

متأسفانه بعضی ازمردم محل تمام قلعه و مسجد و حمام را در موقع تأسیس ثبت اسناد به‌ثبت داده‌اند واکنون صورت ملکیت دارد وتعجب ازاین است که اوقاف محل هم توجهی باین موضوع نکرده است.

۲ـ قلعه جوگند = زفرقند = زبرگند :

این قلعه درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان واقع شده و در حال انهدام و ویرانی است و فقط آثاری از آن باقی است که دلالت برقدمت تاریخی آن دارد. (۱)

۳ ـ رباط صاحب دیوان جوگند : (۲)

این رباط نیز درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان درکنار دیه در مسیر شارع واقع شده ودرحال ویرانی وغیرقابل استفاده میباشد ولی پیکره آن نشان میدهد که هنگام عمران وآبادی با شکوه و قابل استفاده بوده است و در اثر عدم توجه وبخصوص درقرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم که اردستان وتوابع محل دستبرد وشرارت سرکشان و یاغیان و زورگویان بوده رو بانهدام نهاده‌است.

بعضی‌هم این رباط را بشاه‌عباس کبیر نسبت میدهندومعتقدند رباطی که دائر است از آن صاحب دیوان ویا تاجر یزدی است.

۱و۲ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۱۳۸

۴ ـ رباط زواره : (۱)

این رباط که بشاه‌عباس منسوب‌است دربیرون مدینة‌السادات‌زواره‌درمسیرراه زواره بشهراب ومزدآباد واقع و ساختمان آن دوطبقه و با آجر ساخته شده است. بعضی‌هم‌گفته‌اندکه رباط از احداثات حاج‌سیدمحمد غراب زواره‌ای است ولی‌گویا شخص اخیرآنرا تعمیرکرده است . (ش ۴)

این رباط در چند سال قبل با اصلاحاتی تبدیل بدبیرستان و مورد استفاده



(ش ۴)

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۵۵ .

است ودرحقیقت ازصورت اول خارج شده است.

۵ ـ قسمتی از سرای مقصود واقع درچهارسو مقصود اصفهان که‌ازبناهای مقصود مسگر بود بمرورزمان جزء خانه‌های اطراف گردیده است.[۱]

۶ـ سردر زاویه باب‌القصر :

این سردردرمحله باب‌القصر معروف بدرب کوشك اصفهان واقــع ودر دوره حکمرانی ابوالمظفررستم بهادرخان آق‌قوینلو بناشده و در تاریخ۱۵/ ۱۰/ ۱۳۱۰ زیرشماره ۹۷ بثبت تاریخی رسیده است.[۲]

این سردرکتیبه‌ای داشت‌که پس‌از ویرانی‌زاویه باب‌القصر به‌عمارت‌چهلستون نقل‌گردیده و درآنجا نگهداری میشود وعبارت‌کتیبه‌که بخط سفید وثلث معرق‌بر زمینه‌کاشی لاجوردی ترسیم شده چنین است:

«لقد ساعدالتوفیق باتمام هذه‌الزاویة‌الشریفة والجنبدالرفیعةالمنیفة لتربةحضرة » « والده طاب‌الله ثراه فی‌زمان خلافة من‌هوعین سلاطین الزمان ولعین الخواقین انسان، » «سراج‌الدنیاوالدین،ابوالمظفررستم بهادرخان خلدالله تعالی‌خلافته وملکه‌وسلطانه، الحضرة» «الاشجع‌الاکرم،افتخارالانام والصنادید فی‌العالم‌مؤیدین‌سیدالاملاك،والافلاك‌زین‌الدوله» «والسعادة والدین، علی‌بیك برنا ایدت امارته فی۹۰۲ کتبه معین‌المنشی.».

در داخل مقرنسهای سردربخط‌بنائی‌سفیدبر زمینه‌کاشی لاجوردی‌این‌عبارات نوشته شده :

«یا مجیب‌الدعوات» و «یارافع‌الدرجات» و «یا مستجاب‌الدعوات » و«یــا بــدیع السموات والارض» و « انا مدینةالعلم و علی بابها » و « فرض علی‌الحاضر والغائب حب علی‌بن ابی‌طالب » .

غیراز عبارات بالا نام حضرت‌علی درچندجا تکرار شده‌که بخط بنائی‌است . در داخل قطارهای سردربخط بنائی سفید بر زمینه کاشی لاجـوردی ایـن بیت را نوشته‌اند :

۱- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۳۷.

۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۳ .

«اگر هست مرد از هنر بهره‌ور هنر خود بگوید نه صاحب هنر»

نام و کنیه (ابوالمظفر رستم بهادرخان خلدالله تعالی) شاه زمـان با حـروف طلائی نوشته شده است.[1]

۷ ـ چله‌خانه : [2]

عمارتی بوده درتخت پولاد اصفهان درنزدیکی تکیه بابـارکن‌الدیـن دارای چند اطاق مرتبط بیکدیگر که یکی از آنها معروف به چله‌خانه بوده و درگذشته مرتاضان درآنجا چله مینشستند. بعضی ازآن اطاقها دارای گچبریهای ممتاز بود و تا چندسال قبل اشعارزیر برروی‌گچ دیوار خوانده میشدکه با خط نستعلیق‌عالی نقش شده بود :

« در زمـان شهنشه عادل رونق‌افزای مسجدومحراب»

« زینت دودمان مـرتضوی . . . . »

« . . . . خرد از روی‌شوق دادجواب»

. . . دوش‌سال تاریخش: «قبله‌اهل‌حاجت‌است‌این‌باب»

« سنه ۱۱۱۲ »

۸ ـ رباط شاه‌عباسی نطنز :

این‌رباط‌که درحوالی‌قصبه نطنزمرکزشهرستان‌مزبور بوسیله‌میرزاابوالمعالی برزرودی وزیرحضورومجلس‌نویس شاه‌عباس ساخته شده است دارای جلـوخـان و سردر وکتیبه سنگ نبشته بخط ثلث زیبا بوده وقسمتی‌ازآن ازبین‌رفته وآنچه‌هم باقی مانده در اثر سنگربندی اشرار و راهزنان درهنگام‌اغتشاش آسیب‌زیادی‌دیده و بدشواری این عبارات خوانده میشود : «ابوالمظفر شاه‌عباس الحسینی‌الصفـوی» « بهادرخان بنده‌درگاه شاهی‌ابوالمعالی‌الشهیر به‌آقامیرزابن‌اسدالله‌ابن‌علی‌الحسینی» « البرزی‌النطنزی توفیق بساختن‌این بقعه خیر بتاریخ هزاروبیست‌ونه هجری و»

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۸.

۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۰۰ بنقل از روزنامه سرنوشت شماره۳۱ سال اول.

«باتمام رسانید باهتمام این بنده درگاه علاءالملك، امید که نواب آن به روزگار فرخنده» آثار عالی شاهی...» [1]

میرزا ابوالمعالی مشهور به آقا میرزا و آقامیر وقایع نویس شاه‌عباس کبیر بود و اعتبارش بمرتبه‌ای رسید که پادشاه فرمود که مهر من اعتبار ندارد و خط آقامیر معتبر است. [2]

وی از سادات حسینی برخوار بود که اجدادش در نطنز سکونت اختیار کرده بودند و همه منسوبانش در دیوان کار میکردند.

۹ - شکارگاه عباس آباد نطنز: [۳]

درپنج کیلومتری پل هنجن نطنز بطرف قصبه درکنار جاده اسفالتهٔ کاشان و نطنز بقایای کاخ شکارگاه و باغ عباس آباد از آثار شاه‌عباس بزرگ دیده میشود و ازپیکره آن معلوم میگردد که آنجا زمانی گردشگاه ییلاقی وجای سیر وشکارگاه سلاطین صفویه بوده است ولی سالها میگذرد که آن محل بصورت کشتکار و ملك شخصی درآمده است.

موقعیت آن بسیار دل انگیز و فرح افزا است، چه اطراف آن کوه وسبزه زار و از طرفی قله‌های مرتفع کوه کرکس که بلباس سفید برف آراسته میباشد برطراوت آن افزوده و با اینکه تقریباً بصورت کشتزار درآمده اکنون هم همان صفا وخرمی را دارد و چنانچه در آنجا مهمانخانه آبرومندی احداث شود برای جلب سیاحان بسیار مناسب خواهد بود.

۱۰ - مناره مسجد قدیمان نائین:

این مناره درکنار مسجد جامع قدیمان درمحله کلبان نائین واقع بوده وبمرور زمان ازبین رفته است. [۴]

۱- آثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۴۱۴.

۲- تذکره نصر آبادی ص۷۰.

۳- آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ص۲۱۹.

۴- فرهنگ تاریخ نائین ص۱۱.

۱۱ ـ خانقاه شیخ ابومسعود رازی :

این خانقاه[1] درمحله شیخ‌مسعود اصفهان واقع بوده و به‌بقعه آرامگاه ومدرسه وحمام وباغ او اتصال داشته است این محله درقدیم بزرگتر از زمان حال بوده و از جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال به مورنان واز مشرق به قبله‌دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه نو محدود میشده است، این خانقاه درقرن سوم دائر و درقرن چهارم یعنی پس‌از وفات شیخ ابومسعود رازی (۲۵۰ هـ. ق) در اثر اینکه متوفی شخصیتی بارز داشت مورد توجه قرارگرفت و از اطراف زهاد و صوفیان بزیارت بقعه او میآمدند وبتدریج برشهرتش افزوده‌میشد ومورد توجه‌سلاطین‌وقت نیز واقع گردید وحتی ابونعیم اصفهانی حافظ معروف پس‌از وفات درجوارآن مدفون‌شد. و درعهد یعقوب بهادرخان بقعه‌ای برمزار شیخ بنا شدکه درمحل خود بتفصیل شرح داده خواهدشد. این خانقاه تا اواخر قرن سیزده هجری باقی‌بود ولی برحسب فتوای یکی ازعلمای وقت غیراز سردر بقعه‌بقیه عمارات‌آن خراب گردید. خانقاه مزبور دارای موقوفاتی بوده‌که بمصرف واردان و صادران میرسیده است ولی اکنون اثری ازآن نیست.[2]

۱۲ ـ لسان‌الارض :

در مشرق تخت فولاداصفهان محلی‌بنام لسان‌الارض میباشدکه دروجه تسمیهٔ آن به‌لسان‌الارض اختلاف است ومشهور اینستکه چون این‌زمین‌ازلحاظ شکل به زبان شباهت دارد باین‌نام معروف شده است. محل‌مزبور دارای دیواری بسیارکهنه میباشد که درشرف ویرانی است ودربعضی‌قسمتهای‌آن آجرکاری‌زمان دیلمی‌آشکار است وسبک‌آن قدمت این‌مصلی‌را تأییدمیکند.[3]

۱ـ خانقاه معرب خانه‌گاه است که‌کنایه از تواضع وفروتنی درویشان و صوفیان بوده ومحل سکونت خودرا درآن‌قرار میداده‌اند ومعمولا مدرسه‌ومسجد وبیوتاتی‌برای واردان داشته است.

۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۵۳ بنقل ازکتاب خلد برین .

۳ ـ بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۷۴ .

ج- مساجدی که بعد از اسلام احداث و اکنون فقط نام و آثاری دارند:

۱- مسجد جامع کاج :

این مسجد درحدود ۲۵ کیلومتری مشرق اصفهان ودرشمال بستر زاینده‌رود واقع وجزء برآن. شمالی میباشدگنبد این‌مسجد برج‌مانندساخته شده ودراطراف آن ملحقاتی بوده‌که بمرورزمان وعدم تعمیر ازبین رفته و جزء اراضی زراعتی گردیده است. گنبد مزبور در وسط صحن متناسبی قرار داشته و بوسیله مدخلهای بزرگ وکوچك ازجوانب شمال وشرق وغرب باز بوده وفقطسمت‌جنوبی آن‌بسته بوده است، محراب مسجدهم در این طرف قرار دارد. مهمترین مواد ساختمانی آن آجر بوده است.

کتیبه اطراف گنبد درقسمت داخل‌آن باکاشی‌معرق وبخط ثلث سفیدبرزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برآیاتی از سوره یس است، این‌کتیبه‌تاریخ‌ندارد وگفته‌اند ممکن است متعلق‌بقرن هشتم هجری باشدکه‌این نظریه‌را پرفسورپوپ‌مأسوف‌علیه تأییدکرده است وبعضی ازنویسندگان احتمال داده‌اندکه از ملحقات مسجد درقرن یازدهم وبعدازآن میباشد.

اسامی خلفاء راشدین‌درطرفین محراب دردوشکل مستطیل بخط بنائی‌نوشته شده است و درپوشش داخلی گنبد چهارشکل‌مربع بخط بنائی باآجرقرمزبرزمینه سفیدآجری‌که دوبدو قرینه‌اند وجود داردکه در دو مربع آن نام محمد و در دو مربع دیگر نام علی نوشته شده است، درقسمت پائین‌گنبد و روی جرزها بخط بنائی باگچ درفاصله‌آجرها اسامی: الله، محمد، علی، حسن، حسین خوانده میشودو کلمات دیگری هم بوده‌که اکنون وجود ندارد. [۱] این مسجد دارای مناره‌هائی‌هم بوده‌که اکنون اثری ازآن باقی نیست. مسجدنامبرده طی‌شماره ۲-۳۲۸ ۳۱۸/۱۱/ بثبت تاریخی رسیده است. [۲]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۸۳

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵ .

۲ ـ مسجد گار (غار) :

این‌مسجد در دیه‌گار که مردم محل آنرا جار تلفظ میکنند و غارهم نوشته‌اند واقع شده است. درقرون‌اولیه طلوع‌اسلام لفظ گار را معرب کرده جار تلفظمیکردند واز این‌جهت است‌که درکتابهای مورخان وجغرافی‌نویسان و انساب نویسان عربی همه‌جاجار نوشته‌شده ودرمعجم‌البلدان متذکرگردیده‌که مردم محل گار تلفظمیکنند وکسانیکه تحصیل کرده‌اند بجیم مینویسند.[۱]

این دهکده در زمان قدیم‌دائرومعمور و عده‌ای از محدثان‌ازآن‌برخاسته‌اند که برای روشن شدن وضع قدیم این دهکده دسته‌ای از آن محدثان را ذیلاً مینگارد:

جارکه از دهات پاکیزه وپرباغ وبوستان اصفهان وبطرف لاذان امتداد دارد محدثانی باین شرح‌داشته است:[۲]

۱ـ ابوالطیب‌عبدالجبار بن فضل‌بن‌محمدبن‌احمدجاری ۲ـ ابوالحسن علی‌بن محمدبن‌علی‌بن‌عیسی‌جاری ۳ـ احمدبن‌محمدبن‌علی‌بن‌مهران‌جاری‌مدینی ۴ـ ابوالقاسم علی‌بن‌محمدبن‌علی‌بن مهران جاری ۵ـ الذاکر ابوبکر ذاکر بن‌محمدبن‌عمربن‌سهل جاری‌برائانی (متوفی ۵۵۱ ه.ق) ۶ـ ام‌عمروسعیدة‌بنت‌بکران‌بن محمدبن احمدجاری ۷ـ ابوالفضل جعفربن‌محمدبن جعفر جاری ۸ـ ابونصربن ابوحفص جاری ۹ـ سید الرؤساء قاسم‌بن‌احمدبن ابوالقاسم جاری بانی مناره جار در ۵۱۵ هجری قمری ۱۰ـ عبدالملك‌بن‌حسن جاری ۱۱ ـ عیسی‌بن عبدالرحمن‌جاری.

از شمارش این عده‌که اغلب از مشایخ حدیث بوده‌اند معلوم‌گردیدکه دیه مزبور درآن زمان اهمیت داشته ومرکز دانشمندان زن ومرد بوده است و قاعدةً باید درآن هنگام که قرن ششم و پنجم باشد محراب و مسجد درآنجا دائر باشد و از همین‌جهت است‌که‌گفته‌اند این‌مسجد در زمان سلاجقه ساخته شده چه‌تاریخ مناره‌آن هم ۵۱۵ میباشد. تاریخ‌کتیبه موجود برجرز شمالی ویرانه های محوطه

۱و۲ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۹۳.

گنبددار نشان میدهد که در ۶۶۰ هجری ساخته شده است وتقریباً یکصدو سی‌وپنج سال بعداز عمارت مناره میباشد وبا این ترتیب بایدگفت این تاریخ اخیر ممکن است تاریخ تعمیر یا تجدیدبنای مسجد نخست باشد چه اینگونه مناره‌ها را برای مسجد میساختند.

عباراتی که درکتیبه مناره موجود میباشد بشروح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم — امر ببناء هذاالمنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساء ابا»
«القسم بن احمدبن ابالقسم فی‌سنة خمس‌عشرة وخمسمائة.»

درصفحه ۱۸۴ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان عبارات کتیبه باین‌کیفیت نوشته شده ولی ازنظر املای عربی چند اشکال دارد:

یکی‌اینکه بجای هذاالمنارة باید هذه‌المنارة باشد و دیگر اینکه ابالقسم چون درحالت رفع‌است بایدابوالقسم باشد و ابالقسم دوم‌هم باید ابی‌القسم باشد ولی درفهرست بناهای‌تاریخی و اماکن باستانی صفحهٔ۲۹ نوشته شده: «سیدالرؤساءِ قاسم بن‌احمد»ودر تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان صفحه ۲۰۱ نوشته:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - امر ببناء هذاالمنارة الزهید الرئیس سیدالرؤسا القاسم بن احمدبن ابی‌القسم فی‌سنة‌خمس عشرة وخمسمائة»

و مطابق املای عربی اگر سیدالرؤساء نامش ابوالقاسم باشد باید کتیبه چنین باشد :

«امر ببناءِ هذه‌المنارةالزهیدالرئیس‌سیدالرؤساءابوالقسم‌بن‌احمدبن‌ابوالقسم» واگر نامش قاسم باشد صحیح آن چنین است: «امر ببناء هذه‌المنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساءالقاسم‌بن احمدبن ابوالقسم...» و اما طرز نوشتن قاسم درقدیم : قسم بوده است .

بنظر نگارنده نام سیدالرؤساء باید قاسم باشد، چه ابوالقاسم در قرن ششم کنیه اشخاص بوده وکنیه مطابق قواعد عربی مقدم برلقب بوده است و از اینرو آنچه درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان‌وفهرست ساختمانهای تاریخی‌واماکن‌باستانی نسبت بنام سیدالرؤساءِ نوشته شده محکمتر ومنطقی‌تر میباشد.

خطوط بنائی که بربدنه مناره دیده میشود عبارت: الملك‌لله میباشدکه تکرار شده است. کلمات وجملاتی روی بقایای دیوار دورگنبد مسجدکه درضلع جنوبی صحن متروك مسجد واقع شده خوانده میشود مثلاً روی دو جرزشمالی‌عبارات‌زیر بخط ثلث‌گچبری شده:

«امر عمارت هذاالمحراب .... ولیه» وسمت غربی: «رشیدالدین محمدکامل احمدبن اسماعیل» لوحه سمت شرقی: «... ابن‌ابی‌القاسم. رمضان‌المبارك... ستین‌و ستمائة».

از مجموع این‌کتیبه‌های ناقص معلوم میگرددکه تاریخ بناء در حدود ۶۶۰ هجری بوده زیرا کلماتی پیش از ستین افتاده و ممکن است جای یکی از اعداد ۹گانه باشد.

و اما راجع‌ببانی ومباشروکاتب صراحتی‌این‌جملات نداردوممکن است‌کتیبه در اصل چنین باشد:

«امر عمارة هذاالمحراب .... ولیه ... ابن‌ابی‌القاسم‌رشیدالدین محمد، کاتب احمدبن اسماعیل .... رمضان ... ستین وستمأته» و با این ترتیب رشیدالدین محمد پسر ابوالقاسم‌آمر ببناءِ محراب واحمدبن اسماعیل‌کاتب‌کتیبه بوده است.

ازآثار وخطوط دیگری‌که در نصف شرقی بخط‌کوفی‌گچبری شده این‌قسمت خوانده میشود: «...علیکم اهل‌البیت انه حمیدمجیدفلما...» و در اطراف محراب قسمتی بخط ثلث‌گچبری‌گردیده‌که درآن‌آیة الکرسی وچندآیه دیگر بوده که از بین رفته و فقط جملاتی از آن خوانده میشود، آن قسمتی‌که خوانده میشود چنین است:

«... عنده الا باذنه یعلم مابین‌ایدیهم وما خلفهم ولایحیطون بشیء من علمه الا بماشاء وسع کرسیه السموات والارض...» و نیز «... احسن عملا و هوالعزیز الغفورالذی خلق سبع‌سموات طباقاً ماتری فی‌خلق‌الرحمن...».[1] مسجد گارومناره

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۲.

طی شماره ۲۷۰-۱۲/۱۲/۵۱ بثبت تاریخی رسیده است. [۱]

۳- مسجد جامع گلون آباد :

این مسجد در ۲۱ کیلومتری مشرق شهر اصفهان در گلون آباد از دهستان قهاب و متصل بجاده شوسه اصفهان به یزد واقع میباشد و بنامهای : گلون آباد - گلناباد جیلون آباد خوانده و نوشته شده است.

شهرت این محل گذشته از اینکه در دوره صفویه آباد و پرجمعیت بوده از نظر وقوع جنگ تاریخی افغانها و شاه‌سلطان‌حسین صفوی در آنجا میباشد وگرنه اغلب این دهکده خراب و ویرانه‌های آن مشهور است.

مسجدجامع دیه‌مزبور نیز بحال ویرانی افتاده و فقط در چند سال پیش [۲] دریکی از ایوانهای جانب شرقی صحن کتیبه‌ای با خط زیبای ثلث موجود بوده‌که عبارات آن چنین خوانده شده است : «قال‌الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم‌الاخر صدق‌الله‌العظیم فی‌عام ۱۱۰۹». [۳]

۴- مسجد بوزان :

بوزان یکی از دهکده‌های جی است که درسه‌کیلومتری مشرق شهر اصفهان واقع‌شده و دارای مسجدی قدیمی است که محراب آن درقرن ششم احداث گردیده است. کتیبه‌های گچبری محراب آن بمنظور حفظ و حراست بموزه ایران باستان نقل شده و حاشیه بیرون محراب آن با خط کوفی گلدار مشتمل بر آیه ۱۸ سوره آل‌عمران است وبرجبهه محراب آن بخط ثلث عبارت پائین خوانده میشود : [۴]

« قوموالله قانتین‌هذا المحراب عمارة‌العبدالمذنب علی‌شیرزاد الانصاری القزوینی فی جمادی‌الاخرة سنة ثمان وعشرین و خمسمائة » .

این مسجد در حال ویرانی است. [۵]

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی‌ایران ص۲۹. ۲ - ۱۳۴۳ شمسی.
۳- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۳. ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲.
۵- تاریخ اصفهان و ری ص ۱۱۴.

۵ـ مسجد هفشویه: [۱]

این مسجد در دیه هفشویه جزءِ بلوك قهاب و در شمال شرقی اصفهان واقع شده است. بنای این مسجد بسبك مغولی و آثار بنا حکایت داردکه در دوره سلاطین مغول ساخته شده ودراثر متلاشی شدن گنبد ومناره و دیوارهای آن کتیبه ایکه تاریخ بنا را برساند باقی نمانده ،گچبری محراب باقی مانده با محراب گچبری شده گار شباهت دارد واز اینرو میتوان حدس زدکه مسجددرقرن ششم و هفتم بنا شده‌است. مناره مسجدهم خراب وفقط پایه‌آن باقی میباشد، این‌مسجد از خشت خام ساخته شده ونمای‌آن ازآجر بوده است.

در اطراف محراب آیةالکرسی بخط ثلث‌ودراطراف اسپرمحراب‌سوره فاتحه بخط کوفی‌وآیات ۵۱و۵۲ از سوره قلم بخط بنائی گچبری‌شده است.[۲] مسجد مزبور طی شماره ۴۳۰ـ۵/۱۲/۴۱ بثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۶ـ مسجد شهرستان : [۴]

این مسجد در دیه شهرستان جی درمجاورت پل‌شهرستان ومقبره‌الراشدبالله واقع شده، مسجدی است کوچك‌که در اثر مرورزمان وعدم توجه بویرانه‌ای تبدیل گردیده و فقط کتیبه تاریخی بخط ثلث‌سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ‌موجوداست که تاریخ ساختمان وکاتب آن را تعیین‌میکند.

کتیبه مزبور چنین است: «قال‌الله تعالی‌ـ انمایعمر مساجدالله من‌آمن بالله» «والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك‌ان یکونوا من» «المهتدین فی‌شهر رمضان‌المبارك سنة۱۰۴۲ [۵] کتبه محمد رضاالامامی‌الادهمی».[۶]

۱ـ بنابگفته حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب هفشویه درقرن هشتم قصبه‌ای‌آباد بوده است و اکنون‌دیهی نیمه‌خراب‌است. ۲ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۳۲۱. ۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۰. ۴ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۴۲۱.
۵ـ در تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان ص۱۹۳ تاریخ‌کتیبه هزار وچهل‌وسه نوشته شده است.
۶ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱.

۷ ـ مسجد نمکی :

این مسجد درحدود میدان میر درجنب میدان‌کهنه اصفهان واقع و بنـای آنرا بخواجه‌نظام‌الملك نسبت میدهندولی کتیبه‌ای نداردکه حکایت ازبانی‌وتاریخ بناکند وبمرورزمان روبویرانی نهاده است.

در ویرانه مسجد سنگ نبشته‌ای موجود میباشدکه حـکایت دارد زنـی از نواده‌های خواجه‌نظام‌الملك در زمان شاه‌عباس موقوفاتی برای مسجدقرار داده‌است و مفاد و عبارات‌آن سنگ نبشته چنین است:

«درزمان خلافت اعلیحضرت‌خاقان جمجاه، السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن»
«الخاقان سلطان شاه‌عباس الثانی الصفوی الموسوی بهادرخـان توفیق‌رفیـق حـال»
«علیاحضرت طهارت و نزاهت دستگاه حاجیه شاه‌خانم بنت مرحمت و غفران پناه»
«میرزااحمدبیك‌نمکی گردید قربة الی‌الله تعالی، وقف‌مخلد نمود نصف چهارسوق[1]»
«نمکی‌دارالسلطنه اصفهان با نصف تیمچه ونصف حمام و نصف زمین ساده مشهور»
«بزمین شترخان ونصف طاحونه‌گاوی واقعات درچهارسوق مزبور برمسجد معین»
«واقع درجنب چهارسوق مزبورکه جد او خواجه‌نظام‌الملك بناکرده، وقف‌صحیح»
«شرعی‌که نخرند ونفروشند و مرهون ننمایند و زیاده ازسه سال باجاره ندهند و»
«صدور و متصدی موقوفات دخل درآن ننمایند وحق‌النظاره و غیره نگیرند، و»
«شرط نمود واقفه‌که منافع مزبور را بعد از تعمیر مسجد و مستغلات مـزبـوره»
«هریوم چهل‌وپنج دینار بشخصی دهندکه هرروز یك جزوه قرآن مجیددرمسجد»
«مزبور تلاوت نماید، و ده دینار صرف روشنائی مسجدمزبور شود، وآنچه زیاده»
«بماند درشب جمعه و ایام متبرك صرف اطعام عجزه ومساکین‌شود، وتولیت‌آن تا»
«واقفه مزبور در قید حیات است تعلق باو داردو بعد از آنکه داعی حق را لبیك»
«اجابت بگوید تولیت از شخصی خواهدبودکـه سند معتبر از واقفه در دست خود»
«داشته باشد ، وشرط نمود واقفه مزبور که متولـی درتعمیر مستغلات از صلاح»

۱ـ درآخرمحله‌گلبار واقع است. نصف‌جهان درتعریف‌اصفهان ص۵۳.

«شریك که باعث آبادانی مستغلات مزبور باشد بیرون نرود و هرکس تغییر آنچه»
«واقف شرط نموده بکند بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار گردد بحق النبی وآله».

این سنگ نبشته بخط نستعلیق برجسته وفاقد تاریخ میباشد.[1]

۸ـ مسجد امامزاده شوری:

این مسجد درمحله دردشت اصفهان درمقابل امامزاده عبدالله(شوری) واقع ومسجدی است محقرکه آثار تزییناتی از آن باقی نمانده ودرحال ویرانی است ولی در قدیمی آن باقی وکتیبه روی در چنین است:

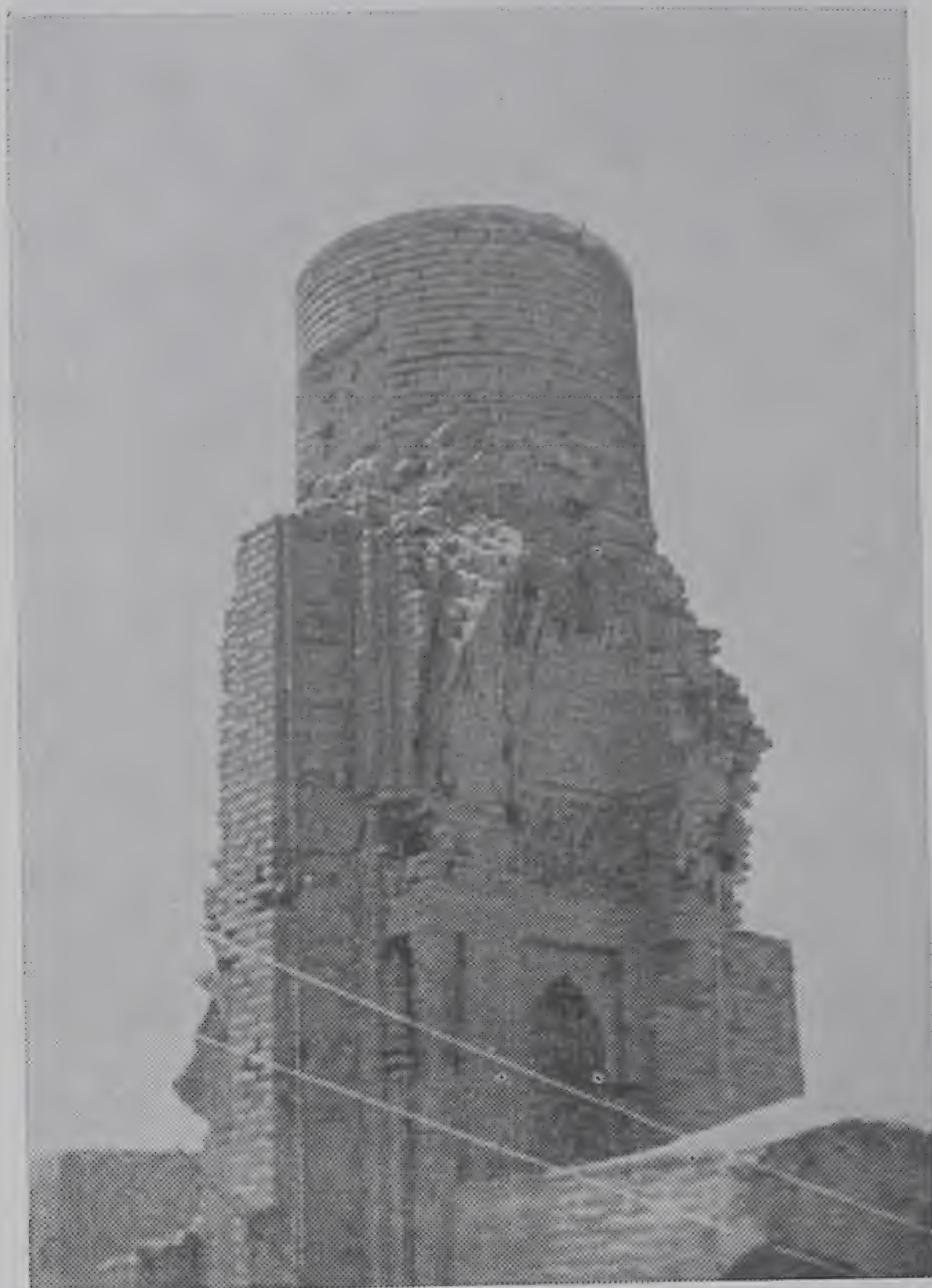
«قال الله تبارك وتعالی وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً فی سنته ۹۱۹ وقف شرعی»
«نمود جناب مفخرالاعیان خواجه عبدل بن رئیس یوسف اصفهانی». ایـن مسجد تـا کنون به ثبت تاریخی نرسیده است.

۹ـ مسجد امام حسن اردستان:

این مسجد در بازار محله کبـودان اردستان واقـع و مـوسوم بـه مسجـد امام حسن علیه السلام است و تقریباً بحالت نیمه ویرانی درآمده است،[2] مناره مسجد هم درچند سال قبل که کمی اعوجاج پیداکرده بود مقداری ازآن خراب و ازطرف باستان شناسی تعمیر گردید.[3] این مسجد دارای سر دری زیبا و مزین بکتیبه‌هائی بخط کوفی درمتن کاشی فیروزه‌ای است. باقیمانده مناره و شبستان و محراب گچبری آن نماینده کامل ساختمانهای دوره سلجوقی است.[4] بنظر نگارنده این بنای سلجوقی بجای مسجدی که بسبك عربی بنا شده بوده و رو بخرابی گذارده بناگردیده و این نکته را معروفیت آن به مسجد امام حسن وشرحی که در تواریخ وارد شده که حضرت امام حسن پس از مراجعت از جنگ یزدیاقم درآن مسجد نماز خوانده وازطریق کهنگ باصفهان عزیمت و در اصفهان هم درمسجدی که بهمین نام معروف شده نماز خوانده است[5] وآمدن حضرت امام حسن مجتبی(ع) هم بایران تأیید میکند. مسجد

۱ـ بنقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۲۹
۲ـ آتشکده اردستان بخش یك ص۲۸.
۳ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۲۰۵ .
۴ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳.
۵ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۲۸ بنقل از خزائن نراقی و تذکرة الائمه

ومناره آن بشماره ۲۴۹ بثبت تاریخی رسیده است.[1] (ش ۵)



(ش ۵)

۱۰- مسجد دشت رامیان :

این مسجد در دشت محله رامیان اردستان واقع و بحال خرابه درآمده بود و فقط کتیبه‌ای داشت بخط کوفی که دلالت بر قدمت مسجد داشت[2] درچندسال قبل از طرف ساکنان آن محله مسجد تعمیر و صورت نوی یافت. (ش ۶)

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳ . ۲ ــ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۹ .



(ش۶)

۱۱ - مسجد سفیدسردشت:

این مسجد درمحله فهره اردستان در مجاورت بقعه پیر مرتضی‌علی‌اردستانی واقع و از بناهای تاریخی است‌که در دوره سلاجقه ساخته شده هر چند تاریخی ندارد ولی درگفته‌های[۱] پیرجمالی اردستانی شاگرد و مرید پیرمرتضی‌در رسالات عرفانی خود نام این‌مسجد تکرار شده وحکایت داردکه مسجد مزبور در آن زمان دائر بوده است و درمحل شهرت دارد که پیش‌ازمسجد جامع بناگردیده‌است.

درحدود سال ۱۳۰۵ شمسی مقدار شصت ذرع ازاین‌مسجد خراب و جزء

۱ـ آتشکده اردستان بخش۲ ص ۳۴۴ بنقل از رساله روح‌القدس پیرجمالی.

دبیرستان اردستان گردید.[1] این مسجد هنوز مورد توجه باستان‌شناسان قرار نگرفته ولی اقتضا دارد مورد مداقه و با سوابق تاریخی که دارد بثبت تاریخی برسد.

۱۲ - مسجد جامع جورجیر: [۲]

این مسجد را صاحب بن عباد ملقب به کافی الکفات در قرن چهارم هجری در محلی که اکنون مسجد جامع حکیم داود است بناکرده و این جامع معروف بجامع صغیر جورجیر بنا بگفته مؤلف محاسن اصفهان مشتمل بر شبستانها و خانقاه‌ها و کتابخانه و مدارس برای فقها و مجلسهائی برای ادباء و محلهائی برای شعراء و صوفیان و قاریان قرآن بوده است وچون در بازار رنگرزان واقع بوده به آن جامع رنگرزان نیز گفته میشده است. از مزایای این جامع بر جامع عتیق این بوده که خاك رسی که از آن جامع جورجیر ساخته شده محکمتر از خاك جامع عتیق بوده ومناره آن یکصد ذراع ارتفاع داشته و ساختمانهای جامع مزبور نسبت بجامع عتیق محکمتر و مرتفعتر بوده است. جامع رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران و بر روی آن حکیم داود هندی مسجد معروف به حکیم و یا تقرب خان را درعصر صفوی بناکرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی است که در سال ۱۳۳۵ شمسی از زیر خاك بیرون آمده است.[۳]

بطوریکه ابونعیم[۴] اصفهانی درقرن چهارم وپنجم وصاحب للباب[۵] فی تهذیب الانساب و یاقوت حموی[۶] در قرن هفتم نوشته‌اند در شهر اصفهان محله‌ای بوده بنام جورجیر که درهمان محله جامع جورجیر بنا شده و تا زمان یاقوت دائر بوده است و بهمین جهت این جامع بنام آن محله شهرت یافته - زیرا محله مزبور ازمحلات آباد و دارای مردمان دانشمند و زاهد ومحدث بوده است.

از معروفان آن محله ابوبکر محمد بن الحسن جورجیری از متعبدان ومصاحب

۱- آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۹. ۲- ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳.
۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۱. ۴- ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۱۴۷.
۵- اللباب ج ۲ ص ۲۴۹. ۶- معجم البلدان ج ۲ ص ۱۸۰.

سهل بن عبدالله که سرانجام از اصفهان بدمشق منتقل ودرآنجا وفات یافت.[1] دیگر ابوجعفر محمدبن عمربن حفص جورجیری متوفی ربیع‌الاول (۳۳۰هـ. ق) ازمحدثان که از اسحاق بن ابراهیم حدیث شنیده و ابواسحاق بن حمزه از او روایت کرده است.[2]

نیز ابوعبدالله محمدبن یوسف بن معدان بن سلیمان جورجیری متوفی (۱۸۴ هـ.ق) که خود و برادرانش عبدالرحمن و عبدالعزیز در محله جورجیر سکونت داشته‌اند و در مصیّصه فوت و درجنب مخلدبن الحسین مدفون شد.

اوراست مناقب وفضایل وهنگام فوت بسن چهل سالگی نرسیده بود. کتابهایش را دفن کردو میگفت: فرض کن که قاضی هستی سپس چه میشود، و فرض کن مفتی هستی بعد چه خواهدشد وفرض کن محدث هستی دیگر چه‌خواهد شد و درکنج خاموشی خزید و راه ورفتار رسول‌خدارا اختیار کرد. یحیی قطان وابن‌مهدی ومحمدبن عیینه فرازی وعصام وجبّرودیگران از او روایت دارندوخودازیونس بن عیینه واعمش ثوری وحمادبن زید و حمادبن سلمه وصالح المری و عمربن صبیح حدیث نقل‌میکرد.[3]

ازجمله محدثان محله مزبور ابوالقاسم طاهربن محمدبن احمدبن عبدالله عکلی جورجیری متوفی جمادی‌الاولی (۴۳۹هـ. ق) میباشدکه خود ازابوبکرمقری حدیث نقل کرده است.[4]

محدث دیگر ابومحمدقاسم بن ابی‌حامد احمدبن قاسم کاتب جورجیری است که در آن محله سکنی داشته و از احمدبن سلمان نجار حدیث روایت میکرده است.[5]

دیگر از معاریف آن محله عبدالرحمن بن یوسف بن معدان بن سلیمان جورجیری از محدثان وبرادر ابوعبدالله محمدبن یوسف متوفی (۱۸۴هـ.ق) وبرادرش عبدالعزیز جورجیری میباشد[6]

۱ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۰.

۲ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۲.

۳و۶ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۱.

۴ــ اللباب فی تهذیب‌الانساب ج۱ ص۲۴۹.

۵ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴ .

فصل سیم:

درآثار و ابنیه موجود و معمور و آن مشتمل است بر۳ گفتار:

گفتار اول:

در آثار و ابنیه شهر اصفهان:

الف ـ دربیان اوضاع جغرافیائی آن:

۱ـ موقعیت نجومی:

یاقوت‌حموی[۱] درکتاب معجم‌البلدان اصفهان‌را درآخر اقلیم چهارم دانسته و طول‌آن را از جزائر خالدات ۷۴ درجه و $\frac{۲}{۳}$ درجه وعرض ۳۴ درجه و $\frac{۱}{۲}$ درجه تعیین نموده‌است.[۲]

شارح چغمینی درکتاب شرح چغمینی درباب اقالیم سبعه اصفهان را جزءِ اقلیم سیم و ازلحاظ طول‌نهار۱۳ساعت و۴۵ دقیقه وازنظر عرض۲۷ساعت و۳۰ دقیقه

۱ـ ابوعبدالله یاقوت‌بن‌عبدالله رومی‌دربلاد روم ولادت یافت وچندی غلام عسکربن ابی نصر حموی بود وسپس آزاد شدو بتجارت وسیاحت پرداخت وسرانجام در حلب در ۶۲۶ هجری وفات‌یافت. اوراست معجم‌البلدان ومعجم‌الادباواالمشترك.

۲- معجم‌البلدان‌ج۱ ص۲۰۶.

و در اول اقلیم مزبور تشخیص داده است.[1]

مؤلف نصف جهان در تعریف اصفهان گفته اصفهان در اقلیم معتدل میانی واقع شده و طول آن شرقی است وازجزیره فره خالدات تقریباً ۷۰ درجه و عرض شمالی آن از خط استواء ۳۲ درجه وسی و هشت دقیقه میباشد ، و از گرینویچ که مبدءِ انگلیسی دارد تقریباً ۵۱درجه و۵۰ دقیقه طول دارد.[2]

حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده چنین گفته:[3] «تومانین اصفهان دروسه شهر است: اصفهان و فیروزان وفارفا آن- اصفهان را از اقلیم چهارم شمرده اند اما بحسب طول وعرض حکما از اقلیم سوم گرفته اند.

طولش از جزایر خالدات (عوم) وعرض ازخط استواءِ (لب که)[4] و در اصل چهاردیه بوده است: کران وکوشك وجوبیاره وردشت باچند مزرعه».

ولی طول وعرض جغرافیائی شهر اصفهان مطابق موازین فعلی بین المللی چنین است :

طول شرقی از نصف النهار گرنیچ ۵۱درجه و۳۹ دقیقه و۴۰ثانیه و عرض شمالی آن ازخط استواء ۳۲ درجه و۳۸ دقیقه و۳۰ثانیه[5]

۲ - حدود آن :

شهر اصفهان ازطرف شرق وشمال وجنوب محدوداست به جی که مرکب ازجی و برز رود جی باشد وازطرف مغرب بماربین[6]. حدنهائی شرق شهر مقسم نهرنیاصرم و حدنهائی مغرب محله لنبان و جنوبی نهرنیاصرم ، وحد نهائی شمالی شهر اصفهان باروئی بوده که بمرورزمان خراب واز میان رفته است.

۳ - محیط شهر اصفهان :

درقرن پنجم هجری که مفضل ما فروخی کتاب محاسن اصفهان را تألیف کرده

۱- شرح چغمینی ص ۱۰۹.　　۲- نصف جهان ص۶ .　　۳- تاریخ گزیده ص۵۲ .
۴- علمای هیئت قدیم برای اختصار اعداد را بحروف تهجی حساب میکردند ومینوشتند چنانچه ۷۶ درجه وچهل دقیقه را (عوم)و۳۲ درجه و۲۵ دقیقه را(لب که) نوشته اند.　　۵- راهنمای اصفهان دکتر هنرفر ص۱۱ .　　۶- نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص ۲۲ .

محیط شهر اصفهان چهارده فرسنگ طول و شش فرسنگ عـرض وهشت دروازه و هشتصد دیه ومزرعه داشته‌است.[1] ودرزمان شاردن سیاح فرانسوی یعنی قرن یازدهم هجری محیط شهر هشت فرسنگ بوده است. و درسال یکهزار و دویست‌وپنجاه‌و پنج زمان فتحعلی‌شاه قاجار محیطش چهل کیلومتر بوده‌است.[2]

طول شهر اصفهان اکنون ازطرف مشرق بمغرب هیجده کیلومتر وعرض آن از شمال به‌جنوب دوازده کیلومتر است.[3]

۴ ـ جمعیت شهر اصفهان :

جمعیت شهر اصفهان بتناسب علل‌وجهات کسر وازدیاد در زمانهای گوناگون متغیر بوده است. وضع جمعیت این شهر پیش‌از دوران صفویه روشن نیست مگر بوسیلهٔ اماراتی که بدست داده شده مانند اینکه درزمان امیر تیمور هنگام قتل عام هفتادهزارنفر کشته شده‌اند و میتوان پی‌برد درشهری که هفتادهزار نفر کشته شوند باید ده‌برابر آن جمعیت داشته باشد تا هفتادهزارنفر کشته شوند و روی این قاعده جمعیت شهراصفهان درآن زمان بالغ بر هفتصدهزارنفر میگردیده است. یااینکه در زمان امارت علاءالدوله کاکویه هرروز دوهزارگوسفند و صد رأس گاو ذبح میشده و یا اینکه درمحله گروائان پنجاه مسجد بوده است. پس اگر هر گوسفندی برای بیست نفر درنظرگرفته شود وهرگاوی برای دویست تن میتوان احتمال‌داد که در آن تاریخ جمعیت شهر اصفهان شصت‌هزارنفر بوده‌است.[4] عددجمعیت‌شهر اصفهان را در زمان شاه‌عباس اول از هفتصدهزار تا یك میلیون نفر تخمین زده‌اند. درقرن سیزدهم اوژن‌فلاندن اظهار نظرکرده که شاید جمعیت‌آن در حدود یکصد هزار نفر باشد .

مؤلف جغرافیای اصفهان جمعیت اصفهان را در زمان فتحعلی‌شاه‌قاجـار در حدود دویست‌وپنجاه هزارنفر و در دوره محمدشاه قاجار یکصدوهفتادهزار نفر ودر

۱و۳ـ اصفهان جوانان ص۲.　　۲ـ اصفهان جوانان ص۴ بنقل از سفرنامه اوژن‌فلاندن.

۴ـ محاسن اصفهان ص۸۶.

سال یکهزار و دویست و نودوچهار هجری‌قمری پنجاه‌هزار تن نوشته است.[1]

اولئاریوس که در عهد شاه صفی بایران سفر کرده نوشته است که جمعیت شهر اصفهان پنجاه‌هزار نفر است و هیجده هزارخانه در داخل‌حصار دارد.[2]

علت این نقصان جمعیت: گرانی ـ قتل‌عام ـ قحطی ـ وباء و بخصوص هجـوم افغانها برشهر اصفهان واطراف آن وکشت‌وکشتار وقحطی آن دوره بوده است.

تا رسیدن دوره پهلوی که علل‌نقصان جمعیت‌سیر تصاعدی میکرده ازجمعیت اصفهان کاسته میشده ولی از هنگامی که حکومت بدوران پهلوی رسید روز بروز برعدد جمعیت اصفهان مانند دیگر نقاط ایران افزوده شد.

جمعیت شهر اصفهان درسرشماری سال هزاروسیصدوسی‌وپنج (۱۳۳۵شمسی) ۲۵۴۸۷۶نفر بوده‌که ۹۵ درصدآن مسلمان و دو درصد یهودی و دو درصدمسیحی بوده‌اند. و در سرشماری سال ۱۳۴۵ شمسی بالغ بر۴۲۳۷۷۷نفر گردیده است.[3]

جمعیت‌کنونی شهر اصفهان طبق نامه[4] وزارت‌کشور ۴۲۹۴۰۵ نفر است وبا مقایسه‌آن با جمعیتهای گوناگون که درشهر اصفهان سابقاً وجود داشته‌است معلوم میگرددکه هرچه بتدریج علل‌وموجبات نقصان جمعیت برطرف‌گردیده بر جمعیت اصفهان افزوده شده است، وطولی نخواهدکشید با موجباتی‌که‌برای عمران‌وآبادی آن فراهم شده و میشود درزمان بسیار نزدیکی‌شماره جمعیت این‌شهر بحد اعلـی خواهد رسید ، واز امروز باید بفکر مسکن فردای آن جمعیت بود و اولیای امر ناچار باید دراندیشه تهیه‌آن باشند .

۵ ـ مذهب مردم شهر اصفهان :

مذهب رسمی و عمومی مردم شهر اصفهان اسلام و جعفری اثناعشری است و دو درصدآن یهودی و دو درصد دیگر مسیحی ویك درصدهم‌کمی‌زردشتی‌و بقیه از مذاهب غیررسمی پیروی میکنند .

۱ـ جغرافیای اصفهان ص ۶۵.   ۲و۳ـ اصفهان جوانان ص ۵ .

۴ـ نامه ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ ـ ۵۰/۶/۲۰ وزارت‌کشور .

پیروان هر مذهبی برای انجام مراسم مذهبی خود معابدی دارند.مسلمانان درمساجدکه در این شهر بحدکافی وجود دارد واغلب آنها از آثار باستانی بشمار میرود بمراسم مذهبی میپردازند و مسیحیان هم کلیساهای مختلف درجلفا دارند که بعضی ازآنها جزءآثار باستانی است یهودیها هم در کنیسه‌ها عبادت میکنند.

۶ ـ موقعیت طبیعی :

شهر اصفهان درجلگه سبز و خرمی درکنار زاینده‌رود واقع شده‌که‌چنانچه اشاره شد طول آن از مغرب بمشرق هیجده‌کیلومتر و عرض آن از شمال به‌جنوب ۱۲کیلومتر است.

ارتفاع آن از سطح دریا میانه‌۱۴۷۵ تا ۱۵۸۴متر تعیین‌شده، جلگه‌اصفهان درحدود۳۰۰متر از تهران مرتفعتر است و اختلاف ساعت میان تهران و اصفهان‌در حدود ۲۰ثانیه میباشد.

اصفهان درمرکز فلات ایران واقع شده ومنطقه‌ایست نسبتاًکوهستانی‌که از سمت مغرب در طول دره وسیعی‌که بسترزاینده رود است ازکوههای مرتفع‌محصور گردیده وکوههای آن از شمال‌غربی به‌جنوب شرقی‌کشیده شده است.

ارتفاع‌کوههای حدود اصفهان تقریباً ۳۰۰متر است و بزرگترین رشته‌آن‌در جنوب غربی واقع‌شده وجنس آن آهکی‌است ومواضع‌صعب‌العبور نیزدارد.سرچشمه رودخانه‌های‌کارون و زاینده رود دراین‌قسمت است.

ارتفاع کوه صفه درجنوب‌اصفهان‌به۲۴۰۰مترمیرسد،این رشته‌کوه باتضاریس زیادی‌که دارد و بعلت نزدیکی بشهر بر زیبائی موقعیت طبیعی اصفهان افزوده است .

در بیست وپنج‌کیلومتری شمال غربی اصفهان کوههای سیدمحمد واقع شده که ازکنار جاده شوسه اصفهان شروع و به‌کوههای کرون و قمیشلو و علوی‌متصل میگردد. [۱]

۱- اصفهان جوانان ص۷-۸.

و از اینروکه جلگه اصفهان درکنار زاینده‌رود واقع شده آب‌وهوایش معتدل وفصول چهارگانه آن منظم است.

ب ـ خیابانهای شهر اصفهان در اوائل قرن چهاردهم هجری :

۱ـ خیابان خشك از بناهای صفویه که چون آب ودرخت نداشته خشك نامیده میشده است ولی از همان اوائل قرن مزبور ازطرف حکومت وقت اقدام به آوردن آب و درختکاری شده است.

۲ ـ خیابان درکوشك ـ ۳ـ خیابان محله نو ـ ۴ـ خیابان پشت باره دروازه‌نو ـ ۵ـ خیابان یزدآباد ـ ۶ـ خیابان کران ـ ۷ـ خیابان پای قلعه ـ ۸ ـ خیابان شمس آباد . [۱]

ج‌ـ خیابانهای فعلی شهر بترتیب حروف تهجی :

۱ـ خیابان آبشار:

این خیابان از پل خاجو بطرف گبرآباد امتداد دارد .

۲ ـ خیابان آتشگاه :

این خیابان ازفلکه نصرآبادی شروع وبا خیابانهای خرم وصارمیه و رفیع‌الدین تلاقی میکند وآتشگاه که یکی ازآثار تاریخی است و در پیش بیان شده در انتهای آن خیابان واقع شده است .

۳ ـ خیابان آذر :

این خیابان از خیابان عباس آباد شروع و بخیابان پهلوی ختم میشود.

۴ ـ خیابان آینه‌خانه :

این خیابان درجنوب غربی زاینده رود و در شرق سی‌وسه پل واقع شده‌است.

۵ ـ خیابان احمدآباد :

این خیابان از دروازه جی شروع و فلکه شکرشکن را قطع میکند و طول

---

۱ ـ نصف‌جهان ص ۴۸.

آن هزاروششصد متروعرض آن ۲۵متر است .

۶ـ خیابان ابن‌سینا :

این خیابان ازمیدان پهلوی بطرف فلکه طوقچی عبور میکندوآنراخیابان سنبلستان نیز گویند .

۷ ـ خیابان اردی‌بهشت :

این خیابان از خیابان عباس‌آباد شروع و بخیابان پهلوی منتهی‌میشود .

۸ ـ خیابان استانداری :

این خیابان در ضلع شمالی باغ چهلستون واقــع و دروازه دولت را بمیدان نقش‌جهان متصل میکند .

۹ ـ خیابان اللهوردیخان :

این خیابان ازپل سی‌وسه‌پل شروع و درنزدیکی پل مارنان بانتها میرسد .

۱۰ ـ خیابان امین :

این خیابان از منشعبات خیابان استانداری میباشد .

۱۱ ـ خیابان پارس :

این خیابان از خیابان چهارباغ منشعب میگردد .

۱۲ ـ خیابان پهلوی :

این خیابان از میدان ۲۴ اسفند شروع و با خیابان صائب تقاطع میکند ، طول آن ۱۸۰۰ متر و عرض آن ۲۰ متر درجنوب شهر و در امتداد مسیر رودخــانه زاینده‌رود واقع شده است .

۱۳ ـ خیابان جامی :

این خیابان از چهارباغ منشعب و بطرف غرب امتداد دارد . مسجدرحیم‌خان دراینجا واقع‌است .

۱۴ ـ خیابان حافظ :

این خیابان از فلکه شکرشکن شروع و با میدان شاه تلاقی میکند.

۱۵ ـ خیابان تبریزیها :

این خیابان از خیابان جنوبی شمالی شاپور منشعب میگردد .

۱۶ ـ خیابان تخت‌فولاد :

این خیابان درمبدء با خیابان فیض (چهارباغ امین‌آبادسابق) تلاقی‌وبه‌تخت فولاد منتهی میشود .

۱۷ ـ خیابان تلواسکان = تل واژگون = ترواسکان = تل عاشقان :

این خیابان با خیابان ملك وگلزار تلاقی میکند .

۱۸ ـ خیابان ثریا :

این خیابان با خیابانهای چهارباغ صدر و فردوسی تلاقی میکند.

۱۹ ـ خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی :

این خیابان ازمحل تقاطع خیابانهای سعدی و هاتف شروع و بخیابان چهارباغ متصل میشود .

۲۰ ـ خیابان چهارباغ پائین = کهنه = عباسی :

این خیابان در وسط شهر واقع وازطرف‌شمال‌بجنوب‌مبدء فلکه آب‌بخشان‌و انتهای آن فلکه خیابان فرح‌آباد درجنوب‌شهر بطول ۵ کیلومتروعرض ۴۲ کیلومتر و دارای چهار رشته درختکاری‌است. مؤلف عالم‌آرای‌عباسی درباره خیابان چهارباغ اینطور توصیف‌کرده است :

« درسال‌ست‌والف‌هجری رأی‌جهان‌آرابدان قرارگرفت‌که دارالسلطنه‌مزبور»
«رامقر دولت ابد مقرون ساخته عمارات عالی طرح نمایند. بدین نیت‌صادق وعزم»
«لایق متوجه آن صوب‌گشته زمستان‌رابعیش وخرمی‌دردولتخانه مبارکه‌نقش‌جهان»
«گذرانیده اکثر اوقات را بسیر و شکار صرف میفرمودند و شبها مجالس بهشت‌آسا»
«آراسته بساط عشرت‌گسترانیده میشدوایام بهار عمارات عالی درنقش‌جهان طرح »
«انداخته معماران ومهندسان در اتمام‌آن میکوشیدند وازدروب شهر یك‌دروازه در»

«حریم باغ نقش‌جهان واقع و بدرب دولت موسوم‌است از آنجا تا کنار زاینده‌رود»
« خیابانی احداث فرموده چهارباغی در هر دو طرف خیابان انداختند و ازکنار »
«رودخانه تا پای کوه جانب شهر انتهای خیابان‌چهارباغ قرار داده اطراف آنـرا»
«بر امراء و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده‌اندکه هرکدام باغی طرح انداخته »
«در درگاه‌باغ عمارتی‌مناسب درگاه مشتمل‌بر درگاه وبساط رفیع وایوان‌وبالاخانه‌ها»
« و منظره‌ها درکمال‌زیب وزینت و نقاشی‌های بطلا و لاجـورد ترتیب دهند و در»
«انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع‌پست وبلند نه‌طبقه جهت‌خاص پادشاهی طرح»
«انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدندو پل عالی مشتمل‌برچهل‌چشمه بطرز»
«خاص میان‌گشاده‌که درهنگام طغیان آب درکل یك چشمه بنظر درمیآید قـرار»
«دادندکه برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر اتصال یابد وتاعباس‌آباد»
«یك خیابان باشد تخمیناً یك فرسخ شرعی و از دوطرف خیابان جوی‌آب جاری »
«گردد و درختان سرو و چنار و کاج وعرعر غرس شود و از میان خیابان نهری »
« سنگ بست ترتیب یابدکه‌آب از میان خیابان نیز جاری باشد ودربرابر عمارت»
«چهارباغ حوض بزرگ بسان دریاچه ساخته شود القصه هرکس از امراء واعیان»
«و سرکاران عمارات بوقوف معماران و مهندسان شروع درکارکرده و در انجام‌آن»
« ساعی‌گشتند وازآن تاریخ تا حال‌که سنه‌هجری‌به خمس و عشرین‌والف رسیده‌و»
«این‌شگرف‌نامه تحریرمییابد عمارات باصفاوباغات دلگشا بنوعی‌که‌طرح‌کارخانه»
«ابداع در عرصه ضمیر مبارك اشرف طرح افکنده بود بحیز ظهورآمده درکمال »
«لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت، درختان سربفلك افراشته واشجـار میوه‌دارش »
«گوئی بطوبی‌جنان پیوند دارد .»

«الحاصل هرباغی ازآن‌رشک‌جنان و عمارات رفیعش‌که‌بنقوش بدیع‌مذهب»
« و مزین و بصور مصوران نادره‌کار آراستگی‌داردگوئی‌سدیر وخورنق ازآن‌نشانی»
« است بلکه در عرصه‌گیتی‌نظیر وعدیل آن محض خیال وگمانی» .

«عجب چهار باغی‌است‌بهجت‌فزا   گرش ثانی خلد گویند شاید »

«چو تاریخ آن دل طلب کردگفتم: نهالش بکام دل شه برآید [1] »

تاورنیه که درطی سالهای سیاحت خود ۹بار ایران را دیده ودر فوریه۱۶۸۹ میلادی وفات یافته راجع به‌خیابان چهارباغ چنین بیان‌کرده است:[2]

«این خیابان بیش‌از ۱۵۰۰ قدم طول و۷۰ هشتاد قدم عرض‌دارد، و رودخانه» «تقریباً وسط آن را قطع کرده ودرآن نقطه پل بسیار عالی‌ساخته شده‌که شرحش» «را بعد خواهم گفت. در ابتدای این خیابان‌که وصل‌بعمارت سلطنتی‌است‌کوشکی» «دوطبقه [3] بنا شده‌که تقریباً چهل‌پای مربع مساحت‌آن است و از بالا و پائین » «پنجره‌های زیاد داردکه از چوب ولی بسیار قشنگ نجاری‌کرده‌اند فقط شاه و » « اعضای خانواده‌اش میتوانند ازآنجا داخل خیابان بشوند، مردم دیگرکه‌ازشهر» «بیرون میروند باید از یك دروازه‌که درجنب آن‌کوشك است خارج بشوند،این » «راه موسوم است بخیابان چهارباغ و تفصیلش از این‌قرار است‌که نهر بزرگی از » «کوشك مذکورشروع‌شده درتمام طول‌خیابان امتدادیافته به‌پل‌بزرگی‌منتهی میشود» «واین نهراز چشمه‌ایکه اززیر کوشك‌بیرون‌میآید همیشه‌پراز آب است‌دوطرف‌نهر» «که‌از تخته‌سنگهای بزرگ‌مفروش‌است‌ودوسه پاعرض‌آنست راهروئی‌تشکیل‌میدهد» «که‌گاهی عابرین ازآنجا نیز عبور میکنند، اما راه معمولی سواره و پیاده در دو» «طرف خیابان از پشت درختهائی است‌که بخط مستقیم کاشته شده تا بدیوارهای» «باغهای شاه‌که دوسر خیابان بآنها منتهی میشود این درختها خیلی بلند و صاف و» «مستقیم وموسوم به‌چنار هستندکه‌فقط درسرآنهادسته انبوهی‌از شاخه وبرگ‌دیده» «میشود. در فاصله میان نهر و درختها سنگ‌فرش نشده و زمین‌خاکی است که » « گاهی کشت و زرع مینمایند. تقریباً در دویست‌قدمی آن‌کوشك بزرگ‌آب چشمه» « از نهر داخل حوضی میشودکه ۳۰ الی ۳۵ پا قطر دائره‌آن است ودر فاصله‌های» « معینی‌باز چندین حوض دیگر ساخته شده وهرجاکه حوضی است عرض خیابان» «را سنگ‌فرش کرده‌اند و راهی‌باندازه ده دوازده پا ازکف‌خیابان‌بلندترساخته‌اند»

۱- عالم‌آرای عباسی ص ۵۴۴-۵۴۵. ۲- سفرنامه تاورنیه ترجمه عریضی ص ۳۹۳.

۳- درگزارش میرزاعلیخان نائینی و دیگران سه طبقه یاد شده.

«که از خیابان خارج میشود. درسمت چپ حوض اول کوشك دیگری نظیر همان»
« کوشك اولی ساخته شده‌که درحقیقت در دهنه خیابان واقع میشود وطبقه زیر »
«آن تالار طاق پوشی تا پل بزرگ خیابان سراشیب است ونهر آبشارهائی پیدا »
«میکند. تمام باغهائیکه درطرفین خیابان و این سروآن سرپل ساخته‌شده‌متعلق»
«بشاه است، اما نباید تصورکردکه‌این باغ وهمچنین‌باغ هزارجریب که‌قشنگترین»
«باغات ایران است چون باغهائی‌که ما در اروپا داریم مزین و خوب نگاهداری »
«شده باشد. در این باغها نه باغچه‌های گلکاری دیده میشود ونه خیابانهای مصفا و»
«نه زمینهائی‌که معمول باغات فرانسه و ایطالیا هستند.

«زینت باغهای ایران منحصر است‌بدرختهای میوه زیاد و همین‌چنارهائی‌که»
«بصف میکارند و فقط درسر آنها دسته انبوهی برگ‌دیده میشود، در سایر نقاط آنها»
«علفهای هرزه روئیده‌که هرگز پاك نمیکنند وعموماً شباهتی به باغهای ما ندارند»
«در دوطرف دیوار باغهائی‌که‌خیابان‌را احاطه‌کرده‌اند درفاصله‌های متساوی‌درهائی»
« ساخته شده که خیلی مزین وقشنگ هستند. درپشت سردرها همه جا تالاری »
« بناکرده‌اند. »

« ازکوشك اول تا به پل‌برسند، دروسط راه بسمت چپ خانه‌درویشی‌است[1]»
« که شاه یکی از باغهای خودرا باو داده و او این خانه‌را بنا نموده است. درآنجا»
« بعضی ازآثارمقدسه متعلق به‌علی‌علیه‌السلام وسایرائمه را در زیرطاقی‌گذارده‌اند»
« که ایرانی‌ها دروقت عبور ازمقابل آنها تعظیم وکرنشی‌می‌نمایند. این دراویش»
« هر روز سه چهارساعت بعد از ظهر دربازار آمده وهرکدام قاعده و حدی‌دارند.»
« یك پیرو یك جوان متفقاً حرکت کرده ازاین دکان بآن دکان رفته مسائل‌دینی»
«را بمردم میآموزند».

پیترودولاواللە ایطالیائی دربارهٔ چهارباغ چنین‌بیان‌کرده!

۱ـ منظور تکیه درویش حیدر است‌که درخیابان چهارباغ عباسی طبق فرمان شاه عباس‌برای او ساخته شده بود.

« چهارباغ بعضی روزها مخصوص گردش بانوان بوده ومثلا برای یك جاده »
« مسیر عمومی نمی‌توان چنین اختصاصی‌را قائل شد . طول این خیابان‌هم دوپاسه »
« میل ، پهنای آن تقریباً دوبرابر پهنای خیابانی است که در رم واقع و پونت مل»
« نامیده می‌شود . »

« ابتدای این خیابان در جانب شهراصفهان عمارت کوچکی‌است که‌بشکل»
« کلاه فرنگی‌ساخته‌اند واطرافش تمام ایوان وپنجره است . »

« این‌عمارت بانقاشی وتزیینات بسیار دیگری آراسته شده و برای آن‌بنا »
« شده است که بتوان خیابان را از آن مکان بلند تماشا نمود و طول آن را »
« تشخیص داد » .

« کاخ شاهی بوسیلهٔ دالانی بآنجا راه دارد ، دو دیوار بارتفاع مساوی در »
« دو سمت خیابان است وپشت این دیوارها تا حدود نصف خیابان‌باغهائی است که»
« بشاه تعلق‌دارد مردم‌اجازه‌دارند داخل‌این‌باغ‌ها شده‌گردش کنند وحتی‌ازمیوه‌های»
« بی‌شمار آنجا در مقابل اندك انسانیت و تعارفی نسبت بباغبان استفاده نمایند . »

« درطرفین خیابان درفاصله‌های مساوی درهای این‌باغ‌ها دیده می‌شودکه »
«روبروی‌یکدیگرقرارگرفته وهرکدام‌آنهاعمارت‌کوچك زیبائی‌است‌که فقط‌برای»
« تفریح‌کسانی‌ساخته شده است‌که بخواهند درآنجا غذائی بخورند و یابرای‌کار »
« دیگری نظیرآن بدانجا روند . »

« شماره این‌عمارت‌ها بی‌اندازه زیاد ونمای آنها خیلی آراسته ودلرباست »
« وطوری باهم قرینه وجور ومتناسب است‌که نمی‌توان تصورکرد چیزی دلپذیرتر »
« ازآن وجود داشته باشد . »

« درخت‌های فراوان درهرسو چه درخیابان و چه داخل باغ در دو سمت »
« دیوارها دیده می‌شود که ردیف هم بیك اندازه در فواصل مساوی کاشته شده »
« وچنان سبزو خرم است که هراندازه تصور کنید این نقطه با طراوت و دلگشا»
« است . »

« علاوه براینها گوشه بگوشه در فاصله های معین‌مقابل بناهای بسیارزیبا»
« در وسط خیابان حوض‌های بزرگ آب باتناسب صحیح واشکال مختلف بدون‌لبه»
« دیده می‌شود . آب درکف سنگفرش خیابان موج میزند وراه نسبة عریضی دردو»
« طرف برای‌عبور پیاده وسواره ساخته‌اند . »

« نهرآب بزرگی‌که دروسط خیابان جاری است در جویباری که ازسنگ »
« ساخته شده جریان دارد وبه آب‌نماها میریزد، درچندین‌حوض فواره‌های‌بسیار »
« زیبائی دیده می‌شود و دربعضی از آنها نیز بوسیلهٔ احـداث پاره‌ای سراشیبها »
« آبشارهائی که در دنیا نظیرآن باین دلپسندی وجود ندارد درست کرده‌اند . »
« قسمت وسط خیابان وپای دیوارهابا سنگ های‌کوچکی فرش‌شده‌که برای‌مردم »
« واسبها ناراحت نیست . »

« لکن‌این‌طرف‌وآن‌طرف خیابان دونقطه‌ایکه خاك خوبی‌دارد جاگذاشته »
« وگلهای رنگارنگی‌نشانده‌اند یقیناً این‌گلها درموسم خود ازعطرومنظره زیبای»
« خویش دلومشام جان را محظوظ وسرشار می‌نمایند.[1] »

مؤلف نصف جهان درسال (۱۳۰۸ هـ . ق) درتوصیف خیابان چهارباغ چنین گفته است :

« واز جمله امکنه‌معروف اصفهان یکی‌چهارباغ شاه‌عباسی‌است‌که معروف»
« به چهارباغ کهنه است که چون شاه عباس عمارت دولتی خود را بقدر میسور و»
« مقتضی وقت بساخت وامرای اونیزبطرف جنوب آن‌که مناسب آن‌وقت می‌نمود»
« عمارات زیاد بساختندی وجای ومنزل‌گرفتند آن محل‌را بمحله دولت موسوم »
« نمود واگرچه قلعه نداشته وحصاری دورآن‌نکشیده بودند امادری ازدیواربست »
« آن‌بطرف مغرب‌که جهت محله‌های نوآباد او بود بگشاد وآنرا دروازه دولت »
« نام نهاد و از آنجا خیابانی در جنب همان عمارات دولتی بطرف جنوب تا کنار »
« زاینده رود که الحال موسوم به چهار باغ است طرح انداخت مشتمل بر دو »

۱ـ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان ص۰ ۴۸ بنقل ازآثار ایران .

« باغچه و دوکنار و میان آن راهی سنگ بست ساخته و راه میان وسیع وجوی»
« سنگی درمیان آن درست نمودند واطراف باغچه‌ها به‌چهارصف درخت چنار ودر»
«کنار ومیان درخت‌گل به‌ردیف یکدیگر نشاندند، ودوطرف این خیابان باغ‌های»
« بزرگ بنا نموده و سردرها فراخور حال هرباغ منقش و خوش‌نما بساختند و »
« محاذی هر سردری درمیان چهارباغ حوضی بزرگ درست نمودند وچندموضع»
«که سمت بلندی نسبت به پیشتر ازآن داشت وممکن بود آبشار ریز بساختند »
« و زیرآن آبشاررا نیز حوضی درست نمودندکه آب از آن جوی سنگی درآن »
« ریخته وباز در جوی روان وجاری می‌گردد وبحوضهای بزرگ می‌رود وازآنجا»
« باز خارج شده وبخرج باغ‌های اطراف میرود.»

« درابتدای این‌چهارباغ قریب به دروازه دولت قصری سردر مانند برای »
«آن ساخته‌اند مشتمل بر سه طبقه که طبقهٔ زیری عمارتی وسیع و چهار فصل »
« بچهار ایوان ساخته شده است والحال وضع آن‌را تغییر اجمالی داده‌اند و در دو»
« طبقهٔبالای‌آن حجرات متعدده وخوش‌نما درست‌کرده‌آنرا قصرجهان‌نما می‌نامند»
« چه بربالای آن تمام باغات وچهارباغ وعمارات نمایان است. »

« چهار باغ مذکور الحال روی بخرابی آورده ومحتاج مرمت کاملی‌گشته »
« است که خرابی آنرا درست و حالتش بجانب صلاح و خضرت و نضارت‌گراید »
« واین چهارباغ منتهی است به پل بزرگ شاه عباسی معروف به سی‌وسه چشمه »
« وباز محاذی آن خیابانی بزرگ ساخته و ازآن بلندی همچنان آبشاری ریز »
« درست نموده‌که از بالاآب درآن‌حوض میریزد ومحاذی این‌حوض مواجه‌مشرق»
«عمارت سردری عالی ساخته‌اند بر دروازه باغی که اول باغهای چهارباغ علیا است»
« وبباغ زرشك معروف‌است وبسیار باصفا جائی‌بوده واین چهارباغ‌را نیزشاه عباس»
« اول‌طرح انداخته و اتمام آنرا دیگران نموده‌اند و بچهار باغ‌بالا مشهور است »
« واین‌چهارباغ طویلتر ازاولی است، اما عرضش‌کمتر است و بخوبی آن ساخته »
«نشده و بدستور اطرافش باغات و سردرها دارد و آنرا منتهی نموده‌اند بـه باغ»

«عباس آباد که قریب به‌کوه صفه و در حقیقت درابتدای دامنه آن واقع شده است»
« وبین‌الانام این باغ به‌هزارجریب اشتهاردارد‌چه‌بحسب مساحت تقریباً هزارجریب»
« است ومشتمل است بر ده قطعه که هریك بطرف جنوب بلندتر از قطعه شمالی»
« آنست ودرهریك چندآبشار ریزدرعمارت داشته‌آبی‌مخصوص از رودخانه برای»
« آن آورده بودند وباغی بی‌مانند بوده است چنانکه بعضی ازاهل فرنگ که در»
« زمان‌آبادی‌آن‌باغ اصفهان‌آمده وآنرا دیده نوشته‌اندکه امروز درآسیامثل‌این»
« باغ موجودنیست ووضع‌آن‌را شرح‌داده امااز ما احدی خبردرستی ازآن ندارد»
« نهرآن‌که ممرش‌ازبالای طبقه‌بالائی‌جنوبی اوست مسلط‌بر تمام طبقات وازمغرب»
« بطرف مشرق میرفت موسوم به جوی سفید بوده و در فترت افغان کـه همهٔ »
« اصفهان خراب و ویران‌گردید این آب نیز جهت خرابی ممرش بایستاد وباغ‌رو»
« بخرابی‌آورد وتا اواخر دولت زندیه دیگر اثری ازآن باقی نمانده وچنان بود»
« تا درسال یکهزار ودویست وپنجاه و پنج (۱۲۵۵) هجری که پادشاه مرحـوم »
«مبرور محمدشاه غازی انارالله برهانه باصفهان‌آمده روزی در اثنای‌گشت نظرش»
«بر اوایل ممر آن‌آب‌که از زاینده‌رود جدا نموده وبرده بودند افتاد ازهمراهان»
«سئوال ازآن فرموده کسي که آگاه ازآن بود حقیقت حال را بعرض رسانیدآن»
«پادشاه بلندهمت بعداز مراجعت ازآنجا حکم‌کرد تا مهندسان رفته بازدید آنرا»
«نموده وخرج آنرا نیز فهمیده ومعروض داشتند».

« برفور به منوچهر خان معتمدالدوله‌که از قبل او حاکم به اصفهان بود »
«مثال دادکه بنا وعمله فرستاده آن ممر را درست و آب را بیاورندوآن را آباد »
«نمایند موافق‌حکم‌لازم‌الاتباعش‌کارکنان رفته و در همان سال باتمام‌آن‌کارپرداخته»
«وآب را آوردند وبهمان جوی سفید باز معروف‌گردید، تقریباً بقدر یك‌شعبه از»
«نهر فدین یعنی نیمه‌آن بودکه درمدرسه ملاعبدالله جاری است و درهمان‌مجاری»
«با اینکه خراب بود جاری نمودند وازآبشارهای خراب باغ‌ریختن‌گرفت‌ووسط»
«باغ را خیابان طرح انداخته، درختان از میوه وگل بکاشتند و عنقریب صورت »

«نوعی و گلستانی باصفا شدومحل تفرج و تفریح مردمان گردیدوتا سی سال‌چنین»
«بوده و ترقی و تنزل هیچکدام نداشت.»

«اما دربیست سال قبل ازین آب آنرا بازمجاوران ممر آن بردند و دوباره»
«مثل اول گردید، اما چهارباغ بالاهم که آبادی مجملی داشت درین سنوات خراب»
«گشته وکمی از باغات اطراف آن باقی مانده است.[1]»

میرزا علیخان‌نائینی روزنامه‌نویس عصر ناصرالدین‌شاه در گزارشی که برای دربار وقت تهیه‌کرده وبصورت کتابی خطی [2] بزرگی درآمده و تاریخ آن گزارش (۱۳۰۰ه.ق) است درباره خیابان چهارباغ چنین گفته [3] :

«چهارباغ شاهی».

«دوچهارباغ است طولاً مقابل‌هم‌که عرض زاینده‌رود فاصله مابین است ،»
«شمالی رودخانه را چهارباغ پائین مینامند که وصل به باغات و عمارات مبارکات»
«و جنوبی رودخانه را چهارباغ بالا گویندکه در دامنه سفه افتاده تمام دو سمت»
«طولانی این دوچهارباغ باغات شاهی است بسیار وسیع که دربهای باغات دوطرف»
«بچهارباغها باز است وکلاً سردربهای عالیه منقش و مذهب داشته و داردکه من»
«جمله باغات‌یکی همین هشت‌بهشت موصوف است. پل سی‌وسه‌چشمه شاه‌عباسی‌که»
«روی رودخانه بسته شده فصل میان دوچهارباغ‌است‌پلی است بسیار طویل‌وعریض»
«و مرتفع شالوده‌آن با سنگ وآهك ریخته و با آجر وگچ بالا رفته و دوطرف»
«پل غرفات و غلام‌گردشهای رفیع فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش‌زیادباعرض»
«وبلند، طول‌دوچهارباغ قریب‌ثلث‌فرسنگ، دهنه دروازه‌اول چهارباغ اول که‌متصل»
«است‌بدروازه‌دولت شهروخیابان‌محله‌چهارسوق‌شیرازیان‌قصرعالی‌بسیارباصفاساخته»
«شده است، سه‌طبقه مشتمل‌بر ایوانهای رفیع وچهارجانب واطاق بزرگ‌چهارفصل»

۱- نصف‌جهان درتعریف اصفهان ص۴۰-۴۳. ۲- این کتاب دردوجلدوتا چند سال پیش درکتابخانه وزارت دارائی بود . ۳ــ گزارش‌مزبور با مندرجات‌کتاب‌جغرافیای اصفهان میرزا حسین‌خان تحویلدار مطابقت دارد و معلوم نیست‌کدام سبقت دارند .

«در وسط بانضمام ارسیهاواطاقهای بسیارمرغوب درچهار سمت‌طبقات مزبورموسوم»
«به قصر جهان‌نما و این دوچهارباغ‌تمام‌سنگ فرش بسنگهای قطور تراشیده‌صاف»
«و سرتاسر طول وعرض دوچهارباغ دوباغچه عریض دارد و یك خیابان پهن در »
«بین آنها ووسط خیابان جوی سنگی و جلو سردرب‌های‌باغات هرکدام یك‌حوض »
«بسیار بزرگ ، آبش از نهری جداگانه جاری و درجوی طولانی وسط آب‌نماها»
«وآب‌افشارها است، چهارقطارچنارکهن‌درچهارکنار طول‌دوباغچه طرفین‌است،متن»
«باغچه‌ها تمام سال از علف‌کاری مدام سبز و خرم است ، درختهای قوی هیکل»
«سر بکهکشان‌کشیده و هزاران هزار طیور بشاخساران اشجار ریخته: »

« دوحةالنهر مائها صلصال   سجعةالطیر مرغها موزون »
« باد در سایه درختانش   گسترانیده فرش بوقلمون »

«وسط همین چهارباغ‌داخله شهر مدرسه شاه سابق‌الذکر است وخصایص آن»
«زایدالوصف، درش به‌چهارباغ بازمیشود وآب‌جاری‌مادی عظیم درمیانش‌میگذرد»
«عقب آن کاروانسرای سه طبقه که تا بحال از حجاری و سفت‌کاری وغیره‌چنین »
«سرائی ساخته نشده و نیز بازاری طویل مرتفع الطاق بسیار مرغوب دو طبقه در»
«جنبش افغان افتاده و الآن بایر است» .

« وضع چهارباغ بالا هم بهمین نحواست الاآنکه مدرسه وکاروانسرا وبازار»
«ندارد و آخر چهارباغ مزبور حوضی بسیار بزرگی است عرض آن تمام عرض »
«چهارباغ راگرفته سردری دارد بسیار عالی و دورو مشتمل برعمارات و ایوانهای»
«مرتفع تحتانی و فوقانی‌که یك‌روی‌آن مشرف به‌چهارباغ و روی دیگرش منظر »
«باغ هزار جریب مشهورکه هزار هزار ذرع‌مربع مسطح سطح‌آنست و در دامنه »
«کوه سفه واقع شده نهر بزرگی دارد مخصوص شرب این باغ (هزار جریب) از »
«رودخانه سوا میشود و بباغ مزبور وارد میگردد و از آنجا خارج نمیشود . »
« عمارات میانش خراب و اشجار زمینش از میان رفته دیوارهایش هنوز برپاست »
« ومتن باغ الآن ساده است وغله‌کار و قدیم دراین باغ قصرها وکلاه فرنگیها و »

« برجها و آب‌نماها و جویها و جدولها و حوضها داشته والآن شالوده بعضی از آنها »
« پیداست باغی بوده‌که درروی زمین در آن زمان نظیر نداشته عماراتش حالا از »
« میان رفته و نقشه آبادی آن در فرنگستان و ممالك خارجه از قدیم ثبت و »
« ضبط گردیده . »

سرپرسی سایکس در تاریخ خود ترجمه سید محمد تقی فخر داعی‌گیلانی درباب چهارباغ چنین توصیف‌کرده[1] :

«از ابنیه مذکورگذشته به‌چهارباغ میرسیم(میگویند چهارتاکستان دراین »
« محل بوده‌که بامر شاه عباس خیابان‌بندی‌گشته و چهارباغ نامیده شده)کـه‌آن »
« دارای چهار خیابان باشکوه‌که پهنای‌آن ۱۵۰ پا و حاشیه‌های‌آنرا مخصوصاً »
« درختان چنارمشرق فراگرفته است .»

«آب ازمجراها وجدولهای سنگی عبور میکرده و درحوضهای قشنگی‌که »
« سرچهار راهها (محل تقاطع جاده‌ها) تعبیه شده بود جمع میشده است، اطراف »
« خیابانها سردرهای‌کاشی‌کاری باغهای اشراف و درباریان قرار داشت».

«دکتر فریر درکتاب : هند شرقی و ایران‌میگوید : تمام‌عظمت اصفهان را »
« در واقع میتوان در چهار بـاغ مشاهده کرد . در اینجا بزرگـان و اعیان شهر »
« بهواخوری‌مشغول وهریك بااتباع وهواخواهان‌خود آهسته‌آهسته قدم‌زده‌پیوسته»
«کوشش دارند تادر جاه و جـلال و سخاوت و عظمت بر دیگران سبقت‌گیرند . »
« فضای بـاغ را درختان سر سبز وگلهای معطر باچشمه‌ها و جویبارها فراگرفته »
« دل و جان هر رهگذر و تماشاچی‌را زنده میسازد ، در دو طرف حوضها قصرهای »
« تابستانی باتمام لوازم تفریح و زیبائی ساخته شده است ».

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته است :

«امروز چنانچه از وضع چنارهای‌کهن سال مشاهده‌میشود خیابانی وسط و »
« جویهای طرفین بوضع چهارباغ قدیم‌باقی و درطرفین بجای‌آن باغات وعمارات »

۱ـ ترجمه‌جلد دوم ص۳۱۳.

« شاهی تجارتخانه‌ها و عمارات شخصی وجود دارد و اهالی بعادت زمان‌قدیم هنوز »
«گردشگاه و محل میعاد خودرا بدین‌خیابان اختصاص داده واز هوای آن‌محظوظ »
« و مسرور میشوند ، درقسمت آن‌طرف پل آثارتاریخی بجزچنارکهن سال روبروی »
«عمارت‌باغ زرشك «محل‌کارخانه صنایع پشم» بنای‌دیگری از قصور دیده‌نمیشود .»

«سیاحان اروپائی‌در آن زمان‌نوشته‌اند چهارباغ‌چشم اصفهان است‌وبالاترین »
« و زیباترین خیابانهائی است‌که در اروپا و جاهای دیگر دیده نشده است ،دراین »
« خیابان نام باغ ستاره و باغ تخت - باغ‌طاوس - باغ نسترن و غیره هنوز ورد »
« زبانها و آثارکمی از بعضی‌ازآنها دیده میشود .»

از مجموع نوشته‌ها کیفیت خیابان چهارباغ و وضع غـرس اشجار و مجاری آب و ساختمانهای اطراف و عرض و طول و آرایش و زیبائی خیابـان و عمارات اطراف بخوبی‌معلوم میگرددکه در زمان‌خود یکی ازگردشگاهها و تفرجگاههای ممتاز و برجسته اصفهان بلکـه ایـران و آسیا بـوده و عنوان خیابـان و معبر نداشته بـلکه اصولا برای امـکان تفرج سلاطین و حرمسرای آنـان ساخته شده بوده است ، و چـون پس از تأسیس مورد توجه ایرانیان و خارجیان قرار گرفت پل‌اللهوردی خان نیز بر روی زاینده رود بسته شد و خیابان چهارباغ تا باغ‌هزار جریب امتداد یافت‌ولی بمرور زمان بسیاری ازاجزای خود را از دست‌داد تا اینکه در زمان حاضر باغهای اطراف بکلی تبدیل بعمارات مختلف گردیـده و در متن خیابان هم تغییراتی چون برداشتن حوضچه‌ها و فواره‌هـا بعمل آمده است هرچند اکنون هم مانند گـذشته چهار بـاغ نامیده میشود ولی بـا چهار باغ قدیم تفاوت بسیار دارد .

در قدیم باغهائی راکه در بند هـ ـ گفتار دوم برشمردیم بیشترآن چون : باغ تخت - کاج - بابا امیر - توپخانــه - نسترن - چهلستون - بلبل (هشت بهشت) فتح‌آباد - گلدسته - طـاوسخانه - پهلوان ، در این خیابـان واقع بوده و مدرسه چهارباغ وکاخ هشت‌بهشت نیز دراین خیابان است .

این خیابان تاریخی بشماره ۱۰۹ بثبت باستان‌شناسی رسیده است.[۱]

۱۷- خیابان چهارباغ بالا = هزار جریب = عباس آباد :

این خیابان از انتهای پل‌اللهوردی‌خان شروع وبدامنه‌کوه‌صفه درجنوب‌شهر اصفهان منتهی می‌شود سیاحان ومورخان هرکدام راجع باین‌خیابان و منتهی الیه آن مطالبی‌نوشته‌که چندان باهم متفاوت نیست.

خلاصهٔ نوشته‌ها اینست‌که خیابان چهارباغ بالا نیزمانند چهار باغ پائین در اطرافش باغها وسر دربهای بسیارعالی ومنقش ساخته شده بوده تا بباغ هزارجریب میرسیده است یکی ازباغهای معروف‌که دراین خیابان واقع بوده باغ زرشك است که‌فعلا درخت چناری ازآن مشهود است.

چون دربیان احوال سیاحان ومورخان شمه‌ای هم از وضع خیابان بالا گفته شده قسمتی از مطالب تاورنیه سیاح‌که در باب خیابان چهارباغ بالا است در اینجا نقل می‌شود :

« حالا بشرح بقیه خیابان بزرگ چهارباغ برمی‌گردیم‌ازپل‌جلفا بآن‌طرف »
« باغ هزارجریب بهمان ترتیبی‌که شرح دادم هشتصد قدم دیگر امتداد میبابد، »
« نهری که ازپل‌بآن طرف‌کشیده شده آبش ازهمان نهرهائی‌است‌که گفتم از سه »
« چهارلیو بالاتر ازاصفهان از رودخانه جدا کرده‌اند. »

« چهارصد قدم که از پل دور می‌شوند به آبشاری‌که میان حوض میریزد »
« میرسند ، درطرفین‌آبشارده دوازده پله خورده ببالا میرود تاباآخرخیابان‌میرسد »
« که درآنجا در سردرباغ هزارجریب عمارتی بنا شده‌که عبارت از تالاری است »
« در وسط و چهار اطاق درچهار زاویه و این‌عمارت به خیابان وآب نما و آبشار »
« نگاه می‌کنند . »

« اما باغ هزارجریب برای ایران‌خیلی قشنگ است ولی درفرانسه‌اهمیتی »
« ندارد[۲] . من چندین باغ در اطراف پاریس دیدم که هیچ طرف تشبیه و قیاس »

۱ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۴.

۲ــ ولی شاردن فرانسوی درسفرنامه خود راجع بخیابان بزرگ چهارباغ (بالا و پائین) نوشته : این‌خیابان زیباترین معبری است که تاکنون دیده وباشنیده‌ام.

« با هزارجریب نمیتوان قرارداد .»
« اگر یك ایرانی باغهای رؤسا و سایر قصور سلطنتی فرانسه را بـه بیند »
« دیگر باغ هزار جریب را درنظرش قدر وقیمتی نمیماند شرح باغ هزارجریب »
« بطور اختصار چنین است : »
« چون باغ در دامنه تپه واقع شده شانزده طبقه پیدا کرده است که هر »
« طبقه ازطبقه دیگر شش‌هفت پا بلندتر است وازتمام حوضهای آن‌آب باریکی »
« جاری است وچیزیکه دراین باغ بیشتر قابل دیدن است درطبقه چهارم حوض »
« بزرگی‌است قریب ۱۲۰ پا قطر دایره آن است وشکل این‌حوض هشت‌گوشه »
« است دورآن بفاصله‌های متساوی چندین‌لوله نصب شده که‌آب ازآنها بارتفاع »
« سه پا فوران میکند و بتوسط سه پله میتوان بمیان حوض رفت .»
« نهری ازسنگ دروسط خیابان عمده باغ که‌بعمارت منتهی‌میشود ساخته »
« شده که بعرض‌نهر خیابان چهارباغ است وآبش‌نیز همان آب است ، یعنی‌آب »
« این‌نهر بخیابان چهارباغ ویکی ازداخل درمحاذات یکدیگر واقع‌شده‌اند .»
« درطبقهٔ دهم نیزحوض دیگری‌نظیرطبقهٔ چهارم بهمان‌شکل وبزرگی دیده »
« می‌شود و درطبقه آخر که باغ‌بانتها میرسد نهری ازعرض‌باغ می‌گذردکه باتمام »
« خیابانهائی‌که مثل خیابان عمده درطول واقع شده‌اند تقاطع می‌نماید ودرکنار »
« آن‌نهرکلاه فرنگیهائی ساخته شده‌که ازهمه طرف باز وبی‌حفاظ است و برای »
« خنکی ساخته‌اند وآبشارهائی نیز درآن نهردیده می‌شود ، اما گل‌کاری وچمن »
« وزینتهای دیگرکه برای قشنگی باغ لازم است نه هزار جریب و نه درهیچ‌یك »
« ازباغهای دیگر ایران نباید تفحص‌کرد[1] .»

مجموع طول دوخیابان چهارباغ پائین وبالا در حدود یك فرسخ بوده ولی عرض خیابان چهارباغ بالا کمتر ازعرض چهارباغ پایین‌بوده است .

---

۱ ـ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۹ .

۱۸ ـ خیابان چهارسو شیرازیها :

خیابانی است که ازچهارسو شیرازیها که جزء محله ۱ از محلات شمالی زاینده رود است می‌گذرد .

۱۹ ـ خیابان حافظ (احمدآباد) :

این‌خیابان از دروازه‌جی شروع وبه فلکه شکرشکن‌منتهی می‌شود .

۲۰ ـ خیابان حافظ در (خاجو) :

این‌خیابان از فلکه شکرشکن‌شروع وبخیابان شاه عباس‌کبیر منتهی‌میشود.

۲۱ ـ خیابان حسن‌آباد :

این‌خیابان جزءِ خیابانهای واقع درشمال رودخانه زاینده رود است .

۲۲ ـ خیابان حکیم‌نظامی :

این‌خیابان درجهت شمالی جنوبی‌ساحل زاینده رودرا به‌کوه صفه درجنوب اصفهان اتصال می‌دهد .

۲۳ ـ خیابان خرم :

این‌خیابان از فلکه دروازه تهران شروع وبفلکه نصرآباد وصل می‌شود .

۲۴ ـ خیابان خوش = خشك :

این همان خیابان شاه است که از دروازه دولت بطرف شاپور امتداد پیدا می‌کند ومسجد قطبیه دراین‌خیابان واقع است .

۲۵ ـ خیابان خیام :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع وباخیابانهای شاپور ووحید تقاطع می‌کند .

۲۶ ـ خیابان دالان بهشت :

خیابانهای فیض ومیروآبشاررا قطع می‌کند .

۲۷ ـ خیابان دلگشا = مشتاق :

خیابانی است بطول هزارمتر وعرض‌بیست متر که باخیابانهای یزد وخیابان دور شهر بهم میرسند .

۲۸ـ خیابان دورشهر :

از سه راه یزد شروع ودرپل زمان خان ختم می گردد .

۲۹ـ خیابان رحیم‌خان :

این خیابان از انشعابات خیابان شاه است که بین‌دروازه دولت و شاپور واقع شده است .

۳۰ـ خیابان رسومات :

این خیابان نیز از خیابان ثریا منشعب میگردد .

۳۱ـ خیابان رفیع‌الدین :

این‌خیابان ازفلکه نصرآباد شروع و به‌پل زمان‌خان منتهی میگردد .

۳۲ـ خیابان سپه :

از دروازه دولت شروع و بمیدان نقش جهان ختم میشود . کاخ چهلستون دراین خیابان واقع است .

۳۳ـ خیابان سعادت‌آباد :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع و بفرودگاه اصفهان ختم میشود .

۳۴ـ خیابان سعدی :

این‌خیابان ازشرق خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق شروع وبه‌خیابان‌دورشهر متصل میشود .

۳۵ـ خیابان سنگ‌تراشها :

این خیابان ازخیابان شاپور منشعب میشود .

۳۶ـ خیابان سیدعلیخان :

این‌خیابان ازخیابان چهارباغ بطرف‌چرخاب امتداد پیدا میکند .

۳۷ـ خیابان سروش :

این‌خیابان، خیابان صغیر راقطع و بدروازه‌جی وصل میگردد .

۳۸ـ خیابان شاه :

این‌خیابان از دروازه دولت شروع و با خیابان شاپور تقاطع میکند .

۳۹ـ خیابان شاپور :

این خیابان از خیابان پهلوی شروع و بفلکه دروازه تهران منتهی‌میشود . مسجدلنبان درنزدیکی این خیابان واقع شده است .

۴۰ـ خیابان شاهزاده‌ها :

این‌خیابان از خیابان شیخ‌بهائی بطرف خیابان‌آذر منشعب است .

۴۱ـ خیابان شاه عباس کبیر :

از خیابان جنوبی شمالی‌گلزار شروع و باخیابان فردوسی و صوراسرافیل تقاطع و بخیابان چهارباغ وصل میشود .

۴۲ـ خیابان شهناز پهلوی :

این‌خیابان از خیابان شیخ‌بهائی شروع و بخیابان عباس‌آباد وصل میگردد .

۴۳ـ خیابان شیخ‌بهائی :

این خیابان‌که بطول ۱۵۰۰ متر و عرض ۲۳ متر است از خیابان چهار باغ شروع و باخیابان شاهزاده‌ها تقاطع وگذشته بخیابان شاپور منتهی میشود . مدرسه شمس‌آباد دراین خیابان واقع شده است .

۴۴ـ خیابان شیروانی :

این‌خیابان ازخیابان حافظ (احمدآباد) شروع‌و بقلعه طبره ختم میشود .

۴۵ـ خیابان صائب: (۱)

این خیابان از خیابان شاپـور منشعب و پس‌از تقاطع باخیابان پهلوی در نزدیکی پل شیری بانتها میرسد . مقبره صائب و بـاغ او در غرب این خیابان واقع است .

۱ـ محمدعلی صائب‌تبریزی ازشعرای مبرز دوران صفویه‌است‌که دیوانش‌مکرر بچاپ رسیده و در (۱۰۸۶ه یا ۱۰۸۱) وفات یافته است .

۴۶- خیابان صارمیه :

این خیابان از فلکه نصرآبادی بطرف فلکه شیخ بهائی امتداد دارد .

۴۷- خیابان صغیر اصفهانی :

خیابان صغیر اصفهانی[1] از ابتدای خیابان ابن‌سینا شروع و تانزدیکی شاه میرحمزه امتداد دارد یعنی از فلکه طوقچی شروع و در اراضی زراعتی دورشهر تمام میشود .

۴۸- خیابان صاحب بن عباد:

خیابانهای مدرس و دورشهر را قطع میکند وقبر صاحب دراین خیابان است .

۴۹- خیابان صفا :

این خیابان از نزدیکی پل‌شیری شروع و درحوالی پل‌مارنان ختم میشود .

۵۰- خیابان عباس آباد :

این خیابان از خیابان چهار باغ منشعب و خیابان شهناز و شاپور را قطع میکند .

۵۱- خیابان فتحیه :

خیابانی است که از پشت مدرسه چهار باغ میگذرد و آنرا پشت مطبخ نیز گویند .

۵۲- خیابان فرح:

این خیابان از فلکه شیراز شروع و بنزدیکی پل‌مارنان منتهی میشود .

۵۳- خیابان فردوسی :

ازخیابان شاه عباس کبیر شروع وبفلکه دروازه تهران منتهی می‌گردد .

۱- محمد حسین متخلص به‌صغیر از شعرای مبرز معاصر و مرثیه‌سرا است که در ۱۳ رجب ۱۳۱۲ متولدودرآخر جمادی‌الاولی(۱۳۹۰ه.ق) بدارباقی شتافت - وی دارای انجمنی‌ادبی بنام صغیر بود ومیان شعرای معاصر اصفهانی محترم میزیست دیوان او قسمتی بنام‌گلچین صغیر بچاپ رسیده است .

۵۴ ـ خیابان فروغی :

این‌خیابان ازفلکه پهلوی شروع وبه فلکه دروازه تهران ختم می‌شود بقعه شیخ ابومسعود وقبرستان قبله دعا درنزدیکی این خیابان واقع است .

۵۵ ـ خیابان فیض :

همان خیابان امین‌آباد است . این خیابان از خیابان میر بطرف پل خاجو ممتد است .

۵۶ ـ خیابان قاآنی :

این خیابان ازهزارجریب شروع ونزدیك خیابان تخت فولاد ختم می‌شود .

۵۷ـ خیابان کاوه :

این‌خیابان در میدان پهلوی با خیابانهای فروغی وابن‌سینا تلاقی می‌کند .

۵۸ ـ خیابان کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی :

خیابانی‌است بطول هزار و پانصد متر و عرض بیست مترکه بـا خیابانهای فردوسی وچهار باغ‌صدر ومیدان بیست‌و چهار اسفند تلاقی می‌کند. پل‌سی و سه‌پل و خاجو دراطراف این‌خیابان است .

۵۹ ـ خیابان کورش کبیر :

این‌خیابان ازشرق بابارکن‌الدین شروع وبخیابان چهارباغ بالا(هزارجریب) ختم‌می‌شود .

۶۰ ـ خیابان مارنان :

این‌خیابان ازشاپور منشعب و خیابان وحید را قطع می‌کند ، پل مارنان در این‌خیابان است .

۶۱ ـ خیابان مجمر :

این خیابان ازخیابان کمال‌الدین اسماعیل منشعب می‌شود .

۶۲ ـ خیابان محمد رضاشاه :

این خیابان ازخیابان چهارباغ شروع وبه خیابان خـرم منتهی می‌گـردد .

مسجد علی‌قلی آقا درشمال و مسجد سید درجنوب این‌خیابان واقع است .

۶۳ ـ خیابان مدرس :

این‌خیابان ازمیدان پهلوی (فلکه آب بخشان) شروع و بخیابان صاحب‌بن عباد منتهی می‌شود .

۶۴ ـ خیابان ملك :

این‌خیابان ازخیابان شاه عباس‌کبیر منشعب وبپای قلعه وصل می‌شود .

۶۵ ـ خیابان منوچهری :

این خیابان از خیابان چهار باغ صدر شروع و به خیابان فـردوسی منتهی می‌گردد . امامزاده باقر درشمال آن واقع است .

۶۶ ـ خیابان مولوی :

این‌خیابان ازچهارباغ منشعب وبا خیابان شاپور تقاطع وتا جوزدان امتداد دارد . مدرسه درب‌کوشك مجاور این خیابان است .

۶۶ ـ خیابان میر فندرسکی:

خیابانی‌است‌که ازحوالی‌کوله‌پارچه بطرف خیابان نظرپیش‌میرود و درمیانه با خیابان فیض تلاقی می‌کند .

۶۷ ـ خیابان میهن :

این‌خیابان ازخیابان هزارجریب منشعب می‌گردد .

۶۸ ـ خیابان نشاط :

این‌خیابان ازخیابان حافظ شروع وبفلکه خیابان شاه عباس منتهی میشود .

۶۹ ـ خیابان نظر :

این خیابان از خیابان چهارباغ بالا منشعب و با خیابان وحید در نزدیکی پل مارنان تلاقی میکند .

۷۰ ـ خیابان وانك :

این خیابان از خیابان نظر منشعب میشود . کلیسای وانك در نزدیکی این خیابان است .

۷۱ ـ خیابان وحید :

این خیابان ازچهارراه خیابان نظر شروع وبفلکه دستگرد منتهی میشود .

۷۲ ـ خیابان هاتف : [۱]

این خیابان ازفلکه طوقچی شروع وبخیابان چهارباغ صدر منتهی میگردد . مقبره صاحب بن عبادودو مناره دردشت وامامزاده اسماعیل ومقبره خواجه نظام الملك درشرق این خیابان واقع شده است .

۷۳ ـ خیابان یزد :

این خیابان با خیابان دلگشا (مشتاق) وخیابان دور شهر تلاقـی میکند . طول آن پانصد متر وعرض آن بیست (۲۰) متراست .

د ـ محلات شهر اصفهان :[۲]

درقدیم الایام شهراصفهان دارای شش محله بزرگ باین شرح بوده است :

۱ـ محله لنبان که درقسمت غربی جنوبی شهر اصفهان واقع بوده است .

۲ـ محله باغ کاران که درجنوب شرقی شهراصفهان واقع و اکنون آنجارا

۱ـ سیداحمدحسینی از ادباء وشعراء واطبای ماهر بود، پدرانش مردم اردوباد آذربایجان بودند ولی هاتف دراصفهان متولد ودرآن شهرنشو و نمایافت درسرودن اشعار فارسی وعربی مهارت داشت و ترجیع بند عرفانی او شهرت بسزائی دارد ، دیوانش مکـرر بچاپ رسیده است . معاشران و معاصرانش از شعراء :آذر بیگدلی وصباحی بوده اند . وی درسال ۱۱۹۸ هجری درقم وفات ودر صحن حضرت معصومه مدفون گردید .

(نقل از بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۵۲۸)

۲ـ کیفیت و وضع این محلات معلوم نیست که بیکدیگر اتصال داشته ویااز هم جدا بوده اند آنچه مسلم است اینکه هریك از این محلات بقدر و اندازه شهری وسعت داشته اند .

(نصف جهان ص۲۵)

خاجو[1] مینامند . وقسمتی از آن هنوزهم بباغ‌کاران شهرت دارد .

۳ـ محله کران که درمیانه شهر واقع وبطرف مشرق متمایل بوده است .

۴ـ محله چنبلان که در وسط شهر وبطرف مغرب آن مایل بوده است .

۵ـ محله جوباره که شمالی شهر ومایل بمشرق است .

۶ـ محله دردشت که درشمال ومایل بمغرب شهر اصفهان است .

عدد محلات شهر اصفهان در دوران سلاطین صفویه به چهل میرسیده است که دراثرفترت افغانها وخرابی‌های بعد ازصفویه تا زمان پهلوی بتدریج تغییر کرده است وبرای اینکه این آثار ملی درتاریخ بماند تمام محلاتی که نام‌آن‌ها درمکاتبات و محاورات مردم محل وديگران برده شده بترتیب حروف تهجی ذکرمیشود :

۱ـ محله آب بخشان :

این‌محله فعلا قسمتی از آن میدان وفلکه پهلوی است وقبر ابونعیم و شیخ محمدبن یوسف بنای صوفی در آنجا واقع بوده است .

۲ـ محله آسنجان :

این‌محله بامحله دروازه‌نو متحد میباشد . وامامزاده اسحاق درآنجاست.[2] و در زمان حاضر خراب وجای‌خیابان خوراسکان فعلی‌است که درامتداد احمدآباد می‌باشد.[3]

۳ـ محله احمدآباد :

این‌محله از محله های آبادی است که در سمت جنوبی واقع و جزء بخش ۴

۱ـ درتسمیه این محله به‌خاجو و نوشتن کلمهٔ مزبور به‌خواجو یاخاجو اختلاف‌است‌ولی‌آنچه مسلم بنظر میرسد این کلمه ازخا بمعنی کوبی که محل جمع شدن آبهای کثیف چون فضولات مطبخ باشد و جوگرفته شده یعنی جای اجتماع آبهای کثیف و این‌تسمیه‌هم مسلم‌بعد ازصفویه و هنگامی بوده که باغ‌کاران ازوضع قدیم خود افتاده بوده و بیشتر آن محل‌جای همان آبهای راکد وکثیف بوده است و بنابراین املای‌آنهم خاجو باالف درست است .

۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۰ ۳ـ نصف جهان ص ۲۸

محلاتی است که درشمال زاینده رود واقع شده‌اند.[1]

مدرسه جلالیه و مسجد شیعا و امامزاده اسماعیل ومقبره خواجه‌نظام‌الملک ومسجد ایلچی دراین محله واقع شده‌اند.

۱ـ این محله محل نشو و نما و سکونت عده‌ای از بزرگان و دانشمندان بوده و از آن جمله است :

۱ـ ملانورالله افندی تخلص از شعرای ملازم شاه‌عباس ماضی که در بدو امر بدیهی تخلص‌داشت وسپس به‌افندی تبدیل کرد. از اشعار او است :

بناکامی‌دمی کز کوی‌او عزم سفر کردم چوپای خویشتن درهرقدم خاکی‌بسر کردم
افندی بسکه‌نا ایلدم بزاری‌برسر کویش زگریه مردمان دیده راخون در جگر کردم

(تذکره روشن ص ۶۸)

۲ـ جلال‌الدین محمدطبیب متوفی (۱۱۳۱ ﻫ .ق) از اطبای خاص شاه سلطان حسین صفوی و بانی‌مدرسه جلالیه درمحله‌احمدآباد مز بورو مدفون درهمان مدرسهٔ .

۳ـ میرزا محمدرضا مشتاق احمدآبادی‌عالم‌و حکیم وسخنور و شاعر بود و درعهدشاه سلطان حسین صفوی میزیست و باامیرزا عبدالباقی و برادرش میرزاعبدالوهاب پسران میرزا عبدالحکیم یکی از ارکان شاه سلطان‌حسین قرابت داشت . از اشعار او است :

قدرعنای تورا شوخ سراپا است بهشت راست‌گفتند که برعالم بالا است بهشت

(صبح‌گلشن ص ۴۱۳)

۴ـ محمدفاضل بن محمدشفیع احمدآبادی که درسال (۱۱۱۰ ﻫ . ق) خطاط معروف خط نستعلیق بوده است . (تاریخ‌خط و خطاطان ص۲۱۸)

۵ـمیرزا محمدطبیب‌زاده احمدآبادی فرزندمیرزا ابوالقاسم‌ناصرحکمت(متولد۱۳۰۶ ﻫ. ق) ازمعاصران و علماء و مؤلف‌کتاب حورمقصورات در ترجمهٔ اعتقادات صدوق بفارسی و الشمس‌الطالعة درشرح زیارت عاشورا وآفتاب درخشان .

(فهرست‌آستان قدس ج ۶ ص ۳۳۶)

۶ـ میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت پدر میرزا محمد طبیب‌زاده احمدآبادی از پزشکان مشهور و مؤلف‌رسالهٔ: الافیونیه. درمضار افیون بفارسی که‌درتاریخ ۲رع۲د۱۳۷۱ درسن ۹۳ سالگی بدرود زندگی‌گفت ودرتکیه مادرشاهزاده‌ها مدفون شد .

۷ـ سیدمحمد تقی‌بن‌حاج میرزاعبدالرزاق احمدآبادی مولود(۱۳۰۱ ﻫ. ق) ومتوفی (۱۳۴۸ ﻫ. ق) از علماء وصاحب تألیفات : ۱ـ وظیفة الانام. ۲ـ سراج القبور. ۳ـ بساتین الجنان. ۴ـ تذکرة‌الطالبین. ۵ـ کنزالغنائم. ۶ـ نورالابصار . ۷ـ مکیال‌المکارم. ۸ـ دیوان اشعار . از اشعار او است :

زدوری رخت ای‌پادشاه حسن وجمال رسیده جان بلب عاشقان تعال تعال

(رجال اصفهان ص ۴۶)

۴ـ محله ارجان :

این محله درقدیم مشهور وقاضی ارجانی مدرس مدرسه نظامیه اصفهان درعهد خواجه نظام الملك طوسی که نسبش بجابر انصاری میرسید مردم این محلـه بوده است[۱] .

۵ـ محله ارجاء :

این محله هم درقدیم دراصفهان مشهور بوده است.[۲]

۶ـ محله اشکهان :

همان محله شیئش است که در ابتداءِ ماه برواسفیش واسفیس وشئیش وشهیش گفته شده ومحل آن در بیدآبادکنونی بوده است .

۷ ـ محله الیادران :

این محله درقسمت غربی خیابان شاه واقع وقسمت غربی خیابان شیخ بهائی درجنوب آن میباشد .

۸ ـ محله امامزاده اسماعیل :

محله ایستکه امامزاده اسماعیل بن زیدبن حسن بن حسن بن امام علی بن ابیطالب علیهم السلام درآنجا مدفون است .

۹ـ محله بابالغت :

این محله ازمحلات خاجو بوده که شاه عباس ثانی درآن یکهـزار جریب کوچك بناکرده بوده است.[۳]

۱ـ از اشعار او است :

احب المرء ظـاهره جمیل	و باطنه لظاهـره سلیم
مودته تـدوم لکـل هـول	وهل کل مودتـه تـدوم

(تاریخ اصفهان وری ص ۲۱۶)

۲ـ از ساکنان این محله علی بن محمد بن الحسن ارجائی اصفهانی است که از محدثان ونامداران محله ارجاء اصفهان بوده است . (اسماء البلدان)

۳ـ مرآت البلدان ج ۴

۱۰ـ محله باب‌الدشت :

این‌محله ازمحلات قدیمی‌اصفهان و درعرف مردم محل به دردشت[۱] شهرت دارد وچون در قدیم‌الایام دروازه این محله بدشتی متصل میشده آنجا را در دشت نامیده‌اند .

در محله باب‌الدشت عده‌ای از اماکن تاریخی چون گنبد ابـن‌سینا و منارهٔ گلدسته ومدرسه شفیعیه ومناره های دردشت واقع شده ونیز عده‌ای ازمحـدثان و بزرگان قدماء از این محله برخاسته‌اند.[۲]

۱۱ ـ محله باب‌السجن :

محله‌ای بوده که دروازه باب‌السجن درآن واقع و گویا جزء یهودیـه بوده است.[۳]

۱۲ ـ محله باب سلم :

محله‌ای بوده که دروازه سلم درآن واقع بوده است .[۴]

۱۳ ـ محله باب عطاء خشك :

این‌محله هم دارای دروازه‌ای‌بنام باب‌عطاءِ خشك‌که منسوب‌به عطاءِخشك‌بن

۱ــ معجم‌البلدان ج۲ ص ۴۵۰ ۲ــ ازآن جمله است :

۱ــ ابوعبدالله محمدبن یعقوب‌بن‌مهران باب‌الدشتی متوفی (بعداز ۲۰۰ هـ . ق) وی‌از محدثان و پسرانش‌احمد و عبداله نیزاز محدثان بودند ، هنگامیکه ازطریق بغداد عزیمت سفر حج کرده بود مردم بغداد از او حدیث نوشته‌اند، و خود از محمدبن حمید و هارون‌بن مغیره و عبدالباقی‌بن قانع حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۱۴)

۲ــ امیر قطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی از بزرگان و بانیان خیر است وهمو مسجدقطبیه را کـه در خیابان شاه واقـع است بناکرده و ظاهراً در حدود سالهای ۹۵۰ ببالا مسجد ساخته شده است .

۳ــ میرمجدالدین اسماعیل‌بن امیرمظفر بن‌امیرمسعودباب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ هـ . ق) از امراء و بزرگان بوده و پس‌از وفات‌در مسجد قطبیه مدفون شده و تاریخ‌وفاتش‌روی‌سنگ باین‌کیفیت حك شده :

منادی بهر تاریخش ندا کرد : « که حیف ازسروبستان جوانی »

(مجله یادگار سال ۴ شماره‌های ۹ و ۱۰)

۳ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۶۶ ۴ــ معجم‌البلدان ج ۳ ص ۲۴۰

سائب باب‌عطائی متوفی (۱۳۰ ه.) ازسرکردگان بنی‌عباس که درخراسان میزیسته است بود. [۱]

۱۴ - محله باب کوشك :

این‌محله مطابق گفته یاقوت درمعجم‌البلدان ازمحلات بزرگ اصفهان بوده ولی اکنون به درب کوشك و در کوشك معروف است . مدرسه درکوشك و مسجد رحیم خان دراین‌محله واقع است . [۲]

۱۵ - محله باب همایون :

این‌محله درشمال زاینده‌رود واقع وچون باغ همایون‌که شرح آن در بند ه گفتار دوم مسطوراست درآن محله ایجادگردیده‌بمحله باغ همایون موسوم شده و

۱- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۴۷ ۲- از علماء و محدثان این محله‌است :

۱- ابواسحاق جلاب‌ابراهیم‌بن احمدبن‌یوسف بابکوشکی وی حدیث ازابن صاعد و طبقه اوشنیده است .

۲- ابوجعفراحمدبن مجاهدبن‌عبدالله مدینی باب‌کوشکی خرجانی متوفی(۲۹۰ه. ق) وی مردم محله باب‌کوشك بود وازآنجا بمحله‌خرجان رفت‌وبمرد. او ازابوبکر وعثمان‌پسران ابوشیبة و عبدالله‌بن‌عمربن‌ابان حدیث شنید و از مشایخ ابونعیم اصفهانی بشمار میرفت .
(ذکر تاریخ اصبهان ج ۱ ص ۲۰۸)

۳- ابوعبدالله محمدبن نوح بن محمد شیبانی سمسار باب‌کوشکی از محدثان که از شبابه و ابراهیم‌بن حمیدطویل و ابوالولید و خلاد و حسین‌بن‌حفص روایت‌کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۰۰)

۴- ابومحمد قاسم بن زیـد مؤدب بابـکوشکی متوفی (بعد از ۳۵۰ ه . ق) از محدثان‌که حدیث ازبغدادیان نقل‌میکرد، و ابونعیم‌حافظ اصفهانی از اوحدیث نقل‌کرده‌است.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۳)

۵- ابومسعود یزیدبن خالدبن‌یزید انصاری تاجرباب‌کوشکی متوفی (۲۸۱ ه. ق) اززهاد و عباد و محدث بود . وی ازابوالولید و ابراهیم‌بن منذرخرامی و عمروبن‌زیادگندی شاپوری روایت میکند . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۴۲)

۶- احمدبن ابراهیم باب‌کوشکی متوفی (۲۷۸ ه . ق) از محدثان‌که حدیث از حسین‌بن حفص‌نقل میکرد . (اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۸۱)

۷- حاج‌ملا اسماعیل‌بن‌محمد جعفر حکیم باب‌کوشکی‌متوفی (۱۵شوال ۱۳۰۴ه.ق) ازحکماء . وی استاد حاج سیدابوالقاسم دهکردی بوده است. (رجال اصفهان ص۵۲)

در دورانهای بعدنام آن به‌محله باغ حاجی تبدیل شده است .

۱۶ ـ محله باذانه :

محله‌ای درشهر یهودیه یعنی جوباره بوده‌که‌آنرا ولیدبن ثمامه امیراصفهان بناءِ نمود و این بنا بعد از سال یکصد و پنجاه (۱۵۰) هجری‌که از شهر قرار دادن یهودیه بدست ایوب‌بن زیاد میگذشت واقع گردید.(۱)

۱۷ ـ محله بازار :

محله‌ایست‌که جزءِ بخش‌سه و درشمال‌رودخانهٔ زاینده رود واقع‌شده‌است.(۲)

۱۸ ـ محله باطرقان :

محله‌ایست قدیمی که درکنار دروازه حسن‌آباد نزدیکی جاده فعلی یزد و مجاور باغ مراد واقع بوده است . این‌کلمه را باترقان و باطرخان نیز نوشته‌اند . این محله قبلا دهی نزدیك شهر بوده و سپس متصل بشهر گردیده و جزء محلات بشمار آمده است.(۳)

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۱۶ ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۶۹

۳ـ محله باطرقان نیزاز محلات قدیمی و عده زیادی ازمحدثان از آن برخاسته‌اندکه ازآن جمله است :

۱ـ ابوبکر عبدالـواحدبن احمدبن محمدبن عبدالله‌بن عباس باطرقـانی مقتول در (۴۲۱ هـ. ق) از ائمه‌قرائات و راوی حدیث‌بود و درفتنه خراسان درایام مسعودبن محمودبن سبکتکین او و پیشوایان دیگری بقتل‌رسیدند . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۸۸)

۲ـ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن‌بن‌حسن باطرقانی‌که درسال (۳۰۴ هـ . ق) زنده و ازحارث‌بن ابی‌اسامة و عراقیان ومحمدبن ابراهیم جیرانی واصفهانی‌ها روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۳ـ ابوحفص عمربن محمدبن احمدبن داود تاجر باطرقانی متوفی (۳۵۸ هـ. ق) از محدثان و شیخ بلاواسطه حافظابونعیم اصفهانی بوده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۳۵۷)

۴ـ ابوالعباس باطرقانی محدث‌که از عقیل‌بن یحیی روایت‌میکند و احمدبن شبریس معدل از او حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۲۳)

۵ـ ابوعلی‌محمدبن احمدبن رستم باطرقانی متوفی (۳۲۱ هـ . ق) ازادباء و شعراء ←

۱۹- محله باغات :

محله‌ای است واقع در کنار جاده محله خاجو که در آن امامزاده احمدبن علی‌بن محمدباقر حسینی مدفون است و قسمتی از آن بنام پا قلعه خوانده میشود .

→

قرون سوم و چهارم و ازحکام اصفهان و فارس و ازاشعار عربی او است :

فان عسیرات الامور منوطة — بیسرین صاراعمدة لرجائکا

ولیس‌صحیح‌الرای‌من‌ظن‌انه — اذانابه شیئی یدوم کذالکا

یعنی پس‌بدرستی که دشواریهای‌کارها وابسته بدوآسانی است بتعبیر دیگر اینکه درهر مشکلی دوآسانی‌است و همین‌امر مایه امیدواری توگردیده‌است . ودرست نیست نظرکسیکه گمان میکند هرگاه مصیبتی باو رسیدآنهم مایه دوام امیدواری خواهدگردید . وی حدیث از اسحاق‌بن‌جمیل و طبقه او تازمان حیات‌حدیث شنیده ولی روایت نکرده است.

(الوزراء والکتاب‌جهشیادی ومحاسن اصفهان ص۱)

۶- ابوعمرو مؤدب یوسف‌بن‌ابراهیم‌بن یوسف باطرقانی از محدثان پیش‌از ابونعیم که از خالددملی در سال ۲۰۱ در صفای مکـه روایت‌کرده و محمدبن یعقوب شیبانی از او روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۴۹)

۷- ابومحمد عبدالله‌بن ضریس باطرقانی از محدثان پیش از ابونعیم که از حسین‌بن حفص روایت میکرد ومحمودبن‌صبیح ازاو حدیث نقل‌کرده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۵۴)

۸- احمدبن‌فضل‌بن محمدبن احمدبن‌محمدبن جعفر باطرقانی مولود(۲۷۲ هـ. ق) و متوفی ۲۲صفر (۴۶۰ هـ. ق) وی مردی مقری و فاضل ومحدث ومکثر درحدیث بود وخود حدیث نوشت و نیکو خط بود، قرآن رانزد جماعتی قرائت‌کرد و بروایات‌گوناگون قرائت میکرد و درآن باب تصانیفی داردکه ازآنها است. ۱-کتاب طبقات‌القراء . ۲- الشواذ .

سالها در جامع‌کبیر اصفهان بعداز ابن‌مظفربن شبیب امام بود وحدیث از ابوعبدالله محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن عبدالله‌بن خرشیدة تاجر استماع کرد و نیز از جماعتی روایت کرده است .

ابن‌منده‌گفته : در محضر امام‌عمر رحمه‌الله و شیخ حافظ ابومحمد عبدالعزیزبن"محمد نخشبی و جماعتی دیگر از حضار ذکر باطرقانی میرفت، عبدالعزیزگفت :

باطرقانی را مسندی است‌که حاوی تمام صحیح‌بخاری‌است جزاینکه دومتن‌را از اصل نوشته و سپس‌اسناد را بآن ملحق‌کرده است و این‌رسم اصحاب حدیث میباشد.

(اعلام زرکلی ج ۱ ص ۱۸۶)

۹- ابراهیم شیبانی‌و راق باطرقانی ابن‌قاسم‌بن‌یونس‌بن‌عبدالملك باطرقانی ازمحدثان پیش‌از ابونعیم و از ثقات‌که خود حدیث‌از ابومسعود رازی نقل و بواسطه ابراهیم‌بن حمزه شیخ حدیث حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۶)

←

علت اینکه این محله را باغات میگفته اند گویا باغهای زمان ملکشاه سلجوقی بیشتر در این قسمت واقع بوده است .

محله قصرمنشی هم که از محلات معتبر اصفهان در عصر صفویه بوده قسمتی ازمحله باغات محسوب میگردیده است .

بیشتر اهمیت این محله برای بودن مدفن امامزاده احمد میباشد که پیوسته مورد توجه وقدیمترین تاریخی که درآن دیده میشود (۵۶۳) قمری است که روی سنگی که در آستانه آن افتاده و معروف است که همان سنگ سومنات میباشد حك گردیده و در زمان صفویه عمارت امامزاده تعمیر گردیده است و همینطور در (۱۲۷۰ هـ. ق) باهتمام چراغعلی خان حاکم اصفهان تعمیر شده است .

از نامبرداران ساکن این محله درقدیم یکی : محمد باقربن محمد جعفر باغاتی ازدانشمندان زنده در (۱۱۲۳ هـ.ق) و ازخوشنویسان خط شکسته نستعلیق بوده است که اللئالی المستخرجه من الکلمات المکنونه فیض را بخط زیبای نستعلیق شکسته نوشته است این کتاب درکتابخانه مرکزی دانشگاه وجود دارد .(۱)

دوم معزالدین محمد میرزا ابوطالب باغاتی تعمیرکننده بقعه شاه زیدبن امام علی بن الحسین علیه السلام در (۱۰۹۷ هـ. ق)(۲)

۲۰ ـ محله باغ جنت :

این محله ازمحلات شمالی رودخانه زاینده رود ومجاورمحله لنبان می باشد.(۳)

→

۱۰ــ عبدالله مجنون باطرقانی که مناظراتی باابن عمید در اصفهان داشته و مورد توجه سلاطین وقت بوده است.

۱۱ــ ابوالفوارس نیزیکی ازمجانین موردنظر سلطان مسعودبن سلطان محمود غزنوی بوده که شرح حال عبدالله و ابوالفوارس در محاسن اصفهان مسطور و منقول است که چون علاءالدوله بدیوارکشیدن دور اصفهان مشغول شد ابوالفوارس باوگفت مگر میخواهی که باغ بسازی. علاءالدوله گفت بچه دلیل میگوئی پاسخ داد برای اینکه اصفهان راخراب کرده و برگرد آن دیوار میکشی .

۱ــ فهرست کتب خطی دانشگاه تهران . ۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۸۹ .

۳ــ نصف جهان ص۲۳.

۲۱ ـ محله باغ حاجی :

این محلــه همان محلــه باغ همایون است که در ازمنه مختلفه تغییر نام یافته است .

۲۲ ـ محله باغ سلم :

محله باغ سلم یاسلم محله‌ای بوده که دروازه‌ای هم بنام باب سلم داشته و مردانی محدث ازاین‌محله برخاسته‌اند .[۱]

۲۳ ـ محله باغ عبدالعزیز :

این‌محله منسوب بباغ عبدالعزیز عجلی‌است که در اصفهان امارت وحکومت داشته و درحدود یهودیه واقع بوده است .[۲]

۲۴ ـ محله‌باغ عبدالله:

محله‌ای بوده واقع درجوبارهٔ اصفهان که آنرا درزبان محلی بغدلی‌میگفته‌اند وابوعبدالله‌محمدبن‌سعیدبن‌اسحاق قطان‌باغ‌عبداللهی‌ازمحدثان‌که‌ابواسحاق‌بن‌حمزه ازاو وخود ازیحیی‌بن ابیطالب حدیث نقل میکرده ازمردم این محله است .[۳]

۲۵ ـ محله‌باغ عدن:

ازمحلاتی بوده که درزمان ملکشاه سلجوقی که باغ‌عدن را برای حرمسرای خود احداث‌کرده بود دائر بوده است.[۴]

۲۶ ـ محله باغ عیسی‌بن‌ایوب :

این‌محله ازیك طرف به محله خشینان وازطرف دیگــر به محله ملنجــه و کوراء محدود بوده وخشینان ویهودیه‌که جوباره فعلی باشد دردوطرف باغ‌عیسی‌که

۱ـ ازآن جمله است: ۱ـ ابوبکر محمدبن احمدبن حسنویه‌باغ سلمی متوفی بعد از(۳۶۰ ه. ق) صاحب اصول‌که ازبغوی روایت میکرد . ۲ـ ابومسلم نوح بن‌منصور بن مرداس سلمی اصفهانی متوفی(۲۹۵ه. ق) که ازمصریان‌وعراقیان نقل میکرد و درشیراز بمرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ و۳۳۲)

۲ـ محاسن اصفهان ص۱۱ . ۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۷۴ . ۴ـ آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ .

درآن‌محله است واقع بوده.[1]

ابومحمد عیسی‌بن‌ایوب احداث کننده باغ ومحله‌که در قرون سوم و چهارم میزیسته و سندیلة عبدالله‌بن داود عابد باغ عیسائی ازعباد که حدیث از حسین بن حفص وابراهیم‌بن ایوب روایت میکرد ازمردم قدیم این محله‌اند.[2]

۲۷ ـ باغ کاران :

قسمتی از آن بنام محله خاجو باقی‌مانده است.[3]

۲۸ـ محله باغ‌مراد :

محله نوفعلی جای محله باغ مراد قرارگرفته است ، وگفته میشود باغ‌نو را که‌محله‌آن جزءِ بخش۱ ازمحلاتی است‌که‌درآن طرف خیابان‌دور شهر افتاده‌است، مسعود میرزا ظـل‌السلطان در (۱۳۱۶ هـ. ق) در الیادران و فیمابین بنا نهاد و سپس محله مزبور بنام محله‌باغ نو موسوم‌گردید.[4]

۲۹ـ محله‌باغ همایون :

همان محله‌ایست‌که درمحله باب همایون شرح داده است.

۳۰ـ محله باقلافروشان :

یکی ازمحلاتی است‌که محله باغات را تشکیل میداده است.

۳۱ـ محله بان لوفه :

محله‌ای بوده درنزدیکی محله ویدآباد قدیم اصفهان.[5]

۳۲ـ محله بغدلی :

همان محله باغ‌عبدالله درجوباره بوده‌که شرح‌آن گذشت.

۳۳ـ محله بوان :

این‌محله درحدود محله جروائان بوده که شاپور ذوالاکتاف درآن محلـه

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱–۱۹. ۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸.
۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸. ۴ـ نصف جهان ص ۱۷۷. ۵ـ محاسن اصفهان ص ۸۹.

آتشگاهی نیز بناکرده بوده است .[1]

۳۴ـ محله بیدآباد :

این‌محله جزءِ بخش۱ ازمحلاتی‌است که درشمال رودخانه زاینده رود قرار دارد و مسجد تاریخی سید ومسجد علیقلی‌آقا ومدرسه میرزا حسین وحمام وچهار سوی علیقلی‌آقا دراین محله واقع شده است .[2]

درقرن پنجم هجری‌که مافروخی‌کتاب محاسن‌اصفهان را بعربی ادیبانه‌تألیف کرده این‌محله را ویذآباذ مینامیده‌اند یعنی این‌کلمه دراصل همان ویذآباذ بوده چه درآن‌زمان‌کلمات فارسی‌که آخر آن دال‌مهمله وپیش‌ازآن واو ویاءِ ساکن و یا الف ماقبل مفتوح‌بود دال مهمله تبدیل‌به ذال معجمه میگردید وروی همین‌قاعده آنرا ویذآباذ تلفظ میکردند وهمین‌کلمه بعینه درمعجم البلدان یاقوت حموی و انساب سمعانی ودیگرمراجع عربی آمده است .

واینکه بعضی ازنویسندگان معاصر[3] گمان‌کرده‌اند ویذآباذ معرب بیدآباد است درست نیست . چه اینکه اززمان صفویه ببعد این‌تصرفات بعمل‌آمده و مثلاً ویدآباد بیدآباد و ویدان بیدان تلفظ گردیده است .

واصل ریشه این‌کلمه از لغت وید است که از لغات اوستائـی و از ادعیه و سرودهای باستانی اوستائی است . و آبادی آن محل را منسوب به ویدکرده‌اندکه مقدس‌القاءِ شده بوده است . واما لفظ ویدان‌را مشروحاً درکتاب آتشکده اردستان بیان‌کرده‌ام وموجبی برای تکرار نیست .[4]

درقرن چهارم‌که علاءالدوله سورمعروف خود را بدورشهر اصفهان‌میکشیده محله بیدآباد خارج شهر اصفهان بوده است ولـی درقرن پنجم قسمتی ازآن کـه بمحله بان لوفه نزدیك بوده جزءِ شهرشده بوده وقسمتی دیگر جزءِ قبرستان شهر درآمده بود .[5]

۱ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص۸۵ و ظاهراً درست آن یوان به یاء مثناة از تحت باشد .
۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹ .　　۳ـ مؤلف تاریخ نصف جهان در ض ۳۵.
۴ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۰۳ .　　۵ـ محاسن اصفهان ص۸۹ .

آنچه مسلم است این محله در زمان صفویه از محلات بزرگ و پرجمعیت اصفهان وداخل درحصار بوده است . ازمحله نامبرده بزرگانی ازعلماءِ و دانشمندان ومحدثان پیش از صفویه و نیز بعدازآن برخاسته‌اند و درآن محله اماکن تاریخی بوجود آمده است[1] .

---

۱ ــ کسانی که پیش‌ازصفویه دراین محله عرض‌اندام کرده‌اند بقرار زیراست :

۱ ــ ابوعبدالله احمدبن محمد بن عبدالله بن اسحاق بن ماجة ویذآباذی مؤدب متوفی (۴۲۲هـ. ق) وی مردی‌زاهد و مکثرالحدیث بود واز قاضی ابواحمد محمدبن‌احمدبن ابراهیم عسال روایت میکرد . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۳)

۲ــ ابومحمد جابربن‌منصوربن‌محمدبن صالح ویذآباذی شیخ‌حدیث ابوسعیدسمعانی وخود ازابوالعباس احمدبن عبدالغفاربن اشته اصفهانی و برادرش ابوالعباس‌احمد در تحبیر حدیث نقل کرده است . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۸۶)

۳ــ ابومحمداعرج عبداللهبن اسحاق‌بن ابراهیم اعرج‌خیاط ویذآباذی متوفی (پیش‌از ۳۶۰ هـ . ق) که ازابوحنیفه روایت میکرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۹۱)

واما بعداز صفویه :

۱ــ آقا محمدبن ملامحمد رفیع‌گیلانی بیدآبادی متوفی (۱۱۹۷ هـ.ق) ازاجله حکماء ومتالهان و افاضل سیر وسلوك بود و بزرگانی چون : ملاعلی نوری و میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه چهارباغ و ملامحراب عارف گیلانی ازشاگردان اویند . (مکارم‌الآثار ج ۱ص۶۷)

۲ ــ حجة‌الاسلام مطلق حاج‌سیدمحمد باقربن‌محمدنقی موسوی شفتی گیلانی‌اصفهانی بیدآبادی مولود (۱۱۷۵هـ.ق) ومتوفی(۱۲۶۰هـ.ق) که درنجف ازمحضربحرالعلوم استفاده کرده چندی هم درکربلا ازمحضر درس صاحب شرح کبیر ونیز درمحضر سیدمحسن‌کاظمینی استفاده کرد . پس ازمراجعت هشت‌سال درقم نزد میرزای قمی درس خوانده وترقیات بسیاری کرد و سپس باصفهان‌آمد . در اوائل حال بسیار درسختی بود ولی بتدریج مکانتی یافته و از سردمداران علمای ایران‌گردید . وازآثار اواست مسجد معروف به‌مسجد سید درمحله بیدآباد اصفهان‌که خود نیز درآن مدفون وبقعه وبارگاهی دارد و مورد زیارت مردم است.

(مصفی‌المقال ص۹۲)

۳ ــ حاج‌سیداسدالله‌بن حاج سیدمحمدباقرحجة‌الاسلام بیدآبادی مولود (۱۲۲۷هـ.ق) ومتوفی (سلخ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۰هـ.ق) ازعلمای مبرز وشاگرد صاحب جواهر ومعروف به حجت‌الاسلام ثانی بود ودرعصر خود سلمان محسوب میگردید وگذشته ازتمام محاسن علمی وزهدی وخانوادگی خط را نیز بسیارشیوا مینوشت هنگام مراجعت ازسفرنجف‌اشرف درکرند دارفانی را وداع گفت ونعشش بنجف حمل ودرآنجا مدفون گردید .

(نقل بمعنی از تاریخ اصفهان‌وری)

←

۴ ـ آقا سیدهاشم بن حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۳ه.ق) ازمجتهدان عصرخود بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۹۶»

۵ ـ آقا سیدمؤمن بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی (رمضان ۱۲۹۴ ه . ق) وی ازعلماء ومجتهدان بود وپس‌ازوفات در نزدیکی قبر پدر درهمان مسجد سید مدفون گردید و حاج‌میرزا بهاء شاعر اصفهانی درماده تاریخ وفاتش چنین گفت :

ماه صیام نزد رسول آمد از جهان — آن سیدی که مؤمن آل رسول بود

او بعد از حجت‌الاسلام ثانی درمسجد سید سمت امامت داشت .

(رجال اصفهان ص ۱۴۷)

۶ ـ حاج سیدمحمدباقر معروف به‌حاج‌آقا بن حاج‌سید اسدالله بن حاج سیدمحمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی (سوم رمضان ۱۳۳۳ ه.ق) وی پس از وفات پدر باتفاق مادرش که دختر حاج ملاعلی بن میرزا خلیل طبیب بود بنجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا بتحصیل پرداخت وپس‌ازمدتی جزء اعلام نجف اشرف بشمارآمد و محضرش از نظر علم وادب قابل توجه بود . نیکومعاشرت ـ تیزذهن ـ لطیف روح ـ سخی‌الطبع بود پس‌ازاقامت درنجف باصفهان برگشت ومورد قبول‌مردم واقع‌شد وبعدازانقلاب استبداد بمشروطیت بنجف برگشت و پس‌ازمدت کمی وفات کرد .

در سرودن شعرعربی بسیارقوی بود مطلع قصیده‌ایکه درمدح حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام سروده چنین است :

یا بن عم‌النبی خیر مقال — لك فی ارفع‌المدایح تذکر
بعد ما انزل‌الاله کتاباً — فیك لایستطاع للقوم ینکر

یعنی ای پسر عموی پیغمبر بهترین گفتاری که در بالاترین مدایح تویادآوری میشود اینستکه بعدازآنکه خداوند قرآن را درباره تو نازل کرد دیگر امکان انکار مقام تو را کسی ندارد . (اعیان‌الشیعه ج۱۳و۱۴ ص۳۳۳)

۷ ـ سید مهدی بن سیدمحمدعلی بن حجةالاسلام شفتی بیدآبادی مولود (۱۲۷۸ه.ق) ومتوفی بعد(۱۳۱۹ ه. ق) و ازعلماء و بزرگان و اوراست کتاب غرقاب که از۱۳۰۳ هجری تا ۱۳۱۲ آنرا تألیف‌کرده و مشتمل برمقدمه وخاتمه و دو مرحله است‌که شرح حال علمای قرن یازدهم ودیگر بعد ازآن قرن‌را شرح‌کرده است .

(الذریعة الی تصانیف‌الشیعه ج ۱۶ ص۴۴)

۸ ـ سید ابوالقاسم بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۰ ه.ق) ازعلمای بارع که‌پس‌از پدر مرجع امور شرعی دراصفهان بود وپیش‌ازبرادرش حاج سیداسدالله حجت‌الاسلام ثانی درگذشت . (اعلام‌الشیعه ج۲ ص۵۱)

۹ ـ شیخ عزیزالله بیدآبادی از مشایخ بیدآباد اصفهان که درعلم جفر ورمل و اعداد استاد وفقیهی عالیمقدار بود واواخر قرن سیزدهم درگذشت . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۱۰ ـ حاج میرزا یحیی مدرس بیدآبادی معروف به کاشی‌پز فرزند میرزا اسماعیل

۳۵ ـ محله بیرون دروازه :

۳۶ ـ محله پاچنار :

این محله جزء بخش۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۱].

۳۷ ـ محله پاشاخ :

این‌محله بطوریکه درسفرنامه تاورنیه نوشته شده دروسط شهراصفهان واقع بوده ودر آنجا مناره پاشاخ از سرشکار ساخته شده بوده است و جزء محله جوباره بزرگ بوده است[۲].

۳۸ ـ محله پافجان :

اکنون بصورت کشتکاراست ولی در قدیم از محلات شهر اصفهان بوده و بقعه شاه زید نیز درآنجا است[۳].

۳۹ ـ محله پاقلعه :

چون قلعه طبرك اصفهان دراین محله واقع بوده باین نام موسوم گردیده‌است. فخرالدوله دیلمی در این قلعه وفات کرد و در زمان صفویه خزانه جواهرات بود ولی در ۱۲۹۳ هجری فقط دیوار قلعه وجود داشت[۴] وامروز فقط نامی از آن‌باقی مانده است . این محله اکنون جزء بخش۴ ازمحلاتی است که درشمال زاینده‌رود قراردارند[۵]. محله پاقلعه که بعدازصفویه باین‌اسم معروف‌شده ودرقدیم جزء محله باغات بشمار میرفته مرکز رجال ودانشمندان و شعرای بزرگ و اقطاب و صوفیان

←

مدرس بیدآبادی مولود (۱۲۵۴ ه.ق) ومتوفی ششم ذی‌قعده (۱۳۴۹ ه.ق) ازبزرگان شعراء ومدرسان و مؤلفان و تخلصش در شعر یحیی بود . اوراست کتاب مرآت‌المصنف در احوال حاج میرزا رضا کلباسی که ضمیمهٔ کتاب انیس‌اللیل بچاپ رسیده است . از اشعار معروف او مخمس نوروزیه اواست که مطلع آن اینست :

امروز بفیروزی و بهروزی و نوروز   با شور عرب نیك بود نغمهٔ نوروز

(رجال اصفهان ص۶۱)

۱ ـ نصف جهان ص ۲۸ .   ۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۹۹ .   ۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۱۶ .   ۴ـ نصف جهان‌ص۳۱ .   ۵ـ تاریخ اصفهان‌وری ص۱۰۰ .

بنام بوده وچندین بقعه وتکیه درمزار تخت فولاد ازعلماء ورجال این‌محله بیادگار مانده است وبرای نمونه عده‌ای ازآنها را دراین موقع و محل یادآوری‌میکند[1].

گویا محلات قصرمنشی وباغات و پاقلعه و خاجو وباغ کاران بهم‌اتصال داشته و بعد از صفویه در این محلات خرابی راه یافته و از هرقسمت مختصری آبادانی داشت ولی پاقلعه نسبت بدیگر قسمت‌های آن آبادتر بوده است .

---

۱ ــ از نامبرداران محله مزبور است :

۱) میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (۱۱رجب۱۳۱۱ه.ق) ازعرفاء ومرید رحمتعلی‌شاه ومجاز درارشاد از نورعلیشاه وسرپرستی فقرای صوفیه اصفهان را داشت .

(رجال اصفهان ص ۱۰۵)

۲ ــ میرمحمداسماعیل پاقلعه‌ای ازعرفاء وبرادر میرمحمدهادی پاقلعه‌ای وپس ازوفات میرمحمد هادی سرپرستی‌فقرای اصفهان را عهده‌دار بوده است .

۳ ــ میرزا ابوالحسن پاقلعه‌ای ازعلمای پاقلعه متوفی درحدود (۱۳۳۰ه.ق) .

۴ــ میرزا محمدحسن منجم‌باشی ولایتی پاقلعه‌ای، وی ازطایفه مدرسهای پاقلعه ومنجم بود ودر (۱۲۹۳ه. ق) بمهمات مملکتی اشتغال داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۵ ــ میرزاعباس صابر علیشاه فرزند سیدمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (پنجم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ه.ق) ازمشایخ سلسله نعمت‌اللهی، وی درحسن خلق ومعاشرت وبسط ید کم‌نظیر بود وعموم مردم ازصوفی وغیر صوفی باو ارادت میورزیدند . پس از وفات درتکیه خاتون‌آبادی مدفون گردید درماده تاریخ وفاتش معلم حبیب‌آبادی چنین گفته :

سر برون کرد یکی ناگه و گفت : « از جهان عارف ربانی رفت »

۶ ــ حاج میرزاعبدالحسین سیدالعراقین پا قلعه‌ای مولود (۱۲۹۴ ه.ق) ومتوفی (دهم شوال ۱۳۵۰ ه.ق) ازبزرگان ورؤسای علمای اصفهان ومدرس ومتولی مدرسه‌چهارباغ‌سلطانی اصفهان است که تحصیلات عالیه را در نجف انجام داده بود . ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری‌چنین سروده :

تو هم پا بکش از عراق و بگو : « عراقین بی سید و سرور است »

و بعدازفوت درتکیه بنام سیدالعراقین مدفون گردید .

۷ ــ میرزا عبدالغفار سحاب متوفی حدود اوائل قرن چهاردهم هجری ازادباء و شعراء محله پاقلعه .

۸ ــ حاج میرزا اسدالله پاقلعه‌ای متوفی (۱۳۶۰ه.ق) از علمای منزوی وماهردرعلوم ریاضیات ونجوم .

۹ ــ آقا میرمحمد باقربن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (هفدهم ذیقعده ۱۳۴۸ه.ق) از معاریف علماء وفضلاء وعرفاء .

←

۴۰ ـ محله پانارون :

محله‌ایست جزء بخش ۱ از محلاتی که درشمال زاینده‌رود واقع شده است .

→

۱۰ ـ آقا مرتضی بن میرزاعلینقی بن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (رجب ۱۳۵۴ ه.ق) از عرفاء .

۱۱ ـ محمدرضا قلیخان هما فرزند بدیع خان شیرازی اصفهانی پاقلعه‌ای مولود (۱۲۱۲ ه . ق) ومتوفی (دوازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۰ ه.ق) ازبزرگان شعراء وادباء وعرفاء وصاحب خانواده ودیوان بود. اشعار وقصاید بسیاری درمدایح ائمه طاهرین دارد درزمان خود مشار بالبنان بود و اشعارش را دست بدست میبردند خط نستعلیق را شیوا و زیبا مینوشت . ازغزلهای عارفانه اواست که درحال تحیر وجذبه وآشفتگی سروده است :

بسکه اندرخویش حیرانم نمیدانم کیم — کافرم گبرم مسلمانم نمیدانم کیم
گه عزیز مصر جانم بر سریر عزوناز — گاه چون‌یوسف بزندانم نمیدانم کیم
گه ظلمنا گوی و گه رب بما اغویتنی — گاه آدم گاه شیطانم نمیدانم کیم
گاه‌چون‌بدر آشکارم‌گاه‌پنهان‌چون هلال — گه کمال و گاه نقصانم نمیدانم کیم
گاه دردم گاه درمان گاه خارم گاه‌گل — گاه گنج و گاه ثعبانم نمیدانم کیم
گه‌سگ‌اصحاب کهفم‌گاه‌گرگ یوسفم — گاه مورو گه سلیمانم نمیدانم کیم
گاه رندباده‌نوشم‌گاه شیخ خرقه پوش — گاه دانا گاه نادانم نمیدانم کیم
گاه در بزم خردمندان ندیم عاقلان — گاه مجنون بیابانم نمیدانم کیم
گه فقیر خاکسارم گه امیر نامدار — گاه سلطان گاه دربانم نمیدانم کیم
گه گدای کوی درویشان با حق آشنا — گه همای بزم سلطانم نمیدانم کیم
صلح کل کردم به‌هفتادودوملت‌چون هما — باهمه‌یک‌رنگ ویکسانم نمیدانم کیم

(مقدمه دیوان طرب ص۳۰)

۱۲ ـ میرزاابوالقاسم محمدنصیرمتخلص به‌طرب مولود (دوازدهم ذی‌قعده ۱۲۷۶ ه.ق) ومتوفی دوازدهم ربیع‌الثانی‌سال (۱۳۳۰ ه.ق) فرزند همای مذکور ازشعراء وادباء وعرفاء وخوشنویسان زمان خود ومشهور درمجامع فضل وادب وشعر وصاحب دیوان بود وهمانطور که درباب هما پدرش گفته شد طرب هم درسرودن اشعار وقصاید درمدح رسول وائمه اطهار تمایل بسزا داشته است. مطلع‌یکی ازقصایدش درمدح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام چنین است :

شکر لله زنده گشتم از ثنای بوتراب — هم برآرم سربمحشر با ولای بوتراب
خامه‌ام‌گوهرفشان‌است‌ازمدیح بوالحسن — خامه‌ام عنبرفشان است از ثنای بوتراب
سر بتاج قیصر و خاقان نمی‌آرم فرود — برسرم افسر بود تا خاک پای بوتراب
گررضای حق همی جویی‌رضای اوبجو — چونکه‌باشدخودرضای‌حق‌رضای‌بوتراب
چون ولای بوترابستی محک قلب ونقد — قلب مملو است از نقد ولای بوتراب

←

۴۱ ـ محله پشت بارو

محله‌ای است جزء بخش ۱ ازمحلاتی که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است وازکنار مدرسه چهارباغ شروع میشود .

۴۲ ـ محله تحت‌الشارع :

محله‌ای باین نام درشهر اصفهان در قرن یازدهم هجری وجود داشته و گویا

ومقطع چنین است :

چون سپاس‌او پیمبر گفت‌وحق گفتش درود — من چه گویم لایق مدح وسزای بوتراب
آید آمین دعایش از لب روح‌الامین — چون گشاید لب طرب‌بهردعای بوتراب

(نقل ازدیوان طرب ص۵۳)

۱۳ ـ محمدحسین متخلص به‌عنقا ملقب به ملک‌الشعراء مولود (۱۲۶۰ ه.ق) ومتوفی (۱۳۰۸ ه.ق) فرزند ارشد هما وازبزرگان شعروادب وعرفان وخوشنویسان زمان خود بشمار میرفت و او همانطور که درباب پدر و برادرش گفته شد متمایل بسرودن قصاید و اشعار در اوصاف اهل‌بیت اطهار بود و از اشعار او است که در منقبت مولای متقیان علی علیه‌السلام سروده است :

بتا ز باده برافروز در بهار آتش — که آب‌گل زده برخاك لاله‌زار آتش
بنوبهار بده باده‌ای چوآب حیات — که در بهار نیاید بتا بکار آتش
ازآن شراب که گرساغری‌بروم برند — ز عکسش افتد درخاك زنگبار آتش

۱۴ـ ملك‌الادباء محیی‌الدین محمد متخلص به‌سها فرزند هما مولود (۱۲۶۲ه.ق) و متوفی سوم ماه صفر (۱۳۳۸ ه.ق) از شعراء و ادباء وعرفاء که مانند پدر و برادران محبت خاصی نسبت بخاندان رسول داشت وقصایدی نیز دراوصاف ومراثی آنان سروده واز اشعار او است :

منت خدای را که سها آفتاب‌وار — مداح آستان علی شاه اعظم است
شیر خدا امیر عرب کزره شرف — پشت سپهر از پی تعظیم او خم است

سها مردی آزاده و وارسته بود ودرتمام زندگی تأهل اختیارنکرد تا از داردنیا رحلت کرد . در ماده تاریخ وفاتش استاد جلال‌الدین همائی متخلص به سنا فرزند برادرش طرب چنین سروده :

ز رضوان دوش تاریخ وفاتش — سنا پرسید از روی تألم
ز مینو پا بجمع‌آورد و گفتا : — « سها پوشیده‌شد از چشم مردم »

(نقل از برگزیدهٔ دیوان سه شاعراصفهان)

درنزدیکی مسجد جامع عتیق واقع بوده است[۱] .

۴۳ ـ محله تحت گنبد :

این محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع‌وجزء بخش‌چهاراصفهان‌است[۲] .

۴۴ ـ محله تر واسکان = تل‌واژگون = تل‌استخوان :

این‌محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع وجزءبخش چهاراصفهان‌است[۳] .

۴۵ ـ محله تکیه ظلمات :

این محله از کوچه‌ای شروع میشود که از شمال شرقی میدان نقش جهان منشعب میشود ومسجد مقصودبیك نیز درآن واقع است[۴] .

۴۶ ـ محله تل عاشقان :

این محله متصل بدروازه نو بوده است .

۴۷ ـ محله تلواسکان :

این محله همان است که بچند لفظ وعبارت خوانده میشود . ازمعروفان‌این محله شیخ محمدعلی واعظ تلواسکانی است که درسال (۱۳۴۰ هـ . ق) حیات داشته وسید محمد نجم‌الواعظین عالم حکیم وشاعرادیب متوفی (۱۳۴۲هـ.ق) که تألیفاتی دارد ، و نیز آقا محمد تلواسکانی که در سال (۱۲۹۳ هـ . ق) کدخدای محله مزبور بوده است[۵] . بقعه معروف به شاه‌زید که از قرن دهم هجری باقی مانده در این محله است[۶] .

۴۸ ـ محله تیران و آهنگران :

این محله از محلات قدیمی اصفهان بوده و دانشمندانی نیز از آن محله برخاسته‌اند که نام آنان درتاریخ ثبت افتاده است و امروز محله مزبور معروف به

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۲۱ .
۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص۹۹ .
۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۰۰ .
۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۷ .
۵ ـ جغرافیای اصفهان ص۱۲۶ .
۶ ـ تاریخچه محله خواجو ص۶۳ .

محله شمس آباد است[۱] .

۴۹ ـ محله تیجاباد :

این محله هم ازمحلات قدیمی اصفهان ودانشمندانی ازآنجا برخاسته‌اند و معلوم میگردد که محله مزبور دراوائل اسلام‌آباد بوده است[۲] .

۵۰ ـ محله جروائان :

باین نام محله بزرگی درشهر اصفهان وجود داشته که تاقرن هفتم دائر بوده است ومردانی نامی از اهل حدیث از آنجا برخاسته‌اند و در فارسی نام این محله گروائان بوده‌است[۳] .

درترجمه محاسن اصفهان راجع باین محله چنین توصیف شده :

« محلتی باصفهان که از تمامت محلها واطراف آن خوشتر است . ابومسلم» «گفت : درربع مسکون خوشتر از خانه من موضعی نیست ، حاضران تمامت چشم» «تعجب بیکدیگر بازگذاشتند وآن دعوی را ازجاده‌عقل متجاوز ودورپنداشتند.» «ابومسلم گفت : شما از هفت اقلیم خوشتر و بهتر باعتدال از اقلیم چهارم زمینی» «میدانید ؟ گفتند نه . بر قاعده اهل‌هیئت ودرباب هندسه وسیاحان بحروبرمحقق»

---

۱ ـ از دانشمندان تیران وآهنگران است :

۱ـ شیخ نورالدین تیرانی از محققان وعرفاء وشیخ‌سید حیدرعاملی عارف محقق قرن هشتم هجری که درتیران نزدیك شهر اصفهان ازطرف دروازه دردشت سکونت داشت .

(المحیط‌الاعظم ص۴۳)

۲ ـ میرزا عباس فایض فرزند ملا محمدعلی سهیلی شمس‌آبادی تیرانی وآهنگرانی مولود (۱۳۰۸ ه‍.ق) ازفضلاء وشعراء واز اشعار اواست :

نسبتی روی نکویش را بمهر و ماه نیست — مهرومه‌هرگزچوروی‌خوب‌اودل‌خواه‌نیست

(تذکره شعرای معاصراصفهان ص۳۴۱)

۲ ـ ازدانشمندان تیجاباد است :

۱ ـ ابوزید تیجابادی ازعلمای نحو وشعراء درقرن پنجم هجری .

(محاسن اصفهان ص۳۳)

۲ ـ ابونصر تیجابادی ازمهره علم نحو ولغت وازشعراء قرن پنجم هجری .

(محاسن اصفهان ص۳۳)

۳ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۰ .

«است که ازجهت آب گوارنده شیرین صافی سبك و هوای تروتازه وتنگ وفضای»
«فراخ وروشن اصفهان که نافآن است خوشتر وبهتراست وباتفاق اهل اصفهان از»
«تمامت اطراف ومحلهها جروائان درآن محلت خوشتر ازخانه من نیست[1]. وصاحب»
«مرآت‌البلدان احتمال داده‌که محل این‌محله چهارباغان باشدکه منظورچهارباغ»
«طوقچی است که اکنون اثری‌ازآن بجای نمانده است[2]. »

مؤلف تاریخ اصفهان و ری‌گفته شاید جیران پائین دروازه باشد[3]. وابونعیم گفته ازمحلات نزدیك مسجد جامع اصفهان است که همان گروائان باشد[4].

و نیز درمحاسن اصفهان[5] گفته شده‌که برحسب روایات‌موثق درمحله‌جروائان در زمان کمی دورتر از قرن پنجم پنجاه مسجد معمور بوده است که مردان نامی بمناسبت رقابت دراینکه در مسجد دیگری برای نماز حاضر نشوند خود بعمارت مسجد پرداخته‌اند و در هریك از آن مساجد کمتر از پنجاه مرد بنماز جماعت نمی‌ایستادندکه هریك از مردان مزبور درمحل خود ریاست داشتند و الآن (قرن پنجم) آن محله ومساجد آن بیشترش نشانه‌ها و آثار باستانی گردیده است.

ازاین‌محله‌که درقرن‌پنجم ازبین‌رفته بوده محدثان ودانشمندانی برخاسته‌اند ودرتاریخ نام‌آن محله را ثبت‌کرده‌اند[6]. اما دراشتقاق ووجه تسمیه‌کلمه جروائان چند وجه احتمال دارد : یکی اینکه جروائان معرب گروائان مشتق از گریوه

۱ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۲۱. ۲ـ مرآت‌البلدان ج۴ ص۲۲۲. ۳ـ تاریخ اصفهان وری ص ۴۱۰. ۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱۶-۱۷. ۵ـ محاسن اصفهان ص ۸۹. ۶ ـ کسانیکه منسوب باین محله میباشند و درکتب رجال و تاریخ و حدیث ثبت شده‌اند اسامی آنان چنین است :

۱ـ ابوعلی‌عبدالرحمن بن‌محمدبن‌الخصیب بن‌رسته (ابراهیم‌بن‌الحسن‌الجروائانی‌الضبی) متوفی (۳۸۶ ه. ق) ازمحدثان که ازفضل‌بن خصیب روایت کرده است. (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۰)

۲ ـ ابوبکر احمدبن عبدالله‌بن سهیل جروائانی ازمحدثان که بیك واسطه شیخ‌حدیث ابونعیم‌حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ ه.ق) بوده است. (ذکراخباراصبهان ج۱ص۱۶۸)

۳ ـ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن‌بن‌الخصیب جروائانی از محدثانی که از عبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس روایت میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۸)
←

←

۴ ـ ابوجعفر محمدبن علی جروائانی ازمحدثان که پیش‌از ابونعیم میزیسته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۵ـ ابوحاتم غانم‌بن عمر بن‌محمدبن احمدبن‌مسلم جروائانی وی ازمحدثان و پسرعم همام قاضی بود واز ابراهیم‌بن محمدبن‌الحسن روایت میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۵۰)

۶ ـ ابوحامد محمدبن‌الازمع بن‌الاشنع بن طلعة بن‌عبیدبن مالك‌الازدی جروائانی‌محدث که ازمحمدبن بکیر روایت میکرد . (ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴)

۷ ـ ابوداود محمدبن‌الازمع که همان ابوحامد باشد چه‌اورا دوکنیه بوده است .

۸ ـ ابوسعید اعین‌بن محمدبن مندویه‌بن حمادبن‌زهیر بن سعیدبن عطیة مولی‌العباس‌بن مرداس متوفی (۲۷۰ هـ.ق) ازمحدثان که از ابوالولید طیالسی‌و ابوحذیفه روایت میکرد و جدش حماد ازکوفه باصفهان انتقال یافته بود . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۸)

۹ ـ ابوعامر جروائانی ازشعراء وکتاب اصفهان قبل‌ازقرن پنجم هجری که از اشعار او است :

سقی‌الله جیا ان جیاً لذیذة　　من‌الغیث ما یسری لها ثم یبکر
فلا بقة فی‌اللیل یؤذیك لسعها　　لنوم ولا برغوثة حین تسهر
و ماء رکایاها زلال کانه　　اذاماجری فی‌الحلق ثلج و سکر

یعنی خداوند سیراب گرداند جی را که جی لذت‌بخش است از باران تا زمانی که شب بروز وروز بشب میآید، پس نه پشه‌ای درشب نیشش تورا آزار میدهد درهنگام خواب ونه کیکی هنگام بیداری و آب چاه‌های آن چنان صاف است که در هنگامی که درحلق جاری گردد گویا برف و قند است . (محاسن اصفهان ص۵)

۱۰ ـ ابوالعباس احمدبن محمد (معروف به ابوجعفر جروائانی) بن علی جروائانی ازمحدثان و راوی از عمروبن علی وریاش وحسن‌بن عرفه و بیك واسطه شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۱۱ ـ ابوعبدالله حسین‌بن محمد مؤدب جروائانی از محدثان که از ابراهیم‌بن متویه روایت کرده است ودرسن شصت‌سالگی وفات کرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۲۸۴)

۱۲ ـ ابوعبدالله محمدبن احمدبن اسباط جروائانی متوفی رجب (۳۰۸ هـ . ق) وی شیخی ثقة بود ومحمدبن حیان ازاو وخود ازاحمدبن بدیل حدیث روایت میکرد .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۴۶)

۱۳ ـ ابوعبدالله محمدبن سلیمان‌بن عبدالله جروائانی از محدثان که معروف به وکیل بود ، الناس ازاو حدیث نقل میکرد ، ولی اُزخود اوحدیثی بیرون نیامده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۸)

۱۴ ـ ابوعبدالله محمدبن عبیدة‌بن‌یزیدبن عبیدة جروائانی متوفی (۳۰۱ هـ. ق) از
←

→
ثقات محدثان که از سلیمان بن عمر بن الاقطع ومؤمل وابن عسکر ویوسف قطان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۳۸)

۱۵ ــ ابوعبدالله محمدبن نوح جروائانی ازمحدثان و حدیث ازبصریان نقل میکرد ویوسف مؤذن وعبدالله بن محمدبن جعفر ازاو حدیث نقل کرده است .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۱۶ ــ أبو عمروسعیدبن بشربن حماد قرشی جروائانی وی ازاهل فضل وپسرش ممشاذ از محاسبان اصفهان بود وی از مقری و خلاد و بکربن بکار و عاصم بن یوسف روایت میکرد وعبدالله بن جعفر ازاو روایت داشت . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۷)

۱۷ ــ ابوغسال با ابومحمد رجاءبن صهیب جروائانی متوفی (۲۵۱ ه.ق) واو است رجاءبن ابورجاء مؤذن مسجد فضل بن برغوث و وی از افاضل اهل اصفهان و مجاب الدعوة بود ، خود ازمحمدبن زنبور وابوعاصم نبیل وروح بن عبادة و بکربن بکار وسعیدبن عامر و یعقوب حضرمی وغیرآنان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵)

۱۸ ــ ابومسلم محمدبن محمدبن بحر جروائانی مولود (۲۵۴ ه.ق) ومتوفی (۳۲۲ ه.ق) از کتاب ومترسلان وشعراء معاصر المقتدر بالله ومؤلف کتابهای : ۱ ـ جامع التأویل لمحکم التنزیل علی مذهب المعتزلة ۲ ـ کتاب جامع الرسائل است . اومدتی ازطرف خلیفه عامل فارس بوده است . (اخبارالوزراء والکتاب جهشیاری)

۱۹ ــ احمدبن یحیی بن حجاج جروائانی از محدثان پیش ازقرن پنجم که حدیث از شاذکونی و سهل بن عثمان و عمروبن علی که اخبار مجهول نقل میکرد حدیث گفته است و شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی بیك واسطه بوده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۱۷)

۲۰ ــ حافظ ابراهیم بن عمروبن حفص بن معدان جروائانی متوفی (۲۵۱ ه . ق) از محدثان واز بکربن بکار وسلیمان بن حرب وعلی بن عبدالحمید ومحمدبن ابان وحسین بن حفص روایت میکند ، وهارون بن سلیمان ومحمدبن یحیی بن مندة ازاو روایت دارند .
(ذکر اخبار أصبهان ج۱ ص۱۸۱)

۲۱ ــ سعیدبن عطاءبن سعید جروائانی وی برادر حسن بن عطاء واز عامربن ابراهیم روایت میکرد واحمدبن حسین انصاری ازاو روایت میکند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۹)

۲۲ ــ عبدالرحمن بن احمد جروائانی از محدثان بود ، احمدبن اسحاق از وی و خود از ابان بن شهاب روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۲)

۲۳ ــ عبدالله بن احمدبن خازن جروائانی وی أزخدام و خازن کتب صاحب کافی واز بلغاء وفصحاء وشعراء وادباء بود أزاشعار اواست :

کالغزال التفاتة و رنواً	والهلال أستدارة و استنارة
فض تقصاره و حل حباه	و لوی صدغه و ارخی ازاره

←

بمعنی تل وپشته یا پستی وبلندی باشد وآن اخر بمعنی نسبت یعنی جای پستی و بلندی که بااین فرض محله مزبور درچنین جائی واقع بوده است[۱] .

دوم اینکه جروائان معرب گروائان مأخوذ ازگوروائان باشد وگورهم جای پست ونهان راگویند وتقریباً با معنی اول متقارب است[۲] .

واینکه گفتیم حروف آن برای نسبت است این وضع دراسامی واعلام جغرافیای اصفهان واطرافش که مربوط به پیش ازاسلام است زیاد دیده میشود چون: اشکهان ـ باطرقان ـ سنبلان ـ کمائان ـ خرجان ـ دلیجان = دلیگان ـ فرسان ـ یوان و غیر ذلك .

۵۱ ـ محله جرین :

این محله دارای بازاری بوده موسوم به سوق جرین که در نزدیکی دروازه خور درمحله واذار واقع بوده و سالی دوماه ازروز نوروز درآن بازاری جامع تمام امتعه تشکیل میگردیده ومردم اصفهان دراین مدت بعیش و شادی می‌پرداختند و چون عضدالدوله درایام کودکی این بازاررا دیده بود هنگام پادشاهی خود درشیراز هم دستورداد دربازار امیر همین رویه را معمول دارند[۳] . اما وجه تسمیه جرین که معرب گرین است بنظر میرسدکه تصحیف گران است وچون درآن بازارامتعه گران

←

یعنی مانند آهو درنگاه کردن وزیبائی وچون ماه نو درگردی ونورانیت بود، لباسهای کوتاه اورا درهم ریخت وجامه روی او را گشود ، و گونه‌اش را درهم پیچید و جامه‌اش را رها کرد . (معجم‌الادباء)

۲۴ـ ممشاذ محمدبن سندیله‌نحوی جروائانی‌وی‌صاحب عربیت‌بودوحدیث ازمحمدبن بکیر وسهیل و شاذکونی نقل میکرد و نام سندیله پدرش عصام بود ، اسماعیل شروطی از او حدیث نقل کرده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۲۵ ـ هیثم‌بن فورك جروائانی ازمحدثان وبرادر مادری عمران‌بن عبدالرحیم است که جماعتی ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۹)

۲۶ ـ یوسف‌بن مهران جروائانی وی ازاصحاب نعمان ویکی از ثقات بود . رسته و محمدبن عاصم ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۶)

۱و۲ ـ برهان قاطع درحرف کاف فارسی ص ۱۳۱۵ . ۳ ـ محاسن اصفهان ص۹۳ .

بهاءِ را میفروختهاند باین نام خوانده شده است[۱].

۵۲ ـ محله جسر الحسین :

نام محلهای بوده که پلحسین درآن واقع بوده وازآن محله استابراهیمبن علیبنالجسری راوی از ابوعمروبن حکیم و طبقهاش[۲].

۵۳ ـ محله جلفا :

این محله که درقدیم آنرا جولاهه میگفتهاند جزءِبخش۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده رود واقع شده و دارای کلیساهای معروف وانك و بیدخم وغیرآن میباشد وسکنه نخستآن ازجلفای روس باصفهانکوچداده شدهاند ومؤسس این انتقال شاهعباس بزرگ بوده است[۳].

ازجلفا مردان نامی هم برخاستهاند ونشان دادهاند که مردمانی وطنپرست وبکشور ایران علاقمندند[۴].

۵۴ ـ محله جلك :

در معجمالبلدان[۵] از ابوسعد بنقل ازتاریخ ابوبکربن مردویه اصفهانیکه

---

۱ ـ واحتمال هم داردکه جرین معرب ژیرین باشد که معنای زیرین را میدهد وبا این فرض استنباط میشودکه بازاری دربالا بوده است که آنرا بازار جرین یا ژیرین مینامیدهاند.

۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۰۳ ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰.

۴ ـ ازنامبرداران محله جلفاست که اکنون قصبهای بزرگ بشمار میرود :

۱ ـ ناظمالدوله میرزا ملکمخانبن یعقوب ارمنی جلفائی متوفی (۱۳۲۷ ه . ق) از دانشمندان سیاس روزگار قاجاریه و مؤلف : ۱ ـ رساله کشفالغائب. ۲ ـ رساله رفیق و وزیر مطبوع در (۱۳۲۵ شمسی). ۳ ـ رساله رسمالخط جدید. وی مدیرروزنامه قانون نیز بودکه چند شماره ازآن انتشار یافت. (تاریخ سرپرسیسایکس ج۲ ص۴۱۶)

۲ ـ فریدونبن میرزاملکمخان جلفائی متوفی (بعد۱۳۲۶ه.ق) وی پسرمیرزاملکمخان ناظمالدوله واز مورخان. اوراست : تاریخ گزیده دربیان وقایعتاریخی سلطنت شارل پادشاه انگلستان که جلداول آن باهتمام دکترجلیلبن عبدالباقی درسال (۱۳۲۶ ه.ق) درپاریس به طبع رسیده است. (فهرست کتابهای چاپی فارسی مشارج۱ص۳۳۴)

۳ ـ دکتر تومانیانس جلفائی ازمعاصران ومؤلف کتاب بهداشت دراسلام.
(فهرستکتابهای چاپی فارسی ج۲ ص۱۸۹۲)

۵ ـ معجمالبلدان ج۲ ص۱۵۵.

گفته جلك بروزن جرذ گمان میکنم از دهات اصفهان است . ولی بنظر نگارنده چون در هیچ کجا چنین دیهی نه درگذشته و نه‌حال دراطراف اصفهان نبوده بیقین باید گفت که محله‌ای بوده است و این محله هم وسعتی داشته و مردانی از آنجا برخاسته‌اند[1] .

۵۵ ـ محله جماله کله :

این محله جزء بخش۳ از محلات شمالی رودخانه زاینده رود میباشد و در شمال درب مسجد حکیم وتل عاشقان واقع است[2] .

محله مزبور بمناسبت اینکه کدخدای آن مردی بنام جماله‌کله یعنی جمال شل بوده باین اسم خوانده شده است .

۵۶ ـ محله جو باره :

نام این محله بچندوجه خوانده شده است :

۱ ـ جوبره مخفف جوباره .

۲ ـ جویباره که ازلغت جویبار وجائی که‌درآن جوی آب روان باشدگرفته شده است[3] .

۳ ـ جوبار و باین ترکیب محل دیگری هم غیراز جویباره اصفهان وجود دارد[4] .

---

۱ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ ابوصالح محمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن حفص جلکی که ازاحمدبن‌عصام روایت میکرد ومردی ثقه بود واحمدبن موسی‌بن مردویه ازاو روایت‌کرده است .

(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۲ ـ ابوالفضل‌عباس‌بن ولیدبن‌مرداس جلکی محدث‌که ازقاسم‌بن‌حکم عرفی‌واحمدبن یونس ضبی واصرم‌بن حوشب وقتیبة‌بن مهران روایت‌میکرده است .

(اللباب فی تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۳۳)

۳ ـ ابویعقوب اسحاق‌بن اسماعیل‌بن موسی‌بن مهران جلکی متوفی(۲۷۹ ه.ق)شیخی ثقة وازبصریان چون : ابوالولید وسهل‌بن‌بکار ومعاذبن‌اسد وابوالربیع واسماعیل‌بن‌ابی‌اویس وسعیدبن منصور وغیرآنان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۷)

۲ـ تاریخ‌اصفهان‌و ری ص۹۹. ۳ـ نصف‌جهان ص۲۴. ۴ـ المشترك ص۱۱۰.

۴ ـ جوباره که مخفف جهودباره یا جویباره باشد وبهردووضع درست بنظر میرسد[1] .

۵ ـ جهان‌باره که کنایه از باروی بسیار بزرگ میباشد و شاید از این نظر باشد که باروی طهمورثی و باروی علاءالدوله و اشرفی در آنجا بیکدیگر اتصال یافته بوده است .

تحقیق موضوع اینستکه هنگامیکه یهودیان مهاجر وارد اصفهان شدند در محلی نزول کردندکه بعدهابزبان عبری آنجا رابنجار (یعنی فرود آئید) مینامیدند و چون اسلام در آنجا نفوذ یافت همانجا را یهودیه خواندند و زمانی که تسلط اعراب کاهش یافت مردم محل آنجا را بزبان خود جهودباره گفتند ودراثر کثرت استعمال به کلمه جوباره تبدیل گردید . آنچه معلوم است تا قرن پنجم نامی از جوباره در محاورات نبوده است[2] و بعد متداول شده است . این محله‌که از شمال شهراصفهان بمشرق مایل است درقدیم بسیاروسیع و دارای ۹ محله تابع خود بوده است وسپس دراثر خرابی این محله سایر محلات تابع آن مجزا شده‌اند .

عده‌ای از دانشمندان وعلماء و شعراء باین محله منسوبند[3] و مسجد جامع

۱ـ جغرافیای‌اصفهان ص۳۲.   ۲ ـ کمال‌الدین اسماعیل‌گفته :

تا که در دشت را چو دشت کند   جوی خون آورد به جوباره
عده مردمان بیفزاید   هر یکی را کند دوصدپاره

۳ ـ ازقدماء که منسوب باین محله‌اند چنین است :

۱ـ ابوبکرمحمدبن‌احمدبن علی‌بن الحسین‌السمسار الجوباری‌النیلی متوفی بعد۴۶۵ هجری قمری از محدثان‌که حدیث از محمدبن ابی عبدالله‌بن دلیل‌الدلیلی و حرب‌بن طاهر و عبدالعزیز سبط احمدبن شعیب صوفی وغیرآنان استماع کرده است ، و در دینور نیز از ابو عبدالله‌بن فنجویه حدیث شنید .   (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۲ ـ ابوالحسین احمدبن ابراهیم‌بن صالح‌بن منذر جوباری که حدیث ازاهل اصفهان وبغدادیها روایت میکرد. وی ازبندگان صالح‌بود وحدیث ازحسن‌بن‌محمدبن جبلة وابومحمد حرب‌بن محمد وغیرآنان شنید ـ اودرقرن پنجم میزیسته است.   (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب)

۳ ـ ابوعبدالله قاسم‌بن فضل‌بن محمود ثقفی جوباری مولود (۳۹۵ یا ۳۹۷ ﻫ . ق) ومتوفی رجب ۴۸۹ ﻫ.ق) وی رئیس اصفهان و از محدثان و شجاعان و مبارزان و متمولان
←

قدیم یهودیه وبقعه باباقاسم وبقعه صاحب بن عباد ومناره ساربان ومناره‌های دارالضیافة وچهل دختران وقبر کمال‌الدین اسماعیل دراین محله واقع است .

بشمار میرفت وازشاگردان ابوالفرج ربضی وابومحمدبن جوآة وابوعبدالله جرجانی وابوبکربن مردویه وابومحمد کرخی دراصفهان واز شاگردان ابوالفتح هلال حفار و ابوالحسین بن فضل دربغداد واز شاگردان ابوعبدالله بن نظیف فراء درمکه معظمه و از تلامذه ابوطاهر بن جحمش وابن بالویه ومحمدبن موسی صیرفی وابوبکرحیری وغیرآنان درنیشابور ونیزشاگرد عده‌ای ازاهل اصفهان بود . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۴ ــ ابومسعود عبدالجلیل بن محمدبن عبدالواحدبن کوتاه حافظ جوباری ازمحدثان که درقرن ششم میزیست واز اصحاب ابوبکربن مردویه روایت کرده وسمعانی نیزازاوروایت دارد اومردی متقن وحافظ و پرهیزگار بوده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۵ ــ ابوالمطهر عبدالمنعم بن ابی‌نقل احمدبن یعقوب بن احمدبن علی سامکانی جوباری محدث که حدیث از جدش یعقوب بن احمدبن علی سامکانی جوباری نقل کرده است .

(انساب سمعانی)

۶ ــ ابومنصور محمودبن عبدالمنعم بن ماشاذه جوباری مولود (۴۵۳ یا ۴۵۸ ه.ق) و متوفی (ربیع‌الثانی ۵۳۶ یا ۵۲۴ ه.ق) ازاصحاب ابوعبدالله بن مندة روایت میکرد، وابوسعد سمعانی نیز ازاو روایت کرده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۷ ــ کمال‌الدین اسماعیل بن جمال‌الدین عبدالرزاق خلاق‌المعانی مقتول در(۶۳۵ ه.ق) از مشاهیر شعرای فارسی زبان بود که درآخر روزگار برطریقه سهروردی رفت وهنگام هجوم مغول درخارج اصفهان مقتول گردید . ازاشعار اواست :

کارم همه ناله و خروش است امشب — نه‌صبرپدیداست ونه‌هوش‌است امشب

دوشم خوش بود ساعتی پنداری — کفاره خوش‌دلی دوش است امشب

(گنج سخن ج۲ ص۹۹)

۸ ــ جمال‌الدین عبدالرزاق متوفی (۵۸۵ ه.ق) وی ازبزرگان شعراء فارسی‌گوی بود از اشعار او است :

بشنو از من نصیحتی که ترا — کار هردو جهان شود بنظام

بد نخواهی که باشدت هرگز — بد مکن خاصه با اولوالارحام

حق مادر نگاهدار و مترس — زایزد ذوالجلال والاکرام

کانکه با مادر و پدر بد کرد — نبود جز همیشه دشمن کام

(بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۱۴۸)

۹ ــ ملامحمد صالح بن ملامحسن بن فاضل‌سراب جوباری متوفی(غره‌محرم۱۲۸۵ ه.ق) ازاحفاد فاضل سراب و از علماء و امام جماعت و مرجع ترافع بود ، ازکارهای خیر اوتعمیر

۵۷ - محله جورجیر :

محله‌ایست دراصفهان و درآن جامعی است و عده‌ای ازعلماء و محدثان بآن محله منسوبند[1]. وجامع جورجیر بطوریکه درجای خود شرح داده شده بوسیله صاحب‌بن‌عباد برروی خرابه مسجد دیگری بنا وهنگام بنای مسجد حکیم دراین محله جامع جورجیرمعدوم‌الاثرشده بوده است ولی اخیراً آثاری ازجامع‌جورجیر بدست آمده است شرح‌حال رجال و محدثان محله مزبور در شق ۱۲ بند ج گفتار دوم کتاب بیان گردیده است وموجبی برای تکرار نیست .

اماوجه‌تسمیه‌آن به‌جورجیر اصولاً کلمه‌جور دراسامی‌دهات‌ومحلات‌اصفهان زیاددیده میشودمانند: جور وجورتان وجار وجیران وجرین‌وچنین‌بنظر میرسدکه دراصل جیم آن کاف فارسی بوده ومعرب وتبدیل بجیم شده است و با این ترتیب میتوان گفت که جورجیر دراصل گورگیر بوده یعنی کسیکه کاراوگورگرفتن بوده یااینکه گور جای گودی بوده وچون آن محله چنین جائی بوده بااین‌نام خوانده شده و جزءِ دوم آن یعنی گیر یا مخفف‌از گریوه است و با این فرض معنی هردو جزءِ پستی وبلندی خواهد بودکه دلیل آنستکه محله مزبور دارای پستی وبلندی بوده است و یا اینکه گیر تغییری نیافته باشد وبا این‌صورت از توابع خواهد بود مانند کیت وزیت و حیص و بیص و نظائـر آن . و ممکن است در اصل ژورژیر

→

مسجد شیشه‌گرها در محله جوباره در ۱۲۷۶ بوده است . ماده تاریخ تعمیر مسجد را پرتو شاعر چنین سروده است :

ساخت طاعتگهی برای عباد　　　صالح آن مقتدای شرع هدی

شد ز پرتو سئوال تاریخش　　　گفت : « قداسست علی‌التقوی »

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۰ ــ حاج میرزامهدی‌بن‌ملامحمد صالح‌بن ملامحسن‌بن فاضل سراب جوباری‌مولود (۱۲۶۱ ﻫ. ق) و متوفی (۱۳۲۵ ﻫ . ق) ازعلماء و فضلای جوباره اصفهان .

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۱ ــ زهرابیگم جوباری دختر سید صدرالدین‌عاملی وزوجه حاج‌میرزامهدی‌جوباری متوفاة (۱۳۲۵ ﻫ.ق) اززنان فاضل وعالم بنام بوده است .　(رجال اصفهان ص۷۴)

۱ ــ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۴۹ .

بمعنی رو و زیر باشد ودر تلفظ متمایل به جیم گفته شده است .

۵۸ - محله جوزدان:

طبق گفته یاقوت حموی[۱] جوزدان درقدیم الایام دیهی در دروازه اصفهان بوده است وعده‌ای ازعلماءِ ومحدثان نیز بآن منسوبند ولی در زمانهای بعد که اصفهان توسعه یافته جزءِ محلات شهر اصفهان گردیده‌است، واکنون جزءِبخش ۱ ازمحلاتی است که آن طرف خیابان دور شهر افتاده است[۲] .

این کلمه درعرف محل گوزدان تلفظ میشود ومعلوم میگردد که در هنگام تسلط اعراب معرب وبه جوزدان تبدیل یافته است .

گوز بمعنی گردکان ودان هم از دات ظرفیت است یعنی جای گردو وشاید در اعصارگذشته دراین محل گردو بعمل میآمده است[۳] .

---

۱ – معجم‌البلدان ج۲ ص۱۸۳ .   ۲ – تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۳ – از رجال ومحدثان این محله است :

۱ – ابواسحاق ابراهیم‌بن معمربن شریس جوزدانی متوفی (۲۶۴ ه . ق) جزء سه برادری بودکه کسی غیراو حدیث نگفت. عبدالله‌بن جعفر ازاوحدیث نقل کرده وخوداز شامیان هشام‌بن عمار وسلیمان‌بن عبدالرحمن وحوطی وطبقه‌شان وسهل‌بن عثمان وحانی وحامدبن‌یحیی وابن ابی‌السری ویزیدبن مؤدب‌الرملی روایت دارد .   (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۸۵)

۲ – ابوبکر محمدبن‌علی‌بن احمدبن‌حسین‌بن بهرام جوزدانی متوفی(ذیقعده۴۴۲ه.ق) امام جامع عتیق اصفهان درایام تراویح بود ونیزاز مقریان و شاگرد حافظ ابوبکربن ابراهیم مقری‌دراصفهان‌وشاگرد ابوطاهرمخلص وابوحفص‌عمربن‌شاهین‌دربغداد بود، وابوزکریابن‌مندة وعده‌ای دیگر ازاو حدیث شنیدند .   (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۲۵۱)

۳– ابوصالح‌عبیدالله‌بن‌محمدبن احمدبن‌فیار جوزدانی متوفی(پیش از۳۶۰ ه.ق) وی باابومحمدبن‌حیان شبهای‌جمعه سالهای‌بسیارمجالس وهم‌نشین‌بود، وازصوفی‌احمدبن‌الحسن‌بن عبدالجبار وبغدادیان واصفهانیان حدیث شنید .   (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۰۴)

۴ – ابوعبدالله محمدبن ممشاذبن‌خزیمة جوزدانی وی بطرسوس منتقل‌گردید وهمانجا وفات کرد او قرائات ابوحاتم را گرد آورد وکتابهای شافعی را بواسطه ربیع نوشت .

(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۰۷)

۵ – ابوعبدالله محمدبن هارون جوزدانی ازمحدثان و شیخی متدین وفاضل بود و به مجلس بزار رفت وآمد داشت. ابومحمدبن حیان از او وخود از حسن‌بن عرفه حدیث روایت میکرد .   (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۱۸)

←

۵۹ - محله‌جوی شاه :

این محله جزءِبخش۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع گردیده است[۱].

۶۰ - محله جیران :

در المشترك[۲] یاقوت و نیز دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳] جیران بفتح‌جیم وکسر یاء و جیران بفتح جیم وسکون یاء ازدهات درب دروازه اصفهان معرفی‌شده و اکنون نیز جیرانی از دهات جی‌باقی است ولی از خلال اخبار مربوط بگذشته اصفهان برمیآید که محله‌ای هم‌که مجاور آن ده بوده جیران خوانده میشده است و عده‌ای از محدثان و دانشمندان باین محله منسوب بوده‌اند[۴].

→

۶ ــ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن منصور جوزدانی متوفی بعداز (۳۶۰ ه . ق) از محدثان که ازابن‌منیع وابن سکن ومحمدبن سهل‌بن‌الصباح وولیدبن ابان روایت دارد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۹۲)

۷ ــ ابومسلم طاهربن محمدبن عبدالله‌بن حمزة جوزدانی از احفاد ابومسلم معروف بخراسانی . (محاسن اصفهان ص۲۵)

۸ ــ ام‌ابراهیم فاطمه دخترعبدالله جوزدانی مولوده (۴۳۴ه.ق) ومتوفات (۵۲۴ه.ق) از محدثات که شیخ حدیث اسعدبن ابی‌الفضایل محمودبن خلف عجلی اصفهانی متوفی (۶۰۰ ه.ق) بوده است . (روضات‌الجنات ص۱۰۱)

۹ ــ محمدبن علی جوزدانی ازعلمای قرون سوم وچهارم وازشاگردان‌عمربن‌عبدالعزیز اسواری بوده است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

۱۰ ــ ملااسدالله‌بن ملامحمدعلی جوزدانی متوفی (۱۳۲۳ ه.ق) ازعلماء ودانشمندان ومؤلف کتاب جواهرالایمان بفارسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱۱ ــ حاج فتح‌الله جوزدانی واقف سنگاب مسجد آقا میرزا محمدهاشم چهارسوئی در (۱۲۸۰ ه.ق) . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۲۴)

۱۲ ــ حاج محمد صادق بزرگ الوارساکن محله جوزدان اصفهان در(۱۲۹۳ه.ق) . (جغرافیای اصفهان ص۱۳۶)

۱ ــ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۸. ۲ــ المشترك ص۱۱۷ . ۳ــ اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۲۶۲ . ۴ ــ ازمحدثان ودانشمندان منسوب به‌محله جیران است :

۱ــ ابوبکرعمربن احمدبن محمدبن‌سهل تمیمی جیرانی فرسانی متوفی ۲۳ ربیع‌الاول (۳۷۷ ه.ق) وی در محله جیران فرسان جی سکونت داشت و از ابوالبشر احمدبن محمدبن

←

→
عمر مروزی حدیث نقل میکرد ، وابوبکربن مردویه ازاو حدیث روایت میکرد .
(انساب سمعانی)

۲ ــ ابوبکرمحمدبن عبدالرحمن بن احمد جیرانی ازمحدثان که ازابن محمویه عسکری حدیث نقل کرده است (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۱۰)

۳ ــ ابوزفر هذیل بن عبدالله ضبی ابن قدامة بن عامر بن حشرج بن خولی بن فضلة بن ظالم بن غضبان بن تمیم بن ثعلبة بن ذویب بن سیدبن مالك بن بکر بن سعدبن ضبة بن ادبن طابخة بن الیاس بن مضر جیرانی متوفی سال (۳۲۲ ه.ق) وی از محدثان جیران اصفهان بودکه خود ازاحمدبن موسی وابومحمدبن حیان ازاو روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۰)

۴ ــ ابوالعباس احمدبن محمدبن سهل بن مبارك معروف به ممجمة بزارمعدل جیرانی متوفی (۳۰۶ ه . ق) از محدثان ثقة که از لوین و حمیدبن مسعدة وعمروبن علی ومحمدبن عیسی المقری وابومسعود روایت میکرد . (المشترك ص۱۱۷)

۵ ــ ابوعبدالله محمدبن ابراهیم بن ابان مکتب جیرانی متوفی (۲۷۸ ه . ق) از ثقات محدثان که ازحسین بن حفص وبکربن بکار وحاتم بن عبیدالله حدیث نقل میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۰)

۶ ــ ابومحمدابن الجیرانی ازاهل علم وصلاح بود و ابن ماکولا گفته که من درقریه فردوزان اصفهان ازاو حدیث نوشتم و آن حدیث ازاملای ابوعبدالله جرجانی ازابوالخیربن زرا فردوزانی امام جامع اصفهان بود . (اللباب فی تهذیب الانساب ج۱)

۷ ــ افندی میرزا عبدالله بن عیسی بیك بن محمد صالح بیك بن حاج شاه ملاولی بیك بن حاج میرمحمدبیك ابن خضرشاه جیرانی مولود حدود (۱۰۶۶ ه.ق) ومتوفی حدود (۱۱۱۰ ه.ق) ازعلمای فاضل ومتبحر و صاحب تألیفات رشیقه چون : ۱ ـ الاجازات . ۲ ـ الامان من النیران . ۳ ـ الانفعالیة . ۴ ـ بساتین الخطباء . ۵ ـ تفسیر سوره واقعه . ۶ ـ ثمارالمجالس . ۷ ـ جاماسب نامه . ۸ ـ حاشیه برآیات الاحکام . ۹ ـ حاشیه بر مختلف علامه . ۱۰ ـ حاشیه شرح مختصرالاصول . ۱۱ ـ روضة الشهداء . ۱۲ ـ ریاض العلماء وحیاض الفضلاء . (مصفی المقال ص۲۴۰)

۸ ــ جمال الدین بن محمدقاسم جیرانی از بزرگان علماء و منشی اجازه نامه ملامحسن فیض برای سبط برادرش هادی بن مرتضی درسال (۱۱۲۴ ه.ق) . (الذریعة الی تصانیف الشیعه)

۹ ــ شیخ یوسف بناء از عرفای بزرگ اصفهان که مقبره اش در مجاورت چهارسوق نقاشی درمحله جیران واقع ودرزمان ریاست هیئت علمیه مسجد شاهیان دراصفهان ازبین رفت.
(رجال اصفهان ص۱۴۳)

۱۰ ــ محمد ممجه ابن ابراهیم جیرانی متوفی (۳۰۶ ه.ق) وی از محدثان وحدیث از بکربن بکار نقل میکرد و آخرین کسیکه از او حدیث گفته ابوبکر قباب اصفهانی و احمدبن ابراهیم اصفهانی است . (اللباب فی تهذیب الانساب ج۱ ص۲۴۴)
←

۶۱ - محله چرخاب :

این محله جزء بخش چهار ازمحلات واقع درشمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱].

۶۲ - محله چلمان = چلمون = چنبلان[۲]:

همان محله‌ایست که امروز آنرا سنبلستان مینامند و آن دروسط شهراصفهان متمایل بغرب واقع است .

۶۳ - محله چنارسوخته :

از محلات معروف اصفهان است[۳] .

۶۴ - محله چهارباغ بالا :

ازمحلات جزءبخش ۵ واقع درجنوب رودخانه زاینده رود میباشد[۴] .

۶۵ - محله چهارباغ کهنه :

این محله جزءبخش۱ از محلاتی است که در شمال زاینده‌رود واقع شده و چهارباغ عباسی و مدرسه چهارباغ وهشت بهشت دراین محله واقع شده است[۵].

۶۶ - محله چهارسو شیرازیها :

این محله جزءبخش۱ ازمحلات واقع در شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد و چون در این محله چهارسوئی واقع شده که بانی آن قطب‌الدین علی باب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ هـ . ق) بوده به محله چهارسو نامیده شده و چون شیرازیها در آنجا سکونت داشته‌اند کلمه شیرازیها هم بآن اضافه گردیده است[۶] .

این محله بعد از صفویه رونقی بسزا داشته و مردمانی عالم و دانشمند از

→

۱۱ – میرزا عیسی بیک‌بن محمد صالح بیک‌بن حاج‌میرمحمدبیک‌بن خضرشاه‌جیرانی اصفهانی متوفی (۱۰۷۴هـ.ق) وی درجیران درمحله شیخ‌یوسف بناء منزل داشته واواست پدر صاحب ریاض‌العلماء وخود از بزرگان علماء ومؤلف‌الحواشی علی‌الکتب‌الاربعة است .
(فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج۲ ص۵۸۷)

۱ – تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۲ – نصف جهان ص۲۵

۳و۴– تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۵ – تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .

۶– تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۸ و۹۸ .

آن برخاسته‌اند که نام آنها درتاریخ مدون گردیده است[1].

---

۱ ـ ازعلمائی که باین محله منسوبند عده‌ای‌را در ذیل مینگارد :

۱ ـ حاج میرزا زین‌العابدین‌بن سیدابوالقاسم خوانساری چهارسوئی مولود ذیقعده (۱۱۹۲ ه.ق) ومتوفی نهم‌ربیع‌الثانی (۱۲۷۵ ه. ق) ازبزرگان علماء ومؤلفان ومجتهدان واز تألیفات او است : ۱ - شرح معالم‌الاصول . ۲ - شرح زبدةالاصول شیخ بهائی . ۳ - رساله‌ای درقواعد عربیه . ۴ - رساله اجماع . ۵ - تداخل اسباب . ۶ - رساله نیت . ۷ - احباط وتکفیر . ۸ - نوادرالاحکام . ۹ - تعارض حقیقت مرجوحه و مجاز راجح . ۱۰ - حواشی برکتب علامه . ۱۱ - دیوان اشعار . (رجال اصفهان‌ص۷۶)

۲ ـ میرزا ابراهیم‌بن سیدمحمد صادق‌بن میرزا زین‌العابدین خوانساری چهارسوئی مولود پانزدهم رمضان سال (۱۲۶۹ ه.ق) ومتوفی بیست‌وسوم ربیع‌الاول (۱۳۳۱ ه.ق) وی برادرزاده صاحب روضات‌الجنات وازعلماء وفضلاء وائمه جماعت بود و پس‌ازوفات درتکیه صاحب روضات درتخت فولاد مدفون گردید . (رجال اصفهان ص۱۹۶)

۳ـ میرزا محمدباقربن زین‌العابدین‌موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌صاحب‌روضات مولود بیست‌ودوم صفر سال (۱۲۲۶ ه.ق) و متوفی هشتم جمادی‌الاولی (۱۳۱۳ ه.ق) از عالمان و رجالیان بزرگ قرون‌سیزدهم وچهاردهم وبرادر میرزا محمدهاشم چهارسوئی معروف است .

وی‌صاحب تألیفات رشیقه ومورد توجه اعلام است . علاوه برمقام علمی وادبی وزهد و تقوی واصالت خانوادگی صاحب طبع وقاد درشعر عربی وفارسی بوده . ازمؤلفات اواست :

۱ - روضات‌الجنات فی فضائل‌العلماء والسادات در رجال که مرجع مؤلفان است . ۲- اسباب‌البلایا . ۳- احسن‌العطیة . ۴ـ قرةالعین . ۵- رساله ضروریات . ۶- رساله ضروریات دین و مذهب . ۷ - شرح حدیث حماد . ۸ - فضیلت نماز جماعت . ۹ - منظومه عربی دراصول . ۱۰ - رساله امربمعروف ونهی‌ازمنکر . ۱۱ - تسلیةالاحزان. ۱۲- مجالس درمصیبت. ۱۳- قصاید عربی درتحیت براهل‌بیت . ۱۴- حواشی‌برقوانین. ۱۵ - حواشی برشرح لمعه .

وی ازشاگردان شیخ‌محمدتقی وآقا میرسیدمحمد شهشهانی ونیزازعلمای نجف وکربلا و اصفهان و شیخ محمدبن‌شیخ علی‌بن‌شیخ جعفرکبیر و شیخ قاسم نجفی و صاحب ضوابط و آقا میرسیدحسن مدرس اجازه داشتند . پس از وفات درتخت فولاد مدفون وتکیه او معروف است . (تذکرةالقبور ص۹۶)

۴ ـ میرزا محمدهاشم‌بن میرزا زین‌العابدین‌بن ابوالقاسم جعفربن سیدحسین موسوی خوانساری چهارسوئی مولود (۱۲۳۵ ه.ق) ومتوفی هفدهم رمضان (۱۳۱۸ ه.ق) ازفقهاء و اصولیان و در رجال علامه و استاد بسیاری از علماء از آن جمله شیخ نوری و شیخ‌الشریعه اصفهانی وصدر بود وخود ازمحضرشیخ‌مرتضی‌انصاری وسید صدرالدین عاملی استفاده‌کرده وازتألیفات نامبرده است :

←

۶۷ ـ محله چهارسو کوچك :

این‌محله جزءِبخش۱ ازمحلات واقع درشمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱].

→

۱ـ اصول آل‌الرسول . ۲ـ الاربعین . ۳ـمبانی‌الاصول. ۴ـالفوائدالرجالیة. ۵ـ شرح مشیخهٔ فقیه. ۶ـ الاستصحاب. ۷ـ رساله در قرائت مطبوع. ۸ـ احکام‌الایمان (رساله عملیه) . (مصفی‌المقال ص۴۹۰)

۵ ـ میرزا هدایت‌الله‌بن میرزا محمدباقر خوانساری چهارسوئی مولود بیست و هفتم جمادی‌الثانیه (۱۲۷۱ ه.ق) متوفی دوم شوال (۱۳۴۵ ه.ق) از علماء و فضلای اصفهان بود ودرتاریخ فوت اوچنین سروده‌اند :

ازل ثلثاً صار تاریخ فوته : «لقد افجع‌الاسلام موت‌الهدایة»

(رجال اصفهان ص۹۸)

۶ ـ میرزاعطاءالله‌بن میرزا محمدباقرموسوی چهارسوئی مولود بیست‌ونهم‌ربیع‌الاول (۱۲۶۶ ه.ق) و متوفی ششم جمادی‌الاولی (۱۳۳۵ ه. ق) وی ازعلماء و فضلاء و مؤلف فهرست روضات‌الجنات است . (رجال اصفهان ص ۹۸)

۷ ـ میرزامحمدهاشم روضاتی‌ابن جلال‌الدین بن میرزا مسیح بن میرزامحمدباقرصاحب روضات‌الجنات مولود (۱۳۱۹ ه.ق) و غریق در کوفه در (۱۳۵۶ ه.ق) ازعلماء برجسته و محشی مغنی‌اللبیب درنحو . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۸ ـ سید صدرالدین‌بن سید علی‌بن سید محمد باقر خوانساری چهارسوئی صاحب روضات‌الجنات زنده درسال (۱۳۴۸ه.ق) ازعلماء ومؤلف رسالهٔ نورالایمان دراحکام‌اجماعی و احتیاطی . (فهرست استان قدس ج ۵ ص۶۳۵)

۹ ـ میرزا احمدبن محمدباقر موسوی خوانساری چهارسوئی‌ابن میرزا جلال‌الدین‌بن میرزا مسیح‌بن میرزا محمدباقر صاحب روضات مولود (۱۳۴۷ ه . ق) ازعلماء معاصر و از تألیفات اواست : موقظ‌الاعلام در سه مجلد . (مصفی‌المقال ص۶۴)

۱۰ ـ سیدمحمدمهدی‌بن سیدمحمد موسوی خوانساری چهارسوئی‌مولود(۱۳۲۹ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۸ ه.ق) ازعلماء وازشاگردان شیخ‌حسین‌بن عبدالکریم رشتی واز تألیفات اواست: ۱ـ احسن‌الودیعة. ۲ـانوارالکاظمیة. ۳ـمتمم‌جنات‌الخلود. ۴ـ مصباح‌الوصول الی علم‌الاصول . (اعلام زرکلی)

۱۱ـ سیدابوتراب‌بن سیدابوالقاسم موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌مولود (۱۲۷۱ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۶ ه.ق) ازعلماء ومؤلف : الدرالنضید فی شرح‌التجرید در کلام است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۶۸ـ محله حسن آباد :

حسن آباد درقدیم وپیش از صفویه دیهی نزدیك شهر اصفهان[۱] ، بوده است و سپس که دهات نزدیك شهر باصفهان وصل شده حسن آباد نیز جزءِ محلات آن شده بطوریکه دراوائل قرن چهاردهم ازمحلات اصفهان درنزدیکی پل خاجو بوده است[۲]. ازمحله‌مزبوردرزمانهای گذشته عده‌ای ازمحدثان ودانشمندان برخاسته‌اند[۳].

۶۹ـ محله حسین آباد طوقچی :

دراطراف شهراصفهان دو حسین آباد وجود دارد یکی جزءبخش۱ ازمحلاتی که درجنوب رودخانه زاینده‌رود ودرحومه شهر واقع شده است و عده‌ای از علماءِ هم بآن منسوبند[۴] ودیگری حسین آباد طوقچی‌است‌که درنزدیکی دروازه طوقچی وجزءِ محلات شهر محسوب میشود[۵].

---

۱ ـ المشترك ص۱۳۳ . ۲ ـ نصف‌جهان ص۲۸ . ۳ـ ازمحدثان ودانشمندان محله حسن آباد است:

۱ ـ ابوالحسن‌بن‌عیسی حسن آبادی ازمحدثان قرون سوم وچهارم هجری که در محله حسن آباد میزیسته است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

۲ ـ ابوطاهر عبدالکریم‌بن عبدالرزاق‌بن عبدالکریم‌بن عبدالواحدبن محمدبن‌سلیمان حسن آبادی متوفی بعدازسال (۵۰۰ ه.ق) وی حدیث ازپدرش عبدالرزاق وابوبکرباطرقانی ونیز ازعراقیان شنیده وجماعتی بسیار ازاو روایت‌کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ص۲۶۰)

۳ ـ عبدالکریم مکشوفی ابن‌عبدالواحدبن محمدبن سلیمان حسن آبادی وی صوفی و محدث بود وبعراق وشام سفر کرد وحدیث ازابوالشیخ‌حافظ وابوبکربن‌منده شنید وابومحمد نخشبی ازاو حدیث شنید . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ص۱۷۴)

۴ ـ ابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم‌بن محمدبن عبدالرحمن‌بن محمدبن سلیمان‌الوفاء حسن آبادی متوفی (۴۶۹ ه.ق) وی محدث وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد ومردی فاضل بود . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ص۲۹۹)

۵ ـ ابوالفتح عبدالرزاق‌بن عبدالکریم‌بن عبدالواحدبن محمد حسن آبادی متوفی (۴۸۴ ه.ق) ازخانواده حدیث وتصوف بود و از ابوبکربن مردویه روایت داشت ، و حافظ اسماعیل‌بن فضل ازاو روایت میکرد ، ودرعراق وجاهای دیگر حدیث شنید وپرحدیث بود . پسرش ابوطاهر نیز ازاو روایت میکرد . (المشترك ص۱۷۳)

۶ ـ ابوالمظفر حسن آبادی از شعرای فارسی زبان قرن پنجم هجری است که درمحله حسن آباد اصفهان میزیسته است . (محاسن اصفهان ص ۳۳)

۴و۵ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷۰ ـ محله حصار پشت مسجدشاه :

این محله ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است ومسجدشاه دراین محله است[۱] .

۷۱ محله خابجان = خاوجان = فابجون = خوابجون :

این محله معروف بسرقبر آقا است که درشمال محله دردشت واقع گردیده وقبور امام‌جمعه‌های اصفهان درآنجا است .

۷۲ ـ محله خرجان :

درمعجم‌البلدان[۲] . خرجان بروزن درمان وهم بروزن جبران خوانده و در اللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳] گفته شده‌که‌مردم‌محل‌آنرا خورجان میگویند وبسیاری ازعلماءِ بآنجا منسوبند ، ودرتاریخ اصفهان و ری‌گفته ممکن‌است‌خارجان‌یا جرگان جی بـاشد[۴] . برخی خرجان را از قـرای اصفهان[۵] . و بعضی دیگر از محلات اصفهان دانسته‌اند[۶] .

تحقیق اینستکه در زمان قدیم جزءِ دهاتی بوده‌که نزدیك دروازه شهرواقع میشده وسپس که شهر روبتوسعه گذارده از محلات متصل باصفهان شده است . در هرحال محله بزرگی بوده وعده‌ای ازمحدثان وعلماءِ بآن منسوبند[۷] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .
۲ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۳ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۱۰ .
۵ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۶ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۷ ـ کسانیکه باین محله منسوبند بشرح زیراست :

۱ـ ابن‌تانه ابونصر محمدبن عمربن محمدبن‌عبدالرحمن خرجانی‌مقری متوفی چهارم رجب(۴۷۵ ه.ق)وی شیخی‌صالح وثقه‌بود ودربغداد ازابوعلی‌بن شاذان واقران او ودراصفهان از ابوبکربن مردویه و طبقه او استماع حدیث کرد ، و در اصفهان مجلس املاء هم داشت . ابوسعد گفته اسماعیل‌بن محمدبن‌فضل وابونصر احمدبن‌محمدغازی از وی‌حدیث نقل کرده‌اند. (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۲ ـ ابوبکر محمدبن ادریس خرجانی از محدثان که حدیث از ابوحامد علی‌بن احمدبن‌الحسین خرجانی روایت میکرد . (اللباب ج۱ ص۳۵۳)

۳ ـ ابوبکر احمدبن حسین‌بن محمود بزاابن علی خرجانی از محدثان را وی از ←

پسر برادر ابوزرعة وابوالاسود وغیر آنان . (ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱۶۸)

۴ ـ ابوجعفر محمدبن ابراهیم‌بن حسن فرایضی خرجانی از فقهای عالم وفاضل بود وبرمذهب شافعی میرفت او درخرجان ازابن غیلان وابوالقاسم عبدالله‌بن محمد بغوی و اقران او حدیث نقل میکرد . (انساب سمعانی)

۵ ـ ابوجعفر محمدبن یزیدبن مالك ضبی خرجانی متوفی (۲۹۱ ه.ق) ازمشایخ ثقه وحدیث ازمحمودبن غیلان وحسین‌بن حریث ومحمدبن ابان بلخی ورازیان نقل میکرد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲۱)

۶ ـ ابو حامد معافر احمدبن محمدبن حسین‌بن ابراهیم‌بن کوشیذ خرجانی متوفی بعداز (۳۶۰ ه.ق) وی ازعبدان وابن زهیر وغیرآنان روایت کرده است ، وابوبکربن‌مردویه ودیگران ازاو حدیث نقل کرده‌اند . (ذکر اخباراصبهان ج ۱ ص۱۵۹)

۷ ـ ابوحامد علی بن احمد بن محمدبن حسین خرجانی محدث که از ابواسحاق ابراهیم‌بن احمدبن فراش مکی وپسرش و ابواحمد محمدبن محمدبن مکی خرجانی حدیث شنید ، وابوبکر محمدبن ادریس خرجانی وابوبکر خطیب بغدادی برسبیل اجازه ازاوروایت میکردند ، وابوالحسن احمدبن محمدبن معلم صوفی نقل کرده که کتابی بنام سفرنامه نوشته است . (اللباب ج۲ ص۳۵۳)

۸ ـ ابوالحسن علی‌بن حامد خرجانی متوفی (۳۶۵ ه.ق) از محدثان .

(لغت‌نامه دهخدا)

۹ ـ ابوسعید جبیربن هارون‌بن عبدالله معدل خرجانی متوفی (۳۰۵ ه.ق) از محدثان وی در ری حدیث ازعلی‌بن محمد طنافسی ومحمدبن حمید نوشت ، ودراستماع حدیث در ری با ابوحاتم وکبار همراه بود . هنگام مرگ فقط دارائی اوجای اقامت و پرده و دیگی بود . (ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۲۵۳)

۱۰ ـ ابوالعباس زیادبن محمدبن زیادبن هیثم خرجانی متوفی(۳۷۸ ه.ق) ازمحدثان که ازحسن‌بن محمد دارکی ومحمدبن حمزة‌بن عمارة وجماعتی دیگرحدیث نقل کرده است .

(ذکراخباراصبهان ج ۱ ص۳۲۰)

۱۱ ـ ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق‌بن یوسف خرجانی محدث که ازپدرش اسحاق و اواز حفص‌بن عمر عدنی روایت کرده‌اند ، وابوعبدالله محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی و عده دیگر ازاو حدیث نقل کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۱۲ ـ ابوالحسن ضرادبن احمدبن ضرار خرجانی وی محدث واز احمدبن یونس و او از ابوالقاسم سلیمان‌بن احمد طبرانی حدیث نقل‌کرده ودر مسجد جامع اصفهان نقطه‌ای است بنام ضرارآباد که ازمستحدثات جدش ضراراست ابوالحسن درقرن سوم‌میزیسته است.

(ذکر اخباراصبهان ج ۱ ص۳۵۱)

۱۳ ـ محمدبن نصربن عبدة خرجانی متوفی (۲۵۲ ه.ق) ازمحدثان که از یحیی‌بن

۷۲ ـ محله خاجو :

این‌محله درقسمت غربی رودخانه زاینده رود واقع و از شمال شهر بجنوب میرود و با محله تلواژگون مجاورت دارد وپلهای خاجو و چهارباغ صدر را مجاور ودرمشرق چهارباغ صدر قرارگرفته‌است.[۱]

این محله اکنون جزء بخش۴ ازمحلات واقع درشمال زاینده رود است[۲].

واما لفظ واملاءِ درست آن و وجه تسمیه‌اش در پیش اشاره‌گردید و خلاصه این‌که خا درلغت فارسی بمعنی‌گودال است و چون زاینده رود درنزدیکی‌پل خاجو گودی داشته آنرا خاجوی[۳] یعنی جوی گود نام نهاده‌اند و الا نام قدیم آن همان بـاغ کاران بوده است .

محله خاجو پیش‌ازصفویه ونیز درزمان صفویه درنهایت توسعه وجلال بوده ورجال وعلماءِ ومردان نامبرداری از آنجا برخاسته‌اند .

←

ابی‌بکر وداودبن ابراهیم حدیث نقل‌کرده است ؛ ومحمدبن یحیی‌بن مندة وپسرش عبدالله‌بن محمدبن نصر ازاو حدیث روایت‌کرده‌اند وخود و پسرش هردو موثقند .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۹)

۱۴ ـ محمدبن‌ابونصرشجاع‌بن ابراهیم‌فتوانی‌حافظ خرجانی مولود(۴۶۰واندهـ.ق) ومتوفی(۵۳۰واند هـ.ق) ازمحدثان‌که درمحله خرجان سکونت داشت وازاینرو اورا خرجانی میگفتند، خود از ابومنصوربن بکرویه قاضی وتنی‌چند خبرشنید وبسیاری نیزازاوخبرشنیدند.

(انساب سمعانی)

اما وجه تسمیه خرجان درلغت‌نامه دهخدا گفته شده‌که دراصل خرگان بوده و این نکته درست بنظر میرسد ، پس‌ازاینکه این لفظ را معرب خرگان دانستیم اگرآنرا خرگان بروزن مژگان بخوانیم معنی اینستکه جای خورشید است و شاید این محله در همان جائی بوده که باب خور یعنی دروازه خور درقدیم بوده است . و اگر آنرا خرگان بروزن مردان تلفظ کنیم جای ونشیمن بزرگان معنی میدهد وشاید چنانچه گفتیم عده‌ای ازبزرگان محدثان وبخصوص ضرار خرجانی وابوسعیدبن جبیر‌که مسجدش معروف است و از معاریف زمان خود بوده در این محله سکونت داشته‌اند . درگنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحهٔ۴۵ خرچان تعبیرشده‌که نتوانستم برای صحت آن مجوزی بدست آورم مگراینکه بمعنی کسیکه خر را میگرداند که عرقش سرد شود ویاآینکه مخفف خرچران باشد .

۱ـ نصف‌جهان ص۲۴.   ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹

۳ـ فرهنگ دکتر معین .

این محله در قدیم مرکب از محله های باغات و باقلا فروشان وپا قلعه و حسن آباد وتلواسکان وخاجوبوده است . پیش ازصفویه این محله‌را بنام حسن آباد می نامیده‌اند وخارج شهرواقع بوده .

پس ازصفویه به محله خاجو خوانده میشده است وقسمتی راهم حسن آباد و باغات ودیگر نامها میخوانده‌اند. محله خاجو از دروازه حسن آباد شروع میشده و پس ازعبور ازخرابه‌های قصرشاه حسن بمدرسه‌ای بهمین نام میرسیده است که‌اکنون آنجا محل مدرسه صارمیه است وقبرشاه حسن نیز درآنجا بوده است.

دراین محله‌در دوران صفویه‌رجالی سکونت داشته‌وقصوری برپاکرده بوده‌اند، خاجوی کوچك که متصل بدروازه حسن آباد میشده‌مرکزقصورعده‌ای ازبزرگان بوده چون قصر قاضی معز وقصر حوابیگم که آن‌را قصر میرزا رضی نیز میگفته‌اند چه میرزا رضی شوهر حوابیگم بوده است ، ونیزقصر علیقلیخان وقصر میرکشیك بیك وقصرعلی بیك پسرعلیمرادخان حاکم قندهار .

بازارقدیم حسن آبادومسجد حمام درویشان ومسجد میرزا رضی دراین محله واقع بوده واین قسمت را بمناسبت وقوع قصر وحمام و مسجد میرزا رضی منشی-الممالك درآن ، قصر منشی خوانده‌اند .

بازارحسن آباد ازبازارهای طویل‌وروشن وبسیار زیبا بوده ودرآن دو چهار سوی بزرگ قرار داشته یکی چهارسوچوبی ودیگری چهارسوی اسفندیاربیك که چون‌دارای نقاشی‌هائی بوده به چهارسو نقاشی معروف شده است(۱) .

خاجوی کوچك تا حدود چهار باغ امتداد داشته و قصور میرزا طاهر ناظر وقایع‌نویس ونقاره چیان هندی وگاریچیان وحمام چادر دوزان دراین قسمت‌قرار داشته است .

چهارسونقاشی در مسیرخیابان شاه عباس قرارگرفته ولی چهارسو چوبی که اهمیت‌کمتری دارد باقی‌است .

۱ــ تاریخچه محله خواجو ازص۰۱ تاص۱۵

محله خاجوی بزرگ به صحرا منتهی میشده و قصر تفنگدار باشی و بازار مستوفی وخانه شیخ بهاءالدین محمد عاملی وآسیابهای آبی متعددی وغسالخانه در این‌قسمت قرارداشته وکاخ شیخ‌بهائی آخرین بنای‌خارج شهر این‌محله بوده‌است و از آنجا تا دهکدهٔ شهرستان مزارع با صفا وبیشه محمد علی‌بیك پیوسته بوده است.

شاردن فرانسوی درسفرنامه خود نوشته :

محله خاجو درکوچه‌های‌آن نهرها جاری است واطراف آن درختان‌تنومند غرس‌شده واز اینرو مانند شهرهای هلند میباشد در این‌قسمت اصفهان کسی جز اشراف ساکن نیست و جزعمارات با شکوه ومجلل مشاهده نمیگردد .

درجای دیگر ازسفرنامه خودگفته : درمحله خاجو یکهزارو یازده خانوار ودوازده مسجد وبیست وپنج کاروانسرا و هشت باب مدرسه وبیست حمام و دوازده بازار قرار دارد .

ولی‌درهمین محله دراواخرسلطنت قاجاریه هزارخانه مخروبه وغیرمسکون ودویست وپنجاه باب خانه‌مسکونی‌وجود داشته است وبخوبی درجه تنزل وویرانی وآبادی‌آن معلوم میگردد .

در زمان صدراصفهانی متوفی(۱۲۳۹ ه. ق) تعمیرات وعماراتی دراین محله بعمل‌آمده‌که ازاین‌قرار است :

۱ـ ایجاد چهار باغ خاجو معروف به چهارباغ فتح‌آباد[1] یاچهارباغ‌نوکه‌از انتهای محله حسن‌آباد شروع شده و تانهر نیاصرم امتداد دارد. ودرکنارآن‌بسبك چهارباغ شاه‌عباسی‌باغهای باصفا و سردرها ومدرسه‌ها وحمامها بناشده است، مدرسه آن تاکنون باقی وازحمام آن‌اثری نمانده است .

۲ـ ساختمان عمارت بیگلربیگی روی‌پل خاجوکه درسال (۱۳۱۰ه . ق) آن‌را خراب‌کرده‌اند .

مساجد واقع درمحله خاجو عبارت است از :

۱ـ تاریخچه محله خاجو ص۲۲

۱ـ مسجد میرزا اشرف ۲ـ مسجد پانارون ۳ـ مسجد خرابه ۴ـ مسجد چهارسو آجری ۵ـ مسجد رکن‌الملك ۶ـ مسجدحاج‌میرزا صادق‌جنب چهارسو آجری ۷ـ مسجدعلی‌اکبربیك معروف به‌مسجد آقاسید محمدلطیف ۸ـ مسجد فریدون ۹ ـ مسجدکازرونی ۱۰ـ مسجد حاج منوچهرخان ۱۱ـ مسجد حاج مهدی معروف به مسجد ابراهیم زاغی.

تکیه‌هائی‌هم دراین‌محله وجود داشته‌که اغلب آن‌ها برای استفاده ازاراضی آن ازبین رفته است چون تکایای: بکتاش وعلی اکبربیك و تکایای موجود بشرح زیر است:

۱ ـ تکیه میرزااشرف. ۲ ـ تکیه حسن‌خاکی واقع درکوچه‌میرزاکریم. ۳ ـ تکیه خاجو معروف به‌حسینیه صرافها. ۴ـ تکیه نایب‌جواد واقع در کوچه درویشان. ۵ ـ تکیه نورباران آخر خیابان شاه‌عباس. در این محله چه قبل از صفویه وچه بعدازآن مدارسی برای تحصیل طلاب علوم دینیه تأسیس شده بوده‌که عده‌ای ازآن مدارس خراب واندکی هم باقی مانده است:

۱ ـ مدرسه اسفندیاربیك معروف به انیس از بناهای اسفندیاربیك ندیم مخصوص شاه‌عباس متوفی (۱۰۲۳ ه.ق) که ازبین رفته است.

۲ ـ مدرسه اسماعیلیه واقع در کوچه قصرمنشی که تا کنون موجود است.

۳ ـ مدرسه افتخارالملك در محله شیخ‌یوسف.

۴ ـ مدرسه دده که محل آن درکنار خیابان ثریای فعلی بوده است.

۵ ـ مدرسه ساروتقی که با خانه ومسجد اواتصال داشته و امروز معروف به مدرسه ثقةالاسلام است.

۶ ـ مدرسه شاه‌حسن درجنب مقبره شاه‌حسن که ازبین رفته ومحلش حدود دبیرستان صارمیه درباغ نو بوده است.

۷ ـ مدرسه شیخ‌یوسف درمحله شیخ یوسف‌که از بین رفته است.

۸ ـ مدرسه محمدصالح درمحله شیخ‌یوسف‌که ازبین رفته است.

۹ ـ مدرسه صدر در چهارباغ خاجوکه دائر است .

۱۰ ـ مدرسه عربان نزدیك امامزاده احمدکه هنوزباقی‌است .

۱۱ـ مدرسه مریم‌بیگم که خراب وتبدیل بمدرسه جدید گردیده است[۱] .

امامزادگانی که در محله خاجوی قدیم مدفون شده‌اند بشرح زیراست :

۱ ـ امامزاده احمد که گویند فرزند علی‌بن امام محمدباقرعلیه‌السلام‌است وبرادرش دربارکرس یا بارکرسب مشهد اردهال‌مدفون‌است ونسب اورا نگارنده در باب امامزاده احمد شرح داده است .

۲ ـ بقعه باباعلمدار درکنار خیابان دلگشا . ۳ ـ امامزاده‌باقر درقبرستان قدیمی درکنارچهارباغ خاجو. ۴ ـ چهل‌دختران درنزدیکی بقعه شاه‌زید دروسط قبرستان قدیمی . ۵ ـ مقبره شاهزاده‌حسین . ۶ ـ شاهزاده ابراهیم واقع‌درقریه شهرستان چهارکیلومتری شرقی خاجوکه درقدیم منتهی‌الیه‌محله خاجوبوده است.

۷ـ و۸ـ بقعه امامزاده دوقلی در کنار خیابان شاه‌عباس . ۹ ـ بقعه شاه‌زید واقع دراراضی تلواسکان . ۱۰ ـ شاه‌سیدعلی دریکی از کوچه‌های جنوبی خیابان شاه‌عباس[۲] . ازاین محله علماءِ وشعراءِ وفضلائی برخاسته‌اند که قابل توجه بوده و اغلب تألیفاتی نیز داشته‌اند[۳] .

---

۱ ـ تاریخچه‌محله خاجو از ص۱۵ تا ص۲۸ . ۲ ـ تاریخچه محله خاجو ازص۲۸ تا ص۷۱ . ۳ ـ از نامبرداران این محله است :

۱ ـ ملااسماعیل‌خاجوئی‌آبن محمدحسین‌بن محمدرضابن علاءالدین محمدمازندرانی اصفهانی خاجوئی متوفی (۱۱۷۳ ه.ق) ازدانشمندان بزرگ ومؤلف : ۱ ـ رساله‌ابطال زمان موهوم . ۲ـ شرح اربعین شیخ بهائی . ۳ـ شرح مدارك . ۴ ـ فوائد رجالیه . ۵ ـ جامع‌الشتات. ۶ـ حاشیه براربعین شیخ بهائی. ۷ـ حاشیه برآیات‌الاحکام اردبیلی. ۸ـ هدایةالفؤاد . ۹ ـ رساله امامت . ۱۰ ـ رساله حرمت‌غناء در رد بر ملامحمدباقر سبزواری . ۱۱ ـ رساله فارسی در رد برصوفیه . ۱۲ ـ رساله در مالایتم‌الصلوة . ۱۳ ـ رساله درتفضیل عید نوروز . ۱۴ ـ رساله دررضاع . ۱۵ ـ شرح‌دعای صباح. ۱۶ ـ رساله درفضل اولاد فاطمه علیهماالسلام . (تذکرةالقبور جزی ص۵۳)

۲ ـ ملاابوالحسن خاجوئی که درقرن سیزدهم میزیسته ازعلماء ومؤلف رساله‌ای در تجوید قرآن . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

←

→

۳ ـ ملامحمد صادق بن ابوالقاسم بن محمدباقر خاجوئی از علمای قرون یازدهم و دوازدهم ومؤلف کتاب حدایق المعارف فی طرایق المعارف که در(۱۱۰۸ ه.ق) تألیف گردیده است . (الذریعة ألی تصانیف الشیعه)

۴ ـ میرزا کوچك خاجوئی وی از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۸۴)

۵ ـ میرزا ابوطالب خاجوئی ازعلماء بوده است .

۶ ـ آقا محمداسماعیل بن محمد جعفر بن ملااسماعیل خاجوئی متوفی بیست‌وپنجم ربیع‌الثانی(۱۲۸۲ ه.ق) ازعلماء وحکماء بود وپس‌ازوفات درنزدیکی قبرجدش ملااسماعیل مدفون شد .کفاش درماده تاریخ اوچنین گفته :

حال کفاش بتاریخ وفاتش تو بگو «شد زدنیا سوی بستان‌جنان اسماعیل»

(رجال اصفهان ص۱۹۹)

۷ ـ میرزا اشرف ازعلماء وادباء و از ملازمان میرزامهدیخان اعتمادالدوله وزیراعظم اواخر زمان شاه‌عباس دوم وازسادات جلیل‌القدر وبانی آثارخیرازقبیل مسجد وحمام وحسینیه .

(تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۸ ـ میرزا محمدباقر طبیب‌ابن حاج‌محمداسماعیل‌بن ابراهیم‌بن حسینعلی‌بن شمس‌علی پوده‌ای اصفهانی خاجوئی ازاطبای حاذق وازشاگردان حاج‌میرزا محمدباقرحکیمباشی‌متوفی (۱۳۲۷ ه.ق) . (تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۹ ـ میرزا کریم‌بن حاج محمداسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای اصفهانی‌خاجوئی از اطباء اوائل قرن‌چهاردهم . (تاریخچه محله خاجوص۷۶)

۱۰ ـ حاج‌میرزاعلی جراح فرزند حاج‌محمد اسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای ازجراحان .

(تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۱۱ ـ میرزا محمدباقر بهاء تخلص ازشعراء ووعاظ وادباء متوفی اوایل‌قرن چهاردهم هجری. از اشعار اواست که در مرثیه سروده است :

مرحبا ای‌پیك خاص کردگارم جبرئیل مرحبا خوب‌آمدی بنشین‌کنارم جبرئیل

۱۲ ـ شیخ‌بهاءالدین محمدبن شیخ‌حسین‌بن عبدالصمد جبعی عاملی مولود چهارشنبه هفدهم ذی‌حجة (۹۵۳ ه.ق) ومتوفی شوال (۱۰۳۰ ه.ق) از اعلام و افاضل علمای زمان و ارکان دوران و شهرت او تمام عالم را فراگرفته بود تألیفاتش بسیار وکلماتش درربار همه ازدل برخاسته وعموماً بردل نشسته است پس‌ازوفات نعشش به مشهد رضوی حمل ودرآنجا مدفون گردید واکنون مزار عمومی است .

ازتألیفات اواست : ۱ ـ اثنی‌عشریات درطهارت و صلوة و صوم و حج و زکوة . ۲ ـ اربعین . ۳ ـ اسرارالبلاغة . ۴ـ جامع عباسی درفقه فارسی . ۵ ـ حبل‌المتین. ۶ـ حواشی برکتب عدیده. ۷ـ خلاصه‌الحساب . ۸ـ زبدةالاصول . ۹ـ صمدیه در نحو . ۱۰ ـ شرح صحیفه سجادیه . ۱۱ـ عروةالوثقی درتفسیر . ۱۲ ـ کشکول.

←

→

۱۳ ـ مشرق‌الشمسین . ۱۴ ـ مفتاح‌الفلاح . ۱۵ ـ تشریح‌الافلاك . ۱۶ ـ رساله اسطرلاب . ۱۷ ـ حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی . ۱۸ ـ رساله ارتفاع قله دماوند . شیخ بهائی با تمام فضایل طبع شعر نیز داشت و بتازی و فارسی شعر میسرود و نان و حلوای او معروف است . از اشعار او این رباعی ذکرمیشود :

رباعی

در میکده دوش زاهدی دیدم مست تسبیح بگردن و صراحی در دست
گفتم ز چه درمیکده جاداری گفت : ازمیکده هم بسوی حق راهی هست

(تاریخچه محله خاجو ص۷۷ ومجمع‌الفصحاء ج۴ ص۱۲)

۱۳ ـ سیدمحمدحسن مجتهد اصفهانی فرزند سیدمحمدتقی مستجاب‌الدعوة علامه‌فقیه عالم عابد مولود حدود (۱۳۰۵ ه.ق) ومتوفی (۱۲۶۳ ه.ق) ازشاگردان حاج‌محمدابراهیم کلباسی صاحب اشارات‌الاصول و از مجازان از سید صدرالدین عاملی و سید محمدرضابن بحرالعلوم ومیرزا محمدمهدی نایب‌الصدارة اصفهانی وملامحمدمهدی قمبوانی اصفهانی. از تألیفات اواست : ۱ ـ رساله درشرط ضمن‌العقد . ۲ـ رساله درشیر بهاء . ۳ـ درمناسك حج . ۴ ـ در رد مظالم . ۵ ـ رساله دروجه اعجازقرآن . ۶ ـ شرح تهذیب منطق تفتازانی . ۷ـ يك دوره فقه استدلالی در۶مجلد . ۸ـ شرح ارشاد علامه‌حلی در۱۲مجلد بنام مهجة‌الفؤاد . (تاریخچه محله خاجو ص۷۹)

۱۴ ـ سیدمحمدتقی بن سیدمحمد سعید موسوی خاجوئی متوفی (۱۲۳۶ ه . ق) از علماء واتقیاء و ادباء بود و نزد حجة‌الاسلام رشتی و حاجی کلباسی محترم بود و میان مردم به مستجاب‌الدعوة شهرت داشت پس‌از وفات در جنب تکیه خاتون‌آبادیها در تخت‌فولاد مدفون گردید . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۵ ـ آخوند ملامحمدحسین بن ملامحمدجعفر فشارکی خاجوئی مولود آخر ذیحجه (۱۲۶۶ ه.ق) ومتوفی ۸ذیقعده (۱۳۵۳ ه.ق) ازعلمای اعلام که دراصفهان و عراق تحصیل کرده وبیشتر تلمذش ازمحضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی کربلائی بوده و پس‌ازفراغت از تحصیلات عالیه ووصول بمقامات شامخهٔ اجتهاد به‌اصفهان مراجعت ودرمحله خاجو ساکن و درمسجدحاج‌میرزا صادق‌امامت داشت وبعدهاعلاوه برامامت‌مسجد مز بور درمساجدمحله نیم‌آورد وجماله‌کله نیز امامت میکرد ولی تا پایان عمر در محله خاجو مقیم بود . اوراست حواشی برکتب علمیه ورسایل عملیه . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۶ ـ سید زین‌العابدین طباطبائی ابرقوئی خاجوئی متوفی هشتم‌صفر (۱۳۷۲ه.ق) عالم‌فاضل وزاهد ومحدث خبیرومتقی ازتلامذه مرحوم سیدمحمدباقردرچه‌ای وشیخ محمدرضا مسجدشاهی ومجاز ازجمعی ازعلماء بود. اوراست : ۱ ـ تریاق‌اعظم . ۲ـ ولایة‌المتقین، در فوائد تقوی وفضایل شاه ولایت مطبوع دردوجلد . (تاریخچه محله خاجوص۸۰)

۱۷ ـ ملامرتضی بن ملافتحعلی لنجانی خاجوئی متوفی هیجدهم شوال (۱۳۴۷ ه.ق)

←

۷۴ ـ محله خشینان :

این محله که بروزن مریوان تلفظ میشود وگاهی بضم‌خاءِ وزمانی خوشینان با واو گفته میشود از محلات قدیمی اصفهان است[۱] . اهل محل آن‌را خوشینان تلفظ میکرده‌اند و بنابراین باید گفت صحیح آن خشینان بضم‌خاءِ بوده است .

در تطبیق این محله قدیمی با وضع کنونی شهر اصفهان اختلاف است بعضی آنجا را بامحله[۲] احمدآباد تطبیق میدهند درهرحال چون اصفهان قدیم درحدود یهودیه و جی بوده باید محله مزبور را درهمان حدود دانست .

خشینان درابتدای امریکی ازدهات اطراف یهودیه بوده وبهمین‌جهت است که بعضی از نویسندگان آنجا را جزء قرای اصفهان و بعضی دیگر جزء محلات ، دانسته‌اند وهردودرست است، چه درابتداء دیهی جدا بوده وبتدریج که شهروسعت یافته دیه مزبور هم جزء شهرگردیده است .

این محله پس از انضمام به‌شهر اصفهان روز بروز بزرگتر شده و عده‌ای از محدثان ودانشمندان نیز ازاین محله برخاسته‌اند[۳] .

→

ازشاگردان حاج‌میرزا بدیع درب‌امامی وآقا سیدمحمدباقر درچه‌ای و ثقةالاسلام مسجدشاهی بشمار میرفت ودرمحله خاجو ساکن ودر یکی از مساجد محله امامت داشت تااینکه در سن متجاوز ازهفتاد بدرود حیات گفت . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۱۸ ـ میرزا رضی‌منشی‌الممالك‌صدراعظم‌شاه‌عباس وشوهرحوابیگم‌متوفی(۱۰۲۶ ه.ق) از صدور و بزرگان و اخیار محله خاجو بود و از آثار او است : ۱ - بازارمنشی . ۲- حمام‌منشی. ۳- قصرمنشی. ۴- قهوه‌خانه منشی . ۵-کاروانسرا منشی . ۶- مسجد منشی‌متصل بقصرمنشی که تاکنون بهمین نام باقی است . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۵ ـ ابوعبدالله شیخ‌محمدبن یوسف‌بن معدان‌بن یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بنای صوفی خاجوئی متوفی (۲۸۶ ه.ق) .

۱ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص ۳۷۴ و اللباب ج۱ ص۳۷۶ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۸ . ۳ ـ کسانیکه بمحله خشینان منسوبند ازقرار زیراست :

۱ ـ ابویحیی غالب‌بن فرقد خشینانی‌راوی‌ازمبارك‌بن فضالة وعقیل‌بن‌یحیی‌واسماعیل‌بن یزید ازاو روایت‌کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۷۴)

۲ ـ ابوشجاع ادریس‌بن عباس کرجی‌خشینانی وی شیخ‌حدیث ابونعیم‌حافظ اصفهانی

←

۷۵ ـ محله خوز وخوزیون ودر خوزیان :

محله‌ای دراصفهان بوده‌که مردم‌خوزستان درابتدای امردرآن‌خانه داشته‌اند و اول کسیکه در آنجا سکونت اختیار کرد[۱] ، ابوالعباس معروف به‌ابن نجوکه احمدبن حسن‌بن احمد خوزی متوفی (۵۱۷یا۵۱۸ ه.ق) بود که در حدیث شاگرد ابونعیم حافظ اصفهانی بوده و آخرین کسی است که از او سمعانی روایت کرده است[۲] . ازاین محله دانشمندانی دیگر نیز برخاسته‌اند[۳] .

۷۶ ـ محله خیابان :

گویا محله‌ای دراطراف خیابان چهارباغ بوده است .

۷۷ ـ محله دارالبطیخ = دالبتی :

این محله جزءبخش۴ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع

→

بود . ازکرج باصفهان آمد ودرخشینان بماند و حدیث املاء میکرد .
(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۲۴)

۳ ـ ابوغسان احمدبن محمدبن اسحاق‌بن یزیدبن عجلان خشینانی از محدثان وداماد رجاءبن صهیب بودکه ازمکی‌بن‌ابراهیم واصمعی وفراء روایت میکرد وخود ازمشایخ‌ابونعیم اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۲)

۱ـ قاموس‌اللغة درلغت خوز . ۲ـ المشترك ص۱۶۴ . ۳ ـ ازآن جمله است :

۱- ابوالنصر احمدبن‌محمدبن ابی‌القاسم‌بن فلیزةامین‌خوزی اصفهانی متوفی چهارشنبه سیزدهم‌شوال (۵۳۱ ه.ق) وی درمحله خوزیان ساکن بود ودرآنجا حدیث‌ازابوعمروبن‌مندة وابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم حسن‌آبادی شنید . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۰۴)

۲ ـ عبدان‌بن محمد خوزی ازشعرای معاصر ثعالبی است که برسیاق و روش شعرای مولد شعر میگفت واز پیشروان معاصران آن زمان بود . وی در حدود سالهای (۴۰۰ ه . ق) میزیست واشعاری بتازی ملیح میسرود وازاو است .

ترکنا لخوف‌الخیل دورنا فلله صرف‌الدهر کیف ترددا
دهالیز ناضاقت لخوف نزولهم کأنا یهود ندخل‌الباب سجدا

یعنی برای ترس ازخیل سپاه خانه‌های خودرا ترك کردیم . پس قسم بخداکه چگونه روزگار در رفت‌وآمد است ودهلیزهای ما تنگ شد ازترس فرودآمدن آن سپاه ، مثل‌اینکه ما یهودانی هستیم‌که درحال سجده داخل در خانه میشویم . (اعیان‌الشیعه ج۱و۲ ص۱۹۰)

شده است[1] . این محله درقدیم از محلات فرعی جوباره و از محلات نعمتی خانه بوده است[2] . مقبره خواجه نظام‌الملك وعده‌ای دیگر ازپادشاهان سلجوقی دراین محله واقع شده است .

۷۸ ـ محله درب امام :

این محله همان است که بنامهای چملان وچملون ویا جمیلان ویا سنبلان ویاسنبلستان خوانده‌شده‌وازمحلات قدیمی اصفهان‌است[3] که درآن بقعه‌امامزادگان:
۱ ـ ابوالحسن زین‌العابدین علی بن نظام‌الدین احمدالابج ابن شمس‌الدین عیسی‌الرومی ابن جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌ابن‌الامام‌الهمام جعفر الصادق .
۲ ـ ابراهیم بطحائی واقع است .

محله درب‌امام از محلاتی است‌که در ادوارگوناگون مردمانی نامدار ازآنجا برخاسته‌اند که ما هریك را درذیل نامهای مختلف آن محله شرح خواهیم‌داد[4] .

---

۱ ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۷و۱۰۰ .   ۲ ـ نصف‌جهان ص۲۸ .   ۳ ـ تذکرة‌القبور یا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ط .   ۴ ـ منسوبان به‌محله درب‌امام بشرح‌آتی است:

۱ ـ ابوسعید امامی درب امامی از نویسندگان خط ثلث که در سال (۹۶۲ هـ . ق) میزیسته وکتیبه بقعه شاه‌حسن را نوشته است .   (گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۸۸)

۲ ـ سیدامیر ابوطالب امامی درب امامی از علمای دولت شاه‌طهماسب صفوی و بعد اوبود ومدتی نیز تولیت مشهد امامزاده زین‌العابدین اصفهان واقع دردرب امام را داشت ولقب امامی ازاین تاریخ درخانواده اوادامه یافت .   (اعیان‌الشیعه ج۶ ص۲۹۲)

۳ ـ میرزا محمدباقر امامی درب امامی متوفی (بعد از ۱۰۷۵ هـ.ق) از اولاد امامزاده زین‌العابدین وبرادرزاده شمسا ومیر سیدمحمدمستوفی موقوفات ممالك محروسه ودارای فضل وکمال وانسانیت وشریعت‌پروری بود ، دربدایت حال منصب احتساب خطه یزد واستیفای کل موقوفات باومحول بود ولی بعدازچندسال‌سمت اقضی‌القضاتی یافت، سپس در(۱۰۷۵هـ.ق) تقسیم وجوه مستحقان نیز باومحول شد .   (جامع مفیدی ج۳ ص۳۷۵)

۴ ـ سیدرضابن سیدمصطفی توفیقی درب امامی اصفهانی که در صفر (۱۲۷۶ هـ.ق) میزیسته ازخوشنویسان خط نسخ بوده است .

(فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج۸ ص۷۰۲)

۵ ـ سیدحسین‌بن حسن موسوی درب امامی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۱ هـ . ق) از شاگردان شیخ‌مرتضی انصاری که خط نسخ را نیز بسیار خوش مینوشته است .

(اعلام‌الشیعه ج۲ ص۳۸۴)

←

درب امام جزء محلات حیدری خانه بوده است .

۷۹ ـ محله درب دربه :

محله‌ای بوده که مدفن صاحب‌بن عباد در آن واقع شده است ومعنای آن در دروازه است[۱] .

۸۰ ـ محله درب دریچه[۲] :

این محله نیز ازمحلات قدیمی شهر اصفهان است ودرزمانهای پیش‌ازمحلات تابع جوباره ودرعداد محلات نعمتی‌خانه بوده است[۳] .

۸۱ ـ محله درب‌دشت = دردشت = باب‌الدشت :

این محله نیز ازمحلات قدیمی اصفهان و جزء حیدری‌خانه و قسمتی ازآن جزءبخش۲ وقسمتی دیگر جزءبخش۳ واز محلات واقع درشمال شهر اصفهان است. مناره‌های دردشت دراین محله واقع شده است[۴] .

درمعجم‌البلدان نوشته شده که دردشت محله‌ایست دراصفهان وظاهراً منظور همان باب‌الدشت است[۵] . مؤلف‌اللباب فی‌تهذیب‌الانساب نیز گفته که دردشت محله‌ایست دراصفهان[۶] . ودر نصف جهان گفته : دردشت واقع است در مغرب شهر اصفهان[۷] .

←

۶ ـ محمد بدیع‌بن سیدمصطفی موسوی درب امامی متوفی ۲۱ شعبان (۱۳۱۸ ﻫ.ق) ازبزرگان‌علماء وادباء وشعراء ومؤلفان وازخوشنویسان خط نستعلیق‌که ازنمونه خط اواست: کتاب زواهرالجواهر بهاءالدین محمد نائینی بتاریخ ۱۲۸۴/۱/۲۶ که جزءکتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران موجود است . پس‌ازوفات درتکیه میرسید محمد شهشهانی دفن‌شد . (بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۲۰۰)

۷ ـ میرسید محمد درب امامی متوفی پانزدهم ذیقعدة‌الحرام (۱۳۵۹ ﻫ.ق) از علماء وفضلاء وائمه جماعت . (رجال اصفهان ص۹۴)

۸ ـ میرمحمدحسین‌بن میرمحمدتقی موسوی درب‌امامی ازخوشنویسان خط نسخ‌ممتاز که در (۱۲۶۲ ﻫ.ق) حیات داشته است . (فهرست کتابخانه مجلس ج۲ ص۱۲۴)

۱ ـ ارشادکوپائی ص۵ . ۲ ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ . ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ . ۵ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص ۴۵۰ . ۶ـ ؟ ج ۱ ص ۴۲۰. ۷ ـ نصف‌جهان ص۲۵ .

آنچه مسلم میباشد قدمت این محله است که نام آن از قدیم‌الایام متداول بوده وحتی دراشعار کمال‌الدین اسماعیل خلاق‌المعانی نیز آمده است ودرضمن نام عربی این محله که باب‌الدشت باشد نام عده‌ای ازمحدثان وبزرگان نوشته شد ودر ازمنه اخیر نیز کسانی ازآنجا برخاسته‌اند[1] .

---

۱ ــ کسانیکه در ازمنه اخیر باین محله انتساب دارند بقرار زیراست :

۱ ــ نورالدین عبدالرحمن دردشتی جامی‌ابن نظام‌الدین احمدبن شمس‌الدین محمد دشتی اصفهانی‌جامی متوفی یازدهم محرم (۸۹۸ ه.ق) ازبزرگان علماء وعرفاء وشعراء وادباء و اوراست : ۱ - نفحات‌الانس . ۲ - لوامع . ۳ - شرح فصوص‌الحکم. ۴- شرح نصوص یا نقدالنصوص . ۵ - دیوان جامی . ۶ - تفسیرسوره فاتحه . ۷ - شرح‌چهل حدیث . ۸ - احادیث منقوله ازاباذر . ۹ - رساله درتوحید . ۱۰ - آداب حج . ۱۱ - ترجمه کلمات صوفیان بزرگ - ۱۲ - رسائل دراخلاق - ۱۳- شرح قصیده‌تائیه و میمیه و خمریه عمربن‌الفارض مصری . ۱۴ ــ نی‌نامه . ۱۵ - شرح رباعی امیر خسرو دهلوی . ۱۶- شرح بعضی ازرباعیات خود . ۱۷- رسائلی درعروض وقافیه‌ودرموسیقی. ۱۸ - شرح مفتاح‌الغیب . ۱۹ - شرح برکتاب‌کافیهٔ‌ابن حاجب درنحو . ۲۰ - مجموعه مراسلات ومنشئات . ۲۱ - رسالاتی درفن معما . ۲۲ - بهارستان . ۲۳- هفت‌مثنوی. ۲۴ - هفت اورنگ . ۲۵ - فاتحةالشباب . ۲۶ - واسطةالعقد . ۲۷ - خاتمةالحیات . ۲۸ - سلسلةالذهب . ۲۹ - سلامان وابسال و بنابرقول سام میرزا ۴۶ کتاب و رساله و در مرآت‌الخیال ۹۲ کتاب ورساله ذکرکرده است .

ازاشعار اواست :

آنکه ناکس بود باصل سرشت   بتقالیب دهر کس نشود

(ازسعدی تاجامی ص۵۶۲ تا ص۵۹۷ وتحفه سامی ص۸۶)

۲ ــ ملاحاج محمدکریم متخلص به‌مجنون فرزند حسن دردشتی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۵ ه.ق) ازشعراء وصاحب دیوان بنام آشوب وازاشعار اواست :

شتاب عمرتو مجنون اگرچه پنهان است   شود ز سرعت و تعجیل آب جو واضح

(فهرست کتابهای اهدائی مشکوة ج۱۰ ص۱۵۰۷)

۳ ــ ابومسلم عبدالرحمن‌بن محمدبن احمدبن سیاه‌دشتی مذکر متوفی (۳۷۶ ه . ق) ازمحدثان که ابوبکربن مردویه از او روایت کرده است . باغ احمدسیاه که تا زمان ملکشاه سلجوقی دائر بوده ازمستحدثات جداعلای اواحمدبن سیاه‌دشتی بوده‌است . ودرکلمه دردشت تاریخ وفات ابومسلم را (۳۴۶) گفته است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۵۶)

۴ ــ ملك‌المتکلمین حاج میرزا نصرالله بهشتی فرزند محسن دردشتی اصفهانی مولود (۱۲۷۷ ه . ق) ومقتول در اواخر جمادی‌الاولی (۱۳۲۶ ه. ق) وی از رجال روشن‌فکر و ←

۸۲ ـ محله درب کوشك = در کوشك :

این محله جزءبخش۲ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وازمحلات حیدری خانه بوده است[۱] .

کسانیکه بعنوان دربکوشکی باین محله منسوبند :

۱ ـ ابوبکر نمیری محمدبن ثابت‌بن محمدبن سواربن علوان درب‌کوشکی امام مسجد جامع اصفهان در درب‌کوشك ومردی سنی‌مذهب وفاضل ودرادب وشعر بارع وفصیح وکثیرالسماع و قلیل‌الروایة بود مسکنش درنزدیکی دروازهٔ بخارا[۲] بود واز عبدالله‌بن محمدبن محمدبن فورك وابوبکر محمدبن ابراهیم‌بن‌المدینی و احمدبن‌عبدالله نهردیری روایت میکرد ویحیی‌بن مندة از او روایت‌کرده است[۳] .

۸۳ ـ محله درب مسجد حکیم :

این‌محله جزءمحلات غربی‌ازشمال به‌جنوب اصفهان است وجزءِحیدری‌خانه محسوب میشده ومسجد حکیم‌داود دراین محله واقع گردیده است[۴] .

آزادیخواه صدر مشروطیت ایران وازخطباء ووعاظ فصیح‌البیان بود . درابتدای امردرفصاحت ازمحضر آخوند ملاصالح فریدنی تحصیل‌کرد و از محضر سیدجمال‌الدین اسدآبادی کسب فیوضات نمود وتحت تأثیر افکار عالیه اوقرارگرفت ودر جرگه آزادیخواهان تهران وارد شد تا پس از چندسال کوشش مداوم بامر محمدعلیشاه قاجار درباغ شاه محبوس و سپس مقتول گردید . درابتدای کار چندسالی درهندوستان دست بانقلاب زد و باصفهان مراجعت کرد ودر اصفهان هم با مخالفت ظل‌السلطان روبرو گردید وناچار بمسافرت تهران شدکه سرانجامش درپیش‌گفته شد .　　　(زندگانی ملك‌المتکلمین)

۵ـ دکتر سیدمهدی‌ملکزاده فرزندحاج‌میرزا نصرالله‌بهشتی ملك‌المتکلمین فرزندمحسن دردشتی اصفهانی متوفی‌دوشنبه سی‌ام جمادی‌الثانیه (۱۳۷۵ ه.ق) از پزشکان حاذق وفضلاء و نویسندگان ونماینده مجلس شورای‌ملی وسنا ازتألیفات او است :　۱ ـ تاریخ مشروطیت ایران درشش مجلد .　۲ ـ زندگانی ملك‌المتکلمین که درشرح حال پدرخودملك‌المتکلمین برشته تحریر درآورده است .　　　(زندگانی ملك‌المتکلمین)
و(تذکرةالقبور یابزرگان ودانشمندان اصفهان ص۵۲۱)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .　۲ ـ دروازه بخارا دروازه‌ای بوده در اصفهان‌که بخارائیهادرآن‌سکونت‌داشته‌اند ـ معجم‌الادباءج۱۸ص۳۲.　۳ـ معجم‌الادباءج۱۸ص۳۲.
۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .

۸۴ـ محله دروازه اشرف:

این محله جزءبخش ۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ودرقدیم جزء نعمتی‌خانه بوده است[۱] .

۸۵ ـ محله دروازه دولت :

این محله که بدروازه دولت ومحله دولت هردومعروف است حدجنوبی نهر فرشادی است واین حد ازکناربازارچه بلند معروف تاپیش دروازه حسن‌آباد ممتد است . وحد شرقی آن ازدروازه حسن‌آباد و بازار ممتد است بطرف شمال تا پیش دروازه اشرف ، وحدشمالی آن از همان دروازه اشرف کشیده است بطرف مغرب تا پیش خیابان درکوشك ، وحدغربی آن خیابان درکوشك است ممتد پشت باروی اشرف چهارباغ کهنه عباسی تا پیش دروازه بازارچه بلند ، وتمام قصور و عمارات شاهی وباغات خاصه ومیدان نقش جهان وغیره ومسجد جامع‌عباسی‌وبعضی‌بازارهای جزءِکه بعضی ازآنها ببازاربزرگ متصل وبعضی منفصل ازقبیل بازارقیصریه و بازار چیت‌سازهاوصباغان وزرگرها وشمشیرگران وبازارمسگرها وقنادیها وحمام شاه[۲] .

۸۶ ـ محله دروازه‌نو :

این محله همان محله آب‌بخشان است[۳] .

۸۷ ـ محله دشت عطاء :

این محله منسوب به ابـوزید عطاءِ خشك ابن‌السائب‌بن ابی‌السائب متوفـی (۱۳۰هـ. ق) اصفهانی است[۴] .

۸۸ ـ محله دیلمان :

بنابگفته حافظ ابونعیم اصفهانی[۵] . دیلمان ازمحلات خرجان اصفهان است وچندتن ازمحدثان بآنجا منسوبند[۶] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹ .
۲ ـ نصف جهان ص۲۸ .
۳ ـ نصف جهان ص۱۰۱ .
۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴ .
۵ ـ ذکراخباراصبهان ج۲ ص۸۱ .
۶ ـ ازمنسوبان به‌محله دیلمان خرجان است :

۱ـ ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق‌بن‌یوسف دیلمانی‌خرجانی ازمحدثان‌که ازپدرش روایت ←

۸۹ ـ محله ذوالفقار :

متصل ببازاربزرگ ودرآن مسجد ومدرسه وحمام ذوالفقار واقع شده است.

۹۰ ـ محله ربض اصفهان :

این محله دراطراف اصفهان بوده وبشهراتصال داشته است وابوشکراحمدبن محمدبن علی ربضی که پیش‌ازقرن هفتم‌هجری میزیسته منسوب باین محله‌است[۱].

۹۱ ـ محله روشاباد[۲] = روشاباذ = دوشاباذ = دوشاباد :

درسال (۲۸۷ هـ.ق) نام محله‌ای دراصفهان بوده‌که احمدبن عمروبن‌ابی‌عاصم ضحاك شیبانی قاضی اصفهان در آنجا مدفون گردیده[۳] . و نیز شیخ یوسف بنای صوفی معروف[۴] وپسرش شیخ‌محمدنیای مادری ابونعیم واحمدبن یوسف بناء پسر دیگرش درآنجا مدفون و جزء خاجوی کنونی بشمار میرود .

→

میکرد وابوعمروبن‌حکیم شهرستانی وابواحمد وابومحمد وجماعتی ازاوحدیث نقل‌کرده‌اند.
(اللباب ج۱ ص۴۳۸)

۲ ـ اسحاق‌بن یوسف خرجانی دیلمانی متوفی (۲۴۵ هـ . ق) از ساکنان محله دیلمان خرجان اصفهان و ازمحدثان ثقة‌که حدیث از سفیان‌بن عیینه و حفص‌بن عمر عدنی وطارق‌بن عبدالعزیز مکی شنیده وعقیل‌بن یحیی و پسرش عبدالله ازاو روایت کرده‌اند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۶)

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۵ . ۲ ـ درذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ دوشاباذ بدال مهمله دراول‌آمده ولی درطرایق‌الحقایق وتذکرةالقبور روشاباد به‌راء مهمله آمده‌است وناچار باید گفته ابونعیم را مقدم داشت مگرآنکه اشتباهی ازناسخ شده باشد. ۳ـ ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ . ۴ ـ شیخ‌یوسف ازعرفای معروف قرن سوم وازنیاهای مادری ابونعیم ومجلسی بوده‌که سلسله طریقتش چنین است : شیخ یوسف ازشیخ‌ابوالعباس موسوس واو ازشیخ محمدبن اسماعیل مغربی واو ازشیخ ابوبکروراق واو ازشیخ ابوعبید بصری و او از شیخ عبدالله مکی واواز ابوعبدالله واوازفضل واوازاحمد واوازیحیی واواز ابوالحسین نوری واواز سیدرقة منصور واواز عمار واواز احمد واوازعاصم واوازابوتراب نخشبی واواز عمرحداد واوازیحیی‌بن معاذ رازی واواز حاتم‌اصم واواز سلیمان دارانی واو ازیزید بسطامی واو ازشقیق بلخی واو از معروف کرخی واو ازفضیل عیاض و او از ذوالنون مصری و او از ابراهیم ادهم و او از حسن بصری و او از امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام .
(طرایق‌الحقایق ج۲ ص ۱۵۱)

۹۲ ـ محله سرجوی رکن‌الملك :

از محلاتی است که نهر فرشادی پس‌ازعبور ازمدرسه چهارباغ ازآن محله میگذرد .

۹۳ ـ محله سرنجان :

در کتاب اللباب فی‌تهذیب‌الانساب در جلد یکم صفحه ۵۴۲ حرف سوم نون نوشته شده درصورتیکه در کتاب معجم‌البلدان ج‌سوم صفحه ۲۱۸ سریجان بر وزن سلیمان مصغر سرجان بیان شده ودرذکراخباراصبهان ابونعیم نیز سریجان مسطور است . وبظن قوی صاحب اللباب دچاراشتباه شده وصحیح آن همان سریجان بیای مثناة منقوط ازتحت است وظاهر اینستکه معرب سریگان باشد و در لغت در اصل به‌جائی گفته میشده که لغزنده باشد . و اگر فرض کنیم که سرنجان بنون درست باشد معرب سرنگان خواهد بود[۱] .

۹۴ ـ محله سریجان :

این‌محله طبق گفته‌ابونعیم اصفهانی ازمحلات جزءِ مدینة(شهرستان) اصفهان بوده ومحدثانی نیز ازآنجا برخاسته‌اند[۲] .

۹۵ ـ محله سلطان سنجر :

این محله ازمحلات جزء جوباره ودرقدیم سکنه قابل‌توجهی داشته است[۳] .

---

۱ ـ صاحب‌اللباب، ابوطاهرعمربن ابراهیم‌بن محمدبن فاخررا سرنجانی دانسته وازمحدثان منسوب بآنجا آورده درصورتیکه اووچندتن دیگر را ابونعیم مردم سریجان بیاء شمرده است.

۲ ـ وازمحدثان آنجا است :

۱ـ ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن فاخربن محمدبن‌یحیی فقیه سریجانی مدینی متوفی ربیع‌الاخر (۳۵۸ ه.ق) ازمحدثان که ازمنیعی وابن ابی‌داود ومحمدبن هارون‌بن‌حمید مجدر وبغدادیان وکوفیان وبصریان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۲۰۳)

۲ ـ ابوجعفر محمدبن احمدبن بشیر سریجانی اصفهانی از رواة ومحدثان .

(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۱۶۴)

۳ـ ابوطاهرعمربن ابراهیم بن محمدبن‌فاخرسریجانی‌معدل متوفی هفتم‌صفر(۴۰۵ه.ق) ازمحدثان که درعراق ازاحمدبن سلیمان نجار وجعفر خالدی ورازیان حدیث شنید .

(ذکر اخبار‌اصبهان ج۲ ص۳۵۷)

۳ ـ نصف جهان ص۲۸ .

۹۵ ـ محله سلم :

بفتح اول و سکون دوم نام مردی است که دراصفهان دراوائل تسلط اعراب سکونت داشته واوراست باب‌سلم ونیز باغ‌سلم ودرلغت بمعنی دلوی است‌که یکدسته داشته باشد[۱] .

۹۷ ـ محله سنبلان :

بضم سین وسکون نون وضم‌باء موحدة وبعدش الف و در آخرش نون محله بزرگی است دراصفهان[۲] .

یاقوت در معجم‌البلدان گفته این کلمه (سنبلان) تثنیه سنبل و محله‌ای در اصفهان میباشد[۳] .

ابونعیم اصفهانی درکتاب ذکر اخبار اصبهان دریکجا گفته سنبلان از دهات متصل باصفهان است[۴] .

ودرجای دیگر گفته‌محله‌ایست دراصفهان[۵]. وگویا ازدهات متصل‌بشهربوده که بعد محله شهر شده است .

درتاریخ اصفهان و ری گفته شده که سنبلان همان سنبلستان امروزی است، که معروف میباشد[۶] .

این محله درقدیم سنبلان استعمال میشده وامروزسنبلستان گفته میشود و محل کنونی آن میان دردشت ودرب امام میباشد ولی دراصل چنبلان و یا چلمان ویا چلمون وبعضی گفته‌اند جمیلان بوده ودر زمان تسلط اعراب معرب گردیده و سنبلان خوانده شده و اینکه معجم‌البلدان آنرا تثنیه سنبل خوانده منظور وزن است نه مطابق وضع لغوی .

عده‌ای محدث هم باین محله قدیمی منسوبند[۷] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۴۰ .　　۲ ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۵۶۸ .

۳ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱ .　　۴ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹ .　　۵ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۳۰۵ .

۶ ـ ذکر اخبار اصبهان و ری ص۴۱۰ .　　۷ ـ از محدثان منسوب باین محله است :

←

→

۱ ــ قاسم‌بن ابی‌ایوب بهرام سنبلانی معروف به‌اعرج است وگفته شده که سعیدبن‌جبیر براو وپدرش درقریه سنبلان فرود آمد ودوسال بماند واحادیثی ازاوشنیدند : شعبه و هشیم و اصبغ بن زید از او وخود ازسعیدبن جبیر روایت میکردند وسعید از ابن عباس .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹)

۲ ــ ابوبکر احمدبن یحیی سنبلانی ازمحدثان‌که بدمشق وارد شد ودرآنجا حدیث از ابوعبدالرحمن هارون‌بن سعید راعی و ابراهیم‌بن عیسی اصفهانی روایت کرد ، ابراهیم‌بن عبدالرحمان‌بن عبدالملك‌بن مروان ازاو روایت میکرد . (معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱)

۳ ــ ابوجعفراحمدبن سعیدبن‌جریربن یزید سنبلانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازجریربن عبدالحمید وانس‌بن عیاض وابن‌مبارك وعبدالرحمان وعده‌ای دیگرنقل‌کرده وابونعیم‌اصفهانی نیز ازاو حدیث نقل کرده وی مردی ثقة بود ومحمدبن یحیی‌بن مندة اصفهانی‌که ازاهل‌بیت حدیث بود ازاو روایت دارد .
(اللباب ج۱ ص۵۶۸)

۴ ــ ابوعبدالرحمان خالدبن ابی‌کریمة سنبلانی از محدثان است‌که مردم محله سنبلان بود ولی ساکن کوفه شد . ابن‌عیینه ومسعر وثوری وشعبه ازاو حدیث نقل کرده‌اند .
(ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۳۰۵)

۵ ــ ابوعلی حسن‌بن علی‌بن سعید سنبلانی جعفی یکی ازابدال بود و از ابومسعود و سهل‌بن‌عبدالله ابوطاهر روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۹)

۶ ــ ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمان سنبلانی اصفهانی متوفی (۱۸۱ ه.ق) از محدثان وعم محمدبن سعیدبن‌الاصفهانی است که ازسهیل‌بن ابی‌صالح و ابواسحاق شیبانی و عطاءبن‌السائب و محمدبن عبدالرحمن‌بن ابی‌لیلی روایت دارد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴)

۷ــ یحیی‌بن ابوعلی محمدبن‌سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی‌اصفهانی ازمحدثان‌که خود وپدرش درسنبلان سکونت داشتند وپسر ازپدر روایت میکرد وپدر چنانچه‌گفته شد ازسهیل‌بن ابی‌صالح وابواسحاق شیبانی ودیگران . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴)

۸ ــ ابوجعفر محمدبن سعیدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن‌بن اصفهانی سنبلانی متوفی (۲۲۰ ه.ق) وی برادرزاده ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی بود که در کوفه سکونت کرد ودرآنجا معروف به حمدان بود. حدیث ازقاسم‌بن معن روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۵)

۹ ــ ابوعمرعامربن‌اسیدبن واضح‌الواضحی‌سنبلانی‌امام مسجد ایوب‌بن زیاد وازوکیع و ابن عیینه و یحیی قطان و ابن‌مهدی و معتمر روایت میکرد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۸)

۱۰ــ ابومحمددلیل‌بن‌ابراهیم‌بن دلیل سنبلانی ازقدمای محدثان‌اصفهان است ویادآوری شده‌که او سعیدبن‌جبیر را دراصفهان دیده وگمان‌کرده‌که اویکصدوبیست‌سال دارد ، ابومحمد

←

۹۸ ـ محله سنگ‌تراشان[۱] .

این محله ازمحلاتی است که درجلفا وجود دارد وچون عده‌ای درآن محله سنگتراشی میکرده‌اند باین نام خوانده شده ودرهرحال بعد از صفویه نامگذاری شده است . ومردمان نامداری در دوره قاجاریه ازاین محله برخاسته‌اند[۲] .

۹۹ ـ محله سیچان :

این محله جزءبخش۵ ازمحلات جنوبی رودخانه زاینده‌رود میباشد ودرواقع از دهاتی است که بشهراتصال یافته است[۳] . ومعدودی ازسکنه‌آنجا قابل یادآوری میباشند[۴] .

از لوین و ابی‌الدرداء مروزی و دیگران روایت کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۲)

۱۱ ـ داودبن سلیمان سنبلانی وی از دیه سنبلان بود و علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را دیده است . این نکته را ابونعیم اصفهانی درکتاب خود بنقل ازحمزه اصفهانی گفته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۱)

۱۲ ـ عبدالله‌بن علی سنبلانی از محدثان که ازیحیی‌بن سعید قطان روایت میکرد ، و احمدبن عصام ازاو روایت دارد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۵۲)

۱ ـ زنده‌رود ج۱ ص۶۵ . ۲ـ کسانی‌که ازاین محله برخاسته‌اند :

۱ ـ ناظم‌الدوله میرزا ملکم‌خان فرزند یعقوب ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی مولود (۱۲۴۹ ه.ق) مطابق (۱۸۳۱ـ م) و متوفی (۱۳۲۸ ه.ق) مطابق (۱۹۰۸ـ م) از رجال نامدار ودانشمند ایران در دوران قاجاریه بود . وی سفارت ایران را در نقاط مختلف دنیا عهده داشت وازنویسندگان وروشن‌فکران بودکه شرح آن درمحله جلفا ذکرشده است .

۲ ـ فریدون‌بن ناظم‌الدوله میرزاملکم‌خان ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی‌متوفی بعد (۱۳۳۶ ه.ق) فرزند ناظم‌الدوله که درمحله جلفا شرح حالش ذکر گردیده است .

۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۴ ـ ازمنسوبان بآنجا است :

۱ ـ عبدالله‌بن محمدعلی سیچانی از خوشنویسان خط نستعلیق که در (۱۰۹۵ ه.ق) میزیسته است . (تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۲۱۲)

۲ ـ آقا عبدالمولی‌ـ مولی تخلص سیچانی اصفهانی ازشعراء معاصر شیخ‌علی‌حزین واز سادات واز مصاحبان میرنجات و میرزا نوری ودر عربیت دست داشت و خط شکسته را درست مینوشت . ازاشعار اواست :

تنها نه‌گل دراین باغ بوی وفا ندارد — گلزار هستی ما رنگ بقا ندارد

(صبح گلشن ص۴۴۳)

۱۰۰ - محله سیداحمدیان :

این محله درقدیم جزء جوباره وازمحلات نعمتی‌خانه[۱] بوده و از هنگامی که جوباره بخرابی گرائیده محله سیداحمدیان استقلال حاصل کرده است واکنون جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۰۱ - محلهٔ سینه پائینی :

محله‌ایستکه قسمتی از آن جزءِبخش۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳] .

۱۰۲ - محله شاه‌شاهان = شهشهان .

این محله پیش‌ازاینکه خانقاه و مدفن شاه علاءالدین در آن بناشود ظاهراً بهمان نام محله طوقچی یا حسینیه خوانده میشده و جزءِ آن محله بوده است . ولی پس از آنکه شاه علاءِالدین که از عرفاء و اقطاب بنام آن زمان بوده و او را عرفاءِ شاه‌شاهان میخوانده‌اند در آنجا توطن کرد بتدریج محله بنام او شهرت و انتساب یافته است . و کم‌بکم روبتوسعه و از محلات بزرگ اصفهان شده است . محله شاه‌شاهان یاشهشهان دراوائل قرن چهاردهم برمحله طوقچی هم برتری‌داشته وحتی کدخدای شهشهان کدخدائی طوقچی را نیز عهده‌دار بوده است[۴] . واکنون جزءبخش۳ محلات‌شمال زاینده‌رود است. ازاماکن تاریخی واقع دراین‌محله همان حسینیه‌شهشهان‌است که‌مدفن‌شاه‌علاءِالدین شده‌وازهرجهت موردتوجه‌باستان‌شناسان میباشد . این محله درادوار تاریخی ازقرن نهم ببعد رجالی ازآن برخاسته‌اند[۵] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ .　　۲و۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ .

۴ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .　　۵ ـ ازآن جمله است :

۱ـسلطان‌النقباء بالاتفاق، برهان‌نجباءالافاق،مقدم‌السادات، السعیدالشهیدالاعلی‌محمدبن محمدبن محمدبن یحیی بن محمدبن‌محمدبن حیدر بن‌الحسین بن‌محمدبن‌قوام‌الشرف بن‌محمدبن قوام‌الشرف بن‌هادی بن‌اسماعیل بن‌حسین بن‌علی بن‌حسن بن‌علی بن‌الحسین بن‌علی بن‌عمر بن‌الحسن بن علی بن‌علی بن‌الحسین بن علی بن‌ابی‌طالب(ع) شاه علاءالدین در رمضان (۸۵۰ هـ.ق) در ساوه بامر شاهرخ‌بن‌امیرتیمور باتفاق افضل‌الدین ترکه وعده‌ای دیگر مصلوب‌گردید و بعدازهشتاد روز شاهرخ بمرد وسلطان محمد بهادر نعش اورا با احترام تمام باصفهان منتقل ودر حسینیه و ←

→
خانقاه او دفنش کرد و بر بقعهٔ اوعماراتی ساخت و قرای درزیان و اصفهانك و قرائی دیگر را بر آن وقف کرد . (ازسعدی تاجامی ص۶۵)

۲ ــ سیدمحمدبن عبدالصمد حسینی مدرس شهشهانی متوفی(۱۲۸۷ ه.ق)ازشاگردان صاحب ریاض المسائل وفرزندش سیدمحمد مجاهدو کلباسی واستاد فاضل‌اردکانی وازمدرسان قرن‌سیزدهم‌هجری وازتألیفات‌اواست: ۱- انوارالریاض‌وانیس‌المتقین. ۲-رضوان‌الآملین. ۳ - رساله‌ای درارث . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۳ ــ سیدابوالحسن شهشهانی متوفی (۱۲۵۹ ه.ق) از اعلام و افاضل اصفهان بشمار میرفته است . (اعلام‌الشیعه جزء۲ ص۳۱)

۴ ــ میرمحمد علی‌بن میرعبدالصمد حسینی شهشهانی متوفی (۱۲۶۵ ه.ق) ازعلماء و فضلاء وبرادر میرسیدمحمد شهشهانی بوده است . (رجال اصفهان ص۵۹)

۵ ــ میرزا عبدالوهاب‌بن محمدامین‌شهشهانی‌متوفی‌بعد (۱۲۷۱ ه.ق) ازعلماء وفضلاء وریاضی‌دانان ومؤلف بحرالجواهر درسیاق . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۶ ــ ضیاءالدین شهشهانی ازخوشنویسان خط نستعلیق که درسال (۱۳۰۴ ه.ق) حیات داشته است . (فهرست کتابهای خطی دانشگاه تهران)

۷ ــ میرزا عبدالغفارخان ازمؤسسان فرهنگ جدید در اصفهان ومؤسس مدرسه شرف ازمدارس جدید دراصفهان درقرن چهاردهم هجری . (الاصفهان ص۶۴)

۸ ــ میرزا محمدجعفرحسینی شهشهانی ازاحفاد شاه علاءالدین شهشهانی ونیای‌اعلای حاج سیدحسین شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه.ش) از علمای معاصر حاج سید محمدباقر رشتی حجةالاسلام ومورد احترام و وثوق ومتولی قریهٔ اصفهانك در حومه اصفهان .

(رجال اصفهان ص۱۹۱)

۹ ــ میرزا ابوالقاسم لشکرنویس زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) وی از خانواده شهشهانیان ودرتهران سمت لشکر نویسی داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۰ ــ میرزاابوالحسن مستوفی شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان وصاحب خط وقلم بوده است . (جغرافیای اصفهان ص ۷۸)

۱۱ ــ میرزاابوتراب مستوفی‌شهشهانی ازخانواده میرزانصرالله مستوفی ــ سررشته‌دار ومستوفی بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۲ ــ حاج‌میرزاهادی مستوفی متوفی‌پیش‌از (۱۲۹۳ ه.ق) از مستوفیان شهشهان بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۳ ــ حاج‌میرزا اسدالله‌بن حاج‌میرزاهادی‌زنده در (۱۲۹۳ه.ق) مستوفی‌وسررشته‌دار. (جغرافیای‌اصفهان‌ص۷۸)

۱۴ ــ میرزا احمد شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان شهشهان .

۱۵ ــ میرزاعلینقی‌شهشهانی سرسلسله‌مستوفیان شهشهان. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۶ ــ حاج سیدحسین‌بن یحیی حسینی شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه . ش) از علماء و رجال ایران واحیاءکننده موقوفات بقعه شهشهان .

۱۰۳ - محله شروانشاذان = شروانشاذان :

این محله در قرن سوم هجری درشهر اصفهان دائر بوده است[۱]. و بعضی از محدثان نیز باین محله منسوبند[۲].

۱۰۴ - محله شمس آباد :

این محله جزء بخش ۱ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳]. وعده‌ای ازمردان نامدار بآن منسوبند[۴].

۱۰۵ - محله شمیکان :

بفتح وکسر وبعد یاء کاف وآخرش نون محله‌ایست دراصفهان که عده‌ای از روات بآن منسوبند[۵]. ودراللباب گفته : بضم شین وفتح آن وکسرمیم وسکون یاء

۱- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ . ۲- ازآن جمله است : ۱ - سعیدبن‌یحیی بن طویل سعدویه شروانشاذانی اصفهانی متوفی (۲۲۷ ه.ق) از راستگویان محدثان بود که از مسلم زنجی وابوبکربن عیاش وسلمة‌بن صالح روایت میکرد و درمحله شروانشاذان سکونت داشت . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۵)

۳ - تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۴ - ازآن جمله است :

۱- میرزا ابوالقاسم‌شمس آبادی ازمستوفیان دیوان اصفهان که قبل‌از(۱۲۹۳ه.ق) فوت شده ودرخط وربط شفیعای ثانی بشمار میرفته وکمالات وهنرهای دیگری نیز داشته است .

(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۲ - میرزا احمدبن میرزا ابوالقاسم شمس‌آبادی صاحب کمالات در نویسندگی و مستوفیگری بوده ودر (۱۲۹۳ ه.ق) حیات داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۳ - میرزااسماعیل‌بن میرزاابوالقاسم شمس‌آبادی متوفی‌بعد (۱۲۹۳ ه.ق) ازاربابان کمال ومنشی‌باشی خاصه منوچهرخان حاکم اصفهان بوده وپسری بنام میرزا محمدعلی داشته که او نیز ازصاحبان فهم وکمال بوده ودرحیات پدر فوت شده بوده است .

(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۴ - میرزا محمدحسن‌بن میرزا ابوالقاسم شمس‌آبادی صاحب کمالات و هنر و امین وظایف ومستمریات مشهد بوده ودر (۱۲۹۳ ه.ق) حیات داشته است .

(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۵ - میرزا محمدعلی مازندرانی شمس‌آبادی ازمترجمان جلددهم بحارالانوار مجلسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۵ - معجم‌البلدان ج ۳ ص۳۶۶ .

آخر حروف وفتح کاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان[1] . وابونعیم بضم شین وفتح‌میم وسکون یاء خوانده است[2] . درهرحال همانطورکه درمعجم‌البلدان گفته چندتن محدث نیز باین محله قدیمی که اکنون جز نام چیزی از آن باقی نیست منسوبند[3] .

۱۰۶ ـ محله شهیش = شئیش = اسفیس = اسفیش = شیش :

این محله همان محله اشکهان و جزء بخش ۱ از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[4] .

۱۰۷ ـ محله شیخ ابومسعود = درشیخ :

این محله ازطرف جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال به مورنان وازمشرق به قبله دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه‌نو محدود میشده است وچهارسوئی هم‌نزدیك آن بوده که چهارسوی درشیخ نام داشته است . خانقاه و بقعه شیخ ابومسعود رازی وقبر ابونعیم دراین محله واقع و در قدیم از محلات بزرگ اصفهان بشمار میآمده است[5] .

۱۰۸ ـ محله شیخ سبنا = شیخ یوسف بناء :

این محله در خاجو واقع ودر قدیم آن را دوشاباد یا روشاباد مینامیده‌اند . مقبره شیخ یوسف بناء دراین محله بوده است[6] .

---

۱ ـ اللباب ج۲ ص۲۹ . ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۴ . ۳ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ جعفربن ناجیة شمیکانی اصفهانی از محدثان که جماعتی از تابعان را درك و از ابوعطاءبن ابی‌رباح پرسش‌کرده وازنعمان‌بن عبدالسلام روایت دارد . (اللباب ج۲ص۲۹)

۲ ـ قدامةبن میمون شمیکانی اصفهانی ازساکنان محله شمیکان واز روح‌بن‌مسافرکه از طرف مادر جد عبدالله‌بن محمدبن زکریابن الصلت‌الفقیه‌الخطیب است روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴)

۳ـ هذیل‌بن فروخ شمیکانی اصفهانی محدث‌که ازسفیان‌ثوری ازمسئله‌ای درنمازپرسش کرده ودر نود سالگی وفات کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۳۶)

۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۵ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۳ .

۶ ـ ذکر تاریخ اصبهان ج۱ ص۱۰۰ .

۱۰۹ ـ محله صالحان :

در معجم‌البلدان گفته : صالحان تثنیه صالح پیغمبر است و نام محله‌ای از محلات اصفهان که عده‌ای از علماء بآن منسوبند[۱] . بنظر نگارنده چون مردمان صالحی دراین محله ساکن بوده‌اند به‌این نام خوانده شده است . و در لباب گفته : صالحان محله بزرگی است دراصفهان[۲] . ولی اکنون ازمحله مزبوراثری نیست ولی همانطورکه یاقوت گفته علماء ومحدثانی باین محله منسوبند[۳] .

۱۱۰ ـ محله طراز :

این محله که دراطراف باغ‌کاران وچهارباغ خاجو بوده[۴] ، درزمان خود از محلات بزرگ بشمار میآمده است. در قاموس‌اللغة گفته : طراز بکسرطاءِ راه جامه

---

۱ ــ معجم‌البلدان ج۳ ص ۳۸۹ .   ۲ ــ اللباب ج۲ ص۴۵ .   ۳ ــ از منسوبان باین محله است :

۱ ــ ابوبکر محمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی از محدثان که از جدش ابوذر روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۲ ــ ابوالحسین عبدالغفوربن عبدالله‌بن احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازمحدثان که ازعبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۳۲)

۳ ــ ابوذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌بن ابراهیم صالحانی متوفی ربیع‌الاول (۴۴۰هـ.ق) از وعاظ ومحدثان که حدیث ازابوالشیخ حافظ وغیر اونقل میکرد ونواده اوابوبکرمحمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۴ ــ ابوعبدالله احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازفقهای پرهیزگار ومتقی اصفهان . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۵ ــ ابومحمد عبدالله‌بن احمدبن ایوب صالحانی محدث‌که ازمحمدبن یحیی‌بن مندة روایت میکرد وابوبکربن مردویه ازاو . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۶ ــ ابونصر صالحانی از وزرای آل‌بویه . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۷ ــ حسین‌بن طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی صالحانی از محدثان متأخر . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۸ ــ سعیدبن طلحة‌بن‌حسین‌بن‌ابی‌ذرمحمدبن ابراهیم‌بن‌علی‌صالحانی‌متوفی (۵۳۲هـ.ق) از محدثان‌که خود نیز استماع حدیث‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۹ ــ طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌صالحانی متوفی (۵۱۵هـ.ق) از محدثان ومکثران درحدیث که درآخر عمر نابینا گردید . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۴ ـ تاریخچه محله خاجو ص۱۰ .

ومعرب‌تر ازاست و محله‌ای در مرو و نیز نام محله‌ایست در اصفهان. در سفر نامه ناصرخسرو[1]. هم ازمحلات پر ثروت و بزرگ اصفهان درآن زمان ذکر گردیده است. دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[2]. این محله را کوچه عنوان‌کرده وگفته است: ابوطاهرمحمدبن ابی‌نصرابراهیم‌بن مکی معروف به‌هاجرطرازی متوفی (۵۰۷ه.ق) ازمحدثان آنجا بوده وخود ازابومنصورشجاع وابوزید احمد پسران علی‌بن‌شجاع مصقلی و غیرآنان روایت میکرد و ابوسعد سمعانی از او. و در محاسن اصفهان[3] ابونصر طرازی را جزء شاعران اصفهان شمرده است. درمعجم‌البلدان پس ازآنکه گفته طراز در آخر اقلیم پنجم و از شهرهای ترکستان و نزدیك اسپیجاب است نوشته: ونیز محله‌ایست در اصفهان وشاید چون بازرگانان اهل شهرطراز ترکستان در آنجا اقامت میکرده‌اند باین نام خوانده شده است وابوطاهر نامبرده بالا را نیز ذکرکرده است[4].

۱۱۱- محله طوقچی = تقچی = تخجی = دربه = دریه :

این محله همان است که به دربه یا دریه معروف وبقعه و خیابان صاحب‌بن عباد درآن واقع[5]. ودرمجاورت منار باغ قوشخانه میباشد.

دروجه تسمیه این محله به طوقچی ونیز املای آن اختلاف است ومعمول نویسندگان امروزی طوقچی است. در رساله‌الارشاد[6]. فی‌احوال‌الصاحب‌الکافی اسماعیل‌بن عباد درباب مدفن او چنین گفته:

«نعش صاحب باصفهان نقل شد ودرمحله معروف به‌باب دربه مدفون گردید»
«واز شهید ثانی نقل شده که مدفن اودراصفهان وقبرش نزدیك دروازه طوقچی در»
«مقابل مسجد (باباسوخته) است و نیز شهید ازابن‌خلکان نقل کرده که صاحب در»
«خانه خودش مدفون شد ونیز گفته‌که این دروازه را عموم‌تخجی میخوانند ووجه»
«تسمیه آنرا چنین بیان میکنند بعضی از حکام که باصفهان آمدند مردم آنجارا»

---

۱ - سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶. ۲- اللباب ج۲ ص۸۴. ۳ - محاسن اصفهان ص۳۴. ۴ - معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷. ۵ - الاصفهان ص۱۸۵.
۶ - رساله ارشاد ص۴۴.

«مستجاب‌الدعوه شناختند وچون این‌نکته مانع مقاصد آنان بود ازتمام مردم‌شهر» «خواستند که تخم‌مرغی بیاورند ونزدیك دروازه بگذارند، چون این‌کارانجام شد» «وتخم‌مرغها مختلط شد دستور داد که هرکس تخم‌مرغ خود را بردارد ومردم هم» «هرکدام تخم‌مرغی برداشتند وچون هرکسی مال‌دیگری را برداشته بودآن‌تخمها» «مورد شبهه واقع ودیگر دعای‌آنان مورد استجابت نبود.» و چون تخم‌مرغها را روی هم چیده بودند آن دروازه را دروازه تخم‌چین خواندند و برحسب کثرت استعمال تخچی گردید و سپس آنرا معرب کرده طوقجی و تحریف کرده طوقچی خواندند. صاحب ارشاد درپایان ذکراین وجه تسمیه اظهارنظر کرده گرچه ممکن است مردم اصفهان مستجاب‌الدعوه بوده باشند ولی با اوضاع و احوال و گفته‌های شعراءِکه: بهشت روی زمین‌است خاك اسپاهان. بشرط آنکه تکانش‌دهند در دوزخ بعید بنظر میرسد.

۱۱۲ ـ محله طهران = طیران = تیران وآهنگران :

این محله که فعلاً درشمال‌شهراصفهان ونزدیك محله مورتان وآب‌بخشان ودر شمال خیابان فروغی واقع است در قدیم دیهی در نزدیکی دروازه شمالی شهر بوده وعالمان ومحدثانی نیز ازآن‌جا برخاسته‌اند. درکتاب معجم‌البلدان گفته[1]: طهران بکسروسکون وراءِ وآخرش نون وآن فارسی است ومردم محل میگویند: تهران زبر اطاء درلغت فارسی نیست و آن دیهی در ری و دیهی دیگر در اصفهان است که عده‌ای از آن برخاسته‌اند. ودر المشترك[2]. هم همین مضمون را تأیید کرده است. دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[3]. گفته دیه بزرگی‌است دردروازه‌اصفهان که عده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[4].

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲. ۲ـ المشترك ص۲۹۸. ۳ ـ اللباب ج۱ص۹۴.
۴ـ ازآن جمله است :

۱ ـ ابوبکر ابراهیم‌بن سفیان طهرانی محدث کثیرالحدیث که ازعراقیان واصفهانیان روایت میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۳)
←

→

۲ ــ ابوبکر ابراهیم‌بن سلیمان طهرانی محدث که حدیث ازابراهیم‌بن‌نصروغیراوشنید.
(المشترك ص۲۹۸)

۳ــ ابوبکرمحمدبن احمدبن محمود طهرانی‌متوفی (۴۳۲ ه.ق) وی درشیرازسکونت داشت ومردی پیر ومتجاوز ازنودسال داشت وحدیث از دارکی کبیروصغیرومحمدبن‌احمدبن مخلد فرقد روایت میکرد . وابوعبدالله قصار شیرازی ودیگران ازاو روایت میکردند .
(المشترك ص۲۹۸)

۴ ــ ابوبکرمحمدبن‌جعفرطهرانی محدث که ازاسماعیل‌بن یزید قطان‌کتاب ابراهیم‌بن اشعث را ازفضیل روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۶)

۵ ــ ابوجعفر محمدبن احمدبن عمرطهرانی مؤدب ازمحدثان که دربغداد ازابن سماك ونجار ونقاش حدیث نوشته وخود ازمشایخ حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۴۱)

۶ ــ ابوجعفر محمدبن محمدبن صخربن سدوس تمیمی طهرانی متوفی (۲۶۸ ه.ق) از محدثان‌که حدیث از حسین‌بن حفص و حمیدی ومقری ومحمدبن حرب وخلادبن یحیی و ابی‌عاصم وسلیمان‌بن حرب وغیرآنان روایت‌کرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۴)

۷ ــ ابوالحسن علی‌بن رستم‌بن مطیار طهرانی متوفی (۳۰۳ ه. ق) وی از محدثان و ازخانواده رستمی و عم ابوعلی‌بن رستم‌که از لوین واحمدبن معاویة وجبر و عبدالله‌بن عمر برادر رسته وعقیل‌بن یحیی وطبقه‌اش ابراهیم‌بن‌معمرویحیی‌بن واقد ومحمدبن محمد وحسن‌بن علی‌بن عفان روایت میکند . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰)

۸ ــ ابوصالح عقیل‌بن یحیی‌بن اسود طهرانی متوفی رمضان (۲۵۸ ه.ق) از محدثان که حدیث ازیحیی‌بن سعید قطان وابوداود وابن عیینه وابن مهدی روایت میکند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۴)

۹ ــ ابوالعباس احمدبن محمدبن احمدبن قاسم‌بن سهلویه طهرانی متوفی رمضان (۴۶۹ ه.ق) ازمحدثان‌که ازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکند وابونصر احمدبن عمرمغازلی و ابوسعید احمدبن‌محمد بغدادی ازاوروایت دارند . (اللباب ج۲ ص۹۴)

۱۰ ــ ابوعثمان سعیدبن مهران‌بن محمد طهرانی از محدثان که از خوارزمی روایت دارد وشعاروعبدالرحمن‌بن سیاه ازاو روایت میکنند . اوبیك‌واسطه شیخ‌ابونعیم حافظ‌اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۳۰)

۱۱ ــ ابوالقاسم ناجیه‌بن سدوس طهرانی از محدثان که ساکن طهران بود واورا در آنجا اعقاب وخانه وضیاع مشهوراست ودهقانی با ثروت وصاحب ضیاع وعقاربزرگی بود. محمدبن احمدبن تمیم ازاو حدیث نقل کرده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۲)

۱۲ ــ ابونصر محمودبن عمربن ابراهیم‌بن احمد طهرانی ازمحدثان‌که حدیث ازابن مردویه نقل میکرد و ابوالفضل مقدسی از او حدیث استماع کرده است .
(معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)

←

۱۱۳ - محله طیرا[۱] = تیره :

این محله درقدیم در نزدیکی دروازه تیره که در مغرب شهر اصفهان بوده واقع میگردیده است ودانشمندانی نیزبآنجا منسوبند[۲] . درزمانی هم جزء دهات اصفهان محسوب میشده ولی پس‌ازتوسعه ضمیمه شهر شده است .

۱۱۴ - محله ظله :

این محله ازجمله محلاتی است که اززمان صفویه ببعد دائرشده ودر اوائل قرن چهاردهم بویرانی کشیده شده بود ولی ازآن تاریخ ببعد بعمران وآبادی آن افزوده شده است . احتمال میرود ازظله عربی‌که بمعنی صفه وسایبان است گرفته شده باشد یعنی در دروازه ظله چیزی چون صفه و یا چادری بوده که واردان در هنگام گرما ونظائر آن ازآن استفاده میکرده‌اند .

۱۱۵ - محله عباس‌آباد :

این‌محله درزمان شاه‌عباس بزرگ‌احداث شده وعلت احداثش فزونی‌جمعیت بطوری بوده که بشاه گزارش دادند بیست‌وپنج‌نفر زن ومرد دریك اطاق میخوابند

→

۱۳ ــ علی‌بن یحیی طهرانی از محدثان که حدیث ازقتیبة‌بن مهران اصفهانی استماع کرد . (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)

۱۴ ــ محمدبن جعفربن احمد طهرانی از محدثان و از مشایخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲)

۱ ــ بروزن شیوا بکسراول وسکون ثانی . معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴ . ۲ ــ ازمنسوبان بآنجا است :

۱ ــ ابوالعباس احمدبن محمدبن‌علی‌بن مته طیرانی که مسافرتی درطلب حدیث‌کرده وحدیث بسیار استماع ولی‌جز کمی حدیث نگفته است ازابوعبیدة عبدالله‌بن‌محمدبن‌الحسن‌بن زیاد جهرمی خود حدیث شنید وابوبکربن مردویه ازاو . (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۲ ــ ابوبکرمحمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن احمدبن‌یزید انصاری طیرانی‌متوفی (۴۲۳ ه.ق) ازصلحای‌شیوخ وثقات وصاحب رأی واستواری دردین وپرکتابت وثابت‌قدم و نیکو تصنیف بود . یحیی‌بن‌منده در تاریخ اصفهان از او چنین یاد کرده است .
(معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۳ ــ ابومحمد طیرانی ازمقریان قرون چهارم و پنجم هجری بوده است .
(محاسن اصفهان ص۳۰)

و شاه دستور داد که این محله را بنا کنند ولی بعدها در اثر حوادث افغان و غیره روبخرابی گذارد. محله عباس آباد درکنارشمالی رودخانه زاینده‌رود واقع وخانه‌های پشت مسجدشاه جزء محله مزبور بوده است . در این زمان محله مزبور درحال عمران و آبادی میباشد .

ازمحله عباس آباد نیزعلماء وشعرائی برخاسته‌اند[1] . دردوره صفویه‌محله‌ای بسیارآباد وبزرگ بوده است . وچون مردم تبریز را درآنجا سکونت دادند آنرا محله تبارزه وسکةالتبریزیة نیز گفته‌اند .

---

۱ ــ ازمنسوبان به محله عباس آباد است :

۱ ــ میرزا محمدمهدی عباس آبادی تاجر وبانی مدرسه شمس آباد اصفهان که درسال (۱۱۲۵ ه.ق) زنده بوده است .

۲ ــ میرزا مهدی الهی عباس آبادی شاعری خوش‌فکر و خوش‌خیال و بتحصیل علوم اشتغال داشت وخودرا در هرعلم متفرد میانگاشت . مولدش تبریز ولی درعباس آباد سکونت داشت . ازاشعار اوست :

سخت میترسم بحسرت انتظارم بگذرد — رفته باشم ازخود آن‌ساعت که‌یارم بگذرد
ایکه خاکم را بباد از جلوهٔ خودداده‌ای — آنقدر بنشین که از پیشت غبارم بگذرد

(صبح گلشن ص۳۵)

۳ ــ بهرام بیك‌بیانی فرزند نقدی‌بیك تبریزی عباس آبادی زنده در(۱۰۹۹ ه.ق) وی ازمردم تبریز ولی‌ساکن عباس آباد اصفهان ومردی خاموش وآرام بود وخط نستعلیق‌را خوش مینوشت ، بهار بشغل کتابت ودرزمستان به پوستین‌دوزی مشغول بود ومنتی ازکسی نمیکشید. از اشعار اواست :

کیست‌ازما تنگ‌روزی‌تر که دائم رزق‌ما — آید از شق قلم یا دیدهٔ سوزن برون

(احوال خوش‌نویسان نستعلیق بخش۱ ص۱۰۲)

۴ ــ میرسیدعلی جواهر رقم فرزند میرزا مقیم تبریزی عباس آبادی از شاگردان میرزا ابوتراب رئیس‌الخطاطین است شاه جهان اورا از هند خواست و مدتی در هندوستان بسمت کتابداری مشغول و در سال سیصدتومان مواجب داشت. وی خط نستعلیق‌را مانند پدر نیکو مینوشت وازاین‌جهت در دربار صفویه‌مورد توجه بود، نامبرده ازاحفاد میرشاهمیر جد سادات طباطبائی تبریز که از زواره اردستان بآنجا مهاجرت کرده‌اند بشمارمیرفت .

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۷۱)

۵ ــ میرزامقیم جوهری‌بن میرزا علی‌اکبر عباس آبادی از زرگران و شعراء بود ودر محله عباس آباد سکونت میکرد . ازاشعار او است :

←

دلیل فائده خامشی بس است همین — که چون زبان‌بگزیدی‌نمیگزد زنبور

(تذکره نصرآبادی ص۱۳۶)

۶ ـ حاج اسماعیل خــان تبریزی عباس آبادی از شعرای متصوف که چند نوبت به هندوستان سفر کرد ازاشعار اواست :

تا خاك نشین کوی دلدار شدم — از لذت هردو کون بی‌زار شدم

چون موج بروی بحر میغلطیدم — روداد کشاکشی و هموار شدم

(دانشمندان آذربایجان)

۷ ـ حاج عبدالمطلب‌بن محمدحسین عباس‌آبادی متوفی بعد (۱۲۷۷ ه.ق) ازعلمای قرن‌سیزدهم هجری وشاگردشیخ‌احمد احسائی‌در(۱۲۶۶ه.ق) واوراست : ۱ـالحجةالبالغة بفارسی . ۲ ـ حجیةالمظنة بفارسی . ۳ ـ رساله‌ای در بداء . ۴ ـ تنبیه‌المقال .

(طبقات اعلام‌الشیعه ج۲ ص۷۹۴)

۸ ـ سیدعبدالله حالی تخلص عباس‌آبادی ازشعراء واز اشعار اواست :

طپد در سینه‌ام دل از خیال حلقهٔ زلفش — چوگنجشگی که‌ماری‌گرددش‌درآشیان پیدا

(صبح گلشن ص۱۱۶)

۹ ـ میرزا ابوتراب حجاب تخلص عباس‌آبادی معاصر نادرشاه افشار از شعراء واز سادات ساکن‌عباس‌آباد ازاشعار او است :

زین پیش‌گردون ، درشیرمن خون — میکرد و اکنون ، در باده‌ام خون

(تذکره روز روشن ص۱۹۵)

۱۰ ـ محمد امین خازن تخلص فرزند ضیاءالدین عباس‌آبادی جامع کمالات و از شعراء بود . چندی بشیراز توقف داشت وهمانجا فوت شد . ازاشعار اواست :

بود ز تنگی دل غنچه سان دل جمعم — چوگل شکفتگیم باعث پریشانی‌است

(تذکره نصرآبادی ص۲۰۶)

۱۱ ـ میرزا شریف‌بیك خازن تخلص فرزند نوری‌خان عباس‌آبادی معاصرشاه‌سلیمان صفوی بود واز شعرای نامدار بشمار میرفت . ازاشعار اواست :

شد تازه آب گیری تیغ جفای او — ممنون شدم زگریه بی‌اختیار خویش

(تذکره روز روشن ص۲۳۴)

۱۲ـ محمدرضا راضی تخلص‌عباس‌آبادی ازتبارزه ساکن عباس‌آباداصفهان وازشعراء وزرگران بود مدتی بهند رفت وسپس مراجعت‌کرد وبزرگری پرداخت و باز بهند رفت . از اشعار اواست :

رباعی

جان گر از سینه ما شاد برون میآید — کی خیال توام از یاد برون میآید

بامیدی که بسرو قد او دل بندد — قمری از بیضهٔ فولاد برون میآید

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۱۳ـ رشید عباس‌آبادی ازشاعران وزرگران ومیناکاران و باصائب تبریزی معاصربود.
ازاشعار اواست:

چو رفتم از سر کوی توغیر گلها چید چو باغبان رود ازباغ مفت گلچین است

(تذکره روز روشن ص۲۹۲)

۱۴ـ میرزا قاسم‌خان زاهد تخلص عباس‌آبادی ازاکابر شعراء ومعاصرشاه‌سلیمان بود.
ازاشعار اواست:

میان کعبه و دل فرق این‌قدر باشد که‌دل‌خراب‌چوگردید بیت معموراست

(تذکره روز روشن ص۳۲۳)

۱۵ ـ محمدقلی‌بیك شاکر تخلص عباس‌آبادی ازتبارزه ساکن عباس‌آباد اصفهان واز ماهران در زرگری ونقاشی وازشعراء معاصر نصرآبادی بود وازاشعار اواست:

هجر هرچند که دل بیشترم میسوزد در فنا وصل دو چندان قدرم میسوزد

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۲)

۱۶ ـ خواجه محمدصادق معروف به‌صادق عباس‌آبادی و متخلص به‌ناظم تبریزی از شعراء واوراست نظم‌گزیده که‌آنرا درسال (۱۰۳۶ ﻫ.ق) گردآورده وشاید همان‌تذکرةالشعراء باشد.

بطوریکه نصرآبادی نوشته هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (۱۰۸۳ ﻫ.ق) خواجه محمدصادق عباس‌آبادی بدرود زندگی‌گفته بوده است. از اشعار اواست:

آغوش گل زسینه چاکم نشانه‌ایست دستان بلبلان ز سرودم ترانه‌ایست
خاشاك راه او که بمژگان ربوده‌ام از بهر مرغ دیده من آشیانه‌ایست

(تذکره نصرآبادی ص۴۱۱)

۱۷ ـ میرزا محمدرضا صدرالکتاب عباس‌آبادی متوفی (۱۱۱۸ ﻫ.ق) از شاگردان میرزا ابوتراب‌اصفهانی وازخوشنویسان‌بود. مهندسی‌کتیبه حیاط‌نو حضرت امام‌رضا علیه‌السلام ازاوست. نامبرده پس‌ازوفات درمزار تخت فولاد دفن گردید. (امتحان‌الفضلاء ص۳۳۶)

۱۸ـ میرزاابراهیم عارف تخلص عباس‌آبادی ازشعراء وبرادرمیرزاآقاسی‌عباس‌آبادی متوفی پیش‌از (۱۰۸۳ ﻫ.ق) وازاشعار اواست:

ازحوادث‌گردغم بنشست بررخسارما پاسبان خانه شد کوتاهی دیوار ما

(تذکره نصرآبادی ص۴۳۱)

۱۹ ـ عارفا عباس‌آبادی از تبارزه ساکن عباس‌آباد اصفهان مردی آرام و وارسته و مصاحب صائب تبریزی وکاتب دیوان اوبود، خود نیز شاعربود وشعر نیکومیگفت. زمانی قصد مسافرت‌بهندکرد چون بافغان‌رسید اموالش‌را بتاراج بردند ونادم‌شده باصفهان‌برگشت.
از اشعار اواست:

دوران شراب محنت ودردم بجام ریخت دندان شکوفه‌وار زباد زکام ریخت

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۲۰ ـ میرسیدعلی مشتاق عباس‌آبادی متوفی (۱۱۷۰ هـ.ق) ازشعرای متأخر و استاد آقامحمد عاشق ورفیق ومیرزا صبوح واومعتقد بود که هرشاعر باید درغزل بسعدی ودرقصیده به‌انوری ودر رزم به فردوسی وبزم به‌نظامی ودرقطعه با بن‌یمین ودر رباعی به عمرخیام اقتدا کند . نمونه شعراواست :

روتافتم از دل بسراغ حرم دوست غافل که دراین‌خانه به‌آن‌خانه رهی هست

(تذکره روز روشن ص۷۳۸)

۲۱ ـ ملامحمدعلی مفرد تخلص فرزند محمدقلی‌بیك تبریزی عباس‌آبادی ازشعراء و خوشنویسان خط نسخ ومردی درویش و مدارش بکتابت حدیث میگذشت و با مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود ازاشعار اواست :

کسی‌پا دره عشق توکافرکیش‌نگذارد من‌آنجا سرنهادم‌تاکسی‌پاپیش نگذارد

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۹)

۲۲ ـ مطیعا عباس‌آبادی ازاکابر عباس‌آباد بود وشعر نیکو میسرود وبا پسرخود از اصفهان به‌هند رفت ودرآنجا پسرش وفات‌کرد وخود به‌عباس‌آباد بازگشت. ازاشعاراواست :

با گرفتاری چنان سازم‌که درگلزارعشق می‌خلد دردیده‌ام خاری‌که دامن‌گیرنیست

(صبح گلشن ص۴۲۵)

۲۳ ـ ملاعباس‌بن محمدبیك زیاد اوغلی عباس‌آبادی متوفی (بعد ۱۰۸۳ هـ . ق) از تبارزه ساکن عباس‌آباد وازشعراء و اوراست قصیده تأویلیه که بعضی از فضلاء عصرش آنرا شرح‌کرده‌اند ودیباچه شرح آنرا ملامحمدامین‌بن ملاعبدالفتاح وقاری طبسی درکتاب‌گلدسته اندیشه ایراد کرده است وازتألیف آن در (۱۰۸۳ هـ.ق) فراغت یافته .

(الذریعة ج۱۷ ص۱۱۱)

۲۴ ـ عبدالوهاب موسوی عباس‌آبادی زنده در رجب (۱۰۷۸ هـ.ق) از خوشنویسان خط نستعلیق بوده‌که نمونه خطش درکتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .

(فهرست آستان قدس ج۵ ص۲۳۱)

۲۵ ـ میرزا طالب‌بن حاج‌میرزاخان‌بیك عباس‌آبادی ازشعراء وفضلای دوره صفویه و ازتبارزه ساکن عباس‌آباد وبا مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود. پدرش حاج‌میرزاخان‌بیك مردی ثروتمند بود وآن مکنت به‌پسر رسید ولی تمام شد و با فقر ودرویشی زندگی میکرد. از اشعار اواست :

بااینکه بتان شکوه ماگوش نکردند جرمی که نکردیم فراموش نکردند
آغوش گشادیم برین کبك خرامان یك جلوه باندازه آغوش نکردند

(تذکره نصرآبادی ص۱۲۵)

۲۶ ـ میرزا مقیم عباس‌آبادی متوفی اندکی پیش‌از (۱۰۸۳ هـ . ق) از خانواده‌های میرشاهمیر جداعلای سادات طباطبای تبریز است‌که اززمان امیرتیمورگورکان اززواره به‌تبریز

مهاجرت کرده‌اند میرزا مقیم از تبریزیهائی بودکه درزمان شاه‌عباس در عباس‌آباد اسکان داده شده بودند .

اوصاحب فضایل وکمالات وخط نستعلیق را بسیارخوش مینوشت وازاین‌رو جزء کتاب دربار بود ، و پس‌ازمدتی باتفاق پسرش میرسیدعلی جواهر رقم به هندوستان رفت و درآنجا نیز دردربار هند درکتابخانه اشتغال داشت وهمانجا بدرود زندگی گفت .

نسب علیاحضرت شهبانوی ایران نیز به میرشاهمیر میرسدو ترتیب‌آن برحسب آنچه در مجالس‌النظامیه نوشته شده ودرتاریخ خط وخطاطان جلداول نقل شده باین‌ترتیب است :

«علیاحضرت‌فرح‌پهلوی شهبانوی‌ایران فرزند برومند مرحوم‌سهراب دیبا فرزندمرحوم»
« سیدمهدی‌شعاع‌الدوله دیبا فرزند عالم‌نامدار سید میرزا رفیع‌الدین نظام‌العلماء صاحب »
« مجالس‌النظامیه ازاعاظم علمای عصر ناصرالدین‌شاه فرزند حاج‌میرزا علی‌اصغرمستوفی‌پسر »
«میرزارفیع‌پسرمیرزا ابوطالب‌معروف به‌وزیرفرزندمیرزا سلیم‌نایب‌الصدارة پسرمیرمحمدسعید»
«پسرمیرعلی‌اکبرفرزندمیرزا رفیع‌پسرمیرمطلب‌پسرمیرفتاح پسرمیرصدرالدین فرزند میرمحمد»
« پسرمیراسماعیل دیباج (ازاین‌تاریخ لقب‌دیبا درمیان‌سادات طباطبای تبریزدایج‌شده)فرزند »
« میرعلی‌اکبر شاهمیر (ازمعاصران شاه‌اسماعیل صفوی) پسر امیرعبدالوهاب (وی بهمراهی »
« اسحاق صاحب‌کتاب حاوی ومولانا شکرالله مغانی وحمزه‌خلیفه وجمعی کثیربعنوان‌سفارت »
« ازطرف‌شاه‌اسماعیل‌نزدسلطان‌سلیم رفتند ولی‌پوزش‌پادشاه‌ایران را نپذیرفت ومیرعبدالوهاب »
« وقاضی وصاحب حاوی را باهمراهان به‌حصار دیموته اعزام ومحبوس‌کرد) پسرامیرجلیل »
« عبدالغفارپسر میرعمادالدین پسر امیرالحاج پسر میرحسن فخرالدین پسرکمال‌الدین محمد »
« فرزندکمال‌الدین حسن پسرشهاب‌الدین علی پسرمحمد مکنی به‌ابوجعفر پسر احمدملقب »
« به‌فتوح‌الدین‌پسرمحمد پسراحمد مشهوربه‌رئیس پسرابراهیم طباطبا پسراسماعیل‌دیباج‌پسر »
« ابراهیم‌غمر پسرحسن مثنی پسر امام‌حسن مجتبی پسرامیرالمؤمنین علی وفاطمهٔ زهرا دختر »
« پیغمبرخاتم علیهم‌السلام . » (مجالس‌النظامیه ص۳۴۸ وتاریخ خط وخطاطان ج۱ص۷۱)

۲۷ ـ کلبعلی‌نادر تخلص عباس‌آبادی ازتبارزه عباس‌آباد وصائغ و نقاش وشاعربود ونژادش نیز اصفهانی است . نمونه شعرش :

بپای مد هر تقصیر مهر توبه‌ای دارد مفاصائی است نادرچون‌گشائی‌دفتر مارا

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۲۸ ـ میرزا عزت ناصح تخلص عباس‌آبادی از شعرای فارسی‌زبان است‌که صائب تبریزی اورا ستوده ودیوانی دارد . ازاشعار اواست :

بهار عمرگذشت وزمن گلی نشکفت در این حدیقه بموسم نکشته‌اند مرا

(تذکره روزروشن ص۷۹۰)

در تذکره نصرآبادی درصفحه ۱۲۵ نام ناصح را میرزا عرب نوشته ولی‌عزت درست بنظر میرسد .

۲۹ـ ملامهدی واثق تخلص فرزند محمدقاسم‌نجفی‌عباس‌آبادی زنده در(۱۰۸۳ه.ق)

۱۱۶ ـ محله عطاءِ خشك :

یکی ازمحلات قدیمی اصفهان است که بنام عطاءخشك[1]. نیای مادری حسین بن حفص بن فضل متوفی (۲۱۲ ه.ق) خوانده شده است .

۱۱۷ ـ محله فابجان :

این محله درقدیم ازقرای متصل بهشهر بوده وبتدریج که شهر توسعه یافته جزءِ محلات شمرده شده است . در معجم البلدان[2] . گفته فابجان بعد الف باء یك نقطه اززیر ومکسور و جیم وآخرش نون بنابقول ابوسعد دیهی از دهات اصفهان است وگفته نمیدانم که منظورهمان فابزان است یا جای دیگر. ودرلباب[3]. گفته: بفتح فاءِ و سکون الف وفتح باء یك نقطه و جیم وبعد الف دوم نون دیهی ازدهات اصفهان است .

واینکه درلفظ درست آن که فابجان یافابزان باشد یااینکه دوجاباشد تردید گردید اینطور بنظر میرسد که در تلفظ و لهجه قدیم مردم اصفهان حرف ژ فارسی طوری تلفظ میشده که بین جیم وزاءِ بوده واینستکه بعضی بلفظ فابجان وبرخی فابزان فهمیده‌اند وگرنه نبایستی ابوموسی عقیلی راهم هردوفریق ذکر کنند وچون ابونعیم فابزان ذکر کرده ازنظر اینکه اهل اصفهان بوده وآگاهی بیشتری داشته است بایستی درست آنرا فابزان قبول کرد نه فابجان مگراینکه گفته شود در زمان ابونعیم فابزان معمول بوده وهنگامیکه یاقوت حموی و مؤلف اللباب نوشته‌اند چند قرن

←

دارای فضایل اخلاقی ودراکثرعلوم ربط داشت وبیشترخطوط حتی کوفی را خوش مینوشت . از اشعار اواست :

بی‌تو اندیشهٔ گلزار مرا زندان است — نغمه‌پردازی بلبل اجل پران است

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۱۴۵)

۱ ـ اواست : ابوزید عطاءبن السائب بن ابی الحارث متوفی(۱۳۰ ه.ق) که ازطرف بنی‌عباس بخراسان رفت وریاست سپاه را داشت ولی اواصفهانی بود و دشت عطاء وباب عطاء نیز باو منسوب است . دخترش خالده زن حفص بن فضل بود واعقابی درمرو داشت ونیزازاعقابش در اصفهان : صباح بن عطاء وشاذویة بن عطاء بوده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۴۷)

۲ ـ معجم البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۳ ـ اللباب ج۲ ص۱۸۶ .

گذشته بوده و معمول فابجان بوده است . در هرحال عده‌ای از محدثان به فابجان منسوبند[1] .

۱۱۸ ـ محله فابزان :

در معجم‌البلدان[2] گفته : بعد الف باء موحدة وزاءِ و آخرش نون : جائی وگفته شده دیهی است وگفته شده شهرکوچکی است ازاصفهان .

درهرحال به‌محله فابزان نیز عده‌ای ازعلماء و محدثان منسوب شده‌اند[3] .

---

۱ ـ از آن جمله است : ۱ ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم‌بن بشافابجانی متوفی (۳۰۱ ه.ق) آزاد کرده قریش ومردی ثقة بودکه از سلیمان شاذکونی وغیراو روایت میکرد ، و محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی ازاو . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق فابجانی متوفی بعد (۲۷۰ ه.ق) ازمحدثان‌که حدیث ازجد مادریش‌ابوموسی فابجانی نقل‌کرده‌است. (اللباب ج۲ص۱۸۷)

۳ ـ ابوموسی عیسی‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی فابجانی اصفهانی متوفی (۲۷۰ ه.ق) مردم شهراصفهان بود ودر دیه فابجان سکونت داشت . خود از آدم‌بن ابی‌ایاس وابوتوبةالربیع‌بن نافع روایت میکرد وابومحمد عبدالله‌بن‌محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌فابجانی پسردخترش ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۴ ـ علی‌بن مغیره اثرم فابجانی اصفهانی ازعلمای لغت واز کسانی بود که شهرهای عراق را برای جمع لغت وشعر دور زد ونزد علمای آنجا تصحیح کرد .
(معجم‌الادباء ج۱ ص۳۶۴)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۳ ـ ازمنسوبان به‌فابزانند :

۱ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم بشارفابزانی متوفی (۳۰۱ ه.ق) ازموالی قریش‌وبواسطه ابواحمد محمدبن احمدبن ابراهیم شیخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی‌است .
(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۱)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی معروف به‌سکویه فابزانی‌ازجد مادریش عیسی‌بن ابراهیم عقیلی واسحاق عموی مادرش‌روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۸۸)

۳ ـ یزیدبن هزاری‌الفابزانی که حدیث ازسعیدبن‌جبیر دراصفهان استماع کرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۳)

۴ ـ محمدبن‌ابراهیم فابزانی نفیلی خود ازاحمدبن اسحاق ومحمدبن‌حمیدازاوحدیث نقل میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۹۲)

۵ ـ ابوبکر محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح عقیلی فابزانی متوفی (۲۸۳ ه.ق) خود از دحیم وهشام وابوعثمان اسحاق‌بن ابراهیم ازاو روایت میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۳۱)

۱۱۹ - محله فاذجان :

درمعجم‌البلدان[1] . واللباب[2] . آنرا بافاءِ وذال وجیم و آخرش نون ذکر وگفته‌اند ازدهات اصفهان است ویك نفررا[3] هم بآن نسبت داده‌اند[4] .

۱۲۰ - محله فرائان :

ازمحلاتی‌است که درهنگام توسعه مسجد جامع یهودیه جزءِ شهرشده‌است[5] .

۱۲۱ - محله فرح آباد :

این محله جزءبخش۵ ازمحلاتی است که درجنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[6] . ودرزمان شاه‌سلطان‌حسین صفوی محله‌ای آباد بوده ودراثرمهاجمه افغانها بتدریج روبویرانی‌نهاده است ولی امروز دومرتبه روبعمران وآبادی میرود. این محله بمناسبت کاخ فرح آباد که بنا بدستور شاه‌سلطان‌حسین در آنجا بناشده بوده بنام فرح آباد منسوب شده ولی آن کاخ همانطور که درجای خود یادآور شده ازمیان رفته است .

۱۲۲ - محله فرسان :

در معجم‌البلدان[7] گفته : بکسر اول وسکون ثانی و آخرش نون از دهات اصفهان است ، وسلفی‌گفته: بضم فاء میباشد و قومی ازاهل حدیث بآنجا منسوبند . درالمشترك گفته[8] : بضم فاءِ و سکون راءِ و سین مهلة والف و نون دیهی‌است در

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۲ ـ اللباب ج۲ ص۱۸۸ . ۳ ـ از منسوبان به‌محله فاذجان است :

۱ ـ ابوبکرمحمدبن ابراهیم‌بن‌اسحاق فاذجانی که دربغداد ساکن شد ودرآنجا حدیث از ابومسعودبن الفرات رازی نقل کرد و ابوبکربن مالك قطیفی از او .

(اللباب ج۲ ص ۱۸۸)

۴ ـ بنظر نگارنده اسامی فابجان وفابزان وفاذجان وخابجان‌که محله سرقبرآقای‌کنونی باشد یکی است . منتهی در ادوار تاریخی لهجه‌ها و تلفظها تغییر یافته و اکنون آنجا را سرقبرآقا میخوانند وعده‌ای از امام‌جمعه‌های اصفهان وغیرآنان درآن محل مدفونند .

۵ ـ ذکرتاریخ اصبهان ج۱ ص۱۷ . ۶ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۸ ـ المشترك ص۳۳۲ .

دروازه اصفهان . ودرتاریخ نصف جهان[1] . گفته : قریه‌ای بوده درمشرق شمال‌شهر اصفهان‌که ضمیمه‌شده ومحله اول آن بوده‌است. درهرحال عده‌ای ازعلماءِ ومحدثان باین محله منسوبند[2] . شاه‌میرحمزه دراین محله واقع است :

---

۱ ــ نصف جهان‌فی‌تعریف‌الاصفهان ص۲۷ . ۲ــ از منسوبان به‌محله فرسان است :

۱ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن ایوب عنبری فرسانی ازمحدثان‌که به‌دو واسطه شیخ حدیث ابونعیم‌بوده وخود حدیث ازثوری ومبارك‌بن فضالة وابوهانی واسودبن‌رزین شنیده وعبدالله‌بن داود از وی . اوازصاحبان تهجد وعبادت بود ومدت چهل‌سال بفراش نرفت . سرورپشش را خضاب میکرد و درقرن سوم هجری میزیست . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۷۲)

۲ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن‌عاصم‌فرسانی ازمحدثان‌که ازخلادبن یحیی‌حدیث نقل‌میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۳ ــ ابوالحجاج یوسف‌بن ابراهیم‌بن شبیب‌بن مزید فرسانی متوفی (۲۴۲ هـ . ق) از موالی‌بنی اسد قریش وازحفاظ بودکه باابومسعود رازی معارضه میکرد. شیوخ تصنیف‌کرد، وحدیث ازابونعیم حافظ اصفهانی و عبیدالله‌بن موسی و ابوغسان نهدی و سلیمان‌بن حرب و ابوالولید شنید ولی حدیثش خارج نویس نگردید . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۷)

۴ ــ ابوالحسن علی‌بن عمربن عبدالعزیزفرسانی متوفی بعد (۳۷۰ هـ.ق) از محدثان که حدیث ازمحمدبن‌سهل‌بن الصباح ویحیی‌الذارع وطبقه‌اش‌شنید وبهمه مجالس‌حدیث‌میرفت تا بمرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱)

۵ ــ ابومحمد بذال‌بن سعدبن خالدبن محمدبن ایوب فرسانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازمحمدبن بکیرحضرمی روایت میکرد و ابواحمدبن عبدی حافظ از او روایت دارد .
(اللباب ج۲ ص۲۰۵)

۶ ــ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن‌جعدفرسانی ازمحدثان‌که ازسهیل‌بن عثمان وعبدالله‌بن عمران روایت میکرد واورا دیداری ازابراهیم‌بن ایوب فرسانی صاحب نعمان دست داد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۶۹)

۷ــ احمدبن‌جعفربن‌سلم‌فرسانی ازمحدثان فرسان اصفهان وشیخ‌حدیث ابونعیم بواسطه محمدبن عبدالرحمن‌بن مخلد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۲)

۸ ــ ابراهیم‌بن حیان‌بن حکیم‌بن حنظلة‌بن سویدبن‌علقمة‌بن سعدبن معاذاشهلی فرسانی ازمحدثان‌که حدیث ازپدرانش و شریك‌بن عبدالله روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۹ ــ عبدالعزیزبن محمدبن جعفر ضبی فرسانی مولود (۴۱۲ هـ.ق) ومتوفی‌ربیع‌الثانی (۴۹۶ هـ.ق) ازشیوخ معمر وبزرگ و صالح و کثیرالسماع بود . خود حدیث ازابوالحسن احمدبن محمد عبدی وابوالقاسم معمری اسدآبادی شنید . (المشترك ص۳۳۲)

۱۲۳ ـ محله فلفلان :

این محله درزمان خیلی قدیم ازقرای درب دروازه شهر اصفهان بوده و گویا در همان اطراف دروازه طوقچی قرارداشته و شاید بمناسبت اینکه درآنجا درخت فلفل یا مردمان تندوتیزی وجود داشته‌اند باین نام خوانده شده است والف ونون آخر آن برای نسبت است .

درمعجم‌البلدان[۱] . فلفلان بکسر سپس سکون وفاءِ دیگرمکسوروآخرش نون‌گفته دیهی‌است ازقرای اصفهان وابونعیم‌اصفهانی‌وابویعقوب اسحاق‌بن‌اسماعیل سکین فلفلانی متوفی بعد از (۲۶۰ هـ.ق) محدث را که از اسحاق‌بن سلیمان رازی روایت میکرد و نیز محمد بن اسماعیل سکین برادرش را منسوب به محله فلفلان دانسته است[۲] .

۱۲۴ ـ محله فلفلچی :

ازمحلات اصفهان که در فتنه افغان خراب شده است[۳] . و درگنجینه آثار تاریخی اصفهان‌گفته[۴] . این‌محله درزمان سلجوقیان درانتهای محله طوقچی درآن طرف حصار قدیم اصفهان بوده و اکنون درمهرآباد در خیابان دور شهر میباشد .

۱۲۵ ـ محله قبله دعاءِ :

این محله که در دردشت[۵] . واقع شده جزءِبخش۱ ازمحلات شمالی‌رودخانه زاینده‌رود است[۶] .

۱۲۶ ـ محله قصر اصفهان :

این محله بنام باب‌القصر موسوم ومنسوب بآن را قصری میگویند وکسانی نیز بآن منسوبند[۷] .

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۲ـ ذکرتاریخ‌اصبهان ج۱ص۲۱۶ . ۳ـ نصف جهان در تعریف اصفهان ص۲۸ . ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۶ . ۵ـ رجال‌اصفهان ص۱۹۱. ۶ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۹ . ۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۵۵ .

۱۲۷ ـ محله قصرمنشی :

این محله جزء بخش ۴ از محلات شمالی رودخـانه زاینده‌رود میباشد[1] و منسوب است به میرزا رضی منشی‌الممالك که درزمان شاه‌عباس درآن محله قصر و عمارات دیگری ساخته است ودرواقع همان محله باغات است .

۱۲۸ ـ محله قلعه طبرك :

این محله به‌قسمتی اطلاق میشود که قلعه طبرك در آن واقع و در حقیقت همان محله پاقلعه و محدود به‌چشمه‌های خوراسگان و راهروان میشده و درقسمت جنوب شرقی اصفهان میباشد[2] .

۱۲۹ ـ محله قنادر :

درمعجم‌البلدان گفته که قنادر بفتح وکسر دال وراءِ محله‌ایست دراصفهان[3]. ودراللباب[4]. گفته‌محله‌ایست دراصفهان‌که‌گروهی ازمحدثان‌ازآن برخاسته‌اند[5].

۱۳۰ ـ محله قناطر :

در منتهی‌الارب گفته : قناطر موضع یا محله‌ایست در اصفهان ودر المشترك گفته[6] . قناطر جمع قطرة موضع یا محله‌ایست در اصفهان که چون ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن‌اسحاق خلقانی قناطری دائی‌ابوالمهلب سکونت داشته به‌قناطری معروف شده است . در معجم‌البلدان[7] . نیز گفته محله یا دهی است در اصفهان . قناطر ازمحلات قدیمی‌اصفهان است وفعلاً جز نامی از آن نیست . عده‌ای‌ازمحدثان نیز بآنجا منسوبند[8] . وبنظر میرسد که قنادروقناطر متحد باشند، زیرا ابوالحسن را درقنادر وقناطر هردو ذکر کرده‌اند .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۰ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۷ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص۴۰۰ . ۴ ـ اللباب ج ۳ ص ۵ . ۵ ـ از منسوبان این‌محله است : ابوالحسین محمدبن علی‌بن یحیی قنادری اصفهانی از محدثان‌که از محمدبن علی‌بن مخلدبن فرقدی متوفی (۳۰۷ ه.ق) روایت میکند وابن مردویه حافظ ازخود او . (اللباب ج۳ ص۵)
۶ ـ المشترك ص۳۵۹. ۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ص۴۰۰ . ۸ ـ از منسوبان باین محله است :

←

۱۳۱ - محله قینان :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان اصفهان متصل به‌شهروازمحلات آن‌محسوب میشود وجزءبخش۵ ازمحلات جنوبی زاینده‌رود میباشد[۱]. ابومنصوربن بزرگ امیدبن آذرجشنش اصفهانی دروصف آن گفته :

قینان ریان انیق زاهر غض النوابت جنة الزوار

یعنی قینان سیراب و شکوفان ودرخشنده وگیاهان آن شاخ برهم نهاده و بهشت زیارت‌کنندگان است[۲] . در زمان قدیم یکی از دهستانهای اطراف شهر و تفرجگاه مردم بوده ولی بتدریج دراثر توسعه شهر بشهر متصل شده است .

۱۳۲ - محله کران :

این محله جزء بخش ۴ از محلاتی است که در شمال رودخانـه زاینده‌رود واقع[۳] و از محلات قدیمی است‌که در حدود دارالبطیخ بوده و در هرحال‌در وسط شهر واقع و مایل بمشرق شهر است[۴] . یاقوت در معجم‌البلدان[۵]. گفته : کـران بفتح اول و تشدید دومش و آخرش نون محله‌ایست مشهور در اصفهان کـه مدفن نظام‌الملك درآن بوده است ، و بسیاری از اهل علم و روایت بـآن منسوبند . در المشترك نیز همان گفته را تأییدکرده است[۶] . دراللباب گفته : کران محله‌ایست در اصفهان[۷] .

محله کران از محلات قدیمی اصفهان است که نام آن از قرن سوم هجری

---

۱ - ابوالحسن محمدبن علی‌بن یحیی طبیب قناطری از محدثان که ازفرقدی روایت میکرد وابوبکربن مردویه ازاوحدیث نقل‌کرده است و در اللباب اورا قنادری خوانده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۰۴)

۲ - ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن اسحاق قناطری خلقانی وی خال ابوالمهلب بود و حدیث ازقاضی احمدبن موسی انصاری و از ابوعلی اسماعیل‌بن محمدبن اسماعیل صفار نقل کرده است . (معجم‌البلدان ج۴ ص۴۰۰)

۱و۳- تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۲- محاسن اصفهان ص۵۹ . ۴- نصف جهان ص۲۵ . ۵ - معجم‌البلدان ج۴ ص ۴۷۷ . ۶ - المشترك ص۳۱۸ . ۷ - اللباب ج۳ ص۳۳ .

ببعد در محاورات زمان معمول و ظاهراً محله‌ای بزرگ و وسیع بوده و عده‌ای از علماءِ ومحدثان نامی بآن منسوبند[1] .

---

۱ ـ ازمنسوبان به محله کران است :

۱ـ ابن اسودکاتب‌معمراحمدبن علویة کرانی مولود (۲۱۲ ه.ق) ومتوفی (۳۱۲ ه.ق) از رواتِ‌مصنفات ابراهیم‌ثقفی وصاحب لقبی بوده‌که تأدیب وآموزگاری انجام میداده است. وی ازاصحاب‌ابوعلی لغذة اصفهانی بود، وپس‌ازچندی شغل آموزگاری را ترك وجزء‌ندیمان احمدبن عبدالعزیز و دلف‌بن ابی‌دلف عجلی درآمد ، اوراست رسائلی برگزیده که آنها را ابوالحسن احمدبن‌سعد درکتاب خود تدوین‌کرده است وآنها هشت‌کتاب دردعاء و رساله‌ای درپیری وخضاب است، واوشعرنیکو دارد، ازآن‌جمله درباره احمدبن عبدالعزیزعجلی سروده:

یری خیر ما یبدو اوائله حتی کان علیه‌الوحی قدنزلا

یعنی آنچه درابتداء براوظاهر میشود آن را خوب میداند وگمان میکندکه وحی براو نازل گردیده است . الفیه‌ای هم در مدح امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد موسوم به محبرة . وفاتش بقول صاحب اعیان‌الشیعه در سال (۳۲۱ ه.ق) اتفاق افتاده ، درلغت‌نامه دهخدا وفات را (۳۲۰ ه.ق) نوشته ولی کسان دیگر دروفاتش در (۳۱۲ ه.ق) اتفاق دارند .

(اعیان‌الشیعه ج۹و۲ ص۲۲۵ ولغت‌نامه دهخدا ومعجم‌الادباء واسماءالمصنفین)

۲ ـ ابوبکر احمدبن ابراهیم‌بن احمدبن روزویه کرانی ازمحدثان‌که از دارکی وپسر برادر ابوزرعه روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۴)

۳ ـ ابوبکر عمربن ابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم کرانی ازمحدثان که از علی‌بن‌سعید عسکری روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۵۶)

۴ـ ابوبکرمحمدبن عبدالله‌بن محمدبن‌مندة مقری مفتولی کرانی ازمحدثان‌که ابونعیم حافظ اصفهانی حدیث ازاو نقل میکرد ، وخود از حاجب‌بن دکین .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۲۹۱)

۵ ـ ابوحامد احمدبن حسین‌بن‌علی سمسارکرانی وی درکوچه ماجشون‌کران درمیدان انماطیین سکونت داشت وشیخ بلاواسطه ابونعیم حافظ اصفهانی در حدیث بود .

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۶ ـ ابوالحسن‌احمدبن محمدبن موسی‌بن بحرادیب کرانی ازمحدثان‌که ازعبدالله‌بن محمدبن عباس روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۷ـ ابوطاهرمحمدبن عمربن‌عبدالله‌بن‌احمدبن عبیدالله کرانی متوفی‌هفدهم‌جمادی‌الاولی (۴۹۶ ه.ق) ازمحدثان وبافاده پسردائیش یسرخفی حدیث ازابوبکربن علی ذکوانی استماع کرد . (اللباب ج۳ ص۳۳)

۸ ـ ابوعلی احمدبن محمدبن عاصم‌کرانی متوفی جمعه (۳۳۹ ه.ق) از محدثان که

←

۱۳۳ - محله کروائان :

ظاهراً نام درست این محله گروائان بکاف فارسی بوده و بعدکه معرب شده جروائان گفته شده ودرجای خود شرح داده شدد است[1] .

۱۳۴ - محله کلکه :

این محله درزمان ابونعیم اصفهانی دائر و سکنه داشته و گمان میکنم که

←

حافظ ابونعیم اصفهانی بواسطه ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن حمزة از او حدیث نقل کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۴۷)

۹ - ابومحمد جعفربن‌محمدبن جعفر رفاعی کرانی متوفی صفر(۳۷۹ ه.ق) ازمحدثان که ازمحاملی وابن‌عقدة وطبقه‌اش حدیث روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ص۲۴۸)

۱۰ - ابونصرعبدالواحدبن عبدالرحمن مذکرآبنوسی کرانی ازمحدثان که ازولیدبن ابان وغیراو روایت میکرد، وأبونعیم اصفهانی اورا دیده ولی حدیثی ازاونشنیده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰۶)

۱۱ - اخت ملارحیم وابنة ملای کرانی اززنان دانشمند و کتاب قرن یازدهم هجری بوده و با صاحب ریاض‌العلماء معاصر و در وصفش گفته : شرح لمعه‌ای را که با خط نسخ شیرین‌ونسخ تعلیق نوشته ودرنزد برادر وپدرش خوانده بوده دیده است .

(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۸۵)

۱۲ - صلحی کرانی ازشعرای ساکن محله کران بود . این رباعی را در هجو احمد جگربخون اصفهانی گفته است :

رباعی

ای آنکه ز گوهر زبون آمده‌ای — از روز ازل لجوج دون آمده‌ای
ازکاوش همچومن دلت خون شده است — کز پشت پدر جگر بخون آمده‌ای

(تذکره روز روشن ص۴۷۹)

۱۳ - عمربن احمدبن محمدبن حسین عنبری‌کرانی از محدثان‌که ازضراب ومحمدبن حمزة روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۳۵۷)

۱۴ - محمدبن زید ذکوانی‌کرانی از محدثان معاصر ابوالفتوح‌بن محمودبن خلف عجلی واستاد حدیث ابوالحسن علی‌بن‌محمدبن احمد انصاری قنبری بوده است .

(حلل سندسیه ج۲ ص۴۵)

۱۵ - ملارحیم کرانی ازعلمای معاصر صاحب ریاض‌العلماء بوده است .

(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۸۵)

۱ - درشرح محله جروائان ذکرشده است .

دراین محله چون کلکهای گلی میساختهاند باین نام خوانده شده است و یکنفر را هم ابونعیم حافظ باین محله نسبت داده است[1] .

۱۳۵ ـ محله کمائان :

این محله درقدیم‌الایام ازدهات نزدیك شهر اصفهان بوده که درقرن‌سوم جزء شهر وازمحلات آن محسوب میشده است[2] . ویکی ازحدود یهودیه بوده ولی در تاریخ اصفهان و ری[3] . مینویسد کمائان همان کمبرکجی[4] . یا کلمان است[5] .

۱۳۶ ـ محله کوراءِ :

این‌محله‌ای دراصفهان ازقدیم‌الایام‌جزءِ محلات‌یهودیه بوده وبه‌محله ملنجه منتهی میشده است[6] . این کلمه اصلش فارسی است وممکن است از دولفظ‌کوداه بصورت استفهام یااینکه کورراه یا کورها بوده و سپس دراثر کثرت استعمال تبدیل به‌کوراءِ شده باشد . وجه دیگر اینکه درزمان قدیم دیده شده که بجای‌های جمع و آن جمع الف ممدود استعمال و پاره‌ای اوقات علاوه برالف ممدود الف و نون هم میآورده‌اند مانند گروائان و اندائان ودر مورد کلمه کوراءِ هم ممکن است جمع کور باشد یا محل‌کوران .

۱۳۷ ـ محله کون گنبد :

محله‌ای است دراصفهان‌که بقول صاحب عیون‌الانباءِ شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا

---

۱ ـ ازمنسوبان باین محله است : قاسم‌بن مندة‌بن کوشیذ ضریر کلکه‌ای اصفهانی از محدثان که ساکن محله کلکة اصفهان بود وازسعدویه و شاذکونی وسهل‌بن عثمان روایت میکرد ودر آخرعمرش احادیث را تخلیط میکرد و ازاینرو اورا تضعیف کرده‌اند .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۲)

۲ ـ محاسن اصفهان ص۸۱ .   ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۱۰ .   ۴ ـ درذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۱ کنبرك نوشته شده و چون ابونعیم در آن زمان واقف بدرست‌آن بوده باید همان را پذیرفت و گفته است‌که ابومحمد قاسم‌بن فورك بن سلیمان‌کنبرکی متوفی (۳۰۱ ه.ق) ازمحدثان این محله بوده که حدیث از عراقیان و شامیان نقل و قاضی محمدبن احمدبن ابراهیم ازاو روایت میکند .   ۵ ـ درمعجم‌البلدان ج۴ ص۴۷۷ گفته : کلمان دیهی است دم دروازه جی اصفهان ونعمان‌بن عبدالسلام ازبزرگان زمان خود بآنجا منسوب و درهمانجا مدفون است .   ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱-۱۹ .

درآن دفن گردیده است وظاهراً منظور همان گنبد معروف به گنبد ابن سینا میباشد که در محله دردشت واقع گردیده است[1] .

۱۳۸ ـ محله گبر آباد :

محله‌ای بوده زردشتی نشین که درنزدیکی عمارت نمکدان دراصفهان ساخته شده بوده است[2] .

۱۳۹ ـ محله گروائان :

شرح این محله درتوصیف محله جروائان وکروائان بیان شده ونیاز بتکرار ندارد .

۱۴۰ ـ محله گلبار = گلبهار = جلبار وجلباره :

ازمحلات قدیمی اصفهان است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و جزء نعمتی‌خانه بوده است . جلبار وجلباره‌که معرب گلبار وگل بهار است[3] . نزدیکی میدان قدیم واقع وخوابگاه سلطان‌محمد سلجوقی دراین محله میباشد[4] .

۱۴۱ ـ محله گود مقصودبیك :

این محله جزءمحلات نه‌گانه جوباره و نعمتی‌خانه بوده است[5] . و اکنون جزاین محله ویکی دومحله دیگر همه ازبین رفته است .

۱۴۲ ـ محله لنتور جوباره :

این محله از محلات نه‌گانه جوباره وجزءِبخش۳ ازمحلاتی است‌که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزءِ نعمتی‌خانه بوده است[6] .

۱۴۳ ـ محله لنبان :

بنابگفته یاقوت حموی لنبان بضم سپس سکون وباءِ موحدة و آخرش نون دیه بزرگی است در اصفهان و آن را دروازه‌ایست که به دروازه لنبان معروف میباشد[7] .

۱- اعیان‌الشیعه ج ۲۶ ص۲۸۸. ۲- زنده‌رود ج۱ ص۲۸. ۳و۶- تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۴ - نزهت‌القلوب ازص۵۳-۵۶ . ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .
۷ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳ .

صاحب اللباب گفته : لنبان محله‌ایست دراصفهان و آن را دروازه‌ایست بنام دروازه لنبان[1] . ودرتاریخ نصف جهان گفته : محله‌ایست واقع در مغرب جنوبی شهر اصفهان[2] .

تحقیق اینستکه لنبان درابتدای امر تا زمان علاءالدوله یکی‌ازدهات‌نزدیك شهراصفهان بوده و دروازه شهر که نزدیك آنجا بوده به دروازه لنبان معروف بوده است ولیکن پس‌ازتوسعه شهرجزء شهرشده وازمحلات‌مهم وازدوقسمت لنبان سفلی وعلیا تشکیل میگردیده است . دراین محله مسجد باستانی وتاریخی لنبان وجود دارد . عده‌ای ازدانشمندان نیز باین محله منسوبند[3] .

۱ـ اللباب ج۳ص۷۰ .　　۲ـ نصف‌جهان ص۲۵ .　　۳ـ ازمنسوبان باین‌محله است:

۱ ـ ابوبکر احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی لنبانی ویا ابوالحسن متوفی بیستم ربیع‌الاول (۳۳۲ ه.ق) وی ازمحدثان مشهور وثقه است که از عراقیان روایت میکند، وخود ازابوبکربن ابی‌الدنیا تصانیفش را شنید و نیز مسند احمدبن حنبل را ازپسرش عبدالله شنید. ابراهیم‌بن محمدبن حمزة حافظ وعبدالله‌بن احمدبن اسحاق اصفهانی پدرابونعیم ازاوروایت میکنند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۷ واللباب ج۳ ص۷۱)

۲ ـ ابومنصور معمربن احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی صوفی لنبانی متوفی (۴۸۹ ه.ق) ازعالمان بتاریخ وانساب واخبار صوفیه وازمحدثان که هم استماع کرد وهم نقل کرد . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳)

۳ ـ رفیع‌الدین عبدالعزیزبن مسعودلنبانی متوفی (۶۳۹ه.ق) ازشعرای قصیده‌سرا که با کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی وپدرش جمال‌الدین عبدالرزاق مناظره ومباحثه داشته ومدتی عمرخودرا در ولایت ری گذرانید و سپس بوطن بازگشت و درسن جوانی دارفانی را وداع گفت . ازاشعار اواست :

نسیم لطف توبی‌منت چمن هر روز　　بدست باد صبا دسته‌های ریحان داد
حسود را ز نهیب سنان تو ایزد　　چوزلف پرخم توخاطر پریشان داد

(تذکره روزروشن ص۳۰۵)

۴ ـ عبدالعزیزبن محمد لنبانی از افاضل محله لنبان و معاصر با رافعی قزوینی متوفی (۶۲۳ ه.ق) بوده است . (فهرست اسماءالرجال‌التدوین رافعی‌قزوینی‌ص۴۲)

۵ ـ رئیس یوسف لنبانی ازمعاریف و بزرگان محله لنبان درقرن دهم هجری که منشاء اوقریه زمان بوده است . (تذکره نصرآبادی ص۴۱۴)

۶ـ خواجه عبدل‌بن رئیس یوسف لنبانی متوفی بعد (۹۱۹ ه.ق) ازاعیان واخیارمحله

←

محله لنبان درقدیم جزء حیدری‌خانه بوده وامروز جزءبخش۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده‌اند[1] .

۱۴۴ - محله لو بیاباذ :

مطابق گفته معجم‌البلدان بضم سپس سکون و کسر باءموحده و یاءِ و بعد

→

لنبان وواقف مسجد امامزاده شوری که آنرا در (۹۱۹ هـ.ق) بنانهاده ودر محله دردشت واقع میباشد . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲)

۷ـ آقاحسین‌بن ملاحسن‌گیلانی لنبانی متوفی (۱۱۲۹ هـ.ق) ازمعاصران میرزاعبدالله افندی است که خود باتفاق پدرش ازگیلان باصفهان آمد ودرمحله لنبان منزل و درمدرسه شاه تدریس میکرد ، واز ملامحمدتقی اصفهانی معروف به‌ملاتقیا روایت میکرده است . مؤلفات ذیل : ۱ - شرح صحیفه سجادیه. ۲- اصول عقاید بفارسی . ۳- زیارات. ۴- شرح ذخیره سبزواری . ۵ - شرح مفاتیح فیض کاشانی ازآثار اواست . نامبرده پس‌ازوفات در تکیه آقاحسین خوانساری مدفون گردید .

(اعیان‌الشیعه ج۲۵ص۲۸۶ وریحانة‌الادب ج۳ ص۴۱۸)

۸ ـ محمدبن سعدالدین محمدحسینی اوحدی لنبانی اصفهانی معروف به‌میرتقی‌الدین مولود (۹۷۳ هـ.ق) ومتوفی (۱۰۳۰هـ.ق) ازشعرا وفضلاء وازنسل سیدعبدالله لنبانی است که حالت معنوی داشته وبهندوستان رفت ودرآنجا شعر بسیارگفت ودرگجرات اورا دیده‌اند . از آثار اواست : ۱ - تذکره عرفات‌العاشقین . ۲ - سرمه‌سلیمانی. ۳ - یعقوب ویوسف. ۴ ـ کعبه مراد . ازاشعار او است :

صدگره دردلم ازحسرت پیکان توبود　　　سست جنبیدی وزد بخت کمان دگرم

(تذکره نصرآبادی ص۳۰۳)

۹ ـ حاج‌سیداحمد لنبانی متوفی (۱۳۶۳ هـ.ق) ازعلماء وفضلاء و ائمه جماعت واز سادات محترم بهشتی محله لنبان اصفهان ومردی وارسته وخطیب وواعظ بود . پس‌ازوفات در جنب مسجد مصلی درتخت‌فولاد مدفون گردید و سپس مردمان خیر تکیه مخصوصی برقبر او بنانهادند .

(رجال اصفهان ص۱۹۸)

۱۰ ـ ملامحمدتقی‌بن ملاحسین‌بن ملاحسن لنبانی متوفی بعد (۱۱۰۳ هـ.ق) ازعلماء وخانواده علم بود ودرمحله لنبان زندگی میکرد . تاریخ قطعی وفاتش بدست نیامد .

۱۱ ـ زیادبن یحیی القسام لنبانی که ازبکربن بکارحدیث نقل میکرد وعلی‌بن‌حسن‌بن سلم اصفهانی از او . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۱۲ ـ رئیس اویس لنبانی که درقرن یازدهم ازرؤسای لنبان بوده است .

(تذکره نصرآبادی ص۲۰۹)

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸.

الف باء موحده و آخرش ذال معجمه جائی است دراصفهان[1] . ودر اللباب[2] . گفته: محله یا قریه‌ایست در اصفهان . و آنچه مسلم است سرانجام جزء محلات شهر شده است وابوالفضل محمدبن ابی بکراحمدبن ابی جعفرمحمدبن احمد لوبیاباذی معروف به قبج فرضی مولود عاشورای (۴۱۱ ه.ق) ومتوفی بعد (۴۸۰ ه . ق) ازمحدثان را منسوب باین محله دانسته است .

۱۴۵ ـ محله ماربان :

دراللباب[3]. گفته شده قریه‌ای است نزدیك اصفهان که ابوعلی احمدبن رستم ماربانی عامل سلطان از آنجا است[4] . و در معجم البلدان و نزهت القلوب ماربانان نوشته شده وجزء ناحیه جی قلمداد شده است وکسانی ازمحدثان وبزرگان رامنسوب بآنجا کرده‌اند . بنظر نگارنده لفظ ماربان سیرهای تاریخی کرده وچندی ماربان و سپس ماربانان واخیراً مارنان ومورنان تلفظ میگردد، وپلی‌هم بآن منسوب است و درهر حال جزءِ محلات جنوب غربی اصفهان بشمار میرود .

درکتاب اللباب فی تهذیب الانساب ماربان ودرمعجم البلدان وذکر اخبار اصبهان ماربانان ودرفرهنگ جغرافیائی ستاد آرتش وکتب جغرافیائی وتاریخی جدید مارنان نوشته شده است .

۱۴۶ ـ محله ماربانان :

درمعجم البلدان گفته[5] . به‌راء سپس باء موحدة ونون وآخرش نون ازدهات اصفهان است که تا شهر نیم فرسنگ مسافت دارد .

وصاحب نزهت القلوب گفته : ماربانان ازناحیت جی است[6] . در ذکراخبار اصبهان هم ماربانان نوشته وآن رادر عداد قرای شهراصفهان شمرده‌است[7]. وچنانچه در تاریخ نصف جهان گفته در زمان صفویه این قریه هم جزء محلات شهر اصفهان

۱و۵ـ معجم البلدان ج۵ ص۳۴. ۲ـ اللباب ج۳ ص۷۱. ۳ـ اللباب ج۳ ص۷۹.

۴ ـ ابوعلی احمدبن رستم ماربانی متوفی (۲۹۱ ه.ق) ازعاملان سلطان و از شیوخ صالح وثقه بود وحدیث ازکثیر میشنید و درهمان اصفهان وفات کرد . (اللباب ج۳ ص۷۹)

۶ ـ نزهت القلوب ص . ۷ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷ .

بوده ودرائر خرابی افغانها اغلب عمارات تبدیل بکشتزار شده ومدتی از شهر جدا بوده است[1] . درهرحال عده‌ای ازمحدثان ودانشمندان باین محل منسوبند[2] .

۱۴۷ ـ محله مارنان :

در فرهنگ جغرافیائی استـان دهم ستاد آرتش در کلمه مـارنان چنین نوشته شده :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان‌اصفهان درجنوب باختری‌ومتصل بشهر ویکی از محلات اصفهان است پل مارنان بروی زاینده‌رود در نزدیکی این آبادی است .

در تاریخ اصفهان و ری نوشته : مارنان جزءبخش۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[3] . ازآثارتاریخی همان پل‌مارنان است که روی زاینده‌رود بسته شده است .

۱۴۸ ـ محله مردبان :

مردبان نام قدیمی محله آب‌بخشان است که پیش از اسلام باین نام خوانده میشده است و بمناسبت اینکه هنگام جشن آبریزان در آنجا رسومی بعمل میآورده‌اند یا اینکه مرکزپخش آب بوده بنام آب‌بخشان هم خوانده‌اند بعضی را هم عقیده اینستکه مورنان مصحف مردبان است ولی نمیتوان محملی برای صحت

---

۱ ـ نصف جهان ص۲۲ .   ۲ ـ از منسوبان باین موضع است :

۱ـ ابوبکر محمدبن فرخان‌بن ابان ماربانانی ازمحدثان‌که ازابومسعود روایت میکرد و حسین‌بن‌علی‌بن احمدبن‌بکر ازاو حدیث نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۶)

۲ ـ ابوعبدالله محمدبن فضل‌بن خطاب عنبری از محدثان ماربانان و شیخی ثقة و کثیرالحدیث بود . محمدبن جعفربن یوسف از او و خود از محمدبن عمر بغلانی روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۳ ـ احمدبن تاجیکة ماربانانی متوفی (۲۷۱ ه.ق) ازمحدثان وشیوخ صالح ماربانان بود واین نکته را ابونعیم ازغزال نقل‌کرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۳)

۴ ـ شبیب‌بن عبدالله‌بن محمدبن احمدبن خورة ماربانانی اصفهانی .
(معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴)

۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

این تصحیف پیدا کرد، چه مردبان با مورنان مناسبت اشتقاقی نه صغیر و نه‌کبیر ندارند بلکه مورنان را میتوان مصحف مارنان ومخفف ماربانان‌دانست[1].

۱۴۹ ـ محله مستهلك :

این محله درقدیم نزدیکی محله شمس‌آباد فعلی بوده وخراب وازبین رفته و بقیه خانه‌ها هم جزء شمس‌آباد شده است اکنون از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و بصورت مخروبه است .

۱۵۰ ـ محله ملقاباذ :

یاقوت‌گفته : ملقاباذ بضم‌سپس‌سکون وقاف وآخرش ذال معجمه محله‌ایست دراصفهان[۲] . وظاهر اینستکه ملك‌آباد بوده است .

۱۵۱ ـ محله ملنجة :

بنابگفته یاقوت‌حموی ملنجه بکسرسپس‌فتح ونون ساکن وجیم محله‌ایست دراصفهان[۳] . در ذکر اخبار اصبهان گفته شده : ملنجه در قرن چهارم از محلات یهودیه اصفهان بوده که به‌محله کوراء منتهی میشده است[۴] . و در اللباب گفته : ملنجه ازدهات اصفهان وگفته شده محله‌ای است دراصفهان[۵] . و در اسماءالبلدان خطی نوشته : ملنجه محله‌ایست ازاصفهان که عده‌ای ازعلماءِ بآن منسوبند[۶] .

---

۱ ــ از منسوبان به محله مردبان است : حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن احمدبن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران مردبانی اصفهانی مولود رجب (۳۳۰ یا ۳۳۴ هـ . ق) و متوفی ۲۲ محرم (۴۳۰ هـ.ق) ازبزرگان علماء ومحدثان و نیای مجلسی و مدفون درقبرستان مردبان که درمحله شیخ‌مسعود نیزواقع‌است وبقعه‌اش معروف به‌بقعه‌حافظ میباشد. اوراست: ۱- ذکرتاریخ‌اصبهان دردومجلد . ۲- حلیة‌الاولیاء در ده‌جلد . ۳- اربعین درمناقب حضرت‌علی(ع) . ۴- در مهدویت چون درمحل دیگری بطورکامل شرح‌داده شده موردی برای تکرار نمی‌بیند .
(رجال اصفهان ص۱۴۳)

۲ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص ۱۹۳ . ۳ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵ . ۴ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱-۱۹) . ۵ ــ اللباب ج۳ ص۱۷۷ . ۶ ــ از منسوبان به محله ملنجه است :

۱ ــ ابوعبدالله مقری احمدبن محمدبن حسن‌بن برد ملنجی‌اصفهانی متوفی(۴۳۷هـ.ق)
←

۱۵۲ - محله منجان ومنوجان :

این محل که اکنون ازدهات جی است درقرن چهارم وپنجم جزءمحلات شهر بوده وکسانی نیز باین محله منسوبند[۱] .

۱۵۳ - محله هورنان :

این محله جزءبخش۱ از محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۵۴ - محله میدان :

یاقوت حموی گفته[۳] . میدان محله‌ای است دراصفهان که عده‌ای ازمحدثان بآن منسوبند[۴] .

→

ازمحدثان که حدیث ازابوبکر قیار وابوالشیخ حافظ نقل میکرد وابوبکر خطیب ازاو .
(اللباب ج۳ ص۱۷۷)

۲ ـ ابوعبدالله قرشی محمدبن ابراهیم‌بن سالم‌بن عبدالله ملنجی معروف به ابن شاوال وساکن ملنجه بود از حسن‌بن عرفة وعلی‌بن داود قنطری وغیرآنان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۲)

۳ ـ ابوعبدالله محمدبن محمدبن ابی‌القاسم‌المؤذن ملنجی متوفی (۶۱۲ هـ . ق) از محدثان که حدیث از ابوالفضل‌بن ابی‌الرجاء ضبابی و ابوالقاسم اسماعیل‌بن علی حمامی و ابوطاهر معروف به هاجر و غیرآنان روایت میکرد و ببغداد رفت و در (۵۱۸ ه.ق) درآنجا حدیث گفت ومحمدبن مبارك وغیراو دردمشق ازاو حدیث شنیدند و سپس باصفهان برگشت و همانجا بمرد . (معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵)

۴ ـ ابومسعود سلیمان‌بن ابراهیم‌بن سلیمان ملنجی اصفهانی متوفی (۴۸۶ هـ . ق) از محدثان و مصنف تخریج بر صحیحین و غیرذلك و کتاب : الاربعین علی مذهب‌المحققین در حدیث . (اسماءالمؤلفین ص۳۹۸)

۵ ـ جعفربن ابوسنان ملنجی ازمحدثانی که حافظ عبدالعظیم براواملاء کرده است .
(اسماءالبلدان)

۱ ـ ابومنصور ابراهیم‌بن ابجه‌بن اعصرابواسحاق منجانی اصفهانی ازمحدثان که ازمحمدبن عاصم اصفهانی‌روایت‌میکرد وابواسحاق سیرجانی‌ازاو. ۲ـ تاریخ‌اصفهان و ری‌ص۹۹.

۳ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۹۹ . (المشترك ص۴۱۲)

۴ ـ ازمنسوبان به محله میدانند : (اللباب ج۳ ص۱۸۱)

←

۱۵۵ - محله میدان اسفریس :

و ظاهراً اسفریس معرب اسبریس و اسپریس است که میدان اسب‌دوانی و چوگان‌بازی باشد بنا بگفته ابوموسی که از قدمای اصفهان است میدان اسفریس محله‌ای دراصفهان بوده است[1] . وکسانی ازعلماءِ ومحدثان نیز باین محله انتساب داده شده‌اند[2] . وبنظر نگارنده محله میدان با این محله یکی است .

۱۵۶ - محله میدان شاه :

ازمحلات جزءبخش۴ شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد[3] . وحدود آن در اطراف میدان شاه وبالاتر خواهد بود .

۱۵۷ - محله میدان کهنه :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[4] . وازمحلات معروف اصفهان است . کسانی‌ازنامداران نیز باین محله منسوبند[5] . مدرسه‌کاسه‌گران ونوریه درنزدیکی این‌میدان واقعند.

۱۵۸ - محله میدان میر :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزءِ محله بزرگ جوباره ونعمتی‌خانه بوده است[6] .

←

۱ ـ ابوالفتح مطهربن احمد مفیدبیع میدانی که بنابگفته حافظ ابوالفضل مقدسی از محدثان اصفهان است که حدیث از ابونعیم حافظ شنیده است ولی ابوموسی حافظ اظهار بی‌اطلاعی ازوجود چنین محدثی کرده است . (المشترك ص۴۱۲)

۲ـ محمدبن محمدبن عبدالرحمان‌بن‌عبدالوهاب مدینی میدانی‌که ابوموسی‌گفته پدرم ازاو حدیث نقل میکرد . (المشترك ص۴۱۲)

۱ ـ المشترك ص۴۱۲ . ۲ ـ ازمنسوبان بمحله میدان اسفریس است: محمدبن‌محمدبن عبدالرحمن‌بن عبدالوهاب میدانی‌که ابوموسی وپدرش ازاو حدیث شنیده‌اند . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۴۲) . ۳ و۴ و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۵ـازمنسوبان به‌محله میدان‌کهنه است :

۱ـ میرزا غلامحسین استاد اسطرلاب واکرکه در خدمت وزارت پست‌وتلگراف بود و درقرن‌چهاردهم هجری‌میزیست . سیدحسن‌مشکان طبسی استاد ریاضی معروف متوفی‌ازمحضرش استفاده‌کرده است . (مجله آستان قدس شماره۱ دوره هشتم ص۱۰۳)

۱۵۹ - محله ناجونان = ناژونان :

ازمحلاتی است که‌جزء‌بخش۱ واقع‌وآن طرف‌خیابان دورشهر اصفهان‌است[۱].

۱۶۰ - محله نخان :

ازدهات درب دروازه اصفهان است که گاهی خارج شهروزمانی جزء‌محلات اصفهان محسوب میشده است یاقوت گفته[۲] : نخان بضم و آخرش نون دیهی است درب دروازه اصفهان که بآن گفته میشود شهر جی یا نزدیك آن یا محله‌ایست از اصفهان . مؤلف اللباب گفته[۳]. نخان ازقرای اصفهان است‌که آنرا جی‌میگویند. ابونعیم حافظ اصفهانی گفته[۴] ؛ نخان دیهی از سواد شهرستان بوده است . ویکی ازمحدثان را نیز بآنجا منسوب ساخته‌اند[۵] .

۱۶۰ - محله نیم‌آورد = نم‌آورد :

این محله جزء بخش ۳ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود وحیدری‌خانه بوده است[۶] .

مدرسه نیم‌آورد ومسجد حاج محمد جعفر‌آباده‌ای وچند مسجد دیگر در این‌محله واقع شده است وبه محله یمابرت نیز رجوع شود .

۱۶۱- محله واداد = واذار = وذار :

ابونعیم حافظ اصفهانی‌متوفی (۴۳۰ ه.ق.)گفته:[۷] واذار درشهر اصفهان‌محل دفن احمدبن عیسی‌بن زیدبن علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام است‌که هنگام‌فرار درخلافت هارون‌الرشید باصفهان‌آمد وهمانجا وفات‌کرد ودرمحل واذار

۱و۶- تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۲- معجم‌البلدان ج۵ ص۲۷۵. ۳- اللباب ج۳ ص۲۱۹ . ۴ - ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰ . ۵ - از منسوبان به‌محله نخان است :

۱ - ابوجعفر زیدبن بندار‌بن زید نخانی اصفهانی فقیه متوفی (۲۷۳ ه . ق) از مردم نخان‌که دیهی ازسواد شهرستان است بوده وخود ازعثمان‌بن ابی‌شیبه وقعنبی وعمروبن رافع ابوحجر واسماعیل بجلی‌روایت میکرده است واحمدبن‌محمدبن نصیراصفهانی ازاو- ابوجعفر مزبوروزن وپسرش چهل‌سال روزه گرفتند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۷- ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۸۰

دفن گردید .

درمعجم البلدان گفته:[۱] و اذار بذال معجمه و آخرش راء از دهات اصفهان است. ودراللباب[۲] گفته : واذار ازقرای اصفهان‌است. درالمشترك گفته:[۳] وذار بفتح واو و ذال معجمه ازدهات اصفهان است .

آنچه مسلم است اینکه محله واذار اکنون همان محله موسوم به امامزاده احمد است که دربازار ساروتقی ونزدیکی مدرسه عربان واقع است و این‌حدودرا درقدیم‌واذار میگفته‌اند وظاهراً در دوره ملکشاه سلجوقی که شهر روبتوسعه‌گذارده جزءِ شهرشده است .

ازاماکن تاریخی واقع دراین محله همان امامزاده احمد ومسجد ساروتقی و مدرسه عربان است . وامکان دارد واذار بجا و معنای بازار باشد چون بازار سار و تقی‌هم درآنجا است .

وعده‌ای‌ازعلماءِ ومحدثان وبزرگان‌باین محله منسوبند[۴]، وجه تسمیه شاید این باشدکه درمحل و اذار توقفگاه وایستگاهی بوده‌که امر بایستادن و واداشتن میکرده‌اند .

۱۶۲ـ محله وذنکاباذ :

درمعجم‌البلدان[۵] وذنکاباذ را بفتح اول وثانی وسکون نون‌گفته ومعنای‌آن را آبادی وذنك نوشته است .

۱ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۶ ۲ـ اللباب ج۳ ص۲۵۵ ۳ـ المشترك ص۴۳۵

۴ـ ازمنسوبان به محله واذارند :

۱ ـ حسن‌بن مصقله واذاری متوفی (۲۹۰ هـ . ق) (ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۲۶۱)

۲ـ ابوالعلاء محسن‌بن ابراهیم‌بن احمد واذاری متوفی بعد از (۴۰۰ هـ . ق) از محدثان‌که ابوعلی حسن‌بن عمربن یونس از او روایت میکرد . (اللباب ج ۳ ص ۲۵۵)

۳ـ محمدبن جعفربن‌یحیی‌بن فرقد ضبی معبر واذاری ازصاحبان تفسیر برای‌عبدالرزاق بنقل ازسلمةبن شبیب. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۸)

۵ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۶۹

این محله هم در قدیم جزء دهات خارج شهر بوده وزمانی جزء شهر وخلاصه تابع عمران وویرانی شهر بوده است .

ابو نعیم گفته[۱] : وذنکاباذ از دهاتی بوده که منصل بحصار شهرستان بوده است . دراللباب گفته :[۲] وذنکاباذ از قرای اصفهان است. و عده‌ای را منسوب بآنجادانسته است[۳].

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۹ ۲ـ اللباب ج۳ ص۲۶۵ ۳ـ از منسوبان به این محله است :

۱ـ ابوبکرمحمدبن ابراهیم بن عمرو ذنکاباذی که حدیث ازحسن بن محمدبن عبدالله بن حسنویه اصفهانی شنید و ابوالقاسم شیرازی از او روایت میکرد .

(اللباب ج ۳ ص ۲۶۵)

۲ـ ابوبکر محمودبن فرج بن عبدالله بن بدر وذنکاباذی متوفی (۲۸۴ه.ق) ازمحدثان ونیای ابومحمدبن حیان وازابدال بود ، سه‌بار بطرسوس رفت ، ازاحمدبن عبدة وبشیربن هلال وعبدالجبار وابن ابی‌عمر وازابوحجررازی وعبدالله بن عمران وسعیدبن عنبسه واسماعیل بن ثوبة وابوعثمان رازی روایت میکرد . (ذکر اخباراصبهان ج ۲ ص۳۱۲)

۳ـ ابوعبدالرحمن عبدالله بن محمودبن‌الفرج الوذنکاباذی متوفی (۳۲۵ ه . ق) از محدثان ودائی ابومحمدبن حیان بودکه ازبوحاتم رازی وهلال بن‌العلاء رقی وابوعمرو روایت میکرد ، وحسن بن اسحاق بن ابراهیم اصفهانی از او روایت داشت .

(اللباب ج ۳ ص ۲۶۷)

۴ـ ابوعبدالله محمدبن علی بن محمدبن‌احمد وذنکاباذی ازمحدثان که حدیث ازابن‌ـ الشیخ روایت میکرد . (معجم البلدان ج ۵ ص۳۶۹)

۵ـ ابوالعباس احمدبن محمودبن صبیح بن‌سهل بن ابراهیم مدینی ثقفی وذنکاباذی متوفی (۳۱۰ ه . ق) ازصاحبان اصول وثقة واز اصفهانیان روایت میکرد ودارای فواید بسیار بود، نامبرده در وذنکاباذ با روی شهرستان سکونت داشت ، و از عبدالله بن ابی‌عمرو و ابـومسعود مصنفاتش را ونیزاز احمدبن سعیدبن جریر روایت میکرد .

(ذکرتاریخ اصبهان ج۱ص۱۲۹)

۶ـ عبدالرحمن بن محمودبن‌الفرج وذنکاباذی متوفی (۲۹۸ ه . ق) ازمحدثان که با برادرش احادیث بسیار نوشت ولی حدیثش بیرون نیامد .

(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۱)

۷ـ علی بن‌حسین بن محمدبن‌علی بن‌الحسین الحنظلی المؤدب الوذنکاباذی ازمحدثان که خود از اسماعیل بن راشد وابوعمر طلحی از او روایت میکرد .

(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۸)

←

۱۶۳ـ محله واذنان :

دراللباب گفته:[1] ازقرای اصفهان است که جمعی از علماءِ بآن منسوبند در معجم‌البلدان گفته :[2] واذنان بکسرذال معجم ونونین ازقرای اصفهان است وشیخ عارف محمدبن احمدبن‌عمر منسوب بدانجا است.[3]

۱۶۴ ـ محله ورگان :

بفتح واو وسکون راء وکاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[4] .

دراللباب گفته : محله‌ایست دراصفهان[5] . یاقوت نوشته: ورکان بفتح‌وسکون وکاف و بعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[6] .

ورگان یعنی جای‌گرگ .

←

۸ـ فرح‌بن عبدالله وذنکاباذی از محدثان و ذنکاباذ که حدیث از عثمان‌بن سعید نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۷)

۹ـ هبةالله مؤدب وذنکاباذی از محدثان وذنکاباذ شهرستان وابوبکر محمدبن ابراهیم سبط اوبود . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۶۹)

۱ـ اللباب ج۳ ص۲۰۶ ۲ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۴۶ ۳ ـ دیگرازمنسوبان‌به واذنان است :

۱ـ ابوجعفر احمدبن مالک‌بن یحیی‌بن‌احنف‌بن قیس واذنانی ازمحدثان‌که ابواسحاق سریجانی از او روایت‌کرده است . (اللباب ج ۳ ص۲۵۶)

۲ـ مالک‌بن بحرواذنانی‌ازمحدثان‌که ازاحمدبن صالح‌سمومی روایت‌میکند وابوحامد اشعری ازاو حدیث نقل‌کرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ص۳۱۹)

۳ـ محمدبن احمدبن عمر واذنانی‌که درمعجم‌البلدان یادآوری‌گردیده است . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۹)

بنظرمیرسدکه واذنان ازمحلات شهرستان بوده‌که ازمیان رفته است . بیشترازمحلات و آبادیهائی‌که دارای عالمان ومحدثان بوده وازبین رفته ازشهرستان بوده است .

۴ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۳۷۳ ۵ـ اللباب ج ۳ ص۲۶۹ ۶ـ ازمنسوبان باین محله است :

۱ـ ابوالعباس‌احمدبن حسن‌بن ابراهیم مفتش ورکانی‌متوفی صفر (۴۵۴ه‍.ق) محدثی

←

۱۶۶ ـ محله ویذآباذ :

که شرح آن ومنسوبان بآن درمحله بیدآباد شرح داده شده است .

۱۶۷ـ محله وعل :

درکشف‌الظنون گفته[۱] وعل ازقرای اصفهان است وابوبکروعلی ازمنکران حیله درطلاق‌را منسوب بآنجادانسته‌است وگفته طاهر بن یحیی یمینی کتاب‌الاحتجاج الشافی بالردعلی‌المعاند فی‌طلاق‌التنافی‌را در رد براو تألیف‌کرده است.

۱۶۸ ـ محله هفتشور = هفتشویه :

ابونعیم[۲]، اصفهانی‌گفته : هفشور از دهات اصفهان است و یکی از محدثان را منسوب بآنجا شمرده است[۳] . ولی در قرون ششم وهفتم و هشتم‌که ناحیه قهاب درنهایت عمران و آبادی بوده این محل بنام هفشویه تقریباً متصل بشهراصفهان و ازمحلات آن محسوب میشده است . منتهی معلوم میگردد که درقرن سوم‌وچهارم نام آن هفشور وبعدازآن بنام هفتشویه بوده است ودرهرزمانی هم منسوبانی داشته است . از اماکن تاریخی در آنجا مسجدی است که از قرون مربوط بسلجوقی‌ها

→

کثیرالسماع وقلیل‌الروایة بود وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد . (المشترك ص۴۳۵)

۲ـ ذوالنون مصری ورگانی ازشیوخ ابوالفضل باطرقانی .

(معجم‌البلدان ج ۵ ص ۳۷۳)

۳ـ عایشه بنت حسن‌بن‌ابراهیم ورگانی متوفاة (۴۶۳ ه.ق) ازدانایان و واعظان بود واز ابوعبدالله‌بن‌مندة روایت میکرد وام‌الرضا ضوء بنت‌محمدبن علی‌حبال‌ورگانی ازاوروایت میکرد . (اللباب ج ۳ ص۲۶۹)

۱ـ (کشف‌الظنون ج۱)　　۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷.　　۳ـ و از منسوبان به‌آنجا است: ۱ـ احمدبن ابراهیم‌بن عبدالله مؤدب هفشوری از ساکنان قریه هفشور و از محدثان که حدیث از محمدبن المثنی و سلمة‌بن شبیب ومقری نقل میکرد.

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷)

۲ ـ پیرسلیمان هفتشوئی از شاگردان آخوند ملانصیراواز شعرای معاصر شاه سلیمان صفوی واز اشعار اواست معمائی بنام صدر :

چون‌صبا زلف‌ازجمال‌روی یارم دورکرد　　برکنار لب دوخال هندویم رنجور کرد

(تذکره نصرآبادی ص ۵۳۸)

بصورت ویرانه‌ای درآمده است وشرح آن گفته شده . اکنون بنام هفتشویه و جزءِ ناحیه قهاب و در ۵ کیلومتری شمال شوسه اصفهان بیزد واقع است و در حدود دویست‌وبیست‌نفر سکنه دارد[۱] .

۱۶۹ ـ محله هفتان :

این محله درابتدای امر دیهی واقع در درب دروازه اصفهان ودارای آبهای جاری و منبر بوده است[۲] . و هرچه شهر روبخرابی میرفته از شهر دور میشده و هنگام عمران و آبادی ازمحلات شهر بوده است .

۱۷۰ ـ محله هیسان :

بفتح‌سپس سکون وسین‌مهملة وآخرش نون ازقرای اصفهان است. این‌نکته را یاقوت حموی درقرن هفتم هجری گفتد است[۳] . ولی در دوران صفویه که شهر اصفهان به‌نهایت معموریت رسیده بود این دیه ونظائر آن همه جزءِ محلات‌اصفهان بوده‌اند . دراللباب نیزگفته[۴] : هیسان قریه‌ای ازقرای اصفهان است‌که عده‌ای از علماء بآن منسوبند[۵] .

۱۷۱ ـ محله یارم :

درمعجم‌البلدان بکسر راء خوانده وآنرا از دهات اصفهان دانسته است[۶] . و در المشترك براء مفتوحه و از ابوموسی حافظ اصفهانی نقل کرده که از قرای

---

۱ ـ فرهنگ جغرافیائی استان دهم اصفهان . ۲ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۸ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۲۲ . ۴ ـ اللباب ج۳ ص۲۹۷ . ۵ ـ از منسوبان به محله هیسانند :

۱ ـ ابوعلی حسن‌بن محمدبن حمزه هیسانی از محدثان که از علی‌بن محمد طنافسی و یحیی‌بن اکثم روایت میکند وخود از عبدالله‌بن محمدبن عیسی اصفهانی .
(اللباب ج۳ ص۲۹۸)

۲ ـ ابوعمرمحمدبن احمدبن حسن‌بن محمدبن حمزه ضبی‌هیسانی مولود (۲۷۲ه.ق) ومتوفی (۳۵۸ ه.ق) ازمحدثان‌که حدیث ازابوبکربن نعمان وابوطالب‌بن سوادة و محمدبن عبدالله‌بن‌الحسن وابراهیم‌بن نائله استماع کرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۷)

۶ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص ۴۲۵.

اصفهان وعده‌ای ازعلماءِ بآن منسوبند[1] . درقاموس‌اللغه آنرا یرم بفتح را نوشته وازقرای اصفهان دانسته است .

درهرحال نام یارم اکنون در محاورات نیست و از آن دهاتی بوده که دراثر توسعه شهرآن نام ازبین رفته است، وجزء محلات شهردرآمده است و فقط عنوان تاریخی دارد .

۱۷۲ ـ محله یازده‌پیچ :

چنانچه صاحب تاریخ نصف جهان گفته این محله در جوباره اصفهان واقع ونعمتی‌خانه بوده است[2] .

۱۷۳ ـ محله یزدآباد :

محله‌ایست دراصفهان جزءِبخش۴ ازمحلاتی که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[3] . وعده‌ای ازعلماء وفضلاءِ بآن منسوبند[4] .

۱۷۴ ـ محله یمابرت :

بنا بگفته یاقوت حموی بفتح وبعد الف‌باء موحدة و راءِ ساکنهٔ وتاءِ مثناة از قرای بزرگ اصفهان است که درآن بازار و منبراست و گاهی بجای باء فاء تلفظ میشود ومیگویند «یمافرت»[5] . ودراللباب گفته[6] : یمابرت یکی ازمحال‌اصفهان است وآنرا « یمافرت » بفای غیر خالص نیز تلفظ میکنند و عده‌ای از علماءِ بآن منسوبند[7] .

از گفته‌های یاقوت وصاحب اللباب برمیآید که یمابرت یا از قرای اطراف

---

۱ ـ المشترك ج۳ ص۴۴۱ . واز منسوبان آنجا است : ابوموسی حافظ یارمی ازمحدثان .

۲ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۴ ـ ازمنسوبان به‌این محله است : ۱ ـ میرزا مهدی یزدآبادی از خوشنویسان خطوط نستعلیق وشکسته در دوره قاجاریه . (جغرافیای اصفهان ص۸۲)

۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۴۱ . ۶ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۳ . ۷ ـ از منسوبان بآنجا است : ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم یمابرتی اصفهانی ازمحدثان که بعراق سفرکرد وحدیث از ابوالقاسم بغوی وابوبکربن الولاد شنید و ابوبکربن مردویه حافظ ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۳ ص۳۱۳)

اصفهان ویا محله‌ای بوده و چون درذکر تاریخ اصبهان که از ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم خشاب نامبرده ذکری ازقریه ویا محله نکرده دلیل اینستکه در آن تاریخ مردم اصفهان محسوب میشده است وطوری بوده که یمابرت از اصفهان (شهر) محسوب بوده است مطلب تازه‌ای که بنظرمیرسد (یمابرت) یا (یمافرت) احتمال زیاد دارد که منظور همان محله (نماورد) باشد که در قدیم (یمابرت) یا (یمافرت)وشاید (نمابرت) و(نمافرت) بوده و تصحیف گردیده است و اینکه ابونعیم ذکری نکرده برای این بوده‌که این کلمه بعد از ابونعیم پیدا شده است.

۱۷۵ ـ محله یوائان :

درمحاسن اصفهان یوان را بصورت یوائان نوشته وگفته است ازقرای‌قدیمی اصفهان است که درآنجا دو قلعه مهم بوده است و میتوان گفت تثنیه یوان یا جمع فارسی آن باشد[۱] .

واما ابونعیم گفته: یوان‌قریه‌ای‌بوده‌که‌اکنون‌محل‌مسجدجامع‌اصفهان‌است[۲] . درانساب سمعانی گفته : یوان دیهی است ازدهات اصفهان که بردر دروازه اصفهان است و قبر علی‌بن سهل صوفی در آنجا است . در اللباب گفته شده : یوان دیهی از اصفهان است وعده‌ای از علماءِ بآن منسوبند[۳] . و یاقوت گفته[۴] : یوان آخرش نون واولش مفتوح قریه‌ایست بردروازه اصفهان که جماعتی بآن منسوبند[۵] .

---

۱ ـ محاسن اصفهان ص۸ . ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴ . ۳ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۴ . ۴ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۲ . ۵ ـ از منسوبان به محله یوان است :

۱ ـ ابوبکر محمدبن احمدبن معرة یوانی ازبندگان صالح خدا که حدیث ازمظالمی وابوعلی‌بن غانم والحساب و عبدالله‌بن جعفر شنید . (اللباب ج۳ ص۳۱۴)

۲ ـ ابوجعفر احمدبن عبدالله‌بن محمدبن‌الحکم‌الیوانی‌الاصفهانی متوفی (۳۲۲هـ.ق) ازمحدثان ثقة‌که از: سری‌بن یحیی ویحیی‌بن ابوطالب روایت میکرد، وابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن حمزة اصفهانی وابوبکربن مقری و شیخ ابونعیم اصفهانی بایك واسطه ازاو حدیث نقل میکردند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۱)

۳ ـ ابوعبدالله محمدبن‌الحسن‌بن عبدالله‌بن مصعب‌بن سلیم‌بن‌کیسان ثقفی یوانی‌متوفی (۳۲۲ هـ. ق) وی از دیه یوان درب دروازه شهر بود و محمدبن عبدالرحمن‌بن الفضل و ابواسحاق‌حمزه اصفهانی ازاو وخود ازسهل‌بن عثمان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۱۷۶ ـ محله یونارت :

در معجم‌البلدان چنین ضبط شده : یونارت بضم سپس سکون وبعد الف راءِ مفتوحه وتاء مثناة ازفوق قریه‌ایست درب دروازه اصفهان[1] . ودر اللباب نوشته[2]: یونارت: دیهی است ازاصفهان درب دروازه‌آن وعده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[3].

این دیه ازدهاتی است‌که درزمان صفویه جزء شهرشده واز محلات محسوب میگردیده است ولی اکنون نشانی ازآن هم دیده نمیشود .

۱۷۷ ـ محله یهودیه :

در المسالك والممالك مقدسی گفته شده که قسمت یهودی‌نشین اصفهان را یهودیه میگفته‌اند ودر المشترك گفته[4] : یهودیه نام شهر فعلی اصفهان است . در معجم‌البلدان‌هم‌گفته :یهودیه شهرکنونی‌اصفهان‌است[5].درنخبةالدهر فی‌عجایب‌البر والبحر نیز نظر معجم‌البلدان والمشترك تأیید گردیده است . مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته است‌که یهودیه عبارت ازقسمتی ازاصفهان فعلی بوده که از خیابان هاتف امروز ازفلکه شکرشکن تا دروازه طوقچی محورآن‌محسوب میشود وهمچنین جوباره یعنی قسمت یهودی نشین فعلی اصفهان .

درواقع این محله همان محله جوباره کنونی است باکمی تفاوت وآن‌راکوی جهودان نیز نامیده‌اند واین نام مربوط بزمان پیش از اسلام است . درهرحال این محله معروف ومشهور وعده‌ای ازعلماءِ ازآن برخاسته‌اند[6] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۳ . ۲ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۶ . ۳ ـ از منسوبان بآنجا است: ابونصرحسن‌بن محمدبن ابراهیم‌بن‌احمدبن علی‌بن حیویه‌المقری‌الیونارتی متوفی حدود (۴۳۰ ه.ق) دراصفهان ازحفاظ مکثر وکثیرالکتابة بود سفری بعراق وخراسان کرد و حدیث ازحسن‌بن احمد سمرقندی درنیشابور وازابوالقاسم احمدبن محمد خلیلی دربلخ‌شنید. اوراست معجم‌الشیوخ درچند جزء . دراسماءالمؤلفین و انساب سمعانی و اللباب ولادتش در ۴۶۶ ووفاتش در حدود ۵۳۰ هجری نوشته شده است .

(معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۵۳ واسماء المؤلفین واللباب)

۴ ـ المشترك ص۴۴۳ . ۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۳. ۶ ـ ازمنسوبان به‌محله یهودیه است :

←

این بود فهرست نامهای محلات شهر اصفهان در ادوار مختلف تاریخی که ملاحظه میشود برای یك محله درزمانهای گوناگون نامهای مختلف قرارداده‌اند. هرچند عدد محلانیکه شمردیم زیاد بنظر میرسد ولی چون اغلب آنان مترادف میباشند نمیتوان عدد واقعی آن محلات را از پنجاه ببالا دانست.

ازطرف دیگر عده‌ای ازکوچه‌ها هم‌همان نام محلات را دارند وبنظرمیرسد که ازنظروسعت بهردونام خوانده شده است. اصولاً درزمان قدیم که‌خیابان بمعنی امروزی متداول نبوده شارعهائی که وسیع و درروهای گوناگون داشته است کوی مینامیده‌اند مانندکوی جهودان وکوی خوزیان‌که درواقع محلاتی‌بوده‌که‌شارعهای گوناگون ازهرطرف داشته‌اند واگر شارع‌بن بست میشده کوچه مینامیده‌اند.

ذکر معابر ومحلات وکویها وبرزنها دراین نوشته از جهت وجود آثارملی و باستانی درآنها درگذشته ویا درحال است وگرنه بنفسه اطلاع ازمحله یا کوچه یا کوئی که در زمانهای پیشین وجود خارجی داشته است و خبرش بما رسیده ثمری ندارد چنانچه در ابتدای وضع ساختمانی شهر اصفهان متذکر گردید درشهر مزبور علاوه برکوچه وشارع محلات‌آن به‌سیبه‌هائی تقسیم میشده یعنی یك‌کوچه منقسم

→

۱ــ ابوجعفرمحمدبن‌الفرج‌الفقیه‌یهودیه‌ای ازمردان خیروفاضل‌بودکه درکتابهای‌کوفیان نظر میکرد وازمتولیان جامع یهودیه بشمارمیرفت، جدش فرج از موالی خالدبن یزید قرنی بود. خود ازقاسم‌بن حکم عرنی ومحمدبن یحیی‌بن منده ازاو روایت میکرد.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۰۰)

۲ ــ ابوعبدالله محمدبن‌العباس بن‌خالدبن یزیدبن‌ماهان یهودیه‌ای متوفی (۲۶۶ ه.ق) ازمحدثان وازیاران عباس طامه‌ای وزکریابن‌الصلت وعبدالرحمن‌بن علی است، و حدیث از ابوعاصم وحسین‌بن حفص ومقری و عبیدالله‌بن موسی روایت میکرد وآخرین کسی که حدیث از اونقل کرده عبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس است. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۵)

۳ــ عمروبن المبارك البجلی یهودیه‌ای اصبهانی متوفی بعد از (۲۸۰ه. ق) ازساکنان یهودیه‌که حدیث ازقیس وابوهانی عمربن بشیر و اسرائیل و مندل نقل کرده است. ابونعیم گفته: درکتاب من اکره‌الروایة عنه دیدم گفته درکتاب ابویعقوب اسحاق بن یوسف یافتم‌که ازمحمدبن حارث صیداوی مسموع شد درسال (۲۸۰ ه.ق) عمروبن‌المبارك البجلی‌الاصبهانی ساکن یهودیه مارا حدیث گفت. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۴)

به چند کوچه میشده وتمام این کوچه‌ها یك در رو داشته و دربی داشته که هنگام اغتشاش یا درموقع فرارسیدن شب آن درها را می‌بسته‌اند واین‌عده‌کوچه بادربندان آن راسیبه مینامیده‌اند ودرابتداء اشاره گردید که این وضع تا دوره پهلوی ادامه داشت وازآن زمان‌ببعد متروك گردید ودرها برداشته شد والا اکنون هم درامکنه قدیمی شهر اصفهان بعضی از سیبه‌ها وجود دارد .

ﻫ ـ کوچه‌های شهر اصفهان :

۱ ـ کوچه اسماعیل کوسج :

این‌کوچه درمحله باغات واقع شده است .

۲ ـ کوچه جهودان :

یاکوی جهودان که همان محله یهودیه ویا جوباره میباشد .

۳ ـ کوچه باباسرخ :

این‌کوچه واقع است دردنبال جوی شاه درمحله سرجوی شاه وبقعه باباسرخ که یکی ازباباهای قدیم است درآنجا واقع شده است[۱] .

۴ ـ کوچه باقلافروشان :

این‌کوچه در محله باقلا فروشان جزء بخش ۴ از محلات شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۲] .

۵ ـ کوچه بی‌نقابان :

این کوچه جزء کوچه‌هائی بوده که در دنباله مدرسه صفویه اصفهان واقع و درآن کوچه‌ها کاروانسراهائی قرارداشته که مسکن زنان بدکار بوده است[۳] .

۶ـ کوچه حران :

این کوچه درزمان قدیم دراصفهان معروفیت داشته ورجالی نیزازآن‌کوچه برخاسته‌اند[۴] .

---

۱ ـ رجال اصفهان ص۶۴ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۳ ـ زندگی شاه‌عباس ج۳ ص۵۶ . ۴ ـ اللباب ج۱ ص۲۸۹ .

۷ - کوچه بازارچه خان :

این کوچه دربازارچه‌خان که درمحله دارالبطیخ واقع است میباشد ومسجد خان درآنجا بوده است[۱] .

۸ - کوچه‌باغ :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد کوچه‌باغ واقع شده است .

۹ - کوچه باغ قلندرها :

این کوچه مسجد حکیم را ببازار بزرگ شهراصفهان متصل میکند وعلاوه برمسجد حکیم مسجد دیگری بنام مسجد شیشه که معروف به‌مسجد خلوت‌نشین است واقع گردیده است[۲] .

۱۰ - کوچه باغ حاجی :

درمحل باغ حاجی‌که موقعیت آن درمحله باغ‌حاجی شرح داده‌شده‌کوچه‌ای است بنام کوچه باغ حاجی‌که درآن مسجدی بنام مسجد خواجه روح‌الله واقع‌است که در زمان شاه‌عباس بنا گردیده است . تاریخ بنای آن سال یکهزار و بیست وسه هجری میباشد[۳] .

۱۱ - کوچه بواسحاقیه :

کوچه‌ای است‌که ازگوشه شمال غربی‌مسجدجامع اصفهان بطرف‌آن میروند واین کوچه را ازآن‌جهت بواسحاقیه گفته‌اندکه عمارت دیوانی شیخ‌ابواسحاق‌انجو درآن کوچه بوده است ودرست آن همین است . مسجد جامع نیز درنزدیکی این کوچه واقع شده است[۴] .

۱۲ - کوچه پاکاریها :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد پاکاریها واقع شده است .

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۶۱۰ .
۲ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان‌ص۸۵۵.
۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۷۹ .
۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۲ .

۱۳ - کوچه پشت مسجدشاه :

این کوچه درپشت مسجدشاه واقع وکتیبه سردرمدرسه سلیمانیه بسوی این کوچه قرارگرفته است[۱] .

۱۴ - کوچه پهن :

دراین کوچه هم مسجدی بنام مسجد کوچه پهن وجود دارد و چون کوچه عریض بوده بنام کوچه پهن خوانده شده است ..

۱۵ - کوچه تکیه ظلمات :

این کوچه درمحله تکیه ظلمات واقع ومسجد مقصودبیك که مردم محل آنرا مسجد ظلمات میخوانند درآن قرار دارد و شاید وجه تسمیه این باشدکه درآنجا تکیه‌ای بوده‌که بیشتر تاریك وبی‌روشنائی وچراغ دیده‌میشده واز اینروآن تکیه‌را تکیه ظلمات یعنی تاریکیها خوانده‌اند .

۱۶ - کوچه جماله کله :

این کوچه که اکنون بنام محله خوانده میشود درعصر شاردن فرانسوی که درزمان صفویه باصفهان آمده کوچه نامیده میشده است ودرآن موقع شاردن کوچه جماله کله را تابع محله نیم‌آورد خوانده است[۲] .

۱۷ - کوچه رندان :

ازکوچه‌های قدیم اصفهان استکه شیخ‌عزالدین متوفی (۷۹۰ه.ق) درابتدای آن‌کوچه مدفون شده‌است. وازآن‌جهت آن‌کوچه‌را باین نام خوانده‌اندکه مردمان عیار وغارتگر درآن سکونت داشته‌اند .

۱۸ - کوچه ساوجیان :

این‌کوچه‌که بمناسبت سکونت سعیدالدین محمد ساوی بنام‌کوچه ساوجیان معروف بوده ودرنزدیکی مسجد جامع کنونی واقع میشده تغییر نام داده و اکنون

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۷ . ۲ـ سفرنامه شاردن ترجمه‌عریضی ص۸۹.

به کوچه سبزیان شهرت دارد[1] .

۱۹ - کوچه طراز :

کوچه‌ای بوده در اصفهان که تجار مردم شهر طراز ترکستان در آن منزل میکرده‌اند ودرآن پنجاه کاروانسرا وجود داشته است واین طرازهمان محله طراز میباشد که درپیش شرح داده شده است[2] .

۲۰ - کوچه دارالبطیخ :

درواقع همان است که محله دارالبطیخ ودالبتی میخوانند و در محله کران که امروزه احمدآباد نامیده میشود واقع گردیده است ونهرفدین آنجارا مشروب میکند وتربت نظام‌که مقبره خواجه نظام‌الملك و دیگران باشد در این‌کوچه واقع شده است[3] .

۲۱ - کوچه درویشها :

این کوچه واقع است درمحله خاجو ومسجدی نیز درآن کوچه میباشد بنام مسجد حاج‌محمد مهدی‌که به‌مسجد زاغی شهرت دارد وچون تکیه بکتاش‌ازصوفیه درآنجا بوده بنام کوچه درویشها خوانده شده است[4] .

۲۲ - کوچه سلطان سنجر :

این کوچه قدیمی ودر محله سلطان‌سنجر واقع شده که از محلات جوباره بوده است .

۲۳ - کوچه عمریها :

دراین‌کوچه مسجدی بنام مسجد عمریها وجود دارد وشاید این نام بمناسبت سکونت سنی‌ها درآن بوده است .

۲۴ - کوچه مسجد ذوالفقار :

این کوچه درمحله ذوالفقارکه منشعب ازبازار ومحله نیم‌آورد میباشد واقع

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۲۹۸ . ۲ - اللباب ج۱ ص۲۸۹ . ۳ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۳۵ . ۴ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۰ .

گردیده است ومسجد وحمام ومدرسه ذوالفقار دراین کوچه است

۲۵ - کوچه مسجدسرخی :

در این کوچه مسجدی است که در دوران شاه‌عباس اول بنا شده و بانی آن خلف سفره‌چی بوده وازاینرو بنام مسجد سفره‌چی خوانده‌اند ولی در الحان عموم معروف به مسجد سرخی است .

۲۶ - کوچه مشیر :

این کوچه منسوب به مشیرالملك انصاری اصفهانی‌است ودرآن نیزمسجدی قراردارد که آنرا مسجد کوچه مشیر میخوانند .

۲۷ - کوچه مصری :

این‌کوچه درشمال جوباره واقع ونزدیکی قبرستان شورقرارگرفته ومسجدی بنام مسجد مصری درآنجا میباشدکه در زمان شاه‌عباس دوم بناگردیده است .

۲۷ - کوچه نمکی :

این کوچه واقع است درنزدیکی میدان میر جنب میدان کهنه شهراصفهان ودرآن کوچه مسجدی است که بخواجه نظام‌الملك طوسی نسبت میدهند و آنرا مسجدکوچه‌نمکی میخوانند چهارسوئی هم داشته‌که خراب‌شده ومعروف‌به‌چهارسو نمکی بوده است[۱] .

۲۹ - کوچه گازران :

این‌کوچه ازکوچه‌های بسیارقدیمی اصفهان است که گازران درآن سکونت داشته‌اند وازاینرو کوچه گازران نامیده شده است، چه دردوران قدیم بیشترمردم اصفهان بافنده وجولاه بوده‌اند[۲] . وعلمائی ازآنجا برخاسته‌اند[۳] .

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۲۹ .   ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۶۴ .

۳ ـ ازمنسوبان باین کوچه است :   ۱ ـ محمدبن سلیمان‌بن علی کوچه گازرانی از سکنه کوچه گازرها وازمحدثان که از بکر وابوحذیفه ومسلم روایت میکرد وکتابهای حمادبن‌سلمة که ازحجاج‌بن‌منهال روایت میکرده نزد اوبود.   ۲ـ ابومحمد عبدالله‌بن‌الصباح بزاز کوچه گازرانی متوفی (۲۹۴ ه . ق) از صدوقان و موثقان‌که از عراقیان و مکیان روایت میکرد .

۳۰ ـ کوچه ماجشون :

کوچه‌ای بوده واقع درمحله‌کران (احمدآباد فعلی) درمیدان فرش‌فروشهای شهر اصفهان[۱] . که در زمان ابونعیم دائر بوده است[۲] . ماجشون معرب ماه‌گون است وبکسانی که بسیارزیبا و ماهرو بوده‌اند این کلمه گفته میشده است و معلوم میشود دراین کوچه چنین کسانی بوده‌اند .

۳۱ ـ کوچه باباسنگکی :

این کوچه درپشت مسجدجامع اصفهان واقع ومزارباباسنگکی دراین‌کوچه قرار گرفته است .

۳۲ ـ کوچه طبرك :

۳۳ ـ کوچه مرداویج :

۳۴ ـ کوچه مؤیدالدوله :

۳۵ ـ کوچه فخرالدوله :

۳۶ ـ کوچه‌علاءالدوله :

۳۷ ـ کوچه جباخانه :

این چند کوچه دراطراف محل سابق قلعه طبرك قرار گرفته و هرکدام بنام یکی ازکسانی که درآن قلعه جاداشته‌اند موسوم گردیده است ویك کوچه هم بنام خود قلعه است .

۳۸ ـ کوچه باب‌التبریزیه :

این کوچه هم از کوچه‌های قدیمی اصفهان است که آنرا سکةالتبریزیه میخوانده‌اند و ظاهراً کوچه‌ای بوده که مردم تبریز درآن سکونت داشته‌اند .

۳۹ ـ کوچه خوز :

کوچه‌ای بوده که مردم خوزستان درآن اقامت میکرده‌اند وشاید در محله خوز واقع بوده است .

---

۱ ـ ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰ .

۲ـ وازآنجا است: ابوحامد احمدبن‌الحسین‌بن علی‌السمسار کوچه ماجشونی ازمحدثان . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰) .

۴۰ - کوچه جهودان :

کوچه‌ای بوده درمحله جوباره که یهودان در آن اقامت داشته‌اند .

و بیست‌ویك کوچه دیگر نیز وجود دارد که چون جنبه تاریخی ندارند از ذکر آنها . خودداری میگردد .

و - میدانهای شهر اصفهان :

درزمان قدیم جائی را میدان میگفته‌اندکه دارای وسعت‌کافی وازچند جهت دررو داشته باشد و معمولاً میدان برای چوگان بازی و اسبدوانی مساعد باشد و همچنین برای سان دیدن سپاه و نظائر آن مناسبت داشته باشد . از لابلای تاریخ اصفهان برمیآید میدانهائی بوده است که بعضی باقی وبرخی هم نامشان مانده‌است:

۱ - میدان اسپریس :

میدانی بوده دریکی‌ازمحلات قدیم‌اصفهان‌که برای اسبدوانی وچوگان‌بازی استفاده میشده است وشرح آن درمحلات داده شد .

۲ - میدان کهنه :

این میدان که به میدان عتیق نیز شهرت دارد ازبناهای سلاطین آل‌بویه و نزدیك بآنان است که برای بیاعان اجناس مختلف بناشده وهرقسمتی ازآن برای عرضه و فروش وخرید متاعی اختصاص دارد و بااینکه قرنها از بنای آن میگذرد هنوز مورد استفاده است .

۳ - میدان میر :

این میدان ازبناهای تیموریان است ونزدیکی میدان قدیم واقع شده است. معروف است‌که ازساختمانهای این میدان به‌قلعه طبرك راهها ونقبهای زیرزمینی بوده است که درموقع لزوم بیکدیگر ارتباط پیدا میکرده‌اند .

۴ - میدان کاه‌فروشان :

میدانی بوده که درشهرقدیم اصفهان در محله یهودیه وجود داشته است . و سوق جرین نیز درهمان حدود واقع بوده است .

۵ - میدان چهارحوض :

این میدان که چهارحوض دراطراف آن بوده واز میدان نقش‌جهان و سایر میادین کوچکتر و دارای حجراتی نیز برای سکونت داشته است خراب و اکنون خیابان ومحل عبور ومرور است ودرقدیم بمنزله جلوخان عمارات دولتی بوده ودر پشت چهلستون قرار داشته است . شرح آن در آثار باستانی معدوم‌الاثر داده شده است .

۶ - میدان سلیمان :

میدانی بوده که محمدبن سلیمان اصفهانی معاصر مأمون عباسی در نزدیك کنیسه‌ایکه شاه ایران برای حکیم رومی در اصفهان ساخته بوده احداث‌کرده‌اند ، واین میدان در نزدیکی محل فعلی مسجد جامع اصفهان و تا زمان ابونعیم وجود داشته است[۱] .

۷ - میدان سربازخانه :

این میدان درفرح‌آباد اصفهان واقع شده است . واختصاص بسربازان دارد .

۸ - میدان دروازه دولت :

این میدان درمحل دروازه سابق دولت واقع گردیده است .

۹ - میدان فرش‌فروشان (اغاطیین) :

این میدان درقدیم‌الایام درمحله کران در کوچه ماجشون قرار داشته است که درآن فرش‌فروشان متاع خودرا عرضه میکرده‌اند[۲] .

۱۰ - میدان ادب :

این میدان بطوریکه نوشته‌اند درکوچه‌آداب شهر اصفهان وجودداشته است.

۱۱ - میدان باغ همایون :

این میدان درنزدیکی باغ همایون معروف به‌باغ حاجی واقع‌شده‌بوده‌است.

---

۱ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴ـ۳۸ .

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۹ .

۱۲ ـ میدان نقش جهان = میدان شاه :

در محل این میدان و بانی آن اختلاف است . برخی گفته‌اند این میدان در زمانی پیش از صفویه بناء شده و محل آن درجای باغ چهلستون فعلی واقع بوده است ولی آنچه مشهوراست اینکه میدان نقش‌جهان همان میدان شاه‌کنونی‌میباشد که میان مسجدشاه و سردر قیصریه قرار گرفته و بصورت مستطیل و مساحت آن ۱۲۵ جریب میباشد . در زمان شاردن فرانسوی این میدان زیباترین میدانهای جهان وطول آن دویست‌وچهل (۲۴۰) قدم وعرض آن یکصدوشصت‌پا بوده است .

این میدان دوازده مدخل بزرگ وچند راهرو کوچك داشته وابتدای بنای آن از یکهزارویازده هجری بوده است . یعنی اززمان شاه‌عباس تغییراتی دروضع این میدان داده شده و ازآن‌ببعد بنام میدان شاه معروف شده است[۱] .

درسال ۱۳۱۱ شمسی حوضی درمیدان ساخته شد و در (۱۳۵۳ ه.ق) اتمام و آب درآن انداختند[۲] .

۱ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۵ .

۲ ـ وبرای این کار جشنی برپا داشتند و مرحوم جابری مؤلف تاریخ اصفهان و ری چکامه‌ای در وصف آن حوض و ماده تـاریخ آن سرودندکه در ذیل درج میگردد :

زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر — چو ترعه لب دریا زمان اسکندر
سکندر ارکه باسکندریه حوضی ساخت — ببین که مصنع میدان شه است زیباتر
چوآب آینه‌گون موج میزند لب حوض — همی در آب بلرزد چو مرد اشناور
فرات‌ودجله کم‌آبی‌زحوض وخورنق‌خورد — به آستان علی‌قاپو و خجل منذر
و یا که حوض بود رود نیل و مسجد شاه — کمینه کفش کنش صحن جامع ازهر
چو عکس گنبد رخشان شیخ لطف‌الله — نیامده است در این نه فلك یکی اختر
اگرکه سرپوشی وارونه خواهی ازمه‌ومهر — درآب عکس دوگنبد سپید و سبز نگر
بچرخ صورت این مصنع درخشنده — نگر نه حوض که دریاچه‌ایست پرگوهر
بویژه سال دگر سرکشیده بر افلاك — هزار سرو صنوبر هزار طرفه شجر
نسیم نالد و خندد چمن بگرید ابر — درخت بالد و آرد گل و ببارد زر
شود چو بوقلمون رنگ رنگ طاوسی — که از جمالش طاوس هند ریزد پر
دوچشم مردم روشن ز نرگس و اطلس — دماغ خلق بعطر از قرنفل و عبهر
ز داغ لاله لب غنچه بسته و سوسن — زبان گشوده پی پیلگوش و سیسنبر
←

از آثار باستانی موجود دراین میدان عمارت عالی‌قاپو ومسجدشاه وطالارطویله و مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه میباشد . این میدان زیرشماره ۱۰۲ بثبت تاریخی رسیده است .[۱]

۱۳ ـ میدان چوگان‌بازی :

این میدان درعصر شاه‌عباس صفوی برای چوگان‌بازی و اسب‌دوانی اختصاص داشته ومحل آن همان میدان نقش‌جهان بوده که شاه‌عباس ازبالای‌عمارت عالی‌قاپو بتماشای چوگان‌بازی میپرداخته‌اند و شعراء و ایلچیان خارجی نیز در معیت شاه میبوده‌اند[۲] .

۱۴ ـ میدان خاجو :

این میدان درخاجوی اصفهان واقع شده است .

۱۵ ـ میدان پهلوی :

این میدان در محله آب‌بخشان که درقدیم به‌مردبان شهرت داشته است واقع گردیده .[۳]

۱۶ ـ میدان هاتف :

این میدان درخیابان هاتف اصفهان واقع‌گردیده است .

→

هزار پوشش از اشکوفه‌های رنگارنگ — دوصد قطیفهٔ ز نسرین و یاس و نیلوفر
زنند بلبل و قمری نوای عشق بشور — کبوتران که ببوسند روی یکدیگر
چوکبك خوش بخرامد برای وصل حبیب — رقیب گردد زاغ و خطیب بر منبر
بلطف آب نگر در پیاله زر سرخ — شقایقش بنموده چو باده احمر
چو باد حمله کند پوشد آب سیم زره — که سرو تیغ بدست است وبید با خنجر
ویا که آب چو دختی درون چادر سبز — نهان شده‌است وکشیده‌است برسرش بستر
چو«جوی کوثروتسنیم» شدروان‌در حوض — به ابتدای بنا سال شمسیش بنگر
چو حوض گشت تمام وز آب شد روشن — چنانچه عکس وی افتاد در مه انور
تو سال را قمری بشمرو بگو تاریخ : — « زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر »

نقل ازتاریخ اصفهان و ری از ص ۳۴۰ تا ص۳۴۲ .

۱ ـ فهرست آثار تاریخی ایران ص ۴۵ .
۲ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص ۳۰۵ .
۳ ـ تاریخچه محله خاجو ۲۲ .

۱۷ - میدان هزار جریب :

این میدان در دروازه شیراز اصفهان واقع گردیده است .

۱۸ - میدان بازار :

میدانی‌است‌که درابتدای بنای شهر جی ازطرف آذرمانان‌در یکصدوهفتادسال پیش‌از اسلام وجود داشته ودروازه خور مقابل‌آن واقع بوده است[۱] .

۱۹ - میدان بیست‌وچهارم اسفند :

این میدان در محل تقاطع خیابان پهلوی بـا خیابان کمال الدین اسماعیل واقع‌گردیده است .

ز - رودخانه زاینده‌رود

نام این رودخانه در عرف نویسندگان گوناگون در ازمنهٔ مختلف متفاوت نوشته‌شده، برخی زرین‌رود ودیگران زرینه‌رود وزرنروذ وزرینه‌رود و زاینده‌رود و زندك‌رود. حمزهٔ اصفهانی متوفی حدود (۳۶۰ ﻫ . ق) در کتاب سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء[۲] . زرین‌رود نوشته وگفته است طول میان منبع آن‌که چشمه جانان‌باشد تا جائی که درانتهای رویدشت فرو میرود پنجاه فرسخ میباشد .

ابونعیم حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ ﻫ.ق) زرنروذ نوشته ومحلی را که آب این رودخانه فرومیرود بنام (هنام) خوانده است[۳] .

صاحب‌عجایب‌المخلوقات نام‌آن‌را زاینده‌رود نوشته وگفته است‌که مکررنی در رودخانه مزبور انداخته‌اند و در کرمان گرفته‌اند ؛ گرچه پذیرفتن این مطلب دوراز‌عقل‌سلیم ومنطق است ولی درهرحال نام رودخانه را زاینده‌رود نوشته است.

درمحاسن اصفهان‌که در قرن پنجم تألیف شده : زرین‌روذ[۴] و وزرنروذ[۵] و زنده‌روذ[۶] نـوشته وزرین‌رود را گفته چون‌آب آن مانند زربرمردم انفاق میشود

---

۱ - ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۵ .
۲ - سنی‌الملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۴ .
۳ - ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰ .
۴ - محاسن اصفهان ص۴۸ و ۵۳ .
۵ - محاسن اصفهان ص۵ .
۶ - محاسن اصفهان ص۹ .

به زرین‌رود نامیده شده‌است . بدیهی است زرنرود هم‌مشتق و مخفف زرین‌رود است ولیکن زنده‌رود معنی رودخانه دائر وزنده را میدهد که پیوسته در احیای اراضی موات بکارمیرود وممکن است مخفف زاینده‌رود باشد .

صدرالدین عبداللطیف[1] خجندی که ازشعرای زمان آل خجند دراصفهان بوده درشعریکه دراوصاف اصفهان سروده نام آنرا زرین‌رود گفته :

ای چو سیم مذاب زرین‌رود — اصفهان پرنوا شده ز تو رود
گشته‌ای عین زندگی در جی — فی مجاریك کل شیء حی
در لقای تو داشت خضر برات — آب گشته ز شرم تست فرات

خواجه حافظ گفته :

اگرچه زنده‌رود آب‌حیات است — ولی شیراز ما از اصفهان به

درجای دیگری آنرا چنین یاد میکند:

یاد باد آن روزگاران یاد باد — زنده‌رود و باغ‌کاران یاد باد

استاد سعدالدین هروی ازشعرای‌قرن هشتم دروصف اصفهان قصیده‌ای‌سروده ونام زاینده‌رود را چنین گفته :

هر که‌را بینی‌همه‌لطف‌است‌واحسان‌وکرم — هر کجاباشی‌همه‌آب‌است وباغ‌وبوستان
آب حیوان است گوئی پیش بستان ارم — زنده‌رود اوکه دارد باغ کاران برکران

ابوالفضل اسماعیل‌بن محمد جربادقانی[2] . از شعرای قرن پنجم در وصف اصفهان قصیده‌ای بتازی سروده ونام رودخانه زاینده‌رود را زندروذ سروده است :

یـا اصفهان سقیت‌الخمر صافیة — اذقلت قلت لها سقیا غوادیها
لاحبذا جبل‌الریان من بلد — و حبذا لی مصلاها و وادیها
بزنده‌روذ دیون قد مطلت بها — وان اعش‌فزمانی‌سوف یقضیها[3]

۱ــ زنده‌رود ج ۱ ص۲ .　　۲ــ محاسن اصفهان ص ۱۱۸ .　　۳ــ یعنی ای اصفهان من از شراب صافی هنگامی سیراب‌گردیدم‌که گفتم‌کم باد سیرابی شیران بیشه‌های اصفهان . کوه ریان نیکونیست ازهیچ‌شهری ونیکو و پسندیده است برای من مصلاو رودخانه اصفهان، زنده‌رود را وامهائی برمن است‌که اگر زنده‌مانم زود باشدکه روزگار آن وامها را ادا کند .

ونیز ابوالعلاء بختیاربن بنیمان‌بن خرزاذ اصفهانی دروصف اصفهان‌قصیده‌ای بتازی سروده که درآن نام رودخانه زاینده‌رود را زنده‌روذ خوانده است[۱] :

و زندروذ الضحی بصفحته سبائك للجین مذرورة[۲]

ونیز جوهری واعظ اصفهانی[۳] . از شعرای اصفهان در قرن پنجم قصیده‌ای بتازی دروصف اصفهان سروده و درآن نام رودخانه را زنده‌روذ گفته است :

کان حنین‌الزندروذ خلالها حنین اسود للمجاعة تزار
تری مائها مثل‌اللجین و ارضها کجنة عدن روضها یتعطر[۴]

ونیز قاضی محمدبن احمد قمی ازشعرای[۵] اصفهان دروصف این شهر بتازی سروده ونام رودخانه را زرنروذ آورده است .

حبذا زرنروذ واد تغطی من لجین مذوب بجلال[۶]

ونیز شیخ ابوجعفر محمدبن‌الحسین‌بن‌محمدبن الحسن‌بن یزید اصفهانی[۷] . در قصیده‌ایکه در وصف اصفهان سروده نام رودخانه را زرین روذ گفته :

سلام علی زرین روذ وشعبه سلام محب لاسلام مودع[۸]

حمدالله مستوفی قزوینی درنزهت‌القلوب[۹] . نوشته :

« رودخانه اصفهان امروز به زنده‌رود موسوم است ومصنفین مختلف آن را زاینده‌رود وزرین‌رود نیز نوشته‌اند . زرین‌رود اکنون بیکی از شعب این رودخانه اطلاق میشود . قسمت علیای شاخه اصلی این رود جوی سرد نام دارد و از زردکوه سرچشمه میگیرد . این‌کوه‌که هنوز بمناسبت سنگهای آهکی زردرنگ خود باین نام خوانده میشود در سی فرسخی باختر اصفهان نزدیك سرچشمه رود دجیل یعنی

---

۱ ــ محاسن اصفهان ص۱۱۸ . ۲ــ یعنی زنده‌رود درهنگام چاشت برروی‌آن‌شمشهائی ازسیماب پراکنده است . ۳ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۰ . ۴ ــ ناله‌ایکه زنده‌رود در درون خود دارد چون ناله شیرهای‌گرسنه است‌که میغرند . آب آنرا مانند سیماب می‌بینی و زمین آن مانند بهشت جاوید سرسبز و معطر است . ۵ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۲ . ۶ــ چه بسیارخوب است زرنرودکه پوشیده شده است از سیمابی‌گداخته . ۷ــ محاسن اصفهان ص۶۲ . ۸ ــ یعنی بر زرین‌رود و نهرهای منشعب از آن باد درود دوستدار نه درودکسیکه آنرا ترك میکند . ۹ــ اصفهان جوانان ص۲۱ بنقل از نزهت‌القلوب .

کارون واقع است .

پائین سهروفیروزان واقع درخان لنجان یکی ازشعب زاینده‌رود که ازحیث بزرگی با خود رودخانه همسری میکند واز حدود گلپایگان سرچشمه میگیرد، به زاینده‌رود میریزد ، آنگاه پس‌ازعبورازاصفهان وسیراب‌کردن نواحی‌هشتگانه آن اندکی بسمت خاور رودشت پیچیده بالاخره در باتلاق گاوخانی که در حاشیه کویر واقع است فرومیرود . طبق یك عقیده عمومی که ابن‌خردادبه در قرن سوم نیز آن را ذکر کرده است این رودخانه پس ازفرورفتن در باتلاق گاوخانی دوباره درشصت فرسخی آن باتلاق در کرمان ظاهرمیشود و آن‌گاه بدریا میریزد، اما این روایت ضعیف مینماید، زیرا که ازگاوخانی تاکرمان زمینهای سخت وجبال محکم درمیان است و ممری درزمین که چندان آب درآن روان باشد متعذر مینماید و زمین‌کرمان بلندتر از زمین گاوخانی است . »

یاقوت حموی درمعجم‌البلدان[1] . دربیان این رودخانه چنین میگوید .

زرنروذ . بفتح اول و ثانی و نون ساکن پس ازآن راء مهملة و آخرش ذال معجمه[2] نام نهر اصفهان است و آن رودی است معروف بگوارائی و صحت‌که از بناکان بیرون میآید وبده دریم میگذرد وسپس به ده دیگری بنام دنبا و دراین ده آبهای زیادی جمع میشود که اهمیت پیدا میکند و بستانها و روستاها را سیراب میکند تابشهر میرسد وسپس در ریگزاری فرومیرود و در کرمان خارج میشود و فاصله آن شصت فرسخ است . پس از خروج در کرمان جاهائی را درآنجا سیراب میکند وسپس بدریای هند میریزد . واینطوریاد کرده‌اند که نئی را علامت‌گذارده ودرآن مواضع‌که آب درآن فرومیرود رها کردند ، پس ازآن آن نی‌را درآنجائی که درکرمان آب خارج میشود یافتند ، وازاینرو گفته‌اند که همان آب زاینده‌رود اصفهان است‌که ازکرمان بیرون میآید .

---

۱ ــ معجم‌البلدان ج۳ ص۱۳۹ . ۲ ــ مؤلف کتاب زنده‌رود در صفحه ۲ کتاب خود اشتباهاً گفته یاقوت را : بفتح‌اوله وسکون ثانیه و فتح دال مهملة وراء مهملة مضمومة و واو ساکنة واخره ذال معجمة نقل کرده است .

از اقوال گوناگونی که در نام رودخانه ذکر گردید روشن شد که نام اصلی زرین‌رود بوده و بتدریج زرنرود و زاینده‌رود و زرینه‌رود گفته‌اند و وجه تسمیه همانطوریکه در نزهت‌القلوب گفته چون کوهی که سرچشمه آب در آن است زرین‌رنگ بوده نهر هم بهمان نام خوانده شده است وچون در قسمتی از رودخانه مزبور دربین راه زایشی تولید میگردد گاهی هم بنام زاینده‌رود خوانده‌اند و زنده‌رود مخفف همان زاینده‌رود و زرنرود و زرینه‌رود هم مشتق از همان زرین‌رود نام اصلی آن است .

ودلیل آن گفته‌های حمزه اصفهانی ومؤلف محاسن اصفهان وابونعیم‌اصفهانی است‌که درزمان قدیم میزیسته‌اند وآشناتر بنامهای گذشته بوده‌اند .

سرچشمه رودخانه زاینده‌رود ازکوههای زرد بختیاری و انتهای آن باتلاق گاوخانی است وتقسیم رودخانه مزبور چنین است :

گردش‌آب رودخانه پس ازعبور ازکوههای فریدن و مشروب نمودن اراضی ساحلی وبلوك اید غمش میان هفت بلوك مشروح زیر از لحاظ زمان در طول مدت يك‌سال روی سه اصل زیراست :

۱ ـ اختصاصی :

آب زاینده‌رود از ۱۵ اردی‌بهشت تا آخر برج واز ۱۵ آذر تاآخر برج مخصوص بلوك رودشتین است .

۲ ـ اشتراکی :

ازآخر اردی‌بهشت تا شش‌ماه بطور مشترك دراختیار بلوك زیرین است :

۱ ـ بلوك لنجان شش‌سهم . ۲ ـ بلوك‌النجان چهارسهم . ۳ ـ ماربین چهارسهم . ۴ ـ جی شش‌سهم . ۵ ـ کرارج سه‌سهم . ۶ ـ رودشتین و برائان ده سهم .

۳ ـ آزاد :

از آخر آذرماه تا ۱۵ اردی‌بهشت آب زاینده‌رود آزاد بوده و همه آبادیها

میتوانند ازآن استفاده‌کنند. طبق طومار معروف به‌طومار شیخ‌بهائی آب رودخانه به ۳۳ سهم تقسیم میشود که بوسیله انهاری که از رودخانه زاینده‌رود منشعب شده و هر نهر را مادی میخوانند آب را بقراءِ میرسانند و این ۳۳ سهم به ۲۷۵ سهم و ۱۳ مادی تقسیم میگردد. ۶سهم لنجان وایدغمش به‌۱۳ سهم قسمت شده وهمین سهام دوباره به‌۳۵۷ سهم تقسیم میگردد، ۴سهم لنجان مابین مادیهای ۴۷٫۵ قسمت شده ومجدداً به ۳۱۵٫۱۵ سهم تقسیم میشود. چهارسهم ماربین به‌۲۹سهم و دوباره به‌۳۸۲ سهم تقسیم میشود. ۶ سهم جی به ۳۷ ومجدداً بد ۳۸۷ سهم تقسیم میشود. ۳ سهم‌کرارج به ۱۲ ومجدداً به‌۳۸۷ سهم تقسیم میشود. از ۱۰سهم رودشتین به ۲۴ مادی وبین قراء به ۲۳۰سهم تقسیم میشود[1].

از رودخانه زاینده‌رود نهرهائی جدا شده که آنها را مادی میخوانند و در محلات شهر اصفهان گردش کرده وبخارج شهر میرود. مهم آنها چنین است:

۱ ـ مادی نیاصرم:

اصولاً کلمه مادی در لغت معمول قدیم اصفهان به نهری اطلاق گردیده که از رودخانه کوچکتر وازنهر بزرگترباشد ومادی نیاصرم بهمین منوال است. کلمه نیاصرم هم مرکب است از نه وصرم که جزءِ اول بمعنی شهرکوچك و یا قصبه است و صرم هم معرب سرم است که نام محل است. و معلوم میشود که محلی که مادی مزبور درآن جاری شده نیاصرم نام داشته است.

این مادی ازسایر مادیهائی که درشهر اصفهان جاری است بزرگترومعروفتر میباشد ودر حدجنوبی شهرواقع وازکنار پل مارنان‌که ابتدای شهراست‌ازرودخانه جدا شده وازکنار باغ جنت ومحله لنبان بطرف مشرق میرود ودرنزدیکی دروازه ظله که مشرق مایل بجنوب شهر است بسه شاخه تقسیم و زمینهای جی را آبیاری میکند. این مادی در زمان وفورآب رودخانه زاینده‌رود در حدود دویست سنگ آب دارد ودر زمان کم‌آبی کمترازپنجاه سنگ آب ندارد.

---

۱ ـ نقل بمعنی ازفرهنگ جغرافیائی استان دهم.

۲ ـ مادی فرشادی :

محل انشعاب این مادی بالاتر از مادی نیاصرم و در کنار قریه ناجوان یا ناجنون یا ناژونان ماربین است و آب آن درحدود ربع آب مادی نیاصرم است.

معبر این مادی ازمحله لنبان و شمس آباد و از زیرچهارباغ قدیم میگذرد و از وسط مدرسه چهارباغ و کاروانسرای بازارچه بلند که پشت مدرسه است عبور نموده وازمحله دولت‌خارج‌میگردد ، سپس ازشمال محله‌خاجو گذشته و شاخه‌هائی از آن جدا شده ومحلات چرخاب وحسن آباد و چهارباغ صدری و باغات آن ومحله خاجو وپاقلعه را سیراب کرده وارد محله ترواسکان میشود و درآنجا منشعب شده واز شهر خارج ودر اراضی جی می‌نشیند.

۳ ـ مادی شاه :

آب آن نصف مادی فرشادی است . ازلنبان وچهارسوی شیرازیها ومستهلك وشمس آبادگذشته اطراف خودرا سیراب وبدوشاخه تقسیم ووارد دوحوض‌چهارباغ که محاذی باغ هشت بهشت است شده واز آنجا داخل باغ میگردد وباغات شاهی وخانه‌های دولتی وبعضی ازباغهای چهارباغ ومدرسه سلطانی را سیراب میکند.

از اینرو این مادی را جوی شاه گفته‌اند که بیشتر باغات وعمارات شاهی را سیراب میکرده است[۱] .

۴ ـ مادی فدین = فدا = فدن .

وجه تسمیه این مادی آنست‌که چون نیمی ازآن را بعضی ازسلاطین صفویه فدای نفس خود و اکثر آنرا وقف شهر کرده‌اند هردوقسمت را فدین ویك قسمت آن را فدا گفته‌اند . قبل‌ازصفویه آنرا فدن و فدین میگفتنه‌اند ودر زمان صفویه به فدا شهرت یافته است . محل انشعاب آن بالاتر از سه مادی مرقوم فوق است و آب آن زیادتر از فرشادی است .

این‌مادی ازمحله لنبان وشمس آباد عبورکرده ودرمحله دروازه‌دولت بدوشعبه

---

۱ ـ نقل بمعنی ازنصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۹۹ .

منقسم میشود و آنجا را لت محمدحسین‌بیك مینامند . شعبه‌ای از آن به‌محله در کوشك و بیدآباد و چهارسوی علیقلی‌آقا رفته و از آنجا بکنار محله دروازه‌نو (آب‌بخشان) رفته و باز آنجا دوشاخه میشود . شاخه کوچکتر از زیر دروازه چهاررو خارج از شهر شده و قریه سواری باغ جی را آب میدهد و شاخه بزرگتر وارد باغ صفی میرزا شده واز آنجا بباغ کلعنایت رفته سپس سه‌شاخه شده ، یك شاخه آن تمام محلات دردشت وشهششهان را سیراب میکند ودوشاخه دیگر ببلوك جی درقریه سودان وچمبرك (کمبرك) وجاهای دیگر میرود .

واماشعبهٔ‌دیگر از لت‌محمدحسین‌بیك ازمحله‌دروازه دولت‌عبورکرده‌وداخل بعضی ازعمارات و باغات شاهی میگردد و از کنار میدان نقش جهان گذشته داخل مدرسه ملاعبدالله شده ودرپشت آن سه شاخه میشود ، کوچکتر آنها خرج محله قصر منشی شده وشاخه دویم که بزرگتراست به محله یزدآباد رفته ودرمحله‌کران و جنوبی جوباره مصرف شده و اندکی از آن از شهر خارج میگردد . شاخه سیم از کاروانسرای طباطبائی وعقب آن ازمدرسه جده بزرگ گذشته و از محله گلبار عبور میکند و وارد محله جوباره شده وازشهر بیرون میرود وپاره‌ای ازدهات جی را سیراب میکند واین مادی از پرمنفعت‌ترین مادیها است و قریب دوثلث شهر را مشروب میکند . در عرض سال سه ماه تابستان را آب ندارد ، درگذشته در محل انشعاب چشمه‌ای داشته‌که هیچگاه آب آن‌کم نمیشده ولی چون آن چشمه پرشده آب آن نقصان پذیرفته است .

شعرای تازی زبان درباب این مادی قصایدی سروده‌اندکه ازآن جمله است:

بدت زهرةالدنیا و مد فذین   وطاب لدیه للمحب مجون[1]

هرچند ریشه‌کلمه فدین معلوم نیست ولی آنچه مسلم است این‌کلمه فارسی است‌که درهنگام تعریب دال‌آن مبدل به‌ذال معجمه شده است . نکته دیگراینکه این تقسیمات درقرن پنجم رایج بوده ومربوط بزمانی دور بوده است .

۱ــ یعنی زهره‌دنیا و مد فدین ظاهرشدند وسختیها برای دوستداران فدین پاکیزه وگوارا شد.

۵ ـ مادی تیران :

این مادی ازمغرب شهر گذشته به محله بیدآباد وچهارسو شیرازیها میرود و محله‌نو وشئیش‌ومورنان را سیراب‌کرده بقریه معروف به‌تیران وآهنگران‌سرازیر ومزارع اطراف آن‌را مشروب میگرداند وسپس به‌شاخه مادی فدین‌که به‌سواری‌باغ میرود متصل میشود .

۵ ـ مادی قمش :

این مادی بالاترازمادیهای پیش گفته از زاینده‌رود جدا میشود وازمادیهای مزبور مهمتراست ، چه درمحل انشعاب آن چشمه‌ای وجود داردکه اگرخشکسالی هم شود از آب آن چشمه استفاده میشود . این مادی از میان قرای ماربین مانند نصرآباد ـ گورتان ـ جوزدان میگذرد[1] .

چنانچه مؤلف کتاب اعلاق‌النفیسه که در قرن سوم هجری میزیسته و نیز حمزه اصفهانی[2] . نوشته‌اند نخستین‌کسی‌که‌آب رودخانه زاینده‌رود را تقسیم‌کرده اردشیر بابکان بوده که بدست مهربن وردان انجام داده و مطابق فرمان آن پادشاه قری و قصبات مجاور رودخانه بفراخور آبخور خود استفاده میکردند وکسانی هم که بعد از اوآمدند همان رویه را پیروی‌کردند .

ولی‌آنچه معروف است تقسیم‌کنونی‌آب زاینده‌رود برطبق طومار شیخ‌بهائی است که در زمان صفویه تنظیم شده .

مؤلف دانشمند و محقق کتاب زنده‌رود[3] . درباب فرمان تقسیم آب مزبور چنین نوشته :

[«آنچه مشهور است تقسیمات کنونی آب زنده‌رود مربوط بدوره صفوی و ایام شیخ بهائی میباشد ، بعضی ازمؤلفین جدید هم همین نظررا تأیید کرده‌اند که تقسیمات کنونی زنده‌رود مطابق طومار صفویه است وتوسط دایره میاه مالیه اجرا میشود ، اما باید دانست که دائره‌ای بنام میاه دراداره مالیه اصفهان نیست ومباشر تقسیم آب ازطرف ملاکین وزارعین انتخاب شده با نظارت حکومت اصفهان‌شروع

---

۱ ـ اصفهان جوانان ص۲۸ .　　۲ ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۳۴ .

۳ ـ ج۱ ص۱۱ .

بکار میکنند ، در قسمت طومار صفویه هم نگارنده اهتمام بسیارنمود که شاید اصل فرمان یا سواد مصدق آنرا بدست آورد چیزی معلوم نشد ، فقط سواد غیر مصدقی ازفرمان مشهور دراداره مالیه اصفهان موجود بود که معمول به‌آن ایام همان سواد است وعین آن برای مزید استحضار خوانندگان درج میشود :

« سواد فرمان شاه طهماسب راجع به‌آب زاینده‌رود مورخ رجب ۹۲۳ : »

« فرمان همایون شد که چون بعضی اختلاف درقراروسهام رودخانه مبارکه »
« زاینده‌رود اصفهان .... بنابراین امنای دولت قاهره چندنفرازمعتمدین ومعمرین »
« را مشخص نموده بامضای عالیجاهان مستوفیان عظام ، و تصدی کدخدایان و »
« ریش سفیدان بلوکات مشترکه ازآن که قرارسهام وحصه هریك ازقراءِ ومزارع »
« را درجزءِ هربلوکی‌که گنجایش وقابلیت بدون تقلب وتعمد تعیین نموده درقید »
« التزام ثبت آن را در دفاتر برقرار داشتند که ازآن قرارمعمول دارند ، وچون »
« بلوك جی در وسط بلوکات مشروبه ازرودخانه مبارکه است ازقدیم چنان قرار »
« بوده که خدمت میرآبی رودخانه مبارکه به‌یك‌نفر از کدخدایان معتمد معتبری »
« ازبلوك مذکوره‌بوده الحال نیزبهمان دستورمعمول دارند، مقرر آنکه عالیجاهان »
« عمال وضباط وکدخدایان و ریش‌سفیدان بلوکات مفصله ومیراب و مباشرین و »
« مادی سالاران رودخانه مبارکه حسب‌الامر ازقرار دستورالعمل در طومار حقابه »
« هریك را موافق سهم وقرارداد معمول داشته تخلف جایز ندارند وازمؤاخذه و »
« سیاست امنای دولت قاهره باهره محترز بوده در عهده شناسند تحریراً فی‌شهر »
« رجب‌المرجب سنه ۹۲۳ انتهی . بعداز فرمان در بیست‌ویك صفحه درکاغذ ورق »
« بزرگ صورت تقسیم جزء آب زنده‌رود وترتیب تقسیم واسامی قراءِ و قصبات و »
« املاك ومزارع وعمارات وباغها ذکرمیشود . خلاصه آنکه سال را به ۳۶۰روز »
« شمسی تقسیم کرده‌اند ، ازاول حمل (نوروز) تا هفتادوپنجم عید آب رودخانه »
« برای همه‌کس آزاد است وتحدید وتقسیمی وجود ندارد ، ازروز هفتادوششم تا »
« اول قوس‌که جمعاً مدت۱۶۵ روزمیباشد (هرماهی بدون کم‌وزیاد سی‌روزحساب »

« میشود) آب رودخانه را به ۳۳ سهم قسمت میکنند ، هرسهمی ۵ شبانه‌روز است »
« که جمع کل سهام ۱۶۵ روز میگردد وهربلوکی سهم معینی دارد ، مثلاً بلوك »
« رودشتین دارای ۹ سهم یعنی ۳۰ شبانه‌روز آب است که ۱۵ روز آنرا از ۱۶ تا آخر »
« جوزا و ۱۵ روز دیگر را از اول تا ۱۵ عقرب آب میبرد ، این تقسیم مطابق »
« مندرجات فرمان است وفعلاً با مختصر تغییراتی اجراء میگردد ، تمام اسناد و »
« مدارکی که راجع به تقسیم آب و طومار وفرمان صفویه در دست است همان سواد »
« فرمان وضمائم آن میباشد که عین فرمان فوقاً درج شد واستناد آن بشاه‌طهماسب »
« ازچندجهت قابل تأمل است . »

« اولاً ــ درماه رجب ۹۲۳ هجری (تاریخ سواد فرمان) شاه‌طهماسبی درکار »
« نبوده وپدرش شاه‌اسماعیل درایران سلطنت میکرد، اتفاقاً درسال ۹۲۳ شاه‌اسماعیل »
« دراصفهان اقامت داشته ولی همان موقع خبررسید که سلطان‌سلیم عثمانی مهیای »
« حمله به‌ایران شده است، شاه‌اسماعیل بطرف سرحد عثمانی حرکت کرد ومدتی »
« سرگرم زدوخورد بود، مخصوصاً درسال ۹۲۳ هجری شاه‌اسماعیل درشهر نخجوان »
« میزیست شاید هیچ هم درفکر زاینده‌رود نبود، شاه‌طهماسب درسال ۹۳۰ بتخت »
« نشست وتاحدود سال ۹۳۵ درخراسان با ازبکها منازعه داشت . »

« ثانیاً ــ طرز انشاء وکلمات وارده درفرمان بقدری تازه است که به‌منشئات »
« قرن سیزدهم بیشتر شباهت دارد وبوی انشاء ایام صفویه را نمیدهد . »

«ثالثاً ــ درتقسیم نامه‌ضمیمه فرمان اسامی عمارات ونقاطی مانند: طالارا شرف ـ »
« جامع‌عباسی ـ سعادت‌آباد ـ هشت بهشت وغیره ذکرشده که ازابنیه اواسط صفویه »
« است ودرتاریخ ۹۲۳ چنین عماراتی دراصفهان وجود نداشت، حدس قوی میرود »
« که فرمان وتقسیم نامه از ایام صفویه موجود بوده ولی بواسطه عملی نشدن آن »
« یا مصلحت دیگر مفقود نموده‌اند وفرمان وطومارفعلی را جدیداً باعبارت امروزی »
« انشاء کرده‌اند ، بالاخره گذشته از آنکه سواد معتبر مصدق فرمان معهود در »
« اصفهان دیده نشد هیچکس هم لااقل دعوی رؤیت سواد مصدق آنرا ننمود واین »

« خود دلیل دیگری بر مجعولیت فرمان است ، معذلك عده زیادی مصرند که »
« تقسیم کنونی بدست شیخ بهائی انجام یافته وترتیبی بهتر از آن نمیشود . »]

بطوریکه ازکتاب زنده‌رود نقل گردید فرمان شاه طهماسب که مصدق نیست بنظرمؤلف دانشمند مجعول رسیده است . ولی باتوجه بنظری‌که مؤلف جغرافیای اصفهان‌که درقرن سیزدهم وچهاردهم میزیسته وخود ازمتصدیان اموراصفهان بوده اظهارکرده میتوان باورکردکه چنین فرمانی ازشاه‌طهماسب‌اول صادرگردیده منتهی تاریخی را که درسواد غیرمصدق ۹۲۳ نوشته شده تحریف شده و ممکن است ۹۳۲ باشد وبا این‌ترتیب بخصوص که در جغرافیای اصفهان تصریح شده[۱] . که فرمان ممهور شاه‌طهماسب در دفتر مربوط بوده است . و اینکه مؤلف زنده‌رود نوشته‌اند که عبارات ضمیمه فرمان جدید است درست بنظر میرسد ، چه مؤلف جغرافیای اصفهان هم نوشته که عمل بمفاد فرمان اسمی است ودر عمل اختلاف است وبا این ترتیب دستور ضمیمه فرمان غیرمصدق ازمنشئات جدید وبرطبق‌عمل زمان تدوین شده است وغیراز دستوری است که با فرمان شاه‌طهماسب صادر گردیده است .

اما راجع به کلمه گاوخانی ووجه تسمیه آن‌که درنوشتجات مختلف‌متفاوت نوشته شده است چنین باید گفت : در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء نامی برده نشده ولی در ذکر اخباراصبهان ابونعیم نام آن هنام نوشته شده ودرمحاسن‌اصفهان بنقل از ابونعیم گفته که نام آن جاخوانی است در نزهت‌القلوب هم جاخانی و در تاریخ اصفهان و ری گاوخانی[۲] . و در تاریخ نصف‌جهان[۳] . گاوخوانی نوشته شده است . ازگفته ابونعیم دانسته میشود نام دریاچه محل فرورفتن‌آب زاینده‌رود هنام که فارسی قدیم است بوده واما جاخانی یا گاوخانی وگاوخوانی مرکب از دوکلمه گاو وخانی است که گاو بمعنی بزرگ وخانی یعنی حوض و چشمه آب است ومثل اینکه دریاچه گاوخانی را چشمه‌ای برای نقاط پائین‌دست‌آن یاچون حوض فرض کرده‌اند وبهمین‌جهت است که بعضی ازجغرافی‌نویسان قدیم نوشته‌اند که آب این

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۴۱ . ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۰ . ۳ـ نصف جهان ص۳۰۶ .

دریاچه ازکرمان بیرون میآید ، ودرهرحال اگر بمعنی حوض وچشمه باشد املای درست آن گاوخانی با الف خواهد بود . احتمال هم میرود جاخانی ، بمعنی ظرف بزرگی که اشیاء را درآن میریزند باشد وبااین فرض مخفف جانخانی است .

واما درمقدارآب رودخانه زاینده‌رود چون‌متناسب باازدیاد ونقصان بارندگی در منبع آن بوده در ازمنه گوناگون متفاوت بوده است . چنانکه در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء[1] در حوادث سال ۳۱۰ هجری گفته : بطوری آب رودخانه مد پیدا کرد که آب برپشت پلها سوارشد ودیگر پلها قابل عبورنبود ودرآن موقع اصفهان مرکب از دوشهر یهودیه وشهرستان بود وبرای اینکه مطلبی را ازیهودیه به‌شهرستان اطلاع دهند نامه‌ای را مینوشتند وبوسیله تیری‌بطرف شهرستان ناحیه ورزق‌آباد پرتاب میکردند وطوری آب زیاد گردید که دیوار شهر درخطر انهدام واقع گردید واندك اندك فروکش کرد .

آنچه در خلال ایام معلوم شده اینستکه حداکثر آب رودخانه در سالهای بارندگی در حدود سی‌هزار سنگ میرآبی‌که هفتهزار وپانصد سنگ گردش باشد میرسد[2] . وازماه دوم سال بتدریج روبنقصان میگذارد . ولی درسرچشمه تغییری نمیکند ، نقصان حاصل از لحاظ کم شدن آب برفها در وسط راه میباشد . طول رودخانه زاینده‌رود هشتاد فرسنگ وپهنای‌آن دویست ذرع است[3]. نخستین‌جائی که مطابق دستور دیوان مشروب میشود آخربلوك ایدغمش درلنجان وآخرش اول گاوخانی رودشتین‌که اراضی مقسوم‌علیه بطول ۳۲ فرسنگ وبعرض برروی هم به زیاد وکم چهارفرسنگ باشد .

یکصدوپنج مادی ازدوجانب طول رودخانه جدا میشود وازاین رودخانه آب میگیرد . غیرازآبهای مادیها فاضل‌آب رودخانه در اوقات سیل‌آبی بزرگ باندازه شطی‌میشود وتمام را زمین‌گاوخانی‌میخورد. محیط گاوخانی درحدود دوسه‌فرسنگ وکنارش گزستان و قلم است[4] .

۱ـ سنی الملوك الارض والانبیاء ص۱۲۴ . ۲ـ نصف جهان ص۹۶ . ۳و۴ـ نصف جهان ص۳۷ .

بعضی ازمورخان[1]. نوشته‌اندکه نرسیده بمیدانی‌که در آن دریاچه‌گاوخانی واقع است محلی بنام شهرسبا بوده که ویران گردیده است ودرآنجا گل‌رنگ که شبیه زعفران میباشد زراعت میشده است وشاید از همین‌جا گفته‌اند که در اصفهان زعفران کشت میشده است .

ح - پلها

بطوریکه در بند ز گفته‌شد رودخانه زاینده‌رود ازمغرب به‌مشرق جاری‌است ورودخانه‌ایست قدیمی و از هنگامی که شهر اصفهان محل سکونت شده و ساکنان نیاز به‌ارتباط با قسمتهای دیگر آن داشته‌اند ناگزیر بساختن پل‌گردیده‌اند، بدیهی است هر ارتباطی‌که بین دوقسمت اصفهان ضرورت یافته پل‌ارتباطی آن زودترساخته شده است .

آنچه مسلم است پلهای مارنان (شهرستان) واللهوردیخان و خاجو از پلهائی هستند که درمرحله اول احتیاج ساخته شده‌اند ، منتهی دراثرکثرت ایاب و ذهاب فرسوده و خراب شده و تجدید بناء گردیده‌اند ازهمین نکته که گفته شد معلوم گردید اینکه میگویند پل شهرستان از احداثات سلسله ساسانیان است درست میباشد چه نخستین پلی‌است‌که دوقسمت اصفهان را بیکدیگرارتباط میداده است . ولی دراثر فرسودگی درزمان دیالمه ودیگران ترمیم وتجدید گردیده است. برای اینکه روشن‌گردد که درچه محلهائی نیازمند ارتباط بوده‌اند تمام پلهائی‌که درخود شهر واطراف آن برای ارتباط بین دوقسمت رودخانه ساخته‌اند ذکر میگردد :

۱ - پل اورگان :

این پل در روی زاینده‌رود برای امکان عبور مردم چهارلنگ بختیاری به فریدن احداث گردید آنرا پل حاج‌کاظم نیز مینامند .

۲ - پل بابامحمود :

پلی است‌که درباغ محمود ازدهات گرکن‌لنجان ساخته شده وتا پل کله ۴۸

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۱ .

کیلومتر فاصله دارد وقافله رواست . ثبت تاریخی این پل درجریان است .

۳ - پل زمان‌خان :

این پل دودهانه وسه پایه طبیعی سنگ دارد ودرآخر بلوك آیدغمش لنجان قرارگرفته و واسطه ارتباط راه ماشین‌رو نجف‌آباد به سامان و شهرکرد میباشد وتا اصفهان ۱۶ فرسخ مسافت دارد .

۴ - پل ورزنه :

این پل درنزدیکی ورزنه رویدشت روی آب زاینده‌رود ساخته شده است .

۵ - پل سروش آذران :

این پل‌که آنرا پل سروشفادران وپل دشتی نیز میخوانند درشش‌کیلومتری پل چوم واقع ولی اکنون بعلت تغییر بستر رودخانه آبی از آن خارج نمیگردد .

۶ - پل چوم :

این پل درشش کیلومتری شرق پل خاجو واقع و محل ایاب و ذهاب قوافل میباشد .

۷ - پل جویی :

این‌پل میان پلهای‌اللهوردیخان وخاجو بناشده ووسیله اتصال وارتباط باغهای سلطنتی واقع درشمال وجنوب رودخانه زاینده‌رود بوده است ، وچون جوی‌کوچك سنگی روی این پل تهیه شده بوده که آب از آن عبور کند باین نام مشهور شده است . این پل بیست‌ویك دهانه داردکه باسنگ وآجر بناشده است . ولی‌درسالهای اخیر جوی پرومسطح گردیده است . نسبت به ثبت تاریخی این پل اقدام گردیده است ولی تاکنون به‌ثبت نرسیده است[۱] .

۸ - پل فلاورجان :

این کلمه معرب ازپل ورگان است چه ورگان نام دهی در لنجان میباشد که الان معروف به فلاورجان است ولی دراصل پل ورگان بوده است .

۱- فهرست بناهای تاریخی ص۳۳۸ .

این پل هم محل عبور ومرور قوافل واتومبیل نیز هست و تا پل بابامحمود ۱۲ کیلومتر فاصله دارد[1] .

۹ ـ پل نیاصرم :

پل کوچکی است که در داخل شهراصفهان برروی مادی نیاصرم که بطرف لنبان میرود ساخته شده ومعبراست .

۱۰ ـ پل مادنان :

چهارفرسنگ بشهر اصفهان مانده رودخانه زاینده‌رود بشکل مارپیچی راست و خم گشته وارد شهر میگردد و گفته‌اندکه بهمین‌جهت قریه مارنان را مارنان یا ماربانان گفته‌اند ودر همین محل پل مارنان را ساخته وجلفا را بقریه مارنان اتصال میدهد پل مزبور اکنون دارای هفده دهانه است ولی در پیش بیش از هفده دهانه داشته است که حالا بسته شده است . این پل را پل سرفراز هم نامیده‌اند و وجه

۱ـ منسوب به‌فلاورجان است: ۱- تاج‌الدین حسن‌بن شرف‌الدین محمد فلاورجانی متوفی (۱۰۵۸ ه.ق) از علماء و فضلاء و مجتهدان وپسرش فاضل هندی ازاو روایت میکرد وخود شاگرد ملاحسنعلی شوشتری بودکه او از پدرش مـلاعبدالله شوشتری روایت میکرد . و نیز به سیدحسین‌بن سیدحیدر کرکی عاملی اجازه داده است . اوراست: ۱- بحرمواج درتفسیر قرآن بفارسی . ۲ - رساله در زوجتی عثمان . ۳ - شرح برکافیة .

(اعیان‌الشیعه ج۲۳ ص۷۷)

۲ ـ محمدبن حسن‌بن محمد فلاورجانی معروف به فاضل هندی و ملقب به بهاءالدین مولود (۱۰۶۲ه.ق) ومتوفی۲۵ رمضان (۱۱۳۷ ه.ق) ازعلمای بزرگ وجامع ونادرروزگار که درهشت‌سالگی شرح تلخیص تفتازانی را تدریس میکرد ، و در سال یازدهم عمر بتألیف پرداخت ، ودرسال سیزدهم بعلوم عقلی توجه‌کرد او درهند پرورش یافت وبا علمای آن‌سامان که سنی‌مذهب بودند مباحثاتی داشت وازاینرو به‌فاضل هندی معروف بود . وی درنزدمجلسی دوم تلمذ وبا خاندان مجلسی مصاهرت‌کرد ودراصفهان بتدریس ومرجعیت امورشرعی اشتغال داشت وبا حرفه کتابت امرارمعاش میکرد .

اوراست: ۱- کشف‌اللثام فی‌شرح قواعدالاحکام . ۲- اصالة‌النظر فی‌القضاءوالقدر. ۳ - تفسیرالقرآن . ۴- تلخیص‌الشفاء . ۵ - التمحیص. ۶ - چهارآینه . ۷ - حاشیه برشرح عقاید . ۸- المناهج‌السویة . ۹ - بینش غرض آفرینش. ۱۰ - شرح برقصیده حمیری. ۱۱- کلید بهشت . ۱۲- شرح عوامل . ۱۳- زبده دراصول دین. ۱۴- خور البریعة فی‌اصول‌الشریعه . ۱۵- شرح ملخص‌التخلیص. (تذکرةالقبور جوی ص۵۶)

تسمیه‌اش را چنین بیان کرده‌اندکه در زمان شاه‌سلیمان صفوی یکی از ثروتمندان ارامنه آنرا ساخت و بلقب سرفراز نائل گردید و مدتی هم بهمان نام سرفراز مشهور بود .

در هرحال متمول مزبور تعمیری کرده است چه این پل قبل از آن وجود داشته است . منتهی هرچه عبور و مرور بنسبت جمعیت زیادتر میشده پل فرسوده میگردیده است واحتیاج بتعمیر وتجدید بناء حاصل میگردیده است ثبت‌تاریخی این پل درگردش اداری است .

۱۱ - پل شهرستان :

این پل در ناحیه جی قدیم ساخته شده و یکی از پلهای باستانی است که در چهارکیلومتری مشرق اصفهان واقع و از دوطرف ازآن پل عبورمیکنند . یکی از خیابانهای‌مشتاق وساریه وازدامنه تپه‌اشرف ودیگرازدالان بهشت؛ دردوطرف این پل بیشه‌ها وباغها وآپارتمانهای تابستانی وجود دارد . (ش۷)



(شکل ۷)

این پل ازنظر معماری بسیار جالب وبعقیده باستان‌شناسان مربوط به دوره ساسانیان است وپایه‌های آن برروی سنگهای طبیعی کف رودخانه استوار گردیده

است‌عده‌ای‌هم‌ساختمان آن‌را به‌دروه‌دیلمیان مربوط میدانند. این‌پل‌در نه‌کیلومتری مشرق پل‌خاجو واقع شده‌است. ثبت تاریخی این‌پل درگردش اداری است . (ش۸)



(شکل ۸)

۱۲ - پل خاجو :

این پل درانتهای شرقی خیابان کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی وانتهای‌جنوبی خیابان خاجو واقع شده است . بطوریکه باستان‌شناسان تحقیق کرده‌اند پل مزبور برروی پلی‌که درپیش‌وجود داشته وخرابی بآن‌راه یافته‌بوده بناگردیده‌است. (ش۹)



(شکل ۹)

درباب ساختمان این پل وزمان ساختمان وبانی ساختمان وکیفیت آن اقوال گوناگونی نوشته‌اند ولی آنچه مناسب بنظرمیرسد شرحی است که مؤلف‌تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان دراینباب نگاشته وازاینرو نوشته مزبور عیناً نقل میگردد[1]:

(ش ۱۰)



(شکل ۱۰)

« درانتهای شرقی خیابان‌کمال اسماعیل وانتهای جنوبی خیابان خواجوکه »
« بطرف تخت فولاد (قبرستان‌اصفهان) وراه یزد میرود پل زیبا وتاریخی خواجو »
« واقع شده - این‌پل برروی خرابه‌های پل حسن‌بیك بوسیله شاه‌عباس‌دوم‌صفوی »
« درسال (۱۰۶۵هـ) ساخته شده است . آنرا باسامی : پل‌خواجو - پل حسن‌بیك - »
« پل بابا رکن‌الدین - پل گبرها نوشته‌اند . »

۱ - از صفحه ۱۸۷ تا ص۱۹۲ .

« تاورنیه سیاح اروپائی نوشته است که در دوطرف خیابان این پل دوخانه »
« زیبا وجود دارد که متعلق بشاه است و رودخانه درهیچ کجا بستری بقشنگی این »
« نقطه ندارد و چون این محل ازهمه جا گودتر است همین امر تا اندازه‌ای شاه‌عباس »
« را وادار بساختمان این پل نمود وچون محله گبرها آن طرف رودخانه بوده برای »
« اینکه آنان ازخیابان چهارباغ نگذرند وازاین پل که راه را کوتاهتر مینمود »
« وزودتر بمنزل برسند ساخته شد وتاریخ آن ۱۰۵۷ تا ۱۰۷۷ هجری است. »

« ونیز نوشته شده است وقتی که پل باتمام رسید بهمان نام حسن بیك نامیده »
« میشد - این پل که طولش ۱۵۰متر وعرضش ۱۴ ومعبر آن ۷/۵متر میباشد از »
« سنگ وآجر ساخته شده و۲۱جوی و۲۶ چشمه دارد. »

« این پل بمنزله سد واز حیث معماری واستحکام بی‌اندازه زیبا و بی‌نظیر »
« است، شامل چهارطبقه ودردوطرف داخلی معبر فوقانی هرطرف ۵۱ غرفه بزرگ »
« وکوچك دارد. »

« طول سنگهای این پل متجاوزازدومتر وامتداد ستون‌های فاصله هرچشمه »
« وپایه سقف ۲۰متر است جلو هرسقف ودیوار پیش آمدگی وفرورفتگی وجوددارد »
« که اگر تخته‌ای باندازه دهانه پلها بگذارند آب رودخانه بالاآمده ومدتی ذخیره »
« میشود. »

« ودرقدیم مواقع جشن وغیره نیز قایقرانی مینموده‌اند. درهذه‌السنه از »
« طرف شهرداری تخته‌گذاری وقایقرانی ومنظره زیبائی ایجاد شده وچنانچه برای »
« پل خسرانی نداشته باشد اقدام خوبی است اما نه برای همیشه. درقسمت شرقی پل »
« درطرفین دوصفه مسطح سنگی وجود دارد ودروسط آن دوتقریباً درکف رودخانه »
« آثارسنگفرش مفصلی دیده میشود وچنانچه نوشته‌اند دریاچه‌ای وجود داشته که »
« آب ازفواره‌های آن جستن مینموده‌است، تاکف رودخانه یازده پله سنگی میخورد، »
« دردوطرف شرقی قسمت پائین پل دوشیر سنگی بزرگ ازقدیم موجود است که در »
« اثر بی‌مبالاتی وجهالت افراد خرابیهائی بدان وارد شده. غرفه‌ها واطاقهای وسط »

« پل بهمان طرز نقاشی و طلاکاری دوره صفویه باقی است و طبقه بالای اطاقها »
« را درچندین‌سال قبل خراب نموده‌اند . پشت بغلهای این پل ازکاشیهای خشت »
« هفت‌رنگ تزیین شده که متأسفانه دراثر لاقیدی وبی‌مواظبتی مسئولین امرویا »
« تأثیر باد وباران همه‌ساله تعداد زیادی ازآنها خراب وازبین رفته بود. ازوسط »
« پل درطرفین تالار دوراه پله موجود است‌که بوسیله آن دوبطبقه زیرین‌میتوان »
« رفت وآمدکرد . تاریخ تعمیراین پل مطابق‌کتیبه‌کوفی‌که درطرف راست‌جنوبی »
« پل‌روبکارخانه نوراست‌درسال ۱۲۹۰ هجری بسعی‌نصر اللهخان‌درزمان‌ناصرالدین‌شاه »
« قاجار میباشد . »

« اطراف پل مانند قدیم درایام بهاروتابستان وروزهای‌تعطیل‌محل‌گردشگاه »
« عموم اهالی است وبعضی روزها بحدی جمعیت زیاد است که راه عبورومرور در »
« طبقه دوم تقریباً مشکل میشود . »

« درکتاب عباسنامه تألیف محمدطاهروحیدقزوینی بسال(۱۱۱۰تا۱۰۱۵هـ) »
« شرح مفصلی راجع بساختمان‌پل حسن‌آباد «خواجو» نوشته بخلاصه‌اینکه‌پس‌از »
« اتمام شاه‌عباس دوم دستور آئین بستن و گلریزان نمودن پل را بعهده و اهتمام »
« مقصودبیك سفره‌چی باشی واگذارنمود وتزیین هریك از طاقهای آن پل بعهده »
« یکی ازامرا محول‌گردید وچشمه‌های وسط‌که بمنزله دل دربدن ومعنی درسخن »
« است ازطرف شاه‌آئین بسته شد ومینویسد : آب رودخانه را ببالا پل سد نموده »
« بطوریکه فواره حوض آن تقریباً سه‌گز میجست ، سایبانهای زر نگار از مبدا »
« تامنتهای‌پل‌برسرپا بود ورشته‌های‌مفتول جهت‌آویختن فانوس وقنادیل‌بطرحهای »
« مختلف کشیده بودند . »

« ودرهرمجلسی فرشهای قالی کرمانی و قائنی افتاده بود ودر هرحجره‌ای »
« شاهد سنبل موبرپای ایستاده وجوانان خطه ارم عباس‌آباد وسیمبران خوش‌آب »
« ورنگ هندو وارامنه شمشاد قامت گلرخسار مجلس را بصورت نگار گردانیده »
« بودند و اعلیحضرت ظل‌اللهی کامران و کامیاب تا حین طلوح صبح عالمتاب در »

« عمارت شرقی پل مزبوراستراحت وامرا ومقربان و ملازمان هریك در حجرات »
« مختلف خود غنودند . »

« حبذا زین پل مبارك فال — که بود آسمان جاه و جلال »
« بر سرش سایبان رنگارنگ — چون کله بر سر بتان فرنگ »
« باطن او ز جوشش سرشار — چون رگ شاخ گل بفصل بهار »

***

« گشت در عهد پادشاه زمان — جنتی بر پل صراط عیان »

***

« در آن خلد برین گردیده پیدا — ز مینا شمع و از آیینه مینا »
« کس ازبینندگان کم دیده آنسان — چراغان درچراغان درچراغان »

در وصف ساختن دریاچه و سد بر روی پل مزبور بابا محمد علی اصفهانی متوفی حدود (۱۰۸۱ ه. ق) از شعرای مصاحب حکیم شفائی چنین سروده است :

ندانم چون‌کنم تعریف آن پل — کزو ایجاد شد راه توکل
شکوه بحر اگرآنجا کشد سر — جهد مانند میمونی زچنبر[۱]

و نیز شیخ رمزی کاشی در تاریخ بستن سد برروی زاینده رود چنین گفته :[۲]

حبذاسدی‌که از خارا به‌پیش‌زنده رود — ازعطای‌شاه دین عباس ثانی بسته‌اند
بهرتاریخش گذشت‌ازآب‌رمزی‌ونوشت: — (سداسکندر بآب‌زندگانی بسته‌اند)
(۱۰۶۷)

ازمزایای اختصاصی این‌پل سدی بوده‌که برای آن درموقع ساختن درنظر گرفته‌اندکه هرزمان اقتضاءِ داشته بابستن چشمه‌های پائین‌آب بالا میآمده وحکم دریاچه وسدی پیدا می‌کرده است واز اینرو گفته‌اند :[۳]

۱- تذکره نصرآبادی ص۴۲۶. ۲- تذکره نصرآبادی ص۴۸۴.
۳- تذکره نصرآبادی ص۱۰ .

دارای جهان پناه عباس　　　　دریاچه و سد و پل بناکرد

وبنای این‌سد ودریاچه برای این بوده که منظره عمارات وباغهای واقع در آن محل باشد و درهنگام جلوس درآن عمارات و باغات از منظره دریاچه‌ای که بابستن سد ایجاد میگردید لذت برند.

منظور ازعباس‌که در شعر بالاگفته شده شاه عباس‌ثانی است‌که امر ببنای پل و سد نمود، زیرا بانی‌آن همان شاه عباس دوم است وتاریخ بنای[1] پل (۱۰۶۰ه.ق) وبنای سد[2] (۱۰۶۸ ه. ق) بوده است.

این‌پل علاوه براینکه برای عبور ومرور قوافل و عابران ساخته شده بوده برای تفرج وگردش مردم وپادشاه نیز مستعد بوده است. چنانچه از قصص‌الخاقانی نقل‌شده[3] درسال (۱۰۶۰ ه. ق) که‌پل‌ساخته شد وبه پل شاهی اشتهار یافت بعد از تعطیلات نوروز آن‌سال برحسب فرمان‌شاه عباس‌ثانی پل‌را آئین‌بندی وچراغان کردند وهریك از غرفه‌های آنرا یکی‌از امراءِ وبزرگان تزیین‌نمود وبرای جشن مهیاگردید وسائرای مشهدی قصیده‌ای‌در۴۵ بیت ونیز صائب تبریزی قصیده‌ای در وصف آن چراغانی وجشن سروده‌اند:[4]

۱و۳ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۸۳.　　۲ـ تذکره نصرآبادی ص۴۸۴.

۴ـ قصاید مزبور باین‌شرح است:

۱ ـ قصیده سائرای مشهدی:

بحکم پادشاه استاد تردست　　پلی بر زنده رود اصفهان بست
که ریزد سیل هنگام بهارش　　بجوی کهکشان از آبشارش
پلی بر روی دریا تازه بستند　　بر اجزای زمین شیرازه بستند
بحکم پادشاه هفت کشور　　بطاق آسمان شد پل برابر
دلش آئین گلریزان پل خواست　　رخ از جام چراغان می‌آراست
بفرمود ازپی‌جشن آن زمان زود　　بیزم افروز آن هنگام مقصود
که پل را چون بروج آسمانی　　ببند آئین نگه‌کن بین که دانی
چه سیلاب بهاری شد سوی پل　　که تاپل را کند رنگین‌تر ازگل
ز بس تصویر گوناگون نمودار　　روان بانی آنجا نقش دیوار
عجب نبود اگر از عکس آئین　　شود آئینه صورتخانه چین

←

→

اگر یك گل زمین را تازه دیدند — برویش عقد از گوهر کشیدند
پل از دریاچه بیند جلوه خویش — نهاده چون عروس آئینه در پیش

چراغان شد ز حکم پادشاهی
زمین تا آسمان مه تا بماهی

۲ ـ قصیده صائب تبریزی :

اصفهان یك‌دل‌روشن ز چراغان شده است — پل ز آراستگی تخت سلیمان شده است
باده‌چون‌سیل زهرچشمه روان گردیده است — کمر پل زمی لعل بدخشان شده است
از گل و شمع که افروخته و ریخته دست — کهکشان دگر ازخاك نمایان شده است
چون مه عیدکه گردد ز شفق چهره فروز — طاقها ازمی گلرنگ فروزان شده است
عالم آب دوبالا شده از عشرت پل — شادی و عشرت ایام دوچندان شده است
رنگ سیلاب طلائی شده از نور چراغ — چشمها مشرق خورشیددرخشان‌شده است
میدهد یاد سرپل ز خیابـان بهشت — شمع‌وگل‌چهره‌حوراست‌که‌تابان‌شده است
بادبانها است پی کشتی دریا دل می — سایبانها که ز اطراف نمایان شده است
شده چون قوس وقزح هرخم طاقی رنگی — از تماشا پروبال نگه الوان شده است
زنده رود از کف مستانه که برلب دارد — جوی‌شیری‌است‌که‌درخلدخرامان‌شده است
از رگ ابر هوا چنگ بدامان دارد — ازگل سرخ زمین چهره مستان شده است
بسکه درمغز هوا نکهت گل پیچیده است — مغز ابراز اثر عطسه پریشان شده است
دفتر عیش که هرفردی ازاو جایی بود — از رگ ابر به‌شیرازه وسامان شده است
توبه عاجز ز عنان داری تقوی گشته است — زهد خاروخس سیلاب بهاران شده است
کشتی پل شده هرطاق می از بادهٔ ناب — لنگر توبه خراباتی طوفان شده است
توبه کز سنگدلی داشت ز فولاد اساس — همچوموم ازنفس‌گرم چراغان شده است
خون خاك آمده از جرعه‌فشانان درجوش — کوچه‌ها ازمی‌گلرنگ‌رگ‌کان شده است
روزگار طرب و مستی و بی‌پروائی است — که می ومطرب‌ومعشوق‌فراوان شده است
مه احسان ز رگ ابر کشیده است بهار — دامن خاك پراز گوهر غلطان شده است
خون خود میخورد و خاك به لب میمالد — زهد از توبهٔ‌خودبسکه پشیمان شده است
خاك از سبزهٔ مینا شده چون طوطی مست — چرخ تنگ شکرازخنده‌مستان شده است
آسمان یك لب خندان شده ازتابش برق — خاك‌ازجوش‌طرب‌یك‌خم‌جوشان‌شده است
میزند قهقهٔ کبك به طاوس بهشت — بط که شهباز دل باده‌پرستان شده است
بیستونی است پراز صورت شیرین سرپل — که ز تردستی فرهاد گلستان شده است
ابر گریان گل رخسار مه کنعان است — که کبود از اثر سیلی اخوان شده است
چشم بد دور از این عهد که هر چشمه پل — زندگی‌بخش‌چوسرچشمه‌حیوان‌شده است
کمر خدمت شه بسته زپل زرین رود — به‌دل زنده ازآن شهره دوران شده است
سربسر سجده شکر است زپل زرین رود — که مقام طرب خسرو ایران شده است

←

مؤلف تاریخ اصفهان وری چنین گفته : [1]

« و اما مبانی شگرف اصفهان یکی پلهائی است که روی زاینده رود زده شده»
« مانند پل بابارکن‌الدین که به‌پل خواجو معروف است . ریشه واساسش قبل از»
« عجم بوده وزمان ترکمان‌های آق‌قوینلو تعمیری از آن شده وبعهد صفویه مرتبه»
« بالاراطرح انداخته و در بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه»
« ساخته بود بنام خودکه در ۱۳۱۰ اجزای ظل‌السلطان خراب کردند و راه »
« چهارباغ‌نو است برای تخت پولاد . » .

اینکه مؤلف تاریخ اصفهان وری گفته اساسش قبل از عجم بوده معلوم نشد چه زمانی‌را درنظر داشته است ولی آنچه مسلم‌می‌نماید اینستکه پیش‌ازدولت اسلام اساس آن پل وجود داشته است و درزمان ترکمانها تعمیری از آن شده ودردوران صفویه طبقه بالای آن ساخته شده ودرزمان بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه‌ای بنام‌خود ساخته که درسال (۱۳۱۰ هـ . ق) ازطرف ظل‌السلطان خراب گردیده است .

این پل‌را باسامی : بابارکن‌الدین ـ خاجو ـ گبرها ـ شیراز ـ حسن‌آباد ـ پل‌شاهی تیموری خوانده‌اند اما اینکه آن‌را پل بابارکن‌الدین گفته‌اند ازاین‌جهت است‌که درتخت فولادکه نزدیکی‌جاده قدیم‌شیراز واقع‌شده قبروبقعه بابارکن‌الدین که ازعرفای معروف‌زمان خود ودر ۲۶ ربیع‌الاول سال (۷۶۹ هـ . ق) وفات کرده درآنجا واقع‌ومورد توجه ومزار عمومی‌است ازاینرو پل‌بنام‌او معروف‌گردیده‌است.

اما نامیدن آن به پل‌خاجو بمناسبت اینستکه در مجاورت محله خاجو ساخته شده وپل شیراز از این نظرکه نزدیك جاده اصفهان بشیراز واقع گردیده وپل‌گبرها ازنظر اینکه گبرها ازاین‌پل بمحله خود میرفته‌اند وپل حسن‌آباد از

→

شاه عباس جوان‌بخت که از بخت جوان کیمیای طرب عالم امکان شده است
روزش از روز دگر خوشتر و نیکوتر باد
که ازاو روی زمین یك‌گل‌خندان شده است

۱- تاریخ اصفهان وری ص۱۸۳ .

جهت این که محله خاجورا درقدیم حسن آباد مینامیده‌اند واما پل شاهی ازاینجهت بوده که چون شاه عباس دوم درسال یکهزاروشصت پل‌را کامل کرد وازهرجهت آراسته گردید به پل‌شاهی معروف گردید وتیموری از آن نظر گفته‌اند که تیمور بدامادخود حسن‌پاشا دستور داده بوده که آن‌پلرا بناکند وبناکرد.[1]

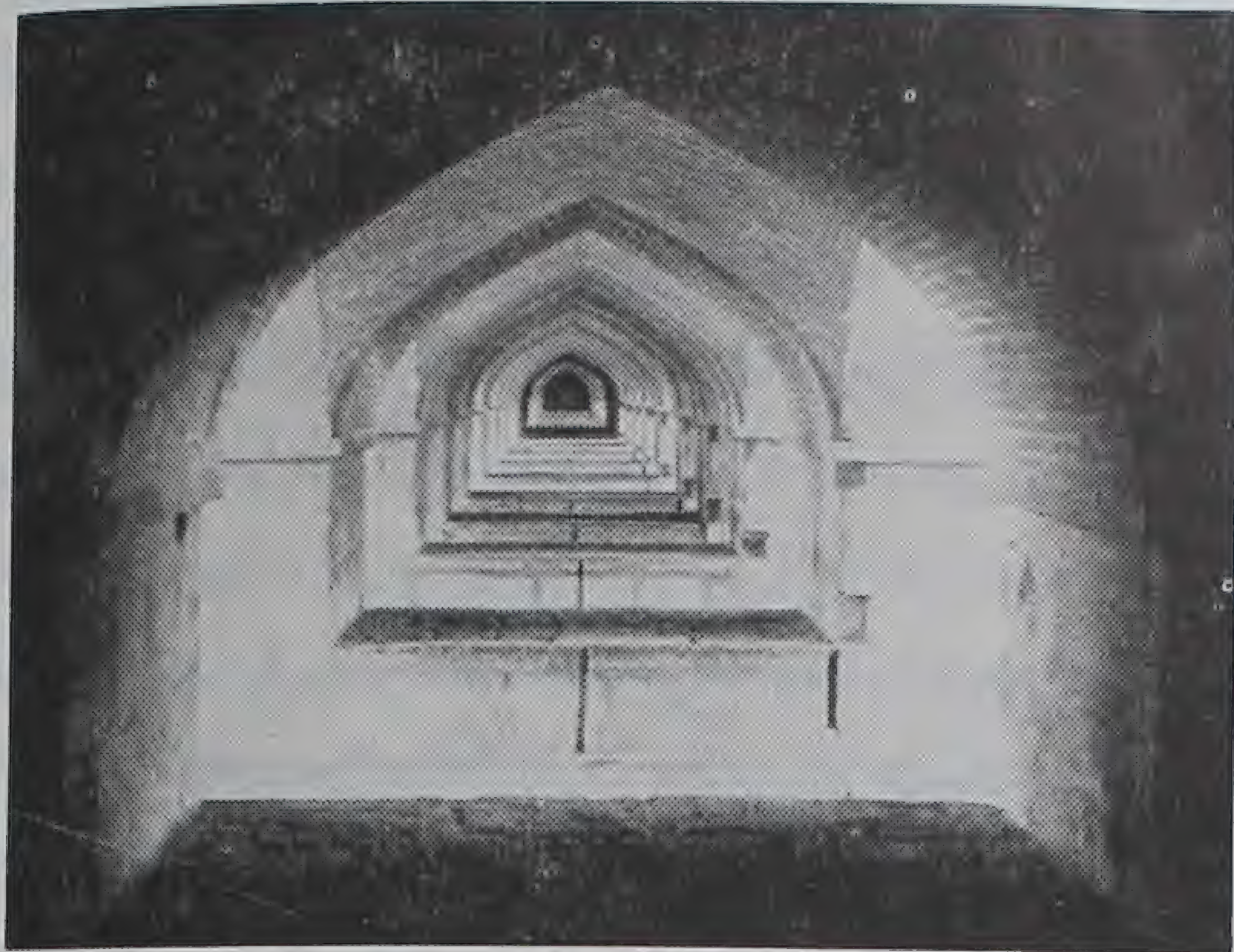
مؤلف نصف جهان درباب پل‌خاجو چنین نوشته است:[2]

« پل هشتم ـ پلی‌است‌که الحال به پل خواجو اشتهار دارد زیراکه درآخر»
« چهارباغ مشهور به‌خواجو واقع است وقبل ازچهارباغ درآخر وکنار آن محله »
« واقع بوده وپل‌طرف‌یمین است ، و دراول قبل ازخرابیها برسرمحله حسن‌آباد»
« بوده وبانی آن‌را باسم‌پل حسن‌آباد موسوم نموده‌بوده و چون محله حسن‌آباد »
« در فترت افغان وفتنه‌های بعدازآن خراب وبکلی‌ازآبادی افتاده است و محله »
« خواجو نزدیك آن بوده باسم آن معروف شده . این پل‌درکمال خوبی وزیبائی»
« است وزیاده خوش‌نماتر ازپل سی‌وسه چشمه است اما بآن عرض و طول نیست »
« لکن‌بهمان استحکام ساخته‌شده ودقیقه‌ای ازاستحکام وخوش‌نمائی‌را فروگذار »
« ننموده‌اند ، آنرا شاه عباس‌ثانی بنا نموده و میرزاطاهر وحید تخلص‌که در آن »
« زمان وقایع نگار ومورخ زمان آن پادشاه بود آنرا ضبط و درتاریخی‌که بنام »
« او نوشته ثبت‌نموده است وآورده که درمحل‌این‌پل یك‌پل‌کهنه مدروس‌وویران »
« بود وشاید آن پلی بوده است‌که درکتاب مافروخی باسم جسر حسین‌نوشته‌شده »
« وبالجمله بحکم پادشاه آنرا خراب نموده و برداشتند واین پل‌را باین وضـع »
« خوب و هئیت مرغوب مشتمل بربیست وچهار چشمه بزمان اندك بساختند و »
« چون پیش محله حسن‌آباد و جنوب آن بوده آنرا پل حسن‌آباد نام نهادند و »
« تصریح نموده است‌که یك طرف‌آن باغ سعادت آباد است‌که مشتبه به پل دیگر»
« بهیچوجه نیست، ومرحوم امیرالشعراءِ رضاقلی‌خان هدایت تخلص نیز درکتاب »
« روضة‌الصفای ناصری درآخراحوال شاه عباس‌ثانی اشاره‌ای‌ازبنای این‌پل‌ازپادشاه »

۱ـ زنده رود ج۱ ص۳۱.　　۲ـ نصف جهان ص۱۰۹ .

« مذکور نموده است . بربالای این پل بدستور خیابان و دوطرف غرفه‌ها بسته‌اند»
« وسرطاقهای غرفه‌ها را کاشی‌کاری نموده و در میان آن عمارت و نمائی‌ساخته‌اند»
« که درغرفه‌ها وآن عمارت همه نشیمن مردمان عام وخاص میباشد که بتفرج و »
« تماشاآیندوشاه عباس‌بعداز اتمام آن‌درآنجا چندشبی‌جشن وچراغان فرموده‌اند»
« ومرحوم صدراعظم‌اصفهانی حاجی‌محمدحسین‌خان‌هم‌چهارباغ خود راکه موسوم»
« به‌فتح‌آباد است متصل‌باین‌پل بناکرده‌است . زیرااین پل‌رابطرز دیگرساخته‌اند»
« که زیاد ازحد مزید حسن آن‌گشته . دوطرف شرقی‌وغربی پل‌را که جهت‌دخول»
« وخروج آب است مهتابی طرح انداخته ومیان پلهارا طاقنمائی ساخته‌اند و در »
« میان هرطاقنمائی نهربزرگ سنگی بناکرده‌اندکه آب قسمت‌آن چشمه ازمیان »
« نهرمیرود ودوطرف‌آن‌شهرراه‌روی است‌که مردمان‌برسر آن میروند ومی‌نشینند »
« وگاهی‌که درفصل بهارآب زیاده طغیان میکند تا بالای جویهای میان‌آمده راه »
« عبورومرور را می‌بندد وبرای مهتابی روی بمشرق درمیان ممرهای آب ومحل »
« ریزش آن زینه‌ها قالب آب ساخته‌اندکه مردمان برآن نشسته ازصفا وتماشای »
« آب محظوظ شوند و نمائی دیگربطرف طول‌درمیان پل ساخته‌اند ایوان‌مانند »
« ازاول تاآخر چشمه‌ها محاذی یکدیگر ، چنانچه ازاول چشمه‌آخری آن‌پیدا »
« است ، مجملاً مانند این‌پل‌وپل‌سی‌وسه چشمه پلی‌بایران ساخته نشده وبنفاست »
« واستحکام آنها نپرداخته‌اند . ودرنزد مردم عام وکسانی که ازتاریخ خبرندارند »
« این‌پل به‌پل حسن‌خان ترکمان مشهور شده‌است ومراد ایشان امیرحسن‌بیك‌آق »
« قوینلو است که امیرآذربایجان بوده وبراین‌سمتها نیز فرمان‌روا بود ولیکن‌او »
« هرگز باین‌جاها نپرداخته وچنین همت وسلیقه نداشت بلکه تمام دولت‌اوبهمه »
« عمربقدرخرج این‌پل نبوده است واوقبل‌اززمان سلطنت صفویه بوده وسلطنت »
« ازاولاد اوبصفویه منتقل شده واگراین پل را اوبنانموده بود وشاه‌عباس بزرگ »
« که بسیارسال بعد از او بود و این وضع و ترکیب را دیده بود سلیقه شاه‌عباس »
« هرگزبوضع وهیئت پل سی‌وسه چشمه رضا نمیداد وهمت بشکل ووضع به‌ازاین »

« میگماشت نه‌کسر از آن ، چه این پل هیئتی فایق دارد وزیاده قابل تعریف و »
« تحسین است هزار آفرین بدانش وذهن مهندسان آن زمان و صدهزار آفرین »
« بهمت آن پادشاه با فروتمکین بادکه ذره‌ای درمخارج آن خست واهمالی ننموده »
« است و مسلماً وجه اشتباه نزدیکی اسم شده وازبی‌خبری پل حسن‌آباد را پل »
« حسنخان گفته ودانسته‌اند وحال آنکه آنهم غلط است نه‌خان است ونه‌شاه بلکه »
« امیرحسن‌بیك ترکمان است وهرگز لقب خانی وشاهی نداشته . (ش۱۱)



(شکل ۱۱)

از گفتار مورخان معلوم گردید که درجای کنونی پلهای خاجو پل دیگری بوده که بوضع اندراس درآمده بوده وقابل استفاده نبوده است واز اینرو شاه‌عباس دوم دستورداده برطبق نقشه پلی برروی زاینده‌رود که در نزدیکی باغ سعادت‌آباد وعمارت آینه‌خانه بوده ساخته شود و کارکنان برطبق دستور ساعی بوده‌اند که این پل ازپل اللهوردیخان وسایرپلها زیباتر وبهترساخته شود ومسلم پل باوضع کنونی بعداز شاه‌عباس دوم ایجاد شده وپلی که پیش بوده ، اهمیتی ازنظرساختمان نداشته است ومسلم سطح معماری آن پل درهنگام احداث پل اللهوردیخان پائین‌تر بوده است . (ش۱۲)



(شکل ۱۲)

درطول این پل اختلاف است ، چنانچه در گفته‌های پیش نوشته شد طول را ۱۵۰وعرض‌را ۱۴متر نوشته‌اند ولی درگنجینه آثارتاریخی اصفهان طول ۱۳۲٫۵متر وعرض ۱۲ متر نوشته شده است.

عدد چشمه‌های این پل را بعضی ۲۶ وبرخی ۲۴ وکسانی ۲۱ و دیگران ۲۸ نوشته‌اند وگمان‌میرود بعضی ازچشمه‌های آن درزیرشن وخاك مسطورشده باشد .

این پل زیرشماره ۱۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۱۳ ـ پل اللهوردی‌خان :

این پل در سال (۱۰۱۱ هـ. ق) باهتمام اللهوردیخان سپهسالار شاه‌عباس و بنا به‌فرموده شاه مزبورشروع بساختمان‌گردید وبطوریکه درعالم‌آرای عباسی[۲] نوشته

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .

۲ ـ عالم‌آرای عباسی ج۱ ص۵۴۴ .

شده دارای چهل چشمه (دهانه) بوده که ازهرچشمه‌ای آب خارج میگردیده، پلی بسیارعریض وطویل ومرتفع، شالوده آن با سنگ و آهك ریخته شده وباآجر و گچ بالا رفته ودوطرف پل غرفات وغلام‌گردشهای بلند فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش زیاد با عرض ومرتفع وطول آن ۳۵۰قدم و عرضش بیست قدم وشش معبر باین شرح داشته است :

۱ـ راه وسط که مخصوص عبورسواره وگردونه‌ها بوده است . ۲و۳دوطرف پل که ازمیان گالاریهای زیبا میگذشت وبه پیاده‌رو تخصیص داشت . ۴و۵ پشت‌بامهای گالاری از دو طرف که دور آن نرده داشته و موقع طغیان رود تفرجگاه باشکوهی بوده است، سرانجام‌گالاریهای پل بوسیله پله‌های ظریف بزیر پل متصل میشد واز زیرپل هم موقع کم‌آبی عبور میکردند . ۶ اززیر پل بود .

مساحت این پل را سیاحان انگلیسی چهارصد و نود یارد تعیین کرده‌اند . هفت دهانه این پل گرفته شده و اکنون ۳۳ دهانه دارد واز اینرو به پل۳۳ چشمه شهرت دارد .

این‌پل‌رابنامهای : پل‌شاه‌عباسی ـ پل اللهوردیخان ـ پل جلفا ـ پل‌چهل‌چشمه ـ پل سی‌وسه چشمه خوانده‌اند ووجه تسمیه هریك چنین است : ۱ ـ پل شاه‌عباسی ازآن‌جهت گویند که شاه‌عباس اول دستور بنای آن را داده است . وچون بمباشرت و اهتمام اللهوردیخان ساخته شده به پل اللهوردیخان معروف گردیده و از لحاظ اینکه معبر مردم به جلفا بوده آنرا پل جلفا هم گفته‌اند و چون در ابتداءِ چهل چشمه داشته پل چهل چشمه و اینك سی و سه چشمه دارد به پل سی و سه چشمه اشتهار دارد .

این پل برای اتصال خیابان چهارباغ‌کهنه عباسی به‌خیابان چهارباغ بالا وباغ هزارجریب وعباس‌آباد ساخته شده است . این پل در جشن آبریزگان و آب‌پاشان محل اجتماع شاه وبزرگان وشعراء ورجال وسایرمردم بوده است . (ش۱۳)

شرحی‌را که سرپرسی‌سایکس انگلیسی راجع به‌این پل نوشته ازنظراینکه



(شکل ۱۳)

بسیار دقیق ووضع پل را درآخر قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم هجری مجسم مینماید عیناً دراین‌جا نقل میگردد :

« خیابان باشکوه چهارباغ از یک‌طرف به پل اللهوردیخان کشیده میشود »
« که بااینکه‌حالیه روی بویرانی‌نهاده معهذا ازپلهای درجه‌اول عالم بشمارمیآید، »
« اینجا از یک شاهراه سنگ فرش شده وارد مدخل عمومی پل میشوند شکل »
« فوق‌العاده وشگفت‌آور این پل‌که ۳۸۸یارد طول آنست مقابل یک‌جاده‌سنگ‌فرش »
« شده‌ای به‌عرض ۳۰پا بدین‌قرار است‌که درآن سه‌معبر درسه‌سطح مختلف تعبیه »
« شده که یکی از آنها راه معمولی روی پل است که در دوطرف آن طاق‌نماهای »
« سرپوشیده ساخته‌اند . طاقنماها ازطرفی برودخانه وازطرفی بهمین‌جاده مشرف »
« میباشند ، دربالا وپائین این طاقنماها که با تابلوی نقاشی شده تزیین یافته بود »
« هرکدام یک پیاده‌روهائی است‌که با پله‌کانها باین‌راه اصلی وصل میشود ودرکنار »
« سطح رودخانه معبر دیگری است‌که بطول رودخانه امتداد مییابد . تنها انتقاد »
« مخالفی‌که برای ساختمان این‌پل میشودکرد وآن ازتصویرهم نمایان‌است‌آنکه »
« پل مزبور درمقابل جریان ضعیف وباریک زنده‌رود دربیشتر فصول سال بیش از »

« اندازه جنبه ظرافت دارد[1] . »

در تاریخچه ابنیه‌تاریخی‌اصفهان[2] درباره این پل تاریخی‌چنین‌نوشته است :

« درانتهای جنوبی خیابان چهارباغ پل اللهوردیخان است که بنام بانی و »
« سازنده آن خوانده میشود ودرهمان موقعی که شاه‌عباس دستور کاشتن درختان »
« چهارباغ را میداده رفیق وسپهسالارشاه نیز درساختمان این پل بوسیله آجر و »
« سنگ‌تراش فعالیتی بخرج میداد، وضعیت این‌پل باقدیمش تفاوت‌زیادی نکرده »
« است . ایوانچه‌ها وغرفه‌های زیبا ومتناسب طرفین پل که جای نشستن اهالی و »
« یا عبورومرور است بهمان‌حالت اولیه باقی است . طول این‌پل ۲۹۵متروعرضش »
« ۱۳٫۷۵متر میباشد . نوشته‌اندکه درابتدا چهل‌چشمه داشته و بتدریج سی‌وسه »
« چشمه شده . درسنوات اخیر قسمت زیادی از بستر رودخانه را تصرف کرده و »
« اشجاری غرس نموده بودند بطوریکه چندچشمه پل از عبورآب محروم گشته »
« وممکن بود بکلی متروك شود ولی درسال۱۳۳۰ که آقای مصطفی‌خان مستوفی »
« ریاست شهرداری اصفهان را داشت شهامت وشجاعت بخرج داده و اراضی مزبور »
« را ازتصرف غاصبین‌خارج ومجرای عبورآب چشمه‌ها را بازکرد واقدام‌بساختمان »
« دیوارهای سنگی‌درطرف شمال رودخانه نمودکه هنوزآثارش پابرجا وعملیاتش »
« زبانزد مردم این شهراست . دردوره صفویه ارامنه حق داشتند تامیدانی‌که اول »
« پل احداث شده بود جمع شوند ومال‌التجاره وصنایع خویش را با صنعتگران »
« اصفهانی تبدیل نمایند وحق نداشتند ازاین پل عبورکرده داخل شهر شوند در »
« جلو این پل مجسمه رضاشاه‌کبیر برروی ستونی بارتفاع ۵متر دیده میشود که »
« براسبی سواروبطرف شمال‌متوجه است اطراف این‌مجسمه فعلاً میدان۲۴اسفند »
« ویا میدان مجسمه نامیده میشود . »

« درشمال شرقی پل‌یعنی‌اول خیابانی‌که بطرف شرق امتداد دارد ساختمان »

---

۱ ـ ترجمه تاریخ ایران سرپرسی‌سایکس ج۲ ص ۳۱۵ .   ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۸ .

« آجری است که بیاد مقبره کمال‌الدین اسماعیل (قبرش درجهانباره است)ساخته »
« شده وخیابان مزبور بنام‌آن بزرگوار نامیده‌میشودکه بطرف‌پل‌جوئی وخواجو »
« امتداد دارد . »

بطوریکه‌ملاحظه شدگفتار‌تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان وضع‌پل زاینده‌رود را درگذشته وحال تشریح کرده و اقتضاءِ داشت که برای استحضار سرگذشت پل در ایام گوناگون درج گردد .

تاورنیه سیاح فرانسوی راجع باین‌پل درسفرنامه خودکه نظم‌الدوله‌ابوتراب نوری آنرا ترجمه کرده[1]چنین نوشته است :

« پلی که دروسط خیابان تقاطع میکند موسوم به‌پل اللهوردیخان که بانی »
« آن بوده است میباشد وآنرا پل‌جلفا هم میگویند. این پل‌تمام ازآجروسنگ »
« بناشده وسطح‌آن بیك میزان است . دوطرف‌آن ازوسطش پست‌ترنیست، ۳۵۰ »
« قدم طول وبیست‌قدم عرض دارد وزیرآن چندین چشمه وطاق ازسنگ ساخته »
« شده که خیلی پست وکم‌ارتفاع است ، دردوکناره پل راهروی بعرض هشت نه‌پا »
« و بطول تمام امتداد پل که چندین طاق با پایه‌های مرتفع بارتفاع ۲۵ یا ۳۰ پا »
« سقف آنرا نگاهداشته‌اند دیده میشود ، اشخاصی که میخواهند هواخوری‌کنند »
« وقتی‌که خیلی‌گرم نباشد ازبالای سقف راهروها عبور مینمایند، امامعبرمعمولی »
« از زیر آن راهروها است که بمنزله نرده و نگهبان است و روزنهائی بطرف »
« رودخانه داردکه هوای لطیف وخنك ازآنها داخل راهرومیشود . زمین راهرو »
« ازسطح پل خیلی بلندتراست و بتوسط پله براحتی بالای آنها میروند . فضای »
« وسط پل مخصوص عبورگاری ودواب است وتقریباً ۳۵پا عرض دارد . یك معبر »
« دیگرهم دارد که درتابستان وموقع کمی‌آب بواسطه خنکی خیلی‌مطبوع است »
« وآن ازمیان خود رودخانه‌است درخط مخصوصی‌که تخته‌سنگها نزدیك‌هم‌اتفاق »
« افتاده میتوان ازروی آنها رد شد بدون‌اینکه پا تربشود. ازتمام دهنه‌های زیر »

---

۱ ـ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۶ .

« پل بواسطه درهائی که بهرچشمه گذارده‌اند میتوان عبورنمود وازپلکانی که در »
« قطرپایه پل ساخته شده ازروی‌پل بزیرچشمه‌ها وطاقها پائین‌میروند وهمینطور »
« پله‌هائی دردوطرف دارد که ببالای مهتابی روی راهروها صعود مینمایند وعرض »
« راه‌پله‌ها بیش‌از۲ تواز(۴ذرع‌تقریباً) است، ودردوطرف نرده ومحافظی‌کشیده‌اند »
« که ازپرت‌شدن جلوگیری مینمایند . »

« بنابراین شش‌معبر درروی این پل وجود دارد: یکی دروسط وچهارتا در »
« دوطرف‌که عبارت است اززیروبالای راهروهای پلکان تنگی که بزیرپل میرود، »
« حقیقةً این پل ازروی صنعت واستادی بناشده ومیتوان‌گفت قشنگترین‌صنعت »
« وشاهکار ابنیه ایران است ، اما بسی‌دور است ازاینکه به‌استحکام پل نف پاریس »
« ساخته شده باشد . »

سرپرسی‌سایکس انگلیسی در شرحی که راجع به‌پل زاینده‌رود نوشته بود گفته بودکه این پل بااینکه روی به‌ویرانی نهاده ازپلهای درجه اول عالم است واما تاورنیه تعصب ملی نگذارده که در قضاوت خود انحراف نورزد ، گرچه تاورنیه در کلیه موارد نظرش‌ساده نبوده واغلب خواسته است بناها ودیگر آثارایران‌راکوچك وپست جلوه دهد وازدیگران هم استفاده کرده که درتجلیل اصفهان غلو کرده‌اند.

اینکه آرای مختلفی راجع به‌این پل نگاشته شد برای‌امکان استخراج نظر صحیح وصائب درباره آن بود واینکه درستی ونادرستی نظرهائی چون‌نظر تاورنیه معلوم گردد . درهرحال اکنون این پل دراصفهان ممتاز ودر درجه اول قراردارد و چون از آثار باستانی بشمارمیرود زیرشمارهٔ ۱۱۰ ، بثبت تاریخی رسیده است[۱] .

شاه‌عباس اول بطوریکه مورخان و سیاحان خارجی نوشته‌اند در هر حال در جشن آبریزان شرکت میکرد و اگر در اصفهان بود در کنار زاینده‌رود برابر پل سی‌وسه پل واگر درمازندران‌بود درکنار دریای خزر، وگاهی روی‌پل سی‌وسه‌چشمه برگزار میکرد[۲] .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .   ۲ـ درشرح جشن‌آبریزان
←

در کتاب زندگانی شاه‌عباس اول راجع به جشن نوروز که شاه درسال ۱۰۱۸ هجری درروی پل سی‌وسه‌پل برگزارکرده چنین نوشته‌است[1].

« جشن نوروز غالباً از سه تا هفت شبانه‌روز دوام می‌یافت . گذشته از باغ »
« نقش‌جهان پل اللهوردی‌خان‌را نیز آئین می‌بستند وچراغان میکردند. وگاه به »
« فرمان شاه‌عباس برسرپل مراسم‌گل‌ریزان صورت میگرفت، وگلهای فراوان در »
« راه شاه و همراهان او ریخته میشد . ازآن جمله در سال ۱۰۱۸ باآنکه جشن »
« فروردین مصادف با ماه محرم بود ، بفرمان شاه هفت شبانه‌روز جشن نوروزی »
« گرفتند، وبرسرپل گلریزان کردند، وچون مردم اصفهان درچراغان وآئین‌بندی »
« هنرنمائی بسیارکرده بودند ، شاه مبلغ پانصدتومان ازمالیات آن‌سال را بایشان »
« بخشید . »

شاعری قطعه‌ای سروده که بنقل ازاصفهان جوانان ص۱۴۱ عیناً درج میگردد .

چو هر سال روز نخستین مهر — برافروزد از برج خرچنگ مهر
بود آب پاشان برسم عجم — که کسری‌شگون کرده بوده‌است‌وجم
شهش نیز نیکو شمردی بفال — بامرش شدی جشن آن روز سال
در آن روز در چهارباغ ازدحام — نمودند بیش از شمر خاص و عام
ز بس ریختند آب بر یکدیگر — جهان گشت تا ماهی و ماه‌تر

اصولا این جشن در ایران و بخصوص در اصفهان معمول بوده وگویامحله‌آب‌بخشگان ویا آبریزان هم یکی ازمحلهائی بوده‌که مردم اصفهان درآنجا باین جشن میپرداخته‌اند وآب برسورروی یکدیگر میریخته‌اند . وشاید بیت‌الماء که ملکشاه احداث کرده بوده برای انجام همین منظور بوده است .

مرسوم ایرانیان قدیم چنین بوده‌که در روز ۱۳ تیرماه هرسال جشنی برپا میکردند ودر آن‌جشن باآب وگلاب برسورروی هم‌آب میپاشیدند. شاه‌عباس هم‌دراین جشن شرکت میکرده ومراسم مخصوص وتشریفات خاصی دراین جشن بکارمیبرده است ، اگردراصفهان میبوددرزیر طاقنمای پل می‌نشست و بتماشای جشن میپرداخت در روز جشن باندازه‌ای جمعیت ازدحام میکردکه گاهی سرودستها شکسته میشد وزمانی کسانی‌کشته میشدند وآن‌موقع شاه‌دستورمیداد که دست ازآب‌پاشی بردارند .

تاورنیه سیاح فرانسوی‌جزئیات جشن آبریزان شاه‌عباس‌اول را درروی پل‌سی‌وسه‌چشمه شرح داده است .

۱ ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۱۸ تا ص۳۱۹ .

« درتاریخ این جشن وگلریزان میرحیدر معمائی کاشی[1] چنین سروده است:»

«گل‌گشت روی پل چوکندخسروعجم — گل‌گشت روی پل پی‌تاریخ کن رقم»

۱۰۱۸

موضوعی که باقی ماند تاریخ بنای پل است که بامر شاه‌عباس‌کبیرانجام شده است . آنچه مسلم است درسال ۱۰۱۸ که جشن گلریزان درحضور شاه‌عباس انجام گردید پل مزبور ساخته بوده است ولی مورخان سال اتمام را متفاوت نوشته‌اند :

اسکندربیك درعالم آراء دروقایع سال (۱۰۱۱) چنین نوشته[2] :

« ... درانتهای خیابان باغی بزرگ ووسیع، پست‌وبلند، نه‌طبقه جهت خاص »
« پادشاهی طرح انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدند و پل عالی‌مشتمل بر »
« چهل‌چشمه بطرزخاص ، میان گشاده‌که درهنگام طغیان آب درکل ، یك‌چشمه »
« بنظردرمیآید ، قرار دادند که برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر »
« اتصال یابد . »

حاج‌میرزا حسن‌خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال (۱۰۰۵ ه. ق) چنین نوشته[3]:

« شاه‌عباس اصفهان را پای‌تخت دائمی نموده طرح عمارات عالیه انداخت ، »
« سردرب قیصریه جنگ اواست با ازبکان . »

ودروقایع سال (۱۰۰۸ ه.ق) چنین نوشته[4] :

« شاه ازهرات باصفهان آمده وتکمیل طرح عمارات وباغات که هریك از »
« امراء باغی بنام خود ساخته درحواشی چهارباغ کهنه وچهارباغ بالا . »

۱ــ میرحیدر معمائی کاشی و از سادات معتبرکاشان وشاعر ودر سرودن معما توانا بود ، اورا بهجو شاه‌عباس اول‌متهم کردند و شاه امر کرد اموالش‌را تصاحب‌وخودش‌را محبوس کردند. ازحبس گریخته و بهندوستان رفت و درآنجا مکنتی حاصل کرد و قصد مراجعت داشت ولی در راه کشتی او تباه‌شد و با تخته‌پاره‌ای سرازبندر سورت درآورد. خبرمراجعتش بشاه‌عباس رسید و او را خواست و مورد نوازش قرارداد و در حدود سی هزار تومان بجبران اموال از دست‌رفته‌اش باو داده شد . (نقل بمعنی ازتذکره نصرآبادی ص۴۷۵)

۲ ــ تاریخ عالم‌آراء ج۲ ص۱۱۱۱ .

۳ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۸۹ .

۴ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰ .

ونیز دروقایع سال (۱۰۰۸ ه. ق مینویسد[۱] :

« شاه‌عباس باصفهان برگشت ، اللهوردیخان را فرمود پل زاینده‌رود را با »
« عمارات دیوانی بساخت . »

دروقایع سال (۱۰۱۲) نوشته است[۲] :

« بنای سردرب عالی قیصریه وکاشی‌کاری ممتاز آن ... »

میرزاعلینقی کمره‌ای متخلص به‌نقی که از شعرای زمان بوده ماده تاریخی سروده که ابیات آن چنین است[۳] :

فلك قدر الله‌ویردی که قدر — ز عباس‌شاه اندر ایام یافت
بامداد بیگ‌ویردی دادگر — پلی کرد آغاز و انجام یافت
بسعی ملك سیرت آقا حسین — بخیرالعمل حسن اتمام یافت
بدست زبردست صعب امیر — چو بند امیر این بنا نام یافت
پی سال تاریخ این پل نیافت — کسی خوبتر از«پل اتمام یافت»

ظاهر گفته عالم‌آرا اینستکه پل درسال (۱۰۱۱ ه.ق) ساخته شده و گفته‌های جابری انصاری قسمتی حاکی است‌که درسال مزبور ساخته شده و قسمتی می‌رساند که دستور داده شده که بسازند و در قسمتی نوشته که ساختن‌آن با سر در قیصریه مقارن بوده وحال‌آنکه ساختمان سردرقیصریه را ازوقایع سال ۱۰۱۲ نوشته است. و هیچ اشاره بسند این‌گفته‌ها هم نشده است.

ماده تاریخ منسوب به‌نقی کمره‌ای هم حاکی است‌که ساختمان پل‌امیردرسال (۱۰۰۵ ه.ق) انجام یافته است ولی تاریخ شروع آن معلوم نیست وباید اذعان‌کرد که اگر منظور همان پل چهل‌چشمه ویا اللهوردیخان باشد محال است که درظرف یکسال چنین پلی ساخته شده باشد و حداقل باید در سال (۱۰۰۳ ه.ق) شروع شده باشد تا در (۱۰۰۵ ه.ق) باتمام برسد .

آنچه بنظر میرسد اینستکه برای ساختمان عباس‌آباد مسلم است که باید

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۹۰ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۱ .
۳ ـ موادالتواریخ نخجوانی ص۶۴۹ .

ابتداء پل واسطه ساخته شود و سپس شروع بساختمان آن‌طرف پل شود . تاریخ ساختمان چهارباغ یعنی اتمام‌آن مطابق ماده تاریخی‌که سروده‌اند وعالم‌آراء نوشته است[1] . هزار وپنج هجری است و ماده تاریخ چنین است :

عجب چارباغی است بهجت‌فزا — گرش ثانی خلد گویند شاید
چوتاریخ‌آن‌دل‌طلب‌کرد گفتم : — « نهالش بکام دل شه برآید »

که با حساب حروف جمل با هزار و پنج مطابقت دارد و نیز تاریخ تکایائی که در خیابان چهارباغ طبق دستور شاه‌عباس ساخته شده سال هزار و یازده است‌که در تذکره‌نصرآبادی[2] بنقل از تاریخ جلال منجم بشاه‌عباس اول منسوب شده وآن ماده تاریخ چنین است :

کلبه‌ای را که من شدم بانی — مطلبم تکیه سگان علی است
زین سبب فیض یافتم ز اله — که مرا مهر با علی ازلی است
« خانه دلگشا » شدش تاریخ — چونکه‌ازکلب‌آستان علی است

و از طرفی اللهوردیخان در سال (۱۰۰۴ ه.ق) از طرف شاه‌عباس اول بایالت فارس منسوب گردید ودرآنجا باداره امور و تمشیت میپرداخت تااینکه حکومت کوه گیلویه هم برحوزه حکومتش افزوده گردید وازمجموع این تواریخ استنباط میشود که شاه‌عباس پس‌ازاستقرار بسلطنت وپیش‌ازاینکه مقر خودرا اصفهان قرار دهد درصدد بوده که اصفهان را بپای‌تختی انتخاب کند واز اینرو دستورداده بوده که طرحهائی برای آبادی اصفهان و مهیا کردن آن برای پای‌تختی ریخته شود و شاید اعزام اللهوردیخان بفارس هم ازاین‌نظر بوده که اقدامات عمرانی اصفهان هم زیرنظر اوقرارگیرد وعادةً باید عمران اصفهان از بعدازتاریخ اعزام اللهوردیخان یعنی بعدازسال (۱۰۰۴ هجری) انجام یافته باشد و تقریباً هم همین‌طور است چه مطابق ماده تاریخ نقی کمره‌ای هم ساختمان پل اللهوردیخان درسال (۱۰۰۵ ه.ق)

۱ــ عالم‌آرا ج۱ درص۵۴۴ تاص۵۴۵ . ۲ــ تذکره نصرآبادی ص۹. ۳ــ مقاله دوپل تاریخی مندرج درص۱۷ مجله هنر ومردم شماره ۸۱ .

اتمام‌یافته وعمران خیابان چهارباغ در(۱۰۰۵هـ.ق) وتکایای چهارباغ‌در(۱۰۱۱هـ.ق) ودرسال (۱۰۲۵هـ.ق) تمام ساختمانهائی‌که اززمان شاه‌عباس شروع شده‌بوده‌سرانجام یافته بوده است .

واما اینکه‌گفته‌شده درسال (۱۰۱۱هـ.ق) مأمورساختمان پل‌شده باتاریخ‌اتمام پل که (۱۰۰۵ هـ. ق) باشد مغایر است ، میتوان گفت اللهوردیخان ابتداء طبقه زیرین پل را برای امکان عبورومرور ساخته بوده که در (۱۰۰۵هـ.ق) باتمام رسیده بوده و بعد در (۱۰۱۱ هـ.ق) مأمور شده که پل را باتمام برساند یعنی طبقه بالا را نیزبسازد که درموقع طغیان رودخانه هم عبورومرور ازطبقه دوم مقدورباشد وشاید طغیان رودخانه زاینده‌رود موجب تکمیل پل‌بوده است وبااین فرض‌دیگرمغایرتی در بین نخواهد بود .

نظر دیگری هم امکان دارد و آن اینستکه بگوئیم پل موضوع ماده تاریخ نقی کمره‌ای در فارس بوده نه در اصفهان ولی چون در تاریخ چنین اشاره‌ای نشده ناچار باید پل موضوع ماده تاریخ نقی را همان پل سی‌وسه‌پل دانست .

۱۴ - پل محمدرضاشاه :

این پل‌که دارای۱۳۶مترطول و۱۶مترعرض و۳۷۵تن وزن است میان پلهای تاریخی مارنان و۳۳چشمه واقع شده واصفهان را به جلفا مربوط میکند ساختمان این پل در مهرماه سال ۱۳۲۷ بدست مبارك شاهنشاه آریامهر شروع وسرانجام در اردی‌بهشت سال ۱۳۳۸ باتمام رسید وبهره‌برداری ازآن شروع گردید . این پل با آهن وفلز ساخته شده وامروزکلیه وسایط نقلیه سنگین ازروی‌آن عبور میکنند وایجاد این پل بمنظور حفظ سایرپلهای تاریخی‌ازعبورومرور وسایط نقلیه سنگین ازروی آنها بوده است. درحقیقت این پل بمنزله مکمل پلهای تاریخی است وآنها را ازخرابی حفظ می‌کند . پل مزبوردارای پنج‌دهانه وبرای عبور۹وسیله نقلیه که هریك بوزن ۴۵تن درردیف‌های ۳تایی حرکت کنند محاسبه گردیده ر ۵۵میلیون ریال هزینه‌آن‌شده است این پل شامل دوپیاده‌رو هرکدام بعرض ۲/۵ متروسواره‌رو

بعرض ۱۱متر میباشد[1] .

ط ـ کاخهای شهر اصفهان

۱ ـ کاخ هشت بهشت :

این کاخ که درهنگام سلطنت شاه‌سلیمان صفوی بناء شده ازبهترین کاخهائی است که درروزگار صفویه ساخته شده و چون کیفیت ساختمان و وضع بناء درائر مرور زمان تغییر کرده ناچار برای امکان بیان وضع آن در ازمنه مختلفه باید نوشته‌های کسانی را که درازمنه گوناگون کاخ را مشاهده وازوضع آن آگاهی کامل داشته‌اند از نظر اهل تحقیق گذرانید.

ازکسانی که مکرر دراین کاخ رفته و باوضاع آن آشنائی کامل حاصل کرده شاردن فرانسوی‌است که درسفرنامه خود بطورمشبع شرح‌اوضاع کاخ را نوشته است و قسمتی از ترجمه نوشته اورا ذیلاً مینگاریم :

« من قول داده‌ام که درطی توصیف باغهای اطراف خیابان زیبای اصفهان »
« شرح یکی ازتالارهای یکی ازباغها را بنام باغ بلبل بدهم ، این تالاررا عمارت »
« هشت‌بهشت مینامند . تمام سقفهای‌آن موزائیك بسیارعالی‌است دیوارها وجرزها »
« دوطبقه ودالانها و غلام‌گردشهائی دراطراف آنها است. دراین‌دالانها صدها مکان »
« است‌که دلکشترین وفرح‌انگیزترین‌نقاط دنیا محسوب میگردد وهریك‌بوسیله »
« منفذی‌که بدان نورمیتابد روشن میشود این روشنائی متناسب باتفریحاتی است »
«که این امکنه ویژه آنها ساخته شده است . »

« هیچیك ازاین نقاط ازحیث شکل وساختمان و تزیینات بدیگری شبیه »
« نیست ، درهرجائی چیزتازه وگوناگون است چنانکه دربعضی بخاریهای متنوع »
« ودربرخی حوض‌ها وفواره‌ها است که از لوله‌هائی که درداخل دیوارها میباشد »
« آب میگیرند ، این تالارعجیب در حقیقت لابیرنتی است زیرا انسان درقسمت »
« فوقانی هرجاگم میشود وپله‌ها چنان مخفی‌است‌که بآسانی پیدا نمیشوند. قسمت »
« پائین تا ده‌پا ازسطح زمین ازسنگ یشم ونرده‌ها از چوب زرنگار ، و قاب‌ها و »

---

۱ ـ نقل ازاصفهان جوانان ص ۳۰ .

« چهارچوبها از نقره، وجامها از بلور، و آلتها از شیشه‌های رنگارنگ ظریف ساخته »
« شده است . »

« اما راجع به تزیینات نمیتوان این اندازه شکوه و عظمت و دلربائی و »
« فریبندگی را که درهم آمیخته است تصور کرد . میان نقاشیهای این بنا تصاویر »
« برهنه وفرح انگیز بسیارزیبا وجود دارد ودرهمه‌جا آئینه‌های بلورین دردیوارها »
« بکار رفته است ، دراین تالار اطاقهای آئینه‌کاری کاملی است که اثاثه هر اطاق از »
« باشکوهترین و شهوت‌انگیزترین نوع خود در دنیا است . اطاقهای کوچکی نیز »
« درآنجا میباشد که فقط گنجایش یك رختخواب دارد . درخاورزمین رختخواب »
« پرده نداشته وروی زمین پهن میشود . یك رختخواب جالب توجهی دیدم که »
« فقط لحاف آن دوهزار اکو میارزیدکه برای گرمی وسبکی ازپوست سمورتهیه »
« شده بود . بمن گفتند شاه تشکهای بسیاری ازهمین جنس دارد من یك کتاب از »
« تزیینات وتصاویرواشکال ومینیاتورها وظروف وکتیبه‌های این تالارتصنیف خواهم »
« کرد برخی ازاین کتیبه‌ها شامل افکارلطیف عاشقانه وبرخی قطعات اخلاقی است. »

« چندقطعه زیر نمونه‌ای از آنها است که دردفترخود ثبت کرده‌ام : »

« بالای گلدانی چنین نوشته شده است: گل لاله نماینده راز درون من است. »
« من چهره آتشین و دلی سوخته دارم . هرچه زیبائی گردنی افراشته داشته باشد »
« همواره پای درگل است . دل من صدهاباربچپ وراست بدون اینکه بکسی تعلق »
« یابد منحرف شد تاتورا دید وبتوپیوست. من بیش ازاین تاب درد هجر تورا ندارم »
« ونمیتوانم آنجاکه تو نیستی مسکن گزینم. تومردمك چشم منی . توراگم کرده‌ام. »
« نمیدانم بچه‌نظر افکنم . کاری جزمردن نتوانم . »

« پادشه پاسبان درویش است — گرچه نعمت بفر دولت اوست »
« گوسفند ازبرای چوپان نیست — بلکه‌چوپان برای‌خدمت‌اواست»

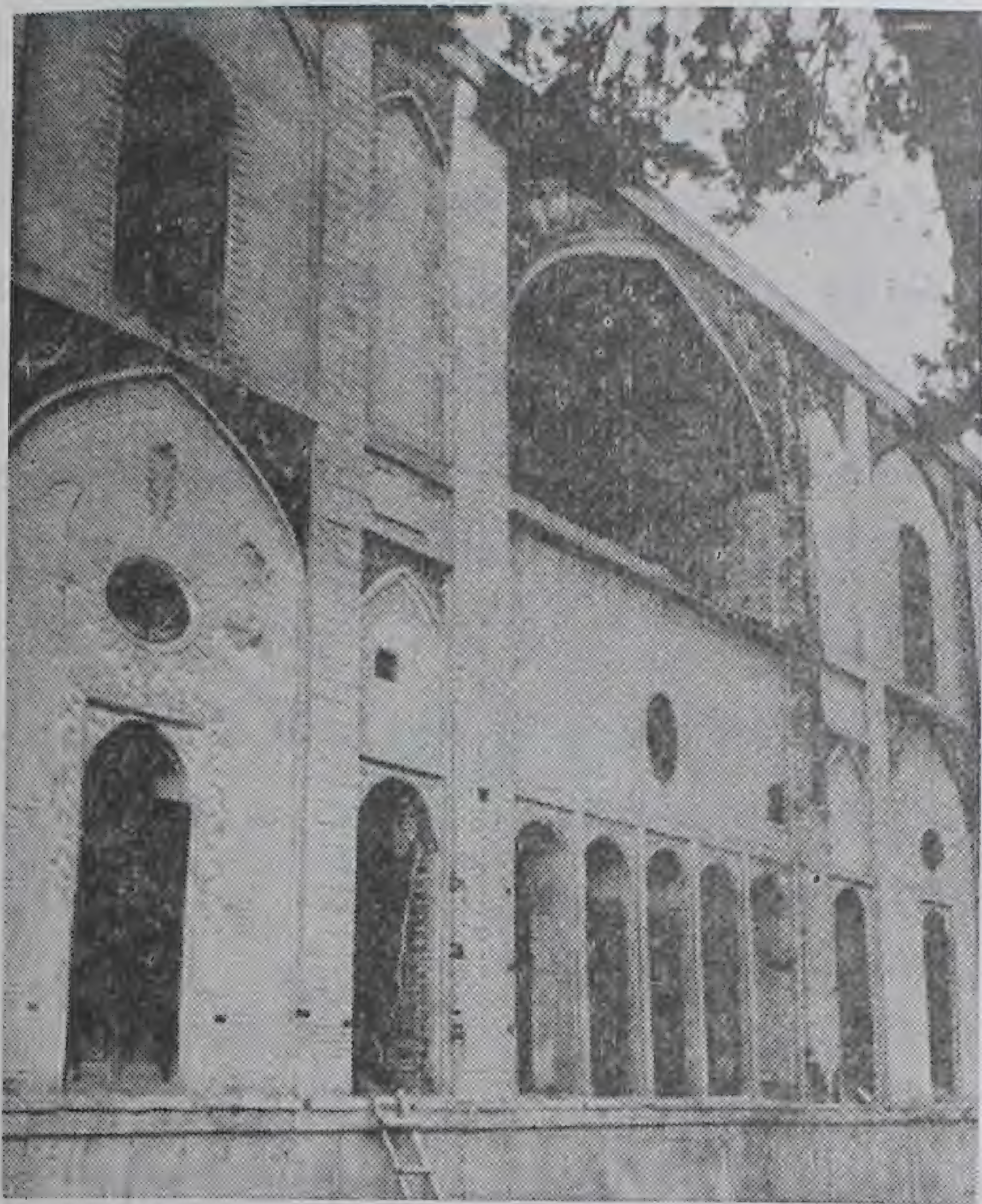
***

« زیر پایت گربدانی حال مور — همچوحال‌تواست زیرپای‌پیل »

« روی یك پیش بخاری عبارت زیررا نگاشته‌اند : »

« از زمستان نترسید ، زیرا فقط سردی وسلامت است . »

« نمیتوانم ازبیان این نکته خودداری کنم که بهنگام گردش دراین محل »
« که مخصوصی لذت وحظ وعشق ساخته‌شده‌است ودرحال عبورازاطاقهاوشاه‌نشین‌ها »
« آدم چنان تحت تأثیر قرارمیگیرد که بگاه بیرون‌شدن ازخود بیخود میگردد »
« بدون تردید هوای این تالارائرمهمی دراین‌حالت عاشقانه‌که بانسان‌دست‌میدهد »
« دارد . اگر چه این بناءِ چندان با دوام و استوار نیست ولی فرح‌انگیزتر از »
« مجللترین کاخهای ممالك اروپائی است[1] . » (ش۱۴)



(شکل ۱۴)

۱ ـ ترجمه سفرنامه شوالیه شاردن عریضی ازصفحه ۱۲۳ تا ۱۲۴ .

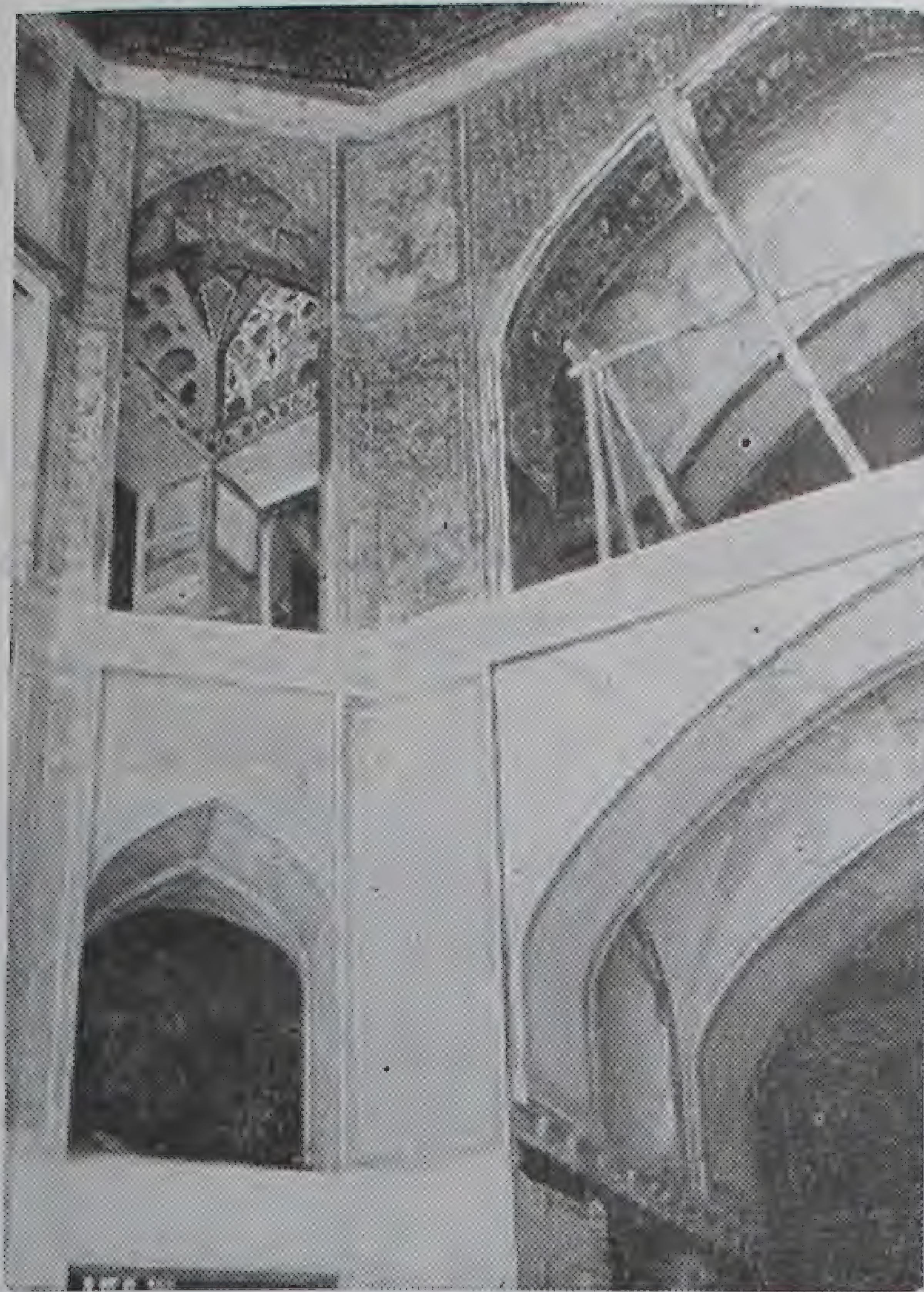
گوست سیاحی که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار بایران آمده واصفهان را دیده درباره این کاخ چنین نوشته است :

« این عمارت دروسط باغ باندازه دومتر ازسطح زمین بلندتر و۳۵متر طول »
« و۲۵/۲۶متر عرض دارد، اطاقهای این عمارت تمامی منقش وگچ‌بری ودرهایش »
« خاتم‌سازی وزیبا میباشد . تالار وسط گنبدی شکل است که از یك‌نوع پنجره »
« ساختمان گردیده، درگنبد آن هشت پنجره بطور مساوی باطراف قراردارد که »
« ازچوب ساخته‌اند ، ودر وسط این تالار حوضی هشت ضلعی بقطر۸۳ سانتیمتر »
« ازمرمرعالی ساخته شده وبه‌حوض مروارید معروف است، وطوری حجاری شده »
« که وقتی آب ازسوراخهایش خارج میشود چون‌دانه مروارید میباشد؛پلکانهای »
« این عمارت طوری بناشده که از هرطرف بعمارت فوقانی و تحتانی عبورومرور »
« میشود، دارای غلام‌گردش‌ها وبالاخانه‌های زیادی است درختان‌کهن وچنارهای »
« مرتبی دارد ، و قسمتی ازآب جوی شاه از برابر عمارت بالائی داخل این باغ »
« میشود . درزمانی که دراصفهان بودم فتحعلی‌شاه دراین‌عمارت می‌نشست وتماشای »
« رقاصه‌هائی که میرقصیدند مینمود، درودیوار، ازاره‌ها ، هلالیها،گنبدها وبالاخره »
« تمام‌این عمارت سرتاپای ازطلا تزیین‌یافته واشکال وتصاویرگوناگون پرندگان »
« وگلها وغیره برزیبائی قصرافزوده است ، دارای تابلوهای منقش و زیبا است‌که »
« جلب توجه مینماید[۱] . » (ش ۱۵)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نویس عصر ناصرالدین‌شاه قاجارکه ازطرف دربار وقت مأموریت یافته بود نسبت باوضاع جغرافیائی وتاریخی ایران مطالبی‌تهیه‌کند ونسبت‌بقسمتی ازکشور موفق شد ومطالبی دردوجلد بزرگ تهیه‌کردکه آن دوجلد را درکتابخانه وزارت‌دارائی مطالعه‌کردم راجع‌بکاخ هشت‌بهشت درسال(۱۳۰۰ه. ق) چنین گزارش داده است :

« باغ هشت بهشت وعمارت تحتانی‌وفوقانی قصرمیان ووسعت دستگاه‌آن از»

---
۱ – نقل ازصفحه ۲۲ تا ۲۴ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان .



(شکل ۱۵)

« حد توصیف بیرون است غیر ازایوانهای عالی وارسیها یکصدوپنجاه ویکزوج »
« درب اطاق تنهادربالا وپائین دارد . ازمعماران معتبر شنیده شده که طرح آنرا »
« درطرز عمارت کرامت کرده‌اند چنانچه نقشه این‌قصر را بکشند و درجای دیگر »
« بخواهندمثل آن بناکنندمشکل‌که بتوانند ازعهده‌برآیند. باغ مزبورباغی‌است »
« بسیار بزرگ خیابانهای عریض و قطعه بندیهای وسیع در آن است ، دیوار یك »
« طول باغ باقدری از دیوار چهارباغ‌شاه مشترك ، دونهر بزرگ ازچهارباغ عرضاً »
« این‌باغ‌را تقاطع‌میکند ، یکی مقابل قصر موصوف وسط وارد دو دریاچه‌بزرگ »
« میشود که بعرض باغ در دو طرف عمارت متقابل یکدیگر است ، ودو حوض »
« بزرگ هم در دو سمت دیگر عمارت است ، و دوره عمارت نیز جوی سنگی »
« وآب نماها قرار داده‌اند که آب دائماً ازاینها جاری است . مقابل این دریاچه »

« وقصر ، سردری است عالی ودو رو که یک‌روش مشرف بچهارباغ وحوض بزرگ »
« پای‌آن ، وروی دیگرش منظرقصر وسط‌باغ است ، سردر مزبور نیز وصف‌زیاد »
« دارد ، نهر دیگرهم مقابل وهم عرض نهر بفاصله زیاد باز از چهارباغ میآید و »
« بعرض باغ جاری است. بهمین قانون سردری دارد عالی مشتمل برتالار بزرگ »
« مشرف برباغ ، و عمارات عقبش منظر چهار باغ ، و اینجاست که سالها است »
« تلگرافخانه شده . در این‌باغ حیاط دیگرهم هست وسیع ، صاحب اطاقها و »
« ارسیهای مرغوب و آشپزخانه و طویله و غیره معروف به نارنجستان هشت »
« بهشت است . » (ش۱۶)

موضوع قابل توجه این‌که گزارش میرزاعلیخان نائینی روزنامه نگار



(شکل ۱۶)

ناصرالدین‌شاه وشرحی‌را که میرزاحسین‌خان تحویلدار[1] در سال (۱۳۰۸ هـ . ق) نوشته‌اند عیناً مطابقت‌دارد وناچار باید گفت یکی‌ازآنها از دیگری‌گرفته وبنظر میرسد چون تاریخ ختم تألیف جغرافیای اصفهان (۱۳۰۸ هـ . ق) وبعد از (۱۳۰۰ هـ . ق) است . جغرافیای اصفهان ازگزارش میرزا علی‌خان نائینی‌گرفته است وذکر مأخذی هم نشده است .

آنچه‌ازگزارش مزبورمعلوم‌میگردد اینستکه‌کاخ مزبور تا اول‌قرن چهاردهم بوضع سابق زمان صفویه باقی‌بوده ونقصی درآن‌راه نیافته وتغییراتی‌که درآن راه یافته درقرن چهاردهم هجری انجام شده است .

میرزاحسن‌خان جابری‌انصاری که‌ازمعمران اصفهان وآگاه بتاریخ‌وتغییرات مبانی‌آن سامان بوده راجع باین‌کاخ چنین نوشته است :

«وهشت بهشت نیز بمنوال چهلستون طرح‌باستانی بستانیش‌که از نقش‌جهان»
« جدا کرده زمان شاه‌عباس بزرگ شده با ساختمانی‌مختصر، وبنای‌عمارت شگرف»
« هشت بهشت را سایرشاعر مشهدی‌گفته زمان شاه سلیمان به هزاروهشتاد (۱۰۸۰)»
« وکاشی‌کاریهای زیبا خصوصاً طاوسها ودیگرمرغان در ۱۱۰۲ باز بفرموده شاه، »
« و عرصه این‌باغ از چهلستون بسی بیشتر بود برای حرمخانه شاهی ، چوحد »
« جنوبیش به بازارچه بلند منتهی میشد و در حکومت ظل‌السلطان بانوی عظمی »
« خواهرش با همه اولاد وخانواده درآن‌بزرگترین پارك سلطنتی میدان جولانی »
« برای خوش‌گذرانی داشتند ، امروزه‌آن‌باغ را قطعاتی‌کوچك نموده وبه‌مقبلان »
« فروخته‌اند که شاید پنجاه خانه وباغچه سرا ازآن جدا شده وباز قسمت‌بزرگی »
« را خود دارند، بنگاهها وسراچه‌ها ومغازه‌های بسیاری درچهارباغ عباسی‌بیرون »
« انداخته که نفع بزرگی دارد وکوچه جهانبانی با خانه های دوطرف وحمام‌نمره »
« نامی را ازمیان باغ‌ردکرده ودرآنجا حوض‌مرمری یکپارچه مروارید میدیدم »

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵

« و از آثار صفویه دوسه حوض یك قطعه مرمر موسوم به مروارید پدید بود یکی »
« درعمارت اشرف و آن چنان بودکه همه آن سنگ را شبیه به حوض حجاری »
« استادانه‌کرده و برای همه فواره‌های کوچك باندازه انگشت سبابه ازتمام‌سنگ »
« درآورده هرحوضی بیش‌از صد فواره داشت و آن حوض‌را که نصب نموده بودند »
« از زیر سنگ آب جریان یافته مانند دانه‌های مروارید بوسیله آن فواره‌ها »
« جستن‌کرده وحوض‌را پرازآب نموده، بانوی عظمی یك حوضش‌را ببدیع‌الملك »
« پسرش‌داد درعماراتش ازباغ بادامستان تلگرافخانه‌جدا نموده داد وآن‌عمارات »
« بعد به بختیاریها و ازآنها منتقل‌به جلاءِالسلطنه شد ، قنات آب حلال که روی »
« به مابین بالا میرفته وآبش متصل به جوی شاه میشد برای آب دائمی هشت »
«بهشت ودیگرعمارات صفویه احداث کرده بودند وهرعمارتی بهری‌وبخشی معین»
«داشت، وزیر ومستوفی خاصی‌ازنیاکان‌بنده برای‌آن‌مقرربود تابتواند درحرمخانه»
« سلطنتی حکم بخش‌آب را بدهد ورفع مشاجره سکنه باغچه سراها را بنماید »
« و وجه نامش به‌آب حلال ازآن‌رهگذر بودکه شاه عباس دوم وجهی‌را که بنظر »
« خود وعلماء حلال شرعی میدانستند بخرج احداث آن قنات داده تاآب غسل و »
«وضوی حرمخانه نهایت‌حلیت‌را داشته‌شبهه‌کم و زیادآب رودخانه ازحقوق‌دیگر »
« محلها نرود . حالیه شنیده‌ام آن آب را ازپشت‌آتشگاه به جروکان اولادبانوی »
« عظمی میبرند وچون بانوی عظمی واولادش شصت سال وکسری‌است[1] درهشت »
« بهشت ساکنند ضمناً باغات وعمارات دولتی‌دیگرمجاور را بدست داشتند مانند »
« بهشت آئین ورشک جنان وانگورستان، وبهشت آئین امروزه درکوچه فتحیه »
« کالج دختران شده وانگورستان را با عمارت خسرو خانی بدست سردار اعظم »
« داده بودند . »

این کاخ که روزی از کاخهای کم نظیر بوده درسال ۱۳۳۴ شمسی که‌آقای

۱ــ این‌کتاب درسال (۱۳۲۱ هـ . ش) به چاپ رسیده و اگر ۶۰ سال را از ۱۳۲۱ کسر کنیم میشود (۱۲۶۱ هـ . ش) ولی آخرین تاریخ قمری که مؤلف گفته ۱۳۵۸ بـوده و بنابراین ابتدای تصرف بانوعظمی ۱۲۹۸ قمری خواهد بود .

نیکزاد حسینی از طرف اداره باستان‌شناسی اصفهان مورد بازدید قرارداده چنین گزارش واظهار نظر کرده است:(۱)

«این‌عمارت‌را فعلاً آقای ابوالفتح‌قهرمان(سردار اعظم) بموجب دستخطی»
«مالك‌و در تصرف دارد ازقرار مشهور در اراضی‌وباغات قدیمی آن تغییراتی‌داده»
«وکاخ اصلی بحال خود ولی مخروبه باقی‌است . ذخائرآن ازبین رفته است . یك»
«دفعه در دوره وزارت سید ضیاءالدین باغ ملی‌شد ولی درزمان‌شاه فقید مسترد»
«ومجدداً درش بسته شده است . درسال ۱۳۳۴ شمسی‌که از این عمارت بازدیدی»
«بعمل آمده محتاج بتعمیرات کامل است، زیرا نقاشیهای زیبا وگچبریهای‌عالی»
«(نظیر تزیینات عالی‌قاپو) آن ازبین رفته وآنچه باقی‌است نیز جلب توجه را»
«مینماید ، اشکال‌وحوش وطیور وشکارگاهها که بعضی‌قدیمی وبرخی جدید برروی»
«کاشی نقش‌ودرپشت بغلهای اطراف‌نصب شده جالب‌توجه وتماشائی‌است ، مساحت»
«فعلی آن قریب ۷۵۰۰ مترمربع است . »

برخی نوشته‌اندکه کاخ و باغ مجموعاً درابتدای ساختمان مساحت آن ۸۵ جریب بوده است (۲) ولی مساحت کنونی‌آن درحدود پنجهزار مترمیباشد . (۳) و در تاریخ شهریور ۱۳۴۳ شمسی تحویل دولت‌گردیده است . (۴)

این‌کاخ در خیابان چهارباغ عباسی در مقابل خیابان‌کنونی شیخ‌بهائی واقع شده واکنون در دست دولت است .

ازگزارش‌های گوناگونی‌که درتوصیف این‌کاخ داده‌اند معلوم‌گردید که علت شهرت‌آن برای بکاربردن سنگهای مرمر عالی درآن و داشتن طاقهای مقرنس‌کاری ونقاشی بوده است .

ساختمان کاخ دوطبقه و دارای شاه نشین و غلام گـردش‌هـای زیبا و نقوش گوناگون طلائی وتزیینات جالب وپشت بغلهای‌کاشی بی‌نظیر ونقوش وحوش وطیور

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۴ ۲ـ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان‌ص۶۲۲ .
۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵ ۴ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۳

و آئینه‌کاری بسیار ممتاز ودرواقع از قصور ممتاز دوره صفویه است .

کاخ‌مزبورکه آنرا باغ بلبل نیز نامیده‌اند قسمتی از باغ نقش‌جهان زمان شاه‌عباس بوده و در زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵ - ۱۰۷۸) مجزا و شروع بساختمان گردیده است .

این کاخ تاریخی زیرشماره ۲۲۷ به ثبت رسیده است[۱] .

در توصیف و تاریخ‌ساختمان آن شعرای زمان اشعاری نیز سروده‌اند .[۲]

۱ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵ ۲ـ ازجمله‌شعرائی که درباب کاخ هشت بهشت ماده تاریخ سروده میرزا طاهر نصرآبادی بشرح زیر است :

زهی دولتسرای پادشاهی | بود در سایه‌اش مه تا بماهی
بود زیبا عروسی‌شوخ وسرمست | که از جامش بود آئینه دردست
شود تا حلقه‌اش برروی درگاه | دل خود میخورد زین آرزو ماه
پی نقش و نگار آن ستوده | ز چشم حور آوردند دوده
ز آب دست نقاشان گل کار | شده شبنم بروی گل نمودار
گه نظاره‌اش از نارسائی | بود مد نظر تیر هوائی
نه‌فواره‌است‌کان را درمیان است | بشکر شاه دائم‌تر زبان است
رسیده تا بعیسی رفعت او | شده فواره شمع خلوت او
بود طالارش ازطوبی بسامان | گل او شد خمیر از آب حیوان
ستونش تکیه‌گاه آسمان است | دوام گردش افلاك از آن است
بتاریخش قلم قد راعلم کرد | خیالم (مشرق دولت) رقم کرد
۱۰۸۰

بتاریخ دگر دل کرد تکرار | (مکان عشرت بی‌روی اغیار)
۱۰۸۰

بتجدیدش‌شد این مصرع بسامان | (مکان شاه دین‌پرور سلیمان)
۱۰۸۰

ز فیض شاه دیگر گوهری سفت | بدیهه (قطعه خلد برین) گفت
۱۰۸۰

باینها همتم راضی نگردید | بساط مصلحت با خویشتن چید
ز خاطر این رباعی‌ها مهیا است | که ازهرمصرعش‌تاریخ‌پیدااست

رباعی

«چون شاه‌سلیمان شه اقبال بلند» | «شدبانی‌این‌مسکن‌بهجت پیوند»
(۱۰۸۰) | (۱۰۸۰)

←

«از جشن‌ونشاط وکامرانی دایم»
(۱۰۸۰)

« در وی جای پادشه دولتمند »
(۱۰۸۰)

ایضاً

« از قصر بلند زیبا ارکان »
(۱۰۸۰)

«گردید زمین اصفهان تاج جنان»
(۱۰۸۰)

«درگاه عبادت این‌بود ورد ملك»
(۱۰۸۰)

«پاینده عمارت از سلیمان زمان»
(۱۰۸)

« ایضاًهرمصرعی تاریخ است :

« چون بدوران شه اعلاشان »
(۱۰۸۰)

« که زدل گشته سلیمان زمان »
(۱۰۸۰)

«جان‌پناهی که مدیحش عام‌است»
(۱۰۸۰)

« مرشد و داد ده ایام است »
(۱۰۸۰)

« تاج داری که زوی شد نازان »
(۰۸۰)

« زدل وصدق همه خلق جهان »
(۱۰۸۰)

« صوفی صافی تابع مقصود »
(۱۰۸۰)

«کو باخلاق و صفا ساعی بود»
(۱۰۸۰)

«آنکه مقصود وی ازعمروحیوة»
(۱۰۸۰)

« بندگی ره شه باطاعات »
(۱۰۸۰)

« کرد سرکاری این‌مسکن سعد »
(۰۸۰)

«که چووی نیست مقدر من‌بعد»
(۱۰۸۰)

« دل‌گشائی‌است که ازلطف‌صبا »
(۱۰۸۰)

« شد فرح لازم و شادی افزا »
(۱۰۸۰)

« چه مکان شبه بنای فلك است »
(۱۰۸۰)

«چون لب‌قند سراپا نمك است»
(۱۰۸۰)

«طاق‌ازآن سرشکن قوس‌وقزح»
(۱۰۸۰)

« رکن او قائمه جشن و فرح »
(۱۰۸۰)

« آفتاب آینه درگاهش »
(۱۰۸۰)

« طلبد سرمه گرد راهش »
(۱۰۸۰)

« بنم آورده گلش آب حیات »
(۱۰۸۰)

« میل شادی بارم داده زکات »
(۱۰۸۰)

« از لب شکر لیلی لعلیش »
(۱۰۸۰)

« شد از آینه جان به کاشیش »
(۰۸۰)

« دوده‌اش سرمه بیننده کشید »
(۱۰۸۰)

«زگچش شد قصب صبح سفید»
(۰۸۰)

« آیه نور ز سنگش شامل »
(۱۰۸۰)

« بدرش حاتم بی‌حد سایل »
(۱۰۸۰)

اشعاری راکه نصر آبادی درتوصیف وماده تاریخ بنای کاخ هشت‌بهشت سروده بخوبی روشن میدارد که کاخ مزبور در دوران سلطنت شاه‌سلیمان صفوی و در سال یکهزاروهشتاد هجری (۱۰۸۰) ساختمان آن بپایان رسیده و این ساختمان بسعی واهتمام مقصود نامی که ازصوفیان سرسپرده درگاه بوده انجام گردیده است .

گرچه ممیزاتی برای مقصود نگفته ولـی نمیتوان بانی مسجد مقصود بیك واقع درتکیه ظلمات در سال یکهزار و ده را با مباشر ساختمان‌کاخ هشت بهشت‌که در سال یکهزار وهشتاد انجام شده است متحد دانست .

۲ ـ کاخ چهلستون :

این‌کاخ درجنوب خیابان سپه‌کنونی واقع و ۶۷۰۰۰/ متر مربع مساحت دارد. اغلب مورخان نوشته‌اند که کاخ مزبور قسمتی ازباغ نقش جهان بوده ومقداری از

« زندگی‌بخش زجو آب زلال »
(۱۰۸۰)
« چشم دل ازهمه‌سو حیرانیش »
(۱۰۸۰)
«نه فلك شیفته از سایهٔ وی»
(۱۰۸۰)
« شوکت اوببرد زنگ ازجان »
(۱۰۸۰)
« تا کند دور نجوم مه و مهر »
(۱۰۸۰)
« دولت شاه سلیمن افزون »
(۱۰۸۰)
« باشدش مرکب اقبال بزین »
(۱۰۸۰)
« برهش طاهر نصرآبادی »
(۱۰۸۰)
« بیتها گفته نجیب و نیکو »
(۱۰۸۰)
« دیده از هر مصرع سال بناش»
(۱۰۸۰)

« یابد ازبوی هوا جان تمثال »
(۱۰۸۰)
« جوش گل دل شده ایوانیش »
(۱۰۸۰)
«عرش از سربرد پایهٔ وی »
(۱۰۸۰)
« شد ازو تاج فلك اصفاهان »
(۱۰۸۰)
« تا بود دایره سان سیر سپهر »
(۱۰۸۰)
« دشمنش باد بهر ویل نگون »
(۱۰۸۰)
« زیر فرمان بادش جمله زمین »
(۱۰۸۰)
« بسته در بندگیش آزادی »
(۱۰۸۰)
« ز گلستان بها یافته بو »
(۱۰۸۰)
« آنکه باشد هنر این دعواش »
(۱۰۸۰)

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۷ تا ص ۴۹۰)

آن را شاه‌عباس بزرگ جدا کرده ودروسط آن عمارت کلاه فرنگی سبکی ساخته بوده وجشن نوروز سال بیست‌وسوم جلوس خودرا درآن محل برپا داشته است.

سپس درزمان سلطنت شاه‌عباس دوم برعمارات آن افزوده وکاخ چهلستون بناگردید ودرتاریخ یکهزارو پنجاه وهفت هجری پایان یافت وماده تاریخ آن را: «مبارکترین بناهای دنیا» گفتند.

برخی ازمورخان گفته‌اند[1] چهلستونی‌که بدست شاه‌عباس دوم ایجاد گردید دارای چهل ستون بوده ودرهنگام آتش‌سوزی که در۲۱ رمضان سال هزارویکصدو هیجده (۱۱۱۸) هجری اتفاق افتاد ازپنج‌ستون هشت‌تائی فقط بیست‌ستون‌آن باقی مانده ودرواقع قسمتی ازعمارت وبیست ستون طرفین ازجلوسوخته است. وتاریخ آتش‌سوزی آنرا چنین سروده‌اند:

هزارویکصدوهیجده زهجرت نبوی   گذشته‌بودکه آتش به‌چهلستون‌افتاد

وتاریخ تعمیر آن‌را که درزمان سلطنت شاه‌سلطان‌حسین صفوی اتفاق افتاده چنین سروده‌اند: «مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی» که سال (۱۱۱۸ هـ. ق) را میرساند.

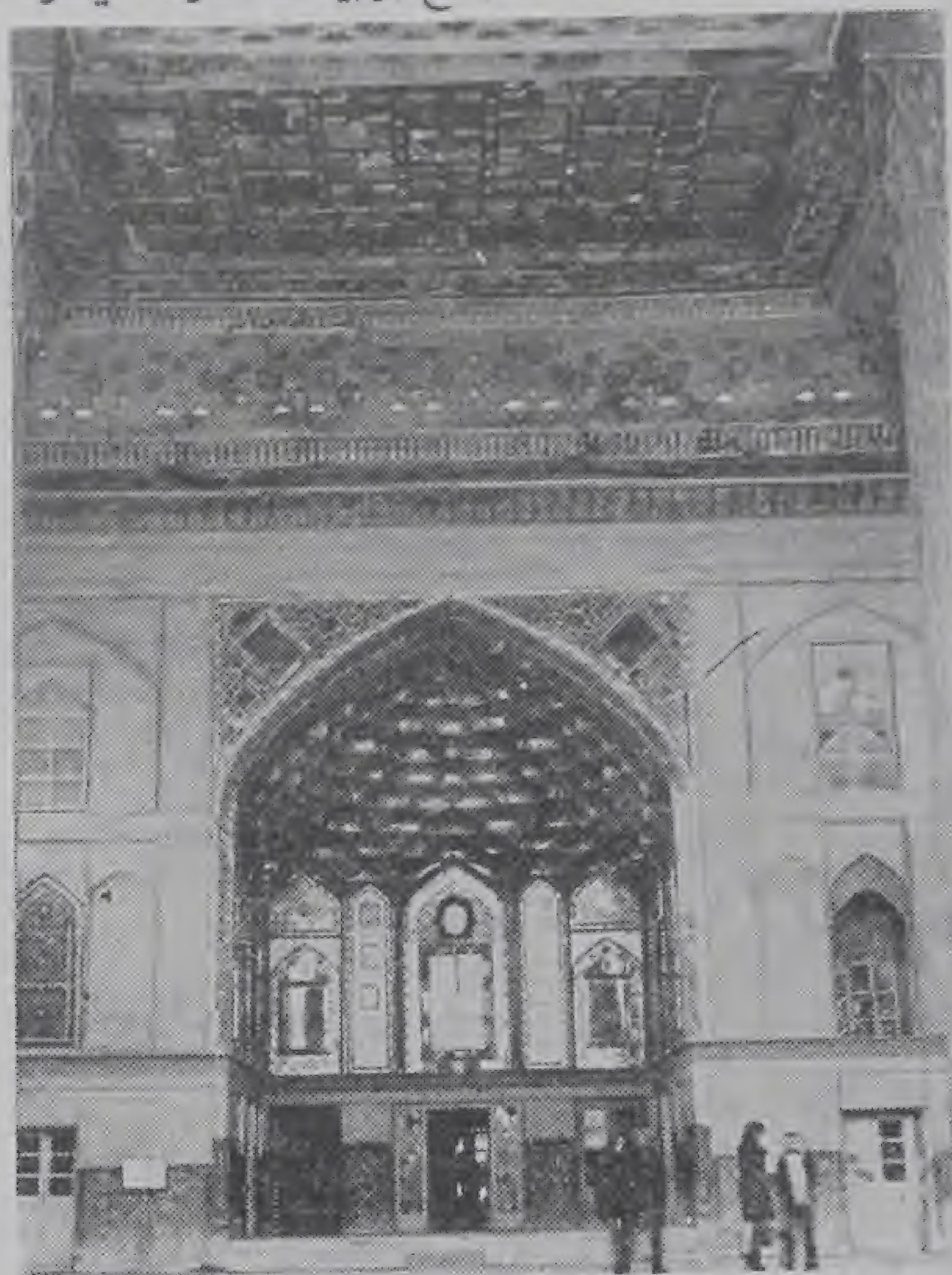
این کاخ که شامل چهلستون وباغ است عمارت چهلستون دروسط آن واقع شده ومساحتش دوهزارویکصدوبیست متر مربع میباشد ویك شعبه ازمادی فدا از وسط آن میگذرد، محل بنای عمارت یك متر از زمین باغ بلندتراست و حوض بزرگی درمقابل عمارت ساخته شده که حکم دریاچه دارد. گویا بعنوان دولتخانه بناشده بوده ولیکن‌چون چهلستون داشته بنام‌اخیرمعروف شده‌است.کاخ‌چهلستون مشتمل برایوان بزرگ بطول ۳۸متر و عرض ۱۷متر و به‌ارتفاع ۱۴متر روبطرف مشرق‌ساخته شده وهیجده ستون ازچوب چنار وکاج دارد وشکل آن کثیرالاضلاع و۱۶ ضلعی و۸ضلعی مدور میباشد. چهارستون وسط برروی چهارشیرسنگی قرار دارد وطوری حجاری شده که دوشیربایك سر نشان داده میشود وازدهان چهارشیر

---

۱ ـ مؤلف‌الاصفهان.

جلو آب جستن کرده وارد حوض مرمر وسط میشده است .

درایوان دومی که اندکی مرتفع‌تر است دوستون چوبی با ارتفاع دوازده‌متر قرارگرفته که با ستونهای ایوان بزرگ بالغ بربیست ستون میشود . (ش۱۷)



(شکل ۱۷)

بالای این ایوان دوکتیبه یکی اززمان شاه‌عباس دوم شامل این اشعاراست :

بعهد شهنشاه عباس ثانی — که‌عهدش‌جوان‌کرد‌پیر جهان را

بنا کرد از فیض لطف الهی — بنائی‌که شد رشك نه سقف‌مینا

زبس رفعتش بر سپهرکواکب — نماید چو ریگ ته جو ثریا

کواکب چوگلهای باغش‌نمایان — مجره‌دراوهمچوجوئی‌است‌پیدا

کند سالها اندرآن کامرانی — بود قرنها سجده‌گاه برایا

مبارك‌بود زانکه تاریخ‌آن‌شد : — « مبارکترین بناهای دنیا »

(۱۰۵۷)

کتیبهٔ دیگر از اول تا آخر ایوان و در زمان سلطنت شاه‌سلطان حسین صفوی و بخط نستعلیق سفید محمد صالح نوشته شده که شامل ۲۸ فرد بوده و قسمتی از آن‌که خوانده میشود چنین شروع میگردد:

بحمدالله که باز از نو باقبال شهنشاهی
مرصع شد زمین وآسمان ازماه تا ماهی
تجلی در گریبان طالع از جام جهان‌بین شد
صفای صبح عید و فیض انوار سحرگاهی
بحکم شاه دین سلطان حسین آن ماه مهرآئین
که صبح و شام عالم را کند خورشیدی و ماهی
سهیل صبح عید زندگانی خسرو عادل
فروغ اختر روشن دلی خورشید آگاهی
ز شیر و پرچم سرپنجه تیغ جهانگیری
بلند و پست عالم را گرفت از ماه تا ماهی
ز بس در کفه میزان احسانش سبك گشته
خجالت میکشد دائم طلا از چهره کاهی
شب وروز جهان را ریخت درهم مهرومه یکجا
که ریزد طرح ورنگ این بنای آسمان جاهی
زهی عالی بنا کاندر بلندیهای اوصافش
قبای لفظ براندام معنی کرده کوتاهی
. . . . جهان پیدا
سپهری بر سپهر افزود معمار یداللهی
مگر از عالم بالا دری بر رویش بگشوده
که بر کریاس آن چرخ چهارم کرده درگاهی
خدا زان بیستون گرداند خلق این آسمانها را
که برپاباشد ازاین چهل ستون از ماه تا ماهی

فلك برخویش میبالید از ترصیع کوکب‌ها
مرصع کا . . . .
. . . .
. . . . گشت درگاهی
چو شمع محفل خضر نبی زرین ستونهایش
ید بیضا بکف با خضر و موسی کرده همراهی
برنگ چل تنان چلستون در ربع آن مسکون
گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی
مرصع کاری سرو ستونهایش بآن ماند
که آیین کرده با دست دعا با عرش همراهی
چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را
ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی
بجز در آب و آئینه ندیده مثل و مانندش
سکندر گرد عالم گشت همچون حرف افواهی
زهی نقاش صورت آفرین کلك نقاشی
کشیده دربن روشندلی تصویر آگاهی
زرنگ روحی و جسمی نموده ظاهر و باطن
بهر معنی که میجوئی وهرصورت‌که میخواهی
به نیرنگی شبیه جان گرفته بهر درمانی
. . . .
. . . .
. . . .
ز آهنگ شبیه چارتاری هم نیم غافل
دوگاهی میرساند گاه بر گوشم سحرگاهی

صفای منبع فواره گوهرفشان آن
کبوترهای زرین بال انجم را کند چاهی
ضیاءِ چار دیوار مرصع کار مینایش
بود تا صبح حشر آئینه‌دار طلعت شاهی
اگر چه ماه اوج سلطنت دارد بهر شهری
مکانهای همایونی و منزلهای جمجاهی
ولیکن این همیون بارگاه آسمان رفعت
گرفت از کرسی اعلی خطاب عرش درگاهی
نگهدارش بود از چشم زخم دیده بدبین
علی مرتضی تعویذ بازوی یداللهی
چو شد اتمام این عالی بنا زینت ده گردون
بتأییدات یـزدانی و تـوفیقات اللهی
نجیب از نو بطاق آسمان بنوشت تاریخش :
« مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی »
(۱۱۱۸)

(کتبه محمد صالح)

از قصیدهٔ مزبور که بعضی از ابیات آن خوانده نمیشود معلوم میگردد که نامیدن این کاخ به‌چهلستون برای شکون عدد چهل ودارای بیست ستون بوده‌که درآب منعکس وجمعاً چهلستون میشده است .

این نکته ازشعر :

برنگ چل‌تنان چل‌ستون در ربع آن مسکون
گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی

و شعر :

چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را
ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی

کاملاً معلوم میگردد . ازدوموضوع دیگر بسیار توصیف شده یکی فواره‌ها ودیگر تذهیب‌کاری ستونها وسقف[1] .

این اشعارسرودهٔ نورالدین محمد نجیب کاشانی است که ملك‌الشعرای دربار شاه‌سلطان حسین صفوی بوده و کتابی هم بنام کشیك‌خانه در (۱۱۰۹ هـ . ق) تألیف کرده است که درکتابخانه سلطنتی کاخ گلستان دیده شده است[2] .

در دوطرف شاه‌نشین چهلستون و ایوان مدخل سالون پادشاهی و در داخل تزیینات آئینه‌کاری دوطرف مقرنس سقف آن دردولوح بخط نسخ مشکی برزمینه گل و بوته‌دارمذهب بخط شمس‌الدین بن ملامحمدسعید جیلانی مورخ بسال(۱۱۱۹هـ.ق) این عبارات نوشته شده[3] :

۱ ـ لوح جنوبی شاه‌نشین: «نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین رب انزلنی» «منزلاً مباركاً وانت خیر المنزلین فان تولوا فقل حسبی الله کتبه العبد شمس الدین بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی فی ۱۱۱۹» .

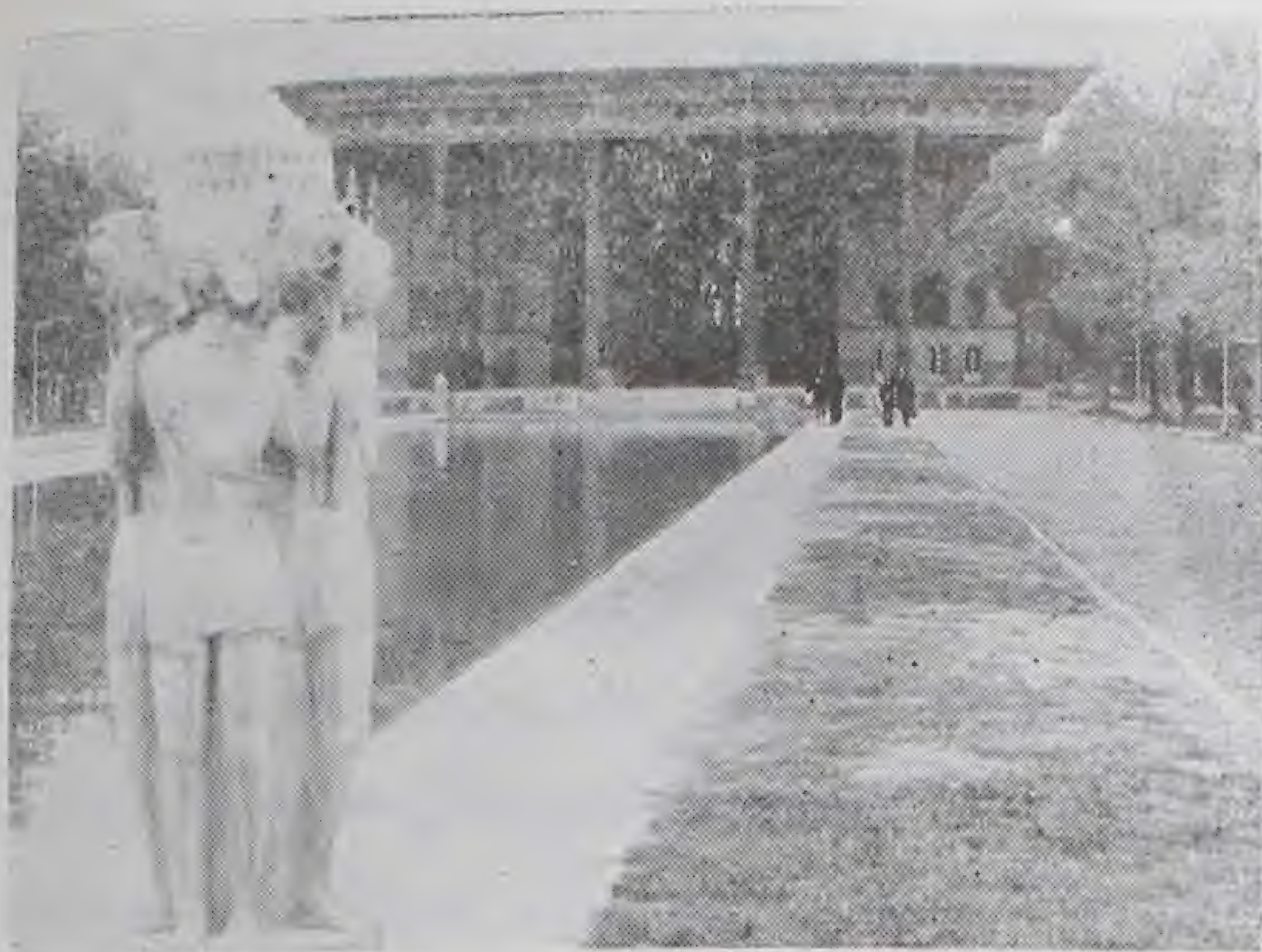
۲ ـ لوح شمالی : «نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین رب انزلنی منزلاً» «مباركاً وانت خیر المنزلین ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم کتبه العبد شمس الدین بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی . » (ش ۱۸)

تمام آنچه درساختمان و نقاشیها وتذهیبها که درکاخ مزبور دیده میشود از دوره صفویه است مگرچند تابلو که عبارت از :

۱ ـ جنگ شاه اسماعیل اول باسپاه عثمانی درچالدران. ۲ـ مجلس جنگ نادرشاه افشار با هندوها ، که بعدازصفویه الحاق شده است . (ش۱۹)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نگار دربارناصری درسال یکهزاروسیصدهجری قمری گزارشی راجع به عمارت چهلستون داده که با مطالب جغرافیـای اصفهان میرزاحسین‌خان تحویلدار عیناً مطابقت دارد وآن چنین است :

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۷۲ تا ص۵۷۳ . ۲ـ مجله یادگار سال‌چهارم شماره۷ ص۷۰ . ۳ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۷۴ .



(شکل ۱۸)



(شکل ۱۹)

« عمارت باغ چهلستون و دریاچه‌های دو طرف تالار وسط باغ و اطاقهای »
« بزرگ جنبین وبیوتات فوقانی واطاق طنابی تحتانی که سرتاسرعقب تالارافتاده »
« با عرض‌عریض وارتفاع طاقی‌که دارد ودرهاش بچهارسمت باز، بانضمام ایوانهای »
« بزرگ وایوانچه‌ها وغلام‌گردشهای اطراف ، عماراتی است قوی‌بنیاد که نظیر و »
« مانند ندارد ازبنائی ونجاری وحجاری و آینه‌کاری وطلا و لاجورد و تصویرات »
« کثیره کارهای استادان بزرگ وستونهای رفیعه وحمالهای عظیمه و سایرآلات »
« وادوات جراثقالی که در زیرورو وجوف سقف تالار وغیره بکاررفته درغرابت و »
« عظمت ، ودر رفعت وصناعت عقل همه اهالی خبره و بصیرت بحیرت است : »

« یك زبان خواهد زافواه ملك   تابگوید وصف آن رشك فلك »

« یکی ازاوصاف این عمارت آن است که دربزرگی ووسعت هم میان تالار »
« جلو و هم دراطاق طنابی عقب میتوان سلام عام ملوکانه بست و نیز یك دریاچه »
« بزرگ جلوطنابی عقب ویك دریاچه عظیم که درعظمت ثانی ندارد درپیش‌روی »
« تالار افتاده که همیشه‌آب رودخانه ازآنها جاری است، وجوی وجداول سنگی »
« وآب‌نماها وآب‌افشارها درمیان خیابانهای باغ واقع شده‌که بسیارنقل دارد[1] . »
(شکل۲۰)

مؤلف تاریخ نصف جهان بیشتر به توصیف کیفیت ساختمان کاخ چهلستون پرداخته وچنین گفته است[2] :

« دیگرازعمارات عالیه دولتی که قابل ذکراست : عمارت چهلستون است »
« که آنرا شاه‌عباس ثانی ساخته و وضع آن مرکب است از طرز عمارات چین و »
« فرنگستان وایران ، وبنفاست وخوبی‌این عمارت درتمام ایران نیست،طالارعالی »
« با سقف آینه وستونهای غریب چوبی که در زیر چهارعدد آنها سنگی بزرگ »
« واطراف آن سنگها را صورت شیر یالدار درآورده وساخته‌اند، وحجاری‌بکمال »
« خوبی نموده وحوضی درمیان این‌چهارستون است‌که اطراف آنها بسنگ‌مرمر »

۱ ــ عبارت جغرافیای اصفهان ازصفحه ۲۳تا۲۴ عیناً با گزارش میرزاعلیخان نائینی‌مطابقت دارد .
۲ ــ نصف جهان ص۳۴ .



(شکل ۲۰)

« فرش نموده‌اند ساخته وازدهان آن شیرها روی بحوض راه و سوراخ آب هست »
« که درآن حوض میریخته ودرسقف آن مهندسان صنعتهای عجیب نموده‌اند ودر »
« استحکام آن مبالغه فرموده، ستونهای آن بیست عدد است وتمام آنها را نقش و »
« آینه‌کاری نموده بودند ، عقب آن طالار طنابی است بس عالی وزیبا که آن را »
« سقفی رفیع به‌سه‌چشمه زده‌اند ومذهب بتذهیب وزرنشان نموده ودرنماهای آن »
« صورت بعضی از سلاطین صفویه را ساخته‌اند که اکثر آن مطابق واقع است ، »
« چنانچه صورت شاه‌اسماعیل وهردوشاه‌عباس موافق صورت شاه‌اسماعیل درمیدان »
« جنگ اوزبك است و از دیگران مجلس بزم است ، ودر نماهای میان صورت »
« جنگ شاه‌اسماعیل با رومی . »

« وجنگ نادرشاه را با محمدشاه هندی ساخته‌اند درزمان متأخر ازآنها و »
« هیچیك ازصورتها موافق نیست .»

« وبالجمله این عمارت مطمح نظر همه‌کس میباشد ، واین عمارت و طالار »
« درباغی است که معروف به‌همان چهلستون‌است ودرپیش روی‌آن عمارت‌درياچه »
« مربع طولانی ساخته‌اند که اکثر پرآب ودرکمال صفا است.»

جابری انصاری که درتاریخ اصفهان بصیرت‌کافی داشته راجع بساختمان این کاخ وبانی وزمان آن نیز مطالبی نوشته‌که عین آن نگاشته میشود[1] :

«وباغ‌چهلستون‌که‌آن هم‌ازباغ‌نقش‌جهان‌گرفته‌شده یکی‌ازبزرگترین مبانی»
« صفویه‌است، طرحش‌را زمان‌شاه‌عباس اول‌ریختند،وبنای چهلستون‌راشاه‌عباس‌دوم »
« در (۱۰۵۷) پس‌ازصلح‌باعثمانی اقدام‌کرد، ومساحت‌آن باباغچه‌های‌گرداگردش »
«قریب‌پنجاه‌جریب‌میشود. عمارت‌وسط چون‌دیگرمبانی‌قدیم تیموریه‌روی‌به‌مشرق»
« افتاده، طنابی‌بزرگ‌عقب‌تالارایوان‌است‌که‌شاه‌نشین سلطنتی‌بوده ودارای‌سه‌گنبد، »
« طول‌تقریباً بازیردیوارها ۲۸ذرع وعرض بیش‌از۱۱ذرع‌ونیم‌ودربهایش ازاطراف »
« روبه‌ایوانهای‌گرداگردبازمیشود، ودواطاق بزرگ خروجی جنبین‌ایوان‌شاه‌نشین »
« است، وصندوق خانه‌ها وبالاخانه عقب‌هم‌دارد، وخود تالارچهلستون‌جلوشاه‌نشین »
« واطاقها است وبیست ستون بلند پایه‌های آن سقف بیستون مانند است وبیست »
« ستون هم عکس آن ستونها که درحوض آب جلوافتاده چهلستون میشود ، یا »
« عکسش که درآینه‌های‌سقف میافتاد. طول حوض بیرون تخمیناً۱۲ذرع وعرضش »
« بیش‌از۱۰ذرع، وآن سقف محیرالعقول را ازچوبهای کاج زده‌اند حقیقةً دیدنی »
« است، چوتیرهائی قویتراز تیرهای عصاری وبلندتر باچه‌آهنها ومیخها بهم‌بسته »
« و با جرثقیل بالا کشیده‌اند ، و بچه زنجیرها پیوسته میان کف سقف زیرین و »
« سقف بالائین ایستاده براحتی گردش توان کرد ، و دربها روبباغ باطراف برای »
« دخول هوا میان دوسقف بازاست، وتذهیب ستونها وقابهای سقف زیرین نمایشی »

۱ــ تاریخ اصفهان و ری از ص۳۴۲ تا ص۳۴۶ .

« زیبا دارد ، وسقف ایوان ودیوارهایش همه به‌آینه‌های سنگ بزرگ ونقشهای »
« کار استاد مزین بود ، و در این شصت ساله پس از (۱۳۰۰)[1] همی بردند و فقط »
« شاه‌نشین آینه‌کاری ماند ، آینه‌های بزرگ دیوارها حکایتی از چرخ آینه‌گون »
« مینمود خصوصاً آینه چهلستون‌نما یاجهان‌نمای دیوار بالای‌سرحوض که چندان »
« بزرگ وعالی وشفاف وروشن بود هرقدر جمعیت از درب عراده چهلستون که تا »
« عمارت تقریباً ۱۸۰متر فاصله داشت پیدا میشد عکس آن جماعت درآن آینه »
« بخوبی نمودار بود و دربها یکسره خاتم و پارهٔ منقش بنقوش دلربا کار اساتید »
« بزرگ وستونها نیز بآینه‌های ریزه ورنگارنگ با نقاشیهای قشنگ زینت‌افزا »
« وآن‌آینه‌ها را با دربها بحدود (۱۳۰۰ قمری) بمسعودیه طهران بردند وشنیدم »
« آینه چهل ستون نما را یکپارچه دربی بزرگ قرقره‌دار ساخته که با فنرباز و »
« بسته میشد وجیوه را برداشته ودوروبلورنمایان ، وبعضی‌ازآن آینه‌ها درهجوم »
« بختیاری بطهران شکسته وبعضی را به‌عمارات دیگر پیوسته ، پنجره‌های بالای »
« سردرب‌ها نیز بسی زیبائیها داشت . وسط ایوان حوض مرمراست ، چهارگوشه »
« چهار شیر دارد که آب از دهان شیرها در آن حوض میریخت ومنبع آن آب »
« ازهزارجریب وجوی سیاه بود ودر شاه‌نشین پرده شکل جوانی ناصرالدین شاه »
« کارحسن‌خان لال مصور بودگوئی خود ناصرالدین‌شاه است سخن میگوید ، و از »
« محمدشاه نیز صورتی عیناً در طنابی بود ، و دو آیةالکرسی خط میرزا احمد »
« نیریزی استاد نسخ بستونها و سلام سلطنتی دراین ایوان بود ، و حوض بزرگ »
« وسط باغ وطول تالار بیش‌از۳۲ذرع وعرض ۲۲ذرع . »

«در۱۱۱۸ عمارت چهل‌ستون سوخت‌که‌بفال بدگرفتند و پس از چهارده‌سال»
« فتنه افغان عراق و فارس را ویران نمود خاصه اسپهان را ، دیوارهای دوایوان »
« شمالی وجنوبی طنابی‌را نقشهائی بود ازچهره دختران‌گرجی وارامنه‌که دیده‌را»
« خیره میساخت ودل بدان نقش‌ونگار بی‌روان میباخت ، امروزه‌که برآن گچها »

۱ ـ منظور بعدازسال ۱۳۰۰ هجری قمری است .

« کشیده‌اند و طرح برداشته باز حسنش نمودار است . »

« بالاخانه‌های گوشه ایوانها برای خلوت نشینی وخواب بود وخرقه شاه‌صفی»
« وطومار عهدنامه منسوب به حضرت امیر (ع) وقرآن منسوب بخط امام حسن »
« عسکری (ع) درآن بالاخانه محفوظ وخواص‌را ملحوظ ، خط طومار وقرآن‌را»
« چنین نسبت‌میدادند ولی خلجانی‌بقلب مؤلف بخاطر است‌که شاید مانندسیاست »
« آل‌عثمان در قرآن‌منسوب بخط عثمان، صفویه نیز درمورد این‌قرآن خط قدیم»
« نظرسیاسی داشته‌اند . »

« در طنابی چهل ستون ازاره‌های سنگ مرمر وگچبری کار اساتید معتبر »
« و طلا ومیناکاری و شش مجلس نقاشی است : چهار مجلس آن را گویند از عهد »
« صفویه بوده ، یکی مجلس همایون شاه پسرظهیرالدین با برکه پس از هجوم »
« شیرخان بدو او بدربار »
«ایران‌پناه‌آورد در(۹۵۱)»
« هرچند آن روزگار »
« قزوین مرکزیت داشت »
« اما همایون را بگردش »
«بلاد تا اصفهان آوردند »
«که‌طهماسب بزرگ‌همه‌جا»
«سلطان‌محمد پدرشاه‌عباس»
« را بمهمانداری او مقرر »
« داشت و اگر مهمانی هم»
« شهر دیگر بوده نقشه »
« را اینجاکشیده‌اند. »
(ش ۲۱)



(شکل ۲۱)

« ومجلسی‌هم بزم شاه عباس بزرگ و حضور ولی محمدخان پادشاه ترك »
« در ۱۰۱۹ که او نیز ملتجی بدربار صفویه شد. » (ش ۲۲)



(شکل ۲۲)

« ومجلسی‌هم جنگ شاه عباس و باز مجلسی دیگر ازشاه صفوی و اکبر »
« یکی ازشاهزادگان هندی که باصفهان آمده و دومجلس‌هم پس‌ازصفویه نقاشی »
« شده وبامر نادر بوده ویقیناً نقاشی مجالس قدرت صفویه را قبلا داشته ازآمدن »
« سلاطین ترك چون ولی محمدخان وعبدالعزیزخان و ندر محمد خان باصبهان »
« یاجنگهای فاتحانه شاه عباس بزرگ بارومیان وبامر نادر بسیاست اتحاد اسلام »
« وبرانداختن نام صفویه حك نموده‌اند وروی آنها نقشه شکست شاه اسماعیل‌را »
« از سلطان سلیم وفتح نادر هند راکشیده‌اند ظنی‌قوی‌است وهم‌گمان میبرم نقش »
« بزم‌باده‌گساری صفویه نیز بامر نادر پیوست بوده‌خصوصاً مجلس شاه‌طهماسب‌که »

« یقینی است باده نبوده و اوسالها بوده همه را ازمیگساری توبه داده وخود لب »
« نیالوده ، پس ازنادرهم کریمخان زند صورت خود راگفته کشیده‌اند . بکودکی »
« یاد دارم درطنابی چهلستون قالی یك تخته دو رو بافت بودکه هروجبی ازآن را »
« ببهائی گزاف میخریدند بی‌مبالاتی از سال ۱۲۹۸ قمری تا ۱۳۰۵ قطعه قطعه »
« از میان رفت . »

مسترسایکس انگلیسی درجلد دوم تاریخ ایران ترجمه فخرداعی[1] درباب کاخ چلهستون که آنجارا در اواخر قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری مشاهده‌کرده شرح مختصری چنین ایرادکرده است :

« عالی قاپو انسان را به باغهای وسیعی هدایت میکند که در آن کاخهای »
« متعددی قرار داشته ومهمتر از همه کاخ چهلستون است . این تختگاه مجلل »
« بابام آن از تنه درختان عظیم چنار بنا شده وبر بیست ستون ساخته شده‌ای از »
« همان درخت یعنی‌درخت چنار نگاهداشته‌اند. اطراف این ایوان ازسنگ‌مرمر »
« سفید پوشیده شده بود و روی‌آن‌آئینه کاری کرده بودند . جایگاه واقعی‌سریر »
« سلطنت درعقب این ایوان واقع شده بود وازآنجا بشاه نشینی تکیه گاه سریر »
« راه داشت ، درهرطرف اطاقهای‌کوچکی برای وزیران وکار آنها تعبیه شده‌بود »
« وپشت سرکه درتمام طول ساختمان امتداد دارد ، راهرو ویا غلام‌گردش درازی »
« باسه تابلو نقاشی روغنی بسیار بزرگ و نفیس در هرطرف آن وجود دارد که »
« هرسه تای آنها در این‌کتاب گراور شده است لردگرزن شرحی‌که در این‌باب »
« نوشته ما آنرا ذیلاً نقل میکنیم :

« این تابلوها دوره مجلل سلطنت شاه عباس واسلاف واخلاف او را درنظر »
« ما مجسم میسازد ، دراین‌تابلوها شاه‌ایران درحال جنگ ویا درمجلس‌بزم با پیاله »
« شراب مشاهده میشود ، سبیلهای بلند وضخیم ، چانه‌های تراشیده و عمامه‌هائی »
« که دراین تابلوها بنظر میرسد نماینده یك نوع آرایشی است که مدتها است »

۱- ج ۲ ص۳۱۱ .

« از مد افتاده و منسوخ گردید است . سلاح و لباس جنگجویان ، آلات طرب »
«مطربان وحرکات رقاصه ها درهای‌بسته گذشته را برروی ما باز و تاریخ روزگار»
«پیشین‌را درپیش‌چشم بیننده‌مصور می‌نمایند وگوئی بی‌اختیار هربیننده‌ای‌خودرا»
« دراین مجالس پرشور ومجلل‌بزم ورزم پادشاهان صفوی شریك وسهیم میبابد . »

« کروزنیسکی میگوید : عمارت اولیه چهلستون طعمه حریق شده واین »
« بنای فعلی‌را دوباره شاه سلطان حسین بجای آن ساخته است . » (ش ۲۳)



(شکل ۲۳)

این‌بود وضع گذشته‌کاخ چهلستون‌که مورخان‌شرح‌آنرا نوشته‌اند ودربرخی موارد اختلافات مختصری دیده میشود واما وضع‌کنونی این‌کاخ مطابق‌آنچه‌اخیراً نوشته‌اند بررسی میگردد :

مؤلف تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان[1] که درسال ۱۳۳۵ شمسی انتشار یافته شرح مبسوطی راجع بکاخ چهلستون نوشته که منتخبی ازآن این است :

در جنوب خیابان سپه باغ‌مشجر بزرگی بمساحت ۶۷۰۰۰ مترمربع واقـع شده‌که میگویند‌درابتداء جزء باغ‌نقش‌جهان‌بوده واز وسط آن‌مادی فدا میگذرد. این باغ دارای سه درب خروجی است و در قدیمی باغ درطرف خاور میباشد . در وسط باغ‌تقریباً یك متربلندتر کاخ چهلستون ساخته شده و مساحت‌آن دوهزار و یکصد وبیست (۲۱۲۰) مترمیباشد. پس‌ازنقل قول‌میر سیدعلی‌جناب‌مؤلف‌الاصفهان راجع بسوختن‌بیست ستون از چهل‌ستون گفته‌که‌آقای معارفی‌معمار ابنیه تاریخی آثارسوختگی‌را درقسمت‌غرب‌عمارت دیده است . ونیز گفته بعضی‌را عقیده‌براینست عمارت چهلستون دورو بوده وتالار بیست ستونی یاکمتر درطـرف مغرب عمارت وجود داشته واین‌قسمت آتش‌گرفته که آثار در وپنجره‌آن هنوز باقی و در زمان شاه سلطان حسین تعمیرات کلی درآن بعمل آمده‌است . و نیز متذکـر شده که سلاطین صفویه پس‌ازعالی‌قاپو جشن‌های مهم را در کاخ مزبور برگزار میکرده‌اند ووضع‌کنونی‌را چنین بیان کرده است :

ایوان بزرگ‌کاخ بطول۳۸ متر وعرض۱۷ متر و بارتفاع ۱۴ متر روبطرف مشرق بناشده و دارای۱۸ ستون ازچوب چنار وکاج است‌که بشکل کثیر‌الاضلاع ۱۶ ضلعی و ۸ ضلعی مدور میباشد، چهارستون وسط برروی چهار شیرسنگی قرار دارد وحجاری آنها طوری‌است‌که دوشیر بایك سر نشان داده میشود وازدهان چهار شیر جلوآب فوران نموده داخل حوض مرمر وسط میریخته است .

تاریخ حجاری شیرها را بعضی بزمان هخامنشیان وعده‌ای بساسانیان (خسرو پرویز) وحتی اشکانیان وبرخی بدیالمه وبالاخره بصفویه مربوط میدانند .

درایوان دومی‌که کمی مرتفعتراست دوستون چوبی بارتفاع ۱۲ متر قـرار دارد که با ستونهای ایوان بزرگ بیست‌ستون میشود. بالای این‌ایوان دوکتیبه‌دارد

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۰ ۵ تا ص۶۸.

یکی مربوط ببنای آن در سلطنت شاه عباس دوم یعنی سال (۱۰۵۷ ه . ق) و دیگری مربوط به تغییر آن بعد ازحریق یعنی‌سال یکهزار ویکصد وهیجده قمری هجری است که درسال ۱۳۲۷ هجری شمسی از زیرگچ بیرون آمده است .

سقف ایوان ازآئینه های مستطیل شکل و اطرافش ازقطاربندیهای رنگین ساختمان شده است ، دیوارهای سفیدیکه دیده میشود در قدیم نقاشی وآینه کاری بوده و ازاره‌اش از سنگهای مرمر منقوش میباشد .

در دوطرف ایوان دواطاق‌که بچهار طرف در دارد واقع شده و هریك دارای تصاویر گوناگون است‌که ازز‌یرگچ بیرون آمده است ومیرزا عبدالله نقاش‌طرحهای اولیه‌رضا عباسی را باتغیراتی تعمیر نموده‌است دراطاق شمالی درمنبت کاری ومنبر خاتم دوره صفوی و کاشیهای متفرقه سلجوقی و صفوی و سقفف زر اندودی که از زیرگچ بیرون آورده‌اند و نیز در اطاق جنوبی تصویرهائی دیده میشود .

ایوان سومی‌که مرتفعتر وکوچکتر است بنام شاه نشین وبمساحت۷×۵٫۵ متر میباشد . ازاره‌اش ازسنگهای مرمر گلدار وسقفش ازآئینه‌های ریز وقطارهای زرین‌ساخته‌شده. درطرفین ایوان‌علاوه‌برآینه‌های مستطیل شکل‌سنگی، چهارتابلو مصورکه دوتای آنها بسیار خوب وبلباس اروپائی و دوتای دیگر را تعمیر بسیار بدی‌کرده‌اند و دولوحه‌ازآیات قرآنی بخط شمس‌الدین‌بن‌ملامحمد سعیدالجیلانی در۱۱۱۹ دیده میشود .

درطرفین شاه‌نشین دواطاق منقوش است‌که درهایش به‌ایوان شمالی وجنوبی بازمیشود . نقاشیهای اطاق جنوبی که دارای صورتهای اصلی و قدیمی است درسال (۱۳۳۱ ه.ش) ازز‌یر گچ بیرون آورده شده است وشامل مجلس بزم مفصلی‌است‌که بسبك‌ایرانی وهندی نقاشی‌شده شاید طرح عروسی رضاقلی‌میرزا باشد یاقصه وامق وعذرا وطاقچه بلند سمت راست مجلس یوسف وزلیخا وروبرویش خسرو وشیرین است وچند تصویر دیگر . ودراطاق مقابل شمالی که دردیماه سال ۱۳۳۴ شمسی از زیرگچ خارج شده روبرو مجلس بزم شاه‌عباس است که در کنار نهرآبی نشسته و

جمعیت زیادی ازمرد و زن در اطرافش میباشند و در طاقچه سمت راست یکی از شاهزادگان صفوی وروبرو شاه‌عباس باکلاه مخصوص گرجی دیده میشودکه ازساقی با حضور چندنفر جام میگیرد .

درجرزهای طرفین درورودی دواطاق سه‌تصویرزیبا دیده میشودکه بنابگفته حاج مصورالملکی نقاش ازآثار رضاعباسی است .

دربالای شاه‌نشین محفظه‌ای وجود داردکه درقدیم قرآن امام‌حسن‌وعهدنامه علی‌بن‌ابی‌طالب بانصاری‌وجبه‌شیخ صفی‌الدین اردبیلی درآنجا محفوظ بوده والحال در ویترینهای سالن گذارده شده است .

شاه‌نشین بسالن بزرگی که طولش ۲۲ وعرضش ۱۱متر ازشمال بجنوب وبه ارتفاع ۱۲متر میباشد متصل میگردد . سالن دارای سه‌گنبد منقوش زراندود عالی است که بیننده را مات ومبهوت مینماید . لچکهای رنگارنگ و طرحهای طلائی وشفاف از شاهکارهای هنری و نفیس محسوب است ازاره طالارکه فعلاً با گچ سفید پوشیده شده درقدیم ازکاشیهای منقش مستور بوده است .

ولی اکنون روی نمونه کتاب بررسیهای هنر ایران پرفسور پوپ کاشیهائی تهیه وزینت‌افزای تالار گردیده است دربالای ازاره دورتا دور ۲۴مجلس مینیاتور مختلف دیده میشود که درحال عیش وسرورند همه برروی گچ واز طرحهای اولیه زمان شاه‌عباس صفوی است‌که درسال ۱۳۰۷ شمسی بدون توجه بطرز وسبك‌قدیمی آنها تعمیر و روغن‌مالی شده است . بالاتر شش مجلس نقاشی نفیس بطول ۶×۴ مشاهده میشود که دو مجلس وسط طرفین تالار جنگ چالدران و کرنال را نشان میدهد ومربوط بدوره نادرشاه افشار است که در زمان محمدخان قاجار بقلم استاد صادق نقاش تعمیرگردیده است . ودرزیرتابلوجنگ‌کرنال چنین نوشته شده است:

« بحسب‌الحکم شاهنشاه دوران   فریدون‌فر محمدخان قاجار »

« زکلك صادق نقاش نو شد   نشان و فر نادرشاه افشار »

یا صادق‌الوعد

چهارمجلس که دوتا از آنها مجلس پذیرائی شاه‌عباس اول ودوم از پادشاهان ازبك ودوتا دیگرمجلس پذیرائی شاه‌طهماسب ازهمایون‌شاه هندی پسرظهیرالدین بابر که ازشیرزاد افغان شکست خورد ودرسال ۹۵۱ هجری قمری به‌ایران‌پناهنده شد ویکی جنگ با ازبکان ازنقاشیهای خوب قدیمی و جالب است . بنابنظرحاج مصورالملکی نقاش معروف مجالس آخرین بقلم استاد رجبعلی شاگرد مظفرعلی و دوتای اول بقلم استاد صادق است .

عکس ناصرالدین‌شاه قاجاربقلم محمدحسن افشارنقاش درتاریخ ۱۲۷۶هجری درزیر لنگه طاق نیز دیده میشود . چهاربخاری دراطراف سالن بدستیاری مرحوم استاد حاجی اسماعیل گچ‌بر و میرزاعلی بطرز قدیم در سال ۱۳۲۷ شمسی ساخته شده است .

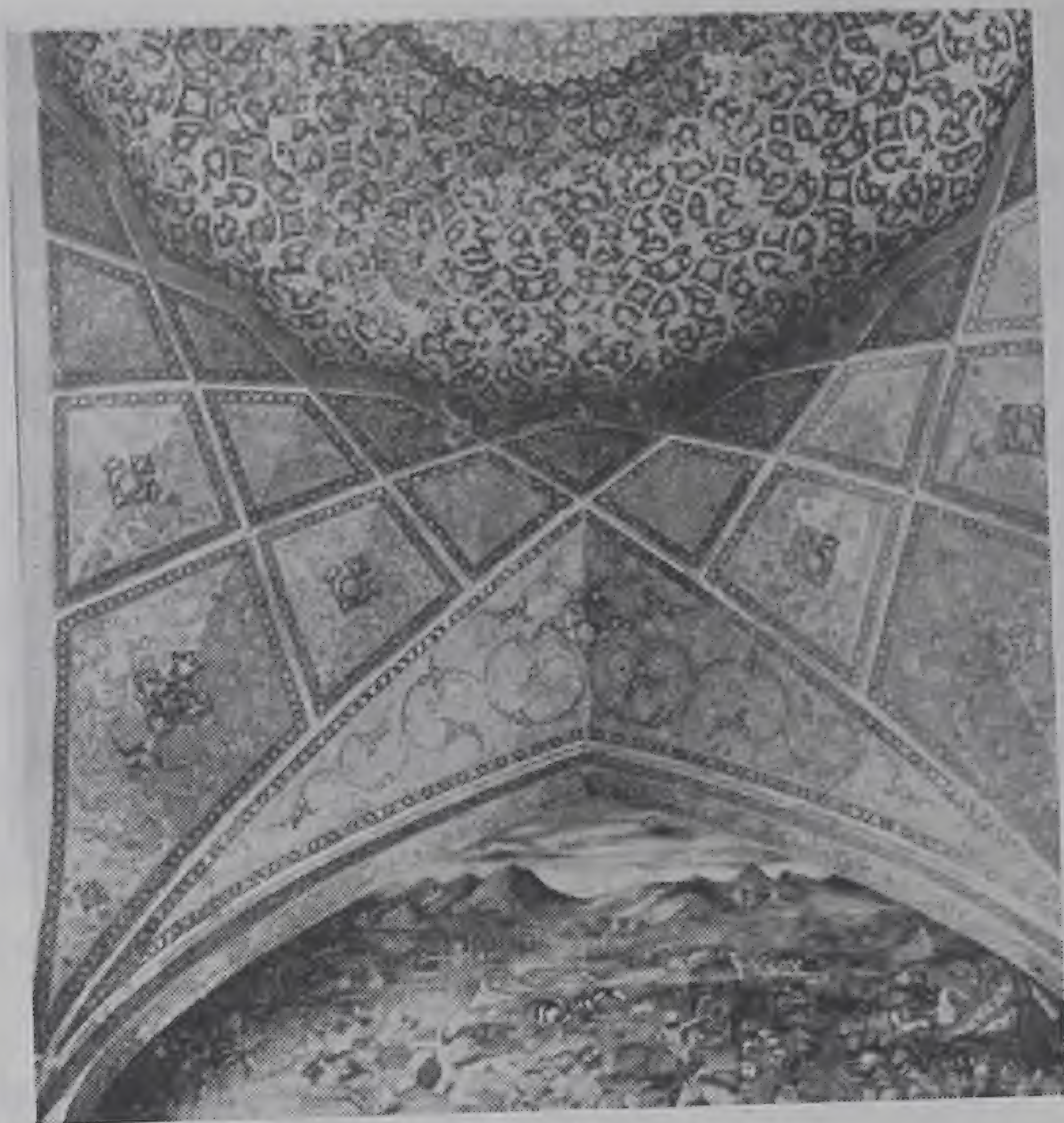
اشیائی که دراین سالن دیده میشود بیشتر مربوط به مقبره شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی‌است‌که برحسب مساعی جناب سیدمحمدتقی مصطفوی ریاست وقت اداره‌کل باستان‌شناسی و مساعدت مرحوم احسنی رئیس فرهنگ وقت و سرپرستی مهندس روانبد ازتهران به‌اصفهان نقل شده واعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر هنگام مسافرت برای زدن‌کلنگ تونل کوهرنگ، موزه چهلستون را نیزافتتاح‌فرمودند واین افتتاح درتاریخ هشتم مهرماه ۱۳۲۷ واقع گردید .

درسه طرف دیگراین سالن سه‌ایوان وجود دارد که هریك دارای نقاشیها و صورتهای بسیارعالی ایرانی واروپائی است‌که بالباسهای قرن۱۷میلادی ترسیم شده وامکان دارد صورت سفرا یاشاهزادگان فرانسوی وایطالیائی باشدکه بدست نقاشان هندی وایطالیائی ساخته شده است .

درتوصیف آن محمدبیك شاعر معاصر شاه‌عباس دوم سروده است :

عکس آئینه‌اش بجلوه‌گری میکند دیو را بشکل پری
در و دیوارگشته رنگارنگ همه تصویرهای کار فرنگ

(ش۲۴)



(شکل ۲۴)

روی دوایوان بزرگ چوب‌بست عجیب وغریبی ازالوارهای قطوروبلند بایك اسلوب هندسی وفنی درست کلاف شده‌که بیننده را متعجب‌میسازد، وبفاصله سه‌متر بالاتر شیروانی آجری که بمنزله بام عمارت است ساخته شده وپنجره‌های اطراف برای هواکش وعبورومرور پرندگان میباشد. اطراف عمارت مجرای آب است که دروسط آن فواره‌های سنگی ازقدیم موجود است.

درجنوب شرقی باغ عمارت استانداری از زمان قاجاریه است و برج هشت ضلعی سه طبقه مرتفعی از زمان صفویه نیز دیده میشود. قسمت فوقانی آن مورد استفاده استانداری وتحتانیش در تصرف اداره آمار میباشد. نکته‌ایکه ممکن‌است مورد مداقه وبحث واقع شود چهلستون است که بااینکه کمتر از چهل‌ستون‌داشته و دارد آنرا چهلستون نامیده‌اند. (ش ۲۵)



(شکل ۲۵)

آنچه ازمطالعه تاریخی اینگونه اسامی استنباط میگردد اعداد ۷و۴۰و۱۰۰ درموقع اغراق درتوصیف وغرابت ابنیه بکارمیرفته است .

مثلا کاخ صد ستون درتخت جمشید ویا چهلستون مسجد جامع اصفهان و چهلستون‌مسجد جمعه تهران ونظائر آنها ویا چهلستون مسجد گوهرشاد درمشهد مقدس‌که هیچکدام ازنظرعدد بااسم مطابق‌نیست بلکه‌چهلستون‌کنایه از اینستکه آن‌قصر یاشبستان دربزرگی وتوسعه بحد اعلی‌که احتیاج بداشتن چهل ستون باشد رسیده و آن اندازه وسیع است که بدون اتکاء به چهـل ستون ابقای آن مقدور نبوده است .

و همینطور است‌کلمه صد ستون درکاخ صدستون‌که حاکی ومبین وسعت‌زیاد کاخ است که درحدود صدستون تکیه‌گاه لازم دارد .

وبا تشریح نکات مزبور روشن‌گردید اینکه گفته‌اند کاخ چهلستون درموقع حریق چهل‌ستون داشته وبیست ستون‌آن سوخته است اساسی ندارد وهمان بیست ستون را داشته است ، زیرا اگر این‌کاخ چهل‌ستون پیش از حریق داشته بود خلف

شاه عباس دوم هنگام حریق همان چهل ستون را میساخت نه اینکه نقصی در آن قائل شود وبا بیست ستون تجدید بناکند.

درکاخ چهل‌ستون سر درها و ساختمانها و تابلوها وآثار دیگری مشاهده میشود که جزءِ کاخ مزبور نبوده وبرای محافظت بآنجا نقل گردیده است:

۱ـ پنجره عالی گچبری که ازشاهکارهای این‌صنعت است و ابتداء تمام‌آن از گچ ریخته شده وسپس ازقسمت پشت خلل وفرج آن باشیشه‌های رنگی تزیین‌شده و سرانجام ترکیبی بی‌نظیر و عالی شده است این‌پنجره ازبنای تاریخی درب امام که ساختمان آن مورخ بسال (۸۵۷ هـ . ق) است بعمارت چهل‌ستون انتقال داده شده است.

۲ـ پایه ستونهائی‌که بصورت مجسمه‌های شیر وانسان درچهارگوشه استخر قرار دارد وچهار قطعه است و دوتخته سنگ حجاری شده بشکل چهارشیرکه در دو باغچه دوطرف خیابان ورودی‌کاخ قرار دارد ازبقایای عمارات سرپوشیده صفوی وآینه خانه بکاخ چهلستون نقل شده است.

۳ـ سردر کاشیکاری مسجد قطبیه مربوط بزمان شاه طهماسب اول که در مسیر خیابان‌واقع وبرای محافظت بعمارت چهل‌ستون انتقال یافته وروی‌دیوارهای جنوبی‌باغ چهلستون قرار داده شده است.

۴ـ قطعات کاشیکاری از مسجد آقاسی ـ مسجد خواجه علم ـ مسجد درب جوباره ـ پیربکران نیز برروی دیوارهای جنوبی باغ کاخ مزبور دیده میشود.

۵ـ سردرب‌کاشیکاری بنای تاریخی درکوشك مورخ بسال (۹۰۲ هـ. ق) ازعهد رستم آق‌قوینلو که برای محافظت به کاخ چهل‌ستون منتقل و درقسمت ضلع‌غربی باغ نگهداری میگردد.

این کاخ باستانی طی شماره ۱۰۸ بثبت تاریخی رسیده است[۱].

۳ـ عالی‌قاپو:

این‌نام بدو صورت تلفظ‌گردیده‌که برای هرکدام وجه تسمیه‌ای است. آنچه

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص۵۰.

بیشتر درمورد محاورات ومکاتبات متداول میباشد عالی‌قاپو است که مرکب ازکلمه عالی وقاپوی ترکی بمعنی درمیباشد یعنی‌باب عالی و مراد اینست همان طورکه در عثمانی باب عالی‌معمول بوده بین ایرانیان شیعه هم چنین‌بابی وجود داشته‌که‌مانند باب عالی‌عثمانیها مورد احترام بوده است و از اینرو کلیه کسانی که میخواستند وارد عالی‌قاپوشوند باید خم‌شده آستانه‌را بوسیده وداخل شوند وحتی شاه‌عباس‌هم هنگام دخول باین‌عمارت از اسب پیاده میشده است . گذشته از این عالی‌قاپو محل تحصن مقصران و گناهکاران بوده‌که هرجانی و یاگناهکاری که وارد درب عالی قاپو میگردیدکسی نمیتوانست اورا ازآنجابیرون بیاورد مگربامر شاه صفوی وخلاصه عالی‌قاپو همان احترامی‌را داشت‌که باب عالی درعثمانی .

و اما عده‌ایکه آنرا علی‌قاپو و علی‌قاپی نوشته‌اند معتقدند که هنگامیکه شاه‌عباس‌کبیر درب نقره برای بارگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بـه نجف برد و نصب کرد دری‌را که در پیش‌آنجا نصب شده بود برای تیمن و تبرك باصفهان آورد و درعلی‌قاپو نصب‌کرد وازاین جهت آنرا علی‌قاپو و یا قاپی نامیدند که این در منسوب به حضرت علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است واز اینرو مـورد احترام شاه ومردم بود وحتی‌تا چندسال پیش‌هم مردم در اطراف آنجا آش‌ها می‌پختند و نذوراتی میکردند و بزنجیر جلو در مزبور رشته هائی بعنوان دخیل می‌بستند و همانطورکه گفته شد درزمان سلاطین صفویه جای بست گناهکاران بود .

درهرحال ازهردونام و وجه تسمیه چیزیکه استنباط میگردد نصب این در و رفتاری‌که در مقابل‌آن در میشده مربوط بیك امرسیاسی بوده‌که همان استقلال صفویه درمقابل عثمانیها باشد .

واما عمارت عالی‌قاپو بنیانش اززمان سلطنت سلاجقه است و درزمان صفویه دارای آن همه زیبائی‌وشکوه شده است ودرب آنرا شاه عباس بزرگ ازنجف‌اشرف آورده وازاین‌جهت مورداحترام سلاطین صفویه و مردم بوده است و چون این‌کاخ درمقابل باب عالی عثمانی‌ها قرار داشته فوق‌العاده درجهت‌عظمت وزیبائی آن‌همت مصروف داشته‌اند .

کاخ عالی‌قاپو سه طبقه وهر طبقه منقسم بدوطبقه اطاق است که درواقع شش طبقه میشود وچون ازبام طبقه آخر میتوان تمام مناظر شهررا دید خـودبام را هم یك طبقه حساب کرده‌اند ومیگویند عالی‌قاپو هفت طبقه است ارتفاع آن ۴۸ متر و در ۲۸ متری دارای ایوان بزرگی است که درمیان ستونهای آن حوض مسی قـرار داردکه آب ازآن فوران میکرده است .

گچبری و نقاشیهای عالی اطاق‌های متعدد آن هر بیننده را خیره میکرده و اکثر گچبریها بشکل بطری وشیشه‌های شراب است . (ش۲۶)

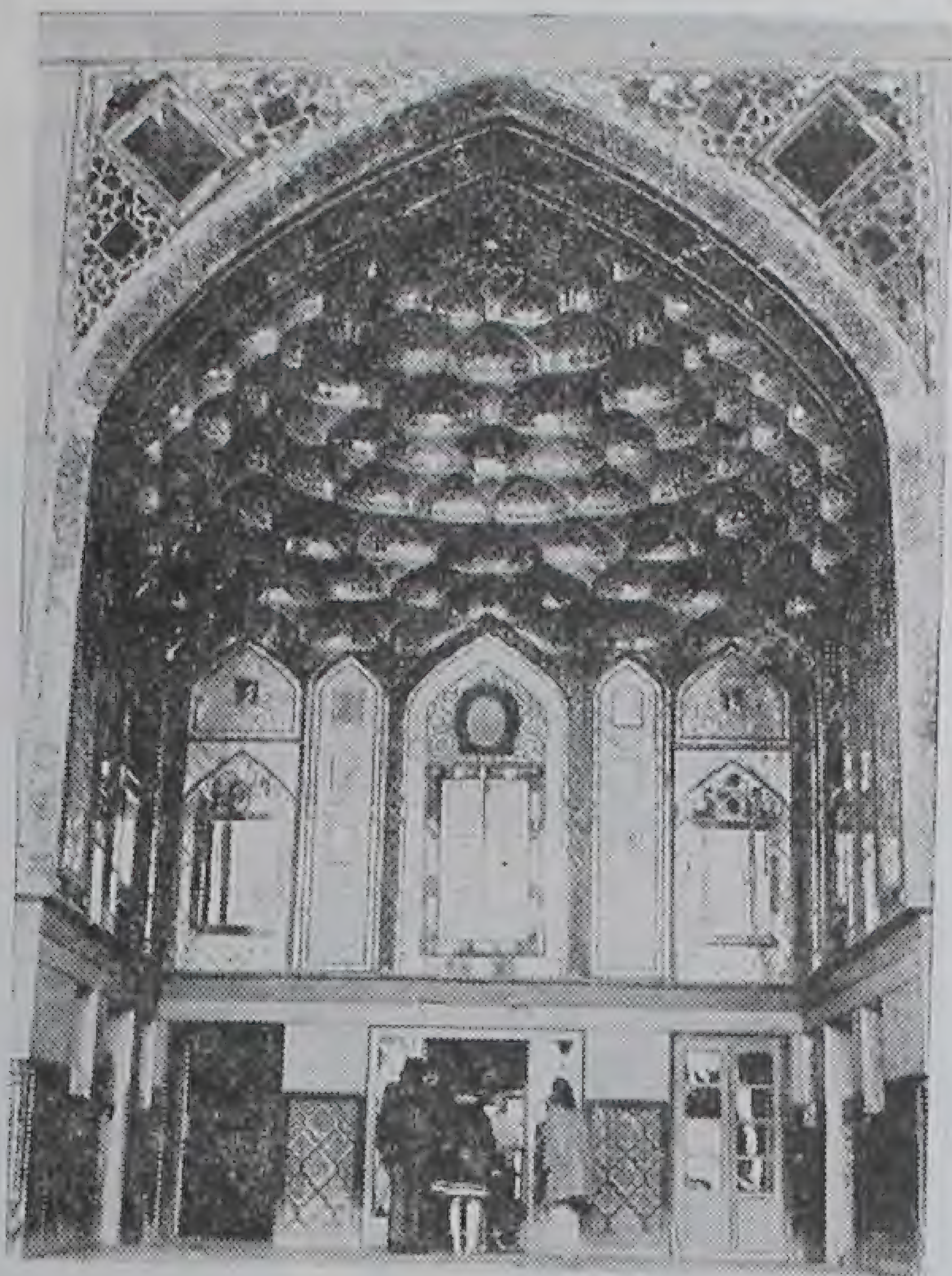


(شکل ۲۶)

این کاخ در غرب میدان شاه است که عرصه آن ۳۸۶ مترطول و ۱۴۰ متـر عـرض است ، در مقابـل عالی قاپـو مسجد شیخ لطف‌الله در شرق میـدان واقـع شده است .

شاردن فرانسوی که سه مرتبه باصفهان مسافرت کرده وعمارات و کاخهای دولتی را دیده گفته است :

« عالی‌قاپو بزرگترین کاخی است که ممکن است دریك پایتخت وجود داشته باشد » . پس میتوان گفت که این کاخ در زمان صفویه از بهترین کاخهای دنیا محسوب میشده است و ازاین‌رو محتوی برتمام مزایا ومحاسن بوده وآنچه لازمه یك کاخ سلطنتی بوده درآن وجود داشته است . (ش۲۷)



(شکل ۲۷)

برای اینکه وضع کاخ مزبور درپایان قرن سیزدهم هجری معلوم گردد بهتراین‌است که نظریه مورخان آن زمان‌را نقل‌کنیم. مؤلف نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان[1] چنین گفته است :

« اما عمارت علی‌قاپی که دروازه بزرگ عمارات دولتی برآن‌است وآن‌مثل»

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۸ تا ص ۴۰ .

« سردری بر آن واقع شده محل نظر مهندسان و تمام معماران ایران وغیره است و »
« بوضعی ساخته شده که مایه حیرت جمع گشته‌است . عمارت باین ارتفاع و باین»
« قطر وباین پایه واین استحکام که ازوقت بنای آن تا کنون که قریب سیصد سال »
« است با وجود تواتر شلیك توپ و تفنگ که در آن میدان واقـع است اصلاً »
« خللی و تزلزلی دراصول وبنیان آن‌راه نیافته مگر بعض فروع آن ازکاشیکاری »
« وغیره که فی‌الجمله‌ریخته است ، ومجملاً عمارت مذکور ارتفاعاً محتوی برپنج »
« طبقه‌است که درزیری آن‌راه ودهلیز عمارت است ودوجهت عرض نیزهریك‌پنج»
« چشمه‌دارد که همه آنها مشتمل برحجرات وهمه بالای یکدیگراست ومحلهای »
« نیکو است و یك جهت آن با دیگری چشمه ها متفاوت است ، این عمارت را »
« شاه عباس بزرگ بنا و تمام نموده و دروازه ازصحن نجف اشرف تیمناً و تبرکاً »
« آورده است وبر آن نصب کرده وتا حال‌دروازه عمارات است وبجا است وبهمین »
« سبب آنرا علی‌قاپی‌نام نهاده است . سلاطین بعدازاو پیش‌این‌دروازه را عمارت »
« خروجی بطرف میدان‌طرح انداخته وساخته‌اند ودوطرف آنراهم یمیناً ، یساراً »
« دخولی وحجرات بنا کرده و بربالای همه آن طالاری بطرزی خوب و وجهی »
« مرغوب بنا و تمام نموده‌اند با ستونهای بلند و سقف مرتفع باستحکام استوار »
« کرده که بیننده را حیرت افزاید و در میان آن طالار حوضی ساخته‌اندکه در »
« زمان پیش‌آب مینموده‌اند وبا استحکامی‌است که اصلاً رطوبتی بسقف بنای‌زیر »
« آن نشرنمیکرده واین‌طالار محل‌نشیمن‌پادشاه برای عرض لشکربوده وازچند»
« حجره میانی آن‌عمارت رفیع‌راه ورود باین طالاراست وچنان استادی‌درساخت »
« واتصال این دوعمارت نموده‌اندکه‌کسی‌گمان نمیکند اینها را در دو وقت ساخته »
« و متصل نموده‌اند و چون بربالای این عمارت بطبقه‌آخری روند تمام شهر بل »
« اطراف آن نمایان وناظر را حالت انبساط وفرح روی‌بنماید و درآن بالاهم‌یك»
« مربعی محلی باز ساخته‌اند که چون بر آن روند نمایندگی زیاد وصفا بیشتر و »
« کیفیت غریب‌ترباشد . مثل‌این‌عمارت وغرابت ونفاست آن‌که درتمام ایران‌بلکه»

« بسیاری ازممالك دیگر موجود نیست . » (ش۲۸)



(شکل ۲۸)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نویس ناصرالدین‌شاه قاجار درسال ۱۳۰۰ هجری قمری گزارشی که راجع بتاریخ وجغرافیای ایران در دوجلد تهیه کرده که هنوز مخطوط وتا چند سال قبل درکتابخانه‌وزارت دارائی بود و بطوریکه در پیش اشاره شده آنچه راجع باصفهان نوشته عیناً با کتاب جغرافیای اصفهان میرزا حسینخان تحویلدار که بچاپ رسیده بعین منطبق میباشد راجع بـه کاخ عالی قاپـو چنین نوشته‌است[1] :

« تالار وقصرعلی‌قاپو تاحال به نیکوئی وعظمت وارتفاع آن عمارتی درایران »
« ساخته نشده پنج‌طبقه قصرمزبور بانضمام کلاه‌فرنگی عرشه آن ۳۴ذرع ارتفاع »

۱ ـ ازصفحه ۲۱ جغرافیای اصفهان تا ص۲۲ باگزارش مزبور منطبق است .

« دارد هر کدام ازطبقاتش مشتمل برمکانهای ملوکانه واطاقهای وسیع وطاقهای رفیع »
« وبیوتات زمستانه وتابستانه وجلوقصر ازپایه روی زمین الی محاذی سقف طبقه »
« دوم قصر ، پایه وصحن تالارعظیم فوقانی واقع شده که تالارمزبورمشرف برمیدان »
« نقش‌جهان و۱۸ ستون بسیاربلند درآن استواراست . محسنات وخصوصیات تالار »
« وبیوتات طبقات قصر مزبور ازتوصیف بیرون است ، معلوم میشود چاه‌دم وتلنبه »
« هم درآن زمان ایران معمول ومصطلح بوده زیرا که درطبقه دوم قصر که عقب »
« زیرین مرتبه تالار واقع شده چاه ومنبع بزرگی است وجای دوتلنبه داردکه‌اول »
« با گاو وطناب ازچاه آب میکشیده‌اند درمنبع بالای طبقه دوم قصر، من بعداز »
« آن منبع با تلنبه‌ها بالا میبرده‌اند بطبقه سیم که ازآشپزخانه ومطبخ‌آن‌طبقه »
« قصرراه داردکه وارد حوض‌مرمربزرگ وسط تالارمزبور میشود،کف ودیوارهای »
« آن حوض ازمس یکپارچه است وغیراز مجرای دوسوراخ تنگ تلنبه ممر و »
« مدخلی بجهت قصروتالار ندارد که با چرخ ودلو بتوان آب‌کشید . ودیگردرب »
« بسیارعالی که بدروازه دالان تحتانی قصر منصوب است از چوب زیاد با دوام و »
« قوامی است معروف به‌چوب‌کلوذه[1] که جوزق درختی باشد ، از هر چوبی‌هست »
« درب اول بقعه متبرکه حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام‌است‌که سلاطین‌هندوستان »
« در نجف اشرف برده بودند . وقتی شاه‌عباس صفوی درب نقره را برد وبجای آن »
« نصب‌نمود درب مزبور را جهت تیمن وتبرک باصفهان آورد وبدروازه دالان قصر »
« وتالار برقرار فرمود، الآن قصرمنسوب بآن درب است ودرب موسوم به‌علی‌قاپی »
« وقبله‌گاه خلایق . »

وضع ساختمان عالی قـاپو را مستر سایکس انگـلیسی بطور اختصار چنین توصیف‌کرده[2] :

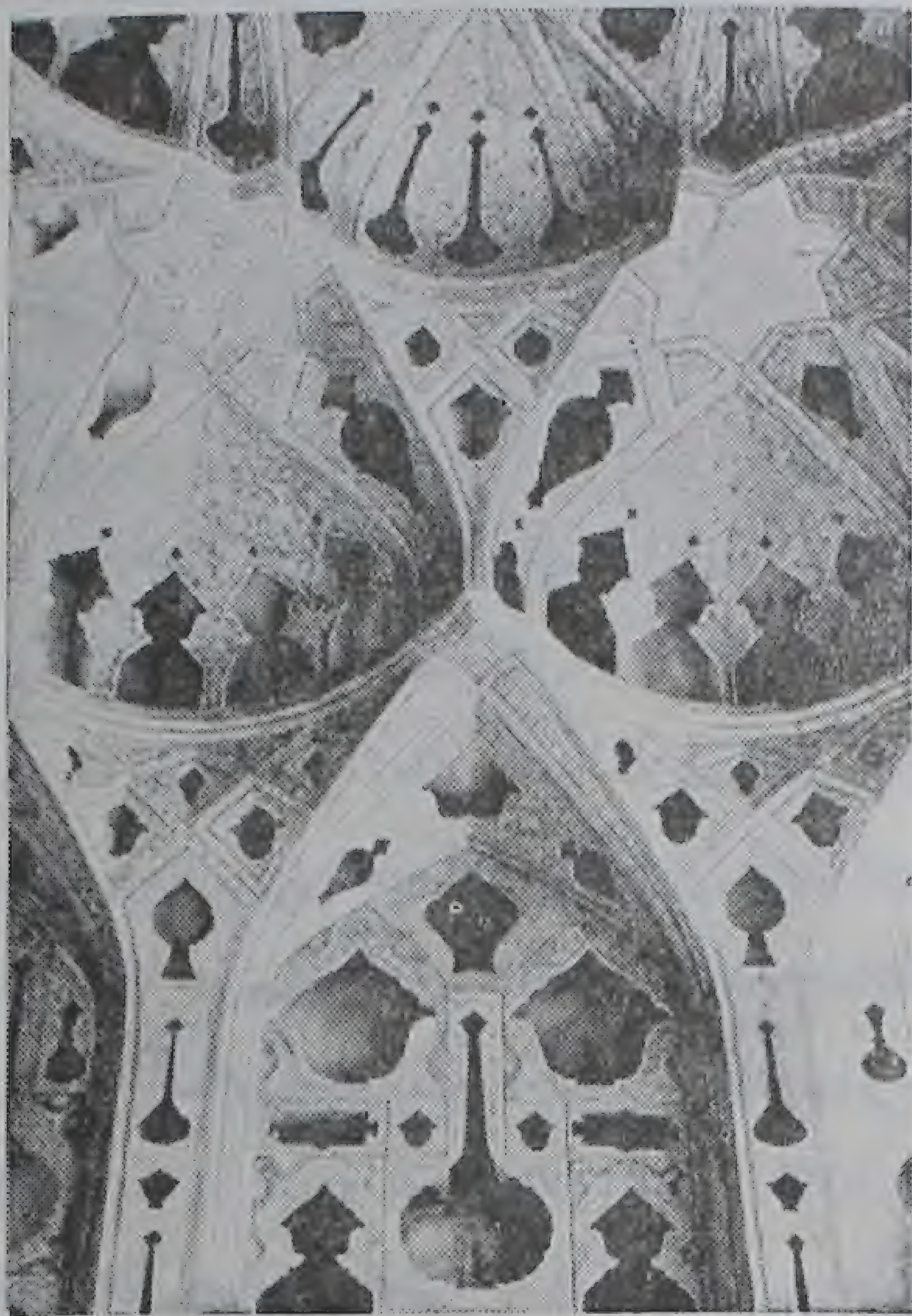
« درطرف مشرق میدان شاه علی‌قاپی یاعالی‌قاپو (دروازه بزرگی) قراردارد »

---

۱ ــ درخت کلوزه‌که درایران بصورت بوته است درهندوستان درخت دارد ودربی را که از هندوستان به‌نجف برده‌اند ازچوب درخت مزبورساخته شده بوده است .

۲ ــ ترجمه ج۲ تاریخ مسترسایکس ص۳۰۹ .

« که آن مدخل قصر سلطنتی بوده است . این بناعبارت از یك طاق‌نمای بزرگی »
« است که روی آن یك تالاربزرگ برروی ستونهای چوبی قرارگرفته ویکی از »
« نمونه‌های خاص معماری عصرصفوی است . دراین تالار پادشاهان صفوی بالباس »
« تمام رسمی سلطنتی روزعیدنوروزرا بارعام میدادند. شاردن میگوید : (این تالار »
« زیباترین تالاری است درنوع خود که من درتمام دنیا دیده‌ام) وازهمین‌عمارت »
« بود که شاه صفوی مسابقه‌های چوگان بازی، اسب سواری ، و جنگ حیوانات »
« وحشی را درحضور هزاران رعایای خود تماشا میکرد . » (ش ۲۹)



(شکل ۲۹)

جابری انصاری درتاریخ اصفهان و ری[1] اظهار نظرکرده که اشتهار اینکه درب عالی‌قاپو را ازنجف آورده‌اند برای جلب افکارعمومی واحترام بدربارصفوی

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۳۸ .

بوده است واگر نه آوردن درب از نجف اشرف محرز نیست.

در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وضع گذشته وزمان تألیف (۱۳۳۵ ه.ش) را تشریح کرده و چنین گفته[1] :

« عالی‌قاپو – علی‌قاپی – درمیدان نقش‌جهان دوره تیموریان که تبدیل به »
« میدان‌شاه‌امروزی‌شده است‌عمارتی‌اززمان‌تیموریان‌باقی‌بودکه‌درزمان‌شاه‌اسماعیل »
« صفوی تااندازه‌ای‌آباد وسپس‌بحالت خرابی درآمد، وقتی‌که شاه‌عباس‌اول صفوی »
« پای‌تخت را باصفهان انتقال داد ابتدا درباغ بزرگی‌که درطرف طوقچی‌بودمنزل »
« نمود وسپس‌که میدان را مسطح ومرتب کرد عمارت قدیمی را نیز برای‌سکونت »
« خود و درباریان ساختمان نمود. و در دوران شاه‌صفی وشاه‌عباس دوم (۱۰۵۳) و »
« شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین نیز تعمیراتی ازآن بعمل‌آمده است. سیاحان و »
«مورخین‌خارجی وداخلی شرح مفصلی نسبت بوضعیت وشکوه این‌کاخ نوشته‌اند »
« بخلاصه اینکه : درآن تاریخ این قصر ازتمام قصور سلاطین زیباتر و دلرباتر و »
«جامع‌تر بوده است ».

« این‌عمارت فعلاً دارای جلوخانی‌است‌که درطرفین‌آن دواطاق وازاره‌اش »
« تماماً بارتفاع‌یك‌مترونیم ازسنگ‌سیاه پوشیده واستوارشده وتمام بناازآجرهای »
« تراش ویکنواخت ساختمان‌گردیده است وکسی حق نداشته سواره وارد شود . »
« درجلو این جلوخان ازقدیم زنجیردانه درشت آهنی وجود داشت که بحلقه‌های »
« طرفین بازوبسته میشد که هرکس پناهنده میشد درامان سلطان بوده است . »

« بفاصله چندمتردراصلی کاخ ببلندی ۵متر واقع است‌که روی آنرا ازفلز »
« مطلا جدول‌کشی نموده‌اند و درطرفین دوسکوی بزرگی بابعاد ۲/۵×۴متر از »
« شش‌پارچه سنگ‌مرمرظریف ساخته شده وبالای درورودی عبارت: انامدینةالعلم »
« وعلی بابها برروی‌کاشی زمینه زرد نوشته شده است . آستانه این درسنگ مرمر »
« مدوری است‌که میگویند شاه‌عباس هروقت سواره میآمد دراینجا پیاده میشد و »
« پا روی آستانه نمیگذاشت وعبور میکرد . »

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۸۷ تا ص ۹۷.

« درباره وجه تسمیه عالی‌قاپو بعضی را عقیده آنست که این درِرا شاه‌عباس »
« از نجف وبجای درنقره‌ای که بدانجا برده آورده و ازاین‌جهت علی‌قاپی نامیده »
« میشود . عـده دیگری گویند بجهت اینکه در بلند و عالی است بنام عالی‌قاپو »
« گفته‌اند ویا دربرابر باب‌العالی ترکیه نام گذارده شده، این در نیزدارای زنجیر »
« مطلائی بوده‌که حکم بست را داشته والحال نیز قطعهٔ ازآن باقی است‌که تااین »
« اواخر مردم متوسل بآن شده نذوراتی مینمودند و مـانند مقابر متبرکـه نیز »
« پارچه‌ای باین زنجیر می‌بستند . »

« بالای دروردی پنجره مشبك چوبی‌ازرمان قدیم باقی‌است . دهلیزعمارت »
« ازاره‌اش ازسنگهای سیاه وبالاتر تماماً ازنقاشیهای زیبا گل‌وبوته تزیین یافته »
« وروی آنرا گچ‌کشیده بودندکه این اواخرکم‌وبیش نقاشیهارا اززیرگچ بیرون »
« آورده‌اند . »

« دودهلیز ورودی وخروجی عمارت از مشرق بمغرب یابعکس بطورعمود »
« بریکدیگر مانند صلیب ساخته شده‌که دراصلی وسکوهای سنگ مرمرطرفین »
« واسطه بین آن دواست . در یکی از جادرهای این کاخ طبقات مختلفه تعمیر و »
« نقاشی کاخ را درگذشته بخوبی نشان میدهد ، در روی یکی از ورقه‌های نقاشی »
« دیوار این عبارت خوانده میشود : گرکند براه تو ... زانکه تقوی سرهم کرم »
« است . »

« ناگرفتن درم بوجه حرام   بهتراز بذل کردن .. امیرالمؤمنین علی... »
« فرماید ... نمیدانم چرا بامن عداوت بیشتردارد . کتبه‌الفقیرسیدافضل‌مقصودعلی »
« دورانی بتاریخ جمادی‌الاول ۱۰۳۲ ومخصوصاً نامی ازشاه‌صفی و تاریخ آن برده »
« است . »

« این بنا درقدیم دوراه پلکان پیچ‌مانند داشته‌که اکنون‌باقی‌است وشاه‌عباس »
« راه وسیع‌تری برای ایاب‌وذهاب خود وسفراء ساختمان نموده‌که کف تمام‌آنها »
« ازکاشیهای هفت رنگ عالی‌تزیین شده‌بوده است . این‌راه شامل ۴۰پلکان ودوراه »

« دیگر دارای ۱۷ پله میباشد و تا طبقه چهارم اطاقهای متعدد ومنقوش دراطراف »
« دهلیز ببالا دارد که مختص بدرباریان بوده است . »

« شاه‌عباس‌کبیر بیشتر وقت خود را در این قصر بسر میبرد و پذیرائی‌های »
« رسمی را نیز درهمین‌جا اختصاص داده وازبالای تالار سان قشون و پیشکشهای »
« سفرا وچوگان‌بازی و یا عملیات‌ورزشی پهلوانان را تماشا میکرده .»

« این ایوان بطول ۲۸ و عرض ۱۶ و ارتفاع ۱۲ متر وازکف میدان تازیر »
« سقف ۲۴متر میباشد که فقط طرف غرب‌آن متصل بکاخ یا اطاقهای مسکونی »
« است، ایوان دارای۱۸ستون چوبی وبرروی پایه‌های سنگی منشوری‌شکل قرار »
« دارد ، این ستونها مانند ستونهای عمارت چهلستون ۱۶ضلعی و۸ضلعی و دارای »
« نقاشی وآینه‌کاری بوده است که دردوره قاجاریه ازبین رفته ودرسال ۱۳۲۷ نیز »
« برای تعمیروجلوگیری ازنفوذ موریانه تخته‌های روکوب آن برداشته شد . در »
« وسط این ایوان حوض مستطیل شکلی بابعاد ۴در۶٫۵متر است که اطرافش از »
« سنگهای مرمر وکف حوض ازمس پوشیده شده ودارای سه‌فواره بوده است . »

« درپاشویه این حوض قسمتی ازسنگ مرمر مشبك وبرای خروج آبهای »
« زیادی بوده که از دوناودان مطلای طرفین طالار روبطرف میدان‌شاه میریخته »
« است . منبع آب این حوض را دردامنه کوه صفه میدانند که از آنجا بعمارات »
« سلطنتی دنباله رودخانه مانند آینه خانه وهفت دست و غیره میرسیده و سپس »
« باین عمارت میآمده است . ولی ازنوشتجات سیاحان وغیره مخصوصاً بنا بگفته »
« شاردن چنین معلوم میشود که درجنب این‌کاخ نیزچاهی بوده که بوسیله چهار »
« گاو با دم مخصوصی آب بطبقات مختلفه میرسیده‌است، دربالای این‌تالاراشعاری »
« بشرح زیرموجود است که چند فرد آن نوشته میشود : »

« یاالله ــ ازپی امرشهنشاه باایمان ودین ــ یامحمد »

« داور دین‌پرور . . . . امین ــ یا علی »

« کلب درگاه علی فخر شهان ــ یا الله »

« حامی دین جان سلطان زمان ــ یا محمد »

« زانکه آب رحمتست خاك بهشت ـ یا علی‌مدد »

« دست قدرت طینت گردون سرشت ـ یا الله »

« پایه ایوان کاخش بی‌حساب ـ یا محمد »

« باشد آن‌جائی که سرزد آفتاب ـ یامحمد یاعلی »

« منتظم باشد ازآن گردون مآب ـ یا الله »

« ران . . . همچو . . . انتخاب ـ یا محمد »

« روز بادا امیرالمؤمنین ـ یا علی »

« شاه دین شاه زمان سلطان حسین »

« یا الله . . . این سلیمان‌بن سلیمان بارگاه . »

« ازاره دیوارها تماماً ازنقاشیهای بسیارزیبا ومطلا تزیین‌شده بوده‌که الآن »
« نیز مشاهده میشود ودرقسمتهای بالا هم تصاویر متعدد ایرانی واروپائی موجود »
« است‌که هر بیننده را مات ومتحیر میسازد این‌نقاشیها دردوران هریك ازسلاطین »
« بطرزخاصی تعمیرونقاشی‌شده‌وبعد درزیرگچ مستورگردیده روی بعضی‌صورتهای »
« موجوده را درسال۱۳۲۸ ازطرف باستانشناسی شیشه نصب نمودند که ازدستبرد »
« وخرابکاری جهال محفوظ ماند ، ولی متأسفانه افراد مغرض ونادان از شکستن »
« شیشه‌ها وخرابی صورتها دریغ نداشته‌اند . »

« سقف این طالار ازتخته چوبهای مثلث‌الشکل و با رنگهای عالی منقش »
« تزیین گردیده است‌اطاق شاه‌نشین بمساحت ۷×۸×۹متر ودرطرفین آن‌شش‌اطاق »
« کوچکتر ومنقش بنقاشیهای‌گوناگون‌که هریك دلپذیرتر از دیگری‌است واقع »
« شده وطول زمان وگچ‌کشی روی آنها کمترین تأثیری وتغییری درنقاشی وآب »
« ورنگ آنها نداده است . »

« در شاه‌نشین اطاق از ازاره ببالا همان نقاشی‌های عالی و قلم معجزآسای »
« نقاشان باایمان صفوی که بااستادی علیرضا وامثالهم ساخته شده بقدری زنده با »
« روح ومتناسب است‌که هرقدرنگاه‌کنی غیرممکن است که دیده خسته ویاکسل »

« شود . هرقسمتی ازاین اطاقها وطاقچه‌ها نوعی مخصوص وبقلم نقاشان ایرانی و »
« اروپایی تزیین شده است . »

« اطراف این ایوان درقدیم نرده و طارمیهای چوبی مشبکی داشته است . »
« چوب‌بست روی ایوان که ازالوارهای قطور وچوبهای عظیم بااصول معماری و »
« هندسی کلاف‌کشی شده و سقف ایوان وستونها را استوارداشته موجب حیرت و »
« تعجب است . »

« درسال ۱۳۳۴ بنابرتصمیم اداره‌کل باستان‌شناسی تعمیرات لازمه سقف و »
« طره‌های اطراف بعمل آمده وشیروانی آهنی زده شده . در طبقه پنجم عمارت »
« اطاقها وایوانچه‌هائی است که همه از نقاشیهای بسیارزیبا وخوش آب ورنگ »
« نقاشی‌شده وچنانچه معروف‌است ومورخین نیز نوشته‌اند ازاین‌طبقه‌ببالا مسکن »
« حرمسرای شاهی بوده که مسلط برطالار وایوان شاهی باشند وبتوانند عملیات »
« وجشنها وپذیرائی‌های شاهانه را مشاهده نمایند . »

« درطبقه ششم که وارد شوید برحیرت وتعجب شما افزوده میشود ، زیرا »
« اطاقهای متعدد تودرتو و گچبریها و نقاشیهای حیرت‌انگیز مختلف را خواهید »
« دید که هرقسمتی بطرزخاصی جلوه‌گراست ازاره وبدنه این اطاقها وطاقچه‌ها »
« تماماً ازصور مختلفه زن ومرد ایرانی واروپائی بنوعی خاص نقاشی شده و در »
« بالا گچبریهای زیبائی مانند جای ظروف ویاباشکال هندسی ساخته‌اند . عده‌ای »
« را عقیده برآنستکه در زمان شاه‌عباس حبس‌الصوت بوده که وقتی نوازندگان »
« دست از نواختن میکشیدند مجدداً همان صدا و آواز بگوش میرسیده است ، »
« ودر کتب و نوشتجات نیز این اطاقها را بسفره‌خانه ویا شرابخانه ویا چینی‌خانه »
« نامیده‌اند . »

« طبقه هفتم عمارت یا سقف بام که بارتفاع ۴۸متر از روی زمین میباشد »
« مشرف برتمام‌شهراصفهان‌است ومنظره بی‌نهایت‌عالی وجالب توجهی را دربیننده »
« ایجاد میکند وبیشتر سیاحان و یا تماشاچیان آمدن به‌عالی‌قاپو را برای دیدن »

« منظره شهراصفهان و نقاشیهای زیبای آن انتخاب مینمایند . ازبالای این کاخ »
« آثار تاریخی اصفهان در مشرق مانند بناهای دوره سلجوقی ومسجد سلطانی در »
« جنوب وطرف مغرب کوه آتشگاه ومدرسه سلطانی وسایربناهای زیبای اصفهان »
« را میتوان بخوبی مشاهده وعکس برداری نمود . »

« منظره میدان شاه و مسجد زیبای شیخ لطف‌الله روح تازه‌ای بهر بیننده و »
« عاشق این ابنیه میدهد . درمغرب این کاخ عمارت شهربانی است که گنبدآجری »
« توحیدخانه یا گنبد طاوس دوره صفوی واقع شده ، این گنبد داخلش تزیینات »
« آجری زیبائی داردکه درزمان صفویه قابل توجه بوده واکنون زندان شهربانی »
« است وعوام آنرا گنبد شیرگویا مینامند . »

« این کاخ درزمان صفویه احترام خاصی داشته وتمام مردم درباره آن بچشم »
« احترام وبزرگواری نگاه میکردند وبتمام باغات وعمارات سلطنتی متصل بوده »
« است. شاه‌عباس جشن نوروزسال (۱۰۰۶ه ۱۵۹۸م) را برای اولین مرتبه دراینجا »
« برپا نمود و بعداز او نیز هریك ازسلاطین دراین قصر جشنهائی ترتیب داده و »
« پذیرائیهای شاهانه ازبزرگان وسفرای خارجی نموده وبرشکوه وجلال این قصر »
« افزوده‌اند، شاه‌عباس دوم وشاه‌سلیمان هریك پذیرائیهای مفصلی دراین کاخ نموده »
« که شرح تفصیلی آنها درتاریخ درج است . »

« درزمان شاه‌سلطان حسین نیزاین قصرتعمیرشده ودردوره افاغنه واواخر »
« قاجاریه خراب گردیده است . مطابق کتیبه سر در ورودی بر روی کاشی بسال »
« ۱۲۷۴ هجری درزمان ناصرالدین شاه قاجار تعمیرگردیده وبعداً متروك مانده »
« تا دردوره رضاشاه فقید تحت تعمیردرآمده ومدتی اداره شهرداری بوده واکنون »
« درتصرف وزارت فرهنگ واداره باستان‌شناسی محافظت میشود . »

« دراین پانزده‌سال اخیر که نگارنده عهده‌دار قسمتی ازامورباستان‌شناسی »
« میباشم بعلت نبودن اعتبارنمایندگان محترم باستان‌شناسی موفق نشدندکنجکاوی »
« بیشتری نسبت بنقاشیها ویا تاریخ وکتیبه‌های آن بنمایند، علاوه براین احتیاج »

« کاملی بتعمیر اطاقها وکلاف کشی اطراف وتعویض بعضی ستونهای معوج آن دارد، »
« زیرا شکافهای گوناگون براین بنای باستانی وارد گردیده وامید است بزودی »
« تعمیرات شایانی ازاین بعمل آید » .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع بوضع ساختمان عالی‌قاپو چنین نوشته است[1] :

« تالار عمارت عالی‌قاپو از الحاقات دوره شاه‌عباس دوم است : »

« بطبقه سوم عمارت عالی‌قاپو در دوره شاه‌عباس دوم تالاری با ۱۸ ستون از »
« چوب چناراضافه شده است که ستونهای آن باآینه پوشش میشده وسقف آن با »
« صفحات بزرگ نقاشی روی آلتهای چوبی تزیین شده . بایك‌نظر بساختمان این »
« تالار، الحاقی بودن‌آن بعمارت اصلی واضح میشود . دروسط این تالارحوضی از »
« مرمر ومس قراردارد که دارای فواره‌هائی بوده ودرمراسم مخصوص آب ازآنها »
« جستن‌میکرده (شاردن‌سیاح‌فرانسوی‌که دردوره سلطنت‌شاه‌عباس‌دوم وشاه‌سلیمان»
« در اصفهان بوده و این عمارت را در سفرنامه خود توصیف کرده است صریحاً »
« مینویسدکه‌آب را بوسیله ماشینهای مخصوصی بالا میآوردند وبدیهی است‌آنچه »
« را که شاردن ماشین مینامد چیزی غیراز چرخ آبهای معمولی منازل اصفهان »
« نمیتواند باشد : مؤلف) اصولاً توجه بساختمان تالارها باحوض وجهش آب از »
« فواره یاشیرهای سنگی‌ازاختصاصات بناهای‌دوره شاه‌عباس ثانی‌است واین‌کیفیت»
«درتالارچهلستون‌وتالار عمارت‌آئینه‌خانه‌که دردوره سلطنت این‌پادشاه باتمام‌رسیده»
« به‌خوبی‌مشاهده میشود. دیوارهای تالارعمارت عالی‌قاپو بطوریکه عیان‌است‌دارای»
« دوپوشش تزییناتی میباشدکه برروی‌هم قرارگرفته‌اند . پوشش زیرین تزیینات »
« عهد شاه‌عباس‌دوم است وپوشش بعدی تزییناتی است‌که بذوق وسلیقه شاه‌سلطان »
« حسین درتالاراین کاخ اضافه شده است. تزیینات نقاشی واشعاری بخط نستعلیق »
« قرمزرنگ‌برزمینه گچ‌سفید درزیرقشری ازگچ دیگرکه دراواخر عهدقاجاریه »

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۴۲۲ تا ص۴۲۶ .

« دو پوشش عهد صفوی را مستور نموده بوده است آسیب زیاد دیده معذلك در »
« بعضی قسمتها تشخیص این تزیینات وبعضی خطوط که درسنوات اخیرازز یرگچ »
« خارج شده امکان‌پذیر شده است . »

« کلمات ومصرعهائی‌ازاشعارمنقوش بردیوارعمارت عالی‌قاپوکه ازتعمیرات »
« یااضافات دوره شاه‌سلطان‌حسین حکایت میکند وهنوز قابل خواندن‌است بشرح »
« زیر میباشد : »

« یاالله ...... شهنشاه دین(یامحمد) داور دین‌پرور ایران‌زمین(یاعلی‌مدد)»
«کلب درگاه علی فخرشهان(یاالله) حامی دین نبی .... (یامحمد) آنکه زآب »
« رحمت وخاك بهشت(یاعلی‌مدد) دست‌قدرت طینت‌گردون سرشت(یاالله) پایه»
« ایوان قدرش بی‌حجاب (یا محمد) باشد آنجائیکه سرزد آفتاب (یا علی‌مدد) »
« منتظم باشد از آن‌گردون مآب(یاالله) ....ملت همچون‌آن جناب (یامحمد).... »
« (یاعلی‌مدد) شاه‌دین‌شاه‌زمان سلطان‌حسین(یاالله) بن‌سلیمان این‌سلطان‌بارگاه »
« اشعارمحمدبیك فرصت راجع بساختمان ایوان عالی‌قاپو:(بنقل ازقصص‌الخاقانی »
«خطی): درسال۱۰۵۳ هجری شاه‌عباس ثانی‌بمیرزا تقی‌الدین محمد وزیراعظم‌خود»
« دستورداد معماران عالی‌قدردرعمارت عالی‌قاپو روبطرف میدان‌نقش‌جهان تالاری »
« بنا نمایند وروز پنجشنبه بیست‌وچهارم شهرذی‌القعده سال ۱۰۵۳ بنای این‌تالار »
« گذاشته شد ودر عرض اندك مدتی باتمام رسید . شاعری موسوم به محمدی‌بیك »
« متخلص به (فرصت) که توپچی سرکار شاهی بود درتاریخ بنای تالار این اشعار »
« را سروده است : »

« ای معلا بنای عرش نظام — وی فلك کرسی فرشته مقام »
« سربسر عالم از تو گلشن شد — از تو چشم زمانه روشن شد »
« گرچه فرزند مادر خاکی — خلف خاندان افلاکی »
« تا زمین از تو یك نشان دارد — سرفرازی برآسمان دارد »
« آسمان از بلندیت شده پست — تا تو برخاستی سپهر نشست »

« گر فرو ریزد آسمان برهم نشود خشتی از بنای توکم »
« چل ستون تو چهلستون باشد که مدامت نگاه بآن باشد »
« هرستونی که ازتوپای بجاست فلك پیر را بدست عصاست »
« هر ستون تو ای رفیع بنای شده راهی بعالم بالای »
« طرحش ازگرد نور ریخته‌اند در گچ او ستاره بیخته‌اند »
« آسمان با مهی در افشانش کهنه فانوسی از شبستانش »
« بهر دیوان آن سپهربنا زحل افکنده خشت بربالا »
« حسن خورشید بام دیوارش من ندانم که بوده معمارش »
« سقف اورا چه‌جای زیور بود قبه زر بسی مکرر بود »
« نصب کرد آخر اوستاد هنر مهر انور بجای قبه زر »
« زده آن طارم فلك پایه آسمان را بسر گل سایه »
« سقف تالار آن رفیع بنا بر سر عرش گشته چتر گشا »
« تا فلك دیده سرفرازی او خوانده تکبیر جان درازی او »
« روی طاقش ز فیض یزدانی چون کریمان گشاده پیشانی »
« در و دیوارش از کرشمه نگار گل تصویر او همیشه بهار »
« بلبلان خمش بناله زار میسرایند بر در و دیوار »
« مرغ تصویرش ار نظاره کند گل گریبان رنگ پاره کند »
« نیست ممکن که هیچ دانائی بخیال آورد چنین جائی »
« دم عیسی هوای منظر او لوح تقدیر تختهٔ در او »
« بت چنین‌است نقش‌خاك درش در فردوس سینه چاك درش »
« دیده کی بیند از نظر سیرش دل گرفتار زلف زنجیرش »
« بارها خورده آسمان بلند بسر آستانه‌اش سوگند »
« که برون ازتلاش گفت وشنید کس چنین نقش‌بی‌قرینه ندید »
« هست دروصف او زبان مغرور شاه بیت است درجهان مشهور »

« الواحی ازکاشی برجبهه‌شرقی عمارت‌عالی‌قاپو از تعمیرات‌دوره‌ناصرالدین‌شاه »
« قاجارحکایت میکند چهارجانب عمارت عالی‌قاپو دردوران پادشاهی شاه‌عباس‌اول»
« وشاه‌عباس‌دوم باکاشیهای‌خشتی‌خوش‌نقش‌تزیین‌شده بودکه‌توأم‌با درها وپنجره‌های»
« نفیس آن منظره‌ای بس جالب باین‌عمارت تاریخی میداده است و موجب نهایت»
« تأسف است که از آن همه دروپنجره فقط یك‌پنجره‌درطبقه سوم عمارت برجای »
« مانده وبقیه آنها بتاراج رفته است . در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار که »
« مختصر توجهی‌نسبت بتعمیربعضی بناهای تاریخی اصفهان‌شده درعمارت‌عالی‌قاپو »
« هم ظاهرآکارهائی صورت‌گرفته‌که بطورحتم تعویض طره‌های فوقانی‌عمارت یکی »
« از آن جمله کارها است و باین مناسبت بجای کاشی‌های خشتی گل‌وبرگ عهد »
« صفویه برجبهه بالای سردر ورودی فعلی‌کاشیهای دیگری‌که دربین‌آنها سه‌لوح »
« خط نیزجای داده شده قرارداده‌اند. عبارت این سه‌لوح اشعاری است‌که شاعری »
« بنام کفاش سروده وضمن تعمیرات سال۱۲۷۴هجری قمری بخط نستعلیق سفید »
« درهم برزمینه لاجوردی بجای کاشیهای عهد صفویه نصب شده است .

« عبارات واشعار لوح وسط این کاشیکاری بشرح زیراست : »

« هوالله »

« ناصرالدین‌شاه قاجار »

« درزمان ناصرالدین‌شاه قیصر پاسبان — شد زتعمیرعلی‌قاپی‌جهان‌رشك‌جنان »
« باده دولت بجامش تا درآید آفتاب — سکه شاهی بنامش تابگردد آسمان »

« السلطان‌بن‌السلطان »

« ۱۲۷۴ »

« لوح سمت راست : »

« دلا تاریخ تعمیر علی‌قاپی است این انشاء
که‌شد ازناصرالدین شاه این نیکوبنااحیاء »

« ناظمه کفاش »

« لوح سمت چپ بشرح زیراست : »

« تا علی در عالم امکان ولی‌الله باد صدراعظم درپناه ناصرالدین‌شاه‌باد »

درفهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران[1]. نیز تأیید گردیده که‌عمارت عالی‌قاپو در سال ۱۲۷۴ هجری قمری تعمیرگردیده است و حاج میرزا حسن‌خان جابری انصاری درکتاب آگهی شهان از کارجهان تاریخ تعمیر را سال ۱۲۷۲ نوشته است[2].

دراشعاری که کفاش اصفهانی برای تعمیر علی‌قاپو در زمان ناصرالدین شاه سروده تاریخ تعمیرکه درشعر گفته شده با تاریخی که در ذیل اشعار نوشته شده و نیز با تاریخ مرقوم درآگهی شهان ازکارجهان مطابقتی ندارد.

تاریخی که صراحةً در ذیل السلطان‌بن‌السلطان نوشته شده : ۱۲۷۴ میباشد وتاریخی که ازشعر ماده تاریخ کفاش برمیآید : که شد از ناصرالدین‌شاه این‌نیکو بنا احیا یکهزارو دویست وهشتادونه میباشد واگر فرض کنیم‌که لفظ‌که که عددآن بحروف جمل ۲۵ است جزء تاریخ نباشد میشود : ۱۲۷۴ وبا تاریخ تصریح شده در کتیبه مطابقت دارد و قسمت دوم درست بنظر میرسد و ممکن است گفت که تاریخ مندرج درآگهی شهان ازکارجهان تاریخ شروع تعمیربوده است.

در هرحال درسال (۱۲۹۹ ه.ق) ممیز مالیه اصفهان عمارت عالی‌قاپو را جزءِ عمارات نیمه خراب قلمداد کرده ودرمجله ارمغان سال اول شماره ۹۶۸ صفحه ۵۹ مندرج میباشد.

آنچه مسلم است بعداز ناصرالدین‌شاه توجهی که بعمارت عالی‌قاپو نشده‌که هیچ حتی‌المقدورحکام وقت درصدد خرابی وبرداشتن آثارعتیقه آن بوده‌اند وحتی آثار گذشتگان را محو میکرده‌اند و از همین‌جهت بوده که روی نقاشیها را گچ میگرفته‌اند.

۱ــ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ازص۴۹ تا ص۵۰. ۲ــ آگهی‌شهان ازکارجهان ج۳ ص۶۳.

نگارنده بخاطر دارم پیش‌ازطلوع سلسله پهلوی این عمارت‌گردشگاه عمومی بود وهرکسی بسلیقه خود میتوانست درآنجا تصرفاتی کند و یا یادگاری بنویسد و آنجا محل آش‌پختن ودخیل بستن شده بود ودرواقع خرابه وجغدنشین بود .

ولی پس از طلوع سلسله پهلوی روزبروز موجبات تعمیر و حفظ اینگونه عمارات با تصویب قانون عتیقات وتأسیس‌ادارات وابسته بآن فراهم گردید واکنون این کاخ تاریخی ودیگرابنیه باستانی تقریباً بحال اول برگردانیده شده‌اند. عمارت عالی‌قاپواکنون موردتعمیرات اساسی وتزیینی ومهارکشی آهنی بناواصلاح‌نقاشیهای داخل ساختمان وتجدید کاشیکاری جبهه خارجی و پشت بغلهای آن میباشد. کاخ مزبور درطی شماره ۱۰۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۴ ـ تالار اشرف :

این تالار در مغرب خیابان صوراسرافیل اصفهان چند قدم پائین‌تر از تالار تیموری وباغ کاج وعمارت محل سکونت استانداری اصفهان واقع ومحل سکونت اداره‌کل آموزش وپرورش استان اصفهان است .

اصل ساختمان این تالار از احداثات شاه‌عباس دوم است و شاه‌سلیمان درآن درسال(۱۰۸۸ ه.ق) تاجگذاری کرده است .   (ش۳۰)

در وجه تسمیه آن به‌تالار اشرف وجوهی ذکر کرده‌اند : بعضی گفته‌اند که این تالار را اشرف افغان ساخته و برخی پنداشته‌اند که چون اشرف درآن اقامت داشته بنام اومعروف گردیده است وکسانی هم گفته‌اند چون عمارت این تالارمتصل به تالار طویله واشرف برسایرعمارات بوده باین نامش نامیده‌اند ولی‌بنظرنگارنده هیچکدام ازاین وجوه درست نیست .   (ش۳۱)

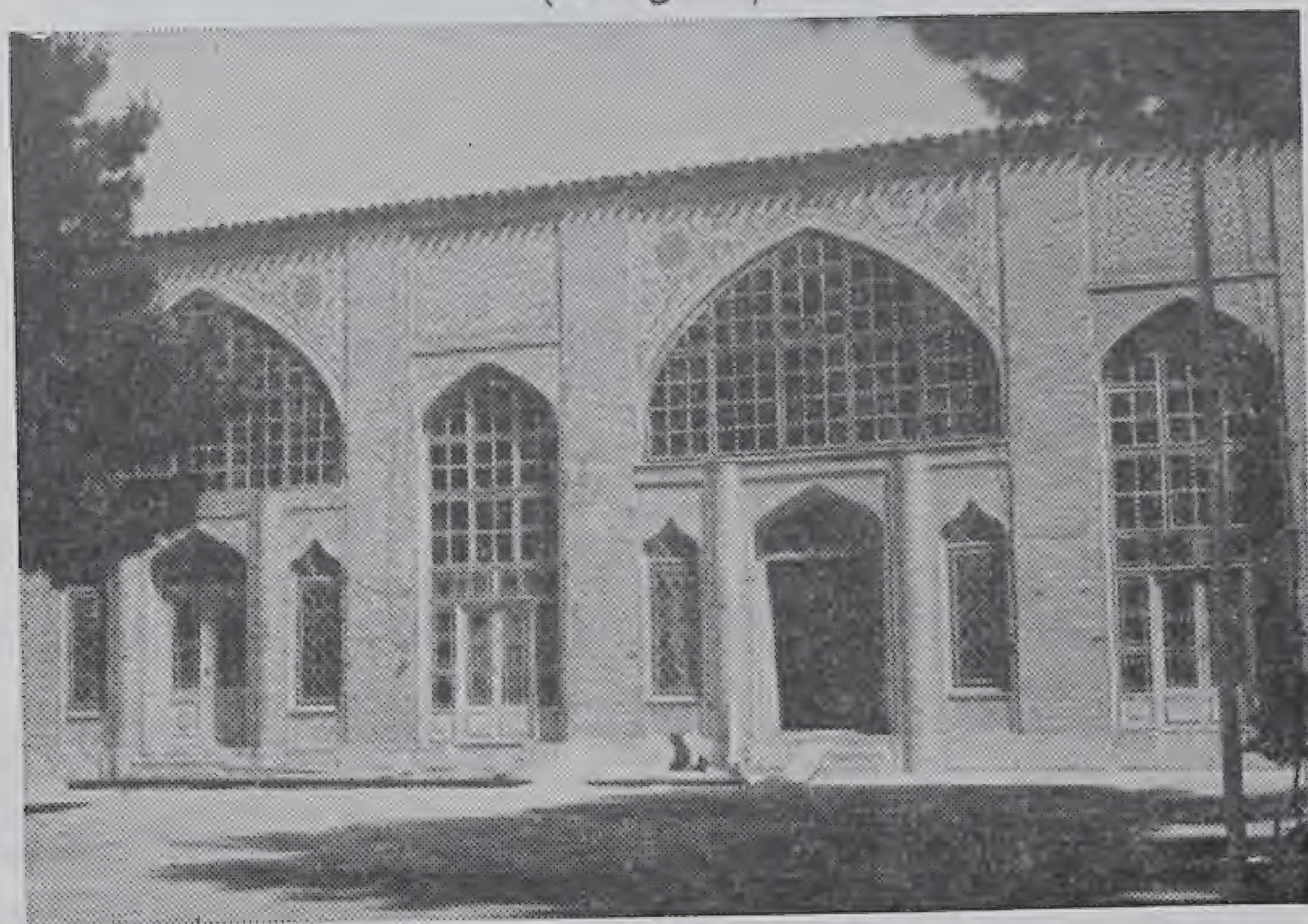
ممکن است گفت این تالار ازقصراشرف مازندران اقتباس شده یعنی‌ازلحاظ ساختمان مناسبتی داشته ولذا بنام تالاراشرف معروف شده است یا اینکه چون در زمان شاه‌عباس‌بشاه، خطاب اشرف میکردند و شاید چون جای او ویا جانشینانش

---

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۹ .



(شکل ۳۰)



(شکل ۳۱)

بوده باین‌نام خوانده‌اند راجع بوضع ساختمان وبنای این تالار شرحی راکه مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته[1] . عیناً نقل میشود :

« این عمارت مشتمل برسه قسمت وروبطرف جنوب ساخته‌شده وتالاراصلی »
« به مساحت ۱۴×۱۴متروبارتفاع ۱۱متردارای سقفهای ضربی ونقوش طلائی و »
« گچبریها وگل وبوته‌های لاجورد وزیبا است درچهارطرف تالار چهارشاه‌نشین و »
« بالاخانه‌های کوچك به اطراف دارد ، سقفش دارای مقرنس‌کاری‌های رنگین و »
« مخصوصی است که درهیچیك از ابنیه دوره صفوی نظیر ندارد ودرطرفین تالار »
« دواطاق مجلل دیگری است که سقفشان طلاکاری ودیوارهای اطراف منقش به »
« نقوش زیبا وعالی است بخصوص اطاق سمت شرقی‌که دفتر ریاست فرهنگ‌است »
« بقدری نقاشیهایش دلچسب وقشنگ است که بی‌اندازه جلب توجه مینماید . »
« این‌کاخ نیزخرابی بسیاردید، مدتی انبارعلوفه وزمانی سربازخانه بوده وقسمتی »
« ازنقاشیهای نفیس آن از بین رفته بود تا در زمان رضاشاه فقید این نقاشیها و »
« گچبریها بوسیله باستان‌شناسی اززیرگچ بیرون آورده شد و بطرز پسندیده‌ای »
« تعمیرودروپنجره‌هائی بسبك قدیم برآن نصب‌گردید. دروسط این‌عمارت‌حوضی »
« مستطیل‌شکل بزرگی است که درچهارطرف‌آن چهارباغچه مشجراحداث شده »
« ودرزوایای‌عمارت، ساختمانهای جدیدی‌برای نیازمندیهای اداره فرهنگ‌استان »
« دهم درسنوات اخیربعمل‌آمده است . »

« درشمال غربی عمارت‌زمین مسطح وسیعی است‌که باقیمانده عمارت‌صدریه »
« ومتصل بباغ چهلستون میباشد . این عمارت از طرف مشرق بوسیله طارمیهای »
« چوبی بخیابان صوراسرافیل متصل است . »

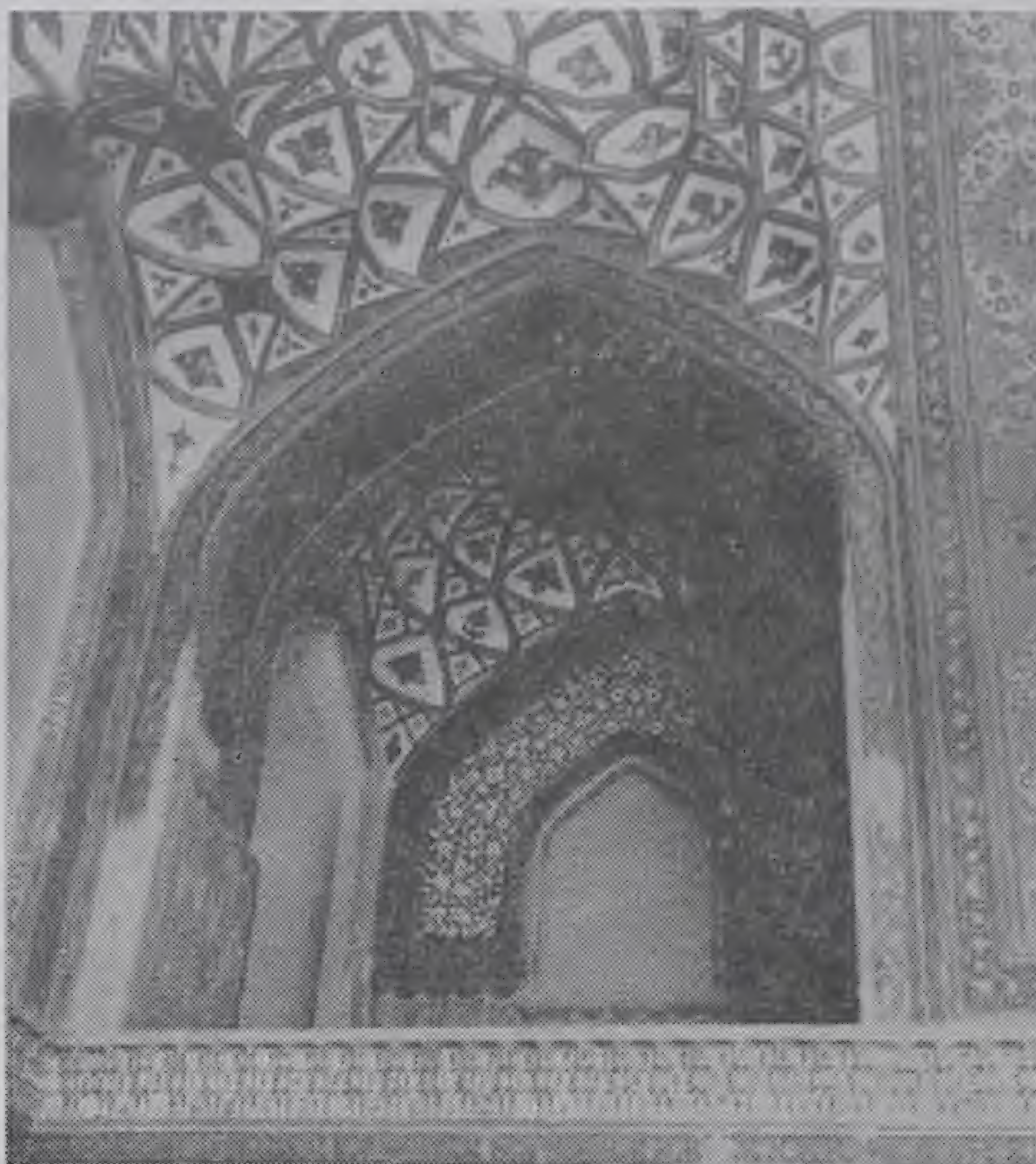
« دانشمند محترم جناب‌آقای مصطفوی رئیس‌اداره‌کل باستان‌شناسی‌شرح »
« مفصلی راجع به‌ابنیه تاریخی واین عمارت مرقوم فرموده و تحویل آنرا باداره »
« فرهنگ در ۲۳خرداد سنه ۱۳۰۶ ذکر فرموده‌اند .

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۷۴ تا ص۷۶ .

نگارنده درحدود سالهای ۱۳۰۸و۱۳۰۹شمسی بخاطر دارم که هنگام خرابی و تعمیر محل کنونی اداره‌آموزش و پرورش استان اصفهان طلاکاریهائی از زیر گچ بیرون آمد وروی همین زمینه‌گچ اطاقهای دیگررا نیز برداشتند تانقاشیهای طلائی خارج گردید. مؤلف دانشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان چنین نوشته است[۱] :

(ش۳۲)

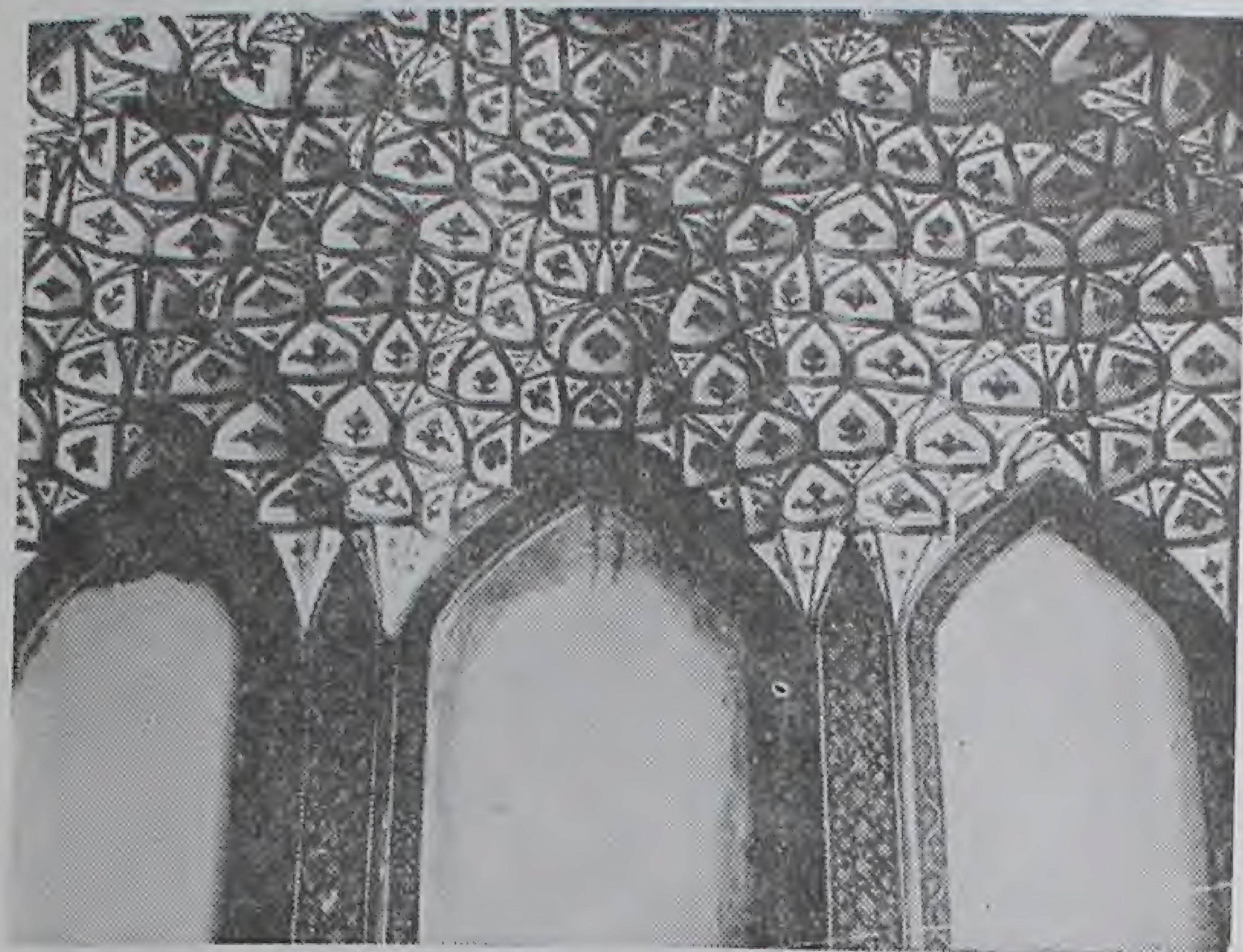


(شکل ۳۲)

« این بنا مجموعه‌ای ازاطاقها وتالارهای مزین وطلاکاری است وبه‌منظور »
« سکونت پادشاه و حرم سلطنتی از آن استفاده میشده است . خوشبختانه تالار »
« مرکزی این کاخ ویکی ازاطاقهای بزرگ آن برجای مانده‌است وعمده تزیینات »

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۸۱ .

« اصلی آنها باقی‌مانده ودرتالار دیگری نیز قسمتهای کمی ازتزیینات باقی‌است، »
« اطاق وتالار اصلی بسیارمجلل است وگچبریهای برجسته لاجوردی و طلاکاری »
« دارد . طاقهای آن بلند واز مقرنسهای زیبای طلاکاری پوشیده شده است . زیر »
« مقرنسها هم با صفحات بزرگ گچبری و طلاکاری تزیین شده ودر تالار مرکزی، »
« ترنج‌وسط اطاق‌که طلای خالص است جلب‌توجه میکند،کلیه درها وپنجره‌های »
« این‌عمارت بسمت جنوب بازمیشده ولی باکمال تأسف حتی‌نمونه‌ای ازآنها باقی »
« نمانده است . » (ش۳۳)

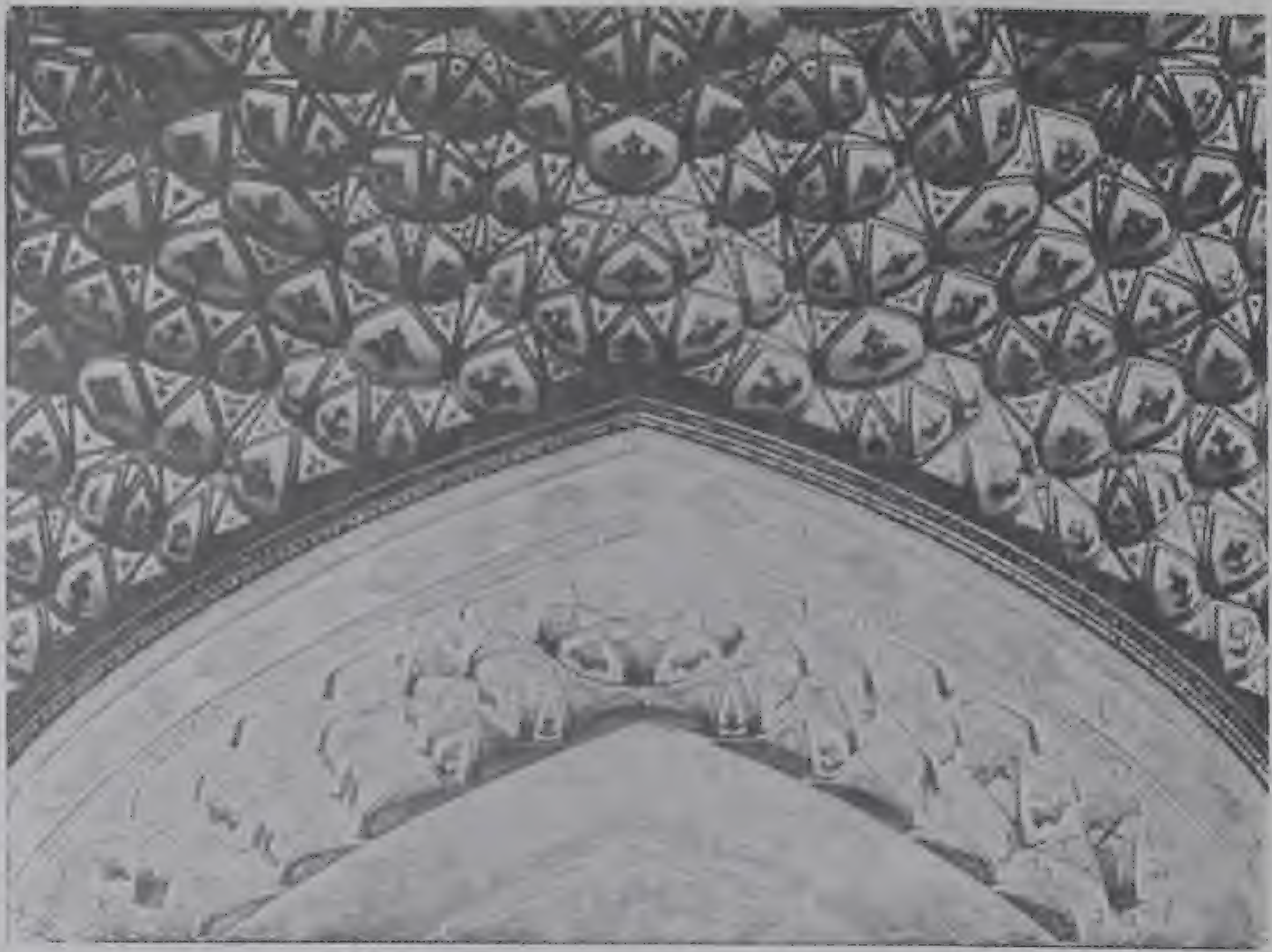


(شکل ۳۳)

حاج میرزا حسنخان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری چنین نوشته است[۱] :

« عمارت اشرف نیز دستگاهی و نقشهائی شگرف داشت ، چنداطاق سمت »
« مغرب واطاقهای قبلی و ۱۳۰۸ که ظل‌السلطان میرزا حبیب‌الله‌خان مشیرالملك »
« انصاری را چندماهی درآنجا محبوس داشت شرحش را درآگهی شهان نوشته‌ام، »
(ش۳۴)

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۱ .

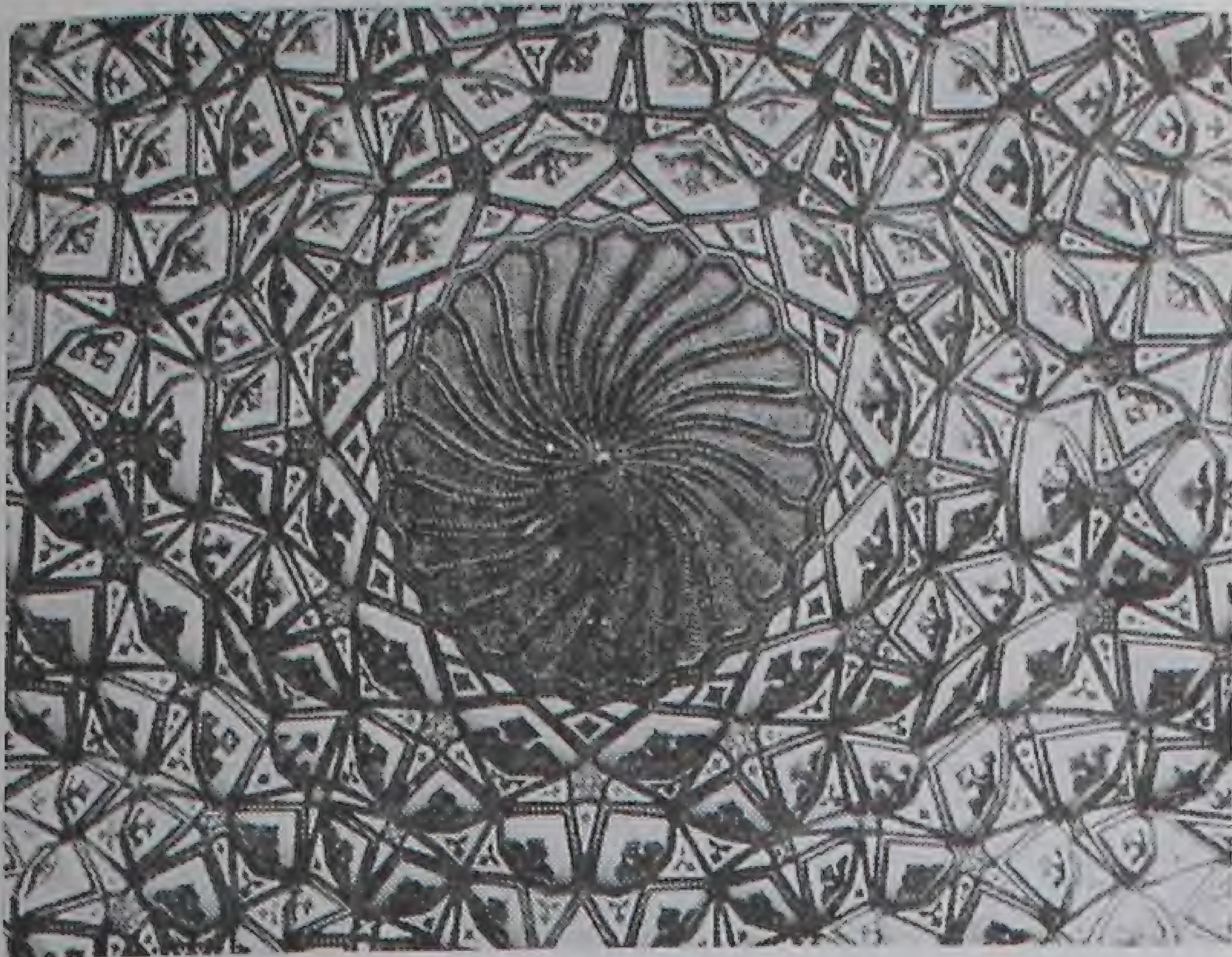


(شکل ۳۴)

« دوماهی هر روز بنده تماشای نقاشی استادانه اطاقها را میکردم و نقاشان استاد »
« میآمدند ازروی آن نقاشیها نقشه برمیداشتند وباصطلاح خود (گرته) میگرفتند »
« ازگچبریهای ممتاز بی‌انبازش بشکل درختان ومرغان . امروزه درب آن عمارت »
« در خیابان تقاطعی میان خیابان دروازه دولت و خورشید باز میشود . و بعضی »
« عمارت اشرف را میگویند همان زمان صفویه که ساختند این نام گذاردند، از »
« چنداطاق که پس‌از عزل ظل‌السلطان در عمارت اشرف‌که باقی بود میرزا محمد »
« دستجردی نظام‌الاسلام آقای حاج آقا نورالله را اغفال‌کرد وویران نمود، بعد جلو»
«گرفتند .» (ش ۳۵)

درجای دیگر آن کتاب دروجه انتساب این عمارت به‌اشرف چنین گفته که چون اشرف دراین کاخ جلوس میکرده بنام اومعروف شده مانند عمارت صدری‌که مربوط بدوره صفویه بوده و در اثر اقامت صدر اصفهانی درآن بدیوانخانه صدری معروف گردیده است[۱] . خرابی عمارت اشرف در (۱۳۱۷ ه.ق) اتفاق افتاد[۲] . و

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۰ . ۲ــ آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۱۱۳.



(شکل ۳۵)

فقط قسمتی از آن باقی ماند که شرح آن داده شد . این اثر باستانی زیر شماره ۱۰۶ به ثبت تاریخی رسیده است (۱) .

۵ ـ تالار تیموری = عمارت تیموری :

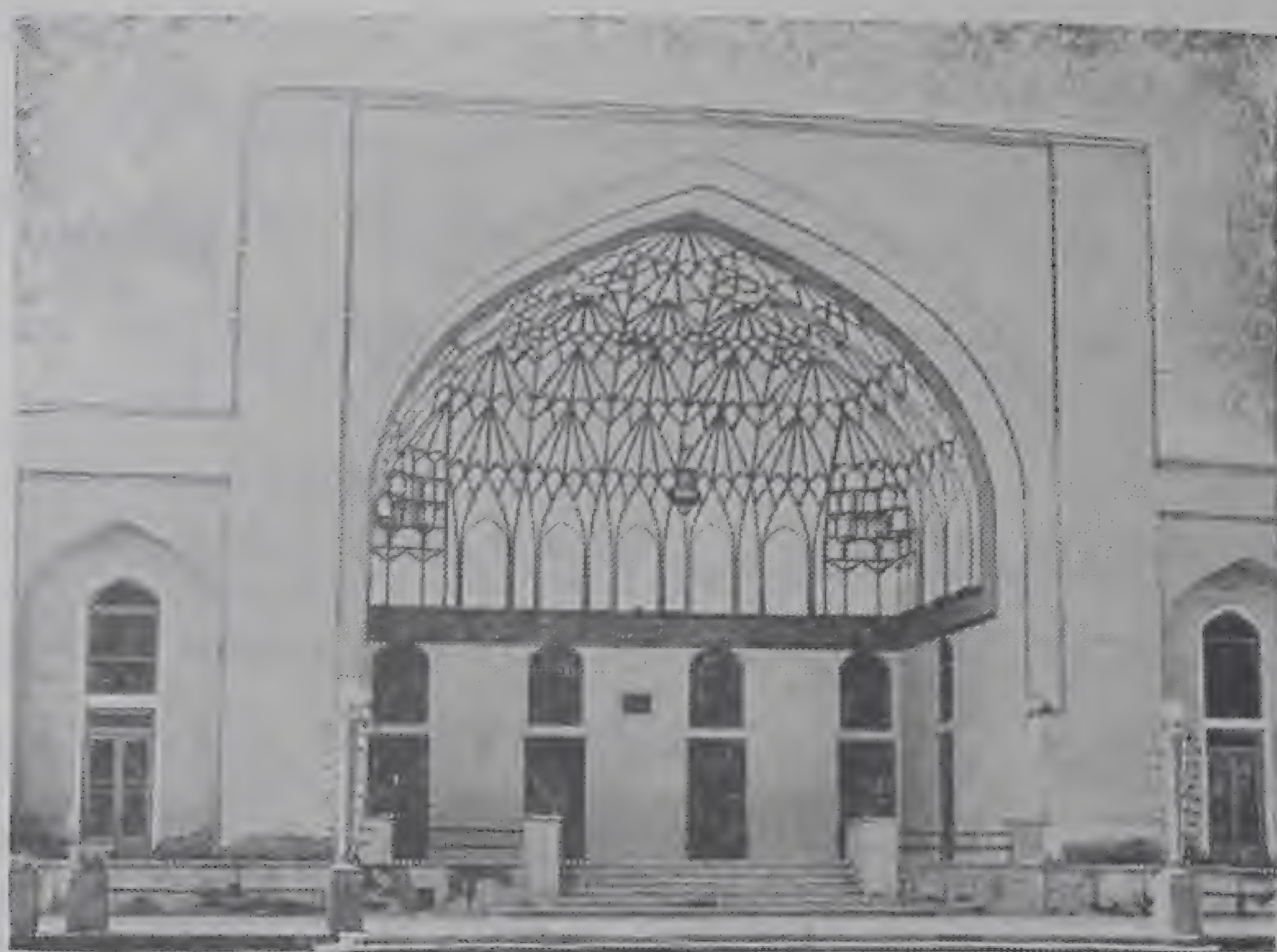
در طرف جنوب خیابان صوراسرافیل که بخیابان استانداری نیز شهرت دارد عمارت تیموری واقع گردیده ومعروف اینستکه این تالار و عمارت یا از احداثات تیمورلنگ ویا ازعماراتی است که درآن جلوس کرده است و در هرحال بنای آن مربوط بدوره تیموریان است .

این تالار دارای سقفهای آجری مقرنس است که با رنگهای لاجوردی و طلائی ساخته شده و آثارگچبریهای جالب و خیره‌کننده درآن باقی است ، وپس ازاینکه مقرباشگاه افسران قرارگرفت از روی مینیاتورهای کاخ چهلستون تابلوهائی درآن اضافه گردیده است . (ش۳۶)

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع باین تالارتاریخی شرحی مختصر

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص۵۶ .



(شکل ۳۶)

وجامع نوشته که عیناً درج میگردد[1] :

« این بنا از آثار زمان تیمورلنگ است که پس ازقشونکشی بایران وقتل »
« وغارتی که نمود ازلحاظ ذوق هنری که داشت دستور ساختمان این بنای رفیع »
«را درمجاورت باغ نقش جهان که از آثارسلاجقه باقی بوده داده وبدستوراووسرپرستی»
« وسعی شاهرخ بن تیمور این بنا بصورت بسیارزیبائی ساختمان گردید . »

« این بنا درحال حاضر دارای دواطاق بزرگ (سالن) وسیعی است که جلو »
« آنرا ایوان وسیع ومرتفعی فراگرفته . دراطراف آن چندین اطاق تودرتومتصل »
« بیکدیگر میباشد . »

« این اطاقها وایوانهای اطراف که حالا جلو ایوان جنوبی آن بسته شده »
« دارای سقفهای مقرنس آجری است که بارنگهای لاجورد وطلائین ساخته شده »
« بود ودرقسمتهای بالا نیزگچبریهائی بوده که اکنون نیزآثارش نمایان است این »
« عمارت پنجره‌های گچبری بسیار ریز وقشنگی داشته است . »

---

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۶۸ .

« درجلواین تالار رو بطرف مشرق حوضهای آبی وجود داشته که دردوره »
« صفویه بنام چهارحوض مشهور بوده ودرسنوات اخیر خراب وقسمتی‌ازآن جزو »
« خیابان وبانك ملی شده ، این بنای تاریخی قبل‌ازدوران پهلوی بایر وخرابیهای »
« بسیاردید ، ومدتی نیز کتابخانه وقرائت‌خانه شهرداری ومحل انجمن شهربوده »
« است . »

« درابتدای سلطنت رضاشاه فقید زمانی که سرلشکر فیروز دراصفهان بود »
« تعمیراتی ازاین عمارت و چهلستون بعمل آورد سپس در سال ۱۳۲۷ سرلشکر »
« معتضدی فرمانده لشکر اصفهان با همکاری مالی عده‌ای ازمدیران کارخانجات و »
« تجار وهنرمندان ومهندسین اصفهان تعمیرات شایان وقابل توجهی دراین‌عمارت »
« نموده وآنرا محل باشگاه افسران قرارداد ودرموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی باصفهان جهت کلنگ‌زدن تونل‌کوهرنگ این باشگاه نیز بدست شاهانه »
« درمهرماه ۱۳۲۷ شمسی رسماً افتتاح گردید. سپس سرلشکرمعتضدی ازسال ۱۳۳۰ »
« بایك عشق وعلاقه خاص وذوق سرشاری برزیبائی وتکمیل این عمارت تاریخی »
« افزود و بخصوص قسمت غرب عمارت را که رو بانهدام میرفت با ساختن بنای »
« جدیدی درپشت آن موجب استحکام واستواری بنای قدیم ورفع حوائج باشگاه »
« را ازحیث اطاق کافی فراهم ساخت ، چنانچه درموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی باصفهان درمهرماه ۱۳۳۲ باشگاه ازهرحیث با وسائل شایسته وشاهانه »
« بطوری آراسته ومجهز بودکه درتمام مدت دراین کاخ بسر بردند . بربدنه دیوار »
« ایوان شرقی عمارت این عبارت برسنگ لوح مرمری نوشته شده است : »

« درعهد سلطنت اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی ومساعی تیمسار سرلشکر »
« نصرت‌الله معتضدی فرمانده لشکراصفهان عمارت باستانی تیموری تعمیروباشگاه »
« افسران تأسیس گردید مهر ۱۳۲۷ . »

درجنوب عمارت سنگابی است که دراطراف آن این اشعار نقش شده است:

یافت توفیق ز رب متعال   باغبان شه دارین کمال

کرد آراسته جامی ز رخام | که شود بهره‌ور از کوثروجام
تا خورد آب از او تشنه لبی | گردد آمرزش او را سببی
چون شد ازآب بقا مالامال | «باغبان» گشت سنه جام‌کمال
۱۰۵۶

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان فرد آخراشعار نوشته شده : باغبان گشت بسرحدکمال وبدیهی است که اشتباه خوانده شده است، بعلاوه کلمه (باغبان) بحروف جمل مساوی۱۰۵۶ است درصورتیکه درکتاب مزبور۱۰۵۹ ثبت شده‌است.

این اثر باستانی درجریان ثبت تاریخی است[۱].

۶ ـ سردرقیصریه :

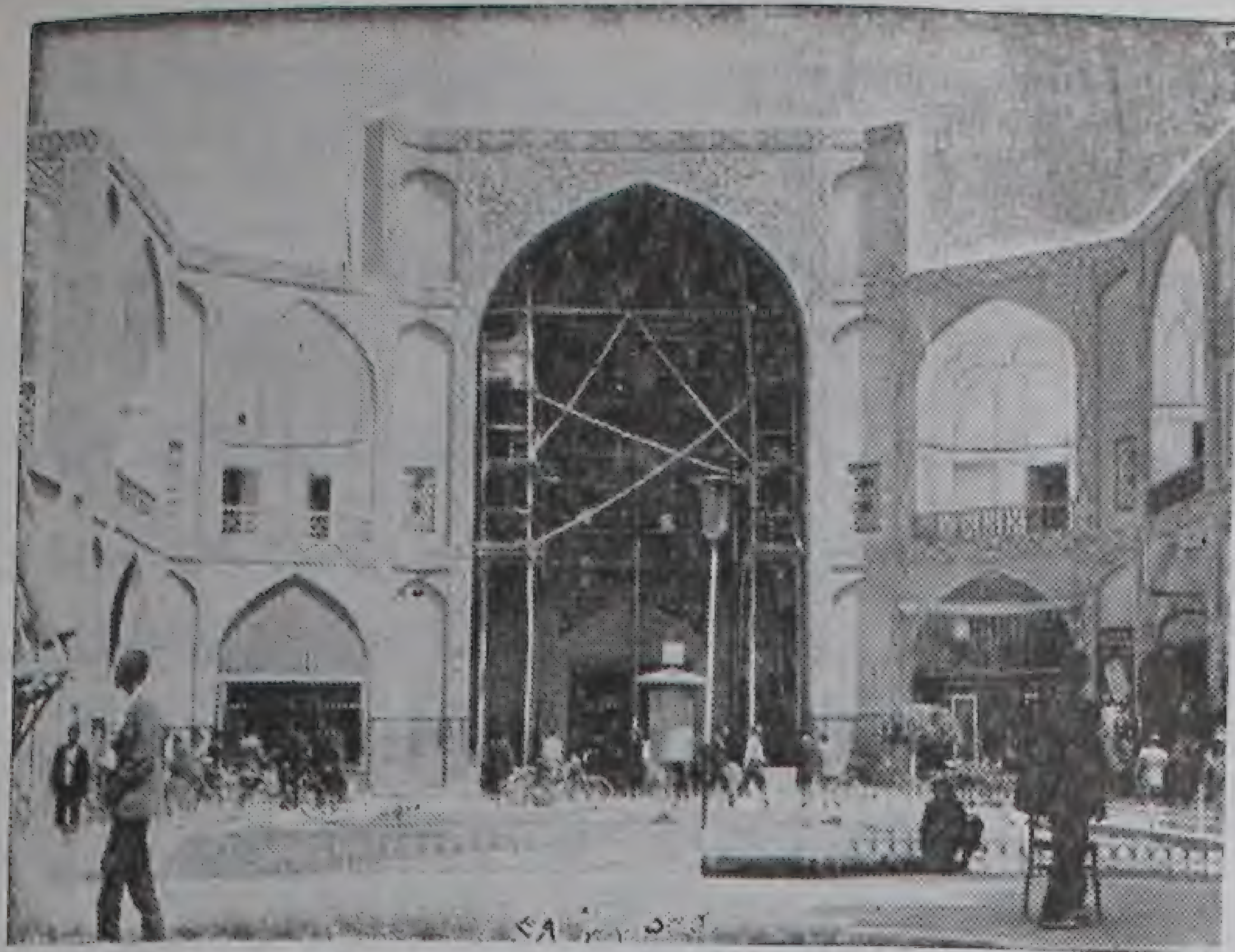
درمقابل مسجدشاه درشمال‌میدان‌شاه اصفهان سردری هلالی‌شکل‌باکاشیکاری مجلل وبا شکوهی پدیدار است که ازآنجا داخل بازار قیصریه میشوند.

این سردر بامر شاه‌عباس بزرگ درسال (۱۰۱۱ ه.ق) از روی سردر قیصریه آسیای صغیرساخته شده وچون درقدیم‌الایام‌عموم مردم بخصوص سلاطین‌وپادشاهان باوضاع کواکب توجه داشتند ساختمانها را نیز در ساعات میمون و اقترانات سعد بنا میکردند وگویا هنگام شروع بساختمان این بنا طالع دربرج قوس بوده است و ازاینرودربالای سردربرج قوس را که ازستاره‌هائی تشکیل میشود که پیکره‌کمان را نشان میدهد ترسیم وانسان نیم‌تنه‌ای که نیم‌تنه دیگرآن بصورت‌حیوان‌درنده‌ای است با دردست داشتن تیروکمان نقاشی کرده‌اند ودروسط این سردر نقش خورشید با طرزی جالب وعالی مشاهده میشود. (ش۳۷)

درداخل این سردرنقاشیهای بسیارزیبا وجود داردکه دراثرمرورزمان خراب وازبین رفته وآن تصویر یکی از جنگهای شاه‌عباس بزرگ با ازبکها میباشد. در بالا وپائین سمت راست تصاویری از مردان وزنان اروپائی درحال عشرت نمودار و طرف چپ شکارگاه است. درقسمت بالا روبرو دریچه‌ای است که درقدیم‌جای‌ساعت

---

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۱.



(شکل ۳۷)

بزرگی بوده و در اوقات روز زنگهائی میزده و پاندولش موجب حرکات و بازیهای گوناگون باشکال منقش مانند پرندگان و حیوانات که از چوب نقاشی شده بود میگردید . وگفته‌اند که دربالای آن‌ساعت ناقوسی وجود داشته‌که ازدیر هرمزشاه آورده بود[1] .

طرفین سردر قیصریه سکوهای وسیعی ازسنگ یشم وسماق نصب شده‌است، درقدیم جواهرفروشان وزرگران بساط خودرا روی‌آنها گسترده و متاعهای خود را بفروش میرسانیدند . درجبهه چپ سردر منظره شکار دسته جمعی‌شاه‌عباس ونیز تصویر جوانی‌را نشان میدهد .

درطرفین سردر نقاره خانه‌ای وجود داشته‌که تا این‌اواخر در ایوانهای آن هنگام غروب و طلوع آفتاب چنانچه مرسوم بود نقاره مینواختند ، نگارنده بیاد دارم‌که در سالهای تا ۱۳۰۷ شمسی این عمل انجام میشد . در حجرات و ایوانهای نقاره‌خانه نقاشیها وگچبریهای عالی مانند تزیینات طبقه ششم عالی‌قاپو وجود داشت که در۱۳۰۷ شمسی از میان رفت و تزیینات جدیدی انجام دادند .

---

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۸۶ .

هنگامی که عابران وارد سردر میشوند داخل بازار قیصریه میگردند، این بازار از بناهای شاه عباس بزرگ است که در زمان قدیم گرانبهاترین پارچه‌های زربفت را در آنجا میفروخته‌اند. نمایندگان تجار خارجی نیز در این بازار حجره‌هائی داشتند.

بازار مزبور که ببازار شاهی نیز شهرت دارد از سردر قیصریه شروع و ببازار چیت‌سازها و از آنجا ببازار دارالشفاء منتهی میشود و امروز محل فروش بهترین قلمکارها و کارهای دستی اصفهان است. در این بازار محلی بنام ضرابخانه معروف شاهی وجود دارد و سرای معروف شاه نیز در این بازار واقع است.

چهارسوی ضرابخانه که مانند آن نه در اصفهان و نه در ایران وجود دارد و چهارسوی بازار چیت‌سازها در جنب دارالشفاء در این بازار واقع است. تیمچه‌های جهانگیر وشله نیز درهمین بازار است. بازار سماورسازهای کنونی که در قدیم به بازار مثقالی فروشها موسوم بوده دارای چهارسوی بی نظیری است مسمی به چهارسو کرباس فروشها که حوضی بسبك صفوی دروسط آن میباشد و بوسیله بازار کوچکی به چهارسوی چیت‌سازها متصل میشود.

این که این بازار را مثقالی فروشها میگفته‌اند از این رو بوده که پارچه های گرانبها و زربفت را در آن بازار مثقالی میفروخته‌اند. از بازارهای متصل ببازار قیصریه است بازار زرگرها که بامر شاه‌عباس و بوسیله محبعلی لله‌بیك بنا گردیده است، این بازار از چهارسوی کرباس فروشها ببازار قهوه کاشیها منتهی میشود، در وسط آن چهارسوی زیبائی قرار دارد و انشعاب آن بازاری است که به دارالشفاء منتهی میشود.

دارالشفاء نام تاریخی بیمارستان بسیار بزرگ شاهی است که در عهد صفویه وجود داشته واکنون قسمتی از زمین ویرانه آن بصورت مسجدی کوچك بنام مسجد دارالشفاء بناشده ومعروف است.

بازار دیگر بازار تفنگسازها میباشد که ازمبانی دوره شاه‌عباس بزرگ است. بازار مزبور ازدر سرای مخلص ببازار سماورسازها منتهی میشود، و بازار منشعب

از آن چخماق سازها نام دارد، این دو بازار را زمانی بنام بازار شمشیرگرها میخواندند[۱]

تاریخ قطعی ساختمان سردرمذکورمعلوم نیست آنچه مسلم است درسال ۱۰۱۴ که شاه عباس بازار قیصریه وتمام بازارهای اطراف میدان نقش‌جهان وکاروانسرا و حمام نزدیك میدان از ساخته‌های خود را وقف بر پیغمبر اسلام نموده و صورت وقفنامه آن درکتاب قصص الخاقانی ضبط شده[۲] سردرقیصریه‌هم ساخته شده بوده است ولی این نکته با آنچه در آثار ایران گفته شده[۳] که تاریخ اتمام ساختمان سردر قیصریه سال (۱۰۲۶ هـ . ق) است مطابقت ندارد، مگر این‌که گفته شود تزیینات ونقاشیهای آن در سال (۱۰۲۶ هـ . ق) انجام یافته است.

در گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان در باره کتیبه سردر قیصریه چنین نوشته شده است:[۴]

« بین نقاشیهای جبهه های سه‌گانه سردر قیصریه وپشت بغلهای کاشیکاری عهد»
« صفویه در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار بدستور ظل‌السلطان حکمران »
« اصفهان یك حاشیه کاشیکاری در امتداد سه جانب سردر و بعرض سی‌سانتیمتر »
« به‌تزیینات این‌سردر اضافه شده‌است وباین‌مناسبت‌کتیبه‌ای نیز نصب شده‌که بخط »
« نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی بشرح زیر است : »

« در عهد دولت وزمان وسلطنت اقتدار سلطان الاعظم و الخاقان الاکرم، »
« اعدل‌الخواقین‌واکرم‌السلاطین اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاه جمجاه پادشاه‌اسلام»
« پناه السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان ابو... خسرو »
« صاحب قران ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه برحسب امرقدر قدر»
« مبارك حضرت سپهر رفعت اقدس اشرف امجد ارفع والا شاهنشاه زاده اعظم »
« ظل‌السلطان حکمران و فرمانفرمای ایالات اصفهان وفارس وعراق وعربستان و»

۱- بنقل‌ازبخشی ازگنجیه آثارملی صفحات ۱۹و۲۵و۲۷. ۲- زندگانی‌شاه عباس‌اول ج۳ ص۲۱ . ۳- آثار ایران ج۲ ص۲۹ . ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۶ تا ص۴۶۷

« لرستان و یزد و مضافات بسرکاری و اهتمام مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان مستوفی »
« مخصوص صورت اتمام وسمت انجام پذیرفت کتبه المنتسب بسیادة القرشی چاکر »
« درگاه اسدالله الحسینی القرشی سنه ۱۲۹۸ » .

« و در وسط این حاشیه‌کاری در جانب غـربی سردر بخط نستعلیق آبـی »
« برزمینه کاشی سفید نوشته شده : »

« بسعی مقرب الحضرة الوالا مصطفی قلیخان فراشباشی باتمام رسید . »

« ودرانتهای این حاشیه کاشیکاری بخط نستعلیق آبی برزمینه سفید نوشته شده: »
« عمل کمترین آقاجان فخار سنه ۱۲۹۸ . »

« خطوط بنائی درطرفین جلوخان سردر قیصریه : »

« برجرزهای طرفین مدخل بازارقنادهادرسمت راست سردر قیصریه و بازار »
« کفاش‌ها در سمت چپ سردر دو شکل مربع بخط بنائی لاجوردی رنگ معرق »
« برزمینه آجری دو بیت شعر بشرح ذیل منقوش است : »

« غرض نقشی است کزما باز ماند — که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب‌دلی روزی برحمت — کند در کار مسکینان دعائی »

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع ببازار قیصریه چنین نوشته است: (۱)

« در عقب سردر بازار شاهی مشهور به «قیصریه » است که در سال ۱۰۲۹هـ »
« ۱۶۱۹م دربرابر قیصریه رم ساختمان گردیده. این بازار بزرگترین و باشکوهترین »
« بازارهای اصفهان بوده است ، دروسط بازار محوطه بزرگ مدور شکلی است که »
« گنبد زیبای بلندی دارد و درطرف مغرب کاروانسرای با شکوه شاهی که دوطبقه »
« ودارای تقریباً ۱۵۰ حجره است قرار دارد ، درمشرق بازار ضرابخانه بوده که »
« حالاتجارتخانه می‌باشد ، دراین بازارمانند قدیم پارچه‌های گوناگون وقلمکارهای »
« اصفهانی وغیره بفروش میرسد . »

« درجلو این سردر درقدیم حوض آب بسیار بزرگی وجود داشت وچهاربازار »

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۸۶ و۸۷

« شاهی نیز همین جلوخان شروع میشده که فعلاً بجای حوض قدیمی گلکاری »
« وحوض کوچك دیگری ازطرف شهرداری ساخته شده ونسبة قابل توجه است. »
« دربالای سردر قیصریه روی‌کاشی بخط نستعلیق نوشته شده که : »

« درزمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وحکمرانی ظل‌السلطان بسرکاری »
« میرزا نصرالله خان مستوفی بسال ۱۲۱۸[۱] تعمیر بعمل‌آمده و برای نگهداری »
« این‌سردر تاریخی تا این‌سال توجهی بعمل نیامده و نقاشیهای‌آن ازبین رفته و »
« بداخله‌آن نیز خرابی وارد شده اکنون باستان شناسی درنظر دارد تا حد امکان »
« تعمیرات آنرا بنماید . »

مجموعه سر در و بـازار و نقاره‌خانه طی شماره ۱۰۳ بثبت تاریخـی رسیده است .[۲]

ی ـ بازارها

بطوریکه در قسمت بازارهائی‌که سابقاً وجود داشته وازمیان رفته است‌گفته شد دراصفهان بازار ازقدیم الایام وجود داشته است ویك‌یك ازبازارهای ویران‌شده نیز درجای خود بیان‌گردید .

بازارهائی‌که بیشترآن ازساختمان سلاطین وبخصوص سلاطین صفویه است ووجود دارد بقراری است‌که درپائین‌مینگارد:

۱ـ بازار قیصریه :

شرح این‌بازار وانشعابات آن درسردر قیصریه تشریح‌گردید و نیازی باعاده آن نیست .

۲ـ بازارگلشن یاجارچی :

این‌بازار از چـهار سوی قلندرهـا تا محـل دروازه اشرف امتداد دارد واز ساختمانهای عصر صفوی است .

۱ـ درمتن کتاب ۱۲۱۸ نوشته شده ولی این‌تاریخ اشتباه و درست آن ۱۲۹۸ می‌باشد.
۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۹ .

اماکن قدیمه‌ایکه دراین‌بازار واقع‌شده مسجدملك علی‌بیك جارچی‌باشی از عهدشاه عباس‌کبیر (۱۰۱۹ هـ . ق) ومدرسه ملاعبدالله (۱۰۲۲ هـ . ق) میباشد .

سراهای : جارچی‌باشی ، بزرگ ، گلشن ، ارباب ، فخر ، دوتیمچه که همه تجارتی هستند دراین‌بازار واقع شده‌اند .

۳- بازار دروازه اشرف :

این‌بازار ازدروازه اشرف شروع وتا چهارسو شاه و مدرسه ملاعبدالله امتداد دارد وازاحداثات عصرصفویه است . مدرسه جده بزرگ(۱۰۵۸ هـ . ق) ومدرسه ملاعبدالله ازبناهای شاه‌عباس‌کبیردراین‌بازار واقع است ، چهارسوی شاه از بناهای شاه عباس است .

سراهای : محمدصادق خان ، مخلص ، تیمچه درقهوه‌کاشیها ، تیمچه‌ملك و عصارخانه وحمام شاه در این بازار قرار دارند ، بازار منجم باشی‌که بـه چهارسوی ساروتقی منتهی میشود از انشعابات ایـن بازار است و قسمتی از کاشی‌کـاری آن باقی می‌باشد .

مدرسه جده‌کوچك (۱۰۵۶ هـ . ق) ازاحداثات زمان شاه عباس‌ثانی نیز در این‌بازار (منجم‌باشی)واقع است. دنباله این‌بازار در زمان‌صفویه ببازار بسیارطولانی وبزرگ مشعلدار باشی متصل میشده‌که امروز اثری ازآن نیست.

۴ و ۵ - بازار لوافها وآهنگران :

این دوبازار دردوطرف خیابان حافظ که از میدان‌شاه منشعب میشود قـرار دارند. درشرق بازار آهنگرها کوچه‌ایست بنام بیگدلیها وسرائی بزرگ وحمامی ومحل‌دیگری هم بهمین‌نام معروف است .

خاندان بیگدلیها مربوط بسلسله شاملو و از طوایف قزلباش بوده‌اند وآذر بیگدلی صاحب تذکره معروف ازاین خاندان است .

مدرسه خواجـه ملك درشمال مسجد شیخ لطف‌الله ومشرق بازار لـوافان و

آهنگران واقع بوده است .

۶ ـ بازار کفشدوزها :

این بازار ازدرمسجد شیخ لطف‌الله بدر مسجدشاه امتداد دارد، ازجانب جنوب و غرب میدان نقش جهان و طرفین کاخ عالی قاپو دنباله چهار بازار اطراف میدان نقش جهان پیوسته بوده واکنون جزء ادارات شهربانی ودخانیات است .

۷ ـ بازار رنگرزها :

این بازارکه ازبناهای شاه‌عباس کبیراست ازبازارتر کشدوزها ببازار دارالشفاء منتهی میشود واکنون هم دائر است .

۸ ـ بازار چهارسو نقاشی :

بازار بزرگی بوده که قسمتی از آن باقی مانده و اکنون در جنوب خیابان شاه‌عباس واقع است مدرسه مریم بیگم وچهارسو نقاشی دراین بازار واقع بوده‌اند .

۹ ـ بازار مقصودبیك = یا چهارسو مقصود :

این بازار ازجنوب شرقی میدان نقش جهان تابازار حسن‌آباد امتداد دارد . امامزاده احمد ، مسجد ساروتقی ، در این بازار در نزدیکی حسن‌آباد واقع‌شده‌اند ونیز تکیه‌گلبنده‌ها در نزدیك امامزاده احمد قراردارد .

۱۰ ـ بازار غاز :

این بازار ازآخر گلبهار شروع وبه‌محله جوباره اتصال داشت وازطرف دیگر بواسطه‌بازارخروجی‌بزازها ببازاربزرگ‌متصل میشداوکنون‌دربین‌خیابان رضاپهلوی وکمال اسماعیل قراردارد .

۱۱ ـ بازار ریسمان :

این بازار ازانشعابات بازارعربان وبه‌میدان هاتف متصل ومدرسه کاسه‌گران درآن بازار (ریسمان) واقع است .

۱۲ ـ بازار نجف‌آبادیها :

این بازارازمنشعبات بازار عربان قدیم بوده است وسراهائی که دراین بازار

قراردارند: خانی واردستانی میباشد. ازاین بازارکوچه‌ای منشعب میشودکه به دو مناره گنبد سلطان‌بخت آغا ملکه آل‌مظفر میرسد، دروسط راه حمام کوچکی است ازآثار شیخ بهائی (۱).

۱۳ ـ بازارمقابل بازارعربان :

این بازار بازاری است مقابل بازار عربان از جانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه تا محل معروف به‌پادرخت سوخته یادرخت سوخته، این قسمت نیز از بازارهای قدیمی اصفهان و از منشعبات آن بـازار هارونیه است که تامسجد علی ادامه دارد، ودرقدیم‌این بازاررا بازار بوریابافها مینامیدند وسرائی هم هنوزبنام سرای بوریابافها باقی است. انشعاب دیگر بازار عربان بازارچه آقا میباشد. سراهای واقع دراین بازار: سرای‌آقا وسرای پادرخت سوخته است. یکی ازدرهای هارونیه از بناهای دورمیش‌خان‌شاملو (۹۱۸هـ.ق) دراین بازارچه میباشد، قسمتی ازکاشیکاری سردرآن مورددستبرد وخرابی قرارگرفته است، باغچه عباسی که

---

۱ ـ حمام شیخ بهائی مانند حمام علیقلی‌آقا دوحمام است، کوچك وبزرگ، زنانه‌ومردانه، ولی بطرح وطرز دیگرعالی ومرغوب است ومذکور ومعروف است که آن حمام تازمان غلبه افغان دربـگلخن آن بسته وگل گرفته بوده وهیچ آتش درآن نمیشده، هرروزه آب تازه‌روی خزانه میکردند آبش بیك میزان گرم بوده است، تاآن زمان سرش را بازکردندکه سرش‌را بیابند، چراغی دیده بودند روشن زیرپاطیل‌گذاشته بمجرد بازشدن گلخن فوراًچراغ‌خاموش شده غالب‌اهل اصفهان‌هم اعتقاد بروقوع این مطلب دارند، صدق وکذب‌آن راخداداناست، چله‌خانه دارد بسیاربزرگ در سرحمام که یك درآن بخانه شیخ باز بوده حال درب روبخانه را گرفته‌اند ازوصله‌های شیخ‌مرحوم چیزی که کماکان درآن حمام تاکنون‌باقی است‌جام‌برنجی پشت‌ورو، آیات واعداد کنده شده است‌که میگویند افسون‌کردهٔ شیخ است وازشهروبلوکات هرکس بداند برای حاجات مردوزن میروند و آب ازآن جام برسرمیکنند واز جماعت کثیر شنیده شده‌که گشایش حاصل کرده‌اند، اززمانی‌که حمام مزبورساخته شده اکنون بازار این حمام بهمین‌جهت رواجی دارد دیگرخلایق بحسن عقیده و اعتقاد صاف خود بمطلب میرسند، یااینکه درواقع اثرجام است، کسی نمیداند عالم‌السرایر خدا است. (جغرافیای اصفهان از ص ۲۰ تا ص۲۱ که با گزارش (۱۳۰۰ هـ.ق) میرزاعلیخان نائینی مطابقت دارد) نگارنده بخاطردارم وباین‌حمام رفته‌بودم (بین‌سالهای (۱۳۰۷تا۱۳۰۰ شمسی) وچنین‌جامی که اعداد روی‌آن کنده شده بود وکلماتی ازقرآن نیزدیده میشد در خزانه حمام وجود داشت و هرکس میل داشت ازآن جام برنجی آب برسر میریخت.

درحدود سال (۱۰۰۰ه.ق) محل اقامت شاه‌عباس کبیر بوده درجانب غرب این‌بازار واقع ودر مقابل هارونیه میباشد.

۱۴ ـ بازار درتالار = بازار نیماورد:

این بازار ازپادرخت سوخته تاچهارسوی درباغ قلندرها ممتد ودنباله همان بازارهای قدیمی اصفهان است که ساختمان آن مربوط به پیش از سلاطین صفوید میباشد.

ازسراهای معروف این بازار است: سرای سفید، میراسماعیل، مردارکشها (مروارید فروشها)، میرزا کوچك، سرای تالار، سرای حاج کریم (سه سرای اخیر تجارتی است)، سرای خوانساریها، تیمچه قزوینیها.

۱۵ ـ بازار نیم‌آورد:

ازبازار تالاربازاری منشعب میشود بنام بازارنیم‌آورد وبخیابان جدید متصل میگردد، مدرسه تاریخی نیم‌آورد که ازبناهای عهد شاه‌سلیمان صفوی است دراین بازار واقع ونیز مساجد: خیاطها، مسجدنو، مسجد ذوالفقار، مسجد شیشه‌واقع درجنب باغ قلندرهاکه کتیبه آن بخط محمدرضا امامی و تاریخ آن (۱۱۰۰ه.ق) قمری است دراین بازار قراردارند.

۱۶ ـ بازار زرگرها:

بازاری است‌که ازچهارسوی کرباس‌فروشها ببازار قهوه‌کاشیها منتهی میشود، دروسط‌آن چهارسوئی است وبدارالشفاء منشعب میشود. چنانکه گفته شده مسجد کوچك دارالشفاءِ در این بازار انشعابی قراردارد.

۱۷ ـ بازار تفنگ‌سازها:

این بازارکه ازاحداثات عصرشاه‌عباس بزرگ است از درسرای مخلص‌ببازار سماورسازها می‌پیوندد و بازار انشعابی آن چنانکه گفته شده بازار چخماق‌سازها است که هردوبازار زمانی بنام شمشیرگرها موسوم بوده‌اند.

۱۸ - بازار کلاهدوزها :

این بازار بدرقیصریه منتهی میشود ومقابل بازار قنادها واقع گردیده است.

۱۹ - بازار قنادها :

در عهد صفویه این بازار مخصوص قلمزنها و قندیل‌سازان بوده و در دوران قاجاریه تبدیل ببازار قنادیها شده است.

۲۰ - بازارشاهی = بازارچه بلند :

این بازاریابازارچه درخیابان چهارباغ‌واقع ودرعصر صفوی بکوی‌شاهزادگان متصل میشده وآن را بنام شاهزادگان مینامیدند. باقی مانده این بازار نفیس انبار دخانیات است، ازمدرسه چهارباغ وسرای فتحیه (مهمان‌سرای کنونی شاه‌عباس) و باغ هشت بهشت درهائی باین بازاربازمیشده است. این بازار درتاریخ حاضر تعمیر شده و مرکز فروش کارهای دستی اصفهان میباشد و بهمت متصدی قابلی از صورت اندراس بیرون آمده است ووضع کنونی نمودارگذشته دوران زیبائی این بازاراست.

۲۱ - بازار علیقلی آقا :

این بازاردرمحله بیدآباد واقع ودارای چهارسوئی زیبا میباشدکه دردوران شاه‌سلطان‌حسین بوسیله علیقلی‌آقا از درباریان احداث گردیده است در این بازار مسجد وحمامی نیز ازهمو قراردارد.

۲۲ - بازارمجلسی :

بازاری استکه ازنزدیکی مقبره مجلسی امتداد دارد، ومسجدجامع ومقبره مجلسی درنزدیکی این بازار قرارگرفته است.

۲۳- بازارجماله کله :

این بازار ازحدود نیم‌آورد بطرف مسجد حاج محمدجعفر آباده‌ای امتداد دارد و مسجد مزبور دراین بازار است.

۲۴ - بازارچه دردشت :

این بازارچه درمحله دردشت واقع‌گردیده وخود درحکم بازاربزرگی است.

۲۵ ـ بازارچه بیدآباد :

این بازارچه درحدود مسجدسید واقع ودارای طاقهای ضربی وگنبد وچهارسو نیز میباشد ومقداری ازآن دراثر وقوع درخیابان جدید خراب شده است. دراین بازارچه مسجد و مدرسه هم قراردارد.

۲۶ ـ بازارچه حمام قاضی :

این بازارچه درمحله دردشت نزدیك فلکه شهشهان قراردارد ومسجدکوچك حاجی یونس ازخواجگان شاه‌عباس ثانی که در(۱۰۷۳ ه.ق) بناشده دراین بازارچه میباشد[۱].

۲۷ ـ بازارچه خان :

این بازارچه درمحله دروازه‌نوواقع ومسجدکوچك سلیمان بیك ازکارگزاران شاه‌عباس ثانی که در (۱۰۷۲ ه.ق) احداث گردیده درآن قرار دارد.

۲۸ ـ بازارچه آقا :

همانطورکه گفته شده ازانشعابات بازارعربان ویکی ازدرهای هارون ولایت دراین بازارچه بازمیشود[۲].

۲۹ ـ بازار هارونیه :

این بازار ازبازاری که درمقابل بازار عربان ازجانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه میگذرد منشعب میگردد وتا مسجد علی ادامه دارد.

۳۰ ـ بازار بوریابافها :

این بازار همـان بازار هارونیه است که بمناسبت بودن کاروانسرائی بنام بوریابافها درآن محل‌که‌آنجا را بازار بوریابافها گفته‌اند وهنوزهم آن سرا وجود دارد و وجه تسمیه آن به این نام اشتغال عده‌ای در آن کاروانسرا به بوریا بافی بوده است.

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۱۱.   ۲ ـ بخشی از گنجینه آثارملی ص۱۰.

۳۱ ـ بازارچهارسوق شیرازیان :

این بازار درمحله چهارسوق شیرازیان قراردارد و بازار بزرگی است[۱] .

۳۲ ـ بازار میدان میر :

این بازار درمحله میدان میرواقع ومنشعب ازبازار عربان است .

۳۳ ـ بازار حبیب‌الله خان .

۳۴ ـ بازار خیار :

این بازار با بازاریکه بنام بازار ریسمان معروف است منطبق میگردد، چه سرائی که دربازار ریسمان بنام سرای بازارخیارنامیده میشود درهمان بازاری است که ریسمان نامیده میشود ومدرسه کاسه‌گران هم درهمین بازارکه نامهای مختلفی دارد قرارگرفته است .

۳۵ ـ بازارچه حاجیه خانم .

۳۶ ـ بازارچه حسن آباد .

۳۷ ـ بازار ساروتقی :

این بازارکه بقیه بازار ساروتقی اعتمادالدوله شاه‌عباس ثانی است میان بازار مقصودبیك وبازارچه حسن آباد واقع ودر نزدیکی امامزاده احمد قراردارد قسمتی از طاق بازارخراب و قسمتی برفراز سردر مسجد ساروتقی و منزلش باقی‌مانده که جالب است . مسجد ساروتقی ومنزل او دراین بازارواقع بوده است .

۳۸ ـ بازار مرغ :

این بازار روبروی مسجد جامع در خیابان هاتف واقع وشاید باعتبار اینکه درآنجا روزی مرغ میفروخته‌اند باین نام خوانده شده است .

۳۹ ـ بازاربزرگ اصفهان :

این بازار ازمیدان شاه شروع وبباز‌ار طوقچی ختم میشود ودراین‌بازارعمده سرایها وتیمچه‌ها ومساجد ومدارس اصفهان واقع گردیده است .

---

۱ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۰ .

۴۰ - بازارچه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای :

این بازارچه دردنباله بازار نیم‌آورد ودرمحله جماله‌کله واقع است. مسجد حاج‌محمد جعفرآباده‌ای و تیمچه حوابیگم دراین بازارچه قرارگرفته است[۱] .

۴۱ - بازارمنشی[۲] :

این بازار ازبناهای میرزا رضی‌منشی‌الممالك است‌که آثارزیادی چون قصر منشی وحمام‌منشی ومسجد‌منشی ازاو بجامانده است .

۴۲ - بازارنجارها :

این بازار ظاهراً جزء بازارهای متصل ببازار قیصریه است .

۴۳ - بازار گندم‌فروشان :

این بازار ازانشعابات میدان کهنه اصفهان است .

۴۴ - بازارچه اسماعیل کوسه :

این بازارچه درمحله باغات واقع و مناره‌کله که درزمان امیرتیمور از کله مردم اصفهان ساخته شده بود دراین بازارچه قرارداشته است[۳] .

یا - چهارسوها

این‌کلمه بدوقسم تلفظ ونوشته میشود، نخست چهارسو، ودیگری‌چهارسوق . وچون درشهر اصفهان این کلمه زیاد مورد محاوره است چندکلمه‌ای برای‌توضیح مطلب مینگارد :

چهارسو بمکانی اطلاق میشود که چهارسمت وگنبدی داشته باشد، حالاگاهی چهارسمت آن بازاراست درچنین فرضی آنجا را چهاربازار یاچهارسوق میخوانند و اما اگر چهار سمت آن بازار نباشد دیگر اطلاق کلمه چهارسوق مورد نخواهد داشت . ودرهرحال چه چهارسمت بازارباشد چه نباشد اطلاق چهارسوبرآن درست خواهد بود ازاینرو درتمام موارد این کلمه را بلفظ چهارسو بکارمیبریم :

۱و۲ ـ تاریخچه محله خاجو ص۸۶ .   ۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۳۳ .

۱ - چهارسو شیرازیها :

این چهارسو دربازار محله چهارسوشیرازیها واقع وازبناهای قطب‌الدین‌علی باب‌الدشتی (۹۵۵ ه.ق) وجزء بخش۱ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد. گنبد این چهارسو ازمیان رفته است .

۲ - چهارسو شاه :

این چهارسو در اول بازارشاه و نزدیکی مدرسه ملا عبدالله وحمام شاه واقع میباشد .

۳ - چهارسو درشیخ :

این چهارسو که بسیار وسیع و مرتفع است در نزدیکی محله شیخ ابومسعود رازی قرارگرفته است .

۴ - چهارسو آجری :

این چهارسو که بمناسبت ساختمان آن باآجر بنام آجری معروف است‌در محله خاجو واقع گردیده است .

۵ - چهارسو نقاشی یا چهارسو اسفندیار بیك :

شرح این چهارسو هم درباب آثاریکه نامی فقط از آنها مانده‌بیان گردیده است ونیازی بتکرار نیست .

۶ - چهارسو نمکی :

این چهارسو هم که از ساختمانهای زمان دیالمه بوده و اینك جزنام اثری ندارد درجای خود شرح داده شده است .

۷ - چهارسوی قیصریه . ۸- چهارسوی بازار مثقالی فروشها .
۹ - چهارسوی بازار چیت‌سازها . ۱۰- چهارسوی امامزاده اسماعیل.
۱۱ - چهارسومقصود . ۱۲- چهارسوعلیقلی‌آقا . ۱۳- چهارسوی بیدآباد . ۱۴ - چهارسوی دروازه‌نو واقع در محله دروازه‌نو .

۱۵ - چهارسو فریدون واقع درمحله خاجو .

۱۶ - چهارسو مخلص :

این چهارسو درنزدیکی سرای مخلص دربازاربزرگ میباشد که کمی زیرتر از سرای مخلص بطرف شمال ساخته‌اند . چهارسوهای دیگری نیز وجود دارد که معروفیتی ندارند .

۱۷ - چهارسوچوبی :

این چهارسو که ازچهارسوهای بزرگ است در قسمت خاجوی کوچك قرار دارد واز مستحدثات زمان صفویه است[1] .

۱۸ - چهارسو کوچك :

این چهارسو درچهارسو شیرازیها وبجانب مشرق آن واقع است .

۱۹ - چهارسوی ساروتقی :

این چهارسو در بازار قهوه‌کاشیها واقع و مسجد و کاروانسرائی نیز از همان ساروتقی بجامانده بوده‌که کاروانسرای آن دردست مالك‌آن ومسجد بحال‌نیم‌ویران افتاده است . واحد ساختمانهای منسوب به ساروتقی عبارت از : بازار- چهارسو - کاروانسرا ومسجد میباشد .

این سه‌واحد ازبازاراصلی منشعب میشود، کاروانسرا درضلع شمالی‌چهارسو ومسجد ساروتقی درایوان‌جنوبی آن‌واقع است. درحال حاضر کاروانسرا با تغییراتی که درآن داده‌شده معمورشده ولی مسجد وضع اسفناکی دارد وقسمتی ازمقرنسهای آجری سردر وکتیبه‌خط ثلث‌آن‌که بقلم محمدرضا امامی‌است ریخته وازبین رفته است. سقف بازارآن دربعضی قسمتها فروریخته ، این بازارچون درقدیم معبرمردم بمیدان قدیم بوده وضع بهتری داشته است ولی اکنون‌که مسیر تغییرکرده بصورت یك بازارچه متروك در آمده است .

دراطراف‌چهارسودرهشت لوحه دربالای چهارگوشواره زوایای چهارسو بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمدرضا امامی ومورخ

---

۱ ــ تاریخچه محله خواجو ص۱۵ .

بسال (۱۰۵۶ ه.ق) چهاربیت شعر نوشته شده است که فرد آخر آن حاکی است که بنای مزبور پس‌ازگذشتن یکسال ازکشته‌شدن او باتمام رسیده است . اشعار مزبور چنین خوانده میشود :

دولت عباس ثانی در جهان . . . .
خاك درگاهش . . . . چشم . . . از شرف شد جانشین توتیا
سال تاریخش چوجستم از خرد در ره این مصرعم شد رهنما
حاسد شه را سرافکندند و شد « چارارکان چار رکن این بنا»
(۱۰۵۶)

ودریك نیم‌لوح درآخر این اشعاربخط نستعلیق‌سفیدبرزمینه کاشی‌لاجوردی رنگ نوشته شده است :

«کتبه‌المذنب‌المحتاج محمدرضا الامامی» .

بریکی ازدیوارهای بازارچهارسوی مزبورکه درحال ویرانی است‌لوح‌سنگی بطول نیم‌متر و عرض سی‌سانتیمتر نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« مخفی نماندکه چهاردانگ ازدکان نشاسته‌گری جنب‌چهارسوق ساروتقی »
« بامتعلقات‌آن به‌موجب وقفنامه جداگانه وقف است برتعزیه‌داری جناب خامس »
« آل‌عبا حضرت سیدالشهداءِ علیه‌الاف‌التحیة والثناءِ ویکدانگ دیگروقف است »
« برامامزاده واجب‌التعظیم امامزاده اسماعیل. هرکس تبدیل وتغییردهد به‌لعنت »
« خدا ونفرین رسول گرفتارشود . فی‌غره ذیحجةالحرام ۱۲۹۸ . »[۱]

یب ـ حمامها

اصفهان در زمان صفویه حمامهای بسیار داشته که بویرانی گرائیده است و بیشترآنها اززمان تراکمه ودیالمه باقی مانده بوده که درفتنه افغان و بعد دراثراز

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۴۹ تا ص۵۵۲ .

بین رفتن جمعیت بتدریج ازمیان رفته است.

هنگامیکه مؤلف جغرافیای اصفهان کتاب خود را تألیف میکرده حمام‌های اصفهان را ۷۲ باب یاد کرده است که گمان دارم این عدد تقریبی بوده است والا ممکن نیست حمامهای شهر اصفهان باین عدد تقلیل یافته‌باشد درهرحال حمامهای معروف اصفهان ازاین قرار است :

۱ ـ حمام شاه :

این حمام درچهارسوی شاه ونزدیکی سردر مدرسه ملاعبدالله وابتدای بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده است .

۲ ـ حمام خان :

حمامی است‌که شیخعلی‌خان زنگنه مولود (۲۲ـ۱۰۲۰ هـ. ق) و متوفی (۱۱ محرم۱۱۰۱هـ.ق) در دوره سلطنت‌شاه سلیمان درمحله ترواسکان بنا کرده وتاکنون دائر است .

۳ ـ حمام علیشاه = شاه‌علی :

این‌حمام را علیشاه فرزند تکش‌سلطان خوارزم درقرن ششم هجری‌هنگامی که والی اصفهان بوده ساخته است[۱] .

۴ ـ حمام علیقلی آقا :

این حمام دربازار علیقلی آقا در محله بیدآباد واقع وشاخه مادی فدین بنام نهر باباحسن ازمیان آن میگذرد حمام مزبور ازاحداثات علیقلی آقا ازخواجگان حرم شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین صفوی میباشد که در قرن دوازدهم هجری (۱۱۱۲ هـ.ق) پایان یافته است[۲] . آثارتاریخی آن به‌موزه چهلستون انتقال و طی شماره ۲۲۶ ـ ۲۲/۹/۱۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۳] .

۵ ـ حمام کوچك علیقلی آقا :

این حمام درپهلوی حمام بزرگ ساخته شده که هروقت حمام‌بزرگ مردانه باشد این حمام اختصاص بزنان داشته باشد واین دوحمام وقف برمسجد علیقلی‌آقا

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۹ .   ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۳ .

۳ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی‌ایران ص۵۹ .

که درمجاورت حمامها بنا شده قرارداده شده است[1] .

۶ـ حمام خسرو آقا :

این حمام درقسمت شمالی میدان معروف به چهارحوض واقع شده و اینك میدان‌تبدیل به‌عمارات‌گردیده است. خسرو آقا برادر علیقلی‌آقا و از خواجگان حرم‌شاه سلیمان صفوی بوده است .

حمام مزبور بسیار زیبا و جامه خانه آن چون دیوان خانه بنظر میآید و گرمخانه بکمال اسلوب ساخته شده است. این حمام‌صحن داخل و خارجش محاذی سطح زمین است و هوای آن مطلقا غلطتی ندارد[2] .

۷ ـ حمام بیگدلی :

این‌حمام‌درطرف مشرق شمالی میدان‌شاه واقع ودرکوچه معروف به‌بیگدلی قرارگرفته است .

۸ ـ حمام شاهزادها :

این حمام محاذی بازار رنگرزان و مجاور مدرسه شاهزادگان قرار گرفته بوده که بوسیله یکی ازشاهزاده‌های صفوی ساخته شده ومدرسه‌آن که دوطبقه بود خراب وتبدیل بدبستان جدیدالاحداثی گردیده است[3] .

۹ ـ حمام شیخ بهائی :

این حمام‌که توصیف آن درپیش گذشته تبدیل بحمام جدیدی شده وآثاری ازگذشته درآن دیده نمیشود .

۱۰ـ حمام‌نو . ۱۱ـ حمام‌کرسی . ۱۲ـ حمام گود . ۱۳ ـ حمام ذوالفقار . ۱۴ـ حمام خاجو . ۱۵ـ حمام دردشت . ۱۶ـ حمام دوقلودر بیدآباد . ۱۷ـ حمام زعفران . ۱۸ـ حمام وزیر . ۱۹ ـ حمام شوری . ۲۰ـحمام‌حاجی‌هادی . ۲۱ـ حمام‌آقاتیمور . ۲۲ـحمام چادردوز ۲۳ـحمام

۱و۲ـ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۷۹ . ۳ ـ نگارنده درحال عمران مدرسه‌را دیده بودم دوطبقه و پر ازطلاب علوم دینی بود .

درویشان . ۲۴ـ حمام درقهوه‌خانه . ۲۵ـ حمام محمدصالح. ۲۶ـ حمام محمدکریم‌بیك . ۲۷ـ حمام منشی . ۲۸ـ حمام میرقاسم . ۲۹ ـ حمام فروهر . ۳۰ـ حمام‌خوره‌آزاد . ۳۱ـ حمام شریف .

یج- کاروانسراها و تیمچه‌ها

دردوران صفویه عدد کاروانسراهای اصفهان بسیاربوده که پس‌ازفترت‌افغان روزبروز برکاهش آن افزوده است .

شماره‌کاروانسراها وتیمچه‌های‌اصفهان بطورکلی درهنگام تألیف‌الاصفهان‌که اوایل قرن حاضر بوده یکصدوچهل‌وچهار باب بوده است که در ذیل بترتیب درج میگردد[1] .

۱ـ کاروانسرای آفتابگاه . ۲ـ کاروانسرای آقا . ۳ ـ کاروانسرای اردستانیها. ۴ـکاروانسرای اسکرو. ۵ـکاروانسرای‌اناریها. ۶ـکاروانسرای بارانداز . ۷ـ باربند گلشن . ۸ـکاروانسرای‌بازارخیار. ۹ـکاروانسرای بازار کفشدوزها . ۱۰ ـ کاروانسرای بانك استقراضی . ۱۱ ـ کاروانسرای بخشعلی. ۱۲ـکاروانسرای‌بروجنیها. ۱۳ـکاروانسرای‌بلبلیها. ۱۴ـکاروانسرای بوریاباف. ۱۵ـکاروانسرای‌بیگدلی. ۱۶ـکاروانسرای‌پاسنگ. ۱۷ـکاروانسرای پای درخت . ۱۸ ـ کاروانسرای پستخانه . ۱۹ ـ کاروانسرای پیزری . ۲۰ ـ کاروانسرای توتی . ۲۱ ـ کاروانسرای تیمچه . ۲۲ ـ کاروانسرای جارچی. ۲۳ـکاروانسرای جلوخان‌میدان. ۲۴ـکاروانسرای چهارسومقصود. ۲۵ـکاروانسرای‌چیت‌سازی . ۲۶ـکاروانسرای‌حاجی‌باقر. ۲۷ـکاروانسرای حاجی بنان‌السلطنه . ۲۸ ـ کاروانسرای حاجی‌حیدر . ۲۹ ـ کاروانسرای حاجی عبدالصمد. ۳۰ـکاروانسرای حاجی‌علینقی. ۳۱ـکاروانسرای حاجی غلامرضا. ۳۲ـکاروانسرای‌حاجی‌غلامعلی. ۳۳ـکاروانسرای حاجی‌غلامعلی‌عصار.

۱ـ الاصفهان ازص۵۷ تاص۵۹ .

۳۴_کاروانسرای حاجی کریم. ۳۵و۳۶_کاروانسرای حاج محمدحسین ارباب دو باب. ۳۷_کاروانسرای حاجی محمدرضا عرب. ۳۸_کاروانسرای حاجی محمدعلی. ۳۹_کاروانسرای حاجی محمدکاظم. ۴۰_کاروانسرای حاجی مشیرالملك. ۴۱_کاروانسرای حاجی یوسف. ۴۲_کاروانسرای حسن آباد. ۴۳_کاروانسرای حسین علاف. ۴۴_کاروانسرای حوض. ۴۵_کاروانسرای خاجو. ۴۶_کاروانسرای خانی. ۴۷_کاروانسرای خسرو آقا. ۴۸_کاروانسرای خواجه علم. ۴۹_کاروانسرای خوانساریها. ۵۰_کاروانسرای دالان دراز. ۵۱_کاروانسرای دخانیات. ۵۲_کاروانسرای در نیم آورد. ۵۳_کاروانسرای دروازه دردشت. ۵۴_کاروانسرای دومنار. ۵۵_کاروانسرای زفره ایها. ۵۶_کاروانسرای زیگلر. ۵۷_کاروانسرای ساروتقی. ۵۸_کاروانسرای سرچاه. ۵۹_کاروانسرای سفید. ۶۰_کاروانسرای سلطانی. ۶۱_کاروانسرای سنگتراشان ۶۲_کاروانسرای سیدحسن. ۶۳_کاروانسرای سیورساتخانه. ۶۴_کاروانسرای شاه. ۶۵_کاروانسرای شاه‌علی. ۶۶_کاروانسرای شماعیها. ۶۷_کاروانسرای شیشه باغ قلندرها. ۶۸_کاروانسرای شیشه‌گری. ۶۹_کاروانسرای شیشه‌گری مسجدنو. ۷۰_کاروانسرای صفا. ۷۱_کاروانسرای طالار. ۷۲_کاروانسرای عبابافی. ۷۳_کاروانسرای عربها. ۷۴_کاروانسرای عزیزالله. ۷۵_کاروانسرای عطاء. ۷۶_کاروانسرای علی‌اکبر. ۷۷_کاروانسرای علیقلی آقا. ۷۸_کاروانسرای علی‌محمد. ۷۹_کاروانسرای غلامحسین. ۸۰_کاروانسرای غلامعلی. ۸۱_کاروانسرای فخر. ۸۲_کاروانسرای فعله‌گاه. ۸۳_کاروانسرای فیل. ۸۴_کاروانسرای قالی‌بافها. ۸۵_کاروانسرای قهرودیها. ۸۶و۸۷_کاروانسرای قیچی‌سازها دو باب. ۸۸_کاروانسرای کهنه‌چین‌ها. ۸۹_کاروانسرای گلشن. ۹۰_کاروانسرای لنج. ۹۱_کاروانسرای ماست‌بندی. ۹۲_کاروانسرای محمدصادق‌خان. ۹۳_کاروانسرای محمدعلاف. ۹۴_کاروانسرای محمد یوشنی. ۹۵_کاروانسرای مخلص. ۹۶_کاروانسرای مرتضی‌خان.

۹۷ـ کاروانسرای مردارکشها(مهره کشها). ۹۸ـ کاروانسرای مرغ ۹۹ـ کاروانسرای مسجد علی. ۱۰۰ ـ کاروانسرای مشهدی ابراهیم. ۱۰۱ ـ کاروانسرای مشهدی باقر. ۱۰۲ ـ کاروانسرای مشهدی رجبعلی. ۱۰۳ ـ کاروانسرای مصطفی. ۱۰۴ـ کاروانسرای مغزی. ۱۰۵ـ کاروانسرای ملاباشی. ۱۰۶ـ کاروانسرای ملك. ۱۰۷ ـ کاروانسرای منجم. ۱۰۸ ـ کاروانسرای میراسماعیل. ۱۰۹ـ کاروانسرای میرپنج. ۱۱۰ـ کاروانسرای میرحاج. ۱۱۱ـ کاروانسرای میرزاحسین. ۱۱۲ـ کاروانسرای مقصود. ۱۱۳ـ کاروانسرای میرزاکوچك ۱۱۴ـ کاروانسرای نادعلی. ۱۱۵ـ کاروانسرای نجات. ۱۱۶ـ کاروانسرای نجف آبادیها. ۱۱۷ ـ کاروانسرای نو. ۱۱۸ ـ کاروانسرای نقش جهان. ۱۱۹ ـ کاروانسرای هندوها. ۱۲۰ ـ کاروانسرای یاور. ۱۲۱ ـ تیمچه حاجی عظیم. ۱۲۲ـ تیمچه حاج سیدعبدالرحیم. ۱۲۳ـ تیمچه حوابیگم. ۱۲۴ـ تیمچه زنجیرخانه. ۱۲۵ـ تیمچه حمام وزیر. ۱۲۶ـ تیمچه تخت کشی. ۱۲۷ ـ تیمچه حاجی سید مصطفی. ۱۲۸ ـ تیمچه یزدیها. ۱۲۹ ـ تیمچه حاجی کریم پوستی. ۱۳۰ـ تیمچه محمودیه. ۱۳۱ـ تیمچه حاجی محمدحسین حریری. ۱۳۲ـ تیمچه ارباب. ۱۳۳ـ تیمچه حاجی رضا. ۱۳۴ـ تیمچه حاجی علینقی. ۱۳۵ ـ تیمچه قهوه کاشیها. ۱۳۶ ـ تیمچه ملك. ۱۳۷ـ تیمچه نبی. ۱۳۸ـ تیمچه چهارسوق مقصود. ۱۳۹ـ تیمچه پاقلعه. ۱۴۰ـ تیمچه میرزا علی اکبر. ۱۴۱ـ تیمچه عبابافی نارون. ۱۴۲ـ تیمچه سعادت. ۱۴۳ـ تیمچه ضرابی. ۱۴۴ـ تیمچه مهره کشها.

درواقع عدد کاروانسرا اعم از تجارتی و مال بند و تیمچه‌ها در ۱۳۰۳ شمسی بالغ بر یکصدوچهل وچهار باب بوده است.

تیمچه ملك که درضمن تیمچه‌ها نگاشته شد از احداثات حاج محمدابراهیم ملك التجار اصفهانی است که ازمردان خیراصفهان بشمارمیرفته است. تیمچه مزبور ازتیمچه‌های معروف دربازار اصفهان است ودارای کتیبه وتزیینات کاشیکاری میباشد. کتیبه اشعارفارسی داخل آن که گوینده آن طرب اصفهانی فرزند همای شیرازی وبخط

نستعلیق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بربالای درورودی نوشته شده چنین است[1]:

در زمان خسرو ایران مظفر پادشاه — آن شهنشاهی که نامش زیب هفت اقلیم شد
هم بدور ظل سلطان حکمران اصفهان — آنکه خم پشت سپهرش از پی تعلیم شد
دراوان این دورخشان مهروماه مملکت — این سرا بنیان اواز میر با تکریم شد
بس بسرکاری ابراهیم و محمود این بنا — غیرت خلدبرین فی احسن التقویم شد
الغرض چون ساخت این عالی بنا را میر راد — عقل را تاریخش از روح الامین تعلیم شد
زدرقم کلك گهرسلك طرب تاریخ او: — این بنابرپا در اصفهان از ابراهیم شد»
(۱۳۲۲)

و اشعار داخل تیمچه بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اثرطبع میرزا محمد سها فرزند دیگر همای شیرازی بشرح زیراست :

دوره شاه جهان مظفردین شاه — آنکه بودشاه و ملتجای تجارت
خسرو گیتی ستان شهنشه دوران — آنکه ازاو شد بپا بنای تجارت
دست کرم تا نهاد برسر تجار — برسر گردون نهاد پای تجارت
ملك تجارت زپاس امن چوفرمود — ماه درخشنده سمای تجارت
طبع سها . . . سلطان — ساخت ملك این بنا برای تجارت
ساخت درایام نیربن دوشاهی — حاج ملك این نکو سرای تجارت
وه چه سرائی زباغ جنت قصری — قصرجنان بینکه گشته جای تجارت
حاج ملك ساخت ازفتوت وهمت — روضه خلدبرین برای تجارت
جای سرای تجارتی زکرم ساخت — تازه سرائی پی نمای تجارت

(سلام علی ابراهیم)

زنده تجارت شد ازعطای نبوت — زنده بود عالم از عطای تجارت
باب تجارت گشود احمد محمود — آنکه بود شاه وپیشوای تجارت
خواجه والاگهر سمی بن آذر — آنکه بخورشیدزد لوای تجارت
اعنی نسل حسن سلیل محمد — آنکه بود صدراصدقای تجارت

---

۱ ــ نقل ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۸۳۴ تا ص۸۳۶ .

خان رفیعی بنا نهادو شدآن خان | عدل دراو گشت کدخدای تجارت
تا گره غم گشاد از دل تجار | رأی ملك شد گره گشای تجارت
دوخته خیاط صنع از ید تقدیر | نیست ملك جم ولیك . . . تجارت
جمله دعای ملك کند چو ببندد | برشتران ساربان درای تجارت
ازپی حفظ ملك بکنگره عرش | روح الامین میکند دعای تجارت
مهر فروزنده سپهر نبوت | . . . . تجارت
گشت مهندس دراینسرای چومحمود | . . . . تجارت
، . . گفت بتاریخ : | « به به زیبا بود سرای تجارت»
(۱۳۲۲)

دروسط هردو مصراع از اشعار فوق الذکر جمله : (یا اباعبدالله الحسین) بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است .

ید - مهمانسرای شاه عباس کبیر

این مهمانسرا همان کاروانسرای جده یا مادرشاه است که درزمان شاه سلطان حسین صفوی درضلع شرقی مدرسه چهارباغ ساخته شده ودرچندسال قبل باحفظ نماهای داخل و تغییرات و اضافاتی تبدیل به مهمانسرا گردیده و اکنون بنام مهمانسرای شاه عباس کبیر موسوم است . (ش۳۸)

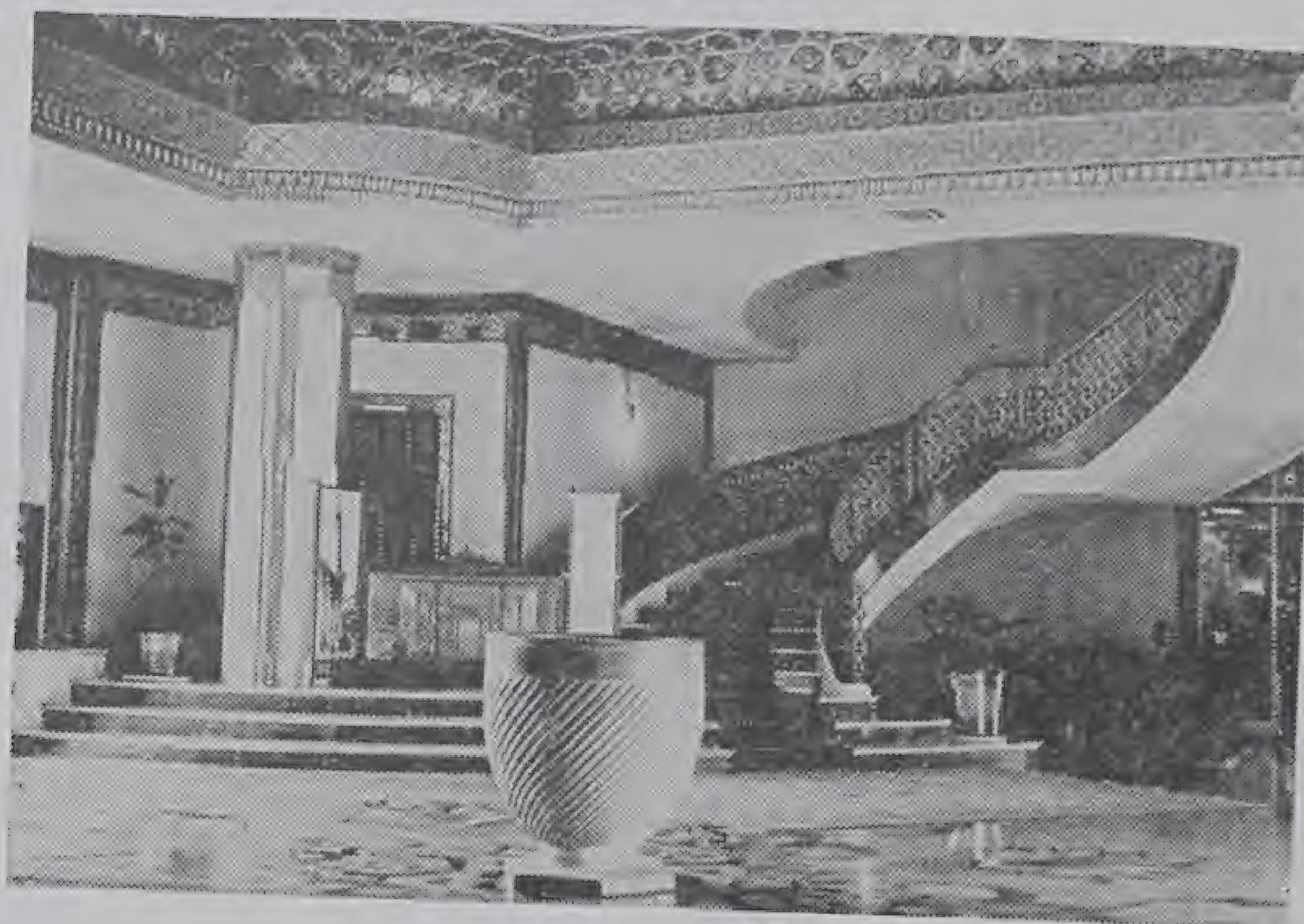
کاشی کاریهای داخلی این مهمانسرا نیز تعمیر گردیده و خلاصه اینك از مهمانسراهای با شکوهی است که هر تازه واردی از دیدنش خیره میگردد .
(ش۳۹)

یه - مناره ها

کلمه مناره مصدر میمی است ازفعل نار ثلاثی مجرد مانند مقامه ومنامه و معنی اسم مکان میدهد یعنی جای روشن.



(شکل ۳۸)



(شکل ۳۹)

منارهرا درقدیم‌الایام بین‌دو مرز میساختند و درآن چیزی نورانی قرار میدادند تامرز وابسته را نشان دهد وکم بکم درمیان راههای عمومی نیز اینگونه منارههارا بنا میکردند تامسافران وکاروانان بتوانندمسیر ومقصد خودرا بشناسند.

اول مناره‌ای که گفته‌اند بنا گردید مناره اسکندریه بود که ارتفاع آن دویست وسی‌ذراع بوده است.[1]

این‌گونه مناره‌ها بعداز اسلام ودرممالك اسلامی برای‌گفتن اذان بناگردید وازاینرو دربیشتر جاهائی‌که‌بعد ازاسلام احداث گردیده مناره‌ها پیوسته به‌مساجد ویا عماراتی است‌که جنبه مذهبی وتقدیس‌دارد.

بیشتر مساجدیکه درقرون اولیه اسلام ساخته شده مناره هم داشته است: مانند مسجد جورجیر اصفهان‌که نوشته‌اند مناره‌آن بیش ازیکصد[2] ذراع بوده و یا مسجد شهرستان که اینك اثری ازمسجد ومناره آن دیده نمیشود.

دراین‌مناره‌ها جائی‌هم برای مؤذن درنظرگرفته‌اند که درآنجا اذان بگوید وآن‌را مأذنه میگویند وروی این اصل‌است‌که بعضی ازمناره‌ها راکه درآن چنین جائی ساخته نشده مربوط به پیش‌از اسلام میدانند.

شرح مناره ها چنین است:

۱ـ مناره باغ قوشخانه:

این‌مناره در آخر قسمت شمالی محله جوباره واقع و در حاشیه زمینهای موردکشت قرارگرفته است. این‌محل‌را بنام طوقچی نیز میخوانند چه متصل‌بآن محله است و بعلاوه خود محله طوقچی هم از محلات متفرقه جوباره محسوب میشده است.

این‌مناره را بمناسبت این‌که در محل زراعتی باغ قوشخانه میباشد مناره باغ قوشخانه وچون درمحله طوقچی است مناره طوقچی وچون در مجاورت مقبره علی‌بن‌سهل است مناره علی‌بن سهل‌نیز می‌نامند.

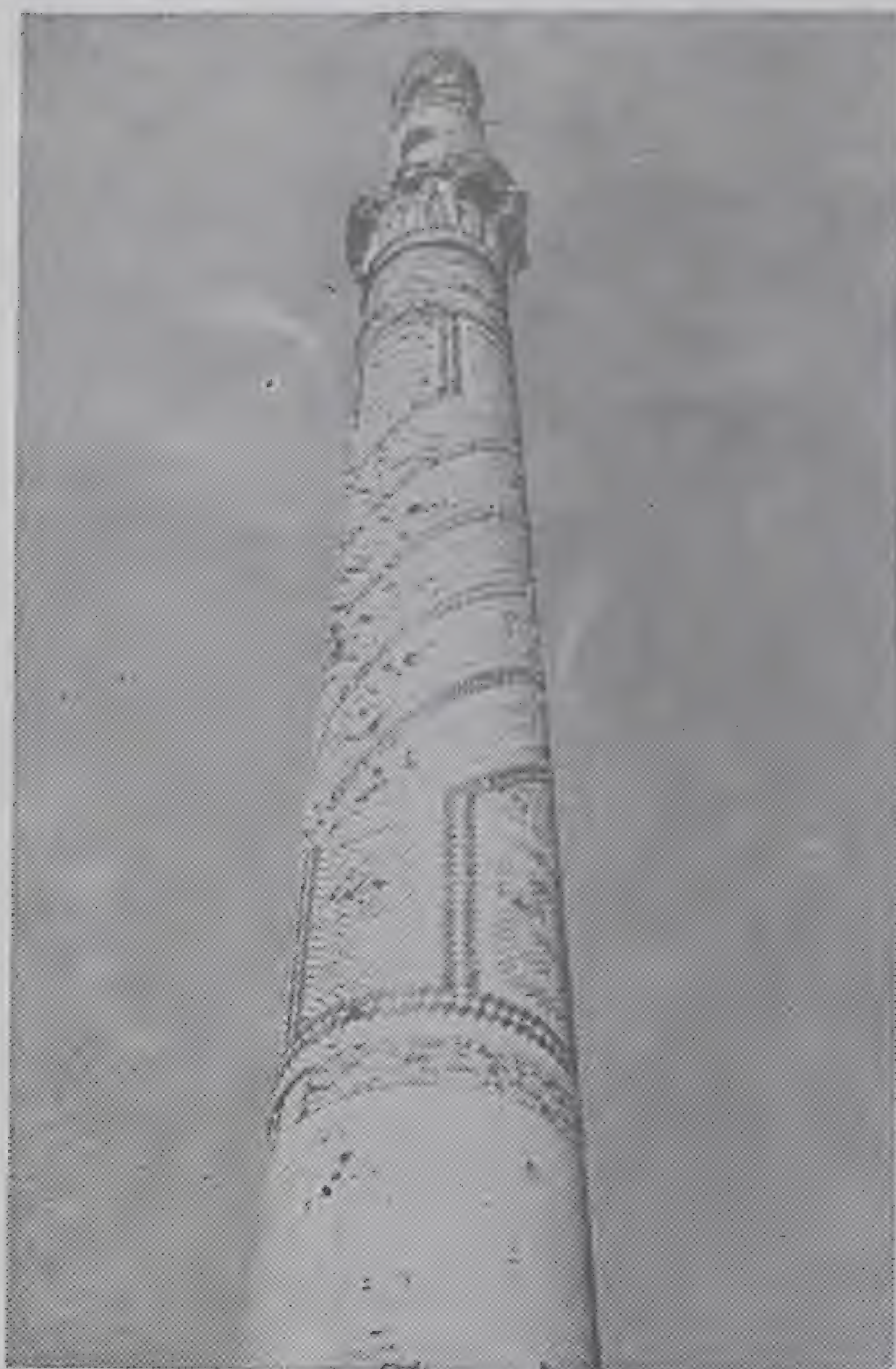
بلندی این‌مناره درحدود ۳۸ متر است. ازکتیبه مناره مزبور که درسه‌رگ خوانده میشود فقط کلمات: الی‌والله باقی‌مانده است[3] این مناره درقدیم دو باب

۱ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص۱۸۶ ۲ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۶۳

۳ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۱.

بوده و درطرفین مسجد بابا سوخته یامصلی قرار داشته‌که یکی از آن دو بامسجد مزبور خراب شده است.

این اثـر باستانی بموجب شماره ۳۱۳ ـ ۱۷/۸/۲۱ بثبت تـاریخی رسیده است[۱] (ش۴۰)



(شکل ۴۰)

ارتفاع مناره‌را برخی ۴۰ متر و تـاریخ بنای آنرا مربوط بقرن هشتم‌هجری‌دانسته‌اند. باغ قوشخانه که عوام آنرا قوچخانه می‌نـامند باغی بـوده جزءِ قصر سلطنتی‌کـه در آن در بدو امـر قـوشهای سلطنتی را نـگهداری میکرده‌اند وسپس‌درابتدای ورود شاه‌عباس‌کبیر باصفهان دراین‌محل اقامت‌کرده است.[۲]

۲ـ مناره ته برنجی :

این مناره نیز در محلـه جوباره اصفهان قرار داشت[۳] و نگارنده بخاطر دارم دخترانی‌که میخواستند بختشـان‌گشوده شود میرفتند در محل مناره و چون قسمتی از آن مناره ساقط شده بود روی آن دانه گردوئی میگذاشتند و بـر آن می‌نشستند و گـردو را میشکستند و بمناره خطاب میکردند و میخواستند که بخت آنان باز شود و اکنون دیگر اثـر درستی از آن باقی نیست .

۱ـ فهرست ابنیه تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۶ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۹ ۳ـ نصف‌جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۲

۳ـ مناره چهل دختران :

مناره مزبود درپایان جهت شمالی‌جوباره محل سکونت یهودیان واقع‌بوده وگویا درزمانهای قدیم متصل بعمارتی بوده‌که اکنون اثری از آن نیست و ارتفاع آنرا از ۲۱ متر [1] تا ۲۹ متر [2] گفته‌اند وظاهراً مقداری از سر آن افتاده است.

(ش۴۱)



(شکل ۴۱)

دربالای آن پنجره ایست‌که دهانه‌آن بشکل مستطیل ومواجه با قبله‌ساخته شده وسه‌کتیبه داردکه دوتاکوفی ویکی بخط نسخ‌قدیمی است. قسمت بالای‌پنجره ازچوب ودرطرفینش ستونهای کوچکی است‌که نیمی ازآنها درداخل دیوار مناره قرار دارد وبخوبی دانسته میشودکه مناره مزبور برای اذان‌گفتن ساخته شده‌است.

این‌مناره را سکنه اطراف بنام مناره گارلنگ و یا گارلند مینامند و شاید

۱ـگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹ — ۲ـ تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان ص۱۶۰

از آن‌نظر بوده‌که مبلغی مسیحی بهمین‌نام در اوائل قرن چهاردهم در آن اطـراف ساکن ویهودیان را تبلیغ‌میکرده است.[1] (ش ۴۲)

(شکل ۴۲)

متن کتیبه تاریخی‌را چنین نوشته‌اند :

«هذه‌المنارة بنیت من‌ماله»
«الاسفهسالارابی‌الفتح بن‌محمدبن»
« عبدالواحد النهوجـی تقربـاً»
« الی‌الله سبحانه و تعالی وابتغاء»
« مرضاته وجزیل ثوابه تقبل‌الله»
«منه برحمته وفرغ من اتمامها»
« فی سنة احـدی و خمسأتـه»
« هجرویة . »[2]

وکتیبه حـاکی است مناره مزبور در تاریخ سال پانصد و یك هجری بامخارج سپهسالارابوالفتح ابن محمدبن عبدالواحد نهوجی تقرباً الی‌الله ساخته شده است .

ولی با مراجعه دقیق بنوشته‌کتیبه آجری‌آن معلوم‌گردیدکه‌کلمه «من ماله» درست نیست بلکه (من‌مال) است ونیز کلمه (هجرویة) واوآن زیادی خوانده شده ونوشته کتیبه (هجریه) است . خلاصه اینکه در خود کتیبه (من‌مال) و (هجریة) نوشته شده است ودرست آن هم چنین است بدلائل زیر :

۱ ـ جمله : هذه‌المنارة بنیت من ماله‌الاسفهسار درست نیست زیرا کلمه بنیت مجهول است ومرجعی برای ضمیر من‌ماله نخواهد بود که این مناره از مال

۱و۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹

سپهسالار نهوجی ساخته شده است .

۲ـ هجرت درتمام مواردیکه یاءِ نسبت بآن ملحق میشود هجری واگرمؤنث باشد هجریة خواهد بود ودرمورد بحث هم چون هجریت صفت سنه است هجریة با تاءِ تأنیث آورده شده است .

درکتیبه دیگری بخط کوفی آجری برجسته بر زمینه آجری پنج آیه اول سوره طه بشرح زیر نوشته شده است[۱] :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . طه . ماانزلنا علیك‌القرآن‌لتشقی . الاتذکرة لمن»
«یخشی . تنزیلاً ممن خلق‌الارض والسموات‌العلی. الرحمن علی‌العرش استوی . »

درقسمت فوقانی قاعده مناره بخط ثلث برجسته برزمینه آجری کتیبه ذیل درپنج سطر بشرح زیر گچبری شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدرسول‌الله صلی‌الله»
«علیه ...... علی‌بن‌ابی‌طالب رضی‌الله عنهم اجمعین » که معلوم میشود در قسمتی که اسامی خلفاء ثلث نوشته شده بوده حك کرده‌اند . و در اصل چنین بوده که (بعد از رسول‌الله صلی‌الله علیه) : (ابوبکر و عمر و عثمان) محوگردیده است . و البته چون اصفهان تا زمان شاه‌اسماعیل صفوی مذهب تسنن رواج کامل داشته باید این حك اسامی خلفاء را مربوط بزمان صفویه وبعد دانست .

و اما بانی مناره چنانکه کتیبه حاکی است سپهسالار ابوالفتح‌بن محمدبن عبدالواحد نهوجی است که درزمان ملکشاه وجانشین اوسمت سپهسالاری داشته و رمسقط‌الرأسش نهوج ازقرای برزاوند اردستان بوده است . واین مناره برای‌اذان گفتن ساخته شده واحتمال میرود مسجدی هم داشته‌که ازبین رفته است .

وجه تسمیه آن به مناره چهل‌دختران معلوم نیست وکسی تاکنون متعرض آن نشده است . ممکن است در نزدیکی آن مناره گورستانی بنام چهل‌دختران بوده که سپس ازمیان رفته باشد . برخی آنرا مناره چهل‌اختران[۲] . خوانده‌اند

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۰ .
۲ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۶۰ .

وآن ممکن است از این نظر باشد که خانه‌های مربع آن که شبیه ستاره است در حدود چهل مربع وبیشتر بوده که باین نام شهرت یافته است . این مناره بموجب شماره ۲۳۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۴ ـ دومناره دارالضیاء = دارالضیافة :

این مناره‌ها درمحله جوباره در طرفین کوچه‌ای بنام حاج کاظم قراردارد و معلوم میگرددکه درقدیم جای کوچه عمارتی بوده‌که‌آن دومناره متصل‌بآن بوده‌اند وبمرورزمان ازمیان رفته است ولی آثار سردر مجللی‌که برفرازمناره‌ها میگذشته است دیده میشود .

چون کتیبه‌ها ازمیان رفته ویکی دوجمله بیشترباقی نمانده نمیتوان بطور قطع وجه‌تسمیه مناره‌ها را تعیین‌نمود وبایدگفت اگر دارالضیافة نام حقیقی‌مناره‌ها باشد عمارت ویران شده مهمانسرائی بوده برای فقراء و زهاد و امثال آنها که در هنگام ورود درآن مهمانسرا پذیرائی میشده‌اند، ولی معلوم نیست‌مهمانسرا بامناره چه ارتباطی دارد مگر اینکه گفته شود مهمانسرای مزبور جزء دستگاهی بوده که هم مسجد داشته وهم مهمانسرا و درواقع مانند خانقاهای قدیم چون خانقاه شاه علاءالدین‌محمد شهشهانی‌است که‌مجموعه‌ای ازمدرسه ومسجد وحسینیه ومهمانسرا وامثال آن بوده است واما اگرنام آن دارالضیاء باشد ممکن‌است گفت این‌دومناره برای روشنائی بوده یعنی درشبها برفراز مناره‌ها آتش میافروخته‌اند تا ازراه دور اصفهان را به‌بینند ومسیر خودرا گم نکنند و این وجه تسمیه با عمرمناره‌ها که گفته‌اند درحدود قرن هشتم هجری ساخته شده مباینت دارد[۲] . چه مناره‌هائی‌که برای روشنائی بنامیکردند مربوط به‌قرون اوائل بوده است . ممکن است هم‌گفته شود بانی‌مناره‌ها وساختمان موسوم به‌ضیاء بوده وساختمان را دارالضیاءِ نامیده‌اند. ساختمان اطراف مناره‌ها معروف به سنجریه است وازهمین‌جا ممکن‌است استنباط

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۸ .

۲ ـ پرفسور پوپ ایران شناس نامی تاریخ بنای مناره‌ها را قرن هشتم هجری وسمیث بنای آنسرا در ربع اول قرن هشتم میداند. (ترجمه آثار ایران ج۱ جزوه ۲ ص ۱۸۱)

کردکه ساختمان مزبور بامناره‌ها مرتبط باشد و در زمان سنجر ساخته شده باشد و تقریباً ازنظر تاریخ بنا مربوط به حدود قرن ششم میگردد. (ش ۴۳)



(شکل ۴۳)

از کتیبه زیر مقرنسهای بالای مناره که بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ است فقط جمله (و من دخله) باقی‌مانده‌که درواقع‌قسمتی از آیه :

«ان اول بیت وضع للناس»
«للذی ببکة مبارکاوهدی للعالمین»
«فیه آیات بینات مقام ابراهیم و»
«من دخله کان آمناً.» میباشد.

بنظر نگارنده این آیه دلالت دارد که محل مزبورمشتمل برمسجدی بوده و دراثر مرورزمان ازمیان رفته است.

در داخل مقرنسهای مناره‌ها هرسوسن یاطاس شامل یك‌کلمه است و کلمات موجود بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است:

«محمد» «وعلی» «وفاطمه» «والحسن» «والحسین».

پوشش تزیيناتی مناره‌های مزبور بخط بنائی فیروزه‌ای بر زمینه شطرنجی آجری درهفت ردیف بشرح زیراست:

ردیف اول کلمه (الله) ، ردیف دوم تکرار کلمه « اکبر » ، ردیف سوم تکرارکلمه (الله) ، ردیف چهارم تکرارکلمه «محمد» ، ردیف پنجم تکرار کلمه

«وعلی» ، ردیف ششم تکرار کلمه «وحسن» ، ردیف هفتم تکرار کلمه «و حسین»[1].
این مناره زیر شماره ۲۷۲ بثبت تاریخی رسیده است[2].

۵ - مناره ساربان :

این مناره هم درمحله جوباره درمیان فضائی وسیع واقع شده واز مناره‌های بسیارزیبای عهد سلاجقه دراصفهان است .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع باین مناره چنین نوشته است :

«این مناره که یکی اززیباترین مناره‌های عهد سلاجقه دراصفهان است در»
«انتهای شمالی محله جوباره ناحیه یهودی‌نشین‌اصفهان نزدیك مناره‌چهل‌دختران»
«درگوشه یك میدان‌کوچکی که یقیناً درزمان ساختمان‌آن محل مسجدکوچکی»
«درپای مناره‌بوده است واقع شده .»

«ارتفاع این مناره درحدود ۴۸متر است و محیط قاعده آن ۱۴متر میباشد و»
«ازپائین ببالا دارای هفت قسمت متمایزاست : »

«قسمت اول آن آجرچینی ساده است. قسمت دوم وسوم‌آن دارای‌تزیینات»
«عالی‌آجری میباشد . قسمت چهارم آن تاج اول مناره است‌که مقرنسهای آجری»
«توأم باکاشی فیروزه‌ای دارد وبسیارجالب وپرحالت‌است. قسمت پنجم‌آن‌تزیینات»
آجری است . قسمت ششم‌آن تاج‌دوم مناره است وقسمت هفتم آن‌تارك‌مناره‌است.»

«درقاعده دوتاج این مناره دوکتیبه بسیار زیبا از بهترین رنگ فیروزه‌ای»
«کاشی‌دیده وخوانده میشود . مناره مزبورکه ازارتفاع اولیه‌آن اندکی کاسته‌شده»
«است درحال حاضر بسمت مغرب متمایل شده واین تمایل از دورونزدیك کاملاً»
«نمایان است . سال ساختمان این مناره در کتیبه‌های فعلی آن موجود نیست لذا»
«بطور قطع نمیتوان زمان ساختمان آنرا معلوم کرد . پرفسورپوپ سال ساختمان»

---

۱ - گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان ص۲۹۱ .

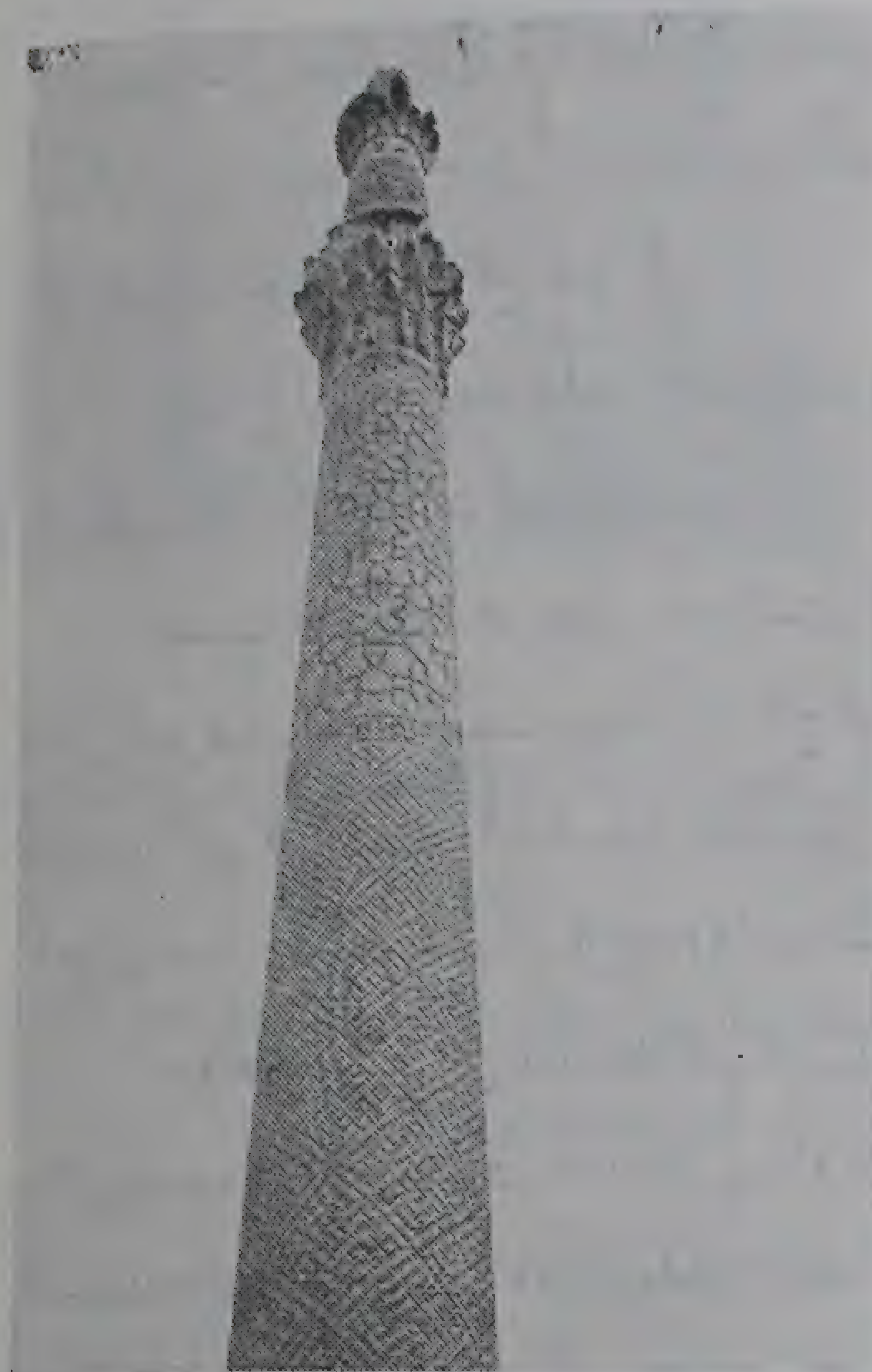
۲- فهرست بناهای‌تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص۳۵ .

«این مناره را اواخر قرن پنجم هجری میداند و آقای (مایرون بمنت سمیث) »
«ساختمان آنرا بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری تخمین زده است . کتیبه فوقانی»
«مقرنسهای تارك این مناره بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه آجری بشرح»
«زیراست : »

«لااله‌الاالله صادقا مخلصا محمد رسول‌الله» .

«کتیبه زیر مقرنسها بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه‌آجری بشرح»
زیراست : »

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال»
«اننی من‌المسلمین . »



(شکل ۴۴)

« کتیبه وسط این مناره »
«بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه»
«آجری‌تکرار نامهای: (محمد) »
« و(بوبکر) و (عمر) و(عثمان) »
و(علی) . »

درنصف‌تحتانی‌مناره مزبور و در اشکال مربع بخط بنائی فرو رفته بر زمینه شطرنجی و بطور درهم و بر هم عبارات زیر تکرار شده است : »

«(لااله‌الاهو) (وهو بکل »
« شیءٍ علیم) (و هوالسمیع »
«البصیر)[1] . » (ش۴۴)

درتاریخچه آثارتاریخی اصفهان نوشته شده که مناره ساربان بمناره مسجد

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۱۹۹ تا ص۲۰۳ .

علی شباهت دارد وارتفاع آن ۴۴/۲ متر ومدخل پلکان درارتفاع ۷ متری تنه‌مناره واقع شده وتعداد پلکانش ۱۳۵ است و پهنای پلکانها ۶۸ سانتیمتر است .

و نیز گفته است که ساختمان مناره متعلق بعهد سلجوقیان و بنا بگفته گدار فرانسوی مربوط بسالهای از ۵۲۵ تا ۵۵۰ هجری است .

کتیبه های مناره‌را چنین بیان‌کرده که از سه‌کتیبه کوفی تزیین یافته است :

۱ ـ کتیبه یکم باکاشی آبی عبارت : لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمدرسول‌الله بر آن منقوش است .

۲ـ کتیبه دوم شامل آیه ۳۳ سورهٔ فصلت قرآن است .

۳ـ کتیبه سوم بخط کوفی چهارگوش باآجر تراش بر روی کاشی آبی شامل اسامی: محمد (ص) وخلفای راشدین است .

این‌مناره کمی‌بسمت مغرب تمایل پیدا کرده وزیر مناره که خالی وبجای‌زیر زمین ازآن استفاده میکردند در سال یکهزار و سیصد وبیست وچهار شمسی‌بطرز خوبی بسته وپرشده است.[۱]

پس‌میتوان گفت که مناره ساربان ارتفاعش بین ۴۴/۲ متر تاحدود ۴۸ متر ومحیط قاعده آن ۱۴ متر ودارای ۱۳۵ پلکان وسه کتیبه کوفی میباشد و تاریخ ساختمان قرن پنجم وششم بوده است .

درکتاب نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان چنین‌گفته :[۲]

«ودرمحله‌جوباره‌هم‌چند مناره‌معتبر داردیکی‌ازآنهارا مناره‌ساربان‌مینامند»
« وازهمه این‌منارها منار ساربان‌بلندتر وخوشنماتر ساخته شده ومعتبرتر است و »
« بخاطر فقیر چنان‌میرسد که این‌مناررا نام منار سارویه بوده و درآن محل‌واقع»
« بوده است ، اسم آن محل متروك ومهجور شده وکسی نام سارویه ندانسته است »
« آنرا ساروان خیال‌کرده و بآن نام اشتهار یافته باشد والله‌اعلم . »

اما وجه تسمیه منار ساربان بنظر میرسد گفته نصف جهان درست باشد و

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه‌تاریخی‌اصفهان ص۱۶۲ ۲ـ نصف‌جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲

ساختمان سارویه‌که شرح آن در مبانی معدومة‌الاثر بیان گردیده در همین محله بوده وهنگامیکه خمارتکین تصرفاتی درآن بناکرد احتمال دارد این مناره را هم اوساخته باشد ومناره بنام محل اشتهار داشته وکم بکم سارویه به ساروان وساروان به‌ساربان تغییروضع داده است.

این‌مناره زیرشماره ۲۳۲ به ثبت تاریخی رسیده است. (۱)

۶ و ۷ ـ مناره های دردشت :

مناره‌ها که سر آنها افتاده وصل بساختمانی بوده که واحدی از مدرسه و مسجدی اززمان آل‌مظفررا تشکیل میداده و پس‌از خرابی مسجد و مدرسه تبدیل بکاروانسراگردیده و در زمان حاضرکاروانسراهم خانه شده است.

درجوار این دومناره مقبره‌ای است‌که گنبدی خشتی وبسیار زیبا و مرتفع دارد و درآن سنگ قبری است که ازآن نام صاحب قبر معلوم میگردد.

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع باین دو مناره چنین نوشته است : (۲)

« درمحله دردشت دومناره قدیمی کاشیکاری مغولی وجود دارد که قسمتی»
« ازسرآنها خراب شده ومیگویند هرکس قصدخرابی این‌دومناره‌را نموده ازبین »
« رفته است ومربوط بدوره دوم سلجوقی است. »

« این دومناره طرفین‌سردر مدرسه‌ای‌بوده‌که درزمان‌شاه ابواسحاق مسجدی»
« وجود داشته وخراب شده وبعدها بکاروانسرا وحالیه‌اراضی‌آن تبدیل بچندخانه»
« مسکونی گردیده واین دومناره بحالت مخروبه‌ای هنوز باقی است. درجنب‌این»
«دومناره مقبره‌ای است‌که‌گنبد خشتی بسیار زیبا وبلندی دارد . در این‌بنا سنگ»
« قبرعالی است که این‌عبارات برروی‌آن خوانده میشود : »

« هذه‌الصخرة المقدسة انشاتها الخاتون العظمی سلطان بخت آغا ابنة‌الامیر »

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۰ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۴۹

« خسروشاه ادامه‌الله توفیقها لنفسها بعد وفاتها فی رمضان سنة ثلث و خمسین .... »
« ومنظور دختر کیخسرو اینجو میباشد که در سال ۷۵۹ هـ وفات یافته ، شوهرش »
« شاه محمود و برادر شوهرش شاه شجاع نام داشته که درجنگ دوبرادر رشادتهای »
« زیاد بخرج داد وعاقبت شاه محمود اورا درحال مستی درسال ۷۶۹ هـ بکشت . »
« گویند این‌سنگ را قبل‌از فوت خود نقش‌کرده بوده است . در کنار این کتیبه »
« اطاق کوچکی موجود است که بزیر نقب یا دخمه‌ای راه دارد . »

« نام سلطان بخت آغا یا آغا سلطان درکتیبه ایوان جنوبی بخط نستعلیق »
« و درسر درب مسجد جامع رو بکوچه ساوجیان بخط کوفی معرق بسال ۷۶۰ هـ »
« موجود است .»

درگفته‌های مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان دو اشتباه دیده میشود : یکی این که درعبارت‌سنگ قبر بجای ادام‌الله اشتباهاً ادامه‌الله نوشته‌اند درصورتی که عبارت‌سنگ‌قبر همان ادام‌الله است . دوم این که بانو سلطان‌آقا بانی تزیینات ایوان جنوبی مسجد جامع عتیق اصفهان را که در قرن دهم میزیسته با سلطان بخت‌آغا دختر کیخسرو ویا خسروشاه که درقرن هشتم بوده‌است اشتباه‌کرده‌اند .

مؤلف گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان درباره مناره‌های مزبور بحثی محققانه کرده‌که قسمتی ازآن‌بشرح‌زیر نقل‌میگردد :[1]

« دومناره دردشت برفراز سردربلندی بارتفاع حدود پانزده متر که‌ازعظمت »
« دیرین‌آن حکایت میکند قرار دارند. ارتفاع باقی‌مانده‌های دومناره دردشت از »
« سطح پشت‌بام آن بیش‌از ۸ متر نیست وحکایت ازبنای مفصل ووسیعی میکندکه »
« درعقب مناره‌ها وسردرمجلل‌آن واقع‌میشده‌است. ازترتیب استقرار ساختمانهای »
« بعد ازسردر بعلت تغییرات زیادی‌که دروضع این ناحیه داده شده اطلاعی در »
« دست نیست ، و ازساختمان وسیع آن غیر ازفضای مختصری که در عقب سردر »
« واقع است چیزی باقی‌نمانده ولی‌بطوریکه معمرین ساکن دراطراف این بنای »

۱ـ گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۳۱۷ تا ص۳۲۰ .

« تاریخی برای نگارنده نقل کرده‌اند تا یك قرن پیش‌هم اطاقهای ویرانه اطراف »
« مدرسه دردشت که مناره‌ها وسردرفعلی مدخل آن محسوب میشده باقی بوده‌است »
« وتدریجاً ضمیمه خانه‌های اطراف شده وتا یك قرن پیش‌بصورت (تکیه) محلی »
« برای اجتماع مردم محله دردشت بوده است . »

« دراطراف گردنه‌گنبد آرامگاه سلطان بخت‌آغانیز آثاری مشاهده میشود »
« که اتصال بقعه را ببناهای دیگر دراطراف آن میرساند وچنین استنباط میشود »
« که باقی‌مانده آثاری ازیك مجموعه ساختمانی مفصل و وسیع بوده است که »
« باحتمال‌قوی بانی ساختمان آن خود سلطان بخت‌آغا ویا شوهراوسلطان محمود »
« آل مظفر بوده است . »

« بقعه فعلی از طرف ضلع شمالی راهی بداخل مدرسه داشته است‌که فعلاً »
« مسدود میباشد وترتیب ساختمان درمجاورت سردر وراه داشتن آن بمدرسه باز »
« مؤید این‌مطلب است‌که ساختمان مناره‌ها و سردر فعلی مدرسه نیز از اقدامات »
« خودسلطان‌بخت‌آغا بوده‌است وبقعه‌اختصاصی آرامگاه‌وی نیز درزمان‌حیات‌خود »
« او ساخته شده وکلیه این‌اقدامات ساختمانی بافراغت تمام صورت‌گرفته است ، »
« حتی‌سلطان بخت‌آغا بموجب الواح موجود برسنگ قبرنفیس اوسنگ مزبور »
« را در زمان حیات خود درسال ۷۵۳ هجری وشانزده سال قبل از آنکه کشته »
« شود دستور تهیه وتزیین آنرا داده است وبعداز قتلش دربقعه اختصاصی خود »
« مدفون‌شده وسنگ مزبورنیز برآرامگاه اوقرار داده شده‌است. باعلاقه زیادی »
« که محمود شاه آل مظفر باین‌زن داشته‌است وتأثر وتحسر شدیدی‌که پس‌ازقتل »
« اوارکان زندگی‌اورا فراگرفته وتا آخرعمر اورا سخت نادم وپشیمان نموده‌است »
« وعلاقه خود شاه محمودآل‌مظفر بعمران وساختمان که آثار دوره اونیز درصفه »
« عمر درمسجد جمعه اصفهان ودرامامزاده اسماعیل موجود است میتوان‌احتمال »
« دادکه اگرملکه زیبا وزیباپرست اوخود بانی ساختمان بنای مزبور نبوده است »
« یقیناً درتشویق پادشاه وقت بانجام‌این‌قبیل امور مشوق مؤثری بوده ونقش‌مهمی »

« داشته است وباتوجه بجنگهای متعدد ولشکرکشی های دائمی این سلطان وجنگ »
« وستیزهای دائمی بین او وبرادران ورقیبانش که اورا وادار میکرده ازپای تخت»
« خود اصفهان خارج شود میتوان باحتمال قریب بیقین گفت که سرپرستی و »
« نظارت درعملیات ساختمانی دوره حکومت او بازن رشید ولایق اوسلطان بخت آغا»
« بوده است.»

« جای تأسف است که بعلت انهدام تدریجی تارك مناره ها وبالنتیجه ازبین »
« رفتن کتیبه ها و بالاخص ساختمان وسیع مدرسه دردشت وکتیبه سردر مدرسه که »
« جای آن خالی است هیچ کتیبه و لوحه‌ای که ممیزات ساختمان این مجموعه »
« وسیع معماری را صریحاً بیان کند باقی نمانده است ، ولی از طرف دیگرجای»
« خوشوقتی است که سنگ نفیس آرامگاه دختر اینجو و ملکه مظفری بیغما و »
« تاراج نرفته وعلت آنرا بطوریکه نگارنده تحقیق نموده است جنبه قدسی این »
« بقعه میباشد که عامه مردم درقرون اخیر آنرا متبرك ومقدس میدانسته‌اند وحتی»
« امروزهم که حدود هفت‌قرن ازتاریخ بنای آن میگذرد مانند عموم زیارتگاهها »
« واماکن مقدسه مردم اصفهان برمزار ملکه مقتول شمع روشن میکنند.»

« داخل بقعه سلطان بخت آغا فعلاً هیچگونه تزییناتی ندارد وباقشری از »
« گچ پوشیده شده است وسنگ آرامگاه او دروسط بقعه قرار دارد و در اطراف »
« آن هم فعلا صورت قبور دیگری مشاهده نمیشود ولی دربعضی جاها از زیر قشر »
« گچ آثار نقاشی های ساده‌ای پدیدار است و بطور مسلم داخل بقعه تزیینات »
« نقاشی داشته‌است. جدار خارجی گنبد سلطان بخت آغا دارای تزییناتی ازکاشیهای »
« فیروزه‌ای ولاجوردی برزمینه آجری میباشد.»

« یك نام تاریخی ازاین محل که تا این عصر باقی مانده (شوری) است که »
« هم اکنون حمام شوری نزدیك این بنا و امامزاده شوری ویا امامزاده عبدالله »
« باین نام موجود است وبعید نیست که مدرسه متصل بمناره‌های دردشت هم مدرسه »
« شوری نام داشته است.»

راجع بخطوط و کتیبه سردر مدرسه و مناره های دردشت نیز چنین نوشته است :[1]

« کتیبه منارەهای دردشت که یکی از آنها ریخته ودیگری باقیاست بخط»
« بنائیآجری برزمینه کاشیفیروزهای بشرح زیراست : »
« لااله الاالله محمد رسولالله علی ولیالله حقا . »

« تزیینات جدار خارجی منارهها شبیه تزیینات مناره باغ قوشخانه میباشد»
«که درهمین دوره ساخته شهو بخط بنائیفیروزهای بر زمینهآجریتکرارجمله »
« (اللهاکبر) است . »

« خطوط سردر مجلل آن بخط بنائی با کاشی فیروزهای برزمینه آجری »
« بشرح زیر است : »

« درسه شکل مربع : (یادیان) در دو مربع : (یاحنان) و در دوشکل »
« مربع دیگر. (یامنان) ».

« در زیرکتیبه خط سابقسردرکه چیزی ازآنباقینمانده در دوشکلمربع »
« مستطیلبخط بنائی فیروزهای برزمینهآجری درطرف راستجمله (لااله‌الاالله)»
« ودرسمت چپ جمله (محمد رسولالله نوشته شده است . »

« بالای سکوهای طرفین سردر بخطبنائی فیروزهای برزمینهآجرینوشته»
« شده است : (یاحنان یا منان) وبرجرزهای طرفینسردر جملات : (الملکلله) »
« (القوت لله) (العزت لله) . »

بنظر نگارنده چونبانوی نامبرده درواقع ازخصومت شوهر وکسانش آگاهی داشته پیش ازمرگ سنگ لوح خودرا تهیهکردهکه پس ازاو برگورش‌گذارده شود و مدرسه و مسجد متصل بمنارهها اگر از ساختمانهای خود آن بانو نبوده از ساختمانهائی بوده که آنرا مرمت و تعمیرکرده و از اینرو آنجا را برای مدفن و مقبره خودآمادهکرده است .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۲۰ تا ص۳۲۱

منارەها و گنبد ومقبره وسنگ لوح که مجموعه آن از آثار ملی باستانی بشمار میرود بشماره ۱۱۵ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۱]

درکتاب فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایـران [۲] : نوشته شده : (ساختمان این مقبره بر طبق «کتیبه روی سنگ قبر باید درحدود سال ۷۶۹ هجری قمری باشد» . درصورتیکه درکتیبه رقمی که خوانده میشود (۵۳) میباشد ورقم مآت آن که ۷۰۰ باشد افتاده و خراب شده است و چون مسلم است که عدد دیگری بجز ۷۰۰ نمیتواند باشد پس سال ساختمان سنگ لوح ۷۵۳ بوده ورقم ۷۶۹ هجری که در فهرست بنا های تاریخـی و اماکـن باستانی ایران مذکـور گردیده موجـه نخواهد بود .

۸ ـ مناره گلدسته :

درکوچه رستی محله دردشت نزدیك مدرسه شفیعیه وحمام نم‌بنات ودرمجاورت گنبد ابوعلی‌سیناکه بمدرس ابن‌سینا نیزشهرت دارد مسجدی است که در کنار آن پایه مناره قدیمی وجود دارد که بربالای آن بارتفاع سه متر ازکف پشت‌بام گلدسته مسجد بناشده و سبك ساختمان بسبك ساختمان مناره مسجد شعیا شباهت دارد و میتوان احتمال داد که ساختمان مناره مزبور بـا ساختمان گنبد در قدیم مـربوط بوده است .

وضع‌ساختمان نشان میدهدکه مناره در دوره دوم سلجوقی بناشده ولی‌مدرسه شفیعیه ازآثارزمان شاه عباس‌دوم است [۳] وممکن‌است‌مدرس مزبور جزء مدرسه‌ای بوده‌که ازبین رفته است .

۹ـ مناره مسجد علی :

این‌مناره‌درخیابان هاتف‌کنونی‌نرسیده بمسجدجامع عتیق‌طرف‌دست چپ در خیابانی‌فرعی واقع ودرگوشه شمال غربی‌مسجدعلی‌قرارگرفته‌است، وبهمین‌مناسبت

۱و۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۹ . ۳ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۰ تا ص ۱۵۱

بنام‌مناره مسجدعلی شهرت‌یافته‌است ارتفاع این‌مناره‌را بین۴۷٫۸۵[۱] مترتا ۵۱٫۵ متر[۲] وابعاد کامل را چنین نوشته‌اند :[۳] محیط قاعده در سطح زمین ۱۶ متر، محیط مناره محاذی پشت بام مسجد علی ۱۵ متر، محیط نعلبکی مناره ۱۲٫۸۰ متر محیط قاعده منارچه‌ای که برفراز مناره بنا شده ۷٫۷۵ متر، ارتفاع هرپله تا نعلبکی مناره ٫۳۵ سانتیمتر ارتفاع‌هرپله منارچه ٫۳۰ سانتیمتر، تعداد پله‌های منار ازسطح زمین تابالای منارچه ۱۶۴ پله.

تاریخ ساختمان‌مناره معلوم نیست ولی‌طرزوسبك ساختمان بامقایسه بدیگر مناره‌های همزمان نشان میدهدکه مربوط بقرن‌پنجم وششم هجری است بطوریکه نوشته‌اند درقدیم مسجدی بوده‌که بنام سنجریه معروف واین‌مناره درکنارآن‌مسجد بوده ومسجد علی‌بجای آن‌مسجد ساخته شده است.


(شکل ۴۵)

و چون دوره قدرت و حکمرانی سلطان‌سنجر سلجوقی در اواخر قرن‌پنجم و اوائل قرن ششم بوده میتوان قبول کرد که چنین مسجدی درزمان‌حکمرانی او بنا و در زمان صفویه بویرانی گرائیده بوده واز این‌رو با تعمیر ویا ازنو برخرابه‌آن‌مسجد قدیم بناگردیده است. (ش ۴۵)

مناره مزبور پنج کتیبه از بالا بپائین دارد که بسیاری از کلمات کتیبه ریخته است[۴].

---

۱ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۳۳ ۲و۳ - گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص ۱۹۸. ۴- گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۱۹۹.

کتیبه اول ـ بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری درقسمت بالای مناره تکرارکلمات : (لااله‌الاالله) است .

کتیبه دوم ـ بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای درزیر مقرنسهای مناره عبارت : (الملك‌لله) تکرار شده است .

کتیبه سوم ـ بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله) است.

کتیبه چهارم ـ بخط بنائی گچی برزمینه شطرنجی درمربعهای بزرگ : (هوالله‌الذی لااله الاهو) است .

کتیبه پنجم ـ بخط بنائی آجری برجسته برزمینه گچی‌که هم سطح با بام مسجد علی میباشد چنین است :

(شهدالله انه لااله‌الاهو والملئکة و اولوالعلم قائما بالقسط) .

ازمناره مزبور درسال یکهزارو سیصدو چهل ودو هجری شمسی‌تعمیراساسی بعمل آمده است .[1]

مناره ومسجد بشماره ۹۶ ـ ۱۵/ ۱۰/ ۱۰ بثبت تاریخی رسیده است .[2]

یو ـ مدارس شهر اصفهان

۱ـ مدرس ابن‌سینا :

این‌مدرس‌که به‌آن گنبد بوعلی نیزمیگویند ودارای گنبدی آجری و زیبا میباشد درمحله دردشت درنزدیکی مدرسه شفیعیه وحمام نم‌نبات واقع‌گردیده است و چنان شهرت دارد که شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا در زمانی که در اصفهان اقامت داشته در این مدرس‌که بنظر میآید جزء مدرسه‌ای بوده و از میان رفته تدریس میکرده است .

---

۱ ـ بخشی ازگنجینه آثارملی ص ۹

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۰

۲ـ مدرسه احمدآباد :

این‌مدرسه درمحله احمدآباد واقع واز بناهای جلال‌الـدین محمد طبیب ـ خاص حرم‌شاه‌سلطان حسین‌صفوی است‌که آرامگاه بانی مزبور نیزدر همان مدرسه میباشد . کتیبه سر در مدرسه بخـط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق لبناءِ هذه‌المدرسة‌المبارکة بمیامن دولة السلطان الاعظم والخاقان »
« الاکرم ظل‌الله‌فی‌الارضین مروج‌مذهب‌آبائه‌الائمة المعصومین‌السلطان‌بن‌السلطان »
« والخاقان‌بن‌الخاقان ابوالمظفر شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی بهادر خان »
« خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی‌العالمین بره و عدله و احسانه وزیدت نعمه»
« المتواترة المتوالیة طبیب خدام حرمه العلیة‌العالیة الداعی لخلود دولته جلال ـ »
« الدین‌محمد فی۱۱۱۴ » .

و درپشت بغل سردر بخط بنائی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه‌آجری سورهٔ نصر نقش شده و بخط نستعلیق سفید بر کاشی لاجوردی رنگ این دو بیت خوانده میشود .

اجر وتاریخ این بنای رفیع　　　خواستم از خدا و خیر انام
بشنیدم ندا ز عالم غیب :　　　« بدهد ذوالجلال والاکرام »

بطوریکه از فحوای‌کتیبه سردر معلوم میگردد بنای‌مدرسه درسال یکهزار ویکصدو چهارده هجری باتمام رسیده است ولی‌کتیبه پشت بغل حاکی است که در سال یکهزارویکصدو پانزده باتمام رسیده است که یکسال پس‌ازتاریخ سردر باشد و ظاهر امر بین‌این دو تاریخ مباینت است ولی مباینت آن را باین‌ترتیب ممکن است مرتفع نمودکه‌کتیبه سردر درتاریخ ذیحجه سال هزارویکصدو چهارده هجری نوشته شده وکتیبه پشت بغل را در محرم بعد از ذیحجه‌که مقارن باسال یکهزارو یکصد و پانزده هجری میشود نوشته‌اند .

مؤلف دانشمند گنجینهٔ تاریخی‌اصفهان‌که کتیبه‌ها ازآن کتاب نقل‌گردیده

تاریخ ابیات پشت بغل‌را همان یکهـزار و یکصد و چهارده بحساب[1] آورده ولی درست نیست و بطور دقیق که محاسبه شود منطبق با سال ۱۱۱۵ هجری میشود. ثبت تاریخی سردرب مدرسه مزبور درگردش اداری است.[2]

۳ـ مدرسهٔ اسماعیلیه :

این‌مدرسه در محله قصرمنشی واقع و وسعتش نزدیك هفتصد ذرع است، و درآن قبری است‌که میگویند پیش ازبنای مدرسه بقعه صاحب آن زمین بوده و اطـراف آن درختان بسیار از آن جمله درخت فلفل وجود داشته که هنوز باقـی است.[3]

۴ـ مدرسه امامزاده اسماعیل :

این مدرسه درصحن امامزاده اسماعیل ساخته شده است.[4]

۵ـ مدرسه امین‌الدوله :

این مدرسه که بمدرسه صدرمعروف است ازبناهای عبدالله خان امین‌الدوله ابن‌حاج محمد حسین‌خان صدر اعظم‌اصفهانی است‌که درچهارباغ صدر قرارگرفته است.[5] ثبت تاریخی آن درگردش اداری است[6]

۶ـ مدرسه باباقاسم :

این‌مدرسه‌که بمدرسه‌امامیه نیزشهرت‌دارد درخیابان هاتف‌ودرکوچه باباقاسم ونزدیك مقبره باباقاسم قراردارد. مدرسه دوطبقه و دارای ۳۲ باب حجره تحتانی وفوقانی‌است که بیشتر حجره‌های فوقانی‌آن ویران شده است.

برای اینـکه وضع مدرسه بخوبی نمایانده شود شرحی‌را که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان درباره ساختمان و وضع مدرسه نوشته‌بعینه نقل‌میگردد:[7]

« نزدیك مقبره بابا قاسم‌درکوچه‌ایکه بطرف‌دست راست واقع است مدرسه»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۰ ۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۶
۴ـ جغرافیای اصفهان ص۳۵ ۵ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۹
۲ و۶ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۸ ۷ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۳ تا ص۱۵۵

« بسیار قدیمی وزیبائی معروف بمدرسه بابا قاسم یا امامیه میباشد ».

« سبك معماری و ساختمان این‌مدرسه با مقبره باهم متناسب ومتعلق بیك »
« زمان است . سردر مدرسه رو بطرف جنوب و بجلوخان باز میشود که کاشیهای »
« آن ازبین رفته است . پس ازعبور از دهلیز کوتاهی بفضای مربع شکل مدرسه »
« وارد میشویم ، ساختمان بنا دوطبقه و در اطراف بچهار طرف ایوان وسیعتری »
« است‌که درطرفین هریك حجراتی قرار دارد و در اطراف همگی آیات قرآنی »
« (سورهٔ انا فتحنا وسوره الدهر) بخط خوشی‌نوشته شده و باکاشیهای معرق خوش »
« رنگی تزیین گردیده است ، درایوان شمالی‌که شکاف بزرگی برداشته و بیشتر »
« کاشیهایش ازبین رفته علاوه برآیات قرآن وکتیبه‌های اطراف درپیشانی داخلی »
« آن بخط‌کوفی درهم نام : الله ربی ـ الحکم‌لله ـ الحمدلله ـ محمد نبیی ـ محمد »
« ابوبکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی ـ بخط شکسته بنائی بر روی کاشی مشکی منقوش »
« است ودر دور هفتی روبروی ایوان بطورمنقوش نام: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، »
« طلحه ، زبیر ، سعد ، سعید ، عبدالرحمن ، ابوعبیده نوشته میباشد . (خطوط »
« بنائی یاکوفی‌این‌کتیبه ها برای اولین‌بارخوانده وبوسیله این‌جانب منتشرشد). »

« در داخل صفه جنوبی با خط‌کوفی (قال‌النبی علیه‌السلام الحکم‌لله الدنیا »
« جیفة وطالبهاکلاب ـ عمل‌شیخ محمد عمر، درمربع مستطیلی دیده میشود . »

« درآخر کتیبه سمت غربی مدرسه تاریخ ۷۲۵ هجری بروی کاشی نوشته »
« شده‌که درضمن تعمیرنتوانسته‌اند حروفها را بگنجانند و میرساند که این بنا »
« مربوط بقرن هشتم هجری ودوره آل‌مظفراست . »

« این‌مدرسه دارای ۳۲ باب‌حجره است‌که اغلب حجرات فوقانی‌آن خراب »
« شده وبرخی‌را همسایگان تصرف‌کرده‌اند . درسنوات اخیرمرتباً ازطرف‌باستان »
« شناسی تحت تعمیر بوده مخصوصاً درسال هزاروسیصدوسی‌وپنج دالان ورودی‌که »
« خراب بود از نو ساختمان گردید و با وجود این‌باز محتاج به تعمیرکامل‌است »
« که ازصورت فعلی خارج وتزیینات آن تعمیرشود . »

چون این‌گونه اماکن بمرور زمان بالاخره آثار باستانی خود را از دست خواهند داد لذا برای ثبت آثار مزبور در تاریخ هرچه بیشتر مشخصات و ممیزات این‌گونه آثار ذکر گردد از نظر بقای در تاریخ مفیدتر خواهد بود از این رو شرحی را که مؤلف دانشمندگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان نیز نوشته و تاحد مقدور کامل است بشرح زیر نقل مینماید: (۱)

« مدرسه باباقاسم که آنرا مدرسه امامیه نیز مینامند بنای زیبائی‌است‌که »
« حیاطی دروسط و چهار ایوان و اطاقهائی‌که حجرات طلاب بوده است دراطراف»
« دارد . ساختمان این‌مدرسه که ازقدیمی‌ترین مدارس موجود طلبه نشین‌اصفهان »
« است دوطبقه است و درطبقه دوم‌نیز حجراتی دارد نمای خارجی صحن‌وایوانهای»
« بزرگ وکوچك مدرسه باکاشیهای مخصوص این دوره که از جهت لعاب کاشی »
« رنگ مخصوصی است ونظیرآن فقط درمحراب صفه عمر در مسجد جمعه دیده»
« میشود تزیین شده است ایوانهای بزرگ و کوچك دارای مقرنسهای کاشیکاری »
« میباشد که بعضی ازآنهاجنبه تزییناتی دارد و بعضی دیگر باخطوط بنائی‌وکوفی»
« وثلث تزیین‌شده است» .

« خطوط ضلع شرقی مدرسه‌ازجنوب بشمال :»

« درداخل مقرنسهای ایوان اول این‌ضلع دراشکال مربع بنائی باکاشی سفید»
« معرق برزمینه‌لاجوردی نوشته شده است : اللهٰ‌الاعلی . و محمد . و علی . وحسن»
« وحسین . »

« بردوجانب ایوان‌بزرگ وسط این ضلع بخط بنائی لاجوردی وفیروزه‌ای»
« برزمینه شطرنجی آجری درهم و مکرر نوشته شده است : « قل‌استغفرالله . »

« در داخل مقرنسهای ایوان چهارم این ضلع بخط‌کوفی آجری برزمینه »
« فیروزه‌ای دریك لوحه نوشته شده: (الملك‌لله) وبخط کوفی فیروزه‌ای و سفید»
« برزمینه‌آجری: (الملك‌لله) ودرداخل‌همین‌ایوان بخط‌آجری برزمینه فیروزه‌ای»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۳۰۳ تا ص۳۱۰

« دریك طرف (الله) ودر طرف دیگر کلمه (اکبر) نوشته شده است . »

« درزیر مقرنسهای ایوان پنجم این‌ضلع بخط بنائی با کاشی سفید معـرق »
« برزمینه سبز دروسط نوشته شده: (الصلوة نورالمؤمن) ودرطرفین بخط‌کوفی »
« سفید برزمینه لاجوردی اسامی‌زیر نوشته شده است : »

« (الله) (ومحمد) (وعلی) (وحسن) (وحسین) »

« ایوان شمالی مدرسه بابا قاسم . »

« درایوان بزرگ شمالی مدرسه باباقاسم در بین‌حاشیه ومتن طاق ایوان در »
« یك‌شش‌ضلعی که بدون زمینه است وهمه تزیینات‌آن خطی‌است شش‌کلمه(علی) »
« نوشته شده‌که سه‌کلمه آن سفید وسه کلمه دیگرآن لاجوردی رنگ است . »

« قسمت عمده تزیینات متن طاق این ایوان بمـرور زمان ریخته است و »
« آنچه‌که باقی‌مانده چهارشکل مربع‌است‌که درداخل آنهاکلمات وعباراتی بشرح »
« زیرخوانده میشود :»

« دریك مربع بخط بنائی آجری معرق برزمینه فیروزه‌ای : (وحسن) »
« (وحسین) دریك مربع بخط سفید معرق‌برزمینه‌لاجوردی: (عمل‌الشیخ‌محمدبن »
« عمر) دردو مربع‌بخط بنائی‌سفیدبرزمینهٔ‌لاجوردی (الدنیاداحة) (وترکهاراحة)،»
«در وسط هلال طاق این ایوان دریك شمسه بخط کوفی فیروزه‌ای سورهٔ اخلاص »
« نقش شده است .»

« اسامی خلفای راشدین واصحاب پیغمبر : »

« درراُس اسپر دیوارشمالی مدرسه باباقاسم دریك ته شمسه بخط‌ثلث سفید »
« معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله حقا) شمسه »
« وسط اسپر از ده مربع کـوچك تشکیل شده که در هرمربع بخط سفید معرق »
« برزمینه کاشی لاجوردی یکی ازاسامی زیر نوشته شده است . »

« ابی‌بکر . عمر. عثمان . علی . طلحه . زبیر. سعد . سعید . عبدالرحمن. »
« ابوعبیدة . درحاشیه اطراف اسپر بخط بنائی با کاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه »

« آجری صلوات برچهارده معصوم نقش‌شده ودرحاشیه‌های پراکنده درمتن بخط »
« بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده است: »
(سبحان‌الله والحمدلله ولا اله الاالله والله اکبر) (سبحان‌الله‌ربی‌الاعلی‌وبحمده)»
« (سبحان ربی‌العظیم و بحمده) (العظمةلله) (سبحان‌الله الفردالصمد) »
« (سبحان‌الملکوت) ».

« در مقرنسهای پائین‌اسپر در یك مربع بزرگ (الله) وبخط بنائی سفید »
« معرق برزمینه لاجوردی سورهٔ (اخلاص) نوشته شده ، در چهار لوحه بخط »
« بنائی سفید ولاجوردی سه رگی بر زمینه فیروزه‌ای نوشته‌شده است :»
« (الله ربی) (محمدنبیی) (الحکم‌لله) (الحمدلله) »

« در یك شش ضلعی بخط کوفی باکاشی سفید معرق برزمینه مشکی‌نوشته»
« شده است . »
« (محمد) (ابوبکر) (عمر) (عثمان) (علی) .»

« برجانب شرقی ایوان شمالی بخط بنائی شطرنجی لاجوردی وفیروزه‌ای »
« برزمینه آجری بطور درهم ومکرر جمله (سبحان‌الله) وبرجانب غربی جمله »
« (الحمدلله) تزیینات دیوارهای این ایوان را تشکیل میدهد . »

« در داخل ایوان کوچك واقع درمشرق ایوان بزرگ شمالی بخط بنائی با»
« کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است : (الدنیا ساعة و جعلها »
« طاعة) »

« و در داخل ایوان‌کوچك غربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی‌نوشته»
« شده است : (الله) (محمد) (علی) . »

« ضلع غربی مدرسه باباقاسم .»

«دراین ضلع ازشمال بجنوب نقوش ایوان کوچك اول دراین‌ضلع تزییناتی»
«است . درایوان کوچك دوم دریك مستطیل بخط بنائی سفید معرق برزمینه‌کاشی»
«لاجوردی نوشته شده : (الله‌ربی) ایوان بزرگ ضلع غربی‌مدرسه دروسطاین ضلع»

«واقع است و خطوط تزییناتی آن بخط بنائـی شطرنجی فیروزه‌ای و لاجوردی»
«برزمینه آجری بطور درهم تکرار جمله (لااله‌الاالله) است . »

«درایوان کوچك چهارم درمقرنسها بخط بنائی باکاشی معرق سفید برزمینه»
«لاجوردی نوشته شده : (محمد نبیی) » .

«درایوان کوچك پنجم درپنج شکل مربع بخط بنائی با کاشی سفید معرق»
«برزمینه لاجوردی‌نوشته شده است (یاالله) (محمد) (حبیب‌الله) (الله‌ربی) (وعلی) .»

« نام شیخ‌محمد عمر استاد کاشیکار مدرسه باباقاسم درتزیینات ایوان و گنبد»
«جنوبی مدرسه ذکرشده است . »

«درداخل مقرنسهای ایوان بزرگ ضلع‌جنوبی مدرسه باباقاسم دریك مربع»
«کوچك بخط بنائی فیروزه‌ای معرق بر زمینه آجری نوشته شده است : (محمد) »
« (وعلی) » .

«تزیینات داخل این ایوان بخط بنائـی شطرنجی لاجوردی و فیروزه‌ای»
«بر زمینه آجری تکرار جمله (والله‌اکبر) است . گنبد و محراب مدرسه در این»
«ضلع واقع شده وبردیوار شمالی محوطه زیرگنبد دریك لوح بشکل مستطیل به»
«خط بنائی با کاشی معرق لاجوردی برزمینه سفید نوشته شده است : (عمل‌الشیخ»
«محمد عمر) ودررأس‌قسمت داخلی‌گنبد بخط بنائی باکاشی‌فیروزه‌ای‌معرق‌برزمینه»
«آجری عبارت زیر نوشته شده است : (قال‌الله عزوجل عسی ان یبعثك ربك مقاماً»
« محموداً) . »

«ایوان‌کوچك غربی‌این‌ضلع‌دارای نقوش تزییناتی‌است ولی‌درزیرمقرنسهای»
«ایوان کوچك شرقی که تزیینات قسمت فوقانی منتهی‌الیه دالان ورودی را بسمت»
«صحن تشکیل میدهد در الواح کوچك بشکل مربع مستطیل بخط بنائی معرق»
«سفید برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است : »

« (قال‌النبی علیه‌السلام) (الحکمة‌لله) (الدنیا جیفة وطالبها کلاب) »

«کتیبه‌های قرآنی مدرسه باباقاسم مورخ بسال ۷۲۵ هجری : »

«داخل ایوانهای بزرگ چهارگانه شمالی وجنوبی و شرقی و غربی مدرسه»
«باباقاسم با کتیبه‌های زوجی که شامل آیات قرآنی میباشد تزیین شده است . »
«سطرهای بالا بخط کوفی باکاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه لاجوردی‌شامل»
«سوره (دهر) که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی است و پس از گردش بدور»
«مدرسه درهلال ایوان‌بزرگ شرقی ختم‌میشود ودرآخرسوره فقط جمله(صدق‌الله)»
«نوشته شده است . »

« سطرهای پائین بخط ثلث‌باکاشی‌سفید معرق برزمینه لاجوردی شامل‌سوره»
« (فتح) است که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی درزیر کتیبه کوفی است و»
«به‌آخر هلال ایوان‌کوچك دوم ضلع غربی (ازشمال‌بجنوب) ختم میشود ودرآخر»
«این کتیبه سال تاریخ آن که ناتمام ولایقرء میباشد نوشته شده است . »

«گویا برحسب تصادف قسمت آخر این کتیبه‌که سال تاریخ بنا را درآنجا »
«نوشته بوده‌اند خراب شده وبعداً بشکل بدی تعمیر شده است .کلمه (خمس) که»
«رقم آحاد سال تاریخ است بخوبی خوانده میشود و بعدازآن حرف اول رقم مآت»
«نیزکه مسلماً(سبعمائه)بوده دیده‌میشود لکن‌رقم عشرات‌آن لایقرء است وبهرحال»
«میتوان حدود سال ساختمان مدرسه را (۷۲۵ هجری) تعیین کرد . »

از گفتارهای گذشته بخوبی مشخصات و ممیزات ساختمانی مدرسه باباقاسم که ساختمان اولیه آن در ۷۲۵ هجری بوده و سپس در ادوار بعد درآن بطورحتم تصرفاتی شده معلوم گردیدکه مدرسه مزبور هنگامی ساخته شده‌که مذهب تسنن دراصفهان رواج داشته و باباقاسم ونیزبانی‌آن ازاهل سنت ودرعصرآل مظفر بوده است وسپس درعصر صفویه تزییناتی اضافه شده‌که درآن تزیینات آثار تشیع دیده میشود بخصوص در ایوان پنجم که کلمات الله و محمد و علی و حسن و حسین نقش شده است .

اما وجه تسمیه آن بمدرسه امامیه یا امامی‌که متفاوت نوشته‌اند و کسی‌هم متعرض آن نشده از گفتار بالا مفهوم میگردد کـه چون در مدرسه اسامی خلفاء

نوشته شده بوده و در واقع مرجع طلاب اهل سنت بوده سپس کـه از آن وضعیت خارج و مرجع طلاب امامیه شده بنام مدرسه امامیه معروف و مشهور شده است و بطور حتم از عهد سلاطین صفویه این تغییر نام عملی گردیده است. این مدرسه بموجب شماره ۱۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۷- مدرسه پاقلعه :

این مدرسه از آثار دوره صدارت حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی است که درمحله پا قلعه اصفهان قراردارد، نمای اطراف صحن آن با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده وکتیبه سردر آن که بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی نقش شده باین شرح است :

« لقد بنی هذه العمارة المشتملة علی المسجد الشریفة والمدرسة الرفیعة فی»
« زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید »
« قواعد ملة البیضآء مروج آثار ائمة الطاهرین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان»
« فتحعلی شاه قاجار شیدالله اطناب دولته باوتادالخلود ، اعدل حکام الزمان و زائر »
« بیت الله الحرام حاجی محمدحسین خان صانه الله من حوادث الدوران ، الوالی »
« فی دارالسلطنة اصفهان صینت عن طوارق الحدثان ، فی عام سبع عشرة ومأتین بعد »
« الالف .»[۲]

ومعلوم میگردد که مدرسه دارای مسجد نیز میباشد ـ ثبت تاریخی این مدرسه درجریان است.[۳]

۸- مدرسه ترکها :

این مدرسه درمحله درب کوشك قرار دارد ویکی ازمدارس قدیمی طلبه نشین عهد تراکمه آق قوینلو[۴] و صفوی بشمار میرود وساختمان مدرسه مزبور یك طبقه ودارای صحنی کوچك ونماهای کاشی وحجراتی دراطراف است. دراطراف مدرسه

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۸ ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۴۹ تا ص۷۵۰ ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ . ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۵

کتیبه‌ای نیست وفقط سنگابی دارد که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین است:

« صفی‌قلی که بود بنده شهنشه دین — چوخضر آمده سیراب چشمه رحمت»

« زمانه گفت بتاریخ سنگ خیراتش — (بنوش آب وبکام یزیدکن لعنت) »

(۱۰۸۱)

چنانکه بخاطردارم درسال (۱۳۰۸ هـ . ش) که بنا بردستور وزارت معارف سابق مقررگردیدکه عده‌ای از محصلان درمدرسه‌ای اسکان‌داده شوند مدرسه ترکها که درآن‌ایام مخروبه وغیر مسکون شده بود وفقط بقال زیربازارچه مدرسه‌لوازم اضافی کارخود را درآن انبار میکرد مورد تعمیر قرارگرفت و عده‌ای از محصلان که نگارنده هم در میان آنان بودم سکونت کردیم ، درامر تعمیر مدرسه مرحوم محمدعلی دانشور رئیس‌وقت‌اداره‌معارف‌واوقاف‌اصفهان و آقای‌حاجی آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی معاون اداره‌معارف مجاهدت بسزائی نمودند .

ثبت تاریخی‌این‌مدرسه درجریان است .[۱]

۹ـ مدرسه جده بزرگ :

این مدرسه دربازار بزرگ واقع واز دوره شاه عباس ثانی‌است که جـده او بناکرده است. نام‌جده شاه درکتیبه نیست ولی نوشته‌اند[۲] که این مدرسه را جـده کوچك شاه عباس دوم بناکرده است ازمیان مدرسه نهرآبی عبور می‌کند واطراف صحن کاشیکاری ودارای محراب دوطبقه وطلبه نشین میباشد وپیوسته این‌مدرسه محل‌تدریس وتحصیل‌بوده ومدرسان بزرگی درآن تدریس میکرده‌اند .

نگارنده در این مدرسه از درس‌حاج میرمحمدصادق مدرس خاتون‌آبادی و میرسید محمد نجف‌آبادی استفاده کـردم و اغلب علماءِ و فضلای کشور از محضر آنان استفاده کردند .

از کتیبه سردر مدرسه معلوم میگرددکه مدرسه را جـده شاه عباس دوم در سال (۱۰۵۸ هـ . ق) بنا نموده و وقف بر طلبه علـوم کـرده است . کتیبه سردر

۱ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷ ۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۵۳ .

بخط ثلث سفید با کاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط محمد رضا امامی چنین است :

« قد وقفت علیاحضرت المفخمةالمکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة »
« العالیة جدةالسلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة»
«الاثناعشر علیهم السلام السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه عباس»
« ثانی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ایام دولته ومعدلته وسلطنته الی »
« یوم الدین ببناء هذه المدرسة المبارکة ووقفها علی الطلبة الاثنی عشریة وذب فی»
« نفعها ببنائها الدین و وفقها لتحصیل مآرب النشأتین بحق النبی سیدالکونین فی »
« ثمان وخمسین والف کتبه محمدرضا الامامی . »

تزیینات داخلی مدرسه منحصر به کاشیکاری اطراف است و چیزی که بنظر میآید در لوحه کوچك برسرپشت بغل ضلع شرقی با خط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ نقش شده :

«گشت تعمیر این خجسته بنا ۱۳۳۴» [1]

و معلوم میگردد درتاریخ مزبوراز مدرسه تعمیری بعمل آمده است . متولی مدرسه مزبور تا (۱۳۰۸ هـ . ش) از خاندان آقا جمال الدین خوانساری بـود . این اثرباستانی بموجب شماره ۸۹۲ - ۱ / ۱۰ / ۴۸ به ثبت تاریخی رسیده است.[2]

۱۰- مدرسه جده کوچك :

این مدرسه دربازار قهوه کاشیها که ازبازار بزرگ منشعب میشود قراردارد و بعد از مدرسه جده بزرگ بناشده است .

آنچه شهرت دارد وبرخی از نویسندگان نیز متعرض شده‌اند[1] مدرسه جده بزرگ را جده کـوچك شاه عباس ثانی و مدرسه جده کـوچك را جده بـزرگش ساخته است .

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۳ ۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران اداره کل باستان شناسی .

ولی درستی این نکته و مطابقت آن با واقع محـرز نیست و بظاهر میتوان گفت که چون مدرسه جده کوچك از لحاظ وسعت کوچکتر است کوچك و بزرگتر چون توسعه آن بیشتر است بزرگ گفته‌اند و با قرینه این که مدرسه جده کوچك پیش ازمدرسه جده بزرگ ساخته شده ونام بانی درآن دلارام خانم برده شده وچون معموربوده دیگر درکتیبه مدرسه جده بزرگ نام جده برده نشده است وبانی یکنفر بوده‌است وبا این ترتیب نسبت کوچکی و بزرگی‌هم باتوجه بمساحت مدارس مزبور بوده است .

مگر این که در وقف‌نامه های مربوط معلوم باشد که واقفان و بانیان دو نفر بوده‌اند .

طبق لوحی ازسنگ مرمر بطول ۹۵ وعرض ۷۰ سانتیمتر که بردیواریکی ازغرفه‌های شمالی مدرسه نصب شده این مدرسه را دلارام خانم جده شاه‌عباس ثانی در رجب (۱۰۵۷ هـ . ق) بسعی ولی آقا باتمام رسانیده است . کتیبه لوح مزبور که بخط ثلث برجسته میباشد چنین‌است :

« قد صدر الامر بانشاءِ هذه العمارة المبارکة و بنائها من‌جانب علیاحضرت »
« المعظمة المطهرة المکرمة المفخمة المخدرة الموفقة جدة سلطان الاعظم و »
« الخاقان الاکرم مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك العرب والعجم اشرف سلاطین‌العالم »
« سمی عم خیرالمرسلین نور حدقة‌الزمان ، عین‌الاعیان، السلطان‌بن‌السلطان‌بن »
« السلطان و الخاقان‌بن الخاقان‌بن الخاقان شاه عباس الثانی الصفـوی الموسوی »
« الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی‌ملکه وهی‌الناموس‌العظمی والمخدرة الکبری »
« المحلیة باخلاق الزهراء دلارام خانم وفقهاالله‌لماتحب وترضی فی‌تاریخ شهررجب »
« سنة سبع وخمسین بعد الالف بسعی‌ولی‌آقا باتمام رسید .»

کتیبه مزبور بعینه ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] نقل گردید منتهی در کتاب مزبور هنگام مراجعه بعکس‌لوح (لماتحب‌وترضی) اشتباهاً (یحب‌ویرضی)

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۳ . ۲ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۵

خوانده شده ولذا اصلاح گردید ولی درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[1] اشتباهات زیادی دیده میشود ازآن جمله : (بنائها)که درست آن (وبنائها) و(ومن‌جانب) درست آن (من جانب) و (مطهرة) درست آن (المطهرة) و (الـوقفة) درست آن (الموفقه) و (مالب رقاب) درست آن (مالك رقاب) و (شرف) درست آن (اشرف‌سلاطین) و (خیرالمرصلین) درست‌آن (خیرالمرسلین) و (ثانی) درست آن(الثانی) و (الحلیة) درست‌آن (المحلیة) و (وفقهاالله) درست‌آن (وفقهاالله) و (لمایحب) درست‌آن (تحب) و (یرضی) درست‌آن (ترضی) میباشد .

مدرسه جده‌کوچك دوطبقه و پشت بغلهای نمای اطراف آن تزیینات کاشی کاری دارد ودرسردرآن کتیبه‌ای بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجـوردی رنگ بخامه محمد رضا امامی چنین‌است :

« قدوفقت علیاحضرت المفخمة المکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة »
« العالیة جدة السلطان الاعظم والخاقان‌الافخم مالك‌رقاب‌الامم مروج مذهب‌الائمة»
« الاثنی‌عشر علیهم‌السلام ابوالمظفر شاه عباس الثانی‌الحسینی‌الصفوی خلدالله‌تعالی»
« ایام معدلته وسلطنته الی‌یوم‌الدین ببناء هذه‌المدرسة المبارکة ووقفها علی‌الطلبة »
« الاثنی عشریة وجعلت ثوابها هدیة لروح خلف‌السلاطین العظام سلالة الخواقین»
« الکرام المرحوم‌المغفورالمبرور الواصل الی‌رحمة‌ربه الغفورالسلطان صفی‌میرزا»
« اشمله‌الله‌بغفرانه وببنائها نفعهافی‌الدین‌ووفقها لتحصیل‌مئآرب‌النشأتین‌بحق‌النبی»
« سیدالکونین کتبه محمدرضا الامامی فی۱۰۵۶ . »[2]

این مدرسه بموجب شمارهٔ ۳۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است .[3]

۱۱ـ مدرسه چهارباغ :

این مدرسه که ازبهترین مدارس بنا شده درایران‌است درضلع شرقی خیابان

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۱۷۴ تا ص۱۷۵ . ۲ـگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۵ تا ص۵۵۶. ۳ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۵ .

چهارباغ واقع گردیده است .

نمای خارجی آن مواجه خیابان چهارباغ و دارای غرفه های روبروی خیابان میباشد .

این مدرسه را مدرسه مادرشاه ومدرسه سلطانی هم خوانده‌اند وبرای هر کدام وجه تسیمه‌ای است .

مدرسه مادرشاه از آن جهت گفته‌اند که مادرشاه سرای فتحیه وبازارچه بلندرا وقف بر مدرسه چهارباغ کرده بودکه بمصرف طلاب آن برسد واز این رو مدرسه را نیزمدرسه مادرشاه می نامیده‌اند واما مدرسه سلطانی ازنظر این که شاه‌سلطان‌حسین بانی بوده و مدرسه چهارباغ از آن لحاظ که درخیابان چهارباغ واقع شده‌است .

وضع ساختمانی مدرسه چنین است :

از طرف ضلع شرقی چهارباغ نود مترمساحت مدرسه است ونمای آن رو بخیابان و دارای سردر بسیار ممتاز وزیباست واطرافش هفده دهانه ایوان آجری دوطبقه دارد ، وعقب آنها حجره‌هائی است .

درجبهه فوقانی سردر مدرسه کتیبه‌ای بخط ثلث برزمینه لاجوردی نوشته شده است . دور دهانه سردر ازکاشیهای فیروزه‌ای است که برروی دوپایه سنگ گلدانی شکل مرمر حجاری شده بسیار زیبا قرارگرفته وپهنای دهانه سردر هفت (۷) متر وطرفین در دوسکوی مرمرعالی قرار دارد .

کتیبه پیشانی سردر مشرف بخیابان مانند کتیبه ایوان شرقی داخل مدرسه است که بعد نوشته خواهد شد ، و اماکتیبه بالای در بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی معرق درهشت لوحه مستطیل که برروی جرزها نصب شده چنین است :

« احمدکه شه سریر لولاك آمد — جانی است کز آلایش تن پاك آمد »
« یك حرف زمجموعه عزوشرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »
« دریای سپهر کافتابست کفش — نبود چوعلی گوهری اندر صدفش»
« خورشیدگهی بدر شودگاه هلال — گر عکس دهد بماه در نجفش »

فاصله میان کتیبه خط ومقرنس کاریهای داخلی سردر بـاسوسنهای کاشی معرق ونقوش جالب زینت داده شده وازجمله روی سوسن میانی صورت طاوسی نقش شده که بالای آن عبارت : (انا مدینة العلم وعلـی بابها) بخط نستعلیق خـوش نقش شده است .

در دم طاوس صورتهائی نمایان است که بیشتر بصورت پادشاهان صفوی کـه معمم بوده‌اند شباهت دارد این دوبیت نیز درچهار لوحه بخط نستعلیق با کاشی سفید زمینه مشکی زیر طاق نقش شده است :

« دانی زچه این چرخ کهن میگردد   نه بهر تو و نه بهر من میگردد »
« درگردش او چون علی آمد بوجود   میبالد و گرد خویشتن میگردد »

در اصلی مدرسه دولنگه ازیکپارچه چوب کلفت روکش نقره مذهبی دارد که ازنظر زرگری ونقاشی وقلمزنی شایان توجه است . روی لنگه سمت راست عبارات زیر بخط نسخ برجسته درمیان دوترنج نقره حك شده است :

لنگه راست : فوقانی : « بسم‌الله الرحمن الرحیم » - درپائین : « قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله » وروی لنگه چپ بالا : « انا فتحنا لك فتحاً مبینا - انامدینة العلم وعلی بابها » و دراطراف لنگه در سمت راست با خط نستعلیق خوش برجسته هشت بیت نوشته شده :

« خدیـو کشور دین کلب آستان علی
گـل محمدی گـلشن مدینهٔ علم »
« ابوالمظفـر سلطان حسین‌شاه کـزو
شکست خاره جهل استز آبگینهٔ علم »
« شهی که طینت صافش برنگ در نجف
نسب رسانده بخاك درمـدینه علم »
« بناخدائـی آن سایه خـدا بـاشد
ز موج خیز خطر در امان سفینه علم »

« نبی مدینهٔ علم و علی بود در او
شه است بنده خاص در مدینه علم »
« عیان محبت آن قبله گاه در دلها
برنگ نور ز مشکوة آبگینه علم »
« ببادبانی لطف و سحاب مرحمتش
بروی آب گهر میرود سفینه علم »
« بحفظ مملکت دین‌زفیض یزدان ساخت
برای لشکر ملك دعا خزینه علم »
وبرلنگه چپ نیز همین بیت نقش شده :
« بنای مدرسهٔ کرد همتش که شوند
درآن قرینه هم اهل بی‌قرینه علم »
« نجات از خطر آب داد کشتی نوح
رهاند از ضرر آتش این سفینه علم »
« دو عادل است پی خرق و التیام سپهر
بگاه بست و گشاد این در مدینه علم »
« اگردومصرع موزون بود درش چه عجب
که شاه بیت بلندی است از سفینه علم »
« بود قرینه شق‌القمر بلا تشبیه
چو وا شود در این شهر بی‌قرینه علم »
« خجستهٔ که بسرکاریش موفق گشت
کمال سعی نمود این که شد کمینه علم »
« بسان کوکب رخشنده خادمش هر شام
چراغ فضل فروزد در آبگینه علم »
« نگاشت کلك بدیع از برای تاریخش
« گشاد حق بصفاهان در مدینه علم »

و در میان دوبیت آخر نام کاتب چنین نوشته شده :

« کاتب‌الحروف محمد صالح غفرذنوبه »

ازجمع عددحروف فردآخرشعرآخرکه ماده تاریخ‌بنا میباشد سال‌یکهزار و یکصد ونوزده (۱۱۱۹ ه. ق) حاصل‌میگردد وبدیهی‌است باوجودتاریخهای دیگری که درجاهای دیگرنوشته شده که بیشتراز میزان مزبور است بایدگفت که اساس بنای مدرسه دراین‌تاریخ انجام شده بود و درسالهای بعد بر تزیینات ومزایان آن افزوده شده است .

روی دماغه لنگه چپ در برلوحه‌ای ازنقره‌که قسمتی ازآن ازمیان رفته کلمات زیر خوانده میشود :

«حسب‌الامر اعلی » و « بسرکاری مقرب‌الخاقان » و « زرگری ونقاشی‌ومطلا» « ومنبت وملیله وقالب » و « عبدالطیف التبریزی » .

ومعلوم میشودکه عبدالطیف‌تبریزی زرگرونقاش وبالاخره متصدی امورفنی ساختمان دربوده است وظاهرآنست که منظور ازسرکار مقرب الخاقان‌که حك‌شده همان آقاکمال باشدکه درامرساختمان مدرسه جهارباغ سرکاربوده است .

در سرسرای مدرسه و در قسمت بالای در برلوحه بزرگی بشکل مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌های‌خشت‌لاجوردی رنگ کتیبه زیرخوانده میشود که علی‌نقی امامی خطاط آن‌بوده است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله انا مدینة العلم وعلی بابها » و در پائین مستطیل نام کاتب که علینقی امامی باشد و تاریخ آن که ۱۱۱۹ باشد نوشته شده است .

در چهار طرف لوحه مزبور و در وسط هرضلع درقسمت های مثلث شکل کلمات و عبارات : الله ـ یا مفتح‌الابواب ـ محمد ـ علی ـ نصرمن‌الله و فتح قریب نقش شده است .

دراطراف سرسرای مدخل مدرسه اشعاری از شاعری متخلص به افهم‌که هر

مصراعی ازآن در لوحه‌ای جداگانه نقش‌گردیده در زیر درج میگردد :

« شاه پیغمبر خصال و نقد شیر ذوالجلال
آفتاب اوج دولت ظل رب المشرقین »

« شعلهٔ کافر گداز و رشحهٔ مؤمن نواز
سروران‌را سرفراز وسلطنت را زیب وزین »

« وارث تخت سلیمان خسرو گیتی ستان
پادشاه شیعیان جان جهان سلطان حسین »

« آنکه از تیغ کجش شد راست کار عالمی
آنکه ازخلق وکرم بگرفت حد مشرقین »

« شد مقرر تا غلام و خازنش آقا کمال
کز کمال‌عقل‌و دانش‌عقل‌و دانش‌راست عین »

« سازد این عالی بنا را پایه از اقبال شاه
کز علوشان گذارد پا بفرق فرقدین »

« ساخت عالی‌مسجدی‌با مدرسی ازلطف حق
زان سبب شد بهره یاب آرزوی نشأتین »

« هرستونش ز اعتقاد راست همدوش فلك
از دو سو گلدسته ها دست دعا را ساعدین »

« یافت چون اتمام حسب‌الامراعلی این بنا
گفت رضوانش بحسرت این جنت انت‌این »

« فکرافهم‌خواست تاریخی‌که باشد ازشرف
قابل عرض جناب کامیاب نشأتین »

« ازپی اتمام این عالی بنا از شوق گفت :
(مدرس‌کلب علی وشاه دین‌سلطان‌حسین) »
(۱۱۱۹)

« کتبه محمد صالح »

و معلوم میگردد که کاتب آن محمد صالح وبخط نستعلیق سفید بر زمینهٔ کاشی خشت لاجوردی و در ذیل آن تاریخ را به اعـداد یکهزار و صدو نـوزده (۱۱۱۹)نوشته‌است درصورتیکه مصراعی‌که ماده تاریخ است بحساب جمل‌مطابق سال یکهزار و یکصدو بیست (۱۱۲۰) میشود.

دربالاترین‌کتیبه‌مدخل مدرسه اشعاری نقش‌شده ازشاعری متخلص به‌ازهری که در قرن دوازدهم از شعرای معروف بوده وآن اشعار بخط نستعلیق‌محمدصالح اصفهانی بشرح زیر است:

« بعهد دولت‌سلطان‌حسین شاه جوان | که ازعدالت اوگشت ملك دین‌آباد »
« شهنشهی که ز معماری عنایت او | بنای‌دولت‌ودین‌محکم‌است‌چون‌فولاد»
« خدایگان سلاطین دهرکزسرصدق | کمینه بنده درگاه اوجم‌است و قباد »
« ز بس بنای مساجد بعهد او پابست | مصالحی‌نشودصرف جز صلاح‌وسداد»
«بچارباغ‌صفاهان بی‌نگ هشت بهشت | بنای مدرسهٔ‌کرد همچو سبع شداد »
« زهی بنای فلك رفعت مبارك پی | که‌دل زدیدن او شد زبند غم آزاد »
« چگونه وصف‌کنم‌آب نهرصحنش‌را | که سلسبیل‌روانی‌ازاوگرفت ارشاد »
« عجب نباشد اگر صبح تا بشام رسد | ز لوح شمهٔ او روشن آفتاب سواد»
«نگارخانه چین است طرح کاشی او | که نقش کـرده بدیوارخانه بهزاد »
بسنگ‌کاری‌صحن‌وازاره‌اش‌شده‌فرش | هزار صنعت شیرین زتیشه فرهاد »
«کشیده‌اند زگلدسته‌اش بگلشن دین | مؤذنان همه گلبانگ الصلوة عماد »
« معلمی‌که در آنجا مدرس است بود | کتابخانهٔ یـونان علـم را استاد »
« زصدق بود چو آقا کمال سرکارش | شدست منزل اهل کمال و استعداد »
« قلم‌گرفت و نوشت‌ازهری بتاریخش: | (بنام مدرسهٔ شه شد از کمال آباد) »

(۱۱۱۹)

« کتبه محمد صالح »

با این‌که درذیل اشعار تاریخ را (۱۱۱۹) نوشته‌اند ماده تاریخ آن‌بحساب

حروف جمل مطابق باسال یکهزار و یکصد و هیجده (۱۱۱۸) میباشد و گمان میرود یا اینکه کاتب درهنگام محاسبه اشتباه کرده و نوشته یا اینکه اختلاف یکسال را بمسامحه واگذار کرده‌اند. و در هرحال ماده تاریخ اول با حساب دقیق مطابق با (۱۱۲۰) و ماده تاریخ دوم مطابق باسال (۱۱۱۸) میگردد.

درسرسرای مدرسه سنگابی وجوددارد که دراطراف آن کتیبه‌ای است مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم و بخط نستعلیق برجسته با رقم: «کتبه اقل الطلبة محمد مهدی الحسینی عفی عنه» و رقم حجار و سازنده سنگاب چنین است:

«درشهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۰ باتمام رسید عمل کمترین محمد طاهر» وباتوجه باینکه سنگاب سرسرای مدرسه درسال (۱۱۱۰) باتمام رسیده باشد درست بنظر میرسد که تاریخ اتمام کتیبه سردر درسال (۱۱۲۰) انجام شده باشد.

ونیز سنگاب دیگری در صحن مدرسه درمقابل ایوان بزرگ جنوبی در حاشیه باغچه گل ازسنگ پارسی قرار داردکه کتیبه آن چنین است:

«وقف حضرت امام حسین صلوات‌الله و سلامه علیه نمود این سنگ آب را حاجی ابوالحسن اردکانی فی‌شهرشوال المکرم سنه‌تسعین والف». و از آن برمیآید که سنگاب مزبور درزمانی پیش‌ازساختمان مدرسه ساخته شده و درجای دیگری قرار داشته وپس‌ازساختمان مدرسه بآنجا انتقال یافته است.

و احتمال هم میرودکه زمین مدرسه پیش‌از ساختمان تکیه یا سقاخانه‌ای بوده که سنگاب درآن نصب شده بوده و پس از عمارت مدرسه در همان‌جا ابقاء شده است.

مدرسه چهارایوان داردکه بیشتر کتیبه‌ها درآن ایوانها وگنبدی‌که درایوان جنوبی قراردارد واقع شده است. (ش۴۶)

الواح وکتیبه‌های ایوان شمالی مدرسه‌که درمقابل ایوان وگنبد جنوبی‌قرار دارد با کاشیهای نفیس هفت رنگ وکتیبه و خطوط تزیینی آراسته شده و دارای پنجره نفیس‌معرق‌است‌که درقسمت فوقانی‌مدخلی که ایوان سرسرای شمالی‌مدرسه



(شکل ۴۶)

را ارتباط میدهد منصوب است .

مدخل شمالی مدرسه بوسیله در نفیسی ببازارچه بلند متصل میشود . سردر مدرسه دربازارشاهی با کاشیهای معرق تزیین شده و دارای کتیبه‌ای است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم عبدالرحیم جزایری بشرح زیر :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم . امر بانشاءِ هذه‌المدرسة المبارکة السلطان‌الاعظم»
« والخاقان الافخم خادم روضات الائمة سادن سدات سادات الامة ابوالمظفر شاه »
« سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان جعل‌الله تعالی بابه مآباً »
« للسلاطین وجنابه مطافا للخواقین ولماصرف فی بنائها خالص‌المال بخلوص‌البال»
« اهدی ثوابها للمعصومین الاربعة عشر علیهم‌السلام کتبه عبدالرحیم فی ۱۱۲۱».

دراطراف سرسرای شمالی درالوح جداگانه‌ای اشعاری بخط خوش نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین نقش شده است :

« ابر عالم گیر گوهر قطره بحر کرم
عالم آرا آفتاب داد و دین سلطان حسین »

« آن شهنشاهی که باشد مردمان دیـده را
از غبار آستانش عین نور و نور عین »
« آسمان می‌خواست تا آفاق را سنجد به‌او
کهکشان‌میزان شد وخورشیدوماهش کفتین»
« آنکه‌دست قدرت حق چارعنصر کرده است
در سرشتش مشتری و زهره را با نیرین »
« آنکه جـدش سرنوشت خانه تقدیر را
خوانده در پیشانی مـردم زبین الاصبعین »
« ساخت باهم مسجد و مدرس چوعلم باعمل
شد بتوفیق الهی کامیاب نشأتین »
« مسجد گردون اساسی چون سپهر آراسته
گنبدش‌را گوی سرطوق است گوی نیرین »
« شهرعلمی‌مدرسش‌کردم‌غلط نه‌کشوری‌است
صد چو یونانش نهان درجیب بین‌الدفتین »
« مایه عمر ابد در طـول دارد عرصه‌اش
عرض‌آن عرض‌عریض فکر داناراست عین »
« یافت چون اتمام این عالی‌بنا ازجود شاه
داد چون سرکاری آقاکمالش زیب و زین »
« بهر تـاریخ بنا و سال اتمامش نجیب
مطلعی‌چون مهرو مه گرداند زیب خافقین»
« مسجد سلطان عـادل ماه اوج مشرقین
۱۱۱۸
مدرس عالیجناب شاه دین سلطان حسین »
۱۱۱۹

« کتبه محمد صالح »

دو تاریخ دارد یکی بسال (۱۱۱۸) تاریخ تمام شدن بنا و دومی (۱۱۱۹) تاریخ آماده شدن مدرسه برای طلاب است.

کتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیراست:

« روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم انه قال من سلك طریقاً یطلب فیه علما»
« سلك الله به طریقاً الی الجنة وان الملئکة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضابه وانه »
«لیستغفر لطالب العلم من فی السموات ومن فی الارض حتی الحوت فی البحر وفضل العالم»
« علی العابد کفضل القمر علی سایر النجوم لیلة البدر وقال صلی الله علیه و آله طلب العلم »
« فریضة علی کل مسلم ومسلمة وان العلماء ورثة الانبیاء وان الانبیاء لم یورثوا دیناراً»
« ولادرهماً ولکن ورثوا العلم فمن اخذ منه اخذ بحظ وافر. وعن ابی جعفر علیه السلام»
« انه قال من علم باب هدی فله اجر من عمل به ولاینقص اولئك من اجورهم شیئاً »
« و عنه علیهم السلام انه قال ان الذی یعلم منکم العلم له اجر مثلا المتعلم له و »
« الفضل علیه فتعلموا العلم من حملة العلم وعلموه اخوانکم کما علموکم العلماء کتبه»
« علی نقی الامامی سنة ۱۱۱۹ ».

کتیبه مزبور طابق النعل بالنعل ازکتاب آثار تاریخی اصفهان[۱] نقل گردیده که درآن نوشته شده:

« طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة » در صورتی که در حدیث مربوط باین موضوع کلمهٔ مسلمة وجود ندارد ودلیل آن عمومیت کلمه مسلم است که دلالت برجنس مسلم دارد وشامل زنان هم میگردد ولی چه شده که کلمهٔ مسلمة درکتیبه آمده است موجبی بنظر نمیرسد و احتمال دارد چون در محاورات عمومی گفته میشود: العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة بدون توجه بعدم صحت آن نوشته شده باشد.

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۱۲.

کتیبه‌های داخل ایوان شمالی :

۱ـ برهلال داخل ایوان شمالی مدرسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بترتیب آیات (۳۵) ازسورهٔ نور و ۵۶ از سورهٔ احزاب و ۵۵ از سورهٔ مائده نقش گردیده و پـایان آن عبارت : « صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم » قرار دارد .

۲ـ کتیبه داخل ایوان بخط سفید برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم روی‌عن‌علی‌علیه‌السلم‌قال قال‌لی‌رسول‌الله صلی‌الله‌علیه »
« وآله الائمة بعدی اثنی‌عشر اولهم انت یاعلی وآخرهم القائم الذی یفتح‌الله علی »
« یدیه المشارق الارض ومغاربها. عن‌ابن عباس‌قال‌قال رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله »
« لما عرج بی‌الی‌السمآء رایت علی‌باب‌الجنة مکتوباً لااله الاالله محمد رسول الله »
« علی‌حبیب‌الله الحسن والحسین صفوة‌الله وفاطمة امة الله لعنة‌الله علی باغضیهم »
« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم لعلی علیه‌السلم انت منی بمنزلة هرون »
« من موسی الا انه لانبی بعدی وقال علیه‌السلم انا مدینة العلم و علی بابها کتبه »
« ابن‌محمد محسن‌الامامی علی‌نقی‌الاصفهانی ۱۱۱۹ » .

دررأس‌پشت بغل ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی زرد دریك لوحه چنین نقش‌گردیده است :

« درعهد دولت خسرو جهان آرا شاهنشاه اسلام پناه اعلیحضرت رضا شاه »
« پهلوی تعمیر شده » .

کتیبه‌های ایوان شرقی :

۱ ـ کتیبهٔ افقی نمای خارجی ایوان شرقی بخط ثلث سفید بـرزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« عن‌ابی‌عبدالله علیه‌السلم اذاکان لیلة الجمعة نزل من‌السماءِ ملئکة بعدد »
« الذروفی ایدیهم اقلام الذهب وقراطیس‌الفضة لایکتبون الی‌لیلة السبت‌الاالصلوة »
« علی محمد وآل محمد فاکثروا منها ، قال‌ان من‌السنة ان تصلی علی محمد واهل »

« بیته فی کل جمعة » .

و در حاشیه چپ کتیبهٔ مزبور دریك سطر تاریخ تعمیر چنین نوشته شده :

« فی شوال ۱۳۴۶ »

۲ـ کتیبهٔ داخل ایوان شرقی بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« لما وقع الترغیب والتحریص علی طلب العلم وسلوك سبیله فی محکم الکتاب »
« والحث والتنصیص علی تحصیله وکسبه فی السنة الاخبار الماثورة عن اطیاب الائمة »
« علیهم صلوات الله الملك الوهاب فقال العزیز الحکیم فلولا نفر من کل فرقة منهم »
« طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم[1] یحذرون وقال »
« رسول الکریم علیه و آله التحیة والتسلیم طلب العلم فریضة علی کل مسلم الا »
« ان الله یحب بغاة العلم امر مـلك الملوك الذی حـاذ من قصب السبق بین ملـوك »
« البلاد باستباق الخیرات وجمع بیدر الذخر لیوم الحصاد بالتبادر الی القربات لا »
« زال معمار البنیان الدولة الابدیة کما هورافع للواء الفضل والنعمة ومابرح معطرا »
« لمعاطس ارکان السلطنة البهیة کما انه ناصب لعلم العلم والحکمة ببناءِ هذه المدرسة »
« السلطانیة المبارکة النازلة منزلة الجنة التی وعد المتقون واهلها کسکانها فی الغرفات »
« آمنون ثم امر بترصیف هذا الایوان الرفیع لمدارسة کتب العلوم وسنة اتمامه : »
« هو لمصباح العلم مشکوة » کتبه محمد رضا ۱۱۱۹ » .

که میرساند ایوان مزبور در سال ۱۱۱۸ باتمام رسیده وکتیبهٔ آن در ۱۱۱۹ نوشته شده است .

بر دو جرز طرفین ایوان شرقی بخط بنائی سه رگی معرق کـه دو تای آن مشکی و یکی سفید رنگ برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ قدر و عصر نقش شده و سال تعمیر آن ۱۳۴۵ تعیین گردیده است .

برچهار جرز داخل ایوان هم بخط بنائی سه رگی که دو تای آن لاجوردی ویکی زرد برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ اخلاص خوانده میشود ، و بردیوار مقابـل و

۱ـ در کتاب گنجینهٔ تاریخی اصفهان هم اشتباهی لعلم چاپ‌شده است .

هلالداخل ایوان وطاق آن باخط بنائی لاجوردی معرق برزمینهٔ سفید در لوحه‌های جدا ازهم اسماءالله و تعدادی روایات مذهبی نقش و تزیینات خطی آن را تشکیل میدهد .

۳ـ کتیبهٔ دیگر ایوان شرقی چنین است :

« اخرج احمدفی‌مسنده ان رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم قال انی اوشك»
« ان‌ادعی‌فاجیب وانی‌تارك فیکم‌الثقلین کتاب‌الله حبل ممدود من‌السماء الی‌الارض»
«وعترتی اهل‌بیتی‌وان‌اللطیف‌اخبرنی‌انهمالن‌یفترقا حتی‌یردا علی‌الحوض‌فانظروابم»
« تخلفونی فیها . روت عایشة سمعت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله یقول علی »
« مع‌الحق والحق‌مع‌علی لن‌یفترقا حتی‌یرداعلی‌الحوض صدق‌النبی علیه‌السلم‌کتبه »
« عبدالرحیم‌الجزایری . »

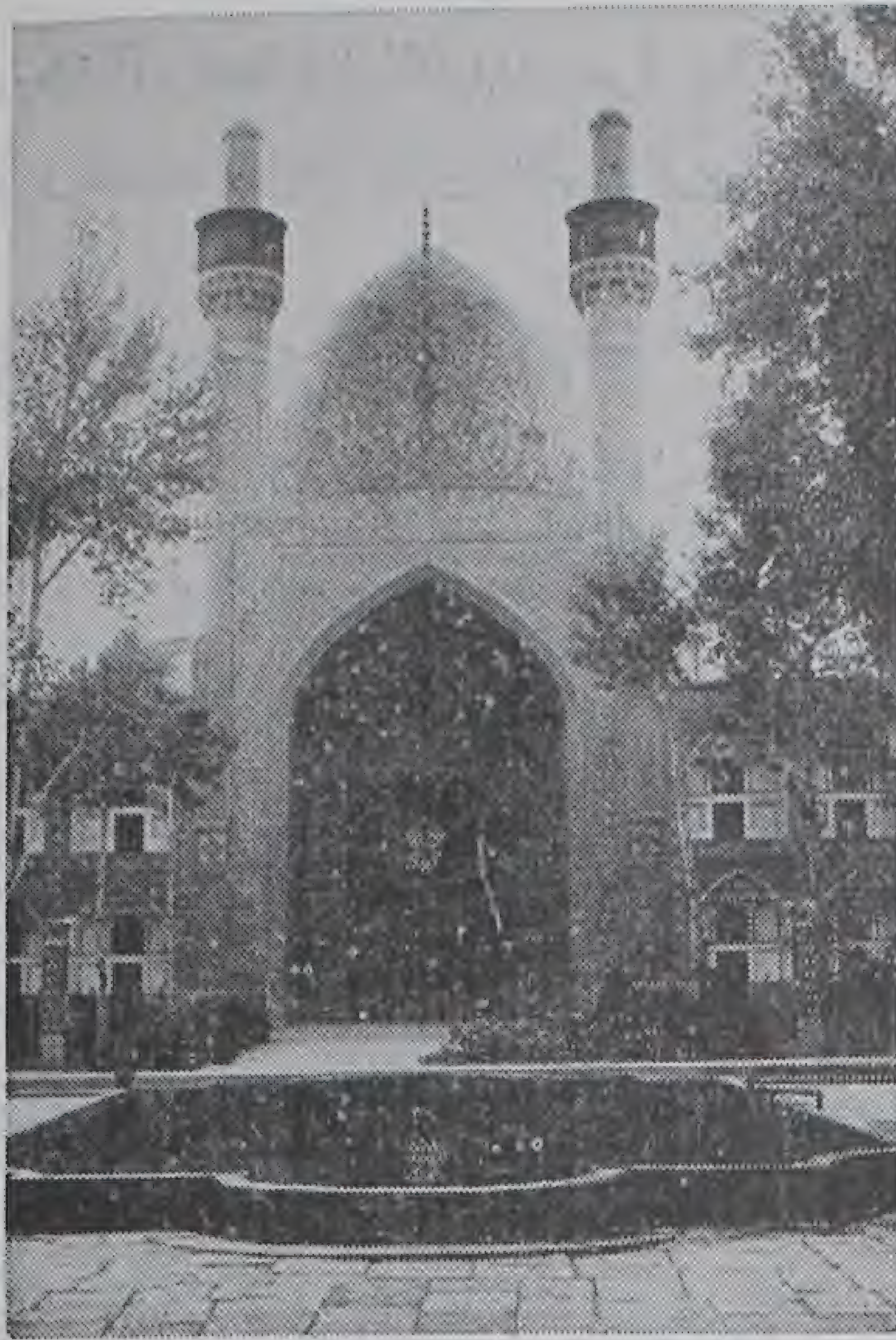
ایوان جنوبی مدرسه که دارای گنبد ودومناره و درواقع ایوان اصلی‌مدرسه بشمار میرود دارای کتیبه‌هائی است که بتفصیل ذکر میگردد :

۱ـ کتیبهٔ ایوان جنوبی صحن مدرسه واقع در مدخل گنبد که بخط ثلث سفید برزمینهٔ‌کاشی خشت لاجوردی نقش شده چنین‌است :

« روی‌الترمدی عن‌زیدبن ارقم قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم »
« من‌کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال‌من‌والاه وعاد من‌عاداه وانصرمن نصره واخذل »
« من‌خذله. عن‌ابن‌عباس رضی‌الله تعالی قال لما نزل‌قوله تعالی‌انما انت منذر ولکل»
« قوم هاد قال صلی‌الله علیه‌وآله انا‌المنذر وعلی‌الهادی وبك یاعلی‌یهتدی‌المهتدون.»
« فی‌صحیح‌البخاری قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم‌لعلی‌علیه السلم اما »
« ترضی ان‌تکون منی بمنزلة هرون من‌موسی . کتبه عبدالرحیم . » . (ش ۴۷)

۲ ـ کتیبه های عمودی داخل گنبد صلوات برچهارده معصوم باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اللهم‌صل‌وسلم‌علی‌النبی‌الامی‌العربی‌الهاشمی‌القرشی»
« المکی‌المدنی الابطحی التهامی فخرالعالمین و حجة‌الله علی‌الخلق اجمعین و »



(شکل ۴۷)

« رحمة‌الله علی اهل السموات والارضین خیر البشر وشفیع یوم المحشر السید البهی و»
«السراج المضیىء والکوکب الدری صاحب الوقار والسکینة المدفون بارض المدینة»
« الخاتم لماسبق والفاتح لما استقبل سید الانام ومبین الحلال و الحرام العبد المؤید»
« والرسول المسدد المحمود الاحمد الامجد الکریم قایل قولما عرفناك والمخاطب»
«بخطاب لولاك لماخلقت الافلاك ذی المعجزات والبینات مظهر البراهین والایات اشرف»
« الاولین والاخرین الذی کان نبیاً وآدم بین الماء والطین وانزل فی شأنه الاعلـی »
«سبحان الذی اسری بعبده لیلا ودنی فتدلی فکان قاب قوسین اوادنی سبح فی کفه الحصی»
«ونبع من اصابعه الماء وجری المختص بتکریم من یطع الرسول فقد اطاع الله والمعزز»
« بتشریف و انه لذکر لك و لقومك وانذر عشیرتك الاقربین فاتبعونی یحببکم الله»
« صفوة المرسلین وحبیب اله العالمین . ابی القاسم محمد المصطفی خاتم النبیین .»

« اللهم صل وسلم على السيدالمطهر والامام المظفر والشجاع الغضنفر ابى »
« شبير وشبر قاسم طوبى وسقر صاحب احد وخيبر عامل لواء الحمد وساقى الكوثر »
« الذى من تولاه فازوا من من كل خطر ومن عاداه فقدخاب وخسروفى امه نظر الانزع »
« البطين الاشرف المكين العالم المبين الاشجع المتين والناصر المعين ولى الدين »
« الوالى الوالى المخلص الصفى الحاكم بالنص الجلى المدفون بالغرى السيدالرضى »
« اخ الرسول وزوج البتول وسيف الله المسلول حجة الرحمن مفتح الجنان اب الائمة »
« المعصومين خليفة حبيب رب العالمين ليث بنى غالب وغالب كل غالب مطلوب كل »
« طالب مفرق الكتايب والشهاب الثاقب و الهزبر السالب امام المشارق و المغارب »
« مظهر العجايب ومظهر الغرايب مولانا ومولى الثقلين سيدالوصيين و امام المتقين »
« ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين امير المؤمنين ابى الحسن على بن ابى طالب . »

« اللهم صل وسلم على السيدة الجليلة الصديقة النبيلة المحدثة العليمة »
« الكريمة الشهيدة المعصومة المكروبة المضطهدة المظلومة ذات الاحزان الطويلة »
« فى المدة القليلة المغصوبة جهراً المدفونة سراً ام الائمة النجباء النقباء المزوجة »
« فى السماء وشهودها الملأ الاعلى ونثارها الدرر واليواقيت التى حملتها شجرة طوبى »
« بنت سيدالمرسلين و حليلة خير الوصيين المطهر [1] من الارجاس المنزهة من »
« الادناس العطية السنية النبوية الموهبة البهية الاحمدية البتول العذراء الانسية »
« الحوراء سيدة النساء فاطمة الزهراء . »

« اللهم صل وسلم على السيد المجتبى و الامام المرتجى سبط المصطفى وابن »
« المرتضى علم الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا بضعة الرسول قرة عين »
« البتول العالم الرفيع ذى الحسب المنيع الشفيع بن الشفيع المقتول بالسم النقيع »
« المدفون بارض البقيع معز المؤمنين وسيد شباب اهل الجنة فلذة كبد سيدة نساء »
« العالمين الحبر المعصوم والامام المظلوم الكريم السخى الحليم السنى الكوكب »

---

۱ ـ درمتن كتيبه منقوله ازكتاب گنجينهٔ آثار تاريخى اصفهان المطهر نوشته شده ولى درست آن المطهرة ميباشد .

« الدری و النورالبهی العالم بالفرایض والسنن صاحب الجود والمنن ابی محمد »
« الحسن . » .

« اللهم صل و سلم علی السیدالزاهد والامام العابد زین المنابـر والمساجد »
« ولی الملك الماجد قتیل الكافر الجاهد الذی عوضه الله تعالی عن شهادته استجابة »
« الدعاء تحت قبته وجعل الشفاء فی تربته والائمة من ذریته صاحب المحنة والكرب »
« والبلاء المدفون بارض كربلاءِ خامس آل العباءِ وثانی السبطین وبضعة رسول الثقلین »
« مولانا ومولی الكونین سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین . »

« اللهم صل وسلم علی اب الائمة وسراج الامة وكاشف الغمة ومحیی السنة وسنی »
« الهمة رفیع الرتبة انیس الكربة وصاحب الندبة المدفون بارض طیبة حجة الخالق »
« شفیع الخلایق خازن الكتاب المسطـور و وارث التوریة و الانجیل و الـزبور »
« سید الساجدین و اسوة الصالحین امام الزاهدین و زین العابدین صاحب المفاخر »
« والمناقب سلیل اسدالله الغالب قرة عین رسول الثقلین وامام الكونین ابی محمد »
« علی بن الحسین . »

« اللهم صل وسلم علی قمر الاقمار و نورالانوار و سیدالابرار و قایـدالاخیار »
« السیدالوجیه والامام النبیه المدفون عندابیه حجة الله علی الخلق اجمعین رحمة الله »
« علی اهل السموات والارضین سلالة سیدالنبیین قرة عین خیر الوصیین الممتاز بسلام »
« جده علی لسان جابر والناشبة بین خلفاء بسیدالاوائل و الاواخر مخزن اسرارالله »
« معدن علم الله الطهر الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر والبحر الزاخر والدر الفاخر »
« امام الكونین ومقتدی الثقلین ابی جعفر محمدبن علی الباقر . »

« اللهم صل وسلم علی الصادق الصدیق العالم الوثیق الحلیم الشفیق خلیفة »
« خیر الانبیاءِ وصی سیدالاوصیاء المظهر البراهین ومبین الایات الحجج والبینات »
« منبع العلوم المكنونة خازن الاسرار المكتوبة بضعة رسول الثقلین قرة عین نبی »
« الخافقین حجة الخالق هادی الخلایق صاحب الشرف الرفیع والحسب المنیع والفضل »
« الجمیع المدفون بارض البقیع المهذب المؤید والامام الممجد قدوة الانام والحبر »

« الهمام محقق الحقايق و مظهر الدقايق ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق . »

« اللهم صل و سلم علی السید الکریم و الامام الحلیم سمی الکلیم و الصابر »
« الکظیم قاید الجیش المدفون بمقابر قریش مخزن اسرار علوم الابد وحجة‌الله »
« الواحد الاحد الصمد هادی‌الانام ومبین احکام الحلال والحرام المظلوم المسجون »
« والغریب المغموم المحزون صاحب الشرف الانور والجبین الازهر مولی الثقلین »
« ومقتدی الکونین قرة عین خیر الخلق اجمعین موسی بن جعفر الکاظم . »

اللهم صل وسلم علی السید المعصوم و الامام المظلوم و الشهید المسموم و »
« الغریب المغموم وارث علوم انبیاء المرسلین وسلیل خیر النبیین وسید الوصیین »
« بدر النجوم وشمس الشموس انیس النفوس المدفون بارض طوس عالم اسرار التنزیل »
« والتاویل کاشف رموز التوریة والزبور و الانجیل حجة‌الله علی البرایا رحمة‌الله »
« علی اهل الارض و السماء الراضی المرتضی المجتبی المرتجی ابی‌الحسن علی بن »
« موسی الرضا » .

« اللهم صل وسلم علی السید العالم العامل الفاضل الکامل الباذل العادل الاجود »
« الجواد العارف باسرار المبداء والمعاد ولکل قوم هاد مناص من لامناص له یوم »
« ینادی المناد المدفون بارض بغداد حجة‌الله علی البریات شفیع الامة فی العرصات »
« المعصوم من الذنوب والخطایا منبع الهمم والعطایا قدوة اهل الهدی وذوی التقی و »
« المختص بالامامة فی الصبی مقتدی الکونین و للنبی قرة عین السید العربی والامام »
« الاحمدی والنور المحمدی الملقب بالتقی المکنی بابی جعفر محمد بن علی . »

« اللهم صل وسلم علی الامام الهمام وفخر الانام مقتدی الخواص والعوام السید »
« السند المجد المؤید کهف التقی و غیث الوری بدر الدجی طود النهی علم الهدی »
« المدفون بسر من رأی مظهر المعجزات ومبین الایات سلالة سید الاولین والاخرین »
« خلیفة قائد الغر المحجلین معدن العلوم الربانیة مخزن الاسرار السبحانیة حجة‌الله »
« علی کافة البریة امام الکونین و قدوة الثقلین صاحب المفاخر و الایادی افضل کل »
« حاضر وبادی ابی‌الحسن علی بن محمد التقی الهادی . »

« اللهم صل وسلم على الامام الهمام الفاضل و السيد العالم الكامل المعصوم »
« المؤيد والمحدث المسدد حجة الله الناطق ولسانه الصادق و برهانه القاطع و نوره الساطع »
« اللامع حامل امانات النبوة كافل هداية الامة قدوة الابرار والاخيار امين الله فى البرارى »
« والبحار منبع العلوم ومجمع الانوار كاشف المحن و البلوى المدفون بسر من رأى »
« الامام الولى خازن سر النبى ابى محمد الحسن بن على العسكرى . »

« اللهم صل و سلم على صاحب الدعوة النبوية و الصولة الحيدرية والعصمة »
« الفاطمية والحلم الحسنية والشجاعة الحسينية والعبادة السجادية والمأثر الباقرية »
« والاثار الجعفرية والعلوم الكاظمية والحجج الرضوية والجود التقوية والسخاوة »
« النقوية و الهيبة العسكرية الامام المنتظر صاحب العصر والزمان سمى حبيب »
« الرحمن صلوات الله و سلامـه عليهم اجمعين ولعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين »
« كتبه عبدالرحيم . فى ۱۱۰۴ »

۳ـ کتیبهٔ ایوان غربی داخل گنبد بخط افقی چنین است :

« روى ابن المغازلى والديلمى عن سلمان قال سمعت حبيبى رسول الله صلى الله »
عليه وآله يقول كنت انا و على نورا بين يدى الله عزوجل قبل ان يخلق الله آدم باربعة »
« عشر الف عام فلما خلق الله آدم قسم ذلك النور جزأين فجزء انا وجزء على ففى النبوة »
« وفى على الخلافة. فى كتاب جامع الاصول روى الترمدى عن ام سلمة قالت قال رسول الله »
« صلى الله عليه وآله وسلم من اراد ان ينظر الى نوح فى تقواه والى ابراهيم فى حلمه »
« والى موسى فى هيبته والى عيسى فى عبادته فلينظر الى على. و روى ابو القاسم سليمان بن »
« احمد الطبرانى رحمه الله بسنده الى عبدالله بن حكيم الجهنى ان رسول الله صلى الله »
« عليه وآله قال انتهيت ليلة الاسراءِ الى سدرة المنتهى فاوحى الى فى على انه امام »
« المتقين و قائد الغر المحجلين الى جنات نعيم و قال لو يعلم الناس متى سمى على »
« امير المؤمنين ما انكر فضله كتبه عبدالرحيم الجزايرى . ۱۱۲۱ »

۴ـ کتیبه ولوحه‌های نمای خارجی ایوان جنوبی :

الف ـ کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی در زیر مناره های طرفین بخط

ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ در وسط چنین است :

« قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لعلی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه »
« السلام یاعلی نوم العالم افضل من عبادة العابد یاعلی رکعتین یصلیها العالم افضل من »
« الف رکعة یصلیها العابد وروی حفص بن غیاث انه قال قال ابوعبدالله علیه السلم »
« من تعلم وعمل به و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً فقیل تعلم لله و عمل لله »
« عن معویة بن وهب قال سمعت ابی عبدالله علیه السلم یقول اطلبوا العلم وازینوا معه »
« بالحلم والوقار و تواضعوا لمن تعلموا العلم وتواضعوا لمن طلبتم منه العلم ولا تکونوا »
« علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم . عن ابی عبدالله علیه السلم یقول ان من حق »
« العالم الا تکثر علیه السؤال ولا تأخذه بثوبه واذا دخلت علیه وعنده قوم فسلم علی[1] »
« جمیعاً وخصه بالتحیة دونهم واجلس بین یدیه ولا تجلس خلفه ولا تغمز بعینك ولا »
« تشر بیدك ولا تکثر من القول قال فلان خلافاً لقوله و لا تضجر بطول صحبته فانما »
« مثل العالم مثل النخلة تنتظر متی یسقط علیك منها شیئی والعالم اعظم اجراً من »
« الصائم القائم الغازی فی سبیل الله . وعن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله یقول من علم »
« خیرا فله مثل اجر من عمل به قلت فان علم غیره یجری ذلك له کتبه عبدالرحیم »
« فی ۱۱۱۲ »

ب ـ خطوط بنائی نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه :

۱ ـ روی دو جرز دو طرف ایوان جنوبی در یك شکل چهار ترنجی بخط بنائی مشکی برزمینهٔ سفید چنین نوشته شده :

« اللهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم و اهلك اعدائهم .

ودر ترنج دیگر نوشته شده :

« اشهد ان لااله الاالله واشهد ان محمداً رسول الله واشهد ان علیا ولی الله » .

در ترنج سوم نوشته شده :

« استغفر الله الذی لااله الا هوالحی القیوم واتوب الیه ».

۱ـ درست روایت (علیهم) میباشد .

و در ترنج چهارم چنین خوانده میشود :

« وصلی‌الله علی جمیع الانبیاءِ والمرسلین والحمدلله رب‌العالمین» .

ودرشکل مربع وسط چهار ترنج چهارمرتبه کلمهٔ (علی) نقش شده است .

۵ ـ کتیبهٔ قسمت فوقانی محراب ومنبرمدرسه چنین است :

« رواه البیهقی فی‌کتابه الذی صنفه فی‌فضایل الصحابة یرفعه بسنده الی »
« رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم من اراد ان‌ینظر الی‌نوح فی‌تقواه والی ابراهیم »
« فی‌حلمه‌والی‌موسی‌فی‌هیبته والی‌عیسی فی‌عبادته فلینظرالی علی. وروی ابوالقاسم »
« سلیمان بن احمد الطبرانی رحمه‌الله بسنده الی عبدالله‌بن حکیم الجهنی ان »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله قال انتهیت لیلة الاسراءِ الی‌سدرة المنتهی فاوحی »
« الی‌فی علی‌انه امام‌المتقین وقائد الغرالمحجلین‌الی‌جنات نعیم وقال لویعلم‌الناس »
« متی سمی علی امیرالمؤمنین ماانکرفضله کتبه عبدالرحیم الجزائری ۱۱۲۱ » .

۶ ـ کتیبه های شبستان مدرسه :

شبستان مدرسه که درضلع خاوری گنبد واقع وبوسیلهٔ در منبت‌کاری جالبی بفضای زیرگنبد مربوط میشود سه محراب دارد ودر اطراف یکی از آنها با خط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره و پایان آن باین کلمات ختم میشود : «صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم ونحن علی» « ذلك من‌الشاهدین کتبه محمد مؤمن‌الحسینی» .

در اطراف محراب دوم ازآغاز آیهٔ ۷۸ تا پایان آیهٔ ۸۲ سورهٔ اسری نقش شده و قسمت آخرآن برقم زیر ختم میشود: «کتبه محمد مؤمن‌الحسینی ۱۱۱۸» .

درکتیبهٔ محراب سوم آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره نقش شده بوده‌که فقط : «قدنری تقلب وجهك» ازآن باقی مانده است .

۷ ـ کتیبهٔ مناره های مدرسه :

درزیرستونهای تارك دومناره کتیبهٔ زیر بخط ثلث لاجوردی برزمینهٔ کاشی زرد باین شرح دیده میشود :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم ان‌علیا منی وانا من علی وهو مولی »
« کل مؤمن بعدی لایؤدی عنی الا انا اوعلی . قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله »
« انا وعلی من نور واحد .»

۸ ـ کتیبه نمای خارجی گنبد مدرسه :

درگردنهٔ گنبد مدرسه درقسمت بالا باخط بنائی سه رگی برزمینهٔ فیروزه‌ای عبارت : « اللهم صل علی محمد و آله وسلم » چهار بار نقش شده است ، ودر پائین قسمت مزبور برلوحه های پراکنده‌ای با خط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمینهٔ سفید عبارات زیرچهار بارتکرارشده است : (ش ۴۸)



(شکل ۴۸)

۱ ـ « توکلت علی الحی الذی لایموت» چهار بار.

۲ ـ «الله‌اکبر» چهار بار .

۳ ـ «هوالله‌الذی لااله‌الاهو» چهار بار .

۴ ـ «الله‌اکبر» چهار بار .

۵ ـ «الملک‌لله الواحدالقهار» چهاربار .

و در اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی چنین نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. الحمدلله‌رب‌العالمین رافع‌السموات وباسط‌الارضین »
« والصلوة والسلام علی خاتم‌الانبیاء و سیدالمرسلین محمد صاحب‌الفرقان و مهبط »
« وحی القرآن و علی‌اله الطیبین الاخیار وصحبه‌المنتجبین الابرار لاسیمااخیه و »
« وصیه و مستودع علمه و موضع سره وباب حکمته وخلیفته فی‌امته الداعی الی »
« شریعته علی‌بن‌ابیطالب علیه وعلی اولاده سلام‌الله الملك الواهب وبعد فان عمارة »
« المساجد لاقامة ذکرالله وتأسیس المدارس لتنفیذ امرالله من‌اعظم‌المثوبات لدیه »
« و اقرب‌القربات الیه و قدحث سبحانه وتعالی علیه فقال عز من قائل انما یعمر »
« مساجدالله‌من آمن بالله‌والیوم‌الاخر وممن من‌الله‌علیهم بهاتین‌الموهبتین هوالسلطان »
« العادل والخاقان الباذل ملك‌الانام ناشر احکام الاسلام مروج الشریعة الغراءِ »
« والسالك سبیل‌المحجة البیضاءِ الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی »
« بهادرخان‌لازال ایام‌دولته مرفوعة الی‌سمك‌السماءِ وصیت‌معدلته‌مسموعا فی‌سطوح »
« المساجدوالافلاك لماصرف‌فیهما صفوالمال بطیب‌البال وصدق‌النیة‌اهدی ثوابهما »
« الی موالیه سادات الخلق والبریة والمعصومین الاربعة عشر علیهم‌السلم کتبه »
« عبدالرحیم الجزایری فی ۱۱۲۲ » .

و در یك حاشیه‌که برکتیبه مزبور عمود است چنین خوانده میشود :

« تعمیرات مدرسه درتاریخ هزاروسیصدوپانزده بامر وزارت معارف واوقاف »
« انجام یافت » .

۹ ـ حجرهٔ شاه سلطان حسین :

بطوریکه مشهور است شاه سلطان حسین حجره‌ای در قسمت ضلع شمالی مدرسه ازسمت مغرب داشته‌که درآن گاه‌گاهی جلوس وتدریس میکرده ویاهنگام سرکشی بمدرسه درآن فرود میآمده است .

حجرهٔ مزبورباسایرحجرات مختصرامتیازی داردکه یکی زیلوی سیاه‌رنگ

تاریخ وکتیبه‌داری است که کتیبهٔ آن چنین است :

« فرش این مدرسه که روح افزا است   وقف نواب اشرف والا است »

و دیگر اینکه داخل حجرهٔ مزبور با حاشیه های طلاکاری آراسته شده و بخاری بسیار زیبائی دارد .

هر چند انتساب حجره بشاه سلطان حسین سندی ندارد ولی ممکن است بنام آن پادشاه ساخته شده باشد برای حفظ عنوان نه اینکه پادشاهی در حجره مدرسه اقامت داشته باشد .

۱۰ ـ شاخص مدرسه :

ازقدیم برای تعیین ظهر وهمان‌طور تشخیص قبله دانشمندان فن چون شیخ بهائی وغیره شاخصهائی درست کرده‌اند یکی ازآنها در مسجد شاه و دیگری که نگارنده دیده‌ام در مدرسه نیم‌آورد میباشد .

درسال ۱۳۱۱ شمسی‌هم بهمت دانشمند منجم سیدجلال‌الدین طهرانی چنین شاخصی سنگی که مبین ظهر حقیقی‌است درطرف شرقی ایوان‌شمالی مدرسه‌سلطانی چهار باغ نصب گردیده‌که مورد استفاده نیازمندان است .

کتیبهٔ شاخص چنین است :

«در روز یکشنبه ۲۹ جمادی‌الاخرة ۱۳۵۱ قمری و ۷ عقرب و ۸ آبان‌ماه ۱۳۱۱»
«شمسی‌این‌سنگ برای‌تعیین‌ظهر حقیقی بیادگارسفر اصفهان‌این‌جانب‌سیدجلال‌الدین»
« الحسینی الطهرانی درمدرسهٔ چهارباغ نصب شدکه چون‌جدار غربی این‌سنگ »
« سایه‌اش معدوم شد ظهرحقیقی واقع میگردد . درزمان تولیت آقای‌آقا مصطفی»
« مدرس نجل مرحوم سید عبدالحسین سیدالعراقین طول اصفهان ۵۱ درجه و ۳۵ »
« دقیقه شرقی گرینیچ وعـرض‌آن ۳۲ درجه و ۴۰ دقیقه شمالی استوا و انحراف »
« قبله از جنوب بمغرب ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقه و جنوب جغرافیائی ۴ درجه و ۵۲ »
« دقیقه در مشرق جنوب مقناطیسی قطب‌نما است وارتفاع‌اصفهان ازسطح‌اقیانوس»
« مابین ۱۴۷۵ و ۱۵۲۰ متر میباشد وبواسطه انکسار شعاع روزهای سال از سه »

« دقیقه تا ۷ دقیقه بلندتر از روزهای حقیقی میشود و تیزه مابین جدار غربی و »
« جدار جنوبی سنگ نماینده قبله مدرسه چهار باغ است و چون ظل جدارغربی »
« معدوم شد در جدار شرقی ظل حادث میگردد . مرحوم‌شیخ بهاءالملة والدین »
« علیه‌الرحمه درمسجدشاه اصفهان در مدرسه غربی آن سنگی نصب فرموده‌اند که »
«آن نیز برای تعیین ظهرحقیقی است که چون ظل آن معدوم‌شد ظهرواقع میشود »
« و سطح فوقانی آن سنگ بشکل مثلث قائم‌الزاویه است که وتر مثلث درجهت »
« طرفی است که ظهر را تعیین میکند ویك ضلع مجاور بزاویه قائمه وصل بدیوار»
« است وضلع دیگر نماینده قبله است و اینجاست که باید گفت الفضل للمتقدم .»

این بود کتیبه‌های مدرسه چهارباغ که تاکنون خوانده شده و بیشتر آنها را ازگنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که الحق در جمع‌آوری وقرائت کتیبه ها زحمت بسیارمتحمل‌شده وتا آنجاکه امکان داشته درنقل‌صحیح آن‌کوشیده است نقل‌کرده‌ام. کتیبهٔ مهمی که در قسمت نمای خارجی ایوان غربی درزیرگلدسته بخط ثلث سفید برزمینهٔ‌کاشی خشت لاجوردی‌نقش شده وتاریخ آن‌سال ۱۱۲۰هجری قمری است درست خوانده نمیشود مگر اینکه کسی اصل آن اشعار را ازجای دیگر بدست آورده باشد .

تاریخ شروع وبنای مدرسه مزبور بدرستی وقطعی معلوم و مشخص نیست و تاریخهای گوناگونی دیده میشود که باید مورد بررسی واقع‌گردد .

مثلاً تاریخ سنگابهای مدرسه یکی۱۰۹۰ هجری ودیگری ۱۱۱۰ هجری است وتاریخ بنا از۱۱۰۴ هجری شروع وتا ۱۱۲۶ هجری ادامه داشته است که در تاریخ اخیر درب نقرهٔ‌آن نصب گردیده است .

و تاریخهای گفته شده جزتاریخ ۱۱۲۶ هجری بقیه در ذیل کتیبه هائی که یادگردیده وجود دارد وتاریخ ۱۱۲۶ نیزضمن ذکر وقایع سال ۱۱۲۶ ایام سلطنت شاه سلطان حسین درکتاب وقایع السنین‌خاتون‌آبادی مخطوط موجود درکتابخانه مجلس شورای ملی‌مذکور است[1] .

۱ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۹۲ بنقل از مجله یادگار سال‌سوم شماره ۳ ص ۵۸

طول صحن مدرسه ازمشرق بمغرب ۶۵/۵ متر وعرض ش ازشمال بجنوب ۵۵/۵ متر است .

زمین زیر بنای مدرسه وصحن همگی قریب ۸۵۰۰ متر مربع است ویکصدو پنجاه حجره برای سکونت طلاب دارد .

چند اصله چنار قدیمی نیز در صحن مدرسه وجود دارد و شعبه‌ای از مادی فرشادی اززیر دالان وایوان شرقی بسمت سرای فتحیه میگذرد . سرای فتحیه امروز بنام مهمانسرای شاه عباس نامیده میشود .

این اثر باستانی طی شماره ۱۰۹ به ثبت تاریخی رسیده است (۱)

۱۲ـ مدرسهٔ حاجی حسن :

این مدرسه که در جنب مسجد علی و در برابر هارون ولایت واقع گردیده دو طبقه و مشجر میباشد و در زمان قدیم مدرسهٔ سلطان محمد سلجوقی نامیده میشده است .

درسال ۳۰۸ شمسی که نگارنده آن مدرسه را دیدم عده‌ای ازمحصلان جدید وکمی طلبه ومتفرقه درآن سکونت داشتند وبتدریج روبخرابی گذارده بود ولی در این اواخر مورد توجه وتعمیر واقع گردیده است .

سبك ساختمان مدرسه مشابه سبك ساختمان مسجد و بالای در ورودی آن روی کاشی این عبارات خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم » « انا مدینة‌العلم وعلی بابها »

« سرمایهٔ نجات بود مهر بوتراب   خواهی اگر نجات ازاوروی بر متاب»

و اگر ساختمان مدرسه مربوط بزمان سلاجقه‌هم باشد شکی نیست که کتیبهٔ مزبور اززمان صفویه بیعدا یجادشده وازهمان‌موقع بمدرسه حاجی حسن شهرت یافته است وقاعدةً باید درزمان صفویه بحالت ویرانی درآمده باشدتا حاجی حسن درصدد احیاءِ وتعمیرآن برآمده است .

۱ـ فهرست، بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۸.

۱۳- مدرسه حاجی‌شیخ محمدعلی ثقة الاسلام :

این مدرسه در بازارچه حسن‌آباد ودرحد جنوبی‌مسجد ساروتقی قـرار دارد و ازبناهای ثقةالاسلام حاج‌شیخ محمدعلی اصفهانی متوفی (۱۳۱۸ ه. ق) میباشد ومساحت آن درحدود شانزده قفیز است.

سکنه مدرسه مزبور ازطلاب علوم دینیه بوده‌اند وتانیمه دوم قرن‌چهاردهم هم پراز طلاب علوم دینی بود ، و علمای مسجد شاهی درترویج طلاب بسکونت و تحصیل در آن میکوشیدند .

۱۴- مدرسه دربکوشك = باقریه = پاشیر :

این‌مدرسه درمحله دربکوشك ودرمجاورت باب‌القصر قرارگرفته وازمدارس قدیمی بدون تزیینات میباشد وطلبه نشین است ولی درزمان قدیم دارای کاشیهای معرق وتزییناتی بوده است‌که دراثر مرور زمان و ابتلای بویرانی ازمیان رفته‌است وچون درمحله درب‌کوشك واقع شده بمدرسه دربکوشك وچون شیری‌سنگی‌درآن محل‌بوده بمدرسه پاشیر وچون بانی‌آن باقر نام داشته بباقریه خوانده شده است .

ثبت تاریخی این مدرسه درگردش اداری است[1] .

۱۵ - مدرسه ذوالفقار :

این مدرسه درکوچه‌ای موسوم به کوچه ذوالفقار منشعب از بازار بـزرگ واقع درمحله نیم‌آورد قرار دارد ودرهمان‌کوچه مسجد و حمامی نیزبنام ذوالفقار وجود دارد و معلوم میگردد که در عصر شاه طهماسب صفوی ایـن سه بنا ایجاد شده است . هرچند مدرسه‌کتیبه‌ای ندارد ولی‌کتیبه مسجد ذوالفقار حاکی است که در سال (۹۵۰) هجری در عهد شاه طهماسب شیخ محمد صفی نامی مسجد موسوم به ذوالفقار را تعمیرکرده است و با این ترتیب باید گفت کـه اصل بنا از زمـان جلوتری بوده ودرعصرشاه طهماسب تعمیرگردیده است وعلت تسمیه بنام‌ذوالفقارهم معلوم نیست واگربگوئیم که بانی‌اول ذوالفقار نام داشته با عکسهای شمشیر دوسر

۱ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

روی دیوارهای گچی شبستان وفق نمیدهد . مگر اینکه گفته شود از نظر عقیده و احترامی که صفویه بحضرت علی داشته‌اند مسجد ومدرسه و حمام بنام ذوالفقار علی نامیده شده‌اند .

۱۶ ـ مدرسه سلیمانیه :

این مدرسه درگوشه جنوب غربی مسجد شاه قرار دارد و بوسیله دو مدخل بزرگ بصحن مسجد وسه مدخل بزرگ‌دیگر بمحوطه زیر گنبدغربی ارتباط دارد . غرفه های اطراف صحن مدرسه در پائین با ازاره های مرمری و در بعضی جاها با سنگهای پارسی واز ازاره ببالا با کاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده .

سنگ شاخص منسوب به شیخ بهاءالدین عاملی در قسمت تحتانی یکی از جرزهای ضلع شمالی صحن‌مدرسه نصب‌شده است؛ شاخص مزبورظهرحقیقی اصفهان را در چهار فصل سال نشان میدهد .

سردرمدرسه‌که بطرف‌کوچه پشت مسجد است‌کتیبه‌ای دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ وبخط محمدرضا امامی باین شرح :

« .... جامع کبیرالاعظم‌الشاهی العباسی الصفوی فی‌زمن‌الدولة السلطان و »
« الخاقان الاکرم مالك رقاب‌الامم مولی ملوك‌العرب والعجم مروج مذهب‌الائمة »
« المعصومین علیهم‌السلم السلطان‌بن السلطان ابوالمظفر شاه سلیمان الموسوی »
« الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی‌کافة‌العالمین بره »
« و عدله و احسانه لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و جباه افاخم »
« السلاطین معفرة بتراب اعتابه فی‌ثمان وسبعین والف‌کتبه محمدرضا الامامی . »

در درون مقرنس کاشیکاری سردرمزبور دردوشمسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی عبارات :

«یاصمد» و«یاغافر» و«یاشکور» و«یارازق» و«یاصبور» نقش شده؛ ودر دولوحه بردوطرف شرقی وغربی سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین خوانده میشود :

« عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم بناء اصفهانی »[1] .

از آغاز کتیبه سردر مقداری افتاده که ظاهراً مربوط بتاریخ اتمام بنای مدرسه بوده است .

این مدرسه و تمام ساختمانهای مسجد شاه بموجب شماره ۱۰۷ به ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۱۷ ـ مدرسه شفیعیه دردشت :

این مدرسه بهمت محمد شفیع بن جمال الدین محمد خوزانی درمحله دردشت ودر دوره شاه عباس دوم ساخته شده است . نمای خارجی صحن مدرسه آجر ساده ولی درون ایوانهای چهارگانه چهار سمت صحن قطاربندی های گچی دارد و با قطارهای مسجد علی مشابهت دارد . ایوان جنوبی از دیگر ایوانها بزرگتر است و تزیینات گچی بیشتری دارد ویك چشمه آن تجدید بناگردیده است .

کتیبه سردرمدرسه بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« قداتفقت عمارة هذه المدرسة الحقیرة والمساجد المبینة فیها فی ایام خلافة »
« السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج مذهب ابائه ائمة الطاهرین السلطان بن »
« السلطان شاه عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه و »
« وفق باحداثه و اتمامه احقر عبادالله و احوجهم الی عفو ربه الغفور ابن جمال الدین »
« محمد الخوزانی محمد شفیع الاصفهانی عفی عنهما فی ۱۰۶۷ کتبه محمد رضا الامامی . »

در راهرو ایوان بزرگ جنوبی مدرسه دولوح بزرگ سنگی بردیوارهای دوطرف ایوان نصب شده ودر آن فهرست رقبات موقوفه نقش گردیده است ، در حدود نیمی از نوشته هریك از لوحه ها از میان رفته است وآنچه مانده و خوانده میشود چنین است :

« هوالواقف علی الضمائر بسم الله الرحمن الرحیم وقف نمود احوج المحتاجین »

---

۱ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۵۵ تا ص ۴۵۷ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۴۶ .

« الی عفور به‌الغفور محمد شفیع‌ابن جمال‌الدین‌محمد خوزانی اصفهانی کل این »
« مدرسه حقیره محدثه خود را با بیوتات معینه معلومه مربوطه بآن‌که بیوتات »
« مسفوره مشتمل است برسه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها »
« و غسالخانه مربوطه بمدرسه و فضاء دیگر که کروچاه و مستراح در آن واقع »
« است و ممر بیوتات مذکوره از میان مدرسه مسطوره است و این چهار صفه و »
« شبستان متصله بکریاس در مدرسه که مسجد است بر طلبه علوم دینیه اثنی »
« عشری که ادای صلوات در مسجد و شبستان و تغسیل و تکفین اموات مؤمنین »
« درغسالخانه مزبوره وطلب‌علوم دینیه درمساجد ومدرسه وبیوتات مزبوره نمایند »
« وقفاً صحیحاً دائماً شرعیاً و بعد ذلك وقف نمود قربة الی‌الله تعالی‌کفارة لبعض »
« سیئاته همگی و تمامی آنچه تا این وقف بعنوان ملکیت بلامنازعی در تصرف »
« شرعی واقف بود از رقبات وعقارات‌که عبارت است ازهفت حبه ویکدانگ‌ونیم »
« یکحبه ازکل هفتادودوحبه قریه معروفه بمحمدآباد قهاب وقاطبت سه‌حبه‌ونیم »
« ازکل هفتادودوحبه موضع طادلنجان وموازی شش سهم و چهاردانگ یك سهم »
« از جمله بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارت است از چهارحبه از کل »
« هفتادودوحبه قریه و سفاباد ماربین وکلیت شش سهم و چهاردانگ‌ونیم ازجمله »
« بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارتست از کل سه حبه از هفتادودوحبه »
« موضع امین‌آباد ماربین وتمامت سه حبه و دو دانگ‌ویك . . . . شعیر از »
« جمله یك‌حبه دیگر ازکل هفتاد ودوحبه موضع کنگاز (جی) وهمگی هفتادودو »
« حبه . . . تیمچه معینه مربوطه . . . ملکی احداث نموده واقف حقیر مذکور »
« و واقع . . . . »

لوح سنگی دیگری در روبروی لوح گفته شده در بالا برروی دیوار ایوان نصب شده بطول ۱٫۶۵ و عرض ۸۸ سانتیمتر که در واقع متمم فهرست موقوفات و کیفیت آن میباشد و آن چنین است :

« ماه مبارك رمضان که همه ساله در مدرسه مزبوره روضته‌الشهداءِ خوانده »

« شود از رعایت قاری واسراج مجمع ولوازم آن بهمه جهت آنچه کرده شود . . . »
« از جهات و عوارضات دیوانی و تعمیر عمارات وتنقیه قنوات و مرمت مستغلات »
« وقفی ومسجد ومدرسه وغسالخانه مربوطه بمدرسه و بام‌اندود وتجدید بوریا و »
« مؤنات زراعت . . . . . . وتکلفاتی که بحکام جور وعمال دیوانی وغیره درکار باشد »
« ومتضمن مصلحت و انتظام وقف باشد که هرگاه آن تخلف بعمل نیاید ضرری »
« بموقوفات یاحاصل آن رسد یا امری بخلاف شرط واقف بعمل آید یاچیزی نزد »
« مستأجران وزارعین وقف باقی ماند وضایع شود دغدغه شرعی نکرده آنچه در »
« کاروضرور نموده باشد درمساجد وکریاس دهلیز هرشب چراغ روشن‌کرده بعداز »
« وضع اخراجات مزبوره بترتیبی که مذکورشده آنچه باقیمانده متولی میانه طلبه »
« ساکنین حجرات و بیوتات جنب مدرسه بشرط آنکه طلبه مشغول بطلب . . . . »
« علوم دینیه باشند و بیکار نباشند فراخور استحقاق وصلاح وتقوی وفضل هریك »
« قسمت نماید و همچنین شرط نمودکه موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و »
« مرهون نسازند و زیاده از سه سال باجاره ندهند نه بعقدی واحد و نه بعقود »
« متعدده واحدی ازارباب وحکام وارباب مناصب دیوان وملازمان امراءِ ومقربان »
« پادشاه والاجاه عصررا مالك انتفاع‌ازانها نسازند بواسطه .... موقوفات را اصلاً »
« بجهت ساکنین بیوتات وخانه وسکنی‌نمودن درآنها ... درمدرسه مدون‌سازند... »
« مزبوره بنای عمارت نکنند و بهمین سنت و کیفیت گذاشته تعمیر و مرمت »
« نمایند ... سنة تسع و ستین بعد الف من هجرة النبویة کتبه محمد رضا الامامی »
« الاصفهانی » (۱).

بطوریکه شرح داده شد بنای مـدرسه در سال ۱۰۶۷ هجری در دوره شاه عباس ثانی بوسیله محمد شفیع بن جمال‌الدین محمد خوزانی انجام‌گرفته وبترتیب موقوفات وعواید مدرسه و تکلیف سایر احتیاجات تا تاریخ یکهزار و شصت و نه (۱۰۶۹ هـ .) یعنی دوسال بعداز اتمام مدرسه بدرازاکشیده است .

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۸۹ تا ص۵۹۲

قسمتی از لوحه‌ها ازمیان رفته وبیشتر ازموقوفات نیز ازلوحه‌ها سترده شده است و درواقع سابقاً که اوقاف سروصورتی داشته آزمندان برای تصرف مقداری از رقبات موقوفه باین‌عمل زشت مبادرت کرده‌اند .

ثبت تاریخی مدرسه مزبور درگردش اداری است[1] .

۱۸ - مدرسه شمس‌آباد :

این‌مدرسه در محله شمس‌آباد و اکنون در حاشیه خیابان شیخ‌بهائی واقع و تزیینات ساختمانی داخل آن مشابه مسجد شیخ علیخان است که درزمان شاه‌سلطان حسین صفوی انجام شده است .

کتیبه سر در مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق باتمام هذه‌المدرسة‌فی‌ایام سلطنة السلطان الاعظم‌والخاقان‌الاکرم »
« الافخم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم‌شاه سلطان حسین‌الموسوی»
« الحسینی خلدالله ملکه و افاض علی العالمین بره و احسانه عالیحضرت الاکرم »
« آمیرزا محمد مهدی‌ابن المرحوم میرزا محمد تقی التاجر العباسابادی کتبه»
عبدالرحیم ۱۱۲۵» [2]

میرزا محمد مهدی‌که ساکن محله عباس‌آباد بوده درسال (۱۱۲۵ هـ . ق) یعنی درعهد سلطنت شاه سلطان حسین بعمارت این‌مدرسه درمحله شمس‌آبادهمت گماشته است وکتیبه مزبور بخط عبدالرحیم جزایری خوش‌نویس معروف عهد شاه سلطان حسین صفوی است . ثبت تاریخی این مدرسه بموجب تصویبنامه شماره ۸۹۳/۱/۱۰/۴۸ انجام شده است.[3]

۱۹ - مدرسه صدر بازار :

این‌مدرسه که در حدود هشت جریب مساحت دارد مانند مدرسه چهارباغ

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ ۲ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۸۴ ۳ـ فهرست‌اداره کل باستان شناسی .

منتهی یك طبقه ساخته شده وچون عمر بانی کفایت نکرده ناتمام باقی مانده بوده است .   (ش ۴۹)



(شکل ۴۹)

مدرسه صدر بازار بهمت حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی متوفی (۱۲۳۹ هـ. ق) صدر اعظم فتحعلی‌شاه قاجار بناگردیده وچون آن راد مرد بزرگ نیت خیر داشته پیوسته محل اقامت بزرگان علماءِ و مدرسان بوده است .

تا سال (۱۳۴۰ هـ . ق) این‌مدرسه بهمان وضعی بود که بانی ساخته بود و حجرات آن آماده‌برای سکونت‌وتحصیل طلاب‌بود ونیزمدرسها برای‌تدریس‌مدرسان ولی ساختمان از لحاظ تزیینات کامل نبود و لذا از سال (۱۳۴۱ هـ . ق) درزمان تولیت حاج‌شیخ محمد حسین‌خان صدر بتکمیل ساختمان پرداختند ونخستین‌کار کتیبه سردر مدرسه بود که خط آن ازآن عبدالجواد خطیب[1] و شعرش از استاد

۱ــ میرزاعبدالجواد خطیب فرزند ملا عبدالله‌بن ملامحمدحسین‌بن حسن دیزی لنجانی ملقب به‌لسان‌الدین از علماء وفضلاء و ادباء وخطباء وخطاطان وشعراء بود ودراصفهان تحصیلات خود را در محضر بزرگان فن انجام و از طرف امام جمعه اصفهان سمت خطیب یافته بود و دراعیاد ومجالس خطبه میخواند و ماده تاریخهای بسیاری در تاریخ وفات بزرگان سروده ←

جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا فرزند طرب بود وسپس بتکمیل ایوانهای‌مدرسه پرداختند تا سرانجام عمارت‌کتابخانه مدرسه هم ساختمان و آماده استفاده گردید و اکنون مدرسه صدر بازار ازهرجهت آماده برای مدرسان وطلاب است .

حیاط مدرسه دارای درختان کهن‌سال کاج‌است که برصفای محوطه‌گلکاری مدرسه میافزاید وازاینرو طلاب همواره دربدست‌آوردن حجره درآن برای‌اقامت وتحصیل بریکدیگر سبقت میگرفتند .

دراواخر نیمه اول قرن‌چهاردهم‌هجری که نگارنده تحصیل میکردم‌حجرات این‌مدرسه طبعاً اختصاص به طلابی‌داشت‌که ازلحاظ وسائل معاشی‌در رفاه بودند و برای سکونت طلبه فقیر مناسب نبود وخود بخود فقط کسانی‌که در رفاه بودند در آن مدرسه سکونت داشتند ازمدرسان معقول مدرسه صدر آخوند ملامحمدکاشانی حکیم زاهد معروف متوفی (۱۳۳۳ هـ . ق) وجهانگیرخان دهاقانی حکیم‌متوفی (۱۳۲۸ هـ . ق) بوده‌اند .

مدرسانی‌که درزمان نگارنده یعنی ازسال (۱۳۴۰ هـ. ق) ببعد وجود داشتند: حجةالاسلامان حاج شیخ محمد حسین‌فشارکی متوفی (۱۳۵۳ هـ. ق) فقیه‌معروف و حاج سید ابوالقاسم دهکردی رجالی مشهور ودیگر حاج میرسید علی‌نجف‌آبادی متوفی (۱۳۶۲ هـ . ق) که از علمای‌نامی وافاضل نادرالوجود بشمار میرفت‌ودیگر شیخ علی‌یزدی ازفضلاءِ وادباء و زهاد متوفی (۱۳۵۳ هـ. ق) و شیخ محمد حکیم خراسانی ازحکمای‌بنام‌وزهاد مجرد زمان متوفی(۱۳۵۵ هـ . ق) بودندکه نگارنده ازمحضر سه‌تن اخیر استفاده کرده‌ام .

کتیبه سر در مدرسه درقسمت فوقانی بخط نستعلیق سفید بر زمینه مشکی معرق دریك لوحه : (بسم‌الله الرحمن الرحیم) وبرزمینه معرق مشکی‌گل و بوته

→

است در (۱۲۷۹ هـ . ق) متولد ودرشب سه شنبه ۲۱ ربیع‌الاول سال (۱۳۵۹ هـ . ق) وفات یافت ودرتخت فولاد درسمت جنوبی آب‌انبار تکیه کازرونی مدفون‌گردید . او راست دیوان اشعار و شرح حالش را نگارنده در فرهنگ اصفهان و تاریخ خط و خطاطان بتفصیل نگاشته‌ام .

چنین نقش شده است :

« قال رسول‌الله(ص) انا مدینة العلم و علـی بابها کتبه الادیب عبد الجواد »
« الخطیب . »

در دوطرف سر در دو لوحه دایره مانند بخط نستعلیق‌سفید برزمینه مشکی معرق نقش‌شده :

« دست علی» « تراش غفار »

در سر در مزبور اشعاری فارسی بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکـی کاشی معرق باین شرح خوانده میشود :

« ضمایر دوجهان ازپس هزار حجاب چوآفتاب درخشد در آبگینه علم »
« بشوق‌چرخ نگر کزپس هزاران‌سال هنوز دست تمنا دهد بسینهٔ علم »
« روان صدر ازین مدرس سپهر اساس روان‌درآب‌حیات‌است یاسفینهٔ علم »
« بعون لشکر نصرت نظام دولت داد بحفظ‌کشور دین نظم‌این‌مدینهٔ علم »
« بدستیاری الماس فکر تا بابد پر از جواهر کانی بود دفینهٔ علم »
« صفای سعی بلیغش‌بطوف کعبهٔ دین چوکردقفل یقین باز ازخزینهٔ علم »
« بتولیت چوبرافراخت سرزاستحقاق حسین‌شبل علی‌آن زجان‌کمینهٔ‌علم »
« نوشت کلك سنا ازبرای تاریخش : «گشوده‌شد بره‌دل در از مدینهٔ علم »
۱۳۴۱

کتیبه مزبور ازسال(۱۳۴۱ ه. ق) حکایت میـکندکه‌تزیینات سردر آن‌انجام گردیده است و تولیت مـدرسه در عهده حاج محمد حسینخان‌بن میرزا علیخان صدری و شاعرآن استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا بوده‌است. (ش ۵۰)

درمرحله بعد ساختمان‌کتابخانه مدرسه باهتمام وکوشش حجت‌الاسلام حاج سید محمدرضا خراسانی مدرس مدرسه انجام شد ودرسردرکتابخانه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی چنین‌نقش‌گردیده :

« بعدالحمدلله والصلوة علی محمد (ص) وآله فقد اقدم السیدالسند الفقیه»
« وآیة‌الله‌الملك‌الجلیل السید محمدرضا الخراسانی لتأسیس هذا البناءِ وتکمیله»



(شکل ۵۰)

« احیاء للعلوم والمعارف الدینیه و حفظاً للکتب العلمیهٔ حرره خلیقی پور . »

ونیز دریك لوحه‌کوچك درقسمت فوقانی سردر کتابخانه خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ۱۳۶۴ » .

و در اطراف نمای خارجی کتابخانه بخط نستعلیق سفید خلیقی‌پور برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ اشعار زیر که شاعر آن استاد جلال‌الدین همائی‌متخلص به‌سنا است‌نوشته شده :

« دانش‌طلب‌که‌دانش‌ودین‌درکمال‌نفس — مس وجود را مثل کیمیا بود »
« بر رهروان ز منزل شك تا در یقین — دانش چراغ روشن و دین‌رهمنابود »
« با پرو بال علم هیولای محض را — تا عقل مستفاد همی از بقا بود »
« افشاند آستین بجهان آنکه باادب — برآستان علم و ادب جبهه سا بود »
« آنرا که دست علم وهنردستگاه‌داد — درپایه آسمان وزمین زیر پا بود »

« هرمجلسی ز علم بود باغی از بهشت
این گفته نـکتهٔ ز شه اولیا بود »

« باشد کتابخانه یکی گنج پرگهر
کز هر گهرش مخزن دل پربها بود »

« یا منبعی ز نور که هر ذره‌ایش را
افزون از آفتاب فروغ وضیاءِ بود »

« یا گلشنی زعلم که اوراق گلبنش
اندر دماغ ناطقه دانش فزا بود »

« پاینده باد حجت اسلام ودین رضا
کزوی اساس و شالده این بنا بود »

« سرمایه نجات بکار دو عالـم است
کاری که ازبرای رضای خدا بود »

« بشنو دو جمله از پی تاریخ این بنا
کان هر دو یادگار زطبع سنا بود »

« از این کتابخانه بجو علم دین سپس
برگو : بنای علم زسعی رضا بود ، »

۱۳۶۳

وسپس نوشته شده : « قدتم هذا البناءِ فی‌منتصف شعبان ۱۳۶۵ » ونیز بخط نستعلیق نوشته شده : «ساخت ابوالقاسم کاشی‌ساز ـ الکاتب الاثیم میرسیدالملقب » « بخلیقی پور» .

در دولوحه وسط دوپشت بغل کاشیکاری کتابخانه بخط ثلث مشکی برزمینه کاشی سفید این عبارات خوانده میشود :

« قال علیه‌السلم احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیها .» و در لوحه دیگر: « قال علیه‌السلم اکتبوا فانکم لاتحفظون حتی تکتبوا .»

وسپس بخط نستعلیق‌مشکی برزمینه‌کاشی سفید نقش شده: « عمل ابوالقاسم کاشی ساز» . (ش ۵۱)

سنگابی هم در صحن مدرسه وجود داردکه‌کتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی یا پارسو چنین است :

« می نوش‌آب‌ولعنت حق بریزیدکن
جان را فدای مرقد شاه شهید کن »

« وقف جناب اباعبدالله نمود حاجی‌محمد ابراهیم‌خلف مرحمت‌وغفران پناه »
« میرزامحمد بیك شیروانی فی‌سنه ۱۳۷۵ حمل‌ونقل‌کننده ازمدرسه صدر بلعنت »
« خداوند گرفتارگردد مادامی‌که این مدرسه آباد است .»



(شکل ۵۱)

ومعلوم میگرددکه سنگاب مزبور مدتها بعداز ساختمان مدرسه وقف بر آن گردیده است . هرچند تاریخ قطعی بنای مدرسه صدر بازار روشن نیست ولی آنچه مسلم است پیش‌از (۱۲۳۹ هـ . ق) که صدروفات یافته انجام شده بوده است وظاهراً در اوایل قرن سیزدهم که بحبوحه قدرت او بوده مانند سایر اعمال خیر او انجام گردیده است . دربخشی ازگنجینهٔ آثارملی‌سال بنارا (۱۲۲۰ هـ . ق) نوشته است[۱] .

ثبت تاریخی این مدرسه هنوز انجام نشده ودرگردش اداری است .

۲۰ ـ مدرسه عربان :

این مدرسه‌که درنزدیکی امامزاده احمد ومقبره آقانجفی قراردارد درزمان صفویه دائر و طلبه نشین بوده است و شاردن فرانسوی درسفرنامه خود ازآن یاد کرده وشاید مدرسه مزبوربزمان عربها ارتباط پیدا میکرده ودرهرحال چون سکنه آن مدرسه ازطلبه عرب بوده‌اند بنام مدرسه عربان نامیده شده است و بااین فرض در ابتدای امرنام دیگری داشته‌که مهجورگردیده است .

---

۱ ـ بخشی ازگنجینهٔ آثارملی ص ۱۳ـ۱۴ .

این مدرسه در چند سال پیش رو بویرانی گذارده و خالی از طلبه شده بود ولی بهمت حجةالاسلام حاج سیدمحمدرضا خراسانی از علمای بزرگ معاصر و از مدرسان عالیمقام ازآن تعمیری بعمل آمده وکتیبه‌ای درسردرآن نصب شده است.

کتیبه مزبور شامل نصف آیه ۳۵ تا آخر آیه ۳۷ از سوره اسری میباشد ودر پایان آن نقش شده :

« سنه ۱۳۶۲ عمل سیدحسین موسوی‌زاده‌کاشی‌ساز.» و بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت سفید اشعار زیر خوانده میشود :

« ز آقای سید محمد رضا	خراسانی آن آیت و مقتدا »
« بشد پایدار این اساس علوم	که ویران بد ازجهل اهل‌خطا »
« بلی سعی اشخاص همت بلند	کند تازه آثار عالی بنا »
« چوتاریخی ازجابری‌خواستند	که باشد بتجدید بنیان سزا »
« چوروشن‌شد ازعلم این‌مدرسه	بگو: « بد زنور محمد رضا » »

« کتبه میرسید خلیقی پور ۱۳۶۲»[1].

اکنون مدرسه مورد استفاده طلاب قرار دارد و از وضع گذشته و مخروبگی خارج شده است. ولی بااینکه مدرسه بسیار قدیمی است چون آثارتاریخی نداشته تاکنون نسبت به‌ثبت تاریخی آن اقدامی نشده است.

۲۱ ـ مدرسه کاسه‌گران :

این مدرسه‌که در محله کاسه‌گران ودر بازار ریسمان منشعب از بازار عربان ومیدان‌کهنه شهر اصفهان قراردارد هنگام‌بنا معروف به‌مدرسه‌شمسیه بوده وپس‌از آنکه حکیم‌الملك مدرسه را ساخته مدرسه حکیمیه نام گرفته است ودر وقفنامه مورخ (۱۱۰۴ هـ. ق) هم‌همین‌نام‌را بر آن اطلاق‌کرده‌اند ولی‌چون درمحله‌کاسه‌گران واقع شده بود. عوام بتدریج آن را مدرسه کاسه‌گران یعنی مدرسه‌ایکه در محله کاسه‌گران قراردارد خوانده‌اند.

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۸۵۸ تا ص ۸۵۹.

و اما اینکه قبل از بنای حکیم‌الملك اردستانی آنجا را شمسیه میخوانده‌اند گمان میرود که مدرسه ویرانه‌ای بوده که شمس‌الدین محمد یزدی بانی آن بوده و چون مخروبه شده بود . حکیم‌الملك باصلاحدید وتصویب مراجع وقت تجدید بنا کرده است .

مدرسه کاسه‌گران دارای سردر کاشیکاری معقلی وقطاربندی قابل توجهی است و از بهترین کارهای اواخر دوره صفویه محسوب میگردد . این مدرسه در عصر شاه سلیمان صفوی ساخته شده ودارای اطاقها وحجره‌های دوطبقه است و پیوسته طلاب علوم دینی که بیشتر آنها اردستانی ومردم حومه شهر بوده‌اند درآنجا بتحصیل علوم دینی‌میپرداخته‌اند چند سالی بودکه مدرسه روبخرابی نهاده بود ولی باتوجه اوقاف محل خرابیها ترمیم ومدرسه سروصورتی پیدا کرد و اکنون عده‌ای از طلاب و مدرسان درآن اشتغال دارند .

کتیبه سردر ورودی مدرسه و مقابل بازار ریسمان که در سال آخر سلطنت شاه سلیمان بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط عبدالله نوشته شده چنین است :

« حمدالمن وقف حجرات‌القدس فی‌السموات و مدارس‌الحکمة فی‌الارضین »
« علی‌محمد فخرالمرسلین وعترته المهدیین ، صلوات‌الله علیهم اجمعین وبعد لقد »
« وفق‌الله تعالی فی‌ظل حمایة اشرف السلاطین رافع لواءِ الشرع المبین مشید »
« اساس‌العلم والیقین فروع‌الشجرة الطیبة الاحمدیة غصن‌الدوحة العلیة العلویة »
« الخاقان‌بن الخاقان‌السلطان سلیمان‌الحسینی‌الموسوی الصفوی متع‌الله المؤمنین »
«بطول‌بقائه الی آخر الزمان‌لبناء هذه‌المدرسة‌الرفیعة والجامعة‌المنیعة‌السیدالسدید»
« النجیب الفاضل امیرمحمد مهدی الحسنی‌الحسینی الشهیر بحکیم‌الملك اطال‌الله »
« بقائه و جعلها فی‌بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو »
« والاصال رجال کتبه عبدالله ١١٠٥ . »

در پائین‌کتیبه ودربالای در ورودی بخط بنائی مشکی سه‌رگی سفید ومشکی

برزمینه آجری نوشته شده :

« انما یعمر مساجدالله من آمن بالله » ودر بالای سکوهای طرفین سردر بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری این عبارات خوانده میشود :

« سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله والله‌اکبر ولاحول ولاقوة الابالله العلی العظیم . »

در اطراف پشت بغل سردر مدرسه بطرف بازار بخط بنائی مشکی برزمینه سفید سوره‌های : الحمد ، الکافرون ، اخلاص ، الناس نقش گردیده است ودر پایان بکلمات : «وفی سنته ۱۱۰۳» ختم میگردد . در راس پشت بغل مزبور دریك شکل چهارضلعی نگاشته شده: «طلب العلم فریضة » وبطور پراکنده نامهای: (الله) (محمد) (علی) نیز نوشته شده است .

در دو شکل مربع مستطیل در طرفین سردر مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نام استاد بناکننده سردر مدرسه چنین نوشته شده :

« عمل ابن استادعلی بیك ، محمد مؤمن بناءِ اصفهانی » ونام سرکار بنای مدرسه چنین آمده :

« بسرکاری سیادت وفضیلت پناه ابن محمد قاسم ، محمد محسن الحسینی »
« المشهدی » .

در درون سوسنهای قطار سر در داخلی مدرسه که قرینه ایوان شمالی است درچهار شکل مربع بخط بنائی قرمز برزمینه سفید این ابیات منقوش است :

« غرض نقشی است کزما بازماند | که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحبدلی روزی برحمت | کند در حق درویشان دعائی »

و درچهار شکل مربع مستطیل بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید این اشعار کتیبه شده است :

« دریای سپهر کافتاب است کفش | نبود چوعلی گوهری اندر صدفش »
« خورشید گهی بدرشود گاه هلال | گر عکس دهد بماه در نجفش »

در دوشکل مربع مستطیل بخط ثلث مشکی برزمینه سفید نام سازنده سر در

داخلی چنین خوانده میشود :

« عمل ابن استاد اسمعیل بناء ، محمد ابراهیم الاصفهانی ۱۱۰۳ ».

در اطراف سردر درونی مدرسه کتیبه‌ای دارد بخط ثلث لاجوردی برزمینه سفید بشرح زیر :

« روی عن علی بن موسی الرضا عن آبائه علیهم السلم قال قال رسول الله صلی الله »
« علیه و آله طلب العلم فریضة علی کل مسلم فاطلبوا العلم من مظانه واقتبسوه من اهله »
« فان تعلیمه لله حسنة وطلبه عبادة والمذاکرة به تسبیح والعمل به جهاد وتعلیمه من »
« لایعلمه صدقة وبذله لاهله قربة الی الله تعالی لانه معالم الحلال و الحرام و منار »
« سبل الجنة والمونس فی الوحشة والصاحب فی القربة والوحدة والمحدث فی الخلوة »
« والدلیل علی السرآءِ والضراء والسلاح علی الاعداء والزین عند الاخلاء یرفع الله به »
« اقواماً فیجعلهم فی الخیر قادة تقتبس آثارهم ویهتدی بفعالهم وینتهی الی رأیهم »
« وترغب الملئکة فی خلتهم وباجنحتها تمسحهم و فی صلوتها تبارك علیهم یستغفر »

در اطراف ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط ثلث سفید بر زمینه قهوه‌ای گچبری شده که چنین خوانده میشود :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله تبارك وتعالی الاان بیوتی فی الارض »
« المساجد یضیئی لاهل السماءِ کما تضیئی النجوم لاهل الارض الاطوبی لمن کانت »
« المساجد بیوته ، الاطوبی لعبد توفنا فی بیته ثم زارنی فی بیتی ، الاان علی المزور »
« کرامة الزائر ، الابشر المشائین فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیمة »
« وقال صلی الله علیه و آله لاصلوة لجاد مسجد الافی مسجد وقال صلی الله علیه و آله »
« من اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة ومن اخرج مایقذی عیناً کتب الله له کفلین من رحمته »
« وقال امیر المؤمنین صلوات الله علیه ان الله عز و جل اوحی الی عیسی علیه السلم قل للملاء »
« من بنی اسرائیل لایدخلوا بیتاً من بیوتی الابقلوب طاهرة وابصار خاشعة واکف »
« نقیة وقال الصادق علیه السلم علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض ومن اتاه »
« مطهراً اطهره الله من ذنوبه وکتب من زواره فاکثروا فیها من الصلوة والدعاءِ فی »

« المساجد وصلوا فی المساجد من بقاع مختلفة فان کـل بقعة یشهد للمصلی علیها »
« یوم القیمة . کتبه جعفر بن عبدالله ۱۱۰۳ » .

کتیبه های مدرسه کاسه‌گران چون بیشتر مربوط به احادیث است درقرائت آن اختلافی وجود ندارد ولی درقسمتی که مربوط باصل بنا و القاب بانی است اختلافات مختصری دیده میشود .

مثلاً درکتیبه سردرمقابل بازارریسمان که آیه‌های ۳۷ و ۳۸ سوره نورکلمه : رجال پایان آیه آمده و دنبال آن نام نویسنده کتیبه : عبدالله ۱۱۰۵ نوشته شده در گنجینه آثارتاریخی اصفهان(۱) کلمه رجال بعدازعبدالله آورده شده وموهم اینست که رجال لقب عبدالله بوده است . دیگر کلمه حمداً میباشد که در گنجینه آثار تاریخی اصفهان(۲) بصورت احمد نوشته شده درصورتی که حمداً بوده وازنظرمعانی بیان و نحو هم اقتضاءِ دارد که حمداً باشد زیرا شخص معینی در مقام بیان نیست و کتیبه هم همان حمداً را میرساند .

مورد اختلاف سوم کلمه : وقف است که درگنجینه آثار تاریخی اصفهان(۳) بشکل وصیغه اوقف آورده شده درصورتیکه وقف متعدی‌است ونیازی بمتعدی‌کردن آن بوسیله بردن آن به باب افعال نیست . اختلاف چهارم(۴) کلمه خطا میباشدکه اصولاً دراین عبارات زاید بنظرمیرسد .

درکتیبه‌ها دوتاریخ جلب نظرمیکنند ، یکی تاریخ (۱۱۰۳ هـ . ق) و دیگری (۱۱۰۵ هـ . ق) ومعلوم‌میگرددکه پایان بنائی‌وتزیینات‌مدرسه‌دریکهزارویکصدوپنج هجری خاتمه یافته است ولی تاریخ شروع را نمیتوان معین‌کرد آنچه مسلم است پیش ازسال (۱۱۰۳ هـ . ق) شروع بساختمان شده بوده‌است زیراکتیبه هرساختمان درآخرکار نوشته میشود واولین تاریخ مربوط بسال (۱۱۰۳ هـ . ق) میباشد . برخی ازنویسندگان(۵) نوشته‌اندکه ساختمان آن مربوط بسال (۱۰۹۶ هـ . ق) بوده است

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۲ .   ۲و۳و۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۳ سطر ۱۱ .   ۵ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۴۸ .

هر چند مدرکی برای این نظر در بین نیست ولی امکان دارد که آغاز ساختمان از آن سال باشد.

نکته دیگری که از کتیبه‌ها برمیآید نام دو کاتب است یکی پدر موسوم به عبدالله نویسنده خط ثلث و دیگری جعفر بن عبدالله پسر نویسنده خط ثلث. نام استاد بناکننده سردر استاد محمد مؤمن فرزند استاد علی‌بیك و نام استاد بناکننده سردر داخلی مدرسه محمد ابراهیم بن استاد اسمعیل بنای اصفهانی و سرکار بنای مدرسه محمد محسن حسین مشهدی نوشته شده است.

بانی مدرسه همانطور که درمتن کتیبه نوشته شده امیر محمد مهدی حکیم الملك اردستانی است[1] که در دربار اورنگ زیب میزیسته و از اطبای بزرگ عصر خود محسوب میشده و چون در هندوستان ثروت هنگفتی نصیبش گردید دستور داد که نمایندگانش در اصفهان و اردستان ضیاع و عقار و مستغلاتی بخرند و پس از فراغت از این کار آنانرا بساختن مدرسه کاسه‌گران امر کرد و پس از اتمام بنای مدرسه در شوال سال (۱۱۰۴ ه . ق) مقداری از رقبات خریداری شده را وقف برمدرسه نمود وصورت وقفنامه بطور کلی چنین است:

الف : رقبات موقوفه :

۱ ـ هشت حبه وکسری از قریه ناجوان واقع در بلوك ماربین که از میرزا هدایت‌الله خلف میرزا محمد مهدی الشهیر به شریف‌الملك ، ابتیاع شده است.

۲ ـ چهارده سهم از املاك و باغات اصفهان خریداری ازمیرزا نورالدین ولد مرحوم شریف‌الملك.

۳ ـ چهارده سهم از املاك و باغات اصفهان خریداری ازمیرزا محمد زمان

۱ـ نسب حکیم‌الملك چنین است: امیر محمد مهدی حکیم‌الملك ابن میر آقا بیك بن میر یحیی بن میرحسین بن سید روح‌الله بن سیدرضی بن سیدحسین بن سید روح‌الله بن سید مرتضی علی بن سید روح‌الله بن سید قوام‌الدین بن سید ابوالشجاع بن سید علی بن سید عباد بن سیدحسن بن سید احمد بن سیدحسین بن سیدعلی بن سید محمد بن سید احمد بن سید محمد بن سیداحمد بن سید ابراهیم طباطبا بن سید اسمعیل بن سید ابراهیم بن سید حسن‌المثنی ابن الامام حسن (ع) (آتشکده اردستان بخش اول ص ۶۳).

پسر دیگر شریف‌الملك .

۴ـ هفت سهم دیگر ازشریف‌الملك خریداری اززبیده‌خانم دخترشریف‌الملك.

۵ ـ بازارریسمان که بوسیله حاج محمد رشیدا ازمیرزا محمد باقرگلستانه خریداری شده است .

۶ ـ حمام سرخ نزدیك مسجد جامع خریداری ازگلستانه .

۷ ـ دکاکین قریب مسجد جامع قدیم اصفهان خریداری ازمیرزا علاءالدین گلستانه .

۸ ـ املاك و باغات ایرستان‌جی خریداری از ملامحمد باقر مجلسی بوسیله رشیدا .

۹ ـ املاك و باغات ابهرجی خریداری از حاجی‌حسین اردستانی .

۱۰ ـ املاك اردستان‌خریداری ازمیرزا محمدرضا ومیرمحمدحسین معروف بزمین باغستان‌که بوسیله حاجی محمد رشیدا انجام شده است .

۱۱ ـ املاك مزروعی واقع در محله مون اردستان خریداری ازآقا شفیع اردستانی .

۱۲ ـ املاك‌خریداری ازحکیم مظفر اردستانی بوسیله حاجی‌محمد رشیدا .

۱۳ ـ املاك خریداری از میرسید احمد کچویه مثقالی که عبارت از نصف شایع کامل ازکل یك خانه طاق واقع درقریه مزبوره مشهوره وطاق‌آقانظام متصل بخانه طاق حاجی‌حسن وتمامی مجری المیاه یك حبه‌آب ازپانصد حبه‌که عبارت است از قنوات خمسه‌کچویه.

۱۴ ـ املاك خریداری ازحاجی شفیع زواره‌ای .

۱۵ ـ املاك خریداری‌از محمد مقیم ومحمد مؤمن ولدان پهلوان اسماعیل تفنگچی‌که عبارت ازممرومجری المیاه هفت سهم‌ونیم ازنهرجدال محله ازمحلات اردستان مشتق از قنات قدیم وجدید .

۱۶ ـ یك درب باغ معین و معلوم واقع در محله محال از محلات اردستان

مشهور بباغ فوق‌المقسم که ازقنات ارونه مشروب میشود خریداری از عالیحضرت میرزا محمد حکیم وزیر اردستان بوسیله حاجی محمد رشیدا .

۱۷ ـ چهار حبه شایعه در هفتادودوحبه مزرعه اونج ازتوابع علیای اردستان من اعیان یکدرب باغ معین واقع درمزرعه مشهوره بباغ میرمحمد سعیدخریداری ازمیرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۱۸ـ املاك خریداری ازمیرزا محمدرضا مشهور بمیرمیران ولد میرمحمد صادق مشهور به‌آقا میرزا ومیرمحمد هاشم ولد میرمحمد جعفر.

۱۹ ـ مجری المیاه نودوپنج (۹۵) سرجه از سرقات آب محله باب‌الرحی ازقناتین قدیم وجدید و پنج سرجه ازسرقات معینه نهر استون .

۲۰ ـ باغ معین مشجر باشجار مشهور بباغ مولانا ابراهیمی واقع در محله باب‌الرحی بمساحت دوازده قفیز.

۲۱ ـ يك قطعه زمین ساده قابل زراعت مشهور به‌ملك خاتونی خریداری از میرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۲۲ ـ هفده سهم‌ونیم ازمحله باب‌الرحی .

۲۳ ـ دوقطعه زمین ازمحله باب‌الرحی .

۲۴ ـ املاك خریداری ازمیرزا ظهیر ولدمیرزامحمد یوسف اردستانی واقع درقریه اونج .

۲۵ ـ قطعات دیگری درمحله مون اردستان ودرقریه اونج علیا .

۲۶ ـ مزرعه تقی آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمدرضا کلباسی ومیرزا محمد تقی .

۲۷ ـ سه طاق ازمزرعه جعفرآباد برخوار خریداری از میرزا محمدعلی و میرزا علیرضا ولدان میرزا ابوالقاسم سمنانی .

۲۸ـ صد سرقه ازکل سرقات محله‌کبودان اردستان خریداری ازمیرزا باقر کجکانی .

۲۹ـ سه شبانه‌روزوپنج سبع شبانه روزدیگرازکل ده شبانه روزمجری‌المیاه مزرعه هرمزآباد مشهور به‌مزدآباد ازقنات‌دائره وبائره مع املاك تابعه خریداری از ورثه میرسیدعلی‌کچویه مثقالی .

۳۰ ـ بیست‌وشش حبه لنگان اصفهان .

۳۱ ـ دودانگ‌ونیم و یك طاق کربکندی برخوار اصفهان .

ب ـ مصارف وقف

۱ ـ مخارج تعمیر مدرسه ورقبات موقوفه برداشت گردد و سپس‌عشر بعنوان حق‌التولیه .

۲ـ سالی پانزده‌تومان بکسی داده شودکه هم بتدریس وهم بعنـوان نظارت درمدرسه اشتغال داشته باشد .

۳ ـ بطلاب ساکن هرحجره از حجـرات مدرسه روزی پنجاه (۵۰) دینار داده شود .

۴ ـ بمؤذن روزی پنجاه (۵۰) دینار وفقط یکنفر مؤذن درمدرسه باشد .

۵ ـ دونفرخادم درمدرسه باشدکه بهرکدام روزی شصت (۶۰) دینار اجرت داده شود .

۶ـ یکنفر برای چراغ روشن کردن و یکنفر آبکش بقرار روزی پنجاه (۵۰) دینار اجرت داده شود .

ج ـ تولیت :

۱ـ سیادت و نجابت پناه ، فطانت و متانت دستگاه ، حمیده خصالـی ستوده فعالی، غنی‌الاوصافی مقراللسیادة والنجابة والفطانة والمتانة والکمالات میرمحمد سعیدا خلف‌سیادت ومرحمت پناه، الواصل الی‌جوار مرحمة الملك‌الباری میرمحمد حسین‌اردستانی‌کد بشرف مصاهرت واقف و فقه‌الله تعالی مشرف است متولی‌خواهد بود وپس‌از اوامر تولیت مخصوص اسن اولاد ذکور مومی‌الیه‌که بصفت‌صلاح وسداد موصوف وبه‌رموز فضل‌وعلم‌متصف، وازبطن‌صبیه عالیحضرت واقف‌مومی‌الیه جعل‌الله

آماله مجیئا بوده باشد .

واگر اسن اولاد او متصف بصفت مزبوره نبوده باشد وعقب او موضوف بصفت علم وفضل بوده باشد امر تولیت مخصوص اوبود و درهرمرتبه ازمراتب علم وفضل را منظور و ملحوظ کلی دانسته تقدم اعلمیت وافضلیت و اورعیت بـراکبریت را شرط دانسته وبعد ازایشان باولاد اولاد ایشان ما تعاقبوا تناسلوا نسلاً بعدنسل و عقبابعد عقب الی ان یرث الله الارض ومن علیها وهوخیرالوارثین مفوض ومرجوع بوده باشد.

واگرالعیاذبالله اولاد اولاد ذکور متولی ازبطن صبیه واقف موفق معزی الیه منقرض گردد امر تولیت مخصوص اولاد ذکور اناث متولی که از بطن صبیه آن عالیحضرت ملکی صفات بوده باشد بالشرط المذکور لابالترتیب . وبعد از اوباولاد اوبعد باولاد اولاد او و هکذا هلم جراً .

واگر العیاذبالله من ذلك اولاد متولی مومی الیه از بطن صبیه واقف منقرض گردند امر تولیت باولاد ذکورکه ازبطن دیگری باشد مخصوص و متعلق بوده باشد واگر اولاد ذکور مذکور نیز منقرض شوند اولاد ذکور اناث متولی مزبور کـه از بطنی دیگری بوده باشد الی انقراض الزمان و در همه مراتب اعلمیت و افضلیت و صلاح وسداد مقدم است .

وایضاً شرط گردندکه هرگاه ذکور اولاد ذکور وذکور اولاد اناث میرمحمد سعید مومی الیه بالکلیه منقرض ومنقطع گردند امر تولیت مخصوص یکی ازسادات عظام گرام که نسب او به ثمره شجرة طیبه طاهره و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین نقاوه احفاد خاتم النبیین، خاصه اعقاب امام المتقین کاشف اسرارالحق والیقین ، نور الواصلین سید روح الله روح الله تعالی گردد مخصوص و متعلق بوده باشد .

اگر العیاذبالله سلسله رفیعه کریمه سید روح الله نیزمنقرض گردند امر تولیت مخصوص یکی از اولاد امجاد عالیحضرت سامی مرتبت ، متعالی منزلت ، قدسی صفات ، ملکی ملکات ، اسلام واسلامیان ملاذی ، مجتهدالزمانی مولانا محمد باقر مجلسی که بزیور فضل وکمال وصلاح وسداد موصوف بوده باشد ، باشد .

واگر العیاذ بالله کل اولاد اسلام ملاذ مومی الیه منقرض گردند امر تولیت موقوفات مزبوره و رواج و رونق مدرسه مزبوره مخصوص بوده باشد بقفیه راوی احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام که درتحت توقیع شریف بقیةالله فی ارضه باشد عبارت شریفه : واماالحوادث الواقعة فارجعواالی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم وانـا حجةالله باذن علمای زمان داخل باشد .

د ـ تنفیذکنندگان وقف‌نامه :

عده‌ای ازعلماء وبزرگان اصفهان وقفنامه مدرسه‌را امضاء وتنفیذ کرده‌اندکه عمده آنان چنین‌است :

۱ ـ علامه زمان آخوند ملامحمد باقرمجلسی دوم‌که درمحرم(۱۱۰۶ه. ق) که مدت یکسال و چندماه از وقوع عقد وقف‌گذشته بوده امضاءِ کرده است . سجع مهر: « محمد باقرالعلوم » است .

۲ـ عالم دیگری بنام ملامحمد قاسم‌که اونیز در (۱۱۰۶ه.ق) تنفیذکرده‌است سجع مهرش « العبدالاثیم محمد قاسم » میباشد .

۳ـ سید مرتضی‌طباطبائی‌ازاحفاد شرف‌الدین‌علی‌میرمیران طباطبائی‌اردستانی که سجع مهرش : « مرتضی الطباطبائی » و عبارات تنفیذ : (اقرالسید السند الواقف بالوقف المزبور لدی‌کتبه ابن ابوالحسن‌الحسنی الحسینی مرتضی الطباطبائی »

۴ ـ میر زین‌العابدین حسینی تبریزی باسجع مهر : « عبده زین‌العابدین » وعبارات تنفیذ :

« قد استشرفت باستماع الاقرار بما فی‌هذه السطور متناً وظهراً السیدالسند»
«الامیرذی‌المجدالواقف باسراالحکمةوالموفق فی‌الدارین للعز والمکرمة وکتبه»
« العبدالاقل میر زین‌العابدین‌الحسینی‌التبریزی »

۵ ـ امضاء و تنفیذ دیگری بنام : سید محمد الحسینی کـه شخصیت او معلوم نگردید .

۶ ـ امضای یکی از شهود مورد اعتماد بنام : حسن اردستانی‌که ازمعاریف

و معتمدین اردستان بوده است .

۷ ـ امضای یکی از شهود وقف بنام : محمد علی رادی .

۸ ـ امضای یکی از علمای وقت و تنفیذ آن باین عبارت: « قزت بسماع الاعتراف» « من السید السند الجلیل النبیل ادام الله ایام دولته وعزه وعوالیه . کتبه العبدابن » « المرحوم احمدبن سلامة النجفی محمد ابراهیم » و سجع مهر :

« سلام علی ابراهیم » .

از تاریخ اقرارات بخصوص در محضر مجلسی معلوم میشود که واقف در سال (۱۱۰۶ هـ . ق) دراصفهان وزنده بوده است .

حکیم الملك علاوه برساختمان مدرسه کاسه‌گران ووقف رقبات مذکوربر آن موقوفات دیگری نیز در اردستان واطراف دارد که انتفاع آنرا برای سادات سید روح‌الله جد اعلای خود قرارداده است .

ونیز در لم‌لم وسماوات وحله عراق رقباتی را برمقبره خودکه درنجف‌اشرف واقع است وقف‌کرده بوده که صرف اسراج وتلاوت قرآن‌گردد .

مساجدی‌هم درمهرآباد سفلای اردستان ومار بین ونیسیان برزاوند[1] اردستان ساخته وموقوفاتی‌هم داشته‌اند که ازبین رفته است . صفه‌ای هم درمسجد جامع اردستان باومنسوب میباشد .

تا چند سال پیش تولیت مدرسه هم در خانواده واقف قرار داشت و آخرین متولی متصدی مرحوم دکتر سید ارسطو عـلاج[2] فرزند میرزا رشید ناظم‌الاطبای اردستانی بود و اینك درتصرف اوقاف است .

مدرسه مزبورکه یکی‌ازآثارباستانی بشمار میرود بموجب تصویبنامه شمارهٔ ۳۸۶ ـ ۱۱/۱۱/۳۴ به ثبت تاریخی رسیده است .[3]

---

۱ ـ تاریخ بنای مسجد جامع نیسیان سال (۱۱۱۷ هـ . ق) میباشد . ۲ ـ دکتر سید ارسطو علاج در (۱۲۷۱ هـ .) شمسی متولد و در (۱۳۴۹ هـ . ش) وفات یافت .

۳ـ فهرست ابنیه وآثار تاریخی ایران گزارش باستان شناسی .

۲۲ ـ مدرسه ملاعبدالله :

این مدرسه که دراول بازار شاهی ودرنزدیکی حمام شاه وچهارسوی شاه‌واقع گردیده از احداثات شاه عباس اول صفوی است که برای ملاعبدالله شوشتری‌ساخته و از او برای تدریس درآن دعوت بعمل‌آورده و از اینرو بنام ملاعبدالله معروف شده است .   (ش ۵۲)



(شکل ۵۲)

ملاعبدالله شوشتری[۱] از بزرگان علمای زمان شاه عباس اول بشمار میرفته

۱ـ عزالدین ملا عبدالله‌بن حسین شوشتری اصفهانی درشوشتر متولد گردید و برای ادامه تحصیلات‌عالیه بعتبات عالیات تشرف‌یافت ومدت سی‌سال در اعتاب مقدسه بتحصیل‌وریاضت اشتغال داشت وازمحضر مقدس اردبیلی و شیخ احمدبن نعمت‌الله‌بن خاتون و پدرش شیخ نعمت‌الله مستفیض‌گردید واز آنها در روایات واجتهاد مجاز شد سپس بایران آمد ومدتی در
←

→
اصفهان اقامت کرد سپس از ترس شاه‌عباس ماضی بمشهد رضا علیه‌السلام هجرت کرد وچندی درآنجا مقیم شده وشاه‌عباس با او درمشهد دیدار کرد واو را بسیارگرامی داشت وهمان دیدار وگفتگوها سبب شد که‌شاه موقوفاتی برای چهارده معصوم قرار داد ومدرسه ملاعبدالله‌را نیـز برای محل تدریس اودراصفهان بنا کردواورا به‌اصفهان خواند ومقیم‌گردید وتاپایان عمر باقامت نماز وتدریس ملاعبدالله ادامه داد وپیوسته مورد تکریم وترویج شاه‌عباس ماضی قرارداشت.
مرحوم شوشتری درسفر اخیر خود باصفهان مدت چهارده سال دوام یافت و در پـایان مدت مزبور اجلش در رسید وبدار باقی شتافت وچون درعشر اول‌محرم (۱۰۲۱ ه.ق) وفات‌یافته پس میتوان گفت که ابتدای سفر دوم او باصفهان سال یکهـزار و هفت (۱۰۰۷ ه . ق) بوده است .

مولانا عبدالله شوشتری از علماء بزرگ وزهادسترگ زمان خود بوده وعده بی‌شماری شاگردان بزرگ از محضر او برخاسته‌اند که ازآن جمله است: سید فاضل امیر محمد قاسـم کوپائی وشریف‌الدین محمد رویدشتی اژه‌ای ومیرزا رفیع‌الدین محمد نائینی معروف‌بمیرزا رفیعا شارح کافی ومؤلف شجرة و ثمرة الهیه و ملا محمد تقی مجلسی و پسرش ملا حسنعلی شوشتری .

اوراست : شرح قواعد در۷ مجلد وتعلیقاتی بر تهذیب الحدیث و تعلیقاتی براستبصار ورساله‌ای بفارسی در طهارت و صلوة ورساله‌ای در مناسك حج ورساله‌ای در وجوب صلوة جمعه وحاشیه برالفیه شهید ونیز شرح مفصلتری بر الفیه وحاشیه‌ای بر شرح ارشاد علامه .

چنانچه نقل کرده‌اند میان او و میرداماد مناقشاتی بوده و میـرداماد این نامه را بعنوان ملاعبدالله نوشته :

« عزیز من جواب است‌این‌نه جنگ‌است ‌ ‌ ‌ ‌ کلوخ انداز را پـاداش سنگ است »

« رحم الله امرء عرف‌قدره‌ولم‌یتعد طوره نهایت مرتبه بی‌حیائی‌است که‌نفوس‌معطله‌و»
«هویات هیولائیة در برابرعقول مقدسه وجواهر قادسیه بلاف‌گزاف ودعوی بی‌معنی برخیزند»
«این قدر شعور باید داشت که سخن من فهمیدن هنر است نه بامن جدل‌کردن و بحث نام»
«نهادن‌چه معین است که ادراك مراتب عالیه وبلوغ بمطالب دقیقه کار هر قاصر المدرکی و»
«پیشه هر قلیل البضاعتی‌نیست فلامحاله مجادله با من در مقامات‌علمیه از بابت قصورطبیعت»
«خواهد بود نه ازباب‌دقت طبع مشتی خفاش‌همت که‌احساس محسوسات را عرش المعرفت»
«دانش پندارندواقصی الکمال هنر شمرند با زمره‌ملکوتیین که مسیرآفتاب تعلقشان‌برمدارات»
«انوار عالم قدسی باشد لاف تکافؤ زنند ودعوی مخاصمت کنند روانبود ودرخور نیفتد و»
« لیکن مشاکسه وهم با عقل و معارضه باطل باحق وکشاکش ظلمت با نور منکری است »
« نه‌حادث وبدعتی است نه امروزی والی الله المشتکی والسلام علی من اتبع‌الهدی:»

« و اذا اتیك مذمتی من ناقص ‌ ‌ ‌ ‌ فهی‌الشهادة لی بانی‌کامل »
« خاقانی آن‌کسان که طریق تو میروند ‌ ‌ ‌ ‌ زاغند وزاغ را روش‌کبك‌آرزو است»
« گیرم که مارچوبه‌کند تن بشکل مار ‌ ‌ ‌ ‌ کوزهر بهردشمن وکومهره‌بهردوست»
←

که مقیم درنجف اشرف بوده وسپس بایران آمده است ومدرسه را شاه عباس برای محل تدریس او بنا کرده است.

مدرسه مزبور درابتدای ساختمان‌که تاریخ قطعی آن روشن نیست دو طبقه بنا شده ودارای کاشیکاریهای زیبا بوده و شعبه‌ای ازمادی فدیـن نیز از صحن آن میگذرد وازاینرو مدرسه‌ای باصفا وجالب بوده است.

مرحوم شوشتری در مدت حیات درآن مدرسه باقامه نماز و تدریس اشتغال داشته وپس ازوفات علامه مجلسی دوم بجای اوتعیین‌گردیده است.

واما تاریخ قطعی‌بنای مدرسه روشن‌نیست آنچه معلوم است اینکه شاه‌عباس درسال (۱۰۰۷ هـ. ق) بمشهد مشرف شده و درآن سال با مولانا ملاقات واورا دعوت باصفهان‌کرده است وگویا درهمان سال باصفهان عودت یافته چه اینکه درسفردوم درحدود چهارده سال‌دراصفهان اقامت داشته وچون درمحرم سال۱۰۲۱ وفات یافته ابتدای چهارده سال تقریبی همان سال ۱۰۰۷ خواهد بود و میتوان گفت شروع ساختمان مدرسه از همان سال باشد و همین‌طور اتمام بنای آن نیز معلوم نیست. قدیم‌ترین‌تاریخی‌که درمدرسه‌دیده‌میشود تاریخ‌سنگی‌است‌که حاج‌میرزا محمدنامی

←

وسپس ملا عبدالله‌در جواب نوشت: «جانا سخن از زبان من میگوئی رحم‌الله‌امرء» «عرف قدره وبداحال کسیکه من‌ارسل الیه را ازنفوس معطله شمارد ودعوی اعلام‌کند.»

واما هنگام وفات که مصادف باشب یکشنبه بیست و ششم محرم (۱۰۲۱ هـ. ق) بود میرداماد وشیخ لطف‌الله میسی عاملی او را عیادت کردند وبا آنان وبخصوص میرداماد معانقه کرد وپس از اقامه نماز شب و نوافل‌آن برای تعیین وقت ازحجره بیرون‌آمد وچون‌بازگشت برزمین افتاد وروحش بعالم بقاء شتافت.

درتاریخ وفاتش شعراء وبزرگان اشعاری سرودند وکلماتی گفتند. ازآن جمله امیـر صحبتی‌تفریشی‌گفت: «آه‌آه ازمقتدای شیعیان» که تذکره نصرآبادی آنرا ذکرکرده وبحساب جمل(۱۰۱۶) میشود ودرست نیست وظاهراً: «آه وه ازمقتدای شیعیان» بوده است که مطابق باهمان سال۱۰۲۱ میشود و دیگری‌گفته: «حیف از مقتدای ایران حیف» وشیخ محمود عرب جزائری‌گفته: «مات مجتهدا لزمن» که دوماده تاریخ اخیر مطابقت دارند.

بطوریکه ازخلال گفته‌های بزرگان مؤلفان برمیآید شوشتری درعلم وزهد و تقـوی در عصر خود کم نظیر بوده است. (نقل ازروضات الجنات ازص ۳۵۹ تا ص ۳۶۲.)

برای وقف رقباتی برسقاخانه نزدیکی مدرسه نصب کرده و تاریخ آن (۱۰۸۸ ه. ق) میباشد ، تاریخ دیگری هم هست که درحکومت صدر اصفهانی وسلطنت فتحعلیشاه قاجار درکتیبه سر در مدرسه نوشته شده است .

مدرسه ملاعبدالله بطوریکه ازگفته‌های نویسندگان معلوم میگردد در زمان حیات ملاعبدالله دائر بوده و درحدود هزار طلبه برای درس و اقامت بآن مدرسه مراجعه میکرده‌اند ولی دراواخرقرن سیزدهم بکلی خالی ازطلبه وانبارکسبه بازار ومحل اقامت فقراء وبینوایان بوده است .

درقرن چهاردهم روزبروز برخرابی آن میافزود واطاقها نم آورده بود وحتی بخاطر دارم که درد الان مدرسه قهوه‌خانه دائرشده وبعضی میرزاها در آنجا برای جماعات متفرقه کاغذ ونوشتجات دیگر مینوشتند .

درسالهای اخیرمورد توجه مردم و انجمن آثار ملی واقع گردید وتعمیرات و ترمیماتی شده ومیشود واینك مدرسه سرو صورتی یافته است .

کتیبه‌هائی که درمدرسه وجود دارد ازاین‌قرار است :

۱ ـ کتیبه سردرمدرسه‌که مربوط بدوره سلطنت‌فتحعلی‌شاه قاجار وحکومت صدر اصفهانی است، بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است .

«فی‌ایام‌دولة‌السلطان‌العادل‌الباذل‌ظل‌الله فی‌بسیط‌الارض‌عام‌المعمورة فی‌الطول»
« والعرض سریرالسلطنة بالاستحقاق مالك ممالك الافاق‌مؤسس مبانی‌الانصاف‌قامع»
« قواعد الاجحاف‌السلطان‌بن‌السلطان‌والخاقان بن‌الخاقان‌السلطان‌فتحعلی‌شاه قاجار»
« سقی‌الله‌حیاض‌الشوکة بسحاب‌جوده و نضر ریاض‌الدولة‌با مطاربره وجوده وقدتوفق»
« بتعمیرهذه‌المدرسة والسوق‌فی‌بابها جنب‌الحوض والمسقی‌الموقوف‌علی‌المسلمین»
« بمد اذیال صاحب‌المفاخر والعدالة خیرالحاج والمعتمربن‌الحاج محمد حسین »
« خان‌الحاکم بامره‌المطاع فی‌شهر رمضان سنة ۱۲۱۸ . ».

کتیبه حاکی است که مدرسه و هم بازار نزدیك در مدرسه و هم سقاخانه بیرون مدرسه را تعمیر کرده‌اند .

۲ـ کتیبه سنگ لوح پارسی که بر دیوار ضلع غربی ایوان جنوبی مدرسه بطول ۱/۳۵ وعرض ۱/۲۰ متر نصب شده بخط نستعلیق برجسته چنین است :

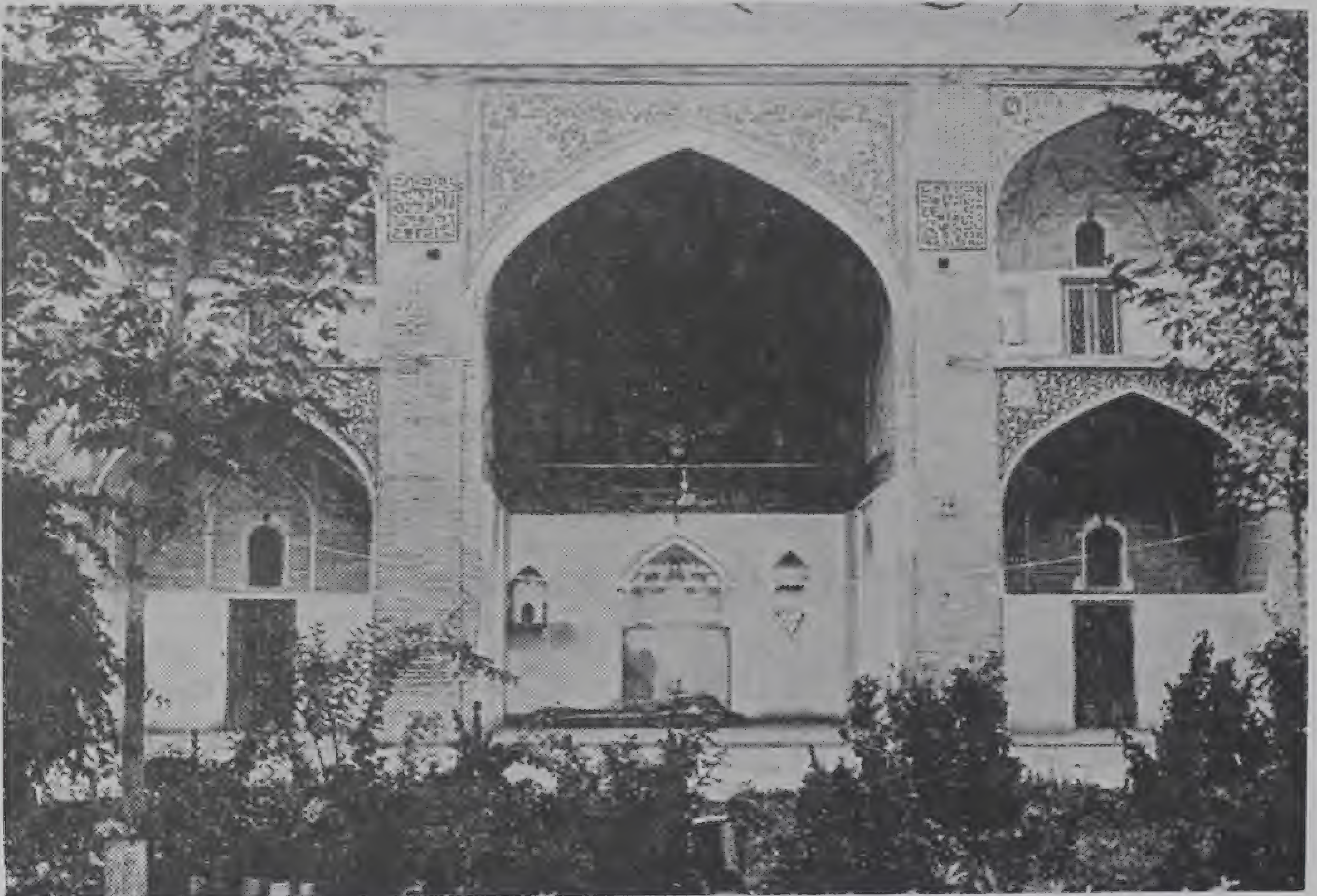
« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم وقف شرعی نمود توفیق آثاری حاج‌الحرمین میرزا »
« محمد سه‌باب دکان درجنب یکدیگر بادوبالاخانه محدود بدکان تنباکوفروشی و »
« بشارع و بخانه آقاصالح و بدکان نجاری و بدکان نخود بریزی وعطاری از دوطرف »
« بشارع و بکوره آجرپزی و بملك واقف و نصف خان و نصف دکان متصل بخان »
« مزبور ازطرفین بشارع وتیمچه علی‌اکبر وبکوره آجرپزی مستغلات مزبوره »
« واقعه دربازار غاز برسقاخانه متصله بمدرسه ملاعبدالله که کرایه موقوفات مزبوره »
« راحاجی مزکور[1] که تاحین حیاته تولیت بااوست صرف اخراجات سقاخانه وتعمیر »
« آن ومستغلات مزبوره بعدازوضع سدس که بحق التولیه شرط شده میبوده باشدوبعد »
« از واقف تولیت با اصلح اولاد او وبطناً بعد بطن ونظارت باطلبه مدرسه مزبوره »
« خواهد بود که اگرمتولیان درباب دایرنمودن آن وتعمیر وآبادی موقوفات و »
« سنگی ازحوضها وچاه منهدم شود اهمال نمایند ناظران متوجه شوند وازمضمون »
« وقیودی که شده درنگذرند واگراولاد واقف برطرف شوند تولیت با متولی مدرسه »
« مزبوره خواهد بود واگرمتولی درباب جاری ومعمورداشتن سقاخانه ومستغلات »
« اهمال نماید ناظران اسامی خود را نوشته قرعه زنند باسم هرکه برآید او را »
« متولی دانند وباین دستور نیزعمل مینموده باشند و ازپانزدهم قوس تا پانزدهم »
« حوت آب نکشند و منافع این سه ماه را متولی جهت تعمیر مستغلات ضبط »
« مینموده باشد واگرسقاخانه بسبب حوادث خراب شود و بهیچوجه جاری نتوان »
« نمود منافع را به پنج نفرطالب علم مستحق میداده باشند و تغییر دهنده بلعنت »
« خدا ونفرین ائمهٔ هدی صلوات‌الله علیهم گرفتار شود امید است که واقف وراقم »
« رابدعا یادکنند ۱۰۸۸ . »

این مدرسه که ازبناهای باستانی بشمار میرود طی شماره ۲۲۴ به ثبت تاریخی

۱ــ درمتن کتیبه مذکور بزاء معجمه نوشته شده است .

رسیده‌است[۱].

جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری مینویسدکه درسال (۱۰۸۸ه.ق) مدرسه مزبور از طرف شاه سلیمان صفوی تعمیرگردیده است[۲]. (ش ۵۳)



(شکل ۵۳)

مساحت مدرسه در حدود سه هزار ذرع و کاشیکاریهای خوبی‌دارد. ضیاء کفرانی[۳] شاعر تصنیف سرا در تاریخ آغاز بنا در مدرسه مزبور مقیم و تحصیل میکرده و در حجره او در زمان بعد احفادش سکونت داشته‌اند و حاج میرزا بهاء شاعرکه از نژادکفرانی بود تاسال (۱۳۲۰ ه. ق) حجره‌را دراختیار داشت.

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران صفحه ۴۵ . ۲ ـ تاریخ‌اصفهان وری ص ۲۶۸ . ۳ ـ میرزا نورالله متخلص به ضیاء از مردم کفـران روی دشت و از اکابر آنجا بود وبجمیع کمالات آراسته چنانچه درعلوم متداوله ازطالب علمان سرکمـی نداشت در زمان شاه عباس ماضی بتحریر جلد توجیه مشغول بـود ودر سال (۱۰۵۰ ه.ق) بدرود حیات گفت از اشعار او است ترکیب بند مشهور:

←

۲۳ - مدرسه میرزاحسین :

این مدرسه راکه مدرسه میرزاحسین‌خان نیز گفته‌اند درمحله بیدآباد واقع وبا مسجد سید رشتی مجاورت دارد .

مدرسهٔ مزبور طلبه نشین و در دوره شاه سلیمان صفوی احداث گردیده و دارای تاریخ است .

کتیبه سر در مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینهٔ کاشی‌خشت لاجوردی بطور منظوم چنین است :

« درجهان بانی سلیمان شاه | افتخار انام و فخر امم »

« خلف صدق میرزا مهدی | . . . . »

« فخر آبا علیرضا که بعلم | چون قلم در شباب گشت علم »

« داشت بهر بنای مدرسهٔ | بانی همتش گلی در نم »

→

ای‌بت هرزه‌گرد هر جائی | ای بر آورده سر برسوائی

ونیز قطعه‌ایکه در مدح نواب خلیفه سلطان صدر اعظم شاه عباس ماضی سروده و آن قطعه اینست :

قطعه

داورا ایران مدارا قبله‌گاها صاحبا | از غبار آستانت سرمهٔ چشم ترم
کار من ازدست‌رفت‌وغافلی‌ازکار من | از ضرورت چند حرفی برزبان‌میآورم
نخل‌طورم‌لیك‌خشك‌ازقحط‌سال مردمی | طوبی باغ بهشتم لیك بی بار و برم
مکتبی‌میخواستم‌درخورد همت‌ای‌دریغ | رستم بی‌گرز و تیغم جبرئیل بی پرم
نه فلك بردرگهت‌دارند هریك‌خدمتی | من که اینجاهرزه‌گردم ازکدامین کمترم
لطف‌کردی منصبی دادی وممنونم‌ولی | دم بدم در کار بی‌پرگارخودحیران‌ترم
نفع نه مرسوم نه عزت نه استقلال نه | مجملا شرمنده‌کلك ودوات و دفترم
ازپریشانی غلام‌ونوکر از من شد نفور | نیست‌کس کز قطرهٔ آبی‌گلوسازد ترم
سکه‌وجه‌جیره‌ومرسوم برمن جمع شد | چون شتر درزیر بار ساربان‌و مهترم
چون‌ندارم‌هیچ‌چیزازچاپلوسی‌چاره‌نیست | ساربانم را غلامم مهترم را کهترم
بیش‌ازاین‌مپسندبی‌سامان‌وسرگردان مرا | رخصتی گرهرزه‌کارم‌شفقتی گرنوکرم
خط آزادی اگر لایق نیم در بندگی | سرخط‌مرسوم اگر بهرغلامی درخورم
قصه‌کوته طاقت‌محنت ندارم بیش‌ازین | رخصتم ده‌گر نخواهی داد چیزدیگرم

(تذکره نصرآبادی ص۸۹ تا ص ۹۰)

« لیکن ازجا اساس عمرش را کند سیل اجل که عمرش کم »
« لاجرم در بنای این مدرس یافت توفیق والد اکرم »
« . . . . شدکه شدچون بنای دین محکم »
« خشت خشتش کتابی ازعلم است که بحکمت نهاده برسر هم »
« دم عیسی مگر مدرس اوست که شد احیای علم در عالم »
« بهر تاریخ این بنا سامی « مجمع اهل فضل » کرد رقم »
(۱۰۹۹)

از اشعار فوق نام بانی افتاده ومعلوم میگرددکه میرزا حسین فرزند میرزا علی‌رضا فرزند میرزا محمد مهدی‌این مدرسه‌را در عصرسلطنت‌شاه سلیمان صفوی در(۱۰۹۹ ﻫ . ق) بناکرده ومسکن طلبه علم بوده‌است .

میان مصراع اول ودوم ازفرد ماقبل آخر دریك لوحه نوشته شده : « العبدا المذنب » ومیان شعرماقبل آخروبیت آخر دریك لوحه خوانده میشود: «ولایت‌الله» و درمیان مصراع نخست و دوم ازفرد آخر نوشته شده : « گلپایگانی » که معلوم میشود خط ازولایت‌الله گلپایگانی وشعر ازسامی بوده است .

مدرسه میرزا حسین را سنگابی است‌که دارای کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی بشرح زیرمیباشد :

« سلام‌الله علی‌الحسین واصحابه . لعنت‌الله علی‌قاتل‌الحسین‌واعدائه. وقف بر»
« سقاخانه نمود اقل حاج محمد کاظم ابن‌مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان »
« آرامگاه حاجی محمد مهدی شهیر بقاری ، هرکس ازجائی‌که واقف قرار داده »
« حرکت بدهد بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود . بتاریخ بیست و سوم شهر »
« ذی‌حجةالحرام سنه ۱۲۷۵ عمل‌استاد محمد حسین ابن‌استاد محمد رضای‌حجار.»

ازکتیبه سنگاب معلوم میگردد که وقف مزبور بعداز انقضای ۱۷۶ سال از بنای مدرسه و درسلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار انجام‌گردیده است. قرائت‌کتیبه‌های مزبور ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده‌است .(۱)

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۴۹ تا ص۶۵۰ .

مساحت فضای مدرسه قریب دو جریب و دو قفیز و نیم میباشد یعنی کـلیه محوطه مدرسه این مساحت‌را دارد ثبت‌تاریخی‌این‌مدرسه درگردش اداری‌است[1].

۲۴ ـ مدرسه میرزا مهدی :

این‌مدرسه درکنار نهر بیدآباد واقع وبیش‌از دوجریب مساحت دارد[2]، وآن را میرزا مهدی اشتهاردی منشی نادرشاه افشار بناکرده است .

۲۵ ـ مدرسه ناصری :

این‌مدرسه درگوشه جنوب شرقی‌صحن‌مسجد شاه واقع و دردوره شاه‌سلیمان تکمیل شده ولی بنای نخست آن مربوط بزمان شاه‌عباس اول است وچون درزمان ناصرالدیـن شاه قاجار در مدرسه مـزبور تعمیراتی شده بمدرسه ناصـری موسوم گردیده است .

درضلع شرقی‌مدرسه چند اطاق برای سکونت طلاب ساخته شده است ، این مدرسه ومدرسه سلیمانیه قرینه یکدیگرند ، تفاوت آنکه مدرسه سلیمانیه بجای حجرات برای سکونت طلبه غرفه‌هائی داردکه خارج وداخل آنها باکاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده است[3].

ایوان‌جنوبی مدرسه دارای لوحه‌ها وکتیبه‌هائی‌است ازآن جمله‌کتیبه‌ایست بخط ثلث مشکی‌برزمینه زرد درشش‌لوح که درآن صلوات بر چهارده معصوم نقش شده ورقم آن چنین است : « کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷ » .

کتیبه دورمحراب‌ایوان مزبور بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ مشتمل برسورهٔ اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سورهٔ اسری ورقم آخرآن‌چنین خوانده میشود : « وقال سبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی و قوموالله قانتین » و رقم آن چنین است : « کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷ » .

کتیبه داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ ایـن

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷. ۲ـ تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۸. ۳ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۴.

عبارات را دربر دارد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم لوان‌الغیاض »
« اقلام والبحر مداد والارض قرطاس‌والجن والانس حساب وکتاب ما احصوافضائل »
« علی‌ابن[1] ابی‌طالب صلوات‌الله علیه‌کتبه محمد حسن‌الامامی ۱۰۹۵ » .

این‌مدرسه باانضمام مسجد شاه طی شماره ۱۰۷ــ۱۵ / ۱۰ / ۳۱۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۲۶ ـ مدرسه نوریه :

این مدرسه درانتهای بازار عربان وتقریباً با بازار ریسمان محاذی است و درعهد سلطنت شاه سلیمان وشاه سلطان حسین‌بناگردیده است .[3] بانی آن میرزا نورالدین محمد جابری‌انصاری نبیره میرزا نظام‌الدین جابری‌انصاری وزیر ازنژاد میرزا سلمان اعتمادالدوله وزیر وخواجه جلال‌الدوله جابرا بوده و کبوترآباد برائان با دکاکین و غیر آنها که موقوفه خواجه جلال الدوله بوده مجدداً میرزا نورالدین وقفنامه برای آنها نوشته و منافع دو دانگ آن موقوفات را برای طلاب مدرسه و دو دانگ نیز برای‌حق‌الارتزاق سلسله جابریان‌که ازپیش‌هم‌مقرر بوده برقرار ساخته است .

مساحت فضای مدرسه یك جریب و سه قفیز و نیم است و علاوه بر طلاب هنرمندانی چون : آقا محمدعلی مذهب[4] صاحب یخچالیه ومیرزاآقاجان‌پرتو[5] خطاط نسخ وشاعر درآن مدرسه سکونت داشته‌اند .

۱ــ هرچند درکتیبه منقول‌ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ابن باهمزه نوشته‌شده ولی درست‌آن بی‌همزه است. ۲ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۶. ۳ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۷. ۴ــ محمدعلی بن‌ابی‌طالب‌مذهب اصفهانی‌متخلص به‌بهار متوفی (۱۲۷۵ هـ.ق) ازشعراء ومذهبان‌زمان محمدشاه قاجار بودکه نخست‌بهار تخلص‌میکرد وسپس تخلص خود را بفرهنگ تبدیل‌کرد. اوراست: ۱ــ بامدایح معتمدیه درتذکره شعرای مداح معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان و ۲ــ یخچالیه‌که آنهم تذکره شعرائی است بطور مطایبه از اشعار او است:

یارب این‌تنگ قبایان‌که‌چه تنگ‌شکرند   تاکی از حال دل تنگدلان بی‌خبرند
نتوانم من از این طایفه برداشت نظر   که بچشمان سیه فتنه اهل نظرند

(مجمع الصفحاء ج۵ ص ۸۴۰)

←

این مدرسه با آنکه مربوط باواخر دوره صفویه میباشد بلحاظ اینکه تزیینانی نداشته تاکنون نسبت به ثبت آن اقدامی بعمل نیامده است ولی باتوجه بقدمت بنا اقتضا دارد مورد توجه واقع گردد.

۲۷ - مدرسه نیم آورد :

این مدرسه در محله نیم آورد که نم آورد هم گفته میشود قرارگرفته است. وازمدارس طلبه نشین اواخر دوره صفویه میباشد.

بانی مدرسه زینب بیگم زوجه امیرمحمد مهدی حکیم الملك اردستانی است که از خیرات زنان عصر خود محسوب میشده است ودرواقع بانی واقعی خود حکیم الملك بوده که زن خود را تشویق و استمداد دراین عمل خیر نموده است.

تاریخ بنای مدرسه بعلت نداشتن کتیبه تاریخی ونیزدردست نبودن وقفنامه روشن نیست. جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری[۱] نوشته که در سال (۱۱۱۷ ه. ق) این بنا ساخته شده وشایدمتکی باین نکته شده که مدرسه کاسه گران راکه خود حکیم الملك بانی بوده در ۱۱۰۵ ساخته شده بوده پس مدرسه نیم آورد راهم بعدازاین تاریخ ساخته‌اند ودرهرحال مدرك تاریخ مزبورمعلوم نیست. متولی پیشین[۲] مدرسه که او هم از پدرش شنیده بود میگفت تاریخ وقفنامه مدرسه

←

۵- میرزا آقاجان پرتو نامش میرزا علیرضا مشهور بمیرزا آقاجان و متخلص به پرتو متوفی سال (۱۳۰۳ یا ۱۳۰۴ ه.ق) وی از استادان خط نسخ وثلث ورقاع وشاعر نکته‌پرداز وخوش طبع ومحضر بود ودراواخر زندگانی درتهران بسرمیبرد ودردربار ناصرالدین شاه‌قاجارمقامی داشت. ازاشعار اواست :

پدرخواهد که برد زلفکان چون کمندش را   پسر درفکرچون سازد گرفتاران بندش را

درگفتن ماده تاریخ نیز مهارتی داشت وازماده تاریخهای او است که گفته :

بنا شد چو این مسجد با صفا   بعـون خداوند رکن و حطیم
ز پرتو بتاریخ آن شد سئـوال   بگفتا: «لساعیه فوز عظیم ۱۲۸۹»

(عمل آقاجان)

(تاریخ اصفهان وری ص ۲۹۳)

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۷.

۲ - آقا عطاء الله جدلی فرزند میرزا محمد علی متولی که اولی در ۱۳۱۳ شمسی ودومی در ۱۳۴۰ قمری وفات یافته‌اند.

(۱۱۱۱ هـ . ق) بوده ومرحوم آقاجمال خوانساری مجری صیغه وقف ونیز ناظر قرار داده شده بوده است .

مدرسه دوطبقه ودارای دو ایوان برای نماز وتدریس ودر روبروی درورودی نیزمدرسی استکه درآن تدریس میشود . چهار باغچه برای گلکاری و درختکاری دارد ودر وسط مدرسه‌حوضی بزرگ ساخته شده‌که مورد استفاده است . چهارسمت مدرسه بالا و پائین مشتمل بر۷۸ حجره و یك مدرس و دو ایوان میباشد .

مدرسه تزیینات کاشیکاری وگچبری فراوان دارد و نکته جالب توجه اینکه هنرمندان بوسیله گچهای رنگارنگ نوع مخصوصی معرق ترتیب داده‌اند که در سایر بناها وجود ندارد .

کتیبه اطراف سردرمدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برسوره اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری است و پایان کتیبه چنین است :

« وقال‌سبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی وقوموالله قانتین وقال »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله وسلم لوان‌الغیاض اقلام والبحرمداد والارض قرطاس »
« والجن حساب والانس کتاب ما احصوا فضائل علی‌بن‌ابی‌طالب سنة ۱۳۴۹ » .

این کتیبه‌را بخاطر دارم‌که باهتمام‌مرحوم سیدعبدالعلی‌عقدائی‌که نایب‌التولیه بود نوشته شد و از کتیبه های دوره پهلوی است و الا مدرسه هیچگونه کتیبه تاریخی ندارد .

خطوط بنائی سردر مدرسه مشتمل برآیاتی ازقرآن وبرخی احادیث است ، خطوط بنائی درون مدرسه واطراف صحن معرق ومشکی برزمینه‌آجری سوره‌های واقعه واخلاص ودرواقع تزیینات مدرسه را تشکیل میدهند .

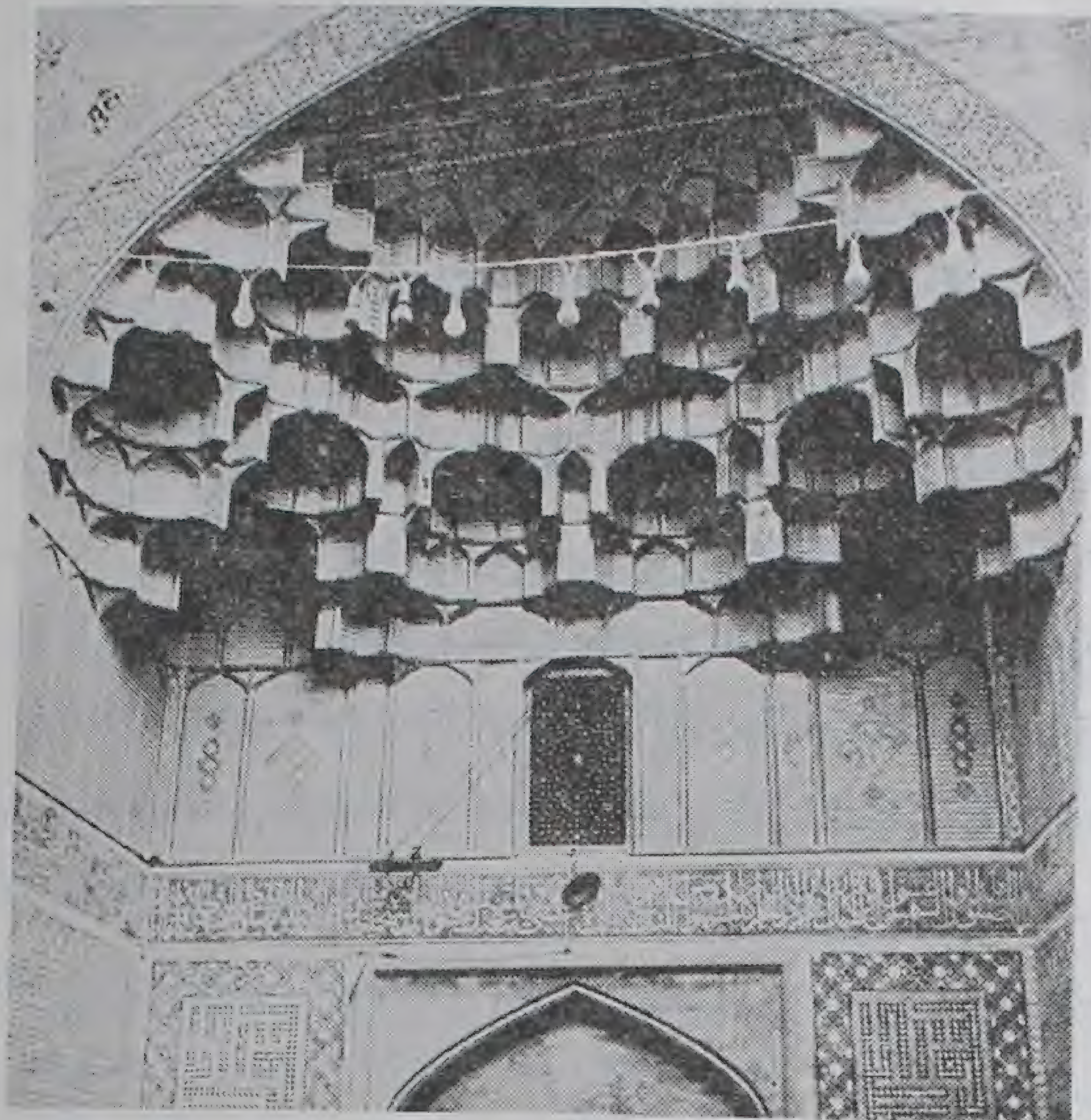
در زیر قطارهای گچبری مدخل مدرسه بخط نستعلیق مشکی اشعار پائین گچبری شده است :

« احمد که شه سریر لولاك آمد — جانی‌است‌کز آلایش تن پاك‌آمد »
« یك‌حرف زمجموعه قدروشرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

و در ایوان شرقی چنین نوشته شده :

«دریای سپهر کافتاب است کفش — نبود چو علی گوهری اندر صدفش»
«خورشید گهی بدرشود گاه هلال — گر عکس دهد بماه در نجفش»

و رقم آن چنین است : «کتبه ابوالفتوح گلستانه» (ش۵۴)



(شکل ۵۴)

و اما موقوفات مدرسه و ترتیب آن چنین است که بانیه نامبرده به‌وکیل خود میرزا رشیداً که ازمنسوبانش نیز بوده دستورمیدهدکه مدرسه‌ای درمحله نیم‌آورد بنا نماید و چون از ساختمان مدرسه که ظاهراً سال (۱۱۱۱ هـ . ق) بوده فراغت حاصل میشود سفارش میدهد که رقباتی را دراصفهان و اردستان که خریداری شده بوده وقف برمدرسه و طلاب آن نماید ودر همان سال رقباتی را بشرح زیر وقف بر آن میکنند :

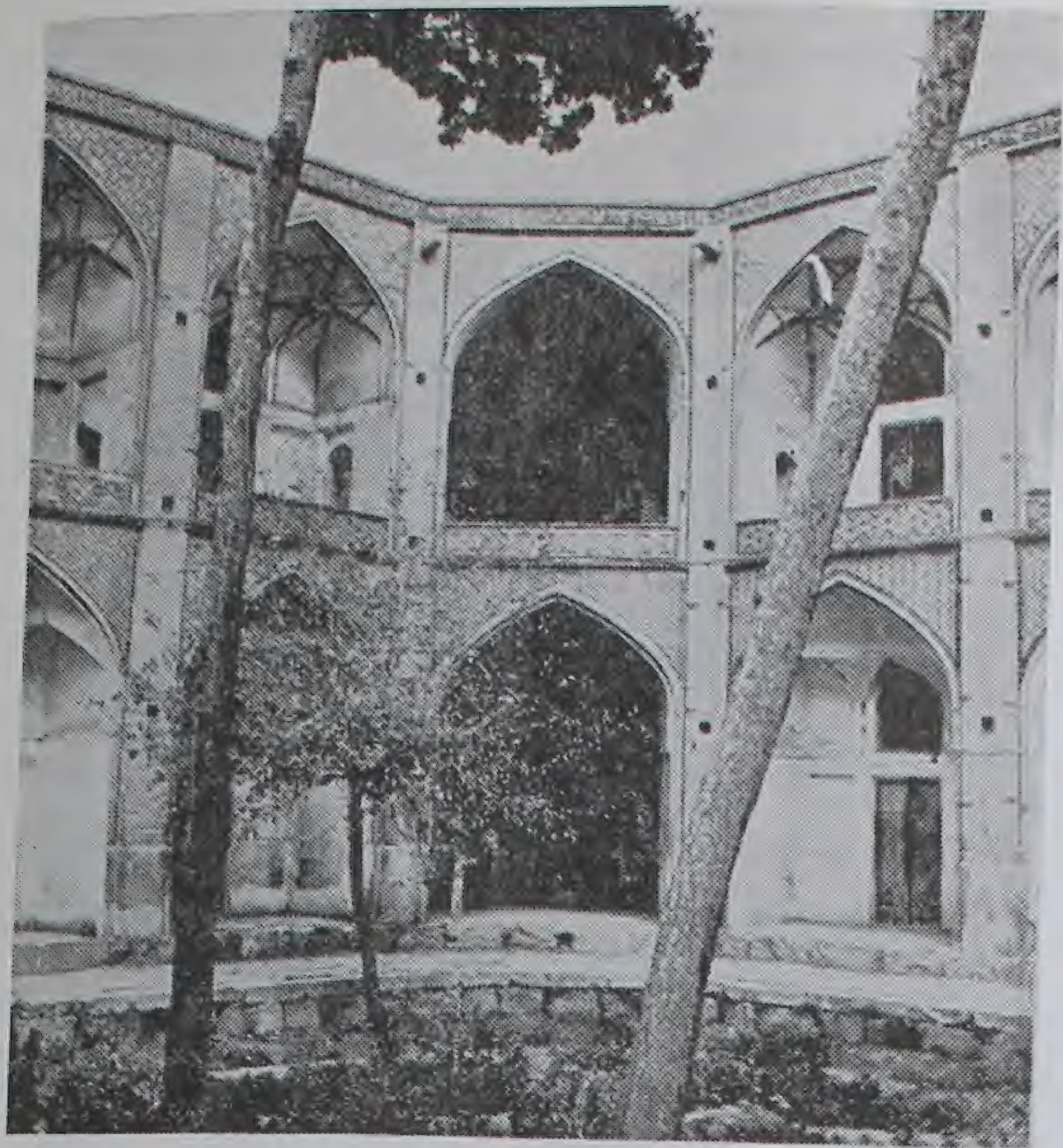
۱ ـ دویست و ده سرجه مجری المیاه بانضمام املاك تابعه آن از محله فهره اردستان .
۲ ـ هفتاد (۷۰) گرداب آب باملاك تابعه آن ازمحله باب الرحی اردستان .
۳ ـ نودودو(۹۲) سرجه آب واملاك تابعه آن واقع درمحله رامیان اردستان .
۴ ـ نیم طاق آب و املاك تابعه آن در محله کبودان اردستان .
و چند مغازهٔ در بازار نیم آورد اصفهان .

مجری صیغه وقف آقاجمال الدین خوانساری بوده که علاوه سمت نظارت بروقف هم درخانواده اوتعیین شده است وتولیت درخانواده میرزا رشیدا که باواقفه نسبت وبستگی داشته وبعدازاو دراولادش بشرایطی که دروقف نامه حکیم الملك در مدرسه کاسه گران مرقوم گردیده قرارداده شده است ودرهرحال ملاك تولیت اصلحیت بوده ولی بعدازمدتی تولیت ازخانواده میرزا رشیدا خارج ودرخانواده دیگری که فرد بارز آنان مرحوم میرزا محمدعلی متولی متوفی (۱۳۴۰ هـ . ق) از علماء و متدینان بود قرارگرفت .

در باره مصارف منافع موقوفه همچنین مقرر گردیده که پس از برداشت هزینه‌های رقبات موقوفه وخود مدرسه یك عشر حق التولیه وعشر دیگر حق النظاره باشد و بقیه بمصرف مدرسان وطلاب وخادم وسایر مصارف برسد . عواید این املاك قسمتی که باقی مانده در حدود سیصد هزار ریال در سال میباشد .

این بانوی نیکوکار وقف دیگری هم داردکه مصرف آن زوار عتبات عالیات بوده و تولیت هم در خانواده متولی مدرسه کاسه‌گران قرار داده شده است و چون موضوع وقف را متصدیان بعنوان ملکیت به‌ثبت داده‌اند مقدورنگردیدکه ازجزئیات رقبات آن استحضار حاصل نماید . (ش۵۵)

این مدرسه پیوسته درزمان رواج بازار علم در اصفهان مرکز بزرگان علماء وطلاب بوده و نامدارانی چون : حاج میرزا بدیع هرندی و حاج ملاحسن دری و حجة‌الاسلامان سید محمدباقر درچه‌ای و برادرش سید مهدی درچه‌ای و آخوند ملاعبدالکریم‌جزی ازآنجا برخاسته‌اندومعلوم میگرددکه بانیه آن ازروی اخلاص



(شکل ۵۵)

بساختمان مدرسه مزبور پرداخته است . کسان دیگری نیز از علماء و بزرگان و اوتاد از مدرسه نامبرده فارغ‌التحصیل شده‌اند که ذکر تمام آنها موجب تطویل خواهد بود یکی ازمعاصران استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا و نگارنده هم افتخار تحصیل در آن مدرسه را دارم . مدرسه مزبور طی شماره ۳۷۸ ـ ۳۰/۹/۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] . (ش ۵۶)

۲۸ ـ مدرسه هارونیه :

این مدرسه درمغرب هارون ولایت واقع وفضای‌کوچکی دارد و دراطراف آن حجره‌هائی است وجرزها و پشت بغلهای دورآن بتزیینات آجروکاشی آراسته شده است . ایوان جنوبی‌آن هم دارای محرابی است‌که با کاشیکاری معرق نفیس تزیین

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۷ .



(شکل ۵۶)

شده . مدرسه مزبور با سردر مجللی بصحن شمالی هارون ولایت متصل میگردد و کتیبه همین سردر است که ایجاد ساختمان هارونیه را بزمان شاه اسماعیل صفوی ربط میدهد . و رقم تاریخی آن چنین است : «کتب فی‌اوایل شهر ربیع‌الاول من سنة ۹۱۸» .

چون هارونیه که متصل بمدرسه میباشد بوسیله دورمش‌خان حسین که از وزرای دربار شاه‌اسماعیل بوده ساخته شده مدرسه‌را هم باید ازاحداثات اوخواند ، ولی جابری انصاری معتقد است‌که چون سنگی را که سلطان محمود ازهندوستان آورده بود در همین مدرسه برو انداخته شده پس باید بنای نخست مدرسه هارونیه مربوط بزمان غزنویان وسلاجقه باشد . و همین مدرسه است که بانی وتعمیرکننده

آن میرزا شاه‌حسین وزیرشاه طهماسب بوده است[1] .

این مدرسه بضمیمه امامزاده هارونیه طی شماره ۲۲۰ به ثبت تاریخی رسیده است[2] .

یز ـ مساجد معمور شهر اصفهان

مساجد شهر اصفهان بر دو قسم میباشد : قسم اول ـ مساجدی را که دارای آثارتاریخی بوده ومورد توجه باستان شناسی است بشرح زیر مینگارد :

۱ ـ مسجد آقامیرزا محمد باقر چهارسوقی :

این مسجد در محله چهارسوی شیرازیهای اصفهان واقع و سردر و محراب وشبستان آن دارای تزیینات کاشی‌کاری و در یك لوحه درمیان کاشیکاریهای جبهه مقابل محراب این‌کتیبه خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ فنادته الملائکة و هو قائم یصلی فی‌المحراب »
« وصلی‌الله علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین . واقف کاشی محمدجعفر. »
« عمل استاد عبدالرزاق فی ۱۳۲۶ » .

سنگابی‌که در مسجد قراردارد با این کتیبه بخط نستعلیق برجسته تزیین گردیده است :

« وقف جناب اباعبدالله‌الحسین(ع) نمود حاجی فتح‌الله خلف مرحوم »
« آقاعبدالرضا لرشیروانی که در مسجد چهار سوق شیرازیها باشد فی‌شهر محرم »
« ۱۲۹۱ . مگربکرب‌بلا آب قیمت جان بودکه ازعطش بفلك ناله اسیران بود. »
« سلام‌الله‌علی‌الحسین(ع) لعنت‌الله‌علی‌قاتل‌الحسین علیه‌السلام‌حجره حاجی‌حسین. »

ازکتیبه سنگاب وسردرمسجد معلوم میگرددکه عمارت مسجد پیش‌از۱۲۹۱ انجام شده بوده ودر۱۲۹۱ کتیبه سنگاب‌حجاری ودر(۱۳۲۶ هـ . ق) کتیبه محراب

---

۱ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۲۱ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۲ .

وسردر مسجد نوشته شده است .

واقف کاشی برای کاشیکاری محمدجعفر وکاشیکار استاد عبدالرزاق وحجار سنگاب حاجی‌حسین بوده است .

این‌مسجد چون محل اقامت نمازصاحب روضات‌الجنات آقامیرزا محمدباقر چهارسوقی بوده بنام آن عالم رجالی نامیده شده است .

۲ ـ مسجد آقامیرزا محمدهاشم چهارسوقی :

این مسجد نیزدرمحله چهارسوشیرازیهای اصفهان قراردارد . گنبد وایوان جنوبی دارد که صفه‌هائی در دوطرف آن واقع‌گردیده ودرشمال نیزدارای ایوان و غرفه‌هائی دراطراف است . نمای خارجی گنبد آجری است وداخل‌آن پوشش ساده گچی میباشد . کاشیکاری کتیبه دورگنبد و محراب آن قدیمی است ولی تزیینات نمای خارجی ایوانها و صحن‌آن جدید است .

کتیبه داخل گنبد مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ درآغازچنین نوشته شده :

« قال‌الله تبارك وتعالی » و دنبال آن آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۳ ازسوره اسری نوشته شده است .

کتیبه هلال محراب مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌لاجوردی بعدازعبارت : «قال‌الله تعالی» آیات ۳۵ و ۳۶ و۳۷ سوره نور و پس‌ازآن چنین خوانده میشود :

«وقال‌سبحانه‌فی‌سورة‌البقرة‌واقیمواالصلوة وآتواالزکوة وارکعوامع‌الراکعین»

در داخل محراب کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح وجود دارد :

«قال‌الله تبارك‌وتعالی» ودنبال آن‌آیه ۱۸ سوره توبه وآیه ۱۴۴ سوره بقرة و آیه ۵۵ سوره مائده نوشته شده و آخرکتیبه چنین است : « صدق‌الله العلی‌العظیم فی ۱۲۸۵ کتبه محمد ابراهیم الاصفهانی» ونیز درداخل محراب‌کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بشرح زیرخوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ناد علیا مظهرالعجائب تجده عونالك فی‌النوایب »
« کل هم وغم سینجلی بنبوتك یا محمد بولایتك یا علی .» .

کتیبه‌های فوقانی ایوانهای شمالی‌وجنوبی‌که درزمان نزدیك‌کاشیکاری شده بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی رنگ چنین است که ابتداء عبارت : « قال‌الله تبارك‌وتعالی» نوشته شده و سپس آیه ۱۸ سوره توبه وآیات ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ سوره اعراف و پایان‌آن : «صدق‌الله‌العلی‌العظیم‌الکریم» است .

بردوجرزعمودی طرفین ایوانهای شمالی وجنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌لاجوردی سوره جمعه وپایان‌آن چنین است : «بانی‌کاشیهای خطی میرزاحسن بصیری رمضان ۱۳۳۶ » .

احادیثی نیز در داخل ایوان شمالی بخط ثلث لاجوردی برزمینه گچی در باب فضیلت نماز نوشته شده است .

درایوان جنوبی مسجد لوح سنگی‌که بردیوارنصب شده بخط نسخ برجسته کتیبه زیرکه موضوع‌آن وقف یکدانگ‌وربع قریه جوان است حجاری شده :

«هوالواقف بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌وقف شرعی نموده‌خیرالحاج‌حاجی‌فتح‌الله »
«جوزدانی یکدانگ‌ویك‌ربع ازطاحونه جوان راکه مال‌الاجاره را صرف‌روشنائی »
« وبوریا وتعمیرمسجد نوچارسوی شیرازیان بشود وصیغه جاری شد ۱۲۷۶ » .

درمسجد سنگابی نیزدرزیرایوان‌جنوبی قرارداردکه‌کتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

«آب‌درکرب‌وبلا ای‌قوم بداختر نبود یاحسین تشنه‌لب‌فرزند پیغمبر نبود»
« سلام‌الله علی‌الحسین لعنت‌الله‌علی‌قاتل‌الحسین وقف‌جناب اباعبدالله‌الحسین»
« علیه‌السلام نمود طایف بیت‌الله‌الحرام حاجی فتح‌الله ولد مرحوم آقاعبدالرضا »
« لزشیروانی فی‌شهررمضان سنهٔ ۱۲۸۰ » .

تاریخهائی‌که درکتیبه‌ها موجود است: ۱۲۸۶ و۱۲۸۰ و۱۲۸۵ و۱۳۳۶هجری میباشد و چون ۱۲۷۶ تاریخ وقف طاحونه برمسجد است پس باید قبول کرد که

ساختمان مسجد در آن تاریخ انجام شده بوده است و سپس در تاریخهای بعدی بتزیینات و نصب سنگاب پرداخته شده است . واقف طاحونه و سنگاب حاجی فتح‌الله و نویسنده کتیبه داخل محراب محمد ابراهیم اصفهانی بوده است . بانی مسجد معلوم نیست و ظاهراً مردم دسته‌جمعی ساخته‌اند و چون علامه چهارسوقی درآن مسجد اقامه نمازمیکرده بنام اومعروف شده‌است، بانی‌سنگاب دراین مسجد ومسجدآقامیرزا محمدباقر یکنفر بوده است[۱]. ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[۲] .

۳ ـ مسجد آقانور:

این‌مسجددرمحله دردشت واقع وازبناهائی است‌که درعهد پادشاهی شاه‌عباس ماضی شروع ودرنخستین سال سلطنت شاه‌صفی بپایان رسیده است و باین‌جهت نام هردو پادشاه درکتیبه اصلی مسجد وسردر شرقی درج گردیده است .

این مسجد چند کتیبه دارد که عمده‌آن مربوط بابتدای ساختمان و برخی مربوط بقرنهای بعد است . دوکتیبه دیده میشودکه یکی حاکی است مسجد درسال ۱۰۳۴ هجری ساخته شده وکتیبه دیگری حاکی است که در سال ۱۰۳۹ درآغاز سلطنت شاه صفی باتمام رسیده است و تاریخهای ۱۲۵۸ و ۱۲۷۹ مربوط بتزییناتی است‌که درقرن سیزدهم در مسجد انجام شده‌است .

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قال‌الله تعالی انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة »
« وآتی‌الزکوة درایام‌دولت جاوید مدت‌کلب آستان علی‌بن‌ابی‌طالب[۳] صلوات‌الله »
(۱۲۹۱)
« وسلامه‌علیه عباس‌حسینی ودراول جلوس پادشاه عادل شاه‌صفی بهادرخان‌خلدالله »

---

۱ ـ بنقل معنی ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۸۲۲ تا ص ۸۲۴ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .
۳ـ درزیر کلمات‌علی‌بن‌ابی‌طالب‌عدد(۱۲۹۱) نوشته شده وگویا سنه یکی ازتعمیرات باشد.

« ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین بره وعدله و احسانه توفیق یافت نورالدین »
« محمد اصفهانی باتمام عمارة این مسجد خالصاً لوجه‌الله تعالی کتبه محمدرضا »
« الامامی » .
(۱۰۳۹)

در دو پشت بغل سردر بخط بنائی سه‌رگی شطرنجی مشکی برزمینه آجری سوره اخلاص‌ودرطرفین سردر دردوشکل مربع بزرگ‌کلمه محمد نوشته شده‌است.

کتیبه ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد باقرشیرازی ومورخ بسال ۱۲۵۸ میباشد ودرآخرکتیبه باکاشی طلائی‌رنگ سال (۱۲۷۹) اضافه شده است .

دراشکال مربع‌بزرگ داخل ایوان‌بخط بنائی‌ساده لاجوردی برزمینه‌آجری نامهای : محمد ، علی ، حسن ، حسین نوشته شده ودردوطرف نمای خارجی ایوان دردو شکل مربع بخط بنائی ساده عباراتی‌بشرح زیرخوانده میشود :

۱ ـ حاشیه مربع سمت شرقی بخط بنائی حنائی رنگ برزمینه فیروزه‌ای شامل عبارت : «لم یلد ولم یولد ولم یکن له‌کفواحد» است .

۲ـ درمتن‌آن بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه‌آجری عبارات : «سبحان الحی الذی لایموت» نقش شده است .

در نمای خارجی ایوان غربی مسجد در دو شکل مربع بخط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمیه آجری سوره اخلاص نوشته شده است .

درداخل ایوان شرقی در یك حاشیه کاشیکاری برمتن زرد رنگ درده لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ این اشعارنقش‌گردیده :

« صاحب خلق و فیض آقا نور — که‌چوخورشید مهربان‌علم‌است»
« مسجدی ساخت درکوی مکی — که بگیتی یگانه حرم است »
«این‌چنین‌مسجدی‌که خاك درش — غیرت افزای جنت و ارم است »
« سال تاریخ آن خرد گفتا : — مصرع آخرین این رقم است »

« معبد اهل اصفهان چون شد: « مسجد نور کعبه عجم است »
(۱۰۳۴)

« کتبه العبد نورا »

ظاهر امر اینست که دراین تاریخ پیکره مسجد تمام شده‌بوده و نویسنده‌کتیبه هم میرزا نورای معروف بوده است[۱] .

مسجد آقا نور دارای شبستانی است بسیار زیبا و ستونهای آن سنگی وطاقهای متعدد آن از قطعات سنگ مرمر شفاف تشکیل شده و در روز فضای شبستان را روشن میکند ، در این شبستان محراب کوچکی است که دردوطرف آن در دوشکل مربع بخط بنائی مشکی ساده برزمینه زرد عبارات : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله » نوشته شده است .

سردر خارجی شبستان جنب سردرشمالی مسجد نیز تزییناتی از نوع کاشیهای گره وخطوط بنائی دارد . در اسپر بالای در بخط بنائی شطرنجی مشکی سه رگی برزمینه فیروزه‌ای کتابت شده : « بسم الله‌الرحمن‌الرحیم وبه نستعین » و درچهار اسپر اطراف سردر : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله » خوانده میشود .

این شبستان درقرن سیزدهم بمسجدکه از بناهای اوایل قرن یازدهم است الحاق گردیده است .

کتیبه سردر شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجـوردی بقلـم محمدباقر شیرازی ومشتمل برآیات ۸۴ تا نصف آیهٔ ۹۲ سورهٔ مؤمنون است و در دوپشت بغل آن بخط بنائی شطرنجی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه آجـری

۱ــ میرزا نورا فرزند صدرالشریعة اصفهانی ازشعراء وخوشنویسان خط نستعلیق وازشاگردان بنام میرعماد بود وخط نستعلیق را چون استاد خود مینوشت وقطعات بسیاری نوشت. درآخر عمر بکیمیاگری اشتغال داشت .

از اشعار او است :

شب وصل غیر چشمم زخیال باز باشد — که مباد چون شب من شب اودراز باشد

(تاریخ خط و خطاطان ج ۱ ص ۹۳)

نوشته شده : « انما يعمر مساجدالله من آمن بالله واليوم الاخر »[1]

ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است .[2]

۵ ـ مسجد اولجایتو :

این مسجد درشمال ایوان استاد مسجد جمعه اصفهان وپس از سردرکاشیکاری بیت الشتاء قراردارد وآن مسجد عبارت از شبستان کوچکی است که دارای اطاقهای آجری متنوع وزیباترین محراب گچبری است . این شبستان بنام مسجداولجایتو خوانده میشود . ودرکتیبه محراب زیبای آن نامهای سلطان محمد خدابنده یعنی اولجایتو ووزیر او خواجه سعدالدین محمد مستوفی ساوجی ملقب بصاحب دیوان مندرج است .

کتیبه تاریخی محراب چنین است :

« سلطان محمد »

« هذاالمحراب المستطاب من مضافات العمارات التی اتفقت اعادتها فی ایام »
« معدلة السلطان حامی حوزة الاسلام والایمان غیاث الدنیا والدین ظل الله فی الارضین »
« حرس الله ببقائه الاسلام من فواضل صدقات العمیمة الصاحبیة الاعظمیة صاحب »
« دیوان الممالك شرقاً وغرباً بعداً وقرباً سعدالحق والدین المخصوص بعنایة رب العالمین »
« محمدالساوی اعزالله انصاره وضاعف اقتداره تولاه العبدالضعیف الراجی الی »
« رحمة الله تعالی وغفرانه عضدبن علی الماستری احسن الله عاقبته فی صفر سنة عشر »
« و سبعمئة ختم الله تبارك وتعالی بالخیر والظفر. ».

مفادکتیبه حاکی است که محراب مزبور از مضافات عماراتی بوده که پس از اتفاق حریق در مسجد جمعه اصفهان تجدید بنا شده و عمارات محراب درزمان سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) و از وجوه صدقات صاحب دیوان و مباشرت عضدبن علی الماستری اختتام پذیرفته است .

۱ـ نقل بمعنی ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۵۰۱ تا ص۵۰۴ .

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷.

در متن کتیبه تاریخی القاب سلطان محمد نوشته شده ولی نام سلطان محمد از نظر تجلیل واحترام درفوق کتیبه مزبور یاد شده است . دراطراف این کتیبه بخط ثلث چنین گچبری گردیده است :

«عن جابر بن زید الجعفی قال سمعت جابر بن عبدالله انصاری[1] یقول لما انزل الله»
« علی نبیه صلی الله علیه و آله یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی»
« الامر منکم قلت یا رسول الله قد عرفنا الله و رسوله فمن اولوا الامر الذین قرن الله »
« طاعتهم بطاعته وطاعة رسوله فقال علیه السلم . » در آخر کتیبه بعد از (السلم) نام سازنده باین شرح خوانده میشود : « عمل حیدر » دنباله کتیبه مزبور در حاشیه فرورفتگیهای محراب در دو ردیف بشرح زیر نوشته شده است :

« هم خلفائی یا جابر وائمة المسلمین بعدی اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن»
« ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التورية بالباقر وستدرکه »
« یاجابر فاذا لقیته فاقرئه منی السلم ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن»
« موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمیی و کنیی حجة الله فی»
« ارضه وبقیته فی عباده الحسن بن علی ذاك الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یده مشارق»
« الارض ومغاربها . » و بخط کوفی مشبك در بالای فرورفتگی محراب نقش شده :

« لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله » .

درحاشیه بزرگ محراب مزبور بخط ثلث چنین گچبری شده :

« قال الصادق المصدق رسول الرحمن صلی الله علیه و آله من بنی مسجداً »
« کمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة وقال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه»
« سلام الله ورسوله وملائکته من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان اخا مستفاداً »
« فی الله اوعلماً مستطرفاً اوآیة محکمة او رحمة منتظرة اوکلمة رده عن ردی او»
« یسمع کلمة تدل علی هدی اویترك ذنباً خشیة اوحیاء »

در ورودی شبستان اولجایتو درروبروی محراب قرار دارد وبرروی هردولنگه در بخط ثلث برجسته این عبارات خوانده میشود :

۱ــ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان انصاری نوشته شده ولی درست آن الانصاری است.

« وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا صدق الله العظیم . »

« وقف کرد این درب را برمسجد قربة الی الله تعالی استاد حسین بن استادشاه »

« میرزای . . . اصفهانی ».

بردیوار مقابل درقدیمی شبستان اولجایتو دراوایل دالان حوضخانه یك لوح سنگی بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی این کتیبه نوشته شده است :

« وقف شرعی نمودآقا رضا ولد استاد فخرالدین شوشتری تمامی یکبابخانه »

« معینه واقعه درمحله تحت الشارع که بموجب وقفنامه علیحده وقف نموده (تولیت »

« بامیرزاخان ابن آقا رضا شوشتری) براولاد خود و غیره ازجماعت مفصله ذیل »

« بدین موجب اولاد واقف مزبوره ثلث اولاد محمدکاظم و رجبعلی برادران واقف »

« ثلث اولادمسماتان صفیه بانو وکشورجان همشیره‌های واقف ثلث وشرط نمودند »

« موقوف علیهم که هرساله مقدار شش من روغن چراغ بوزن شاه تسلیم خدمه مسجد »

« جامع قدیم اصفهان نمایندکه صرف روشنائی شود . زمستان در شبستان طرف »

« طنبی وتابستان درصفه سنگ تراشان سنه ثلاث و سبعین والف . » .

ازکتیبه اخیر معلوم میگردد وقف مزبور در عصر شاه‌عباس ثانی بعمل آمده است درصورتیکه اصل بنا ۷۱۰ هجری باتمام رسیده است[۱] .

ایـن مسجد ضمن مسجد جامـع عتیق طـی شماره ۳۲۸ به ثبت تاریخـی رسیده است[۲] .

۶- مسجد ایلچی :

این مسجد درمحله احمدآباد واقع ودارای کتیبه تاریخی است که میرساند درزمان سلطنت شاه سلیمان صفوی بوسیله صاحب سلطان بیگم دختر حکیم نظام‌الدین محمد (یااحمد) ملقب بحکیم الملك ایلچی بسرکاری خواجه سعادت باتمام رسیده است .

۱ـ عبارات کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است. ازص۱۱۵ تاص۱۲۱.

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۲۶ .

هنگامیکه کتیبه‌های محراب را مینوشته‌اند مقارن‌سال ۱۰۹۳ وپس از اتمام تزیینات محراب سال ۱۰۹۴ و هنگام نوشتن‌کتیبه سردر مسجد مقارن ۱۰۹۷ هجری بوده است . پس میتوان گفت سال ختم بنا همان باشد که در سر در مسجد نوشته شده است . (ش۵۷)



(شکل ۵۷)

کتیبه سردر مسجد مطابق نقل گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان چنین است :

« قد وفقت لبناء هذه المسجد فی زمان دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم »

« مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان وخاقان بن خاقان »

« ابوالمظفر شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه »

« وافاض علی العالمین عدله واحسانه صاحب سلطان بیگم بنت حکیم نظام الدین »
« محمد الملقب حکیم الملك ایلچی وبسرکاری خواجه سعادت باتمام رسید فی ۱۰۹۷ »
« کتبه ابن محمدرضا محسن الامامی . » .

بدیهی است کلمه هذه در این عبارت غلط است حالا غلط از که باشد معلوم نیست وممکن است که چون عبارات‌را از سایر امکنه اقتباس میکرده‌اند این کلمه را از کلمه هذه‌المدرسة که راجع بمدرسه ایلچی بوده فراگرفته‌باشند و با این فرض غلط ازگرده برداران وکاشیکاران بوده است.

دربالای سکوها وداخل مقرنسهای سردرمسجد خطوط بنائی بسیاری وجود دارد یکی ازآنها در بالای سوسنهای قطار سردر درچهار شکل مثلث بخط بنائی سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ نام استادآن چنین آمده است :

« عمل العبد محمد علی بن استاد علی بیك » .

گرچه‌تاریخ ندارد ولی چون سردر تاریخی کتیبه‌بعداز انجام عمل مقرنس کاری وبنا بوده حداقل میتوان گفت تاریخ آن همان سال ۱۰۹۷ هجری میباشد .

در داخل سوسنهای قطار سر در بخط بنائی با کاشی لاجوردی بر زمینه زرد در دوشکل مربع این بیت نوشته شده :

« اگرهست مرد از هنر بهره‌ور — هنرخود بگوید نه صاحب‌هنر»

و در دوشکل مربع دیگر بخط بنائی با کاشی لاجوردی برزمینه‌سفید نوشته شده است : « عاقبت محمود باد ».

در ایوان جنوبی مسجد و در اطراف دیواری که محراب را در بردارد بخط بنائی باکاشی معرق مشکی دو رگی برزمینه‌آجری چنین نوشته شده :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم اذاجاءِ نصرالله‌والفتح ورأیت‌الناس یدخلون‌فی »
« دین‌الله افواجاً فسبح‌بحمدربك‌واستغفره انه‌کان تواباً صدق‌الله‌العظیم سنة۱۰۹۳»

و دربالای این‌کتیبه بخط بنائی نوشته شده :

« انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة»

« ولم‌یخش‌الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من‌المهتدین - یا الله - محمد - علی -»
« فاطمة - حسن - حسین . »

در داخل محراب بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی آیه ۱۰۳ سوره نساء خواند میشود .

در اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات ۱۸و۱۹ سوره توبه نقش و آخر آن باین عبارات ختم میشود : « صدق‌الله العظیم کتبه »
« محمد محسن‌الامامی فی ۱۰۹۴ » .

درقسمت فوقانی محراب ایوان بزرگ مسجد بخط ثلث برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ در یك شمسه کتیبه تاریخی زیر خوانده میشود :

« هوالعلی »

« لما سمعت المخدرة الصالحة المستورة صاحب سلطان بیگم بنت‌المرحوم»
« المغفور حکیم‌نظام‌الدین احمد شهرة ایلچی آیه انما یعمر مساجدالله وفقت »
« لبناء هذاالمسجد المبارك واتفق بنائه و اتمامه فی‌سنة ثلث وتسعین‌والف .» و در آخرآن بخط نستعلیق نوشته شده است : « عبده حسینی ».

کتیبه محراب ایوان‌کوچك مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ مشتمل برآیه ۴۵ سوره عنکبوت چنین است :

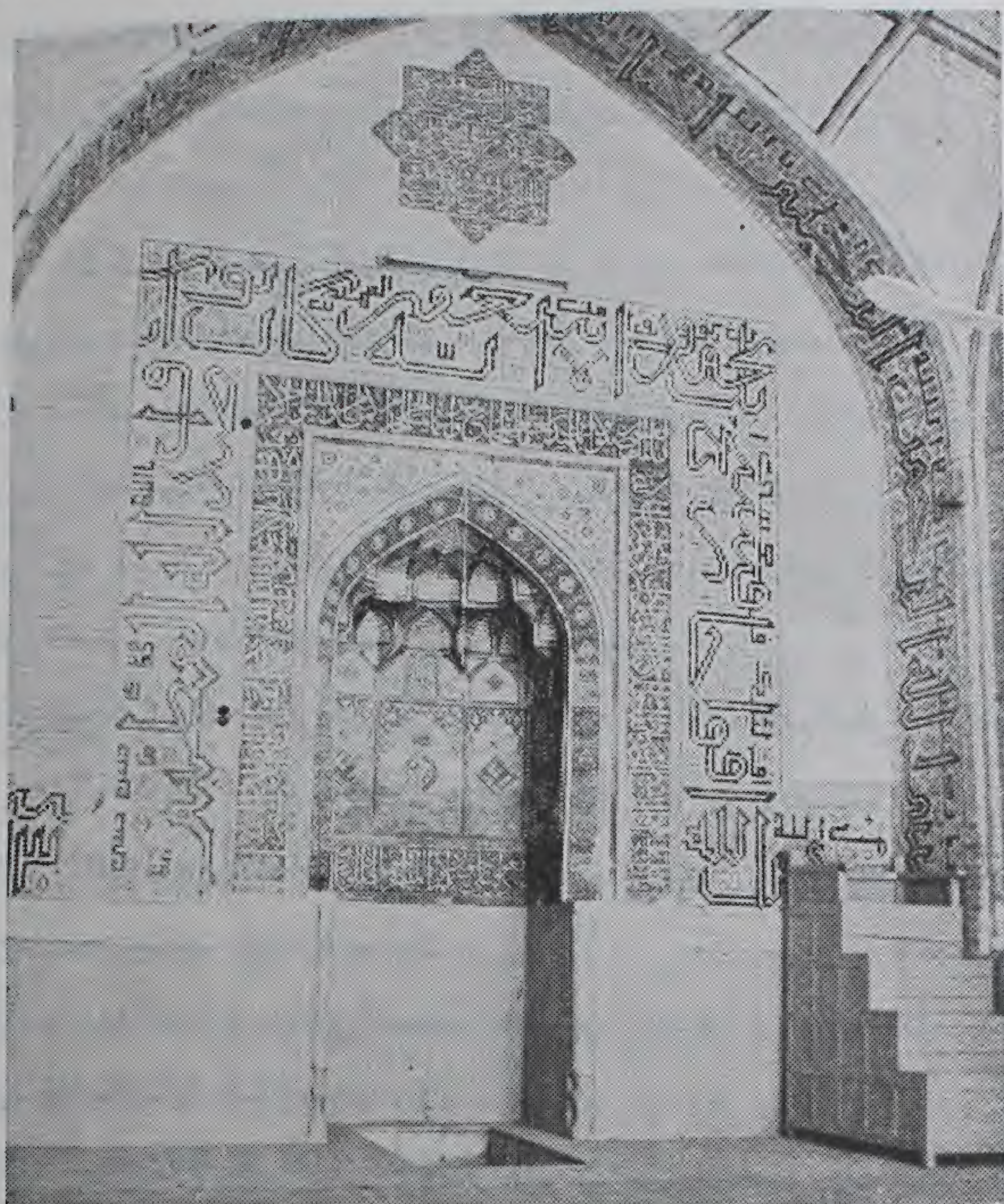
« قال‌الله تبارك وتعالی اتل ما اوحی‌الیك من‌الکتاب واقم‌الصلوة ان‌الصلوة »
« تنهی عن‌الفحشاء والمنکر ولذکرالله اکبروالله یعلم ما تصنعون . » .

درپشت‌بغل بزرگ داخل مسجد نیز بخط بنائی مشکی‌معرق برزمینه آجری این جملات و عبارات نوشته شده است :

« یا سیدالسادات - یاولی‌الحسنات - یا مجیب الدعوات - یاقابل‌التوبات - یا»
« غافرالخطایات - یا عالم‌الخفیات . »

درکتیبه‌های تاریخی دواشتباه بنظر میرسد یکی نام حکیم‌نظام‌الدین که در کتیبه سردر محمد نقل شده ودرکتیبه بالای محراب احمد وبطور حتم یکی‌ازآن

دو نادرست است اشتباه دیگر این که در کتیبه‌سر در هذه‌المسجد نقل‌شده درصورتیکه درست آن هذا میباشد و گمان میرود همانطورکـه در پیش گفته شد مـوقع گرده‌برداری اشتباه شده باشد و نام حکیم هم چون در کتیبه آخرین یعنی سردر محمد نوشته شده درست آن همان محمد باشد و کلمه احمدکه نقل شده شاید در اثـر سائیدگی میم نخست محمد چنین بنظر آمده است . اشتباه ادبی دیگر کلمه غافر الخطایات است که خطایا اصولاً جمع خطیئه بمعنی گناه است و جمع آن بیشتر بروزن خطایا است وگاهی هم خطیئات و درهرحال خطایات وجود ندارد . (ش۵۸)



(شکل ۵۸)

اثر تاریخی دیگری که درمسجد مزبور موجود است زیلوی قدیمی است که این عبارت بر آن بافته شده است :

« وقف شد برمسجد ایلچی دردارالسلطنه اصفهان این فرد زیلومع چهارفرد »
« دیگر بجهت شبستان مسجد مزبور مشروط آنکه ازمسجد مزبور بیرون نبرند»
« مگر بجهت عذر شرعی تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۲۷۵ عمل عبدالوکیل.»

و میرساند که درسالهای اوائل سلطنت ناصرالدین شاه زیلوی مزبور برمسجد وقف گردیده وواقف وبافنده آن عبدالوکیل بوده است .

قسمتی ازکتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است[۱]. اماعلت شهرت مسجد به‌ایلچی اینستکه حکیم نظام‌الدین ایلچی بوده، برخی گفته‌اند که‌او ایلچی عثمانی و بعضی دیگر گفته‌اند که ایلچی هند بوده است ولی بنظر نگارنده از رجال ایران بوده‌که بسفارت وایلچیگری بکشورهای دیگر رفته بوده وازاینرو‌اورا ایلچی میخوانده‌اند و کمتر دیده شده که یك مرد اجنبی برای کشور دیگری مبادرت بساختمان اینگونه ابنیه‌کند . این مسجد طی شماره ۲۷۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۲]

۷ ـ مسجد باغ حاجی :

در نزدیکی باغ حاجی که اکنون بباغ همایون اشتهار دارد کوچه‌ای بنام کوچه باغ حاجی وجود دارد که درآن مسجدی اززمان صفویه قرار دارد .

عبارات کتیبه سردرمسجد حاکی است درعصر شاه عباس اول خواجه روح‌الله ابن نورالله فراهانی درسال (۱۰۳۳ هـ . ق) مسجد مزبور را بناکرده ، ونویسنده کتیبه محمد امین بن اخی بوده است .

ازتزیینات کاشیکاری مسجد غیر ازسردر آن چیزقابلی باقی نمانده و کتیبه سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین است :

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۴۳ تا ص ۶۴۵.   ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۷ .

« فی ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان الاعدل الاعظم مالك رقاب‌الامم »
« مولی‌ملوك العرب والعجم‌ابوالمظفرشاه عباس‌الحسینی‌الصفوی بهادرخان‌خلدالله »
« تعالی ظله‌ابداً بتوفیقات ملك سبحانی بناکرد این‌مسجد را توفیق آثار خواجه »
« روح‌الله‌بن نورالله فراهانی درسنه هزار وسی‌وسه‌کتبه محمد امین‌بن‌اخی . ».

درحقیقت مسجد بنام خواجه روح‌الله‌است ولی‌چون درنزدیکی‌محل‌معروف به باغ حاجی واقع شده مسجد را بنام باغ حاجی نامیده‌اند . ثبت تاریخی مسجد درگردش اداری است[۱] .

۸ ـ مسجد جارچی :

این مسجد دربازاربزرگ اصفهان واقع و بانی‌آن ملك‌سلطان جارچی باشی شاه عباس اول بوده است . مسجد صحن ندارد ودرحقیقت شبستانی است‌که قسمتی ازسقف‌آن پس‌ازخرابی تعمیرشده است . اطراف شبستان تزییناتی داردکه برروی زمینه های لاجوردی و فیروزه‌ای انجام شده . محراب مسجد از سنگ ساده و در ورودی‌آن اززمان ساختمان باقی‌مانده است .کتیبه سردرمسجد بخط ثلث برجسته برسنگ چنین است :

« تیمنا وتبرکا بذکره الکریم الوهاب قدانفق لعمارة هذاالمسجد فی‌ایام »
« خلافة الخاقان الاکرم الاکمل الاشجع الاعدل الاعظم مولا ملوك العرب والعجم »
« قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین خلف اخلاف سیدالمرسلین رواج »
« دهنده مذهب ائمه اثنی‌عشر صلوات‌الله علیهم اجمعین ابوالمظفر شاه عباس »
« الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان‌خلدالله‌ملکه‌وسلطانه وافاض‌علی‌العالمین »
« عدله و احسانه اللهم متع‌المسلمین بطول حیاته وضاعف ثواب جمیله وحسناته »
« و ارفع درجاته وظفره جمیع اعدائه بما فی‌القرآن من‌آیاته اللهم‌آمن بلده الی »
« یوم‌القیام بانی این‌عمارة خجسته ملك سلطان جارچی باشی سنة تسع عشروالف »
« رقم صحیفی جوهری » .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷.

درگنجینه آثار تاریخی اصفهان ضمن نقل کتیبه بعداز کلمه ظفره جمیع کلمه (کنا) که درواقع علامت تعجب ودرست نبودن آن است نوشته است وگمان میکنم (ظفره) را که بصیغه امر از باب تفعیل است بلفظ مصدری خوانده وچون ازلحاظ مفهوم عبارت نارسا میشود تعجب کرده‌اند درصورتیکه باخواندن بصیغه امر از باب تفعیل مطلب کاملاً درست خواهد بود ودیگرجای شگفتی نیست وکلمه علی پیش از جمیع افتاده است.

جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری کتیبه سر در را چنین درج کرده است[1]:

« تیمنا و تبرکا بذکر الکریم الوهاب قدانفق لعمارة هذاالمسجد فی ایام »
« خلافة الاکرم الاکمل الاعدل الاعظم مولی ملوك العرب والعجم قهرمان الماء »
« والطین ظل الله فی الارضین خلف الانبیاء والمرسلین برواج مذهب ائمة الاثنی عشر »
« صلوات الله علیهم اجمعین ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الحسینی بهادرخان »
« خلدالله ملکه و سلطانه وافاض علی العالمین بره و عدله و احسانه واظفر باقی »
« این عمارت خجسته ملك سلطان خان جارچی باشی سنة تسع عشروالف رقم »
« صحیفی جوهری ».

ازمقایسه این دو چنین معلوم میگردد که اختلافاتی وجود داردکه آنها را باین موارد میتوان بیان کرد:

۱ ـ درکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان[2] کلمه بذکره باضمیریکه مرجع آن معهود است ذکر شده ولی درکتاب تاریخ اصفهان وری بدون ضمیر نوشته شده است وازنظر مفاد هردو درست است.

۲ ـ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بعداز الاکمل کلمه الاشجع نیز وجود دارد درصورتیکه درکتاب تاریخ اصفهان وری این کلمه موجود نیست.

۳ـ درگنجینه آثارتاریخی اصفهان بعدازفی الارضین (خلف اخلاف سیدالمرسلین

---

۱ ـ تاریخ اصفهان وری از ص ۲۷۵ تا ص ۲۷۶.
۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۷۷ سطر ۱۴.

رواج دهنده مذهب ائمه اثنی‌عشر) نوشته شده ودر کتاب تاریخ اصفهان وری نوشته شده :

« خلف‌الانبیاءِ والمرسلین برواج مذهب ائمة الاثنی‌عشر» .

۴ ـ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بعد ازکلمه علی‌العالمین نوشته شده : « عدله و احسانه » و در تاریخ اصفهان وری بین آن دوکلمه ـ لفظ بره هم اضافه شده است .

۵ ـ درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان بعدازکلمه احسانه نوشته شده: « اللهم » « متع‌المسلمین بطول حیاته وضاعف ثواب جمیله وحسناته وارفع درجاته وظفره » « جمیع اعدائه بما فی‌القرآن من‌آیاته اللهم آمن باده الی یوم‌القیام » ودر تاریخ اصفهان وری چنین است : «واظفر» .

دراین مورد علاوه براین‌که عبارات زیادی درتاریخ اصفهان وری ساقط شده بجای ظفره گنجینه آثارتاریخی اصفهان : اظفرآمده واگر بگوئیم اظفرهم درست است چون‌مفعولی برای‌آن ذکرنشده نمیتوان مورد توجه قرارداد .

۶ـ درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان بعداز القیام نوشته شده : «بانی این عمارة خجسته ملك سلطان» (جارچی باشی) ودرکتاب تاریخ اصفهان وری چنین مذکور است : «ملك سلطان‌خان جارچی باشی» که‌کلمه‌خان اضافه گردیده است .

از مقایسه مفاد دوکتاب معلوم گردید که آنچه درکتاب تاریخ اصفهان وری مندرج شده درخواندن‌کتیبه دقت نشده و بطورحدس مطالبی والفاظی مرتب شده است وازاینرو بایدآنچه درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان مرقوم شده مصدر و مرجع قرارداد و چون عبارت کتیبه از لحاظ اسلوب عربی است عبارت (رواج دهنده) را بایدگفت مروج درست است وچون نگارنده‌خودکتیبه را نخوانده‌ام بنوشته‌صاحب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که در خواندن کتیبه‌ها رنج بسیار کشیده‌اند اعتماد میکنم .

ازکتیبه سردر معلوم گردید که ملك سلطان[1] جارچی باشی شاه عباس اول این مسجد را بناکرده وتاریخ بنا سال ۱۰۱۹ ودر دوره شاه عباس اول انجام شده و کاتب وخطاط کتیبه صحیفی جوهری بوده است.

در مقابل در ورودی مسجد سنگاب کوچکی قراردارد که کتیبه‌آن درچهار لوحه کوچك در دورآن این عبارات خوانده میشود:

« وقف حضرت عباس علیه‌السلم نمودند ۱۲۶۷ حمل ونقل‌کننده بلعنت خدا گرفتار شود ».

این مسجد درطی شماره ۲۹۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2].

۹ ـ مسجد جامع عتیق = جمعه:

دراغلب موارد مسجد جامع وجمعه مصداق واحدی دارد ولی تفاوتهائی بین آن‌دو نیزوجود داشته‌است، اصولاً مسجد جامع در شهرها ساخته میشده‌که مردم بتوانند درآن اجتماع‌کرده بعبادت وتعلم اموردین بپردازند ودر اینگونه مساجد کتابخانه ومدرسه وخانقاه نیزوجود داشته است ولی درمسجدجمعه چنین شرایطی وجود نداشته فقط درآن نمازجمعه اقامه میشده‌است ولکن درهرمسجدی‌که نماز جمعه اقامه میشده بعنوان مسجد جمعه خوانده شده و امام جمعه‌آن نیز از طرف سلطان وقت ویا اولوالامر منصوب میگردیده‌است البته هرجامعی‌که ازلحاظ فاصله بین‌دومحل نمازجمعه‌که نبایدکمتر ازمقدارمعین شرعی باشد مانعی نداشت ممکن بودمحل اقامه نمازجمعه نیزباشد واینگونه مساجدرا هم مسجد جامع وهم مسجد جمعه میگفتند مثل اینکه اغلب مساجد جامع شهرهای کوچك مانند اردستان و نائین ونطنزهم بنام مسجدجامع وهم باسم مسجد جمعه خوانده میشوند وامام این مساجد را امام جمعه میخوانند.

---

۱ ـ ملك سلطان مردم رستاق اصفهان بود وبوسیله‌ای ملازم شاه عباس ماضی‌گردید ورفته‌رفته بسبب حسن خدمات و رشد جارچی باشی شده مورد اعتماد بود ودرمصلحتها دخیل بود. (تذکره نصرآبادی ص ۴۱)

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۴۵.

پس ازطلوع اسلام موضوع نماز جمعه واداى آن فريضه گرديد ودرزمان پيغمبر اسلام و سپس خلفاء تا انقضاى دوره خلافت ونيز در دوره سلاطين مسلمان تا عصر صفويه كسانى براى امام جمعه‌گى از طرف مصادر امور تعيين ميگردند . اززمان صفويه نيز كه طرفدار تشيع بودند باين موضوع بخصوص كه بسيارى ازعلماى شيعه نماز جمعه را واجب عينى ميدانستند توجه خاصى مبذول گرديد .

نخستين كسانى كه از طرف سلطان وقت عنوان امام جمعه داشته‌اند وترتيب آن معلوم نيست ، يكى شيخ بهاءالدين محمد عاملى و ديگرى ميرداماد و نيز شيخ لطف‌الله ميسى‌عاملى ومحقق سبزوارى بوده‌اند واماكسانيكه امامت آنها مرتب ميباشد چنين است :

۱ـ ملامحمدتقى مجلسى اول متوفى (۱۰۷۰ هـ . ق) ومؤلف شرح من لايحضره الفقيه و ديگر تأليفات .

۲ ـ علامه ملامحمد باقرمجلسى دوم مولود (۱۰۳۷ هـ . ق) ومتوفى (۱۱۱۰ هـ . ق) مؤلف كتاب بحارالانوار وتأليفات بسيار ديگر مدفون دردالان مسجد .

۳ ـ ميرمحمد صالح داماد مجلسى اول كه از علماى بزرگ وصاحب مسند ومدرس بوده ودر۱۰۵۸ متولد ودر۱۱۲۶ وفات كرده است .

۴ ـ ميرمحمدحسين فرزند ميرمحمد صالح خاتون‌آبادى متوفى (۱۱۵۱ هـ . ق) .

۵ ـ ميرزا محمدتقى الماسى نواده پدرى مجلسى اول و نواده مادرى مجلسى دوم متوفى (۱۱۵۹ هـ . ق) .

۶ ـ شيخ زين‌الدين خوانسارى متوفى (۱۱۶۷ هـ . ق) از بزرگان علماءِ و مجاز از ميرمحمدحسين .

۷ ـ ميرمحمد مهدى پسر بزرگ ميرمحمدحسين متوفى (۱۱۸۳ هـ . ق) .

۸ ـ ميرعبدالباقى فرزند كوچك ميرمحمد حسين خاتون‌آبادى متوفى (۱۲۰۸ هـ . ق) از بزرگان علماءِ .

۹ ـ حاجی میرمحمد حسین‌بن میرعبدالباقی متوفی (۱۲۳۳ هـ . ق) ملقب به سلطان‌العلماء .

۱۰ ـ حاجی میرزاحسن‌بن حاجی میرمحمد حسین‌خاتون‌آبادی امام جمعه مسجد شاه متوفی (۱۲۴۸ هـ . ق) .

۱۱ ـ آقامیرمحمد مهدی سلطان‌العلماء فرزندحاجی میرزاحسن امام جمعه متوفی (۱۲۵۴ هـ . ق) .

۱۲ـ آقامیرسید محمدسلطان‌العلماء ابن‌حاجی میرزاحسن امام‌جمعه متوفی (۱۲۹۱ هـ . ق) .

۱۳ ـ آقا میرمحمد حسین‌بن حاجی میرزا حسن امام جمعه متوفی رجب (۱۲۹۸ هـ . ق) .

۱۴ـ آقامیرزا محمدعلی امام‌جمعه فرزند میرزاجعفر بن حاج‌میرسیدمحمد متوفی (۱۳۰۰ هـ . ق) .

۱۵ ـ حاجی میرزا هاشم امام جمعه فرزند میرسید محمد خاتون‌آبادی متوفی (۱۳۲۱ هـ . ق) .

۱۶ـ آقامیرزا محمدصادق امام‌جمعه فرزند میرزا محمدعلی‌بن میرزاجعفر خاتون‌آبادی متوفی رمضان (۱۳۴۸) .

۱۷ ـ پس‌از بیست سال فاصله آقامیرمحمد مهدی امام جمعه‌گردید[1] .

که این عده ازطرف سلطان وقت سمت امام جمعه داشته ومیتوانسته‌اند در مساجد معین وموسوم به‌مسجد جمعه اقامه نمازکنند ـ نامبردگان برخی درمسجد شاه و بیشترآنان درمسجد جامع عتیق نمازجمعه را بجا میآورده‌اند واز اینروآن مسجد بمسجد جمعه اشتهار یافته است .

در قدیم یعنی پیش‌ازقرن پنجم چند جامع بزرگ دراصفهان وجود داشته‌که دوتای آن در محل مسجد جمعه کنونی بوده است و پس‌از اندراس و حریقی‌که در

---

۱ ـ مکارم‌الاثار در احوال رجال دوره قاجار ج۲ ص ۳۱۴ تا ص ۳۲۰ .

۵۱۵ هجری اتفاق افتاد مورد تجدید بنا واقع و بتدریج و دراعصار متوالی بصورت کنونی درآمد .

وضع ساختمانی کنونی مسجد جمعه چنین است :

بطوریکه شادروان گدار فرانسوی متخصص امور باستان شناسی در آثار ایران بیان کرده و تحقیق شده در ابتدای رواج مذهب اسلام در ایران مساجدی بسبك عربی که عبارت ازعمارتی کوشك مانند بود بنا گردید ولی پس ازگذشتن حدود پنج قرن سلیقه ایرانی آن سبك را نپذیرفت و مساجد را بصورت عمارت چهار ایوانی صحن‌دار درآورد و شبستانی نیز برآن افزود و این تغییر سبك و روش تقریباً در اواخر دوره خلفای عباسی شروع گردید، دربعضی ازمساجد مهم که بسبك تازی ساخته شده بود ازقرن پنجم ببعد تغییراتی داده شد بطوریکه ساختمانهای سبك تازی هم باقی ماند مانند مسجد جامع نائین و جامع اردستان و مسجد جامع عتیق اصفهان که با ساختمانهای سبك تازی توأم شده است .

اما ترکیب مساجد نائین و اردستان از دو سبك را خود بنا حکایت دارد ولی درمسجد جامع اصفهان که جامع قدیم آن باخشت‌خام بنا شده بود وساختمان زمان ملکشاه ببعد بوسیله آجر ساخته شده در هنگام تعمیر و خاکبرداری آثاری از خشتهای قدیم بدست آمده که ائتلاف ساختمان سبك تازی را با سبك ایرانی محرز میدارد .

اینك مسجد جامع عتیق از این اجزاء تشکیل میشود[۱] :

۱ ـ ضلع جنوبی :

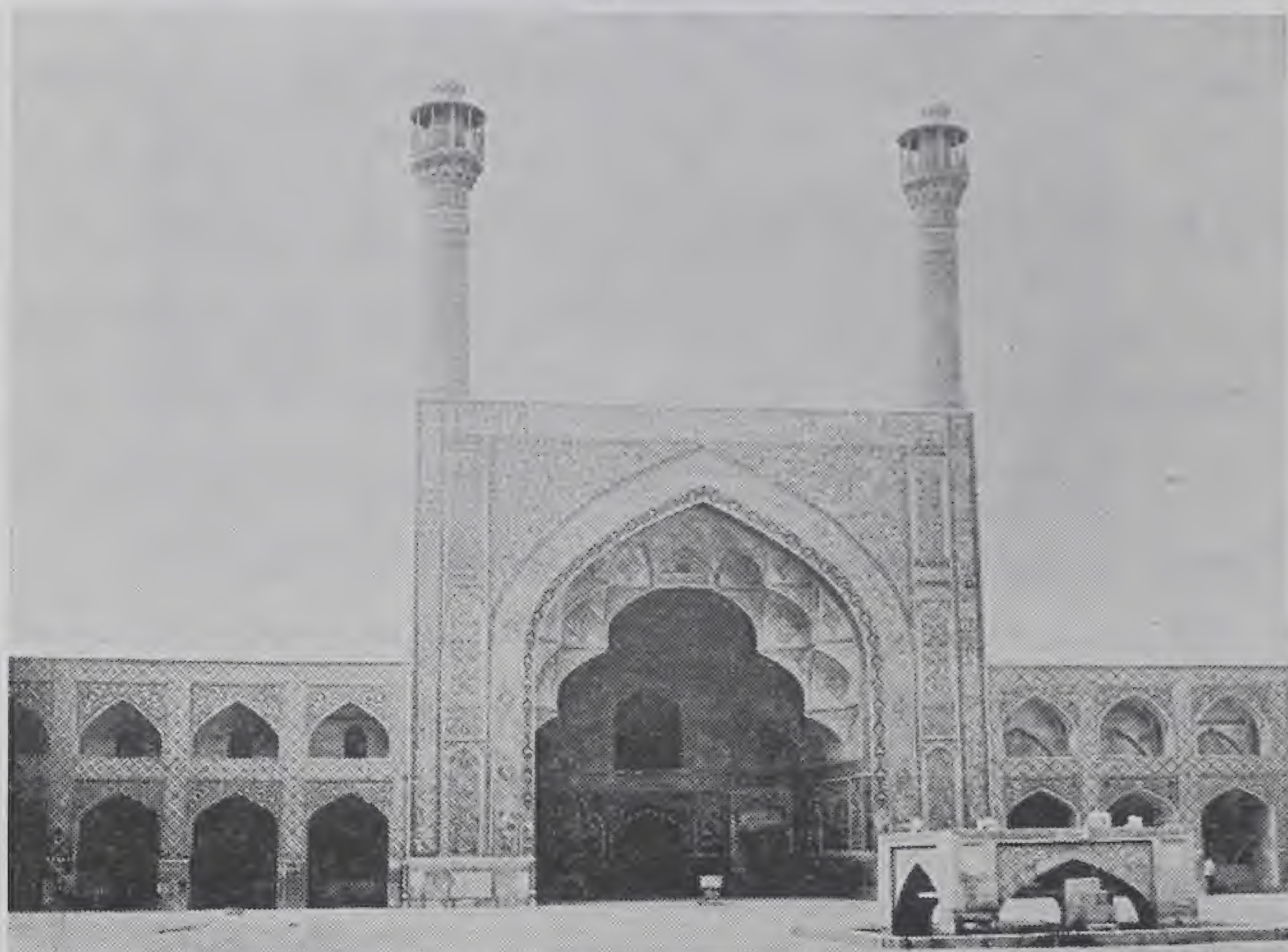
در این ضلع در قدیم بناهائی بسبك عربی ساده وجود داشته که بنا بگفته باستان شناسان ونیز طبق گفته مافروخی ازخشت خام بوده است .

سپس درقرن پنجم مسجد باشکوهتری که تزیینات آجری وگچبری داشته در محل ساختمانهای اولیه بعمل آمده مانند گنبد نظام‌الملك . در جلو این گنبد

---

۱ ـ ترجمه آثار ایران ج ۱ از ص ۹۹ تا ص ۱۰۷ .

بطرف صحن مسجد ایوان جنوبی واقع است که درآغاز قرن ششم هجری اساس ساختمان آن که سلجوقی است بنا شده و سقف آن درآخر قرن نهم هجری بامر حسن بیك آق قوینلو ازنوساخته شده ، این ایوان دومناره دارد . ازاره‌های مرمری و کاشیکاریهای گوناگون معرق برجسته که پائین ایوان را تزیین کرده وکاشیکاری پشت بغلهای طاق نماهای فوقانی وتحتانی اطراف صحن ازدوره حکمرانی اوزون حسن است . در این ایوان کتیبه‌ای از زمان شاه طهماسب وکتیبه دیگری از دوره شاه عباس ثانی وجود دارد . (ش۵۹)



(شکل ۵۹)

درطرفین گنبد و ایوان مذکور دو چهلستون عهد جانشینان ملکشاه (اوایل قرن ششم) وجود دارد ، درطرفین هردوچهلستون در سمت‌مشرق ساختمانهای دوره آل‌مظفر ازقرن هشتم‌هجری است‌که درسمت‌چپ دالان ورودی مسجد قرارمیگیرد و یك راهرو جنوب شرقی مسجد آن را از ساختمانهای سلجوقی جدا میکند .

در سمت مغرب چهلستون دیگری ازقرن یازدهم از دوره شاه عباس بزرگ قرار دارد که سبك ساختمان چهلستونهای سلجوقی را پیروی کرده است، این چهلستون را چهلستون عباسی مینامند.

۲ ـ ضلع غربی :

مهمترین ساختمان این ضلع ایوان غربی مسجد است که اساسش سلجوقی و در اوایل قرن ششم هجری بنا گردیده است ودارای مقرنسهای درشت میباشد. در زمان شاه سلطان حسین صفوی داخل و خارج ایوان مزبور از کاشیهای زیبا و خطوط بنائی آراسته شده و تزیینات آجری دوره سلجوقی آن از سادگی بیرون رفته است.

راه شبستان بزرگ‌مسجد درجنوب این‌ایوان واقع وشبستان‌کوچك دیگری نیز درهمین قسمت قرار دارد.

درشمال ایوان‌غربی یك سر درکاشی‌کاری نفیس ازقرن نهم‌هجری وجوددارد که سر در شبستان وسیعی است‌که درعقب ساختمانهای این ضلع واقع است.

درآخرین قسمت ساختمانهای ضلع مزبور شبستان بزرگ‌زمستانی موسوم به بیت‌الشتاءِ ازعهد حکمرانی سلطان محمدبن بایسنقربن شاهرخ تیموری قرار گرفته است و دارای مرمرهای درخشانی است‌که حکم‌چراغ‌را برای‌شبستان دارد. این شبستان دارای هیجده چشمه طاق است که ازسال ۸۵۱ هجری‌کتیبه دارد. (ش۶۰)

۳ـ ضلع شمالی :

درمیان این‌ضلع ایوان است که از اوایل قرن ششم هجری و دوره دوم عهد سلجوقی شناخته شده و درآن قطعه سنگ یکپارچه مرمری است که در انتهای درون ایوان تعبیه شده و دارای خطوط زیبای کوفی گل و بوته‌دار میباشد، این ایوان دارای تزیینات آجری و کتیبه گچبری از زمان شاه سلیمان صفوی است و درطرفین آن چهل‌ستونهائی ازدوره دوم عهد سلجوقی قرار دارد.



(شکل ۶۰)

درشمال ایوان مزبور وچهلستونهای طرفین آن چهلستون مفصل دیگری وجود داردکه ساختمانهای دوره دوم عهد سلجوقی‌را به‌گنبد تاج‌الملك اتصال‌میدهد وهمه آن درضلع شمالی مسجد قرار دارد . دیگر ازساختمانهای ضلع شمالی‌گنبد تاج‌الملك است که به گنبد خاکی اشتهار دارد و بانی‌آن تاج‌الملك وزیر دیگر ملکشاه سلجوقی بوده و بنای آن مربوط به سال ۴۸۱ هجری است .

۴ـ ضلع شرقی :

وسط این‌ضلع ایوانی‌است‌که یك‌کتیبه‌کاشی‌کاری اززمان شاه سلیمان‌صفوی دارد و میرساندکه درآن زمان تعمیراتی از ایوان بعمل آمده است .

درشمال این ایوان مدخل صفه و مدرسه عمر قرار دارد و دنباله آن شبستان وسیعی است که دارای هیجده ستون و ازبناهای دوره آل مظفر میباشد . درصفه عمر کتیبه والواحی از دوره حکومت موقتی اشرف افغان نیز وجود دارد .

کتیبه‌های مهم مسجد جمعه :

الف - کتیبه‌هائی که مربوط به مسجد است :

۱ - کتیبه گنبد خواجه نظام‌الملك :

گنبد نظام‌الملك بوسیله حسن بن علی بن اسحاق طوسی وزیر ملکشاه سلجوقی ساخته شده واز آثار جالب سلجوقی است وکتیبه‌ای در داخل دارد که چنین است:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم امر ببناءِ هذه‌القبة فی ایام‌السلطان المعظم شاهانشاه»
« الاعظم ملك المشرق والمغرب رکن الاسلام والمسلمین معزالدنیا والدین ابی -»
« الفتح ملکشاه‌بن محمدبن داود یمین خلیفةالله امیرالمؤمنین اعزالله نصره‌العبد »
« الفقیر الی رحمةالله الحسن‌بن علی‌بن اسحق علی ید ابی‌الفتح احمدبن محمد »
« الخازن . »

ازمفاد کتیبه مزبور چنین معلوم میشود که خواجه نظام‌الملك حسن بن علی بن اسحق طوسی فرمان داده است که گنبد مورد بحث بنا شود واجراءِ کننده این دستور ابوالفتح احمدبن محمد خازن اصفهانی بوده و درزمان سلطنت ابوالفتح ملکشاه صورت یافته است . وچون تاریخی ندارد محتمل است که میان سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۷ هجری قمری که مدت سلطنت ملکشاه بوده انجام شده باشد . چه در کتیبه صراحت دارد که ساختمان گنبد درعهد سلطنت سلطان نامبرده انجام گردیده است .

پروفسور پوپ امریکائی درکتاب بررسیهای هنر ایران گفته که تاریخ اتمام ساختمان گنبد خواجه نظام‌الملك ۴۷۳ هجری بوده است.[۱]

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[۲] تاریخ ختم بنای گنبد خواجه نظام الملك را ۴۸۱ هجری قمری نوشته است ولی مدرك آن معلوم نیست شاید

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶.　　۲- تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۲۹.

بمناسبت اینکه تاریخ اتمام ساختمان گنبد تاج‌الملك که قرینه آن میباشد سال ۴۸۱ نوشته شده تصور کرده است که دریك زمان هردو گنبد ساخته شده است.

کتیبه گنبد تاج‌الملك :

این گنبد که به گنبد خاکی و گنبد تاج‌الملك هردو اشتهار دارد در بانی آن اختلاف کرده‌اند بعضی گفته‌اند که بانی آن پسر خواجه نظام‌الملك است.[۱]

ولی این گفته اساس ندارد و برطبق کتیبه‌ایکه در زیر نگاشته میشود بانی آن ابوالغنائم تاج الملك مرزبان‌بن خسرو فیروز بوده است. کتیبه گنبد باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ان ربکم الله‌الذی خلق‌السموات والارض فی‌ستة »
« ایام ثم‌استوی علی العرش یغشی اللیل والنهار یطلبه حثیثاً والشمس والقمر »
« والنجوم مسخرات بامره الااله‌الخلق والامر تبارك‌الله رب‌العالمین امر ببناء هذه »
« القبة ابوالغنائم المرزبان‌بن خسرو فیروز ختم‌الله له بالخیر فی‌شهورسنة احدی »
« وثمانین واربع مائة » .

بطوریکه‌در کتیبه بیان گردیده ساختمان‌این گنبد بوسیله ابوالغنائم تاج‌الملك انجام گردیده است[۲] .

در زیر کتیبه دورگنبد تاج‌الملك سی‌ودو پشت بغل قرارداردکه درهریك دو کلمه باخط‌کوفی ساده باآجر این‌کلمات نوشته شده :

«هوالعلی» «هوالدیان» «هوالغنی» «هوالحکیم» «هوالحق» «هوالله» «هوالرحمن» «هوالمجید» «هوالملك» «هوالحی» «هوالسلام» «هوالمؤمن» «هوالمهیمن» «هوالعزیز» «هوالکریم» «هوالمنجی» «هوالخالق» «هوالباقی» «هوالمصور» «هوالفرد» «هوالصمد» «هوالاول» «هوالاخر» «هوالصادق» «هوالناصر» «هوالخبیر» «هوالغفور» «هوالبصیر» «هوالواحد» «هوالقادر» «هوالعالی» «هوالاعلی» .

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۷ .

۲ـ عبارات کتیبه از مفاد کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۷ اقتباس گردیده است .

درگوشه های دوره داخل گنبد مزبور ابتداء : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و سپس آیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری بخط‌کوفی ساده برجسته آجری نوشته شده، شروع آیات مزبور از زاویه جنوب غربی درون‌گنبد است .

درمدخل‌جنوبی‌گنبد زیرهلال بزرگ‌کتیبه‌ای بخط‌کوفی‌ساده‌آجری برجسته وجود دارد که پس از بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم آیات ۲۶ و ۲۷ سوره عمران نوشته شده است .

۳ ـ کتیبه سردر شمال شرقی :

این‌کتیبه‌که درسردرشمال شرقی مسجد جمعه نوشته شده بخط‌کوفی باآجر برجسته باین شرح است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ومن اظلم ممن منع مساجدالله ان یذکرفیها اسمه » « وسعی . . . . اعادة هذه العمارة بعدالاحتراق فی‌شهور سنة خمس عشرة وخمس » « مأته» واولاً میرساند که قسمتی از آیه بعدازکلمه سعی ساقط شده و آن قسمت عبارت از: « فی‌خرابها اولئك ماکان لهم ان‌یدخلوها الاخائفین لهم فی‌الدنیا خزی » « و لهم فی‌الاخرة عذاب عظیم» . بوده است . و ثانیاً معلوم میگردد که عمارت و ساختمان سردر بعد از ۵۱۵ که باطنیه قسمت مهم مسجد را آتش زدند اتفاق افتاده است .

آنچه بعدازحریق باقی مانده بطور یقین معلوم نیست برخی نوشته‌اند که فقط‌کتابخانه وخانقاه‌ها ومدارس سوخته بوده است و دیگری‌گفته بقایای حریق دو گنبدنظام‌الملك و تاج‌الملك بوده و بقیه آثاری نیمه سوخته بجامانده بوده است .

آنچه‌مسلم است مسجد شباهتی بصورت اولیه نداشته وحمیت‌اسلامی ایجاب میکرده‌که بصورت نخست اعاده گردد و بهمین جهت بانیان خیر قسمت قسمت را بصورت اول درآورده‌اند .

۴ ـ کتیبه محراب صفه صاحب :

در طرفین مدخلی‌که صفه صاحب را بگنبد نظام‌الملك مربوط میکند دو

محراب ازسنگ مرمروجود داردکه هریك دارای کتیبه‌ای میباشند. کتیبه اطراف محراب غربی بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر چنین است :

« قال‌الله تعالی و ما ارسلناك الارحمة للعالمین» و سپس صلوات بر پیغمبر و دوازده امام را ذکر وتاریخ نصب سال ۹۱۸ نوشته شده است. بالای محراب مزبور کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته باین‌شرح وجود دارد :

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقاً ».

کتیبه محراب شرقی دردوقسمت حاشیه ومتن چنین نوشته شده : در حاشیه محراب چنین خوانده میشود :

« ان‌الله و ملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلواعلیه وسلموا تسلیماً» وسپس صلوات بردوازده امام ودرپایان عبارت: «العبد تاج‌الدین سنه ۹۱۸» خوانده میشود.

کتیبه متن محراب بخط ثلث برجسته باین شرح است :

«لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله الحسن والحسین سبطا نبی‌الله».

دردوطرف مدخل صفه صاحب بگنبد نظام‌الملك دوستون سنگی مرمری‌که دارای نقوش برجسته است وجود دارد و در بالای آنها بخط ثلث برجسته عباراتی بشرح پائین حجاری شده است : ستون سمت راست :

« ناد علیاً مظهرالعجائب تجده عوناً لك فی‌النوائب.» ستون سمت چپ :

«کل هم وغم سینجلی بولایتك یا علی یا علی یا علی.»

۵ ـ کتیبه‌کاشیکاری داخل صفه صاحب :

این کتیبه بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بخط کمال‌الدین حسین حافظ هروی وتاریخ ۹۳۸ هجری چنین است :

« چون برسماءِ معالی سمات‌کریمه انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله‌کوکب »

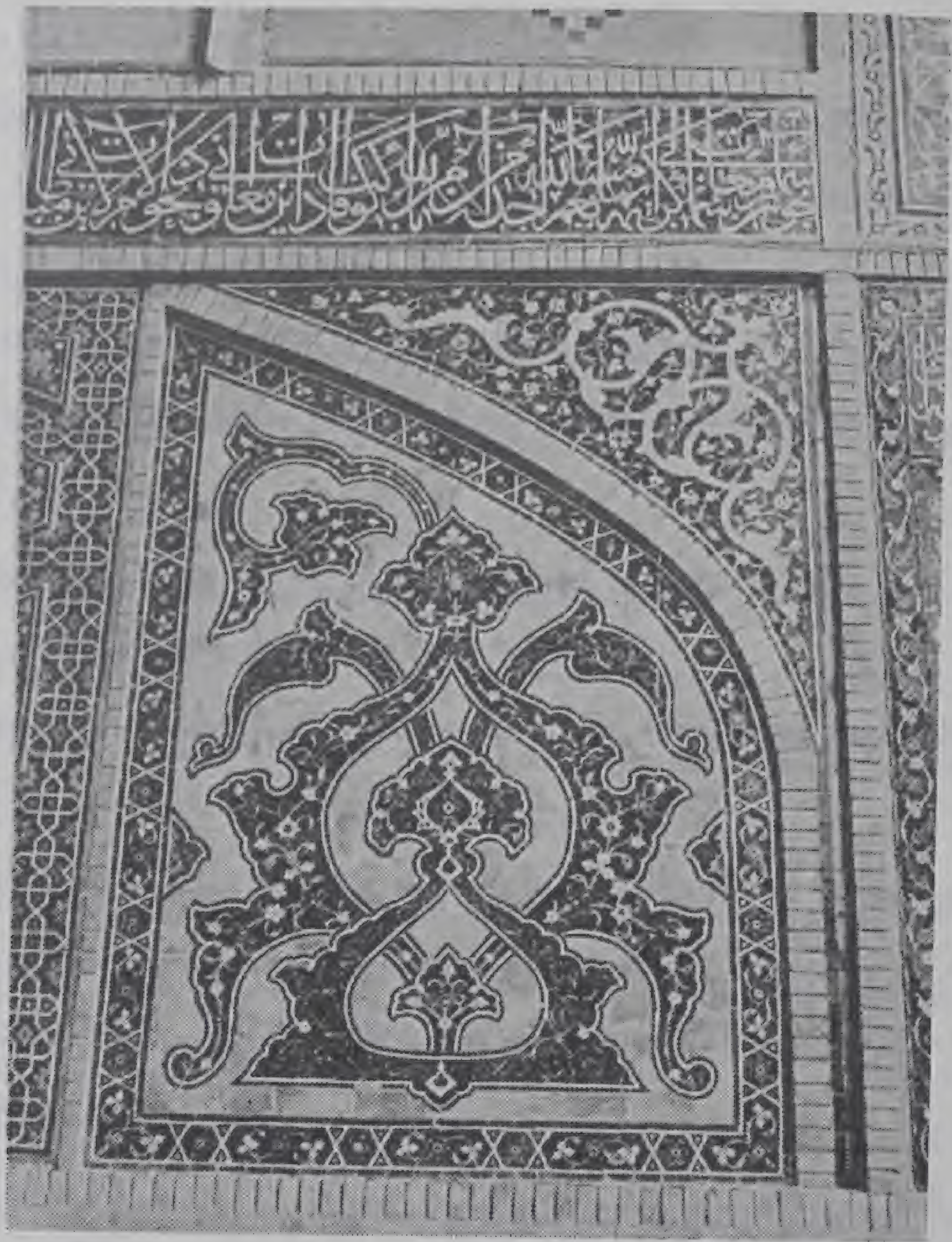
« افادات این معانی ونجوم دلالات این مبانی طالع میشودکه قابل خلعت تعمیر و »

« تزیین مساجدکه بمزیة شرف ان بیوتی فی‌الارض المساجد اختصاص داردکسی »

« تواند بودکه نورنیر ایمان که سور ظلمت موانع قرابة است برساحة احوال او »
« تافته و بوسیله تصدیق بیوم‌الاخر بمعارج سعادت دینی و دنیوی ارتقاءِ یافته و »
« لباس اقبال وزینت اقامه صلوةکه متسمست بسمت ما اعلم شاءٍ بعدالمعرفة افضل »
« من‌هذه الصلوة وبحلية ايتاءِ زكوةكه‌متصف بصفت من‌اقام الصلوة ولم يؤت‌الزكوة »
« فكانه لم يقم الصلوة محلى بطرازكسبة حسبةاللهٔكه شیمه ارباب انبیاء هست‌مزین »
« شد تا در زمان خلافة اعليحضرت بهرام صولت جم جاه ملائك سپاه تاج بخش »
« سلاطين كامكارتخت‌ستان خواقين عاليمقدارقامع‌الظلم ومارالعدوان مزين‌سماقدرا »
« بثواقب لعدةكواكب وله الاحسان قائدعسكر المهدى صاحب‌الزمان السلطان‌بن »
« السلطان ابوالمظفرشاه‌طهماسب الصفوى الحسينى بهادرخان خلدالله على بسيط »
« الارض ظلال اعلامه ولازال اعناق الجبابرة و رقاب الاكاسرة طائعين لقهرمان »
«اوامره واحكامه و من فارق جناه من حوزة الوفاق مسودة كغياهب‌الظلم منشرة »
« فی‌الافاق متصدی شد بتزیین و تعمیر این مسجد بهجت آئین‌که رشك فردوس »
« برينست ابتغاءِ لوجه‌الله وطلبالمرضاته من‌خالص ماله‌آصف سيرت فرشته‌صفت »
« بانی‌مبانی الخيرات ناشرمآثر المبرات ناظم امورالملك بفكره الصائب عامربنيان »
« الوزارة برأيه الثاقب منقذالضعفاء عن‌المهالك بلطائف التدبير معين‌الواقفين »
« حباًلله بحقايق‌التقدير الساعی‌لله فيما يحب و يرضی‌الكافی لانجاح مقاصدنا البر »
« حامی‌الفقراءِ والمساكين‌خادم‌عتبات الائمة المعصومين‌شمساً لسماء الدنيا والدين »
« محمدالاصفهانی لازال فاتن المسمی مالا ومال الاجرلله علی صفحات الايام و بانی »
« زينة معابد لتحصيل المطالب الدنيوية والاخروية و اين تزيين سعادت قرين »
« بسعی واهتمام علیارتبت‌جليلة وعفت پناه وفقهاالله للخيرات انجام يافت فی‌تاريخ »
« سنة ثمان وثلثين وتسعمأته كتبه كمال‌الدين حسين‌الحافظ الهروی » .

(ش۶۱)

نام ساعیه و اهتمام‌کننده درکتیبه جرز شرقی نمای خارجی ایوان آقاسلطان ذکر گردیده وآن‌کتیبه بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه‌کاشی مشکی چنین است:



(شکل ۶۱)

« واین تزیین سعادت‌قرین بسعی و اهتمام علیارتبت عصمت پناه عفت شعار »
« ساعیة‌الخیرات والمبرات آقاسلطان‌لازال ایام عصمتها وعفتها الی یوم‌القیام‌صورت »
« اتمام یافت امیدکه ثواب این خیر باو عاید گردد بمحمد وآله .» ودر پائین این جرز بخط نستعلیق سفید برزمینه‌لاجوردی نوشته شده : «عمل استاد شمس‌الدین »
« کاشی تراش » .

۶ـ خطوط بنائی ایوان صاحب :

دردرون مقرنسهای صفه‌صاحب عباراتی بخط بنائی‌مشکی برزمینه شطرنجی

آجری بطور متفرق خوانده میشود و آن عبارات چند اسم از اسماء الله چون : یا حنان ـ یا منان ـ یادیان ـ یا برهان ـ یاکریم ـ یا رحیم ـ یاالله ونیز عباراتی چون : «لااله‌الاالله ـ محمد رسول‌الله ـ علی‌ولی‌الله ـ سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله والله‌اکبر ـ یا رفیع‌الدرجات» و نظائر آنها خوانده میشود.

دردیوارجنوبی صفه مزبور دریك لوحه شش ضلعی نام یکی از استادانی‌که تزیین صفه بوسیله او انجام یافته چنین نوشته شده: «عمل استاد ابراهیم‌بن استاد اسماعیل بناء اصفهانی».

۷ ـ کتیبه تاریخی مربوط بتعمیرات اوزون حسن آق قویلونلو در صفه صاحب :

دریك‌قطعه مثلث شکل برسقف صفه صاحب ودرمیان مقرنسهای طاق ایوان بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین نوشته شده :

« حمداًلله و صلوة علی نبیه محمد قدامرالسلطان الاعدل الاعظم ابوالنصر »
« حسن بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه باصلاح مااختل من‌هذاالجامع المنیع »
« و اعادة هذا السقف الرفیع بعدالاندراس و لما جرغب‌الانطماس من‌ماله الحلال »
« فی‌سنة ۸۸۰ » .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که بیشترکتیبه‌ها ازآن اقتباس شده عبارت : حمداًلله نوشته شده حمدلله درصورتیکه درست‌آن همان حمداً لله است و آن مفعول مطلق است ودرکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان هم حمداًلله نوشته شده است و گمان میرود که در چاپ گنجینه آثار تاریخی اصفهان الف حمداً افتاده باشد.

۸ ـ کتیبه ذیل کتیبه تاریخی :

درزیرکتیبه تاریخی مربوط به‌اوزون حسن بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ دریك شکل مکعب مانند این عبارت نوشته شده است : « هذه‌التجدید عمل جمال خادم‌الشیخ محمدبن یوسف‌البناء رحمه‌الله» ومیرساندکه

جمال عامل و بجاآورنده تجدید بنای قسمتی ازمسجد جامع ازطرف اوزون‌حسن بوده است وچون نامبرده خادم بقعه ومقبره شیخ محمد پسر شیخ یوسف بناءِ بوده پس مقبره شیخ محمد درتاریخ ۸۸۰ هجری دائر بوده است.

و اما اینکه درعبارت عربی مزبور نوشته شده: هذه‌التجدید اگر درخواندن سهوی نشده‌باشد میتوان گفت‌که چون الف ولام التجدید عهدی است ومنظوربنای معهود است پس مشارالیه بناءِ میباشد و لفظ بناءِ مؤنث است وازاینرو هذه نوشته شده است.

۹ ـ کتیبه هلال داخل صفه صاحب:

در داخل هلال صفه صاحب بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی نخست عبارت: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس هشت آیه اول سوره اسری نوشته شده ودر پایان چنین خوانده میشود:

«تحریراً فی‌تاریخ سنة ثمان وثلاثین وتسعمائة» ودرقسمت آخرکتیبه مزبور در دو سطر بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ اشعار و عبارات زیر خوانده میشود:

«آنها که خاك را بنظرکیمیاکنند آیا بودکه‌گوشه چشمی بماکنند»

«بعمل الفقیر یوسف‌بن تاج‌الدین بناءِ اصفهانی».

در اسپرهای طرفین ایوان زیرهلال عباراتی بخط ثلث سفید معرق برزمینهٔ کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیرنوشته شده:

اسپرباختری ایوان: «قل‌امرربی بالقسط واقیموا وجوهکم عندکل مسجد»
«وادعوه مخلصین له‌الدین».

اسپر خاوری ایوان: «و قال‌الله تبارك و تعالی یا بنی‌آدم خذوا زینتکم»
«عندکل مسجد صدق‌الله العظیم.» و بخط آجری برزمینه لاجوردی این عبارات خوانده میشود:

«کتبه العبد تاج‌الدین معلم اصفهانی».

در درون صفه صاحب (دوطرف سفه) در هرطرف یك اسپر کاشیکاری دارد و هر اسپر دارای چهارپر (شمسه) است که بخط بنائی ساده حنائی برزمینهٔ کاشی معرق لاجوردی این اشعار خوانده میشود:

« ناد علیا مظهرالعجائب — تجده عوناً لك فی‌النوائب »

« کل هم و غم سینجلی — بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »

درطاقنماهای این ایوان درسمتهای چپ و راست درشکلهای مثمن عبارت: لااله‌الاالله تکرار شده است.

۱۰ ـ کتیبه های نماهای خارجی صفه صاحب:

کتیبه مناره‌های مسجدکه در دوطرف ایوان جنوبی یعنی صفه صاحب قرار دارد در زیرستونهای هردومناره یك عبارت بخط کوفی ساده‌آجری برزمینه کاشی فیروزه‌ای باین شرح نوشته شده:

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقاً » وجدار خارجی مناره‌ها بخط بنائی باکاشی فیروزه‌ای برزمینهٔ آجری وبشکل مارپیچ بااین جملات تزیین شده است: « الحکم‌لله ـ الملك‌لله ـ الحمدلله ».

۱۱ ـ کتیبه نماهای خارجی ایوان جنوبی:

جرزهای دوطرف ایوان که بطور عمودی قرارگرفته و از جرز غربی آغاز میشود جرز شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نخست: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس‌هشت‌آیه اول سوره الفتح‌ودنباله‌آن ازآیه شانزدهم تا بیستم همان سوره تزیین شده است.

۱۲ ـ کتیبه نمای فوقانی صفه صاحب:

کتیبه افقی و فوقانی صفه صاحب (ایوان‌جنوبی) که دارای تاریخ و بنام شاه عباس دوم است بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح است:

« زین هذا المسجد الرفیع المؤید من‌اعلی المؤید بصدور من‌السلطان »

« المبرورالملحق بآبائه الطاهرین شاه طهماسب حشره‌الله من‌الائمة المعصومین »

« وشرف بمرورالدور والاعوام‌علی‌الخروب‌والانهدام امر بتجدیده وتعمیره وتزیینه »
« نجله وسبطه اعظم‌الافخم سلطان‌السلاطین و ملاذالخواقین و مروج مذهب آبائه »
« الطاهرین السلطان‌بن السلطان شاه عباس الثانی الصفوی الحسینی الصاحب »
« قران خلدالله ظلال معدلته علی مفارق العالمین بمحمد وآله المعصومین فی‌سنة »
« الف وسبعین من‌الهجرة النبویة صلی‌الله علیه وآله » .

درهلال خارجی‌صفه مزبورلوحه‌هائی دردوقسمت وجود دارد : اول لوحه‌های مستطیل‌شکل بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی‌لاجوردی رنگ ودوم لوحه‌های مربع دایره مانند کوچکتر از قسمت اول و هرلوح دسته دوم در میان دولوح از دسته اول جا دارد و کتیبه آن بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی مشکی بشرح زیر است :

« اللهم صل وسلم علی نبینا وسیدنا و مولانا ابی‌القاسم محمدالمصطفی » .

« ناد علیا مظهرالعجائب » .

« وصل وسلم علی‌الامام الهمام‌الوصی المصطفی علی‌المرتضی » .

« تجده عونالک فی‌النوائب » .

« وصل وسلم علی‌سیدة النساءِ البتول العذراءِ ام‌الائمة الاتقیاءِ فاطمة الزهراءِ » .

«کل هم وغم سینجلی » .

« وصل وسلم علی سبط‌المصطفی وقرة عین‌المرتضی الحسن‌المجتبی » .

« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی » .

« وصل‌علی الامام الحرمین هادی ومربی الخافقین الامام ابی‌عبدالله الحسین » .

« ناد علیا مظهرالعجائب » .

« وصل علی سیدالمتقین و امام المؤمنین و نورالعارفین علی زین‌العابدین » .

« تجده عونالک فی‌النوائب » .

« وصل وسلم علی الامام النور الزاهر والبدر الباهر ابی‌جعفرمحمدالباقر» .

« یا قاضی‌الحاجات » .

« وصل وسلم علی اعلم‌المشارق والمغارب الامام ابی‌عبدالله جعفرالصادق » .
« کل هم وغم سینجلی » .
« وصل وسلم علی العابد المتهجد الصائم الامام بالحق موسی الکاظم » .
« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی » .
« وصل وسلم علی وصی الاوصیاء و وارث علوم الانبیاءِ علی‌بن موسی‌الرضا »
« ناد علیاً مظهرالعجائب » .
« وصل و سلم علی‌العالم صاحب الهدایة والارشاد الامام محمدالتقی الجواد » .
« تجده عونالك فی‌النوائب » .
« وصل علی الشمس المضیئی والبدر البهی الامام بالحق ابی‌الحسن علی‌النقی » .
« کل‌هم وغم سینجلی » .
« وصل وسلم علی الامام وارث‌الوصی والوالد الحجة الصفی الحسن‌العسکری » .
« بولایتك یاعلی یاعلی » .
« وصل وسلم علی‌الامام القائم‌المنتظر ابی‌القاسم محمدالمهدی الحجةبن‌الحسن »
« صاحب‌الزمان » .

برروی پایه ستونهای مرمری زیرهلال خارجی ایوان در دوطرف دولوحه کاشیکاری باین شرح وجود دارد :

لوحه سمت راست : « عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت » .

لوحه سمت چپ : « عجلوا بالتوبة قبل‌الموت » .

۱۳ ـ کتیبه آقاسلطان :

که شرح آن در ردیف ۵ گذشت .

۱۴ ـ کتیبه‌های چهلستونهای طرفین گنبد نظام‌الملك :

چهلستونهای اطراف گنبد نظام‌الملك که مربوط بدوره دوم عهد سلاجقه است دارای خطوط و نوشته‌هائی است که بعضی از قسمتهای آن در ضمن تعمیرات از گچ پوشیده شده ولی در بعضی جاها خطوطی باقی مانده است از آن جمله درچهلستون

واقع در مشرق گنبد نظام‌الملك جای چند چراغ گچی برروی ستونهای دوره سلجوقی تعبیه شده‌که یکی ازآنها دارای خطوطی است‌که شرح داده میشود :

دریك لوح‌کوچك بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید چنین نقاشی شده :

« بهتر بود بنزد فقیران زباغ وراغ   درکنج‌مسجدی که‌بسوزندچون‌چراغ»

ودرقسمت بالائی جای چراغ‌که ازگچ ساخته شده در اطراف آن این اشعار بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید نقاشی شده :

« روشن بفروغ حق دل آگاهست   درویش بعالم فقیری شاهست »

« دل‌دربرعارف است سرگرم‌گداز   می‌پنداری چراغ بیت‌الله است »

« دل‌دردرون سینه‌آگاه روشن‌است   دایم‌چراغ‌حضرت‌الله‌روشن‌است »

در مغرب گنبد نظام‌الملك یك چهلستون مربوط بسلاجقه وجود دارد که دارای‌محرابی ازسنگ یکپارچه‌مرمر وبخط ثلث‌برجسته این عبارات را دربردارد:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله وسلم انا مدینة‌العلم وعلی بابها .» و دنباله آن چهلستون دیگری قرار دارد که مربوط بزمان شاه عباس بزرگ است و دارای محرابی عالی ازسنگ مرمری یکپارچه است‌که دردوطرف‌آن بخط ثلث برجسته این عبارات نوشته شده :

کتیبه سمت راست :

« مصطفی شد شهرعلم‌آن مملکت را درعلی است

تا دهندت راه در این شهر علم از در درا »

کتیبه وسط بخط بنائی : «قال‌النبی علیه‌السلام انا مدینة‌العلم وعلی بابها » .

کتیبه سمت چپ :

« از در اهل صفا روی مگردان ایدل   راه دوراست‌ازین‌دربخدا نزدیك‌است»

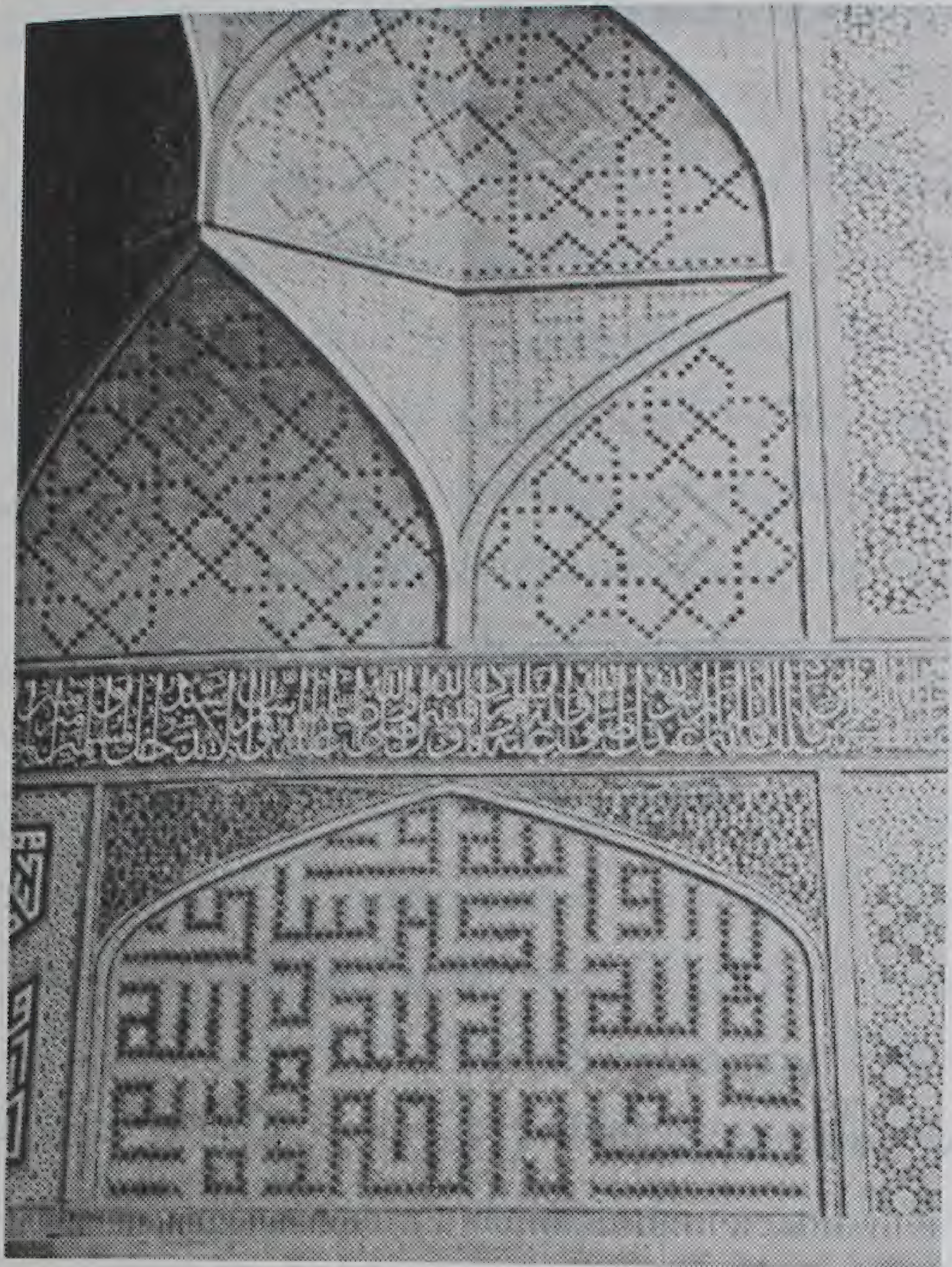
در پشت بغل سنگ مرمری محراب بخط بنائی ساده عباراتی باین شرح خوانده میشود :

سمت راست : «لااله‌الاالله» . وسط دوپشت بغل : «محمد رسول‌الله» .

سمت چپ : «علی ولی‌الله» .

۱۵ ـ کتیبه‌های صفه استاد :

ایوان غربی مسجد جمعه را که صفه استاد مینامند دارای نقوش و خطوط وکتیبه‌هائی است که در داخل و خارج بشرح زیر تزیین‌گردیده است . (ش۶۲)



(شکل ۶۲)

اول ـ دردوپشت بغل بزرگ ایوان بخط بنائی شطرنجی باکاشی فیروزه‌رنگ برزمینه سفید آیه ذیل خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. شهدالله انه‌لااله‌الاهو والملائکة واولوا العلم‌قائماً »
« بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم » .

دوم ـ درپشت بغل سمت چپ ایوان معکوس عبارت مزبورنوشته شده است . درقسمت فوقانی جرزهای طرفین ایوان درحاشیه دو پشت بغل کوچك بخط بنائی لاجوردی برزمینه زرد سوره نصر نوشته شده . بقیه خطوط بنائی‌هریك ازجرزهای طرفین ایوان باین شرح است :

بخط بنائی‌سه رگی فیروزه‌ای ومشکی برزمینه‌آجری : «لااله‌الاالله الملك الحق المبین» و بخط بنائی قهوه‌ای رنگ برزمینه آجری : « محمد رسول‌الله الصادق‌الامین» وبخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری :

«علی ولی‌الله ووصی رسول‌الله امیرالمؤمنین» .

سوم ـ کتیبه‌های داخل ایوان غربی (صفه استاد) = ایوان‌گلدسته :

کتیبه اصلی این صفه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . فی مناقب الفقیه‌ابن المغازلی عن انس‌بن مالك »
« قال بینما اناعند رسول الله صلی‌الله علیه وآله وسلم . . . . . قال صلی‌الله علیه »
« وآلدوسلم الان یدخل سیدالمسلمین‌وامیرالمؤمنین وخیرالوصیین واولی‌الناس »
« بالنبیین اذطلع علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله »
« وسلم واللهم الی وقال الی » .

دنباله کتیبه مزبور درسمت چپ همان ایوان باین ترتیب ادامه دارد :

« فجلس بین یدی رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم فاخذ رسول‌الله »
« صلی‌الله علیه وآله وسلم یمسح‌العرق عن وجهه وجبهته ویمسح به‌وجه علی‌بن »
« ابی‌طالب و یمسح‌العرق من‌وجه علی و به یمسح علی وجهه فقال علی علیه‌السلم »
« یا رسول‌الله انزّل فیّ‌شیء قال صلی‌الله علیه وآله وسلم اما ترضی ان‌تکون »
« منی بمنزلة هرون من موسی الاانه لانبی بعدی وانت اخی ووزیری وخیرخلقه »

« من بعدی تقضی دینی و تنجز موعدی کتبه ابن محمد محسن علی نقی الامامی ۱۱۱۲ ».

درکتیبه مزبور که بتمامها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده قبل از وزیری حرف و ساقط شده ولی در اینجا اضافه گردید زیرا معلوم است که در چاپ افتاده است.

قسمت وسط کتیبه مزبور که مبین آمر بنا میباشد درکتیبه جداگانه باحترام بانی یااینکه چون اصل بنا مربوط ببانی دیگری بوده بشرح زیرخوانده میشود:

« قد امر بعمارة هذه السقیفة المنیفة ملك ملوك العالم و مستعبد صنادید »
« الامم الشهنشاه الاعظم السلطان بن السلطان المؤید ابوالمظفر السلطان حسین »
« الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان عزبالتایید ونصرمدة عمره بالتایید بهغیاث »
« الخطوب ومغیث الشعوب و نظام الامور ماضاء الدیجور . . . . خلدالله تعالی »
« ملکه .» .

عبارات کتیبه مزبور ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] اقتباس شده است:

در اطراف ایوان استاد در اسپرهای داخل آن از ضلع شمالی بترتیب بخط بنائی شطرنجی سه رگی که یکی ازآن سه مشکی ودوتا فیروزه‌ای است برزمینه آجری چنین نوشته شده است:

« سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله والله‌اکبر» ومعکوس آن در اسپر قرینه آن خوانده میشود.

در این ایوان صفحه کاشیکاری جالبی وجود دارد که دارای چهارترنج بخط بنائی ساده وسفید رنگ برزمینه کاشی لاجوردی میباشد واین اشعار درآن ترنجها خوانده میشود:

« چون نامه‌جرم ما بهم پیچیدند   بردند و بمیزان عمل سنجیدند »
« بیش‌ازهمه‌کس گناه ما بود ولی   ما را بمحبت علی بخشیدند »

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۱۰۹ .

ودر یك شكل چهارگوش كه درمیان ترنجها واقع شده بخط بنائی نام کاشیکار و پدرش چنین نوشته شده است :

« عمل ابن محمد مؤمن محمد امین . » .

در اسپر سوم نوشته شده : « ولاحول ولاقوة الابالله العلی العظیم» و معکوس آن درقرینه آن درضلع جنوبی ایوان استاد خوانده میشود .

دراسپر چهارم : «لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله» و در قرینه آن در ضلع جنوبی معکوس عبارت مزبور ذکر شده است .

در شاه نشین ایوان استاد در داخل و بالا واطراف آن کتیبه هائی وجود دارد :

اول ـ کتیبه داخل شاه نشین بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها »
« نجی ومن تخلف عنها غرق » ودنباله آن بر دیوار روبروی شاه نشین باین شرح ادامه دارد :

« بنبی عربی ورسول مدنی واخیه اسدالله مسمی بعلی وبزهراءِ بتول وبام ولدتها »
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل ذکی وبسجاد وبالباقر والصادق حقا وبموسی وعلی وتقی »
« و نقی و بذی العسکر والحجة والقائم بالحق الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی » .
و دنباله آن درضلع جنوبی شاه نشین چنین است :
« قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم حب علی حسنة لایضر معها سیئة »
« وبغضه سیئة لاتنفع معها حسنة کتبه ابن شیخ محسن ـ محمد حسن الجزائری »
« فی سنة ۱۱۱۲ ».

درحاشیه طاق شاه نشین مزبور بخط بنائی ساده برزمینهٔ گچی آیات ازاول تا آخر ششم ازسوره الدهر خوانده میشود و درمیان طاق آن درسه چهار گوش بخط بنائی با کاشی این عبارات باین ترتیب نوشته شده : دروسط : « لااله الاالله محمد

رسول‌الله » و درسمت راست : « امیرالمؤمنین علیا ولی‌الله » و درسمت چپ : « الحسن والحسین سبطا رسول‌الله . » . در اطراف شاه نشین ایوان مزبور اشعاری فارسی وعربی درکنار یکدیگر باین ترتیب خوانده میشود :

« چون بحکم کارفرمای جهان »	« علی حبه جنة »
« شد عمارت سجده‌گاه مسلمان »	« قسیم النار و الجنة »
« خسرودوران شه کیوان غلام »	« ناد علیاً مظهرالعجائب »
« داور دارا دل انجم سپاه »	« تجده عوناً لك فی‌النوائب »
« نایب خیرالبشر کالطاف اوست »	« کل‌هم و غم سینجلی »
« شیعیان را درجهان پشت و پناه »	« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »
« آنکه امرش باقضا باشد قدر »	« دراین لوح گل و بوته نقش است »
« پادشه سلطان حسین ظل اله »	« ناد علیاً مظهر العجائب »
« مؤمن بی شبهه ودستور عهد »	« تجده عوناً لك فی‌النوائب »
« خان عالم صوفی یکرنگ شاه »	« کل هم و غم سینجلی »
« بست حاجی قاسم اخلاص کیش »	« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »
« بهرسرکاری کمر بیگاه وگاه »	« وصی المصطفی حقاً »
« فکر افهم ازپی تاریخ گفت: »	« بنبوتك یامحمد یامحمد یامحمد »
« گشته‌نو این مسجد از لطف اله »	

(۱۱۱۲)

۱۶ - کتیبه محراب ایوان استاد :

در داخل محراب ایوان استاد کتیبه‌ای بخط ثلث سفید محمد زمان بن عبدالباقی اصفهانی برکاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر وجود دارد:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله من مشی الی مساجدالله عزوجل فله بکل »
« خطوة خطاها حتی یرجع الی‌منزله عشر حسنات ویمحی عنه عشر سیئات وله »
« رفع عشر درجات فی‌سنة ۱۱۱۲ کتبه محمد زمان بن عبدالباقی الاصفهانی . »

کتیبه‌اطراف محراب بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است:

« قال الله تبارك وتعالی قل لوکان البحر مداداً لکلمات ربی لنفد البحر قبل »
« ان تنفد کلمات ربی ولو جئنا بمثله مدداً انما قل انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم »
« اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً ولا یشرك بعبادة ربه احداً»
« وقال الله تعالی فنادته الملئکة وهوقائم یصلی فی المحراب صدق الله العلی العظیم . »

ودرپشت بغل محراب مزبور دروسط در داخل مربع موربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی رنگ این جمله‌ها نوشته شده است : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله حقاً . » .

در داخل مقرنسهای دیوار مقابل ایوان بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی کبود چنین خوانده میشود :

« انامدینة العلم وعلی بابها »
« درغره رمضان المبارك سنه ۱۱۱۲ »

ودراطراف پنجره مشبك کاشی که درزیر عبارات بالاقرارگرفته بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی گل وبوته دار دریازده لوحه صلوات برچهارده معصوم نوشته شده ورقم کاتب آن درلوحه دوازدهم چنین است :

«کتبه العبدالمذنب ابوالمعالی النقیب الحسینی ۱۱۱۲ ». و دریك حاشیه بخط نستعلیق مشکی برزمینه زرد نوشته شده : « نقی بروز حشر بگو یاعلی مدد »

در دو طرف پنجره مشبك مزبور درفاصله های میان چهار مصراع شعر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نام استادکاشی کار باین شرح خوانده میشود :

« غرض نقشی است کزما باز ماند   که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« عمل ذره بیمقدار ابن محمد مؤمن »
« مگرصاحبدلی روزی برحمت   کند درحق مسکینان دعائی »
« محمد امین بناء اصفهانی »

۱۷ - کتیبه های بیت الشتاء :

درانتهای ضلع غربی مسجد جمعه شبستان وسیع زمستانی قرار داردکه در عهدسلطان محمدبن بایسنقربن شاهرخ تیموری بامر عمادبن مظفر ورزنه‌ای ساخته شده‌است. طول آن ۵۰ و عرض آن ۲۵ متر است وستونهای قطور وطاقهای خیمه‌ای شکل‌دارد و درمیان هرچشمه طاقسنگ مرمری شفاف نصب شده‌که بمنزله‌چراغ اطراف خود را روشن میکند .

شبستان مزبور دو در داردکه یکی‌درانتهای راهرو جنوب ایوان استاد واقع ودر دو پشت بغل‌گچی آن عبارت زیربخط نستعلیق گچبری شده است :

« عمل‌العبدالضعیف شیخ حسن‌بن شرف‌الدین‌بن‌حسین‌بناءِ رویدشتی. » ودر دو مربع مورب بخط بنائی ساده سفید برزمینه‌لاجوردی چنین نوشته شده : سمت راست : « عجلوا بالصلوةقبل‌الفوت » و در سمت‌چپ : «عجلوا بالتوبة قبل‌الموت» .

در سردر بیت الشتاءِ که درشمال ایوان استاد قرار دارد کتیبه‌ای است بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ باین شرح :

« امر ببناءِ هذه‌العمارة الموسعة لبیت شتاء هذاالجامع‌الشریف فی‌ایام دولة »
« السلطان الاعظم اعدل سلاطین العالم غیاث الحق والدین سلطان محمد بهادر »
« خلدالله ملکه و سلطانه اقل عبیده عمادبن مظفر ورزنهٔ وفقه‌الله لمراضیه وجعل»
« مستقبله خیراً من‌ماضیه فی‌شوال‌سنة احدی وخمسین وثمنمئة کتبه سید محمود»
« نقاش. » ودرقسمت‌فوقانی سردر بخط بنائی‌مشبك آجری برزمینه لاجوردی‌رنگ چنین‌نوشته شده : « قال‌النبی انامدینة‌العلم وعلی‌بابها » .

درقسمت فوقانی ستون پنج روی کاشیکاری دوجانب سر در مشرف بصحن بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی این عبارات خوانده میشود : « قال‌النبی علیه السلام - الصلوة عمادالدین » .

۱۸ - کتیبه ایوان درویش :

این‌کتیبه درروی دیوار مقابل ایوان درویش‌بخط‌ثلث گچبری شده‌که حاکی

ازتجدید بنای مسجد درزمان شاه سلیمان صفوی بشرح زیر میباشد :

« قدامی سیدالسلاطین و مفخرالخواقین مشید اساس‌الدین المبین مروج »
« شریعة آبائه‌الطاهرین معدن‌الجود و الکرم و الامتنان السلطان‌بن السلطان و »
«الخاقان‌بن الخاقان ابوالمظفر السلطان سلیمان الحسینی الصفوی جعله‌الله‌خلیفة»
« من‌الرحمن بتجدید هذاالمسجدالعتیق‌الذی اسس‌علی‌التقوی‌للعاکفین والمصلین»
« والرکع‌السجود الداعین محبوباً للدولة والحکومة فی۱۰۹۳ »

شاه‌نشین واقع درانتهای ضلع شمالی‌ایوان درویش درقسمت فوقانی‌آن‌دارای مقرنسهای‌گچی است وطاق شاه‌نشین دارای‌تزیینات‌گچی و دراطراف‌آن بخط‌کوفی گل و بوته‌دار آیات ۳۶و۳۷و۳۸ سوره (نور) بشرح پائین‌گچبری شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. فی‌بیوت اذن‌الله ان‌ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح »
« له فیها بالغدو والآصال رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکرالله و اقام الصلوة و »
ایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم‌الله احسن‌ما عملوا »
« ویزیدهم من‌فضله والله یرزق من‌یشاء بغیرحساب . ».

در بالای پنجره مشبك مرمری شاه نشین بخط نستعلیق مشکی بر زمینه سفید این اشعار نقش‌شده است :

« شکر لله که طاق درویشان   با صفا شد چو کعبه دلشان »
« چون حسینای کارگر کارش   شد تمام از توجه ایشان »

در طاقنمای شاه نشین مزبور بخط بنائی این عبارات‌گچبری گردیده است :
در دو مربع قرینه هم : « لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله . » ونیز در دومربع دیگر قرینه هم : « محمد وعلی خیرالبشر . » و در دو مربع دیگر قرینه هم : « یاالله المحمود فی کل فعاله . » و در یك چهار پروسط پنج‌کلمه « الله » خوانده میشود .

درطاق ایوان درویش کلمات الله ومحمد وعلی وعبارت: سبحان‌الله و الحمدلله ولااله الاالله والله اکبر باین‌ترتیب در هشت موج درمیان یك موج یك‌کلمه الله و

چهار کلمه محمد و در اطراف کلمه محمد چهار کلمه‌علی نوشته شده و جمع آنها مربعی را تشکیل میدهد و دراطراف مربع عبارت سبحان‌الله تا آخر که نوشته شد بخط بنائی آجری برجسته خوانده میشود.

درانتهای امواج گفته شده شانزده شکل چهارگوش که درهشت شکل آن چهارکلمه علی و در هشت مربع دیگر عبارت یا الله و اسم محمد نقش شده است.

کتیبه جرزهای داخل ایوان درویش بخط بنائی آجری فرورفته برزمینه برجسته بشرح زیرخوانده میشود:

در دوچهارپر بالا وپائین: «یاقاضی‌الحاجات» و درموج‌وسط عبارت «یاالله» تکرارشده ونیز کلمات محمد - علی‌بطور قرینه تکرار شده‌اند.

درهلال بزرگ ایوان مزبور مشرف برصحن عبارات پائین درهشت شکل چهار گوش بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فرو رفته از آجر قرمز خوانده می‌شود:

در دوشکل مربع قرینه هم: «سبحان‌الملك والملکوت».

ونیز در دو شکل مربع قرینه یکدیگر: «سبحان‌الحی الذی لایموت.» و در دوشکل مربع‌قرینه‌هم: «سبحانه تعالی عما یصفون.» ودرشکل‌چهارگوش میان هلال‌طاق: «صدق‌الله‌العلی‌العظیم» نوشته شده‌است.

نوشته های لوحه های نمای خارجی ایوان مانند کتیبه‌های جرزهای‌داخلی آن است جزاینکه درموجهای کتیبه آن برزمینه آجری برجسته وخط کاشی فیروزه‌ای فرورفته این عبارات خوانده میشود:

در دوشکل مستطیل قرینه: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله‌اکبر» ودرچهارگوش میان کتیبه: «یا الله - محمد - علی».

برروی جرزهای خارجی ایوان در شکلهای چهارگوش مانند، چهارکلمه: «الله» و چهارکلمه «علی» از بالا بپائین قرینه یکدیگر نقش‌شده است.

برستونهای سنگ مرمر دوطرف‌ایوان بخط‌کوفی دربالاوپائین: «الحکم‌لله»

نوشته شده است .

کتیبه‌های گچبری ایوان درویش یکی در بالا و دیگری درپائین واقع شده وازلحاظ محتوی ارتباطی ندارند .

سطر بالا حاوی احادیثی است درمناقب وفضایل خاندان نبوت بطریق عامه و سنت وسطر دوم احادیث مربوط بفضیلت مساجدو آداب شرعی است که درباره مساجد وارد شده است وهردوکتیبه بخط ثلث گچبری شده ودرحدود یکمترونیم الی دومتر ازآغاز وپایان‌کتیبه ریخته شده است .

کتیبه اول چنین است :

« قال‌الله تبارك وتعالى ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجدالله شاهدین علی »
« انفسهم بالکفر اولئك حبطت اعمالهم وفی‌النارهم‌خالدون انما یعمر مساجدالله »
« من آمن بالله والیوم‌الاخر و اقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك»
« ان‌یکونوا من‌المهتدین اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجدالحرام کمن آمن »
« بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل‌الله لایستون عندالله و الله لایهدی القوم »
« الظالمین . روی فی‌جامع‌الاصول من صحیحی البخاری انه افتخر طلحة‌بن شیبة »
« بالحجابة و عباس بالسقایة فقال امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلم لقد »
« صلیت الی‌القبلة ستةاشهرقبل‌الناس واناصاحب‌الجهاد فنزلت تصدیقا له‌علیه‌السلم»
« وروی من صحیحی مسلم والترمذی عن سعدبن ابی وقاص قال سمعت ثلثا قالهن »
« رسول‌اللهصلی‌الله‌علیه‌و آله فی‌علی‌لان‌تکون‌لی واحدةمنهن‌احب‌الی‌من حمرالنعم »
«ثم‌سمعته صلی‌الله علیه و آله یقول‌له علیهم‌السلم وقد خلفه فی‌بعض مغازیه‌فقال‌له »
« علی‌خلفتنی مع‌النسآءِ والصبیان فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله اما ترضی‌انْ »
« تکون منی‌بمنزلة هارون من‌موسی الاانه لانبی بعدی وسمعته یقول یوم خیبر »
« لاعطین الرایة غداً رجلاً یحب‌الله ورسوله ویحبه‌الله ورسوله فتطاولنا لهافقال »
« ادعوالی علیافاتی به‌ارمد فبصق‌فی‌عینه ودفع‌الرایة الیه‌ففتح‌الله‌علیه ولمانزلت‌قل »
« تعالوا ندع ابنائنا وابنائکم ونسائنا ونسائکم وانفسنا وانفسکم ثم‌نبتهل فنجعل »

« لعنة‌الله‌علی‌الکاذبین‌دعا رسول‌الله‌صلی‌الله علیه‌وآله‌علیاً وفاطمة‌وحسناً وحسیناً »
« علیهم‌السلام فقال اللهم هؤلاء اهلی . ومنهما عن‌ابن‌عمربن حصین قال شکواعلیاً »
« الی‌النبی صلی‌الله علیهما فاقبل الیهم والغضب یعرف فی‌وجهه فقال ما تریدون »
« من‌علی وعلیا منی وانا منه وهومولی‌کل مؤمن بعدی . وفی‌الترمذی قال‌علی منی »
« وانا من‌علی ولایؤدی‌عنی‌الا انا اوعلی ومن صحیح النسائی‌قال‌کان عند رسول‌الله »
« صلی‌الله علیه و آله طیر فقال اللهم ائتنی باحب خلقك الیك یاکل معی‌هـذا »
« الطیر فجاء علی فاکل‌معه . ومن صحیحی مسلم والترمذی عن‌عایشة قالت خرج »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وعلیه مرط مرحل[1] سود فجاء الحسن فادخله »
« ثم جآءِ الحسین فادخله ثم جائت فاطمة فادخلها ثم جاءِ علی فادخله ثم قال انما »
« یریدالله لیذهب عنکم‌الرجس اهل‌البیت ویطهرکم تطهیرا . و فی‌الترمذی عن »
« انس‌ان‌رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله کان یمر بباب فاطمة علیها السلم اذا خرج »
« الی‌الصلوة حین نزلت هذه‌الایة قریباً من‌ستة اشهر یقول‌الصلوة یااهل‌البیت انما »
« یریدالله لیذهب عنکم‌الرجس اهل‌البیت ویطهرکم تطهیراً . »

کتیبه دوم‌که از ضلع‌شرقی ایوان‌آغاز ومربوط بمساجد میشود چنین است:

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. روی عن‌عبدالله‌بن جعفرعن‌ابیه قال‌قال‌رسول‌الله »
« صلی‌الله علیه وآله قال‌الله‌تبارك وتعالی الاان‌بیوتی فی‌الارض المساجد تضیئی »
« لاهل‌السمآءِ کما تضیئی‌النجوم‌لاهل‌الارض . الاطوبی لمن‌کانت المساجد بیوته . »
« الاطوبی لعبدتوضأ فی‌بیته ثم‌زارنی فی‌بیتی. الاان‌علی‌المزورکرامة الزائر. الابشر »
« المشائین‌فی‌الظلمات الی‌المساجد بالنور الساطع یوم‌القیمة و قال صلی‌الله علیه »
« وآله یا اباذر کل‌خطوة تخطوها الی‌الصلوة صدقة یا اباذر کل‌جلوس‌فی‌المسجد »
« لغو الاثلثة قراءة مصل‌اوذکرالله تعالی‌اوسائل‌عن‌علم. یا اباذر من‌اجاب داعی‌الله »
« واحسن عمارة مساجدالله کان ثوابه من‌الله الجنة قال‌کیف یعمرها قال لاترفع »
« فیها الاصوات ولایخاض فیها بالباطل ولایشتری فیهاولایباع واترك اللغومادمت »

۱ـ اگر مرجل به‌جیم باشد معنی جامه صورت‌دار میدهد ولی درکتیبه مرحل بحاء مهمله‌نقل شده‌است که بمعنی جامه‌پشمی صورت جل‌شتر بر آن میباشد وهردو درست‌است. مجمع‌البحرین

« فیها فان لم تفعل فلاتلومن یوم القیمة الانفسك . یا اباذر تحیة المسجد رکعتان »
« ترکعهما وقال صلی الله علیه وآله من اسرج فی مسجد من مساجدالله سراجاً لم تزل »
« الملئکة وحملة العرش یستغفرون له مادام ذلك فی المسجد ضوء من السراج و »
« قال ایضاً من اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة و من اخرج ما یقذی منه عیناً »
« کتب الله له کفلین من رحمته. وعن امیر المؤمنین صلوات الله علیه قال ان الله عزوجل »
« اوحی الی عیسی علیه السلام قل للملاء من بنی اسرائیل الاتدخلوا بیتا من بیوتی »
« الابقلوب طاهرة وابصار خاشعة واکف نقیة وقال صلوات الله علیه لیس لجار المسجد »
« صلوة اذالم یشهدالمکتوبة فی المسجد اذاکان فارغا صحیحا. وقال الامام جعفربن »
« محمدالصادق علیه السلام شکت المساجدالی الله تعالی الذین لایشهدونها من »
« جیرانها فاوحی الله عزوجل وعزتی وجلالی لاقبلت لهم صلوة واحدة ولااظهرت »
« لهم فی الناس عدالة ولا نالتهم رحمتی ولا جاورونی فی جنتی . و قال صلوات الله »
« علیه علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض و من اتاها متطهراً طهره »
« الله من ذنوبه وکتب من زواره فاکثروا فیهامن الصلوة والدعاء وصلوا فی المساجد »
« من بقاع مختلفة فان کل بقعة یشهد للمصلی علیها یوم القیمة وقال صلوات الله علیه من »
« اکل شیئا من الموذیات ریحها فلایقربن المسجد و قال صلوات الله علیه من وقر »
« مسجداً لقی الله یوم یلقاه ضاحکا مستبشراً و اعطاه کتابه بیمینه و من رد ریقة »
« تعظیماً لحق المسجد جعل الله ذلك قوة فی بدنه وکتب له بها حسنة ولم تمر بداء »
« فی جوفه الا ابرأته ومن کنس المسجد فاخرج منه التراب مایذر فی العین غفر الله »
« له کتبه محسن الامامی سنة ثمان وتسعین بعد الالف »

بطوریکه مؤلف گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان در پاورقی کتاب مزبور تذکر داده است عبارت ازکلمه : ابراته تاپایان کتیبه قابل قرائت نبوده واز جای دیگری اقتباس شده است ونیز ازابتدای کتیبه تاکلمه المساجد ریخته شده بوده و با توجه باصل حدیث تکمیل شده است .

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان پاورقی ص۱۲۹ وص۱۳۱ .

۱۹- کتیبه‌ها و نوشته‌های ایوان شاگرد (شرقی) :

ایوان‌شاگرد که درضلع شرقی‌مسجد قرارداردد دارای‌نماهای خارجی‌وتزیینات ساده آجری میباشد و در واقع تمام حکمرانان و پادشاهان وقت در این ایوان و ایوانهای دیگر باندازه همت خود اقداماتی کرده وآثاری ازخود باقی‌گذارده‌اند .

و اما وجه تسمیه ایوان به ایوان شاگرد چنین‌گفته شده ودر افـواه اشتهار دارد که بنّای ایوان شرقی شاگرد بنّای ایوان غربی بوده است واز اینرو ایـن دو ایوان بنام استاد وشاگرد خوانده شده‌اند .

درنمای خارجی ایوان شاگرد در داخل دوطاقنمای پائین دست جرزهای دو طرف‌کتیبه‌ای بخط‌کوفی ساده آجری برجسته باین شرح خوانده میشود :

درسمت راست: « لااله الاالله الملك الحق‌المبین » ودرسمت چپ : « محمد رسول‌الله الصادق‌الامین » .

در داخل ایوان کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجـوردی مربوط بزمان شاه سلیمان صفوی باین‌شرح نوشته شده است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله لاتجعلواالمساجد طرقا حتی‌تصلوا فیها»
«رکعتین‌وقال صلی‌الله‌علیه وآله من‌کان‌القرآن حدیثه والمسجد بیته بنی‌الله له»
« بیتاً فی‌الجنة وقال الامام جعفربن محمد الصادق صلوات الله علیه من مشی‌الی »
« المسجد لم یضع رجله علی رطب ولا یابس الا سبحت له‌الارض الـی الارضین »
« السابعة صدق . ».

دنباله این‌کتیبه برجبهه شرقی وشمالی ایوان شاگرد چنین است :

« لقد جدد مجدد اساس الدین المبین ومشید قواعد شریعة آبائه الاطهرین»
« وعزالایمان والمؤمنین مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك العرب والعجم فرع الشجرة »
« الطیبة النبویة‌غصن‌الدوحة‌العلیة العلویة‌السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن الخاقان»
« شاه سلیمان الصفوی‌الموسوی بهادرخان‌لازالت سرادق‌دولته قائمة والفتن‌فی‌عهده »
« نائمة هذا البیت العتیق الذی یسامی سموالسمآء رفعة و یاوی الیه العباد عشیاً »

« وغدیاً فزینه‌باسمه‌السامی وجعله مانساً للعاکف‌والبادی. روی‌الترمذی‌فی‌صحیحه »
« عن امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه ان رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله اخذیدا حسن »
« و حسین علیهما السلم و قال من احبنی واحب هذین و اباهما وامهما کان معی »
« فی‌درجتی یوم القیمة ومنه زیدبن ارقم قال قال‌رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله لعلی »
« و فاطمة والحسن والحسین علیهم السلم انا حرب لمن حاربتم وسلم لمن‌سالمتم »
« کتبه محمد محسن‌بن محمدرضا الامامی فی‌سنة ثلث وتسعین بعدالالف ».

شاه نشین این ایوان دارای مقرنس‌کاری آجری است و در هلال آن بخط کوفی آجری برجسته چنین‌کتیبه شده است:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . شهدالله انه لااله الاهو والملائکة واولوا العلم »
« قائماً بالقسط لااله‌الاهوالعزیزالحکیم . ان‌الدین عندالله الاسلام صدق‌الله . » ودر دوطرف شاه نشین مزبور درداخل دوطاقنمای‌کوچك بخط ثلث این عبارات‌گچبری گردیده است:

سمت راست: «ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی .» ودر سمت چپ: نوشته شده: «یاایهاالذین آمنوا صلواعلیه‌وسلموا تسلیماً ».

درمحراب این ایوان‌که بردیوار جنوبی‌آن سنگ یکپارچه مرمری نصب شده در اطراف و بالا و برروی سنگ مزبور لوحه‌ها وکتیبه‌هائی وجود دارد. در اطراف محراب در لوحه های جداگانه صلوات برچهارده معصوم بخط ثلث‌گچبری گردیده ولی اکثرلوحه‌ها ازبین رفته وفقط شش لوحه باقی مانده است.

لوحه‌های باقی مانده چنین است: «اللهم صل‌علی‌محمد المصطفی وصل‌علی »
« علی‌المرتضی . . . . و صل علی محمدالباقر وصل علی جعفرالصادق و صل علی »
« موسی‌الکاظم وصل علی موسی‌الرضا . . . .»

این کتیبه بخط ثلث زیبای برجسته برسنگ مرمر محراب ایوان شاگرد نوشته شده:

« قال‌النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم اذا رایتم‌الرجل یتعاهدالمسجد فاشهدوا »

« له‌بالایمان قال‌الله تبارك وتعالی یقول انما یعمر مساجدالله‌من آمن بالله‌والیوم‌الاخر »
« صدق رسوله الکریم . »

در بالای سنگ مرمر محراب بخط ثلث برجسته چنین گچبری شده :

« لااله‌الاالله محمدرسول‌الله علی‌ولی‌الله حقاً حقا. یجاهدون فی‌سبیل‌الله »
« ولایخافون لومة لائم ذلك فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء والله واسع علیهم صدق‌الله »
« العظیم کتبه نظام‌الاصفهانی ۹۹۲ » .

بردیوار شرقی ایوان کوچکی‌که درگوشه ضلع جنوب شرقی ایوان شاگرد قرارگرفته خطوط‌گچبری باین شرح وجود دارد :

در حاشیه : (اسماءالله) وسوره های حمد و اخلاص وآیةالکرسی و متن‌که مانند صفحه بزرگی است مزین باشکال کوچك چهارگوش و دایره مانند از گچ است . کلمات و عبارات درون اشکال مزبور بخط ثلث محتوی اسماءالله است و در شکلهای دایره مانند بخط‌کوفی چهار بار محمد وچهار بار ابوبکر وچهاربار عمر وچهار بار عثمان و چهار بار علی‌گچبری شده است .

در برخی اشکال دائره مانند نام حضرت رسول صلی‌اله علیه وآله و خلفای راشدان باهم‌گچبری شده ودر دوائردیگر عباراتی چون لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله گچبری گردیده است . درگچبریها علاوه برنامهای محمد و علی نام فاطمه نیزدیده‌میشودکه بخط ثلث گچبری شده است .

۲۰ ـ کتیبه‌ها ولوحه های صفه عمر:

صفه عمر که در انتهای ضلع شرقی مسجد واقع شده برخی ساختمان آن را منسوب به‌عمر بن عبدالعزیز اموی وبرخی به‌عمربن عبدالعزیز ال‌ابی دلف میدانند بعضی هم برآنندکه چون اسماءِ خلفای راشدان درآن مسجد نوشته شده ومشهور خلفاء عمر بوده به‌مسجد وصفه عمرمشهورشده است .

کتیبه صفه عمر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی که برهلال آن است چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم الحمدلله المحمود العلی الماجد الذی وفق عبده »
« المرتضی لعمارة المساجد والصلوة علی محمدالمصطفی نبیه واصحابه والتابعین »
« لهم الذین هجروابهم العشایر فالذین استجابوا بالله و فی‌سبیل‌الله و بعدالحمد »
« والصلوة لقد ساعدنی‌الله لتاسی بقوله تعالی انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله »
« والیوم‌الاخرواقام‌الصلوة وبقوله تعالی فی‌بیوت اذن‌الله ان‌ترفع ویذکرفیها اسمه »
« یسبح له فیها بالعذووالاصال رجال لاتلهیم تجارة ولابیع عن‌ذکرالله واقام‌الصلوة »
« وایتاءِ الزکوة یخافون یوما تتقلب فیه القلوب والابصار وممن بادر واجازوآثر »
« فاجاد واجتهد فی‌ایام سلطنة سلطان محمود خلدالله ملکه و سلطانه ببناءِ »
« هذاالایوان‌العالی لابتغاءِ مرضاة ربه‌واضافة الی‌البناءِ الجامع باصفهان هذه‌العمارة »
« المبارکة للعابدین و فیها معابدالله اضعف عبادالله مرتضی‌بن‌الحسن العباسی »
« الزینبی‌عمرالله الواحداخراه حین یجازی العباد ونودوا بان‌طبتم وطاب‌الموعد »
« فی‌شهور سنة ثمان وستین و سبعمائة من هجرة محمدالرسول الشاهد خصّه‌الله »
« بالصلوات ماحمده الحامدکتبه عزیزالتقی الحافظ . »

این کتیبه حکایت میکندکه صفه عمر در دوره سلطنت سلطان محمود در قرن هشتم هجری برعمارت مسجد جامع افزوده شده است :

این سلطان محمود ازآل مظفر است‌که عمارت مزبور در عهدش انجام شده و بانی آن مرتضی‌بن‌الحسن‌العباسی‌الزینبی بوده‌که ظاهراً باخلفای‌بنی‌عباس ارتباط نسبی داشته یا از احفاد عباس‌بن علی علیه‌السلام بوده است .

کاتب‌کتیبه‌که‌عزیزالتقی الحافظ باشد نامش درجای دیگری ازاماکن باستانی اصفهان دیده نشده و اختصاص به‌این صفه دارد .

خطوط تزییناتی صفه مزبور در دو چهارپر مندرج است باین ترتیب که عبارات و نوشته های اطراف هرچهارپر (شمسه) یکسان است ولیکن متن آنها متفاوت میباشد .

اطراف هرچهارپر هشت شکل چهارگوش را دربردارد که در داخل هرچهار

گوش بخط بنائی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی هریك ازاین کلمات : «الله - محمد - و ابوبکر - و عمر - و عثمان - و علی - و حسن - وحسین .» چهار بار تکرار شده است .

متن میان چهارپر غربی بخط بنائی چنین خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم اذا رایتم الرجل یتعاهد المسجد »
« فاشهدوا له بالایمان . »

متن میانی چهارپر خاوری بخط بنائی باین شرح نام بانی را بیان میکند :

« عامر بیت الله تعالی العبدالفقیر الی الله الغنی مرتضی بن الحسن العباسی »
« الزینبی تقبل الله منه » .

درطاق هلالی شکل مدخل صفه عمر بطرف شبستان محراب جنوبی عباراتی با سه نوع خطوط بنائی بشرح پائین خوانده میشود :

یکی بخط بنائی درشت سه رگی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده : «قال الله تعالی قل کل یعمل علی شاکلته » .

دوم - بخط بنائی یك رگی لاجوردی برزمینه آجری : « قال النبی صلی الله علیه و آله انما الاعمال بالنیات» .

سومی بخط فیروزه رنگ بر زمینه آجری چنین نوشته : « عمل العبد حسن کارون» .

عبارت اخیر نشان میدهد که نام استاد کاشیکار صفه عمر - حسن کارون بوده است .

کتیبه اطراف محراب صفه مزبور بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« قال الله تعالی فی کتابه الکریم وکلامه القدیم وهو اصدق القائلین واکرم »
« الاکرمین انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة »
« ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . اجعلتم سقایة الحاج »

« وعمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الاخر وجاهد فی سبیل الله لایستون »
« عندالله والله لایهدی القوم الظالمین صدق الله العظیم وقال رسول الله صلی الله »
« علیه وسلم من بنی مسجداً بنی الله له بیتا فی الجنة وقال علیه من الصلوات افضلها »
« ومن التحیات اکملها احب البلاد الی الله مساجدها وابغض البلاد الی الله اسواقها »
« ختم الله تحریراً فی سنة ثمان و سبعین و سبعمائة کتبه علی کوهیار الابرقوهی » .

کتیبه فوقانی محراب مشتمل بردو سطر است که سطر اول آن بخط کوفی حنائی ومعرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ ومشتمل برعبارات زیر است :

« ربنا و اجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امة مسلمة لك وارنا مناسکنا و »
« تب علینا » .

سطردوم بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« قال الله تبارك وتعالی واذیرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا »
« تقبل منا انك انت السمیع العلیم » .

ازکتیبه هلال محراب صفه عمر بخط کوفی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این کلامها خوانده میشود :

« الملك لله ـ الحمدلله ـ یا مجیب الدعوات » .

درداخل مقرنسهای محراب بخط بنائی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده :

«سبحان ربی الاعلی و بحمده» « سبحان الواحد الصمد» « سبحان الدائم الابد» .

و بخط سبز برزمینه سفید نوشته شده : « سبحان الودود المجید » « سبحان الغنی الحمید» «قال النبی صلی الله علیه وسلم» و بخط سفید برزمینه لاجوردی :

«لاصلوة لمن لم یقرءِ بالکتاب» «سبحان القائم الدائم» «سبحان الدائم القائم» «قال النبی علیه السلام» «المصلی یناجی ربه» .

نام کاشیکاران صفه مزبور دردوسمت راست وچپ در دولوحه مربع مستطیل و باکاشی لاجوردی رنگ باین شرح نوشته شده است :

درسمت راست : «عمل العبد الضعیف شمس بن تاج» ودرسمت چپ : «فخر بن» «عبدالوهاب شیرازی البناء».

درصفه عمر کتیبه دیگری درزمان استیلای افاغنه دراصفهان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اضافه شده که چنین خوانده میشود :

« الحمدلله الذی تفرد بالوحدانیة والبقاء وتقدس عن الامثال والاکفاء واشهد »
« شهادة صادقة والانباء و نشهد نبیاً بعثه الله رحمة لاهل الارض والسمآءِ صلی الله »
« علیه وعلی آله واصحابه خیر الال وخیر الاصحاب الذین آمنوا وجاهدوا فی سبیل الله »
« سیما علی الامام الذی بمفاخر صدقه یضرب الامثال الموصوف فی القرآن بالتقوا »
« وقوی لماینال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیر المؤمنین ابی بکر الصدیق رضی الله »
« عنه وعلی الامام الذی یضرب بمآثر عدله الامثال ویمحی عن الاسلام اصول الکفر »
« والضلال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیر المؤمنین عمر الفاروق وعلی الامام التقی »
« الوقور کالراسیات من الجبال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیر المؤمنین عثمان »
« ذی النورین الزکی و علی الامام الکبیر النوال خلیفة رسول الله علی التحقیق »
« امیر المؤمنین علی الرضی السخی الوفی وسلم تسلیماً کتبه علی المولوی فی ۱۱۴۹».

درصفه عمر لوحه‌های بزرگتر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی ولوحه‌های کوچکتر که نام خلفای راشدان را دربردارد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت قهوه‌ای رنگ چنین خوانده میشود :

« لقد امر السلطان خاقان عصره » « زصدیق است انوار صداقت »
« و من فاق فی ایران عز جلاله » « زفاروق است اسرار عدالت »
« واشرف سلطان السلاطین اسمه » « زذی النورین فیض و نوررحمت »
« ومنداستفاض الناس حسن نواله » « زانوار علی حب ولایت »
« بتعمیر هذاالمسد الجامع الذی « « زصدیق است انوار صداقت »
« افاض علی العباد فیض جماله »
« بترغیب مولی زعفران و انه » « زفاروق است اسرار عدالت »

« هو الفاضل المعروف فضل کماله »

« تصدی له یعقوب خان و انه » « زانوار علی حب ولایت »

« یفوق علی الاقران حسن خصاله » «کتبه الفقیر مهرعلی المولوی ۱۱۳۹»

کتیبه سردر صفه عمر واقع در جنب مدخل اصلی مسجدکه مقداری از آن دراثر خرابی ریخته شده بود ومورد تعمیر قرارگرفته واکنون بصورت معموردرآمده بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. الحمدلله المحمود العلی الماجدالذی وفق‌عبده »

« المرتضی لعمارة هذاالمسجد فی‌ایام سلطنة سلطان محمود خلدالله سلطانه الی »

« یوم‌الموعودبنیت‌هذه‌العمارة المبارکة فی‌شهورسنة‌ثمان‌وستین وسبعمائة من‌هجرة »

« محمدالنبی .» ودر بالای اسپرهای طرفین سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده :

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله و سلم . اذا رایتم الرجل یتعاهدالمسجد »

« فاشهدوا له بالایمان » .

۲۱ـ لوحه‌ها و کتیبه‌های سردرها وراهروهای مسجد جمعه :

کتیبه سردر جنوب شرقی‌مسجد یعنی‌سردر ورودی بخط ثلث سفید برکاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« قدتشرف بتعمیرباب المسجد الجامع العتیق والسوق الموقوف‌علیه فی »

« جنبه والمسقی الموقوف‌قدامه‌علی‌المسلمین فی‌زمن‌دولة السلطان الاعدل‌الاکرم »

« والخاقان‌الاعظم الافخم‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان السلطان فتحعلی »

« شاه قاجار خلدالله ملکه ذوالهمم العالیة وذومجدالتالیة خیرالحاج والمعتمرین »

« الحاج محمدحسین‌خان الحاکم بامره المطاع فی‌دارالسلطنة اصفهان ادام‌الله »

« توفیقه و دولته فی‌شهرالله الاعظم رمضان المکرم من‌شهور سنة ۱۲۱۸ کتبه »

« ابوالحسن الاصفهانی» .

ازمفادکتیبه فهمیده میشود که مسجد و بازار پهلوی آن و بازار جلو روی

مسجد که بازار طوقچی باشد درزمان فتحعلی‌شاه قاجار بوسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی حاکـم وقت اصفهان در سال ۱۲۱۸ هجری قمـری تعمیر گردیده است .

هنگام ورود به راهرو مسجد درطرف راست سردر کاشیکاری دیده میشودکه درواقع سردر اصلی صفه عمراست وشرح آن گذشت . درمیان کاشیهای خشت هفت رنگ اسپرهای طرفین سردر ورودی جملات و عباراتی بترتیب که درپائین گفته میشود نوشته شده است :

در بالانوشته شده : « المـؤمن فی‌المسجد کالسمك فـی‌الماءِ ». و در وسط نوشته شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌نقتی» و درپائین : « المنافق فی‌المسجد کالطیر فی‌القفس » .

در دواسپرپشت در ورودی اصلی عبارات زیر بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه آجری خوانده میشود :

در اسپرشمالی : « عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت » و در اسپر جنوبی : « عجلوا بالتوبة قبل‌الموت » .

درضلع شمالی‌دالان ورودی ایوان‌کوچکی است که‌آنرا صفه حکیم‌مینامند و مربوط بدوره سلجوقیان است و دیوار مقابل‌آن با مقرنسهای گچی تزیین شده است و درپائین مقرنسها بخط بنائی برجسته چنین خوانده می‌شود :

« قال علیه‌السلام المسجد بیت‌کل تقی. »

دراطراف ایوان مزبورکتیبه‌ای است اززمان شاه عباس‌بزرگ‌که حکایت‌دارد صفه گفته شده بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد حکیم‌اصفهانی‌درسال ۹۹۶ مورد تعمیرقرارگرفته است. این کتیبه بخط ثلث صحیفی گچبری شده است وآن کتیبه مقداری ازآغازآن ریخته و آنچه باقی مانده چنین است :

« . . . . فی‌ایام خلافة السلطان الاعظم الاعدل الاکرم الاشجع مالك رقاب »

« الامم مولا ملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطين ظل‌الله فی‌الارضین خلف »
« اخلاف سید المرسلین السلطان‌بن السلطان و الخاقان‌بن الخاقان ابـوالمظفر »
« ابوالغازی شاه عباس الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض »
« علی‌العالمین بره وعدله واحسانه وفق بتعمیر هذه‌الصفة خادم‌الفقراء نورالـدین »
« محمدبن جلال‌الدین‌محمد حکیم‌الاصفهانی‌غفرالله ذنوبهما وسترعیوبهما فی‌سنة »
«۹۹۶ رقم صحیفی غفر ذنوبه وسترعیوبه . »

کتیبه مزبور حکایت دارد که درزمان‌شاه عباس صفه معروف به حکیم‌بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد اصفهانی که‌گویا همان نورالدین محمد بانی مسجد آقانور دردشت میباشد ساخته شده است .

ونیز در دوطرف دالان ورودی دو لوح سنگی چهار گوش قراردارد کـه در حواشی و متون‌آنها عباراتی حجاری شده ؛ لوح سنگی شمال دالان‌که طول‌آن ۵۵ وعرض‌آن ۵۲ سانتیمتر است درحاشیه آن این‌عبارات خوانده میشود :

« ناد علیا مظهرالعجائب تجده عونالك فی‌النوائب کل‌هم و غم سینجلی »
« بولایتك یاعلی یاعلی فرض علی الحاضر والغایب حب علی‌بن‌ابی‌طالب . سنة »
« خمس وثلاثین وتسعمائة » .

ودرمتن لوح مزبور عبارات زیرنوشته شده است :

« اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفی وعلی‌المرتضی وحسن‌الرضی وحسین‌الشهید »
« بکربلا وعلی زین‌العابدین ومحمدالباقر وجعفرالصادق وموسی‌الکاظم و علی‌بن »
« موسی‌الرضا ومحمدالتقی وعلی‌النقی و حسن‌العسکری و محمدالمهدی » .

درمتن لوح سنگی جنوبی‌که عرض وطول‌آن مانند لوح شمالی است ابتداء « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس قسمتی ازآیة‌الکرسی ودر حاشیه‌آن این عبارات نبشته شده :

« رب‌هب‌لی من‌المعیشة سؤلی واعف‌عنی بحق‌آل رسول واسقنی شربة بکف »
« علی سیدالاولیاءِ زوج بتول » .

« زمشرق تابمغرب گر امام است علی و آل او ما را تمام است »

در سمت جنوب دالان ورودی مسقف شرقی مشرف بصحن مسجد محراب گچبری شده‌ای وجود داردکه سال ساختمان آن معلوم نیست ولی بامحراب مسجد اولجایتو بی‌شباهت نیست واز بناهای قرن هشتم بنظرمیرسد.

برهلال بالائی محراب مزبور بخط محقق سوره فاتحه گچبری و بعبارات: « سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله » ختم میشود. برسرستونهای محراب بخط‌کوفی در یك طرف: «الملك‌لله» وطرف دیگر «الحکم‌لله» خوانده میشود.

در هلال خارجی محراب بعد از «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» آیة‌الکرسی بخط کوفی‌گچبری‌گردیده است.

۲۲ ـ کتیبه سردرگنبد خاکی (تاج‌الملك):

گنبد خاکی بوسیله سردری بکوچه مجاور شمالی ارتباط دارد وکتیبه‌ای داشته‌که مقداری ازآن ازمیان رفته است‌آنچه ازآن مانده بخط‌کوفی اسلیمی‌دار سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی در حاشیه سمت راست مشتمل برآیات از اول تا چهارم سوره (دهر) ودر حاشیه سمت چپ قسمتی ازآخرآیات ۲۱ تا ۲۶ همان سوره است و در پایان بعبارت: «تم فی‌شهرالمحرم سنة ثمان و ستین و سبعمائة» ختم میشود.

۲۳ ـ کتیبه‌ها ولوحه‌های سردر مجلسی:

یکی ازدرهای هشتگانه مسجدجامع عتیق در مجلسی‌است‌که درباختر گنبد خاکی قرارگرفته است ومقبره مجلسی درجنب‌آن میباشد وباین مناسبت‌آن در را در مجلسی مینامند.

آخوند ملامحمد تقی مجلسی اول و فرزندش علامه محمد باقرمجلسی دوم وچند تن دیگر ازعلماء بزرگ و معروف درگوشه شمال غربی مسجد مدفونند[1].

۱ــ مدفونان درمقبره مجلسی عده‌ای ازبزرگان علماء باین شرح میباشند:

←

←

۱- ملامحمد تقی‌مجلسی فرزند ملامقصود علی‌نطنزی معروف بمجلسی‌اول از اکابرعلماء وفقهاء شیعه وازثقات ومعتمدان ومحدثان ، فقیه محدث اصولی رجالی زاهد عارف در فقه و رجال وتفسیر وحدیث ، که بر عموم علمای زمان خود تفوق داشته و در محضر پدر خود و شیخ بهائی ومیرفند رسکی وملاعبدالله شوشتری تحصیل کرده و او اول کسی است از علماء که بنشر اخبار آل محمد علیهم‌السلام همت‌گماشته و درفقه و اصول وتفسیر ورجال وحدیث و ادعیه کتابها تألیف وخود اهل ریاضت وذکر بوده واربعینهاریاضت‌کشیده ومکاشفاتی‌داشته که برخی از آنها معروف است.

وی در سال ۱۰۰۳ متولد و در ۱۰۷۰ هجری وفات یافت ماده تاریخ وفاتش : « صاحب علم رفت‌از عالم » ونیز: «مسجد ومنبر ازصفا افتاد» و «افسر شرع اوفتاد وبی‌سرو پا گشت فضل» میباشد درعموم‌کتب رجال وتراجم ازمنامات ومکاشفات او داستانهانقل‌میکنند طالبان مراجعه فرمایند.

خود درشرح فقیه در باب نماز میت فرموده : « والحمد لله رب العالمین که بنده در چهارده سالگی‌همه اینها رامیدانستم‌یعنی‌خدا ونماز و بهشت‌ودوزخ‌ونماز شب میکردم درمسجد صفا ونماز صبح‌را بجماعت میکردم واطفال را نصیحت میکردم و به‌آیت وحدیث بتعلیم‌پدرم».

کتب زیر از اوست:

۱- احیاء الاحادیث. ۲- اربعون‌حدیثا. ۳-حدیقة المتقین. ۴- حاشیه بر صحیفه سجادیه . ۵ - حاشیه نقدالرجال . ۶ - حواشی بر اصول کافی . ۷-رساله درنماز جمعه ووجوب‌تعیینی‌آن. ۸- رساله دررضاع. ۹-رساله دراوزان. ۱۰- رساله درریاضات شرعیة. ۱۱- رساله در رد ایرادهائی که برملای رومگرفته‌اند. ۱۲- روضةالمتقین شرح عربی‌من لایحضر. ۱۳- شرح‌مشیخه‌فقیه . ۱۴- شرح‌خطبه همام. ۱۵- شرح زیارت جامعه. ۱۶- شرح خطبه استسقاء از خطب نهج‌البلاغه . ۱۷ - شرح صحیفه سجادیه . ۱۸ - شرح صحیفه بفارسی . ۱۹ - طبقات‌الرواة . ۲۰- طریق روایت صحیفه کامله . ۲۱ - لوامع صاحبقرانی شرح فارسی من‌لایحضر . ۲۲- مناسك حج وغیر آن، اورا سه‌پسر وچهار دختر بود، پسران مجلسی دوم وملاعبدالله و ملا عزیزالله که اکبر اولادش بوده است . جد مادریش ملا درویش محمد نام داشته و از مشایخ اجازه بوده‌است، پدرش عارف زاهد مقدس فاضل ودائی اوملا محمدقاسم ازشاگردان شهید- ثانی وراوی ازوی بوده است. وپس ازوفات در گوشه شمال غربی مسجد جامع که اکنون بمقبره مجلسی شهرت دارد دفن‌شد. مشایخ اجازه مجلسی: شیخ بهائی وملاعبدالله تستری و قاضی معزالدین محمد اصفهانی وشیخ یونس جزایری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبدالله‌بن شیخ ابوالبرکات وملامحمد قاسم دائی خود وجمعی دیگر از علماء بوده‌اند .

۲ـ علامه ملامحمد باقر مجلسی دوم فرزند ملامحمد تقی‌بن ملامقصود علی نطنزی از اعاظم علماء واکابر فقهاء و محدثان شیعه و اسلام واز مفاخر علمی فرقه امامیه، عالم فاضل ومحقق‌کامل ومتکلم جامع، مجدد مذهب شیعه دررأس قرن یازدهم.

←

→

در اصفهان امام جمعه وشیخ‌الاسلام بوده وتمام عمر شریفش بدرس وبحث وترویج دین و تألیف کتب احادیث و اخبار آل محمد علیهم السلام و اجرای حدود و احکام و امر بمعروف ونهی از منکر و احقاق حقوق مردم ودفع شر ظلمه وقلع و قمع بدع صوفیه وغیر آنان گذشته است. وچون بالطبع نادانان با عالمان وعلم وبی‌دینان با دینداران و مروجان آن در مخالفتند عده ای در زمان حیات با مجلسی مخالف بودند و بعد از حیات هم آنانکه با رویه او مخالفند همان رویه مخالفت را ادامه داده‌اند ولی بـا تمام این مخالفتها کمترخـانه مسلمانی است که یکی از کتابهای مجلسی دوم درآن نباشد . تألیفات او زیاد است بـرخی بعربی و بعضی بفارسی تألیف شده است وعدد آن بالغ بریکصد و پنجاه میشود که بیشتر آن بچاپ رسیده است ومقداری از آن اینست:

۱- اختیارات. ۲- اربعین. ۳- اعتقادات. ۴- اوزان . ۵- بحارالانوار که‌خوددائرةالمعارف‌شیعه‌ودر بیست‌وپنج مجلدگردآوری گردیده‌است. ۶- تحفةالزائرین ۷- جبائر. ۸- جلاءالعیون. ۹- جنت‌ونار. ۱۰- حق‌الیقین. ۱۱- حلیة‌المتقین. ۱۲- حیات القلوب‌درسه مجلد. ۱۳-ربیع‌الاسابیع. ۱۴-زادالمعاد. ۱۵- شرح اصول کافی. ۱۶- شرح جوشن کبیر. ۱۷- شرح عهدنامه مالك اشتر ۱۸-شرح‌احادیث‌مشکله. ۱۹- صراط‌النجات. ۲۰-صلوةاللیل. ۲۱-صواعق‌الیهود . ۲۲ - صیغ العقود . ۲۳- صیغ النکاح . ۲۴ - طریق النجـات . ۲۵- علائم الظهور . ۲۶- عین الحیات . ۲۷ - عین الیقین . ۲۸ - الفرق بین الصفات الذات و صفات الفعل . ۲۹ - الفوائد الطریفة . ۳۰ - کفارات . ۳۱- مقباس‌المصابیح. ۳۲- مفاتیح الغیب. ۳۳- ملاذالاخیار. ۳۴- مشکوة‌الانوار. ۳۵- مآل النواصب. ۳۶- الوجیزة در رجال. نامبرده در ۱۰۳۷هجری متولد و در ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ وفات یافته و در مقبره خود (مجلسی) مدفون گردید و قبرش اکنون مزار عمومی است .

۳- میرزا محمدعلی امام‌جمعه فرزند میرزا جعفر بن‌حاج میر سید محمد صاحب‌فضل و علم وتحقیق وحسن اخلاق وفضائل وکمالات ممتاز بوده ومدت چهـار سال در مسجد جامع امامت جمعه داشته است . از تألیفات او است : ۱- رساله در جواز تقلید بـر میت . ۲- رساله درکفایت هرغسل ازوضوء وغیر اینها. نامبرده پیش ازغروب‌آفتاب روز دوشنبه ۱۹ ربیع الاول سال (۱۳۰۰ ه. ق) بدرود زندگی گفت و در مقبره مجلسی مدفـون گردید . ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری چنین گفته است: «لقد غاب الامام».

۴- ابوالفضایل حسام‌الدین‌محمد صالح‌بن احمدبن شمس‌الدین طبرسی مازندرانی‌عالم فاضل ومحقق مدقق فقیه جامع از شاگردان مجلسی اول وشیخ بهائی وملا عبدالله شوشتری و داماد مجلسی مزبوروصاحب تألیفات بسیارچون: ۱- حاشیه‌برشرح‌لمعه. ۲-حاشیه مختصرالاصول عضدی. ۳- حاشیه برمعالم. ۴- شرح‌قصیده برده. ۵- شرح بر اصول‌کافی معروفترین تألیفات او. ۶- شرح روضه کافی. ۷- شرح‌زبدةالاصول

←

شیخ بهائی. ۸- شرح برمن لایحضر. ۹- شرح برمعالم. ۱۰- شرح قصیده در یدیه وغیر اینها . نامبرده در سال ۱۰۸۶ هجری در اصفهان وفات یافت و در ایوان بقعه مجلسی مدفون گردید. زاهد ازشعرای اصفهان در ماده تاریخ وفاتش چنین گفته است:

« جست تاریخ وفاتش زاهد   که کی آن ذات مؤید شده فوت »

« هاتفی گفت بتاریخ که : (آه   صالح دین محمد شده فـوت) »

(تذکرة القبور یا بزرگان اصفهان ص ۳۸۴)

ملا محمدصالح از آمنه دختر مجلسی اول چند پسر ودختر داشته پسران: ۱- ملاحسنعلی ۲-ملامحمد حسین. ۳- ملا محمداشرف. ۴- ملاعبدالباقی. ۵-ملا نورالدین محمد . ۶-آقا هادی مترجم که دارای ترجمه‌های بسیار واکمل و اعلم فرزندان ملامحمد صالح بوده و اوراست : ۱- ترجمه قرآن مجید وشأن نزول ونیك وبد استخاره وبهمین سبب اورا آقا هادی مترجم خوانده‌اند. ۲- ترجمه صحیفه کامله سجادیه. ۳- ترجمه شافیه. ۴- ترجمه کافیة ابن حاجب . ۵- ترجمه وشرح معالم الاصول. ۶-حاشیه عربی برتفسیر بیضاوی . ۷- حاشیه مواریث قواعد الاحکام علامه . ۸ - حدود و دیات فارسی . ۹ - شرح بر فروع کافی . ۱۰ - شرح کافیه . ۱۱ - شرح تلخیص المفتاح فارسی . ۱۲ - شرح شافیه که بنام نواب حسینعلی خان تألیف شده . ۱۳- شرح نظام بفارسی. ۱۴- شرح شمسیه. ۱۵- شرح صحیفه سجادیه بفارسی . ۱۶-شرح قواعد علامه. ۱۷- رساله رضاعیه که در ۱۱۰۷ تألیف گردیده. ۱۸-رساله رسم الخط .

نامبرده در ۱۱۲۰ هجری فوت و در مقبره مجلسی مدفون گردید .

(تذکرة القبور یا بزرگان اصفهان ص۳۸۵)

۵- میرزا محمدتقی الماسی فرزند میرزاکاظم بن میرزا عزیزالله بن ملامحمدتقی مجلسی از علماء وفضلاء مولود ۱۰۸۹ هجری ومتوفی شعبان ۱۱۵۹ و مجاز از علامه مجلسی دوم جد مادریش وخود نیز شیخ اجازه عده‌ای از علماء و دانشمندان بود .

اوراست: ۱-کتاب بهجة الاولیاء بفارسی در ذکر کسانیکه بشرف حضور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی وفرجه رسیده‌اند. ۲- الوسائل الکثیرة ورسائل دیگر .

وی درزمان نادرشاه امام‌جمعه اصفهان بوده وپس ازوفات دربقعه مجلسی مدفون گردید. وجه تسمیه او به الماسی این بوده که پـدرش میرزا کاظم قطعه‌الماسی در جـای دو انگشت امیرالمؤمنین در ضریح مطهر نصب کرد که قیمت آن در آن زمان هفت هزار تومان بوده و اکنون نیز وجود دارد.

۶- میرزا محمد علی بن‌میرزاکاظم برادرمیرزا محمدتقی نیز ازعلماء معروف‌سلسله مجلسی است که در صحن مقبره مجلسی مدفون است .

۷- ملا عزیزالله بن میرزا محمد تقی الماسی متوفی (۱۱۶۳ هـ. ق) ازعلماء وفضلاء و اوراست کتابی در اصول عقاید. پس ازوفات دربقعه مجلسی مدفون گردید .

۸- میرزا جعفر امام‌جمعه فرزندحاج میر سیدمحمد امام‌جمعه ازرؤساء و علماء اصفهان

بردولنگه درشمالی مسجد جمعه نزدیك مقبره مجلسی لوحه‌هائی بخط ثلث برجسته چنین نوشته شده است :

بود و پس‌ازوفات باذن حجة الاسلام رشتی دربقعهٔ مجلسی مدفون‌گردید . (تذکرةالقبور یا بزرگان اصفهان ص ۲۳۲)

۹ - شیخ شمس‌الدین محمد اصفهانی از علماء و ازمشایخ مجلسی اول متوفی (۹۳۶ ه. ق) بالای‌سر مجلسی مدفون گردیده است. (رجال اصفهان ص ۱۲۶)

۱۰- میرزا رضا حسینی از سادات علمای اصفهان در طرف پائین پای مجلسی مدفون است . (رجال اصفهان ص ۱۴۷)

۱۱- میر عظیم‌بن میر عنایت‌الله اصفهانی از اکابر علمای قرن سیزدهم متوفی (۱۲۲۳ ه. ق) مدفون دربقعه مجلسی وقبرش پیوسته بگور مجلسی است.

۱۲- میرزاحیدر علی بن ملامیرزا شیروانی از اجله علماء وفقهاء نواده دختری ملامحمد تقی مجلسی وداماد علامه مجلسی دوم اوراست: ۱- تعلیقه بر مسالك. ۲ - رسالة فی‌العصمة. ۳- رساله درتکفیر غیرامامی. ۴-رساله‌درتکفیر منافقین. ۵-رساله در حد قصر در نماز وروزه . ۶ - رساله در طریق استنباط احکام در زمان غیبت امام علیه السلام. ۷- شکوك الصلوة وغیر اینها. نامبرده پس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید.

۱۳- میرزاکمال‌الدین محمدبن معین‌الدین محمد فسائی شیرازی متوفی درحدود عشر سوم‌قرن دوازدهم معروف بمیرزاکمالا داماد مجلسی‌اول وازعلماء وفقهاء ومفسران وادبای‌کامل بود واوراست: ۱- بیاض کمالی. ۲- شرح شواهد مطول. ۳- شرح‌قصیدهٔ تائیه دعبل خزاعی. ۴- القیود الوافیة درشرح شافیه درعلم صرف. پس ازوفات دربقعه مجلسی دفن شد. (تذکرة القبور یا بزرگان اصفهان ص ۷-۸)

۱۴- ملامحمدعلی استرآبادی داماد مجلسی اول وشاگرد اوکه تعلیقاتی‌برکتب حدیث دارد مدفنش بقعه‌مجلسی است. (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۵- ملا محمد صادق بن ملامحمد بـاقر مجلسی از اجله تلامید پدر بوده و مجلسی مرآت‌العقول وشرح تهذیب را بخواسته او تألیف‌کرده است. ولی درحیات پدر وفات یافت وودربقعه مجلسی مدفون شد. (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۶- ملامحمدنصیر بن ملاعبدالله‌بن‌ملامحمدتقی‌مجلسی‌اول ازاجله‌علماء وصاحب‌تألیفات واوراست: ۱- حاشیه برشرح‌لمعه. ۲- رساله‌ای‌دراثبات‌رؤیت‌جن. ۳-ترجمه مجلدفتن و محن بحارالانوار . در بقعه مجلسی مدفون است . (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۷- میرزا محمد باقربن میرزا عبدالله‌بن ملا محمدباقر مجلسی معروف به‌مجلسی سوم ازعلماء که ازپدر خود روایت میکرده است. پس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید . (رجال اصفهان ص۱۲۸)

« قال‌الله سبحانه و تعالی فی‌بیوت اذن‌الله ان ترفع و یذکرفیها اسمه یسبح »
« له فیها بالغدو والاصال رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکرالله و اقام‌الصلوة »
« وایتاء الزکوة یخافون یوماتتقلب فیه‌القلوب والابصار رقم صحیفی‌الجوهری ».

درکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان که بیشتر این کتیبه‌ها ومشخصات باستان‌شناسی ازآن اقتباس شده نام‌کاتب‌کتیبه صحیفی جویمری نوشته شده درصورتیکه درمتن‌کتیبه جوهری یاد شده ودر مواضع دیگرهم جوهری رقم گردیده است پس باید اذعان‌کردکه‌کلمه جویمری اشتباه چاپی است.

برلنگه راست درمزبور بهمان خط این عبارت نوشته شده: « قال‌النبی
« علیه‌السلام انا مدینةالعلم و علی بابها » و برلنگه چپ آن: «این در بسعی حضرة آقا محمدرضا فرمدی اتمام یافت ».

بردو لوحه سنگی‌که بردیوار سردر قدیمی مقبره منصوب است و مشرف بردالان شمالی مسجد است درلوحه اول چنین نوشته شده:

« مطلب ازتعمیر این مقام و بنای این لوح آنستکه حضرت صاحب‌الزمان »
« علیه‌السلم را شخصی ازمؤمنان درین مکان شریف درخواب دیده است.» ودرلوحه دوم چنین خوانده میشود:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اللهم صل‌علی محمد وآل‌محمد ومنّ علینا بظهور »
« امام زماننا الذی ببقائه بقیت‌الدنیا و بیمنه رزق‌الوری و بوجوده ثبتت‌الارض »
« والسماء وبه‌یملاءالله‌الارض قسطاً وعدلابعدما ملئت جوراً و ظلماً کتبه المذنب »
« حاجی محمد مؤمن الکاظمی فی ۱۰۹۲ العبدالاقل حاجی امام قلی از مؤمنان »
« التماس فاتحه دارد. آمرزیده باد که اورا بدعاء خیر یاد فرماید ».

درمجاورت سردرمجلسی‌سقاخانه‌ای قرارداردکه برسنگاب آن بخط نستعلیق این عبارات حجاری شده است:

« قربة الی‌الله وقف نمود این برنج‌را آقاذوالفقار ولدآقانصیرهرکس ازاین »
« مکان تغییردهد بلعنت خدا گرفتارشود تحریراً جمادی‌الثانی سنه ۱۰۹۳ ».

درمحوطه مقابل سردرشمالی مسجد سنگاب شکسته‌ای‌وجود داردکه دارای نقش و نگارونوشته‌هائی میباشدکه قسمتی از آن بعلت شکستگی ازبین‌رفته وآنچه خوانده میشود بخط ثلث برجسته چنین است :

« . . . . وصل‌علی زین‌العبادعلی والباقرمحمد والصادق‌جعفروالکاظم موسی »
« والرضاعلی والتقی محمدوالنقی . . .» ودرزیرکتیبه مزبوربخط نستعلیق برجسته ابیاتی حجاری شده‌که سه فرد آن باقی مانده وآن چنین است :

« کرد وقف شاه مظلومان حسین‌بن‌علی   هرکه نوشدآب‌گوید لعن برابن‌زیاد »
« شد تمام این‌جام‌درعصرشه ایران‌صفی   . . . . »

۲۴ ـ کتیبه تاریخ سنگفرش مسجد :

درمحل اتصال دهلیزمجاور سردرمجلسی بصحن مسجد لوحی ازسنگ مرمر بردیوار سمت جنوبی بطول ۶۳ و عرض ۴۳ سانتیمترنصب شده که روی‌آن بخط نستعلیق برجسته این اشعارکنده شده است :

« محمد قلی آنکه در دور او   گریزان بود فتنه از چارسو »
« زپاسش دل پر دلان درهراس   زبیداریش چشم بد خواب‌جو »
« پی مور در سنگ اگرگم شود   زجوهر نمایان کند تیغ او »
« زبس خدمت مسجد جمعه‌کرد   میسر شدش هرچه‌کرد آرزو »
« بمسجد زاطلس بیفکند فرش   که اطلس بنایش بود پشم ومو»
« بساطی فروچید ازسنگ لعل   که هرروز نوگردد ازرفت‌ورو »
« پی سال تاریخ اتمام او   میان من و عقل شد گفتگو »
« بتاریخ اتمام او عقل گفت :   (شده سجده‌گاه ملك فرش او) »

(۱۰۸۴)

از اشعار مزبور برمیاید‌که محمدقلی در زمان شاه سلیمان صفوی در مسجد جامع عتیق هم فرش انداخته است‌که از پشم ومو بوده وهم سنگفرش‌کرده است .

۲۵ـ کتیبه سردر بواسحاقیه :

سردربواسحاقیه‌که درگوشه شمال‌غربی‌مسجد قرارگرفته وبکوچه‌بواسحاقیه

بازمیشود کتیبه‌ای دارد بخط ثلث‌سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی‌رنگ که آیات از۳۲ تا آخر۳۹ سوره(ص) بر آن نوشته شده ولی مقداری ازکاشیهای خط ازمیان رفته است . وجه تسمیه آن به بواسحاقیه ازآن جهت است که شیخ ابواسحاق انجو در اطراف درمزبورسکونت داشته است. البته‌این‌سکونت مربوط بزمان‌حکمروائی او دراصفهان میباشد .

۲۶- کتیبه سردر باب‌الدشت :

این‌سردر درگوشه جنوب غربی مسجد واقع ودر انتهای یکی از راهروهای اصلی مسجد ازدوره سلاجقه قرار دارد .

کتیبه سردر مزبور بخط ثلث برزمینه لاجوردی رنگ‌گچبری شده و درآن کتیبه ازآیه اول تا آخر آیه سوم‌سوره جمعه خوانده میشود .

۲۷- کتیبه درچوبی دردشت :

بردولنگه‌راست وچپ دردشت باین‌ترتیب وشرح عباراتی‌بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی‌کنده شده :

« قال‌الله تعالی واذ یرفع ابراهیم القواعد من‌البیت واسمعیل ربنا تقبل منا» « انك انت‌السمیع‌العلیم صدق الله فی‌شهور سنة ۹۹۹ » ودرلوح دیگر « وقف‌کرد» « این در را قربةالی‌الله مولینا محمد مطلق برمسجد کبیر. » و دنباله آن برلنگه چپ نوشته شده : « عمل استاد محمدبن علی‌بن محبعلی کتبه جعفرالامامی . »

۲۸- کتیبه درجنوب غربی :

درپایان دالانی‌که چهلستون سلجوقی مغرب‌گنبد نظام‌الملك را ازچهلستون شاه عباس‌گوشه جنوب غربی مسجد جدا میکند یکی‌از درهای قدیمی وجود دارد که معمولا بسته است وازآن رفت‌وآمد نمیشود وبردولنگه راست وچپ آن‌بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی این‌جملات نوشته شده است :

« قال‌الله تبارك وتعالی ان‌المساجدلله فلاتدعو مع‌الله احداً . »

« موفق‌شداستاد محمودبن صدرالدین نجار واین‌دررا که ازمال وبعمل‌خود»

« ترتیب نموده وقف نمود بر مسجد جامع اصفهان قربةالی‌الله تعالی فی غره شهر»
« شعبان‌المعظم سنة اثنی وستین وتسعمائة . »

۲۹ ـ کتیبه‌های ساختمان روی حوض مسجد :

روی حوضی‌که وسط صحن مسجد جمعه ساخته شده بر دو جـرز آجری چهارستون ساختمان آن دولوح سنگ مرمریك بطول ۵۷ وعرض ۵۰ سانتیمتر نصب وکتیبه‌آن دو بشرح وترتیب زیراست :

کتیبه لوح غربی بخط ثلث برجسته :

« فی‌ایام خلافة السلطان الاعظم‌الاعدل الاکرم قهرمان الماء والطین ظل‌الله»
« فی‌الارضین مالك رقاب الامم مولاملوك العرب و العجم ابوالمظفر خدای بنده »
« سلطان محمد خلدالله ملکه وسلطانه رقم فقیر صحیفی سنة ۹۸۵ » . کتیبه لوح شرقی بخط نستعلیق شامل اشعار فارسی چنین‌است :

« به‌یمن داور دین صدر اعظم — غیاث‌الملة والدین میر میران »
« موفق‌شد باحسان یوسف آقا — قدم زد بی ریا درخیرو احسان »
« بروی‌حوض‌مسجد ساخت‌تالار — که باشد سجده‌گاه اهل ایمان »
« صحیفی‌اینعمارت‌یادگاری‌است — که ازوی ماند درشهر صفاهان»

سنه ۹۸۵

از فرد آخر معلوم میگردد که نویسنده و شاعر همان صحیفی جـوهری شیرازی معروف بوده است .

۳۰ـ کتیبه‌های مربوط به آب مسجد :

درمقابل محراب گچبری ضلع جنوبی دالان و روی (دالان شرقی‌مسجد) لوحی ازسنگ سفید بطول ۱٫۲۱ و عرض ۸۳ سانتیمتر وجود دارد که کتیبه آن بخط ثلث برجسته محتوی عبارات واشعاری چنین است :

«بیمن توفیق‌ربانی وتأیید سبحانی درزمان دولت خاقان‌الاعدل الاعظم‌مالك»
« رقاب الامم مولی سلاطین العرب و العجم السلطان بن‌السلطان ابوالمظفر شاه »

« طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه در ملازمت شاهزاده عالمیان نور »
« حدیقه امن وامان ابوالنصر سلطان احمد میرزا بنده درگاه امیراصلان بن رستم »
« سلطان‌للّه‌افشارارشلو از زنده‌رود اصفهان‌حفر نهری نموده و آب‌مباح‌مسجدجامع »
« مذکور مجری وممر آب مزبور راکه این‌بند تحت‌بندنهرظهراست آنرا‌بلافاصله »
« مع‌التوابع واللواحق وقفاً مخلداً مؤبداً باین‌وجه‌که مسلمین ومسلمات ازشرب »
« وطهارت‌آن محظوظ باشند و چون ازمسجد خارج شود بهرمحل‌که جاری شود »
« منافع آنرا بمصرفی که‌دروقفیه مسطوراست‌صرف نمایند وشرط نمودکه باشراف »
« ونظارت‌حضرت افادت وافاضت پناهی شیخ‌الاسلامی زیناعلیا منشارا خود بنفس »
« نفیس‌وبعد متولی وقف مزبوربوده وبنظارت تولیت‌چنانچه دروقفیه مسطوراست »
« قیام و اقدام نمایند و قبل از ورود آب بمسجد جامع مذکور احدی از بالا آب »
« بباغات و مزروعات نبرد و بغیراز طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند سوای »
« حضرت شیخ‌الاسلامی‌که در بردن‌آب . . . » و مفادآن حاکی است‌که امیراصلان سلطان ارشلوللّه سلطان‌احمد میرزا فرزند شاه‌طهماسب درعهد سلطنت شاه‌طهماسب بمعیت سلطان احمد میرزا نهری اززنده رود اصفهان حفر و بمسجد جامع آورده ووقف برمسجدکرده است وشرایطی برای استفاده مردم ازآن قرارداده است ولی مفاد وقف بتدریج متروك وفراموش شده بوده ومجرای مزبور درسال ۱۳۴۰ شمسی مورد لاروبی قرارگرفته است این آب که درگذشته اختصاص بمسجد داشته اینك محله‌خواجان راکه درمجاورت مسجد قراردارد سیراب‌میکند؛ درپائین لوح‌سنگی که‌کتیبه‌آن نوشته شد این اشعارنیزخوانده میشود :

« آفاق بفر شه دین دار جهان جو — چون صورت مینا شده وروضه مینو »
« برخاك‌درش‌سجده‌کنانندچوخورشید — . . . . . . رخ بنهد رو »
« بردرگهش‌آن بنده‌که‌منظورنظرهست — در حکم سکندر شدو . . . »
« . . . . افشار — آن کس للگی داد شهنشاه هنرجو »
« از رود صفاهان بسوی مسجد جامع — . . . . روان کرد یکی جو »

« این کار نیامد زخدا بنده و غازان وین آب نیاورد . . . . . »
« تاریخ . . . . . . گفت : (آب‌ملك‌اصلان بیك سلطان ارشلو)»

مفاد اشعارکه مقداری‌هم از آن ریخته حاکی است‌که درسال ۹۸۴ یعنی سال آخرسلطنت شاه‌طهماسب آب مزبوررا اززنده رود بمسجد جامع آورده است وضمناً استنباط میگرددکه درزمان غازان خان و سلطان محمد خدابنده نیزچنین نظری بوده ولی انجام نشده است .

ب ـ کتیبه‌هائی‌که مفادآن بمسجد ربطی ندارد :

۱ ـ توبه‌نامه شاه طهماسب :

درسمت راست محراب‌گنبد نظام‌الملك بريك لوح سنگی بطول ۷۰ و عرض ۶۶ سانتیمتر بخط ثلث برجسته کتیبه‌ای باین شرح خوانده میشود :

« العزةلله جمیعاً » .

« بحمدالله وحسن توفیقه که بتأیید مسند صدرنشین معزالله اولیائه و مذل »
« اعدائه لوامع سرمکتوم و رمز مکنون مضمون یمحوالله الباطل و یحق الحق »
« بکلماته ازمشرق خاطر مهر انور اعلیحضرة شاه عالمپناه ظل‌الله ابوالمظفر شاه »
« طهماسب بهادرخان‌خلدالله ملکه وسلطانه نورتأثیربرافق تقدیرانداخته درحین »
« تقبیل عتبه‌علیه رضیه رضویه علی مشرفها الصلوة والتحیّة جبین مبین اعتقادش »
« بطلایه توبوا الی‌الله توبة نصوحاً محلی ومطلی‌شده بعدازاین توبه نصوح ازکل »
« منکرات‌کوکب امرمطاعش بذروه اتباع رسیدکه فردی ازافراد . . . » وبطوریکه ملاحظه‌میگردد بقیه سنگ لوح نیست ومعلوم نگردیده‌که درچه زمان دوقسمت سنگ از یکدیگر جدا شده است آنچه مفهوم میگردد اینست‌که شاه طهماسب پس‌ازتشرف بزیارت حضرت رضا علیه‌السلام این توبه نامه را نصب‌کرده است .

۲ ـ فرمان منع ورود بخانه مردم :

درضلع غربی‌گنبد نظام‌الملك میان گنبد وچهلستون سلجوقی برروی دیوار یکی ازمدخلهای بازکه‌گنبدوچهلستون‌را بیکدیگرربط میدهد لوح سنگی بطول

یك متروعرض ۷۲ سانتیمترمنصوب گردیده ولی قسمت پائین آن که ظاهراً محتوی کتیبه تاریخی بوده ازبین‌رفته وشکسته شده است .کتیبه مزبور بخط ثلث برجسته چنین حجاری شده است :

« فرمان همیون شدآنکه چون حضرت ملك ذوالجلال و خداوند لم‌یزل و »
« لایزال جلت شانه و عظم برهانه طغرای غرای سلطنت پادشاهی عرصه جهان »
« برحسب آیه‌کریمه اناجعلناك‌خلیفة فی‌الارض باسم سامی ونام نامی نواب‌همیون »
« مارقم‌فرموده توقیع وقیع‌خلافت وکشورگشائی دارالسلطنه وآتیناه ملکاً کبیراً »
« را بحکم یفعل‌الله مایشآء ویحکم مایرید بالقاب همیون ماموشح ومزین ساخته »
« بعون عنایت ازلی وتاییدات محض لم یزلی وجودکثیرالجود ما راکه مظهرآثار »
« لطف واحسان است سرمایه امن و امان گردانیده واراده خجسته صفات ما که »
« مصدر انواع مکرمت وامتنان است منبع مرحمت و احسان فرموده پایه قدر و »
« منزلت ودرجه قرب و رفعت ما را باوج مدارج خلافت جهانی ودر پناه ابهت و »
« کشورستانی رسانیده عالمیان بل‌کافه جهانیان را بموجب آیه وافی هدایت و ما »
« ارسلناك الارحمة للعالمین‌درظل رأفت وسایه معدلت ماجای‌داده لاجرم مضمون »
« باصدق مشحون ان‌الله یامربالعدل والاحسان‌را نصب‌العین ضمیر انورونظرکیمیا »
« اثرداشته بشکرگذاری این مراتب علیه و سپاس ادای این مواهب سنیه همواره »
« توجه‌خاطرفیض مآثر وپیوسته نیت ضمیرمنیرمان ناظروبدان مصروف‌ومعطوف »
« داریم‌که در عهد سلطنة بی‌زوال و زمان خلافت ابدی الاتصال کافه رعایا و برایا »
« که ودایع بدایع حضرت خالق‌البرایا بیمن معدلت همیون درمهد فراغت وبستر »
« استراحت غنوده درمساکن واوطان مرفه‌الحال وفارغ‌البال روزگارگذرانند سیما »
« جمعی‌که بخلوص عقیدت وصفای طویت ازسایر اهل زمان ممتاز بوده درمضمار »
« اخلاص ویك جهتی واختصاص ونیکو بندگی‌گوی مسابقت ورجحان را از اکفاء »
« واقران ربوده باشند مکرر دارالسلطنه اصفهان بیمن نزول موکب نصرت قرین »
« غیرت‌افزای بهشت برین‌گشته همگی مردم‌آنجا را درشاه راه مخالصت وبندگی »

« و جاده اخلاص و یکجهتی نواب کامیاب همیون ثابت قدم و راسخ دم یافته‌ایم »
« حقیقت ولاویکرنگی وصدق عقیدت ودولتخواهی مردم‌آن بلده برحسب مثال »
« مرآت ضمیر منیر آفتاب تأثیرکالشمس الشارق من‌السمآء ظاهروروشن گشته و »
« همگی سرومال و جان در راه نواب همیون ما نهاده‌اند بنابراین مجدداً سادات »
« عظام ونقباء کرام وقضات اسلام و ارباب و اهالی فخام و اصول اعیان وصواحب »
« کدخدایان وجمهورمقیمان وسایراهالی ومتوطنان ورعایا دارالسلطنة مذکورة و »
« بلوکات‌وولایات‌را مشمول عواطف بیکران‌شاهی وملحوظ مکارم واحسان بی‌پایان »
« پادشاهی فرموده خانها کل دارالسلطنه مزبوره و مواضع فرود . . . . از نزول »
« بلعنت نامه برطرف فرموده مقرر داشتیم‌که من بعد هیچ آفریده از امراءِ عظام »
« و مقربان‌کرام وملازمان درگاه فلك احتشام وقورچیان‌ظفر فرجام خاصه‌غلامان »
« وملازمان بیوتات شریفه . . . . از هرطایفه و طبقه وهرکه بوده باشد در خانه »
« احدی نزول ننموده پیرامون نگردند وهرکس درهرخانه نزول داشته باشد در »
« روز بیرون رفته و توقف ننمایند تا همگی بفراغت خاطر درخانه و مکان خود »
« ساکن بوده دعا بدوام دولت ابدی الاتصال ما نمایند » .

هرچند ازکتیبه مزبوربرخی ازکلمات ازبین رفته ولی مطلب را حاکی است که چون درزمانهای پیش رسم این بوده‌که متابعان سلطنت درخانه های مردم شهر جبراً سکونت وموجب اضرار وآزارمردم میشده‌اند دراین فرمان مقررگردیده‌که از این رویه خودداری کنند ، درکتیبه مزبور صادرکننده فرمان تصریح نگردیده ولی بقرینه کلمه دارالسلطنه و شیوه تحریری فرمان میتوان گفت صادرکننده آن شاه طهماسب بوده است .

۳ ـ فرمان شاه اسماعیل صفوی :

« در سمت راست مدخلی‌که صفه صاحب را بگنبد نظام‌الملك وصل میکند

دوفرمان ازشاه اسماعیل وشاه طهماسب صفوی وجود دارد . که فرمان شاه اسمعیل آن بخط ثلث برجسته برسنگ سفید چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال‌الله تبارك و تعالی اطیعواالله و اطیعوا الرسول »
« واولوالامر[1] منکم مستفاد ازکلام معجز نظام‌وامر باحکام‌ثلاثه‌آنکه برهرفردی »
« از افراد اطاعة وانقیاد واجب ولازم وهرآینه مصدوقه این مقال ذکرحکمتیست »
« که از خلیفةالزمان ناشرالعدل والاحسان الامام العادل الکامل الهادی الغازی »
« الوالی ابوالمظفر السلطان شاه‌اسماعیل الصفوی بهادرخان‌خلدالله ملکه وسلطانه »
« نفس مبارك همایون شدکه من بعد هرکس‌که برخانها ومحلات اصفهان وسکنه »
« آنها چیزی‌حواله نماید یاهرکس‌که دهد و . . . ستاند واجب‌القتل باشد . . . . »
« خلاف‌کننده درلعنت خدا و رسول و بعتاب شاهی‌گرفتار .» .

مفاد این فرمان هم اینستکه کسی نباید وجهی از خانها (کاروانسراها) و محله‌ها و سکنه اصفهان گرفته شود و هرکس برخلاف این دستور عمل‌کند مورد مؤاخذه دولت و نفرین ولعنت قرار خواهد گرفت .

در لوح مزبور تاریخی نوشته نشده ولی در زیرلوح مزبور سه لوحه دیگر گچبری شده‌که متن‌آنها اشعاری‌فارسی ودرمصراع‌آخرماده تاریخی داردکه با ۹۱۱ منطبق است :

« آنکه جهان مظهر شانش بود — بسمله طغرای نشانش بود »
« شاه زمان شاه ملائك حشر — رایت مهر آیت فتح و ظفر »
« خلق جهان را زکرم این عطا — کرد بسال الف و یا وطا »

فرد آخرشعر آخرمیرساندکه لوحه درسال الف و یا و طا نصب شده و چون این حروف را بمراتب خود بنویسیم میشود ۹۱۱ که با سلطنت شاه اسماعیل اول منطبق میشود[2] .

۱ــ در آیه اولی‌الامر است . ۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۸ .

۴ ـ فرمان شاه طهماسب راجع به بخشیدن مالیات :

در زیر لوح سنگی که فرمان شاه اسماعیل بر آن نوشته شده لوح دیگری سنگی بطول ۲/۴۵ و عرض ۱/۸ متر موجود است که کتیبه آن بخط ثلث برجسته چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال‌الله تعالی من‌جاء بالحسنة فله عشر امثالها و »
« عن‌النبی صلی‌الله علیه و آله وسلم من سن سنة حسنة فله اجرها و اجر من‌یعمل »
« بها الی یوم القیامة مصداق این مقال هبوب نسیم افضال است که در این اوقات »
« برقوی وضعیف ازاینروح فیض وکرم اختر برج مکارم ونعم‌السلطان‌بن السلطان »
« ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان لابرحت رایات دولته منصورة واعداءِ حشمته »
« مقهورة وزیده و عنایة شامله برفع قوانین فساد از دارالسلطنه اصفهان فرموده »
« که هیچ یك از سلاطین ماضیه برفع آن توجه ننموده بلکه درهرعصری علاوهٔ »
« بر آن افزوده و فرمان واجب‌الاذعان مؤکد بلعنت نامه شرف نفاذ یافت آنکه »
« مضمون مال و جهات و وجوهات و اصناف محترفه بلده و بلوکات و ولایات و »
« تمغاوات از سرجواز و بیع‌الحوائج و زکوة گوسفند و مواشی بلده و بلوکات و »
« ولایات ودارالسلخ وسوق‌الدواب وطریق قومشه و مالواجرد وقلعه ملوس و باج »
« و بلدی و بیع‌الحلیج وسرجواز خورده و بازار مرغ وخلقانی و برد و میزر و »
« طریق ریدو رباط و دروب سلطان و مورچه خورت و سرزر و داروغگانه و »
« سرکلگی‌کرون و احداث و هوایی رار ومزدج وفریدن و دارالضرب که مبلغ »
« دوهزار تومان تبریزی تخمیناً میشده براهالی و رعایا وتجار محترفه وعابرین »
« این دیار تصدق فرموده‌اند و این مثوبات راهبه ارواح مقدسه چهارده معصوم »
« علیهم‌السلام نموده‌اند و اهداء این ثواب نیز اهداءِ بروح پرفتوح الامام العالم »
« موسی‌الکاظم علیه‌السلام هدیه فرموده‌اند فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی »
« الذین یبدلونه و صورت این موهبت را حسب‌الامرالمطاع ذره بیمقدار علی »
« الکرکی . . . این‌مضمون کالنقش فی‌الاحجار برخواطرسکنه این دیاروالعابرین »

« من جمیع الامصار جای گیر شد و با همگنان در دعا و دوام دولت آن اعلیحضرت »
«کوشیده تغییر کننده درلعنت الهی وعتاب نامتناهی باد. کتبه العبد علی بن جعفر.....»
در جاهائی که نقطه گذارده شده یا کلمات خوانده نشده و یا سائیده شده بوده است .

۵ ـ فرمان شاه طهماسب راجع بچوپان بیگی :

در دالان ورودی مسجد درقسمت جنوبی لوحی سنگی بطول ۱/۱۰ وعرض ۸۸ سانتیمتر وجود دارد که کتیبه‌ای بخط خوش ثلث برجسته برسنگ مرمر باین شرح برآن حجاری شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین » .
« فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون مقصد اصلی از تکفل امور »
« جهانبانی ومطلب کلی ازتصدی مهام کشورستانی مراعات جانب عموم رعایا ورفاه »
« احوال کافه برایا است وحضرت واهب بی‌منت که پادشاه علی‌الاطلاق است جل‌شانه »
« وعظم سلطانه منشورمبرور خلافت بیزوال مارا بطغرای غرانی جاعل فی‌الارض »
« خلیفة مزین ونشان عالیشان سلطنت ابدی‌الاتصال مارا بتوقیع اطیعوالله واطیعوا »
« الرسول واولی‌الامرمنکم موشح گردانیده وشمسه‌رایت فیروزی مارا آیت‌المطلع »
« اذاجاءِ نصرالله والفتح وماهچه رخشان لوای‌فلك فرسای ما ازمکمن وینصرك‌الله »
« نصراً عزیزا تابان و درخشانست الحمدلله الذی فضلنا علی کثیر من عباده لاجرم »
« ما نیزبشکرانه عواطف اللهی همواره همت والانعمت صافی طویت به‌بسط بساط »
« معدلت و احسان نسبت بکافه زیردستان مصروف و معطوف فرموده‌ایم و پیوسته »
« مطمح نظرفرخنده برآنست که کافه برایا وعموم‌خلایق ازتکالیف دیوانی سبکبار »
« بوده ودرکل‌موارد مرفه وآسوده باشند وچون دراین چند سال رعایا ومتوطنین »
« دارالسلطنه اصفاهان عن‌بلده وبلوکات به‌جهت استیلای‌مخالفان بولایات‌خراسان »
« وآمدوشد ایشان بآنجا از تردد دواب واخراجات عساکرمنصوره تعب وتشویش »
« بسیارکشیده در جمیع موارد تا یك جهتی ایشان بمنصه ظهور رسیده ودرخاطر »

« فیض مأثرما رسوخ یافته بودکه‌چون اعادی دین ودولت منکوب‌گشته بتوفیق »
« الله‌تعالی ممالك خراسان بحیطه تسخیر و تصرف درآمده ضمیمه سایر ممالك »
« محروسه گردد و بسعادت زیارت طواف روضه مشهد مقدس منور معطر حضرة »
« امام‌الجن والانس ابوالحسن علی‌بن موسی‌الرضی فایزگردیم در رفاهیت احوال »
« کل ساکنین و متوطنین دارالسلطنه مذکور توجه خاطر اشرف مبذول فرموده »
« وجوه چوپان بیگی وکدو ایشان را بتخفیف و تصدق مقرر فرموده ثواب آنرا »
« بروح مطهرمنور آن حضرة هدیه فرمائیم چون درین اوقات بعون عنایت ازلی »
« وتوفیقات لم یزلی ابواب فتوحات غیبی وعواطف لاریبی برروی روزگارفرخنده »
« آثار اولیای دولت ابدی الاتصال ماگشوده مملکت‌خراسان بتسخیراولیای نواب »
« دولت همایون ما درآمد وبشرایف زیارت و طواف آن . . . . حضرة حسب‌کلام »
« معجز نظام سیدالمرسلین صلی‌الله‌علیه و من زارالذی بطوس فکمانما زاربیت‌الله »
« الحرام استسعادیافته بامداد روح مقدس معطر آن‌حضرة مخالفان نیست ونابود »
« گشته‌دارالسلطنه هراة مرکزسرادقات‌جلال‌گشت عنایت بیغایت شاهانه شاملحال »
« عموم سکنه و متوطنه دارالسلطنه اصفاهان از سپاهی ورعیت فرموده از ابتدای »
« تنگوزئیل وجوه کدو وچوپان بیگی دارالسلطنه مذکور که ابواب المال قدیم »
« را انفراداً . . . تنفیذ مینمودند. » . بطوریکه مؤلف‌گنجینه‌آثارتاریخی‌اصفهان تذکرداده‌اند سبك املاءِ مطابق خود کتیبه است وتصرفی درآن نشده ولی در مورد طغرا و غرا که متذکرشده‌اند در متن کتیبه بدون (ی) میباشد درصورتیکه عبارت اقتضا دارد که طغرای غرای باشد نگارنده در عکس‌کتیبه مزبور بدقت رسیدگی کردم ولی معلوم شد که بالای کلمه طغرا حرف (ی) وجود دارد و چون در خط ثلث از یك حرف در دو مورد گاهی استفاده میشود ممکن است حرف (ی) ازآن طغرا و غرا هردو باشد . نکته دیگر اینکه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تذکرداده شده‌که درکتیبه موردبحث: اولوالامرمنکم‌باواو نوشته‌شده درحالی‌که در آیه شریفه‌ومطابق قوانین‌نحوی باید اولی‌الامر بیانوشته‌شود این‌موردهم روی‌عکس

بررسی ودقت شد ومعلوم گردید که در کتیبه هم اولی‌الامر بیا نوشته شده‌است .

نکته دیگر اینکه درقسمت عبارت : (رعایا ومتوطنین دارالسلطنه اصفاهان) نوشته‌اند که صفاهان بدون همزه درکتیبه خوانده شده است ، باین موضوع هم رسیدگی گردید وعکس کتیبه میرساند که اصفاهان باهمزه میباشد .

۶ ـ فرمان شاه طهماسب راجع بوجوه راهداری مأکولات :

در مقابل لوح سنگی جنوبی دالان شرقی که گذشت دو لوح سنگی دیگر وجود داردکه باخط نستعلیق خوش حجاری شده است .

مفاد لوح فوقانی بطول ۱۰۷ و عرض ۶۲ سانتیمتر که قسمتی ازآن ازمیان رفته وقسمتی باقی مانده بشرح زیر است :

« . . . . آنکه در این . . . . و بنابر ازدیاد موارد . . . . . شفقت »
« بیدریغ شاهی درباره . . . . . . وفراغ بال ایشان وجوه راهداری ماکولات را از »
« غله و میوه و برنج و روغن و امثال ذلك که جهت فروختن بدارالسلطنه مذکور »
« آورند وبمحال دیگر برند سوای عقاقیل وشکرواجناس ابریشمی وریسمانی‌که »
« تجارازجانب هند بدارالسلطنه مذکورآورند وابریشم‌که ازگیلان وشفت و. . . . »
« که از روم میآورند و اجناس ابریشمی وریسمانی‌که ازیزد وکاشان وسایر محال »
« بدارالسلطنه مزبورآورند وباطراف‌وجوانب برند تخفیف وتصدق مقررفرمودیم »
« که من‌بعد بدین جهت طلبی از مترددین ننمایند . . . . . ومستحفظان شوارع »
« دارالسلطنه‌مذکورسیما ملازمان امارت‌پناه نظام‌الدین‌شیخ . . . . وجوه راهداری »
« ماکولات‌را بتخفیف وتصدق مقررفرمودیم . . . . بدین‌علت ازمترددین بازیافت »
« نکنند و مزاحمت تجار. . . واقمشه و اجناس ابریشمی و ریسمانی . . . . که »
« بدارالسلطنه مذکورآورده از وجوه راهداری . . . . دستورالعمل ازدیوان اعلی »
« قراریافته بازیافت ننموده زیاده‌ازآن یکدینارویکمن بار. . . . . سوای‌معمول »
« که اسب وگاو وگوسفند والاغ‌که . . . . ازمخالف‌که موجب عتاب و خطابست » .

دوفرمان اخیر که بشاه طهماسب صفوی نسبت داده شده در متن‌کتیبه‌ها این

انتساب صراحتی ندارد وبعلاوه تاریخی هم درفرمان دیده نمیشود .

مؤلف گنجینه آثارتاریخی اصفهان همآنرا باتوجه بقرائن تاریخی منسوب بشاه طهماسب دانسته است .

۷ ـ فرمان دیگر ازشاه طهماسب راجع بتخفیف مالیات اصناف :

در پائین لوح سنگی فوق‌الذکر لوح سنگی دیگری بطول ۱٫۵۶ و عرض ۵۴ سانتیمتر نصب شده‌که کتیبه‌آن بخط نستعلیق خوش برجسته برسنگ پارسی چنین خوانده میشود و بعضی از سطور وکلمات‌آن نیز محو شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . ثواب‌جزیل این امرجمیل را هدیه ارواح مطهره »
« مقدسه منوره متبرکـه حضرات چهارده معصوم . . . . بنت خیرالانـام . . . . . »
« علیهماالصلوة والسلم شد چون مشیت ازلی واراده لم یزلی بانتظام اسباب حضور »
« صوری ومعنوی . . . . متعلق‌گشت بمقتضاءِ حکمت بالغه ذات قدسی . . . . شده »
« زمام حل خواص و عوام و عنان قبض و بسط ارزاق اهالی بکف کافی آن مرکز »
« دوایر مفاوضات سبحانی درآمده کافه انام وعامه اهل اسلام درظل رافت وکنف »
« عاطفتش‌مرفه وفارغ‌البال‌اند مصداق این‌مقال وقیرالاجلال صورت ... والحدثان »
« که در ظل رایات عرش‌سای سلطان سلاطین زمان باسط بساط امن وامان‌المروج »
« للشریعة الحقة الامامیه بتأیید الملك المنان حامی بیضةالاسلام عن‌الانکسار »
« من‌رجوم الشیاطین الزمان‌السلطان‌بن السلطان‌بن‌السلطان ابوالمظفرمعزالدین...»
« شاه طهماسب بهادرخان . . . لواءِ معدلته . . . . مبین و ایده بالجود والامتنان »
« نشوونما یافته هبوب عواصف . . . . . عندلیب زمان پیرامن حدایق ذات بهجة »
« و بساتین ذات نضرتشان‌نگشته ازوصمت فتور وانحلال وحدت وقصور واختلال »
« مغیرالحال‌نیستند از انعامات عامه وتصدقات شامله‌که درین زمان فرخنده اوان »
« ازان مصدر مفاوضات سبحاتی . . . . وکیفیت شیوع . . . و بلاد . . . ومعمورند »
« سیما اکابر و اهالی دارالسلطنه اصفهان صانهاالله تعالی عن‌آفات الزمان آنکه »
« مال ووجوهات اصناف وتمقاوات از . . . جواز وتمقاءِ . . . قلعه ملوس . . . . »

« ومالواجرد وبيع الحوايج وقرارزكوة وباج وبلدی وبيع الحليج ومواشی وسر كلگی »
« كرون وسرجواز خورده وسوق الدواب و تمقاطريقات ازطريق قومشه و مورچه »
« خورت وريد ورباط . . . سلطان . . . وسبزه زر داروغگانه وامثال مذكورات در »
« دارالسلطنه مذكوره وساير بلاد ممالك محروسه . . . ماضيه داخل . . . سلاطين... »
« امضاءِ نموده درمخيله احدی ازايشان صورت اين موهبت خطور ننموده خاطر قدسی »
« مأثر بندگان نواب اشرف اقدس اعلی ايده الله تعالی باين هديه عظيمه و عطيه »
« جسيمه توجه فرموده تا مبلغ دوهزارتومان كه بهرجهت . . . شد مذكورات بود »
« بتخفيف و تصدق . . . دارالسلطنه مذكوره . . . سپارده احكام مطاعه بتواريخ »
« مختلفه كه متمم آنها اوايل سنه احدی وسبعين وتسعمائه سمت صدور يافته برفع »
« سدومنع آمد. . . رسوخ وتاييد اين موهبت مولد لعنت نامه شده . . . . ومركوز »
« گشت تادرصحايف خواطر كالنقش فی الحجر صورت پذيرگردد ومن بعد در . . . . »
« تغيير وتبديل آن متصور نشود واز مضمون آيه كريمه ومن بدله بعد ماسمعه »
« فانما اثمه علی الذين يبدلونه متغط گشته تغيير كننده درسخط ولعنت الهی باد . »

اين بود وضع ساختمان مسجد جامع عتيق اصفهان وكتيبه‌های آن كه بيشتر آن ازكتاب گنجينه آثار تاريخی اصفهان اقتباس شده است .

بطوريكه درهرمورد تشريح گرديده اولين تاريخی كه از قديمترين ايام در مسجد مزبور جلب نظر ميكند تاريخ بنای گنبد تاج الملك است كه در سال ۴۸۱ هجری انجام گرديده است وتاريخی صريح كه مقدم برآن باشد اكنون درميان نيست.

بعدازآن تاريخ ۵۱۵ هجری است كه درقسمتی ازساختمانهای مسجد كه پس از حريق ملاحده تجديد بناگرديده سال مزبور دركتيبه كوفی آن تصريح شده است . سپس تاريخ ۷۱۰ هجری وزمان سلطان محمد خدابنده اولجايتو ميباشد كه بناهائی در مسجد در وزارت سعدالدين محمد ساوی و با اهتمام عضدبن علی الماستری و بمباشرت ابوالفتح احمدبن محمد خازن وبنائی جيدرنام انجام گرفته است . در پی آن تاريخ ۷۶۸ هجری است كه مربوط بدوره سلطان محمود آل مظفر است وصفه

عمر بوسیله واهتمام مرتضی‌بن حسن عباسی زینبی درآن تاریخ ساخته شده است وکاتب‌کتیبه‌آن بخط ثلث عزیزالتقی الحافظ الهروی بوده است. دنباله آن تاریخ ۷۷۸ هجری است که محراب صفه عمر درآن تاریخ مورد تعمیر واقع وکتیبه آن بخط ثلث علی کوهیار ابرقوهی است.

در ۸۵۱ هجری که زمان سلطان محمدبن بایسنقر تیموری باشد عمارت بیت‌الشتاءِ مسجد بوسیله‌عمادبن‌مظفر ورزنه‌ای‌انجام‌شده وکاتب‌کتیبه‌آن سیدمحمود نقاش میباشدکه بخط ثلث نوشته است.

در ۸۸۰ هجری ابوالنصرحسن بهادر اصلاحاتی در مسجد معمول داشته ودر صفه صاحب کتیبه آن بخط ثلث موجود است و بنّای‌آن جمال خادم شیخ محمدبن شیخ یوسف بنا بوده است.

درسال ۹۱۱ لوحه‌ای ازشاه اسماعیل صفوی راجع بمنع پول گرفتن ازمردم اصفهان وصدورحواله بخانه‌ها درسمت راست مدخل صفه‌صاحب نصب‌گردیده‌است.

در۹۱۸ هجری درمحراب شرقی صفه صاحب تعمیراتی بعمل‌آمده وکتیبه‌آن بخط ثلث تاج‌الدین میباشد. در سال ۹۳۸ هجری در زمان شاه طهماسب صفوی شمس‌الدین محمد اصفهانی تزییناتی بسعی واهتمام بانوآقاسلطان درمسجد معمول داشته وکتیبه‌آن بخط ثلث‌کمال‌الدین حسین‌حافظ هروی وتاج‌الدین معلم اصفهانی وعمل‌ساختمانی بدست بنایان استاد ابراهیم‌بن استاد اسماعیل ویوسف‌بن تاج‌الدین بنای اصفهانی صورت گرفته است.

در سال ۹۶۲ هجری استاد صدرالدین نطنزی دری ساخته و برمسجد وقف کرده است. در۹۸۴هجری‌درزمان شاه‌طهماسب امیراصلان‌بن رستم سلطان للهافشار ارشلو نهری از زنده رود بمسجد جامع آورده است.

درسال ۹۸۵ هجری درعصرسلطان محمد خدابنده‌صفوی وصدارت‌غیاث‌الدین میرمیران ـ یوسف‌آقا نامی روی حوض صحن مسجد ساختمانی‌کرده است و خط کتیبه و شعرآن از صحیفی جوهری میباشد. در سال ۸۹۲ هجری عصر خدابنده

تعمیراتی درایوان شاگرد بعمل آمده وکتیبه آن بخط ثلث نظام اصفهانی است .

در سال ۹۹۶ هجری عهد شاه عباس بـزرگ بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد حکیم اصفهانی درصفه‌حکیم مسجد تعمیراتی بعمل‌آمده وکتیبه آن بخط ثلث گچبری شده صحیفی میباشد . در سال ۱۰۷۰ هجری عهد شاه عباس دوم درصفه‌صاحب تعمیراتی شده واشاره‌گردیده‌که شاه طهماسب نیزدرآن تعمیراتی کرده بوده است .

در سال ۱۰۷۳ استاد فخرالدین شوشتری خانه‌ای را وقف و قسمتی ازعوائد آن را برای روشنائی مسجد اختصاص داده است . در ۱۰۹۲ هجری در سلطنت شاه‌سلیمان‌صفوی‌درسرقبرمجلسی تزییناتی انجام شده وکتیبه‌آن بخط حاجی‌محمد مؤمن‌کاظمی است . درسال ۱۰۹۳ هجری وعهد شاه سلیمان صفوی درایوان‌درویش تعمیراتی شده وکتیبه‌ای بخط ثلث گچبری شده دارد که حکایت ازتعمیر مزبور میکند .

درسال ۱۰۹۸ هجری درسلطنت شاه سلطان‌حسین صفوی نیزدرایوان‌درویش تعمیراتی انجام‌گرفته وکتیبه‌آن بخط ثلث محسن امامی است .

در سال ۱۱۰۲ هجری استاد امین‌بن استاد اسماعیل سرنج پز سنگابی را وقف کرده که در زیرهلال ایوان صاحب قراردارد ، این وقف در زمان سلطنت شاه سلطان حسین انجام‌گرفته است . در۱۱۱۲ درعهد شاه سلطان‌حسین نیز تعمیرات و تزییناتی در مسجد بعمل آمده و نویسندگان کتیبه‌ها علینقی امامی و محمدحسن جزایری ومحمدزمان‌بن عبدالباقی اصفهانی بخط ثلث وابوالمعالی النقیب‌الحسینی بخط نستعلیق وشاعران کتیبه‌ها افهم ونقی ومسعود بوده‌اند .

درسال ۱۱۳۹ هجری‌که دوره اقتدار اشرف افغان بوده درصفه عمر تعمیرات وتزییناتی انجام شده ومتصدی‌آن یعقوب‌خان ازسران اشرف وناظرآن ملازعفران مفتی بزرگ افغانی وخطاط کتیبه آن بخط ثلث محمدعلی مولوی بوده است .

درسال ۱۲۱۸ هجری یعنی عهد فتحعلی‌شاه قاجار و حکومت حاجی محمد

حسین‌خان صدراعظم اصفهانی درب ورودی مسجد جامع مورد تعمیر قرارگرفته و نویسنده کتیبه سردرآن ابوالحسن اصفهانی بخط ثلث بوده است.

آخرین تاریخی‌که در مسجد مشاهده شده ۱۳۰۱ هجری و مربوط بزمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است که درآن تاریخ کتیبه قرآنی سردر بواسحاقیه نوشته شده است.

این مسجدکه مجموعه‌آثار باستانی را تشکیل میدهد بموجب شماره ۳۲۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۱۰ ـ مسجد جنب پیر پینه‌دوز = جوباره :

مسجد جوباره از مساجدی است که پیش از صفویه وجود داشته و در زمان شاه طهماسب صفوی بوسیله مهتر و رکابدار شاهزاده ابوالفتح بهرام میرزا حسینی برادر شاه تعمیرگردیده است. این مسجد که در یکی ازکوچه‌های محله جوباره واقع شده آنرا مسجد درب جوباره ومسجد جنب پیرپینه‌دوز نیز مینامند اما وجه تسمیه به‌مسجد درب‌جوباره بعلت وقوع‌آن درمحله جوباره است واما وجه تسمیه دوم گویا قبر پیرپینه‌دوز درهمان اطراف میباشد درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان[۲] نوشته شده‌که وجه تسمیه نخست درست است ولی در تاریخ اصفهان وری[۳] مسجد را به مسجد جنب پیر پینه‌دوز معرفی‌کرده است و با این ترتیب هر دو نام و وجه تسمیه درست خواهد بود.

کتیبه سردر این مسجدکه اکنون برای محافظت درباغ چهلستون نگهداری میشود بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود:

« تیمناً باسمه سبحانه‌قدتشرف ببناء هذاالمسجدالمؤسس البنیان علی‌تقوی »
« من‌الله و رضوان فی‌ایام دولة سلطان سلاطین الزمان و خاقان خواقین الدوران »
« المتمکن علی سریرالعدل و مسندالاحسان السلطان‌بن السلطان‌بن السلطان »

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۲۶ . ۲ـگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۲۸۶ . ۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۴۰ .

« ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی فی‌ظل‌الامن والامان »
« من انتسب رسم‌الخدمة علی اهل‌الایمان نواب الکامران الکشورستان ابوالفتح »
« بهرام میرزا الحسینی خلدظله‌العالی‌من‌خاص ماله مقرب‌الحضرة مهترمحمدعلی »
« رکاب‌دار نواب المشارالیه وهومن اعیان الاصفهان کتبه شیخ محمد بابربن خالد »
« معلم سنة ۹۵۵ . » .

درعبارات‌کتیبه پیچیدگی‌وافتادگی بنظرمیرسد عبارات‌کتیبه بعینه‌ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل شده ولی بنظر میرسد که بعد از (بهادرخان خلد) ضمیر غایب متصل‌که فاصله بین فعل و فاعل بوده افتاده است و قاعدة باید عبارت چنین باشد : «خلده‌الله تعالی فی‌ظل الامن والامان» ودروضع‌کنونی ناقص‌است .

دیگر اینکه : «من‌خاص ماله مقرب‌الحضرة» درست بنظر نمیرسد چه‌ضمیر ماله مرجعی ندارد ودرست آن‌چنین است : (من‌خاص مال مقرب‌الحضرة) وخلاصه ترجمه‌آن چنین خواهد بود که تشرف پیدا کرده است کارگزار بهرام میرزا یعنی مهتر محمدعلی رکابدار بینای مسجد ازمال خاص خود درزمان شاه طهماسب وشاید منظور این بوده‌که محمدعلی رکابدارموفق‌شده مسجدرا ازمال بهرام میرزا بسازد .

در دو لوحه چهارشعر بخط نستعلیق سفید درسردر خوانده میشودکه تعمیر مسجد مزبور بوسیله محمدعلی رکابدار بهرام میرزا انجام شده است وآن بشرح زیر است : لوحه اول :

« در ایام شاهی طهماسب شاه — که در عهد او عدل انشا شده »
« که صیت‌عدالت ازآن شاه دین — زتحت ثری تا ثریا شده »

لوحه دوم :

« زمهتر محمد علی خالصاً — لوجه‌الله این مسجد احیا شده »
« گرش سال تاریخ خواهی بگو: — زاقبال بهرام میرزا شده »

که مفاد اشعار بالا حکایت دارد مهتر محمد علی که از اعیان اصفهان و رکابدار بهرام‌میرزا بوده درتاریخ ۹۵۶ مسجدرا احیا وتعمیرکرده است ولوحه‌های

مزبور بعدازکتیبه سردرکه ۹۵۵ بود نوشته شده است وممکن است گفت‌که کتیبه درآخرسال ۹۵۵ نوشته شده ولوحه‌ها درمحرم دنبال آن نوشته شده است .

ولی درکتاب تاریخ اصفهان‌وری[۱] ماده تاریخ مزبور بااین‌شرح نوشته شده : «باقبال بهرام میرزا شده» ودراین‌صورت سال تاریخ ۹۵۱خواهد بود ولی درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] ماده تاریخ بشرحی که در بالا گفته شد نوشته شده است. مسجد مزبور وسردرآن بموجب شماره ۲۷۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۳] .

۱۱ ـ مسجد جنب باغ حاجی :

این مسجد درجنب باغ حاجی (باغ همایون سابق) واقع و در سال (۱۰۳۳ ه . ق) بوسیله خواجه روح‌الله‌بن نورالله فراهانی از خواجه سرایان شاه عباس اول ساخته شده هرچند کوچك و وسعتی ندارد ولی سردرکاشیکاری آن جالب است .) کتیبه این مسجد بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین خوانده میشود :

« فی‌ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان‌الاعدل الاعظم مالك و قاب‌الامم »
« مولی‌ملوك‌العرب والعجم ابوالمظفرشاه‌عباس الحسینی الصفوی بهادرخان‌خلدالله »
« تعالی ظله ابداً بتوفیقات ملك سبحانی بناکرد این مسجد را توفیق‌آثار خواجه »
« روح‌الله‌بن نورالله فراهانی درسنه هزاروسی‌وسه‌کتبه محمدامین‌بن اخی . »

درتاریخ اصفهان وری[۴] بانی مسجد را خواجه فرهاد نوشته وبا صراحتی‌که درکتیبه موجود است نادرستی آن محرز میگردد و درست آن همانست‌که مؤلف دقیق‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان بیان کرده است[۵] . ثبت تاریخی این مسجد در گردش اداری است[۶] .

ضمناً متذکر میگردد اینکه درص ۸۵ ردیف ۱۲۳ بنقل ازجغرافیای‌اصفهان

---

۱ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۴۰ . ۲ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۴۸۶ تا ص۴۸۷ . ۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۴۳ . ۴ـ تاریخ اصفهان وری ص۲۷۴ . ۵ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۴۷۹ . ۶ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

گفته‌شد زمان نزول و اقامت همایون‌شاه در اصفهان طبق دستور شاه عباس عمارتی دولتی بناکردند و آنرا باب همایون نامیدند فقط از نظر استشهاد وجه تسمیه‌وفقه اللغة بوده وگرنه خلاف گفته مزبور مسلم است ودرآن زمان شاه طهماسب سلطنت داشته وپدرشاه‌عباس میهماندار بوده است.

۱۲ ـ مسجد حاجی سیدجواد=صفا :

این مسجد درمحله چهارسوواقع وبنام مسجد صفا نیزخوانده میشود وشاید چون امامآن حاجی سیدجواد بوده بنام او مشهورشده است ولی صفا را بعنوان نام آن اختیارکرده‌اند ودرکتیبه منظوم آن‌که اثرطبع طرب میباشد این نکته اشعار گردیده است .

مسجد مزبورشبستان‌کوچکی داردکه بسیارجالب ودرمحراب آن بخط خوش نستعلیق برنگ سفید برزمینه لاجوردی این اشعارکاشیکاری‌گردیده است :

« شمس فلك رفعت و مصباح دجی — علام زمان مروج شرع هدی »
فرخنده عطاءالله ذومجد و بهـا — مصداق سیادت زنژاد مـوسی »
« نجل و خلف حجة اسلام قویم — کوباقر علم آمد و عنوان تقی »
« از رهگذر خلوص وصدق وتقوی — این مسجد همچو خلد فرمود بنا »
« انجام و بنا را قـلـم فتح‌الله — بنمود دو مصرع بدو تاریخ انشا »
« این کعبه دلها است فولواشطره » (۱۲۹۶) — « این قبله حاجتست صلوا فیها » (۱۲۸۴)

« کتبه العبدالمذنب فتح‌الله غفرله »
(۱۳۱۶)

ازکتیبه مزبورمعلوم میگرددکه شروع ساختمان مسجد درسال۱۲۸۴هجری و اتمام آن در سال ۱۲۹۶ هجری بوده و در واقع دوازده سال مدت ساختمان بوده است وکتیبه در سال ۱۳۱۶ هجری یعنی بیست سال بعد از اتمام ساختمان نوشته شده است .

برجبهه‌جنوبی ایوان مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی نوشته

شده : «قال‌الله تبارك‌وتعالی» وسپس آیات ۱۵۸ و۱۵۹ سوره بقرة وآیه ۱۸ سوره توبه نوشته شده است .

در محراب ایوان جنوبی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی عبارات و اشعار زیر نوشته شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، هذا مسجدالصفا »

« لوحش‌الله‌زین نکومسجدکه‌چون بنیاد شد
از صفا شد در صفاهان کعبه دیگر بنا »

« چاررکن کعبه آمد بهرطوف این حرم
چاررکن این‌حرم ازفیض حق چون شد بپا »

« بارك‌الله زین بنای دلگشای سخت پی
صانه‌الله زین مقام جان فزای دلگشا »

« بیت معمورش بدان و مسجد اقصاش خوان
گرچه نام او صفا گردید منزل از سما »

« همچو کعبه قبله اهل دعا شد از شرف
مستجاب است هردعا دروی نمائی آن دعا »

« چون‌بناشددرصفاهان این‌نکومسجدزلطف
اصفهان شد از شرف همسایه عرش علی »

« گرخلیل‌الله شد معمار کعبه‌ای عجب
این بنا را شد عطاءالله بانی از صفا »

نجل پاك حجةالاسلام میر راستین
باقر ثانی مهین ذریه آل کسا »

« رحمة حق برروانش باد کزوی بازماند
زادگان متقی هریك جهان را مقتدا »

« خاصه بدرالعلم کنزالحلم علام زمان
میرزا آقا عطاءالله گردون عطا »

« الغرض چون این نکو مسجد باتمام آمدی
خواست تاریخی پی اتمام او فکرت مرا »
« از پی تاریخ اتمامش طرب با شور گفت :
« قبله دین و تقی شد کعبه اهل صفا »
(۱۳۲۵)

ازکتیبه فوق روشن میشودکه تزیینات مسجد ادامه داشته‌است وحتی سنگاب کوچکی درسال ۱۳۳۲ هجری قمری درمسجد نصب شده . درمقابل کتیبه کاشیکاری محراب ایوان جنوبی اشعارمعروف محتشم (هفت‌بند) درمرثیه امام سوم کاشیکاری گردیده است[۱] . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد تاکنون اقدامی نشده است .

۱۳ ـ مسجد حاجی محمد امید :

این مسجد در محله قصر منشی واقع و باحمام قدیمی آن محله مجاور است کتیبه مسجد که بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ میباشد حاکی است که مسجد مزبوردرسال (۱۱۲۹ هـ . ق) وزمان سلطنت شاه سلطان‌حسین بوسیله حاجی محمد امید ساخته شده و وقف گردیده است و چون در زمانهای بعد روبخرابی نهاده در سال (۱۳۰۸ هـ . ق) بهمت رکن‌الملك میرزا سلیمان خان نایب‌الحکومه اصفهان تعمیرشده است . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد تاکنون اقدامی معمول نگردیده است[۲] .

۱۴ ـ مسجد حاجی محمد جعفر آباده‌ای :

این مسجدکه میان محله نیم‌آورد وجماله‌کله ودرب امام دربازارچه‌ای بنام بازارچه حاجی‌محمد جعفرآباده‌ای واقع است شبستان آن درقرن سیزدهم بوسیلهٔ حاجی محمد جعفرآباده‌ای[۳] از روحانیان بزرگ اصفهان ساختمان گردیده ولی

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۸۲۶ تا ص ۸۲۸ .
۲ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۱۰۳۹ .
۳ ـ حاجی محمد جعفربن محمد صفی آباده‌ای از شاگردان مرحوم حجةالاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی بوده که بهمراه او بمکه مشرف شده وخودش عالمی محقق وبسیار زیرك ودانا وباتدبیر بخصوص در مرافعات و تمام‌کردن آنها ورساله عملیه نوشته ومقلدین هم داشته ←

بقیه مسجد پیش‌ازآن برجا بوده است ، تنخواه ساختمان شبستان مزبور از وجوه بربعضی ازتجار قزوینی‌بدست آمده و مصرف شده است . مساحت مسجد قریب سه جریب میباشد[1] .

تاریخ شروع و خاتمه بنای شبستان بصراحت معلوم نیست ؛ مسلم اینستکه در هنگام وفات حاجی‌آباده‌ای (شب ۱۹ رمضان ۱۲۸۰ هجری) مسجدآماده برای امامت بوده است منتهی تزیینات مسجد در تاریخهای ۱۲۹۶ و ۱۳۶۷ و ۱۳۷۰ هجری قمری تکمیل‌گردیده است . (ش ۶۳)

اینکه‌درکتاب‌فهرست بناهای تاریخی‌واماکن‌باستانی‌ایران‌صفحه۶۰ اظهارنظر شده‌که ساختمان مسجد حاج محمد جعفرآباده‌ای در سال ۱۲۹۶ هجری بوسیله حاجی محمد جعفرآباده‌ای مزبور انجام شده اشتباه بنظرمیرسد زیرا حاجی‌محمد جعفر در شب ۱۹ ذیحجةالحرام سال ۱۲۸۰ هجری بدرود حیات گفته است و زنده نبوده تا مسجدرا باتمام برساند ولی ممکن است در زمان شیخ عبدالجوادآباده‌ای

→ و معروف است که قرار او ثبت اموراتی که نزد او میشده بوده است که من‌بعد اشتباه کاری نشود، ومدرس دراصفهان وامام مسجدی بوده‌که برای او باسم اوبنا شده ومسجد خوش‌وصفی است ومزاحهای شیرین از آن مرحوم معروف است، شوخیها وخوش‌صحبتیهای بسیار داشته نظیر آقاجمال خوانساری وکتابهای فاضلانه نوشته، یکی نقودالمسائل است در فقه‌استدلالی که ملمع است یعنی فارسی وعربی باهم است؛کتاب مرایا دراصول ، رساله حمامیه در محل نزاع حمام شیخ بهائی، شرح تجرید الکلام، شرح دروس فقه جعفری، سئوال وجواب وغیر اینها میباشد مرحوم حاجی درشب شنبه۱۹ ذیحجة الحرام سال ۱۲۸۰ هجری قمری‌دراصفهان وفات یافت و در تخت فولاد در تکیه‌ای بنام خود مدفون گردید وعلیرضا معروف به آقاجان لنجانی متخلص به پرتو که از شعراء و خطاطان قرن سیزدهم و چهاردهم هجری بود در ماده تاریخ‌وفاتش‌جنین سرود :

سال تاریخ‌زپرتو شد سئوال گفت : «اللهم نور مضجعه»

که حساب‌آن‌بحروف ابجد همان سال ۱۲۸۰ هجری میباشد. آن مرحوم دوپسرداشت یکی‌شیخ عبدالجوادکه بعد از پدر در مسجد او امامت داشت و در سفر عتبات وفات‌کرد و دیگری حاجی اعطاءالله که مردی وارسته و ازدنیا گذشته ومجاور نجف اشرف بود و در ایام طاعون در نجف وفات کرد وهردو برادر در وادی‌السلام مدفون شدند .

(تذکرة القبور جزی از ص۳۱–۴۲)

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۲۹۱ .



(شکل ۶۳)

پسرش که امام جماعت آن مسجد بعداز فوت پدر بوده انجام شده باشد. کتیبه های مسجدآباده‌ای که درزمانهای مختلف نوشته شده چنین است :

۱ - کتیبه ایوان شمالی :

در هلال ایوان شمالی و اطراف آن بخط ثلث سوره اسری تاآخر آیه ۱۳ نوشته شده و بسال ۱۲۸۰ خاتمه میبابد و بطوریکه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته شده رقم آحادآن هنگام نصب کتیبه افتاده‌است بنابراین ممکن است که در تاریخ دیگری غیراز ۱۲۸۰ خاتمه یافته باشد. در اسپرهای متعدد ایوان شمالی بخط بنائی عبارات وجملاتی بشرح زیرخوانده میشود :

۱ ـ حاشیه‌ای مشتمل برسوره فیل و در متن جمله‌های : « یا علام‌الغیوب » « یا غفارالذنوب» «یا ستارالعیوب» .

۲ ـ حاشیه مشتمل برسوره فاتحه و متن آن سوره اخلاص .

۳ ـ یك متن باعبارت : «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله» .

۴ ـ درحاشیه متن یك اسپر کاشیکاری بخط بنائی مشکی برزمینه زرد این اشعار نوشته شده است :

« دور پرگار در میان آمد　　　نقطه در دائره عیان آمد »
« سر توحید قطب عالم شد　　　مهدی آخر زمان آمد »
« پادشاه همه جهان گردید　　　زانکه‌سلطان‌ملك‌جان‌آمد »
« عکس دلدار در دلم بنمود　　　سرور جمله عاشقان آمد »
« هرکه‌سرباخت‌اندراین‌سودا　　　آن مبرا از این وآن‌آمد »

۲ ـ کتیبه ایوان غربی :

این کتیبه‌که در سال ۱۳۶۸ هجری کاشیکاری شده بخط ثلث سفید برزمینه کاشی معرق لاجوردی باین شرح است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس آیه ۳۵ سوره نورکتیبه شده است .

در یك لوحه بخط ثلث مشکی برزمینه کاشی سفید معرق «لاحول ولاقوة الابالله العلی‌العظیم سنه ۱۳۷۰ نوشته شده است . و در لوحه دیگر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی معرق مشکی چنین خوانده میشود :

« بسمه تعالی وان‌المساجدلله فلاتدعوامع‌الله احدا سنة ۱۳۶۷ » و در جاهای دیگر نیزکلمات و جملاتی مانند : « ان‌الصلوة تنهی عن‌الفحشاءِ والمنکر » وکلمه (الله) و «اکبر» وجود دارد .

۳ ـ کتیبه سردر شرقی :

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بعد از ذکر آیه ۳۰ سوره (ص) تـاریخ کاشیکـاری در انتهای کتیبه سال ۱۲۹۶

هجری قمری نوشته شده است[1] .

این مسجد طی شماره ۳۸۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۱۵ ـ مسجد حاجی محمد مهدی :

این مسجد که بمسجد زاغی مشهور ودرکوچه درویشان محله خاجو واقع است درزمان شاه سلطان‌حسین ساخته شده وکوچك است .کتیبه سنگی سردرمسجد مزبور بشرح زیر حکایت میکند که حاجی محمد مهدی‌بن حاجی محمد رضابن حاجی غیاث‌الدین محمد مسجد را ساخته و بجهت روشنائی و بوریـا و آب کشی یکباب‌خانه و بجهت تعمیر و خدمه دو حبّه اربابی قریه مهرآبادجی را وقف‌کرده است وآن‌کتیبه چنین است :

« بنا نمود توفیق‌آثاری حاج الحرمین الشریفین حاجی محمد مهدی ولد »
« مرحمت‌پناه حاجی محمدرضابن مغفرت‌پناه حاجی غیاث‌الدین محمد این‌مسجد »
« را ووقف‌نمود بجهة روشنائی وبوریا وآب‌کشی یکباب‌خانه متصله بمسجدمزبور »
« و بجهة تعمیر وخدمه مسجد مزبور وقف‌نمود همگی وتمامی دوحبّه اربابی از »
« جمله هفتادودوحبه قریه مهرآبادجی‌مشهور به‌باب‌الحکمةمتصله بقریه‌شهرستان »
« و تغییردهنده بلعنت خدا و رسول گرفتار شود تحریراً فی‌شهر رمضان‌المبارك »
« من شهور سنه ۱۱۰۷»[3] . این مسجد تاکنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است .

۱۶ ـ مسجد حاجی منوچهر:

این مسجدکه محقر است درمحله خاجوقراردارد و بانی‌آن حاجی منوچهر نامی بوده است ، ازآثار تاریخی این مسجد سنگ نبشته‌ای است بطول ۵۰ وعرض ۳۰سانتیمتر که بربالای سردرمسجد مزبورنصب شده ومفاد سنگ نبشته‌چنین‌است:

« درزمان معدلت نواب‌کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس اعلی شاه‌عباس ثانی »
« صفوی‌الحسینی بهادرخان‌خلدالله ملکه ابداً احیاء نمود این‌مسجدرا فی‌سبیل‌الله »

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۷۸۹ تا ص ۷۹۲ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۰ .
۳ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۷۳۰ تا ص ۷۳۱ .

« حاجی منوچهر ووقف مسجد نمود یك دکان بقالی ویك دکان نانوائی ویك دکان »
« علافی که مجموع سه جسم بوده باشد وکرایه آنها را صرف روشنائی وضروریات »
« دیگر نموده وطمع کننده بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر »
« رمضان سنه ۱۰۷۲ » .

کتیبه عیناً ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل گردید[۱] . ولیکن در شمارش دکانها بعداز (یك دکان بقالی) (و) اضافه شده است . موضوع دیگری که بنظر میرسد اینستکه در عبارت «که مجموع سه جسم باشد» تحریفی شده باشد زیرا دراین جورموارد دکان را تخته وچشمه مینویسند وظاهراً در نوشته «سه چشمه» بوده وبصورت (سه جسم) خوانده شده است وگرنه اطلاق جسم بردکان درست نیست واگرچنین مفاهیمی را بخواهند اطلاق کنند بایدحجم بگویند نه جسم. دیگراینکه ازکلمه احیاءِ معلوم میشود مسجد ویران شده بوده واحیاءِ شده است . ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[۲] .

۱۷ ـ مسجد حاجی میرزا محمد صادق :

این مسجد درمحله خاجوودرنزدیکی چهارسوآجری ساخته شده وازمساجد زمان فتحعلی شاه قاجار است که بهمت مرد خیری بنام حاجی میرزا محمد صادق بناگردیده است ، مسجد مزبور وسعت زیادی ندارد ولی ازلحاظ نمای آن باکاشیهای معقلی جالب است .

کتیبه سردر مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ که قسمتی ازآغاز ووسط و پایان آن تعمیرگردیده چنین است :

« بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی لقدوفق لبناءِ هذه العمارة الشریفة والمسجد »
« الرفیعة فی الزمن الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم الشریعة »
« الغراءِ و مشید قواعدالبیضاءِ مروج دین ائمة الطاهرین السلطان بن السلطان و »

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۳۰ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

« الخاقان بن الخاقان فتحعلی شاه قاجار ادام‌الله ملکه ودولته ، الموفق بتوفیقات »
« الملك الخالق کهف الحاج والمعتمرین حاجی میرزامحمد صادق غفرالله سیئاته »
« فی‌سنة سبع وثلثین و مأتین بعدالف من‌الهجرة النبویة وقدتم بعون‌الله و حسن »
« توفیقه فی‌سنة اثنی و اربعین و مأتین بعدالالف ۱۲۴۲ » .

بانی مسجد در سال ۱۲۳۸ وفات کرده و چنین استنباط میگرددکه عمارت مسجد در ۱۲۳۷ خاتمه یافته بوده وقسمت اول‌کتیبه هم نوشته شده بوده است ولی چون بعدازوفات بانی هم دنباله‌آن تکمیل شده تاسال ۱۲۴۲ یعنی چهارسال بعداز وفات بانی طول کشیده است .

در عبارات‌کتیبه سر در الغرا والبیضا بدون همزه ممدوده درکتیبه مزبورکه عیناً ازکتاب‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان[1] گرفته شده نوشته شده است ولی چون اسلوب عبارات کتیبه عربی است و ضرورت دارد که الغراءِ و البیضاءِ ممدود نوشته شود درست‌آن نوشته شد و ممکن هم‌هست‌که در قرائت‌کتیبه همزه‌ها از نظرمحو شده باشد .

نکته دیگر اینکه درعبارت‌کتیبه المسجد الرفیعة نوشته شده درصورتیکه درست‌آن روی قوانین نحوی‌المسجدالرفیع میباشد ولی بمتابعت‌اصل همان المسجد الرفیعة نوشته شد .

بانی مسجد مزبور پس‌ازوفات درایوان‌کوچکی‌که درشمال صحن‌آن میباشد دفن شده و روی سنگ مرمری بطول یك متر و عرض ۳۸ سانتیمترکه بطور قائم نصب شده‌کتیبه‌ای بخط ثلث چنین حجاری گردیده است :

«الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون » .

« قدارتحل من‌دارالمحنة والغرور الی‌دارالبهجة والسرور المرحوم‌المغفور »
« المبرور الذی موته حیوته الجمیل وحیوته غرق رحمة ربه‌الجلیل یده للارامل »
« والیتامی کفیل اسمه لقوله دلیل و معرض عن لذات الدنیا قبل‌الرحیل ومات »

---

۱ ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۷۶۱ .

« لولایة اهل بیت الوصی والتنزیل‌خیرالحاج حاج میرزا محمد صادق فی‌احدی »
« وعشرین شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۲۴۸ » و سپس اشعار زیر بخط نستعلیق برجسته
برسنگ مرمر مزبورکنده شده است :

« معدن جودوسخا جامع دنیا ودین مجمع صدق وصفا پیرواهل یقین »
« آنکه بتأیید حق برد سبق ازسبق کرد بنا مسجدی رشك سپهربرین »
« شدچوبلاراهدف یافت‌شرف‌ازشرف مدفن اوگشت پس‌خانه‌جان‌آفرین »
«گشت‌روانش‌روان‌چون‌بسفرازجهان شدبریاض‌بهشت باشه‌دین‌همنشین »
« دربراوگسترید خوان‌ضیافت‌خلیل برسرراهش‌دویدعطرفشان‌حورعین»
« ازپی تاریخ اوخواست برآرد خرد از صدف بحر نظم لؤلؤ در ثمین »
« جلوه‌گر افتاد عقل ازپی‌تاریخ فوت گفت: (لکان هوجامع فضل مبین) »

(۱۲۳۸)

نکته‌ای‌که در فرد اول شعر چهارم بنظر میرسد اینستکه درکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان[1] که اشعارمزبور ازآن‌نقل شده(جنان) نوشته‌شده درصورتیکه جنان‌درست نیست وصحیح آن (جهان) میباشد وازاینرو درست‌آن درج شد . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد اقدامی نشده است .

۱۸ ـ مسجد حاجی یونس :

این مسجد در محله دردشت در بازارچه حمام قاضی نزدیك فلکه شهشهان واقع ومحقر است وکتیبه‌آن حاکی است‌که شخصی بنام حاجی یونس‌که‌آزادکرده حاجی صفی‌قلی بوده این مسجد را ساخته و ثواب آنرا نثار روح معتق خود قرار داده است . درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] اظهار نظر شده که حاجی یونس از خواجه سرایان دوره شاه عباس ثانی بوده است ولی در مواردیکه خواجه سرایان مبادرت بعمل خیری میکرده‌اند مخصوصاً درکتیبه‌ها کلمه خواجه اضافه میشده است ودراینجا چنین‌چیزی وجود ندارد وبعلاوه حاجی یونس‌غلام حاجی صفی‌قلی

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۲ .
۲ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۱۱ .

بوده نه شاه‌عباس ثانی وخلاصه مدرکی برای خواجه سرائی او دردست نیست مگر مدرکی تاریخی درمیان باشدکه ارائه نشده است .

کتیبه سردرمسجددرسه‌سطر حجاری شده ، سطراول آن‌که بخط ثلث برجسته میباشد چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله من بنی مسجداً کمفحص قطاة بنی‌الله »
« له بیتاً فی‌الجنة صدق نبی‌الله . » .

سطردوم وسوم‌کتیبه بخط نستعلیق برجسته باین شرح‌کنده‌کاری شده است :

« توفیق بناءِ این مسجد یافت سعادت‌مآب حاجی‌الحرمین الشریفین‌حاجی »
« یونس ازخالص مال خود قربةالی‌الله وطلباً لمرضاته وثواب‌آنراهبه کرد بروح »
« مرحوم حاجی‌الحرمین الشریفین حاجی صفی‌قلی معتق خود سنه ۱۰۷۳ کتبه »
« محمدرضا الامامی » .

ونیز روی دولنگه در مسجد کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته کنده شده که سال ساختمان مسجد را حکایت میکند وآن کتیبه چنین است :

«قال‌الله‌تعالی وان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداًصدق‌الله تحریراً فی‌اربع »
« وعشرین من‌شهرربیع‌الاول سنة اثنی وخمسین وتسعمائة الهجریة . » .

نکته‌ایکه‌دراین‌قسمت‌کتیبه بنظرمیرسد اینکه‌درعبارت : (فی‌اربع‌وعشرین) چون درمقام بیان مرتبه عدد است معمولا مینویسند : (فی‌الرابع والعشرین) و یا (فی‌رابع وعشرین) وگمان میرود درکتیبه هم (فی‌رابع) نوشته شده باشد . و چون کتیبه از گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] نقل شده هماطورکه درآنجا بوده نقل گردیده است .

سال ساختمان در که مطابق کتیبه در ۹۵۲ هجری میباشد با زمان سلطنت شاه طهماسب اول صفوی انطباق دارد . وناچار بایدگفت که این در ازجای دیگری باین مسجد نقل گردیده است ، چه تاریخ بنای مسجد بعد از ساختن در میباشد .

---

۱ ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۶۱۲ .

ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[1] .

۱۹ ـ مسجد حکیم :

این مسجد درنزدیکی بازارچه نو درپایان بازار رنگرزان قراردارد ودرقرن یازدهم هجری درزمان شاه‌عباس ثانی بوسیله حکیم داود اصفهانی ملقب به‌تقرب‌خان برروی خرابه مسجد جامع صغیرجورجیر بنا گردیده است .

علت اینکه آن مسجد را مسجد جورجیر نامیده‌اند ازآن‌رو بوده‌که درمحله جورجیر که ازمحلات قدیمی اصفهان محسوب میشده قرارداشته است .

حکیم داود بطوریکه نوشته‌اند درابتداء پزشك شاه‌صفی وشاه‌عباس دوم بوده است و چون بجهاتی مورد بی‌مهری واقع شده بهندوستان گریخته ودرآنجا درائر ملازمت اورنگ زیب و انجام خدماتی بلقب تقرب‌خان مفتخر واموالی اندوخته و آن اموال را بوسیله‌خانواده‌اش دراصفهان هزینه ساختن این مسجدکرده است .

مسجد حکیم دارای چهار در خروجی است .   (ش۶۴)

درسردر شرقی مسجددرکتیبه‌ای‌بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ اشعاری نوشته شده‌که درآن پادشاه زمان ساختمان و بانی ساختمان وتاریخ ساختمان بشرح زیر بیان گردیده است :

« در ایام سریرآرائی خاقان گردون تخت
سلیمان زمان عباس ثانی سایه یزدان »

چنان از غیب ملهم شد حکیم کاردان داود
بپای تخت هند آمد خطاب او تقرب‌خان »

« که بی‌تأخیرمیباید روان شد سوی‌اصفاهان
یکی‌مسجد توچون‌گلزارداودی نهی بنیان »

« بسعی کارفرمائی بنا شد اندراین دوران »
خجسته مسجدی چون عالم تجرید روحانی
مصفا معبدی خاطر گشا چون شیوه احسان »

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .



(شکل۶۴)

« بتاریخ بنا واضح نوشت این‌تازه مصرع را:

(مقام کعبه دیگر شد از داود اصفهان) »

(۱۰۶۷)

میان مصرع پنجم‌وششم بخط سفید بر زمینه سبزرنگ نوشته شده : «درسال ۱۳۲۳ خورشیدی» «تعمیرشد» و میان مصرع ششم و هفتم درلوحه دیگری نوشته شده : «فی‌خمس وثمانین بعدالالف» ودرآخر اشعار در یك نیم لوح بخط لاجوردی رنگ برزمینه سبز چنین خوانده میشود : « عمل میرزا محمد کاشی پز ۱۰۸۵ » ودر رأس هلال سردر درلوحه‌کوچکی نوشته شده :

« درتاریخ شوال ۱۳۶۳ بهمت حاج ابوالقاسم تبریزی تعمیرشد .»

کتیبه تاریخی مسجد در سردر شمالی قرار دارد وآن کتیبه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین نوشته شده :

« قد وفق لاتمام هذاالمسجدالرفیع فی‌زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان »
« الاکرم مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك‌العرب والعجم مروج مذهب‌الائمةالمعصومین »
« السلطان‌بن السلطان ابی‌المظفر شاه عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی »
« بهادرخان خلدالله ملکه اقل‌العباد الملك‌الکریم محمد داود الحکیم‌المخاطب »
« بتقرب‌خان ادام‌الله‌تعالی افضاله و رفع قدره الی یوم‌الدین‌کتبه محمدرضاالامامی »
« فی ۱۰۷۳ » .

در دو طرف سردر شمالی در دو لوحه کوچك بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی رنگ چنین نوشته شده :

« عمل فقیر محمد علی‌بن استاد علی بیك بناء اصفهانی » .

درقسمت بالای نمای‌خارجی ایوان‌جنوبی مسجد بخط بنائی سه‌رگی برزمینه فیروزه‌ای معرق کاشی نوشته شده :

« سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله‌والله‌اکبر» . در داخل ایوان جنوبی ابتداء نوشته شده : «قال‌الله سبحانه وتعالی» و دنباله آن آیةالکرسی و سپس این عبارات خوانده میشود :

« وقال عزوجل ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین‌آمنوا صلوا »
« علیه وسلموا تسلیماً صدق‌الله العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم‌کتبه محمدرضا »
« الامامی ۱۰۷۱ » .

کتیبه اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره جمعه است وسپس باین عبارات تمام میشود :

« صدق‌الله‌العظیم وصدق‌رسوله‌النبی‌الکریم تم فی‌تسع وستین والف ۱۰۶۹ »
« کتبه‌المذنب محمدرضا الادهمی الاصفهانی . »

کتیبه اطراف محراب مسجد بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی

رنگ مشتمل بر آیات ازاول تاششم سوره اسری وباین عبارات اتمام میپذیرد :

« قال‌الله سبحانه و تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم‌الاخر و »
« اقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان‌یکونوا من‌المهتدین کتبه »
« محمدرضا الامامی فی۱۰۷۱ » .

کتیبه درون محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بعد از آیه ۱۴۴ ازسوره بقره چنین‌نوشته شده :

« قال‌الله عزوجل و ان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداً کتبه محمد رضا »
« الامامی ۱۰۷۱ » .

کتیبه نمای خارجی‌محراب شبستان شرقی‌گنبد بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی مشتمل بـر صلوات برچهارده معصوم بوده و بـاین عبارت ختم میشود : « فی‌تسع وستین والف » و درآخر کتیبه در دوسطر کوچك بخط نستعلیق سفید بر زمینهٔ‌کاشی لاجوردی چنین‌نوشته شده :

«کتبه العبد المذنب المحتاج الی‌الله الغنی محمدرضا الامامی‌الاصفهانی . ».

کتیبه محراب شبستان غربی گنبد مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« قال‌الله تبارك وتعالی انما ولیکم‌الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون »
« الصلوة ویؤتون الزکوةوهم راکعون صدق‌الله و رسوله کتبه محمدباقر الشیرازی »
۱۲۵۴ » .

دراطراف ایوان شمالی مسجد کتیبه‌ای بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ مشتمل بر سوره‌های دهر و اخلاص نوشته شده و رقم تاریخی آن چنین‌است : «کتیبه محمدرضا الامامی فی۱۰۷۱ »

کتیبه هلال‌مقابل ایوان مزبور بخط ثلث برجسته برزمینه لاجوردی ابتداء سورهٔ شمس گچبری شده ودنباله آن چنین‌است : « قال‌الله‌تعالی ان‌الله وملائکته»
« یصلون‌علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً. قال‌الله تعالی انما»

«ولیکم‌الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون‌الصلوة ویؤتون‌الزکوة وهم‌راکعون»
«کتبه محمدرضا الامامی فی۱۰۷۰»

بردست‌انداز دوحجره طرفین‌ایوان شمالی مسجد بخط بنائی ساده برهریك یك مصرع از بیت زیر نوشته شده :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم »   « هست کلید درگنج‌حکیم »

درایوان شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی سوره‌تکویر ودنبال آن این‌عبارت خوانده میشود :

« وقال عزوجل قل‌الحمدلله الذی لم‌یتخذ ولداً ولم‌یکن‌له شریك فی‌الملك »
« ولم‌یکن له ولی‌من‌الذل وکبره تکبیراً . » .

درایوان غربی نیزسوره نصر وانفطار وعبارت زیر بخط ثلث سفید بر زمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است : « صدق‌الله العظیم وصدق رسوله »
« النبی‌الکریم کتبه محمدرضا الامامی حامداً تعالی فی۱۰۷۳ » .

و درمیان پشت بغل‌نمای خارجی ایوان مزبور در شکلی چهار گوش بخط بنائی لاجوردی برزمینهٔ کاشی سفید نام استاد معروفی‌که در این مسجد کارکرده و میتوان گفت براستادان دیگربرتری داشته بشرح زیر ذکرشده است :

« عمل محمد علی‌بن‌استاد علی‌بیك » .

شبستان غربی مسجد حکیم از نمونه شبستانهای بـزرگ وجالب مساجـد اصفهان هم محسوب ومحراب کاشیکاری آن بسیار زیبا است و کتیبه‌آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین‌است :

« وعن‌ابی‌حمزة عن‌الامام ابی‌جعفر محمدبن علی‌الباقر انه قال قال‌له رجل »
« کیف سمیت الجمعة قال‌ان‌الله عزوجل‌جمع خلقه‌لولایة محمد ووصیه فی‌المیثاق»
فسماه یوم‌الجمعة لجمعه فیه خلقه . »

این مسجد دارای هفت هزار ذرع مساحت است‌که عمارات مسجد وصحن و ملحقات‌آن درآن قرارگرفته است .

نوشته‌اندکه حکیم داود از اموالی که در هندوستان بدست آورده بوده این مسجدرا ساخته‌است وحکایت کرده‌اندکه باندازه‌ای درکیفیت ساختمان دقت‌میکرده که دستور داده بود حیوانهائی که بار مصالح برای مسجد میبردند بجای اینکه‌در تند رفتن آنها را آزارکنند علف در راهشان میریختندکه با علاقه‌آن مسیر را طی کنند وکسی‌حیوانی را آزارندهد[1].

مقبره معروف به سادات درگوشه شمال غربی‌قرار داشته است وقبر ملامحمد جعفر فرزند ملا محمدباقر سبزواری[2] پشت مجسد و مقبره حاج محمد ابراهیم کلباسی[3] وآقای محمد مهدی کلباسی[4] و عده‌ای دیگر در مقابل درب شرقی مسجد واقعند.

۱ـ تاریخ‌اصفهان‌وری ص۱ـ۲۷۰. ۲ـ ملامحمدجعفر شیخ‌الاسلام‌فرزند ملامحمدباقر سبزواری از اجله علماء وفقهای اصفهان بود و در محضر پدر وجمعی دیگر از علماء استفاده کرده بود و در اصفهان بتدریس و امامت اشتغال داشت وپس ازوفات درجنب مسجد حکیم درقبرستان‌کوچکی مدفون‌گردید. ۳ـ حاج محمدابراهیم کلباسی فرزند حاج‌محمدحسن ابن محمد قاسم خراسانی اصفهانی پدرش از هرات به‌کاخك واز آنجا باصفهان آمده و در اصفهان و قم ونجف اشرف وکاشان از محاضر وحید بهبهانی و بحرالعلوم وشیخ جعفرنجفی وصاحب ریاض و میرزای قمی و ملامهدی نراقی استفاده وپس از اینکه از طرف اساتید خود مجاز گردیده در اصفهان مشغول تدریس و امامت و افتاء و ارشاد گردیده است وبزرگانی چون میر سیدحسن‌مدرس وآقا سیدحسن مجتهد موسوی وآقامیرسید محمد شهشهانی‌را تربیت کرده است. مرحوم کلباسی از زهاد بنام و علمای عظام زمان خود بوده و تـألیفات زیادی داردکه از آن جمله است:

۱- اجوبة المسائل. ۲ - اشارات الاصول. ۳ ـ ارشاد المسترشدین. ۴ـ ایقاظات. ۵ـ رساله در تقلیدمیت. ۶- رساله درصحیح واعم. ۷- رساله در مفطر بودن قلیان. ۸ـ شوارع الهدایة. ۹ـ مناسك حج. ۱۰ـ منهاج‌الهدایة. ۱۱- نخبه. ۱۲ـ نقد الاصول.

وی در نوزدهم ربیع‌الثانی سال ۱۱۸۰ هجری در اصفهان متولد و در شب پنجشنبه هشتم جمادی الاولی سال ۱۲۶۱ هجری در اصفهان درگذشت و در مقبره مخصوص مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید.

۴ـ آقا محمد مهدی‌کلباسی فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی عالـم و زاهد متقی از فحول علماء ومجتهدان ومحققان بود در نزد پدرخود و سید حجةالاسلام رشتی وجمعی دیگر ←

این مسجد بموجب شماره ۲۲۳ به ثبت تاریخی رسیده[۱] مطالب کتیبه‌ها بیشتر آن ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است[۲].

۲۰ ـ مسجد خان :

این‌مسجدراکه درمحله خاجو درکوچه‌ایکه بطرف تروا‌سکان‌میرود واقع‌شده شیخعلی‌خان زنگنه مولود (۱۰۲۰ ویا ۱۰۲۲ هـ . ق) ومتوفی محرم (۱۱۰۱هـ.ق) وزیر شاه سلیمان صفوی ساخته وساختمان درسلطنت شاه مزبور انجام شده است.

مسجد مزبور نسبت بسایر مساجد دوره صفویه‌کاشیکاری مختصری دارد ولی تزیینات آجری‌آن جالب است وکتیبه‌هائی‌داردکه بترتیب زیرشرح داده میشود :

۱ـکتیبه ایوان شمالی مسجد برهلال دیوار مقابل آن بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ مشتمل برصلوات برچهارده معصوم و بایـن جمله ختم میشود : « کتبه عباس المولوی ». و دنبالـه آن کتیبه تـاریخی آن بشرح زیر است :

« قد امر ببناء هذا المسجد المبارك فـی‌زمان دولـة السلطان‌بن السلطان »

←

تلمذکرده ودر مسجد حکیم امامت وتدریس میکرد ومرجعیت داشت ومورد وثوق عموم بود. از آثار اواست :

۱ـ رساله در استصحاب. ۲ـ رساله در اراضی مفتوح‌العنوة . ۳ ـ رساله درطهارت. ۴ـ رسائلی دراصول. ۵ـ شرح طهارت لمعه. ۶ـ شرح‌منهاج‌ـ الهدایة درهشت مجلد. ۷ـ شرح روضة‌البهیة. ۸ـ شرح‌تصریف. ۹ـ شرح بر قسمتی از لمعه در چهار مجلد . ۱۰ ـ شفاء الاسقام در شرح تهذیب المنطق . ۱۱ ـ ضیاءالعوالم در اصول فقه . ۱۲ ـ عیون الاصول در اصول مختصر . ۱۳ـ مشارق‌الاصول . ۱۴ـ مصابیح الاصول . ۱۵ـ منهج‌السداد در شرح ارشاد . ۱۶ ـ نورالعیون . ۱۷ـ هدایةالطالبین .

نامبرده در شب چهارم جمادی الثانیه ۱۲۷۸ هجری وفات یـافت و در جنب پدر در مقبره مقابل مسجد حکیم مدفون شد . (نقل از تذکرةالقبور یا بزرگان اصفهان)

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی ص ۵۵. ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۶۱۲ تا ص ۶۱۹ .

« والخاقان بن الخاقان ظل الله المنان شاه سليمان الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله »
« ملکه اعتماد الدولة العلية العالية شیخعلیخان آصفجاهی ایده الله تعالی کتب فی سنة»
« تسعين بعد الالف » .

۲ ـ کتیبه ایوان جنوبی بر دیوار شرقی آن در یك شکل سه گوش چنین نوشته شده است :

« قال الله تعالی فی محکم کتابه المنزل علی نبیه المرسل انما یعمر مساجدالله»
« من آمن بالله واليوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم يخش الا الله فعسى اولئك»
« ان يكونوا من المهتدين و بحول الله تعالی و قوته قدقام باقدام الصدق فی صف »
« المبشرين بتلك الاية الكريمة حين ما اسفر صبح السلطنة العلية العلوية القائمة »
« فی الذرية الموسوية الصفوية من افق سريرا عدل ملوك مشارق الارض و مغاربها »
« واکمل من حملته الدنيا على سنامها و غاربها ذی السطوة القاهرة الذی اذ اتليت »
« آيات باسه على الذين عتوا فی الارض ارتعدت اكتافهم و اذا خيلت للذين ضربوا »
« صفحاً وطووا كشحاً عن النفل والفرض شرارة من جحيم غضبه اذا بترت اطرافهم »
« مذانشدت على المنابر خطب سلطنته يقوى ظهر الاسلام بفقرات مناقبه بحيث لاغرو »
« ان لم يبق كالمحاريب على الجدران وحيثما بسطت همة طايرها الميمون جناح »
« الرافة على بيضة المملكة تقاصرت يدالظلمة فافرّ من شديد بطشه بحيث لايستعجب »
« ان استوكرا لعصافير فی مخالب العقبان صاحب الدولة الكيوانية مروج الشعائر »
« الايمانية السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سليمان الحسينى الموسوى الصفوى »
« بهادرخان جعل الله انتظام الدولة موكولاً الى قديم عنايته وصير بخليقته دوام سلطنته »
« موصولاً بقيام حجته وظهور خليفته من هو اصدق الطائفين حول ذلك السريرنية »
« واخلصهم طوية واصفاهم سريرة و انقاهم عقيدة طود الطول والمرحمة جودی »
« الجود والمكرمة ناحت قلم الوزارة بسيف الامارة رافع لواء الامارة بيمين الوزارة »
« اعتماد هذه الدولة العلية و اعتضاد تلك السلطنة البهية المطيع لامرالله المنفق فی »
« سبيل الله المؤيد بتأييدات الملك المنان شيخعليخان لازالت جوامع همه مقصورة»

« علی اقامة شعائر الدین و ادامة مآثر سیدالمرسلین حیث امر ببناءِ هذاالمسجدالذی»
« اسس علی التقوی من اول یوم وافترشت و طویت فیه للمصلین اجنحة الملائکة »
« فی کل قعدة وقوم وکان فوزه دام توفیقه بتلك السعادة الجلیلة فی سنة تسعین بعد »
« الالف کتبه محمد محسن الامامی . »

هر دو کتیبه بعینه از گنجینه آثار تاریخی[1] اصفهان نقل گردیده و باتوجه بعکس کتیبه معلوم گردید که تمامی آن مطابق اصل کتیبه میباشد فقط واوی از عتووا حذف گردیدو کلمه نقوی ظهرالاسلام هم بامراجعه بعکس معلوم گردید نقطه‌ای روی نون نیست و درواقع همان یقوی بصیغه مفرد مضارع غایب است که بامضمون کتیبه وفق میدهد و لذا نقوی مذکور در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان به یقوی اصلاح گردید .

کتیبه حاکی است که پیش ازسال یکهزار و نود هجری دستور بنا داده شده بوده‌است ولی خاتمه بنا را حکایت نمیکنند، مگر اینکه بگوئیم معمولاً کتیبه‌های تاریخی بعد از اتمام بنا نوشته می‌شود و با این فرض فقط تاریخ شروع بنا معلوم نیست . این مسجد که از آثار تاریخی است طی شماره ۳۲۷ به‌ثبت رسیده است.[2]
مسجدخان دیگری درمحله احمدآباد وجود داردکه بانی آن باقرخان خوراسگانی بوده است .

۲۱ـ مسجد خلوت نشین = شیشه :

این مسجد درکوچه باغ قلندرها واقع شده وچون بانی آن محمد قاسم زاهد مشهور بخلوت نشین فرزندمحمدبن محمدمحسن زاهد از درباریان زمان بوده آنرا مسجد خلوت نشین نامیده‌اند ولی بمناسبت اینکه در اواخر صحن کوچك مسجدرا با شیشه پوشانیده‌اند به‌مسجد شیشه شهرت یافته است .

مسجد مزبور از نظر تعمیراتی که درآن شده از صورت قدیمی بیرون رفته ولی محراب شبستان جنوبی آن بحالت اصلی باقی ودارای تزیینات کاشیکاری میباشد .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۳۸ تاص ۶۴۰.

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۷.

کتیبه هائی که ذکر میشود از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است [1] .

در این مسجد سه کتیبه بخط ثلث بشرح زیر وجود دارد :

۱ـ کتیبه محراب شبستان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ در اول آن آیه ۱۴۴ سوره بقره و آخر آن چنین است : « کتبه محمد محسن الامامی » .

۲ـ کتیبه سر درمسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی بخط محمد محسن امامی باین شرح است :

« لما توفر الداعی علی اتخاذ المساجد وتعهدها فی الکتاب والسنة کما قال الله »
« تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله وقال رسول الله صلی الله علیه وآله من بنی »
« مسجداً بنی الله له بیتا فی الجنة ، اقام بمجامع الهمم فی زمن السلطان الاعظم و »
« الخاقان الافخم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم ظل الله فی العالم السلطان بن »
« السلطان ابن السلطان ابی المظفر شاه سلیمان الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله »
« ملکه وسلطانه لبناء هذا المسجد مثابا للناس من العاکف والعابد خادم اهل بیت العصمة »
« وملازم سدة السلطنة محمد قاسم الزاهد الشهیر بخلوت نشین وفقه الله لمرضاته »
« وافاض علیه من برکاته وقد وفق اتمامه السنة المأته بعد الالف کتبه ابن محمدرضا »
« محسن الامامی . »

عبارت از : (شاه سلیمان تا سلطانه) برای تجلیل وتعظیم در بالای کتیبه نوشته شده و این نکته درقدیم مرسوم بوده است ولی برای اینکه تولید اشتباه نشود در کتیبه مذکور درمحل خود منظور گردید .

۳ـ کتیبه حاشیه دالانی که سردر مسجد را بصحن وصل میکند بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ باین شرح نوشته شده است :

« اللهم اغفر لبانی هذا المسجد ولوالده الورع الماجد محمدبن محمد محسن »

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۶۵۱ تا ص ۶۵۲

« زاهد ولابائه المشهورین بخلوت نشین رحمةالله علیهم اجمعین فی۱۱۰۱ »

ازکتیبه آخرمعلوم میگردد که خانواده بانیمسجد معروف به خلوت نشین ونیز زاهد بوده‌اند واین عنوان اختصاص بشخص‌بانی نداشته است و دیگر اینکه مسجد در سال ۱۱۰۰ ساخته شده و دنباله تزیینات تـا سال ۱۱۰۱ هجری کشیده شده است . ثبت‌تاریخی این‌مسجد درگردش اداری[۱] ومساحت آن درحدود چهار قفیز است[۲] .

۲۲ـ مسجد دروازه حسن آباد :

این مسجد در ابتدای دروازه حسن‌آباد واقع و در عصر محمد شاه قاجـار یعنی قرن سیزدهم بنا شده وبانی‌آن مشهدی‌حسن‌سلمانی‌بوده‌که سه دکان نیزوقف براین مسجد کرده است .

کتیبه سردرمسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجـوردی مشتمل برآیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه است .

در داخل محراب مسجد لوح سنگی بطول ۸۵ وعرض۲۸ سانتیمتر منصوب است که روی‌آن چنین حجاری شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لقد بنا هذه العمارة الشریفة و المسجد الـرفیعة »
« فی‌الزمن الدولة السلطان الاعظم‌والخاقان الاکرم محمد شاه قاجار خلدالله‌ملکه »
« وبفضل وکرم خالق ربانی توفیق یافت مشهد حسن سلمانی برین بنای روحانـی »
« مخفی‌نماندکه این‌عبارت ازخود واقف است واینقبه محققاً مسجداست ودودکان »
« یکی متصل بعقب این‌قبه وجنب دروازه حسن‌آباد ویکی‌دیگر دکان نعلبندی »
« درب اینقبه وقف مؤبد صحیح شرعی این قبه است وبلعنت خدا و نفرین رسول »
« گرفتار شود هرکه تغییر وتبدیل دراین اساس دهد فمن‌بدله بعد ماسمعه فانما »
« اثمه علی‌الذین یبدلونه واحتیاطاً مجدداً صیغه جاری شد ۱۳۳۷» .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷

۲ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۷۸ .

این کتیبه نیز عیناً از کتاب گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان[1] نقل گردیده است نکته‌ایکه دراین کتیبه جلب توجه میکند اینستکه مشهدی حسن‌سلمانی درزمان محمدشاه قاجار این‌مسجدرا بناکرده و اگر فرض‌کنیم که سال بنا مصادف با آخرین سال عمر محمد شاه یعنی سال یکهزار ودویست وشصت وچهار هجری باشد تاتاریخ (۱۳۳۷ هـ . ق) بالغ برهفتاد وسه سال میشود واگر واقف و بانی درهنگام بنای مسجد سی‌سال هم داشته باشد سنین عمر او در۱۳۳۷ بالغ بر یکصدوسه سال‌خواهد بود و معمولی بنظر نمیرسد وممکن است‌کسانی عبارت پائین‌کتیبه را نوشته باشند که وارث او بوده‌اند و صلاحیت این‌کار را داشته‌اند .

۲۳ ـ مسجد ذوالفقار :

این‌مسجد در محله نیم‌آورد درکوچه ذوالفقار در بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده است ومساحت آن درحدودنیم[2] جریب است . مطابق محتوای‌کتیبه بانی مسجدشخصی بنام شیخ محمد صفی‌بوده که درعصر شاه طهماسب مسجد را بناکرده است و نام‌آنرا نیز ذوالفقار نهاده و از اینرو بالای سردرمسجد صورت دو شمشیر دیده میشودکه ذوالفقار از آن مفهوم میگردد .

مؤلف تاریخ اصفهان وری[3] نوشته که مسجد و مدرسه و حمام ذوالفقار را ذوالفقارخان اسپهانی خاصه تراش‌شاه ساخته است و این‌مطلب کاملاً اشتباه است . زیرا اولا خاصه تراش شاه مطابق محتوای یکی از کتیبه‌ها استاد علیرضا بوده نه ذوالفقارخان واصولا ذوالفقارخانی در بین نبوده است واینکه تصورکرده‌اند که مسجد را خاصه‌تراش شاه ساخته است از آنجا ناشی شده که درلوحه سنگی که‌در مسجد نصب‌است مقررگردیده‌که درریاست خاصه تراش‌شاه برصنف دلاك وسلمانی و نظائر آنها وجوهاتی‌که درپیش‌گرفته میشده مطالبه‌نگردد وازطرفی‌هم بالای‌سردر صورت دوشمشیر بوده ازمجموع این‌مطالب نتیجه موهومی‌باین‌طورکه ذوالفقارخان خاصه تراش بانی مسجد ومدرسه وحمام بوده گرفته شده است .

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۸۳۹ .   ۲و۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۴۷ .

درمسجد مزبور دونوع کتیبه وجود دارد که قسمتی مربوط بمسجد و قسمت دیگر ارتباطی بمسجد ندارد وبرای اینکه درنظرمردم بوده وکسی‌هم نتواند محل آن‌را تغییر دهد درمسجد نصب شده است .

الف ـ کتیبه‌هائی که بمسجد ارتباط دارد :

۱ـ کتیبه‌سردر مسجد بخط ثلث باکاشی سفیدمعرق برزمینه لاجوردی رنگ چنین است :

« قد عمرالله هذا المسجد الموسوم بذی‌الفقار فی‌ایام خلافة السلطان‌الاعظم »
« الاکرم ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وافاض علی ـ »
« العالمین عدله اضعف عبادالله شیخ محمد الصفی نمقه محمد سیاوش‌فی‌سنة ۹۵۰. »

۲ ـ کتیبه اشعار کنده شده بردر قدیمی مسجد که بطرف بازار باز میشود بخط ثلث برجسته بشرح زیر :

« محمد عربی آبروی هر دو سرای
کسی که خاك درش نیست خاك بر سراو »
« شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او »
« که من مدینهٔ علم علی دراست مرا
عجب خجسته حدیثی‌است من‌سگ در او »

۳ ـ روی دری‌که بسوی کوچه باز میشود این جملات خوانده میشود :
« قال‌الله تبارك وتعالی » « وان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداً »

۴ ـ کتیبه‌ایکه حاکی‌است رقباتی‌برمسجد وقف‌شده وآن‌لوحی‌است سنگی بطول ۵۷ و عرض ۴۰ سانتیمتر که بربالای کتیبه سردر نصب شده وآن بخط‌ثلث برجسته چنین‌است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی واقف علی‌الضمائر و السرائر و »
« الصلوةوالسلم علی‌محمد وآله اجمعین‌وقف شرعی‌نمود عالیجناب‌حاجی‌الحرمین »

« الشریفین سیدالساداة حاج میرزا اسدالله همگی دوباب دکان قصابی و نوار . . »
« فروشی درجنب مسجد ذوالفقار معین‌درسر نم آورد بموجب وقف‌نامچه علیحده »
« و وقف مسجد مزبور نمود وقفاً صحیحاً شرعیاً و این کلمات بجهة وقف نامچه »
« قلمی‌شد فی‌پنجم شهر رمضان ۱۱۰۹ کتبه محمد نصر.»

ب ـ کتیبه‌ایکه ارتباط بمسجد ندارد وآن عبارت از فرمانی‌است راجع به بخشش مالیات بعضی از کسبه‌که برسنگی سیاه بطول ۹۰ و عرض ۵۵ سانتیمتر منصوب بریکی ازجرزهای ایوان‌جنوبی مسجد بخط نستعلیق برجسته بشرح‌زیر حجاری شده است :

« فرمان همیون آنکه چون‌بعرض رسیدکه ازقدیم‌الایام مقرر بودکه خاصه»
« تراش مبالغی‌ازجماعت‌سلمانی‌وسلیمانی‌که عبارت از دلاکان وآینه‌داران وفصادان»
« وختنه‌کاران وکیسه مالان وخدمتکاران وآبگیران حمامات مردانه وزنانه‌بعنف »
« وتعدی با آنان رفتارمینموده‌اند ـ دراین‌زمان‌خجسته اوان‌که‌امرخاصه‌تراشیرا »
« بعمدةالصناع استاد علیرضاخاصه‌تراش شفقت‌فرمودیم مشارالیه مطالبات‌مذکوره»
« رامعاف داشته شرط نمودکه یك دینار طلب ندارد وثواب آنرا بروزگارفرخنده»
« آثاربندگان نواب‌کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس‌شاه بابام اناالله برهانه‌هبه‌نمود »
« بنابرین مقرر نمودیم که احدی ازحکام و تیولداران وکلانتران و سربلوکان و »
« ضابطان فیوج ممالك محروسه اصلاً ومطلقاً بعلت اخراجات ازعلفه و علوفه و »
« قنلقا و الاغ وپیکار وشکار و دست‌انداز وپیشکش وعیدی وسایر تکالیف دیوانی »
« بهراسمی‌که بوده باشد حواله ننمایند وقلمرا کوتاه دارند وهرساله حکم‌مجدد »
« طلب ندارند وآیه کریمه فمن بدله بعد ما سمعه‌را منظور دارند تحریرا فی‌شهر»
« صفر ۱۰۳۷ » .

هرچند درمتن فرمان صادرکننده‌آن تصریح‌نگردیده ولی‌تاریخ‌آن میرساند که صادرکننده آن شاه عباس اول بوده است .

مأخذکتاب درباب‌کتیبه‌هاگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان[1] است. ثبت‌تاریخی‌این

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۳۸۴ تا ص۳۸۶ .

مسجد درگردش اداری است[1].

۲۴ـ مسجد رحیم‌خان :

این مسجد در ابتدای محله نو در جائی‌که بدرب‌کوشك متصل میشود واقع وبنای نخست آن ازمرحوم میرسید حسن‌مدرس‌متوفی (۱۲۷۳ هـ. ق) استاد میرزای شیرازی وآقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی ومیرزا محمد حسن نجفی بوده است. تاریخ شروع بنا معلوم نیست ولی‌بطوریکه مؤلف نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان نوشته‌است[2]:

«پس‌از وفات میرسیدحسن مدرس (۱۲۷۳هـ. ق) محمد رحیم خان بیگلر»
«بیگی[3] بعمارت‌آن پرداخته و عمراونیز وفا باتمام‌آن نکرده وبرادرانش محمد»
«کریمخان ومحمدحسینخان بعمارت‌آن مشغول‌شدند وباز درآن‌اثنا محمدکریم»
«خان‌بمرد ومحمد حسین‌خان بکار عمران‌مسجد مشغول‌است وقریب‌الاتمام میباشد»
«خداوند توفیق عطا فرماید که تعجیل در اتمام آن کرده شودکه مسجدی نیکو»
«شده‌وآن درکوچکی وبزرگی‌متوسط است‌سمت قبلی‌آن‌گنبدی خوش وضع‌ساخته»
«شده ودوطرف‌آنرا نیزصفه مانند باستونهای سنگ ساخته‌اند ومسجدی باشکوه»
«شده صحن‌آن بقاعده وسعتی‌دارد ، حوض ومهتابی‌درآن انداخته‌اند وموافق همت»
«و دولت خود خوب ساخته‌اند .»

«این مسجد سه دروازه دارد یکی بطرف مشرق ودیگری بجانب مغرب و»
«دیگری بطرف شمال‌که مقبره بانی نخست در جنب آن است .»

در ساختمانهای مختلف مسجد تاریخهای‌گوناگون دیده میشودکه عبارت از تاریخهای : ۱۲۹۰ و ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ و ۱۳۰۴ و ۱۳۷۸ می‌باشد.

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

۲ـ نصف جهان‌فی‌تعریف الاصفهان ص۶۶. ۳ـ رحیم‌خان سدهی اول فراش حکومتی بود وهیچ سواد وخط نداشت وبنیروی هوش وحافظه ترقیاتش بجائی رسیدکه ضابطی کل بلوکات اسپهان وگمرك‌کرمانشاهان وکاشان ویزد واصفهان‌را اداره میکرد و بیگلربیگی‌گریرا نیز برمنصبش افزودند یك‌کرور نقد ومقادیری جنس ابوابجمعی دولت‌را داشت اتمام مسجد رحیم‌خان ازهمت اوشد . (تاریخ اصفهان وری درص۲۸۹ تا ص۲۹۰) .

تاریخ شروع بنای مسجد پیش‌از ۱۲۷۳ هجری بوده و از گفته مؤلف نصف جهان‌فی‌تعریف الاصفهان استنباط میشودکه حداقل پنج سال مشغول عمارت مسجد بوده که فوت شده‌است وچون‌تاریخ فوت میرسید حسن ۱۲۷۳ هجری بوده میتوان گفت شروع بساختمان در ۱۲۶۸ هجری شده وخاتمه آن در ۱۳۰۴ هجری بوده و تغییرات بعدی پس‌از اتمام ساختمان بوده است .

درمسجد رحیم خان که عمارت آن بوسیله بانیان مختلف انجام شده‌کتیبه‌هائی وجود دارد که هرکدام درزمان بانی دیگری انجام شده است :

۱ ـ کتیبه سردرشرقی‌مسجد بخط ثلث‌سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه وآله انا مدینة‌العلم وعلی‌بابها درایام دولت‌جاوید «مدت محیی مراسم شریعت سیدالمرسلین ومشید قواعد ملت ودین مخرب آثار» «الکفار السلطان ناصرالدین‌شاه قاجارخلدالله ملکه واوان حکمرانی معدن جود» «و احسان حضرت اشرف اقدس و الاظل السلطان دام اجلاله بسعی خلد آشیان» « مرحوم محمد رحیمخان امیرالرعایا واهتمام عالیجاهان محمدکریمخان وکیل‌» « الرعایا ومحمد حسینخان امین‌الرعایا اتمام یافت . ۱۳۰۱ » .

ازمفاد کتیبه مزبورمعلوم میگردد که‌گردش عمارت مسجد موقوف‌نگردیده و پس از وفات محمد رحیم خان امین‌الرعایا ادامه داشته و برادرانش باتمام رسانیده‌اند .

دربالای دوسکوی بزرگ طرفین دربخط بنائی آجری سورهٔ عصر ودربالای دوسکوی کوچك طرفین در بخط بنائی اسامی : الله ـ محمد ـ علی ـ فاطمه را نقش‌کرده‌اند .

دریك لوحه چهار ضلعی منصوب بربالای سردر بخط نستعلیق لاجوردی بر زمینه کاشی زرد چنین نوشته شده :

« انا مدینة‌العلم وعلی‌بابها ۱۲۹۵ » ودر ذیل آن بخط نستعلیق لاجـوردی

صلوات بر دوازده امام بشرح زیر نوشته شده است :

« صل علی النبی العربی محمد صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب »
« والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمدابن علی وجعفرابن محمد وموسی ابن »
« جعفر وعلی ابن موسی ومحمدابن علی وعلی ابن محمد والحسن ابن علی والقائم ».

در صلوات مزبور که عیناً ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان (1) نقل شده و در اصل کتیبه چنین نوشته شده غلط املائی وجود دارد و آن همزه ابن است که درموردیکه ابن میان دو علم واقع میشود مطابق قانون خط باید همزه آن ساقط گردد ولی در کتیبه مزبور وجود دارد.

۲ـ درحاشیه چهارپر طاق سردر بخط بنائی لاجوردی بر زمینهٔ سفید معرق درآغاز سورهٔ اخلاص و دنبال آن عبارت « باهتمام کریمخان و حسینخان » نوشته شده است.

۳ ـ کتیبه فوقانی نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی ابتدا « قال الله تبارك وتعالی » وسپس آیات ۳۵ و ۳۶ و نصف آیه ۳۷ سوره نور و پایان کتیبه باین عبارت : « کتبه محمدباقرالشیرازی فی سنة ۱۳۰۴ » منتهی میگردد.

۴ ـ درهمین تاریخ برطرفین ایوان بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« از علو همت ستوده دوران	خان حسین آسمان عالم احسان»
« لشکر اقبال را امیر جهانگیر	کشور اقبال را خدیو جهان بان »
« کوثر دیگر ظهور یافت بجنت	کعبه دیگر پدید شد بصفاهان »
« ازپی تاریخ این بنای معظم	زدرقم این شعر نغز کلك سخن دان »
« قبله دیم عیان نموده بن آزر »	« مسجداقصی بنانهاده سلیمان » »
(۶۸۷)	(۶۱۷)

در بالای مصراع ماقبل آخر بخط نستعلیق ریزنام معمار مسجد «معماراستاد

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۷۹۶ تا ص۸۰۳ .

آقاجونی» ودرزیر مصراع آخر بخط نستعلیق نوشته‌شده:«کتبه‌حسن خان ۱۳۰۴».

ضمناً قابل‌یادآوری است که‌برای بدست‌آوردن تاریخ بنای مسجدرحیم‌خان که ۱۳۰۴ هجری است باید حروف هر دو فرد بحســاب در آید تا مجموع آن به ۱۳۰۴ هجری برسد.

۵ـ کتیبه‌های ایوان ومحراب مسجد:

بر سقف ایوان دوکلمه علی‌وسال «۱۲۹۴» برآجر نقش‌شده ولی داخل‌ایوان وگنبدکاشیکاری نشده است محراب مسجدکاشیکاری شده وکتیبه‌هائی دارد.

۶ـ کتیبه اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت‌لاجوردی‌ابتدا: «قال‌الله تعالی» و سپس آیات ۱۸ و۱۹ سورهٔ‌توبه ودنبال آن «قال تعالی‌شأنه وآیه۵۵ سورهٔ مائده و پایان‌کتیبه چنین است : «صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق‌رسوله الکریم فی ۱۳۰۴ » .

۷ـ کتیبه فوقانی محراب بخط ثلث سفید برزمینه لاجـوردی رنگ چنین نوشته شده است:

«قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله‌الصلوة عمودالدین اذا قبلت قبل‌ماسواه و» «اذا ردت رد ماسواه». اصل‌حدیث در هردوجا ماسواها میباشد.

۸ـ بریکی ازستونهای سنگی صفه غربی مسجد که درسمت راست محراب است بخط نستعلیق برجسته این اشعار کنده شده است.

« بعهد شه دادگر ناصرالدین — که‌چون اوبگیتی نیامدجهانبان»
«زاخلاص و همت‌امین الرعایا — خداوندا حسان‌محمد رحیم‌خان»
«چوکعبه‌که‌درمکه‌بنیان‌آن‌شد — بنا کرد این‌مسجد اندرصفاهان»
«بتاریخ ارکان آن گفت خرم : — بمسجد پی‌طاق جنت‌شد ارکان »
(۱۲۹۰)

با اینکه درزیر این اشعار نوشته‌شده ۱۲۹۰ ولی اشتباه است وبحساب جمل مطابق میشود بایکهزار ودویست وشصت هجری واز مفاد شعر استنباط میگرددکه

این تاریخ پی‌گذاردن مسجد است یعنی وقتی که میرسید حسن مدرس شروع ببناء کرده است نه‌تاریخ اتمام.

۹ـ کتیبه سنگابی که در زیر ایوان جنوبی مسجد قرار دارد بخط نستعلیق برجسته الواح واشعاری باین ترتیب حجاری شده است:

« از عنایات کردگار رحیم — یافت توفیق این ثواب عظیم »
« اسد، الله دبیر نیکو خـو — که‌ورا حسن خلق طبع کریم »
«از برای حسین تشنه جگر — سنگ آبی چوکوثر و تسنیم »
« وقف بنمود بهر تشنه لبان — بی‌ریا از خلوص قلب و صمیم »
« دل آن‌سنگ رانمودچو آب — تاکه بر تشنگان دهد تعلیم »
« لعن بر قاتل حسین کنند — بعد ذکر تحیت و تسلیم »
« بهر تاریخ او بهاءِ میگفت : — «جام ده سنگ آب فوز عظیم »
(۱۱۹۹)

بر قسمت دیگری از سنگاب چنین خوانده میشود :

« وحید عصر اسدالله با نژاد و گهر — که درنوشتن افراد و فردهست وحید»
«دراین‌مکان‌خوش‌این‌سنگ‌آ براآورد — که شیعه آب بنوشد بیاد شاه شهید »
«طلب نمود ز خرم خجسته تاریخی — بگفت: «باد دوصد لعنت خدا به‌یزید»

این ماده تاریخ را مؤلف گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان جزءِ تاریخهای ۱۲۹۹ هجری ذکرکرده است درصورتیکه بحساب جمل مطابق بایکهزار و سیصد وچهار میشود .

لوحه دیگر سنگاب چنین است:

« یا ابا عبدالله »

« ز همت اسدالله راد مستوفی
که وقف کرده سرو جان براه‌آل عبا »
« تمام‌گشت چو این سنگ آب‌جان‌پرور
که خضر خورد از او جرعهٔ و یافت بقا »

« گرفت روی دو تاریخ را و عنقا گفت :

۱۲۹۹

« سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا » »

۱۲۹۹

« السلام علیك »

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان کتیبه[۱] شعری عنقا بشرح فوق نقل شده و تاریخ آنرا یکهزار و دویست و نود و نه (۱۲۹۹) تصورکرده‌اند درصورتیکه بحروف جمل شعر حاضر (سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا) باسال یکهزار ودویست نود ودو منطبق میگردد ولی در دیوان عنقا ماده تاریخ چنین نقل شده :

نهاد پای چو عنقا بجمع شد تاریخ: سلام ما بلب تشنه کام کرب و بلا

که بحساب جمل ۱۲۹۶ میشود[۲] واگر واقعاً درسال ۱۲۹۹ سنگاب تمام‌شده باشد باید گفت که شعر تاریخ دراصل چنین بوده : « سلام ما بادو لب تشنگان کرب و بلا » که کلمه باد حذف ودر نوشتن اسقاط شده باشد ولی این تأویل برخلاف ظاهر و میتوان گفت هنگامی که حجاری سنگاب تمام شده بوده سال ۱۲۹۲ هجری بوده وزمانیکه وقف برمسجد شده سال ۱۲۹۶ ویا سال ۱۲۹۹ و زمانی که در مسجد نصب کرده‌اند سال ۱۳۰۴ بوده است واین ترتیب باتمام ماده تاریخها موافق است .

درلوح دیگری بخط نستعلیق وبرروی سنگاب چنین حجاری شده است :

« وقف جناب سیدالشهداءِ علیه السلام نمود عالیجاه آقا میرزا اسدالله ولد »
« حاجی ابوالقاسم بجهة مسجد رحیم‌خان بیگلربیگی اصفهان ۱۲۹۹».

بانی وواقف سنگاب چنانکه درکتاب جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین‌خان تحویلدار [۳] اصفهان نوشته شده است :

« میرزا اسدالله اونیز ازبنی اعمام میرزا جواد است والآن درحیات وحرکت »
« ومحرر محمد رحیم‌خان بیگلربیگی است وراجع بمیرزا جواد چنین گفته است[۴]»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۰۱. ۲ـ دیوان عنقا ص۸۹۵ .
۳و۴ـ جغرافیای اصفهان ص۷۷ .

« سلسله بناهاکه اهل قلم شدند : ۱ـ مرحوم میرزا جواد سرسلسله بوده ودرسلك »
« میرزائی وداخل النسب مستوفی باخط وربط بی‌نظیری بود . زمان قلیلی وزارت »
« با تسلطی دراصفهان نمود اوصاف کمال وکفایتش بسیار است بواهمه شخصیت او»
« مرحوم فضلعلیخان قراباغی امیرتومان ملقب به بیگلربیگی که حاکم اصفهان »
« بود دراوان عهد شاهنشاه مبرور شب‌طناب بحلقش انداخت و مقتولش ساخت‌در »
« خانواده خودش اولاد ذکوری نمانده » .

ازتعریف جغرافیای اصفهان وعبارت وقفنامه سنگاب چنین‌مستفاد می‌گردد که میرزا اسدالله مستوفی فرزند حاج ابوالقاسم از بنی اعمام میرزاجواد از سلسله بناهای اصفهان و محرر محمد رحیم‌خان بیگلربیگی اصفهان بوده است.

در دوپشت بغل‌غرفه وسط شمالی‌شبستان مسجد که درسالهای اخیرکاشیکاری شده بخط ثلث برکاشی‌لاجوردی نوشته شده : «عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت» و«عجلوا بالتوبة قبل‌الموت » و دنباله آن با خط نستعلیق ریز قرمز رنگ بر زمینه سفید چنین نوشته شده:(۱)

« ساخت کاشی‌سازی کهرنگی ـ طراح حاج‌عباس‌کرباسی ـ بانی هفت‌دهنه» حاج محمد طلائی تفنگ ساز ۱۳۷۸ » و بر پائین دوجرزکاشیکاری ایوان غربی مسجد بخط ریز برکاشی خشت نوشته شده : «حقیرفقیر آقاجان‌کاشی‌پز» و درطرف دیگر « عمل‌کمترین‌حسین‌کاشی‌پز » و درزیراین‌لوحه آخری نوشته شده : «حقیر فقیرعلی‌نقاش » .

۱۰ـ کتیبه سردرشمالی :

در داخل سردر شمالی مسجد که درمجاورت مقبره میرسید حسن‌مدرس‌قرار داردکتیبه‌ای بخط ثلث‌سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی بعداز: «قال‌الله تعالی» آیات ۱۸ و ۱۹ سورهٔ توبه و سپس عبارت : « قال‌الله تعالی شأنه » و آیه ۵۵ سورهٔ مائده نوشته شده است .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۷۹۶ تا ص ۸۰۲ .

دربالای سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکی : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وبخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید : « نصرمن‌الله وفتح قریب » خوانده میشود .

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات ۳۳ تا نصف آیه ۴۴ سوره (ص) وکتیبه باین‌عبارات : « صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق رسوله الکریم . بسعی عالیجاه محمد حسینخان امین‌الرعایا اتمام یافت . » ختم میشود .

ثبت تاریخی این‌مسجد درگردش اداری است[1]

۲۵ ـ مسجد رکن‌الملک :

این مسجد در تخت فولاد واقع و از بناهای میرزا سلیمانخان رکن‌الملک متخلص به خلف نایب‌الحکومه اصفهان است[2] که در اوائل قرن حاضر ساختمان شده است . مسجد مزبور دارای کتیبه‌هائی میباشد : (ش۶۵)

۱ـ کتیبه سردر :

کتیبه سردر مسجد ومدرسه ازنوع ثلث وبرزمینه کاشی خشت لاجوردی

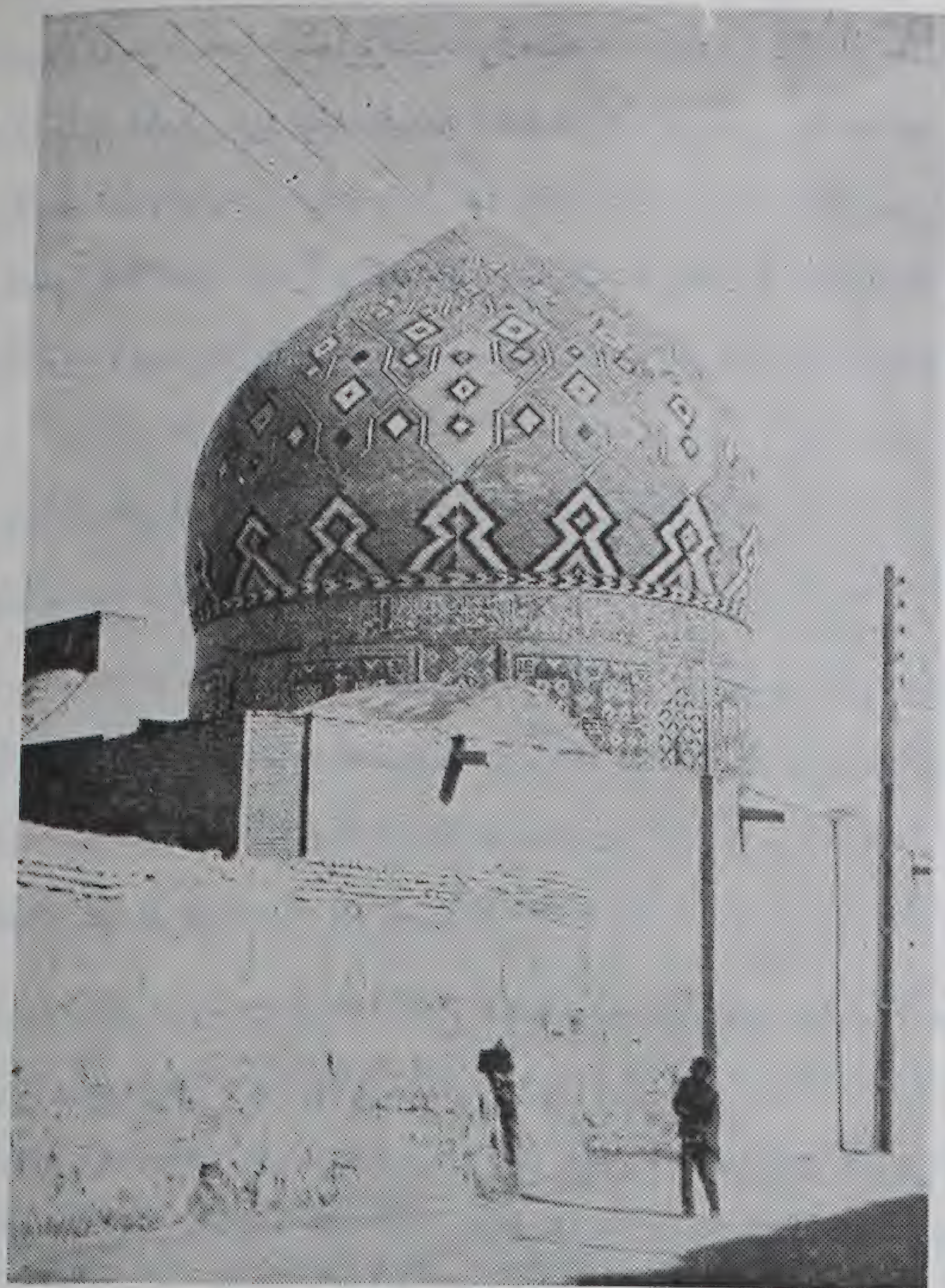
---

۱ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷.

۲ـ میرزا سلیمان خان رکن‌الملک شیرازی فرزند کاظم در ۱۲۵۴ هجری متولد و در ۱۳۳۱ هجری بدرود حیات‌گفت . مردی فاضل وشاعر وخیر بود ومانند جد خود خلف سفره‌چی در مدت حیات کارهای خیری چون ساختن‌کاروانسرا درشیراز ومسجد ومدرسه در تخت فولاد و تعمیر مسجد درخاجو وچاپ قرآن و زاد المعاد وصحیفه سجادیه وساختمان تکیه حاج محمد جعفرآباده‌ای در تخت فولاد انجام‌داد. وی در ۱۲۷۹ که مسعود میرزا ظل‌السلطان بحکمرانی فارس منصوب گردید بسمت منشی‌باشی همراه اورفت وهنگامیکه ظل‌السلطان حاکم اصفهان گردید (۱۲۹۶) رکن‌الملک بسمت نایب‌الحکومه انتخاب و این سمت ادامه داشت‌تا زندگی را بدرود گفت ودر اطاق مجاور مسجد خود در تخت‌فولاد مدفون‌شد؛ رکن‌الملک شاعر بود وخلف تخلص میکرد و از اشعار او است :

دل غمین بوصال بتی ز نوشاد است — که‌رشگ‌لعبت فرخاروشوخ‌نوشاداست
بکوی خسروشیرین ما دلا بگذر — ببین که تیشه‌بفرق هزار فرهاد است

خطوط شکسته‌ونستعلیق ونسخ وسایر خطوط را خوش مینوشت ودرانشاء قدرتی‌بسزا داشت. نامبرده پیش از اینکه در فارس منشی‌باشی ظل السلطان شود کارگزار بحرین بود واو پیوسته دردستگیری ضعفاء وفقراء ودر تعظیم وتکریم علماء وسادات میکوشید .



(شکل ۶۵)

رنگ ابتدا آیه اول سورهٔ اسری و آیه ۵۵ سورهٔ مائده ودنبالهٔ آن چنین است :
« وفی‌حدیث‌القدسی قال جل‌شأنه ولایة علی‌بن‌ابیطالب حصنی فمن‌دخل‌حصنی امن»
« من‌عذابی وقال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و آله وسلم انامدینةالعلم وعلی‌بابها صدق‌الله»
« العلی‌العظیم و صدق رسوله النبی الکریم کتبه محمد تقی ابن محمد ابراهیم »
« الاصفهانی . »

در دوطرف سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیه ۵۱ سورهٔ قلم ودر دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی عبارت : « الله‌اکبر

سبحان‌الله والحمدلله » خوانده میشود .

۲ـ **کتیبه اشعار فارسی سردر :**

در هلال سر در ورودی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی این‌اشعار که حاوی ماده تاریخ نیزهست چنین نوشته شده است :

« بعهد زیب اورنگ کیان وتخت جمشیدی
مظفرخسرو عادل که رونق داد ایرانرا »
« بدور ظل سلطان حضرت مسعود مه خرگه
که اندرسایه خورشید خود پروردخسانرا »
« سلیمانخان رکن‌الملك میر مسند دیوان
که زینت‌داده ازاعمال‌خیر اسلام و ایمانرا »
« امین دولت و ملت معین ملت و دولت
که ذخروفخرباشد حضرتش‌هم‌این‌وهم‌آنرا »
« جنابش‌متصف در زهد وعدل وتقوی ودانش
صفات حق پرستی بدینسان باشد انسانرا »
«ز زهدش زهدرا رونق‌زصدقش‌صدق‌را زینت
مطیع صدق بوذر را مرید زهد سلمان را »
« دراصفاهان که باشد سالها والی بروزوشب
کند دلشاد محزون‌را کند معموروبران‌را »
« بدیوانش نگرکز نظم ونثر نغز وشیرینش
بهم زد دفتر خاقانی و سحبان و حسان را »
« بنا در تخت فولاد او نمود این‌مسجد عالی
کش‌ازفولاد محکمتر بنا فرموده بنیان را »
« رقم‌ازسلك هدهد کلك طغرل‌زدبتاریخش:
« بنای مسجد اقصا مبارك شد سلیمان را »
فی ۱۳۲۱

واین اشعار حاکی‌است‌که مسجدبوسیله رکن‌الملك درسال ۱۳۲۱ ساخته‌شده و مصادف بوده باسلطنت مظفرالدین‌شاه‌قاجار وحکومت ظل‌السلطان مسعود میرزا دراصفهان وشاعرآن طغرل‌بوده است [۱]

سردر مسجد ومدرسه رکن‌الملك بحیاط محقری متصل میگردد که بیش‌از چند حجره‌کوچك ندارد ودرآنجا آب‌انبار مسجد واقع است وکتیبه‌ای منظوم‌بر دیوار آن بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر باین‌شرح خوانده میشود:

« از همت رکن‌الملك معمور صفاهان شد
در مسجدش‌آب انبار سرچشمهٔ حیوان‌شد »
« نوشاندش از کوثر هرلحظه عوض حیدر
کین‌آب روان پرور زان منبع احسان شد »

۱- میرزا محمد علی‌بن میرزا محموداصفهانی متخلص به‌طغرل مولود ۱۲۷۴ ومتوفی ۱۳۳۲ هجری قمری‌برادرشهاب اصفهانی و از شعرای ماهر و در ماده تاریخ گوئی ممتاز بوده‌است. از آثار و اشعار او است:

۱ـ ماده تاریخ‌های مسجد جنب حمام کوچه قصر منشی ـ و مسجد رکن الملك ـ و تکیه حاج محمد جعفرآباده‌ای درتخت فولاد .

۲- از اشعار او است‌که سید اسدالله غراء شاعررا درخواب دیده وماده تاریخ ختم‌طبع قرآن رکن الملکی را باو گفته برکن‌الملك برساند که آن‌تاریخ را درقرآن بگنجاند :

. . . .   هم ملالت بوددردل هم کسالت در مزاج
دیدم اندر خواب در شیراز درشاه چراغ   سیدی بس محترم آمد برم با ابتهاج
گفت رکن‌الملك‌را برگو که‌غرا عرض‌کرد   ای معرا از فسادووی مبرا از لجاج
زان کلام‌الله که‌کردی‌طبع شد سبع‌طباق   تخت‌وجاهت‌زین‌عمل‌خورشید وماهت‌گشت‌تاج
عامل اعمال خیر است و خداوندش کناد   درد های ظاهر و باطن بدو عالم علاج
یك‌مجلدکن‌برای این قدیمی دوست‌لطف   تا که از قرآن نمایم رفع هرنوع احتیاج
سرزده تاریخی ازطبع من‌آن هم‌طبع‌کن   تازمن مانده نتیجه چون ز تو ماند نتاج
مصرعی خواند وشدم بیدار بد درخاطرم   خالی از درد درون بیرون شدم زود ازدواج
برنوشتم مصرع وکردم‌حساب و وفق داد   در عجب ماندم از آن طبع سعادت امتزاج
مرده نبود سید غراءکه دائم زنده است   زین کرامت میسزد کز زندگان گیرد خراج
طالع بیداررکن‌الملك‌زین‌خواب‌است‌فاش   پرتوش واقع همی گیرد زساطع مهر باج
عامل اعمال خیر است‌و خداوندش کناد   دردهای ظاهـر و باطن بدو عالم علاج
چیست‌آن‌مصرع که‌غرا گفت‌وطغرل برنوشت: «شرع احمد را سلیمان داده آئین رواج»

«خواهی اگرش اطوار بنگر تو بدین آثار
کاین مسجد و آب انبار شرذمهٔ از آن شد»
«میجست خطیب[1] ازغیب تاریخ که ذوقش گفت:
«این صرح ممرد نیز بنیان زسلیمان شد»
سنه ۱۳۲۵

در داخل سردر مسجد ومدرسه کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح خوانده میشود:

«قال الله سبحانه تبارك و تعالی انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا «تعلوا علی و آتونی مسلمین نمقه العبد الاقل الآثم سیدهاشم المتخلص بطوبی ۱۳۲۰».

از این طوبی اثری جز این کتیبه در جای دیگری دیده نشده نه از شعر و نه از خط.

ودربالای درورودی درلوحه‌ای این عبارات نوشته شده: «قال الله تعالی وان المساجد «لله فلاتدعوا مع الله احداً»

۳ـ برسر درمسجد رکن الملك اشعاری فارسی بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر خوانده میشود:

«در زمان شه جمجاه منوچهر کلاه — خسرو عهد مظفر شه اقلیم ستان»
«شاه قاجارجم آثار جهاندار که هست — زیب دیهیم فریدونی واورنگ کیان»
«فخر شیراز در اصفهان فرمود بنا — مسجدی سخت پی محکم عالی بنیان»
«مهتر راد سلیمان زمان رکن الملك — کش بود راستی بوذر وصدق سلمان»
«صدر دیوان قضا گوهر دریای کرم — خلف الصدق خلف ذخر زمین فخر زمان»
«دروجودش زازل پاك خدا جمع نمود — زهد سلمانی با معدلت نوشروان»
«چون که او نام نکوخواست بگیتی برجا — نام نیکوش بماند بجهان جاویدان»
«در ره حق ننماید ز زر وسیم دریغ — تا بپاداش خدایش بدهد باغ جنان»

۱ـ میرزا عبدالجواد خطیب ازفضلاء وخطباء وشعراء وخوشنویسان اصفهان بودو در ۱۲۸۰ قمری متولد ودر ۱۳۵۰ قمری وفات یافت.

«هر کجا یابد ویرانه‌ای آباد کند غیر بنیاد ستم‌کز کرمش شد ویران»
«از پس ابنیهٔ پادشهان صفوی دیدهٔ دهر ندیدست بنائی اینسان»
«مال‌راخاصیت آن‌است که‌تاصاحب‌مال خانهٔ آخرت آباد نماید بجهان»
«صرف‌شد عمر گران‌مایه آن‌میر کریم همه درخدمت مخلوق ورضای یزدان»
«وه‌ازاین میر فلك‌قدر که‌مالش‌همه شد صرف درساختن مسجدوطبع قرآن»
«ساخت‌این‌خانه‌درامروزپی‌راحت‌خلق تاکند خانهٔ فرداش خدا آبادان»
«همچوکاخ‌فلك‌ورای‌خودآن‌میرکریم ساخت این‌معبد عالی‌پی‌محکم‌ارکان»
«نامزد گشت بسرکاری این طرفه بنا نایب رادمحمد فلك‌عزت و شان»
«الغرض چونکه‌بتوفیق‌خداوند رحیم ازسلیمان زمان گشت‌تمام‌این‌بنیان»
«گشت‌ملهم‌طرب‌ازغیب‌وبتاریخش‌گفت: «شاد شد مسجد اقصی زسلیمان‌زمان»

«قائله وراقمه طرب‌ابن‌هما ۱۳۲۱»

این کتیبه وماده تاریخی که نوشته شد مطابق است باآنچه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] مندرج گردیده ورقم ماده‌تاریخ مزبور بحساب جمل مطابق است با سال ۱۲۱۳ که برخلاف تاریخ ذیل کتیبه و تاریخ واقعی بنا میباشد ومسلم درنقل اشتباه‌شده است.

برای بدست آوردن درست آن بدیوان طرب[2] گرد آورده شاعر مقدام و فرزند مفضال آن مرحوم استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا معلوم گردیدماده تاریخ درست آن چنین است:«تازه‌شد مسجداقصی زسلیمان زمان» که بحساب‌جمل منطبق است با سال یکهزارو سیصد وبیست ویك (۱۳۲۱) هجری که در ذیل‌کتیبه نیز نوشته شده است . و در یك نیم لوحه دیگر نیز تاریخ ۱۳۲۲ هجری خوانده میشود. دراشعار کتیبه‌ایکه در گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده با آنچه در دیوان طرب است مختصر اختلافی وجود دارد باین کیفیت که بعداز: «زیب دیهیم فریدونی و اورنگ‌کیان» درديوان طرب این‌دوشعر اضافه است:

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۱۰ .
۲ـ دیوان‌طرب ص۷۱۴ .

«سدّه اورا مهر است کمین فرمانبر   درگه‌اوراچرخ‌است‌کهین‌مدحت‌خوان»
« هم در ایام جهانداری سلطان مسعود   حضرت والاجم مرتبه ظل‌السلطان »

و دیگر اینکه در فرد اول شعر نهم در گنجینهٔ آثار تاریخی نوشته شده :

« چونکه او نام نکو خواست بگیتی باد . »

درصورتیکه درست آن که در دیوان طرب نوشته شده چنین است: «چونکه او نام نکوخواست بگیتی برجا».

و ترتیب‌ذکر بعضی‌از اشعارنیز باترتیب مندرج در دیوان‌طرب اختلاف‌دارد.

۴ـ کتیبه ایوان جنوبی مسجد:

کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی بخط ثلث برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود: « بسم الله الرحمن الرحیم» و سپس آیات ۴۳ تا ۴۵ و نصف آیه‌۴۶ سورهٔ اسری ودنباله آن باین عبارت: « کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی «الآتشی فی سنة سبع وخمسین ومأتین‌بعدالالف[۱] » ختم میشود.

دردو پشت بغل کاشیکاری این ایوان دردو لوحه‌بخط نستعلیق‌مشکی‌برزمینه کاشی خشت زرد رنگ چنین نوشته شده : « انه من سلیمان » « و انه بسم الله الرحمن الرحیم».

دو اسپر دو طرف ایوان جنوبی مسجد در سال ۱۳۷۹ هجری کاشیکاری شده و اشعاری از خلف‌که رکن‌الملك باشد در دو طرف ایوان بخط نستعلیق سفید بر

۱ـ محمد باقر شریف شیرازی متخلص به آتش ازشعراء و خطاطان ثلث ساکن اصفهان‌بوده که تا سال ۱۳۱۲ هجری زنده بوده است ودر اغلب مساجد و اماکن تاریخی اصفهان رقم و اثری از او باقی است. اثر خطی او از۱۲۵۱ هجری شروع‌میشود. باین ترتیب که‌در۱۲۵۱ کتیبه گنبد شاه سید علی اکبر در شهرضا را نوشته ودر ۱۲۵۴ کتیبه‌ای در مسجد حکیم‌و در سال ۱۲۵۵ کتیبه‌ای در مسجد سید ونیز در ۱۲۵۶ و ۱۲۵۷ و ۱۲۵۸ در مسجد آقا نور ودر ۱۲۵۹ در مسجد سید ومسجد گز ودر ۱۲۶۱ در مسجد شاه ودر ۱۲۸۸ در مسجدسید وهمچنین در ۱۲۹۸ درهمان مسجد کتیبه نوشته است. ودر۱۳۰۴ هجری کتیبه مسجد رحیم‌خان را نوشته است و با این ترتیب میتوان تعیین کرد که نامبرده تا اوایل قرن چهاردهم هجری حیات داشته وبکار خود ادامه‌داده است، وچون عمارت مسجد رکن‌الملك بعد ۱۳۱۲ هجری انجام شده محقق است، که‌کتیبه مزبور ازکتیبه مسجد سید گرده‌برداری شده است .

زمینه‌کاشی خشت لاجوردی باین شرح نوشته شده است :

« یا ایها المدثر تا چند در پلاسی — برخیز در عبادت کز شب نمانده پاسی »
« تاسرخوشی ودل‌گرم ازجام قم فانذر — هرگز مدار دردل از دشمنان هراسی »
« مستجمع کلامی مستغرق وصالی — از خم لایزالی برخیز و نوش کاسی »
« پروردگارت ازمهر بهرتوکرد بنیاد — نیکوترین بنائی محکمترین اساسی »
« احکام‌حق بفرما ظاهر به‌بندگان فاش — بی بیم اشتباهی بی خوف التباسی »
«ازکید دیگر اعداء خاطرپریش منما — ازوصل دوست‌دریاب‌جمعیت‌حواسی »
« تا در زوال وحدت با دوستت وصالت — درخویشتن مده راه نه نوم‌ونه‌نعاسی »
«برخیز در عبادت چالاک‌باش ودرپوش — کو تا بیابی هشته پاکیزه‌تر لباسی »
« از ماسوی سفرکن درکوی لی‌مع‌الله — کانجا گذر ندارد اندیشه و قیاسی »
«حصنی‌طلب‌که‌هرگز درآن نمیبرد راه — سستی و انهدامی تحلیل واندراسی »
« ازبوته اطاعت‌خالص‌خلف برون‌آی — کزکیمیای ایمان بل زرکنی نحاسی »

« اشعار از مرحوم رکن‌الملك (خلف) بفرمایش دکتر حسین‌رکنی ۱۳۷۹» اصفهان بازارچه‌نو کاشی‌سازی کهرنگی » .

۵ ـ کتیبه نمای خارجی ضلع شمالی :

کتیبه نمای خارجی ضلع شمالی بخط ثلث آیـات از ۴۳ تا آخر ۴۵ سورهٔ اسری نوشته شده و بعبارت: « ۱۳۲۳ هجری» ختم میشود و در دوپشت بغل‌کاشی‌کاری‌آن در دو لوحه بخط نستعلیق مشکی بر زمینه‌کاشی خشت زرد چنین نوشته شده : « انه من سلیمان » « انه بسم‌الله الرحمن الرحیم » .

۶ ـ کتیبه منظوم اطراف صحن مسجد :

در اطراف صحن‌مسجد اشعاری‌که هرفردآن دریك لوحه‌جای داده‌شده بخط نستعلیق سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح خوانده میشود :

« خامه چو جاکرد در انامل دانا — حمدخداوندانس‌وجان‌کند انشا »
« منعم ومعبود و چاره ساز مقدر — داور یکتا وبی نیاز و توانا »

« قادرقدرت‌نما ز ذره وخورشید صانع هستی فراز قطره و دریا »
« رازق روزی رسان بعالم وجاهل خالق‌خلق‌آفرین زمقطع‌ومبدا »
« موجد اجسام از سمك بسموات مبدع اجرام از ثری بثریا »
« خلق‌پدید آورد ز اصغر و اکبر دهرهویداکننده ز اسفل واعلی »
« ذاتش از گردش و زوال منزه وصفش از دانش و خیال مبرا »
« امرش‌بالاتر ازقیاس چه و چون حکمش‌والاتر از خط نعم و لا »
« رحمتش‌آموده از تفکر واعداد نعمتش افزوده ازتصور واحصا »
« نامش از سنخ کائنات تقدس شأنش از جنس ممکنات تعالی »
«عرصه‌حمدش‌چگونه‌پویدوجوید این‌قدم‌لنگ واین‌دودیده اعمی»
« بار خدایا بروزگار چو آمد نطق خلف ازکمال فضل توگویا »
«خواست‌بتوحیدلب‌گشودخردگفت پای چوبیرون نهی زحدادب ها »
« قدر نگهداروشرم‌دار و بیندیش بیش زحد گلیم خویش منه پا »
« خود چه تند عنکبوت تاربطارم کس‌چه‌زنداز بروت[1] تیربجوزا»
« یاچه‌کنددام‌حوت شیرفلك صید یا چه پردصعوه در مقابل عنقا »
« پشه‌چرا خود پرد بشاخه طوبی ذره چسان ره برد بچشمه بیضا »
« ای‌زحواس‌وخیال‌وفکرت‌بیرون وی زقیاس وگمان و وهم معرا »
« ای‌توبری‌ازمثال‌و مونس‌ومانند وی‌توعری‌ازهمال وهمسروهمتا »
« هم‌بتواین‌کاخ‌بیستون‌شده‌محکم هم‌زتواین‌چرخ‌واژگون‌شده‌پویا »
« هم توروان دادهٔ و سینه صافی هم تو توان دادهٔ و دیـده بینا »
« حکم‌تو نافذتر ازمقام کم‌وکیف امر تو عالی‌تر از کلام ام و یا »
« مطرب‌درپرده‌ازتوبرزندآهنگ بلبل در باغ از تو برکشدآوا »
« از تو ببازار مصر آمده یوسف وز توگرفتار عشق گشته زلیخا »
« ازتوبود ارتباط لیلی و مجنون وز تو بود اختلاط وامق وعذرا »

۱- بروت بمعنی سبیل است .

« از تو بود اختیار ویسه ورامین وز تو بود اشتهار سلمی‌و سلما »
« ازاثر فحل‌فضل تست‌که دربحر حامله گردد صدف بلؤلؤ لالا »
« ازنظر خشم‌وقهر تست‌که درکوه زلزله افتد بجان صخره صما »
« راهنمای رهی توگشتی ازاین‌ره از لا ره یافته بشهره الا »
« ورنشود رهنمون لطف تو رهبر کس‌نتواند قدم برون نهد از لا »
« عقل‌برد ره بکنه ذات توهرگز فهم‌کند درك وصف قدر توحاشا »
«خودتومگرخویشتن‌شناسی ورنه کس نرساند کمند دانش‌آنجا »
« ازتوگذشته است نام‌سید سادات از طبقات سپهر و گنبد مینا »
« احمد محمود برگزیده معبود باعث ایجاد کل مخاطب طاها »
« قطرهٔ‌ازجوی اوست چشمه‌کوثر شمه‌ای ازبوی اوست عنبرسارا »
« آنچه‌پیام ازتوداده دارم تصدیق آنچه رسانیده ازتوگفتم اهلا »
« شرع نبی را زسر نهادم گردن امرتوراکرده‌ام بجان ودل اصغا »
« بعد نبی آن رسول پاك مصدق هست بما پیشوا و سرور ومولا »
« مظهر قدرت ولی قادر بیچون مفخر امت علی عالی اعلا »
« ازپس اوشد حسن‌امام که باشد مسئله دان رموز علم الاسما »
« بعدحسن‌مقتداحسین‌شهیدآنك هست بمحشر شفیع خلق بفردا »
« سید مظلوم آنکه بی‌کس‌ویاور کشته‌کین‌شد زجور لشکر اعدا »
« ازپس اومقتدا علی‌است‌که‌گشته هادی راه خدا بمردم دنیا »
« بعد علی پیشوای خلق جهان‌شد باقر علم نبی شهنشه والا »
« ازپس باقر بود سلیل جلیلش جعفرصادق‌که دین‌ازاوشده برپا »
« موسی‌جعفردگرکه ازشرف‌وقدر زنده جاوید کرد سنت آبا »
« بعد علی آن‌که آستان رفیعش خلق جهان را ملاذ باشد وملجا »
« باز محمد خدیو ملك امامت کز همهٔ خلق بود ازهد و اتقی »
« نور علی آفتاب چرخ ولایت کرده بامت رموز شرع هویدا »

« یازدهم عسکری که کرده زاعجاز | عسکر حق بهر خصم ناحق پیدا »
« حجت قائم امام حی که ز افضال | هست مقامات جملگی را دارا »
« پر کند از عدل بعد ما ملئت ظلم | جمله جهان امر حق نماید اجرا »
« بخش خدایا فرج باو که ظهورش | دین هدا را کند بدنیا احیا »
« بارالها گواه باش که دارم | در همه عالم باین ائمه تولا »
« گر چه مرا معصیت برون ز حسابست | بخش گناهان من بعصمت زهرا »
« دست تولا زدم بدامن ایشان | خون برگ و جان بجسم و موی براعضا »
« هست خلف را پر از محبت ایشان | بار خدایا مرا بایمان افزا »
« یافت چو اتمام این بنای مقدس | گشت خلف سال اختتامش جویا »
« سر ز بنا کرد عقل داخل و گفتا: | « شد زسلیمان تمام مسجدالاقصی»
« یاسبحان ۱۳۲۴ » | « کتبه طرب ابن هما ۱۳۲۴»

در شعر آخر که ماده تاریخ است در گنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] که این کتیبه‌ها از آنجا نقل شده فرد آخر چنین نوشته شده :

« شد زسلیمان تمام مسجد الاقصا »که الاقصا پایانش با الف و بحروف جمل مطابق میشود با ۱۳۱۳ وچون سر (بنا) که (ب) باشد و بحروف جمل با عدد دو منطبق است به ۱۳۱۳ اضافه گردد جمع آن میشود ، ۱۳۱۵ و حال آنکه درست نیست و تاریخ منظور ۱۳۲۴ هجری است ولی اگر فرد آخر چنین نوشته شود : « شد ز سلیمان تمام مسجد الاقصی »که اقصی بیاء نوشته شود عدد آن بحساب جمل ۱۳۲۲ میشود وچون عدد دو بر آن اضافه شود تاریخ مطلوب بدست میآید .

اشعار کتیبه مزبور از خود رکن‌الملك و نویسنده آن مرحوم طرب فرزند همای شیرازی بوده است که درسال ۱۳۲۴ کاشیهای آن نصب شده است .

۷ - کتیبه ایوان جنوبی مسجد :

دراطراف ایوان جنوبی مسجد کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق سفید برزمینه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۸۰۵ تا ص۸۲۱ .

کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود .

« حبذا از همت والای والی زمان
رکنملك و یاور دین حکمران اصفهان »

« آصف ملك عجم خان سلیمان راد خان
افتخار دین و دولت اعتبار این و آن »

« این چنین فرمانروا ازعدل وفیض وداد جو
نه کسی برده است نام ونه کسی دارد نشان »

« گشته تعمیر بقاع و تربت اخیار از او
نیت خیرش ضمین و فطرت پاکش زمان(۱) »

« درّه لله در خیراتش از حق اجر باد
قصر خلد و حور عین فیهن خیرات حسان »

« در ره حق بنده گر اینسان کند طی طریق
پایگاه قرب را این گونه سازد نردبان »

« از سلیمان نبی شد مشتهر نامم زنور
زین سلیمان مشتهر آمد نبی اندر جهان »

« از سلیمان سلف بیت المقدس شد خلف
و ز سلیمان خلف بیت المقدس شد نشان »

« بهر آبادانی و بنیان این تقوی اساس
شد اشارت از جناب کامیابش از بنان »

« پا درون آورد ادیب وکلك تاریخش نوشت:
« سازشد بیت‌المقدس از سلیمان زمان »
۱۳۱۹

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان(۲) فرد اول شعر هفتم چنین نوشته شده :
« ازسلیمان نبی شد مشتهر نامم زنور » درصورتیکه درست آن چنین است :

۱ ـ درست آن ضمان بنظر میرسد .
۲ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص ۸۱۶ .

« ازسلیمان نبی شد مشتهر نامه زبور » بقرینهٔ اینکه در فرد دوم چنین گفته :

« زین سلیمان مشتهر آمد نُبی اندر جهان » که منظور قرآنی است که رکن‌الملك انتشار داده است .

۸- کتیبه‌های درون گنبد :

دراطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی ابتداء : « بسم‌الله‌الرحمن الرحیم » و سپس از آیات ۲۶ تا نصف آیه ۲۹ و نصف آیه ۴۵ سوره اسری وسپس (۱۳۲۳ هجری) ودر دنباله‌آن درچهار سطر بخط نسخ سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی اشعاری عربی باین‌شرح نوشته‌شده است :

« ان السلیمان و رکن الاعلی — اسس ذلك المسجد المثوی »
« جزاه ربنا جزاء الاوفی — قصور مجد فی جنان المأوی »
« ارخ الانصاری بدوالمسمی — و شطر شطراً للمعاد الاقوی »
« کفی السلیمان ذابناء الاقصی — واسست ارکانه بتقوی »

که بحساب جمل با سال ۱۳۱۶ منطبق میشود و چنین بنظر میرسد که در مصرع اخیر تحریفی شده باشد و ممکن است که سال شروع بساختمان ۱۳۱۶ هجری باشد .

در داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات از ۲۵۵ تا آخر ۲۵۷ سوره بقره و درپایان « ۱۳۲۳ » نوشته شده است. ونیز دردرون آن‌بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم » وبخط ثلث مشکی‌برزمینه‌کاشی‌خشت زرد رنگ:
« سبحان ربی‌العظیم وبحمده و درچهارترنج بخط ثلث زرد برزمینه صورتی‌رنگ :
« یا حنان - یاغفران - یا رضوان » .

۹- کتیبه ستون‌های سنگی‌گنبد :

درسرستونهای چهارگانه قسمت فوقانی زیرگنبد بخط نستعلیق سیاه‌برجسته اشعاری بشرحی‌که درپائین‌آورده میشود حجاری شده :

« شد ز رکن‌الملك چون بنیان این محکم بنا

سال اتمامش خلف ازاین و آن جویا شده »

« عقل دوراندیش او ازبهر تاریخش سرود :

« از سلیمان مسجد الاقصی نگر برپاشده »

که به‌حروف جمل با سال ۱۳۲۲ هجری منطبق میشود .

«چو این‌زیبا مکان‌را دیدمرشد[1] بگفت ازکیست این‌ترویج‌اسلام»

« یکی آمد برون‌گفتا بتاریخ: « و ز اقدام سلیمان یافت اتمام »

که بحساب حروف جمل باسال (۱۳۲۳ هجری) منطبق‌می‌گردد وچون‌یکی خارج شود میشود ۱۳۲۲که مطلوب است .

دیگری درباره تاریخ گفته :

سال آغاز بنا و انجام آن زین دومصرع گفته‌تاهستت‌شنو:

«کزسلیمان حشمت آصف مقام» « گشت برپا مسجد الاقصی بنو»

که بحساب حروف‌جمل شروع بنا سال ۱۳۱۸ هجری وسال اتمام بنا ۱۳۲۲ هجری میشود . این دوشعر نیز ازمرحوم حاجی‌آقانورالله متخلص‌به نور است[2] که تاریخ ۱۳۲۴ را تعیین میکنند :

۱ــ سید عبدالوهاب مستشار دفتر فرزند سیدهاشم اصفهانی از فضلاء و ادباء و شعرای‌معروف قرن چهاردهم بود ودرشعر مرشد تخلص داشت وشعر نیکو میسرود و ماده تاریخی‌که درمتن ذکر شده از اشعار او است .

نامبرده در تاریخ هفدهم صفر ۱۳۴۳ هجری در اصفهان وفات یافت و در تخت‌فولاد در یکی از اطاقهای تکیه ملك مدفون شد. ماده تاریخ وفاتش را چنین سروده‌اند :

سال تاریخ فوت پرسیدم از مقیمان روضهٔ رضوان

باغبان سربرون نمودوبگفت: « مستشارآمده مقیم جنان »

۲ ـ حاجی آقا نوراللهبن شیخ محمد باقر بن شیخ محمد تقی بن عبدالـرحیم ایوان کیفی مسجدشاهی اصفهانی مولود (۱۲۷۸ هـ. ق) ومتوفی(۱۳۴۶ هـ. ق= ۱۳۰۶/۱۰/۴ هـ. ش) از فقهاء وعلماء وبزرگان اصفهان و از مقدمان مشروطیت بود او مصلحی با تقوی و مجاهدی بزرگ و روحانی مبارز بشمار میرفت وبی‌شك یکی از رهبران واقعی مشروطه است‌که روی ←

« چون زرکن‌الملك والدین آن سلیمان دوم
شد بنای مسجد اقصی هدی للمتقین»

« سر برون آورد نور وبهر تاریخش سرود :
« از سلیمان شد بنای مسجد اقصی متین »

۱۰- کتیبه خارجی گنبد :

در اطراف نمای خارجی گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بعد از ذکر آیاتی ازسوره جمعه درچهار سطر اشعار عربی : (ان السلیمان ورکن الاعلی » تا آخر تکرار شده و سال تاریخ آن نیز در پایان کتیبه (۱۳۲۲) نوشته شده است .

۱۱ -کتیبه شبستان مسجد :

بر هلال شبستان سقف‌دار مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی نخست جمله : « قال‌الله تعالی » وسپس آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه ودنباله آن بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این اشعار کتیبه شده :

« حبذا ز این بلند اساس مقام — که بود رکنی از جنان بصفا »
« گشت برپا زسعی رکن‌الملك — گوئیا کعبه‌ای نموده بنا »
« بهر تاریخ او نوشت ادیب[1] : — « ولقد اسست علی التقوی »
۱۳۱۸

→ احساسات ملی مبارزه کرد و از هیچ‌چیز دریغ نداشت، باشرافت و تقوی زیست و در حفظ حقوق مردم وحدود احکام الهی و عدالت اجتماعی تا آنجاکه توانست جهادکرد . پس از فوت برادرش شیخ محمد علی ثقةالاسلام لقبش باو داده شد ولی مردم در محاوره اورا همان حاجی نورالله خطاب میکردند. نامبرده شعری میسرود و تخلصش نور بود.
(نقل بمعنی از رهبران مشروطه)

۱- ادیب آنچه‌مسلم است اینکه ازشعرای قرن چهاردهم بوده و شعرهم بخصوص ماده تاریخ نیکو میسروده وعلاوه برچند ماده تاریخ که راجع بمسجد رکن‌الملك گفته درموارد دیگری‌هم سروده است ولی تاکنون از نـام و خصوصیات زندگی او چیزی بـدست نیاورده‌ام اشعار ماده تاریخ او از ۱۳۱۴ هجری تا ۱۳۱۹ دیده شده است وبا اینکه با طرب‌بن هما معاصر بوده است استاد جلال‌الدین همائی در مقدمه دیوان طرب نامی از او نبرده‌اند درصورتیکه از شعرای معروف نزد رکن‌الملك بوده است .

ماده تاریخ مزبور در واقع تاریخ شروع مسجد را تعیین کرده است .

کتیبه‌ها از لحاظ مفاد و خصوصیات از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است .

آرامگاه رکن‌الملك نیز چنانچه در پیش اشاره گردید دراطاقی در مسجد مزبور قرار وکتیبه هائی نیزدارد ولی ازلحاظ اصولی شرح و چگونگی آن درباب آرامگاهها وبقاع تاریخی اصفهان داده خواهد شد .

ثبت تاریخی این‌مسجد درگردش اداری است[۱] .

۲۶- مسجد سارو تقی :

این مسجدکه به‌مسجد بزرگ ساروتقی شهرت دارد در فاصله میان بازار مقصودبیك وبازارچه حسن‌آباد درمجاورت امامزاده‌احمدواقع گردیده‌است. هرچند صحن مسجد وسعتی ندارد ولی‌گنبد مذهب تاریخی آن جالب توجه و قابل بررسی هنری است . قسمتی ازطاق بازار ویران‌گردیده ولی‌قسمتی دیگرازآن برفراز سر در مسجد ومنزل ساروتقی باقی‌مانده است .

نمای‌گنبد مسجد ساروتقی درخارج آجرساده است ولی در داخل مانند سقفهای زمان صفویه با نقاشی وگچبری تزیین شده وهمین تزیینات است‌که گنبد مسجد مزبور را ازسایر گنبدها جدا می‌کند و برآنها امتیاز دارد . در داخل گنبد کتیبه‌ای وجود ندارد وکتیبه آن درسردر مسجد که مشرف بربازار است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است : (ش۶۷)

« فی‌ایام الدولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مروج المذهب الائمة »
«المعصومین‌علیهم‌السلم السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان‌ابوالمظفرشاه‌عباس الموسوی»
« الحسینی‌الصفوی الثانی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه توفیق بنای این مسجد»
« یافت مخدوم الامراء و خادم‌الفقراء اعتمادالدولة العلیة العالیة میرزا محمدتقی »
«المشهور بساروتقی فی۱۰۵۳کتبه محمدرضا الامامی الاصفهانی‌الادهمی[۲] » وحاکی

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .
۲ - بنقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۴۹ .



(شکل۶۶)

است‌که مسجد ساروتقی درعهد شاه‌عباس ثانی درسال ۱۰۵۳ بناگردیده . ونویسنده خط‌کتیبه محمد رضا امامی ادهمی اصفهانی بوده است . این‌مسجد طی شمارهٔ ۱۱۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است(۱) .

۲۷ ـ مسجد کوچك ساروتقی :

مسجد کوچك ساروتقی درچهار سوی بازار ساروتقی دربازار قهـوه کاشیها واقع‌شده است . مسجد درایوان جنوبی چهارسو قرار دارد و کاروانسرای ساروتقی که درضلع شمالی چهارسو میباشد چون مالك خصوصی‌دارد درحال معموریت است ولی مسجد وضع اسفناکی دارد و قسمتی از مقرنسهای آجری و کتیبه آن ریخته

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

است ، سقف بازارهم دربرخی جاها فروریخته وچون برخلاف گذشته محل‌عبور و مرور نیست بازار مزبور بصورت بازارچه‌ای متروك درآمده است .

کتیبه سر در مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین‌است :

« قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی انمایعمرمساجدالله من‌آمن بالله و الیوم‌الاخر »
« واقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من‌المهتدین »
« و قال عزوجل یا ایهاالذین آمنوا . . . وذروالبیع ذلکم خیرلکم ان‌کنتم »
« تعلمون . قال‌الامام الناطق جعفربن محمدالصادق صلوات‌الله علیهما وعلی‌آبائهما »
« من بنی مسجداکمفحص قطاة بنی‌الله له‌بیتا فی‌الجنة فی ۱۰۵۶کتبه محمد رضا »
« الامامی.»[1]

نسبت به‌ثبت تاریخی این‌مسجد هنوز اقدامی معمول نگردیده است واقتضاء داردکه نسبت به‌ثبت تاریخی ومحافظت آن توجه لازم معمول‌گردد .

۲۸- مسجد سعیدبن جبیر :

درب این‌مسجد درصحن درب امام باز میشود وبنای اصلی آن پس‌ازمسجد شعیا کهن‌تر از دیگر مساجد بوده است .

سعیدبن جبیر درسال ۸۱ هجری همراه عبدالرحمن اشعثی باصفهان آمده ودراین مسجد بعبادت میپرداخته است .

درداخل‌این‌مسجدکوچك‌درزمان صفویه مختصرکاشیکاری شده وکتیبه‌اطراف آن بخط بنائی مشکی باکاشی معرق برزمینه زرد شامل سوره الضحی وقسمت‌آخر آن عبارت : « سبحان ربك رب‌العزة عما یصفون وسلام علی‌المرسلین و الحمدلله » « رب‌العالمین» میباشد .

و در پشت بغل محراب بخط بنائی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین مکتوب است :

۱- گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۱.

« نصرمن‌الله و فتح قریب و بشرالمؤمنین ـ یا الله ـ یا محمد ـ یاعلی » .
کتیبه داخل محراب بخط بنائی مشکی معرق شامل سورهٔ اخلاص است و در پایان آن تاریخ (۱۱۲۳) خوانده میشود[۱] که حکایت دارد در سال ۱۱۲۳ هجری یعنی درسلطنت شاه سلطان حسین کاشیکاری مزبور انجام گردیده ومساحت آن بیش از یك قفیز است . [۲] درب امام به‌ثبت تاریخی رسیده ولی این مسجد هنوز بـه ثبت تاریخی نرسیده واقتضاء دارد که موجبات ثبت آن نیز فراهم شود .

۲۹ـ مسجد سفره چی = سرخی :

این مسجدکه درکوچه‌ای بنام‌کوچه مسجدسرخی واقع‌شده از بناهای دوره شاه عباس اول وبانی آن خلف سفره‌چی شاه عباس بوده است . و اما اینکه به‌مسجد سرخی معروف شده بیشتر گفته‌اندکه همان سفره‌چی است که دراثرکثرت استعمال درمحاورات تبدیل به سرخی شده است ولی‌احتمال‌هم داردکه درهنگامیکه مسجد بنا شده‌چون ازآجرهای سرخ‌رنگ ساخته‌شده بوده برای امتیاز از دیگرمساجد آن را بنام مسجد سرخی خوانده باشند .

داخل مسجد ونیز سردرآن تزییناتی‌ازکاشیکاری دارد وکتیبه سردرش بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود :

« قداتفق فی‌ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاشجع الاعظم مالك رقاب»
« الامم مولا ملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین غـلام »
« باخلاص امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌الصلوة والسلام‌ابوالمظفر شاه عباس»
« الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی»
« العالمین‌بره وعدله واحسانه وعظمته وشوکته ومعدلته ونصرته و حشمته الی‌یوم »
« القیامة بنده درگاه خلف سفره‌چی بتاریخ اربع عشر[۳] والف رقم صحیفی . » در جلوخان مسجد مزبور درطرف غربی‌آن سنگابی‌قراردارد که درسال ۱۱۱۷ هجری

۱ـ وضع مسجد وکتیبه‌آن ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است. ۲ـ تاریخ اصفهان وری ص۲۴۹ . ۳ـ بنا بر قاعده علمی درست آن رابع‌عشر میباشد .

وقف برحضرت امام حسین شده است وکتیبه آن باین‌شرح خوانده میشود :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام‌نموداستاد محمد شفیع خیاط بتاریخ»
« شهرجمادی الاخر فی‌سنه ۱۱۱۷ . »[۱] .

نکته‌ایکه دراینجا لازم بتذکر است اینکه درچندجای تاریخی اصفهان‌نام صحیفی نویسنده خط ثلث برده شده و بیشتر آن‌مربوط بزمان شاه‌عباس اول‌میباشد دربعضی موارد صحیفی جوهری و در برخی کتابها صحیفی جویمری و در مورد دیگر صحیفی شیرازی وصحیفی فارسی و درتذکره نصرآبادی ملاصحیفی شیرازی درج شده است درجائی‌هم صحیفی مطلق ذکرگردیده است .

درکتیبه صفه حکیم مسجد جمعه مربوط بسال ۹۹۶ هجری صحیفی مطلق رقم کرده وبخط ثلث است ونیز درکتیبه ساختمان روی حوض صحن مسجد جمعه اصفهان چنین رقم‌کرده : « رقم فقیرصحیفی سنة ۹۸۵ » ودیگرکتیبه مسجدسرخی که نوشته‌شد رقم‌آن «بتاریخ اربع‌عشر والف رقم‌صحیفی» است ونیزدرکتیبه مسجد جارچی باشی رقم‌آن : « سنه تسع عشر و الف رقم صحیفی جوهری » میباشد . در کتیبه‌های دولنگه راست وچپ درشمالی مسجد جمعه‌که تاریخ ندارد چنین‌نوشته شده : « رقم‌فقیرصحیفی‌الجویمری[۲] » درکتیبه لنگه چپ‌درمقبره شاه‌زند نوشته :

۱- نقل‌ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۷۵ تا ص۴۷۷ .

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۵۹ .

بطوریکه تذکره‌نویسان نوشته‌اند صحیفی جوهری شیرازی ازکتابه نویسان پرکاربوده که‌کمتر مزاری بوده در زمان او که درآن‌مزار کتابه بخط اودرآن نباشد. وی ازبزرگزادگان طایفه ذوالقدر فارس بوده ودر شیراز متولد گردیده است. در جوانی از شیراز باصفهان‌آمدو چون آن زمان‌دوران تشویق هنرمندان‌وخطاطان بود در آنجا اقامت کرد وبکار کتابت‌پرداخت وشعر هم میسرودتا اینکه درسال ۱۰۲۲ هجری وفات کرد و در محل سه‌تنان نزدیکی مسجد جامع مدفون گردید و این اشعار را حکیم شفائی درسوك وماده تاریخ وفاتش سرود :

چون‌صحیفی‌جوهری‌ز قضـا   از جهان رفت جانب عقبی
دل خلق‌جهان بسوخت براو   همه را دیده گشت خون پالا
بی بدل بود در فنون سخن   در فن شعر بود بی همتـا
تا قیامت بر این کتابه دهر   رقم خط او بود پیدا

←

«رقم صحیفی جوهری ۹۹۴» ودر کتیبه سردرمسجد کوچك جورجیر «رقم فقیر صحیفی جوهری فی سنةثمان عشر والف » و در کتیبه داخل بقعه شهشهان بخط ثلث : « فی شهر ذی الحجة سنة ثلاث وعشر والف من الهجرة النبویة خط صحیفی الفارسی.»

ازمجموع یادآوریها استنباط میشودکه صحیفی شیرازی وجوهری وفارسی وجویمری یکی بوده وخط ثلث را خوش مینوشته و شعرهم میسروده است و علاوه بر اشعاریکه در کتیبه روی ساختمان حوض مسجد جمعه از او باقی مانده این یك شعر نیز درتذکره نصرآبادی[1] ازاو نقل شده است :

شدم موئی و پیچیدم بر آتش یار حاضر شد
عزایم خوان پری حاضر کند چون مو بسوزاند

مسجد سفره چی = مسجدسرخی طی شماره ۲۷۵ به ثبت تاریخی رسیده است[2]

۳۰ ـ مسجد سلیمان بیك :

این مسجدکه در محله نوکوچه بازارچه خان واقع است کوچك وبانی آن سلیمان بیك ازدرباریان شاه عباس ثانی بوده وکتیبه سردرآن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق لاتمام هذاالمسجد فی زمن دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم »
« مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه »
« عباس الثانی الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه »
« اقل خلق الله سلیمان بیك چینی کش خاصهٔ شریفه خالصاً لله تعالی فی ۱۰۷۲ کتبه »
« محمد رضاالامامی[3] » .

→

سال فوتش زعقل جستم گفت: «رفت ملا صحیفی از دنیا »
۱۰۲۲

از اشعار معروف ملا صحیفی ساقی نامه او است که مطلع آن چنین است:

بده ساقی آن آب فکرت گداز — که بیرون دهد دل ازاین پرده راز

۱ـ تذکره نصرآبادی ص ۳۰۵ . ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۴ . ۳ - نقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۱۱ .

۳۱ ـ مسجد سید :

پس از انقراض صفویه تقریباً ساختن مساجد بزرگ در اصفهان رو به‌رکود گذارد ومساجدی‌هم که گاه‌بگاه بوسیله مردان خیر ساخته میشد کوچك و محقر بود تااینکه درعصر فتحعلی‌شاه ومحمدشاه قاجار حجةالاسلام حاجی‌سید محمدباقر شفتی رشتی بیدآبادی تصمیم ببنای مسجد جامع معروف به مسجد سید گرفت و میتوان‌گفت این مسجد یکی ازمساجد بزرگ وباعظمت اصفهان است .

تاریخ صریح بنای مسجد ازآغازمعلوم نیست ولی‌آنچه مسلم‌است دراواخر نیمه‌اول قرن‌سیزدهم[۱] شروع‌گردیده وتا آخرقرن مزبور و اوائل قرن چهاردهم ادامه داشته ومعذلك بعضی ازتزیینات مسجدهم تاکنون انجام نشده است .

این مسجد واقع است در محله بیدآباد و ببازارچه بیدآباد اتصال دارد و دارای چهار درب‌است[۲] ومساحت‌آن ازلحاظ طول۹۵متر وعرضش ۸۵متر میباشد ومجموع مساحت‌آن بالغ برهشتهزار وهفتادوپنج (۸۰۷۵) متر است .گنبداصلی وشبستانهای طرفین درقسمت جنوب واقع شده است ، ازاره مسجد ازسنگ سیاه و قسمتهای فوقانی ازکاشیهای هفت رنگ بنا گردیده ، خطوط کتیبه‌های مسجد که مشتمل‌براخبار واحادیث وآیات‌قرآنی‌است اغلب‌مربوط به‌محمدباقرشیرازی‌است.

درشمال غربی شاخصی منصوب است که ساعت ظهـر را تعیین میکند و در بالای ایوان جنوبی گلدسته واقع و ساعت بزرگی نصب‌شده و درطرفین‌آن دومناره ساخته شده است .

درسمت شرقی وغربی‌مهتابیهای وسیعی درطبقه دوم وجود داردکه دراطراف آن حجره‌هائی‌را برای سکونت طلاب‌بناکرده‌اند در وسط مسجد حوضی مستطیل شکل و درمشرق مسجد شبستان بزرگی قرار دارد . معروف است‌که زمین مسجدرا

۱ـ درتاریخ اصفهان وری ص۲۸۸ نوشته‌اندکه تاریخ شروع‌بنا ۱۲۴۰/ هجری بوده است.

۲ـ ۱ـ در جنوب‌شرقی. ۲ـ در زنجیر(شمالی). ۳ـ درحمام‌دوقلو. ۴ـ در جنوب غربی معروف به‌درملاعلی‌میرزا که مؤذن‌خوش‌صوت مسجد ومورد اعتمادسید بوده‌است. نامبرده نیای مادری پدر نگارنده است وپسرش ملایوسف درزمان حاج سیداسدالله مؤذن بوده است برای‌اطلاع ازشرح‌حال آنان به ص۸۰ بخش اول آتشکده اردستان رجوع شود.

درزمان شاه سلطان‌حسین فتحعلی‌خان اعتمادالدوله وزیرشاه مزبور خریده بودکه درآن مسجدی بناکندولی دراثرهجوم افغانها مقدور نگردید تااینکه حجةالاسلام شفتی مبادرت باین‌کار بزرگ‌کرد .[1] (ش ۶۷)



(شکل ۶۷)

کتیبه‌های مسجد سید باین شرح است :

۱ ـ کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۷۷ .

لاجوردی رنگ شامل سوره اسری تا آخر آیه ۲۵ وآخر کتیبه چنین است: « کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۵۶ ».

۲ ـ در زیر کتیبه افقی نمای فوقانی ایوان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ درچهار لوح بزرگ این عبارات مکتوب است :

« قال تعالی یا ایهاالذین آمنوا ان‌تنصروا الله ینصرکم‌الله فلاغالب لکم وان»
« یخذلکم فمن‌ذا الذی ینصرکم من‌بعده و علی‌الله فلیتوکل المؤمنون ان‌المتقین »
فی‌جنات‌النعیم کتبه محمدباقرالشیرازی » .

۳ ـ دربالای اسپرهای‌دوطرف ایوان بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی اشعار زیر خوانده میشود :

« خدیو کشور دین شهریار خطه ملت
که کیوانش‌برد حسرت همی برخادم‌ایوان »
« شه ملك سیادت حجة الاسلام آن کامد
بدم‌چون‌عیسی‌مریم‌بکف چون موسی‌عمران»
« بامرش شد بنا این‌مسجد عالی بآن نزهت
که باشد هر شبستانش نظیر روضه رضوان »
« سزدگر کعبه‌اش‌خوانی که‌شد سرکاراتمامش
سمی زاده آزر سلیل خواجه کیهان »
«چوشدمعموراین‌معبدهلال(۱) ازبهرتاریخش
بگفتا : « شد بنای کعبه ثانی با صفاهان »
(۱۲۵۵)

۴ـ کتیبه داخل ایوان جنوبی بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ نخست : « قال‌الله تعالی » وسپس آیات از۱۴ تا ۱۷ سوره رعد وآیات از۳۱ تا ۳۳ سوره ابراهیم ودنباله آن چنین است :

۱ـ آقا محمد حسین فرزند آقامحمد علی‌مذهب متخلص به‌هلال وهمت از شعرای اواخرقرن سیزده واوائل قرن‌چهاردهم هجری است . (مقدمه دیوان طرب) .

« صدق‌الله العلی العظیم کتبه محمد باقرالشیرازی سنة خمس و خمسین و »
« مأتین بعدالف ۱۲۵۵ ».

در پائین حاشیه دو اسپر ایوان مزبور نام استادان کاشی‌پـز مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین ترتیب نوشته شده‌است: «عمل‌کمترین معصوم فی۱۲۵۵ ».

ودر حاشیه کوچکی بخط نستعلیق لاجوردی برزمینه کاشی سفید رنـگ نوشته شده : « عمل‌کمترین آقاجان ۱۲۹۹ » و در ایوانهای کوچك فوقانی ایوان جنوبی بخط بنائی مشکی معرق برزمینه سفید خوانده میشود :

« یامن هوخالق لکل شیئی » « سبحان ربی‌العظیم وبحمده »

« سبحان ربی‌الاعلی وبحمده »

۵ـ کتیبه داخل‌گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی شامل سوره‌جمعه وآخر آن چنین‌است :

« کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۸۸ » وبرکاشی دیگری نوشته شده : « اللهم اغفر لحمد اسمعیل ».

۶ـ در اطراف هلالها نخست عبارت : «قال‌الله سبحانه تبارك و تعالی» و سپس آیات ۴۰ تا ۸۵ سوره مریم وبجملات زیر تمام میشود : « صدق‌الله العلی العظیم . کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۹۸ ».

۷ ـ کتیبه اطراف محراب بزرگ داخل‌گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی ابتدا : « قال‌الله تبارك و تعالی» و سپس از آیه ۸۳ تا ۱۰۰ سوره مؤمنون و پایان کتیبه چنین است :

« صدق الله العلی‌العظیم کتبه محمد باقرالشیرازی فی۱۲۵۹ ».

۸ ـ کتیبه داخل محراب بزرگ بخط ثلث ونستعلیق برزمینه کاشی‌برجسته هفت رنگ عبارات : « یاسامع‌المناجات » و « یامجیب‌الدعوات » هریك سه‌مرتبه تکرار شده است .

۹ـ کتیبه محراب کوچك سمت راست بخط ثلث پس از ذکر آیه اول تا دهم سوره علق در داخل قطارها بخط بنائی مشکی برزمینه سفید نام کاشیکار بشرح پائین خوانده میشود :

« عمل استاد حسن بن استاد علی »

۱۰ـ کتیبه محراب کوچك سمت چپ بخط ثلث نخست از آیه ۱۱ تا آخر سوره علق و کتیبه مزبور باین قسمت ختم میشود :

« صدق‌الله العظیم والنبی الکریم کتبه عبدالجواد ابن‌عبدالحمید ۱۲۹۷[1] »

۱۱ـ کتیبه زیر ایوان شمالی مسجد بخط ثلث سفید برزمینهٔ خشت لاجوردی جمله : « قال‌الله تبارك و تعالی » وسپس آیات از ۳۴ تا ۳۶ سوره نور و درپایان آن این عبارات نوشته‌شده است :

« صدق‌الله العلی العظیم کتبه محمد باقرالشیرازی فی سنة ۱۲۵۹ » .

۱۲ـ کتیبه داخل ایوان شمالی بخط ثلث ابتداء از آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۲ سوره اسری وسپس درآخر آن تاریخ : « ۱۲۹۹ هجری » ذکر شده است .

۱۳ ـ کتیبه منظوم بالای دوپشت بغل کاشیکاری داخل ایوان مزبور بخط نستعلیق لاجوردی برزمینه کاشی خشت سفید رنگ باین شرح نوشته شده است :

« نجل پاك حجة الاسلام آن میر همام
جعفر ثانی کز اول شد ملاذ خاص و عام »
« بانی اتمام این صفه چه شد گوئی که گفت
ایزدش بادا جزایت خیر فی دارالسلام »
« ازخرد کردم سؤال ازسال تاریخش جواب
گفت طوبی لك چه شداین صفه عالی تمام »
پا بنه اندر مقامان بهر تاریخش بگو:
« صفه مسجد بیامد قبله گاه خاص و عام »

۱ـ عبدالجوادبن‌عبدالحمید خطاط ونقاش بوده ونقاشی اطاق عمارت مسعودیه اهدائی بوزارت فرهنگ سابق ازقلم اواست . تذکرة القبور چاپ دوم ص۱۲۹ .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] که این کتیبه ها از آن اقتباس شده در مصرع اخیر « قبه‌گاه » نوشته شده است در صورتیکـه درست آن « قبله‌گاه » میباشد ؛ زیرا مصرع مزبور بحساب جمل بطوریکه درکتاب مزبور درج شده بالغ بر ۱۲۸۰ میشود و وقتی لفظ (پا) که بحساب با رقم۳ برابر است از ۱۲۸۰ کم کنیم میشود ۱۲۷۷ هجری وحال آنکه باید مطابق ۱۳۰۷ هجری باشدکه تاریخ مساوی آن در دو اسپرداخل ایوان (۱۳۰۷) اعلام گردیده‌است ولی اگر « قبله‌گاه » خوانده شود مجموع حروف مصرع آخر بحساب جمل با ۱۳۱۰ منطبق میشود وچون لفظ (پا) بحروف جمل بارقم ۳ تطبیق میکند از ۱۳۱۰ کسر کنیم همان عدد مطلوب که ۱۳۰۷ باشد بدست میآید .

۱۴ ـ کتیبه دواسپر داخل ایوان بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ چنین است :

« انامدينة العلم وعلى بابها ۱۳۰۷ » .

۱۵ ـ درکتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی آیات از۲۵ تانصف آیه ۴۵ سوره اسری وبعبارت زیر پایان میگیرد :

« كتبه‌محمد باقرالشيرازى الآتشى فى سنة سبع وخمسين ومأتين بعدالالف. »

۱۶ ـ بخط نستعلیق طلائی برزمینه لاجوردی رنگ نام‌خطاط اشعار چنین نوشته‌شده است : « كتبه الاحقر اسدالله[2] غفرله وستر ذنوبه ۱۳۰۸ ».

نام کاشی‌ساز درزیر مصرع : « بدانا ازپی تاریخ اتمامش خرد گفتا » چنین نوشته شده :

« عمل آقاجان کاشی‌پز غفرله »

ونام حجار در زیر گلدانهای سنگی‌طرفین ایوان چنین نوشته شده : « عمل کمترین حسن‌ابن حسینعلی حجارسنه۱۳۰۹» «التماس‌دعا ۱۳۰۹» ونیز بخط نستعلیق

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۸ .   ۲ـ اسدالله رجالی فرزند عبدالجوادبن عبدالحمید اصفهانی مولود ۱۲۸۲ و متوفی پنجم ذیحجه ۱۳۷۲ از شاگردان میرزا فتح‌الله جلالی درخط ونویسنده خطوط نسخ ونستعلیق بوده‌است .

سفید برزمینه مشکی درسمت راست ستون سنگی نوشته شده :

« خادم بیت‌الله حسینعلی ۱۳۰۸» و برقسمت پائین ستون سنگی سمت چپ نوشته شده :

« هاجی[1] اسمعیل حجار » « التماس دعا دارم سنه ۱۳۰۹ »

۱۷ - بردیوار شمالی ایوان کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق ریز لاجوردی بر زمینه کاشی خشت سفید وصورتی چنین خوانده میشود :

« ایوان‌این‌گلدسته راپرداخت از حسن‌عمل
سید محمد جعفر آن بدر امم صدر ملل »
« زهدش‌چوسلمان بی‌ریارایش‌چوبیضا پرضیا
رویش‌چوبستان‌باصفاخویش‌چوگلشن درعمل»
« ازسعی او شد با صفا مانندە سعی صفا
صحن فضایش‌چون منی‌لیکن بوادی جبل »
«گلدسته‌آن ازصفا چون‌باغ رضوان بی‌نظیر
ایوانی اما در بنا چون قصرکسری بی‌بدل »
« ازبعد چندین‌سال ومه فصل‌ربیع‌انجام شد
خرم چوماه فرودین فرخ چوآغاز حمل »
« تاریخ‌اتمامش یکی‌میخواست بانی‌گفتمش :
« گاه نماز آمد بگو حی‌علی خیرالعمل »

تاریخ اتمام برحسب حروف جمل مطابق است باسال ۱۳۰۵ هجری ولی در نوشتن اشعار مزبور اختلافاتی وجود داردکه درست آن همانست‌که نوشته شد وآن اختلافات چنین است‌که درکتاب‌گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان[2] که مبنای نقل است درمصرع: (رویش چوبستان باصفا خویش‌چوگلشن در عمل) (صفای) با یاء نوشته

۱ـ برای امتیاز کسانی‌که دراثر تشرف بمکه حاجی‌نامیده میشوند بکسانیکه درروز عیدقربان متولد میشوند هاجی با هاء هوز میگویند .

۲ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۹ .

شده درصورتیکه درکتاب تاریخچه ابنیه‌تاریخی[1] اصفهان(صفا) نوشته شده وچون مفاد دوم درست بنظر میرسد بدون یاءِ نوشته شد. درمصرع : (صحن‌فضایش چون منی لیکن بوادی جبل) در گنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] :

(صحن فضایش درمنالیکش‌بوادی‌ملل) ودرتاریخچه‌ابنیه تاریخی‌اصفهان[3]: (صحن‌فضایش چون منی لیکن‌بوادی جبل) نوشته شده است‌که چون درست آن منی ولیکن وجبل‌بود هما نطور تصحیح ودرج گردید .

درگنجینه آثارتاریخی[4] این‌مصرع(گلدسته‌آن‌ازصفا) (گلدسته‌آ نك‌ازصفا) و درتاریخچه‌ابنیه[5] تاریخی (گلدسته آن ازصفا) نوشته شده و درکتاب حاضر مانند تاریخچه ابنیه تاریخی درج گردید .

درگنجینهٔ آثارتاریخی‌اصفهان[6] این‌مصرع (ایوانی امادربناچون قصرکسری بی‌بدل) و در تاریخچه ابنیه تاریخی[7] (قصرکبری) نوشته شده که چون درست آن‌همان است‌که درگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان مرقوم شدبهمان وضع درج گردید .

مورد اختلاف دیگرمصرع آخر ماده تاریخ است‌که درتاریخچه‌ابنیه تاریخی اصفهان نوشته شده:[8] « کان‌ماه بازآمد بگوحی‌علی خیرالعمل » که بحساب جمل باسال۱۳۰۸منطبق میشود ودرگنجینه آثار ناریخی‌اصفهان[9] نوشته شده : «گاه نماز آمد بگوحی‌علی‌خیرالعمل» که بحساب‌جمل‌مطابق‌است باسال ۱۳۰۵هجری وچون مفادگنجینه آثار تاریخی اصفهان درست بنظر رسید بهمان منوال نوشته شد .

۱۸ـ کتیبه ایوان کوچك واقع درخاور ایوان شمالی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« هنا مصرع‌الحلم والقدس‌والتقی	هنا مطلع‌الانوار من‌جهة العلی »
« هنا بیت معمور و واد مقدس	وجنة عدن انزلت جانب الثری »
« هنا معدن التقوی و کنز فتوة	هنامخزن‌التوفیق‌والرشدوالهدی»

« نظمه اقل‌الحاج میرزافتح‌الله »

۸،۷،۵،۳،۱ ـ تاریخچهٔ ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص ۱۷۸ .　　۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۹ .　　۹،۶،۴ـگنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۷۷۰ .

« ایا قبة النور من فیك ضاجع اباقر علم‌الله ام آیة النهی »
« ایا قبره ان الذی قد ضمنته لحجة اسلام و منتخب الوری »
« کتبه اسدالله شهیر برجالی »
« تضمنت بحر الجود والعلم والکرم وواریت نورالله فی اظلم الدجی »
« وزینها بالنقش سید ولده ابوجعفر السامی مقتدی الوری »
« سئلت عن التاریخ قال کمابدا « هنامصرع الحلم والقدس والتقی »
۱۳۱۳

در پائین اشعار مزبور در دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی این دوشعر نوشته شده است :

« این بارگه نور جلی میباشد جاروب کشش حسینعلی میباشد »
« هرکس که چو او براستی خدمت کرد شایسته لطف ازلی میباشد »

درضلع غربی ایوان مزبور بخط ثلث زرد رنگ برزمینه کاشی خشت لاجوردی برجسته چنین نوشته شده است :
« قال الله تعالی وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً » ودر بالا وپائین :
« یاقاضی الحاجات یاکافی المهمات » نوشته شده است .

۱۹ ـ کتیبه ایوان کوچك واقع در باختر ایوان شمالی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح است :

« لمسجد اسسه اس التقی تم لسعی نجله نجم الهدی »
« اسسه مؤسس العلوم اتمه متم تأسیس النهی »
« اسسه الحصن لدین الله اتمه الرکن لشرع المصطفی »
« اسسه القمقام استاذ البشر اتمه العلام مقتدی الوری »
« اسسه باقر علم الدین اتمه الجعفر ذوالمجد العلی »
« تاریخ هذاالبیت للاتمام اطلبه من بیت الاخیر المنتهی »
« اسسه رکن الهدی مجدالنهی « وجعفر سلیله فیه سعی »
۱۳۱۸

« عبده العاصی اسدالله رجالی غفر ذنوبه »

۲۰ ـ کتیبه داخل ایوان غربی بخط ثلث سفید بر زمینهٔ کاشی لاجوردی مشتمل بر آیه ۳۰ تا نصف آیه ۴۵ سوره اسری است .

۲۱ ـ کتیبه مهتابی شمال غربی بخط بنائی معرق سفید و زرد بر زمینه فیروزه‌ای نخست سوره اخلاص وسپس در زیر چهار اسپر شمال و جنوب آن بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی این اشعار نوشته شده است :

« احمد که شه سریر لولاك آمد — جانی است کز آلایش تن پاك آمد »

« یك حرف ز مجموعه عز و شرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

***

« دریای سپهر کافتابست کفش — نبود چو علی گوهری اندر صدفش »

« خورشید بدر گهش شود همچه هلال — تا عکس دهد بماه در نجفش »

۲۲ ـ کتیبه مهتابی شمال شرقی درچهار اسپر بخط بنائی بر زمینه فیروزه‌ای باین شرح خوانده میشود :

« قال الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر » .

و در ذیل اسپرهای مزبور بخط نستعلیق سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی این کتیبه منظوم نوشته شده :

« گفتا بوصی خود نبی مطلق — نشناخت ترا کسی بغیر از من وحق »

« حق را نشناخت کس بغیر از تو و من — نشناخت مرا کسی بغیر از تو وحق »

***

« مسلم است علی را همه صفات صمد — بغیر از این دو صفت لم یلد و لم یولد »

« به احمد و به احد جز از او نیابی راه — که مظهر احد است و خلیفه احمد »

۲۳ ـ کتیبه مهتابی جنوب شرقی :

درچهار اسپر بخط بنائی معرق بر زمینه کاشی سفید سوره ماعون و دریك مربع بزرگ آیه ۵۱ سوره قلم نقش گردیده است ، ودر ذیل اسپرهای مذکور بخط

نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی این کتیبه منظوم خوانده میشود :

« گفتا بوصی خود نبی مطلق نشناخت مرا کسی بغیر از تو وحق»
« حق را نشناخت کس بغیر از من و تو نشناخت تو را کسی بغیر از من وحق»

***

« دوش احمد زد قدم بتها شکست ازهم علی
ساخت ویران کفر را از امرحق آن دم علی »
« آن که از تیغش سپر افکند جبریل امین
بود سیف‌الله فوق ایدیهم علی »

کتیبهٔ مهتابی جنوب غربی مسجد مانند مهتابی شمال غربی مسجد است و خطوط بنائی آن شامل سورهٔ کوثر است.

۲۴- کتیبه سردر جنوب شرقی مسجد :

در بالای در ورودی بخط ثلث برزمینه کاشی لاجوردی نخست: « قال‌الله تعالی» وسپس آیات ۱۳ و ۱۴ و نصف آیه ۱۵ سوره رعد کتیبه شده و پایان آن چنین ختم میشود: « کتبه محمد باقرالشیرازی ».

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید پس از : «قال‌الله تبارك وتعالی »آیات ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ سوره نور و دنباله آن چنین است : « صدق‌الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی الکریم فی سنه ۱۲۵۹ کتبه محمد باقرالشیرازی » ودریك کاشی بالای عبارت : « فی سنه ۱۲۵۹ » نوشته شده « سنه ۱۳۱۱ » که میرساند خط در ۱۲۵۹ نوشته شده ولی در ۱۳۱۱ هجری گرده برداری شده است .

در زیر گلدان اسپر بالای کتیبه در دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی این شعر نوشته شده است :

« رواج مذهب جعفر چوشد پیدا ازاین مسجد
بگو تاریخ اوطغرل : « رواج مذهب جعفر»

که بحساب جمل باسال ۱۳۱۰ هجری منطبق میگردد. درقسمت بالائی اسپر

این‌دوشعر بخط نستعلیق‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی چنین خوانده‌میشود :

« اقل بندگان استاد محمود — که‌بر جانش‌زایزدباد رحمت»

« بفرمان سمی‌جعفر آراست — دری‌کوطعنه‌زدبر باب‌جنت »

برنمای‌خارجی‌سردرمزبور بخط نستعلیق‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ اشعار زیرکتیبه شده :

« سلیل حجة‌الاسلام فخرالصادقین جعفر

که دارد علم جعفرصدق بوذر زهد سلمانی »

« نشد ترویج ار اسلام ز آبای عظام او

نه اسمی‌بود از اسلام و نه نامی ازمسلمانی »

« بود هرخیر درعالم ز گردون تا ابد باقی

شود آن‌خیررا راغب بودآن فیض را بانی »

« چه شد خاک‌صفاهان ازغبار مقدمش زینت

بهرجا طوطیای دیده شد کحل صفاهانی »

«کتبه‌اسدالله شهیر برجالی ۱۳۱۱»

« سزد گر عرش اعظم دانی ایـن دارالعبادة را

نـگنجد عرش واجب گر درون فـرش امکانـی »

« بنا شدکعبه و مشعر ولی درقدر و جاه آمد

برفعت مشعر اول بـرتبت کعبه ثانی »

« چه شد مفتوح این باب‌العطا جمعی ز دانایان

پی تاریخ او گشتند غرق بحر حیرانی »

« درآن‌محفل یـکی از اهل دل داخل شد وگفتا

« بسوی ماگشود ابواب رحمت لطف یزدانی »

۱۳۱۱

ونیز دراطراف حاشیه های اسپرهای‌دوطرف سردر مشرف بجاده مجاوراین اشعار بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین نقش‌شده است :

« خلف حجة اسلام و سلیل اطیاب

غوث ایتام غیاث ضعفا ملجأناس »

« کز ششم حجة و هفتم بودش نام و نسب

بوالحسن سیرت موسی‌کف و عیسی انفاس »

« مسجدی را که پدر کرد بنا همچو خلیل

این پسر کرد ز اتمام مصون از اطماس »

« بانی مسجد اقصی بود و کفو حرم

زانکه سر دفتر تقوی بودش اس اساس »

« چون‌که فرمود به تزیین درون سعی بلیغ

نیز پرداخت باین سر در و باب و کریاس »

« هاتفی از پی تاریخ ندا زد از غیب :

« فتح الباب الی الجنة امنا للناس »

۱۳۱۱

این ماده تاریخ در صورتی با سال ۱۳۱۱ منطبق میگردد که الف (امنا) را حساب نکنیم و بگوئیم علامت تنوین است والا اگر مطابق نوشته حساب شود منطبق با سال ۱۳۱۲ هجری میگردد .

۲۵ـ کتیبه سردر شمالی :

کتیبه‌های نمای خارجی سر در زنجیر که در اصلی بشمار میرود بخط ثلث سفید وزرد بر زمینه کاشی لاجوردی مشتمل بر سوره قدر وکوثر وجمعه و آیة ـ الکرسی و آیاتی از سوره یس میباشد وازنویسندگان آن خطوط حبیب‌الله فضائلی ازخوشنویسان معاصر که انواع‌خطوط‌را خوش مینویسد و دیگران‌که درکاشیکاری دخالت داشته‌اند نامبرده شده است .

اصول‌کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است .

این‌مسجد که یکی ازآثارمهم بشمار میرود طی شماره ۳۷۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۱ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن‌باستانی‌ایران ص۵۹.

۳۲ ـ مسجد شاه = عباسی = سلطانی :

این مسجد که درمحله‌ای بنام‌مسجد شاه ودرجنوب میدان شاه واقع گردیده ازبناهای شاه عباس اول شاه مقتدر وخیر صفوی میباشد.

مشهور اینستکه مسجد شاه بعد از اتمام ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله بنا گردیده وتاریخهای مختلفی برای سال‌اتمام وجود دارد.

مؤلف تاریخ اصفهان وری درباره بنای مسجد شاه چنین گفته [1] :

«و امامسجد شاه‌شالوده مسجدی‌بزرگ درآن ناحیه‌بسلطنت سلطان‌محمدبن»
« طهماسب که نورچشمانش ضعیف بود و ولیعهدی سلطان حمزه بکوشش میرزا »
« سلمان جد بنده مؤلف نذر نموده بود درشکرانه نجات ازقتل‌خود زمان‌اسماعیل»
« ثانی تأسیس‌نماید ومیرزا سلمان جابری اصفهانی اعتمادالدوله و سیدالوزراءِ »
« زمام مهام امور دولت او مستقلاً بکفایتش بود و دخترش زن سلطان حمزه »
« چنانچه خود گیلان وگرجستان را بگشود وماليات دو سال بگرفت ، سال۹۸۰ »
« میرزا سلمان نبیره خواجه میرزا مسعود جابری بودکه به ۹۳۰ وزارت دربار »
« طهماسبی داشت وخانه‌های او حوالی سرای گلشن‌تاکوچه حاج عباس درسلسله »
« جابریان هنوز بعضی‌باقی‌است ونوشتجاتش نزدبنده موجود پس‌از شهادت میرزا»
« سلمان دربیرون‌قلعه هرات بدست امرای‌خائن‌در۹۹۱ وسپس‌شهادت حمزه‌میرزا »
«در۹۹۴وانقلاب احوال وآمدن شاه‌عباس بزرگ در۹۹۸ باصفهان تصمیم‌بوفای‌نذر »
« پدر و توسعه مسجد گرفت، چو او نیزازخطر قتل‌نظربشب جمعه‌بودن درهرات »
« نجات یافت وجنگهای بااوزبکان و عثمانی وانقلاب خراسان و آذربایجان عزم »
« شاهانه را دوسالی تأخیرانداخت تا آغازهزار (۱۰۰۰) که میدان نقش‌جهان را »
« ساخت سال‌بسال بتکمیل ابنیه پرداخت اواخر ۱۰۱۹ باتمام مسجد اهتمام شده »

درنصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان راجع باین مسجد چنین‌گفته شده است :

« ازمساجد بزرگ معتبر مسجد جامع عباسی‌است که بمسجد شاه معروف »

۱- تاریخ اصفهان وری ص۲۵۴ تا ص۲۵۵ ۲ ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان از ص۶۲ تا ص۶۴ .

« و در سمت جنوب میدان نقش‌جهان است آنرا شاه عباس بزرگ هفده سال قبل »
« ازوفات و انقضای زمان سلطنت خود شروع بعمارت نموده و تاریخ اتمام آنرا »
« متعرض نشده‌اند که خود او باتمام رسانیده یا دیگری از اخلاف او تمام نموده »
« است ومذکور درافواه مهندسان ومعماران مشهور میان ایشان آنست که محوطه »
« مسجد را تمام‌کنده بآب رسانیده‌اند وازآنجاباسنگ وساروج ساخته بمحاذات »
« زمین رسانیده‌اند وبنای جدار وسقوف نهاده برای این‌مسجد بزرگ سه گنبد »
« وچهار ایوان عالی‌ساخته‌اند وایوان سمت‌قبله عالیتر وگنبد آن وسیعتروفیعتر »
« است وازجمله ابنیه منیع‌تر بردوطرف این ایوان یعنی سربالای آن دو مناره »
« زیبا ساخته‌اند که درآن اذان هم‌توان‌گفت. ارتفاع این‌ایوان سی‌ودوذرع (۳۲) »
« وارتفاع گنبدآن پنجاه (۵۰) ذرع شاه است . در این گنبد بجنب محراب آن »
« منبری ازسنگ مرمر یك پارچه ساخته ونصب نموده‌اند که زیاده قابل نظاره »
« ودرکمال تعریف است‌ودر دوطرف این‌گنبد وچهلستون‌طرح انداخته‌وساخته‌اند »
« وعقب آنها دوصحن بزرگ با ایاوین اطراف‌که هریك آنها بقدر مسجد متعارفی »
« است شاه سلیمان ساخته و بسمتهای دیگر مسجد بطبقه بالا غرفات وحجرات »
« جهت طلاب علم‌بنا نموده‌اند. صحن این‌مسجد وسیع است وعرض‌آن طرف‌طول »
« واقع‌شده ومحل عبرت مهندسان‌گشته است‌که‌چرا چنین نموده‌اند وتاحال سبب »
« آن معلوم کسی‌نشده . تمام این‌مسجد ازداخل وخارج‌کاشیکاری وازاره‌های آن »
« سنگ مرمر است وصحن‌آن‌را ازسنگ پارسی متعارف‌فرش نموده‌اند و دراین »
« زمان بحکم پادشاه مرمت‌کامل نموده و دو مهتابی بصحن‌آن بناکرده و حوض »
« بزرگ‌میان مسجدراکه بطرزقدیم ونامرغوب‌بود تغییرداده‌حوض بزرگتر بطرز »
« این زمان با سنگهای قائم ساخته‌اند . این‌مسجد را سردری است عالی باکمال »
« زیبائی وبالای‌آن سنگ مرمر وسرآن را مقرنس کاشی سنگین‌که ازآن بهتر »
« متصور نباشد در نهایت تکلف بطرف میدان ساخته‌اند و دری‌که روی آن تنکه »
« نقره گرفته ودورآن کتیبه که میگویند خط رشیدای خوشنویس است وآنرا »

« گرده نموده بر آن کنده‌اند بر آن نصب و مرتب داشته و دو دروازهٔ دیگر هم »
« در آن دوصحن شاه سلیمانی بطرف محله درست نموده وگشاده‌اند ودو شبستان »
« نیزکه یکی ازآنها بزرگ وقابل تعریف است ودیگری کوچکتر بطرف مشرق »
« ومغرب آن درست ومرتب کرده‌اند . طول این‌مسجد یکصدوچهل‌وشش (۱۴۶) »
« ذرع شاه و عرض آن هشتاد وچهار (۸۴) ذرع است . گلدسته این مسجدراکه »
« موضع اذان است بربالای ایوان مغربی ساخته‌اند ، بسیاربزرگ وخوشنما که‌از »
« آن بهتر متصور نباشد وبالجمله باستحکام و درستی‌وزیبائی این مسجد درایران »
« بلکه سایر ممالك جهان موجود نیست . » (ش۶۸)



(شکل ۶۸)

درعالم آرای عباسی [۱] دروقایع سال ۱۰۲۰ چنین‌گفته شده است :
« در اوایل این‌سال فرخنده آغاز خجسته انجام شهریار ظفر قرین نصرت »
« فرجام را نیت خیر امنیت به‌اسطرلاب فکرت بدان مقصور ومعطوف گردید که »

۱- عالم آرای عباسی ج۲ ص۸۳۱

« درحوالی نقش‌جهان اصفهان ببنای مسجد عالی‌بنیان‌که دربلاد ایران بل‌معموره»
« جهان مثل آن نشان نتوانندداد بپردازند وچون دارالسلطنه اصفهان را ازعمارات»
« عالیه ومنازل مرغوبه ودلگشا وباغات عنبر شمیم روح‌افزاوانهار وبساتین نمونه »
« خلد برین‌گردانیده‌اند اگر چه مسجد عالی [1] و مدرسه‌ای [2] در جانب شرقی »
« و شمالی میدان نقش جهان ترتیب داده بودند اما آنها در برابر همت بلند آن »
« حضرت پست مینمود ومکنون ضمیرانور بودکه همچنانکه آن بلده جنت‌مثال »
« ازعمارات عالیه وباغات وقیصریه وخانات واسواق رشك بلاد ومصدوقهٔ ارم ذات »
« العماد التی لم‌یخلق مثلها فی‌البلاد است مسجد عالی‌اساس ومدارك وبقاع‌الخیر »
« آن‌حضرت‌نیزارفع‌مساجد وبقاع‌ایران ودرزینت وصفا ازبیت‌المعمور ومسجداقصی»
« نشان‌دهدبعد ازملاحظه اطراف‌میدان‌نقش‌جهان‌جانب‌جنوبی‌میدان‌که خانی‌بزرگ»
« درآنجا ترتیب یافته بود اختیار فرمودند وعمارت خان مذکوررا کنده درساعت »
« سعدکه اهل‌تنجیم‌از زایجه طالع‌میمون همایون‌استخراج نمودند معماران‌حاذق»
« ومهندسان مدقق‌که دراعمال‌هندسی ودقایق‌کارهریك چون‌مرکزپرگاردم ازتفرد »
« ویکتائی میزدند طرح‌مسجد ومقصوره انداخته استادان نادره‌کار بمبارکی واقبال »
« شروع‌درکارکردند. ازغرایب‌حالات ونوادر اتفاق‌پیدا شدن‌معدن‌سنگ‌مرمراست»
« درحوالی [3] صفاهان‌که درهیچ‌زمان کسی‌ازآن نشان نیافته بود وهماناسنگهای »
« مذکور درآن مکان ودیعت نهاده دست قدرت ازلی‌است‌که تا غایت بجهت زیب و »
« زینت‌این‌معبد شریف ازنظرخلق پنهان بوده وازمیامن‌بخت بلند ونیت ارجمند »
« این‌خسرو فیروزمند دراین عهد ظهوریافت وازاین معنی استدلال توان‌کرد که »
« ظهور این‌آیتی است روشن وعلامتی واضح برصدق نیت وحسن‌اعتقاد بانی وقدر»
« ومنزلت این‌بنا در درگاه مبدع جهان آرا که چنین‌سنگهای یکپارچه طویلو »
« عریض منقوش ایوان را که در معموره جهـان مثل آن نشان نمیتوان یافت »
« آرایش‌این‌ثانی بیت‌المعمورگردانید :

۱ـ منظور مسجد شیخ لطف‌الله است .
۲ ـ اشاره به مدرسه ملاعبدالله میباشد .
۳ ـ مقصود اردستان است .

« تاریخ این خجسته بنا خواستم زدل

از شوق گفت : « کعبه ثانی بنا شده » »

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[1] راجع باین مسجد چنین گفته :

« ازسال ۱۰۲۱ تا ۱۰۴۰ هجری ۱۶۱۲ـ ۱۶۳۰ م در جنوب میدان شاه یا »
« میدان نقش جهان ساختمان با شکوه مسجد شاه واقع‌شده است ، شاه عباس‌کبیر »
« برای زیبائی میدان ومقر سلطنت خود بعد از ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله در »
« بیست‌وپنجمین‌سال سلطنت خود (۱۰۲۱ هـ ـ ۱۶۱۲ م) تصمیم گرفت این‌مسجد »
« راکه پدرش سلطان محمد قصد بنای آنرا کرده بود ساختمان نماید . در کتابی »
« خواندم که ماده تاریخ مسجد شاه را اینطور نوشته :

« تاریخ این خجسته بنا خواستم زدل

ازشوق‌گفت: (کعبهٔ ثانی بناشده) ۱۰۱۸»

« شاه درنظر داشت ساختمان این مسجد را زودتر از مدت پانزده سالیکه »
« صرف بنای مسجد شیخ لطف‌الله شده بود باتمام رساند و بهمین جهت در امر »
« ساختمان آن عجله وشتاب مینمود وبطوریکه مشاهده میشود ابتدا بنابود تمام »
« کاشیکاری مسجد مانند سردر ورودی آن ازکاشیهای معرق تزیین شود ولی‌بعد »
« بانظر استادان فن اتمام این‌عمل بکاشی خشت هفت رنگ مبدل‌گردید و برای »
« سرعت اتمام بنای مسجد میخواست از سنگهای مرمرمسجد جامع استفاده‌کند »
« ولی‌مخالفت علماء وبزرگان او را منصرف‌نموده وپس‌از رسیدن سنگهای مرمر »
« از اردستان در مسجد نصب‌گردید .»

« در دوطرف سردر زیبا وبا شکوه کاشیکاری مسجد دو مناره بلند طرفین »
« بارتفاع ۴۸ مترقرار دارد و در جلو محوطه آن بشکل کثیرالاضلاع ده ضلعی »
« است حوض هشت ضلعی قشنگی میباشدکه در سالهای قدیم مملو ازآب وبرای »
« مصرف مجاورین‌وضو ونمازگزاران بکار میرفته و اکنون مدتها بدون آب‌آنرا »

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۹۷ ص۹۸ .

« نگهداری مینمایند ، گویند این حوض بمنزله ترمومتر هوای اصفهان »
« بوده است . »

از گفته‌های مؤلفان که بتفصیل ذکر گردید چنین معلوم شد :

۱ ـ ساختمان مسجد جامع بزرگی در اصفهان از خواسته‌های سلطان محمد پدر شاه عباس بوده وچون شاه عباس بزرگ هم از قصد پدر آگاه و موافقت داشته پس از پای تخت قرار دادن اصفهان و آماده بودن وسائل بانجام خواسته مزبور پرداخته است .

۲ ـ این که محل فعلی مسجد شاه پیش از ساختمان مسجد کاروانسرای بزرگی بوده که مورد استفاده بوده است وپس از تصمیم بساختن مسجد ابتدا کاروانسرا خراب وسپس ببنای مسجد پرداخته‌اند .

۳ ـ تاریخ شروع بنا سال یکهزار وبیست هجری بوده است و این که برخی گفته‌اند[1] که درصفر سال ۱۰۱۹ بوده درست بنظر نمیرسد ، زیرا صفویه بخصوص کارهای خیر و بزرگ را در ماههای محرم و صفر انجام نمیدادند و بعلاوه مؤلف عالم آرای عباسی که خود معاصر بوده تاریخ شروع بنا را (۱۰۲۰) نوشته است. امکان دارد درسال ۱۰۱۹ مشغول تخریب کاروانسرا بوده‌اندکه برای ساختمان مسجد آماده ومهیا باشد . (ش ۶۹)

۴ـ درنظر بوده که سنگهای مرمر مسجد جامع در مسجد شاه بکار برده شود واین طور استنباط میشود که میخواسته‌اند مسجد جامع را خراب و از مصالح آن در مسجد جامع شاهی استفاده کنند و چون عملی غیرمجاز و نادرست بوده علماء وبزرگان شاه را ممانعت کرده‌اند .

۵ ـ سنگهای مرمریکه درمسجد شاه بکار برده شده از رنگون[2] اردستان بوده است[3] واین نکته را شاردن فرانسوی نیز درسفرنامه خوداشعار داشته است[4]

۱ـ وقایع السنین والاعوام خاتون آبادی .

۲ ـ رنگون از دهات روستای علیای اردستان است و در حدود لاسیب واقع گردیده است .

۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۳۲ .

۴ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۲ .



(شکل ۶۹)

کتیبه‌های مسجد بر دو قسم است :

الف ـ کتیبه‌هائی که مربوط به‌مسجد است :

۱ـ کتیبه سردر ورودی بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی مربوط بسال ۱۰۲۵ هجری و بخط علیرضا عباسی چنین خوانده میشود :

« امر ببناءِ هذا المسجد الجامع من خالص ماله اشرف خواقین الارض نسباً و »
« اکرمهم حسباً واعظمهم رفعةً وشاناً واقواهم حجة و برهاناً واشملهم عدلاً واحساناً »
« تراب العتبة المقدسة النبویة وقمامة الساحة المطهرة العلویة ابو المظفر عباس الحسینی »
« الموسوی الصفوی بهادرخان لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و »
« جباه افاخم السلاطین معفرة بتراب اعتابه وقد اهدی ثوابه الی روح جده الاعظم »
« الاکرم الافخم شاه طهماسب سقی الله ضریحه صوب الرضوان واسکنه غرف الجنان »
« کتبه علیرضا العباسی فی سنة ۱۰۲۵ »

ازمفهوم کتیبه استنباط میشود که درسال ۱۰۲۵ هجری بنای مسجد باتمام نرسیده بوده است چه لفظی که مفید معنی اتمام بنا باشد درکتیبه دیده نمیشود.

۲ - در ذیل کتیبه بالا بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی چنین نوشته شده است :

« قد تمت بعون الله وحسن توفیقه عمارة المسجد الذی حری به ان یکون »
« جامعاً لما صلیت صلوة الجمعة بشرایطها فیضاهی المسجدالاقصی الذی بورك »
« حولها فطوبی ثم طوبی لمن رعی ترصیف بنیانها وارکانها اعنی من عظم قدره بین »
« اقرانها لازال کاسمه محب علی بیك الله و بمعماریة من فی العمل کالمهندسین و »
« هوالنادر الاوانی استاد علی اکبر الاصفهانی وباشراف من یشرفه الله شرفاً جزیلاً »
« فرعوابها بیك الله کتبه محمد رضا الامامی ».

دراین کتیبه تصریح گردیده که عمارت مسجد بسرکاری و اهتمام محب علی بیك لله و مهندسی و معماری استاد علی اکبر اصفهانی اتمام یافته است ولی تاریخ اتمام معلوم نیست.

۳ - بر دو اسپر کاشیکاری دو طرف در ورودی درهشت لوحه بخط مشکی برزمینه فیروزه‌ای چنین کتیبه شده :

« قال الله سبحانه و تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم الاخر و »
« اقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین »
« قال النبی صلی الله علیه وآله اذارایتم الرجل یتعاهدالمسجد فاشهدواله بالایمان».

و در دو طرف جلوخان سر در بخط ثلث زرد رنگ بر زمینه کاشی خشت لاجوردی این عبارات خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه و آله انامدینة العلم وعلی بابها . » و بردو اسپر طرف خاوری وباختری جلوخان درقسمتهای فوقانی بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی این دوشعر نوشته شده است :

« ناد علیاً مظهر العجایب تجده عوناً لك فی النوایب »

« کل هم و غم سینجلی بنبوتك یامحمدو بولایتك یاعلی»
« کتبه العبدالمذنب الراجی ادیب مجلسی. »

و درپائین اسپرهای مزبوراین اشعار بخط نستعلیق حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی خوانده میشود.

« امی لقبی کز انبیا اعلم بود احمد نامی که سرور عالم بود»
« زان سایه نبودیش بهمراه که بود محرم جائی که سایه نامحرم بود»

۴ ـ در ضلع غربی جلوخان تخته سنگی بزرگ نصب شده که میگویند در قدیم روی آن وقفنامه موقوفات مسجد نوشته شده بوده و در زمان نادرشاه آنـرا محوکرده‌اند و فقط این عبارت خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم »

۵ ـ کتیبه نمای خارجی سردربخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح است :

« قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی لمسجد اسس علی‌التقوی من‌اول یوم احق‌ان»
« تقوم‌فیه فیه رجال یحبون ان‌یتطهروا والله یحب‌المطهرین. عن‌ابن‌عباس رضی‌الله »
« عنه قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم ان‌علیاً وصیبی وخلیفتی وفاطمة »
« زوجته‌سیدة نساء العالمین بنتی‌والحسن‌والحسین‌سیدا شباب اهل‌الجنة[1] والذی »
«والاهم‌فقد والانی ومن‌عاداهم فقدعادانی ومن‌اتاهم فقد اتانی‌ومن‌جفاهم‌فقد جفانی»
«ومن برهم‌فقد برنی‌ومن‌وصلهم‌وصل‌الله ومن‌قطعهم قطع‌الله ومن‌اعانهم‌نصرالله وخذل »
« من‌خذلهم اللهم‌من‌کان له‌من‌انبیائك ورسلك ثقل واهل‌بیت فعلی وفاطمة والحسن»
« والحسین‌اهل‌بیتی‌وثقلی‌فاذهب عنهم‌الرجس‌وطهرهم‌تطهیراً. قال‌کان‌امیرالمؤمنین»
« علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام یقول من‌اختلف‌الی‌المساجد اصاب احدی‌الثمان اخاً »
«مستفاداً فی‌الله عزوجل اوعلماًمستظرفاً اوآیةمحکمة اورحمةمنتظرة اوکلمة رده »
«عن‌ردی اویسمع‌کلمة تدل علی‌هدی اویترك ذنباًخشیة اوحیاء قال‌النبی صلوات‌الله»
« وسلامه علیه انا مدینةالعلم و علی بابها . صدق رسول الله صلی‌الله علیه وآله . »

۱ـ درحدیث بعد ازسیدا شباب اهل‌الجنة ولدی دارد .

۶ـ کتیبه های مناره های سردر جنوب میدان شاه باخطوط بنائی تکرار سوره اخلاص وکلمات : لااله الاالله محمد رسول‌الله و الله‌اکبر است ، و درزیر مقرنسهای هردو مناره بخط ثلث بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلوا علیه وسلموا »
« تسلیماً وقل‌الحمدلله الذی لم‌یتخذ ولداً ولم یکن‌له ولی من‌الذل وکبره تکبیراً »

۸ـ کتیبه درنقره وطلا اندود ورودی اشعاری است بخط نستعلیق برجسته که احتمال داده‌اند خط رشیدای خوشنویس است[1] وآن اشعار چنین است :

روی لنگه راست :

« چون خدیو زمانه شاه صفی — شاه دشمن‌گداز و بنده نواز »
«که از این‌در شه فرشته‌خصال — میبرد ره بکعبه بی‌تك وتاز »
« کی بانجام میرسد حرفم — وصف‌این مسجد ارکنم‌آغاز »
« مسجدی کز شرف بیك مسجد — کرده با مسجد الحرام نماز »
« خانهٔ بانی زمان و زمین — کعبهٔ ثانی عراق و حجاز »
« مرغ روح کبوتران حرم — میکند در هوای آن پرواز »
« نقرهٔ قرص مه ز رشك درش — میخوردچون طلای مهرگداز »
« بازشد چون بتازگی این در — در صفاهان بروی اهل‌نماز »

روی لنگه چپ :

« این بنا خلقتی که صبح ازل — در توفیق شد برویش باز »
« آنکه سعیش ببوستان نجف — داد آب روان بعمر دراز »
« شهسوار قلمرو دانش — خسرو عهد داور ممتاز »
« شرع پرور شهی که جبریلش — بدعا یاد کرده وقت نماز »
« داد فرمان که این در مسجد — یابد از نقره و طلا پرداز »

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص ۶۲

«زرگرانش بکارخانهٔ ذوق | گرم‌خدمت شدندچون‌دم‌وگاز»
«چون باقبال شاه گشت تمام | آمد از روی آسمان آواز»
«فکرتاریخ‌کرد واهب[1] وگفت | «شد در کعبه در صفاهان باز»

۱ـ تاجا میرزا حسن‌بن میرزابیك‌بن خواجه نعمت‌الله مالمیری اصفهانی متخلص به‌واهب‌متوفی (۱۰۵۸ هـ. ق) نبیره خواجه نعمت‌الله مالمیری است که اوهم ازنبیره‌های خواجه قوام‌الدین وزیر شاه شجاع است. واهب در زمان شاه صفی (۱۰۴۴ هـ.ق) بسمت مستوفی یزد منصوب شد وچهارده سال‌باین خدمت مشغول‌بود وسپس مستعفی‌گردید وچون قبل‌ازشغل مستوفی‌گری یزد در اصفهان عاشق پسری بنام زاغی بود واوهم گرفتار دیگری بود در این‌باب واهب‌غزلی سروده که نقل میشود :

ایکه صیاد مرا کرده نگاهت نخجیر | با خبر باش که‌صیدش نشوی‌سهل مگیر
چنگ بر سینه شاهین قضا بند کند | زاغ سیمرغ شکاری که تراگشته اسیر
منما چین جبین تا نربائی دل او | دام‌عنقا نتوان یافتن از موج حصیر
آفتابی که رخ از مطلع حسن تونمود | میبرد پرتو او روشنی از مهر منیر
تواگر باغ گلی او چمن یاسمن است | در گلستان جهان هردو ندارند نظیر
عطر زلف تو اگر برده دل عالم را | اوهم از نکهت خط‌کرده جهان‌راتسخیر
تیغ ابروت بابروی کمانش نرسد | کار شمشیر نیاید ز غلاف شمشیر
پنجه عشق‌ودل نازك او انصاف است | بنده گردیده بگلبرگ تری ناخن شیر
عشق ترکیت‌که از گوشه ابروی کمان | پادشه را بزمین افکند از روی سریر
عشق بود آنکه بیکدم زدن همت او | سر منصور ز دار ادب افتاد بزیر
عالمی‌صید توگردید چو او صید توشد | بود در طالع حسنت‌که شوی عالمگیر
شب که مستانه بیزم تو قدم بگذارد | سجده شکر کن ودرقدم دوست بمیر
به‌نگاهی‌که اسیرانه کند چشمش پوش | بنیازی که فقیرانه زند دستش گیر
همچو مژگان‌خودانگشت بچشمت‌بگذار | گر زمژگان تو خواهد که‌بسازد پر تیر
چمن‌خوبیت‌امروز که بابرگ ونواست | گل به‌جیبش کن‌وچون‌غنچه مسازش‌دلگیر
نار پستان تو فرد است که‌بر نخل‌قدت | بطریقی‌است که بر شاخ بخشکدانجیر
بصفای نظر و مهر و محبت سوگند | که اگر آینه‌اش از تو شود زنگ‌پذیر
میکنم زود ترا چون شب خودتیره وتار | میکشم زلف ترا چون‌خط اودر زنجیر

واهب علاوه برنظم در نثر نیز ید طولائی داشته که مختصری از یکی از رقعه‌های او نوشته میشود:

«امید که طره عنان سمند جهانگرد قضا و دنباله لگام توسن عالم مورد قدم همواره در «دست اختیار بندگان عالیمقدار . . . . » (جامع مفیدی ج۲ ص ۲۵۷) . در تذکره نصرآبادی ص ۱۰۸ مرقوم است که در ترتیب نظم‌پایه سخن را باعلی مدارج رسانیده رباعیات ←

که میرساند درمزبور واندود کاری آن در سال ۱۰۴۶ هجری باتمام رسیده است . وچون شاه صفی درسال ۱۰۳۸ بسلطنت رسیده[1] پس هنگام اتمام در مزبور مقارن با هشتمین سال سلطنت او بوده است .

۹ـ میان در نقره ولوح سنگی در اطراف یك طاق کاشیکاری در لوحه‌های متفرق بخط بنائی صلوات برچهارده معصوم وبعد: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله‌اکبر » در راهرو ورودی بچشم میخورد .

۱۰ ـ کتیبه فوقانی درون گنبد بزرگ ایوان جنوبی‌مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« من‌مناقب ابن‌المغازلی عن‌ابن عباس قال کنت جالساً مع‌فتیة من‌بنی‌هاشم »
« عندالنبی صلی‌الله علیه وآله اذا انقض کوکب فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله »
« من‌انقض هذاالکوکب فی‌منزله فهوالوصی‌من‌بعدی فقام‌فتیة من‌بنی‌هاشم فنظروا »
« فاذاالکوکب قدانقض فی‌منزل علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلم قالوا یارسول‌الله‌اغویت »
« فی‌حب علی فانزل‌الله والنجم اذا هوی ماضل صاحبکم وما غوی الی‌قوله‌بالافق »
« الاعلی . وفی‌مسندابن حنبل عن‌عبدالملك ابن عطیة قال اتیت زیدبن‌ارقم فقلت »
« له ان‌خالی حدثنی عنك بحدیث فی‌شأن علی یوم غدیر خم‌فانا احب ان اسمعه »
« منك فقال انکم معشر اهل‌العراق فیکم مافیکم فقلت‌له لیس‌علیك منی‌بأس قال »
« نعم کنا بالجحفة وخرج رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله ظهراً و هوآخذ بید علی »
« علیه‌السلم فقال ایهاالناس‌الستم تعلمون انی‌اولی بالمؤمنین من‌انفسهم قالوابلی »

ستهٔ میرزا محتشم را در جلوس شاه‌صفی جواب‌گفته بتحسین اهل بلاغت سرافراز گردیده در استیفای یزد فوت شد واهب تخلص داشت شعرش اینست :

واهب‌سفر بحر فنا کن‌که نمیری — اینجانفس بازپسین باد مرادست.

۱ ـ در تاریخ جلوس شاه صفی غروری شاعر دو شعر گفته کـه هرمصرع آن جلوس شاه صفی است :

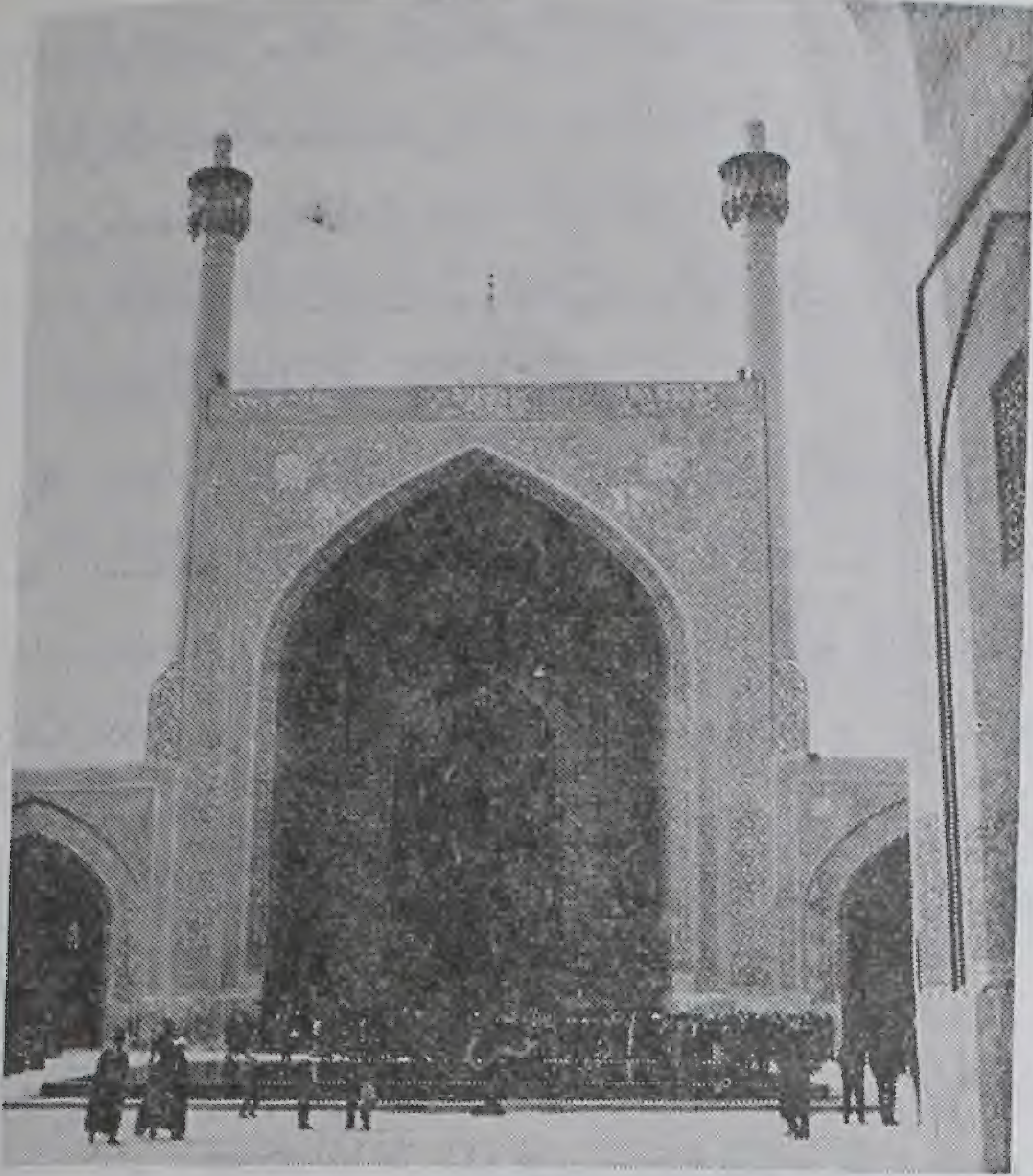
دادند سریر پادشاهی بصفی — دوران زمان لایتناهی بصفی
۱۰۳۸ — ۱۰۳۸
گویندزصدق اهل‌عالم همه شکر — کافزود بهای تاج شاهی بصفی
۱۰۳۸ — ۱۰۳۸

« قال فمن کنت مولاه فعلی مولاه . ومن مناقب ابن المغازلی عن جابر بن عبدالله قال »
« اخذ النبی صلی الله علیه و آله بعضدی علی علیه السلم وقال هذا امیر البررة وقاتل الکفرة »
« منصور من نصره مخذول من خذله ثم مدبها صوته فقال انا مدینة العلم و علی بابها »
« فمن اراد العلم فلیأت الباب ـ قدتشرف بکتابتها عبدالباقر التبریزی فی سنة ست »
« وثلثین والف حامداً الله تعالی. »

این کتیبه مطابق است با کتیبه‌ایکه در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان مذکور شده و بعینه نقل شده در قسمت منقول ازجابر نوشته شده « عن جابر ابن عبدالله » یعنی میان جابر و بن همزه قرار گرفته درصورتیکه مطابق قانون خط هر گاه کلمه ابن میان دوعلم واقع گردد همزه آن ساقط میشود علاوه بر اینکه ملفوظ نیست در خط هم نوشته نمیشود حالا این اشتباه از نویسنده خط کتیبه یا درقرائت کتیبه یا درچاپ کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان واقع شده باشد موکول برسیدگی بیشتری میباشد . (ش ۷۰)

۱۱ ـ کتیبه ایوان بزرگ جنوبی و اطراف محوطه زیر گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی ازآغاز ضلع غربی شروع وپس از طی محوطه زیر گنبد بنقطه مقابل شروع درضلع خاوری ایوان ختم میشود وآن چنین است :

« قال ابن المغازلی فی مناقبه عن انس انه قال لما کان یوم المباهلة وآخی النبی
« صلی الله علیه و آله بین المهاجرین والانصار وعلی واقف یراه ویعرف مکانه لم یواخ »
« بینه وبین احد فانصرف علی باکی العین فافتقده النبی صلی الله علیه و آله وسلم فقال »
« ما فعل ابوالحسن قال انصرف باکی العین یا رسول الله قال یا بلال اذهب فأتنی به »
« فمضی بلال الی علی علیه السلم وقد دخل منزله باکی العین فقالت فاطمة ما ابکیك »
« لاابکی الله عینیك قال یا فاطمة آخی النبی بین المهاجرین والانصار و انا واقف »
« یرانی ویعرف مکانی لم یؤاخ بینی وبین احد قالت لایحزنك الله لعله انما ادخرك »
« لنفسه فقال بلال یا علی اجب النبی صلی الله علیه و آله فاتی علی النبی علیه السلم »
« فقال النبی صلی الله علیه و آله مایبکیك یاعلی قال آخیت بین المهاجرین والانصار »



(شکل ۷۰)

« یا رسول‌الله وانا واقف ترانی وتعرف مکانی لم تؤاخ بینی وبین احد قال انما ذخرتك »
« لنفسی اما یسرك ان تکون اخا نبیك قال بلی یا رسول‌الله انی بذلك فاخذ النبی »
« بیده وارقاه المنبر فقال اللهم ان هذا منی وانا منه الا انه منی بمنزلة هرون من موسی »
« الا من کنت مولاه فهذا علی مولاه فانصرف علی قریر العین فاتبعه عمر بن الخطاب فقال »
« بخ بخ یا اباالحسن اصبحت مولای و مولی کل مسلم . من مناقب ابن المغازلی عن »
« جابر بن عبدالله قال وقد قدم نجران علی النبی صلی‌الله علیه وآله العاقب والطیب »
« فدعاهما الی الاسلام فقالا اسلمنا یا محمد قال کذبتما ان شئتما اخبرتکما مایمنعکما »
« من الاسلام قالا فهات انبئنا قال حب الصلیب و شرب الخمر و اکل لحم الخنزیر »
« فدعاهما الی الملاعنة فوعداه ان یغادیاه بالغداة فغدا رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله واخذ »

« بید علی وفاطمة والحسن والحسین ثم ارسل الیهما فابیاان یجیبا واقراله بالخراج »
« فقال النبی صلی الله علیه وآله والذی بعثنی بالحق نبیاً لوفعلا لامطرالله علیهما »
« الوادی نارا قال جابر نزلت فیهم هذه الایة فقل تعالوا ندع ابنآئنا و ابنائکم و نساءنا »
« ونسآءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین، قال الشعبی »
« ابنائنا الحسن والحسین و نسآئنا فاطمة وانفسنا علی بن ابی طالب. وتلك فی المناقب »
«عن زیدبن ارقم قال انه دخلت رسول الله صلی الله علیه و آله فقال انی مؤاخ بینکم »
« کما آخی الله بین الملائکة ثم قال لعلی انت اخی ورفیقی ثم تلا هـذه الایة اخوانا »
«علی سرر متقابلین الاخلاء فی الله بعضهم ینظر الی بعض وعن محمدبن عبدالله بن »
« ابی رافع قال نادی المنادی یوم احد لاسیف الاذوالفقار ولافتی الاعلی و فی مناقبه »
« ایضاً قال رسول الله صلی الله علیه وآله مکتوب علی باب الجنة محمد رسول الله علی »
« اخو رسول الله قبل ان یخلق السموات بالفی عام کتبه بحمدالله وحده عبدالباقی (۱) »

۱- عبدالباقی دانشمند ازمردم تبریز وبفنون وهنرهای گوناگون آراسته بود مدتها دراکتساب علوم وفضایل رنجها کشید و در خدمت علاء بیك که از فحول هنرمندان بود تلمذ میکرد تا خود دانشمندی گران مایه گشت وبرکرسی اشتهار نشست آنگاه از تبریز بجانب بغدادسفر کرد و در آنوقت مصطفی دده از مهره حسن خط بود که نظیر نداشت عبدالباقی بخدمت او شتافت و آنقدر رنج برد تا آنکه خطش شهره آفاق گردید واین خبر بسمع شاه عباس رسید اورا باصفهان دعوت کرد عبدالباقی امتناع کرد شاه عباس هم نوشتن کتیبه جامع بغداد رابه حسن چلپی محول کرد اوهم عبد الباقی را برای نوشتن کتیبه جامع بغداد انتخـاب نمود ، پس از فتح قندهار شاه عباس مجدداً عبدالباقی را باصفهان دعوت کرد وروانه اصفهان شد و مورد نوازش واقع گردید ونوشتن کتیبه‌های مسجد شاه باومحول شد وبنوشتن آن پرداخت . دانشمند در نوشتن خطوط ثلث ونسخ ونستعلیق جلی ماهر وبر سایرین مقدم بود با اینکه مورد احترام ونوازش شاه عباس بود باززبان شکایت واعتراض داشته واشعاری در این زمینه سروده است، نامبرده در اوایل قرن یازدهم وفات کرد. ازاشعار اواست :

صاحبا عید آمد و ما را مهیا هیچ نیست — جامه‌در برفوطه برسر کفش‌در پا هیچ‌نیست
شال و مندیل و قباوکفش در بازار هست — قیمتش بسیار کردم پول پیدا هیچ‌نیست
کردم از پوشیدنی قطع نظر اما چه سود — خوردنی‌درخانه ما غیـر سرما هیچ‌نیست
سفره اعلای دون از نان وازحلوا پر است — پیش ما غیر ازکتاب نان‌وحلوا هیچ‌نیست
گرچه‌در بازار رنگارنگ‌انگور است لیك — درکف اطفال ما جزدیش بابا هیچ‌نیست

←

۱۲ ـ کتیبه بالای محراب مرمری بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« روی عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال یاعلی لوان عبداً عبدالله مثل »
« ما قام نوح فی قومه وکان له مثل احد ذهباً فانفقه فی سبیل الله ومد فی عمره حتی »
« حج الف حجة علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروة مظلوماً ثم لم یوالك یاعلی »
« لم یشم رایحة الجنة کتبه محمد صالح ۱۰۳۸ » .

این کتیبه را محمدصالح درهمان سال وفات شاه عباس بزرگ نوشته ولی معلوم نیست که درسلطنت شاه صفی بوده یا این که هنوز شاه عباس بزرگ زنده بوده است .

۱۳ ـ کتیبه محراب غربی چهلستون خاوری بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« عن ابی عبدالله علیه السلم قال لما هبط جبریـل علیه السلم بالاذان علی »
« رسول الله صلی الله علیه و آله کان رأسه فی حجر علی علیه السلم فاذن جبریل علیه »
« السلم واقام فلما انتبه رسول الله صلی الله علیه و آله قال سمعت یاعلی قال حفظت »
« قال نعم قال ادع بلالا فعلمه فدعا علی علیه السلام بلالاً فعلمه کتبه محمد رضا »
« الامامی [1] » درداخل همین محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی

→
حال خدمتکار و نوکر را چگویم درلباس — جز زمین و آسمان درزیروبالا هیچ نیست
این همه بگذار حرف قرض خواهان داشنو — وجه قرضی دابجز امروزوفردا هیچ نیست
جزوئی قرض ازکسی کردم طلب گفتا بچشم — تاقیامت صبرکن زیرا که حالا هیچ نیست
ازره طبع آزمائی چند بیتی گفته شد — ورنه مادا جزخدا ازکس تمنا هیچ نیست

(نقل از تاریخ خط و خطاطان ج ۱ ص ۴۷ تاص ۴۸)

۱ ـ محمدرضا امامی اصفهانی قدوه خطاطان وخوشنویسان عهد شاه عباس بزرگ (۹۹۶-۱۰۳۸) تا شاه سلیمان (۱۰۷۸ـ۱۱۰۶) بود ودر نوشتن خط ثلث جلی ثانی علیرضا عباسی بود، این نویسنده زبردست دربیشتر کتیبه‌های مسجد شاه اصفهان هنرنمائی کرده وهمینطور درکتیبهٔ سایر مساجد وبقاع اصفهان خط چون بال طاوسش در کاشیهای معرق وآجری یافت میشود چنانچه در محراب دست چپ مسجد شاه رقم کرده: «کتبه محمدرضا الامامی الاصفهانی سنه ۱۰۳۸» واین سالی بوده که شاه عباس بزرگ بدرود زندگی گفته است .

←

رنگ خوانده میشود:

« قال الله عزوجل یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعه فاسعوا»
« الی ذکرالله وذروا البیع ذلکم خیرلکم ان کنتم تعلمون. »

۱۴ـ کتیبه اطراف محراب شرقی چهلستون شرقی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

«عن ابی عبدالله علیه السلم قال من سمع المؤذن یقول اشهدان لااله الاالله واشهدان»
« محمداً رسول الله فقال مصدقاً محتسباً وانا اشهدان لااله الاالله و اشهدان محمدا »
« رسول الله اکتفی بها عمن ابی و جحدواعین بها من اقرو شهد الا کان له من الاجر »

→ و نیز در بیرون محراب مسجد شاه سلیمان نوشته است: « کتبه محمد رضا الامامی سنه ۱۰۷۷» ازنوشتن کتیبه‌های مختلف معلوم میشود که محمد رضا امامی عمر طولانی کرده چه اولین کتیبه اودر (۱۰۱۲ ﻫ.ق) وآخرین کتیبه او (۱۰۷۷ ﻫ.ق) میباشد و با این ترتیب معلوم میشود که زمان اساتیدی چون میرعماد وعلیرضا عباسی وعبدالباقی و محمدصالح همه‌را درک کرده است واین مرد بزرگ نزد سلاطین عصر خود بسیار محترم وبزرگوار بوده وسلاطین وامراء وشاهزادگان صفویه در موقع بنای عمارتی اورا مأمور نوشتن کتیبه آن میکردند بطوری که هیچ مدرسه ومسجد وبقعه‌ای درعصر او ساخته نشده که فاقد خط او باشد بیشتر قصور و عماراتی که در آن تاریخ بناشده وپر از خطوط خطاط مزبور بوده در حکومت مسعود میرزا ظل السلطان مورد بی‌مهری قرار گرفته و تیشه بیداد آن قصور و عمارات را ویران ساخت بطوریکه نوشته‌اند درمدت حکمرانی خود قریب هفتاد عمارت وبناهای بزرگ‌را خراب کرد. مدیر روزنامه چهره‌نما که خود اصفهانی است خرابی عمارات عهد صفوی را در اصفهان بخوبی مجسم کرده و در این اشعار که در ذیل درج میگردد بیان نموده است:

گامی بصفاهان زن‌هان‌ای‌دل حسرت زا — بین قصر شهنشاهان ویران شده سر تا پا
هرسو که سرا بوده یکسرشده ویرانه — هرجاکه بنا بوده ویرانه شده یکجا
کاخان‌که زدی‌هریك برچرخ‌سر ازرفعت — از فر شه عباس شاهنشه ملك آرا
هریك شده بومان را ویرانه و کاشانه — کاشانه وویرانه هر یك شده بومان را
هان رود صفاهان بین با ناله همی‌گوید: — کوقصر شهنشاهان‌چون گشت عمارتها
از هشت بهشت او نبود اثری اکنون — وز نقش جهان آرا نقشی نبود برجا
هفت‌دست‌شده ازدست ازدست‌ستمکاران — گلدسته شده بی دست ازدست ستم والا
پالای سرشك‌از چشم از باغ زرشك‌او — کزصرصرعدوان‌سوخت آن‌باغ‌بهشت‌آسا

محمد رضا امامی در سال یکهزار وهشتاد واندی وفات یافت.

(نقل از تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۱۱۱ تاص ۱۱۳)

« عدد من انکر وجحد و عدد مثل من اقر و اعترف کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی»
« الادهمی ۱۰۳۸ » .

و در داخل محراب مزبور بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی کتیبه‌ای باین شرح خوانده میشود :

« . . . انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون»
« الزکوة وهم راکعون قال النبی علیه السلم الصلوة معراج المؤمن . »

۱۵ـ کتیبه درون ایوان شمالی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل است برسوره دهر ودرپایان آن چنین رقم شده است : « کتبه ـ عبدالباقی فی الف وثلاثین وخمس. » که درزمان شاه عباس بزرگ نوشته شده است.

۱۶ـ کتیبه ایوان وسط ضلع شرقی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح نوشته شده:

« قال ابو نعیم المحدث فی کتابه فی قول الله عزوجل واسأل من ارسلنا من قبلك»
« من رسلنا فقال النبی صلی الله علیه و آله لیلة اسری به جمع الله بینه وبین الانبیاء»
« ثم قال اسألهم یامحمد علی ما بعثتم فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم بعثنا»
«علی شهادة ان لااله الاالله والاقرار بنبوتك و ولاية علی بن ابی طالب علیه السلم .»
« و عن ابی ذر الغفاری قال قال رسول الله صلوات الله وسلامه علیه لعلی بن ابی طالب»
« علیه السلم انك قسیم الجنة والنار وانك تقرع باب الجنة و تدخلها بغیر حساب . »
« تعمیر آذر ۱۳۲۹» .

ازقسمت آخر کتیبه معلوم میگردد که درسال ۱۳۲۹ شمسی درآذرماه کتیبه مذکور مورد تعمیر قرارگرفته است.

۱۷ـ کتیبه داخل گنبدشرقی درقسمت فوقانی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی ابتدا سوره فتح تا آخر آیه دهم آن و دنباله آن این عبارت خوانده میشود: «صدق الله العظیم حرره محمدغنی.» ومعلوم میگردد که یکی ازنویسندگان خط ثلث آن زمان محمد غنی بوده است که کمتر خط اودیده شده است.

۱۸- کتیبه درون گنبد بخط ثلث برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

«فی مسند ابن حنبل عن البراءِ بن عازب قال اقبلنا مع النبی صلی الله علیه و آله»
«فی حجة الوداع حتی کنا بغدیرخم فنودی فینا الی الصلوة جامعة و کسح لرسول-»
« الله صلی الله علیه و آله بین شجرتین واخذ بید علی فقال الست اولی بالمؤمنین»
« من انفسهم قالوا بلی یا رسول الله قال الست اولی بکل مؤمن من نفسه قالوا بلی»
«یا رسول الله قال هذا مولا من انا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فلقیه عمر »
«فقال هنیئاً لك یا بن ابی طالب اصبحت وامسیت مولا کل مؤمن ومؤمنة. ومن مناقب»
«ابن المغازلی عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی بن ابی طالب»
«علیه السلم یوم فتح مکة اما تری هذا الصنم یاعلی قال بلی یارسول الله قال فاحملك فتناوله»
«قال بل انا احملك یا نبی الله فقال صلوات الله وسلامه علیه لو ان ربیعة ومضر جهدوا ان یحملوا»
«منی بضعة واناحی ما قدروا ولکن قف یاعلی فضرب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم»
«ویدیه الی ساقی علی فوق القربوس ثم اقتلعه من الارض بیده فرفعه حتی تبین »
«بیاض ابطیه ثم قال تری ما اری یاعلی قال الله عزوجل قد شرفنی بك حتی لواردت»
«ان امس السماء لمستها فقال له تناول الصنم یاعلی فتناوله علی فرمی به ثم خرج»
«النبی صلی الله علیه و آله من تحت علی وترك رجلیه فسقط علی الارض فضحك فقال»
« ما اضحکك یاعلی فقال سقطت من اعلی الکعبة فما اصابنی شیئی فقال النبی »
«صلی الله علیه و آله کیف یصیبك وانما محمد حملك وانزلك جبریل علیه السلم و »
« عن ابی ذرالغفاری قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله من ناصب علیاً علی -»
«الخلافة بعدی فهو کافر وقد حارب الله ورسوله کتب بحمدالله الغنی القوی فی ثمان »
وثلثین والف. » .

هرچند در این کتیبه نام کاتب بصراحت برده نشده ولی ازطرز بیان فهمیده میشودکه نویسنده خط آن همان محمد غنی است و درکتیبه اول که تاریخ نوشتن معلوم نبود ازمجموع دوکتیبه استنباط میگرددکه محمد غنی ازنویسندگان خط ثلث در سال یکهزار وسی وهشت کتیبه‌ها رانوشته است.

۱۹ـ کتیبه درون محراب گنبد شرقی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل بر آیه ۱۴۴ سوره بقره و سپس باین رقم «کتبه محمد صالح [1] الاصفهانی ۱۰۳۸ .» پایان می‌پذیرد.

۱ـ محمد صالح بن میرزا ابوتراب اصفهانی ازخوشنویسان معروف عصر صفوی و مؤلف تذکره‌ای راجع به‌احوال خوشنویسان است و در آن تذکره شرح حال خود را نیز بیان کرده است، در امتحان الفضلاء گفته که پس از قتل میرعماد شاه عباس اورا بهندوستان فرستاد تا رشیداخواهرزادهٔ میر را بایران بیاوردوشاه جهان‌مقدم اوراگرامی داشت ولی مانع ازبازگشت رشیدا شد وخود او باصفهان بازگشت واین‌درست بنظر نمیرسد چه محمد صالح‌تاسال ۱۱۱۸ که کتیبه مدرسه چهارباغ را نوشته یا ۱۱۲۲ که کتیبه مسجد علیقلی آقا را نوشته حیات او مسلم بوده ومرحوم دکترمهدی بیانی درجلد سوم‌احوال وآثارخوشنویسان‌حیات اورا تا ۱۱۲۶ هجری مسلم دانسته است وبا این ترتیب نمیتوان گفت که محمد صالح پسر میرزا ابوتراب بهندوستان رفته است‌ممکن است خود میرزاابوتراب‌رفته باشد وچون رشیدا نیامده‌خودبازگشته باشد. راجع بشرح حال خود چنین نوشته است :

«بعد چون بعضی از مخادیم کرام بگمان اینکه فقیرحقیر خاکسارا حقر کتاب محمد «صالح بن ابی‌تراب را اطلاعی برچگونگی خط وبهمرسیدن خطوط خطاطان هرزمان میباشد» «خواهش فرمودندکه تذکره‌ای دراوضاع خطوطواحوال‌خوشنویسان درسلك‌تحریر درآورد» «بنا برفرمان وامتثال وامرملازمان ذی‌شأن ایشان‌آنچه ازاین‌مراتب‌که مسموع این بی‌بضاعت» «شده بود در مقام تنمیق آن درآمده بعزعرض میرساندکه قلم بر دو نوع است: یکی نباتی» «است و آن کام شیرین کن خوشنویسان و کاتبان کرامت آیات است . . . دیگری» «قلم‌موست.. ذکر احوال خود کمترین‌هرچند که درعالم خوشنویسها از همه شاگردان‌مرحوم» «والد خود وباقی خوشنویسان عهد در دنیا نسبت وحسن خطی که موجب امتیاز و افتخار» «باشد ندارد،اما قریب به‌چهل‌سال است که سررشته تعلیم خط نستعلیق در دست بنده وباین» «تقریب درخدمت اکابر واصاغر ترك وتاجیك این ولایت واهل هر دیاری که وارد این شهر» شوند مشغول است وشعر ابوطالب کلیم‌که :

«درجهان طالع خاکستر صیقل دارم　　　خودسیه رو وهزار آینه‌روشن‌کردم»

«و این رباعی از خود مناسب حال خود است:

«نیستم‌قدری که گویم‌رطل ومدگردیده‌ام　　　از گناه اما گرانتراز احد گردیده‌ام»
«چون‌خمیر ترش‌اگرخودنان‌نمیگردم‌ولی　　　مایهٔ نان هزاران بذر خود گردیده‌ام»

«ما صدق حال است ، از فقیر فیضهای وافی و شافی بخلق‌الله رسیده که هرکس تعلیم» «از بنده گرفت، نشد که صاحب خطی و لب نانی نشود، بلکه اکثر باعلی مدارج مراتب» «عالیه دنیا رسیده صاحب مزیتهای بلند و خدمات ارجمند گردیده‌اند. شاید باین تقریب»
←

«جمعی طلب مغفرتی بکنند یا ازراه قدرشناسی نام حقیر را گاهگاهی ببرند یادر نوشتجات»
«به تقریبات بخیر یاد فرمایند، از آن جمله چون مناسب مقام است بذکر آن میپردازد که »
«بیست و سه سال قبل از این ارسطوی عهد که قوت متخیله افلاطون طفل رضیع افکار بدیع »
«وخیالات دقیق نیتش را مهد بود اعنی غریق رحمت ربانی، بلبل گلشن سخندانی ، نواب »
«مستطاب فضایل مآب، وحیدالزمانی میفرمودند که اگر درخوشنویسی منشور خواهی ، اول »
«کسیکه چیزی خواهد نوشت من خواهم بود. بعد ازچند روز این فقرات را انشاء فرموده»
«قطعه‌ای برای بنده نوشته‌اند وعبارات آن قطعه اینست:

«نهال قابلیت شخصی که ازقطعه زمین ترابها اصقل من الماء وماؤها الطف من الهواء»
«ببار آمده باشد صالح است که بگلهای بدایع اعجارمنور وبروایح امتیاز معطر باشد،صدق»
«فهم صادق وصحت قول با نفس‌الامر مطابق دوگواه عدلند که شمیم نـرگسی که از قلم »
«سحر رقم این زبدة الاقران بمشام ادراك رسیده ازریحان خط یاقوت لبان شنیده وبنفشه‌ای »
«که از جدول این خامه اعجاز شمامه بالاکشیده غبار خط بناگوش سیمین عذاران بگـرد »
«آن نرسیده، زمان حصول ترقیات نزدیك وچشم بد دورباد.»

« اما در این ایام که بازار کمالات کساد وخرمن هستی هنرمندان وارباب استعـداد »
«نزدیك است به‌باد رود چند بیتی بطرح مثنوی با یك دو رباعی که مبتنی براین مطلب‌است»
« خود موزون کرده درین‌مقام‌ایراد می‌نماید ومسموع‌هوش‌وگوش هنرپروران هرعهدمی‌سازد»
«که هرچند روزگار برایشان تنگ گیرد باز ازعهد خود راضی‌باشند:»

« چه‌شدحق‌سعی‌وکجا شد سپاس — چرا خلق گشتند حق ناشناس »

رباعی

«آنهاکـه درین دیر فنا یارهمند — پیوسته پی شکست بازارهمند »
«ارباب‌کمال را هنر معشوق‌است — گر نیست‌چنین بهرچه اغیارهمند»
«قلم اینجارسید وسربشکست .»

در تاریخ وفات محمد صالح اختلاف است. سپهر در تذکرهٔ خود تاریخ وفـاتش را ۱۱۳۰ هجری ضبط کرده ولی درجای دیگر تاریخ فوتش را ۱۱۲۶ هجری نوشته‌اند درهر حال یکی از خطوط اوکه در راهرو مدرسه چهار باغ وجود دارد حاکی از آنستکه در سال ۱۱۲۰ هجری حیات داشته است ونیزمحمدطاهروحید که‌برای او منشور نوشته درسال۱۱۱۲ هجری قمری مطابق گفته تذکره نصرآبادی وفات کرده است.

بنا بگفته مؤلف امتحان الفضلاء محمد صالح پس ازوفات در جوار آرامگاه پدرش میرزا ابوتراب در مسجد لنبان بخاك سپرده شده است .

(نقل از ج ۳ احوال خوشنویسان ص۷۶۷ تاص ۷۷۱)

موضوعی که بایدمورد توجه واقع شود سن محمد صالح است‌که در سال ۱۰۳۸خط اوجزء خطوط خوشنویسان ثلث در مسجد شاه وجود دارد وباید گفت در آن موقع‌بسن۲۵ سالگی رسیده بوده است که توانسته است در حسن خط مشهور باشد پس سـال ولادت او

۲۰ـ کتیبه ایوان غربی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

«قال‌الله تعالی شانه وتعاظم سلطانه انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم»
«الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین»
« وقال تعالی فی سورة الجن وان المساجد لله فلا تدعوا مع‌الله احداً و عن مولانا »
«ابی عبدالله الصادق علیه السلم عن ابیه الباقر علیه السلم قال قال رسول‌الله صلی‌الله »
«علیه و آله وسلم من کان القرآن حدیثه و المسجد بیته بنی‌الله له بیتاً فی‌الجنة»
« کتبه محمدرضا الامامی حامداًالله تعالی فی ۱۰۴۰ . »

۲۱ـ کتیبه درون گنبد غربی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح نوشته‌شده است :

« من مسند ابن حنبل عن سلمان قال سمعت حبیبی محمداًرسول الله »
« صلی الله علیه وآله یقول کنت انا وعلی نوراً بین یدی الله عز وجل یسبح‌الله »
« ذلك النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم بالف عام فلما خلق الله آدم رکب »
« ذالك‌النور فی صلبه فلم یزل فی‌شیئی واحدحتی ترقیا فی‌صلب عبدالمطلب ففی‌ »

→

۱۰۱۳ هجری بوده است وبا این ترتیب درسال ۱۱۲۰ که آخرین خط او وجود داردسن او بالغ بر ۱۰۷ سال خواهد بود، مگر اینکه گفته‌شود بیست سال داشته که خط سال۱۰۳۸ را نوشته است و با این فرض‌هم سن او بالغ بر ۱۰۳ سال میشودکه مستبعد بنظر میرسدکه بتواند در سن ۱۰۳ سالگی خطوط خوش بنویسد.

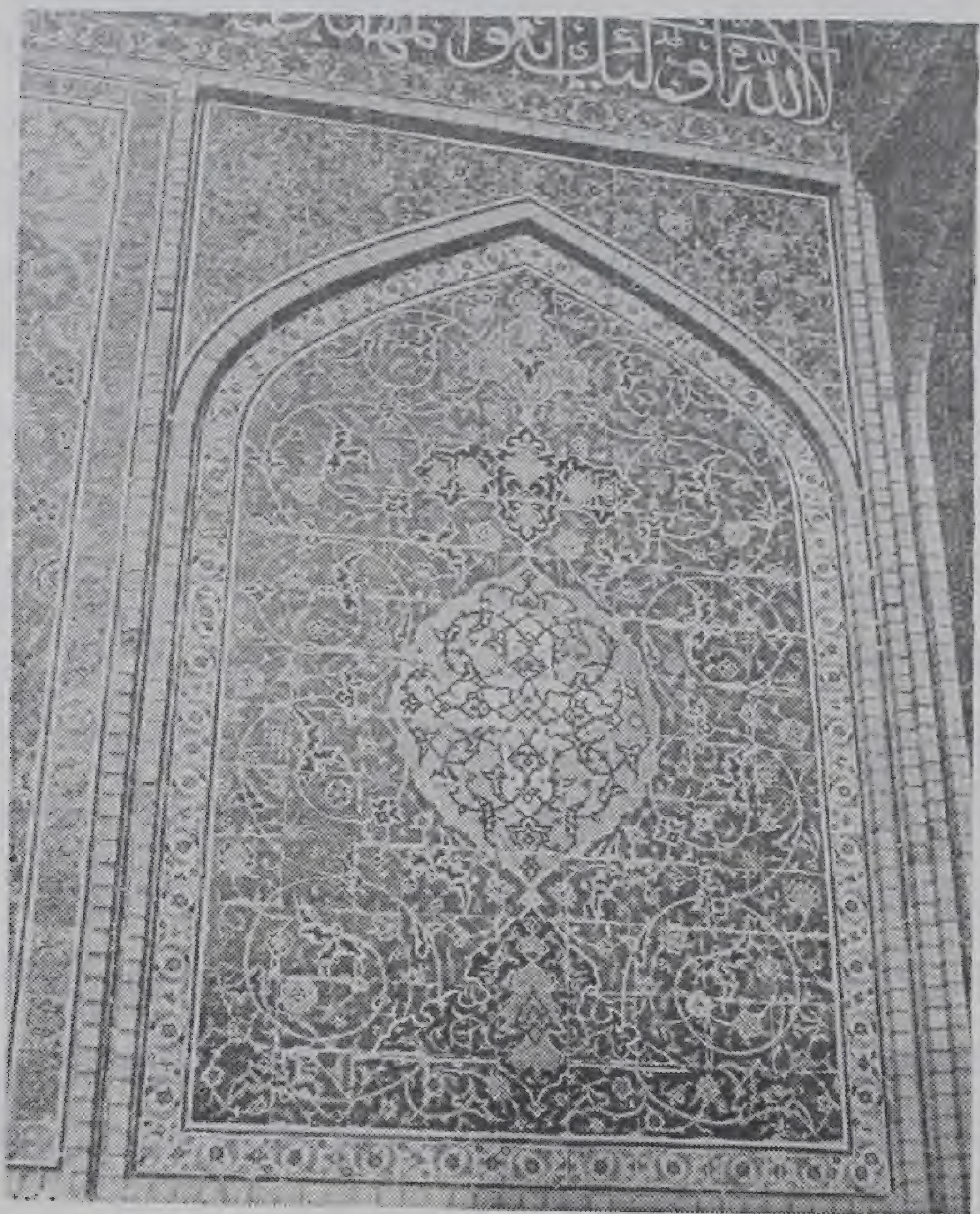
آنچه بنظر نگارنده میرسد اینستکه در قـرن یازدهم چند محمد صالح بایـن شرح بوده‌اند :

۱ـ محمدصالح بن میرزا ابوتراب اصفهانی که درثلث‌نویسی شهرت داشته است.
۲ـ محمد صالح بن میرزا علی خاتون آبادی که درخط نستعلیق‌اشتهار داشته‌است .
۳ـ محمد صالح بن عباس مولوی که اوهم درخط‌ثلث مشهور بوده است.

وچون محمد صالح بن میرزا ابوتراب همانطور که خود در تذکره‌اش گفته متخصص در خط نستعلیق بوده نه ثلث پس کتیبه‌های مربوط بسال ۱۰۳۸ که بخط ثلث است ازآن‌او نیست وممکن است خط آن کتیبه مربوط بمحمد صالح مولوی باشد که اوهم‌درسال۱۰۳۹ کتیبه نوشته است وچون رقمها نیز تفاوت دارد بایدگفت که‌این‌سه‌نویسنده درموارد حالاتشان اختلاط پیدا کرده‌اند وتعیین خصوصیات آنان احتیاج برسیدگی بیشتر دارد.

«النبوة وفي على الخلافة وايضاً من مسنده عن جابر بن عبدالله عن النبی صلی الله»
«علیه و آله قال ان الله عزوجل انزل قطعة من نور فاسکنها فی صلب آدم فساقها حتی»
«قسمها جزئین فجعل جزءاً فی صلب عبدالله وجزءاً فی صلب ابی طالب فاخرج جنی»
«نبیاً واخرج علیاً وصیاً. ومن مناقب المغازلی عن عایشة قالت اقبل علی بن ابی طالب»
«قال النبی صلی الله علیه و آله من سره ان ینظر الی سید شباب العرب فلینظر الی»
«علی فقلت یارسول الله الست سید شباب العرب فقال انا سید ولد آدم وعلی سید»
«العرب فی الف وثلاثین وخمس کتبه عبدالباقی حامداً لله ومصلیاً علی محمد و آله.»

۲۲ ـ کتیبه دور زیر گنبد غربی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی چنین نوشته است : (ش ۷۱)



(شکل ۷۱)

« عن ابن عباس قال کناجلوساً مع النبی صلی الله علیه و آله اذهبط علیه جبریل »
« الامین علیه السلم جام من البلور الاحمر مسکا وعنبراً وکان الی جنب النبی صلی الله »
« علیه و آله علی بن ابیطالب وولداه الحسن والحسین فقال له السلام علیك الله یقرأ »
« علیك السلم ویحییك بهذه التحیة ویأمرك ان تحیی علیاً وولدیه. قال ابن عباس فلما »
« صارت فی کف النبی صلی الله علیه و آله هللت وکبرت ثلثاً وقالت بلسان طلق ذرب »
« بسم الله الرحمن الرحیم طه ما انزلنا علیك القرآن لتشقی فاشمها النبی صلی الله »
« علیه و آله ثم حیی بها علیاً فلما صارت فی کف علی قالت بسم الله الرحمن الرحیم انما »
« ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون »
« فاشمها علی علیه السلام وحیی بها الحسن علیه السلم فلما صارت فی کف الحسن قالت »
« بسم الله الرحمن الرحیم عم یتسائلون عن النبأ العظیم الذی هم مختلفون فاشمها »
« الحسن وحیی بها الحسین علیه السلم فلما صارت فی کف الحسین علیه السلم قالت »
« بسم الله الرحمن الرحیم قل لااسئلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی ومن یقترف »
« حسنة نزدله فیها حسناً ان الله غفور شکور ثم ردت الی النبی صلی الله علیه و آله »
« فقالت بسم الله الرحمن الرحیم الله نورالسموات والارض . قال ابن عباس فلاادری »
« اسماء صعدت اوفی الارض توارت بقدرة الله عزوجل. عن علی علیه السلم قال رسول الله »
« صلی الله علیه و آله الائمة بعدی اثنی عشر اولهم انت یا علی واخرهم القائم الذی »
« یفتح الله علی یدیه مشارق الارض ومغاربها. عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله »
« علیه و آله لما عرج بی الی السماء رأیت علی باب الجنة مکتوباً لااله الاالله محمد »
« رسول الله علی حبیب الله الحسن والحسین صفوة الله و فاطمة امة الله لعنة الله »
« علی باغضیهم کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی ۱۰۳۹. » (ش ۷۲)

۲۳ـ در دوطرف محراب گنبد مزبور در دولوحه تازه بخط نستعلیق سفیدبر زمینه کاشی لاجوردی چنین کتیبه شده است :

« عمل عبدالرزاق کاشی پز کرمانی » در لوح دیگر « توسط باستان شناسی تعمیر شد » .



(شکل ۷۲)

۲۴ـ کتیبه نمای خارجی محراب شبستان غربی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل بر آیات اول تا آخر آیه چهارم سوره اسری و دنباله آن چنین است : « کتبه محمد رضا الامامی غفرله ۱۰۷۷ ».

۲۵ ـ کتیبه درون محراب شبستان مزبور بخط ثلث طلائی برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود :

« قال الله سبحانه تبارك وتعالی سیقول السفهاء من الناس ماولیهم عن قبلتهم »
« التی کانوا علیها قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم . قال»
« النبی صلی الله علیه وآله الصلوة معراج المؤمن کتبه محمد رضا الامامی ۱۰۷۷ .»

۲۶ـ کتیبه نمای خارجی ایوان بزرگ جنوبی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر خوانده میشود :

« الحمدلله الذی زین مساجدالاسلام بتسبیحه و شیدبایدی الملوك کعبة »
« الانام والصلوة والسلم علی محمد الذی شرف بصلوته مسجدالحرام و علی صاحب »
« الصمصام و وصیه وبعد قد وفق الله الملك المؤید قبلة السلاطین وکهف الخواقین »
« السلطان بن السلطان بن السلطان محمد شاه الغازی خلدالله ملکه لتشیید هذا »
المسجد الذی اسس علی التقوی بعون رکن السلطنة البهیة العلیة منوچهر خان »
« معتمدالدولة کتبه محمد باقرالشریف الشیرازی فی ۱۲۶۱ ».

از کتیبه مزبور استنباط میگردد که ایوان مسجد شکستی برداشته بوده و در دوران محمد شاه قاجار درسال ۱۲۶۱ هجری بوسیله منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان تعمیر گردیده است.

۲۷ - کتیبه بدنه مناره های ایوان جنوبی مسجد شاه که هریك ۴۸ متر ارتفاع دارند بخط بنائی حنائی رنگ شطرنجی بر زمینه فیروزه‌ای عبارت است از تکرار نام : « محمد » و «علی» وکتیبه فوقانی هردو مناره بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا »
« تسلیماً وقل الحمدلله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن »
« له ولی من الذل وکبره تکبیراً ».

۲۸ - کتیبه نمای خارجی گنبد بزرگ دوپوش مسجد :

وضع این گنبد که بزرگترین گنبد دوپوش مساجد اصفهان است باین شرح می باشد :

تارك جدار خارجی گنبد از سطح مسجد ۵۴ متر ارتفاع دارد وارتفاع دیوار داخلی آن ۳۸ متر است ومیان دو پوشش گنبد فضائی خالی وجود دارد. تزیینات کاشیکاری هفت رنگ درون گنبد ووجود منبر یك پارچه از سنگ مرمر وقطعات بزرگ سنگ

مرمر از تزیینات قابل توجه است و از خصوصیات دیگر گنبد مزبور انعکاس صوت در درون این گنبد است.

درگردنه این گنبد درهشت لوحه بزرگ بخط بنائی ساده لاجوردی بر زمینه فیروزه‌ای صلوات برچهارده معصوم و پائین‌تر از آن بخط بنائی لاجوردی بر زمینه سفید: « سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر » و « الحکم لله » تکرار گردیده و در آخرین قسمت پائین گردنه گنبد بخط بنائی معرق لاجوردی بر زمینه سفید سوره دهر خوانده میشود.

۲۹ ـ کتیبه اطراف گنبدبزرگ مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ چنین است:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله الواحد الاحد الملک القیوم الصمد »
« الدائم الباقی بلاامدالذی رفع قبةالسمآءِ فبنی سقفاً مرفوعاً بلاعمد وزین‌ایوان »
« الفلک وشمسه بشمس مضیئة وقمر منیر وکواکب غیر محصورة فی‌اتقن عدد »
«صنع العالم وجعل‌فیه من‌الحکم والمصالح‌مالا یحصی‌ولایعد بنیان‌اسس‌علی‌قواعد »
« الصنع قائمة وثابتة وابدع‌فی‌الوجود بناءً بدیعاًلایضعضع ولایهد والصلوةوالسلم »
« علی‌نبینا وسیدنا الرسول الامجد الصادق الامین رحمة للعالمین خاتم الانبیاء و »
« المرسلین ابی‌القاسم محمد صلی‌الله علیه وآله واصحابه الذین بذلوا مهجم فی»
« سبیل‌الله وبایعواالنبی بالصدق یداً بید سیما ابن‌عمه وصهره و وصیه وخلیفته‌و »
« اخیه ووزیره المعتمد امام‌الوری ومنارالهدی وکلمةالتقوی و حجةالله العظمی »
« مولانا ومقتدانا علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلم صلوة دائمة مستمرة الی‌الابد و بعد »
« فقد تشرف ببناء هذه‌البقعة الشریفة و السقیفة المنیفة والجنبدالرفیع المطبق »
« تلوالسماء البدیع المعلق‌للمسجدالجامع‌الذی اسس علی‌التقوی المخصوص‌بقوله »
« تعالی انما یعمرمساجدالله‌من آمن بالله‌والیوم‌الاخر واقام الصلوةملک‌ملوک‌العالم »
« ومستعبدصنادیدالامم‌الشهنشاه‌الاعظم‌المؤیدالمنصورالمخصوص‌بعنایةرب‌العالمین»
« ظل‌الله فی‌الارضین السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان ابوالمظفر شاه عباس‌الموسوی»

« الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و نصرجنده و ابد دولته وحرس مهجته »
« وعافیته وافاض عارفته وابد دوام مدة فیض دولته القاهرة و خذل اعدائه بفضل »
« حقه وقرة عینه وخصه بمد عمره وعزه ومن علی الشیعة الفایزة الاثنی عشریة حتی »
« الجبابرة واقتل الاحبة من ابناء امیة والذی تبعهم فی الخسران وبوئهم دار جهنم و »
« بئس القرار اللهم ایده و انصره بحق محمد وآله الاطهار فی سنة سبع و ثلثین »
« و الف . »

۳۰ ـ کتیبه همان گنبد که در سال ۱۳۲۸ شمسی بوسیله اداره کل باستان شناسی مورد تعمیر واقع گردیده ولذا دنباله کتیبه ایکه درپیش گفته شد این قسمت هم اضافه گردیده است :

« درعصر سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی ضمن تعمیرات »
« اساسی مسجد سلطانی این کتیبه که بمرور زمان قسمتهای زیادی از آن ریخته »
« ومعدوم شده بود بوسیله دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد دانشگاه »
« تهران با استفاده ازباقیمانده کتیبه قبلی تکمیل وتلفیق گشته تحت نظر آقای »
« مهندس روان بد رئیس باستان شناسی اصفهان تهیه و نصب شد بخط آقایان بهادری »
« ومسمی پرست . عمل ایلیائی کاشی پزومحمد علی کاشی تراش مقضی دیماه ۱۳۲۸ ».

ب ـ کتیبه‌های وابسته بمسجد شاه :

۱ـ کتیبه سنگاب چهلستون غربی گنبد مسجد بخط نستعلیق برجسته در الواحی باین کیفیت وشرح خوانده میشود :

« چون بفرمان سلیمان زمان شاه جهان	علی حبه جنة »
« آنکه باشد فلکش از مه نو حلقه بگوش	»
« شاه جمجاه کز آوازه آب تیغش	قسیم النار والجنة »
« شد بکانون جهان آتش بیداد خموش	»
« گشت در مسجد شاه این قدح آب تمام	وصی المصطفی حقاً »
« که ز هم چشمی او جام جم آمد بخروش	»

« نیست بر ساغر زرین فلك چشمك زن امام الانس و الجنــة »
« بسکه‌موجش شده چون‌آب گهربار ز نوش »
« گر چه سرپوش بدریا نتــوان پوشیدن یا قاهر العدو »
« لیك بر شهرت بحرست حبابش سرپوش »
« خضر چون وصف روان‌بخشی این‌آب‌شنید یا والی الولی »
« گفت با آب بقا آب رخ خود مفروش »
« چون بیاد شهدا آبخوری میگوید یا مظهر العجائب »
« لب باز قدح اوکه بجان بادت نوش »
« فکر سامی پی تاریخ بهر سو میگشت یا مرتضی علی »
« گفتمش : زمزمی ازکعبهٔ ثانی‌زده جوش» ۱۰۹۵

کتیبه‌مزبور حاکی است که سنگاب درزمان شاه سلیمان صفوی درسال۱۰۹۵ آماده شده است وشاعریکه اشعاررا سروده سامی بوده است ولی خطاط آن معلوم نیست. در مسجدشاه چند سنگاب دیگر وجود دارد ولی هیچکدام جز سنگابی‌که نوشته شد کتیبه‌ای ندارند.

ج- کتیبه‌هائی که ارتباطی بامسجد ندارند:

۱- فرمان شاه عباس بزرگ راجع به‌بخشش ۸۴ تومان وکسری دلالی بازار ریسمان :

این فرمان که درلوحه‌ای درغرب ایوان بزرگ جنوبی مسجدشاه نصب شده بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر چنین است :

« چون همگی همت‌والانهمت بندگان‌اشرف‌همایون اعلی مصروف ومعطوف»
« بر آن است که عجزه ورعایا مرفه الحال وفــارغ البال بدعای دوام دولت ابد »
« مقرون مشغولی نمایند بتاریخ شهر جمادی الثانی اودی‌ئیل موافق سنه خمس »
«وثلاثین والف من‌الهجرة‌النبویة درجواب فصلی ازفصول عالیحضرت وزارت‌ورفعت»
« واقبال پناه اصفی ظهیرا محمد ابراهیما فرمان قضاجریان‌قدر توامان صادرشده »

« که از ابتداء پارس ئیل دلالی بازار ریسمان به‌تخفیف وتصدق مقرربوده باشد و »
«بعلت دلالی مذکور احدی متعرض حال عجزه ودرویشان نگردند ومضمون این »
«عطیه رابرسنگ نقش نمایند بموجب فرموده اشرف وجه دلالی مذکورکه مبلغ »
« هشتاد و چهار تومان وکسری است بتصدق فرق مبارك اشرف مقررگردید امید»
«که بمضمون کلام‌بلاغت نظام من جآءبالحسنة فله‌عشر امثالها ثواب آن بروزگار»
« فرخنده آثار عاید گردد وتغییر کننده بلعنت الهی گرفتار باد. »

۲ـ فرمان دیگری ازشاه‌عباس بزرگ راجع بتخفیف مطالبات دیوانی درماه رمضان که درقرینه لوح غربی نصب‌شده بخط نستعلیق برجسته باین‌شرح است:

« امرخاطر خطیر ومکنون ضمیر معدلت اثرهمایون ما آنستکه درزمان »
« دولت روزافزون عهد خلافت‌ابد مقرون‌کافه‌رعایا وعموم برایا ازمطالبات‌دیوانیه»
« سبکبار بوده ودرمهد امن‌وامان‌آسوده فارغ‌البال ملهم‌توفیق‌ازلی و. . . . بخاطر»
« فیض مآثر پرتوانداخت‌که درماه رمضان‌که ایام طاعات وعبادات است و شیعیان»
« اهل‌بیت طیبین وطاهرین‌که سالکان‌مسالك حق ویقین .... واداى صوم وصلوة و »
« وظائف طاعات وعبادات‌قیام واقدام‌نمایندکه هرآینه مثوبات آن‌بروزگارفرخنده»
« آثارهمایون ما عایدگرددلهذا شمهٔ ازمراحم‌والطاف. . شیعیان ممالك محروسه»
« فرموده درکل قلمرو همایون مالوجهات . . . رمضان المبارك سوای جهاتی که »
« باجاره میدهند تخفیف وتصدق مقرر فرموده ارزانی داشتیم واین‌حکم همایون »
« ازمکمن . . . دارالسلطنه اصفهان‌که مردم آنجا اباًعن‌جد از زمره شیعیان‌اند »
« وحلقه اخلاص وبندگی این دودمان ولایت نشان برگوش‌جان دارند عزا صدار »
« یافته مستوفیان عظام دیوان . . . وثبت نموده از شوائب تغییر و تبدیل مصون و »
« محروس دارند . وزرا وعمال و متصدیان مهمات دیوانی دارالسلطنه مذکوره از »
« ابتدای تو شقان‌ئیل مالوجهات ووجوهات . . . بتخفیف وتصدق‌مقرر دانسته در »
« آن‌ماه مبارك‌که ایام ولیالی متبرکه است‌بعلت حقوق دیوانی حواله و اطلاقی‌بر »
« رعایا و عجزه ننموده ازحشو بنیچه جمع هر محل وضع نمایند و . . . برعایا»

« نرسانیده قلم وقدم کشیده وکوتاه دارند . سادات عظام وعلماءِ کرام وقضاة اسلام»
« واهالی‌واعیان وارباب ورؤسا وکدخدایان واهل حرفت وعموم رعایای‌دارالسلطنه»
« اصفهان‌ازبلده وبلوکات بدین‌عطیه عظمی مبتهج ومسرور بوده از روی‌امیدواری »
« تمام در لوازم دعاگوئی و دوام دولت ابد پیوند » ذیل آن ناتمام وممکن است
« قیام واقدام‌نمایند » بوده وازبین رفته است .

۳ـ فرمان شاه عباس بزرگ راجع به بخشش عوارض بعضی ازاصناف :

بریك لوح بزرگ از سنگ مرمر که در دالان غـربی مسجد شاه منصوب گردیده کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته‌چنین نقش‌گردیده است :

« فرمان همیون‌شرف نفاذیافت‌آنکه چون‌توجه خاطرخطیر مرحمت اثرو »
« تعلق ضمیرمنیر معدلت‌گسترهمایون بترفیه‌حال وفراغ بال‌کافه خلایق وعبادالله »
« بتخصیص کاسبان ودرویشان سلمانی وسلیمانی که عبارت ازدلاکان وآینه داران »
« و فصادان و ختنه‌کاران و جامه داران وکیسه مالان و آبگیران و خدمتکاران »
« حمامات مردانه وزنانه وتیغ سازان وچرخگران وسنگ سایان وسایرجماعت »
« سلمانی‌که بخاصه‌تراش‌منسوب ومتعلق‌اند درجه‌اعلی ونهایت کمال دارد درزمان»
« فرخنده نشان نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی جنت آشیانی جد بزرگوارم طاب »
« ثراه که امرخاصه تراشی بسعادت نصاب زبدةالصناع استاد علیرضا دلاك خاصه »
« شریفه مرجوع گشته احکام مطاعه لازم‌الاطاعة نواب‌گیتی‌ستانی خصوصاً حکمی»
« که بتاریخ شهرذی‌حجةالحرام سنه۱۰۲۱ عزّاصدار یافته مشعر برآنکه درزمان»
« سابق خاصه‌تراشی مبلغی بعنف و تعدی از جماعت سلمانی و سلیمانی بازیافت »
« مینموده‌اند وسعادت نصاب مشارالیه ازتاریخی‌که خدمت خاصه تراشی‌باو متعلق»
« گشته آن‌جماعت را ازمطالبات مذکوره معاف گردانیده وشرط‌کرده‌که یکدینار»
« ازجماعت کاسبان ودرویشان سلمانی وسلیمانی طلب‌ندارد وثواب آنرا بروزگار »
« فرخنده آثار نواب گیتی‌ستان فردوس مکانـی شاه بابا ام انارالله برهانـه هدیه »
« نموده ودراحکام مذکور است که هیچ‌آفریده ازحکام و تیولداران و کلانتران و »

« سر بلوکان محال وضابطان وصاحب اختیاران فیوج ممالك محروسه اصلا ومطلقاً »
« بهیچوجه من الوجوه بعلت اخراجات وعوارضات مسدودة الابواب از علفه وعلوفه »
« و قنلغا والاغ والام وپیکار وشکار وطرح ودست انداز وپیشکش وسلامی و عیدی و »
« نوروزی وجوه کپك مرتی وزر تفنگچی وسایر تکالیف دیوانی بهراسم و رسم که »
« بوده باشد حواله واطلاقی بجماعة دلاکان وسایر کاسبان مذکور فوق که بخاصه تراش »
« تعلق دارند ننموده وقلم وقدم کشیده کوتاه دارند و شکر شکایت ایشان را مؤثر »
« شناسند وچون جماعة تیغ سازان وچرخگران ازقدیم الایام بخاصه تراشان متعلق »
« و منسوب اند و هرگز نسبتی بجماعة شکاك نداشته اند بهمان دستور بمومی الیه »
« متعلق دانسته بقاعده زمان اعلیحضرت شاه جمجاه جنت مکانی علیین آشیان »
« کدخدایان شکاکی دخل درایشان ننموده وطمع وتوقعی ازایشان نکنند وازقانون »
« قدیم درنگذرند ومقدمات مذکور مؤکد بلعنت نامه گردانیده چون سعادت نصاب »
« مشارالیه بدستور بخدمت بخاصه تراشی نواب کامیاب همایون ما مفتخر وسرافراز »
« است وشفقت ومرحمت بیدریغ شامل حال مومی الیه است مقرر فرمودیم که جماعت »
« سلمانی وسلیمانی را بدستور نادرالعصر مشارالیه منسوب ومتعلق دانند وایشان را »
« ازاخراجات وعوارضات مسدودة الابواب مؤکد بلعنت نامه معاف ومسلم ومرفوع »
« القلم دانسته حکم نواب گیتی ستان فردوس مکانی را بامضاءِ نواب همیون مامتصل »
« ومقرون شناسند وحکام وکلانتران وارباب واهالی وضابطان فیوج وسفیدریشان »
« ممالك محروسه این عطیه را دربارهٔ ایشان مستمر وبرقرار داشته از فرمان قضا »
« جریان درنگذرند وخلاف کننده را مورد سخط الهی وغضب پادشاهی شناخته از »
« مدلول آیه کریمه « فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله »
« سمیع علیم » عدول وانحراف نورزند وهرساله درین باب حکم مجدد نطلبند و »
« چون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف اقدس اعلی مزین و محلی گردد اعتماد »
« نمایند تحریراً شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۰۳۸ » .

نظیر فرمان مذکور درمسجد ذوالفقار نیز فرمانی وجود داردکه درصفر ۱۳۰۷

از طرف شاه عباس راجع بعوارض صنف سلمانی و امثال آن صادر گردیده منتهی مختصرتر است ، ولی موضوع فرمان وصادرکننده فرمان یکی‌است و در واقع برای تأکید فرمان قبلی بوده است .

۴ ـ فرمان فتحعلی‌شاه قاجار راجع به بخشش عوارض نانوائی و آردفروشی:

در مدخلی که صحن بزرگ مسجد شاه بصحن مدرسه سلیمانیه اتصال پیدا میکند دولوح سنگی‌وجود دارد که در روی یکی از آنهاکتیبه‌ایست بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر باین‌شرح :

« بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز »

« العزة لله »

« قرار درکف شاه زمانه فتحعلی (۱۲۱۲)

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی »

« الملك‌لله‌تعالی ـ حکم‌همایون‌شدآنکه‌چون‌رعایت‌رعایای‌دارالسلطنه‌اصفهان »
« وترفیه احوال ایشان همواره منظور نظرمهر اثرپادشاهی می‌باشد در هذه‌السنه »
« تخاقوی ئیل خجسته دلیل ومابعدها یکهزار وپانصد تومان تبریزی مالیات و »
« وجوه خبازی وآردفروشی‌دارالسلطنه مزبور راکه همیشه‌ازصنف خباز دیوانیان »
« بازیافت مینموده‌اند بطریق سایر بلاد ممالك محروسه بتخفیف ابدی مرحمت »
« فرمودیم که بعدالیوم احدی ازدیوانیان ومباشرین ولایت مطالبه دیناری‌ازبابت »
« مالیات وغیره ازجماعت خباز وکسانی‌که خواسته باشند بتجدید دکان خبازی »
« بازنمایند یادرمحلات‌وکوچهانان‌بفروشند مطالبه ننموده هرکس‌خواهد درهرجا »
« وهرگذر وهرکوچه وهرخانه نان بپزد ودرمعابروغیرمعابر بدون اندیشه‌بفروش »
« برساند تاباعث ارزانی وفراوانی‌نان‌بوده عموم ضعفا وفقرا را رفاه آسایش‌حاصل »
« وبدعاگوئی دوام دولت ابد مدت اشتغال نمایند مقرر آنکه عالیجاهان نایبان و »
« کلانتران وداروغگان ومستأجرین وجوه وکدخدایان محلات دارالسلطنه اصفهان »

« این حکم را بقید لعنت بود ابد معمول داشته دیناری وجه ازبابت مالیات‌وسایر »
«وجوه خبازی‌وآرد فروشی بهیچ‌اسم‌ورسم‌مطالبه ننمایند وتخلف را موجب سخط»
«قهار سبحانی ومؤاخذه شدید قهرمانی دانند ودرعهده شناسند. تحریراً فی شهر »
« رمضان المبارك ۱۲۴۰ »

از مفاد فرمان بالا معلوم میشود که‌فتحعلی‌شاه قاجار درسال ۱۲۴۰ هجری مقرر داشته است که مالیات وعوارض خبازی و آرد فروشی را که بر خلاف سایر قسمتهای ایران ازرعایای دارالسلطنه اصفهان دریافت میکرده‌اند بخشوده شود و دیگر دیوانیان چنین وجهی را مطالبه نکنند.

۵ـ فرمان ناصرالدین شاه قاجار در موضوع‌معافیت‌مالیات صنف‌خبازوعلاف:

بطوریکه در مقدمه فرمان فتحعلی‌شاه نوشته شد درجائـی که‌صحن مدرسه سلیمانیه باصحن بزرگ مسجد شاه متصل میشوند دو لوحه سنگی وجود دارد که یکی ازآنها شرح داده شد ودیگری که راجع بفرمان ناصرالدین شاه قاجار در باب معافیت مالیات خبازان وعلافان است وکتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته‌برلوح سنگی مرمری بطول یك‌متر وعرض‌چهل سانتی‌متر ومفاد آن چنین است:

« بسم‌الله تعالی شأنه العزیز »

« الملك لله تعالی »

«تاکه‌دست‌ناصرالدین‌خاتم‌شاهی‌گرفت صیت داد معدلت‌ازماه تا ماهی‌گرفت»

« الملك‌لله تعالی حکم همایون شد که‌چون ازقرار فرمان خیریت تو امان»
« خاقان خلد آشیان مغفور [1] البسه‌الله تعالی حلل النور و ازعهد قدیم جماعت »
« خباز و علاف دارالسلطنه اصفهان ازجمیع تکالیف و تحمیلات دیوانی معاف‌و »
«مسلم بوده‌اند وحکام سابق برخلاف این‌رفتار کرده وهرساله جنس‌مبلغی برآنها»
«طرح و تحمیل نموده و دو هزار تومان تفاوت قیمت آنـرا میگرفتند و این »

۱ـ درمتن گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان که مأخذ کتاب حاضر است نوشته‌شده : «مغفوراً»واین درست نیست ودرست آن مغفور وبعد آن: «البسه‌الله» میباشد.

« مرحله باعث شکستگی وپریشانی آنها شده بود لهذا سرکار اقدس همایون ما »
« محض شمول مراحم واشفاق خاطر ملوکانه درباره‌عامه انام وحصول دعای‌خیر برای»
« دولت ابد فرجام ازمعامله هذه السنه سیچقان‌ئیل خیریت دلیل ومابعدها طرح »
« جنس مبلغی را موقوف‌داشته‌اند ومقرر میفرمائیم که عالیجاهان رفیعجایگاهان »
« حکام و عمال و مباشرین حال واستقبال دار السلطنه اصفهان‌بموجب همین‌منشور»
« قضا دستور جماعت‌خباز وعلاف اصفهان‌را من جمیع‌الجهات ازتکالیف‌وتحمیلات»
« دیوانی معاف ومرفوع القلم داشته و این بدعت را از آنها موقوف دارند مقرر »
« آنکه کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاتر »
« خلود ثبت وضبط نمایند ودر عهده شناسند حرر فی‌شهر رجب ۱۲۶۸ باستدعای »
« چاکردرگاه اسلام‌پناه ودولتخواه بالاشتهارچراغ علی‌خان حکمران دارالسلطنه »
« اصفهان اینمرحمت شامل احوال اهالی اصفهان گردید. »

از ذیل فرمان فهمیدهٔ میشودکه مالیات وعوارض مزبور درزمان سابق گرفته نمیشده است‌چون‌مردم ناراضی بوده‌اندازاینرو چراغعلی‌خان حاکم اصفهان‌پیشنهاد کرده که مردم اصفهان نیز ازمالیات مزبور معاف شوند وبرطبق آن پیشنهادفرمان صادرگردیده است. بیشتر متن کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان(۱) اقتباس گردیده‌است.

این مسجد بموجب شماره۱۰۷ جزء آثار تاریخی ثبت‌گردیده است (۲).

۳۳ـ مسجد شعیا:

شرح آن درمرقد شعیا نوشته خواهدشد.

۳۴ـ مسجد شیخ لطف‌الله :

این مسجد درمیدان شاه اصفهان ومواجه‌عمارت عالی‌قاپو واقع‌گردیده‌وپیش از اینکه مسجد مزبور ساخته شود جای آن خرابه مسجدی قدیمی وجود داشته

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۴۲۸ تاص ۴۶۴. ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۶.

است که بامر شاه‌عباس بزرگ بجای آن مسجد معروف به‌مسجد شیخ لطف‌الله بنا گردیده است.

در تاریخ شروع بنای مسجد اختلاف است برخی بمناسبت کاشی مورخ ۱۰۱۱هجری که در شبستان مسجد موجود است تاریخ شروع را همان سال ۱۰۱۱ دانسته‌اند ولی بنظر نگارنده چون درکتیبه سردر مسجدکه ۱۰۱۲ هجری میباشد نوشته‌شده: « امر بانشاء» میرساند که‌همان سال ۱۰۱۲ سال شروع بوده است واما تاریخ اتمام ساختمان وتزیین مسجد همان سال ۱۰۲۸ هجری است که در کتیبه محراب اشاره گردیده است . وجه تسمیه مسجد هم باتفاق نویسندگان این بوده‌که چون شیخ لطف‌الله میسی که‌از بزرگان علمای شیعه درآن‌زمان بوده درآن مسجد امامت داشته بنام او خوانده شده است .

ابهت وشکوه وظرافت کاشیکاریهای این‌مسجد وسبك‌بنا وتناسب هندسی‌آن مورد اعجاب باستان شناسان ومستشرقان خارجی واقع شده وکسیکه ازهمه بیشتر تحت تأثیر واقع شده پرفسور پوپ معروف میباشد.

نگارنده دریکی ازکنفرانسهای آن شادروان دراصفهان حاضر بودم که‌گفتند ذوق ایرانی مسبب شده که شکلی مافوق تمام اشکال هندسی اختراع شود و آن شکل گنبد مسجد شیخ لطف‌الله است که با هیچ یك ازاشکال هندسی منطبق نیست ودرهمین‌حال ذوق سلیم آنرا یکی‌از بهترین‌اشکال میداند وازدیدن آن لذت میبرد و درعظمت آن دچار شگفتی میگردد وانسان در مقابل این صنعت عظیم سر تعظیم واحترام فرود میآورد.

ترجمه‌شرحی را که‌آن شادروان راجع بهمین مسجد وساختمان‌آن درکتاب بررسیهای هنر ایران نوشته ودرکتاب راهنمای اصفهان دکتر هنرفر نقل‌شده ذیلاً مینگارد[1] :

« مسجدی که درسمت مشرق میدان شاه و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار »
«دارد یکی ازشاهکارهای بی‌نظیر معماری است که‌درسراسر آسیا خودنمائی‌میکند »

۱- راهنمای اصفهان دکترهنرفر ص ۱۰۶ .

« این‌مسجد زیباکه همچون‌جواهری‌درخشان درتاریخ معماری ایرانیان میدرخشد»
« شیخ لطف‌الله نام‌دارد، شاه‌عباس بزرگ این مسجد را بافتخار پدرزن خود شیخ- »
لطف‌الله که یکی ازپیشوایان عالیقدر آن زمان‌بود برروی خرابه‌هائیکه‌ازبقایای»
« مسجد قدیمی بجای مانده بود بناکرد. درحقیقت میدان بزرگی که‌قصر باشکوه»
« عالی‌قاپودریکطرف آن‌قرار داشت‌بچنین گوهری گران بها دربرابر خوداحتیاج»
« داشت وشاید همین‌نکته شاه‌عباس را برآن داشت تا با ساختن این‌بناکه‌بسختی »
« میتوان‌آن را محصول‌دست‌بشر دانست زیبائی میدان رابکمال رساند.درساختمان»
« این‌مسجد باردیگر استادی ومهارت هنرمندان ایرانی یك مسأله مشکل‌را حل»
«کرده است بدین معنی که‌چون مسجد درضلع شرقی میدان واقع است وخواه و »
« ناخواه دوررودی‌مسجدبسمت مشرق خواهد بود اگر بنا بود مسجدرا نیزبهمین»
« جهت میساختند کار جهت‌یابی ازلحاظ قبله مختل میشد. دراینجا با ایجادیك»
« راهرو که ازابتدای مدخل مسجدبسمت‌چپ وسپس‌بسمت راست میچرخدبراین»
« مشکل فائق آمده‌اند یعنی اگرچه ساختمان مسجـد درمشرق است و از نمای »
«خارجی آن چنین‌برمیآید که دیوارجبهه آن درجهت شمال بجنوب است‌لیکن »
«در همین دیوار محراب بنا شده که‌بسوی قبله است ووقتی بعظمت این فکرپی »
« میبریم که‌دربیرون مسجد اثری‌ازکژی وزاویه بچشم نمیخورد اما بمجرددورود»
« ناچاریم قبول‌کنیم که‌صحن نسبت به‌نمای خارجی پیچشی دارد درصورتیکه‌گنبد»
« کوتاه این مسجد بعلت مدوربودن جهت یازاویه مخالفی‌نشان‌نمیدهد، این‌گنبد»
« یکی از زیباترین‌گنبدهای اصفهان است‌که از طرفی بخاطرعظمت و از طرف »
دیگر براثر تزییناتی‌که از زمینه کرمی با نقش و نگارهائی برنگ آبی سیر »
« تشکیل میشود نظر هربیننده‌ای را بخود جلب میکند. »

« گنبد مسجد شیخ لطف‌الله یکی ازچند گنبد یك پوششی زمـان صفویه »
« است‌که با ارتفاع‌کم پوشش مناسبی برای صحن‌کوچك آن بشمار میرود.ازطرفی»
« بلندی‌آن تا اندازه‌ای است‌که بتواند درکنار میدان بزرگ خودنمائی کرده وبر»

«آن فضامسلط باشد. خمیدگی گنبد از نقطه بر آمدگی بزرگ ناگهان بسمت داخل»
«گرائیده ورأس گنبدرا تشکیل داده است و این فشار زیادرا دیوارهای قطورمسجد»
« تحمل میکنند. دیوارهای داخلی از یك هشت ضلعی شروع میشود. این هشت »
« ضلعی‌ها هریك بوسیله کاشیهای طناب مانند فیروزه‌ای محصورشده و خطوط »
« بسیار زیبائی که از آثار علیرضا میباشد مانند قابی هریك از اضلاع هشت گانه‌را»
« درمیان میگیرد. این خطوط از کاشیهائی برنگ سفید خیره کننده درمیان کاشیهای»
« آبی تیره بکاررفته‌است وزاویه‌هائی ازاین هشت‌ضلع بوجود میآیند پایه‌خمیدگی»
« بزرگ را تشکیل میدهند لکن انحنای تدریجی گنبد نقطـه شروع انحناءِ و »
«دایره بزرگ گنبد را ازنظر پنهان میکنند. خمیدگی گنبد را دیوارهای بادبادك »
«شکل زاویه‌داری باضلاع هشتگانه وصل میکند . قسمت بعدی بسمت خمیدگی»
« بزرگ گرایش دارد. سرتاسر این خمیدگی باندازه‌ای عادی ویك‌نواخت است »
« که‌بندرت احساس شده ویا بچشم میآید .کاشیکاری پوشش داخلی گنبد ازابتدا »
« تا انتها تقریباً بیك‌اندازه بوده وتزیین گنبد را تشکیل‌میدهد. دیوارهای‌جانبی»
«صحن‌مسجد باگل وبوته‌های‌متصل‌بهم برنگ آبی دریك متن کرمی رنگ‌تزیین»
« شده‌است. زاویه‌های فوقانی دیوارهای جانبی ازگل وبوته‌هائی که‌طرح آن‌باسایر»
« قسمتها تفاوت‌کلی دارد پوشیده شده وتنوع خاصی بتزیین‌کلی صحن بخشیده‌ودر»
« اولین‌نظر بیننده‌را جلب‌میکند. زیبائی کاشیکاری این‌مسجداعم ازکاشیهای معرق»
« یاکاشیهای هفت‌رنگ درنوع‌خود بی‌نظیر است. اصولا شروع دیوارهای صحن‌با»
« کاشی هفت‌رنگ وتبدیل آن‌بکاشیهای معرق خود تنوعی است دلپذیر کاشی‌معرق»
« ظریف‌ترین نوع کاشی ومتعلق بقرن هفدهم است. در حقیقت کاشی معرق نوع »
« ظریفی ازکاشی هفت‌رنگ قرن پانزدهم وشانزدهم میباشد. تزیینات سطح داخلی»
« گنبد عبارت است ازستاره‌های بسیاربزرگ مکرر برنگ زرد طلائی که‌باطرح »
« درهمی ازپیچك‌های بهم پیچیده پوشیده شده. طرح وترسیم این‌مسجد ونقشه »
« قالیهای اردبیلی منبع‌الهام مشترکی‌دارند. ضمناً شباهت بسیار نزدیك‌باتزیینات »

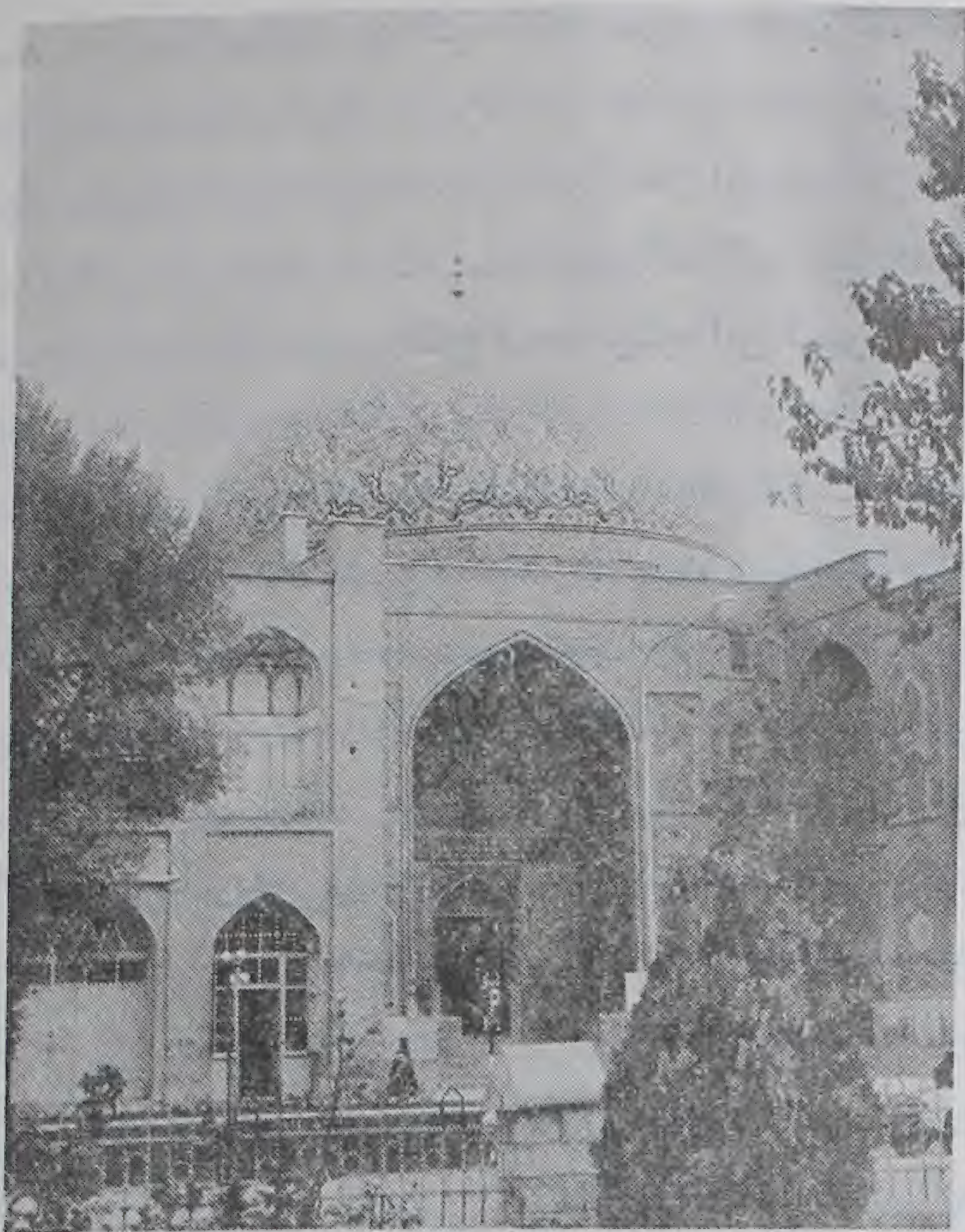
« مسجد شاه دارد. کاشیکاری بقیه گنبد ازطاق رومیهائی تشکیل‌شده که هر یك »
« شامل گل وبوته‌های زیبائی‌است. این گل وبوته‌ها درپارچه‌بافی هم‌بکاررفته و هم»
« اکنون نمونه‌هائی از آن وجود دارد. روشنائی داخل این‌مسجد نیز قابل توجه »
« است. در اطراف گنبد بفواصل منظم سوراخهائی‌درقطر گنبد تعبیه شده‌که‌بوسیله»
« پنجره‌های گچبری از داخل و خارج مسدود میشود. این گچبریها عبارتند از »
« طرحهای منظمی که‌بنسبت مساوی فضای‌خالی درمیان آنها وجود دارد.مجموع»
« نورهائی که ازاین پنجره‌ها بداخل میتابد زیبائی‌آسمانی وخیال‌پروری‌بتزیینات»
« کلی صحن می‌بخشد. کوچکترین نقطه‌ضعفی دراین‌بنا دیده نمیشود . اندازه‌ها »
« بسیار مناسب نقشه طرح بسیار قوی‌وزیبا وبطور خلاصه توافقی است بین‌یك‌دنیا»
« شور وهیجان ویك‌سکوت وآرامش با شکوه‌که نماینده ذوق سرشار زیباشناسی»
« بوده ومنبعی جز ایمان مذهبی والهام آسمانی نمی‌تواند داشته‌باشد. کتیبه‌های »
« زیبائی که علیرضا برداخل وخارج این مسجد نگاشته زیباترین خط‌زمان خود»
« میباشد. نابغه‌ای که این همه‌شکوه وجلال‌وزیبائی وهنررا باین مسجد بخشیده»
« کسی است که سمت چپ وراست‌محراب را امضاء نموده وخودرا : « فقیر حقیر»
« محتاج برحمت خدا محمدرضابن استاد حسین‌بناءِ اصفهانی» معرفی کرده است»
« وبعد از نام او تاریخ ۱۰۲۸ هجری (۱۶۱۸میلادی) دیده‌میشود. » (ش۷۳)

علاوه بر کتابه‌هائی‌که در مسجد شیخ لطف‌الله وسر درآن بوده بـرطاق بازار خفافان‌وحلاجان‌که بدرمسجد مزبور واقعند دورباعی‌بخط نسخ تعلیق علیرضاعباسی نوشته شده بوده که‌بسیار خوب بوده است ولی اکنون اثری ازآن نیست [1] و اما

۱ـ علیرضا عباسی ازمردمان تبریز بسیار پاکیزه وضع وآدمی روش‌بوده وهفت‌قلم را خوش مینوشت‌کتابه درمسجد مشهور بمسجد شیخ لطف‌الله وکمرصفه در مسجد جامع عباسی‌خط او است وبطاقهای روی بازار خفافان وحلاجان واقع‌بدر مسجدشیخ‌لطف‌الله دورباعی بخط‌نسخ تعلیق نوشته وخوب نوشته. این طرفه‌که (خوش نویس‌عهد) با علیرضا در عدد موافق آمده این‌رباعی از او مسموع شد:

تا خانه نشین‌شدی توای درخوشاب — پیوسته مراست از غمت دیده پرآب
من خانه دل خراب کردم ز غمت — توخانه نشین شدی ومن خانه‌خراب

(تذکره نصرآبادی ص ۲۰۷)



(شکل ۷۳)

وضع و اسلوب ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله خلاصه آن بشرحی است که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان باین‌شرح نگاشته است[۱]:

« سردر این مسجد بانمای‌جلو خان آن تماماً ازکاشیهای زیبا بناشده‌بود،»
« این‌مسجد عالی که‌نماینده روح ایرانیست وایمان وآینه قلب استادان آن‌عصر»
« میباشد بنام: فتح‌الله وسپس بنام‌شیخ لطف‌الله که از نزدیکان شاه وامام جماعت‌بوده»
« اشتهار یافت ، درجلو این‌مسجد حوض هشت ضلعی قشنگی بوده که در سنوات »
« سال ۱۳۱۶ و۱۸ نظر بخرابی آن متروك وسنگهایش برداشته‌شد.

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۱۱۱ تا ص ۱۱۵ .

« بنای این مسجد ببلندی ۶ پله سنگی اززمین بلندتر وسر در کاشیکاری »
« بسیارریز وظریف دارد. کتیبه بالای دربنام‌شاه‌عباس وبخط زیبا ورقاع ازعلیرضا»
«عباسی درتاریخ ۱۰۱۲ مشاهده میشود.»

« ودر وسط یکی از قطارها بخط نستعلیق عبارت : (مایه محتشمی خدمت»
« اولاد علی است) خوانده میشود ودربالای پنجره کاشی نوشته شده‌است: در عهد»
« سلطنت اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه‌تعمیر»
شد آبان ۱۳۰۸.»

« درجنب پله ورودی پنجره سنگی یکپارچه دیده میشود که از زمانهای »
« قدیم بانقش مخصوص باقی است. درطرفین درورودی دوسکوی سنگ مرمر با »
« نهایت ظرافت‌ساختمان‌شده‌که ابعاد هریك۱×۱ در۲ متر میباشد درچوبی‌مسجد»
«ازیکپارچه چوب وبقطر ده‌سانتیمتر وابعادش بطول ۳ و عرض ۱متر میباشد که »
« درهیچیك ازابنیه تاریخی نظیرش وجود ندارد.»

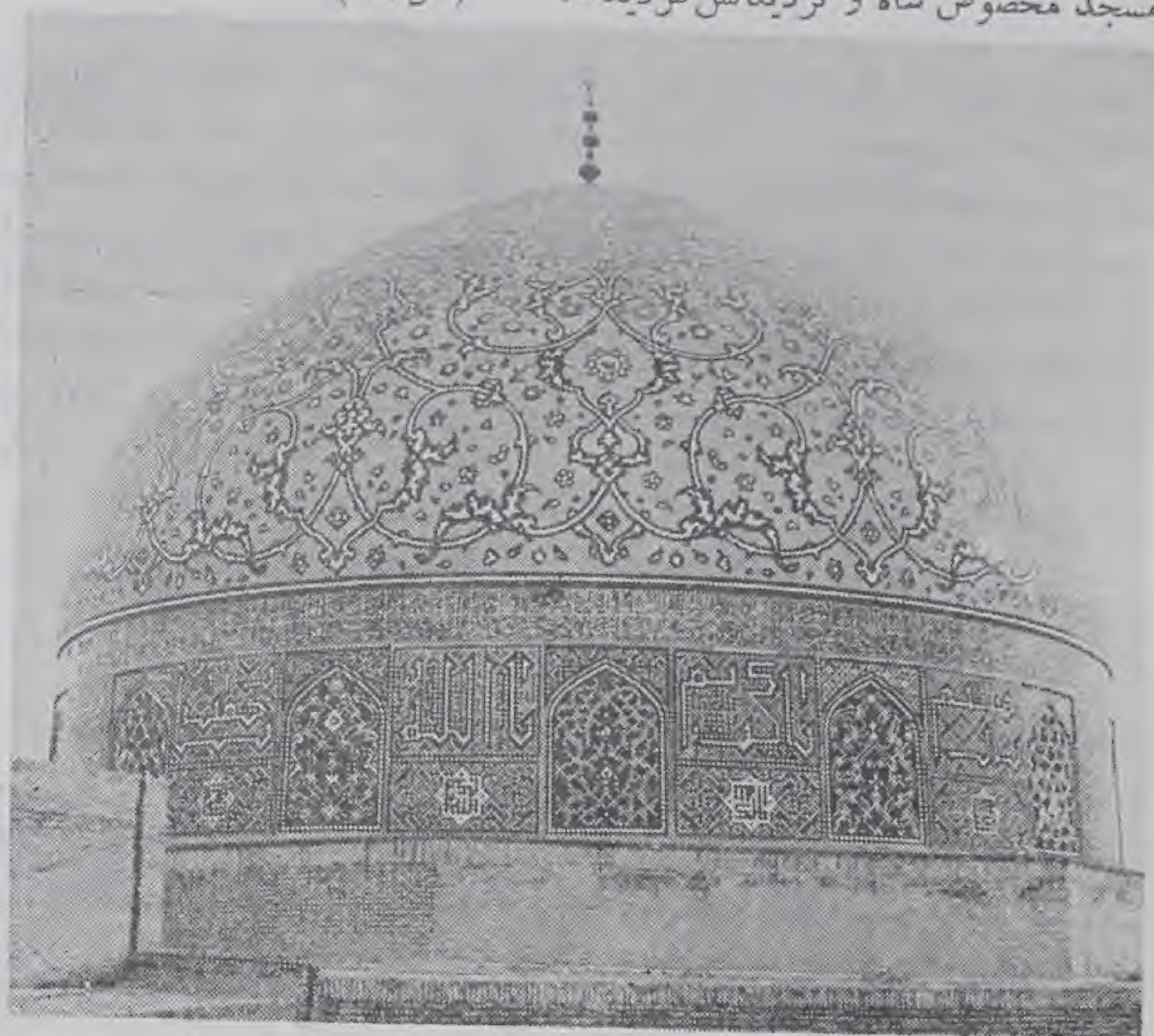
« راهرو مسجد بشکل‌زاویه قائمه وتمام‌سقف واطراف باکاشیهای‌هفت‌رنگ»
« خوش نقش پوشیده شده است وبرای روشنائی مسجد پنجره‌های مشبك ظریف »
« قشنگی درطرف چپ دهلیز که‌سابقاً حوضخانه مسجد بوده قرارداده شده‌است. »
« درب‌شبستان از قابهای هندسی شکل گوناگون ساخته شده ، شبستان مسجد از »
« زیباترین وگرانبهاترین‌بناهااست که‌بمحض‌ورود بیننده رامبهوت وخواه‌وناخواه»
« زبان به‌تحسین‌بانی وسازنده میگشاید واز تلؤلؤ و روشنائی و وضع ساختمان »
« کاشیهای معرق آن‌آفرین میگوید.»

« تناسب ساختمان قدرت فن معماری وقشنگی ومتجانس‌بودن مصالح‌شخص»
« را بعظمت خداوندی و نیروی ایمان متوجه ساخته ومات ومبهوت میشود.صحن»
« زیرگنبد که ابتدا بچهار قسمت وسپس بهشت‌قسمت مساوی تقسیم‌شده دورتادور»
« هرقسمت بوسیله پیچهای کاشی‌فیروزه رنگ ازیکدیگر متمایز وجدا میباشد،»
« قسمتهای چهارگوش این‌صحن ازپائین تاکمر ازکاشیهای هفت‌رنگ عالی ساختمان»

« شده‌که بی‌نهایت جالب توجه است وازکمر ببالا تماماً از کاشیهای نفیس معرق و»
« خطوط بسیار زیبا تزیین گردیده است، در بالای این قسمتها هشت ترنج‌لوزی »
« از کاشیهای معرق حنائی‌رنگ وجود دارد،درزیر این قسمتها شانزده پایه‌سنگی»
« ازسنگ مرمر منشوری شکل نصب شده که بر روی آنها شانزده پیچ کاشی »
« محیرالعقول قرار دارد. محراب این‌مسجد که ازاول ورودجلب توجه بیننده را»
« مینماید یکپارچه جواهری است که آنرا زیباترین محرابها میتوان شمردوبا»
« بهترین کاشیهای‌معرق پوشیده‌شده. درطرفین این‌محراب این عبارت نوشته‌است:»
« عمل‌فقیر حقیر‌محتاج برحمت خدا محمدرضابن‌استاد حسین بناء اصفهانی۱۰۲۸»
« وکتیبه دوم زیر گنبدسوره یسبح‌لله بخطزیبای علیرضا عباسی درسال۱۰۲۵است.»
« محیط‌دایرهٔ که‌گنبد را تشکیل میدهد ازسی‌ودوقطعه اشکال‌هندسی وپنج‌ردیف »
« بتدریج کوچکتر ومنتهی بنقش ونگارهای لوزی‌شکل بی‌نهایت‌کوچك وزیبای»
« سقف‌شده وبکاشی فیروزه مدور وسط گنبد ختم‌میگردد.»
« بلندی گنبد تا زیرسقف ۳۲ متر است ، روشنائی داخل این شبستان از »
« پنجره‌های ۱۶گانه معرق ومشبك است ونور از هرطرف‌که میتابد جلوهٔ خاصی»
« بکاشیهای‌سقف میدهد ، درزیر این‌صحن‌مربع شکل ۲۴ در ۲۴ مترعالی‌شبستان »
« زیر زمینی روی چهارستون منشوری شکل قطور قرار داردکه از پنجره های »
« اطراف روشنائی بداخل میرسد ، ودر زمستان برای ادای فریضه بکار میرود .
« درمحراب شبستان زیرزمینی نمونه کاشیهائی‌که ازجلوخان سردر مسجدخراب»
« شده نصب است وروی یکی‌ازآنها تاریخ ۱۰۱۱ هجری که سال شروع بنا است»
« سابقاً دراطراف مسجد همه‌گونه وسائل تطهیر بوده که بمرور خراب شده و یا »
« چون برای مسجد ضرر داشته خراب‌کرده‌اند .
« دراطراف شبستان زیرین راهرو بسیار طولانی وسیعی‌است که در قدیم »
« بقسمت شرقی مسجد راه داشته بعلاوه در زاویه های مسجد اطاقهای متعددی »
« بوده است . درقسمت فوقانی مسجد نیز ایوانچه و اطاقهای مخروبه است .گنبد»

« مسجد که یکی از قشنگترین گنبدهای اصفهان است « یك‌پوش و محیطش »
« ۷۰ متر وارتفاعش از سطح زمین ۴۲ متر است ، نقش ونگار خارج گنبد بی‌اندازه»
« زیبا و مطبوع و دلربا است ، میله طلائین روی گنبد بارتفاع سه متر ودارای»
« سه گومیباشد که بزرگترین آن محیطش ۲ مترمیباشد. »

« میگویند این‌مسجد را شاه عباس بجهت ملاعبدالله شوشتری ساخت و پس»
« از اتمام چون مشارالیه امام جماعت مسجد جامع ومدرس مدرسه ملاعبدالله‌بود »
« امامت را به شیخ لطف‌الله محول نمود وپس‌از شروع بساختمان مسجد شاه این »
« مسجد مخصوص شاه و نزدیکانش گردید ». (ش۷۴)



(شکل ۷۴)

« مساحت مسجد مطابق نوشته مرحوم جناب[1] ۳۲ در۲۶ است » .

۱ـ حاج میرسید علی بن میرمحمدباقر بن میرمحمدحسین حسینی معروف به جناب مولود۲۵ ←

←

ذیحجة الحرام ۱۲۸۷ هجری در اصفهان و متوفی شب جمعه ۳۰ شوال ۱۳۴۹ هجری در تهران ومدفون در امامزاده عبدالله. وی از ادبا ورجال فضل ودانش بود و در همـه رشته‌ها بخصوص درریاضیات قدیم یدطولائی داشت و درتنویر وروشن‌کردن افکار عمومی از طریق روزنامه وکتاب زحماتی کشید. ازآثار اواست: ۱ـ الاصفهان در ده مجلد که‌فقط جلد اول آن بطبع رسیده است. ۲ـ روزنامه الجناب‌که ۹ شماره ازآن انتشار یافته است. ۳ـ راهبر مسافر اصفهان. ۴ـ ترجمه مسافرت شاردن در اصفهان‌که در پاورقی‌الاصفهان درج شده است. ۵- مقالات مختلفه درروزنامه‌های اصفهان.

(بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۲۴۰ تاص۲۴۱.)

۱ - شیخ لطف‌الله‌بن عبدالکریم‌بن ابراهیم‌بن شیخ نور الدین علی‌بن عبدالعالی العاملی‌میسی ازعلماء وفضلاء وفقهاء وازمتبحران‌ومحققان وادباء وشعراء وازمعاصران شیخ‌بهائی بود وی‌در اوائل‌عمر بمشهد مقدس مهاجرت کرد ودرآنجانزد ملاعبدالله شوشتری‌بتحصیل پرداخت تااینکه خود درمسلك مدرسان‌آستانه درآمد ونظارت براموزخدام‌نیز درعهده اوشد وچندی‌بعدبقزوین رفت وسپس که اصفهان مقر شاه عباس شد او را باصفهان دعوت‌کردند ومقیم اصفهان‌گردید وشاه عباس مسجد شیخ لطف‌الله را برای اوساخت وسالها بتدریس وامامت اشتغال داشت در تاریخ وفات او اختلاف است ودرست آنستکه دراوایل سال ۱۰۳۳ هجری وفات‌یافته‌است و شعر فارسی هم که دراینباب گفته‌شده مؤید این‌عقیده میباشد وآن نقل ازتاریخ عالـم آرای عباسی است:

شیخ‌لطف‌الله رفت‌ازدار دهر　　رخت‌بربست ازجهان بی‌مدار
عزم عقبی کرد ازدنیای دون　　شد جنانش مامن ودارالقرار
سال تاریخش‌همی‌جستم‌زعقل　　گفت بامن‌نکته‌ای آن پیرکار
چون دولاازنام آن ساقط‌کنی　　سال تاریخ وفاتش‌زان شمار

منظور ازنام مجموعه «شیخ لطف‌الله» میباشد که جمع آن بحساب جمـل (۱۰۹۵) است وچون دولا یعنی ۶۲ را از ۱۰۹۵ کسر کنیم میماند ۱۰۳۳ و اینکه در عالم آراء در وقایع سال ۱۰۳۲ آورده از این نظر بوده که اواخر آن سال با اوائل سال ۱۰۳۳ متقارن بوده است وبعلاوه درهمان تاریخ‌گفته که پنجسال‌پیش ازوفات شاه عباس رحلت کرده‌وچون شاه مزبور در ۱۰۳۸ بدرود حیات گفته وفات شیخ لطف‌الله مقارن سال ۱۰۳۳ خواهدبود و در روضات الجنات هم این احتمال داده شده است. واینکه در روضات‌گفته شده‌که وفات‌او در ۱۰۳۵ اتفاق افتاده محمل درستی‌برای آن نمیتوان بدست آورد وفقط فرضی است. شیخ لطف الله علاوه برمقامات علمی در سرودن شعر عربی نیز مهارت داشته واشعاریکه دردوجانب شمالی وجنوبی مسجد نوشته شده ازاشعار او است که‌موضوع التجاء بدرگاه باری تعالـی است ویك بیت آن‌که متضمن نام اواست چنین‌میباشد:

«وشفعهم فی عبد عبدعبیدهم　　عبیدك لطف‌الله فی‌العرصات»

استادان زمان نوشته شده باین شرح است :

۱ـ کتیبه سردر بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود .

« امر بانشاء هذا المسجد المبارك السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی »
« مراسم آبائه الطاهرین مروج مذهب الائمة المعصومین ابوالمظفر عباس الحسینی »
« الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه واجری فی بحارالتأبید فلکه »
« بمحمدو آله الطیبین الطاهرین المعصومین صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین »
« کتبها علیرضا العباسی ۱۰۱۲ »

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که کتیبه از آن اقتباس گردیده نوشته شده: « فی البحارالتأیید » ، یعنی تأییدرا با دویای حطی املاءِکرده‌اند درصورتیکه درست آن « التأبید » که حرف اول آن با ی دومین حرف ابجد و حرف دوم آن یای حطی که بمعنی جاوید گردانیده است میباشد .

۲ـ کتیبه خارجی گنبد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی مشتمل برسور شمس و دهر و کوثر و باین جملات پایان میپذیرد :

« قال‌الله وان المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً » ودر یك سطر درحاشیه بخط نستعلیق این عبارت : « درسال هزاروسیصدو پانزده خورشیدی تعمیرشد . »که‌حاکی از حال تعمیر گنبد است خوانده میشود .

در لوحه دیگری بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی در بالای پنجره مشبك کاشیکاری سردر مسجد چنین نوشته شده :

« درعهد سلطنت اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاه رضاشاه پهلوی خلدالله »
« ملکه وسلطانه تعمیرشد آبان ۱۳۰۷ »

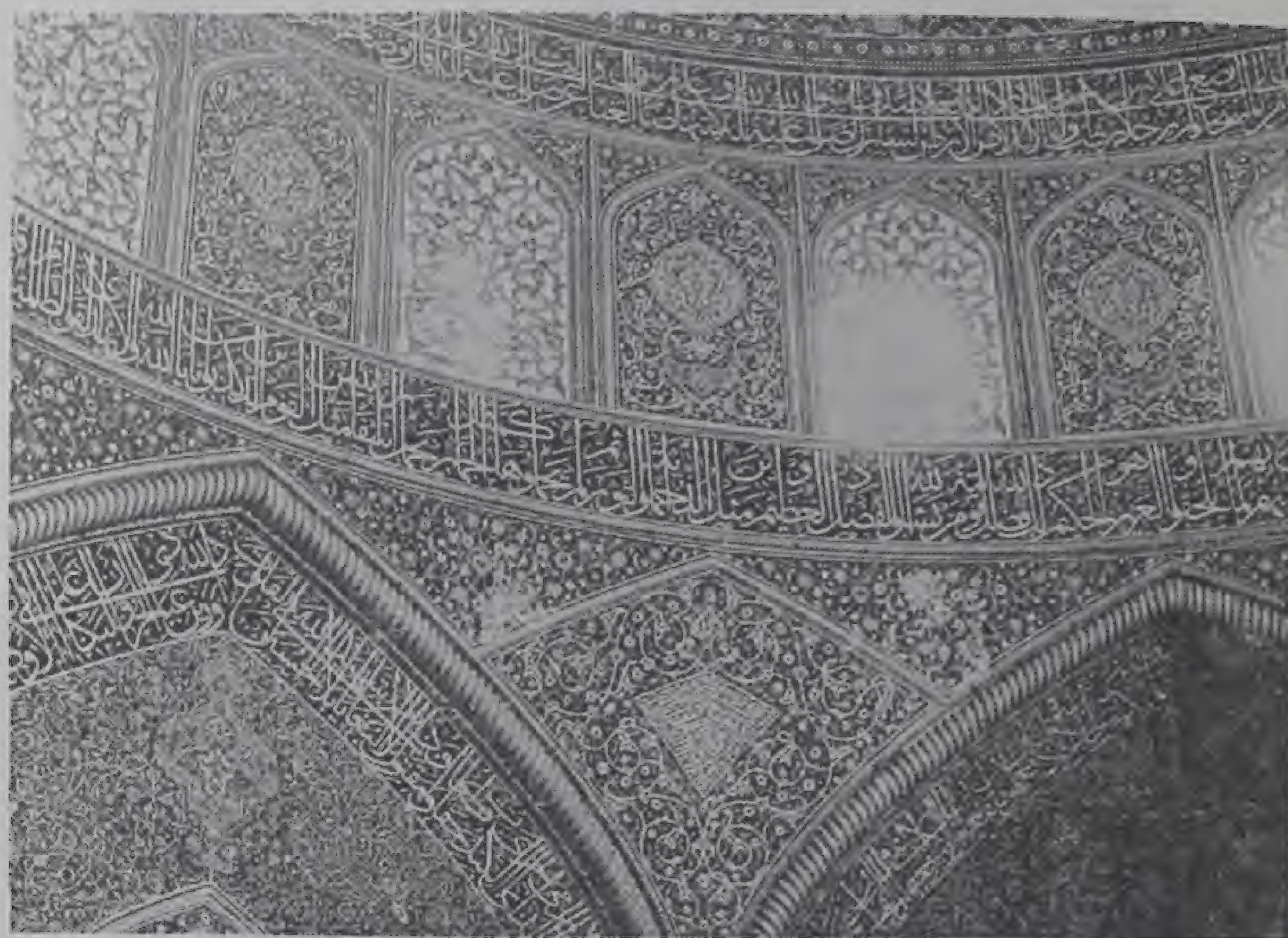
برگردنه گنبد بخط بنائی دریك جاکلمات : (یاکریم) (یاالله) (یارحمن) (یارحیم) تکرارشده و درمحل دیگر : (الله اکبر) (الملك‌لله) (الحکم‌لله) (الحمدلله) (الله ومحمد علی) تکرارگردیده است .

۳ـ کتیبه فوقانی داخل گنبد مسجد بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینهٔ کاشی لاجوردی بخط علیرضا عباسی چنین است:

« عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال من توضأ ثم خرج الی المسجد فقال »
« حین یخرج من بیته بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین هداه الله الی الصواب والایمان »
« واذاقال والذی یطعمنی ویسقین اطعمه الله من طعام الجنة وسقاه من شرابها واذاقال »
« واذا مرضت فهو یشفین جعل الله ذلك كفارة لذنوبه و اذا قال والذی یمیتنی ثم »
« یحیین اماته الله میتة الشهداءِ و احیاه حیوة السعداءِ و اذا قال والذی اطمع ان »
« یغفرلی خطیئتی یوم الدین غفر الله له خطاه كله وان كان كزبد من البحر واذاقال »
« رب هب لی حكماً والحقنی بالصالحین وهب الله له حكماً وعلماً والحقه بصالح »
« من مضی وصالح من بقی و اذا قال و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین كتب الله له »
« فی ورقة بیضاءِ ان فلان بن فلان من الصادقین واذا قال واجعلنی من ورثة جنة النعیم »
« اعطاه الله منازل فی جنة النعیم واذا قال واغفر لابی غفر الله لابویه . عن ائمة اهل البیت »
« سلام الله علیهم اجمعین اذا دخلت المسجد فقدم رجلك الیمنی وقل بسم الله وبالله »
« ومن الله والی الله وخیر الاسماء كلها لله توكلت علی الله ولاحول ولاقوة الابالله اللهم »
« صل علی محمد وآل محمد وافتح لی ابواب رحمتك وتوبتك و اغلق عنی ابواب »
« معصیتك واجعلنی من زوارك وعمار مساجدك وممن یناجیك فی اللیل والنهار و »
« ادحرعنی الشیطان الرجیم وجنود ابلیس اجمعین. وقال الامام ابو عبدالله جعفر بن »
« محمد الصادق علیه السلم من مشی الی المسجد لم یضع رجلاً علی رطب ولا یابس »
« الا سبحت له الارض الی الارض السابعة صدق رسول الله صلی الله علیه و آله كتبها »
« علی رضا العباسی فی ۱۰۲۵» . (ش ۷۵)

۴ـ کتیبه قسمت فوقانی داخل گنبد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نیز بخط علیرضا عباسی مشتمل بر سور جمعه و نصر و پایان آن چنین است:

« سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین»



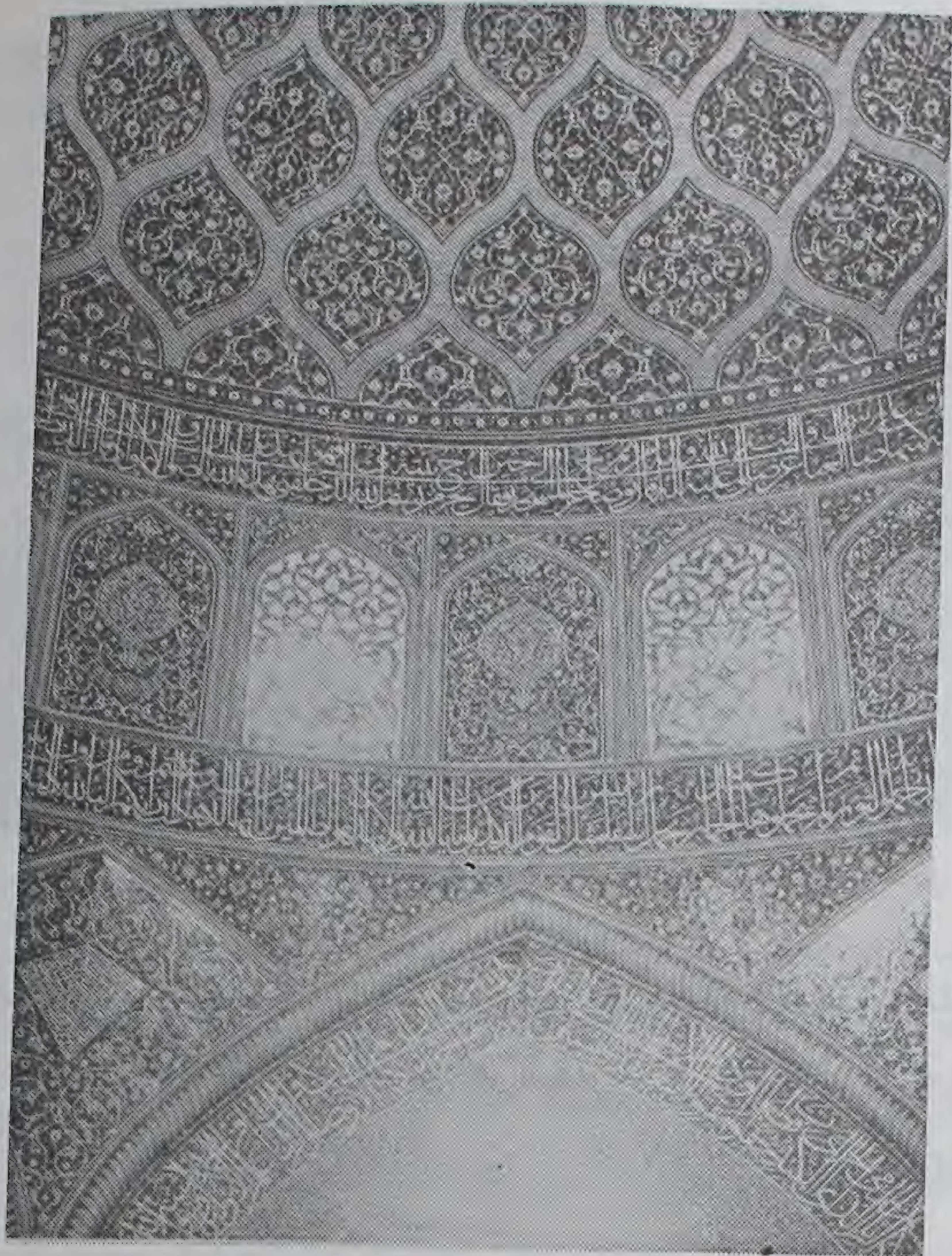
(شکل ۷۵)

« صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله‌النبی الکریم ونحن علی ذلك من‌الشاهدین والحمد»
« لله رب‌العالمین کتبها علی رضا العباسی غفرالله ذنوبه.» هر چند این کتیبه تاریخ ندارد ولی چون دنبال کتیبه تاریخ‌دار پیش است میتوان گفت که درهمان تاریخ چون نوشته شده تکرار آن لاطائل تلقی شده است.

۵ـ در زیر کتیبه دوم کمر بندی داخل گنبد درهر گوشه در دو شکل لوزی مانند بخط بنائی سور قدر وهمزه وکافرون وانشراح وفیل وماعون و تین و فاتحه خوانده میشود. (ش ۷۶)

۶ـ کتیبه گوشه جنوب غربی محوطه داخل گنبد بخط ثلث سفید باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی سوره انفطار وبعد ازآن چنین نوشته‌شده:

« صدق‌الله العظیم الکریم. عن‌ابی‌عبدالله علیه‌السلم اذا کان لیلة الجمعة انزل»
«من السماء ملئکة بعدد الذر فی‌ایدیهم اقلام الذهب و قراطیس الفضة لا یکتبون »
« الی لیلة السبت الاالصلوة علی محمد فاکثروا منها قال ان من‌السنة ان‌تصلی‌علی»



(شکل ۷۶)

« محمد واهل بیته فی کل جمعة الف مرة وفی سایر الایام مأیة مرة ».

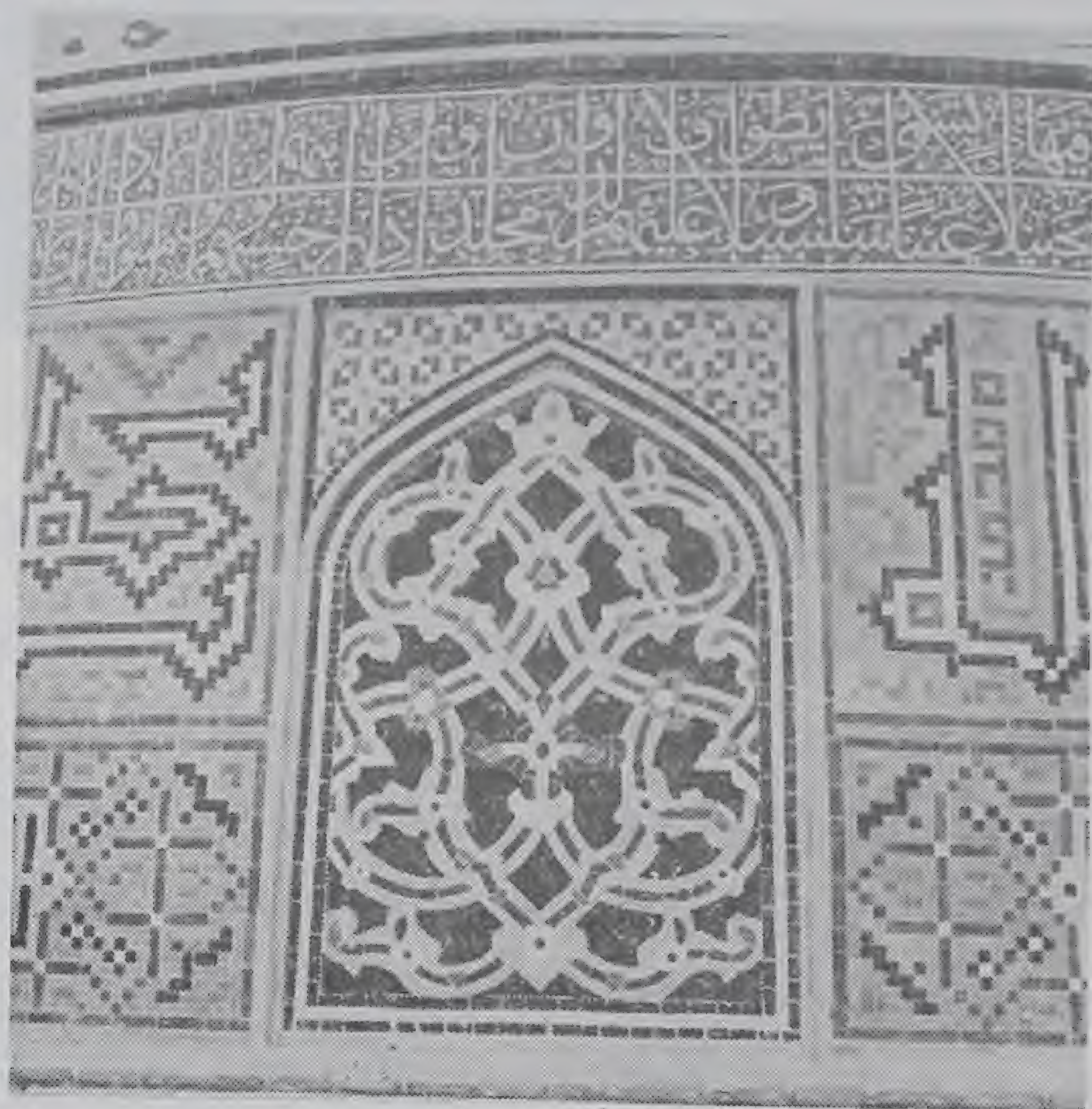
۷ـ کتیبه گوشه جنوب غربی محوطه داخل گنبد بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ ابتداء سوره لیل وپایان آن چنین است:

« صدق‌الله العظیم وصدق رسوله‌الکریم. عن جابر عن ابی‌جعفر علیه السلم »
« قال قال النبی صلی‌الله علیه وآله لجبریل علیه السلم وای البقاع احب الی‌الله »
« تعالی قال المساجد و اهلها احب الی‌الله اولهم دخولا و آخرهم خروجاً صدق »
« نبی‌الله .» .

۸ـ کتیبه گوشه شمال شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نخست سوره شمس وسپس این عبارت نوشته شده است:

« وقال الله تبارك وتعالى وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً صدق الله العظیم»
« وصدق رسوله الکریم ونحن على ذلك من الشاهدين برحمتك یا ارحم الراحمين»
« عن ابی جعفر علیه السلام قال لما اسری برسول الله صلی الله علیه وآله الى السماءِ»
« فبلغ البيت المعمور فحضرت الصلوة فاذن جبرئیل علیه السلام واقام فتقدم رسول الله»
« صلی الله علیه وآله صف الملئكة والنبیون خلف محمد صلی الله علیه وآله . » .

(ش ۷۷)



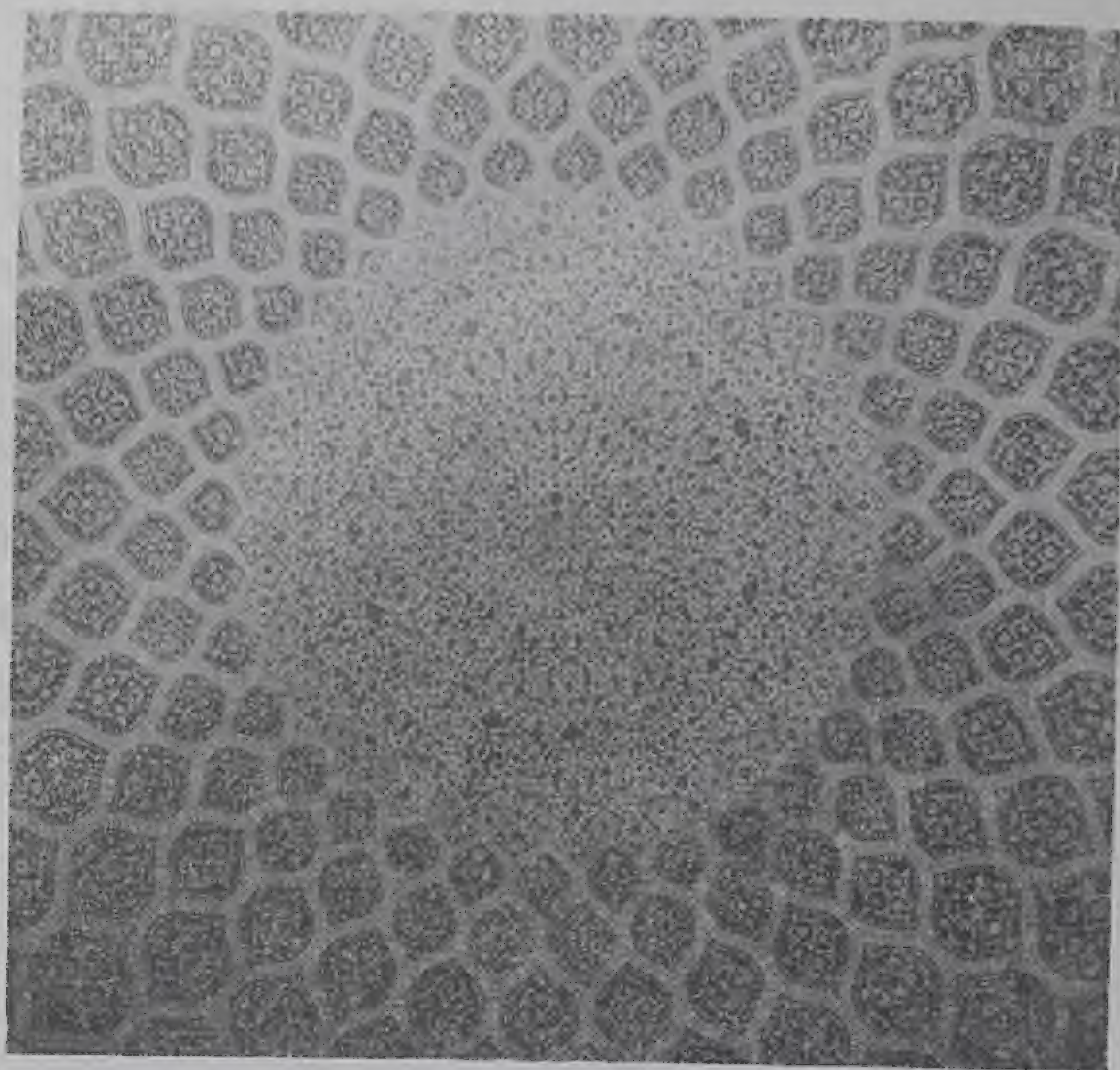
(شکل ۷۷)

۹ـ کتیبه منظوم عربی دوضلع شرقی وغربی داخل گنبـد بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است:

« الهی بحق نبی الانام شفیع الذنوب بیوم القیام»
« الهی‌الهی بنفس الرسول قسیم الجنان‌وزوج‌البتول»
« الهی بحق‌الزکی الحسن بحق الحسین اسیرالمحن »
« الهی الهی بزین العباد وبالباقر الطهر کرالرشاد »
« الهی وبالصادق‌المقتدا[1] وبالکاظم‌الغیظ‌بحرالندا[2] »
« الهی بحق الامام المبین علـی الرضا قبلة الطالبین »
« الهی الهی بحق التقی الهی الهی بجاه النقی »
« الهی وبالعسکری‌الحسن الهی و بالقائم المؤتمن »
« بلطف‌بعفوك یاذا الجلال علی‌هائم فی مهاوی‌الضلال »
« بهائك المذنب المستهام غریق بحار الخطایا العظام»
« واعتقه یارب یوم الورود علیك من‌النار داب‌الودود »
« و یسر له کل امر عسیر فانت علی کل شیء قدیر »
« باربعة وعشرة اعتضـادی وهم‌شفعای فی‌الیوم‌العبوس»
« بطیبة و الغری و کربلا وسامرا و بغداد و طوس »

ودنبال آن این عبارات نیزآمده است:
« عن جابر قال دخلت علی فاطمة علیهاالسلم و بین یدیها لوح فیه اسماء »
« الاوصیاءِ من‌ولدها فعددت اثنی‌عشر احدهم القائم ثلثة منهم‌محمد واربعة‌منهم‌علی»
« علیهم‌السلم‌کتبها باقر بنا مفاد اشعار عربی‌مذکور حاکی است‌که‌شاعر وسراینده »
« آن شیخ‌بهائی وخطاط‌آن باقربنا بوده است وآیا باقرهم خطاط وهم‌بنابوده‌است»
« معلوم نیست ودرهردو کتیبه که‌بخط اواست تاریخی ندارد ومیتوان حدس‌زد که»
« چون درهمان تاریخ ۱۰۲۵ نوشته‌شده وآن تاریخ هم درداخل‌گنبد بوده مورد را»
«محتاج بتکرار تاریخ ندانسته‌اند » . (ش ۷۸)

۱ـ و۲ـ درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که‌بیشتر کتیبه‌ها ازآن نقل‌شده: (المقتدا) و (الندا) نوشته شده وبرفرض که در اصل کتیبه‌ها چنین باشد نادرست بخصوص در (الندی) که‌بمعنی سخا است ولی د. المقتدی‌هم بالف وهم‌بیاء نوشتن جایز است.



(شکل ۷۸)

۱۰ ـ کتیبه منظوم عربی دیگری در دوجانب شمالی وجنوبی داخل مسجد بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی بخط باقربنا وسرایندگی شیخ لطف الله چنین است :

« الهی بحق الهاشمی محمد	حبیبك طه شافع العرصات »
« بحق علی نفسه و وصیه	ابی ولده والصهر ذی الحسرات »
« و فاطمة الزهراءِ قرة عینه	مجسمة الاحزان والعبرات »
« ومسموم اولاد الزنا الحسن الذی	رمی الکبد الحری جفا قطعات »
« ومقتول اولاد البغایا بکربلا ال	حسین شهیدالله فی الفلوات »
« وزین عبادالله ذی الحزن والبکاء	علی ابی الاوصاب والزفرات »
« و باقرعلم الاولین محمد	شبیه رسول‌الله ذی الدرجات »

« ومظهر دين الصدق والحق جعفر و مظهره فی الجهر والخلوات »
« و موسی شهید الاشقیاء و نجله علی الرضا المسموم فی العنبات »
« ومعدن تقوی الله الجواد وابنه محمد المحبور بالنعمات »
« وهادی الوری نجل التقی معدن النقی علی خفیر الخلق فی القفرات »
« وبالحسن الاصل الاصیل بعسکر ابی العز والخیرات والبرکات »
« بصاحب هذا العصر اعنی محمدا ای الخاتم الثانی لخیروصات »
« انلنی انلنی بغیتی بولائهم وصل علیهم افضل الصلوات »
« وشفعهم فی عبد عبد عبیدهم عبیدك لطف الله فی العرصات »
« و بالباقر البناءِ کاتب هذه ال حروف وقاه الباری العثرات »

بیشتر این کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است[1].

(ش۷۹)

این مسجد تاریخی که مورد توجه همه جهانیان میباشد بموجب شماره ۱۰۵ به ثبت تاریخی رسیده است[2].

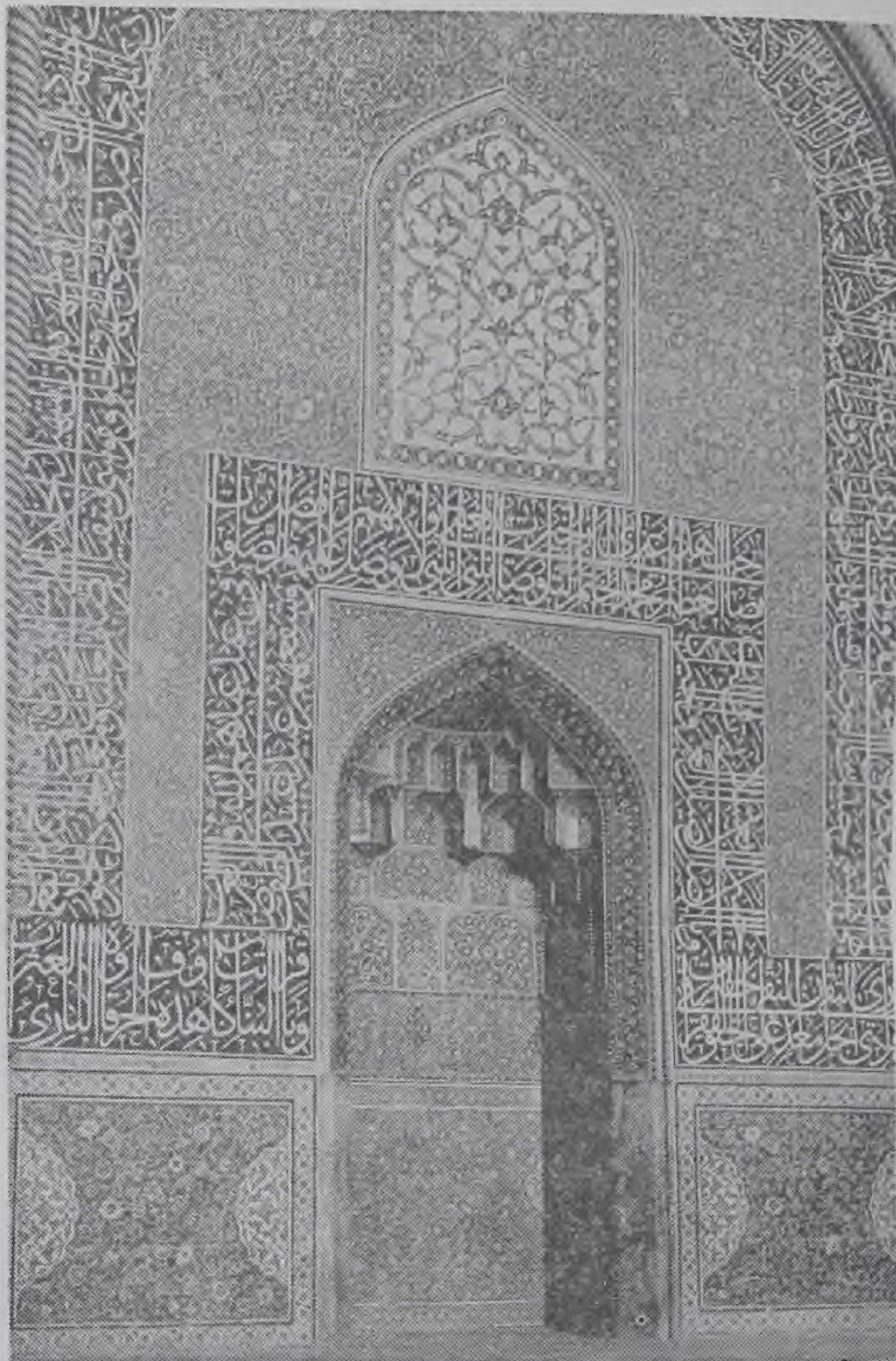
۳۵- مسجد صفا = شهشهان :

این مسجد که در محله شهشهان و در نزدیکی بقعه تاریخی شهشهان قرار گرفته در قرن سینزدهم هجری بوسیله سید محمد علی بن محمد باقر گلستانه از خانواده گلستانه صورت اتمام پذیرفته است .کتیبه سردر آن بخط ثلث محمدتقی بن محمد ابراهیم چنین است :

« قال الله تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة»
« وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . بسعی و »
« اهتمام خادم الائمة محمد علی بن محمد باقر گلستانه شرف اتمام پذیرفت فی ۱۲۹۰»
« کتبه محمد تقی بن محمدابراهیم . »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۴۰۲ تا ص۴۱۵.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۷ .



(شکل ۷۹)

دربالای در ورودی بخط ثلث عبارات : « هوالباقی . بسم‌الله الرحمن‌الرحیم» « وبه ثقتی سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین فی ۱۲۹۱ » ونیز با خط نستعلیق این‌اشعار وعبارات بترتیب زیرخوانده میشود :

« بنا شد چو این مسجد با صفا بعون‌خداوندرکن‌وحطیم(یاحنان) »

« ز پرتو بتاریخ آن شد سؤال　　　　بگفتا « لساعیه فوز عظیم ۱۲۸۹ »

« نمقه محمد تقی » « یا حنان » « عمل آقاجان » .

کتیبه ایوان جنوبی مسجد بخط بنائی سوره اخلاص و سپس آیه : « وان یکاد الذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر یقولون انه لمجنون و ما هو الاذکر للعالمین ۱۲۹۱ » .

شبستان مسجد صفا نیز کتیبه‌هائی داردکه مهمتر ازهمه آنها چنین است :

« لااله الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله وفاطمة عصمةالله‌الحسن والحسین و »

« علی‌بن‌الحسین ومحمدبن‌علی وجعفربن‌محمد وموسی‌بن‌جعفر و علی‌بن‌موسی‌و »

« محمدبن‌علی و علی‌بن محمد والحسن‌بن علی والقائم‌المهدی هم خلفاء رسول‌الله»

« صلوات‌الله علیهم اجمعین فی ۱۲۹۰ فی شهر صفر سنة تسعین ومأتین بعدالالف ».

درکتاب‌گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که عبارات کتیبه از آن‌گرفته شده در صفحه۷۹۵ سطر سوم بعداز علی‌بن موسی نوشته شده « و محمدبن » و پدرش علی نوشته‌نشده است وچون این اشتباه مسلم‌بود اصلاح‌گردید .

ثبت تاریخی این‌مسجد نیز درگردش اداری است[1]

۳۶- مسجد علی :

این‌مسجد که درنزدیکی میدان قدیم ومسجد جمعه و هارون ولایت قرار دارد یکی از مساجد تاریخی است که در قرن ششم هجری بنا ودر دوران صفویه تعمیرگردیده است .

مسجد مزبور پیش ازشاه اسماعیل صفوی به مسجد سنجریه اشتهار داشته وشاید علتش آن‌بوده‌که بانی آن سلطان سنجر بوده است و پس از اینکه مسجد مزبور رو بویرانی نهاده و درزمان شاه اسماعیل صفوی بتعمیر آن پرداخته‌اند چون تا زمان او بیشتر مردم اصفهان سنی و چهاریاری بودند و برخی‌هم حضرت علی را سب میکردند ازاین‌رو در زمان‌شاه‌اسماعیل‌که مروج مذهب‌شیعه‌بود برای مقابله‌با

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷.

اینگونه عقاید مسجد را بنام علی نامیدند وداستان کشته شدن طفلی علی نام گذشته ازاینکه مدرك تاریخی ندارد بیشتر بافسانه شباهت دارد و نمیتوان بچنین گفته‌هائی ترتیب اثر داد .

ونیز ممکن است که چون در ۹۷۷ شیخ‌الاسلام علی منشارکرکی متولی آب مسجد بوده مسجد بنام او شهرت یافته باشد .

مسجد علی دارای ایوانهای متعدد در شرق و شمال وجنوب میباشد و ایوان جنوبی از دیگر ایوانها وسیعتر است و شبستان گنبد دار آن نیز درضلع جنوبی قرار دارد . نمای گنبد ازخارج ساده وآجری است ولی درداخل دارای تزیینات گچبری میباشد . کتیبه‌های مسجد مزبور بشرح زیر است :

الف ـ کتیبه سردر بخط ثلث وبردو قسمت میباشد :

۱ ـ قسمت اول بخط ثلث معرق‌حنائی برزمینه‌کاشی لاجوردی چنین است :

« قال‌الله تعالی و عهدنا الی ابراهیم و اسمعیل ان طهرا بیتی للطائفین »
« والعاکفین و اذیرفع ابراهیم‌القواعد من‌البیت واسمعیل وقالوا نعبد الهك واله »
« آبائك ابراهیم و اسمعیل قل آمنا بالله وما انزل‌الینا و ما انزل علی ابراهیم و »
« اسمعیل. ام تقولون ان ابراهیم و اسمعیل واسحق ویعقوب و الاسباط‌کانوا هوداً »
« او نصاری قل‌آمنا بالله وماانزل علینا وما انزل علی ابراهیم واسمعیل انا اوحینا »
« الیك کما اوحینا الی‌نوح والنبیین‌من بعده واوحینا الی‌ابراهیم واسمعیل‌واسحق»
« ویعقوب والاسباط . واسمعیل والیسع ویونس ولوطاً وکلا فضلناه علی‌العالمین .»
« الحمدلله الذی وهب لی علی‌الکبر اسمعیل و اذکر فی‌الکتاب اسمعیل انه کان »
« صادق الوعد وکان رسولا نبیاً . واسمعیل وادریس وذاالکفل‌کل من‌الصابرین . و »
« اذکر اسمعیل والیسع وذاالکفل وکل من‌الاخیار » .

۲ـ قسمت دوم‌کتیبه بخط ثلث برزمینه کاشی‌لاجوردی مشتمل بر نام پادشاه زمان تعمیر وبانی تعمیر و نویسنده کتیبه و ماده تاریخ انجام تعمیر میباشد و آن چنین است :

« هذا مسجد من توجه اليه بالاحرام فقد ولی وجهه شطر المسجد الحرام »
« اسمه فی زمان من بیده مقالید الزمان السطان بن السلطان بن السلطان الذی اسمه »
« الجمیل بعدد الائمة علیهم السلم فی التنزیل ابی المظفر سلطان شاه اسمعیل خلدالله »
« ظله الظلیل مؤسس قواعد السلطنة سمی ثانی السبطین کمال العدالة والاقبال میرزا »
« شاه حسین ابدت ظلال نصفته فی الخافقین ولماورد فی الاخبار ان نعیم الدنیا مساجدها »
« جاء تاریخ العمارة جاؤها وفتحت ابوابها کتبه شمس الدین التبریزی . » (ش ۸۰)

از دو قسمت کتیبه‌های سردر چند نکته استفاده میگردد :



(شکل ۸۰)

۱ـ اینکه چون درقرآن در دوازده جا کلمه اسماعیل ذکر گردیده و با عدد دوازده امام مطابقت دارد نتیجه گرفته شده که شاه اسماعیل‌هم که نامش اسماعیل است درعداد ائمه وپیشوایان و بزرگان دین محسوب شده است البته ذکر اینگونه مطالب مربوط بکسانی است که در اطراف شاه بوده و میخواسته‌اند مورد توجه شاه قرار بگیرند والا خود شاه اسماعیل که چنین اطلاعاتی نداشته است.

۲ ـ ازکلمه اسسه معلوم میگردد که اساس مسجد از میرزا شاه حسین ودر زمان شاه اسماعیل انجام شده است درصورتی که شاردن گفته که مسجد سنجریه را بنام شاه اسماعیل کرده‌اند از مجموع مطالب می‌توان گفت که میرزا شاه حسین اساس مسجد را برهم زده و ازنو بعمارت آن پرداخته است.

۳ـ اینکه عمارت مسجد علی درزمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی بهمت میرزا شاه حسین اعتماد السلطنه [1] انجام گردیده است و ماده تاریخ آن که:

۱ـ میرزا شاه‌حسین ملقب به‌کمال‌الدین میرزا و متخلص بساقی در ابتدای‌کار در اصفهان به بنائی اشتغال داشت‌وسپس دراثر ابراز لیاقت بخدمت‌دورمش‌خان درآمد وبقاضی‌شهراصفهان رسید ومدتی وزیر داروغه آنجا وملازم‌دورمش‌خان بود ودر سال ۹۲۰ بوزارت شاه‌اسماعیل منصوب شد وعنوان وکیل‌السلطنه و اعتمادالدوله باو داد درطی نه‌سال‌اشتغال بمناصب تمولی سرشار تحصیل کرد وعاقبت محمد شاهقلی‌ازمنسوبان شاه‌که‌جهت اخراجات رکابخانه همایونی مبلغهای‌کلی تحویل داشت واز سخت‌گیریهای وزیر درآن دل‌تنگ بود خنجری برشانه‌وی‌زد و بقورچیان گفت حکم همایون صدور یافته‌که این شخص را پاره پاره‌کنند و آنان نیز چنان کردند. میرزا شاه حسین گاهی شعر هم میگفت وتخلصش ساقی بود ازاشعار او است:

هر که را دیدم ز یاران بر سر آزار بود — شام غیر سگ کویش که‌با من یاربود

در رثای اوخواجه ضیاءالدین میرم قصیده‌ای مشتمل بریازده بیت‌گفته که‌مطلع ومقطعش را ذیلا مینگارد:

مهر سپهر لطف که از رای روشنش — آیینه فلـك شده جام جهـان نمـا
دریای جود شاه حسین آنکه از شرف — مثلش ندیـده دیـده ایام عمـرها
مضمونش آنکه چون‌بجوارش مقام‌یافت — تاریخ گشت: «شاه شهیدان کربلا»
(۹۲۹)

از مضمون اشعار مزبور معلوم میگردد که‌بعد از اینکه در۹۲۹ مقتول گردید نعش‌اودر کربلا مدفون گردیده است.

پس از قتل اوکسی درخواب دید که تاریخ کشته‌شدن اوبا الفاظ (میرزا شاه حسین اصفهانی) مطابقت دارد وچون محاسبه شد درست درآمد.

(نقل از احسن‌التواریخ و تاریخ حبیب‌السیر)

« جاؤهاوفتحت ابوابها» باشد ویکی از آیات قرآن‌است بحروف جمل یاسال ۹۲۹ منطبق میگردد.

۴ـ درقسمت دوم کتیبه نوشته‌شده « السلطان بن السلطان بن السلطان» که میرساند پدر وجد شاه اسماعیل عنوان سلطنت داشته‌اند درصورتیکه اگر منظور سلطنت و پادشاهی باشدبا واقع منطبق نیست.

۳ـ کتیبه داخل سر در در اشکال چهارگوش پراکنده بخط بنائی سفید رنگ برزمینه مشکی « الله ». ـ «الله‌اکبر». ـ « الحسن العسکری» . ـ «محمد» .ـ «علی» و بخط بنائی سفید معرق برزمینه مشکی در درون چهار ضلعی پراکنده : «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله‌والله اکبر» خوانده‌میشود. ودرپشت بغل سردر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این عبارت : « عبادت بمسجد علی خوش بود ».

در سال ۱۳۲۳ شمسی بوسیله شیخ‌زاده هراتی که از اخیار و نیکوکاران و مردم یزد میباشد در سردر تعمیراتی انجام شده واین اشعار که اثر طبع شاعر معاصر محمد حسین متخلص‌به صغیر متوفی (۱۳۹۰ ه. ق) میباشد دراطراف سردر درج گردیده وآن اشعار چنین است:

« شیخ‌زاده آن ملقب بر هراتی زاهل‌یزد — کزازل خوکرده با مهرنبی عشق ولی»
« کرد برمسجدعلی تعمیرکامل وین‌عمل — خود دلیل‌روشنی ازاوست‌بر روشندلی»
«خواست‌ازدوران‌شمسی‌مصرعی‌گویدصغیر — تا بتاریخش‌رقم سازند با خط جلی »
«کاملی‌ازجمع ناگه‌سربرون آورد وگفت: — «مرحبا سعی هراتی یاراو بادا علی»
۱۳۲۳

۴ـ درایوان شرقی که روبروی در ورودی مسجد است لوح سنگی نصب‌شده که کتیبه آن بخط ثلث برجسته باین شرح خوانده میشود :

« درتاریخ سنه اربع‌وسبعین وتسعمأ ئة عنایت‌ازلی شامل حال غلام‌شاه ولایت»
« پناه‌ملك اصلان بیك‌بن مغفرة پناه‌رستم‌سلطان افشار ارشلو شده یك‌لوله‌که‌قطر »

«آن نیم‌چاریك باشد بذراع جدید اصفهان‌از نهرجرجی کان‌وقف نمود برمسجدی»
که درجنوبی آستانه هارون ولایت علیه السلام والتحیة واقعست بعد ازآنکه از »
«ملاّك آن موضع بوجه شرع شریف باو منتقل شده بود و تـولیت آن بحضرت »
«شریعت و افادة پناه شیخ الاسلامی علیا منشار اکرکیا تفویض نمود وبعد ازآن »
«حضرة با ارشد اولاد اوباشد مشروط بآنکه از بالا هیچ آفریده الا از ضروری »
طهارة وشرب تصرف ننماید وبعد ازآنکه ازمسجد خارج شود بهرمحل که‌جاری »
«شود منافع آنرا بمصرفی‌که دراو مسطور است صرف نماید وتغییردهنده درلعنت»
«الهی باشد بسعی بنده درگاه موسی باتمام رسید سنه ۹۷۷».

مساحت مسجد علی قریب سه‌جریب وسه‌قفیز شاه‌است[1] نوشته‌های دیگری هم ازطرف عابران در قرن یازدهم درمسجد وجود داردکه چون ارتباطی با مسجد ندارد ازشرح آن خودداری گردید.

کتیبه‌هائی‌که نوشته شده ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهـان [2] اقتباس گردیده است. این مسجد بموجب تصویبنامه شماره ۹۶ ـ ۵۱/۱۰/۱۳۱۰ به ثبت تاریخی رسیده است. [3]

۳۷ـ مسجد علیقلی آقا:

این مسجد در محله بیدآباد در بازاری بنام بازار حاج علیقلی آقا بـوسیله حاج علیقلی آقا از خواجگان حرمسرای شاه سلطان حسین صفوی بنا شده است. درجلو مسجد نهر بابا حسن‌که منشعب از مادی فدین است جریان دارد ،گلدسته مسجد بربالای سردر ومسجد باکاشیهای الوان ونقوش هندسی وگره سازی مـانند طرحهای مدرسه چهارباغ تزیین شده است، صحن مسجد مستطیل وطولش‌ازشمال بجنوب وحوض ومهتابی ندارد. درطرف جنوب ایوان و محرابی دارد که ازاره‌اش

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۲۰ . ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۳۷۱ تا ۳۷۶ . ۳ـ فهرست بناهای تاریخی ص۳۰ .

از سنگ مرمر و دربالا دارای کاشیکاری معرق نفیس است . در سمت مشرق دارای شبستان کوچکی است که در اواخر قرن سیزدهم بمسجد اضافه شده است . مساحت مسجد تقریباً ۱۲۰۰ ذرع است . [1] کتیبه های مسجد حاج علیقلی آقا بشرح زیر است :

۱ـ کتیبه سر درمسجد بخط ثلث قهوه‌ای رنگ علینقی امامی چنین است:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم. لقد تصدی لاتمام هذا المسجد الشریف واختتام »
« هذا المعبدالمنیف فی زمن دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم الشاه »
« سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وافاض علی ـ »
«العالمین بره عالیجناب الموفق بالتوفیقات الربانیة والمؤید بالتأییدات السبحانیة»
« محرم حریم الدولة السنیة العظمی ومقرب الحضرة العلیة الکبری الحاج علیقلی آقا»
« وفقه‌الله تعالی علی نقی الامامی ۱۱۲۲ . ». ازاین کتیبه معلوم میگردد که حاج ـ علیقلی آقا از خواجه سرایان ومحارم حرم شاه سلطان حسین این مسجد را تمام کرده است یعنی اساس بنای آن ازدیگری بوده ونامبرده موفق باتمام واختتام آن گردیده است . و تاریخ شروع را جابری انصاری ۱۱۱۲ قمری نوشته است.

۲ـ دردرون مقرنسهای سردر دوبیت زیر بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی وبخطاطی محمد صالح نوشته شده است:

« درزمان دولت سلطان حسین — آنکه ظـل حضرت ایزد بود »
« شد بنا این مسجدو تاریخ گفت: — « رحمت حق وقف این مسجد بود»
«۱۱۲۲» « محمدصالح »

۳ـ روی جرزهای طرفین وبالای سردربخط بنائی این عبارات وجملات نوشته شده است:

« اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم قل هوالله احدالله»
« الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد.»

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۷۳.

و در محراب ایوان شرقی بخط کوفی عبارت : « لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله » خوانده میشود .

۴ـ کتیبه سردرشبستان کوچك بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین است:

« هوالله تعالی شأنه العزیز »

« یا علی ادرکنی »

« از علو همت صدر اجل	فخردوران قطب‌ایمان بدردین»
«چرخ‌فرقاضی ابوالقاسم که‌هست	شخص پاکش پیشوای متقین »
«یافت‌اتمام این شبستان‌کزشرف	بایدش‌خادم شود روح الامین »
« یافت چون اتمام این عالی بنا	ماندیحیی بهر تاریخش غمین»
« قال جبریل الامین » اطهرون	و ادخلوها فی سلام آمنین» ۱۲۹۷

و دردولوحه کوچك چنین نوشته شده است:

« کتبه عبدالجواد» « عمل محمد اسمعیل »

ازمجموع اشعار ولوحه‌ها معلوم میگردد که‌قاضی ابوالقاسم در آخر قرن سینزدهم شبستان رابناکرده ومحمد اسماعیل بنای آن ویحیی‌که حاج‌میرزا یحیی کاشی‌پز باشد شاعر کتیبه وعبدالجواد بن عبدالحمید پدر اسدالله رجالی خطاط آن بوده است. بیشترعبارات‌کتیبه‌هااز‌گنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده‌است(۱). این‌مسجد طی شماره ۲۲۵ ـ ۱۳۱۴/۹/۲۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است (۲).

۳۸ـ مسجد فتح = کوچه باغ :

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان راجع باین مسجد چنین نوشته شده است :(۳)

« درمحله قدیمی باب‌الدشت مساجدکوچك دیگری نیز وجود دارد ازآن»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۸۳ تاص ۶۸۴. ۲ـ فهرست‌بناهای تاریخی‌و اماکن باستانی‌ایران ص۵۹. ۳ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص ۶۱۲.

« جمله: مسجد فتح است که مسجد کوچه باغ نیز نامیده میشود .کتیبه این مسجد »
« که بخط ثلث نوشته شده وقسمتهائی از آن فعلاً موجود نیست مشعر بر آنست »
« که مسجد فتح بوسیله عالم ربانی وعارف صمدانی ابوالفتوح محمد درسال ۹۸۷»
« هجری بنا شده .کتیبه این مسجد بخط علیجان معلم است وبرجرز طرفین سردر »
« آن نیز بردو لوحه سنگی بخط نستعلیق اشعاری بتاریخ نوزدهم شهرربیع الاول »
« سنه ۹۸۸ حجاری شده . » درتاریخ اصفهان وری هم فقط نوشته شده که در زمان شاه طهماسب مسجد ساخته شده است و اما راجع بوجه تسمیه مسجد چنین بنظر میرسد که چون کنیه بانی ابوالفتوح بوده مسجد بنام فتح نامیده شده و شاید در ابتدای امر مسجد ابوالفتوح می‌گفته‌اند و در اثر کثرت استعمال فتح شده است و اماکوچه باغ گفته‌اند از آن نظر که درکوچه باغ بوده‌است. این مسجد تاکنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است .

۳۹ـ مسجد قطبیه :

این مسجد در خیابان‌شاه اصفهان قرارگرفته وبانی آن امیر قطب‌الدین‌علی باب‌الدشتی بوده‌که در عصرشاه طهماسب صفوی مبادرت بساختن مسجدکرده است . صحن مسجد مزبور کوچك و اطراف آن با کاشیهای معقلی تزیین گردیده است و سردرآن در هنگام احداث خیابان شاه چون در معرض خطربوده کاشیهای آن به چهلستون نقل‌گردیده است ودر آنجا درضلع جنوبی باغ چهلستون سردری بنا وکاشیها برآن نصب گردیده است . کتیبه های مسجد باین شرح است :

۱ـ کتیبه سردر مسجد بخط ثلث ابوسعید امامی بـا کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی آن قسمت که باقی‌بوده چنین است :

« . . . المعصومین فی‌ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم »
« ظل‌الله علی اهل الایمان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی بهادرخان »
« خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین بره واحسانه الصاحب الاعظم »
« والاکرم المستعین من‌الله الملك‌الولی امیرقطب‌الدین علی‌الباب الدشتی فی‌شهر »

« محرم سنة خمسین وتسعمائة کتبه ابوسعید الامامی . »

۲ ـ درزیر کتیبه بالا بخط مشکی برزمینه فیروزه‌ای چنین خوانده میشود :

« بسعی شمس الدین محمد اصفهانی .»

۳ ـ کتیبه وقف امیر قطب الدین باب الدشتی برمسجد واطعام مساکین درزیر هلال سردر بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« چون توفیق الهی رفیق حال وکافل آمال اقل العباد قطب الدین باب الدشتی»
« شده خو است که ازبرای یوم المعاد ترتیب ذخیره مائده احسان نمایدکه ازخان انعام»
« اومستحقین بهره‌مند گردند بنابراین مزیت رقبات معینهٔ را وقف نمود که از »
« حاصل ونماءِ آن حقوق یکنفر قاری داده‌شودکه تمام ایام بتلاوة کلام ملك علام اشتغال»
« نماید ازجهت واقف وتتمه باطعام فقرا ومساکین مترددین درآن صرف نمایند »
« مقرر آنکه بعلة رسم الصدارة وتوزیعات ورقمات وقفی و مدد فوج نواب دیوان »
« الصدارة وغیرهم طلبی از موقوفات مزبوره ننمایند و زیاده از یکسال باجاره »
« ندهند نه بعقدواحد ونه بعقود متعدده فمن بدله بعدماسمعه فانمااثمه علی الذین»
« یبدلونه ان‌الله سمیع علیم . » .

چند مورد اشتباه املائی دراصل کتیبه وجود داردکه امانت ایجاب میکرد عیناً درج گردد وتصرف درآن بی‌مورد بنظر میرسید .

۳ـ کتیبه قسمت فوقانی جبهه مقابل سردر در اطراف یك صفحه کاشیکاری که باکاشی معرق صورت دوطاوس نقش شده بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی صلوات بردوازده امام نوشته شده است .

۴ـ دراطراف مدخل سردر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این اشعار خوانده میشود :

« محمد عربی آبروی هردو سرا
کسی که خاك درش نیست خاك برسر او »

« شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او »

« که من مدینهٔ علمم علی درست مرا
عجب خجسته حدیثی‌است من سگ دراو »

۵ - بردوجانب سردر بخط نستعلیق با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی این اشعار کتیبه شده :

« غرض نقشی‌است کزما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگرصاحب دلی روزی برحمت کند درحق این مسکین دعائی »

۶ - درصحن مسجد مزبور سنگابی نصب شده که دارای کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق برجسته بشرح زیراست :

« از ره احسان نمود وقف بدوران دختر باقر ز ساکنین صفاهان »
« وقف ابوالفضل کرده سنگ آبی تاکه شود سرفراز حضرت‌سبحان»
« هر که‌خورد آب‌خوشگوار نماید لعن‌فراوان بقاتلان شهیدان »
« گفت فیوضی ز بهر تاریخش : غشز پس‌ازهجرت ستوده دوران »
۱۳۰۷

در کتاب گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان[۱] که مأخذ نگارنده در ذکر کتیبه‌ها و ممیزات آنها میباشد «غشر» بحروف غین‌وشین وراء مهمله نوشته شده درصورتیکه درست آن بجای‌حرف‌راء مهمله‌حرف‌زاءِ منقوط است وباید«غشز» نوشته شود واگر آنچه درآنجا نوشته بحساب‌آوریم تاریخ سنگاب میشود ۱۵۰۰ که بهیچوجه درست نیست‌پس درست‌آن(غشز) بزاءِ منقوط میباشدکه‌باسال۱۳۰۷ هجری‌منطبق میشود.

نکته‌ای که دراین کتیبه ها استنباط میگردد اینستکه آنچه درعصر شاه طهماسب نوشته شده بیشتر مضامین آنها متشابه و برخی هم یکسان بوده است. مثلاً درمسجد ذوالفقار اشعار : محمدعربی تا آخرکه برروی درآن نقر شده ودر مسجد قطبیه همان اشعاردر مدخل‌سردرکتیبه‌شده است یااینکه القاب شاه‌طهماسب در همه جا یکسان و مشابه است.

سردراین‌مسجددرتاریخ ۲۲/ ۹/ ۱۳۱۳ بشماره ۲۱۸ بثبت‌تاریخی‌رسیده‌است[۲].

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۳۸۰ تا ص۳۸۳.
۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۳ .

۴۰ ـ مسجد لنبان :

این مسجد که از مساجد قدیمی اصفهان است درمحله لنبان که آن نیز از محلات کهن اصفهان میباشد قرار دارد بنای اصلی این مسجد بطوریکه نوشته‌اند در قرن هشتم انجام وچون درزمان صفویه فرسوده شده بوده مورد تعمیر قرار گرفته است.

سعید هروی که درقرن هشتم میزیسته در اشعار خود اشاره بمسجد لنبان و عمارت جمال‌الدین محمد که درجای خودگفته شده‌کرده است :

از پی ذوق وتفرج گربلنبان درشوی — مسجدی بینی مروح برسر آب‌روان
درجوارش صاحب‌صاحب‌خدم‌را بقعهٔ — کزلب تعظیم بوسدآسمانش آستان

از آثار قدیمی جز چند قطعه گچبری از دوره های پیش ازصفویه و چند لوح کاشیکاری اززمان صفویه چیزی باقی نمانده است.

خطوطی‌که بردولوح کاشیکاری اززمان صفویه باقی مانده بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بخطاطی محمد رضا امامی اصفهانی چنین است : «وصل وسلم»
« علی وارث الامام الولدالوصی والحجة الصفی‌الحسن العسکری صلوات‌الله علیه .»
« وصل وسلم علی‌وارث الامام القائم المنتظر ابی‌القاسم محمدالمهدی‌صاحب‌الزمان »
« صلوات‌الله علیهم اجمعین کتبه محمد رضا الامامی‌الاصفهانی ۱۰۸۰ . »

درزیر تالار بزرگ مسجد نهر آبی جاری است و سردابه‌ای دارد که مردم نذورات خود را درآنجا ادا میکنند و عریضه حاجات خود را بآب میاندازند و مسجد مزبور نزد مردم اصفهان احترام خاصی‌دارد ومنبر آن‌که مورخ بسال ۱۱۱۴ هجری است بمنبر صاحب‌الزمان معروف و از اینرواست که عرایض خود را بآب میاندازند که جواب آنرا ازحضرت صاحب الامر دریافت کنند و شاید این تسمیه واین عمل از ذکر صاحب‌الامر در لوح کاشیکاری که باقی مانده منتزع شده باشد. دیگر مردم اعتقاد دارند که حضرت امام حسن مجتبی (ع) در مسجد لنبان نماز خوانده است ولذا مسجد مزبور را ازسایر مساجد بیشتر تقدیس وتجلیل‌میکنند برروی منبر نفیس مسجد بردو جانب آن در لوحه‌هائی صلوات بر چهارده معصوم کنده شده است.

دربالای درورودی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی‌رنگ این کتیبه منظوم خوانده میشود:

«هوالعزیزالکریم الغفار»

«در زمان داور گیتی ستان بحر دل	آفتاب دولت مشرق سلیمان پادشاه»
«پادشاهی‌کز برای کسب اقبال وشرف	فتح درظل همای رایتش‌گیرد پناه»
«یافت تعمیراین‌بنا ازلطف‌آن‌گردون‌شکوه	شامل حال شریفش‌باد الطاف اله»
«تا بود مسجد برای سجدهٔ اهل ورع	آستانش پادشاهان‌جهان‌راسجده‌گاه»
«خامه بهرسال تاریخش‌عبارت‌زدرقم:	«نوشد این مسجد‌زامرعادل‌عالم‌پناه» (۱۰۸۰)

«قائله محمد طاهر نصرآبادی کتبه العبد المذنب المحتاج الی الله الغنی»

«محمدرضا الامامی غفرله.»

کتیبه دیگری که در سردر مسجد دیده میشود و بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی است مشتمل برآیات ۱۸ و۱۹ سوره توبه و باین رقم ختم میشود: «کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۵۶» ومعلوم‌میگردد که آخرین کتیبه مسجدلنبان است که درقرن‌سینزدهم الحاق گردیده است ودرواقع از عمر این مسجد هفت قرن میگذرد. (۱) این مسجد بشماره ۲۹۳ ـ ۱۶/۹/۲۹ به‌ثبت تاریخی‌رسیده‌است. (۲)

۴۱ـ مسجد مصری:

این مسجد بطول پنجاه وعرض چهل‌متر درشمال جوباره و نزدیك قبرستان شور درکوچه مصری واقع گردیده‌است وچون‌بانی آن مردی بنام حاجی‌میرزاخان مصری بوده باین‌نام اشتهار یافته است.

مسجدمزبور دارای سردرکاشیکاری‌است ولی درداخل تزییناتی نداردخطوط

۱ـ این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۲۶ تاص ۶۳۰ اقتباس گردیده است ضمناً متذکرمیگردد که درکتاب مذکورگفته شده که در محاسن‌اصفهان ما فروخی‌مکرر ازلنبان ومسجد وعمارت آن گفتگو شده واین درست نیست چه‌مسجد وعمارت لنبان‌در قرن هشتم بنا شده ومحاسن اصفهان درقرن پنجم نوشته شده است وفقط از محله لنبان در ص ۸۱ نامی برده شده است.

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران‌ص۵۵.

وکتیبه‌های آن‌چنین است:

۱ ـ کتیبه سر در مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح:

«قال الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجدالله من‌امن بالله والیوم الاخر واقام» «الصلوة وآتی الزکوة ولم‌یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین. قال» «رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم لاصلوة لجارالمسجد الافی مسجد وقال تعاهدوا» «نعالکم عند ابواب مساجدکم. کتبه‌جعفرابن عبدالله ۱۱۶۶» این‌کتیبه مطابق‌است با آنچه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته شده ولی بـامراجعه بعکس که از سردر مسجد درهمان کتاب‌گراور شده معلوم گردید که اولا بعد از کلمه: جعفر، بن بدون‌همزه‌نوشته شده‌وهمزه‌ایکه‌درکتاب‌آورده شده‌زاید است‌وهمین‌طور در عکس مزبور بعد از جعفربن‌عبدالله تاریخی خوانده نمیشود مگر اینکه درجای دیگر سردر بوده که درعکس نیامده باشد این جعفربن عبدالله کتیبه سردر مدرسه کاسه‌گران‌را نیز درتاریخ ۱۱۰۳ نوشته‌است درذیل‌کتیبه سردر دریك‌پشت‌بغل بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی لاجوردی جملات: «عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت» و «عجلو بالتوبة قبل‌الموت» نوشته شده است ونیز دریك هفتی عبارت:

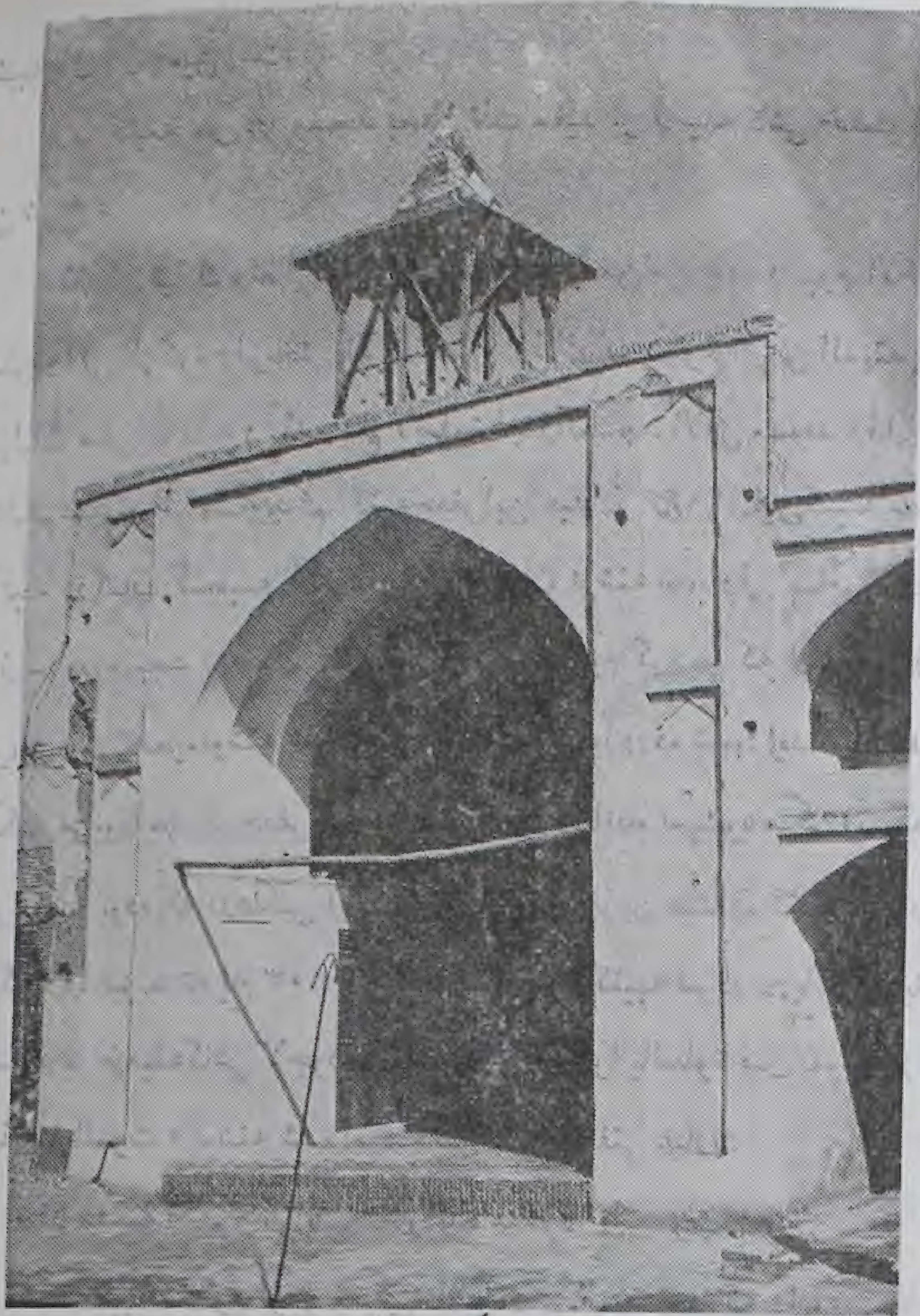
«انا مدینة العلم وعلی‌بابها» خوانده میشود. (ش ۸۱)

۲ ـ کتیبه منظوم لوح سنگی داخل محراب مسجد که دارای ۱٫۱۸ متر طول و۶۴ سانتیمتر عرض وبخط نستعلیق برجسته‌چنین است:

«کتبه العبد «هوالعلی الاعلی» المذنب‌المحتاج محمدرضا امامی‌اصفهانی»

«در زمان دولت خاقان جمشید احترام
شاه دین عباس ثانی داور گردون غلام»

«ساخت حاجی میرزاخان ازسرصدق‌وصفا
مسجدی‌زینسان که بینی درکمال اهتمام»



(شکل ۸۱)

« در صفاهان هر که این‌عالی بنارا دید گفت
کعبه نو بین که پیداگشته در دارالسلام »
« سعی حاجی آنچنان داده صفائی مرورا
کز منیو مشعرش ننهند فرقی خاص‌وعام »
« از علو منبر او شاید ار بیند خطیب
بر فراز پایه اول فلك را سطح بام »

« طاق محرابش که هست ابروی معشوق ازل

قبله ارباب طاعت باد الی یوم القیام »

« بانی این کعبه را چون بانی آن کعبه باد

آتش دنیا گلستان آتش عقبا حرام »

« در چنین مسجد که زیبد فرش او بال ملك

شاه دین ، مأموم باد ومهدی هادی امام »

«سال تاریخش شریف از پیر و انش خواست گفت:

قبله گاه اهل ایمان باد این بیت الحرام »

(۱۰۶۱)

از کتیبه مزبور استنباط میگردد که در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۱ هجری بوسیله شخصی بنام حاجی میرزا خان معروف به مصری مسجدی ساخته شده که منبری مرتفع وعالی ومحراب برای ارباب طاعت داشته وآن قدر این مسجد مقدس ومحترم بشمار میرفته که زیبنده بوده فرش آن از بال فرشتگان ومأموم مسجد شاه دین منظور سلطان وقت یعنی شاه عباس ثانی وامام آن مسجد حضرت مهدی امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشد و شاعری با تخلص شریف[۱] در تاریخ بنای مسجد این اشعار راسروده وبموجب مصرع آخر سال تاریخ محراب مسجد ۱۰۶۱ هجری بوده است واگر تاریخی را که درگنجینه آثار تاریخی اصفهان تذکر داده یعنی سال ۱۱۱۶ هجری درست باشد اختتام سردر مسجد درآن سال بوده است ودرواقع خاتمه بنای مسجد در ۱۱۱۶ بوده است .

مسجد دارای دوسنگاب است یکی درداخل ودیگری درخارج روبروی سردر وهردوکتیبه دارد:

۱- نامش ملامحمد پدرش استاد کلبعلی سنگ تراش ورنو سفادرانی بوده وخودهم درابتدای کار همان حرفه را داشت و سپس رها کرده بکارهای دیوانی پرداخت و در یکی از محلات اصفهان بنوشتن سجلات شرعی اشتغال وبا مؤلف تذکره نصرآبادی معاصربوده است .
(تذکره نصرآبادی ص-۴۱۵)

۱ـ کتیبه‌سنگاب‌داخل مسجد که‌مستدیر شکل وقطر دهانه آن۷۹سانتیمتر است بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« هر که این‌سنگاب را ازمسجد مصری بیرون ببرد بلعنت خدا و نفرین » « رسول گرفتار شود سنهٔ ۱۲۴۳» واز فحوای آن معلوم میگرددکه درتاریخ ۱۲۴۳ هجری که‌زمان فتحعلی‌شاه قاجار بوده این‌سنگاب وقف بـرمسجدمصری شده‌است وکسی حق بردن آن سنگاب رابخارج مسجد نداشته است.

یك فرد شعر نیز بردو لوح برسنگاب مزبور بخط نستعلیق برجسته نوشته شده که چنین خوانده میشود :

« بنگر بقای عمر که چون‌کشتی روان   استاده می‌نماید چون باد میرود »

۲ـ کتیبه سنگاب خارج مسجد بخط ثلث بـرجسته برسنگ سیاه باین شرح است :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود سقاخانه را باکارخانه های‌شعر» بافی . . وخانه فوقانی‌کخرج سقا خانه نمایند حاجی‌آقاجانی وحاجی آقاحسن، » « تغییر دهنده بلعنت خدا و رسول‌گرفتار شود سنه ۱۲۰۰ » از این کتیبه معلوم میگردد که این‌سنگاب در محل سقاخانه بوده و ربطی به مسجد مصری نداشته و کارخانه شعربافی وخانه فوقانی‌کارخانه وقف برآن سقاخانه بوده ومتولیان‌سقاخانه ورقبات موقوفه حاجی‌آقاجانی وحاجی آقا حسن بوده‌اند واین‌اقدام درتاریخ۱۲۰۰ و دراوایل سلطنت آقا محمدخان قاجارانجام‌گرفته است . این‌کتیبه‌ها ومشخصاتش ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده است.(۱)

این‌مسجد بموجب شماره ۲۷۳ به ثبت تاریخی رسیده است. (۲)

۴۲ ـ مسجد مقصود بیك = مسجد ظلمات :

این مسجد درکوچه تکیه ظلمات قرار دارد که ازگوشه شمال شرقی میدان شاه منشعب میگردد .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۵۸۵ تا ص۵۸۸.   ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

مسجدمزبور چنانکه ازکتیبه تاریخی آن معلوم میگردد ومورخان وسیاحان نیز نوشته‌اند بانی آن مقصودبیك ناظر شاه عباس‌اول بوده است .

واما اشتهار کوچه‌ایکه مسجد درآن بناشده بکـوچه ظلمات از آن جهت است که در آن کوچه تکیه ظلمات قرارگرفته و اما تکیه را چـرا تکیه ظلمات میگویندگمان میکنم علتش این‌بوده‌که این‌تکیه پیوسته تاریك وبی‌روشنائی بوده است‌واز اینرو بنام‌تکیه ظلمات معروف شده‌است. دراین مسجد دوکتیبه‌که مربوط به‌مسجد وکتیبه‌ها وخطوطی‌هم راجع بمدفونان درآنجا وجود دارد :

۱ـ کتیبه سر در مسجد بخط ثلث با کاشی سفید معرق بـرزمینه لاجوردی چنین است :

« بتوفیق‌الله تعالی عمرهذا المسجد فی‌ایام سلطنة من‌هو ظل‌الله فی‌الارضین»
« قهرمان الماء والطین ناصر عبادالله حافظ بلادالله السلطان‌بن السلطان‌ابوالمظفر»
« شاه عباس‌الحسینی خلدالله ملکه‌وسلطنته وافاض‌علی‌العالمین‌بره وعدله واحسانه»
« بنده شاه عالم پناه مقصودبیك ناظرقربةً الی‌الله تحریراً فی‌الف وعشر نمقه جعفر»
« علی‌الامامی » .

درتاریخ این‌کتیبه افتادگی بنظرمیرسدکه درهنگام قرائت ویا درموقع درج درکتاب ویا درچاپ واو عطف بعد از الف افتاده است وگرنه معنی‌عبارت هـزار ده است واین چنین معنائی مراد نیست و از اینرو واو عطف درج گردید .

۲ـ کتیبه محراب شبستان جنوبی‌مسجد بخط ثلث خوش‌سفید معرق علیرضا عباسی برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ باین‌شرح است :

« درزمان دولت پادشاه جمجاه ملائك سپاه‌گردون بارگاه مروج مذهب‌ائمه»
« اثنی‌عشر صلوات‌الله علیهم من‌الملك‌الاکرم‌الاکبر‌الاعدل السلطان‌الاعظم‌والخاقان»
« الاکرم‌ابی‌المظفر‌شاه عباس‌الموسوی‌الصفوی الحسینی‌بنای‌این‌مسجدنمودکمترین»
« غلامان مقصودبیك ناظر و ثواب آنرا بروزگار بندگان نواب اشرف‌اقدس هبه »
« نمود کتبه علیرضا عباسی ۱۰۱۱ » .

از این کتیبه معلوم میشودکه محراب شبستان بعد از بنای کتیبه سردر انجام شده است چه سردر در ۱۰۱۰ ومحراب در ۱۰۱۱ ساخته شده است . قبرمیرعماد خوشنویس وحکمت‌الله خزاعی نیز در این‌مسجد واقع است . مسجد طی‌شماره ۲۲۱ به ثبت‌تاریخی رسیده است .(۱)

قسم دوم:

از جمله مساجدمعمور شهراصفهان مساجدی است‌که ازلحاظ سوابق تاریخی وتزیینات کاشیکاری چندان‌مهم نیستند و دراینجا آن‌مساجد را بطور اختصار بشرح زیر ذکر مینمائیم :

۱ـ **مسجدآب بخشگان** : واقع درقبرستان آب بخشان‌که وسعت آن قریب یکجریب ونیم است .

۲ـ **مسجد آقاحسین** .

۳ـ **مسجد آقا سید محمد لطیف** : واقع در محله خاجو و بنام علی اکبر بیك نیز شهرت دارد .

۴ـ **مسجد آقا شمس** .

۵ـ **مسجد آقا میرزا ابراهیم** : درمحله‌مستهلك بمساحت‌یك‌قفیزونیم.

۶ـ **مسجد آقا میرزا احمد** :

مسجدی است درحدود مدرسه نیم‌آوردکه میرزا احمد اصفهانی متوفی (۱۱ ذیقعده ۱۳۴۸) درآن امامت داشت .

۷ـ **مسجد احمدآباد** : واقع درفلکه احمدآباد .

۸ـ **مسجد اژه ایها** : واقع درنزدیکی چهارسوق میدان میر اصفهان .

۹ـ **مسجد استاد نوروز** : واقع در میدان میر .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۴.

۱۰- مسجد اقصی :

واقع در فلکه خیابان شاه عباس بانی آن حاجی آقا کمال‌الدین شریعتمدار فرزند حاجی‌شیخ محمد تقی‌نجفی ومساحتش قریب چهارجریب واختتام بنای آن درسال ۱۳۲۰ هجری قمری بوده است .

۱۱- مسجد اول کوچه پهن .

۱۲- مسجد باباتو تها : واقع در محله جوباره نزدیك مناره‌های دارالضیافة.

۱۳- مسجد باروت کو بها .

۱۴- مسجد بازارچه آقا.

۱۵- مسجد بازارچه .

۱۶- مسجد بازارچه حاجیه خانم .

۱۷- مسجد بازارچه حاجی میرمحمد صادق .

۱۸- مسجد باغچه عباسی : واقع در باغچه عباسی نـزدیك هارون ولایت بمساحت چهارقفیز .

۱۹- مسجد بزرگ محله نو :

این مسجد پیش‌از صفویه ساخته شده ومساحت آن شانزده قفیز ودرگوشه آن تکیه وبقعه شیخ عبدالله انصاری فقیه متوفی (۹۸۰ هـ . ق) قرار دارد که پس ازآنکه‌آن محل مسجد شده سنگ قبررا بدیوار نصب‌کرده‌اند و ازعهد نادر ببعد ازمیان رفته است.[۱]

۲۰- مسجد بیمارستان : واقع درجنب بیمارستان ثریای اصفهان .

۲۱ - مسجد پاچنار : واقع درمحله نو وبمساحت سه قفیز .

۲۲- مسجد پاسنگ ویا پاشیر : واقع در محله درب کوشك از مساجـد قدیمی ودارای چهار قفیزونیم مساحت .

۲۳- مسجد پاقلعه : واقع درمحله پاقلعه وبا مدرسه پاقلعه توأم است .

۲۴- مسجد پاکوشك: ازبناهای ملك‌التجاراصفهانی ودارای یازده‌قفیزمساحت.

۱- تاریخ اصفهان وری ص۲۷۹ .

۲۵ـ مسجد پانارون : واقع درمحله خاجو .

۲۶ـ مسجد پشت بارو : واقع در پشت باروی بیدآباد .

۲۷ـ مسجد پشت بازارچه : واقع در جوباره ودارای سه قفیزمساحت .

۲۸ـ مسجد پناهی : از مساجـد جدیدالبناءِ که در خیابان فـروغی بنا شده است .

۲۹ـ مسجد پهلوی عصارخانه : واقع درمحله میدان قدیم ودارای سه‌قفیز ونیم مساحت .

۳۰ـ مسجد تکیه‌گرک یراق : واقع درحوالی مسجد حکیم بمساحت دو قفیز ونیم .

۳۱ـ مسجد تکیه محمدعلی یزدی .

۳۲ـ مسجد تـل عاشقان : واقع درتل عاشقان بمساحت هشت قفیز .

۳۳ـ مسجد جنب بازارچه .

۳۴ـ مسجد جنب خانه استاد حسن‌بنا .

۳۵ـ مسجد جنب‌خانۀ شیخ‌الاسلام: واقع در حوالی مسجد حکیم ودارای سه قفیز مساحت .

۳۶ـ مسجد جنب دروازه دردشت .

۳۷ـ مسجد جوی باریکه .

۳۸ـ مسجد چاره .

۳۹ـ مسجد چهارسوی آجری : واقع درمحله خاجو .

۴۰ ـ مسجد چهارسو درشیخ : واقع درمحله شیخ یوسف .

۴۱ـ مسجد چهارسو کوچك :

واقع درخیابان چهارسوق کوچك که میرزا محمد هاشم چهارسوقـی درآن امامت داشته ویك جریب مساحت دارد .

۴۲ـ مسجد چهل‌دختران : واقع در محله سید احمدیان کـه در دوره شاه اسماعیل صفوی مورد تعمیر قرارگرفته ومساحت آن نیم‌جریب است .

۴۳- مسجد حاجی ابوالحسن : واقع درمحله پا قلعه بمساحت شش قفیز .

۴۴- مسجد حاجی باقر : واقع دربازار عربان وبمساحت چهارقفیز .

۴۵- مسجد حاجی جعفر .

۴۶- مسجد حاجی جمال .

۴۷- مسجد حاجی رسولی ها : واقع درمحله نوکه بمسجد نو مشهور وبانی آن حاجی عبدالرسول ویك جریب و نیم مساحت دارد .

۴۸- مسجد حاجی رضا .

۴۹- مسجد حاجی سرتیپ : واقع میان نیم آورد وسینه پائینی و دارای بیش ازیك جریب مساحت .

۵۰ - مسجد حاج سیدعبدالله : واقع درمحله نو بمساحت سه قفیز .

۵۱- مسجد حاج سید عبدالوهاب .

۵۲- مسجد حاجی عبدالغفار .

۵۳- مسجد حاجی طالب : واقع درمحله دروازه نو بمساحت یك قفیزونیم .

۵۴ - مسجد حاجی علی : واقع درمحله سیداحمدیان بمساحت چهارقفیز.

۵۵- مسجد حاجی گداعلی :[۱] واقع درمحله سید احمدیان .

۵۶- مسجد حاجی محمد امید : واقع درمحله قصر منشی در مجاورت حمام قدیمی آن محله . کتیبه مسجد حکایت دارد که درسال (۱۱۲۹ه.ق) بوسیله حاجی محمد امید ساخته شده ووقف گردیده است . کتیبه آن بخط نستعلیق بوده وپس از این که خراب شده بوسیله رکن الملك شیرازی نایب الحکومة اصفهان درسال (۱۳۰۸ ه.ق) تعمیرشده است .[۲]

۵۷ - مسجد حاجی هادی .

۵۸- مسجد حاجی میرزابدیع : واقع دردرب حمام وزیر بمساحت سه قفیز و چون امام جماعت آن حاجی میرزا بدیع یکی از مدرسان وفضلاء بوده بنام او شهرت یافته است .

۱- احتمال کلی دارد که این دومسجد یکی باشدچه هردو درمحله سیداحمدیان واقع ونامهای بانیان هم تقریباً متحدند . ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۰۳۹ .

۵۹ ـ مسجد حمالها : واقع درمحله مستهلك ونیم‌جریب مساحت دارد .

۶۰ـ مسجد حوالی تکیه : واقع در محـلـه جـوباره و مساحت آن نیم جریب است .

۶۱ـ مسجد حوالی حمام حاجی‌هادی .

۶۲ـ مسجد حوالی عصارخانه : واقع درمیدان قدیم‌بمساحت سه‌قفیز ونیم.

۶۳ـمسجد خان احمدآباد : واقع‌درمحله احمدآبادکه‌بانی آن باقرخان خراسگانی بوده است.

۶۴ـ مسجد خرابه محله خاجو : واقع در محله خاجو ودارای دوجریب و کسری مساحت.

۶۵ـ مسجد خواجه : واقع در محله سید احمدیان و دارای سه قفیز و نیم مساحت میباشد.

۶۶ـ مسجد خیابان چهارسوق : واقع درخیابان چهارسوق و مساحت آن دوازده قفیز است.

۶۷ ـ مسجد خیاطهـا = پادرخت سوخته = پادرخت سوخته زنجانی:

کتیبه سردر آن بنام ابوالفتح سلطان احمد میرزا پسر شاه طهماسب اول و در قدیمی آن مورخ بسال ۹۷۵ هجری دربازار بزرگ واقع شده است.

۶۸ ـ مسجددارالشفاء : واقع دربازار نجارها.

۶۹ـ مسجد درب‌تکیه : واقع در درب تکیه میان طوقچی‌وجوباره.

۷۰ـ مسجددرب حمام زعفران : واقع درمحله جوباره بمساحت سه قفیز .

۷۱ ـ مسجد درچه‌ای : واقع در بازارچه حاجی محمد جعفر آباده‌ای در نزدیکی نیم‌آورد وسینه پائینی وچون امام راتب آن حجة الاسلام سید محمدباقر درچه‌ای متوفی (۱۳۴۲ هـ.ق) بوده باین نام اشتهار یافته است.

۷۲ـ مسجد قهوه: واقع درمحله ترواسکان ازمساجد قدیمی و دارای قریب نیم‌جریب مساحت میباشد.

۷۳- مسجد دوغازی.

۷۴- مسجد ذکرالله.

۷۵- مسجد زاهدی.

این مسجد ازبناهای جدید وبانی آن سرهنگ محمود زاهدی معاصر است وبا مدرسه ودرمانگاه ضمیمه آن قریب سه‌هزار متر مساحت دارد. نقشه بنای مسجد بوسیله مهندس عبدالله فروغی تهیه‌شده وخود ایشان ومهندس ناظر آن رضا صدیقی بوئینی در ساختمان وتزیینات کاشیکاری آن نظارت مستقیم داشته‌اند. معماری مسجد هم بعهده استاد حسین کارخانه‌دار بوده . ساختمان مسجد دوطبقه واز اماکن جالب اصفهان است بخصوص کاشیکاری معرق محراب آن که بوسیله عده‌ای کاشیکار بسرپرستی استادعلی مقضی باتمام رسیده واز نمونه‌های عالی صنعت کاشیکاری عصر حاضراست[۱] .

۷۶- مسجد زهراخانم : واقع درمحلهٔ احمدآبادودارای نه‌قفیز مساحت میباشد.

۷۷- مسجد زین‌العابدین .

۷۸- مسجد ستاری : واقع درخیابان فردوسی از مساجد جدید.

۷۹- مسجد سرنابه : ازمساجد قدیمی.

۸۰- مسجد سرجوی شاه.

۸۱- مسجدسرجوی.

۸۲- مسجد سرچهاررو: ازمساجد قدیمی است.

۸۳- مسجدسرچهارسو شیرازیها : از مساجد قدیمی.

۸۴- مسجد سرقبرآقا : واقع درمحله سرقبرآقا .

۸۵- مسجدسرمادی فرشادی: از مساجد قدیمی که در سرمادی فرشادی واقع است.

۸۶- مسجد سلام: ازمساجد جدیدکه درناحیه۳ واقع ونه‌قفیز مساحت دارد و محل امامت مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی اعلی‌الله مقامه متوفی (۱۳۵۴ ه.ق) بوده است.

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۷۱ .

۸۷ـ مسجد سلمان : واقع درخیابان شیخ بهائی ازمساجد جدید.

۸۸ـ مسجدسیف‌الله‌خان: واقع در محله تر واسکان از بناهای سیف‌الله‌خان افغان بمساحت یك جریب.

۸۹ـ مسجدسینه پائین= مسجدعلی اکبر: که در محله سینه پائینی واقع و نام‌بانی آن علی‌اکبر است.

۹۰ـ مسجد شاه علی.

۹۱ـمسجدشاه اسدالله‌میر هندی: از مساجدقدیمه واقع درجوباره اصفهان و نه قفیز مساحت دارد.

۹۲ـمسجدشجرة : این‌مسجد روی مسجد قدیمی مخروبه بناشده‌ودرخیابان شاه‌عباس کنونی‌قرار دارد.

۹۳ـ مسجد شعیا: واقع درمحله خوشینان (محله امامزاده اسماعیل) و در حاشیه شرقی خیابان هاتف کنونی ازمساجد قدیمی که‌گفته‌اند اول‌مسجدی است‌که در اصفهان بناگردیده وبانی آن ابوخناس آزادکرده عمربن خطاب بود. و درزمان خلافت‌ظاهری حضرت علی‌بن ابی‌طالب(ع) انجام یافته‌است. مرقه‌شعیا نیز درآنجا وجود دارد که خصوصیات آن انشاءالله در جای خود مسطور خواهد شد.

۹۴ـ مسجدشیخ بهائی : واقع در خیابان شیخ‌بهائی وبنا شده‌برروی مسجد خرابه قدیمی.

۹۵ ـ مسجدشیخ مفید : واقع در نزدیکی چهارسوق میدان‌میر که در آن شخص مهمی مدفون است.[1]

۹۶ـ مسجدشیخ یوسف : واقع درمحله شیخ یوسف درتر واسکان.

۹۷ـ مسجد شیرسبز.

۹۸ـمسجدشیره پزها : واقع در نزدیکی میدان کهنه اصفهان که بانی آن حاجی سیدجعفر شیره پز است و در اوائل قرن دوازده‌هم بنا و دارای هشت قفیز مساحت‌است.

۱ـ رجال اصفهان ص۲۲۵ .

۹۹- مسجدشئیش: واقع درمحله بیدآباد.

۱۰۰- مسجدشیشه‌گری: واقع درنزدیکی درب باباقاسم و دارای نیم‌جریب مساحت میباشد.

۱۰۱- مسجدصدر العلماء: واقع درمحله مستهلك و بمساحت هشت قفیز و نیم است. بنظر نگارنده باید این مسجد با مسجد شیخ لطف الله یکی باشد چه لقب شیخ‌لطف‌الله صدرالعلماء بوده ومسجد اوهم درمحله مستهلك واقع و مساحت آن‌دوهم تقریباً متحد است.

۱۰۲- مسجدصاحب‌بن‌عباد: واقع درطوقچی.

۱۰۳- مسجدصحر النبان.

۱۰۴- مسجدطوقچی.

۱۰۵- مسجد علی‌اکبرحاجی رضا:

این‌مسجد درمحلهٔ سینه پائینی واقع ومساحتش هفت قفیز ونیم است وظاهر اینستکه این مسجد هم با مسجد سینه‌پائینی یکی است.

۱۰۶- مسجدعلی‌بابا: واقع درمحله باغات درکوچه اسماعیل‌کوسج بمساحت هفت قفیزونیم.

۱۰۷- مسجد علی بقال.

۱۰۸- مسجد فریدون: واقع در بازارچه فریدون محله خاجو.

۱۰۹- مسجد قراولخانه: واقع درمحله پا قلعه بمساحت هفت‌قفیزونیم.

۱۱۰- مسجد کازرونی: واقع درخیابان سپه ازمساجد جدید که بانی آن حاجی‌محمد حسین[۱] کازرونی است.

۱۱۱- مسجد کازرونی: واقع‌درخیابان‌عباس‌آبادبانی آن همان‌حاجی‌محمد حسین‌کازرونی است.

۱۱۲- مسجدکریم‌ساغری‌دوز: واقع‌درمحله‌جوباره‌ودارای‌چهارقفیزمساحت.

۱- حاج محمد حسین‌بن حاج‌محمد جعفرکازرونی اصفهانی متوفی سوم محرم (۱۳۵۱هـ.ق) ازتجار اخیار وبانی چند مسجد و مدفون درتخت پولاد در تکیه‌ای بنام خود.

۱۱۳- مسجد کلانتر : واقع درمحله یزدآباد بمساحت سه قفیز.

۱۱۴- مسجد کمرزری :

این مسجد نزدیك میدان‌میر واقع شده وچون در سلطنت دیالمه آن محل مورد توجه بوده بیشتر مساجدش قدیمی وکهنه است واین‌مسجد بعدها تعمیر شده ومساحت آن بیش از یك جریب ونیم است.

۱۱۵- مسجد کوچك : واقع درمحله مستهلك بمساحت دوقفیز.

۱۱۶- مسجد کوچه اژه‌ایها : واقع در کوچه اژه‌ایها و دارای نیم جریب مساحت میباشد.

۱۱۷- مسجد کوچه پاکاریها.

۱۱۸- مسجد کوچه حاجی‌ملاابوطالب روضه خوان : واقع درنواحی پشت خیابان وچهارده قفیز مساحت دارد.

۱۱۹- مسجد کوچه عمریها : ازمساجد قدیمی.

۱۲۰- مسجد کوچه مرحوم مشیر.

۱۲۱- مسجد گرك یراق :واقع درحوالی مسجدحکیم بمساحت دوقفیز و نیم[1].

۱۲۲- مسجد گلدسته : از مساجد قدیمی اصفهان.

۱۲۳- مسجد گلشن.

۱۲۴- مسجدلرها : واقع در محله جوزدان بیدآباد.

۱۲۵- مسجدمحله نو :

این مسجد مربوط بزمان صفویه است وآنچه مانده نشان میدهد که جالب بوده، پشت بغلهای اطراف صحن آن باتزیینات آجری مشابه کارهای هنری دوره صفویه است که در مسجد شیخعلیخان و مدرسه شمس آباد انجام شده، ازبعد ازصفویه هم الحاقاتی دارد ولی هیچگونه اثر تاریخی درآن وجود ندارد تاریخهائی هم که دیده میشود مربوط بقرن سینزدهم وچهاردهم میباشد وآن چنین است :

دریك مورد : « حرره فی‌شهر ذی‌قعده سنه ۱۲۷۵» ودرجای دیگر:«۱۲۷۰»

---

۱ ـ این‌مسجد بامسجد تکیه‌گرك‌یراق یکی‌است ودوتعبیر دارد.

و مورد دیگر : « ۱۳۸۰ قمری » و « ۱۳۴۱ شمسی » موجود است .کتیبه سنگاب مسجد چنین است : « شهررجب سال ۱۲۷۶ عمل استاد حسین‌ولد رضا »[1]

۱۲۶- مسجد محمد علی‌سلمانی .

۱۲۷- مسجد محمدی- واقع در خیابان محمد رضاشاه .

۱۲۸- مسجدمحله لنبان .

۱۲۹- مسجدمریم بیگم : واقع درمحله باب‌القصر و دارای حدود۷۵۰ذرع مساحت ، بانی‌آن مریم بیگم زن میرزا رضی منشی‌الممالك است .

۱۳۰- مسجدمصلی: واقع درتخت پولاد .

۱۳۱- مسجد مقابل‌سرای قهرودیها .

۱۳۲- مسجدمقابل‌چهارسوق : واقع درمحله میر بمساحت هفت قفیزونیم.

۱۳۳- مسجد مقدسها .

۱۳۴- مسجدملاکاظم : از مساجد قدیمی اصفهان .

۱۳۵- مسجدملك : از بناهای ملك‌التجار اصفهانی .

۱۳۶-مسجدموتابها : واقع در میدان میر واز مساجد قدیمی .

۱۳۷-مسجدمورنان .

۱۳۸- مسجد میدان‌میر : این‌مسجد درمیدان میرقرار دارد .

۱۳۹- مسجدمیر : واقع در خیابان میر و بانی آن حاجی محمد حسین کازرونی است .

۱۴۰- مسجد میرزا اشرف :

این مسجد درمحله خاجو واقع و ازبناهای میرزا مهدیخان اعتمادالدوله ، امیراشرف، صدرالممالك شاه عباس ثانی میباشد وچهارقفیز مساحت دارد .

۱۴۱- مسجد میرزا باقر :

این مسجد درمحله جوباره واقع ومساحت‌آن چهار قفیز است ، واین‌مسجد غیراز مسجد میرزا باقر دربیدآباد است .

۱- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۸۲۸ .

۱۴۲- مسجد میرزا باقر :

این مسجد درمحله بیدآباد اصفهان واقع‌است .

۱۴۳-مسجد میرزاجلال: واقع درمحله بیدآباد ودارای چهار قفیزمساحت می‌باشد .

۱۴۴- مسجدمیرزا عبدالرحیم کازرونی :

از مساجد جدیدکه بانی آن میرزا عبدالرحیم کازرونی است .

۱۴۵-مسجدمیرزاعبدالله : واقع درمحله جماله‌کله بمساحت شش‌قفیز .

۱۴۶- مسجد میرهندی :

واقع درمحله جوباره ومساحتش‌هفت قفیزونیم وبانی‌آن‌میرهندی‌بوده‌است .

۱۴۷-مسجدنزدیك‌قصرچملان : ازمساجد قدیمی .

۱۴۸- مسجدنور ورضوان:

این‌مسجد واقع است در نزدیکی سرای ساروتقی‌که در۱۳۲۵ هجری قمری توسعه یافته ویك جریب و دوقفیز مساحت دارد . نام این‌مسجد سابق بر آن‌مسجد کهنه بوده وملامحمد حسین‌کرمانی متخلص به‌مفتی‌که از فضلاء وعلماء ومدرسان و شعراء بوده مسجدکهنه را از پول حاج‌محمد ابراهیم ملك‌التجار اصفهانی توسعه داده است .کتیبه آن‌که اثرطبع خود مفتی‌است بخط نستعلیق و نام‌نویسنده معلوم نگردیده است استاد جلال‌الدین همائی را عقیده بر اینستکه خطاط‌آن طرب پدر ایشان بوده است . اشعارکتیبه سردرچنین است :

« بارك‌الله روضهٔ رضوان ببین　　　بابهای روضه ازرضوان بپرس »

«آیه‌های‌حسن‌رضوان‌را بخوان　　　در معنی از لب مرجان بپرس »

« مرجان‌تفسیرقرآن »

« آیه « رضوان خیر » یاد آر　　　شرح آن ازکاشف قرآن‌بپرس»

« سجده‌گاه قدسیان آمد پدید　　　راه قدس ازبوذر وسلمان بپرس»

« بس‌مقدس‌معبدی شد جلوه‌گر　　　آن تجلی ازمه فاران بپرس »

« فاران‌کوه مکه »

« درصفاهان بازشد از نو بنا — کعبهٔ از مفتی کرمان بپرس »
« شدمؤسس مسجد رضوان‌ونور — اس‌این‌تأسیس ازیزدان بپرس »
« نور تابنده شد ورضوان بپا — هردورا تأیید ازسبحان بپرس »
« خواستم تاریخش‌ازمفتی عصر — درجوابم‌گفت ازرضوان بپرس »
« گفت باتبریك : (از رضوان بپرس) »
۱۳۲۹

۱۴۹- مسجدنو:

این‌مسجد دربازار بزرگ اصفهان واقع‌وبوسیله حاج شیخ‌محمدباقربن‌محمد تقی مسجد شاهی ازمصالح هفت مدرسه ساختمان و بنای آن درسال ۱۳۰۵ هجری خاتمه یافته است . مساحت مسجد درحدود هفت جریب میباشد . (ش۸۲)

۱۵۰- مسجدهادی : واقع درخیابان ثریا ازمساجد جدیدالبناء .

۱۵۱- مسجدهمدانیان: واقع درتخت فولاد وازمساجد جدیدالبناء که بانی آن حسین همدانیان ازتجار معروف اصفهان است .

۱۵۲- مسجدیازده‌پیچ : واقع درکوچه یازده پیچ محله جوباره .

یح - امامزاده های شهر اصفهان :

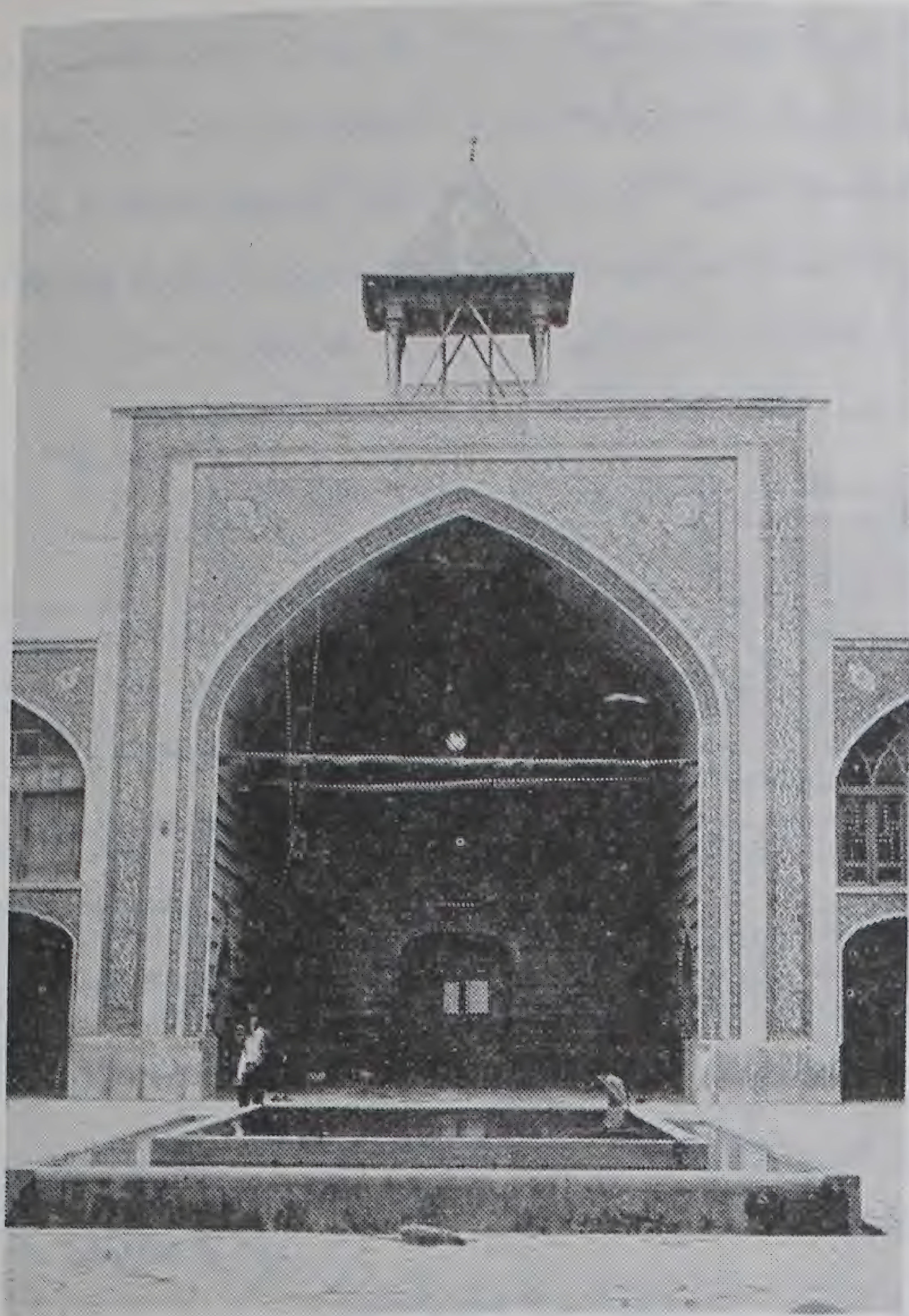
۱- امامزاده ابراهیم :

این‌امامزاده درمحله‌مستهلك درمجاورت قبرستان‌معروف به‌قبرستان‌شاهزاده ابراهیم واقع گردیده است ، قبرستان مزبور در عهد سلاطین صفویه دائر بوده و بتدریج تبدیل بخانه وباغ و دبیرستان ودبستان و دانشسراگردیده است ولی صحن وبقعه امامزاده بوسیله مردمان نیکوکار تجدید بناشده است[1].

۲- امامزاده اسحاق :

این‌امامزاده درمحله آسنجان‌که از مادی فدین مشروب میگردد واقع شده

۱- تذکرةالقبور چاپ دوم ص ی .



(شکل ۸۲)

ومورد توجه مردم آن‌محل میباشد[۱].

۳- امامزاده احمد :

این امامزاده درمحله‌ایکه سابقاً (قرن چهاردهم هجری) آنرا واذار وسپس باغات ودروازه حسن‌آباد واکنون محله‌حسن‌آباد میگویند واقع‌شده است. بطوری که ابو نعیم اصفهانی نوشته[۲] نام او : احمدبن عیسی‌بن زیدبن علی‌بن الحسین‌بن

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۱۱۹.

۲- ذکراخبار اصفهان ج۱ ص۸۰ .

علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام بوده‌که درحال فرار در زمان خلافت هارون‌الرشید به اصفهان آمده وهمانجا وفات ودرمحله واذار مدفون‌گردیده است ، کنیه اوابوطاهر ویکی‌از روات اخبار بشمار می‌آمـده است و خود از علی‌بن عبیدالله‌بن محمدبن عمربن علی ازابن اسحاق روایت میکرده و جعفربن مـروان از او حدیث نقـل کرده است .

حدیث : انت منی بمنزلة هارون من مـوسی‌الاانـه لانبی بعدی و همچنین حدیث : اللهم ارحم خلفائی الذین یأتون من بعدی و یروون احادیثی و سنتی و یعلمونها الناس ازاو روایت شده است .

ولی‌بطوریکه درکتاب روضات‌الجنات[1] فی‌فضایل‌العلماءِ والسادات وگنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] بنقل ازمیزان‌الانساب چهارسوئی نوشته‌اند نام او: احمدبن علی‌بن محمدالباقر میباشد و او را از فرزندان علی‌بن محمد الباقر که دربارکرسب مدفون است دانسته‌اند. گذشته ازاینکه در فرزند پسر داشتن علی‌بن محمـد باقر نسابه‌ها تردید کرده‌اند و در عمدةالطالب آمده‌که ازفرزندان حضرت‌باقر جزامام جعفرصادق بقیه عقبی نمانده است میتوان گفت که‌چون ابونعیم اصفهانی ازمحدثان بزرگ ودررجال توغلی داشته ودرزمان نزدیك باامامزاده بوده‌است بگفته‌اوممکن است ترتیب اثر داده‌شود. مؤید دیگر اینکه سنگی‌که‌بنا بنقل صاحب الاصفهان[3] بردیوار امامزاده نصب‌بوده اورا: احمدبن علی‌بن سیدمحمدبن محمدالباقر قلمداد کرده‌اند درصورتیکه جزءِ اولاد حضرت‌امام محمدباقرمحمد نیامده‌است مگراینکه گفته‌شوداحمدبن‌عیسی‌بن زیدبن علی‌بن‌الحسین‌مدفون درمحله‌واذار غیراز احمدبن علی‌بن محمدبن الباقر مدفون درمحله باغات بوده است وپذیرفتن این‌مطلب‌هم با آثار و قراین وفق نمیدهد .

عمارت امامزاده ازآثار تاریخی اصفهان است ، چه امامزاده احمد در قرن دوم هجری (اواخر آن) به‌اصفهان آمده وتقریباً در همان قرن دوم وفات کرده و

۱ـ روضات‌الجنات ص ۳۵۴ . ۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۸ .

۳ـ الاصفهان‌ص۸.

دورترین تاریخی که درعمارت وجود دارد سال ۵۶۳ هجری است که مصادف بازمان سلطنت سلطان ارسلان‌بن طغرل ودوره وزارت جلال‌الدین قوام الدین بوده‌است.

مجموعه بنای امامزاده احمد مشتمل بریك بقعه و دو ایوان یکی در شمال ودیگری درغرب بقعه مشرف بجاده وصحن‌وسیعی دارد وعده‌ای ازبزرگان‌درصحن آن مدفونند. (ش ۸۳)



(شکل ۸۳)

قدیمی‌ترین اثری که در این عمارت دیده میشود سنگ سیاه رنگی است به درازای سه‌متر که‌در آستانه امامزاده‌درپائین‌پنجره‌مشبك‌چوبی مشرف‌بجاده‌قراردارد ومشهوراست‌که‌قطعه‌ای ازسنگی است که سلطان‌محمود غزنوی ازبتخانه‌هندوستان آورده . کتیبه این سنگ چنین است :

«آمین رب العالمین فی تاریخ الخامس عشرة من ربیع الاول سنة ثلاث وستین»
« وخمس مأته . »

اثر دیگری نیز تا سال ۱۳۰۷ هجری شمسی موجود بوده و مورد دستبرد قرارگرفته است وآن لوحی سنگی نفیسی بوده که درایوان غربی امامزاده مشرف بجاده نصب شده بوده ودرگنجینه آثارتاریخی اصفهان بنقل از روضات الجنات عبارت منقوش بر آن سنگ چنین نقل شده :[1]

«مقبره امامزاده احمدبن علی بن محمدالباقر (ع) دراصفهان درجاده خواجو »
« وسط باغات است درسنگ لوحی که بردیوار آنجا نصب شده نوشته است: اقدام نمود »
« بتجدید عمارت این مزار متبرکه . . . امامزاده معصوم مغفور سید احمدبن سید »
« علی بن سیدمحمد من اولاد الامام الهمام . . . محمد الباقر علیه الصلوة و السلام »
«کمترین خادمان شاه قلی بن علیقلی بن علی برزین تقبل الله عنه فی سنة پانصدو سی »
« وهفت » .

ودرتاریخ اصفهان وری[2] عبارت لوح مزبور چنین نقل شده است :

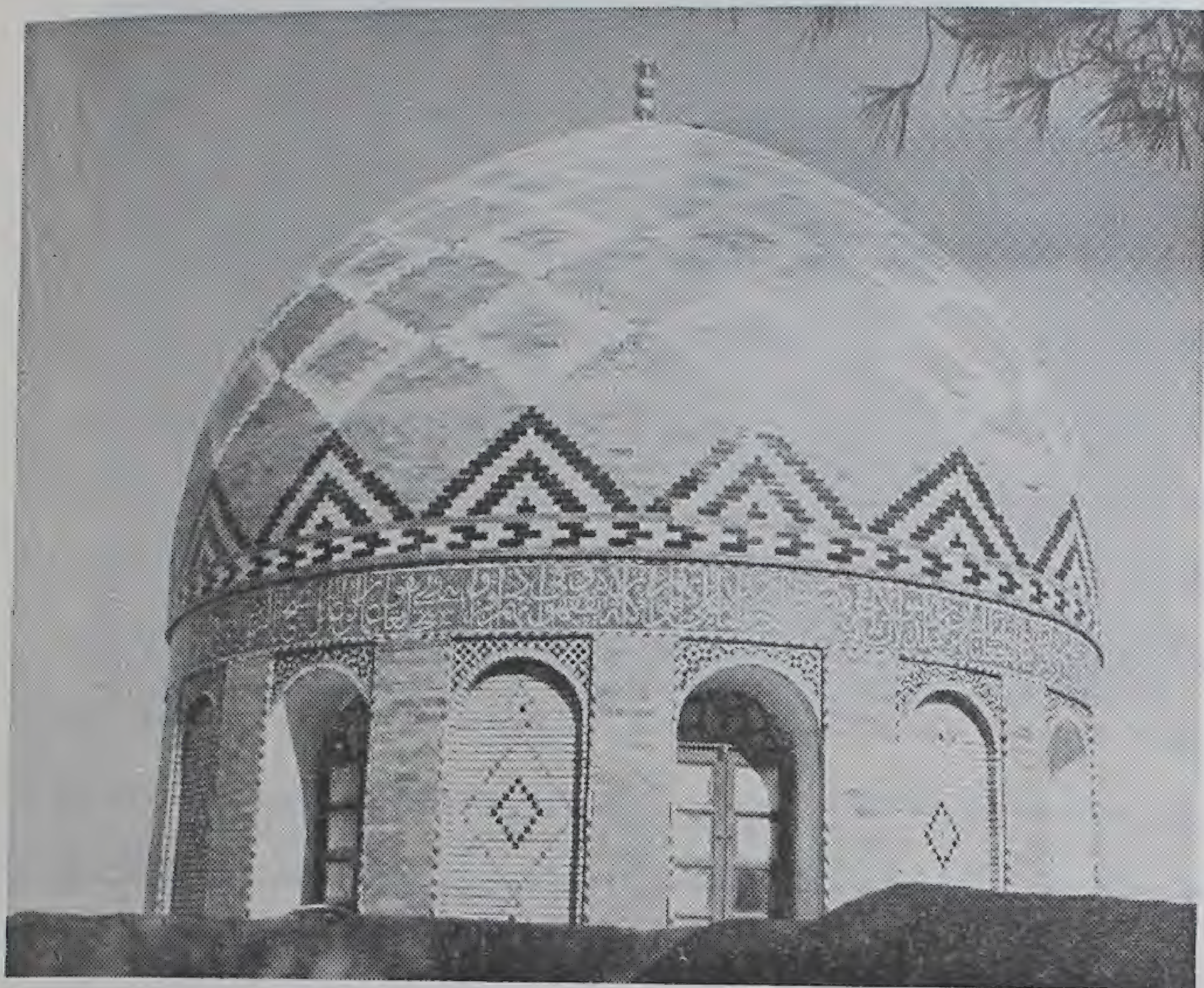
تجدید عمارت مـزار امامزاده سید احمدبن سید عـلی بن سید معصوم از اولاد امام محمدباقر (ع) کمترین خادمان شاه قلی بن علیقلی بن علی برزین بسال ۵۳۷ نمود باسال رحلت» منظوراینستکه وجودچنین سنگی که بگفته مؤلف تاریخ اصفهان وری طولش ۹۰سانتیمتر وعرضش نیم ذرع بوده وبرخی هم آنرا سنگ الماس میدانسته اند وتا سال ۱۳۰۷ شمسی موجودبوده مسلم میگردد و درتاریخ آن که پانصدوسی وهفت هجری قمری است نیز جای شبهه باقی نمیماندوبا این فرض معلوم میگرددکه بقعه و بارگاه امامزاده مزبور همان اوائل که امامزاده احمد وفات یافته ساخته شده بوده است و درزمان سلطان مسعود در۵۳۷ هجری تعمیر گردیده و در۵۶۳ هجری سنگ معروف به سنگ بت سومنات درتاریخ مزبورکتیبه آن حجاری شده است ولی اینکه درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل ازالاصفهان گفته که درروضات عبارت سنگ مورخ بسال

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۹ بنقل از الاصفهان ص۸. ۲- تاریخ اصفهان وری ص ۲۵۲ .

۵۳۷ ذکر شده درست نیست چه درروضات‌الجناتی کـه تا کنون دو مرتبه چاپ شده چنین عبارتی وجود ندارد وممکن است مؤلف الاصفهان خود آن‌سنگ نبشته را دیده بوده ویادداشت کرده باشد .

درهر حال بسنگ موضوع بحث‌دستبرد زدند ومجد نامی که‌ازمردم‌تهران بوده مورداتهام واقع‌وچند سالی‌هم‌دردادگستری‌تعقیب‌شدولی‌نتیجه‌ای حاصل نگردید[1].

داخل مقبره کاشیکاری و رویش گنبد کوچکی‌است که از خارج بدون کاشی میباشد . در اطراف قبر ضریح منبت‌کاری وجود دارد . سقف بطرز قطـار بندی و مقرنس‌کاری و دارای‌کتیبه گچبری است‌که سوره الصافات و قسمتی ازسوره‌الدهر درآن خوانده میشود . امامزاده مزبور در دوره صفویه بیش از دیگـر امامزاده‌ها مورد توجه وتعمیر قرارگرفته است :   (ش۸۴)



(شکل ۸۴)

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۲۵۲ .

دراین امامزاده کتیبه‌های دیگری (علاوه بر کتیبه هائی که ذکر شد) که هر یك دارای تاریخ میباشد وجود دارد :

۱ـ کتیبه سردر امامزاده بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم احمد من حمدالله تعالی حمدا یلیق بعز جلاله محمد»
« صلی‌الله علیه و آله اما بعد فقد وفق السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان شاه »
« سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان لبناءِ ما اضاف الشریف لمشهد»
« ذکی من العرصة والاعیان فی ربیع الاخر سنة ۱۱۱۵ وکان هذا الخیر باهتمام الداعی »
« لدوام الدولة القاهرة محمد شرفالشریف المنجم کتبه علی نقی الامامی. »

این کتیبه که ازگنجینهٔ آثار تاریخی[1] اصفهان نقل شده درسطر اول آن غلق و ابهامی موجود وبطور حتم حشو و اسقاطی دارد و اگر : « بعز جلاله » بعز جلالة محمد خوانده شود آن غلق مرتفع میگردد و گمان میکنم که در قرائت آن درگنجینه آثار تاریخی اصفهان اشتباهاً جلالة با تاءِ جلاله باهاء خوانده شده است .

۲ـ کتیبه ایوان ورودی بقعه بخط ثلث طلائی برزمینه لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی رفع سمك هذه القباب العلی والصلوة»
« علی نبیه محمد المصطفی وولیه علی المرتضی اما بعد فقد وفق السلطان والخاقان »
« الانجب الاشرف الاکرم الاعظم سلطان السلاطین قهرمان الماء والطین شاه سلطان»
« حسین الحسینی الموسوی الصفوی خلدالله ملکه لبناءِ هذه الروضة المنیعة للسید »
« الجلیل المعروف بسیداحمد حشره الله فی زمرة من ینمی الیهم صلوات الله وسلامه »
« علیهم، کان ذلك الداعی لغرض لدوام الدولة القاهرة محمد شرف الشریف المنجم »
« و قد تشرف برجوع هذه الخدمة الیه واتفق اتمامها فی سنة ۱۱۱۵ کتبه احمد »
« الحسینی .»

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۶۷۰ .

این کتیبه حاکی است که شاه سلطان حسین عمارات صحن وبقعه سید احمد را بکارگزاری محمد شرف‌الشریف منجم درسال ۱۱۱۵ هجری قمری بیاراسته‌است وکاتب‌کتیبه احمد حسینی بوده است وضمناً معلوم میگردد که بناهای قبلی بطوری مندرس‌شده بوده که ازنو بناگردیده است ، احتمال هم دارد که فقط بقعه قبر وجود داشته وصحن امامزاده وایوانها درزمان شاه سلطان حسین بنا گردیده است .

۳ـ کتیبه داخل بقعه بخط ثلث طلائی برزمینه لاجوردی نخست سوره الدهر گچبری شده وباین‌جملات پایان میپذیرد :

« سبحان‌ربك‌رب‌العزة عمایصفون‌وسلام‌علی‌المرسلین والحمدلله رب‌العالمین»

«کتبه‌الفقیر ابن‌محمدمحسن‌ـ علی‌نقی‌الامامی فی۲۲ شهرشعبان‌المعظم‌سنة۱۱۱۵».

۴ ـ کتیبه منظوم در اطراف ضریح امامزاده بخط نستعلیق طلائی رنگ مبنی برتعمیر امامزاده در سال ۱۲۹۰ هجری قمری از طرف ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه قاجار باین‌شرح :

« در زمان شه همایون فال ناصرالدین خدیو ملك‌گشا »

« پور محمود اوملك مسعود آسمانی وجود چرخ سخا »

« ظل سلطان یمین دولت شاه کرد این بقعه را ز نو برپا »

« مرقد پاك حضرت احمد که بود منبع بهاء و ضیا »

« كلك من بنده از پی تاریخ داشت حیرت‌که‌چون‌کند انشا »

« یکی آمدزغیب‌وگفت حکیم: « ظل سلطان نهاد کعبه بنا »

« کتبه محمد حسین لله زند بکله »

این‌کتیبه نیز میرساند که ظل‌السلطان تعمیر ارزنده‌ای از عمارت امامزاده بعمل‌آورده و شاعرکتیبه حکیم‌تخلص‌داشته و کاتب آن محمد حسین لله زندبکله بوده است .

۴ ـ کتیبه لوح سنگی بطول ۴۶ و عرض ۲۶ سانتیمتر منصوب بردیوار ایوان غربی امامزاده مشرف برجاده بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« هوالواقف علی‌ضمائر والنیات »

« چون سعادت یارو مددکار عالیحضرت استاد ابراهیم ولداستاد رضا بنابود »
« وقف شرعی نمود منفعت یك‌رأس شتری‌که ازجبرپناه بامامزاده واجب التعظیم »
« اعنی امامزاده احمدآورده من‌بعد صاحب آن عرض‌نمود واورا بیرون برده بار »
« دیگرپناه بامامزاده مذکور آورده آن‌شتر مزبوررا استاد ابراهیم ابتیاع‌نمود و »
« وقف امامزاده نمود تولیت او را بعالیجناب آقا سید محمد متولی‌گذارده بشرط »
« آنکه اورا جبر نکنند ونفروشند ومنفعتی‌که از او بهم رسد صرف شترکنند و »
« آنچه باقی‌ماند صرف امامزاده نمایند و این چندکلمه بجهت وقف‌نامچه قلمی »
« شد بتاریخ سنه ۱۲۴۷ ».

این کتیبه هم حاکی از حس احترام مردم‌اصفهان در قرن سیزدهم هجری بمقدسات مذهبی وحتی‌توجه بحال حیوان‌ها هم میباشد .

۵ـ کتیبه لوح سنگی منصوب بر جرز شرقی ایوان شمالی بخط نستعلیق حاکی از تعمیر امامزاده چنین خوانده میشود:

« این بنا درسال ۱۳۲۲خورشیدی تعمیرشد،مبلغ سی‌وپنجهزار ریال‌مخارج»
« تعمیر آنرا بانوی محترمه افتخار اعظم مسعود پرداختند. اردی‌بهشت ۱۳۲۲ »
« جواد صهبا. »

کتیبه حکایت دارد که تعمیر امامزاده احمد در سال ۱۳۲۲ شمسی بوسیله اداره باستان‌شناسی اصفهان بریاست مرحوم جواد صهبا و بهزینه بانو افتخار اعظم مسعود انجام گرفته‌است.

۶ـ کتیبه سقاخانه پیوسته بسردرصحن امامزاده بخط نستعلیق سفیدبرزمینه کاشی خشت لاجوردی درلوحه‌هایی کاشیکاری شده محتوی اشعار معروف محتشم کاشانی دررثاء حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام وپایان آن‌چنین است : «کتبه العبد حاجی میرزا علینقی فی شهر ربیع المولود سنه ۱۳۲۱ عمل استاد آقاجان کاشی‌پز » .

سنگهای مرمر نبشته منظوم و منثور راجع بتاریخ وفات کسان گوناگون در صحن وحجرات امامزاده موجود میباشد که‌هر کدام در خور توجه است ولی چون خارج ازموضوع بحث است شرح آنرا بجای خود (مقابرقدیمی) موکول میکند. بیشتر این‌کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است[۱]. این‌بنای باستانی بموجب‌شماره ۲۳۴ ـ ۱۴/۹/۱۵ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۴ـ امامزاده اسماعیل:

این امامزاده درطرف مشرق خیابان هاتف کنونی روبروی امامزاده جعفر واقع ودرغربی آن درچهارسوقی که‌دارای‌گنبد آجری‌کهن سالی است وبشکل‌مربع بناشده بازمیشود. سردر امامزاده‌دارای کاشیکاری وقطاربندی ظریف قدیمی‌زیبائی است. داخل صحن مقبره و مسجد کوچك قدیمی وجود دارد که در محل مسجد کهنه‌تری ایجاد شده است. روی درامامزاده از فولاد طلاکوب بوده‌که پولادهای‌آن مورد دستبرد قرارگرفت. بنای امامزاده بوضع‌کنونی اززمان شاه عباس اول شروع شده ولی ساختمان امامزاده و مسجد و مرقد شعیا بدوران اوائل اسلام می‌پیوندد و قسمتی ازساختمان کنونی بدوره‌سلاجقه مربوط‌است وخلاصه‌مجموعه‌بنای امامزاده اسماعیل ومسجد شعیا شامل‌مسجدی بسیارقدیمی ومقبره، امامزاده، رواق، سر در، گنبد بزرگ زیبا وصحن، مرقد شعیا، شبستان، ایوان، حرم، سنگ آرامگاه دختر شاه اسماعیل صفوی، درب‌نفیس، آرامگاه قاضی صفی‌الدین محمدزواره‌ای سنگابها ویك‌رشته‌تزیینات‌کاشیکاری،گچبری ولوحه نفیس‌کاشی، وکتیبه‌های فراوان‌تاریخی ازدوران پادشاهان صفوی است[۳]. (ش۸۵)

امامزاده اسماعیل مدفن‌اسماعیل‌بن حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی علیه‌السلام میباشد که‌پدرش بنا برمشهور درری (تهران) درمحل معروف به‌امامزاده حسن‌واقع درجی‌شهر تهران مدفون است.

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۶۸ تاص ۶۷۴ . ۲ـ فهرست‌بناهای‌تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۲ . ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۱ .



(شکل ۸۵)

درتاریخ اصفهان وری[1] نسب اورا بنقل ازکتیبه درپنجره چوبی بخط نسخ چنین نوشته است:

«اسمعیل بن زیدبن حسن بن‌علی‌بن ابی‌طالب وگویند جدشان درری‌مدفوننند معروف به‌امامزاده حسن ومؤلف را راست نیاید زیرا حسن مثنی درمدینه مدفون است بلی امامزاده‌حسن درری هم یك‌بزرگی ازنسل آن بزرگوار است یاشاید یك دو واسطه درخط پنجره چوبی ازقلم کاتب افتاده ، امامزاده‌اسماعیل را جد سادات طباطبا دانسته‌اند وبا امامزاده اسحاق که دراراضی پائین دروازه مدفون شده‌خویش نزدیك میدانند» وبا این فرض فرزند زاده حسن مثنی محسوب میشود.ولی مطابق کتیبه سردر امامزاده نسب‌او «اسماعیل بن‌حسن‌بن زیدبن‌حسن‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب» میباشد ومطابق این‌کتیبه اسماعیل فرزندزاده زیدبن حسن‌بن علی‌بوده‌که مدت‌نود سال زندگی کرده ومردی باجلالت قدروام لبابه زن حضرت ابوالفضل العباس‌رابعد

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۸۶.

ازشهادت عباس بازدواج درآورده وحسن پدر اسماعیل فرزند زید ازام لبابه بوده است وبنظر میرسد که‌مفاد کتیبه دوم درست‌تر باشد ودرهرحال به اسماعیل دیباج که فرزند ابراهیم غمر بوده ونیز اسماعیل‌بن ابراهیم طباطبا انتساب وارتباطی‌ندارد تا جد سادات طباطبا باشد. کتیبه مرقد شعیاکه برجای مسجد قدیمی بنا شده‌بخط نستعلیق برجسته چنین‌است: «وجدنافی‌کتاب اصفا ان اول مسجدکبیر بنی‌باصفهان»
« مسجد شعیا وبناه ابوعباس‌المفتی فی‌زمن علی صلوات‌الله‌علیه وعمره الب ارسلان»
«بعدنیف وخمسأته بعد ماغلبها بقوة وقدامر بعمارته فی‌عام احدعشر ومأته و الف»
« وبعبارة اخری هی‌مرقد شعیا النبی‌علیه‌السلام علی نقی‌الامامی ۱۱۱۲» ودرحاشیه آن آیات ۱۸ و۱۹ سوره توبه گچبری‌شده وپایان‌آن چنین است : «صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله النبی الکریم کتبه ابن‌محمد محسن‌الامامی.»

۲ـ کتیبه اصلی سردررواق بقعه‌بخط ثلث سفیدباکاشی‌معرق برزمینه‌لاجوردی باین شرح خوانده میشود:

«اتمام‌هذه العمارة فی‌ایام دولة‌السلطان الاعظم والخاقان‌الاکرم مروج‌مذهب»
« الائمة المعصومین السلطان‌بن‌السلطان بن‌السلطان ابوالمظفر شاه صفی‌الموسوی»
« الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی کافة‌العالمین‌بره»
« وعدله واحسانه فی‌شهرذی قعدة الحرام فی ۱۰۴۱ کتبه محمد رضا الامامی » که حاکی است عمارت امامزاده درسال ۱۰۴۱ هجری قمری باتمام رسیده است وخطاط آن محمدرضا امامی بوده‌است.

۳ـ کتیبه رواق امامزاده روی لوح سنگ منصوب بر دیوار زیرکتیبه ثلث کاشیکاری وبالای درچوبی رواق بقعه بخط ثلث برجسته چنین است:

«قدوفق لعمارة هذه‌البقعة‌الشریفةوالروضة‌المنیفة‌من‌فازتبایید الدین‌الاحمدی»
« وامتاز بترویج الشرع المحمدی‌اعنی‌السلطان بن السلطان بن‌السلطان والخاقان»
« بن‌الخاقان‌بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمنصورشاه سلطان حسین‌الحسینی‌الموسوی»
«الصفوی بهادرخان لازال‌به رکن‌الاسلام رکینا ومتن الایمان متیناً کتبه‌ابن محمد»

«محسن‌علی نقی الامامی ۱۱۱۴ »که حکایت ازعمارت امامزاده درزمان شاه سلطان حسین‌دارد وخطاط کتیبه علی نقی امامی بوده است .

ودرحاشیه لوح مزبور بخط نستعلیق برجسته این‌اشعارنوشته‌است:

« شهنشهی که عطاردکه منشی در اوست همیشه عاجز طغرا کشی‌کشور اوست »
«جناب‌حضرت‌سلطان‌حسین که‌روی‌زمین تمام در کنف ظل عدل پرور اوست »
« رسید رشحهٔ از فیض عام‌و انعامش بدین‌زمین‌که فلك‌سایه‌بان‌منظر اوست»
« مزار حضرت عالیمقـام اسمعیل که قبله‌گاه دعا بارگاه اطهر اوست »
«بگوش هوش شنیدم زغیب مصراعی چولؤلؤی‌که زبحر خیال‌مظهر اوست»
« ببین شکوه حریم مزار اسمعیل چه‌خوش‌مطابق تاریخ‌مهر«گستر اوست»»

که با سال ۱۱۴۷ منطبق میگردد.

درمیان هر دومصراع از اشعار مذکور دریك‌لوحهٔ‌کوچك‌کلمات (یا علی‌مدد) حجاری شده و در دو دایرهٔ کوچك بخط نستعلیق دو مصرع زیر خوانده میشود:

« قبله ایرانیان‌بانی این خیراست‌لیك یافت اتمام این‌بناازسعی ابراهیم‌بیك »

۴ـ‌کتیبه مربوط بتعمیر امامزاده در زمان فتحعلی‌شاه قاجار که روی سنگ مرمری‌حجاری وبربالای لوح سنگی‌سردر منصوب بوده بخط نستعلیق‌چنین‌است :

« بعهد جم نگین فتحعلی شه خسرو عادل
ز خاصان نظام‌الدوله مردی نام او جعفر »
« نمود اقدام بر تعمیر این‌کاخ سر افرازی
که باشد نامش اسماعیل از ذریهٔ حیدر »
۱۲۲۹

۵ ـ کتیبه منظوم دراطراف رواق بقعه درلوحه های‌کوچك بخط نستعلیق‌بر زمینه لاجوردی باین شرح است :

« از حکم دارای زمان سلطان حسین‌کامران
معمار ارکان جهان شاهنشه فرمان روا »
(کتبه محمد صالح الاصفهانی)

« شاهی که شد معماری دولت سرای دین او
زان پیش کز حکم خدا بنیاد هستی شد بپا »
« آنجا که موج آور شود دریای عدل دائمش
زنجیر نوشروان بود موج سراب کم بقا »
« آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت
چون‌شد سواد لشکرش‌درچشم عالم سرمه سا »
« ساعی‌شدابراهیم‌بیك‌آن خیراندیشی‌که هست
از بندگان محرم خلوت سرای پادشا »
« از پاکی ذاتش بود ره در حریم حرمتی
کز دور باش کبریا ره بسته برباد صبا »
« کین‌روضهٔ جنت‌سرشت این‌عبرت قصر بهشت
آرد ز مهر وماه خشت سازد بصدق از نو بنا »
« چه روضه دارالامن جان دلهای نور قدسیان
آویخته بر سقف آن مانند قندیل طلا »
« دست دعای سائلان برگشته در این آستان
ز ایوان نعمای جنان یابند کشکول گدا »
« . . . .
کوری باین درگاه اگر افتد بامید شفا »
« آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت
همت بآن راضی نشد این‌مصرعم شد ره نما »

مصرع اول شعر بالا سه مرتبه درکتیبه تکرار شده است.

« بازاین‌ملایك آشیان نوشد ز سلطان جوان
۱۱۱۱
راضی نشد خاطر بآن در فکر شد طبع رسا »

« تا ازمکان و از مکین ازساعی و از شاه دین
باشد قلم‌حرف آفرین‌باز این دومصرع‌شد ادا »

« این‌منزل چون‌کعبه نو از سعی ابراهیم شد
۱۱۱۱
سلطان داور کرد نو مأوای اسمعیل را »

« دیگر بفکر دلنشین در طبع معنی آفرین
از لطف رب العالمین آمد بگوشم این ندا »

« این کعبهٔ آئین صفا از سعی ابـراهیم شد
الطاف سلطان نونمود این حجراسمعیل را »
۱۱۱۱

در سه مصرع بالا که عدد ۱۱۱۱ زیرآن گذارده شده تاریخ تعمیر امامزاده بسعی ابراهیم بیك وفرمان شاه سلطان حسین صفوی میباشد.

۶ـ کتیبه داخل حرم امامزاده اسماعیل بخط ثلث برجسته طلائی برزمینه لاجوردی نخست‌سوره (الملك) تا آخر آیه ۲۷ گچبری شده و دردنبال آن‌نام بانی باین‌شرح نوشته شده است:

« حسب الامر الاعلی سرکاری عالیجاه مقرب الخاقان محمد ابراهیم بیك » « یوزباشی‌زید . . . مرقوم رقم کمترین غلام پایه سریراعلی . . . سنه ۱۱۱۲ » که معلوم می‌گردد دریکسال بعداز تعمیراول بوده است.

۷ـ کتیبه درب منبت کاری متصل بمرقد شعیا که در زمان سلطان محمود آل مظفر نصب شده برلنگه راست و چپ صلوات برچهارده معصوم منقور است و بربالای لنگه راست بخط ثلث جمله: « العظمةلله » و درپائین آن: «لااله‌الاالله» و درمیان آن بانوشتن چهارکلمه محمد نقشی ظاهرشده است.

برلنگه چپ درب در بالا بخط ثلث: « الملك‌لله » و درپائین آن: « محمد رسول‌الله » کنده شده ودروسط این‌دوعبارت دریك شکل چهارگوش با نوشتن چهار دفعه «علی» نقشی پدیدآمده است. درمتن هلال فوقانی در مزبور با نوشتن پنج‌الله

يك پنج‌پر درست شده ودر حاشيه آن اين‌عبارات خوانده ميشود :

« امر بـاحداث هذاالباب احراز اللمغفرة والثواب فی‌ايام دولة السلطان »
« الاعظم مولی‌سلاطين الامم ناشرالعدل والاحسان باسط الامن والامان ظل‌الله فی۔»
« الارضين قطب الحق والدين شاه محمودبن السلطان الاعظم محمدبن المظفر »
« خلدالله‌ملكه البهلوان‌الاعظم‌الصاحب‌الاكرم‌تاج‌الدولة‌والدين‌علی‌رشيدالخراسانی»
« من‌خاص‌ماله . »

اين‌كتيبه حاكی‌است‌كه درقرن هشتم درزمان قطب الدين محمود آل مظفر متوفی (۷۷۶ ه . ق) درب مزبور احداث گرديده است بانی آن پهلوان بـزرگ تاج‌الدوله علی رشيد خراسانی ازبزرگان دربار او بوده‌كه ازمال خاص خود انجام داده است .

در جانب شمالی مرقد شعيا و حرم امامزاده اسماعيل و در ضلع شرقی رواق بقعه مسجد كوچكی واقع شده كه در جای مسجد دوره سلجوقی در دوره صفويـه بتزييناتی آراسته شده است . ازآثار سلجوقی مسجد فقط پايه مناره آن‌باقی‌است . واثر ديگری موجود نيست .

كتيبه سردر شمالی مسجد بخط ثلث خوش طلائی برزمينه كاشی هفت رنگ مشتمل برآيات ۱۸ و۱۹ سوره (التوبة) و باين عبارت پايان ميپذيرد : « صدق‌الله العظيم‌وصدق رسوله‌الكريم‌كتبه علی نقی‌الامامی ۱۱۱۲» .

ايـوان جنوبی مسجد شعيا دارای تزيينات كاشيكاری و محراب مـرمری و كاشيكاری است. درسمت راست محراب يك‌لوح‌كاشيكاری نصب‌شده بخط ثلث سفيد برزمينه كاشی لاجوردی باين شرح :

«بسم‌الله الرحمن‌الرحيم‌قال‌الله‌تبارك وتعالی جل‌جلاله وعظم‌شأنه ولااله‌غيره» و سپس آية‌الكرسی نوشته شده و باين عبارت « كتبه محسن‌الامامی» ختم ميشود .

و در سمت چپ محراب‌بخط ثلث سفيد برزمينه كاشی خشت لاجوردی‌آيات ۲۶و۲۷ سوره (آل‌عمران) خوانده ميشود .

كتيبه اطراف‌محراب بخط ثلث‌سفيد برزمينه‌كاشی لاجوردی مشتمل برآيات

۱۸ و ۱۹ سوره (التوبه) وباین عبارت : « صدق‌الله العظیم » ختم میگردد .
دنباله آن نام بانی وخطاط محراب چنین خـوانده میشود : « توفیـق یافت باتمام این محراب محمد مهدی‌بن میرزا اسمعیل انباردار کتبه محمد محسن ابن محمد رضا الامامی فی‌سنة ۱۱۰۰ » درعبارت آخر کتیبه همزه (ابن) زاید است ولی چون کتیبه عین‌آن ازگنجینه آثارتاریخی‌اصفهان‌گرفته شده ودرآنجا همزه‌آورده شده ازلحاظ حفظ امانت نقل‌گردید .
کتیبه داخل محراب مسجد شعیا بخط ثلث فیروزه‌ای برزمینه آبی مشتمل بر آیه ۱۴۴ سوره (بقرة) و بجملات زیر : «کتبه محسن الامامی ۱۱۰۰ » پایان می‌گیرد .
درضلع شرقی مسجد شعیا شبستانی‌وجود دارد که اخیراً ساختمان‌آن‌تجدید گردیده وکتیبه‌آن بخط ثلث‌برجسته سفید برزمینه‌آبی‌آسمانی چنین‌گچبری‌شده:
« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله انادارالحکمة وعلی‌بابها فمن‌اراداالحکمة»
« فلیات‌الباب . قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله انامدینةالعلم وعلی‌بابها . توفیق »
« یافت باتمام این‌عمارت و جدنا فی‌کتاب اصفا ان اول مسجد کبیر بنی باصفهان »
« مسجد شعیا وبناه ابوالعباس المفتی فی ز » بقیه کتیبه برجانب شمالی‌مرقد شعیا نوشته شده است که در مرقد شعیا مذکـور است . و در بالای پشت بغل محراب بخط ثلث برجسته نوشته شده :
« محراب محمدهادی کاشانی‌کتبه عبدالحمید الادهمی ۱۱۱۵ »که میرساند بانی محراب محمد هادی وکاتب‌کتیبه عبدالحمید ادهمی بوده است .
۸ ـ کتیبه گنبد امامزاده اسماعیل بخط بنائی ساده لاجوردی‌رنگ برزمینه آجری چنین‌است :
« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن له »
کفوا احد قال رسول‌الله تغالی واذیرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا » .
« تقبل منا انك انت‌السمیع العلیم صدق‌الله العظیم وصدق‌رسوله النبی‌الکریم عمل»

« کاتب العبد حسن بن علی بن غیاث البناءِ »   (ش ۸۶)



(شکل ۸۶)

۹ ـ کتیبه سردر امامزاده که درزیر چهارسو واقع شده خطوط بنائی ساده‌ای است و دربالای پشت بغل سنگی در ورودی بخط نستعلیق برجسته برسنگ چنین حجاری گردیده است :

« بتوفیق سرکاری این بنا   عوض شد بلطف خدا بی‌عوض »

میتوان گفت که شعر مزبور حکایت داردکه سرکار بنا عوض نامی بوده است.
و در دوطرف در ، در هرطرف چهار مصرع بخط نستعلیق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود :

« اول ابراهیم از امر شهنشاه جوان   آنکه‌محموددوکون‌ازطالع‌مسعودشد»
« درصفای بقعه وسعی بنای مدرسه   کین عمارات ازعلوهمتش موجودشد»
« حبذا فرخنده اقبال معلی فطـرتی   بانی تعمیر دراین کعبهٔ مقصود شد»
«صوفی‌پاك اعتقادشاه‌دین‌سلطان‌حسین   ساعی اتمام هریك عاقبت محمودشد »

« کتبه علی‌نقی الامامی ۱۱۱۵»

ازکتیبه مزبور معلوم میگرددکه مجموعه بنای امامزاده اسماعیل علاوه بر مسجدومرقد شعیا شامل مدرسههم بودهاست که بوسیله ابراهیم بیك یوزباشی بفرمان شاه سلطان حسین مورد تعمیر قرارگرفته است وبطوریکه مؤلف تاریخ اصفهان[1] وری نوشته مساحت مجموع اینها بالغ برسه هزار ذرع میباشد.

۱۰ ـ کتیبه سردرصحن امامزاده بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. قد وفق‌الله تعالی مشیدارکان الزمان سلطان‌العدل» « والاحسان ومحکم بنیان الامن والامان ناشر المسلك الجعفری ناصر المذهب » « الاثناعشری السلطان بن السلطان بن‌السلطان والخاقان بن الخاقان بن‌الخاقان‌شاه» « سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان . . هذه العتبة الی السید » « الجلیل‌اسمعیل‌بن‌حسن‌بن‌زیدبن‌حسن‌بن‌علی بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام و کان‌السالك » « فی داعی المقرب حضرة السلطان‌حاجی محمد ابراهیم بیك یوزباشی زیدتوفیقه.» « کتبه ابن‌محمدمحسن ـ علی‌نقی الامامی سنة ۱۱۱۵ . » از مفاد این کتیبه معلوم میگردد که امامزاده اسماعیل پسرحسن‌بن زیدبن‌حسن‌بن علی‌بن ابیطالب بوده و در منتهی‌الامال قمی[2] در ذکر اولاد امام حسن علیه‌السلام یکی از اولاد حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی‌بن ابیطالب را ابومحمد اسماعیل نوشته است وبدیهی است که میان نسب مرقوم درکتیبه بالا وکتیبه‌ایکه درپیش مذکور افتاد فـرق بسیار استو درصورت اول از اولاد مستقیم زیدبن حسن‌بن علی‌بن‌ابیطالب ودرفرض‌دوم ازاحفاد زیدبن حسن خواهد بود .

اشکالی که درعبارت کتیبه بنظر میرسد درکلمه «الی السید» میباشد که در اثر تعویض کاشیها تحریفی واقع شده وبنظرمیرسد که دراصل کتیبه چنین بوده : « قدوفق‌الله »تابرسدبه: (بهادرخان‌لبناءِ هذه العتبة للسید الجلیل اسماعیل) تا آخر کتیبه وخلاصه اینکه کلمه لبناء ساقط شده وبجای لام حرف جرالی گذارده شده بوده است.

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۸۷ .   ۲ـ منتهی‌الامال ص۲۶۴ .

درامامزاده اسماعیل علاوه برمرقد ومسجد شعیا ومدرسه سنگهای مزار بسیار قدیمی و نیز سنگاب تاریخی وجود دارد که بذکر سنگاب آن ویکی از سنگهای مزار دراین مورد میپردازد.

درصحن امامزاده دوسنگاب وجود داردکه کتیبهٔ آن‌دو مشتمل برصلوات بر چهارده معصوم ویکی ازآن شامل تاریخ و نام‌بانی آن میباشد.

کتیبه سنگاب مزبوربخط ثلث برجسته پس ازذکرصلوات برچهارده معصوم چنین خوانده میشود:

«وقف نمود برآستانه حضرت‌امامزاده‌اسماعیل(ع)این‌حوض‌راحاجیه‌شاهمیر»
«بنت حاج‌میرزا علی جزی برخواری‌سنه ۱۰۴۹.»

۲ـ در ایوان غربی امامزاده یك سنگ قبر قدیمی قرار داردکه در اطراف وجوانب آن حجاری‌شده باین ترتیب که درسطح بالائی بخط بنائی: «الملك‌لله»ودر اطراف این ابیات کنده‌شده است:

« چون نامه جرم ما بهم پیچیدند — بردند وبمیزان عمل سنجیدند »
« بیش ازهمه‌کس گناه‌مابود ولی — ما را بمحبت علی بخشیدند »

برجانب بالائی سنگ آرامگاه بخط ثلث برجسته این‌عبارات‌خوانده‌میشود:
« وفات العالم الربانی والعارف الصمدانی قدوة العلماءِ والمحققین و اسوة الفقهاءِ »
« المدققین قاضی حوائج السائلین وکفیل مصالح‌المؤمنین، مطاع العالمین‌ومتبوع»
« العالمین صفیاً للشریعة والافادة والدین‌محمدابن عمدة القضاة والمتشرعین خادم »
« شرع سیدالمرسلین غیاث الملة والدین الملا علی الزواری تغمد هما الله تعالی »
« بغفرانه فی‌منتصف شهرشعبان المعظم سنة خمس وتسعین و تسعمائة من هجرة »
« مقصود ایجاد البریة عمل صدرالدین سنگ تراش» برجانب جنوبی‌سنگ مزبور این اشعار که حاوی ماده تاریخ وفات قاضی محمد نیز میباشد کنده شده و آن چنین است:

« افتاد دین ز مرتبه اعتبار حیف — حیف‌ازسپهرشرع که‌شدبی‌مدارحیف»

« رفت ازجهان‌جهان فضیلت‌دریغ‌ودرد — شدکاروان‌فضل‌وشرف زین‌دیارحیف»
« قاضی صفی‌که مرکزپرگار شرع‌بود — رفت ازمیان‌وکردکنار اختیارحیف »
« تاریخ فوت قاضی‌دنیا ودین‌که رفت — ازمرگ اوهرآینه برروزگارحیف »
«جستم زعقل‌گفت که‌برلوح‌دل‌همین: — «حیف‌ازجهان‌دانش‌ودین‌صدهزارحیف»

۹۹۵

وبرجانب شمالی‌سنگ‌مزبور بخط نستعلیق‌برجسته این‌ابیات‌خوانده‌میشود:

« احکم قاضیان صفی‌الدین — که‌حکم‌بوددرفروع واصول»
« عمرها بربساط شرع‌نشست — بطریق رسول وزوج‌بتول »
« روزآخر ازاین‌نشیمن‌خاك — کرد درروضه جنان‌چونزول»
« سال فوتش زهرکه پرسیدم — بس‌که بودندازعزاش ملول»
«اشك میریختند ومیگفتند: — «وای‌ازمرگ‌جانشین‌رسول »

۹۹۵

ازکتیبه‌های سنگ لوح برمیآید که‌قاضی صفی‌الدین محمد زواره‌ای فرزند ابو الحسن ملاعلی زواری عالم بزرگ قرن دهم‌هجری که‌خودنیز ازبزرگان علماءِ وقضات اصفهان‌بوده درتاریخ نیمه‌شعبان ۹۹۵ هجری بدرود حیات گفته است. برای اطلاع‌کامل ازشرح حال و ترجمه پدر وپسر به بخش دوم کتاب آتشکده اردستان مراجعه‌گردد.

۳ـ بردیوار غربی سردر تاریخی بقعه‌امامزاده سنگ نبشته‌ای نصب‌شده‌بخط ثلث‌برجسته باین‌شرح:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم وبه‌ثقتی»

« حسب الفرمان‌قضا جریان ازتاریخ شهرمحرم الحرام سنه ۱۱۱۵ رقم‌مبارك»
« اشرف صادر شد آنکه حکم جهان مطاع شد آنکه درینوقت اهل محله واقعه »
« درجوار امامزاده واجب التعظیم والتکریم امامزاده اسماعیل علیه و علی آبائـه »
« التحیة والتسلیم مشهور بمحله امامزاده ازتکلیف یراق پوشی ایام عاشوراوامثال»
«آن ازبستن‌نخل وغیره معاف فرمودیم داروغگان وعمال دارالسلطنه مزبورحسب»

« المسطور مقرردانسته من بعد بهیچوجه من الوجوه تکلیف یراق پوشی و بستن »
« نخل وغیره باهل‌محل مزبوره‌ننموده وایشان را ازامور مزبوره معاف مسلم‌دانند»
«ودرین باب قدغن دانسته‌هر ساله رقم‌مجدد طلب ندارند وازفرموده تخلف نورزند »
« ودرعهده شناسند برطبق عرض عالیجاه‌مقرب‌الخاقانی جالینوس الزمانی‌حکیم‌باشی»
«کتبه علی‌نقی». بیشتر کتیبه‌ها ازکتاب‌گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان[1] اقتباس‌گردیده است . مجموعه امامزاده اسماعیل و مرقد ومسجد شعیا بموجب شماره ۱۱۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[2]

۵- امامزاده باقر:

این امامزاده درکنار چهارباغ خاجو طرف مغرب قراردارد وساختمان بقعه آن‌مربوط بزمان قاجاریه‌است ومعروف است‌که امامزاده‌باقر ازاحفاد امام‌موسی‌بن جعفر است ولی‌صحت آن معلوم‌نیست.

این امامزاده دارای صحن وبارگاه وقطعه سنگی درآنجانصب است‌که‌تاریخ ساختمان بقعه را حکایت میکند وکتیبه آن چنین خوانده میشود :[3]

« در زمـان دولت دارای قیصـر پاسبان
ناصرالدین شاه غازی خسرو گیتی ستان »
« چاکر درگاهش ابراهیـم مانند خلیل
ساخت همچون‌کعبه‌ایوانی سراسر گلستان »
« بارگاهی رشك فردوس برین از خرمی
نهر های او چوکوثر ساحتش باغ جنان »
« پایـه های او یـد معمار از قـدرت نهاد
بر سر ماهی ولی شد ماه را چون سایبان »
« سال تاریخ بنای آن بصد شادی سرور
گفت : «باب‌کعبه مقصودی ازابراهیم خان »
۱۲۷۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۵۲۳ تا ص۰۵۴۰ ۲- فهرست بناهای تاریخی ص ۳۱ . ۳- تاریخچه محله خاجو ص۶۰ .

۶ـ امامزاده جعفر :

این امامزاده درحاشیه غربی خیابان هاتف کنونی و مقابل کوچه امامزاده اسماعیل قراردارد وبقعه‌آن برج مانند ازساختمان‌های عصر مغول میباشد . صحن امامزاده درابتدای امر بسیار وسیع بوده ولی بتدریج اراضی آن را مجاوران تصاحب وتبدیل بخانه‌کرده‌اند . شکل بقعه درقسمت پائین هشت ضلعی و سطح آن‌کوتاه و مسطح است . گنبدآن مختصر تزییناتی باین شرح دارد : (ش ۸۷)



(شکل ۸۷ت‌ص)

۱ـ کتیبه فوقانی گنبد امامزاده بخط کوفی ساده آجری برجسته و معرق برزمینه فیروزه‌ای بعد از « بسم‌الله الرحمن الرحیم» آیات ۱۶۴ تا آخر آیهٔ ۱۶۷ سوره آل‌عمران خوانده میشود .

۲ـ کتیبه دوم گیلوئی گنبد بخط ثلث‌سفید معرق برزمینه لاجوردی‌مشتمل بر آیة‌الکرسی باین عبارت ختم میشود : « فی سنة خمس و عشرین و سبعمائة » ومعلوم می‌گردد که در اوائل قرن هشتم بنا شده ودر دوره آل مظفر بوده است .

۳ـ کتیبه سنگ قبر امامزاده بشرح زیر :

«هذا قبر السید المعظم الموقر الممکن المکرم صاحب السیف والقلم منبع الجود»
« والخلق والکرم المتحلی بمحاسن الشیم سید الصدور والسادة ینبوع السادة والسیادة»
« مفخر اولاد البتول قدوة آل الرسول نظام الطالبیة شمس العترة جمال اهل بیت المصطفی»
« سلالة اعیان ابناء المرتضی مالك اصحاب السخاءِ والفتوة ومعدن ارباب الشهامة »
« والمروة بهلوان العراق نبوی الشمایل وجمیل الاخلاق کریم الزمان علی الاطلاق »
« محرز المناصب بالاستحقاق المرحوم المبرور المغفور السید الشهید تاج الملة والدین»
« عماد الاسلام والمسلمین اشرف ابناءِ الماءِ والطین جعفر بن السید المعظم المرتضی»
« المکرم النور الازهر الاطهر الامجد مفخر آل طه ویاسین نتیجة اولاد سید المرسلین»
« شمس الدین الحسن بن السید المغفور عماد الدین الحسین بن محمد بن علی بن الحسین»
« تغمده‌الله بغفرانه واسکنه بحبوحة جنانه وادام سعادته توفی فی منتصف محرم »
« من سنة خمس وعشرین وسبعمائة .»[۱] و درقسمت فوقانی پنجره‌های اطراف بقعه در لوحه های جداگانه بخط ثلث سفید درشت برزمینه کاشی لاجوردی این جملات خوانده می‌شود : « قال النبی علیه‌السلام» «الدنیا مزرعة الاخرة» « الدنیا داحة و ترکها راحة » .

ظاهر کتیبه سنگ قبر اینستکه جعفر پسر حسن بن حسین بن محمد بن علی بن الحسین است یعنی پس‌از دوپشت بامام محمد باقر علیه‌السلام انتساب پیدا میکند درصورتیکه زمان وفات اوکه دوره آل مظفر باشد با این‌ترتیب انتساب موافقت

۱ـ رجال اصفهان ص ۱۸۱ .

ندارد چه امام محمد باقر در قرن دوم میزیسته و اگر برای هریك ازکسانی که امامزاده جعفر درعقب آنان واقع‌شده ولادتشان با یکدیگر پنجاه سالهم اختلاف داشته باشد اقتضاءِ خواهد داشت‌که وفات امامزاده جعفر درقرن چهارم وقوع‌یافته باشد وتا قرن هشتم درحدود چهارقرن تفاوت دارد پس این انتساب درست نخواهد بود مگر اینکه گفته شود محمدبن‌علی‌بن‌الحسین مذکور در نسب امامزاده جعفر غیر ازمحمدبن علی‌بن‌الحسین است وبقیه نسب‌او نوشته نشده است.

از مفاد سنگ قبر برمیآید که نامبرده مردی بزرگ وازصدور زمان و سخی وصاحب شمشیر وقلم بوده و شهیدگردیده است وتاریخ وفات او منتصف‌محرم سال ۷۲۵ بوده است از اینکه اورا شهید خطاب وازطرفی نوشته‌اندکه وفات یافته استنباط میگردد که در زندان و یا بعداز تصادمی وفات‌کرده است . بیشترکتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است[1].

این اثرباستانی‌بموجب تصویبنامه شماره۲۳۴ به ثبت تاریخی‌رسیده است[2].

۷- امامزاده‌های درب امام :

درب امام واقع است در محله سنبلان = شنبلان = چملان = چنبلان و چملون در مجاورت محلهٔ در دشت و درآنجا آرامگاه دو امامزاده بنامهای ابراهیم بطحا وزین‌العابدین است.

کیفیت انتساب این‌دو امامزاده اولی به حسن مثنی ودومی بامام جعفرصادق روشن نیست ولی مشهور چنین است که ابراهیم بطحا ازاحفاد حسن مثنی است و زین‌العابدین از احفاد امام جعفر صادق است ولی سندی که این انتساب را احراز کند دردست نیست. درمیزان‌الانساب[3] میرزا محمدهاشم چهارسوقی نسب امامزاده زین‌العابدین چنین‌گفته شده :

« ابوالحسن زین‌العابدین‌علی‌بن نظام‌الدین‌احمد الابج‌بن شمس‌الدین‌عیسی»
« الرومی‌جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌بن‌الامام‌الهمام جعفرالصادق‌علیه‌الصلوة»

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۰۰ تا ص۳۰۲ . ۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۲ . ۳- میزان‌الانساب از ص۴۶تا ص۴۷ .

« والسلام » ولی کیفیت انتساب ابراهیم بطحا معلوم نیست.

بنای تاریخی درب امام ازدوگنبد بزرگ وکوچك ویك سردر بزرگ‌کاشی‌کاری وسه صحن تشکیل گردیده است.

نمای خارجی بنای مزبور بجانب هرسه صحن دارای تزیینات کاشیکاری و گچبری است وگنبدهای آن بویژه گنبد بزرك ازکاشیهای نفیس تزیین شده است. در ورودی بقعه بصحن خاوری مفتوح میشود.

در عمارت درب امام کتیبه‌ها و خطوطی وجود دارد که مهم آن از قرار زیر است:

۱ـ کتیبه سردر اصلی درب امام بخط ثلث که ازجانب غربی سردر شروع ودر جانب شرقی پایان میگرفته و فقط قسمت غربی آن بشرح زیر باقی مانده و قسمت شرقی آن ازبین رفته است: باقی مانده بخط ثلث سفیدکاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ چنین‌است:

« در زمانی‌که والی ولایة عظمی و حاکم حکومة کبری پادشاه جهان پناه »
« ابوالمظفر امیرزاده جهانشاه خلدالله خلافته حکومة این ولایة با ایالة واشارة »
« شاه‌زاده عالم مؤید قواعدالدین الاحمدی ابوالفتح‌محمدی خلدالله سلطانه مفوض»
« فرموده بود امیراعظم اعدل معدن العزوالجاه جلال الدین صفرشاه زادالله دولته»
« دربنای این‌بقعه رفیعه وعمارت منیعه طلبا لمرضاةالله اهتمام بکارداشت فی‌شهور »
« سنه سبع وخمسین وثمانمائة.» این کتیبه‌تاریخی حاکی است‌که در دوره سلطنت امیر جهانشاه ودرحکومت جلال الدین صفرشاه درسال ۸۵۷ هجری عمارت و بقعه درب امام ساخته شده است.

۲ـ درزیرمقرنسهای‌کاشیهای‌سردرمزبوربخط ثلث‌آجری پوسته‌شده‌برزمینه کاشی‌لاجوردی این اشعار خوانده‌میشود که‌دردولوحه نوشته شده‌است:

« بماند سالها این نظم‌و ترتیب ‌‌‌‌‌‌ زما هر ذره خاك افتاده جائی »
« غرض نقشی است‌کزمابازماند ‌‌‌‌‌‌ که گیتی را نمی‌بینم بقائی »

۳ـ در بالای کتیبه خط ثلث سردر مزبور پنجره مشبکی از کاشی وجود دارد ودراطراف آن این اشعار بخط حنائی‌رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی نگارش یافته است:

« کنایه‌ایست بدین دور گنبد افلاك	که‌پاك‌باش چوجام ومدار ازکس‌باك»
« ز سقف خانه دنیا مجوی نقش وفا	مشو بآمدنش شاد و وزشدن‌غمناك »
« ببین بعین‌بصیرت که آنك ایوانش	گذشته‌بودزکیوان‌چگونه‌شددر خاك»

۴ـ کتیبه سردر تاریخی واقع درسمت شرقی سردراصلی از زمان شاه سلطان حسین صفوی بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی‌لاجوردی چنین است:

« اقدام هذه العمارة المنورة فی‌ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم» مروج المذهب الائمةالمعصومین علیهم السلم شاه‌سلطان‌حسین الصفوی الموسوی» « الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه». و بقیه‌کتیبه در دو لوحه‌کوچك چنین نوشته شده: «علی‌نقی‌ابن‌محمد محسن‌الامامی» » عمل‌استاد محمدبن‌محمد غدیر آجرتراش ۱۱۲۷ »که حکایت دارد از اینکـه عمارت درب امام در زمدان شاه سلطان حسین انجام شده وکاتب‌کتیبه علی‌نقی الامامی و سازنده‌کتیبه استاد محمدبن محمدغدیر آجرتراش وتاریخ همه ۱۱۲۷ هجری بوده است.

۵ـ کتیبه تاریخی دیگرسردر مزبور بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی باین‌شرح میباشد:

« قدوقع تعمیر هذه البقعة المنسوبة الی‌مولانا سید الساجدین التی‌فیهامزار» « السید السندین امامزاده‌ابراهیم بعلحا وامامزاده زین‌العابدین‌بامر نواب‌الخاقان» « بن الخاقان اعظم السلاطین الصفویة المسفورة فی‌الفوق کتبه الفقیر عبدالرحیم» «فی ۱۱۲۹.»که حکایت ازتعمیر امامزاده‌ها دردوسال بعد بوسیله شاه‌سلطان حسین صفوی میکند وخطاط آن عبدالرحیم جزایری بوده است.

۶ـ دراطراف رواق شرقی‌بخط بنائی باکاشی فیروزه ای بر زمینه شطرنجی آجری بردیوار غربی رواق چنین نوشته شده است:

« چون نامه جرم مابهم پیچیدند — بردند وبمیزان عمل سنجیدند»
« بیش ازهمه کس گناه ما بود ولی — ما را بمحبت علی بخشیدند »

وبر دیوار شرقی رواق این ابیات:

« غرض نقشی است کزما بازماند — که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب دلی روزی برحمت — کند در حق درویشان دعائی »

۷ـ کتیبه گنبد بزرگ بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی مشتمل بر سوره (الدهر) تا آخر آیه سینزدهم و پایان کتیبه چنین است : (ش ۸۸)



(شکل ۸۸)

« فی ایام الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم ابی المظفر عباس الحسینی»
« الموسوی الصفوی بهادرخان خلد الله ملکه و قدا وفق هذا الداعی غیاث الدین »
« محمود الحسینی المستوفی کاتب ۱۱۰ » از این کتیبه استنباط میشود که گنبد

بزرگ درزمان سلطنت شاه‌عباس اول و به‌اهتمام غیاث‌الدین محمود حسینی‌مستوفی ساخته شده است و کاتب کتیبه‌هم همان غیاث الدین محمود بوده است و تاریخ آن هرچند بصورت (۱۱۰) نوشته‌شده ولی مقصود۱۰۱۰ بوده‌که بازمان‌سلطنت‌شاه‌عباس موافقت دارد.

۸ـ در گردنه گنبد مزبور : (الحمدلله) تکرار و سوره اخلاص نیز نوشته شده است.

۹ـ کتیبه گنبدکوچك بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی‌نخست عبارت: « قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی» وسپس آیة‌الکرسی ودنبال آن‌آیات۲۶و۲۷ سوره آل‌عمران وپایان آن‌چنین است:

« فی‌احدی وثمانین والف کتبه محمدرضا الامامی.» ؛ کتیبه‌گردنه‌گنبدمزبور بخط بنائی سه‌رگی باکاشی لاجوردی برزمینه آجری‌چنین خوانده میشود: « لمن الملك الیوم لله الواحد القهار».

۱۰ـ کتیبه زنجیر درورودی حرم درب امام که‌برحاشیه دائره برنجی وسط آن‌نوشته‌شده‌بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« وقف حضرت امامزاده زین العابدین نمود عالیشان آقامحمدحسن تاجر » « همدانی این‌زنجیر را طمع کننده بلعنت خدا ونفرین رسول‌گرفتار شود. بتاریخ» « ۲۶ .. » وبرمتن دائره برنجی زنجیر ابتدا « یاسلطان» «یا سبحان» « یا قاضی‌ـ» « الحاجات» «یا منان» وبخط نستعلیق برجسته باین‌عبارت پایان‌یافته است:«بتاریخ» « بیست وششم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۷۰» .

وخلاصه‌مفاد کتیبه زنجیرحاکی است که‌آقامحمد حسن تاجر همدانی‌زنجیر را وقف بر امامزاده زین العابدین کـرده است و این وقف مصادف با تـاریخ ۲۶ جمادی الاولی سال ۱۲۷۰ هجری بوده است.

۱۱ـ کتیبه‌زیر طاق‌مرقد در دوسطر، در سطر اول بخط کوفی‌طلائی‌برزمینه کبود : «یاسبحان» «یاحنان» « یا منان» «یابرهان» نقش‌شده ودرسطر دوم بخط ثلث

طلائی رنگ برزمینه کبود این اشعار درج شده است :

« نظام یافت بنام خدای عالمیان
عمارتی که بود رشك روضه رضوان »
« بنزد طاس زر اندود و چتر این گنبد
مرقعی است کبود این رفیع‌شادروان »
« زرشك شمسه این هشت طاق ونه منظر
چو ذره شمسه خورشید گشته سرگردان »
« نهاده صبح بدین سبزه سپهر ز مهر
برای زینت این‌بقعه جام جاویدان »
« بیمن همت زین العباد و دولت شاه
بهشت روی زمین‌گشت ملك اصفاهان »
« بعهد فقد جهانشاه آن ابوالفتحی
که کرد نام خدایش محمدی سلطان »
« بروج قصر جلالش از آن رفیعتر است
که تیر وهم رسد بروی از کمان گمان »
« اجل بدست خودش داد تیغ و زد بر پای
کسی که کرد سرافراز شمس عالمیان »
« اگر ز دنیی دون شمس‌الدین محمدرفت
جلال میر صفر شاه باد در دوران »
« تمام گشت بفضل مفتح الابواب
بسال هشتصد و پنجاه و هفت این بنیان »

۱۲ـ کتیبه صحن شرقی درب امام دردوردیف بخط بنائی است. ردیف اول بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه آجری شامل صلوات برچهارده معصوم و ردیف دوم بخط بنائی مشکی برزمینه آجری چنین‌است:

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر ولا »
« حول ولاقوة الابالله العلی‌العظیم . شهدالله انه لااله الاهو و الملئکة واولوالعلم »
« قائماً بالقسط . » وحاشیه پشت بغل‌ایوان ورودی صحن‌شرقی بخط بنائی با کاشی لاجوردی برزمینه کاشی سفید ابتدا آیةالکرسی وپایان‌آن چنین است :
« والصلوة والسلام علی‌محمدالمصطفی سیدالمرسلین و حبیب‌اله العالمین »
« ۱۲۰۶ » این‌کتیبه میرساندکه دراوائل‌قرن سیزدهم درصحن‌شرقی تعمیری‌بعمل آمده است . (ش۹۰)



(شکل ۸۹)

۱۳ ـ کتیبه سنگاب مجاور درب امام بخط نستعلیق برجسته برسنگ‌پارسی باین‌شرح خوانده میشود :
« وقف حضرت امام حسین‌علیه‌السلام نمودند این سنگ را ورثه مرحـوم »

«حاجی حیدر باین‌شروط که در امامزاده زین‌العابدین درجنب خانه کمترینان‌باشد»
« بتاریخ غره شهر ربیع‌الاول سنه۱۱۱۷ » .

بیشتر این کتیبه‌ها از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است[۱]
این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۱۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۸ـ امامزاده دوقلی :

این امامزاده درکنار خیابان شاه‌عباس کنونی واقع و بقعه محقری دارد که در آن ضریح کوچکی از چوب نصب‌اند و در افواه اشتهار داردکه مدفون در آن بقعه دوتن ازاحفاد حضرت امام موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام بنامهای ابراهیم‌واسماعیل میباشند. آنچه معلوم است اینکه امامزاده در کنار قبرستانی از دوره صفویه قرار داشت که بتدریج تبدیل بخانه وخیابان‌گردیده است[۳] .

۹ـ ستی فاطمه :

این بقعه واقع‌است درمحله چهارسوکوچك و دارای مقبره و ضریح و صحن است ومعروف اینکه مدفون درآن فاطمه صغری دختر امام موسی‌کاظم علیه‌السلام می‌باشدولی حقیقت امر معلوم‌نیست وصحت گفته‌عموم‌محرز نگردیده‌است. ساختمان بقعه وصحن مربوط بدوره صفویه وجمعی‌ازبزرگان آن زمان درصحن وبقعه مزبور مدفونند .

کتیبه داخل‌بقعه دراطراف‌گنبد آن بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی اشعاری است که راجع ببنای بقعه سروده شده است :

« بعهد دولت شاه زمانه فتحعلی — که بنده دراو هست پادشاه مثال »
«خدایگان سلاطین روزگار که‌هست — بحضرتش‌الف قامت‌شهان چون‌دال »
« بدوش غاشیه حضرتش‌کشد خاقان — بگوش‌حلقهٔ خدامیش کنند جبال »
« بنام او چه قضا خواند آیت شاهی — ببام چرخ برافراشت رایت‌اجلال »
« یکی زجمله غلامان نیك بنیانش — که درزمانه ندارد بحسن‌حال همال»

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان از ص۳۴۱ تا ص۳۵۳ ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۹ ۳ـ تاریخچه محله خاجو ص۶۳ .

«ستوده رای وخجسته نهاد و پاك سرشت | نكو طویت وخوش فطرت وحمیده خصال»
« سپهر جاه محمد علی که ازره قدر | نهاده پای بفرق فلك زعزو جلال »
« بلند مرتبه خانی که تیغ نصرت او | نموده است زخون چهره عدوراآل »
« مه سپهر نظارت که آفتاب کند | زنور ناصیه‌اش اکتساب بهر جمال »
« بنا نهاد بنائی رفیع و مستحکم | دراصفهان که مبادش زحادثات وبال »
« برای فاطمه بضعهٔ امام انام | امام هفتم منظور قادر متعال »
« زهی خجسته بنائی که قبهٔ گردون | برش چه نقطه موهوم پیش وهم وخیال»
« تمام خیل ملك بال خویش گسترده | بجای فرش دراین بقعهٔ فلك تمثال »
«بیمن دولت شاهی وسعی وهمت خویش | بنا رسید بانجام مدت یك سال »
« رقم زد از پی تاریخ خامه طالع | « بااین سپهر نهانست مهر اوج کمال »

۱۲۴۲

که حاکی است محمد علی خان که از بزرگان ودرباریان بوده این بنا را درمدت یکسال ساخته است وشاعر شعر آن طالع ازشعرای قرن سیزدهم هجری بوده است.[۱]

قبوری باسنگ لوح ازشاهزادگان صفویه مربوط بتاریخ‌های ۱۰۴۱ و۱۰۶۲ درمجاورت ستی فاطمه قرار دارد و مجموع این بناها بموجب شماره ۲۲۲ به. ثبت تاریخی رسیده است[۲].

۱۰- شاه زید :

این امامزاده که اورا زیدبن علی بن الحسین علیه السلام میخوانند درشرقی ترین نقطه محله تر واسکان اصفهان واقع ودارای تزیینات کاشیکاری جالب میباشد. کتیبه‌ایکه بردر مقبره کنده شده بوده قسمت اول آن بعلت تبدیل در از میان رفته ولی قسمت آخر آن چنین است :

« بر آستانه مقدس منور شاه زیدبن امام علی بن الحسین رقم صحیفی جویمری ۹۹۴[۳]. »که حکایت دارد درمزبور در زمان سلطنت سلطان محمد خدا بنده صفوی

۱- نقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۶۰۵ ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۲ ۳- تاریخچه محله خاجو ص۶۳ .

ساخته شده و در قسمت بالای سکوی راست سر در مقبره لوح سنگی سیاه رنگی بشکل مثلث ببلندی ۲۵ سانتیمتر از سطح سکو بر دیوار نصب شده که کتیبه آن بخط ثلث چنین است :

« امام مفترض‌الطاعة امام رضا علیه‌الصلوة والسلام. توفیق یافت بتعمیراین »
« آستان منوره متبرکه شاه زید درزمان دولت سلطان اعظم و خاقان اکرم مالك »
« رقاب الامم‌سلطان العرب والعجم‌شاه سلیمان‌الحسینی الموسوی الصفوی‌بهادرخان»
« خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین‌عدله‌وبره‌این‌اقل عبادالله الملك‌المنان»
« الجمیل‌الجلیل‌الوهاب خادم‌المعصومین میرزا طالب المشتهر بباغاتی معزالدین »
« محمد فی‌تاریخ سنة سبع وتسعین بعدالالف من‌الهجرة النبویة والصلوة والسلام»
« علی‌محمد وآله اجمعین کتبه محمد محسن‌الامامی.[۱] »

این کتیبه حکایت میکند که در زمان شاه سلیمان صفوی معزالدین محمد مشهور به میرزا طالب باغاتی آستانه امامزاده شاه زید را درسال ۱۰۹۷ هجـری قمری تعمیر کرده است وکاتب‌آن محمد محسن امامی‌بوده است . و اما جمله‌ایکه درصدر کتیبه نوشته شده :

« امام مفترض‌الطاعة امام‌رضا علیه‌الصلوة والسلام »گمان میرود کـه عبارت اینطوربوده « یا امام مفترض‌الطاعة امام‌رضا علیه‌السلام» وحرف‌ندا یادرکتیبه محو شده یا درقرائت درنظر نیامده است والاجمله مزبور حشو وزائد خواهد بود .

درایوان سمت راست مقبره برلوح سنگی‌سیاه رنگ به‌درازای ۱٫۵۵ متر وپهنای ۴۲ سانتیمتر بخط نستعلیق برجسته این اشعار حجاری گردیده است[۲] :

« الحکم‌لله تعالی وتقدس »

« محمد رضا خادم شاه زید | گرفت از جهان گوشهٔ انزوا »
« به ذکر خدا متصل شاد بود | بمهر علی کرد نشو و نما »
« بآخرچو دلسرد شد از جهان | بفکر خود افتاد بی انتها »

۱و۲- نقل ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۹۰ تا ص۳۹۱

« چو اتمام کرد این بنای بخیر ز کروبیان آمدش مرحبا »
« پس آنگه بنا کرد سردابهٔ که بعد از حیاتش بماند بجا »
« هر آن‌کس که دید آن بنا را بگفت خدا از تو راضی محمد رضا »

درحاشیه سنگ مزبور نیز این اشعار بخط نستعلیق برجسته کنده شده‌است :

« این ملا کرم علی از صدق چاکر مؤمنان شاه و گدا »
« خدمت شاه زید از دل و جان سالها کرد از اشد رضا »
« هم خدا ورسول و خلق جهان از محمد رضا شدند رضا »
« چون محب علی و آلش بود جای خود ساخت جنة‌المأوی »
« چون دخیل امام ضامن شد گشت تاریخ او : (امام‌رضا) »
۱۰۸۳

این کتیبه دلالت بر این دارد که محمد رضا درسال یکهزار وهشتاد وسه هجری موفق باتمام بنای مورد نظر گردیده است .

در گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که کتیبه از آنجا نقل شده برای اینکه این تاریخ با تاریخ فوت محمد رضا اشتباه نشود درحاشیه نوشته‌اند[1] :

« تاریخ وفات محمد رضاخادم بقعه شاه زید درجای دیگری ازسنگ یادبود فوق‌الذکر بعداً باین شرح حجاری شده است : (« تاریخ وفات مرحوم مغفور آقا محمد رضا فی‌سنه هزارونود وهفت .»

این بقعه تاریخی بموجب شماره ۲۹۴ به ثبت تاریخی رسیده است [2].

۱۱- شاه سید علی :

بقعه شاه سید علی که اورا از احفاد امام زین‌العابدین علیه‌السلام میدانند دریکی ازکوچه های جنوبی خیابان شاه عباس واقع وچنین‌شهرت دارد که صاحب بقعه برادر شاه زید میباشد . بقعه آن از خشت خام ساخته شده و در داخل آن ضریح آهنی کوتاهی است که سه قبر در آن قرار دارد و قبر میانی مربوط بشاه

۱-گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۱.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص ۴۳ .

سید علی مزبور است . در سالها پیش در اطراف امامزاده قبرستان بزرگی بود که بتدریج تبدیل بساختمان گردید.[1]

۱۲- امامزاده شوری:[2]

این امامزاده در محله دردشت واقع و بامامزاده شوری و امامزاده عبدالله معروف و درمقابل آن مسجد شوری قرار گرفته است . درون امامزاده کتیبه‌ای ندارد ولی برنمای خارجی یکی‌ازجرزهای آن لوح سنگی بردیوار نصب است و کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته منظوم بشرح زیردارد :

« هرکه را اخلاص او با جعفر و باقر بود
اعتقاد او بآل مصطفی ظاهر بود »

« آنکه او با سید عبدالله دارد دوستی
لطف رحمن و رحیمش مونس خاطر بود »

« یا محمد یا علی شیخ ابوالقاسم که او
با امیرالمؤمنینش دوستی وافر بود »

« شد زسعیش نقش‌این تاریخ بردیوار برج
تا نشان و یادگار او در این جابر بود »

« سال‌تاریخ ازپی این لوح جستم عقل‌گفت:
« سید عبدالله ز نسل جعفر باقر بود »

کتیبه مزبور دلالت براین‌داردکه سنگ‌لوح امامزاده عبدالله ازنسل‌جعفربن محمدالباقر بوسیله شیخ‌ابوالقاسم نامی‌که ازدوستداران ولایت علی‌علیه‌السلام بوده درتاریخ هزارونودویك هجری درزمان شاه سلیمان نصب‌گردیده است .

۱۳ - امامزاده موسی :

این امامزاده دراول محله جوزدان درکنار خیابان دروازه تهران قرارگرفته است ومورد احترام عموم است .

۱- تاریخچه محله خاجو ص ۶۵ .

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۲ .

۱۴ - امامزاده میرحمزه :

این امامزاده درمحله فرسان‌درقسمت شرقی‌خیابان سروش قرارگرفته وجزء قبرستانی مربوط بعهد سلاجقه ببعد بوده‌که دراین اواخر تسطیح وبتدریج تبدیل بخانه وعمارات مختلف گردیده است . از عمارت امامزاده درزمان اخیر با نظارت اوقاف تعمیرات‌کلی بعمل‌آمده است[۱] .

۱۵ - هارون ولایت :

این امامزاده درمحله میدان‌کهنه اصفهان و روبروی مسجد علی ومناره آن واقع گردیده است و بنای اولیه آن مربوط بزمان سلاجقه است که سنگ بت سومنات‌را درآستانه مدرسه‌آن انداخته‌اند. درنسب این امامزاده ونژاد اواختلاف زیاد وجود دارد برخی انتساب اورا بخاندان نبوت و ولایت مورد تردید قرار داده واحتمال داده‌اندکه از بزرگان یهود باشد ولی اغلب نویسندگان وطبقات‌عامّه تقریباً انتسابش را بخاندان رسالت و ولایت محرز میدانند ودرکیفیت انتسابش اختلاف دارند . مؤلف میزان‌الانساب[۲] معتقد است که او هارون‌بن علی از اولاد و احفاد حضرت‌هادی امام‌دهم میباشد. بعضی هم‌گفته‌اند:[۳] هارون‌بن محمدبن زیدبن‌الحسن و دسته دیگری او را هارون‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام دانسته‌اند[۴] و احتمال میرود او هارون‌بن اسحاق‌کوکبی‌ابن حسن‌بن زیدبن‌الحسن علیه‌السلام باشد[۵] . در تاریخ سلطانی نوشته که[۶] او هارون‌بن محمدبن احمدبن جعفربن هارون‌بن امام موسی(ع) میباشد .

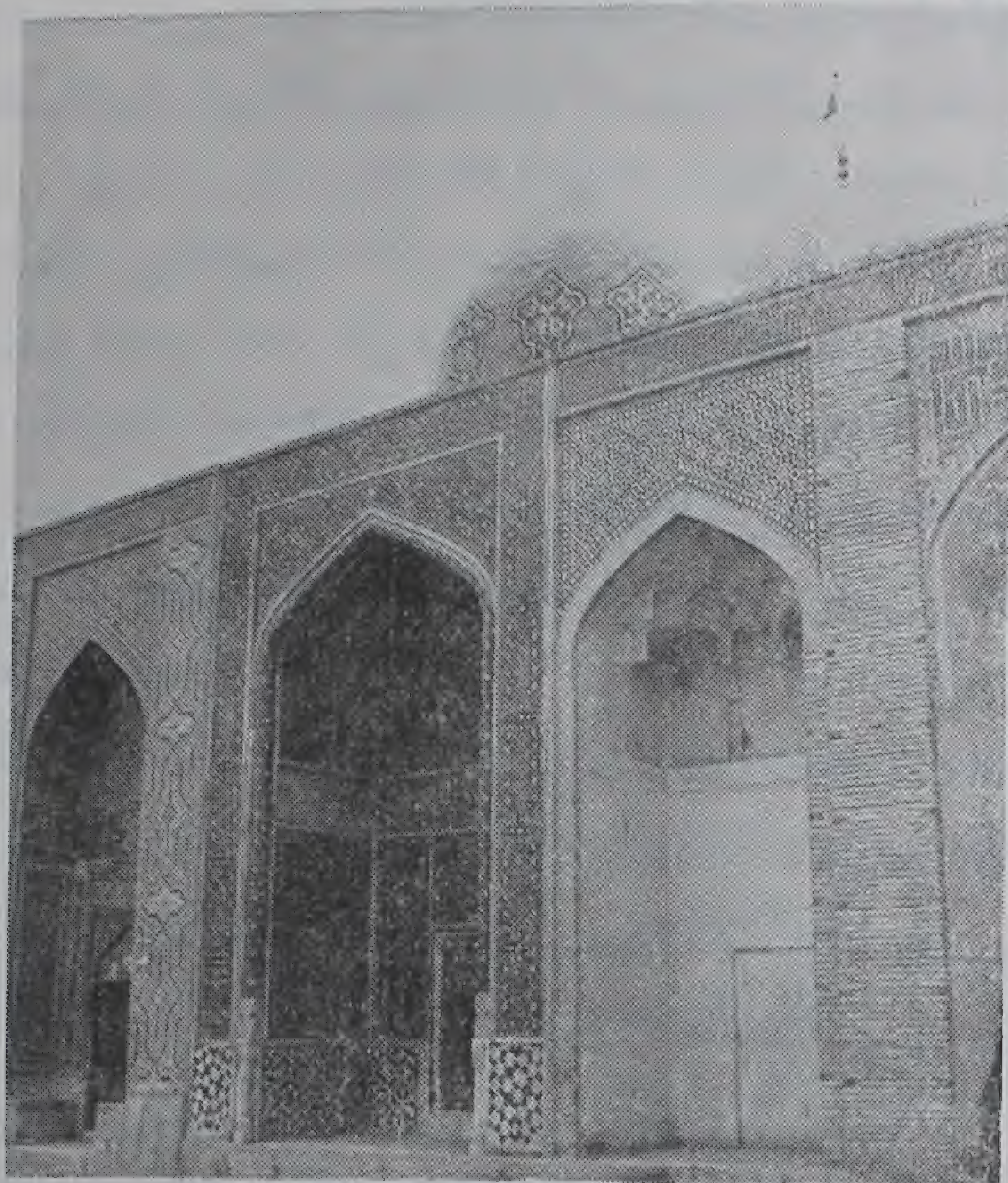
بنظر نگارنده با احترامی‌که در ادوار گوناگون از هارون ولایت از طرف سلاطین وبزرگان ومردم بعمل‌آمده وبااینکه دراعصارگذشته علمائی هم بوده‌اندکه اگر شایعه‌ای‌را برخلاف‌واقع تشخیص‌میدادندمردم‌را ارشادمیکردند وچنین‌مطلبی هم‌واقع نشده‌است و روز بروز برتجلیل وتکریم‌آن افزوده شده است پس انتساب‌او

۱ـ تذکرةالقبورچاپ دوم ص یو . ۲و۳و۴ـ میزان‌الانساب ص ۴۷.

۵ـ منتهی‌الآمال ص ۲۶۳. ۶ـ رجال اصفهان ص ۱۹۲ .

بخاندان ولایت محرزمیگردد و چون اغلب امامزادگانی که در اصفهان مدفونند از احفاد امام موسی‌کاظم میباشندکه درهنگام ولایت‌عهدی حضرت امام‌رضا علیه‌السلام بایران آمده‌اند میتوان گفت که اختیار قول باینکه هارون‌بن موسی علیه‌السلام یا هارونی‌که از تاریخ سلطانی نقل شد و به‌هارون‌بن موسی میرسد درآنجا مدفون است مصاب باشد. این امامـزاده دارای صحن وسیعی است که در وسط آن حوضی ساخته شده وسردرکاشیکاری بسیارزیبا مربوط بزمان شاه اسماعیل صفوی اول دارد که مورخ بسال ۹۱۸ هجری قمری میباشد.

نوشته‌ها وکتیبه‌هائی درهارون ولایت موجود است‌که آنچه مربوط بمدرسه میشود درشرح مدارس ذکرگردیده است وآنچه باامامزاده ارتباط دارد دراین مورد شرح میگردد : (ش ۹۰)



(شکل ۹۰)

۱ـ کتیبه سردرهارون ولایت بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسمه تیمنا بذکره قداتفقت عمارة دارالولایة ومشهد قبلةالاسلام بمیامن »
« فیض بحروجودجده العلی الذی قال النبی فی شأنه انت منی بمنزلةهارون من موسی »
« علیهم السلم فی ایام خلافة والی لواء الولایةفی الافاق مالك سریر الخلافة بالاستحقاق »
« الغازی المجاهد فی سبیل الله بقاطع البرهان ناصر المؤمنین ابی المظفر السلطان »
« شاه اسماعیل بهادرخان لازال ابواب الخیرات بعمیم لطفه مفتوحةواقطارالارض »
« بانوارمعدلته محصورة والامصاربسعی معمار احسانه معمورة والبانی بعین عنایته »
« ملحوظاًوموفقا للحسنات وکان سعیه مشکوراً کتب فی اوایل شهرربیع الاول من سنة »
« ۹۱۸ .» دربالای کتیبه مزبور یك اسپر کاشیکاری وجود دارد ودرلوحه‌های اطراف آن بخط ثلث حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی صلوات بردوازده امام مکتوب است ودر یك لوحه در ورودی بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این شعرکه حاکی ازنام بانی ساختمان است خوانده میشود :

« باقبال خان دورمش کامکار بماند ازحسین این بنا یادگار »

ونیز درمیان دو پشت بغل نمای خارجی سردر بخط بنائی سفید برزمینه کاشی لاجوردی دریك شکل چهارگوش اسامی : الله ـ محمد ـ علی نوشته شده است . ودر دو طرف در چوبی سردر بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی در دو لوحه چنین خوانده میشود :

« که شد درب هارونیه اینسان تمام بود روضهٔ آل خیرالانام »

ونیز در زیر هلال دراین بیت دیده میشود :

« درگاه توقبله‌گاه جان است محراب زمین و آسمان است »

درمیان اسپرچوبی بالای درورودی بخط نستعلیق فرورفته مشکی این اشعار نقاری شده است :

« درب مسجدهارون پورموسی جعفر آنکه جبرئیل آید بردرش بدربانی »

«گشته بودمستعمل تاکه‌همت مرشد طرح تازه ازنوریخت بهردرب‌آنی»
«چون‌تمام‌شدشوقی گفت‌بهرتاریخش: «مرشدآمده دردم از برای دربانی»
سنه ۱۳۳۰

کتیبه فوق‌حاکی است‌که مرشد نامی درب مستعمل هارون ولایت را درسال ۱۳۳۰ قمری تعویض کرده ومیرزا ابوالقاسم شوقی اصفهانی اشعاری‌که ذکرشد در اینباب وتاریخ‌آن سروده است . درفرد دوم شعرماقبل‌آخردرجمله «بهردرب‌آنی» نکته‌ای است وظاهر اینستکه کلمه «آن» بعداز «درب» افتاده است واگر کلمه درب اضافه شود چنین میشود : «طرح تازه ازنوریخت بهردرب‌آن‌آنی» .

۲ ـ بالای سکوی راست سردر تاریخی کتیبه‌ایست بخط ثلث و نستعلیق که بریك لوح سنگی مرمری‌کوچك نوشته شده وآن چنین است :

«بتاریخ یوم السبت ۱۹ شهرشوال سنه ۹۴۶ استاد قاسم علی‌بن علی ... بقال»
«هشت اصله درخت وسك بردرمزار شریف حضرت امامزاده بحق امامزاده هارون»
«ولایة علیه تحیة والسلام نشانیده وقف‌آنجا نمود تقرباً الی‌الله تعالی .»

«هرکه خواند دعا طمع دادم زآنکه من بندهٔ گنه کارم»

ودردوطرف لوح مزبور بخط نستعلیق دومصراع باین شرح خوانده میشود :

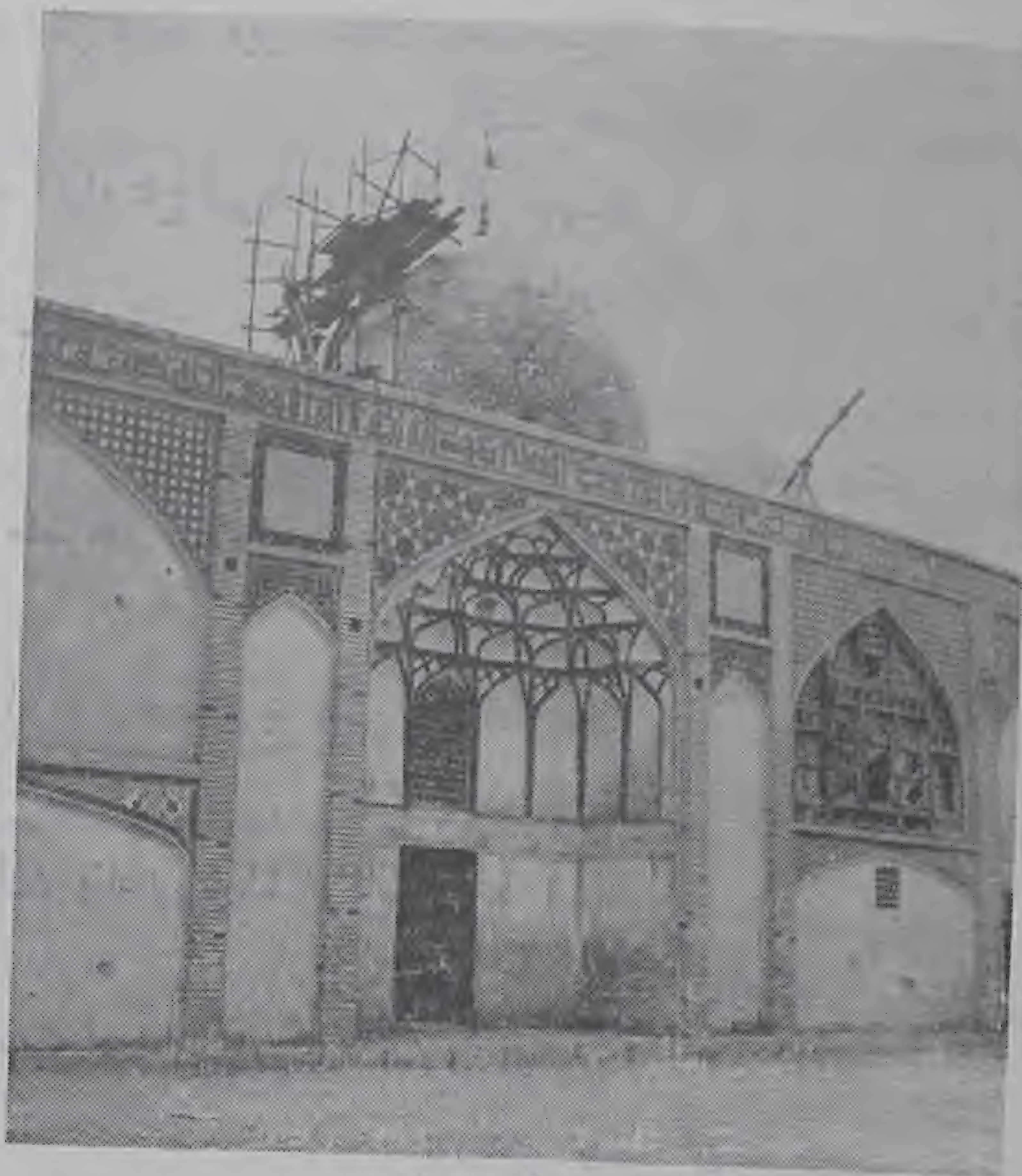
«آنکه‌پاینده‌وباقی‌است‌خداخواهدبود» «دنیا نکند وفـا تو خوش باش»

۳ ـ کتیبه قاعده گنبد رواق که تجدید ساختمان شده وبخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی شامل اشعاری بزبان فارسی است بشرح زیرخوانده میشود :
(ش ۹۱)

«در زمان دولت خاقـان داود اعتبـار
کو سلیمان وار در این دور دین آراستی»

«صاحب انفاس روح و حامی شرع حبیب
آنکه بد خواهش بفطرت قائل یکتاستی»

«داور دنیا و دین شاهنشه صاحب قران
آن سکندر حشمتی کاندر جهان داراستی»



(شکل ۹۱)

« نامور فتحعلی شاه آنکه از عدل و عطا
ماحی آثار حـاتم کاسر کسر استی »

« آنکه اندر ماتم اسباط پیغمبر مدام
دیدهٔ حق بین او پیوسته خون مالاستی »

« سروری کرداین بنای کهنه رانو درجهان
کز سخا وجود او مشهور در دنیاستی »

« آنکه آمد نامور او از محمد وز علی
خان ذیشانی که از او این بنا برجاستی »

« ناظر دارای دین سلطان محمد میرزا
آنکه اندر اصفهان دارای بی‌همتاستی »
« آنکه تاج شهریاری سرافزای جهان
بر همایون تارکش زیبنده و زیباستی »
« آنکه او پرورده صدر جهان آرا بود
صدر ذیقدری که اندر جنتش مأواستی »
« مفخر اهل کرم حاجی‌حسین‌خان زیب‌ملك
کاصفهان تاهست از آن آن‌خطه روآباستی»
« آنکه ازحکمش بنا حصن امان اندرنجف
آنکه از امرش قضابانی قدر بناستی »
« این بنادانی کجا؟ خرگاه هارونی بود
کز علو مرتبت چون قبهٔ خضراستی »
« مدفن هارون بن موسی که خاك درگهش
نوربخش چشم آن کو عارف و داناستی »
« بقعه هارونی است و نور دست موسوی
از جبین پاسبانان درش پیداستی »
« این نه‌آن هارون‌که‌موسی‌را برادر بوده‌است
موسی اندر ماتمش در گریه وغوغاستی »
« . . . .
ظاهر . . . . »
« هست آن هارون که‌نوح ازماتم اودرجهان
دیدهٔ خون بار در دریای طوفان زاستی »
« هرکه شمعی‌دید روشن‌اندراین‌خرگاه‌گفت
آتش موسی عیان از سینهٔ سیناستی »

« ساکنان عرش اعظم برفرازش گفته‌اند
صورتی در زیر دارد آنچـه در بالاستی »
« با حوارییـن ملائك بردرش گرد آمدند
سر بسر گفتند با هم منتظر عیساستی »
« بضعهٔ موسی دریـن مدفون و عیسی در فلك
گوید اینك آفتاب از مشرقش پیداستی »
« سال اتمامش رقمزد کلك هادی بر ورق
« کعبهٔ دین بقعه هرون بن موسی ستی »

کتیبه منظوم مزبور حکایت میکندکه درسلطنت فتحعلی‌شاه‌قاجار و صدر- اعظمی حاجی محمد حسینخان صدر اصفهانی بوسیله شاهزاده سلطان محمد میرزا در بقعه هارون ولایت تعمیراتی انجام گردیده است و تاریخ این‌تعمیر سال ۱۲۳۷ هجری قمری بوده وشاعر اشعار مزبور هادی تخلص داشته است.

۴- در ارتفاع دو متری از سطح بقعه این اشعار بخط نستعلیق بـرجسته در الواح جدا جدا گچبری شده است :

« بدور قدوه ارباب‌فضل و فخر صدور
جهان قدروسپهر جلال ومشرق‌نور »
« خجسته نظم اوضاع عالم کز عدلش
سراب فضل چوگلزار خلدشدمعمور»
« زبس تکثر انعام خلق نزدیکست
که جود او کرم آز را کند منشور»
« نفاذ معدلتش برتر از . . . . .
گهی که عدل‌تو‌امضاءکندزهی‌دستور»
« وحید ازمنه نواب میرزا مهدی
که نور جبههٔ اومهررا کند مستور»
« بجهد بانی از متقین عقبـی دار
بسعی ساعی از مؤمنین دنیا دور »
« بدیع سعی‌محمد شفیع مؤمن‌محض
محب خالص حق‌عبد خاص‌رب غفور»
« نهفت چهره زنور مرمت آیت‌حزن
شکفت‌غنچه‌تصویر نقش وشدمشهور»
« بقبهٔ که دراونیست جز فلك خادم
بروضهٔ که‌دراونیست جزملك مزدور»
«چه‌قبر تازه‌سپهری‌است‌درجهان خدای
براو صلوة وتحیات حق‌شده موفور»

« خرد چه‌صورت اتمام یافت تعمیرش — که رافع‌الم‌ازراه غیبت‌است‌وحضور »
« بدیهه گفت بتحسین‌کار و تاریخش : — « زهی‌منیع‌بناکان سعیهم مشکور»
(۱۰۶۶)
« هزار رحمت حق‌بر کسی که‌همت‌را — شود بفاتحهٔ یاور و کند مسرور »
« کتبه محمدرضا الامامی »

کتیبه منظوم حاکی است‌که بهمت نواب میرزا مهدی ومحمـد شفیع که از صدور فاضل‌وعالم وکثیر الجودبوده‌اند بقعه‌هارون ولایت درسال ۱۰۶۶ هجری‌قمری که مصادف با سلطنت شاه‌عباس دوم بوده تعمیرگردیده است.

۵ـ کتیبه گردنه‌گنبدبرنمای خارجی‌آن بخط بنائی‌مشکی برزمینه‌فیروزه‌ای باکاشی نره سوره الفتح خوانده میشود.

۶ـ کتیبه سر درشرقی دربالای‌پنجره‌مشبك آهنی درحاشیه بخط ثلث‌حنائی معرق برزمینه کاشی لاجوردی اسامی چهارده معصوم و در متن آن عبارات زیر خوانده میشود:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله. انا مدینةالعلم وعلی‌بابها وانت منی‌بمنزلة ـ»
« هارون من‌موسی.» ودر ذیل مقرنسهای ایوان‌کتیبه‌شده: «عمل عمادالدین بناءِ ».

۷ـ کتیبه نمای خارجی ایوان شرقی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

« چون توفیق سبحانی وتایید رحمانی شامل حال هر بنده‌گردد او را موفق»
«باعمال خیریه میگرداند لهذا طایف بیت‌الله‌الحرام خیرالحاج والمعتمرین سمی »
« سادس ائمة المعصومین توفیق یافت ببناء این بناءِ کانه بنیان مرصوص و اهتمام »
« درانجام آن‌فرمود . کتبه‌الاثیم محمدتقی‌ابن‌محمد ابراهیم‌فی‌سنة تاسع‌والعشرین»
« وثلثمائة بعدالالف. بانی حاجی جعفر. معمار نصرالله. بناءِ حسنعلی.»

۸ـ کتیبه سنگاب واقع در دالان میان صحن ورواق بقعه مشتمل برشش‌لوح کوچك چنین است:

« وقف جناب سید الشهداء نمود محمد حسین‌ابن مرحوم آقا مسیح این »

«سنگ آبرا بلعنت خدا گرفتار شود بیرون برنده بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۱».

از قسمتهای تاریخی و جالب هارون ولایت طاوسهای سر در اصلی است که بی اندازه شیوا و جالب و از جمله جواهر گرانبها محسوب میگردد . کتیبه های مذکور راجع به هارون ولایت ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] اتخاذ گردیده است. این اثر باستانی بموجب شماره ۲۲۰ بثبت تاریخی رسیده‌است. [2]

یط - بقاع تاریخی شهر اصفهان:

۱- بقعه بابا قاسم:

این بقعه واقع است در طرف غرب خیابان کنونی هاتف در حدود پانصدمتر دورتر ازمسجد جامع‌عتیق درکوچه باباقاسم ودرمجاورت مدرسهٔ باباقاسم ودرب بقعه روبطرف‌شمال ودارای قطاربندی وکاشیکاری بسیارشیوا وزیبامیباشدوبقعه‌مز بورطبق کتیبه تاریخی بوسیله سلیمان بن شرف الدین ابی الحسن طالوت دامغـانی درسال ۷۴۱ هجری ساخته شده است. داخل وخارج بقعه دارای تزیینات آجری‌وکاشیکاری است. گنبد آن هرمی‌شکل وهشت ترک وبرهرترک آن یکی از اسمـاء الله نوشته شده است تاریخ زندگی ووفات باباقاسم معلوم نیست ولی آنچه مسلم است درتاریخ ۷۲۵ هجری که مدرسه باباقاسم معروف بمدرسه امامیه برای باباقـاسم ساخته‌شده حیات داشته ودر ۷۴۱ هجری قمری که‌بقعه او ساخته شده وفات یافته بوده است پس‌میتوان‌گفت‌محمد معروف به‌باباقاسم ازعرفا وصلحای ربانی وصمدانی‌قرن هشتم هجری بوده است‌که پس ازوفات یکی از مریدان ودوستدارانش بنام سلیمان بن ابو الحسن شرف الدین طالوت دامغانی بقعه وعمارتی شایسته برمزار او بنا کرده است‌واینکه‌درکتاب تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی‌اصفهان [3] وگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان [4]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۶۰ تاص ۳۶۹. ۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۲ . ۳- تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص ۱۵۲ .
۴- گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۱۱.

کتیبه سردررا: «بتوفیق‌الله‌الفرد بلاثانی‌وهمة ولیه الربانی القطب الصمدانی محمد»
« بابا القسم الاصفهانی فی هذه المبانی تشرف العبد الجانی سلیمان ابی الحسن »
« طالوت الدامغانی» نوشته وسلیمان وابی الحسن و طالوت را یك‌شخص دانسته‌اند
اشتباه صریحی است بدو دلیل: دلیل اول اینکه در کتیبه هلال محراب تصـریح
گردیده[1]. «سلیمان‌بن‌الصاحب السعید شرف‌الدین‌ابی الحسن‌بن طالوت‌الدامغانی».
دلیل دوم اینکه اگر درعبارت: « تشرف العبدالجانی سلیمان ابی الحسن الطالوت»
« الدامغانی » ابی الحسن کنیه سلیمان بود باید مقدم بر اسم باشد و ثانیاً اینکه
باید ابو الحسن خوانده ونوشته شود وابی الحسن نوشتن آن دلیل براینستکه بعد
ازسلیمان‌لفظ (ابن) افتاده وابی الحسن‌که مضاف‌الیه ابن بوده باقی‌مانده است و در
اصل چنین بوده: «تشرف العبدالجانی سلیمان‌بن ابی‌الحسن‌بن الطالوت الدامغانی»
پس‌محرز گردیدکه‌بانی‌مقبره‌خواجه سعدالدین‌سلیمان‌پسرشرف‌الدین ابوالحسن‌بن
طالوت دامغانی بوده است . (ش ۹۲)

کتیبه‌های آرامگاه باباقاسم بردوقسم است‌کتیبه‌های تاریخی وغیرتاریخی:

۱ـکتیبه تاریخی سردر حاکی از تاریخ بنای بقعه بخط ثلث با کاشی سفید
معرق برزمینه لاجوردی چنین است:

« بتوفیق‌الله الفرد بلاثانی وهمةولیه‌الربانی القطب‌الصمدانی محمدباباالقسم»
« الاصفهانی فی اتمام هذه المبانی تشرف العبد الجانی سلیمان‌بن ابـی الحسن‌بن »
« الطالوت الدامغانی فی‌شهر سنة احدوالاربعین وسبعمأته.»که حاکی است سلیمان
بقعه را درسال ۷۴۱ هجری‌قمری بنا کرده است.

در چهار لنگه‌های مقرنس سردر مقبره بخط بنائی با کاشی معرق لاجوردی
برزمینه آجری درهرلنگه کلمه الله ودر میان سردرکلمه محمد نوشته‌شده‌است، و
در نمای مقابل سر در بخط بنائی آجری بر زمینه کاشی فیـروزه‌ای نوشته شده :
الحکم‌لله ـ الملك‌لله. در وسط مقرنس بخط بنائی باکاشی سفید بر زمینه لاجوردی

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص ۳۱۳ .



(شکل ۹۲)

جمله: العظمةلله خوانده میشود.

دربالای درچوبی بقعه درشش شمسه بخط ثلث برزمینه لاجوردی اسامی : الله ـ محمد ـ ابوبکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی خوانده میشود ولی کاشیهای شامـل نام ابوبکر وعمر وعثمان شکسته شده است .

۲ـ کتیبه تاریخی تعمیر گنبد واقع درقسمت فوقانی نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« توفیق یافت عزت آثاری آقازمان بن آقاجمال میوه فروش درتعمیر گنبد عارف معارف سبحانی باباقاسم اصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۰۴۴ کتبه محمدرضا » الامامی . »

۳ـ کتیبه هلال بالای محراب بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« امر ببناء هذه العمارة المخصوصة بالروضة المتحلیة بالنضارة المتکی علی »
« و سادة الامارة والوزارة المشرف بحلیة الصدارة المتحیر فی وصفه الاشارة والعبارة »
« مدبر امور الجمهور بنور البصارة الخواجه سعدالحق والدین سلیمان بن الصاحب »
« السعید شرف الدین ابی الحسن بن طالوت الدامغانی زید جلال قدره من خاص ماله »
« الحلال احتسابالله الملك المتعال . » که حاکی است خواجه سعدالدین سلیمان بن شرف الدین ابوالحسن بن طالوت دامغانی که از وزارت وصدارت بهره مند بوده محراب را ساخته است .

۴ـ کتیبه لوح سنگی منصوب برقسمت فوقانی پنجره مشبك دیوار شرقی سردر شامل دوحاشیه ویك متن :

عبارات حاشیه شامل صلوات برچهارده معصوم است و متن آن چنین خوانده میشود :

« بسم الله الرحمن الرحیم. سلام علی آل یس انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس »
« اهل البیت ویطهرکم تطهیراً وسقاهم ربهم شراباً طهوراً. قال النبی صلی الله علیه وسلم »
« الا و من مات علی حب آل محمد . العبد صاحب الخیرات الفقیر علی بن »
« عوض بن . . . . . . »

۵ـ کتیبه لوح سنگی دیگر منصوب برقسمت فوقانی دیوار شرقی سردر بخط نستعلیق برجسته باین شرح است :

« وقف صحیح شرعی اسلامی خود گردانید آقای هادی پاشنه ساز ولدمرحوم
« آقا مهدی تمامت حصه ورسدی خودرا از اسباب وافزار مچه شترقربانی که باو »
« میرسد بن باباقاسم که هرساله آنچه عاید میشود بمصارف بابا قاسم برسد سنه »
« ۱۲۲۹ » .

در داخل بقعه سنگ قبرقدیمی وجود دارد که اسامی چهارده معصوم برروی آن کنده شده وبرجانب غربی آن بخط ثلث برجسته چنین ثبت است :

« وفات مرحمت ومغفرت پناه الواصل الی رحمةاله تعالی پهلوان میرزاعلی بن»
« استاد حیدرفوطه باف فی خامس عشرین شهر ذیحجه سنه خمس وثمانین وتسعمائة»
و این دو شعر نیز بخط نستعلیق برسنگ نقش شده است :

« چون نامهٔ جرم ما بهم پیچیدند — بردندو بمیزان عمل سنجیدند»
« بیش از همه کس گناه ما بودولی — ما را بمحبت علی بخشیدند »

بیشتر عبارات کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده است[۱].

این اثرباستانی بموجب شماره ۱۰۰ بثبت تاریخی رسیده است[۲].

۲- دارالبطیخ :

این محل که به آن تربت نظام ومدرسه ملکشاه وتکیه پای چنار و مقبره پای چنار ومقبره نظام‌الملك ودالبتی می گویند و در عرف عوام محل همان دالبتی که مخفف دارالبطیخ باشد خطاب میکنند در محله احمد آباد که در قدیم آنجا را کران مینامیده‌اند واقع گردیده است .

چون مرکزعمده فروشی میوه وبخصوص خربزه وسبزی اصفهان در آن حدود بوده آنجا را دارالبطیخ میگفته‌اند وبتدریج تکیه یا مدرسه یامقبره که در زمان قدیم گفته میشد مثلا مقبره دارالبطیخ یعنی مقبره‌ایکه درنزدیکی دارالبطیخ قرار دارد برحسب کثرت استعمال وبرای سهولت امرفقط دارالبطیخ میگفتند وازکلمه دارالبطیخ مردم همان مقبره را درك میکردند .

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۳۱۰ تا ص۳۱۴

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۸.

دراین محل چند سنگ قبر وجود دارد که بعضی ازآنها صاحبانشان معین وبرخی دیگر عباراتی برآنها نقرشده ولی نامآنها معلوم نیست .

۱- یکی ازآن سنگها که شهرت دارد مربوط بقبر خواجه نظام الملك است روی آن چنین نوشته شده :

« وقال الله تعالی قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة الله»
« ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هوالغفور الرحیم .»درحاشیه اطراف سنگ مزبور بخط ثلث برجسته آیة الکرسی وسپس این آیات کنده شده است: «وقوله تعالی شهدالله »
« انه لااله الاهو والملائکة واولواالعلم قائماً بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . »
« انّ الدین عندالله الاسلام. قل اللهم مالك الملك توتی الملك من تشاء وتنزع الملك »
« ممن تشاء وتعزمن تشاء وتذل من تشاءِ بیدك الخیر انك علی کل شیئی قدیر وقوله »
« فسیکفیکهم الله وهوالسمیع العلیم . ».

و برجبهه فوقانی سنگ گفته شده ایـن کلمات وعبارات بخط ثلث برجسته خوانده میشود :

« واصل گشت بجوارمرحمت وغفران وفایز شد بغرفات جنان وروضه رضوان»
« حضرت مغفرت مآب قیام بصفت رحمة دیان ... المفاخر وافتخارا للاکابرواعاظم»
« الوزراءِ . . . خواجه . . . الملك .»

۲- سنگی است که شهرت دارد مربوط بقبرملکشاه سلجوقی است وآن یکی از سنگهای نفیس مرمری بطول ۱٫۹۸ متر وعرض ۴۳ و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر از ازسطح بقعه میباشد . در بالای این سنگ بخط ثلث بـرجسته سوره اخلاص و در حاشیه نخست بسم‌الله الرحمن الرحیم وآیة الکرسی و دنبال آن عبارات زیرخوانده میشود :

« قال الله تعالی شهدالله انه لااله الاهو والملائکة و اولواالعلم قائماً بالقسط »
« لااله الاهوالعزیزالحکیم . ان الدین عندالله الاسلام . قل اللهم مالك الملك توتی-»
« الملك من تشاءِ وتنزع الملك ممن تشاءِ وتعز من تشاءِ وتذل من تشاءِ بیدك الخیر انك»

« علی کل شیئی قدیر صدق‌الله العظیم . »

۳ـ سنگ مزار میرعلی‌شهید برنگ قرمز وبطول ۱/۴۵ متر و عرض ۲۵ سانتیمتر بخط ثلث چنین حجاری شده است :

« هذا قبر المرحوم الشهید افتخار الزمان سلالة الوزراءِ فی‌الاوان الواصل »
« الی رحمة‌الملك‌الولی‌خواجه جمال‌الملة والدین میرعلی‌الصاحب‌الاعظم‌المرحوم»
« خواجه . . . وتوفی فی‌یوم‌الثلثا ثالث شوال‌السنه تسع وخمسین وثمانمأة الهجریة »
« النبویة صلعم . » و دریك لوحه بالای آن‌بخط بنائی برجسته‌کتابت شده :
« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله » .

درپائین‌سنگ مزبوربخط بنائی‌دریك‌لوحه‌کلمه محمد چهارمرتبه‌تکرارشده است. درحاشیه‌آن‌ابتدا آیة‌الکرسی وسپس‌چنین پایان‌میگیرد : « صدق‌الله‌العظیم» «وصدق رسوله النبی‌الکریم خیرالکلام‌کلام‌الله ». و ازکتیبه سنگی معلوم میگردد صاحب قبریکی از وزراءِ قرن نهم و در روز سه شنبه سوم شوال سال ۸۵۹ قمری شهید گردیده ونام اوخواجه جمال‌الدین میرعلی‌بوده است .

۴ـ سنگی‌است مرمری بطول یك متر وپهنای ۲۳ سانتیمتر برروی قبریکی ازمردان زمان بنام محمد مؤمن‌که درحاشیه آن بخط ثلث اسامـی چهارده معصوم ودرلوحه آن جمله : « الحکم‌لله » ودرپائین آن اشعار ذیل‌حجاری‌گردیده است:

« فریاد ز رفتن محمد مؤمن — کز نخل‌حیات‌خویشتن‌طرف‌نبست»
« جستم زمعمائی دوران تاریخ — ترکیب وی‌ازجزوبمصرع‌پیوست »
«کزباغ اثرندیدوبیرون‌شدطوطی — وزسنگ‌اجل‌دوبال‌ومنقارشکست»

ودرطرف زیرین سنگ بخط ثلث نوشته شده : « فی سابع عشرین رمضان » « المبارك‌سنة ثلاث وعشرین وتسعمائة » که حاکی است محمد مؤمن ناکام در روز بیست وهفتم‌رمضان سال۹۲۳ هجری قمری بدرود زندگی‌گفته است وبرای‌اوعنوان ولقبی ذکرنشده و میرساند که ازمردان عادی بوده است .

۵ـ سنگ سفیدرنگ دیگری بطول۸۰/ وپهنای ۲۲/ سانتیمتر وجود دارد

که بر بالای آن بخط نستعلیق چنین حجاری شده است :

« وفات جناب مرحمت پناه جمال‌الدین ابن‌محمدبن عالیحضرت شهریار »
« خاجه صفی‌الدین محمد بتاریخ شهر رمضان سنة ثلاث وخمسین وتسعمائة . » ودر حاشیه آن بخط نستعلیق برجسته‌این اشعار خوانده میشود :

« بلبلی‌خون‌جگر‌خوردو گلی‌حاصل‌کرد — باد غیرت بصدش آه پریشان دل‌کرد »
« قرةالعین من‌آن میوهٔ دل یادش باد — که خودآسان‌بشدوکارمرا مشکل‌کرد »
« ساربان بار من افتاد خدایا مددی — که امید کرمم همره این محمل‌کرد »
« آه‌وفریادکه از دست حسودان نا گه — درلحد ماه‌کمان ابروی من منزل‌کرد »

ودربالای آن‌بخط ثلث جمله : « الحکم لله تعالی » و بردو جانب‌آن اشعار زیر حجاری‌گردیده است :

« نادعلیاً مظهر العجائب — تجده عوناً لك فی‌النوایب »
« کل هم و غم سینجلی — بولایتك یاعلی‌یاعلی‌یاعلی »

که ازمفادآن معلوم میگردد صاحب قبر جمال‌الدین‌بن محمدبن عالیحضرت شهریار خواجه صفی‌الدین محمد بوده که درتاریخ رمضان سال ۹۵۳ هجری قمری وفات کرده است . این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۱] وتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[۲] اقتباس‌گردیده است. این بنای باستانی بموجب شماره ۹۹ به ثبت تاریخی رسیده است[۳] .

۳ ـ بقعه سید حجةالاسلام رشتی :

این بقعه واقع است درگوشه شمال‌شرقی‌مسجد سید درمحله بیدآباد اصفهان ومدفن حجةالاسلام حاجی‌سید محمدباقر شفتی بیدآبادی بانی مسجد سید میباشد . آرامگاه سید مرکب است ازبقعه ورواق‌که درون آنها با تزیینات کاشیکاری ونقاشی وگچبری آراسته شده است وکتیبه‌هائی دارد :

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۲۴۳ تا ص ۲۴۴ .
۲ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص ۱۶۳ تا ص ۱۶۵ .
۳ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳ .

۱ ـ کتیبه سردر رواق بقعه‌که بمقبره و مسجد ارتباط دارد بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی نخست آیةالکرسی و پایان آن چنین است: «فاخلع نعلیك انك»
« بالوادالمقدس طوی» ودربالای کتیبه مزبور بخط ثلث این مطالب خوانده میشود:
« درزمان تولیت حضرت حجةالاسلام آقای حاج سید محمدرضا شفتی کاشیکاری »
« سردرب مقبره بسعی وهزینه آقای حاجی آقائی اتمام یافت .» .

۲ـ کتیبه سردرورودی مقبره بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی مبنی برتاریخ وفات سید حجةالاسلام چنین است :

« تاریخ وفات آیةالله العظمی فقیه اهل بیت طه و یس و ملاذالشیعة حامی »
« الشریعة الحاج سید محمد باقر الموسوی الرشتی حجةالاسلام اعلی‌الله له المقام »
« دوم ربیع‌المولود سنه ۱۲۶۰ » .

۳ـ دربالاترین قسمت جبهه سردرمقبره درکتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بعضی از آیه‌های سوره‌جمعه مکتوب وبعبارت : «۱۳۷۰» پایان میگیرد ودر میان آیات سوره مزبور در لوحی بخط نسخ زرد برزمینه لاجوردی تاریخ کاشیکاری رواق چنین بیان گردیده است :

« رواق سید در زمان تولیت حضرت ملاذالاسلام الحاج میرزا محمدعلی »
« جعفری سبط حجةالاسلام بخرج آقایان حاجی آقائی بکاشی تزیین شده . » .

۴ـ برجبهه فوقانی سردرمقبره ودیوارجنوبی رواق بقعه سید بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی اشعاری بعربی در مقام روحانیت سید و رثاءِ او بشرح زیر درج گردیده است شاعر و خطاط آن مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله نیر متوفی (۱۳۷۹ هـ . ق) میباشدکه ازفضلاء وادباء وخطاطان ومؤلفان بوده است :

« روض‌قدس ام هناجنات عدن سرنا ــ قف‌لك‌البشری‌وزرمن‌فیه‌قدنلت‌المنی»
« لهفی لفقدان مولی اعطی النعما ــ العلم والمال والترویج والکرماً »
« السید الحجةالاسلام فـی‌الزمـن ــ و باقـر منه کان‌الشرع منتظماً »
« یدعواالاله و یبکی فی تهجده ــ یجری‌الحدود من‌الخوان منتقماً »

« و مسجدا جامعاً فی‌اصفهان بنی — یعد تـالیه فـی‌الغبراءِ منعدماً »
« میراث اولاد زهـراء استردلهم — من غاصبی فدك فی‌طوفه الحرما »
« الموسوی الذی قدعاش حضرته — فی مذهب الجعفری شاخصاً علماً »
« راحت الی الروح روح منه ثاویة — واستوطن الخلد بالاجداد معتصماً »
« بدرالمضیئی مضی‌شمس‌العلی افلت — من موته صار حبل‌الدین منفصماً »
« بحرالسخا جف عین‌الدهر باکیة — فنال بالفضل عـندالله مبتسماً »
« نجم‌الهدی غاب کنزالمجد یستتر — و یعجزالمدح منه اللوح والقلما »
« و کوکب‌القدس والتوحید منتشر — فی فوته فتری‌الاسلام ملتطماً »
« یا نیر اکتبه للتاریخ من سنة : — «من‌فقدسیدنارکن‌التقی‌هدما«۱۲۶۰»

۴ ـ بردیوار دوطرف در ورودی مقبره بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی این اشعار صغیر اصفهانی خوانده میشود :

« آنکه این مسجد زیمن همتش برپا بود
تا قـیـامت آستانش قبلهٔ دلـها بود »
« زین بنا باشد صفای باطن بانی پدید
باطن جنت بلی از باطنش پیدا بود »
« کردآباد این جهان‌وآن جهان را زین بنا
مسجد اینجا و بهشت جاودان آنجا بود »
« حوض آبش میدهد گوئی خبر از سلسبیل
صحن‌آن‌چون ساحت فردوس روح‌افزا بود »
« گنبد پرنقش و ایوان رفیعش بین چسان
از بلندی طعنه زن برگنبد خضرا بود »
گرگشائی گوش جان گلدسته‌اش روزوشبان
خلق را داعی بسوی خالق یکتا بود »
« همچوطرف‌گلشن ازهرصفه‌اش نقشی بدیع
میکند جلب نظر بس دلکش و زیبا بود »

« هر بنا باشد برای حق گر ازحق نگذری
بهر بانی بهتر از دنیا و مافیها بود »
« جندا بر همت این سید عالی نسب
کز شرافت افتخار دودهٔ طاها بود »
« نام نیکش باقر و کنز علوم دین و شرع
شرح احوالش رقم بر صفحهٔ دنیا بود »
« تا قیامت گشت اندر مسجد خود معتکف
بندگی را باید اینسان بنده پابرجا بود »
« جلوهٔ حق کرده مدهوشش توگوئی تا ابد
او بود موسی و این بیت‌الشرف سینا بود »
« مجری احکام جدش مصطفی بی‌خوف وبیم
پور موسی شبل حیدر زادهٔ زهرا بود »
« گفت این تاریخ در تعمیر درگاهش صغیر
« حکم سید نشر شرع سید بطحا بود »
۱۳۶۸

این کتیبه‌حکایت میکند ازاینکه درسال ۱۳۶۸ هجری قمری آرامگاه مزبور تعمیر گردیده است.

۵ ـ در لوحه های کوچکی بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید نام بانیان کاشیکاری رواق بقعه باین شرح گفته شده‌است: «به‌هزینه مهندس‌عباس حاجی‌آقای» « به هزینه آمیرزاآقا حاجی آقای » « به هزینه آمرتضی حاجی‌آقای» « به‌هزینه آقامحمدحسین حاجی‌آقای» که درواقع چهارنفرمتحمل مخارج کاشیکاری شده‌اند.

۶ـ کتیبه درون‌گنبد بقعه بخط ثلث برجسته‌طلائی رنگ برزمینه لاجوردی بعد از: «قال‌الله تعالی» آیات ۲۹ تا ۴۶ سوره ص گچبری شده و در آخرآن سال اتمام: «۱۲۷۲ هجری» خوانده میشود.

۷ ـ کتیبه قسمت فوقانی سه‌گوشواره شرقی وغربی وجنوبی درون بقعه بخط

ثلث برجسته طلائی رنگ برزمینه لاجوردی چهارده معصوم بشرح زیر گچبری گردیده است :

« بنبی عربی ورسول مدنی واخیه اسدالله مسمی بعلی وبزهراء بتول وبام ولدتها »
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل زکی وبسجاد وبالباقر والصادق حقا وبموسی وعلی و »
« تقی ونقی وبذی العسکر والحجة القائم بالحق . الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی »
« و علیهم صلواتی وسلامی ماةالفا بلیال و نهار وغدو وعشی. »

۸ ـ کتیبه اشعار فارسی داخل بقعه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین گچبری شده :

« بسم الله الرحمن الرحیم »

« قدم زروی ادب نه دراین خجسته مقام — که جایگاه کرام است و قبله گاه انام »
« صفای کعبه و پاکی زمزم ارخواهی — مقیم باش دلا اندرین خجسته مقام »
« حریم کیست که آید پی زیارت او — زعرش روح قدس با فرشتگان عظام »
« حریم حجة الاسلام باقر ثانی — که هست حرمت او همچو کعبه دراسلام »
« طراز طره حورا برند و روضه خلد — زخاك تربت او ساکنان دار سلام »

« بیت الارشاد »

« ازآن خجسته شداین بقعهٔ شریف که هست
خجسته مدفن نوباوهٔ رسول انام »
« مگر ریاض بهشت است کز تفرج او
نسیم روضهٔ فردوس آیدم بمشام »
« برفت آن که ازو تازه بود شاخ کرم
بمرد آن که ازو زنده بود نام کرام »
« یتیم شد هنر و فضل و کس نمی بینم
بزیر سایهٔ الطاف پرورد ایتام »
« درین سرای مجازی نبست آری دل
کجا بجیفه کند میل مرغ عرش مقام »

« پیام ارجعی آمد بگوش او چه ز دوست
پرید طایر روحش ز شوق آن پیغام »

« چه بود روضهٔ فردوس منزلش آغاز
بسوی اصل خود آهنگ کرد در انجام »

« نه گشت تیره چرا آفتاب و چهرهٔ ماه
که آفتاب شریعت نهفت رخ بغمام »

« هلال وار رخش زرد بود و قامت خم
ز بسکه روز و شب اندر صیام بود و قیام »

« باب الاکرام »

« کلام او همه الهام بود زانکه نبود — بجز کلام خدا و حدیث خیرالانام »
«کسی نکرد در ایام‌او ز معن حدیث — کسی نبرد بدوران او زحاتم نام »
« موحدی که باو بود معنی توحید — مسلمی که باو بود معنی اسلام »
« شکست دام ونمود آشیان بعالم‌قدس — که می‌نزیبد طاوس‌عرش بسته دام »
« بلفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم : — چه‌بشمری‌ماتین‌است‌والف‌وستین‌عام»

۹ـ کتیبه دوضلع شمال وجنوب گوشواره غربی‌درون‌بقعه بخط نستعلیق‌طلائی رنگ برزمینه سفید اشعار زیرگچبری شده است :

« دلا بخلد برین خواهی ار گذاری‌گام — قدم گذار بدرگاه حجة الاسلام »
« کجا بلندتر از بارگاه رفعت اوست — ز بعد قبهٔ شاهنشهان عرش مقام »
« هزار قرن کند مرغ وهم اگر پرواز — بشرط آن‌که نگیرد بیك‌نفس‌آرام »
« هنوز مانده باول مقام رفعت او — دو صد هزار حجاب ودوصدهزارمقام »
« بظل پرچم امرش قلمرو خورشید — که ازسفیدهٔ صبح‌است تا بظلمت شام »
« برای مژده‌شهان تخت وتاج‌میدادند — که آورند ز خدام درگهش پیغام »
« چوآن‌همای بلند آشیان پاك سرشت — بعزم سیر بهشت برین پرید از دام »
« نوشت ازپی تاریخ رحلتش کفاش: — « که دردرج‌کرم درجنان نمود مقام »

***

« دلا قدم چوگذاری درین بلند مقام — بکن سلام نخستین بحجة الاسلام »
« سمی قبله پنجم محیط علم و عمل — طراز مسند اکرام حجة الاسلام »
« کجاست چشم حقیقت که بیندش درخلد — بصدر بزم تقرب نشسته با اکرام »
« چشیده از لب یاقوت فام حورا قوت — کشیده ازکف گوهر فشان حیدر جام »
« کسیکه جدکبارش حبیب حضرت حق — کسیکه جدهٔ او دختر رسول انام »
« روا بود که بروبند حوریان بهشت — غبار بارگهش را ز زلف عنبر فام »
« غرض رسید چوآن گلبن ریاض رسول — خزان بگلشن عمرش ز گردش ایام »
« خرد سرود بتاریخ او که ای کفاش : — « مقام را بجنان کرده حجت اسلام »

۱۲۶۰

دربالای در ورودی مقبره پنجره زیبائی منصوب است که دربالای آن بخط نستعلیق جمله : «انامدینة العلم و علی بابها ۱۲۷۲ هجری قمری»گچبری شده و در زیر آن این شعر خوانده میشود :

(یا امام حسین ادرکنی)

« درگاه توقبله گاه جان است — محراب زمین و آسمان است »

۱۰ ـ کتیبه ضریح فولادی آرامگاه بخط ثلث طلائی برزمینه مشکی شامل آیةالکرسی وسوره اخلاص ودرپایان نام خطاط وسال ساختن آن چنین است :

« و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب کتبه سلطان الکتاب کاظم الشریف ۱۳۲۲ »

۱۱ ـ کتیبه دیگر ضریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشکی مشتمل بر شجره‌نامه نسب حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی بشرح زیر نقر شده است:

« قد جد بنصب ضریح جده سمیه ابن حجةالاسلام الحاج سید اسدالله بن »
« حجةالاسلام آیةالملك العلام الحاج سید محمدباقر بن محمدنقی بن محمدزکی بن »
« محمد نقی بن شاه قاسم بن میراشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن الامیرهاشم بن »
« السلطان السید علی قاضی بن السید علی بن السید محمدبن السید علی بن السید »

« محمدبن السید احمدبن السید محمدبن السید ابی‌القاسم بن السید حمزةبن »
« الامام موسی‌بن جعفربن محمدبن علی‌بن‌الحسین‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب ۱۳۲۲ کتبه»
« الاثم فتح‌الله . » .

این کتیبه که از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده در آن کتاب پدر مرحوم سید را تقی بتاء دونقطه نوشته‌اند و همین‌طورنیای دوم (محمدتقی) او را در صورتیکه درست آن در هردو موضع (نقی) بنون است وازاینرو دراین‌کتاب درست آن نوشته شد .

۱۲ ـ کتیبه عمودی ضریح که مشتمل بر اشعار عربی در لوحه هائی بخط نستعلیق طلائی‌رنگ برزمینه مشکی است چنین خوانده میشود :

« هذا ضریح للثریا سما و شأنه فاق ضراح‌السما »
« بحجة الاسلام اعنی بـه العالم العلامة العیلما »
« باقر علم‌الله مستودع امین‌السرالغیب‌حامی‌الجمی»
« ناب عن‌الحجة فی‌عصره فکان عنه النایب الاعظما»

(عمل کمترین حاجی‌اسدالله)

« اشباله الاساد کم خلقوا لغابة المجد لهم ضیغما »
« وسبطه الباقر من طوقت کفاه اجیاد الوری العما »
« علامة الدهر الذی فخره‌السا می‌علی هام السما قدسما »
« قدخصّ فی خدمته جده وجده احری بان یخدما »
« فهاله الامر لما قد رای ضریحه قارب ان یعد ما »
« فصمم العزم لتشییده و لیس الا الرشد ان یعزما »
« وحیثما قدتم و استو ثقت ارکانه فی‌الارض واستحکما»
« وقد تعالی شأنه رفعة ارخه : «فاق ضراح السما »
(۱۳۲۲)

۱۳ـ کتیبه در ضریح آرامگاه بخط نستعلیق طلائی بـر زمینهٔ مشکی این اشعار عربی خوانده میشود :

« بحرالندی باب‌الهدی شرعة ما وافق السنة و الکتابا »
« لما دعاه ربـه مبادراً الی جنان خلده اجابا »
« فعطلت کل الوری لفقده المسجد والمنبر والمحرابا »
« ومذ تواری نـوره مستتراً عن‌الوری ارخت : « نورغابا »
۱۲۶۰
« وباقر العلم الـذی علومـه قد فتحت الی‌الهدی ابواباً »
« ونوره ان اشکلت عویصة یرفع عنها الستر والحجاباً »
« لو شجر البر غدت راقمـة و الانس و الجن معا کتاباً »
« یمدها البحر بحصر فضله لماراواالفضله حساباً »

و نیز دنباله اشعار عربی مذکور برلنگه راست درنیز این اشعار فارسی کتیبه شده است :

« مه برج ایمان که درگاه اوست سپهر برین از هجوم نجوم »
« ز بعدش برفت از حقیقت نشان ز فقدش نماند ازشریعت رسوم »
« فلك تیره‌گردیدوتاریخ گشت : « شد اندر سحاب آفتاب علوم »
(۱۲۶۰)

و برلنگه چپ درضریح بخط نستعلیق طلائی این اشعار خوانده‌میشود:

«این بقعه‌که خلق‌را شب و روز از بهر ز یارتش‌هجـوم است»
« محشر زتـوجه‌نفوس است غوغا ز تراکم نجوم است»
« هرکس که دعاکند باخلاص اینجا باجابتش لزوم است»
« از باقر علم مصطفی آنك معروف‌جهان‌بروس‌وروم است»
» مشکوة هدی نبیره او باقر که امام بر عموم است»
« آراست ضریح او ز پولاد کش‌علم بکف بسان‌موم است»
« پرسید خلف که این کرامات ظاهر زکدام مرز وبوم است»
« دانائـی بگفت بهـر تاریخ « زین مرقد باقر علوم است»
(۱۳۲۲)
« باقر علم‌آسمان علم که‌خورشید پرتورایش بود بچرخ‌مقرنس »

«ساخت‌ضریحی زبهر مرقدجدش | کامده محسود نه‌رواق مسدس »
«فردوجوداست وعقل‌گفت‌بتاریخ: | «کلی‌ایجادی ای‌ضریح‌مقدس »

(۱۳۲۲)

۱۴- بردماغه درضریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشکی نام هنرمندانی که درساختن وپرداختن ضریح‌شرکت داشته‌اند چنین گفته‌شده: «عمل استادرمضان» «طلاکوب اصفهانی - مباشر عبدالباقی- عمل‌حاجی غلامعلی -کارخانه‌اعلا - عمل» «استاد یدالله».

۱۵- بریك لوحه کاشیکاری بخط نسخ خوش که دربالای سردر ورودی رواق شرقی نصب است این دوشعر خوانده میشود:

«بنده اهل‌حقیقت خادم اهل یقین | صانع نقش علی نام امیرالمؤمنین »
«هفت‌براعدادتاریخش‌بیفزودو بگفت | «دار امن فادخلوها بسلام آمنین »

۱۳۱۵(هجری قمری)

این قسمت‌ازکتیبه هم ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده‌ولی یا عدد هفت غلط ودرست آن هشت است ویا اینکه (۱۳۱۵) نادرست وصحیح آن ۱۳۱۴ میباشد چه‌عبارت: «دار امن فادخلوها بسلام آمنین» بحساب جمل‌بالغ بر ۱۳۰۷ میشود و اگر هفت (۷) برآن اضافه کنیم میشود: ۱۳۱۴ و اگر هشت بیافزائیم میشود: ۱۳۱۵ وظاهر اینستکه کلمه هشت (۸) درکتیبه هفت (۷) خوانده شده باشد.

۱۶- کتیبه سنگاب رواق مقبره سید واقع درزیرجار آرامگاه بخط‌نستعلیق برجسته این اشعاررا شامل است:

«چو حاجی‌کاظم قاری بنا کرد | بتوفیق شه لب تشنه سنگاب »
«خداوند جهان ازروی رحمت | برویش‌بازکرد از جنت ابواب »
«بیاد تشنگان کربلا شد | روان‌سیل‌سرشك ازچشم‌احباب»
«حسین‌بن علی را یاد آرد | بنوشد هرکه ازوی جرعهٔ آب»
«بلعنت یاد آرد آل سفیان | زفرط تشنگی‌شدهرکه‌سیرآب»

« ضیاء شد بیدل و تاریخ بنوشت: « که گردد تشنهٔ از آب سیراب »
(۱۲۴۹)

ماده تاریخ مزبور بحساب جمل مطابق است با عدد ۱۲۹۲ هجری قمری و اینکه درذیل آن نوشته شده (۱۲۴۹) باعدد مزبور موافق نیست و در اصل و یادر نقل اشتباه شده است.

این کتیبه‌ها از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] اقتباس گردیده است. آرامگاه مزبور و مسجد سید چنانچه درجای خود بیان گردیده بشماره ۳۸۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2].

۴- بقعه شهشهان:

این بقعه واقع است درمحله شهشهان ودرمجاورت مسجد جامع عتیق ودارای حسینیه ومدرسه میباشد. وازآن جهت آن محله راشاه شاهان میگفته‌اندکه مسکن ومحل اقامت شاه علاء الدین محمد ازعرفا و نقبای بزرگ قرن‌نهم بوده‌که خود را شاه‌شاهان میخوانده واولادش نامشان باکلمه شاه ابتدا میشده است وگرنه پیش از آن چون آنجا جزء دردشت بوده محله در دشت خوانده میشده و پس ازآنکه از طرف‌شاه علاء الدین درآن قسمت عمارت حسینیه ساخته شد بنام‌محله حسینیه هم خوانده میشد و دنباله‌آن به‌شهشهان وشاه‌شاهان تبدیل‌گردید.

این‌بقعه مدفن شاه علاءِالدین محمد است‌که نسبش پس ازبیست ودو واسطه بحضرت رسید سجاد متصل میگردد و از احفاد علی‌اصغر فرزندسید سجاد میباشد.

پس ازآنکه بامرشاهرخ‌تیموری‌شاه علاء الدین محمد دررمضان ۸۵۰هجری قمری باتفاق عده‌ای دیگر ازبزرگان در ساوه بدارآویخته شد وبعد از هشتاد روز شاهرخ درگذشت سلطان‌محمد بهادرمجدداً باصفهان مراجعت ونعش‌شاه علاء الدین را از ساوه باصفهان نقل ودرحسینیه خودش مدفون وبرآن بقعه و بارگاهی‌بنا کرد و موقوفاتی بربقعه مزبور قرار داد ودر زمانهای بعد نیز دراین بقعه وعمارات آن

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۷۷۸ تاص ۷۸۸.

۲- فهرست‌بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۹.

اضافات والحاقاتی بعمل آمده است. درداخل و خارج بقعه تزییناتی ازکاشیکاری و گچبری اززمان‌قدیم و جدید وجود دارد وکتیبه‌هائی گوناگون از زمانهای متفاوت دیده میشود وآن کتیبه‌ها چنین است:

۱ـ کتیبه اصلی بقعه بخط ثلث گچبری شده بشرح زیراست :

« بسم الله الرحمن الرحیم».

« یا ذاکراً اخوان صدق بالصفا	ثم المقام فمروة ثـم المنی »
« انسیت راحات براح و سقیت	نغمـات اطیار تغرّد بالغنا »
« ها اذکرن عهدا قدیماً باقیاً	انسیت عهداً قد تقدم وانطوی »
« قم واخلع النعلین فی‌ارجاءما	قدقدمت هذاك وادی ذی‌طوی »
« من‌ایمن الوادی کلیم‌الله قد	حاذالهدی عیناه اذشام السنا »
« ماذلك‌النور الذی مثل‌القبس	قد ضاء الانور طه المصطفی »
« لما تجلی نوره للمرتضی	قال الولی الحق لوکشف‌الغطا »
« وابناه سبطا احمد شهدا کما	شهدالنبی بدرالدجی‌شمس‌الضحی»
« هذابسمّ قد قتل بالسیف ها	ذا صار سلطانا بطف الکربلا »
« یازائرالشاه الشهید المشتهر	هذاك سلطان دلیلا للملا »
« زرهذه روضات جنات‌العلی	والله عزبا لمعالی قد علا »
« ذا مرقدا لسعد السعید و قبره	ذامشهد الشاه الشهیدالمجتبی »
« هذا مزارالسادة الشم الاولی	خدموا المهیمن . . . سجدا »
« مجدالمؤثل‌من‌علاهم یستضئی	فی‌ذروة الاصل‌الاصیل قداعتلا »

« سلطان‌النقباءِ بالاتفاق برهان نجباء الافاق مقدم السادات السعیدالشهید »
« اعلاه الوالد والوالدون محمدبن محمدبن محمدبن یحیی‌بن محمدبن محمدبن »
« حیدربن الحسین‌بن محمدبن قوام‌الشرف ابن محمدبن قوام‌الشرف‌ابن هادی‌بن »
« اسمعیل‌بن الحسین‌بن‌علی بن‌الحسین‌بن علی‌بن عمربن الحسین‌بن علی‌بن علی‌بن »
« الحسین‌بن علی‌بن ابی‌طالب . »

« زمان صلبو الشاه المعلی وفاق المرتضی شهرالصیام »
« خـلا رمضان من امرخلابه تفطر عام اتمام الامام »
« عاقبت خیر باد کتبه العبد سید محمود نقاش . »

عبارات این کتیبه دارای غلق ودشواری است و بهمین جهت کمتر کسی است کتیبه را کامل و درست خوانده باشد آنچه دراینجا نوشته شد چیزی استکه ازمجموع گزارش باستان شناسی اصفهان و یادداشتهای مرحوم حاجی سید حسین شهشهانی متولی وقت بقعه متوفی ۱۳۴۰ شمسی وکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان بدست آورده است .

وماده تاریخ وفات شاه علاءالدین را ماه رمضان و سال ۸۵۰ هجـری قمری اعلام کرده‌است ، چه‌گفته شده رمضان که مقصودعدد (۱۰۹۱) باشد از (امر) منظور عدد (۲۴۱) خالی گردد یعنی (۲۴۱ ـ ۱۰۹۱) حاصل میشود عدد ۸۵۰که سال مصلوب شدن شاه علاءالدین است .

۲ـ بر دیوار ضلع‌شرقی درون بقعه سورت یك گلدان نقش شده‌که پیکـرهٔ گلدان‌را از پائین ببالا اشعار زیر بخط نستعلیق سفید درهم برزمینه سبز وروشن گچی تشکیل میدهد :

« بماند سالها این‌نظم و ترتیب ز ما هر ذره خاك افتاده جائی »
« غرض نقشی‌است کزما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب دلی‌روزی برحمت کند در کار درویشان دعائی »

۳ ـ در وسط پشت بغل ایوان غربی کاشیکاری شده نام استاد کاشیکار بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خـوانده میشود : « عمل میرم » « کاشی‌تراش » .

۴ ـ کتیبه درهای منبت جـدید بقعه بسبك درهای قـدیم بخط ثلث مشکی برجسته چنین است :

« هذابقعة السیدالسند والبحرالمعتمد السعید الشهیدالشاه علاءالدین محمد»

« المقتول فی‌سنة خمسین و ثمانمأته .»

۵ـ کتیبه گچبری داخل بقعه بخط ثلث سفید برزمینه قهوه‌ای وسبزوقرمز بردیوار شمالی‌باین‌شرح است :

« قداتفقت فی‌ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاعظم مولی ملوك‌العرب »
« والعجم قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین غلام باخلاص امیرالمؤمنین »
« علی‌بن‌ابیطالب علیه صلوات‌الله رب‌العالمین السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن »
« الخاقان ابوالمظفر سلطان شاه عباس‌الحسینی‌الموسوی‌الصفوی بهادرخان خلدالله»
« ملکه‌وسلطانه‌وافاض علی‌العالمین‌بره وعدله واحسانه تعمیرهذه‌البقعة‌الرفیعة من»
« برکات علیا حضرة المقدسة العلیة المغفورة سلالة العترة الطاهرة صالحه خانم»
« سلطان اسکنهاالله فی ریاض‌الجنة صارت مضجعها عاریة الی‌ان انتقل الی‌المشاهد»
« المقدسة فی‌شهر ذی‌الحجةسنة ثلاث‌و عشر والف من‌الهجرة النبویةخط‌صحیفی »
« الفارسی [1]. ».

این بقعه باستانی بموجب شماره ۳۶۸ به ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۵ـ بقعه شیخ ابومسعود رازی :

این‌بقعه واقع است درمحله معروف درشیخ ومدفن شیخ ابومسعود احمدبن فرات‌رازی میباشدکه‌بیشتر ازنویسندگان اورا ستوده‌اند منجمله ابونعیم‌اصفهانی[3] او را چنین ترجمه کرده است :

« احمدبن فرات‌بن خالد ضبی رازی ابومسعود از طبقه هفتم محدثان است»
« که فریابی وابوخلیفه وپسر ابوعاصم از اوحدیث نقل‌کرده‌اند ، اومدت چهل‌و »
« پنجسال‌دراصفهان اقامت‌کردوحدیث‌گفت ودرشعبان‌سال۲۵۸ وفات‌یافت‌ومحمدبن»
« عاصم‌اورا غسل داد وقاضی‌ابراهیم‌بن احمد خطابی براو نمازخواند ودرگورستان»
« مردبان‌دفن‌گردید .»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۳۹ تا ص۵۴۱ ۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۲. ۳ـ ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۸۲ .

« ابومسعود ازابواسامة ویعلی‌وابن نمیر وابن ابی‌فدیك وغیرآنان‌ازکوفیان»
« وشامیان روایت‌کرده واو یکی‌ازپیشوایان وحفاظ صاحب مسند وکتاب است. در»
« زمانهای پیش‌که باصفهان‌آمد قبل‌از اینکه بطرف عراق‌برودحدیث ازحسین‌بن »
« حفص‌نوشته وسپس‌بعراق مسافرت‌کرد وهنگام بازگشت در اصفهان متوطن شد .»

« ابومسعودبا شش‌واسطه‌حدیث ازپیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نقل میکرد »
« ونیز درکتاب خلدبرین[1] بنقل از ابوصالح عبدالرحمن شهرستانی‌گفته شده‌که »
« با ابومسعود بعزم‌زیارت حج وارد اصفهان شدیم و درصدد پیداکردن رفیق‌بودیم»
« که بمسافرت ادامه‌دهیم وچند روزکه ماندیم‌مشاهده‌کردیم‌مردم اصفهان حضرت»
« علی‌را سب میکنند ، چون شیخ ابومسعود چنین دید رحل اقامت افکندوگفت »
« من دراصفهان میمانم تامردم را هدایت وازاین عمل زشت دورسازم و روزها در »
« مسجد جامع رنگرزان یکی ازبزرگان صحابه را نامعلوم توصیف میکرد ولی »
« مردم نمیدانستندکه موصوف و ممدوح شیخ کیست تا اینکه اصرار کردند که »
« کسی‌راکه شما مدح میکنید مورد توجه وعلاقه وارادت ماست اورا تعیین‌کنید »
« تابشناسیم او را ، وقتی شیخ اطمینان یافت‌گفت‌که ممدوح من‌همان‌کسی‌است‌که »
« شما او را سب میکنید و دشنام میدهید و از آن روز ببعد دیگر مردم اصفهان »
« باین‌کار زشت مبادرت نکردند .».

سابقاً بقعه شیخ مرکب ازخانقاه ومدرسه ورواق وبقعه وحمام وچهارسووباغ بوده ولی بتدریج مورد دستبرد قرارگرفته وفقط بقعه مانده است وشرح خرابی‌آن بامر یکی‌ازعلماءِ درکتاب خلدبرین[2] ومیزان‌الانساب[3] مرقوم گردیده است .

بقعه مزبور دارای تزیینات و کاشیکاریهای شگرف بوده که بتدریج از میان رفته است آنچه اینك باقی‌مانده باین کیفیت است :

۱ـ کتیبه اطراف گنبد مشتمل برآیاتـی ازسوره اسری بخط ثلث برزمینه آبی‌گچبری گردیده و در ذیل آن بخط نستعلیق سفید اشعاری از محتشم کاشانی

۱ـ خلدبرین ص۱۹۲.　　۲ـ خلدبرین از ص۱۹۶ تا ص۱۹۷.　　۳ـ میزان‌الانساب چهار سوفی ص۵۸ .

کتیبه شده که تازه است .

۲ـ کتیبه سردر اصلی خانقاه بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی در دوقسمت چنین خواند میشود :

« الحمدلله الذی نورصوامع الانس وخوانق القدس بمصابیح وجودالاولیاءِ من »
« الذین جعلوا للمتقین اماماً والذین یبیتون لربهم سجداً وقیاماً والصلوة والسلم »
« علی شمس فلک الرسالة محمد المصطفی المبعوث لهدایة من کان فی الذکر مسعود »
« وعلی آله وصحبه آل التقی و النقی وبعد فقد بنی واسس فی ایام السلطان الاعظم »
« والخاقان الاعدل الاکرم واضع قوانین السیاسة رافع اساطین الحراسة حامی »
« ارباب العدالة والاحسان ماحی اسباب الضلالة والطغیان المتوکل علی المهیمن »
« الرحمان ابی المظفر یعقوب بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه بنیان هذه البقعة »
« الموسومة بالمسعودیة الرازیة من خالص ماله العبدالفقیر الی عفوالله محمدبن ـ »
« جلال الدین عربشاه کتبه العبد کمال بن شهاب الکاتب الیزدی غفرالله ذنوبهما و »
«ستر بفضله عیوبهما فی سنة ۸۹۵» ودرزیر کتیبه مزبور بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی لاجوردی در دوجانب سردرچنین خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم من تصدق بعدل تمرة من کسب طیب و »
« لایقبل الله الاالطیب فان الله یقبلها بیمینه ثم یربیها لصاحبها کمایربی احدکم فلوه »
حتی یکون مثل الجبل صدق رسول الله.»

۳ـ کتیبه اطراف سر در کاشیکاری خانقاه بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی سه بیت دریك حاشیه بطول پنج متر و پهنای ۲۵ سانتیمتر نوشته شده بوده که کاشیهای تمام مصرع اول و ازمصرع دوم فقط جمله (بکعبه مقصود) باقی مانده باین ترتیب:

«	بکعبه مقصود »
« هر که آورد رو باین درگاه	درفیضی بروی خویش گشود »
« از در اهل دل مشو غافل	کین مقامیست عاقبت محمود»

کتیبه‌ها از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده‌است [۱] . این اثر باستانی بموجب شماره ۲۱۹ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۲].

۶- بقعه صاحب بن‌عباد:

این بقعه هیچگونه اثر تاریخی وباستانی ندارد ومشهور اینستکه صاحب‌بن عباد پس ازاینکه درسال ۳۸۵ درری وفات‌کرد نعش او با تجلیل تمام باصفهان نقل ودر دهلیز خانه‌اش که نزدیك دروازه طوقچی بود بخاك سپرده‌شد وتاکنون قبرش مورد زیارت عموم است وبرخی آنرا امامزاده پلوی خطاب میکنند. صاحب‌یکی از وزرای دانشمند واديب وشاعر وسخی ودوستدار اهل‌بیت رسول بود وتمام‌دوران حیات را با تجلیل زندگی کرد وشرح‌حال‌مفصل اودرکتاب ارشاد کوهپائی مذکور است که طالبان میتوانند بکتاب مزبور رجوع‌کنند .

۷- بقعه صائب:

این بقعه اخیراً برروی سنگ مزارمیرزا محمدعلی صائب واقع درباغ خود او که تکیه صائب نیزگفته میشود ساخته شده و درکنار نهرنیا صرم درخیابان‌صائب کنونی قرار دارد ودرآن‌باغ جزقبر صائب قبور دیگری از فرزندان و کسان اونیز وجود دارد.

صائب‌ملك‌الشعراء دربار شاه‌سلیمان بوده ودرجوانی‌سفری‌بهندوستان وسپس بایران معاودت ودر اصفهان اقامت داشته است . پدرش ازتجار وبازرگانانی بوده‌که ازتبریز باصفهان آمده ودرمحله عباس‌آباد سکونت داشته وصائب دراصفهان متولد وهمانجا وفات‌کرده است .

در زمانیکه میرزا طاهرنصرآبادی مشغول تألیف تذکره خود بوده صائب را درحال حیات‌نوشته وتاریخ‌شروع نصرآبادی بتألیف تذکره خود سال۱۰۸۳ هجری بوده و چون تاریخ سنگ آرامگاه او سال ۱۰۸۷ هجری است مسلم میگرددکه

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۵۳ تاص۳۵۸ . ۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۰ .

صائب در تاریخ مزبور وفات کرده بوده است . برخی گفته‌اند تاریخ وفات او ۱۰۸۶ هجری بوده است .

درهرحال صائب پس‌ازوفات درباغ خود که شرح‌آن داده شد مدفون‌گردید ودرکنار او پسران ونزدیکانش‌نیز مدفون گردیدند ، دراین اواخر ازطرف انجمن آثار ملی بقعه‌ای برمزار او ساخته شد و ماده تاریخهائی از طرف ادباء و شعراء از آن جمله استاد جلال‌الدین همائی سروده شده است .

کتیبه سنگ مزار صائب دراطراف و بالای آن اشعاری از خود او باسلیقه مخصوصی حجاری‌گردیده است وآن اشعار بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« درهیچ پرده نیست‌نباشد نوای تو — عالم‌پرست ازتو وخالی‌است جای‌تو »
« هرچند کاینات گدای در تواند — یك‌آفریده نیست‌که داند سرای‌تو »
« درمشت خاك من‌چه بود لایق نثار — هم از توجان ستانم وسازم فدای تو »
« غیر ازنیازوعجز که‌درکشورتو نیست — این‌مشت‌خاك تیره‌چه‌داردسزای‌تو »
« صائب‌چه‌ذره‌است وچه‌داردفداکند — ای صدهزار جان مقدس فدای تو »

دربالای سنگ آرامگاه یك شعربااین‌کیفیت خوانده میشود :

« محوکی‌ازصفحه دلها شودآثارمن — من‌همان ذوقم‌که‌میبابندازگفتارمن »

و درپائین‌سنگ مزار چنین‌نوشته شده است : « تحریراً شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۸۷ فقیر محمد صالح » .

از فرزندان صائب‌که در تکیه او مدفونند :

۱- میرزا ابوالقاسم‌فرزندش متوفی ذی‌قعده ۱۱۴۰هجری ۲- میرزا محمد محسنا فرزند صائب متوفی محرم ۱۱۴۹ هجری ۳ - میرزا محمد علی‌بن میرزا رحیم صائب نواده او متوفی جمادی‌الثانیه ۱۱۴۱ هجری قمری‌که ماده تاریخ‌وفات اورا درروی سنگ مزارش چنین سروده‌اند :

« کرد رحلت ازین سرای فنا — ناصر دین یگانهٔ دوران »
« در صلاح و سخا یگانه عصر — معدن جود و مخزن احسان »
« همچو نیکان بگلشن رضوان — مرغ روحش مدام درطیران »

« چو شود جیم اضافه تاریخ میشود فاش فوت او بجهان »
« سال تاریخ او خرد گفتا : « کرده منزل بهشت جاویدان »
سنه ۱۱۴۱

درباغ صائب سنگ لوحی نیز مربوط بساختمان سدی برای مشروب‌کردن اراضی رودشتین وجود دارد که پیش در کنار نهر نیاصرم کمی بالاتر ازباغ مزبور قرار داشته است و درائر احداث خیابان بباغ آرامگاه انتقال داده شده است.

کتیبه سنگ مزبور بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« الملك لله تعالی »

« بسم الله الرحمن الرحیم »

« بحکم شاه دین‌پرورسلیمان شاه‌کیوان قدر
که تعمیر خرابی‌ها بنام او مقدر شد »
« شهی کزحکم‌جاری‌کرد منع آب ازجریان
که‌نتوانست‌نهری‌را از آن‌یك قطره‌لب‌ترشد»
« بسعی کمترین بندگان آستان قاسم
وزیر چهارده معصوم آن کز ذره‌کمتر شد »
« بمعماری مهدی الحسینی نادرالدهری
که شکل‌چرخ‌دویم‌در زمین ازوی مصورشد»
« بعرض فرصتی کم آخرین سدّ رویدشتین
بهنگام وفور آب ازنو چون مقرر شد »
« بتاریخش رقم زد خامه من مصرع دیگر :
« ز اقبال سلیمان باز نو سد سکندر شد »
۱۱۰۰

« راقمه محمد صالح غفرله »

این‌کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل‌گردیده است (۱)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۳۴ تا ص۶۳۸ .

ثبت تاریخی آرامگاه صائب درجریان است[1].

۸- بقعه کمال‌الدین اسماعیل :

این بقعه درنزدیکی مناره ساربان در محله جوباره قرار دارد وآن اطاق مخروبه‌ای است و آنجا محل دفن کمال‌الدین اسماعیل خلاق المعانی شاعر بلند پایه قرن هفتم هجری میباشد وشهرت دارد که همانجا خانه اوبوده است.

گفته شده که شدت نفاق واختلاف میان فرق‌مسلمانان خلاق‌المعانی‌را آزرده کرده بود واز برادر کشیها رنج میبرد واز فرط دلتنگی این‌اشعار را سرود :

تا در دشت هست و جوباره — نیست از کوشش و کشش چاره
ای خداوند هفت سیاره — پادشاهی فرست خونخواره
تاکه دردشت را چو دشت کند — جوی خون آورد ز جوباره
عدد خلـق را بیفزاید — هریکی را کند دوصد پاره

وگویا آرزوی شاعر برآورده شد ودرهجوم مغولان مردم اصفهان بخصـوص جوباره و دردشت موردکشتار قرارگرفتند و خودکمال‌الدین اسماعیل نیزبرحسب فساد مغول بچه‌ای زیر شکنجه مغولان بدرود زندگی گفت ودر دهلیز خانه خود مدفون‌گردید. دیوان شاعر چندبار بچاپ‌رسیده است. نسبت به ثبت تاریخی‌آن بقعه تاکنون اقدامی نشده است.

۹- بقعه علی‌بن‌سهل :

این بقعه در نزدیکی امامزاده ابراهیم در طوقچی واقع و مربوط است بـه ابوالحسن علی‌بن سهل‌بن محمدبن از هر اصفهانی متوفـی ۳۰۷ هجری قمری از اعـلام صوفیان اصفهان و از اصحاب محمدبن یوسف بنا نیای مـادری ابـونعیم اصفهانی و اورا مقامات روحانیت بجائی رسیده بود که باجنیدبن محمد و اقرانش مکاتبه میکرد.

مرحوم آخوند ملاعبدالکریم گزی درتذکرةالقبور چنین‌گفته :[2]

۱- فهرست بناهای تاریخی‌و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷. ۲- تذکرةالقبور ص۱۳۸ تا ص ۱۴۰.

« از این امامزاده طوقچی قدری پائین‌تر میرود قبر علی‌بن سهل است که از»
« عرفا بوده و تکیه‌اش سابقاً خیلی دستگاه داشته و خراب شده عمارت جدیدی»
« دارد وقبرش میان‌گنبد است واگرچه مرحوم آقا محمد علی‌کرمانشاهی درکتاب»
« خیرآتیه که در رد بر صوفیه نوشته‌اند او را سنی صوفی دانسته ولی مرحوم »
« شیخ‌بهائی اعلی‌الله مقامه درکشکول خود تمجید اونموده حکایتی نقل کرده که »
« شیخ علی بن سهل اصفهانی انفاق بسیار میکرده وقتی سئوالی شد و نداشت از »
« شخصی وجهی برای فقرا خواست آن شخص قدری فرستاده و عذر آورده که »
« میخواهم خانه‌ای بسازم شیخ گفت وجه خانه را بده بفقراء بدهم و من ضامن »
« میشوم خانه‌ای دربهشت بتو بدهند او بجهت اعتمادی‌که بشیخ داشت قبول‌کرد »
« و وجه را داد و ضمانت نامه‌گرفت و در همان سال مرد و وصیت نمود آن‌را در»
« کفنش‌گذاردند بعدآن نوشته در جانماز شیخ پیداشدکه پشتش نوشته بود تو را »
« از ضمانت بیرون آوردیم وآن‌نوشته درصندوق کتاب شیخ بود و مردم استشفاء »
« میکردند تاوقتی‌که صندوق را دزد برد وقصه‌دیگری نیزشیخ‌بهائی‌دال برمقامات»
« روحانی علی‌بن سهل نقل‌کرده‌است وظاهر حسن‌حال اواست وزیارت او وخواندن»
« فاتحه ضرری ندارد ».

مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] راجع بمقبره علی بن سهل چنین نوشته : « در انتهای محله طوقچی و درآن طرف حصار قدیم اصفهان که اکنون»
«قطعه دیواری از آن باقی است بفاصله کمی درپشت خندق شهر جائیکه در زمان»
« سلجوقیان‌محله فلفلچی‌نامیده میشده وازمحلات پرجمعیت اصفهان‌بوده‌آرامگاه»
« علی‌بن سهل واقع شده است. ازقبه وضریح علی‌بن سهل‌که ازبزرگان عرفای‌قرن»
« هشتم هجری بوده است باوجود موقوفات‌فراوان آن فعلا اثری باقی نیست‌وسالها»
« است که این بنای مشهور اصفهان بویرانی گرائیده وآنچه ازآن فعلا بر جای »
« مانده است اطاق محقر خشت وگلی است که‌جدید البنا میباشد واطراف آن‌را »
« اراضی زراعتی فرا گرفته‌است.»

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۲۹۶ .

بطوریکه ازگفته ابونعیم اصفهانی درذکر اخبار اصبهان[1] ظاهر است وفات علی‌بن سهل در۳۰۷ هجری بوده بنابراین درقرن سوم واوائل قرن چهارم میزیسته است نه‌قرن هشتم که‌درگنجینه آثار تاریخی اصفهان اشعار شده است واشتباه‌مؤلف دانشمند کتاب مزبور از این جا ناشی‌شده که ابن بطوطه درقرن هشتم در زاویه علی‌بن سهل اقامت داشته است وهیچگونه ارتباطی باحیات علی‌بن سهل ندارد .

۱- ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۴ .

گفتار دوم - درابنیه و آثار تاریخی حومه‌شهر اصفهان

الف : مناره‌ها :

۱- مناره برسیان:

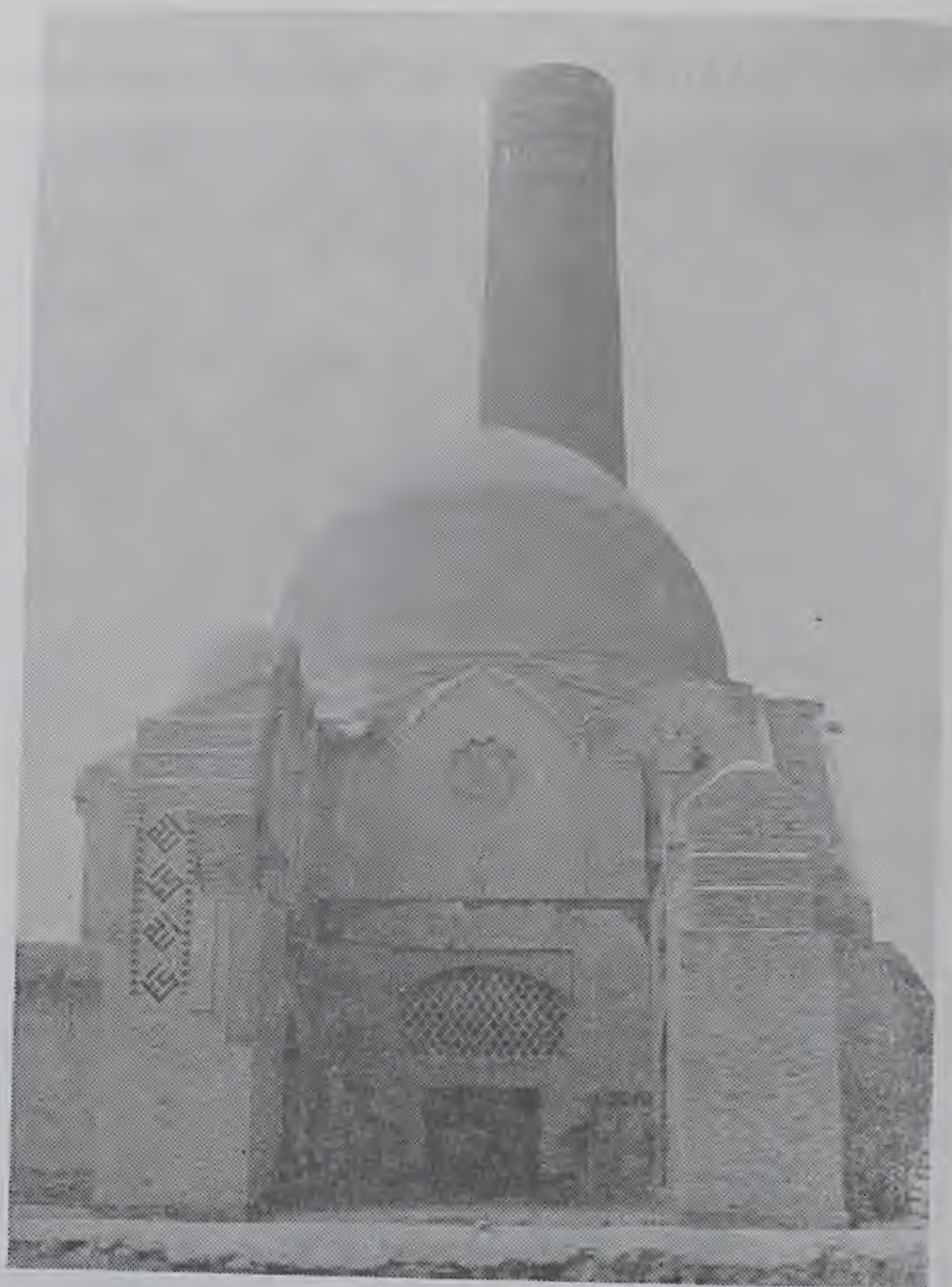
این مناره دردهکده برسیان در۴۲ کیلومتری‌مشرق اصفهان ودرمشرق‌بستر زاینده‌رود واقع وحد فاصل میان بلوك براآن و رود شتین است وسکنه آنجا نام دیه‌را بیسیون [۱] میخوانند.

سیان بروزن میان درلغت فرس‌بمعنی عشقه وپیچك است وشاید درآن‌حدود گیاه مزبور میروئیده است که‌باین نام خوانده شده‌است. (ش ۹۳)

ارتفاع مناره ۳۵ مترومیله‌ای منفرد ومدوراست.قسمت پائین آن‌آجرچینی ساده است ولی‌قسمتهای بالای آن دارای‌تزیینات آجری میباشد. تزیینات‌تاج‌مناره با بدنه آن تفاوت دارد و در این قسمت است که‌کتیبه مناره بخط کوفی ساده و با آجر که سال ساختمان مناره را ۴۹۱ هجری قمری تعیین میکند و آن کتیبه چنین است :

« وارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلواالخیرلعلکم تفلحون سنة احدی»

۱- درکتاب اوقاف ربع رشیدی فسیان نوشته شده است. اوقاف ربع‌رشیدی ص۱۴۸.



(شکل ۹۳)

«وتسعین واربعمأته [۱]» ودر دوره‌صفویه الحاقاتی شده‌که چیزی از آن باقی‌نمانده است. مناره مزبور بمسجد برسیان‌اتصال‌دارد. این اثر تاریخی‌با‌نضمام مسجد‌بموجب شماره ۲۶۵ به‌ثبت تاریخی رسیده‌است [۲].

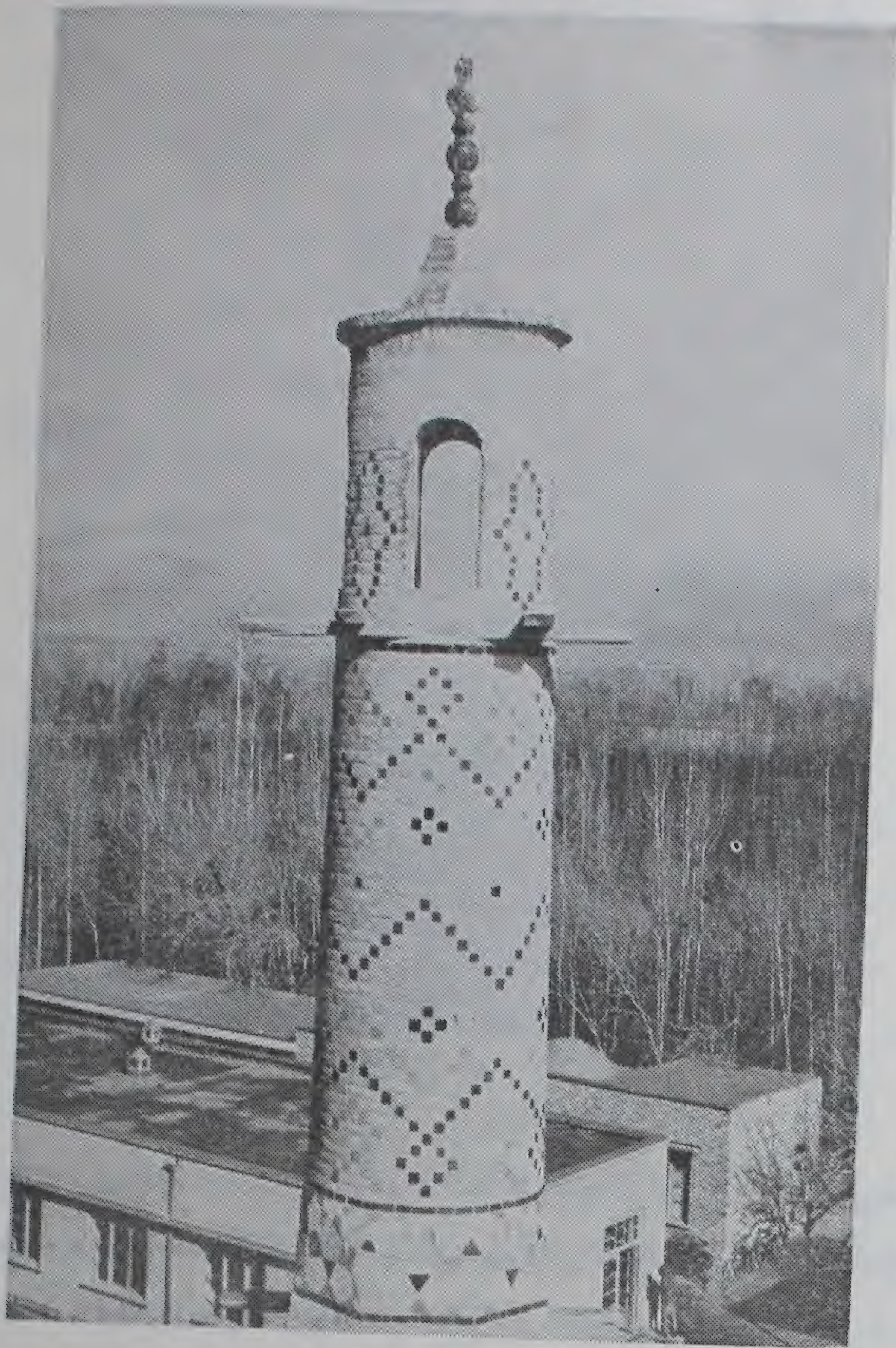
۲ـ منارجنبان :

ازبناهای جالب اطراف اصفهان بنای منارجنبان است‌که دردیه کارلادان در

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان‌ص ۱۷۵ .

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص ۲۸ .

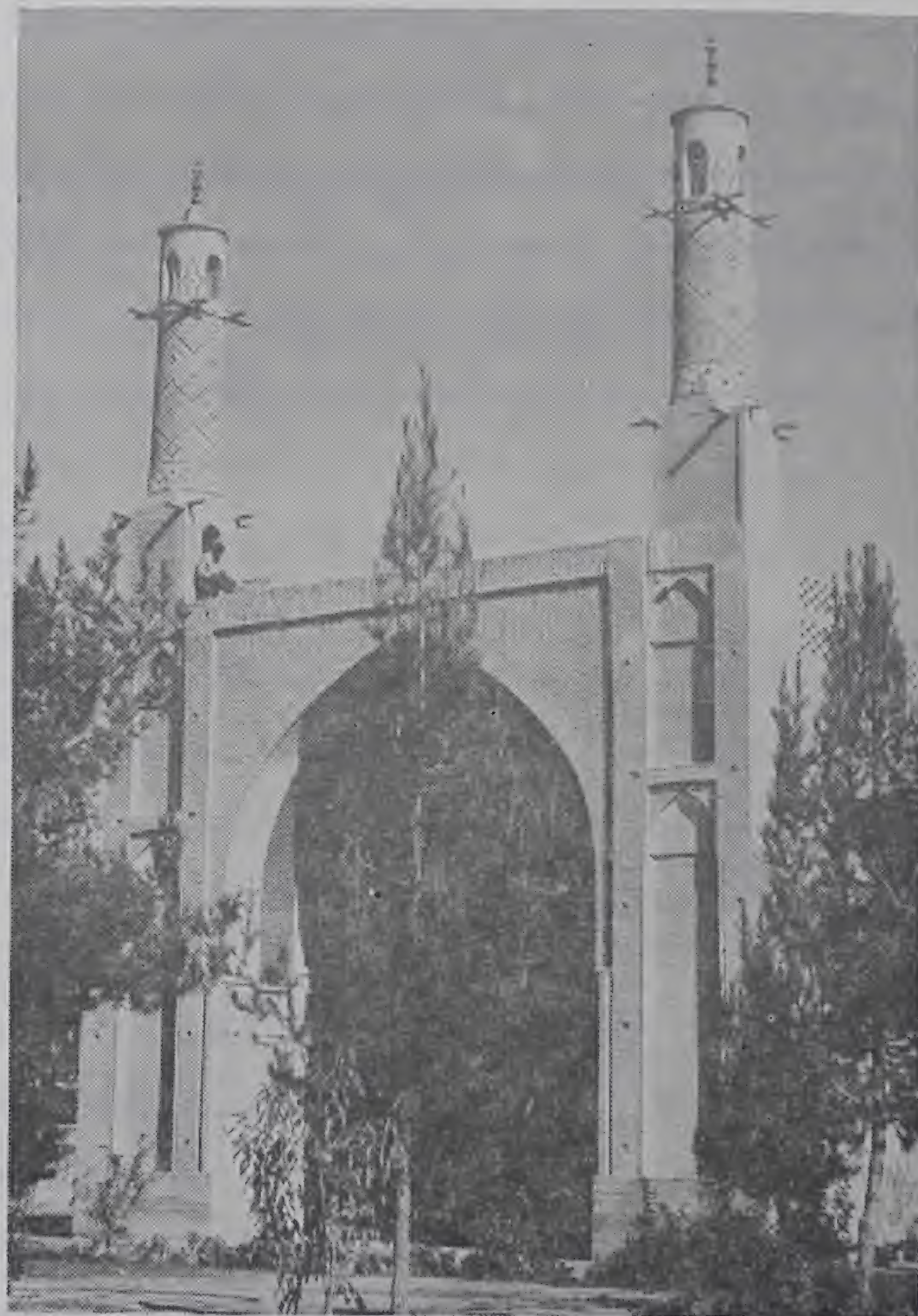
سر راه اصفهان به‌نجف‌آباد واقع گردیده است. (ش ۹۴)



(شکل ۹۴)

این بنا مرکب است ازصحن وایوان‌که مقبره عمو عبدالله درآن قرارگرفته و دومناره درطرفین‌ایوان مزبورکه بین‌آن دومناره چوبی بوضع افقی‌چنان نصب‌شده

است که اگر یکی از آن دو مناره را حرکت دهند دیگری نیز بجنبش در میآید وبین ناظران ومحققان درعلت این حرکت بحث وگفتگو است،فاضل معاصر معزالدین مهدوی رساله‌ای دراین موضوع نوشته است که مطالعه آن برای علاقمندان مفید خواهد بود (ش ۹۵)



(شکل ۹۵)

دراین بنا هیچگونه تاریخی که دلالت برشروع ویاخاتمه ساختمان داشته باشد

وجود ندارد فقط سنگ مزار عمو عبدالله میرساند که او در تاریخ ۷۱۶ هجری وفات کرده است. کتیبه سنگ مزار عمو عبدالله بر روی سنگ مرمری که بر دیوار بر روی سنگ بزرگ آرامگاه نصب شده بخط ثلث برجسته چنین حجاری شده است:

« هذه قبر الشیخ الزاهد البارع المتورع السعید المتقی عمو عبدالله بن محمد بن »
« محمود سقلا رحمة الله علیه و نور فی السابع عشرة من شهر ذی حجة سنة ست عشرة و »
«سبعمأته» و بر اطراف سنگ آرامگاه بخط ثلث برجسته سوره یس و در ضلع جنوبی بهمان خط: « کفی بالموت واعظاً » و در ذیل لوحه مزبور درسه لوحه کوچك بخط ثلث برجسته:
« قال الله تبارك و تعالی ان رحمة الله قریب من المحسنین یاعامراً لحزاب الدین مجتهداً »
ولی درخود مناره‌ها هیچگونه نوشته واثر تاریخی وجود ندارد. ارتفاع ایوان منارجنبان اززمین بقعه ده متر و ارتفاع هریك ازدو مناره ۱۷/۵ متر است. فاصله دو مناره در سطح پشت بام حدود نه متر و محیط هر مناره ۴/۵ متر و نیم است[۱]. این اثر تاریخی بموجب تصویبنامه شماره ۳۴۹ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۳ـ مناره راهروان:

این مناره درمیان کشتکارهای دهکده راهروان یا راران قرارگرفته وارتفاع آن درحدود سی متر است. سال ساختمان آن روشن نیست ولی باستان شناسان تاریخ ساختمان آن‌را میان سالهای ۵۷۵ تا ۶۸۸ هجری قمری دانسته‌اند.

کتیبه فوقانی مناره که بخط ثلث وباکاشی فیروزه رنگ نوشته شده چنین خوانده میشود:

« لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمد رسول‌الله». این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۳۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۴ـ مناره زیار:

این مناره در دهکده زیار در ۳۳ کیلومتری اصفهان قرار دارد و سه طبقه بنا شده وتاکنون خرابی درآن راه نیافته است. ارتفاع آن بالغ بر ۵۰ متر و کتیبه

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۲۷۹. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۴. ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۱.

فوقانی آن بخط کوفی برجسته باکاشی فیروزه‌ای برزمینه آجر ساده چنین است:
«بسم‌الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن‌دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال اننی»
«من المسلمین - الله‌ربی.» و هیچگونه اثری تاریخی ندارد. ولی باستان شناسان معتقدند که ساختمان آن میان سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری‌قمری اتفاق‌افتاده‌است.

این اثر تاریخی‌بموجب تصویبنامه‌شماره ۳۸۵ به‌ثبت تاریخی رسیده‌است[۱].

۵- مناره سین:

این مناره درقریه سین در ۲۵ کیلومتری اصفهان ودرجنب مسجد قدیمی آن قرار دارد ودارای دوکتیبه بشرح زیر است:

۱- کتیبه فوقانی مناره بخط کوفی برجسته باکاشی‌فیروزه‌ای‌چنین است:
«بسم الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً و»
«قال اننی من المسلمین.»

۲- کتیبه جانب شرقی قاعده مربع مناره که باپشت بام مسجد هم‌سطح‌است بخط کوفی آجری برجسته برزمینه‌آجری توأم باتزیینات ساده‌گچی درچهارسطر باین شرح:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم امر ببناءِ»
«هذه المنارة العبد المذنب الراجی لعفوالله تعالی»
«ابو اسمعیل‌محمدبن الحسین‌بن علی‌بن زکریا تقبل‌الله»
«منه وذلك فی‌رجب سنة ست وعشرین وخمسمأته»[۲]

این اثر تاریخی و مسجد سین بموجب شماره ۲۸۱ به ثبت تاریخی رسیده است[۳].

۶- مناره گز:

این مناره درگوشه شمالی مسجدگز که خود در۱۸ کیلومتری شمال اصفهان

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران‌ص ۳۲. ۲ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۹۶. ۳- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۱.

واقع شده قرار دارد، مناره مزبور درزمان آبادی ارتفاعش بیش اززمان حاضر بوده است معذلك آنچه باقی‌مانده قابل توجه است و تزیینات عالی آجری دارد. درقسمتی که باقی مانده اثر تاریخی وجود نداردولی باتوجه بساختمان نظائر آن حدس میزنند که درربع نخستین قرن ششم هجری ساخته شده باشد. این اثر تاریخی ومسجدآن بموجب تصویبنامه شماره ۳۲۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۱]

ب- مدارس :

۱- مدرسه نصرآباد :

این مدرسه در دیه نصرآباد از توابع ماربین در چهارکیلومتری مغرب اصفهان قرار دارد وبانی آن صدرالدین علی طبیب است که نیای اعلای مؤلف تذکره نصرآبادی است واین مدرسه را درقرن نهم هجری درکنار خانقاه شیخ ابوالقاسم نصرآبادی بناکرده است.

این مدرسه که باخانقاه به‌تکیه میان‌ده‌نصرآباد اشتهار دارد قسمتی ازکاشیهای کتیبه‌آن ازمیان رفته است وآنچه باقی‌مانده بشرح ذیل است :

« بناءِ این‌خانقاه‌که مزار شیخ است احداث نمود درزمان خلافت سلطان »
«جهان‌پناه... خلدالله‌ملکه وسلطانه ازخاص‌مال خودبنده درگاه‌المنیب صدرالدین»
« علی‌الطبیب بسعی بنده راجی حیدر نافجی فی‌سنة اربع وخمسین و ثمنمائة » .

ودربالای کتیبه مزبوربخط کوفی‌باکاشی‌طلائی‌رنگ معرق برزمینه‌لاجوردی آیه ۸ و ۹ سوره الدهر چنین خوانده میشود :

« وقال‌الله تبارك وتعالی ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیماً واسیراً »
« انما نطعمکم لوجه‌الله لانرید منکم جزاءِ و لاشکورا . » و سپس دربالای کتیبه تاریخی سردر درحاشیه یك‌صفحه کاشیکاری بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینهٔ لاجوردی اشعار زیرکه قسمتی ازآن ریخته است خوانده میشود :

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۱ .

« بیت معمور این‌که دارد سطح او اندر فراز
صد شرف بر سقف مرفوع ازعلو وافتخار »
« در زمان داور دوران غیاث ملك و دین
. . . . »
« . . . . لازمند
جاه و دولت فتح و نصرت بریمین و بریسار»
« کمترین بندگان آستانش صدر دین
کرد سال هشتصد وپنجاه و پنج این یادگار »

واین اشعار عربی درحاشیه افقی ذیل صفحه‌کاشیکاری وبالای کتیبه تاریخی سر در بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی خوانده میشود :

« علی‌الله فی‌کل الامور توکلی وبالخمس من‌آل الکساء توسلی»
« محمد المبعوث وابنیه بعده و فاطمة الزهرا والمرتضی علی »
« کتبه شرف‌الدین السلطانی »

بردوجرز عمودی دو طرف سردر وحاشیه افقی بالای‌آن‌که خراب شده بخط بنائی عباراتی منقوش‌بوده که قسمتی ازآن برجرز غربی باقی‌مانده و بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه آجری معرق چنین‌است :

« قال‌النبی علیه‌السلام من قال لااله الاالله دخل الجنة » درقسمت پائین‌همین جرز دریك شکل چهارگوش بخط بنائی لاجوردی برزمینه آجری نوشته شده : « درگه خلق همه زرق وفریب است وهوس[۱] » .

این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۳۵ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۳۲۹ تا ص۳۳۲ . ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص ۴۱ .

ج ـ مساجد :

۱ ـ مسجد ازیران :

این مسجد درسی کیلو متری مشرق اصفهان و در جنوب بستر زاینده رود و در دهکده ازیران قرار گرفته و مردم محل مطابق معمول خود آنجا را ازیرون تلفظ میکنند .

این مسجد که بسبك مساجد مغولی است درحال انهدام وخرابی است. در این مسجد سه کتیبه دیده میشود : یکی کتیبه خارجی گنبد مسجد بخط بنائی آجری برجسته وسفید برزمینه آجری قرمز رنگ تکرار کلمه الله اکبر .

دوم کتیبه داخل گنبد بخط بنائی آجری برجسته و سفید برزمینه آجری قرمز رنگ مشتمل برآیات اول ودوم وسوم سوره الفتح .

سوم ـ کتیبه محراب بخط ثلث گچبری برجسته برزمینه گل وبرگ محتوی برآیه ۲۸ سوره (البقرة) .

و درقسمت فوقانی منفذهای چهارگانه اطراف داخل گنبد در داخل اشکال چهارضلعی بخط بنائی برزمینهٔ شطرنجی کلمات: «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله و الله اکبر» [1] خوانده میشود . ثبت تاریخی این مسجد درجریان است . [2]

۲ـ مسجد جامع اشترجان :

این مسجد دراشترجان (اشترگان) جزءِ منطقه لنجان که تا شهراصفهان ۳۶ کیلومتر وتا پیربکران ۱۲ کیلومتر فاصله دارد واقع گردیده است ، و وجه تسمیه آن گویا این بوده که درآنجا اشتر زیاد بوده است و لذا آنجا را اشترگان یعنی جائیکه اشتر زیاد دارد و سپس در زمان تسلط اعراب براصفهان معرب گردیده و اشترجان گفته اند ویا اینکه درلهجه قدیم اصفهان جیم وکاف فارسی شبیه یکدیگر تلفظ میشده اند .

مسجد مزبور مطابق فحوای کتیبه تاریخی در زمان سلطان محمد خدابنده

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۲۸۸ .

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۷ .

اوبجاتیوی مغول بوسیلهٔ رئیس الوزرای او خواجه فخرالدین محمدبن محمودبن علی‌اشترجانی بناگردیده است. خواجه اشترجانی زمانی‌هم حاکم لنجان ودر دوره سلطان ابوسعید ازمستوفیان ومنشیان بزرگ ومدتها نیزوزیر امیرسونج از امرای مشهور سلطان ابوسعید بوده است.

مسجد جامع اشترجان از لحاظ مساحت بطول ۵۰ متر و عرض ۳۰ متر و دارای دودرب ورودی یکی درجنوب شرقی مسجد که سردرآن بارتفاع هفت متر گچبری شده وداخل‌گچبریها گل‌وبوته ایجاد شده است وکتیبه آن چنین است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. وان‌المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً فی‌سنة خمس»
«عشرة وسبعمائة.»

ودرب دیگر روبشمال است ودومناره آجری بارتفاع ۲۰ متر در طرفین‌آن قرارداردکه مقداری ازارتفاع آنها در دوره یاغی‌گری رضاخان جوزدانی وجعفرقلی چرمهینی‌خراب‌گردیده است.

ودر اطراف مناره‌ها باکاشی فیروزه‌ای وخط‌کوفی‌کلمات: الله‌اکبر نقش شده ووضع مناره‌ها طوری است‌که اگر یکی‌را تکان دهند دیگری تکان میخورد.

کتیبه اصلی این سردر بخط ثلث لاجوردی رنگ برزمینه کاشی فیروزه‌ای چنین است:

«امر ببناء هذاالمسجدالمبارك‌الصاحب‌الاعظم‌ملك‌الوزراءفی‌العالم‌فخرالدنیا»
«والدین محمدبن محمودبن علی‌الاشترجانی.» در داخل مقرنسهای کاشیکاری سر در مسجد بخط آجری برجسته برزمینه کاشی فیروزه‌ای دراشکال مربع‌مانند چهار کلمه «محمد» دریك شکل‌چهارگوش وچهارکلمه «ابوبکر» درچهارگوش دیگر وچهار لفظ «وعمر» و چهار «و عثمان» و چهار بار «وعلی» نوشته شده و در مربع دیگردنباله آن‌کلمات: رضوان‌الله علیهم اجمعین» خوانده میشود. و دریك شکل‌چهارضلعی درزیر مقرنسهابخط بنائی‌آجری برزمینه فیروزه‌ای اسامی‌چهارده معصوم ذکرگردیده است.

درقسمت بالائی درچوبی مسجد بخط ثلث فیروزه‌ای پوسته شده بـر زمینه آجری آیه ۹۶ وپاره‌ای ازآیه‌۹۷ سوره آل‌عمران باین‌کیفیت: « ان‌اول بیت‌وضع «للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین‌فیه‌آیات بینات مقام ابراهیم ومن‌دخله» « کان‌آمنا . » و در دولوحه کوچك در بالای همان کتیبه در طرفین‌آن بخط ثلث پوسته شده برزمینه کاشی فیروزه‌ای عبارات : « استاد احمد و حاجـی محمد قطاع تبریزی » نوشته شده است .

بردوجانب شرقی وغربی درورودی دردو طاقنما بخط بنائی آجری برجسته برزمینه‌کاشی‌فیروزه‌ای‌آیه ۲۸ ومقداری ازآیه ۲۹ سوره الفتح یعنی از(هوالذی ارسل تا « رحماءِ بینهم » نوشته شده است .

درچهار لوح کوچك این‌عبارات خوانده میشود : « سبحانه وتعالـی » «عما یصفون » « فسبحان‌الله حین تمسون » « وحین‌تصبحون » وله‌الحمد » .

ازکتیبه‌های‌گنبد و ایوان جنوبی مسجد مورخ بسال ۷۱۵ که بخط ثلث بـا کاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری‌گل وبرگ نوشته شده فقط‌کلمات زیر باقیمانده است :

« . . . . اتفق بعون‌الله . . . . » برجانب شرقی ایوان جنوبی دریك حاشیه گچبری آیه هائی از اول سوره یس وبرجانب غربی آن اسماءالله گچبری گردیده است .

کتیبه اصلی‌گنبد بخط کوفی برجسته برزمینه گچ ساده مشتمل بـرآیات اوائل سوره الفتح تا وسط آیه ششم است وتاریخ‌کتیبه مزبور درگوشه راست بالای محراب چنین است : « وذلك فی‌اواخر صفر سنة خمس‌عشر وسبعمائة » در زیـر پنجره‌های اطراف‌گنبد نامهای : محمد ـ علی‌ـ حسن ـ حسین‌بطور مکررگچبری شده است .

دراطراف محراب مسجد بخط کوفی‌آیة‌الکرسی وبخط ثلث‌آیه اول‌تاآخر چهارم سوره الدهر گچبری شده و درقسمت فوقانی کتیبه بخط کوفـی کبود رنگ

کلمات : « سبحان‌الله والحمدلله والله اکبر » نوشته شده است .
درحواشی محراب مسجد باخط ثلث آیاتی ازسوره التوبة وبخط‌کوفی سفید رنگ کتیبه‌ای دارد که قسمتی‌ازآن ریخته وبقیه آن چنین است : « . . . صدق » « الله العظیم وصدق رسوله الکریم فی‌سنة . . . » سطر دوم این‌کتیبه شامل سوره الضحی میباشد .
در درون محراب بخط بنائی‌گچبری برجسته برزمینه گچی این عبارات خوانده میشود : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » « اللهم صل‌علی محمد المصطفی » « وصلی‌علی علی‌المرتضی » « و اصحابه رضوان‌الله علیهم » .
آیه ۱۸ سوره آل‌عمران‌برجانب غربی محراب وسوره‌الفاتحه برجانب‌شرقی آن‌گچبری شده است .
درایوان شمالی‌بخط‌ثلث‌برجسته این‌آیه‌گچبری گردیده :
« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم . ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین» « آمنواصلوا علیه وسلمواتسلیماً » وبرطاق‌ایوان مزبور بخط بنائی‌کلمات الله‌اکبر» بطور مکرر وبرجرزهای داخل ایوان درچهارگوشهای‌کوچك : الله - محمد- علی - ابوبکر - عمر بطور پراکنده گچبری گردیده‌است .
بردیوار چهلستون شرقی مسجدلوحی سنگی‌نصب شده‌که‌کتیبه آن‌بخط ثلث برجسته چنین‌خوانده میشود :
۱- درحاشیه لوح : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انمایعمرمساجدالله من‌آمن‌بالله » « والیوم الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم‌یخش الاالله فعسی‌اولئك ان‌یکونوامن» « المهتدین صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله . »
۲- کتیبه متن لوح : « درزمان خلافة حضرة پادشاه اسلام السلطان‌الاعظم » « مالك رقاب الامم ابوالنصر حسن‌بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه تعمیریمین و » « یسار مسجد جامع‌اشترجان نمود از خاص مال خود الشیخ‌السالك المسمی بـه » « کمال‌الدین اسماعیل‌بن ظهیرالدین ابراهیم اشترجانی ابتغاء لمرضاةالله تعالی »

« امید که قبول حضرة عزة گردد واهل‌بیتش بدعا یادکنند فی‌تاریخ ربیع‌الثانی‌سنة »
« احدی وثمانین وثمنمائة . »

درمحوطه زیر گنبد مسجد سنگابی قرار دارد که بخط نستعلیق برجسته این عبارت در اطراف آن حجاری گردیده است :

« نادعلیا مظهرالعجایب . تجده عونا لك فی‌النوایب . کل هم و غم »
« سینجلی . بعظمتك یاالله بنبوتك یا محمد . بولایتك یا علی . اللهم صل‌علی »
« محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وعلی ومحمد وعلی »
« والحسن والحجةالقائم (ص) . »

« وقف شرعی مسجد جامع اشترجان نمود ابن غلامعلی - علی‌داد ساکن »
« من‌القریة سنه ۱۲۴۴ » . این‌کتیبه‌ها ازکتاب‌گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان‌اقتباس گردیده است.[۱]

این‌اثرباستانی بموجب شماره ۲۶۳ به ثبت تاریخی رسیده است .[۲]

۳ـ مسجد برسیان :

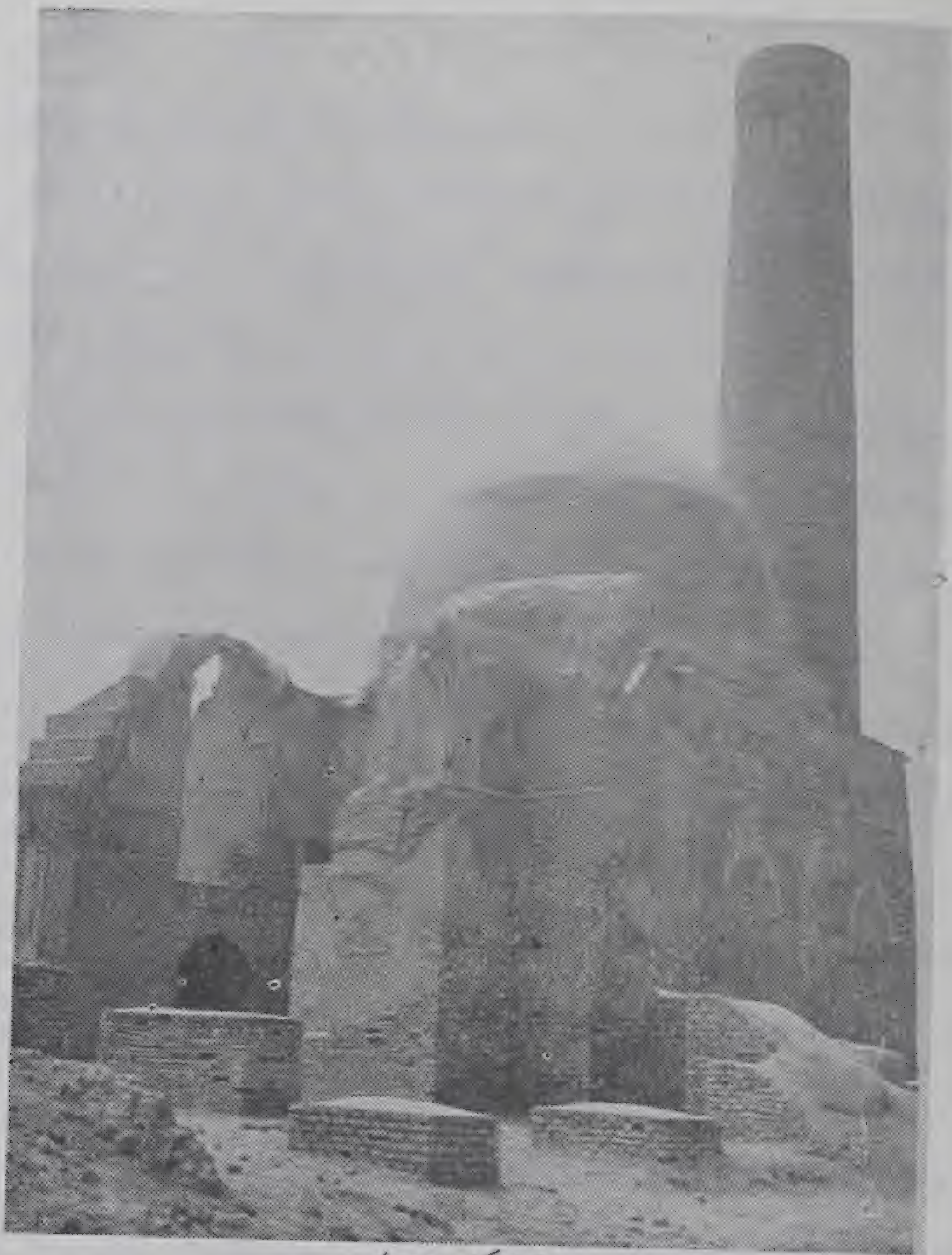
این‌مسجد همانطورکه درمناره آن یادآور شد درفاصله ۴۲کیلومتری مشرق اصفهان ودرشمال بسترزاینده رود واقع‌گردیده است . دوقسمت ازمسجد مزبور از نظرهنری قابل توجه است یکی‌گنبد ودیگری محراب‌آن .

گنبد مسجدکه شباهت زیادی بگنبد تاج‌الملك مسجد جامع عتیق دارد تاریخی که دلالت برزمان‌ساختمان آن‌کند درآن باقی‌نمانده است ولی‌معلوم است که گنبد تاج‌الملك سرمشق بنای گنبد مسجد برسیان بوده است . کتیبه داخل گنبد نصف‌آن فرو ریخته وآن قسمت که باقی‌مانده بخط کوفی ساده آجری از ابتدای سوره الفتح‌شروع و چندآیه‌کتیبه شده‌است وآنچه باقی‌است تاریخی‌ندارد.

محراب مسجدهم از نظر هنری جالب‌توجه است و آجرتراشی و گچبری آن‌امتیاز خاصی دارد وتعلق آن بدوره سلجوقیان محرز میگردد . (ش۹۶)

---

۱ ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۲۶۷ تا ص۲۷۹. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳ .



(شکل ۹۶)

کتیبه اطراف محراب بخط کوفی برجسته آجری برزمینه تزیینات گچی گل‌وبوته‌ای چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انما یعمر مساجدالله من‌آمن بالله و الیوم‌الاخر و »
« اقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی‌اولئك ان یکونوا من‌المهتدین فی»
« شهرالله المبارك رمضان سنة ثمان وتسعین واربعمائة . »

وحکایت میکند که بنای محراب مزبور در سال ۴۹۱ هجری قمری و زمان سلطنت برکیارق‌بن ملکشاه انجام شده است .

در داخل مقرنسهای آجری محراب بخط کوفی ساده آجری برزمینه گل و بوته گچبری شده این عبارات خوانده میشود :

دریك شمسه میان محراب جمله: « الحمدلله » و درردیف اول قطار محراب شش طاس باین شرح : « الملك لله » « العظمة لله » « القدرة لله » « القوة لله » « المنة لله » « العزة لله » .

و در ردیف دوم چهارطاس که یکی از آنها نابود شده وسه دیگر چنین است : « الله الخبیر » « قدیرالکبیر » « فله الحمد » ونیز بخط ثلث این کلمات گچبری شده : « یا حنان . یامنان . یا سبحان . یا دیان » .

برازاره‌های میان محراب جملات زیر خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » « وهوالسمیع‌البصیر » در شمسه های هلال وسط محراب بخط کوفی مشبك کلمات : یاحنان . یامنان . یا سبحان . یا الله . یادیان . گچبری گردید است .

در دوره صفویه در محور محراب الحاقاتی بعمل آمده و از کتیبه خط ثلث کاشیکاری معرق این قسمت فقط چندکلمه بشرح زیر باقی مانده است :

« . . . . الاعظم . . . . الافخم وزوجته . . . . »

ونیز روی کتیبه مزبور دریك دائره بخط ریحان این کلمات باقی مانده است: « . . . الشهیدبکربلا وعلی بن . . . . » واز همین کلمات است که الحاق آن به‌مسجد دردوره صفویه احراز میگردد چه پیش از صفویه چنین امری رایج نبوده است . این مسجد ومناره آن چنانکه درباب مناره آن متذکر گردیده بموجب شماره۲۶۵ به ثبت تاریخی رسیده‌است.[۱] کتیبه های مسجد ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس گردیده است.[۲]

۴ـ مسجد جامع دشتی :

این مسجد درساحل جنوبی زاینده رود واقع وتا اصفهان ۱۸ کیلومتر فاصله

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۲۸ .   ۲ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۱۷۵ تا ص۱۷۸ .

دارد وضع ساختمان آن بمسجدکاج شباهت دارد . دراطراف مسجد مزبورکه بقرن هشتم تعلق‌دارد ساختمانهائی شده بوده‌که ازمیان رفته‌است ونیز دومناره درنیم‌قرن پیش وجود داشته‌که‌آن دو مناره را برای مصالح‌آن خراب کـرده‌اند . دهانه‌گنبد مسجد چهارده متر ودر زیر سقف‌آن عبارت: الله ومحمد وعلی بخط‌کوفی نقش‌شده است و هیچگونه خط واثری دیگر باقی نمانده است(۱) این‌مسجد بموجب شماره ۳۴۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است .(۲)

۵ـ مسجد سروشفادران :

این مسجد درديه سروشفادران ازقرای بلوك براآن در۲۹کیلومتری جنوب شرقی اصفهان ودرساحل شمالی‌زاینده رود قرارگرفته است . سروشفادران بمناسبت بنای آتشکده سروش‌آذران درآن باین‌نام خوانده شده است ولی اکنون اثری از آن آتشکده وجود ندارد وفقط همین‌مسجد است که درزمان شاه طهماسب صفوی بناشده است .

کتیبه سردر مسجد بخط ثلث باکاشی لاجوردی برزمینه آجری‌که مقداری ازکاشیهای آن ریخته شده چنین است :

« در ایام خلافت سلطان الاعظم نیراوج فیض وکرم اختر برج مکارم و نعم »
« السلطان‌بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه بنا نمود »
« این مسجد را ابن یوسف محمد سروشفادرانـی اتمام داد سنه ۹۷۶ . . . خط »
« میرعلی بنا . » (ش۹۷)

واین کتیبه حـاکی است در عهد سلطنت شاه طهماسب محمدبن یوسف سرو شفادرانی درسال ۹۷۴ هجری قمری مسجد مزبور را بناکرده وخطاط آن میرعلی بنا بوده است . در بالای اسپرهای دو طرف سردر دو لوحه بخط آجری بـرزمینه کاشی‌لاجوردی وجود دارد که درآن دولوحه چنین نوشته شده است :

۱ـ درسال ۱۳۳۵ شمسی که تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان تألیف شده کلمات الله و محمد وعلی باقی‌بوده است ولی در۱۳۴۴ شمسی که‌گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف‌شده آن کلمات هم وجود نداشته‌است.

۲ـ فهرست‌بناهای تاریخی واماکن‌باستانی‌ایران ص۳۶.



(شکل ۹۷)

« بعون ولی داد این زیب را　　　میر محمود ابن میر علی »

که از فحوای این شعر معلوم میگردد که زینت آرای اسپرها میرمحمود پسر میرعلی بنا وخطاط بوده است.

فرد اول شعر ظاهراً این طور باشد:

داد این زیب را بعون ولی　　　میرمحمود ابن میرعلی

صحن مسجد کوچك و آثار قابل توجهی ندارد ولی در آن قدیمی است و اشعاری بخط ثلث برجسته بر آن کنده شده است :　　　(ش ۹۸)



(شکل ۹۸)

« محمد عربی آب روی هر دو سرای
کسیکه خاك درش نیست خاك برسر او »

« شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعـل روح پرور او »

« که من مدینه علمم علی دراست مرا
عجب خجسته حدیثی است‌من سگک دراو »

این‌کتیبه ها نیزازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان‌گرفته شده است.[1]
ثبت تاریخی مسجد درجریان است.[2]

۱- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان از ص۸۶۰ تا ص ۸۶۲.   ۲- فهرست بناهای‌تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص ۳۳۷.

۶ـ مسجد سین :

این مسجد در قریه سین که تاگز شش کیلومتر فاصله دارد واقع و مسجد و مناره‌اش اختصاصات دوره سلجوقی را حفظ کرده‌اند . صحن مسجد وسعت زیادی ندارد وطول وعرض آن درحدود هفت متر است ، محل دخول مسجد درضلع شمالی وایوان اصلی که بگنبد منتهی میشود درطرف جنوب میباشد .

قسمت جلوی ایوان بکلی تازه ساز وقسمت عقب که گنبد در آن است بطول ۶/۵ و عرض ۴ متر مشخصات سلجوقی خود را حفظ کرده است . طاق گنبدی‌وار آن ازمقرنسهای درشت آجری وشبیه بآن دسته ازطاقهای مقرنس‌دار آجری‌مسجد جمعه اصفهان ترکیب شده است . خطوط گچبری اطراف محراب مسجد بـرزمینه آبی ابتداء : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » وسپس آیة‌الکرسی خوانده میشود .

درقسمت فوقانی‌محراب گچبری ودرزیرمقرنسهای آجری بریك لوح‌سنگی بطول ۸۰ وعرض ۴۰ سانتیمتر کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته چنین‌خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم امر ببناءِ هذه القبة واتمامه العبد المذنب الراجی »
« لعفوالله تعالی ابوغالب یحیی‌بن ابوسعیدبن زکریا تقبل‌الله عزوجل‌منه‌وغفرالله‌له »
« ولوالدیه ولمن‌دعاله بالمغفرة و بنی‌الله له بیتا فی‌الجنة وذلك فی‌شهور سنة تسع»
« وعشرین وخمسمائة » .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که‌کتیبه ازآن اقتباس گردیده: «وغفرالله» بدون له نوشته شده در صورتیکه درست آن « و غفرالله له » میباشد زیرا در جمله قبل : (تقبل‌الله) الله ذکر شده وبعداز غفر باید مفعول مع‌الواسطه ان ذکرگردد و وقتی غفرالله له خوانده شود عبارت درست میگردد . این‌اثرباستانی چنانکه‌درباب مناره آن‌گفته شده بموجب شماره ۲۸۱ به ثبت تاریخی رسیده است.(۱)

۷ـ مسجد گز :

این‌مسجد درقریه‌گز که تا اصفهان ۱۸ کیلومترفاصله دارد واقع ویك‌مسجد چهار ایوانی‌است که‌درزمان‌سلاجقه ساخته شده وبر اثر تجدید ساختمان امتیازات

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۲۹ .

زمانی خود را ازدست داده است .

صحن مسجد بشکل مربع وطول وعرض آن هریك ۱۲ متراست ایـوانهای شمالی وجنوبی وشرقی وغربی آن دوبدو قرینه یکدیگر ساخته شده‌اند وآثـار قابل توجه آن از دوره سلجوقیان درایوان غربی مشاهده میشود. پشت بغل هرمدخل دارای دوقسمت برجسته مدور درچپ وراست میباشد که نام خدا وپیغمبر و خلفاءِ راشدان برآنها منقوش بوده ونام خلفای سه گانه اول‌را محو کرده‌اند ، محـراب سلجوقی آن درضلع جنوبی قرارگرفته و درقسمت فوقانی آن جای یك کتیبه دیده میشود ولی اثری ازخود کتیبه نیست ، درضلع شمالی وغربی ایوان تزییناتی باقیمانده که تاریخی ندارد وشاید ازدوره صفویه باشد .

ایوان جنوبی درزمان شاه‌اسماعیل تجدیدساختمان وکتیبه آن چنین گچبری شده است :

« جدد هذه‌العمارة فی‌زمان‌السلطان الهادی الجلیل ابی‌المظفر السلطان شاه » « اسمعیل خلدالله . . . » و در یك شکل چهارگوش بخط بنائی صلوات برچهارده معصوم گچبری شده و در چهار شکل مربع دیگر در چهار گوشه آن بخط بنائـی کلمات زیر گچبری گردیده است :

« الله‌اکبر » « محمد » « و علی » « الحکم‌لله » . بردیوار شـرقی ایوان شمالی مسجدگز لوحی دایره مانند وبقطر تقریبی/۵۰ سانتیمتر نصب و بـرروی آن اشعاری حجاری گردیده است ودروسط آن این عبارت خوانده میشود : « عمل کربلائی‌محمدتقی دهقی۱۳۰۵».

درایوان شرقی‌هم کتیبه‌ایست بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی که پس‌ازجمله : «قال‌الله تبارك و تعالی» آیه ۳۵ سوره النور نوشته شده و درپایان آن چنین خوانده میشود : « صدق‌الله‌العلی‌العظیم کتبه محمدباقر الشریف‌الشیرازی فی‌سنة ۱۲۵۹ » ونیز دردوشکل مربع بخط بنائی مشکی برزمینه کاشی فیروزه‌ای معرق خوانده میشود : « لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله » ونیز دردوشکل

مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی معرق درسمت راست وچپ چنین نوشته شده :

« این بنا از توماند در عالم »

« عمل العبد . . . الی الله الغنی حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی» « سنة ۹۵۲ » وبردولنگه در مسجد بخط ثلث برجسته خوانده میشود : « و ان ـ المساجدلله فلاتدعوا مع الله احداً». درایوان غربی دریك دائره بخطکوفی باآجر برزمینه گچ: « لااله الاالله وحده » و دردائره دیگر : «لاشریك له محمدرسول الله» و دراسپرهای اطراف ایوان بخط بنائی مشکی برزمینه سفید : « یا الله » « محمد » « یا علی » خوانده میشود .

کتیبه اطراف محراب ایوان مزبور بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فیروزه‌ای شامل آیه ۱۷ و قسمتی ازآیه ۱۸ سوره آل عمران و در داخل محراب بخط کوفی فیروزه‌ای برزمینه آجری : « الله اکبر » خوانده میشود .

این مسجد بطوریکه درشرح مناره آن گفته شده بموجب شماره۳۲۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است.[۲]

د ـ کلیساهای جلفا :

مطابق روایات تاریخی شاه عباس اول درسال ۱۰۱۳ هجری قمری عده‌ای از مردم ارمنستان را باصفهان کوچ داد وآنان درساحل زاینده رود منازلی برای خود ساختند وبرجمعیت آنان بتدریج افزوده میشد و ازاطراف ایران عیسویان بآنجا مهاجرت میکردند وهمین محل بود که بعدها بنام جلفا نامیده شد وشاه عباس مقرر داشت که کسی ازمسلمانان درآنجا ساکن نشود وبرای ساکنان محل مزبور امتیازاتی

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۱   ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۱۸۷ تا ص ۱۹۱ .

ازقبیل آزادی درمذهب وکار ووضع زندگی بآنان داد وچون اراضی محل‌سکونت آنان متعلق بشخص‌شاه[1] بود زمین مزبور را بموجب فرمان زیربآنان واگذارکرد وآن فرمان اینست :

« بنده شاه ولایت عباس »

« حکم مطاع شد . آنکه دربنوقت بنابرعنایت بی‌غایت شاهانه و شفقت »
« بلانهایت پادشاهانه درباره ارامنه جولاه وترفیه حال‌ایشان اراضی وزمین واقعه »
« در کنار رودخانه زاینده رود دارالسلطنه اصفهان که ایشان آنجا خانه ترتیب »
« داده‌اند وملك نواب همیون ماست بانعام ایشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم . »
« مستوفیان‌عظام‌کرام دیوان زمین‌مذکور را ازملکیت دیوان‌برطرف ساخته بانعام»
« ارامنه مذکور در دفاترعمل نمایند. وزیر وکلانتروعمال اصفهان حسب‌المنظور»
« مقرردانسته‌ازفرموده درنگذرندوزمین‌مذکوررا بانعام‌ایشان مقرر دارند.تحریراً»
« فی‌شهر شوال ۱۰۲۸» .[2]

پس‌ازاینکه وضع سکونت ارامنه جلفا سروصورتی یافت شاه عباس اندیشید که عبادت‌گاهی نیز برای آنان فراهم کند و از اینرو دستور داد کلیسائی برای آنان ساخته شود ودرسال ۱۰۲۳ قمری این‌فرمان صادرگردید :

« فرمان همایون شد »

«آنکه‌کشیشان ورهبانان وملکان‌وریش‌سفیدان وکدخدایان ورعایای‌ارامنه»
« ساکنین دارالسلطنه اصفهان بعنایت بی‌غایت شاهانه وشفقت ومرحمت بی‌نهایت »
« پادشاهانه مفتخر وسرافراز وامیدوار بوده بدانند که چون میانه نواب کامیاب »
« همایون ، وحضرات سلاطین‌رفیع‌الشأن مسیحیه خصوصاً سلطنت وشوکت‌پناهی »
« قدوة السلاطین العیسویه حضرت پاپا وپادشاه اسپانیه کمال محبت ودوستی‌است »
« و درمیانه ما وطوایف مسیحیه از اطراف وجوانب بدین‌دیار آیند وآمدوشد »
« نمایند وچون دارالسلطنه اصفهان پای‌تخت است وازهمه طبقه و مردم هرملت »

۱ــ گویا مربوط بدیوان بوده و چون پادشاه حاکم مطلق بوده اختیار بخشش زمین نیز با او بوده است . ۲ــ زندگانی شاه‌عباس اول ج۳ ص۲۱۳.

« درآنجا هستند میخواهیم که بجهت مردم مسیحیه دارالسلطنه صفاهان کلیسای »
« عالی درکمال رفعت وزیب وزینت ترتیب دهیم که معبد ایشان بوده باشد وجمیع »
« مردم مسیحیه درآنجا بکیش و آئین عبادت نمایند وکسی نزد حضرت پاپا خواهیم »
« فرستاد که یکی ازکشیشان ورهبانان ملت مسیحیه بدارالسلطنه مذکور فرستند »
« که درآن کلیسا بآداب عبادت قیام نموده وطوایف مسیحیه را بطاعت رعبادت ترغیب »
« نماید ومانیز ازثواب آن عبادت بهره‌مند باشیم وچون چند عدد سنگ بزرگ »
« در اوچ کلیسای ایروان بود وعمارت آن کلیسا منهدم گشته خرابی تمام بآن راه »
« یافته بودکه دیگر شایستگی تعمیر نداشت وکشیش آنجا استخوانهای پیغمبران »
« را که درآن مکان مدفون بود ازآنجابیرون آورده بجماعت ترسا ونصارافروخته »
« آن مقام را ازعزت وشرف انداخته بود بنابراین آن سنگهای مذکور را ازآنجا »
« بیرون آورده روانه دارالسلطنه اصفهان فرمودیم که درکلیساء عالی که درآنجا »
« ترتیب میدهیم نصب فرمائیم. میبایدکه چون سنگهای مذکوررا بدانجاآوردند »
« همگی طوایف مسیحیه را جمع نموده واز روی تعظیم واحترام تمام استقبال کرده »
« سنگهارا آورده باتفاق سیادت‌پناه وزارت واقبال‌دستگاه شمساللوزارةعلیا وزیر »
« دارالسلطنه مذکور و رفعت پناه محب علی‌بیك لله درجائی که مناسب دانند »
« بگذارند وباتفاق یکدیگر معماران خاصه شریفه را همراه برند ودرپشت باغ »
« زرشك درزمینی که بجهت کلیسا قرار داده بودیم کلیسای عالی طرح نمایند که »
« کشیشان وپادریان عظام قرار دهند وطرح آنرا درتخته و کاغذ کشیده بخدمت »
« اشرف فرستاده که ملاحظه نمائیم وبعد از ملاحظه امرفرمائیم که استادان شروع »
« درکار کرده باتمام رسانند و دراین‌باب اهتمام لازم دانسته بهمه جهتی بشفقت »
« بیدریغ خسروانه امیدوار باشند . شهر شعبان سنه ۱۰۲۳ »[1] و بر حسب این فرمان کلیسای وانك ساخته شد .

کلیساهای جلفا بردوقسمند دسته‌ایکه اهمیت تاریخی و باستانی دارند و »

۱ــ تاریخ زندگانی شاه عباس‌اول ج ۳ ص۱۵ - ۲۱۴

« برخی دیگرکه از نظر تاریخی مهم نیستند، از دسته نخست است :

۱- کلیسای وانک :

مهمترین کلیساهای مشهور تاریخی جلفا از نظر معماری ونفاست و تزیینات هنری کلیسای سن‌سور مشهور به‌کلیسای و انك میباشد این کلیسا برروی کلیسای دیگری‌که ساختمان‌آن مربوط بسال ۱۶۰۵ میلادی بوده بناگردیده است .کلیسای مزبور را بنام‌آمناپرکیچ یعنی نجات دهنده نیز میخوانند .

کلیسای وانك در سال یکهزار وشصت وپنج هجری قمری از محـل اعانات مردم جلفا ساختمان آن‌آغاز و در ۱۰۷۴ هجری بپایان رسیده است . داخل ایـن کلیسا پرازتزیینات و نقاشیها و ازاره‌های آن با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده است . تزیینات ومعماری وطلاکاری آن کار استادان ایرانی و نقاشیهای آن بوسیله هنرمندان ارمنی‌واروپائی انجام‌گردیده است.کتیبه‌های‌کلیسای وانك‌بشرح زیر است : (ش ۹۹)

الف ـ کتیبه سردر اصلی درجانب غربی‌آن واقع وبخط ارمنی طلائی‌رنگ برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی چنین‌است :

« درسال ۱۱۰۴ ودرعهد سلطنت شاه عباس‌دوم درزمانی‌که خلیفه اعظم ارامنه »
« دراوچ کلیسا بافیلیپس بودوخلیفه این‌وانك داوید وارتابد ازخلیفه‌های‌کلیسای»
« وانك بود ساختمان این‌کلیسا ازمحل‌کمکهای مردم‌خیرجلفا شروع شد ودرسال»
«۱۱۱۳ بپایان‌رسید. ثواب عباداتی‌که دراین‌کلیسا برگزارمیشود عایددرگذشتگان»
« و بازماندگان بشود . » .

داخل‌کلیساچهارکتیبه‌است‌که همه بخط ارمنی‌طلائی‌رنگ برزمینه‌لاجوردی گچبری شده است ومفادآن چهارکتیبه چنین است :

یکم ـ کتیبه جبهه شمالی داخل‌کلیسا : « درتاریخ پنجم فوریـه ۱۱۱۸ »
« (۱۶۶۹ میلادی برابر ۱۰۷۹ هجری) خواجه آودیك که نقاشیهای این‌کلیسا »
« را بیادبود خود ودرگذشتگان خانواده‌اش بیادگار گذاشته است رحلت کرد و به »



(شکل ۹۹)

« مسیح پیوست . »

دوم ـ کتیبه جبهه جنوبی : « بازهم درپیشگاه مسیح از خواجه آودیك و »
« فرزندش ماردیروس و فرزند متوفی اوساهاك و تمام خویشاوندان نزدیکش »
« یادآوری کنید . ».

سوم ـ کتیبه جبهه جنوبی مقابل در ورودی : « از خواجه آودیك و زنش »
« مالتان سلیم ودخترهایش گل‌صنم وبدری ومریم تاتیك درپیشگاه حضرت‌مسیح »
« یادآوری کنید سال۱۱۱۹ (برابر ۱۶۷۰ میلادی و ۱۰۸۰ هجری) » .

چهارم ـ کتیبه جبهه غربی دربالای در ورودی اصلی : « درپیشگاه مسیح »

« بیاد آورید ازآودیك و فرزندش ساهاك و ماردیروس و نوادههایش: امیر آقا و»
« آنائی ومارگاریت وخواهر شوهرمارگاریت زیبی ته و (د . خ . ن) ».

ب- کتیبه سردرشمالی کلیسا در زیر تابلو نقاشی که نمایش دهنده دفن حضرت مسیح است بخط ارمنی مفادش چنین است :

« درسال ۱۸۵۷ (میلادی) محوطه کلیسا بوسیله خلیفه طاطاوس تعمیر شد»
« ونقاشیهای داخل کلیسا گردگیری وپاك شد . ».

ج - کتیبه داخل کلیسا درشاه نشین بخط ارمنی طلائی بر کاشی لاجوردی مفادش چنین است :

« در زمان خلیفه موسس وارتابد جلفائی این کلیسا کاشی کاری شد بتاریخ »
«۱۱۶۵ (۱۷۱۶ میلادی برابر ۱۱۲۸ هجری) ».

د - کتیبه کاشیکاری مدخل کلیسا بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینهٔ لاجوردی مفادش باین شرح است :

«این کاشیکاری بیادگار مرادخالداریان وپدرش خواجههوهانس ومادرش وزنش»
« مریم تاتیك وپسرانش ماردیروس واوهان ودخترانش پاراسی ومورا سه وگل نبات »
« و نوادهاش مارکار و بـرادران مرحومش مارکار و زادور و آواك و خواهرانش »
« تاماروای بیرس انجام شد یادگاری ازمراد وبرادرش (بارون هاکوپ جان) بتاریخ »
« ۱۱۵۹ (۱۷۱۰ م برابر ۱۱۲۱ هجری) ».

ه - کتیبه برج ناقوس درسه سطر بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مفادش چنین است :

« درتاریخ ۱۱۵۱ (۱۷۰۲ میلادی برابر۱۱۱۳ هجری) این ساختمان بنام»
« فرشتگان مقرب خدا جبرئیل ومیکائیل در دوره سلطنت شاه سلطان حسین که »
« پادشاهی آرام وصلح دوست است وزمانی که خلیفه بزرگ جلفا الکساندروارتابد »
« بود بانظارت خلیفه دیگری بنام موسس بهزینه حضرت هوهانجان جامـالیانس »
« بیاد بود پدرش خواجه هوهانس و مادرش جنیادین و دخترش بـرزاده و پسر »

« جوانش هوهانس وبرادر بزرگش بارون گریگوروبرادر زاده‌اش هوهانس وبیادبود »
« آمرزش درگذشتگان و بازماندگان خانواده‌اش بناگردید . ».

و ـ کتیبه زیر برج ناقوس برروی آرامگاهی که دراطراف سنگ آن تصویرهائی ازسربازان حجاری شده چنین نوشته شده است :

« رستم خان سوقمن انیکلپیان ۱۸۴۳ » . درشرح قبور ارامنه گفته شده که رستم خان برادر منوچهرخان معتمدالدوله گرجی بـوده و در ۱۲۵۸ هجری قمری مقارن حکومت معتمدالدوله دراصفهان کشته شده است وچون ارمنی مسیحی بوده درآنجا دفن گردیده است .

این کلیساموزه‌ای هم‌دارد که در۱۳۲۲هجری‌ساخته‌شده‌ودرآن‌تابلوها وکتابهای خطی واشیائی که ازطرف ارمنی‌ها به‌کلیسا اهداءِ شده جمع آوری گردیده است . (ش۱۰۰)

ز ـ کتیبه سنگاب کلیسای وانك بخط ارمنی برجسته مفادش چنین‌است :
« این سنگاب یادگار آودیك فرزند بونیات است . بتاریخ ۱۱۱۶ (۱۶۶۷م»
« برابر ۱۰۷۷ هجری) » .

این کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است[1].
اثر مزبور بشماره ۸۵ به ثبت تاریخی رسیده است.[2]

۲ـ کلیسای بیدخم = بیت‌اللحم = بتلهم = بدخم = بیدخهم :

این کلیساکه درنزدارامنه‌جلفای اصفهان بنامهای مختلف خوانده‌میشود همان بیت‌اللحم است که‌درمیدان جلفا ودرمجاورت کلیسای‌مریم واقع شده است وخواجه پطرس ارمنی درسال ۱۰۳۶ هجری قمری دراواخر سلطنت شاه عباس اول کلیسای مزبوررابناکرده وبیست‌سال طول‌کشیده تاکلیسا تمام شده‌است وبااین‌ترتیب شروع ساختمان دوسال بفوت شاه عباس‌بزرگ شروع ودرسال ۱۰۵۶ که مقارن سلطنت شاه عباس دوم بوده باتمام رسیده است .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۵۱۴ تا ص۵۱۸.   ۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۴ .



(شکل ۱۰۰)

این کلیسا درمیان دوازده کلیسای کنونی جلفا دارای بلندترین گنبد است که ازفاصله‌های دورنمایان است وگنبد دوپوشه آجری آن خودنمائی میکند . قطر پی و دیوار بنا زیاد ودربعضی جاها بچندمتر بالغ‌میگردد . درضلع غربی گنبد و باندك فاصله‌ای محل مسقف ناقوس کلیسا قرارگرفته است . نمای خارجی کلیسا جالب نیست بلکه بنائی‌است گلی وآجری‌که توده گرد و غبار آنرا فراگرفته‌است ولی هنگامیکه بدرون‌کلیسا رویم نقاشی‌های گوناگون‌که بر دیوارها و سقفها دیده

می‌شود جلب توجه میکند و انسان احساس میکند که از نظر بدوی اشتباه‌کرده و راه خطا پیموده است .

درموقع ورود به‌کلیسا برای آشنائی‌بازدیدکنندگان‌این‌مطالب ازطرف‌کلیسا درنظر آنان‌گذارده میشودکه ازوضع وپیشینه کلیسا آگاه شوند :

« این‌کلیسای زیبای منقش درسال ۱۶۲۸ میلادی توسط خواجه پتروس‌بنا »
« گردیده است نامبرده یکی‌ازخادمین درگاه الهی‌بود وبرای ملت ارمنی‌خدمات »
« دیگری نیز نظیر این انجام داده است .»

« نقاشیهای این‌کلیسا تا امروز بطوری محفوظ مانده‌که کاملاً تازه بنظر »
میرسد بزعم خواجه اوتیك برادرش بانی کلیسای مریم این کلیسا را بنا کرده تا »
« اغلب نمازروزانه خودرا دراینجا برگزار نماید آرامگاه او درسمت غربی‌کلیسا »
« دراطاقی‌بامقبره خواجه لوکاس پسرش وپسرخواجه لوکاس واقع . . . شعر : »

« بخواب آرام ای‌فرزند ارمن — به پهناور زمین‌ملك‌ایران» »
« بسی‌کردی تو بهرملت خویش — بناکردی‌کلیسائی‌تواینسان» »
« خداوندت دهدپاداش این‌کار — روانت جاودان‌ماناد شادان » »

برسردر کلیسا این‌کتیبه تاریخی‌که بخط ارمنی ومضمون‌آن بفارسی چنین است خوانده میشود :

« ازماهدسی خواجه پطروس‌که مردنیکی بود درپیشگاه‌خداوندبدعای‌خیر»
«یادکنید وی‌این‌کلیسارا بهزینه خودبرای جاویدکردن نام‌خویش وپدرش‌ولی‌جان»
« و مادرش شوشان وخانواده‌اش درتاریخ ۱۰۷۷ بنا کرد ».

تاریخ۱۰۷۷ ارمنی برابر است با۱۰۶۲۷ میلادی و ۱۰۳۶ هجری .

در ذیل‌کتیبه مزبور کتیبه زیرین بخط ارمنی چنین‌نوشته شده است :

« حجاری‌شد توسط کشیش‌هوانس‌گالستانیان درسال ۱۲۹۸ ارمنی(۱۸۴۹م »
« و۱۲۶۵ هجری) ».

در داخل‌کلیسا و اطراف محراب آن نیز کتیبه های کوچکی وجود دارد که خواجه پطرس از همکیشان خود توقع والتماس دعاکرده است .

درضلع غربی کلیسای مزبور وبالای سردر ورودی اصلی کلیسا کتیبه‌ای بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینه لاجوردی گل و بوته‌دار باین شرح ومضمون وجود دارد:

« ساختمان این کلیسای مقدس با تصاویر عالی و تزیینات طلاکاری درسال »
« ۱۶۲۸ میلادی بوسیله خواجه پطرس ولی‌جانی شروع شده و درظرف بیست‌سال »
« باتمام رسید سپس درسال ۱۸۹۹ میلادی درزمان خلافت اعظم حضرت مگردیچ »
« خلیفه کل ارامنه در اچمیادزین و رهبر ارامنه جلفا خلیفه ماقاکیا در دوره »
« شاهنشاهی مظفرالدین‌شاه‌پادشاه ایران تعمیر کلیسای بیدخم بهزینه اشخاص خیری »
« ازارامنه هندوستان بشرح زیرشروع شد :

« کلیسای مقدس نازارت (کلیسای کلکته) هزار روپیه . کمپانی آبکار »
« هزار روپیه واشخاص دیگری ۱۴۲۳ روپیه اهداء کردند ـ تعمیرات با نظارت »
« آقای هوسپ آبکاریان انجام‌گرفت . اهداکنندگان را در پیشگاه حضرت مسیح »
« بدعای خیر یادکنید . »

در داخل کلیسای بیدخم دربالای محراب آن بخط ارمنی طلائـی برزمینه فیروزه‌ای نوشته شده است :

« در دعاها ازخواجه پطرس وپدر ومادر وفرزندش یادکنید بتاریخ ۱۰۷۷ »
« (۱۶۲۸ میلادی) » .

کتیبه‌های دیگری نیز بخط ارمنی گچبری شده که مضمون آنها نزدیك بیك‌ـ دیگر وتقاضای دعای خیراست برای خواجه پطرس وکسانش.

نسبت به‌ثبت تاریخی این کلیسا تاکنون اقدامی نشده است و اقتضا دارد که مورد توجه واقع‌گردد .

کتیبه‌ها ازمقاله دکتر علاءِالدین آذری دمیرچی [1] درمجله هنر ومردم وگنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس گردیده است . [2]

۱ـ مجله هنر ومردم شماره ۱۰۹ ازص۲۶ تا ص۲۹.
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۵۱۱ تا ص۵۱۳.

۳ـ کلیسای هاکوپ = یعقوب مقدس :

این کلیسا درگوشه شمال غربی صحن کلیسای مریم قرار دارد وکتیبه سردر آن که بزبان ارمنی است تاریخ ساختمان را سال ۱۰۵۶ ارمنی که با سال ۱۶۰۷ میلادی و۱۰۱۴ هجری‌قمری برابراست‌تعیین‌میکندوبا این‌ترتیب نخستین‌کلیسائی خواهدبودکه درجلفای اصفهان‌ساخته شده است . نسبت به ثبت تاریخی این‌کلیسا نیز تاکنون اقدامی‌نشده است .

۴ـ کلیسای گیورك :

این‌کلیسا در محله میدان‌کوچك جلفا واقع و ازکلیساهای قدیمی‌است که مردم آنرا کلیسای غریب مینامند وشاید علت این تسمیه وجود سنگهای‌کلیسای قدیمی ارمنستان دراین‌کلیسا میباشد که‌آن سنگها دراین‌کلیسا غریب میباشند .

درون‌کلیسا بسیار ساده وفقط یك تابلو نقاشی قدیمی در قسمت محراب آن نصب‌شده است و اهمیت این‌کلیسا بواسطه بودن سنگهای اوچ‌کلیسا درآن میباشد وبنظر ارامنه یکی‌ازاماکن مقدس‌بشمار میرود.

سردرآن در دوره سلطنت شاه سلطان حسین کاشیکاری شده و تصویر حضرت مریم ومسیح وچند تن دیگر باکاشیهای خشت هفت‌رنگ نمایش‌داده‌اند و در زیر تابلو مزبور بخط سفید ارمنی برزمینه کاشی خشت لاجوردی عبارتی‌کتیبه شده‌که ترجمه‌اش چنین‌است :

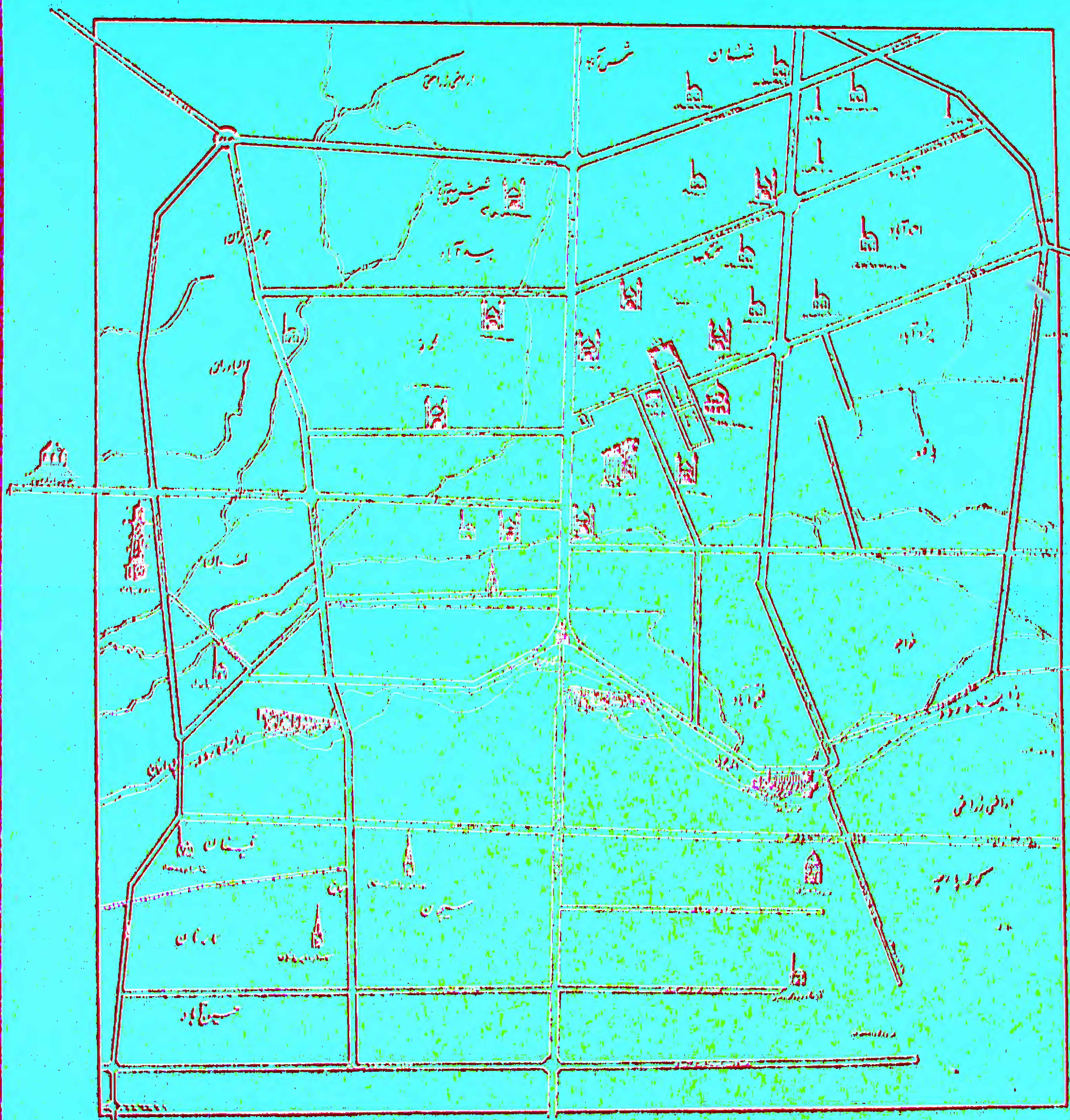
« این‌در مخصوص خدا است وبی‌گناهان میتوانند از این در داخل شوند . از بانی بدعای خیر یادکنید ۱۱۶۸ ».(۱)

سال ۱۱۶۸ ارمنی مطابق با ۱۷۱۹ میلادی میباشد .

۵ـ کلیسای مریم :

این‌کلیسا در واقع کلیسای هاکوپ است که وسعت داده شده و بنام مریم خوانده شده است . در درون آن تابلوها و نقاشیهای مذهبی است که روی‌دیوارهای

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۰۸ .



Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

گچی نقاشی شده است . بانی این کلیسا خواجه آودیك است که از تجار ابریشم عهد شاه عباس اول ومردی ثروتمند بوده است .

کتیبه تاریخی کلیسا بخط ارمنی مضمون آن چنین است :

« بااستمداد ازحضرت عیسی کلیسای مریم بوسیله ماهدسی آودیك ساخته شد »
« وباتمام رسید . اواین کلیسا را بمنظور جاویدان کردن نام خود وخانواده اش یعنی »
« پدرش خواجه باباك ومادرش اولوخاتون و زنش لیسین پاشه و پسرش هاکوپ جان »
« وآودالمیس و دخترش پالاف وقدم قوتلو وصوفیا و برادرش مارکار وهاکوپ و »
« خواهرش صنم وآنا در دوره سلطنت شاه عباس وهنگامی که خلیفه اعظم داوید »
« بود درتاریخ ۱۰۶۲ بناکرد . ».

سال ۱۰۶۲ ارمنی برابراست باسال ۱۲۰۱ هجری .

خواجه آودیك بانی کلیسا درهمین کلیسا مدفون و سنگ آرامگاه او باین شرح است :

« این آرامگاه ماهدسی خواجه آودیك است که درتاریخ ۱۰۸۸ (۱۶۳۹»
« میلادی) از این دنیا رخت بربست » .

کتیبه دیگر بزبان و خط ارمنی وجود دارد که حاکی است ساختمان کلیسا در سال ۱۰۵۹ ارمنی برابر (۱۶۱۰ میلادی و۱۰۱۸ هجری) در زمانی که داوید خلیفه اعظم ارامنه بوده شروع شده و درسال ۱۰۶۲ (برابر ۱۶۱۳ میلادی و۱۰۲۱ هجری) نقاشی شده ودرسال ۱۸۴۱میلادی (۱۲۵۶هجری) تعمیرشده است. نویسنده کتیبه کشیش گالستانیان است . تاریخ کاشیکاری کلیسای مزبور ۱۶۶۰ و ۱۶۶۶ میلادی یادداشت شده است .

این کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان گرفته شده است .[1]

نسبت به ثبت تاریخی این کلیسا تاکنون اقدامی نشده است .

کلیساهای دیگری که در دوره صفویه در جلفا ساخته شده و در درجه دوم

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۵۱۰ تا ص۵۱۱ .

اهمیت میباشد ازاینقرار است :

۱ـ استیاکوس ۲ـ راهنه‌کارتانیه ۳ـ سرکیس ۴ـ گریگور ۵ـ میناس ۶ـ نرسس ۷ـ نیکاغوس ۸ـ یحیی.

درجنوب منطقهٔ جلفا در دامنه کوه صفه قبرستان قدیمی ارامنه وجود دارد که در آن عده‌ای قبرهای تاریخی مانند آرامگاه رودلف ساعت‌ساز آلمانی مقتول درزمان شاه‌صفی و دیگر ویلهلم لوکینسن‌ولکن‌مدیر کمپانی‌هند شرقی‌هلند متوفی (۱۶۶۵) وتئو درمیرانویچ سفیرلهستان در اصفهان متوفی (۱۶۸۶) ویان‌شاندیر مدیر کمپانی هندشرقی هلند متوفی (۱۷۰۳) درآن میان قابل توجه است.[۲]

هـ ـ آرامگاههای تاریخی حومه:

۱ـ آرامگاه آقاحسین خوانساری :

این آرامگاه واقع است در تخت پولاد ودارای بقعه وگنبد وسردر آن با کاشیهای خشتی خط ثلث تزیین شده ولی بجز یك ردیف سرکشهای حروف در قسمت فوقانی کتیبه چیزی باقی نمانده است. قسمت عمده از مقرنسهای گچبری سقف سردرتکیه‌فروریخته است و درواقع مشرف بانهدام وویرانی‌است درصورتیکه نخستین بقعه وتکیه‌ایستکه درزمان صفویه برروی مزار یکی ازعلماء بنا شده و چون در این آرامگاه جز آقاحسین خوانساری استاد الکل فی‌الکل عده دیگری ازعلماءِ ودانشمندان مدفونند ازاینرو آنجا را قبةالعلما نامیده‌اند.

آقاحسین خوانساری فرزند آقاجمال خوانساری از علمای بزرگ و مورد احترام شاه سلیمان صفوی بوده است واغلب علماءِ و فضلای آن زمان محضر درس اورا درك کرده‌اند نامبرده درتاریخ‌ذی قعده ۱۰۱۶ هجری متولد ودر۱۰۹۹هجری وفات یافت ودرتاریخ وفاتش‌چنین گفتند :

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۲۰.

از آسمان بجمع یکی سرنمود و گفت

« امروز هم ملایکـه گفتند یا حسین »

که عدد فرد دوم شعر مفرد میشود ۱۰۹۸ وچون یکی بسرآن اضافـه شود میشود ۱۰۹۹ که مطلوب همانست و نیز گفته‌اند : « ادخل جناتی » که جمـع آن بحروف جمل میشود ۱۰۹۹ درحاشیه‌تذکرةالقبور (رجال اصفهان) دانشمندمعاصر ملامحمد علی معلم حبیب‌آبادی دراین‌تاریخ تردیدکرده وعلت‌آن این‌بوده‌که متن کامل آن اشعار وکلمه مورد نظر دردسترسشان نبوده و دیگر بشعرتاثیر تبریزی نیز باین‌شرح‌که درزیر نوشته میشود استناد کرده است :

تاثیر گفت از پـی تاریـخ رحلتش

آن دم که بود اختر طالـع کفیل او

زد چاك جامه خامه مشکین‌لباس و گفت :

« رفت از میان کسی‌کـه نیابی عدیـل او »

که بحساب جمل ۱۰۹۸ میشود وحل این‌اشکال هم‌بچند وجه ممکن است : اولا جواب نقضی وآن اینستکه تاثیر درتاریخ واقعی وفات محقق خوانساری اشتباه کرده باشد و ثانیاً شعرا در این مورد با یک سال تفاوت برای انسجام شعر غمض عین میکنند و ثالثاً مصرع‌آخر چنین خوانده شود : « رفت از میان کسی‌کو نیابی عدیل او » و بـا این ترتیب عـدد آن بحروف جمل بـالغ بر ۱۰۹۹ میشود کـه مطلوب است . در تکیه خـوانساریها جز محقق خوانساری پسرانش آقا جمال و آقا رضی وعده دیگر از علماءِ مدفونند ثبت تاریخی این‌آرامگاه در گردش اداری است . (۱)

۲ـ آرامگاه بابا رکن‌الدین :

این آرامگاه درتخت فولاد درساحـل جنوبی زاینده رود قـرار دارد وآن مدفن بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله بیضاوی فارسی است‌که یکی‌ازعرفای معروف

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

زمان خود بوده وازفارس باصفهان آمده ودریکشنبه ۲۶ ربیع الاول سال ۷۶۹ هجری بدرود زندگی گفته و درتخت فولاد که بعدها بمزار بابارکن معروف گردید مدفون شده است . تکایا و آرامگاهائی که گنبد دارند بیضی شکل میباشند برخلاف گنبد بابارکن الدین که بنا بامرشاه عباس اول بصورت کلاههای صوفیان وقزلباشان یعنی ترک دار وهرمی شکل ساخته شده که خود علامت صوفیگری است وبعلاوه دوازده ترک دارد که موافق عدد ائمه اثناعشر میباشد .

نمای خارجی بنای بقعه بابا رکن الدین وسردرآن کاشیکاری است . قاعده گنبد آن مخمس است وپنج ایوان مشابه دراطراف محوطه زیر گنبد ساخته شده و آرامگاه دریکی ازاین ایوانها واقع وسنگ مرمری بزرگ بطول درحدود ۲ متر وعرض ۱٫۱۶ متر روی آن قرار دارد . وسنگی مرمری دیگر بطول ۱٫۶۳ متر و عرض ۸۹ سانتیمتر بطورعمودی نصب وکتیبه آن معرف مدفون میباشد . کتیبه آن بخط ثلث بسیار خوب برجسته چنین است :

« الاان اولیاءالله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون . هذا قبر حجةالاولیاءالعارفین
« وقطب الاوتاد الوالهین برهان الاتقیاء والصالحین قدوة العشاق الذاکرین کهف »
« الموحدین والمحققین السالك مسالك الائمة المعصومین العارف بالحقایق الربانیة »
« الواقف بالدقایق الملکوتیه الطائر بفضاء اللاهوتیة مهبط الانوار ومخزن الاسرار »
« ونفحة العطار ومقام الشطار ومحل الاستغفار رکن الشریعة والطریقة والحقیقة و »
« العرفان بابا رکن الدین مسعود بن عبدالله البیضاوی وقد توفی یوم الاحد من یوم »
« السادس والعشرین من شهر ربیع الاول سنة تسع و ستین و سبعمائة . » و حکایت از مراتب روحانیت وعرفانی وزهد وحقانیت اومیکند و نیز وفات اورا درتاریخ یکشنبه ۲۶ شهر ربیع الاول سال ۷۶۹ هجری تعیین کرده است .

کتیبه سردر آرامگاه که ازتاریخ بنای بقعه وگنبد حکایت دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« بتأیید الله الواحد الباقی قدارتفع عمارة هذه البقعة الملکوتیة فی ایام دولة»

«کلب سدة علی بن ابی طالب صلوات الله وسلامه علیه عباس الحسینی بهادرخان خلدالله»
«تعالی ملکه وسلطانه الی یوم القیام وتمت بحسن اهتمامه والانقیاد لاوامره الامر»
«یؤمئذلله تعالی کلب الفقراء محمد صالح الاصفهانی المولوی ۱۰۳۹».

ازاین کتیبه سه نکته معلوم میگردد یکی اینکه بابارکن الدین درزمان شاه عباس مورد احترام بوده است ودیگر اینکه شاه عباس که در اغلب کتیبه‌ها برالقاب خود افزوده است دراین مورد از آن کاسته است.

سومین نکته اینکه محمد صالح نویسنده کتیبه غیر ازمحمد صالح امامی است وخطاط آن محمد صالح اصفهانی مولوی است.

این آرامگاه درسال ۱۲۰۰ هجری تعمیر گردیده‌است وکتیبه آن برلوحی سنگی بخط نستعلیق برجسته چنین است:

«چون ازتصاریف دوران شرفات مقصوره بابارکن الدین را انهدام ساری واز»
«تقالیب ایام وحدثان زمان غرفات معموره حصن حصین اورا انهدام طاری گردیده»
«بود ازآنجاکه مشیت واراده جناب رب الارباب برابقاءِ وعدم انهدام آن بقعه شریفه»
«بود دربن اوان فیروزی نشان سعادت توامان توفیق حضرت باری وتأیید جناب»
«اقدس الهی شامل حال عالیجاه رفیع جایگاه قدوة السالکین میرزا محمدنصیر بایزیدی»
«البسطامی گردیده و درصدد تعمیر و آبادی بقعه رفیعه و خانقه منیعه برآمده»
«معمورگردید دراواسط شهرذی الحجة الحرام سنه ۱۲۰۰».

ومعلوم میگردد که آرامگاه درحال انهدام وخرابی بوده که بوسیله میرزا محمد نصیر بایزید بسطامی درسال ۱۲۰۰ هجری مورد تعمیر قرارگرفته‌است.

کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس گردیده است. این اثر تاریخی بموجب شماره۲۰۱ به ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۳ـ آرامگاه پیر بکران:

این آرامگاه در دیه پیربکران در سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان در

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۵۳.

لنجان قرار دارد ومتعلق است به محمدبن بکران که معاصر با اولجانیو بوده واز مشایخ بزرگ ومحققان بشمار میرفته است . بنای بقعه‌او به ایوان کسری مشابهت دارد ومعلوم میگردد هنوز در آن‌زمان ازسبك دوره ساسانیان پیروی میکرده‌اند .
این‌بنا شامل سه قسمت است :

۱ ـ رواق بقعه که ازکوچه مجاور آن بصحن بقعه منتهی میگردد .

۲ـ صحن بقعه‌که دارای سقف بلند ودر اطراف آن ایوانچه‌ها و غلام‌گردشها قرار دارد ودیوارهای جوانب اربعه وپوشش طاق ایوان با خطوط‌کوفی بنائی‌وشاخ وبـرگ وگل وبوته‌گچبری شده آراسته‌گردیده است .

۳ـ آرامگاه ومدفن پیربکران درضلع شمالی بقعه واقع و با طاق محفوظی که درزمان صاحب قبر محل‌تدریس‌اوبوده اتصال دارد واطراف آن باگچبری‌تزیین شده است . چندکتیبه تاریخی وغیرتاریخی دربقعه وجود دارد :

۱ ـ کتیبه سردر صحن بقعه بخط ثلث برزمینه‌گل‌وبرگ بشرح زیرگچبری شده است :

« هذه‌العمارة‌المبارکة للشیخ‌المشایخ المسلمین محمدبن بکران فی‌ثلث و »
« سبعمائة . » .

درکتاب‌گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ونیزتاریخچه‌ابنیه تاریخی اصفهان‌بجای «للشیخ» (الشیخ) نوشته‌شده درصورتیکه‌درست آن ازنظر اسلوب عبارت عربی‌همان (للشیخ) است نه‌الشیخ ودر عکس‌کتیبه هم دقت‌شده دراصل للشیخ‌بوده وفاصله‌ای میان لام جر وشیخ دراثر سائیدگی پیدا شده‌که همان موجب اشتباه‌گردیده است .

۲ـ کتیبه اطراف صحن بقعه دردوسطر وبارتفاع تقریبی یکمترونیم‌ازسطح بقعه واقع شده است . درسطر اول نخست‌آیة‌الکرسی تا والله سمیع‌علیم بخط بنائی گچبری وپایان‌آن چنین است : « صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله الکریم ونحن‌علی »
« ذلك من‌الشاهدین والحمدلله رب‌العالمین . » .

درسطردوم‌کتیبه‌آیاتی ازسوره الدهر بخط ثلث درشت‌گچبری شده وپایان‌آن

که درضلع باختری ایوان میباشد چنین است :

« و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیماً واسیراً صدق‌الله عمل محمد »

« شاه نقاش. ».

ضلع شرقی بقعه نیز دارای خطوط و تزیینات گچبری است باین ترتیب‌که ضلع مزبور دارای دوجرز و یك ایوان کوچك است ، برجرز اول نام (ابوبکر) بخط بنائی برزمینه شطرنجی در اشکال مربع بطور مکرر گچبری گردیده است . برجرز دوم کلمه (وعمر) بخط بنائی برزمینه شطرنجی وداخل مربعهای بزرگ گچبری شده و در پائین جرز مزبور بخط بنائی ساده برجسته ازآجر صلوات بر چهارده معصوم گچبری گردیده است .

درپائین این‌جرز تخته سنگی‌وجود داردکه در داخل‌آن فرورفتگی‌مشاهده میشود وعموم مردم آن‌را جای پای دلدل وبرخی‌هم جای پای اسب الیاس پیغمبر میدانند .

بنظر نگارنده باید این‌سنگ ازمزار قدیمی یهودیان بنام استرخاتون واقع درهمان قریه پیربکران به بقعه پیربکران نقل‌شده باشد .

میان دو جرز ضلع‌شرقی دریك طاق‌نما و یا ایوان کوچك بخط کوفی این عبارات گچبری شده است : « بسم‌الله الرحمن‌الرحیم » « سبحان‌الحی‌الباقی » وبر طرف جنوبی آن بخط ثلث چنین‌گچبری گردیده است :

« هذه‌الصفة المبارکة للشیخ المشایخ المسلمین قدوة ارباب المحققین » « محمدبن بکران قدس‌الله روح‌العزیز سنة اثنی‌عشرو سبعمائة . » ، در اینجاهم در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان الشیخ نوشته شده ولی بطوریکه در صفحات پیش نوشته شد درست آن‌للشیخ است. برضلع غربی‌نیز خطوط و تزییناتی‌گچبری شده باین‌ترتیب :

برجرز شمالی‌ضلع مزبور نام « وعثمان » بخط بنائی‌مکرر برزمینه‌شطرنجی و در داخل یك مربع بزرگ گچبری شده ودربالای آن دریك صفحه مربع بخط

بنائی ساده با آجر چنین گچبری شده :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم هوالله الذی لااله الاهو الرحمن‌الرحیم . الملك »
« القدوس . السلام . المؤمن . المهیمن . العزیز . الجبار . الملك »
« الخالق . الباری . المصور . الغفار . الوهاب . المفید . المدبر »
« الشدید . المبدی . المعید . المبید . الودود . المحمود . »
« المعبود . البعید . القریب . المجیب . العلیم . الحلیم . الکریم »
« الحکیم . » وبرجرز جنوبی آن بخط‌بنائی برزمینه شطرنجی نام « وعلی »گچبری شده و در طاقنمای میان ضلع مزبور بخط ثلث سوره اخلاص و برجانب جنوبی طاقنما بخط کوفی برجسته جمله : « الملك‌لله » گچبری شده است .

۲ـ کتیبه هلال دوم اطراف‌دیوار مشبك بخط ثلث برجسته دراطراف سنگ آیةالکرسی وبرجانب غربی آن صلوات بردوازده‌امام حجاری شده ودر ذیل آن کتیبه تاریخی آن بشرح زیرشروع میشود :

« هذالروضة المقدسته المبارکة لشیخ المشایخ المسلمین و قدوة ارباب »
« المحققین محیی معالم‌الشریعة معظم معالم‌الطریقةکاشف‌اسرارالحقیقة حجةالحق »
« علی‌الخلق هادی‌الخلق الی الحق العارف باسرار الربوبیةالواقف بآثار الالوهیة »
« محمدبن‌بکران‌جعلهاالله روضة من‌ریاض‌الجنةفی‌لیلة الثلثا عاشر شهرربیع‌الاول »
« ثلث وسبعمائة عمل‌سراج » .

وبرجانب شرقی سنگ مزار چنین حجاری شده است : « اللهم صل‌علیه »
« کلما ذکره‌الذاکرون وصل‌علیه‌کلماسها عنه الغافلون حررالعبدالضعیف المحتاج »
« الی‌رحمةالله الغنی علی‌محمودبن محمد التبریزی بفیروزان » ، و بر دیوار شمالی درون آرامگاه بخطوط کوفی وثلث یك سطر در میان عباراتی باین ترتیب گچبری شده :

۱ـ خطوط‌کوفی‌مشتمل‌بر آیه هائی ازسوره (الفاتحه) .

۲ـ خطوط ثلث باین‌شرح :

« هذه‌الروضة المقدسة‌للشيخ المشايخ المسلمين قدوة ارباب‌المحققين‌محيى»
« معالم الشريعة كاشف اسرار الحقيقة واقف بآثار الالوهية حجة الحق على‌الخلق »
« محمدبن بكران نورالله قبره فى‌سنة ثلث و سبعمائة » .

كلمه للشيخ نيزدرگنجينه الشيخ نوشته شده ودرست آن للشيخ است . اين اثرتاريخى بموجب شماره ۱۰۱ به ثبت تاريخى رسيده است[۱] .

كتيبه هاى مربوط به پيربكران ازكتاب گنجينه آثار تاريخى اصفهان نقل گرديده است .[۲]

۴ـ آرامگاه حاج محمد جعفر آباده‌اى :

اين‌آرامگاه كه بصورت تكيه‌اى برمزار حاج محمد جعفرآباده‌اى (متوفى ۱۲۸۰ هـ . ق) ازعلماى بزرگ زمان مرحوم حجة‌الاسلام شفتى درمجاورت مسجد ومدرسه وآرامگاه ركن‌الملك ميرزا سليمان خلف شيرازى نايب‌الحكومه‌اصفهان در سال ۱۳۱۶ هجرى قمرى بنا گرديده است و كتيبه سردر تكيه مزبور بخط نستعليق سفيد برزمينه كاشى‌خشت لاجوردى بشعرفارسى چنين است :

« جندا از آصف دوران سليمان زمان
ركن ملك حق‌گزار حق‌پرست حق شناس »

« آنكه‌عمرخويش‌را فرموده‌درخيرات‌صرف
حسن اعمال جنابش بى حساب و بى قياس »

« تكيه حاجى محمد جعفر آباده‌اى
عالم ربانى آن ذخر خواص و فخر ناس »

« كرد آباد و بدين‌جعفرى خدمت نمود
خدمت دين‌راكند آن حضرت اندرهرلباس»

« بهر تاريخش بزرّ جعفرى طغرل نوشت :
« ازسليمانست دين جعفرى محكم اساس »

۱ـ فهرست بناهاى تاريخى واماكن باستانى ايران ص ۳۳.   ۲ـ گنجينه آثار تاريخى اصفهان از ص۲۵۴ تا ص ۲۶۴ .

که میرساندمدفون‌در تکیه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای وبانی آن میرزاسلیمان خان رکن‌الملك در ۱۳۱۶ قمری و شاعر کتیبه طغرل بوده است و در ذیل کتیبه مزبور خطاط چنین معرفی شده است :

« کتبه‌العبد المذنب فتح‌الله المتخلص بجلالی غفر ذنوبه » .

۵- آرامگاه خاتون‌آبادی :

این‌بقعه که درزمان شاه سلطان حسین صفوی‌بنا شده در تخت فولاد واقع و دارای‌گنبدکاشی‌کاری ومدفن میرمحمد اسماعیل خاتون‌آبادی متوفی(۱۱۱۶ ه.ق) است وسلسله خاتون آبادیها و پا قلعه‌ایها و امام جمعه‌های تهران و اصفهان متحد و نسب‌آنها بحضرت امام حسین علیه‌السلام متصل میگردد ومعروف است‌که تکیه مزبور بعد از دوره صفویه دچار خرابی شده بود وبرحسب نذر شخصی نانوا تعمیر میگردد و خاتون‌آبادی راست : تفسیر بزرگی در چهارده‌مجلد و تصنیفات دیگری نیز دارد . جدآنان امیرحسن از مدینه‌آمده ودر جورت وخاتون‌آباد منزل‌کرده‌اند واز اینرو به‌سادات‌خاتون‌آبادی معروف‌گردیده‌اند ودرتکیه‌خاتون‌آبادیها بسیاری ازبزرگان و علمای‌آن خانواده مدفونند .

ثبت تاریخی‌این‌تکیه درجریان است .[۱]

۶- آرامگاه الراشد بالله :

این بقعه‌که مطابق‌گفته مورخان و نویسندگانی چون صاحب مجمل‌التواریخ و القصص[۲] و معجم‌البلدان[۳] در شهرستان اصفهان که جی قدیم باشد درکنار نهر زاینده رود واقع‌گردیده است ودرگذشته مسجد جامع شهرستان و مناره‌آن هم در همین‌حدود بوده است .

اینك فاصله بقعه تاشهر اصفهان درحدود چهارکیلومتر است ودارای‌آثاری مخروبه ویك‌گنبد آجری می‌باشد ودر داخل‌گنبد صورت دوقبروجود داردکه‌بدور

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۸ .

۲- مجمل‌التواریخ والقصص ص۴۵۴.   ۳- معجم‌البلدان ج ۲ ص۲۰۲.

آنها ضریحی از چوب قرار گرفته ومردم ساکن قریه معتقدند که شاهزاده ابراهیم وحسین بن زیدبن حسن بن علی درهمانجا مدفونند درصورتیکه گفتیم مورخان و نویسندگان معتقدندکه بقعه مربوط به الراشد بالله میباشد .

ولی بنظر نگارنده این بقعه محل ومدفن همان دوتن ازامامزادگان می باشد و جائی که مدفن الراشد بالله بوده درزمان غلبه تشیع ازبین رفته است واین نکته هیچ منافاتی را بین قول مورخان ومردم محل ایجاد نمیکند بلکه جمع بین آن دوخواهد بود ومؤید این نظر است گفته عمادکاتب : «ودفن الراشد بالله فی مدینة جی وافردت « له تربة فی جامعها و صار الی الیوم موضع قبره عن اشرف مواضعها » که خود در (۵۷۰ ه . ق) وفات یافته باینکه در نیمه دوم قرن ششم هجری آن آرامگاه در جامع شهرستان بالاستقلال وجود داشته وبدیهی است پس ازغلبه تشیع در قرن نهم ببعد از میان رفته است و معلوم می گردد مردم محل این بقعه را آرامگاه آن دو امامزاده دانسته اند نه الراشد بالله وروی همین اصل هم دردوقرن اخیر درصدد برآمده اند که گنبد بقعه را کاشیکاری کنند وچند قطعه کاشی فیروزه ای نصب گردیده که مقداری ازآن ریخته است .

واینکه درفهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران گفته شده که در مجاورت بقعه دومناره سلجوقی برجای مانده درست نیست[1]

این گنبد در داخل تزییناتی ندارد ولی درسال (۱۳۱۶ ه . ق) بوسیله بانوئی بنام افتخارالدوله تعمیری ازآن بعمل آمده وماده تاریخ آنرا علیرضا متخلص به انجم چنین سروده است[2] .

افتخارالدوله از باب کرم	گشت باعث بهر تعمیر حرم
انجم بیدل بتاریخش بگفت:	بود الف وسیصد و شانزده رقم

در داخل بقعه کتیبه ای بخط کوفی برجسته برزمینه گچ رنگ آمیزی شده چنین است :

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۲.   ۲- تاریخچه محله خواجو ص ۶۲.

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم فی‌بیوت اذن‌الله ان‌ترفع‌ویذکر فیها اسمه یسبح‌له»
« فیها بالغدو والاصال . رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن‌ذکرالله واقام‌الصلوة وایتاءِ »
« الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه‌القلوب والابصار. لیجزیهم‌الله احسن ما عملوا و»
« یزیدهم من‌فضله والله یرزق من‌یشاء بغیرحساب. »

کتیبه مزبور میرساند که بقعه از ملحقات مسجدی بوده که در آن عبادت میشده است وبمرور زمان آثار مسجد ازمیان رفته وهمان بقعه باقی مانده است.
واین نکته مؤید قول عمادکاتب میباشد این‌اثرتاریخی بموجب شماره ۳۵۰ به ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۷- آرامگاه میرمجدالدین اسمعیل باب‌الدشتی :

درصفه شمالی شبستان گنبد دار مسجد قطبیه قبری است که میان مردم معروف به امیرقطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی‌است ولی‌سنگ‌مزارحکایت داردکه مدفن میرمجدالدین اسماعیل ابن‌حضرت‌عمدة الاکابر فی‌الزمان امیرمظفربن امیرمسعود باب‌الدشتی وکتیبه آن چنین است :

« وفات عالیجناب . . . . خلف الاکابر العظام میرمجدالدین اسماعیل‌ابن »
« حضرت عمدةالاکابر فی‌الزمان امیرمظفربن امیرمسعود باب‌الدشتی فی‌شهرصفر »
« سنة خمس وخمسین وتسعمائة » .

مگراینکه گفته شود قسمتهائی‌که بعد از کلمه عالیجناب ساقط شده نام امیرقطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی بوده واو خلف میرمجدالدین اسماعیل بوده است.
این‌مقبره و مسجد قطبیه و سردر آن ضمن‌شماره ۲۱۸ - ۱۳/۹/۲۲ به ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۸- مقبره میرزا رفیعا نائینی :

این‌بقعه بفاصله زیادی ازراه شیراز درتخت‌فولاد درمحوطه فرودگاه اصفهان

۱- فهرست بناهای‌تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۲.
۲- فهرست‌بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۳ .

واقع ودارای گنبدی جالب میباشد و آنجامدفن رفیع‌الدین محمدبن‌حیدر معروف به میرزا رفیعا نائینی از علمای بزرگ و کامل عصر شاه صفی و شاه سلیمان صفوی است که کتاب شجره‌الهیه را درکلام بفارسی بنام شاه صفی وخلاصه آن‌کتاب‌را نیز بنام ثمره الهیه تألیف‌کرده است . ازتألیفات او شرح براصول‌کافی وحواشی دیگر است که‌شرح آن‌را نگارنده درکتاب آتشکده اردستان[1] نگاشته‌ام‌وطالبان می‌توانند مراجعه‌فرمایند ، وشجره الهیه‌را نیز با تطبیق‌چند نسخه خطی مهذب آنرا تنظیم وبرای طبع بکتابخانه آستان قدس رضوی تقدیم‌کردم .

کتیبه سنگ آرامگاه میرزا رفیعا که دریکی از گوشواره‌های محوطه زیر گنبد قرار دارد بخط نستعلیق برجسته این‌اشعاررا دربردارد :

« فلك سنگ غم زد بجام رفیع　　نمود آسمان تلخ کام رفیع »
« بگاه هدایت بتك رشته بود　　کلام کلیم و کلام رفیع »
« درآفاق و انفس تجلی نمود　　بلندی اقبال و نام رفیع »
« چه بنمود از بعد هشتاد و پنج　　ز دنیی وطن درمقام رفیع »
« بتاریخ فوتش خردمند گفت :　　« مقام رفیع مقام رفیع »
۱۰۸۲

دراطراف گنبد بخط بنائی مشکی برزمینه آجری نخست عبارت « قال‌الله تبارك وتعالی » وسپس آیة‌الکرسی وپایان آن باین عبارات : « صدق‌الله العظیم و «صدق رسوله النبی‌الکریم‌ونحن علی‌ذلك من‌الشاهدین والشاکرین والحمدلله رب » العالمین » ختم می‌گردد .

کتیبه گردنه گنبد بخط بنائی سه رگی برزمینه آجری این‌کلمات خوانده می‌شود :

« یابرهان . یاغفران . یا سبحان . یا مستعان . یا دیان . یا »
« سلطان . یا حنان . یا منان . یا دیان . یا رضوان . »

۱- آتشکده اردستان بخش۲ ص۲۷۸ .

میان پشت بغلهای اطراف نیز بخط بنائی لاجوردی برزمینه سفید اسامی محمد وعلی تکرارگردیده است .

این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان اقتباس شده است .(۱)

نسبت به‌ثبت تاریخی این‌تکیه اقدام شده است .(۲)

۹ـ آرامگاه میر :

این آرامگاه درتخت‌فولاد درتکیه‌ای‌که محتوی اطاقها و حجراتی‌است واقع گردیده ومحل آرامگاه درهوای آزاد وبرسکوئی بزرگ و مرمرین بطول ۳/۶۰ متر وعرض ۱/۹۰ متر و ارتفاع بیش ازیکمتر قرار دارد و طبق مفاد کتیبه‌ایکه برجانب غربی‌سنگ قبر بخط ثلث‌برجسته‌خوانده‌میشود مدفون‌درآن میرابوالقاسم فندرسکی فرزند میرزا بیك‌بن صدرالدین موسوی حسینی فندرسکی ازحکمای بزرگ عصرصفویه واساطین‌عرفاء ودانشمندان بنام بوده‌که در۱۰۵۰ هجری قمری بدرود زندگی گفته است. اشعار فارسی حکیمانه اومشهور ومطلع قصیده معروفش: چرخ بااین‌اختران نغز وخوش وزیباستی زبانزد خاص وعام است و شروحی برآن نوشته‌اند وآن‌کتیبه چنین است : (ش۱۰۱)

« الاان اولیاءِ الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون»

« هذا مرقدقدوة الاولیاءِ وزبدة الاوصیاء معتضدالاصفیاء معتمدالعرفاء قاید »

« السالکین والعاشقین‌هادی‌الموحدین والمتألهین‌السایرفضاء الجبروتیة والطایر »

« فی‌هواءِ اللاهوتیة عارف عوالم الالوهیة مالك ممالك الملکوتیة قطب‌الذین »

« لاخوف علیهم ولاهم یحزنون مرکز دایره‌بل‌احیاء عند ربهم یرزقون اعلم‌علماء »

« المتبحرین افضل فضلاء المتفردین جامع المعقول مجمع الفروع و الاصول »

« سیاح بوادی الایقان سباح بحارالعرفان الفانی فی‌الله و الباقی بالله سیدسادات »

« العظام سنداسناد الفخام‌السید ابوالقاسم الفندرسکی قدس‌سره الزکی‌وکان‌وفاته »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۶۳۱ تا ص۶۳۳.

۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .



(شکل ۱۰۱)

« الف وخمسین من‌هجرة النبوی ۱۰۵۰ » .

دراطاق مجاور آرامگاه غزل : روضه خلدبرین خلوت درویشان است بخط نستعلیق گچبری شده وخیلی استادانه گچبری گردیده که میتوان گفت گچبرهم مانند میرعمادکه در خط تفوق داشته درگچبری استاد مبرز بوده است . (ش۱۰۲)

بردیوار مقابل درورودی اطاق اشعار زیرگچبری شده :

« جای فیض علی چوتکیه میر　　شد ز فیض خدای فیض علی »

« فیض‌فیاض‌گشت وشد تاریخ :　　« این‌مکان باد جای فیض علی »

* * *

« علی را قدر پیغمبر شناسد　　که هرکس‌خویش‌رابهترشناسد »



(شکل ۱۰۲)

هرچند تصریح نگردیده که کسی در آنجا مدفون شده ولی ازمفاد دو شعر اولی استنباط میگردد که در سال ۱۱۹۳ هجری قمری شخصی بنام فیض علی در آنجا مدفون گردیده است.

سران ایل بختیاری مانند حسینقلی خان ایلخانی بختیاری مقتول در ۱۲۹۹ هجری وحاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری و دیگران دراطاق مخصوص مدفونند.

مفاد کتیبه ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است. (۱)

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۴۳ تا ص ۵۴۵.

نسبت به ثبت تاریخی تکیه میر اقدام اداری گردیده است.[1]

۱۰ـ آرامگاه واله :

این آرامگاه در تکیه معروف به والهیه درحاشیه خیابان فیض کنونی وچهارباغ امین آبادسابق درباغی قرار داردکه مساحت اولیه آن دوازده جریب شاه بوده و نهر دویست و پنجاه از مغرب بمشرق درضلع جنوبی آن جریان دارد و مدفون در آن آقا محمدکاظم واله تخلص از شعراء و خوشنویسان و دانشمندان است که درسال ۱۲۲۹ هجری قمری وفات یافته است .

واله درزمان حیات سنگ مزار خود را تهیه کرد وکتیبه آن را نوشت و حجاری کرد وفقط جای تاریخ مرگ را خالی گذارد وپس ازمرگش کتیبه تکمیل وبرمزارش نصب شد .

کتیبه سنگ آرامگاه بخط نستعلیق زیبا بقلم خود او باستثنای رقم تاریخ که بعد اضافه شده بر سنگ مرمر شفاف نفیسی یعنی بطول ۱/۷۰ متر و عرض ۸۵ سانتیمتر چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله الذی لایبقی الا وجهه و لایدوم الاملکه »

« والصلوة والسلام علی‌محمد وآله اما بعد فهذا مرقدی وانا تراب اقدام‌العلماء و »

« الحکماء والعرفاء الذین‌لاخوف‌علیهم ولاهم یحزنون‌والفصحاء والبلغاء والشعراء »

« الذین ورد فیهم ان‌الله کنوزا تحت‌العرش مفاتیحها السنة الشعراءِ وهذا اعتقادی »

« واعتضادی ان‌الله تعالی واحد بالذات ظاهر فی‌الذوات وقلت فیه :

« ای چشم خرد عاجز از دیدن ذات تو

پنهان‌تری از پنهان با این همه پیدائی »

« وان محمداً صلی‌الله علیه عبده ورسوله وان الائمة الاثنی عشر اوصیائه »

« وان ماجاء به‌النبی حق و انا المستغرق فی‌بحار معرفةالله العزیز بحیث قلت »

« و اقول :

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

« تراخواهم نخواهم رحمتت گر امتحان خواهی

در رحمت برویم بند ودرهای بلا بگشا »

« یا معشر الناس اوصیکم بترك اللذات وحب الشهوات لانی عشت فی الدنیا »
« بالراحة والفخامة بحیث حصلت لی نهایة اللذة والعزة وعاقبة الامر وجدت راحتها »
« الماً وعزتها ذلة ونلتمس من الاخوان المخلصین و نرجوا من الاخلاء الصادقین »
« اذا مرو علی هذا المضجع اسرونی بقرائة الفاتحة ولاینسونی بدعاء اللایحة لانی »
« مجرم ومشتاق بلقاءِالله المتعال ولما قال النبی صلی الله علیه وآله من کتب بحسن »
« الخط بسم الله الرحمن الرحیم دخل الجنة بغیر حساب کتبت بیدی فی مرض الموت »
« وانا محمد کاظم المتخلص بواله الاصفهانی ۱۲۲۹ . »

پس ازوفات واله چون مورد توجه صدر اصفهانی بود دستور داد بقعه‌ای بر آرامگاه اوبناکنند ودر آن موقع حاج محمد حسین‌خان لقب نظام‌الدوله داشت و پس‌از بناءِ این کتیبه که شاعرش آقا محمد طلعت اصفهانی وخط آن نستعلیق‌است در اطراف بقعه گچبری گردید :

« بعهد خسرو گیتی‌پناه گردون حکم — خدیو مملکت‌آرا شه بلند اقبال »
« ابوالمظفر خاقان عهد فتحعلی — که‌فتح‌ونصرت ازوگشته‌اندفرخ‌فال»
« هم‌ازعنایت خان سپهر پایه حسین — نظام دولت شه‌کامدش همال محال »
« ستاره حکم‌وفلك قدر حضرت‌واله — که‌ذات‌اوست بلنداختر ونکواقبال »
«زهمنشینی اهل‌زمان‌چوشددل‌تنگ — زبی‌ثباتی کارجهان چو یافت ملال »
« برای‌مدفن‌خودساخت‌این‌نکوبقعه — که‌خودبهشت نشان‌آمدوسپهرمثال »
«غرض‌چوگشت‌تمام‌این‌بناکه‌بنیانش — مباد تا بقیامت ز دور چرخ زوال »
« نوشت‌خامه‌طلعت‌برای‌سال‌که:«باد — دراین‌سپهر نهان آفتاب‌اوج‌کمال »
۱۲۲۹

نسبت به ثبت تاریخی تکیه والهیه اقدام‌گردیده است . کتیبه عربی‌ازتذکرة القبور[۱] وکتیبه فارسی ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] اقتباس‌گردیده است .

۱ـ تذکرة‌القبور از ص۲۳ تا ص۲۵ـ

۲ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۷۵۹ تا ص ۷۶۰ .

۱۱ - آرامگاه پرفسور پوپ :

این آرامگاه درکنار رودخانه زاینده رود درباغی قرار دارد ومدفون در آن ایرانشناس سترگ و دانشمند بزرگ جهانی پرفسور آرتور آپام‌پوپ امریکائی است که عمرخودرا صرف شناسائی هنرایران کرده وکتابها درباره‌آن تألیف کرده است.

ماسوف علیه دراین اواخر برطبق تمایلات قلبی خود در شیراز اقامت داشت وخود را بابحث درایران وهنرهای آن سرگرم می‌کرد و پس از گذشتن یك عمـر طولانی چون مرگ خودرا روبرو میدید وصیت کرد که پس از مرگ اورا دراصفهان که معشوق واقعی اوبود دفن نمایند وبرحسب وصیتش چنین کردند وجنازه او را درباغی درکنار زاینده رود با تجلیل تمام دفن کردند وبرمزارش بقعه‌ای ساختند و اینك عاشقان هنرایران وایران دوستان ازمقبره‌اش دیدن می‌کنند .

پرفسور در ۱۲۶۵ شمسی متولد ودرنیمه شب چهارشنبه ۱۳۴۸/۶/۱۹ شمسی درشیراز بدرود حیات گفت وهنگام مرگ همسر وعده‌ای از دوستانش حاضر بودند وهمانطورکه گفته شد نعشش باصفهان نقل و درآنجا مدفون گردید .

پرفسورپوپ درباره ایران وهنرآن تألیفات بسیاری دارد ازآن جمله :

بررسیهای هنرایران درشش مجلد بزبان انگلیسی است که بعضی از مجلداتش ترجمه شده وشامل پنجهزار تصویر رنگی سیاه وسفید و متجاوز از سه هزار صفحه تحقیقات وتتبعات بقلم قریب هفتاد نفر ازمحققان و ایران شناسان معروف جهان است وتمام هنرهای ایران ازجمله معماری وسفال سازی وفلزکاری و منبت‌کاری و مجسمه سازی ومفرغ کاری وگچبری ونقاشی وتذهیب وتجلید وکتابت و میناتور و قالی‌بافی‌را دربردارد .[1] (ش ۱۰۳)

۱۲- سنگ نبشته پیر بکران :

این سنگ نبشته‌که بطول ۹۵ وعرض ۷۵ سانتیمتر است در هنگام تجدید ساختمان سقف‌کـتیبه حضرت یعقوب در قبرستان قـدیمی یهودیـان اصفهان بنام

۱- مجله هنرومردم شماره ۸۴ مهر۱۳۴۸ .



(شکل۱۰۳)

استر خاتون(سارح بت آشر) واقع دردیه پیر بکران سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان درسالهای ۱۳۲۳_۱۳۲۲ شمسی از زیر خاکهای کنیسه بدست آمده و بر دیوار یکی ازطاقنماهای داخل کنیسه نصب شده است .

ترجمه کتیبهٔ لوح آن بخط و زبان عبری برجسته شامل آیاتی از تورية و تاریخ تحریر ونصب آن ازاوایل قرن دوم مسیحی چنین است :

« دروازه‌های عدالت را برای من بگشایید . بآنها داخل شده خدا را حمد»
« خواهم گفت . دروازه خداوند اینست . عادلان بدان داخل خواهند شد . واین»
« سنگ را که چون ستون برپاکردم بیت‌الله شود و آنچه بمن بدهی ده‌یك آنرا »
« بتوخواهم داد اینك من‌فرشته‌ای پیش‌روی تو می‌فرستم تا ترا درراه محافظت »
« نموده بدان مکانی که مهیاکرده‌ام برساند خداوند برای شما جنگ خواهدکرد »
«وشما خاموش‌باشید بتاریخ پنجشنبه‌بیست و هشتم ماه آب سال ۳۸۹۰ از خلقت »

« آدم‌خداوند این‌ماه عزارا (مقصود ماه آب است که‌ماه سوگواری یهودیان میباشد) »
« بشادی مبدل‌نماید . سلام‌بر تمام افراد اسرائیل . غلام این‌درگاه داودبن یعقوب. »

نسبت به ثبت این‌سنگ تا کنون اقدامی نشده است . مفاد سنگ نبشته مزبور ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل‌گردیده است.[1]

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۲۸ تا ص۲۹ .

گفتار سوم:

در آثار و ابنیه موجود و معمور شهرستانهای استان اصفهان:

الف ـ شهرستان اردستان:

۱ ـ جمعیت ومساحت شهرستان اردستان:

جمعیت شهرستان اردستان ۴۴۰۰۹ نفرومساحت آن ۱۱۲۹۳ کیلومتر ومرکز فرمانداری آن شهر اردستان وجمعیت شهر بالغ بر ۶۶۴۵ نفر است[1].

۲ـ اماکن تاریخی شهر اردستان:

یکم ـ مسجد جامع:

مسجدجامع اردستان بطوریکه ازگفته مقدسی[2] که درقرن چهارم میزیسته معلوم میگردد تازه معمورگردیده بوده‌است وبااین ترتیب بایدگفت مسجد معمور در آن زمان همان مسجدکوشك مانند سبك عربی بوده که پس ازطلوع اسلام درایران رواج یافته بود وهمانطوریکه درباب مسجدجامع اصفهان بیان گردید چون آن سبك با ذوق ایرانی وفق نمیداد بتدریج بمساجدگنبدوار چهار ایوانی تبدیل گردید ودر مسجد جامع کنونی اردستان قسمتهائی وجود داردکه باقی‌مانده مسجدکوشك مانند

۱ ـ نامه شماره ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ــ۱۳۵۰/۶/۲۰ وزارت کشور.

۲ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۴ .

است ودرواقع تاریخ وسرگذشت مسجدرا تعیین میکندکه ازکوشک‌مانندی به‌مسجد گنبدوار چهارایوانی تبدیل شده‌است .   (ش۱۰۴)



(شکل۱۰۴)

مؤلف مرآت‌البلدان ناصری در جلد چهارم راجع بمسجد جامع اردستان چنین گفته است :   (ش۱۰۵)



(شکل۱۰۵)

« جامع اردستان: »

« مسجدی است بسیارعالی وباصفاکه دارای چهارایوان بزرگ میباشد، در »
« سمت قبله ایوان وگنبد رفیعی است که ظاهراً کمال شباهت را بگنبد حضرت »
« امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام دارد ، منظر این گنبد زایدالوصف »
« مطبوع وخوش وضع ودر بنای‌آن‌کمال سلیقه را بکار برده‌اند ، بعضی ازاهل بلد »
« گویندکه بنّای این‌گنبد وگنبد یعسوب‌الدین علیه‌السلام یکنفر بوده ـ درمسجد »
« گچبریهای پاکیزه وظریف واستادانه که عبارت است ازکتیبه بخط کوفی دیده »
« میشود وچنین معلوم میگرددکه سازنده‌آن مرد صاحب صنعی بوده است . این »
« مسجد را شش در میباشد که ازچهار در آمدوشد مینمایند و دو در دیگر محل »
« عبورومرورنیست . زیرصحن مسجد بطریق سرداب شبستان بسیار بزرگی است، »
« بانی مسجد معلوم نیست از قرائن چنین مستفاد میشود که تقریباً هشتصد سال »
« قبل‌آنرا ساخته‌اند ، دراین زمان بعضی ازمواضع قریب‌الانهدام ومحتاج مرمت »
« وتعمیراست. درسمت‌غربی‌مسجدمدرسه‌ایست متصل بمسجد(۲) مشتمل برحجرات »
« تحتانی وفوقانی ودر بام متصل بمسجد ومدرسه منارهٔ بلندی است‌که درسرمناره »
« گلدسته ساخته بوده‌اند وآن‌گلدسته خراب شده وچیزی ازآن باقی نیست ولی »
« مناره برقراراست. ازطرف شرقی‌مسجدبازوصل بمسجد تکیه‌ایست(۳)که درایام »
«عاشورا وغیرها درآن روضه‌خوانی‌وتعزیه‌داری‌مینمایند درشمال مسجدایوانی‌است»
« بزرگ‌که مقابل مقصوره وگنبدواقع‌است‌درانتهای این ایوان‌دومرتبه‌چشم‌اندازی »
« باصفا دارد وبباغی بزرگ‌که مشجر باشجار مختلفه‌میباشد نظرمیکند فی‌الحقیقه »
« محل تفرج وتفریح است و در ایام تابستان‌که باد شمال میوزد برای آسایش و »
« راحت بهترین جائی از جاهای آن نواحی است . در جانب جنوب این مسجد »
« آب‌انبار بسیاروسیع معتبری است‌که درفصل زمستان آنرا مملو ازآب میکنند »
« ودرتمام بهار وتابستان بمصرف میرسانند وکافی است واین آب باوجود عذوبت »

---

۱ ـ سال تألیف مرآت‌البلدان ۱۲۹۶ هجری است . ۲ ـ منظور مدرسه حاجی حسین نورالدین است. ۳ـ مقصود تکیه سلطان‌بیك درمحله رامیان است.

« وگوارائی در تابستان چندان سرد است که گوئی آنرا با یخ باین درجه برودت »
« رسانیده‌اند . » .

میرزا علیخان نائینی روزنامه نگار ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در گزارش خود راجع بامور جغرافیائی کشور نسبت بمسجد جامع اردستان چنین گفته :

« . . . . پس‌ازآن به مسجد جامع رفتم برکتیبه مسجد بگچبری آیات »
« مبارکات ترسیم شده ودرآخر رقم نموده که امر ببناءِ هذه‌البقعة والقباب الاربعة »
« العبدالضعیف ابوطاهر ابن‌الحسین بن‌عالی بن‌احمد تقبل‌اللّٰه‌منه فی‌سنة‌ثلث‌وخمسین »
« وخمسمأته انتهی‌که الحال[1] هفتصدوچهل‌وهفت سال میشود بهیچوجه فتوری »
« درآن راه نیافته است ، اما قبه دراثرزلزله شدیدی‌که دراین اواخرشده شکفتی »
« راه یافته‌است ایوان برابر گنبد نیزکه ایوانی بس‌عالی‌استودرعهد شاه طهماسب »
« بزرگ باهتمام و خرج سلطان بك نام که حکومت اردستان داشته ساخته شده »
« دیده شد واین ایوان را بصفه‌صفا موسوم ساخته است والحق اسمی بامسمی است »
« زیراکه طرف پشت‌آن مشرف بربساتین ومیاه باصفا میباشد وجانب مقابل‌صحن »
« با روح و فضا برسرقبر سلطان بیك نیزکه درمحله رامیان واقع است بیتی چند »
« برسرسنگ حك نموده‌اند که در جمله این مصراع است : شد بانی صفه صفا »
« سلطان‌بیك . ».

ازنوشته مرآت‌البلدان معلوم‌گردیدکه اصولاً راجع بجامع اردستان تحقیق وتوجهی نشده و حتی از بانی آن هم بی‌اطلاع بوده‌اند ولی باید از روزنامه نگار مزبورتشکرکردکه لااقل توجه کرده ولی دراثرعدم وجود وسائل‌کار نتوانسته است درکارکتیبه‌ها و خطوط موجود در مسجد تحقیق جامعی بنماید .

مسجد جامع اردستان مطابق اولین‌کتیبه تاریخی در۵۵۳ وآخرین‌کتیبه در ۹۴۶ و نیز میان سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ هجری قمری دوره فرمانروائی امیرجمله

---

۱ – یعنی درتاریخ ۱۳۰۰ هجری قمری .

ویا امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی که تاسال ۱۱۱۷ حیات‌داشته درجریان بنا وتعمیرات بوده ونیزدردوره اخیر پهلوی هم تعمیراتی ازآن بعمل آمده است . اما وضع کنونی مسجد مزبور چنین است :

مسجد جامع اردستان راشش در بوده که دو درآن غیرقابل ایاب و ذهاب و چهار در آن مورد تردد واخیراً یکدردیگرنیزمسدود شده است . این مسجد دارای چهار ایوان است :

الف- ایوان جنوبی:

این ایوان‌که دربالای‌آن‌گنبد است بسیار باشکوه وتزییناتی داردکه مربوط بدوره سلجوقی است وکتیبه‌آن بشرح زیر است :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه سنة ولانوم‌له‌ما »
« فی‌السموات ومافی‌الارض من‌ذاالذی یشفع عنده الاباذنه یعلم مابین ایدیهم و ما »
« خلفهم ولایحیطون بشئی من‌علمه ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم . امربیناءِ »
« هذه‌الصفة ایضا و الرواق‌التی هی عن یمینها و الرواقی اللتین عن یسارها العبد »
« الضعیف ابوطاهر الحسین‌بن غالی‌بن احمد تقبل‌الله منه وفرغ‌منه فی‌سنة خمس »
و خمسین وخمسمائة عمل محمودبن محمد. ». (ش ۱۰۶)

محراب بزرگ زیرگنبد جنوبی دارای هفت ردیف کتیبه بخط کوفی و ثلث میباشد که ازخارج بداخل بشرح و ترتیب زیراست :

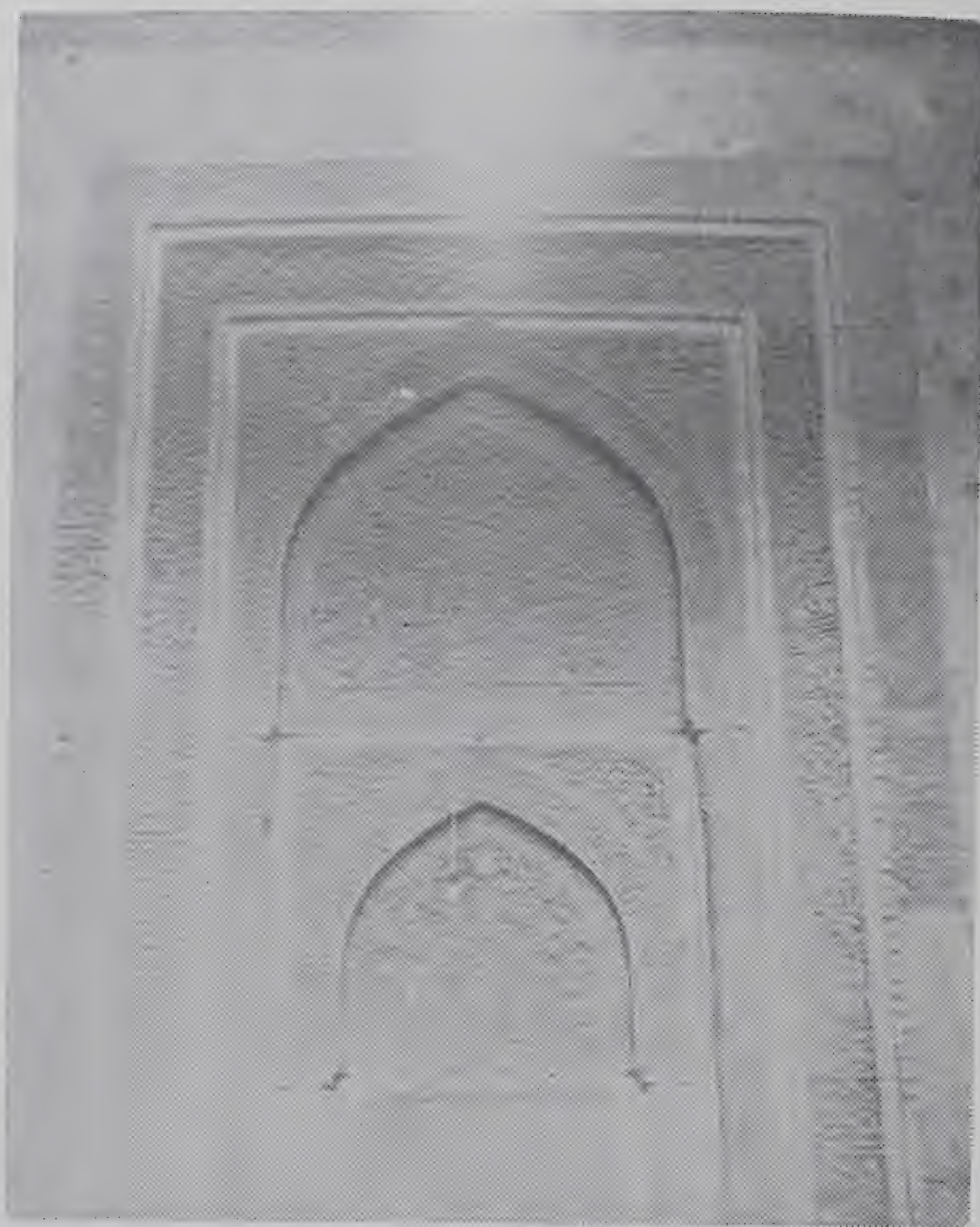
۱ـ آیه ۸۰ تاآخر آیه ۸۴ سوره (اسری) (از اقم‌الصلوة لدلوك الشمس تا ولایزیدالظالمین الاخساراً) بخط‌کوفی و نیز : (صدق‌الله‌العظیم) .

۲ـ آیه ۷۶ تاآخرسوره حج بخط ثلث .

۳ـ ازاول سوره مؤمنون تاآخرآیه ۵ بخط‌کوفی .

۴ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم رب‌اجعلنی مقیم‌الصلوة (آیه ۴۲ سوره ابراهیم) بخط ثلث .

۵ - بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شهدالله انه لااله الاهو تا ان‌الدین عندالله الاسلام



(شکل۱۰۶)

بخط ثلث (آیه ۱۶ آل عمران) .

۶ ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم واقم الصلوة طرفی‌النهار و زلفا مـن اللیل ان الحسنات یذهبن‌السیئات ذلك ذکری للذاکرین (آیه ۱۱۶ سوره هود)بخط‌کوفی . (ش۱۰۷)

۷ـ خطوط داخل محراب مخدوش شده است .

۲ـ محراب کوچك قبه های شرقی مسجد :

درمحراب مزبور کتیبه‌هائی بشرح زیرخوانده میشود :

یکم ـ از اول‌تاآخرآیه ۵ سوره مؤمنون بخط ثلث .

دوم ـ در داخل محراب سوره توحید بخط کوفی نوشته شده ولـی درائر



(شکل۱۰۷)

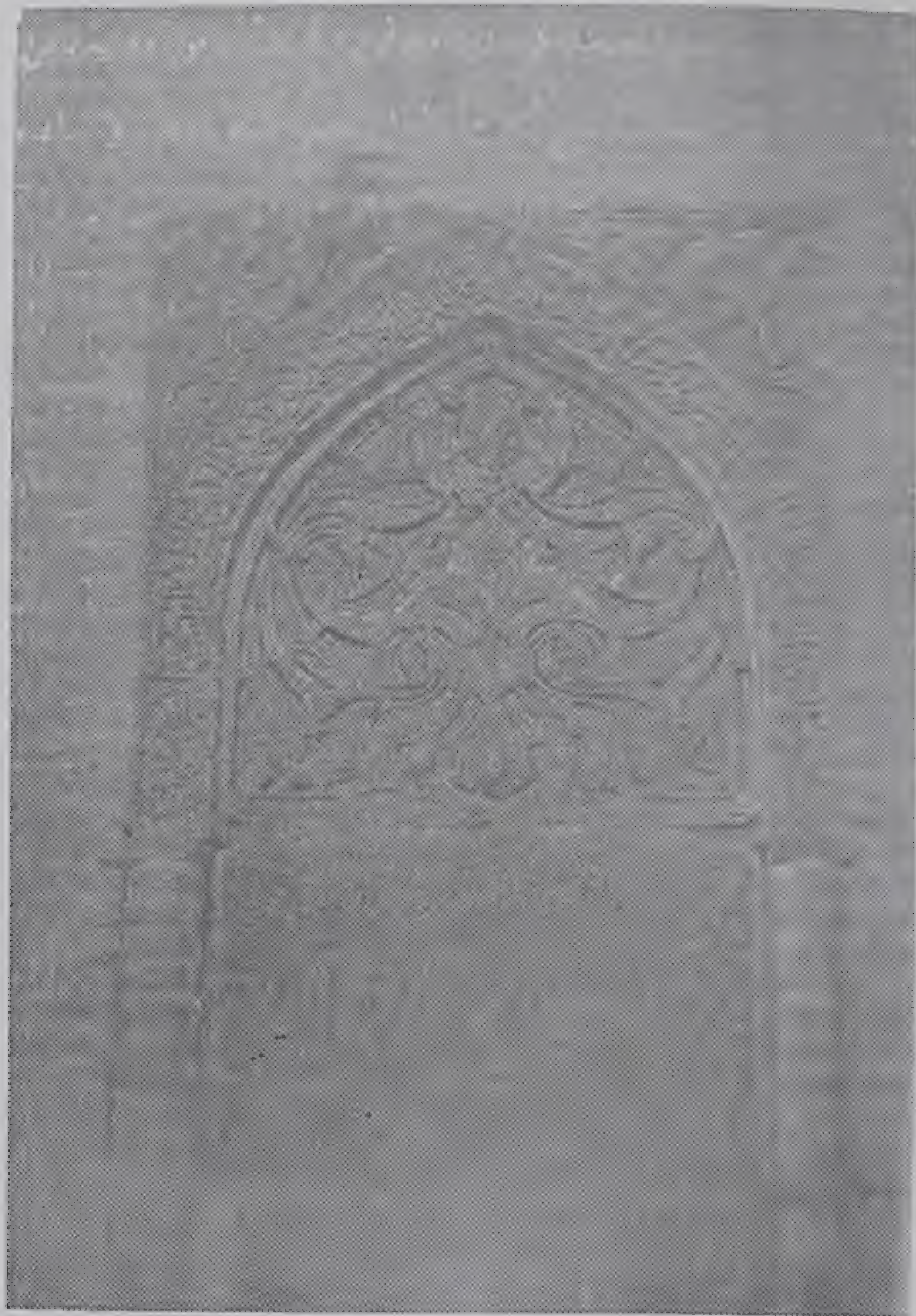
مرورزمان سائیده ومخدوش شده است .   (ش ۱۰۸)

۳ـ محراب کوچك قبه‌های شرقی (محراب کناری) :

درمحراب مزبورکه درکنار محراب بزرگ واقع شده کتیبه های زیرخوانده می‌شود :

يك ـ آيات ۹۸ و ۹۹ سوره الحجر « فسبح بحمد ربك وكن من الساجدين. واعبد ربك حتی یأتیك الیقین » .

دو ـ آخرین آیه سوره کهف: « قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم



(شکل۱۰۸)

اله واحد فمن‌کان یرجو القاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً ولایشرك بعبادة ربه‌احداً»
(ش ۱۰۹)

ب- ایوان شمالی معروف بصفه صفا :

این ایوان دارای تزیینات گچبری بسیار زیبا باشکال مختلف میباشد و نـام بانی وتاریخ بنا در یکی از کثیرالاضلاعهای سمت راست علی‌بن احمد الطباطبائی الزواری وتاریخ آن ۹۴۶ نوشته شده ودرکثیرالاضلاع‌دیگر نام بنای‌آن استادحیدر علی‌المعمارالاردستانی خوانده میشود ومطابق آنچه برسنگ مزار سلطان‌بیك‌حاکم اردستان نوشته‌شده حاکی است‌که اوساعی بوده نه‌بانی ومعلوم می‌شودکه تعمیرآن



(شکل۱۰۹)

در زمان‌حکمرانیش در اردستان تحت‌نظر ومراقبت وسعی اوانجام شده‌است وهمین مضمون‌را اشعار منقور برسنگ مزارش واقع درتکیه سلطان بیك درمحله رامیان حکایت میکند وآن چنین است :

« مقبول خدا ومصطفی سلطان‌بیك — هم چاکر شاه اولیا سلطان‌بیك »

« در دور ظهور شاه طهماسب ولی — شدساعی صفه صفا سلطان‌بیك »

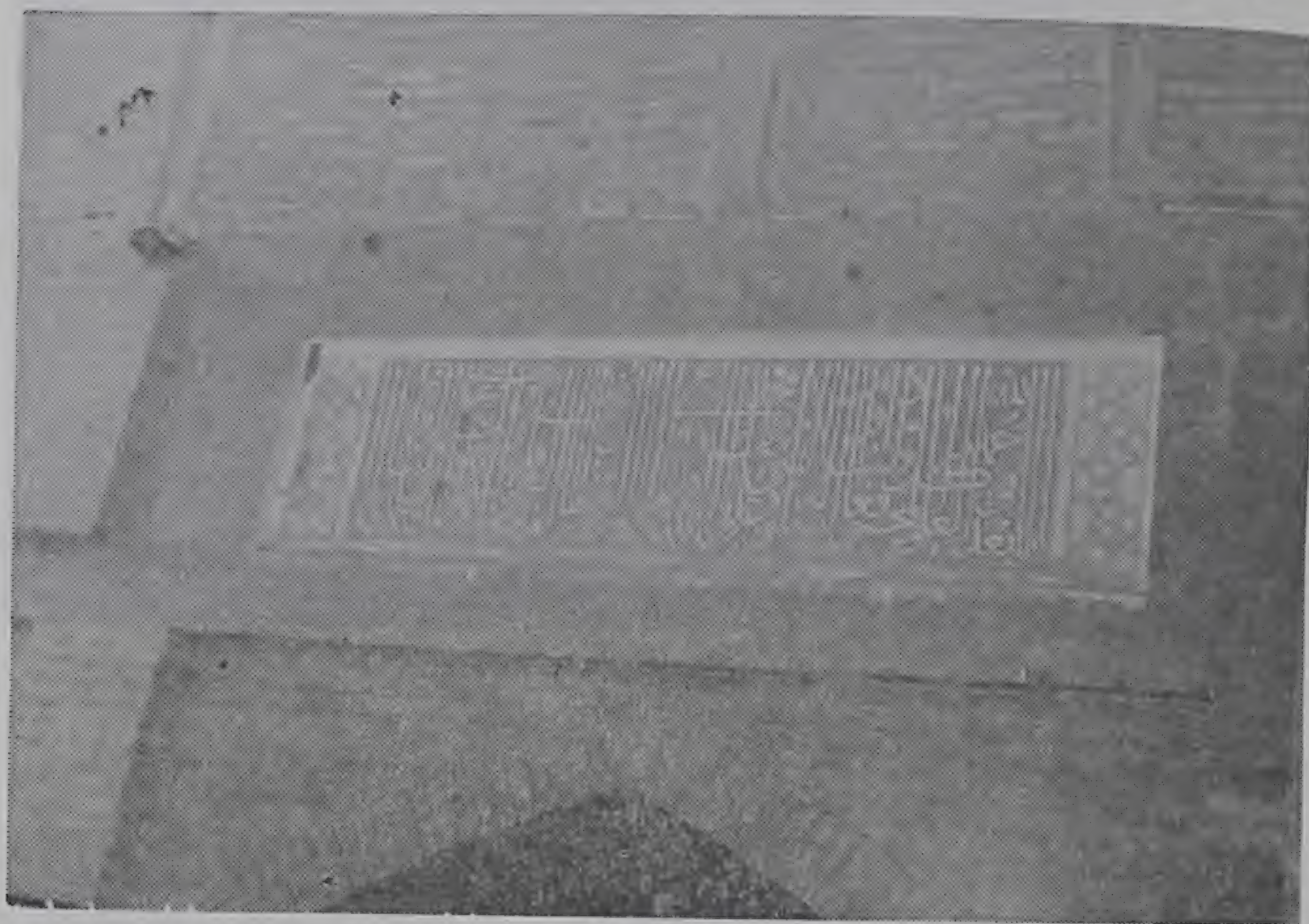
« فی‌سنة اربع وسبعین وتسعمائة »

وتاریخ ذیل اشعار مربوط بوفات سلطان بیك می‌باشد ، پس اینکه در بعضی

مواضع[1] نوشته‌اند[2] که بانی صفه صفا سلطان بیك بوده[3] در اثر این اشتباه بوده که مصرع آخر اشعار را بجای ساعی (بانی) خوانده‌اند.

وتاکنون بانی این صفه معلوم نبود ودوست فرهنگ پژوه ارجمندم آقای حاجی سید نصرالله هاشمی اردستانی که درخدمت وزارت فرهنگ وهنرمی باشد این نکته را دریافت و باستحضار نگارنده رسانید و نیز عکسها و توضیحات دیگری داده‌اند که ارزش بسزائی دارد. توفیق نامبرده و برادرش آقای احسان‌الله هاشمی را در اینگونه امور ازخداوند مسئلت دارم و بدینوسیله سپاسگزاری می‌کنم.

درضلع شرقی ایوان شمالی (صفه صفا) دوکتیبه که عبارت ازآیة‌الکرسی ودیگری صلوات برچهارده معصوم است بخط ثلث گچبری شده است[4]. (ش ۱۱۰)



(شکل ۱۱۰)

۱و۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۱۹.   ۲ـ آتشکده اردستان بخش اول ص۳۲.

۴ ـ گزارش میرزا علیخان نائینی.

و برضلع غربی آن نیز این دوکتیبه خوانده میشود :

۱ـ « اما بعد حمدالله العلی المحمود فی کل فعاله والصلوة والسلام علی النبی»
«محمدو آله فقد سعی واهتم ببناء هذه الصفة الصفا والغرفات المتصلات شرقیاً وغربیاً »
« وشمالیاً تحتانیاً وفوقانیاً من خالص ماله خالصاً لله وطلباً لمرضاته المحتاج الی »
« الملك الباری علی بن احمد الطباطبائی الزواری تقبل الله حسناته وغفرله ولوالدیه »
« فی سنة ست واربعین وتسعمائة ۹۴۶ . » (ش۱۱۱)



(شکل ۱۱۱)

۲ ـ نام معمار بنا درتعمیرات بعدی درکنارکتیبه مزبور روی گچ سیاه چنین نوشته شده : « استاد حیدرعلی معمار اردستانی ».

این استاد حیدرعلی فرزند ذوالفقار اردستانی بوده و دربنای مسجد گز نیز ازاو باین کیفیت : استاد حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی نامبرده شده است و تاریخ آن ۹۶۲ وبعداز تاریخ تعمیر صفا بوده است . (ش۱۱۲)



(شکل۱۱۲)

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1]: «اما بعدحمدالله» را «امابعدحمداًلله» نوشته شده ولی بامراجعه بعکس کتیبه واز نظر صحت عبارت درست آن همان است که دربالا نوشته شد و تمام کتیبه تاریخی که نوشته شد باعکس مطابقت دارد.

اما وجه‌تسمیه این صفه بصفا شاید این نکته باشدکه درپشت‌صفه مزبور باغهای با صفا و نیز آب جاری قرار دارد. (ش۱۱۳)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۲۱۹ .



(شکل۱۱۲)

ج ـ ایوان شرقی = صفه امیرجمله :

بر درب قدیمی این قسمت مسجد که تا حدود سال۱۳۱۴ و۱۳۱۵ شمسی وجود داشت این اشعار نوشته بود :

« ساخت این رکن مسجد بصفا　　　جملة الملك آن سعيد لقا »

وگویا اشعار دیگری هم وجود داشته که حاوی تاریخ بنا بـوده است ولـی مقیمی نامی که نماینده فرهنگ اردستان بوده آن درب تاریخی را تبدیل به میز و

نیمکت برای اطفال دبستان کرده است ودرواقع گوشه‌ای ازتاریخ کشور را از میان برداشته است .

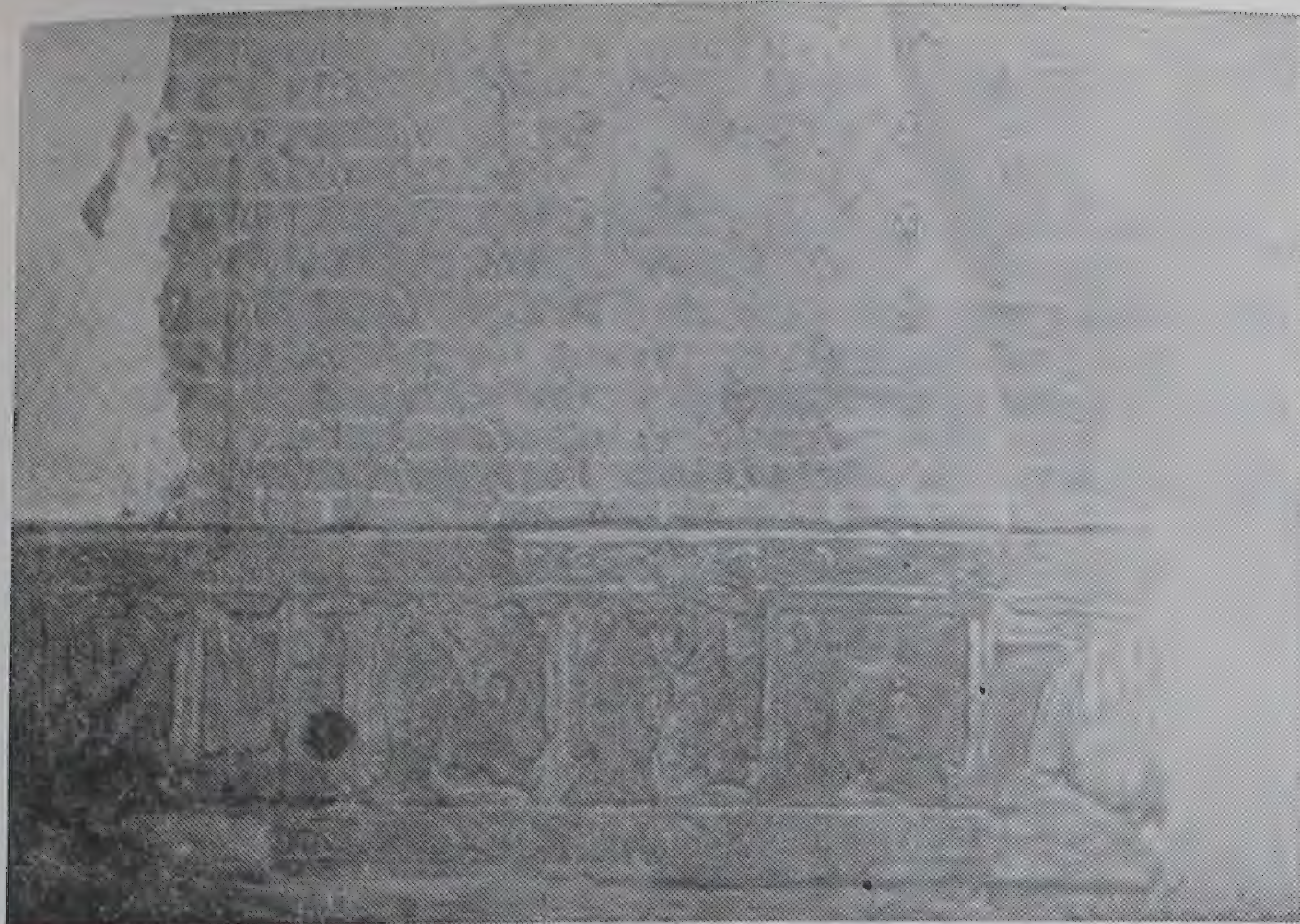
تاریخ بنای این صفه تصریح نگردیده‌است ولی چون امیر جملة الملك اردستانی بنام میرزا محمد سعید در هندوستان از سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ که وفات یافته میزیسته و دوره اقتدار وازمنه اشتغال او بامور خیریه در آن مدت بوده می‌توان گفت بنای صفه مزبور دریکی از سالهای ده‌گانه از ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ هجری انجام شده است .

د ـ ایوان غربی = صفه امام حسن :

بنای این صفه‌مربوط بعهدصفویه می‌باشد ونقاشیها وتزیینات آن نیز کمی باقی است وبا اینکه درسالهای اخیر ازطرف اداره‌کل باستانشناسی تعمیراتی انجام شده ولی‌هنوز آثار خرابی‌درآن دیده میشود . کتیبه ایوان و تاریخ بنا از سمت شمال ایوان شروع وبسمت جنوب ختم میشود وازآغاز سوره الفتح شروع میشده‌که اول و آخرکتیبه افتاده وقسمتی ازوسط کتیبه باقی مانده است .

سوره های کوچك قرآن وآیات ودعاهای دیگر بسقف ایوان بطرز زیبائی نقاشی شده ولی‌جز قسمت کمی‌ازآنها چیزی نمانده است . (ش۱۱۴)

بطوریکه در افواه‌شایع است ودربعضی کتابها هم نوشته‌انداین‌ایوان‌ازبناهای امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی ازاطبای دربار اورنگ زیب و معاصر شاه سلیمان وشاه سلطان حسین بوده است ولی کتیبه‌ای یا سند دیگری اکنون وجود ندارد که دلالت براین‌انتساب کند ومطلب بطور تواتر وشیاع دهان بدهان رسیده است و اما وجه تسمیه آن به صفه امام حسن برحسب رسمی است کـه متدینان مساجد ومعابد را بنام یکی‌از مقدسان مورد احترام می‌نامند چندسال قبل سقف دالان راهروآن خراب شده بود ولی‌مورد تعمیر قرارگرفت .



(شکل۱۱۴)

رواق غربی :

گچبری رواق غربی بخط کوفی محتوی : « بسم‌الله الرحمن‌الرحیم » وکلمه دیگری‌که مخدوش است میباشد وبعقیده باستان شناسان مربوط بعصری است که مسجد کوشك مانند اردستان تبدیل بمسجد چهار ایوانی شده است .

درآثار ایران[1] راجع بمسجدجامع اردستان چنین‌گفته شده : (ش۱۱۵)

« مسجد جامع اردستان‌دارای دوتاریخ‌یکی۵۵۳ هجری درآخر کتیبه‌بزرگ»
« شبستان زیر گنبد ودیگری ۵۵۵ هجری در ایوانیکه جلوشبستان مزبور واقع »
« است ومعلوم میشودکه شبستان وایوان دریك زمان ساخته نشده لیکن درست »
« نیست، توضیح اینکه درحدود ۵۵۳ هجری‌که مسجد اولیه را بیك مسجدچهار »
« ایوانی تبدیل نمودند شبستان زیرگنبد را مقصوره اصلی قرار داده درون‌آنرا »
« ازتزییناتی‌شبیه تزیینات بناهای جدیدالاحداث پوشاندند زیرا ساختمانهائیکه »

۱- آثار ایران ج ۱ ص۱۰۷.



(شکل۱۱۵)

« بنای اصلی افزوده شده با آن مربوط وپیوسته نیست بلکه فقط چسبیده بآن »
« احداث گردیده این مطلب از بیرون و داخل معلوم میشود. بطوریکه گذشت »
« ساختمان بدوی بطورجدا درمیان بناهای دیگر قراردارد باضافه بردیوار جنوبی »
« از دوسمت محراب دو پنجره مشاهده میشود که در موقع وسعت دادن مسجد »
« آنهارا بعلت اینکه درمحل تزیینات تازه قرار میگرفته مسدودکرده‌اند. بالنتیجه »
« شکی نمیماندکه بنای گنبدوار متعلق بتاریخ غیرمشخصی است که درحدود انتهای »
« سلطنت ملکشاه (۴۸۵ـ۴۶۵ هجری) میباشد ملحقات اولی بسالهای (۵۵۳ ـ »
« ۵۵۵ هجری) است وپس از آن ملحقات و تغییرات دیگری وجود داشته است.»

تزیینات گچبری داخل گنبد اصلی :

قسمتی از تزیینات و گچبری های داخل گنبد اصلی مسجد مربوط بعهد سلجوقی و نیز کتیبه سقف راهرو میان گنبد و ایوان که در آن آیات ۶۲ تا آخر سوره الفرقان گچبری شده دیده میشود . (ش۱۱۶)



(شکل۱۱۶)

درطاق گنبد اصلی این کتیبه بخط ثلث گچبری شده است : « بسم‌الله‌الرحمن »
« الرحیم انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة »
« ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من‌المهتدین .»
« امر ببناءِ هذاالقبة والقباب‌الاربعة المتصلة بها والصفات‌اللتی هی‌امامهاالعبد »

« الضعیف‌الراجی برحمةالله تعالی ابوطاهر الحسین‌بن غالی‌بن احمد تقبل‌الله منه »
« وغفرله ولوالدیه علی‌یدی الاستاد محمود الاصفهانی المعروف بالغازی فی‌سنة »
« ثلث وخمسین وخمسأته » .

درسمت شرق وغرب گنبد اصلی چهار درگاه وجود دارد که دوتای آن در مشرق و رفت‌وآمد بداخل گنبد ازآنها میشود واز دودرگاه سمت‌غرب یکی‌مسدود و دیگری بازاست ، درطاق این‌چهار درگاه آیات قرآن بخط کوفی گچبری شده وآن آیات چنین است :



(شکل۱۱۷)

۱ ـ بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. ۲ـ یا ایهاالذین آمنوا اذانودی للصلوةمن‌یوم‌الجمعة و چند آیه دیگر . ۳ ـ یاایهاالذین آمنوا اذکروالله ذکراً کثیراً وسجوه بکرة و اصیلا . ۴ـ لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ماعنتم. ۵ـ انماالمؤمنون الذین اذا ذکرالله و جلت قلوبهم تا آخر . (ش ۱۱۷)

مناره مسجد :



(شکل۱۱۸)

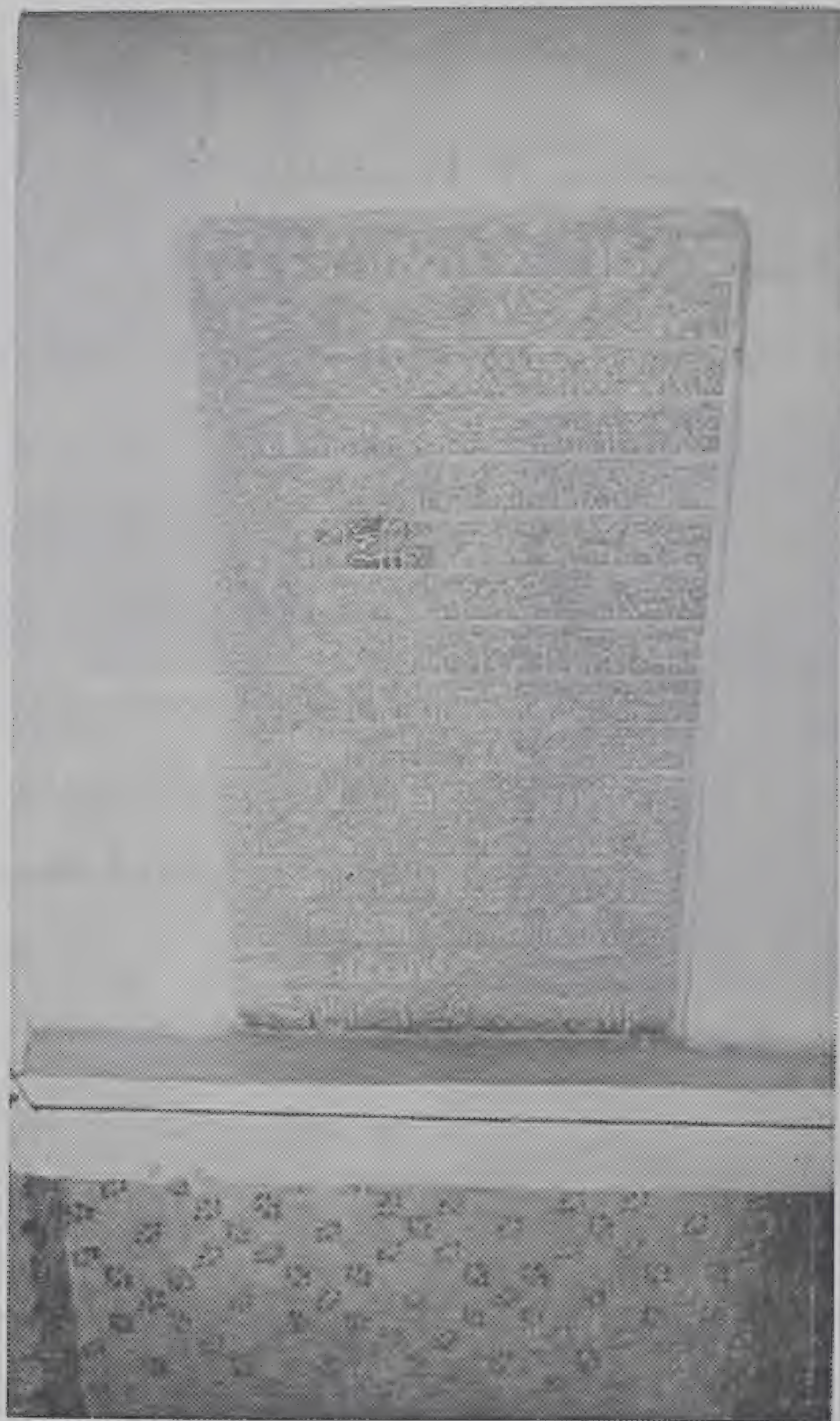
درگوشه شمال‌غربی مسجد جامع اردستان مناره‌آجری ساده وجود داردکه مقدار زیادی از آن خراب شده است ودرجنب آن مدرسه قدیمی بنام مدرسه حاجی حسین نورالدین واقع شده که در سال ۱۰۶۹ هجری بوسیله حاجی حسین نورالدین ساخته شده و رقباتی موقوفه دارد وطلبه‌نشین است.[1] (ش ۱۱۸)

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۳۵ .

فرمان شاه عباس اول :

برجانب غربی مدخل دوطبقه‌ای‌که ایوان جنوبی مسجد را بگنبد سلجوقی آن متصل میکند برلوح سنگی بطول ۱/۶۰ متر و عرض ۶۰ سانتیمتر فرمانی از شاه عباس اول راجع بتخفیف مالیات مردم شیعه اردستان بخط ثلث‌درهم نصب گردیده که مفاد آن چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه نستعین . الملك‌لله حکم جهان مطاع شدآنکه
« درینوقت بنابر شفقت شاهانه درباره شیعیان‌الکای اردستان ازابتدای توشقان‌ئیل»
« مالوجهات ایشان راعن‌رسد یکماهه شهر رمضان‌المبارك سوای جهاتی‌که باجاره »
« میدهند بتخفیف وتصدیق مقررداشتیم مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی این‌رقم »
« عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده تغییر وتبدیل بقواعد آن‌راه ندهند وآنچه »
« بمواجب همه ساله مقرراست ازاین‌تیولداران ومواجب همه ساله برطرف دانند »
« وآنچه در اینتیول مقرر نیست وازدیوان حواله میشود مالوجهات شهرمذکور »
« را سال بسال کمتر نموده تتمه را تنخواه ارباب حـوالات نمایند. تیولداران »
« الکاءِ مذکور حسب‌المسطور مقرر دانسته رسد یکماهه مذکور را از تیول خود »
« برطرف دانسته طلبی ازرعایا ننمایند کلانتر وکدخدایان وریش‌سفیدان الکای »
« مذکور بحقیقت برسند اگر سنی درمیان شیعیان باشد یا ازمردم محله محـال »
آنجا سنی باشند بایشان تخفیف داده نمیشود و نسخه منقح آن در دست داشته »
« بدفترخانه همیون فرستند که مستوفیان عظام اعلی در دفاتر دیوان عالی عمل »
« نمایند ودانسته باشندکه اگرسندپوشیده و پنهان‌کرده باشند در دنیا بازخواست »
« خواهند شد و در روزقیامت خدمت حضرت امیرالمؤمنین وامام‌المتقین علی‌بن »
« ابی‌طالب‌علیه‌السلم شرمنده خواهند بود. تغییرکننده تخفیف مذکور بلعنت الهی»
« ونفرین‌حضرت رسالت پناهی‌گرفتارگردد میبایدکه دردعاگوئی ودوام‌دولت‌قاهره»
« تقصیر ننمایند وسواد حکم‌را برسنگ‌نقش‌نموده ودرمسجد جامع‌نصب‌وبتوجهات»
« پاینده شاهانه امیدوار باشند فی‌شهررمضان سنه اربع وعشرین‌والف.» (ش۱۱۹)



(شکل۱۱۹)

این مسجد بموجب تصویبنامه شماره ۲۳۰۵ هیئت وزیران مورخ ۱۳۱۱/۴/۲۹ شمسی جزءِ آثار تاریخی محسوب[1] وبشماره ۲۸۴ نیز به ثبت تاریخی رسیده است[2].

۱ـ آتشکده ارستان بخش ۱ ص ۳۳.

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۶۱ .

دوم - مسجد خسرو :

این مسجد سه طبقه ساخته شده ولی کتیبه و خطوط تاریخی ندارد و مطابق معروف خسرونامی برای امامت حاجی ملاعبدالعظیم بن محمد تقی آرانی بیدگلی مقیم زواره واردستان متوفی درحدود ۱۲۵۰ هجری بناگردیده است (ش۱۲۰)



(شکل۱۲۰)

مساجد: چهارسوق- مسجدجوی مسگر - مسجد کوچك - مسجد باب الرجی - مسجد سنگماته - مسجد خرابه‌مون - مسجد میدان مون مسجد عرب - مسجدبازار - مسجد حوض - مسجد کبودان - مسجد محال- مسجد خاکی - مسجدکوشك جنبه تاریخی ندارند و برای اطلاع از خصوصیات آنها طالبان میتوانند به کتاب آتشکده اردستان [1] تألیف نگارنده مراجعه فرمایند.

سوم - بقعه پیرمرتضی :

این بقعه‌درمحله فهره ودرغرب‌مسجد سفیدسردشت واقع ودارای‌گنبدی‌بطول ده متر و ایوان جنوبی و شمالی است و درب ورودی‌آن از ایوان جنوبی ومساحت گنبد ومجموع ایوانها ۱۴۰ متراست.

گنبد بطور مربع شروع شده وبعداز چهارمتر مثمن گردیده و دارای چهار زاویه مساوی وچهارایوان وبطور مدور پوشیده شده‌است؛ ازمرکزگنبد تا آخرآن درحدود ده متر ارتفاع دارد ، ته‌گنبد (قاعده آن)که مربع شروع شده بمساحت شش درشش میباشد. (ش۱۲۱)

۱- آتشکده اردستان بخش۱ ازص۲۸ تا ص۴۲ .



(شکل۱۲۱)

درمیان گنبد سه قبر وجود دارد :

۱ـ قبر پیر مرتضی‌علی اردستانی فرزند امیر شمس‌الدین محمد اردستانی ندیم شاه منصور .

۲ ـ قبر زن پیرمرتضی‌علی اردستانی .

۳ ـ قبر پیرجمال‌الدین محمد اردستانی عارف معروف قرن نهم هجری .

هرسه قبررا محجری‌چوبی دربرگرفته که دارای‌کتیبه‌ای منظوم بشرح زیر می‌باشد:

« ازیمن عطای حق تعالی	آن شهر سخا و جود رادر »
« عباس ولی‌بك آنکه باشد	چون مهر سپهر ذره پرور »
« در روضه پیرمرتضی ساخت	با صدق عقیده این محجر »
« مقبول قلوب اهل دل شد	چون گشت معینش رب داور »
« درسال‌هزارباسی‌ونه (۱۰۳۹)	این خلعت خلد کرد در بر »
« داریم امید آنکـه بادا	تا هست نشان چرخ اخضر »
« گردونش بکام دهر بادا	کام دو جهـانیش میسر »

کتیبه حاکی‌است‌که محجر بهمت عباس ولی‌بك در سال ۱۰۳۹ ساخته شده ومعلوم نیست عباس ولی‌بك چه‌کسی بوده وظاهراً حاکم اردستان بوده است .

وضع ساختمان مقبره وگنبد وسایرجهات حکم‌میکندکه درنیمه دوم‌قرن‌نهم بناشده باشد واز هرجهت قابل‌توجه‌است‌وبااینکه‌نگارنده درسال ۱۳۲۸ شمسی‌شرح مشبعی نسبت بتاریخ بقعه ومدفونان آن‌به انجمن‌آثار ملی واداره‌کل باستان‌شناسی نگاشت ودرخواست رسیدگی‌وثبت آن‌گردید ولی‌بالاخره نتیجه‌ای معلوم نگردید و تاکنون به ثبت تاریخی نرسیده است . طالبان اطلاع از شخصیت مدفونان بقعه میتوانند به‌کتاب آتشکده اردستان رجوع فرمایند.(۱)

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ از ص۳۳ تا ص۳۴ وبخش۲ ازص ۳۴۴ تا ص۴۰۶

چهارم- قنات اردونه :

این کاریز که طبق مشهور بانی آن اروند شاه بوده و آثار فیزیکی ومیکانیکی نیز دلالت برقدمت آن دارد وشاید بیش از دوهزار سال از احداث آن میگذرد. مطابق معروف در زمان مغولها اختلافی میان مردم اردستان در تقسیم آب حاصل میشود ورفع اختلاف بخواجه نصیرالدین طوسی رجوع میگردد ونامبرده برحسب اصول علمی مقسم آب‌را به بیست‌ویك فرزه تقسیم‌بندی وسهم محلات اردستان را مشخص میکندکه اکنون هم بهمان ترتیب رفتار میشود. مظهرقنات مزبور درمحله محال است ولی‌درقدیم در باغ قلعه میان شهر که مولد انوشیروان عادل بوده قرار داشته است.[1] اقتضا دارد نسبت به ثبت تاریخی این اثر باستانی اقدام شود.

(ش۱۲۲) و (ش۱۲۳)



(شکل۱۲۲)



(شکل۱۲۳)

پنجم - قنات مون :

یکی‌دیگرازقنوات مهم وقدیمی اردستان قنات‌مون است که مظهر آن‌محله مون وطبق‌معروف بانی آن‌کاوه‌آهنگر که ازمردم زواره واردستان بوده میباشد. از مشخصات قنات مزبور اینستکه دارای دو رشته ودو طبقه میباشد و از هر دوطبقه آب جاری است و هیچکدام در یکدیگر نفوذ ندارند و گفته میشود که تا زمانی

۱ـ آتشکده اردستان بخش ۱ از ص ۲۴ تا ص۲۵ .

قریب ازمنال دیوانی نیزمعاف بوده است. این کاریزهم اقتضاءِ دارد مورد ثبت‌تاریخی وحفاظت قرارگیرد .

ششم ـ قنات خسروشاه :

این‌قنات هم ازکاریزهای بسیار قدیمی وبانی‌آن خسروشاه‌کیانی و یاساسانی بوده است . مظهر آن درزیر قریه زفرقند وتمامی آن درمحله محال جریان دارد با توجه بقدمتی که دراین قنات مهم است اقتضا دارد درثبت تاریخی وحفاظت آن اقدام شود .

سوم ـ اماکن تاریخی زواره :

یکم ـ مسجد جامع :

این‌مسجد که درمدینةالسادات زواره دوازده کیلومتری اردستان واقع شده درواقع بهمان سبك مسجد جامع اردستان بناشده با ایـن تفاوت که زمان احداث مسجد جامع‌اردستان هنوز سبك چهارایوانی رایج نشده بوده و بطورکوشك مانند بنا و سپس تبدیل به چهار ایوانی‌شده است ولی‌در زواره درهنگام‌احداث، مساجد چهار ایوانی رایج‌شده و از همان ابتداء بطور چهار ایوانی ساخته شده است .

مسجد جامع زواره دارای چهار ایوان: شرقی ـ غربی ـ شمالی وجنوبی‌است وایوان جانب قبله ازایوان شمالی وسیعتر و ایوان شمالی از شرقی وغربی وسیعتر است ومناره‌آن درگوشه شمال غربی قرار دارد .

کتیبه تاریخی مسجد جامع زواره برخلاف معمول درقسمت فوقانی نماهای اطراف صحن‌مسجد واقع شده است .

ازکتیبه مزبور جزدسته یانوك بعضی حروف و سرکشها چیز دیگری معلوم نمیگردد ، کتیبه مزبور بخط کوفی برجسته آجری‌که ابتدای آن بردیوار شرقی ایوان جنوبی میباشد چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انما یعمر مساجدالله من‌آمن بالله والیوم الاخر و »

« اقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من‌المهتدین . »
« اجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجدالحرام کمن آمن بالله والیوم‌الاخر وجاهد »
« فی‌سبیل‌الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم‌الظالمین. امر ببناء . . . . الفقیر»
« الی رحمة‌الله . . . . . احمد . . . . ین وخمسمأته » .

وبطوریکه تحقیق‌شده از نظر وجودکلمه احمددربیان نام‌بانی و دیگر تقارن ساختمان مسجدجامع زواره با جامع اردستان میتوان گفت که بانی هردو جامع همان ابوطاهر حسین‌بن‌غالی‌بن احمد بوده‌است[1] وعدد بعد از خمسمائه ثلاثین بوده[2] «پس کتیبه چنین خوانده میشده است : « امر ببناءِ هذاالجامع الفقیرالی‌رحمة‌الله » « تعالی ابوطاهر الحسین‌بن غالی‌بن احمد فی‌سنة ثلاثین وخمسمأته » . (ش ۱۲۴)



(شکل۱۲۴)

درایوان جنوبی‌مسجد ودرقسمت شرقی مدخل میان ایوان وگنبد بر قطعه‌ای ازگچ بخط ثلث‌برجسته چنین نوشته شده است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم و به»
« نستعین وبعد تاریخ ساختن مسجد »
« جامع مدینة السادات زواره فی‌سنة »
«احدی‌وخمسین وخمسمأته من‌الهجرة»
النبویة .» ومعلوم میگرددکه میان این دو تاریخ بیست ویك سال فاصله وجود داشته است ، و بنظر نگارنده ممکن است کلمه‌ای که احمد خوانده شد دراصل چنین بوده :

« احدی وخمسین و خمسمأته » و اگر اینطور بوده باشد هردو تاریخ یکی خواهد بود . نکته دیگری که بنظر میرسد اینستکه تاریخی که بر قطعه گچ نوشته شده تاریخ‌کتابت نباشد بلکه از تاریخ ساختمان خبربدهد وخود نوشته دوم

۱- آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۵۴. ۲- آثار ایران ج ۱ جزوه دوم ص۱۵۰.

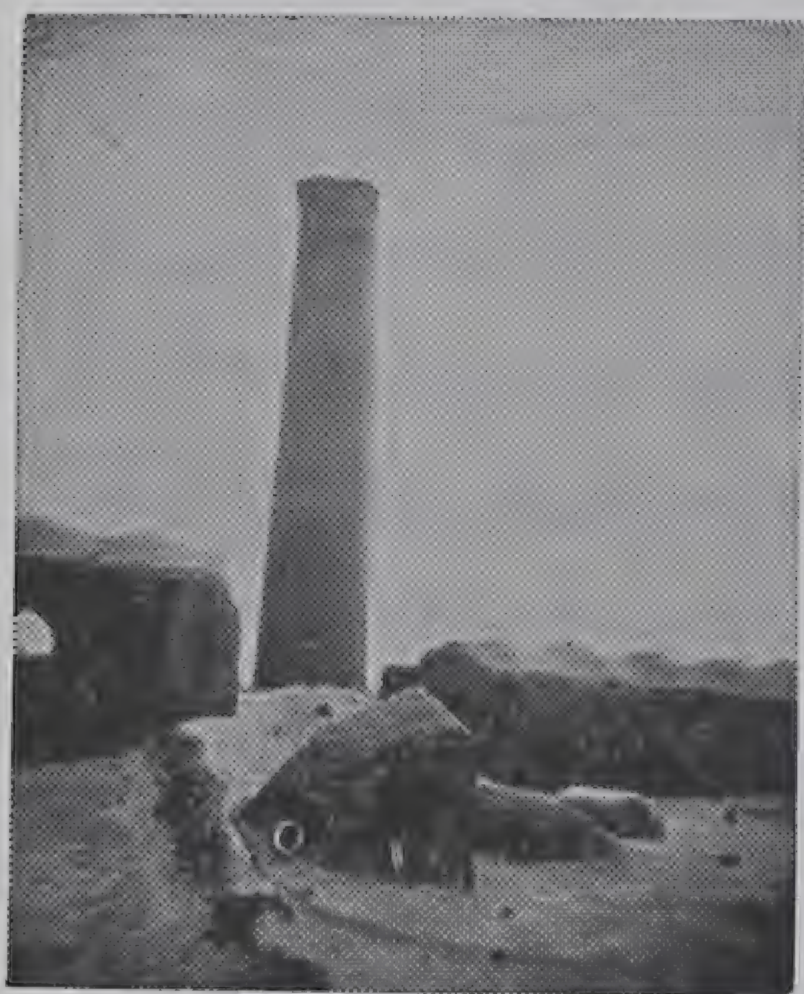
پس‌ازآنکه خرابی‌درکتیبه راه‌یافته‌بوده برای ضبط تاریخ بناآن را نوشته‌اند و با این‌ترتیب کتیبه دوم کتیبه اصلی نیست بلکه از وجود کتیبه اصلی خبر میدهد و با این فرض باید اذعان کرد که‌کتیبه مخدوش همان (احدی وخمسین وخمسمأته) بوده است .

کتیبه‌ایکه‌زیرگنبد وشبستان محراب‌واقع‌شده ازگچ‌است‌وحروف‌آن‌ازکوفی گلدار وتقریباً خراب وویران شده وفقط میتوان تشخیص داد که محتویات کتیبه مزبور آیات ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره آل عمران و پس ازآن متضمن متن تاریخی بوده که سال تاریخ بنارا نیز دربرداشته لکن‌اکنون چیزی خوانده نمیشود[۱] در کتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته[۲]: « و دارای محراب بسیار زیبای گچبری» « است که درسال ۵۵۳ خاتمه یافته » و در واقع همان‌کتیبه تاریخی‌محراب است‌که در گنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل از آثار ایران نوشته‌اند مفهوم نشده است و اگر نوشته تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان مستند باشد تاریخ محراب هم معلوم خواهد بود .

این‌اثرباستانی بموجب شماره ۲۸۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

دوم- مسجد پامنار :

این‌مسجد در محله بن‌کویه‌زواره و در پای مناره‌آن واقع‌گردیده است. مسجدمزبور دارای شش‌ایوان درضلع‌جنوبی ومتعلق بدوره سلجوقیان میباشد ویك رشته تزیینات‌گچبری ظریف درمحراب وداخل ایوانها دیده میشود وخطوط ثلث‌گچبری شده داخل‌هلال محراب جلب توجه میکند . (ش ۱۲۵)



(شکل۱۲۵)

خطوط ثلث محراب اصلی ازبین رفته

۱ـ آثار ایران ج۱ جزوه دوم ص۱۵۰. ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان ص۲۰۷ .

۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص۶۲ .

ولی کلماتی بشرح زیر خوانده می‌شود :

« بسم‌الله . . . مما امر . هذا المحراب . . . المتهجد ابوعبدالله محمدبن »
« ابراهیم اطال‌الله بقائه . . . » هلال محراب باخطوط کوفی گچبری شده بوده ولی دردوره‌های بعد روی آن گچ کشیده و مجدداً بخط ثلث گچبری کرده‌اند. از خطوط کوفی سابق آن فقط جمله « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » جلب توجه میکند .کتیبه‌های دیگری که بخط ثلث گچبری شده چنین خوانده میشود :

۱ـ « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شهدالله‌انه لااله‌الاهووالملئکة واولوالعلم قائماً»
« بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . »

۲ ـکتیبه‌هلال داخل محراب شامل آیات ۷۸ و۷۹ سوره اسری باین‌شرح :
« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اقم‌الصلوة لدلوك الشمس‌الی‌غسق اللیل وقـران »
« الفجر ان‌قران‌الفجرکان مشهوداً و من‌اللیل فتهجد به‌نافلة لك عسی ان یبعثك »
« ربك مقاماً محموداً .»

۳ـ درداخل محراب آیه ۲۹ سوره اعراف چنین‌خوانده میشود :
« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم قل‌امرربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل »
« مسجد وادعوه مخلصین‌له‌الدین. ».

مناره مسجد مزبورکه ازنظرقدمت تاریخی دومین مناره ایران است دارای کتیبه‌ای بخط‌کوفی‌است که چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم مماامر ببناء هذه المنارة محمدبن ابراهیم ابتغاء »
« لوجه‌الله سنةاحدی وستین واربعمأته . » .

هرچند خود مسجد تاریخی ندارد ولی ظاهراً تاریخ بنای مسجد با مناره یکی باشد[۱] .

این‌مسجد ومناره طی‌شماره ۱۰۸ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۱۷۲ تا ص ۱۷۴.

۲ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۶۳ .

٤- اماکن تاریخی سفلی (دهستان):

یکم - بقعه امامزاده سیدکمال‌الدین حسین:

این بقعه که منسوب بسیدکمال‌الدین حسین فرزند حضرت امام موسی‌کاظم علیه‌السلام میباشد بنای اصلی بقعه از زمانهای قدیم است ولی رواق وگلدسته در اواخرقرن سیزدهم شروع ودرتاریخ ۱۳۲۳ هجری قمری‌خاتمه یافته است. وآنچه جالب بنظرمیرسد آیینه‌کاری ایوان و رواق‌آن است و بخصوص چهل‌چراغ آن‌که متأسفانه درچند سال پیش مورد دستبرد قرارگرفت. ماده تاریخ خاتمه بنای بقعه مزبور چنین است:

سال تاریخ‌کتیبه «دان‌گلستان بهشت» ۱۳۲۳ — خامه‌کوچکعلی‌درنظم‌زیب‌دفتراست

املاك زیادی وقف بربقعه مزبور است که بیشترآن درتصرف وقف است[1].

دوم - چهلستون دیه سرنج‌آباد:

این‌عمارت تاریخی وجالب‌درنیمه دوم قرن سیزدهم دردیه سرنج‌آباد بوسیله مصطفی قلیخان سهام‌السلطنه عرب عامری که از امیرتومانان و سرداران دربار ناصرالدین شاه قاجار بوده بناگردیده است و بسیارشبیه چهلستون اصفهان میباشد هرچند دراثر عدم مراقبت‌مشرف بانهدام میباشد ولی وضع‌آن اقتضاءِ داردکه مورد توجه اداره‌کل باستان‌شناسی واقع وازخرابی‌آن جلوگیری شود.

(ش۱۲۶) و (ش۱۲۷) و (ش۱۲۸) و (ش۱۲۹) و (ش۱۳۰) و(ش۱۳۱ و (ش۱۳۲)

ب - شهرستان گلپایگان:

یکم - مساحت وجمعیت:

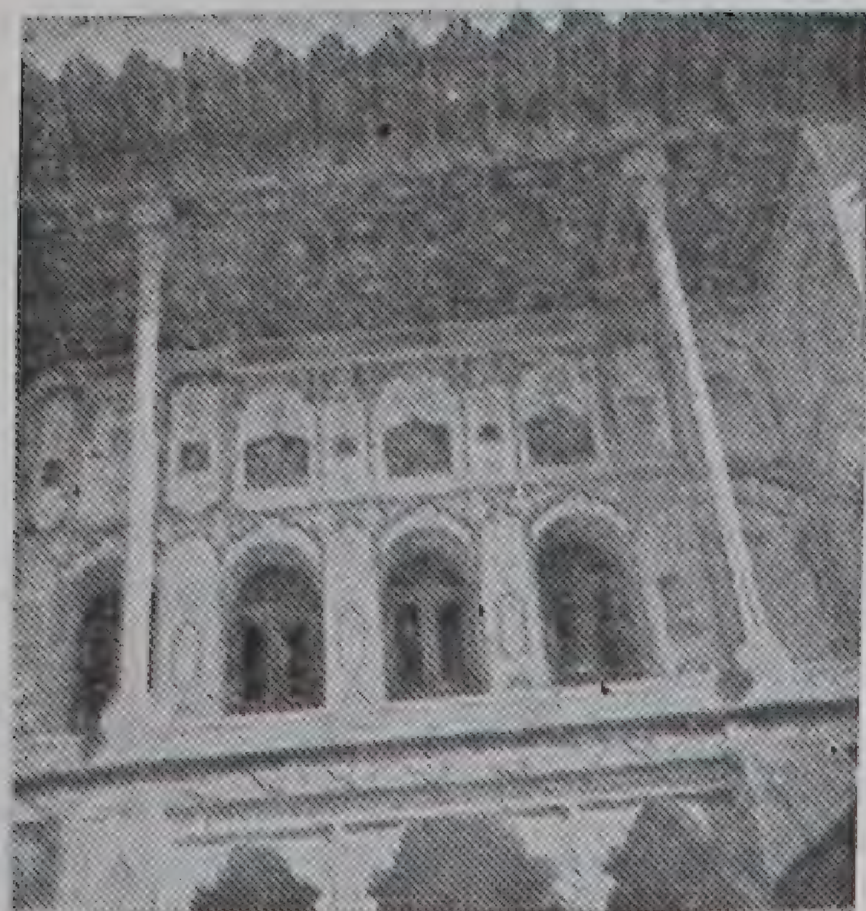
مساحت این شهرستان ۲۴۲۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن بالغ بر۸۳۱۷۸ نفر است ومرکزش شهرگلپایگان وجمعیت شهر۲۰۵۱۵ نفر است.

---

۱ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۲ .



(شکل ۱۲۶)



(شکل ۱۲۷)



(شکل ۱۲۸)



(شکل ۱۲۹)



(شکل ۱۳۰)



(شکل ۱۳۱)



(شکل۱۳۲)

دوم ـ اماکن تاریخی :

۱ ـ مسجد جامع گلپایگان :

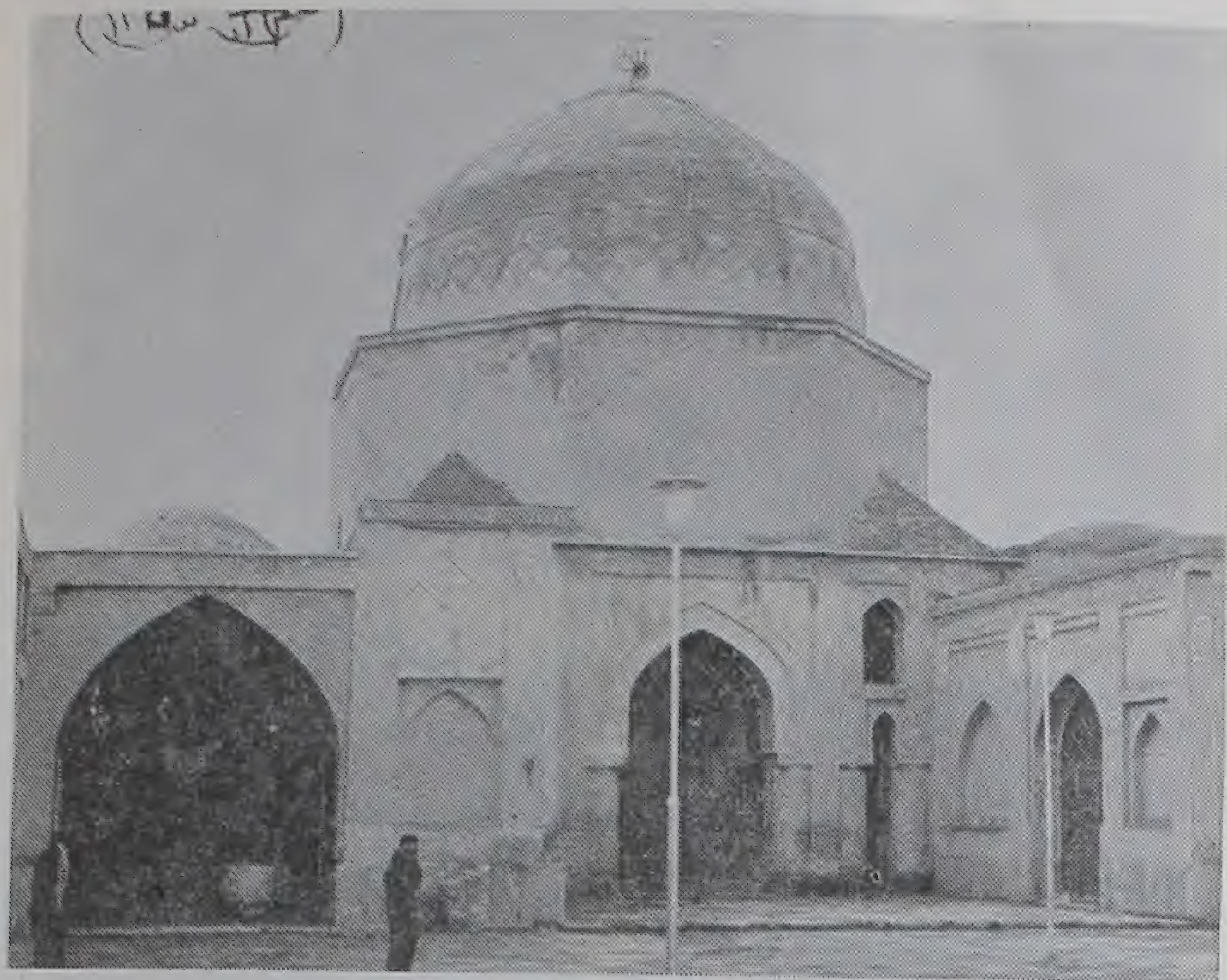
این مسجد دارای صحن و شبستان وسیع وگنبد آجری میباشد و بنای آن مربوط بزمان محمدبن ملکشاه سلجوقی ، ودارای کتیبه‌های کوفی آجری متعدد و تزیینات عهد سلجوقی است . در اطراف محراب بزرگ زیرگنبد درمتن کتیبه‌ای نام بانی را «ابونصرابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم» و بربدنه شبستان جملات مذهبی بخط‌کوفی آجری‌خوانده میشود . درزمان فتحعلی‌شاه قاجار الحاقی برآن‌کرده‌اند . ساختمان‌گنبد سلجوقی‌متعلق باوائل قرن ششم هجری‌است[۱] . این‌مسجد به‌شماره ۱۹۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] . (ش۱۳۳) و (ش۱۳۴) و (ش۱۳۵)

۲ ـ مسجد جامع سرآور :

این مسجد در۱۸کیلومتری شمال شرقی گلپایگان واقع وازلحاظ سقف‌بندی وساختمان ستون و معماری و حمالهای چوبی قابل توجه است وکتیبه منبرآن از نفایس بشمار است . در روی درب مسجد تاریخ ۹۷۹ هجری خوانده میشود پایان کتیبه سال ۸۱۱ و روی حاشیه محجرکتیبه آن بخط نسخ برجسته چنین است :

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۵ .

۲ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۴ .



(شکل۱۳۳)

۱ ـ «الله مفتح الابواب» .

۲ ـ «هذه العمارة مسجد الجامع سر الوار» .

۳ ـ «هذه الخیر المبارك ابراهیم بن علی سر الواری» .

۴ ـ «فی تاریخ عشرین ذوالقعدة سنة احدی عشر وثما نمأته . »

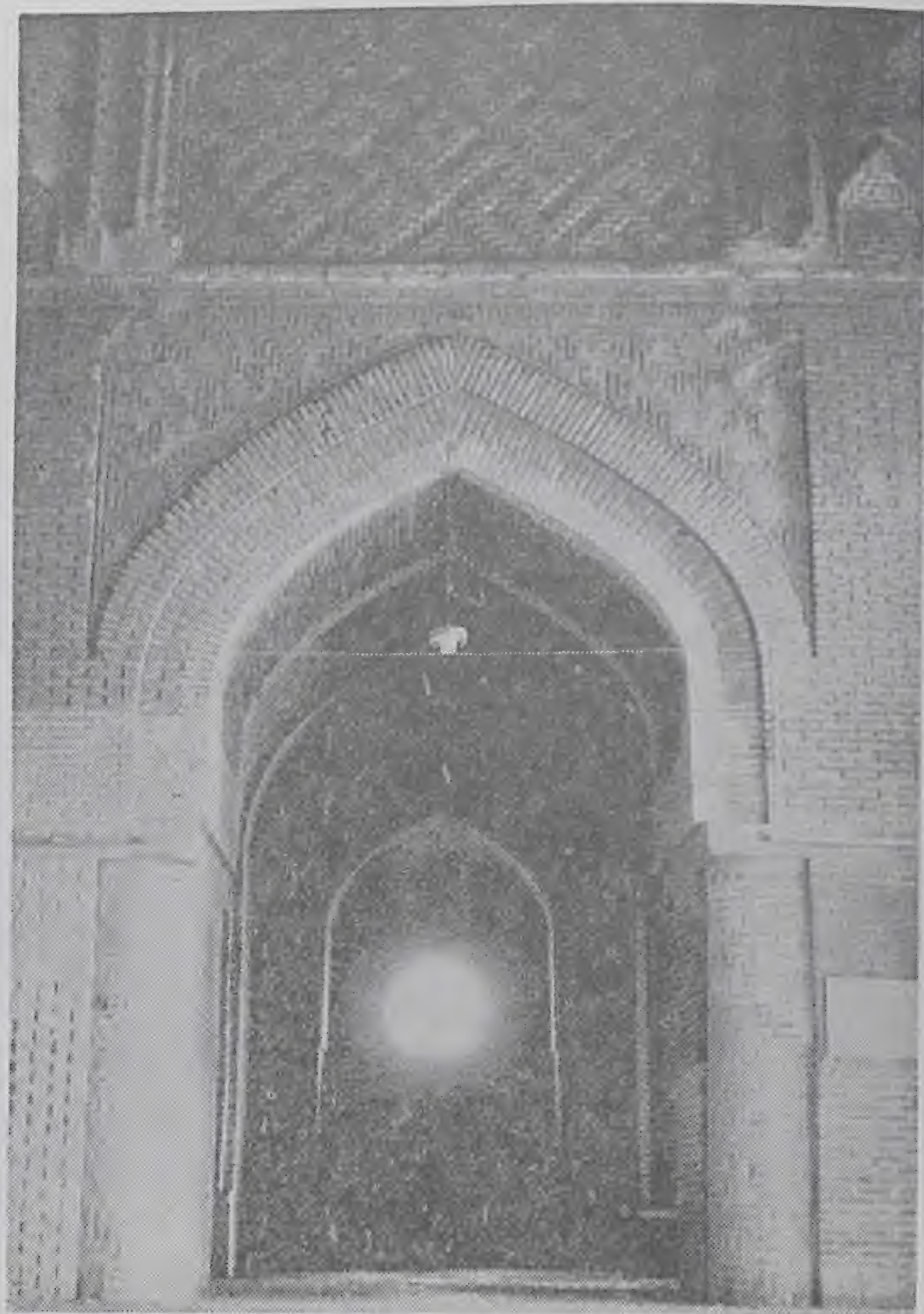
این مسجد بشماره ۴۳۴ به ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۳ ـ مناره گلپایگان :

این مناره مربوط بدوره سلجوقی واز آجر ساخته شده ودر عداد بلندترین مناره‌های قرن پنجم محسوب و دارای دو در ودر داخل آن پلکانی تعبیه شده و پائین و بالای آن مرمت شده است .

---

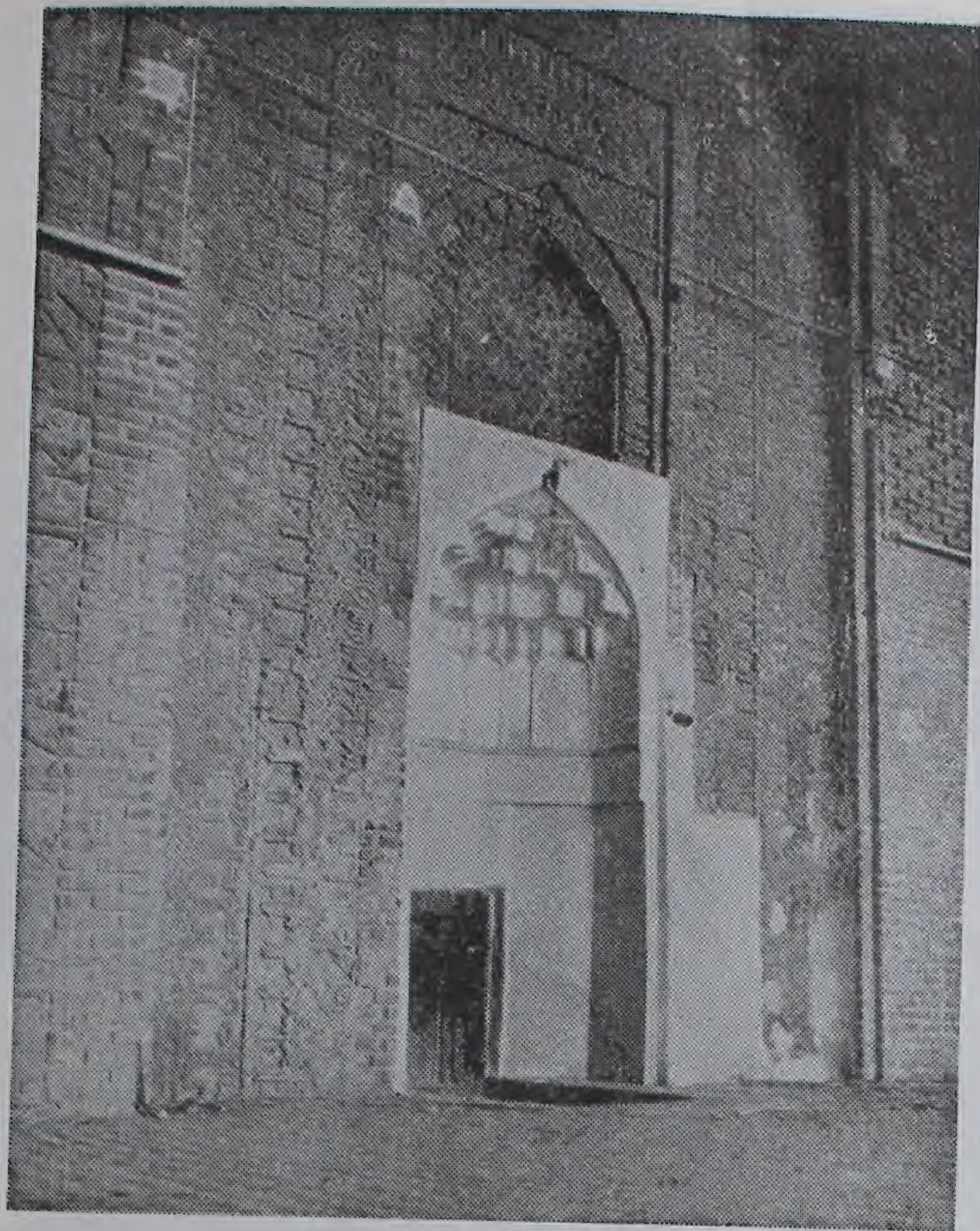
۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۶ .



(شکل۱۳۴)

مناره مزبوردارای کتیبه‌کوفی آجری میباشد ولی تاریخی ندارد ومتن‌کتیبه آیات کلام‌الله مجید است . این مناره بشماره ۲۵۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] .
(ش ۱۳۶)

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۵ .

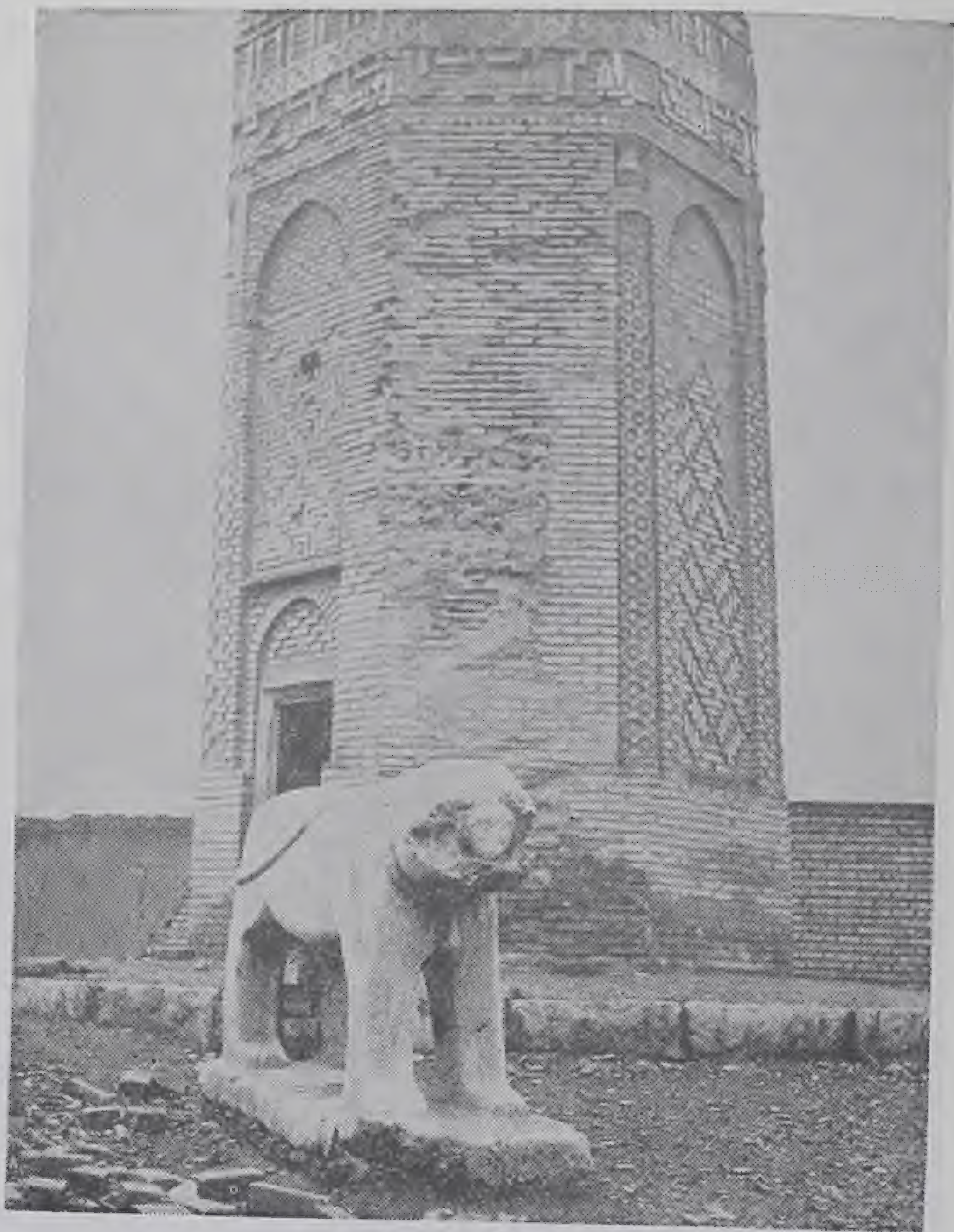


(شکل۱۳۵)

۴ ـ امامزاده سیدالسادات :

این بقعه مقبره امامزاده سیدالسادات و بنای آن مربوط بزمان قرن هشتم هجری و دارای ایوان و غرفات دوطبقه وگلدسته و گنبدی است که ارتفاع آن به نه‌متر بالغ میگردد ، تزیینات شمال شرقی و جنوب شرقی آن از لحاظ ظرافت بسیارشایان است . این اثر تاریخی طی‌شماره ۶۴۲ به‌ثبت رسیده است[۱]. (ش۱۳۷)

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۶ .



(شکل۱۳۶)

۵ ـ بقعه هفده تن :

این بقعه‌که درخارج شهر گلپایگان واقع شده در زمان شاه‌عباس اول صفوی ساخته شده و تاریخ‌کتیبه سردرآن ۱۰۳۲ هجری است ،کتیبه تاریخی آن‌که بیشتر آن درتوصیف شاه‌عباس اول است درهمین بنا باقی وحاکی‌ازاینستکه بقعه بوسیله امامقلیخان سردارمعروف شاه‌عباس احداث گردیده است . این بقعه بموجب شماره ۲۹۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[1] .   (ش۱۳۸ و۱۳۹)

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۶۶.

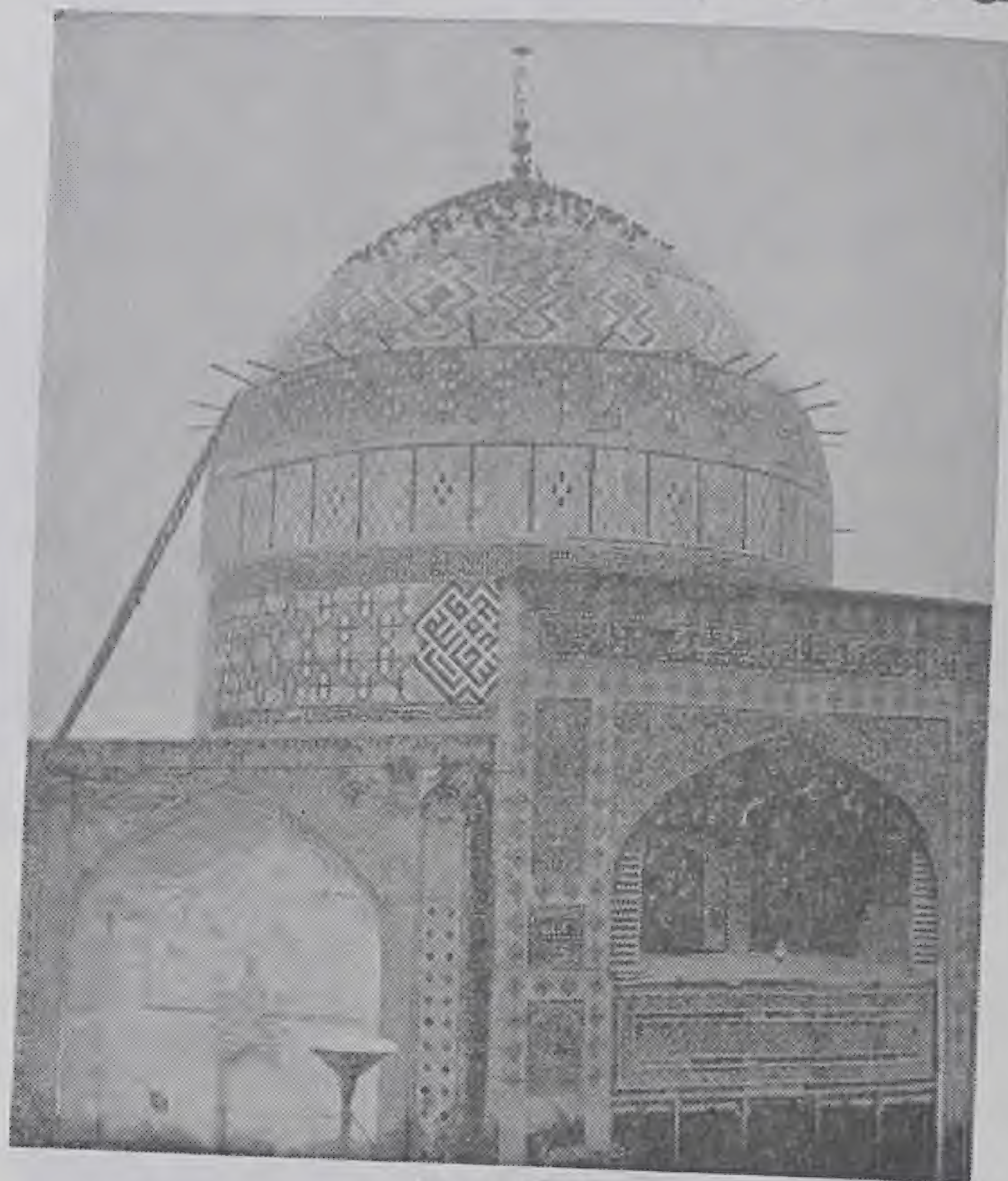


(شکل۱۳۷)

۶ - امامزاده ابوالفتوح :

این بقعه‌که درقریه وانشان میان راه‌گلپایگان به خوانساروافع شده دارای منظره‌ای شیوا وگنبدی‌هرمی‌شکل دوازده ترك میباشد وکتیبه‌آن‌که برروی لوحه سنگ مرمری‌کنده شده حاکی‌است امامزاده ازفرزندان امام موسی‌کاظم‌علیه‌السلام بوده است . تاریخهائی‌که در بنای مزبور وجود دارد : ۹۶۲_۹۶۳_۹۹۰ میباشد که روی لوحه و در بدنه صندوق مرقد نوشته شده است. بنابراین میتوان گفت که

ساختمان بقعه مربوط بقرن‌دهم هجری‌است . این بقعه بشماره ۴۳۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱]. (ش ۱۴۰)



(شکل۱۳۸)

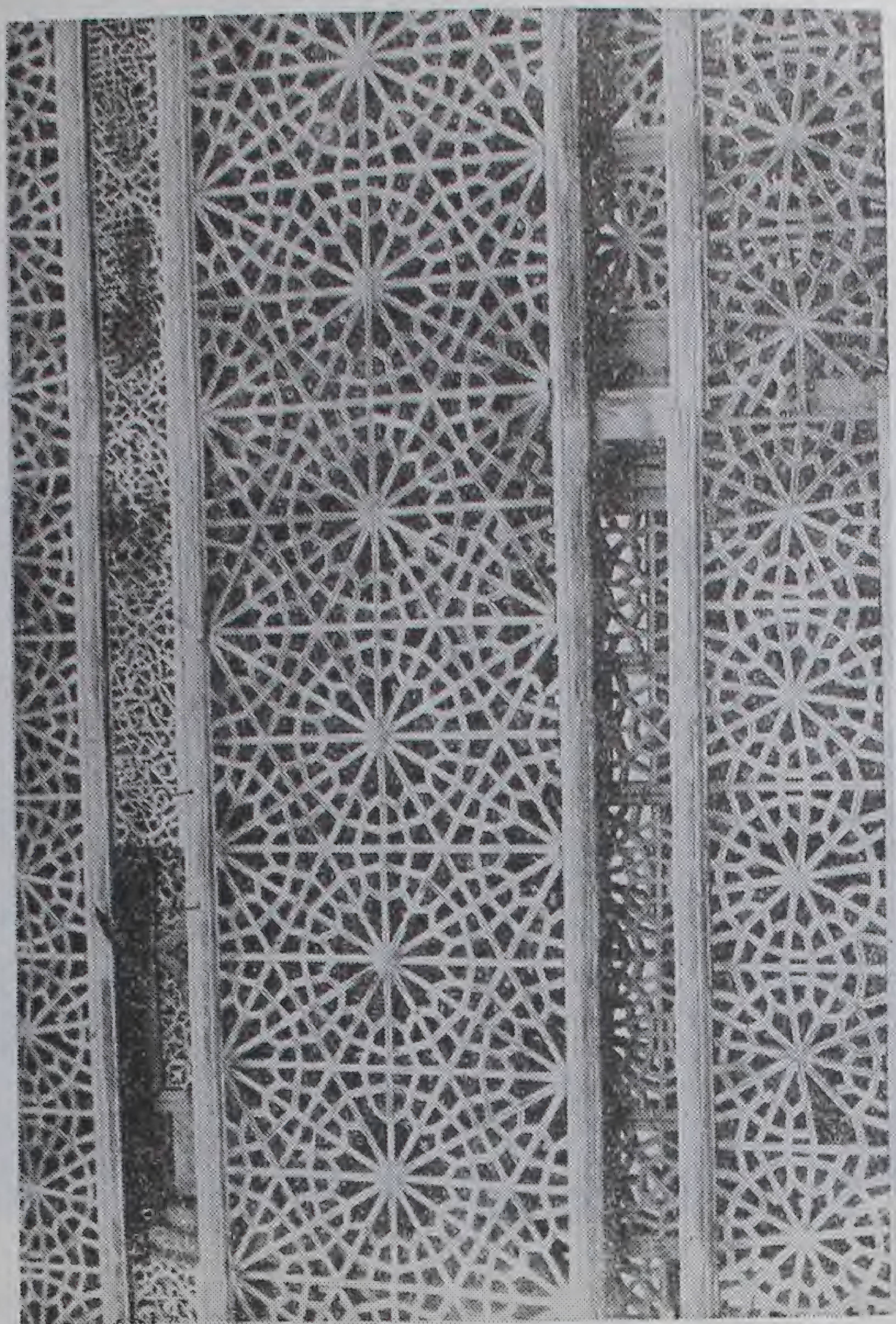
ج ـ شهرستان شهرضا :

یکم ـ مساحت وجمعیت :

مساحت این شهرستان ۴۱۶۲/۵ کیلومترمربع وجمعیت‌آن بالغ بر۹۴۱۳۱ نفر میباشد ومرکزآن شهر شهرضا است .

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۷ .



(شکل۱۳۹)

دوم ـ از اماکن تاریخی و باستانی آنجا است :

۱ ـ امامزاده شاهرضا :

این امامزاده در فاصله کمی از شهرشهرضا قرارگرفته و روی قسمت مرتفعی از دامنه کوه محلی واقع شده است . سردر بقعه وگنبد آن کاشیکاری شده وکتیبه



(شکل ۱۴۰)

اطراف آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی تمام سوره جمعه نوشته شده است ودراین قسمت کتیبه تاریخی وجود ندارد ولی اوضاع واحوال ساختمان آنرا بدوران صفویه میرساند. درسالهای ۱۲۷۶ و۱۲۷۸ و۱۳۶۰ هجری تعمیراتی بوسیله مردان مختلف ازعمارت امامزاده بعمل آمده است . این بقعه بموجب شماره ۱۳۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۲ ـ بقعه شاهزاده ابراهیم وشاهزاده محمد :

این‌بقعه در پانزده‌کیلومتری جنوب شاهرضا واقع و درسرراه شیراز قرار گرفته ودارای صحن و چند حجره است .

گنبد آجری آن دوازده ترك و بگنبد بابا رکن‌الدین شباهت دارد ، بنای

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳ .

اولیه آن مربوط بدوره مغول است ولی تزیینات رواق و گچبری و نقاشی آن اززمان صفویه میباشد . این اثر باستانی بموجب شماره ۷۵۰ به ثبت تاریخی رسیده است.[۱]

۳ـ کاروانسرای مهیار :

این کاروانسرا که از نمونه‌های عالی وممتاز دوران صفوی است در ۳۰ کیلومتری شهرضا قرارگرفته است و دارای صحن وسردر و حجرات و تزیینات خاصی میباشد و آنرا بدوره شاه سلیمان صفوی منسوب میدارند . این کاروانسرا بموجب شماره ۳۵۴ به ثبت تاریخی رسیده است. [۲]

۴ـ بقعه شاه سید علی اکبر :

این بقعه درهیجده کیلومتری شمال شهرضا قرارگرفته و از آثار دوره صفویه است . گنبد آن باکاشیهای نره همچون گنبد شهرضا پوشیده شده ودوپوش وبسیارزیبا است ودریك گوشه ضریح آن تاریخ ربیع‌الاخر ۱۲۵۱ به چشم میخورد ،کتیبه نمای خارجی آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی شامل آیات سوره نور و کاتب آن محمد باقر شریف شیرازی است و برطرف شمالی ضریح صلوات برچهارده‌معصوم بخط نسخ کنده شده‌است .

درایوان شمالی مقبره دولوح سنگی وجود دارد یکی از آن دو که کوچك و بردیوار نصب شده کتیبه آن چنین است :

« این بنارا بفضل حی صمد　　یافت توفیق ساخت یار احمد»
« سال تاریخ او اگر خواهی　　نود و هشت دان تو با نهصد »

که تاریخ بنارا بعصر شاه عباس اول میرساند سنگ دیگری از یك قبر در آنجا دیده میشود که وفات سید شاه محمودبن جناب سید حیدربن سید علیشاه طباطبائی حسینی‌را در اواخر صفر ۹۲۰ هجری تعیین میکند و خلاصه میتوان بضرس قاطع گفت که بنای این بقعه درعصر شاه عباس بزرگ بوده است . تاریخهای دیگری نیز مربوط بقرن سینزدهم و چهاردهم هجری وجود دارد . ثبت تاریخی

۱و۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۶۴ .

این بقعه در گردش اداری است.[1]

۵ ـ شهرستان نائین :

یکم ـ مساحت وجمعیت آن :

مساحت شهرستان نائین ۳۵۵۱۹ کیلومترمربع وجمعیت آن بالغ بر ۴۰۴۳۱ نفر است .

دوم ـ اماکن تاریخی آن بشرح زیر است :

۱ـ مسجد جامع نائین : (ش۱۴۱)

بطوریکه مؤلف دانشمند و محقق تاریخ نائین نوشته است[2] مسجد جامع



(شکل۱۴۱)

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۸.

۲ـ تاریخ نائین ص۷۲.

نائین زمان عمر بن عبدالعزیز اموی بناشده واکنون محلی‌که مسجد در آن واقع است بنام محله باب‌المسجد شهرت داردواین مسجد دارای یك مناره وپهلوی‌مناره گنبدی است یك پوسته واین‌سبك‌گنبدها مقبره است وازمسجد محسوب نیست و درنائین نظیر آن وجود دارد مانند مسجد بابا عبدالله و شنیده شده‌که هنگام خاك‌برداری ازگنبد خانه مسجد جامع کاسه سر بسیار بزرگی پیدا شدکه آهن‌پیکان در استخوان سرفرورفته وهنوز باقی‌بود . درمسجد مزبور منبری است‌که سازنده آن اهل‌کرمان بوده‌است .

باستان شناس‌معروف‌گدارگفته مسجد جامع نائین‌ازحیث نقشه نمونه مساجد اولیه عرب میباشد ، ساختمان‌آن ازتاریخانه دامغان کاملتراست ، ستونهای آن کوچکتر ، دالانها بلندتر ، وطاقها تیزترند ، درگوشه مسجد طرف چپ مناره‌ای است‌که جزء ساختمان مسجداست . (ش۱۴۲)

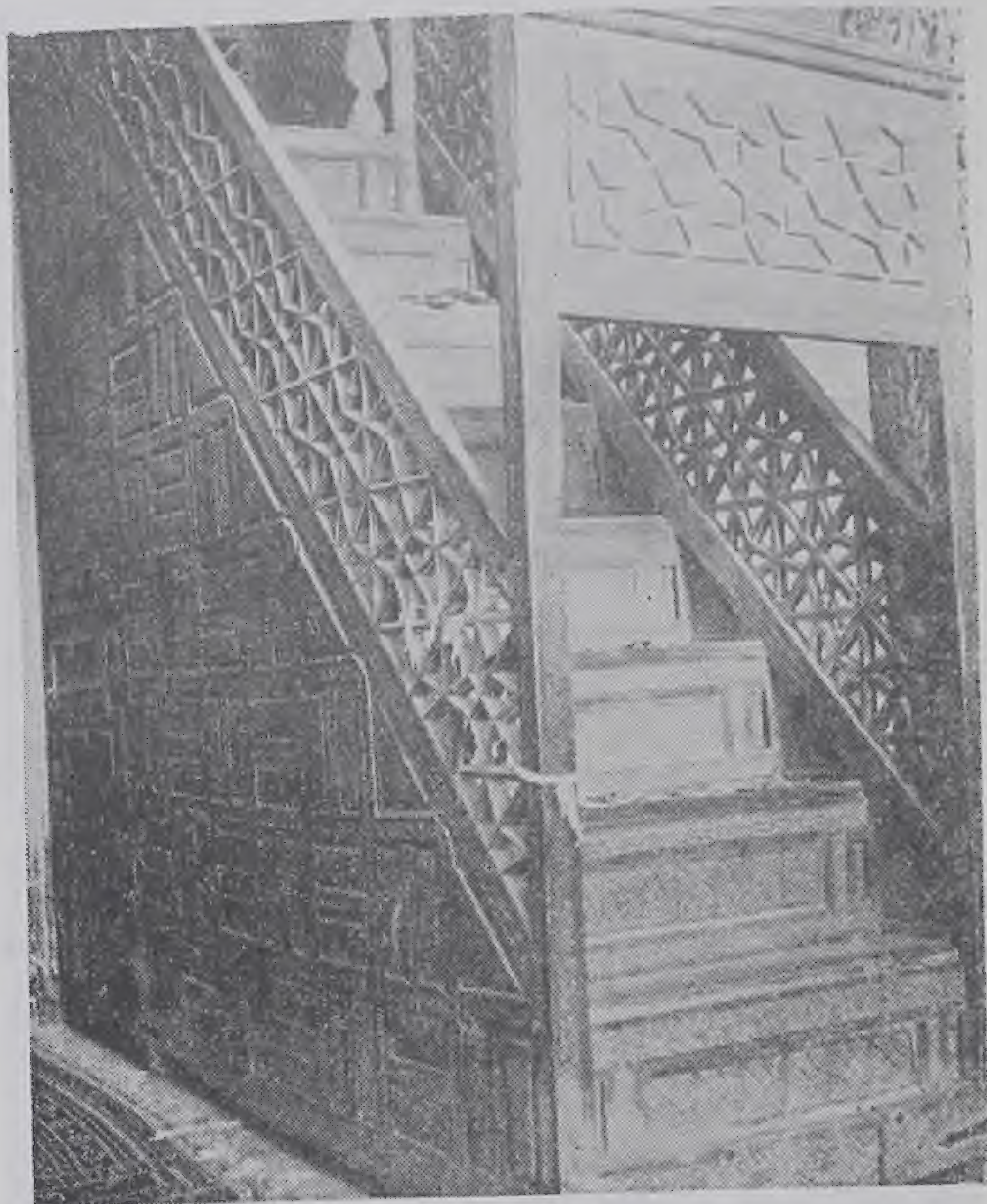
سر در اصلی مسجدجامع نائین درگوشه شمال شرقی واقع و در جنوب شرقی نیز درساده دیگری دارد ، صحن آن‌که وسعت زیادی ندارد چهارضلعی است ودر سه جانب‌شرقی وجنوبی وغربی چهلستونهائی داردکه مداخل‌باز و بلندآنها بصحن باز است .

مناره آجری‌آن‌دارای ۲۸متر ارتفاع وبامناره‌های دوره‌سلجوقی تفاوت بسیار دارد، درزیرصحن‌مسجد شبستان وسیعی‌است‌که ستونهائی‌ازرس طبیعی‌دارد وبوسیله قطعاتی ازسنگ مرمری ازبالاروشنائی‌میگیرد . درضلع جنوبی چهلستون جنوبی محراب عالی‌گچبری شده ومنبرنفیس آن قراردارد و تزیینات گچبری محراب و اطراف جای منبر جالب است .

تاریخ ساختمان مسجد بنظر پروفسورپوپ امریکائی ۳۵۰ هجری است و گدار فرانسوی مربوط بدوران دیالمه میداند . (ش۱۴۳) و (ش۴۴)

کتیبه‌ها وخطوط مسجد جامع مزبور چنین است :

۱ـ خطوط کوفی گچبری‌شده دربالای محراب شامل آیه۱۸ سوره‌توبه وخطوط



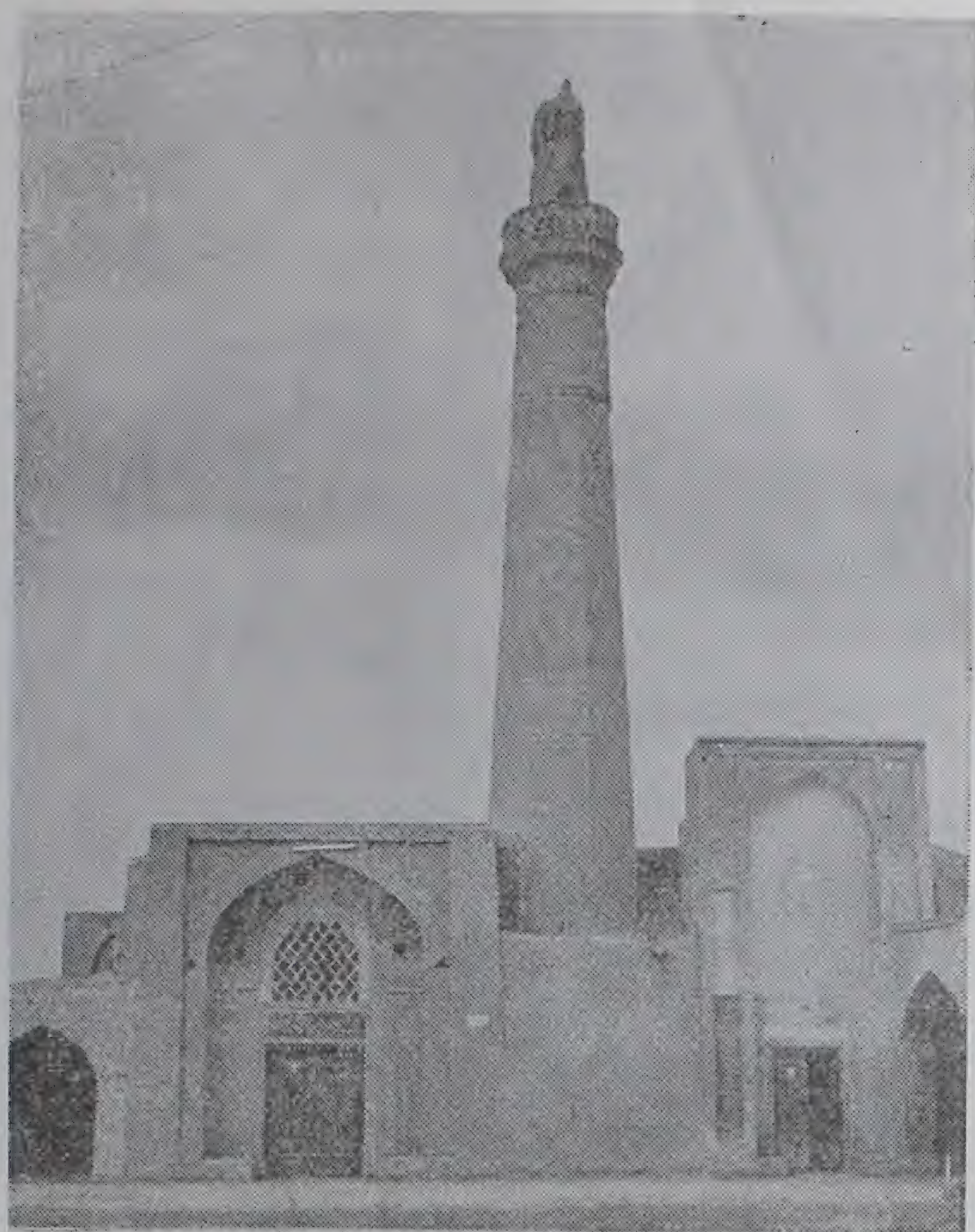
(شکل۱۴۲)

کوفی گچبری اطراف هلال طاقنمای جلوی محراب مشتمل بر آیه ۴۰ سوره نمل و آیه آخر سوره توبه است.(۱)

۲ـ کتیبه منبر مسجدکه ازچوب ساج ساخته شده بخط ثلث برجسته چنین است : « ولله ملك السموات والارض وما فیهن وهوعلی کل شئی قدیر . » وبر جبهه چپ منبر بخط ثلث برجسته دردو سطر چنین خوانده میشود :

« وقف الصدر الاجل المنعم المحترم ملك التجار جمال الدین حسین بن المرحوم « عمر بن عفیف هذا المنبر علی المسجد الجامع فی مدینة النائین تقبل الله منه فی »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۰ .

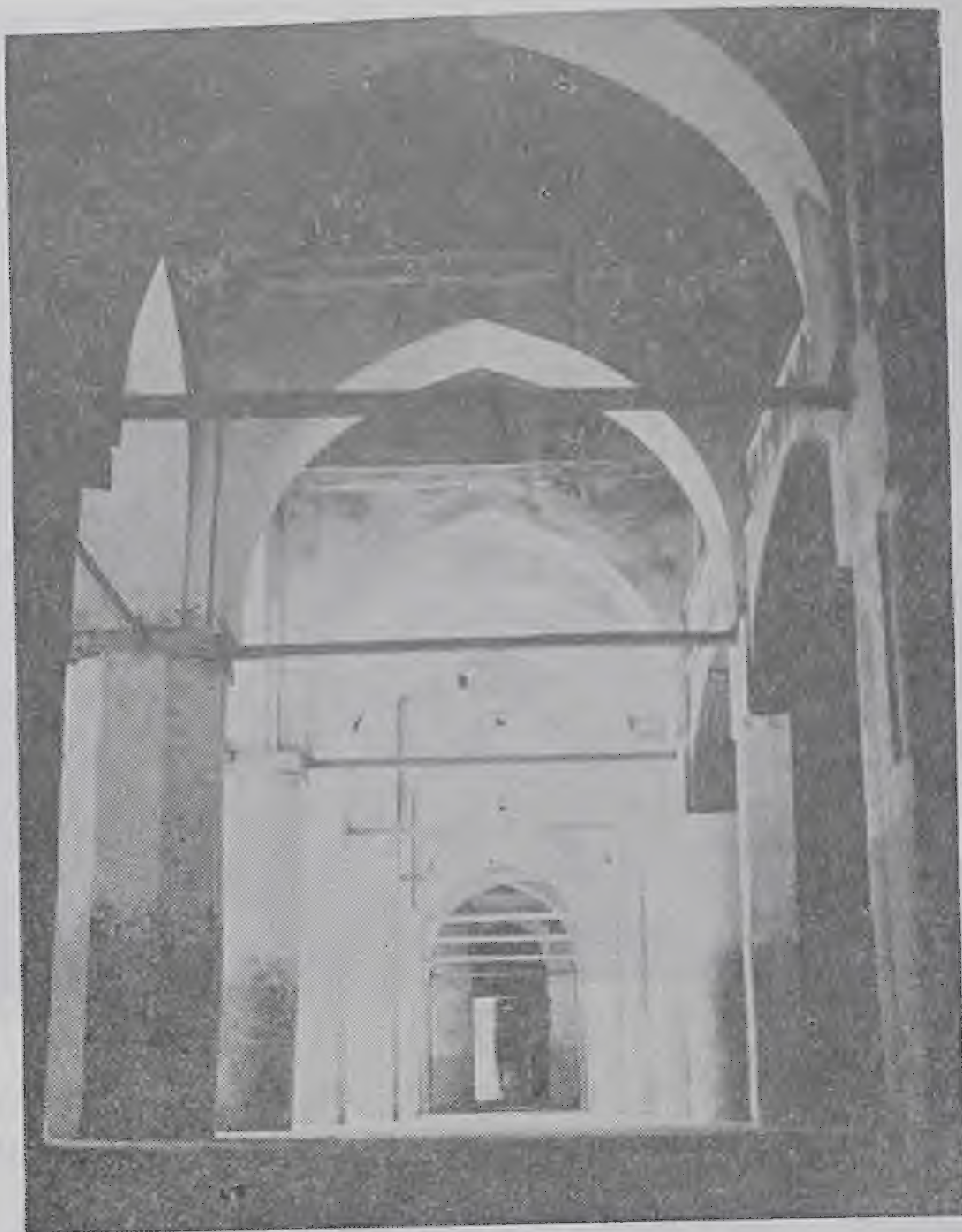


(شکل ۱۴۳)

« رجب سنة احدی عشر وسبعمأته » وبرجانب راست منبر بخط ثلث برجسته‌نوشته شده : « عمل‌الاستاد افتخار الصناع محمود شاه‌بن محمدالنقاش الکرمانی خدایش بیامرزاد هرکه فاتحه خواند بجهت . . . . . » .

منبر مزبور دارای هیجده پله و۵ متر ارتفاع است ، در زیر طاق دهانه دوم دروسط بخط‌کوفی برروی کاشی‌کلمات الله ومحمد ودرگوشه دیگر علی‌مرتضی‌ودر سه‌گوشه دیگر اسامی خلفا نوشته شده بوده‌که کاشی‌های‌آنراکنده‌اند .

مسجد دارای سه درخروجی است که در شرقی بمناره‌آن‌اتصال دارد . ایـن



(شکل۱۴۴)

مسجد بموجب شماره ۱۴۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۱] (ش۱۴۵)

۲ـ مسجد بابا عبدالله :

بانی مسجد بابا عبدالله شمس‌الدین عبدالله بوده‌که در ۷۰۰ هجری این‌مسجد را ساخته و مصادف با زمان غازان خان مغول ومیرجلال‌الدین احمد امام جماعت آن‌بوده است .

کتیبه چوبی‌که درمسجد وجود دارد ودرشش سطر بخط نسخ میباشد حاکی

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۷۰ .



(شکل ۱۴۵)

است که شمس الدین عبدالله در سال ۷۰۰ مسجد را ساخته است[۱] وگفته اند که تاریخ اتمام بناءِ غره محرم سال ۷۰۰ هجری بوده وخود بانی در یکی از زوایای مسجد مدفون است.[۲] این مسجد بموجب شماره ۲۰۴ به ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۳- مسجد محمدیه :

این مسجد که در حومه شهر در دیه محمدیه واقع است وضع ساختمان آن حکایت میکند که مربوط بقرن چهارم هجری است واسلوب ساختمان شباهت بساختمان مسجد جامع نائین دارد وازاینرو بموجب شماره ۳۵۵ به ثبت تاریخی رسیده است.[۴]

۱-۳-۴ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۷۰.   ۲- طرایق الحقایق ج۳ ص ۲۱۰.

۵ - شهرستان نطنز :

یکم - مساحت وجمعیت :

مساحت‌شهرستان نطنز۳۲۱۰/۴ کیلو مترمربع وجمعیت آن بالغ بر۲۸۸۳۶ نفر میباشد ومرکزشهرستان شهر نطنزاست .[1]

دوم - اماکن تاریخی :

۱ - مسجد جامع شهر نطنز:

این مسجد ازنظروضع ساختمان بنابگفته آندره‌گدارفرانسوی مرکب است ازشبستان هشت ضلعی گنبدداری مشرف برصحن‌که چهارایوان دارد ، اضلاع صحن را دهلیزها ونمازخانه های مختلف بهم متصل میسازد ، این مسجد از سمت شمال ومشرق‌وجنوب محدوداست بکوچه باریکی که‌چون بمدخل بزرگ مسجد ومقابل مناره ودرگاه خانقاه میرسد وسعت یافته مبدل بمیدان کوچکی میگردد . درسمت غرب ویرانه خانقاه دیده میشودکه محدود براهی میگردد .

مسجد سه مدخل‌دارد یکی‌جنوبی ودوشمالی . مدخلهای سمت شمال باسطح حیاط برابر است ولی معبرجنوبی عبارت از دهلیز وسیع با دوازده پله بلند است . ارتفاع این دوازده پله حاکی از اختلاف سطح صحن وسطح کوچه است‌که درجلو مدخل جنوبی واقع است ، و بهمین جهت قسمتی از شبستان مثمن مذکور در خاك کنده شده است . صحن مسجد فضای مربعی است بطول ۱۴/۰۶ متر، عرض هریك از ایوانها بنسبت اهمیت موقع‌آن درطرح بنا متفاوت شده است ، ایوان جنوبی‌که درجلو شبستان است ۶/۵۰ متر دهنه دارد و ایوانی‌که در برابرآن یعنی در سمت شمال افتاده دارای ۵/۸۸ مترعرض است ودو ایوان دیگر۶/۲۸ متر دهانه دارد و پهنای شبستان هشت ضلعی یعنی فاصله هردوضلع متقابل‌آن ۸/۴۶ متر است .

کتیبه‌های مربوط به‌مسجد جامع نطنز باین شرح است :

۱ - کتیبه سردرجنوبی مسجد باین عبارات : «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، امر» « بالعمارات المستحدثة فی‌المسجد المولی المعظم الصاحب الاعظم دستور ممالك »

(۱) نامه شماره ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ — ۱۳۵۰/۶/۲۰ وزارت کشور .

« العالم ممهد قواعد الخير والكرم خواجه زين‌الدنيا والدين خليفةبن الحسين »
« الماستری بمساعی الصدر المعظم شمس‌الدين محمدبن على النطنزی فی‌اربع »
« وسبعمأته . »

۲ـ درایوان شمالی مسجدکتیبه‌گچبری است بخط ثلث سفیدکه شامل‌آیات ۹ و ۱۰ سوره جمعه و۱۱۴ سورهٔ هود و دنباله آن حدیث نبوی راجع بدوازده امام نوشته شده ونام خطاط محمدرضا امامی خوانده میشود .

۳ـ درایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه وسپس دنباله‌آن خوانده میشود : «فی‌سنة سبع وسبعمأته» .

۴ـ بالای یکی‌ازدرگاههای ایوان شمالی‌اشعاری بخط نستعلیق‌سفید برزمینه قهوه‌ای خوانده میشودکه مطلع آن چنین است :

«صفحه روح‌فزائی‌که‌هر‌آن‌کس‌دیدش — دل زکیفیت آن صافی و نورانی شد»

و پس از سه بیت چنین گفته :

« فکرت وذهن امامی پی سال تاریخ — چون‌گدایان بدرموسی عمرانی‌شد »
« پنج‌پنجه‌بفکندازیدو بیضاو بگفت: — « روسفیدی وی ازمهدی‌کاشانی‌شد »

وحاکی است‌که درسال ۱۱۱۴ قمری این بنا تعمیرشده است .

۵ ـ کتیبه در قدیمی مسجد باین ترتیب خوانده میشود : « . . . بن‌یحیی »
« النطنزی تقبل‌الله عمل استاد . . . الله اصفهانی فی‌رمضان سنة خمس و عشرین »
« وثما نمائة . »

۶ ـ بردر ورودی مسجد بخط نستعلیق صلوات بردوازده امام وسپس چنین خوانده میشود: «اتمام این دردر تاریخ سنه‌اثنی وسبعین وتسعمائة شد ونصب این‌در »
« درتاریخ شهرذی‌الحجةالحرام سنه اثنی‌عشروالف شد . »

۷ ـ کتیبه لوح سنگی جرز ایوان بخط نستعلیق برجسته چنین است :
« بنای تعمیر وسفید نمودن مسجد جامع بسعی عالیحضرات فضیلت و افادت پناه »
« مولانا محمدباقردماوندی وسلالةالسادات والنجبائی حاجی میرابراهیم‌الحسینی »

« النطنزی باتمام رسید بتاریخ شهرذی‌القعدة‌الحرام سنه ۱۱۷۸ کتبه محمدعلی »
« ابن‌سعیدالحسینی‌النطنزی » .

۸ـ کتیبه دیگری حاکی از اینستکـه دو روز آب قناتین دستجرده نطنز بمصارفی برسد بتاریخ ۱۲۵۹ قمری .

۹ـ کتیبه سنگی ایوان جنوبی حاکی ازوقف‌کردن سه طاق قناتین دستجرده نطنز برمصارف مسجد وواقف استادحیدر نجارنطنزی‌وکاتب‌کتیبه اسکندرابراهیم‌آبادی نطنزی بتاریخ ۱۱۰۳ قمری است .

۲ ـ بقعهٔ شیخ عبدالصمد :

این بقعه بمسجد اتصال دارد ولی در عین اتصال وضع ساختمان میرساند که بقعه ومسجد درزمانهای مختلفی ساخته شده‌اند . گنبد بقعه هرمی شکل و دارای سقف‌گنبدی است‌که مقرنس‌کاری شده وکتیبه‌آن چنین است :

« هذه‌البقعة المشرفة مزار الشیخ الربانی نورالملة والدین عبدالصمدبن »
« علی‌الاصفهانی المقیم بنطنز امر ببنائها الصاحب الاعظم زین‌الدنیا والدین‌خلیفة »
« الماستری فی‌سبع وسبعمائة» و برضریح چوبی آن بخط ثلث برجسته چنین نقر شده : «عمل استاد حسین‌ابن استاد اسمعیل سرشکی النطنزی فی‌تاریخ سنة اربع »
« وستین والف سنه ۱۰۶۴کتبه عبداللطیف» کتیبه سنگ بالای قبرشیخ عبدالصمد بخط نستعلیق برجسته چنین حجاری شده : « هوالغفور الرحیم الرحمن اللهم »
« صل‌علی النبی والولی والحسن والحسین والعباد والباقروالصادق والجعفروالکاظم »
« الموسی والرضا والتقی والنقی والعسکری والحسن الحجة‌القائم محمدالمهدی »
« الهادی صاحب‌الزمان همت مصروف‌داشت عصمتی‌پناه صالحه‌خدیجه سلطان بنت »
« شمس طلا درسنه ۱۰۴۵ واین آثارخیر ازوباقی ماند » .

کتیبه سردرخانقاه بخط ثلث آجری برجسته چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم امر بعمارة هذه البقعة المیمونة المبارکة الصاحب »
» المعظم وزیرممالك العالم مشید مبانی‌الخیرات المتوسل الی‌الله بانواع القربات »

« اضعف‌عبادالله المفتقر الی‌رحمته و رضوانه‌خواجه زین‌الدنیاوالدین شرف‌الاسلام »
« والمسلمین خلیفة‌بن الحسین‌بن علی الماستری تقبل‌الله خیراته وافاض السعادة »
« والرحمة‌علیه و علی اسلافه و ذریاته ثم وقفهاخانقاهاً علی‌الفقراء الصوفیة تقرباً »
« الی‌الله القدیم وتبرعاً لوجهه الکریم بمساعی‌شمس‌الدین محمدبن علی‌النطنزی »
« فی‌سنة‌خمس وعشرین وسبعمائة» بردوجرزطرفین سردرخانقاه دریك لوحه بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر چنین نوشته شده : « وقف ذالك خواجه نجم‌الدین »
« محمودابن عماد فی‌سنة ۹۲۱ عمل استاد حسین خراسانی کتبه الفقیر اسدالله »
« الحسینی » .

در فاصله میان در مسجد و سردر خانقاه مناره آن واقع گردیده است ودر بالاترین بدنه‌آن جمله : «العظمةلله» ودر پائین آن : «الملك‌لله» خوانده میشود که بخط کوفی آجری برزمینه کاشی فیروزه‌ای است . کتیبه تاریخی مناره چنین است :

« امر ببناء هذه المنارة العالیة والغرفات الرفیعة الملك الاعظم الصاحب »
« المعظم اعدل ملوكا لعجم بانی قواعد الخیرات منبع‌السعادات ، باسط الامن »
« والامان ناشرالعدل والاحسان شمس‌الدولة والدین ناصرالاسلام و عون‌المسلمین »
« محمدبن علی تقبل‌الله حسناته فی‌شهور سنة خمس و عشرین و سبعمائة » ودر متن کاشیکاری پایه مناره دردولوحه‌کوچك بخط آجری برزمینه فیروزه‌ای‌چنین‌خوانده میشود: «امیر کبیر جلال‌الدین‌عبدالله . . »

« بمساعی الصمدالاصفهانی المعظم‌کمال‌الدین محمد جزاه‌الله خیراً[۱] . »

این سه اثر‌تاریخی بموجب شماره ۱۸۸ به‌ثبت رسیده است[۲] .

درشهرستان نطنز اماکن تاریخی دیگری مانند محراب‌مسجد کوچه میر که بشماره ۲۰۹ به ثبت تاریخی رسیده و سر در بیت‌السعاده والسیادة و خانقاه و بقعه

۱- این کتیبه ها باملاحظه گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان وتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وآثار تاریخی‌شهرستانهای‌کاشان ونطنز تنظیم شده است.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۶۸ .

سیدواقف درقریه افوشته و درهای منبت‌کاری مسجد جامع آن وگنبد مقبره سید واقف و امامزاده قریه برز ومسجد جامع ابیانه وگنبد باز وقلعه وشاق وامامزاده آقاعلی‌عباس دربادرود نطنز وجود داردکه چون عدد صفحات‌کتاب محدود و ازحد خود تجاوزکرده عنان قلم‌را بازگرفته وببحث خاتمه میدهد امیداست‌که خداوند توفیق دهدکه درباب آثار تاریخی حاشیه‌کویرکتاب مستقلی تنظیم نماید.

بتاریخ ۲۵ تیرماه سال۱۳۵۱ شمسی تهران ــ یوسف‌آباد

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

پایان

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فهرست مآخذ کتاب آثار ملی اصفهان :

(آ ـ ا)

۱ـ آتشکده آذر . ۲ـ آتشکده اردستان . ۳ـ آثار ایران . ۴ـ آثار البلاد قزوینی . ۵ ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز . ۶ـ آشیانه عقاب . ۷ـ آگهی شهان از کار جهان . ۸ ـ احسن التواریخ رملو . ۹ ـ احوال خوشنویسان نستعلیق. ۱۰ ـ اخبار البشر . ۱۱ـ ارشاد دراحوال صاحب بن عباد . ۱۲ـ ازسعدی تا جامی . ۱۳ـ اسمآء البلدان. ۱۴ـ اسمآء الرجال التدوین رافعی قزوینی. ۱۵ـ اسمآء المصنفین. ۱۶ـ اسمآءِ المؤلفین . ۱۷ـ الاصفهان جباب . ۱۸ـ اصفهان جوانان. ۱۹ـ اصفهان وهمه جهان. ۲۰ـ اعلاق النفیسة. ۲۱ـ اعلام زرکلی. ۲۲ـ اعلام الشیعة. ۲۳ـ اعیان الشیعة. ۲۴ـ امتحان الفضلاء . ۲۵ـ انساب سمعانی. ۲۶ـ انوار النعمانیة .

(ب)

۲۷ـ بخشی از گنجینه آثار ملی . ۲۸ ـ بررسیهای هنر ایران . ۲۹ـ برهان قاطع . ۳۰ـ بزرگان ودانشمندان اصفهان . ۳۱ـ البلدان فقیه همدانی .

(پ)

۳۲ـ پیدایش خط وخطاطان .

(ت)

۳۳ـ تاریخ اصفهان وری . ۳۴ـ تاریخ ایران دانشمندان شوروی. ۳۵ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان. ۳۶ـ تاریخچه محله خاجو. ۳۷ـ تاریخ حزین ۳۸ـ تاریخ خط وخطاطان . ۳۹ ـ تاریخ کتابخانه درایران . ۴۰ـ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی. ۴۱ ـ تاریخ نائین ۴۲ـ تجارب السلف .۴۳ ـ تحفه سامی .۴۴ـ تذکرة الائمة ۴۵ـ تذکره حزین. ۴۶ـ تذکره روزروشن. ۴۷ـ تذکره شعرای معاصر اصفهان. ۴۸ـ تذکرة القبور. جزی . ۴۹ـ تذکره نصرآبادی. ۵۰ـ ترجمه تاریخ سرپرسی سایکس. ۵۱ـ ترجمه سفر نامه کامفر (در دربارشاهنشاهی) . ۵۲ـ ترجمه محاسن اصفهان. ۵۳ ـ تلاش درراه خدمت بآثارملی .

(ج)

۵۴ ـ جامع مفیدی . ۵۵ ـ جغرافیای اصفهان .

(ح)

۵۶ ـ جلل سندسیه .

(خ)

۵۷ ـ خزاین نراقی . ۵۸ ـ خلد برین . ۵۹ ـ خبرآتیه .

(د)

۶۰ ـ دیوان حافظ . ۶۱ ـ دیوان طرب .

(ذ)

۶۲ ـ الذریعة الی تصانیف الشیعة . ۶۳ ـ ذکر اخباراصبهان .

(ر)

۶۴ ـ راحة الصدور. ۶۵ـ راهنمای ابنیه تاریخی دکترهنرفر. ۶۶ـ راهنمای اجمالی دکترهنرفر . ۶۷ـ راهنمای اصفهان دکترهنرفر . ۶۸ـ راهنمای اصفهان رضا عطارپور . ۶۹ ـ رجال اصفهان . ۷۰ ـ رحلة ابن بطوطه . ۷۱ ـ روح القدس

پیرجمالی اردستانی . ۷۲ ـ روضات‌الجنات چهارسوقی . ۷۳ ـ رهبران مشروطه.
۷۴ ـ ریاض‌العلمآء وحیاض‌الفضلاء .

(ز)

۷۵ ـ زندگانی آیة‌الله چهارسوقی. ۷۶ـ زندگانی شاه‌عباس‌اول. ۷۷ـزندگانی ملك‌المتکلمین . ۷۸ ـ زنده‌رود . ۷۹ ـ زینت‌المجالس .

(س)

۸۰ ـ سفرنامه اوژن فلاندن . ۸۱ ـ سفرنامه اولئاریوس . ۸۲ ـ پیترودولا والله. ۸۳ ـ سفرنامه شاردن . ۸۴ ـ سفرنامه ناصرخسرو . ۸۵ـ سفرنامه‌هانری رنه آلمانی . ۸۶ ـ سنی ملوك‌الارض والانبیآء . ۸۷ ـ سی‌فصل‌خواجه‌نصیرطوسی.

(ش)

۸۸ ـ شرح چغمینی .

(ص)

۸۹ ـ صبح گلشن .

(ط)

۹۰ ـ طبقات اعلام‌الشیعة . ۸۸ ـ طرایق‌الحقایق .

(ع)

۹۱ ـ عالم‌آرای عباسی . ۹۲ ـ عیون‌الانبآء .

(ف)

۹۳ ـ فارسنامه ابن‌بلخی . ۹۴ ـ فرهنگ تاریخ نائین . ۹۵ ـ فرهنگ جغرافیائی ارتش . ۹۶ ـ فرهنگ دکترمحمدمعین . ۹۷ ـ الفهرست ابن‌الندیم. ۹۸ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران. ۹۹ـ فهرست‌کتابهای‌آستان قدس رضوی. ۱۰۰ـفهرست‌کتابهای‌اهدائی‌مشکوة بدانشگاه‌تهران . ۱۰۱ـ فهرست

کتابهای فارسی چاپی . ۱۰۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی . ۱۰۴- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار . ۱۰۵- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

(ق)

۱۰۶ - قصص الخاقانی .

(ک)

۱۰۷ - کشکول شیخ بهائی . ۱۰۸ - کشف الظنون .

(گ)

۱۰۹-گزارش اداره کل باستان‌شناسی . ۱۱۰ -گزارش میرزا علیخان نائینی.
۱۱۱ - گنج دانش . ۱۱۲ - گنج سخن . ۱۱۳ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان .

(ل)

۱۱۴ - اللباب فی تهذیب الانساب . ۱۱۵ - لغت‌نامه دهخدا .

(م)

۱۱۶- المأثر والاثار . ۱۱۷ - مجالس النظامیه . ۱۱۸ - مجله ارمغان .
۱۱۹- مجله آستان قدس . ۱۲۰ - مجله هنر و مردم . ۱۲۱ - مجله یادگار .
۱۲۲ - مجمع البحرین . ۱۲۳- مجمع التواریخ گلستانه . ۱۲۴ - مجمع الفصحاء .
۱۲۵- مجمل التواریخ والقصص . ۱۲۶- محاسن اصفهان . ۱۲۷ - المحیط الاعظم.
۱۲۸- مرآت البلدان ناصری . ۱۲۹- مراصد الاطلاع . ۱۳۰- المسالك والممالك ابن خردادبه . ۱۳۱ - المسالك والممالك اصطخری . ۱۳۲ - المشترك یاقوت حموی . ۱۳۳ - مصطفی المقال . ۱۳۴ - مطلع السعدین و مجمع البحرین .
۱۳۵ - معجم الادباء. ۱۳۶ - معجم البلدان. ۱۳۷- مقدمه برگزیده دیوان سه‌شاعر اصفهانی . ۱۳۸ - مقدمه دیوان طرب. ۱۳۹ - المنجد . ۱۴۰ -منتخب التواریخ مظفری. ۱۴۱ -منتظم ناصری. ۱۴۲ -منتهی الآمال محدث قمی. ۱۴۳ -موادالتواریخ.
۱۴۴ - میزان الانساب چهارسوقی .

(ن)

۱۴۵ ـ نامه وزارت کشور . ۱۴۶ ـ نزهت‌القلوب . ۱۴۷ ـ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان . ۱۴۸ ـ نظام‌الاقوال .

(و)

۱۴۹ـ الوزراء والکتاب جهشیاری ترجمه سیدابوالفضل طباطبائی. ۱۵۰ـ وقایع السنین خاتون آبادی . ۱۵۱ ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی . ۱۵۲ـ وقفیه ربع رشیدی .

(هـ)

۱۵۳ـ هدیةالاحباب محدث قمی. ۱۵۴ ـ هدیةالعارفین فی‌اسماءالمؤلفین. ۱۵۵ ـ هند شرقی وایران .

فهرست کلمات و حروفی که غلط
چاپ شده و درست آن :

صفحه	سطر	غلط	درست
۲	۱۹	اصفهان	اصبهان
۶	۵	فوسان	فرسان
۱۲	۱۳	خوا	خوار
۲۴	۲۲	۲۲۶	۱۲۲۶
۲۹	۶	الخزانة	لخزانة
۳۱	۱۳	ففه	فقه
۳۲	۲۱	(۵)	(۶)
۳۸	۲۴	لطاهرة	لظاهره
۴۴	۲۱	دری	وری
۶۰	ازسطر ۲۱ تاسطر	۲۵ ترتیب درست اشعار چنین است :	

فانوس و شمع قدسی وپاتاسر آینه — رویت صباح عید ترا پیکر آینه
نقاش صنع لم‌یزل از سایهٔ توبست — بر پرده‌های دیدهٔ‌هفت اختر آینه
این‌جلوه‌گاه‌کیست‌که‌درهرطرف‌دراو — صورت نمای‌گشته ز یکدیگرآینه
عشرت سرای شاه‌صفی دان‌کزو بود — روشن چراغ اختر چشم هرآینه
خواند خط جبین ملایك بنه فلك — افتد اگر زروی توعکسی در آینه

صفحه	سطر	غلط	درست
۶۷	۱۰	نظز	نطنز
۷۱	۲۰	حسنو	حسنویه
۸۰	۲۰	کوه صفحه	کوه صفه
۱۰۵	۹	صفوی	صوفی
۱۴۶	۱۲	(۴)	زاید
۱۴۶	۲۲	۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان	زاید
۱۵۱	۱۶	للباب	اللباب
۱۶۰	۶	تل عاشقان	تل استخوان
۱۶۹	۱۷	حوضی	حوض
۱۷۱	۲۲	تخست	نخست
۱۸۲	۲	شیعا	شعیا
۱۸۵	۱۷	شبانه	شبابة
۱۸۵	۱۸	ص۱۰۰	ص۲۰۰
۱۸۷	۱۳	دملی	رملی
۱۹۰	۵	باغ کاران	محله باغ کاران
۱۹۲	۹	ابوسعید	ابوسعد
۱۹۹	۱۶	سیدحیدرعاملی	سیدحیدرآملی
۲۱۱	۲۷	چهارسوق	چهارسوی
۲۱۸	۲۳	ابوسعیدبن‌جبیر	ابوسعید جبیر
۲۱۹	۱۳	حمام درویشان	وحمام درویشان
۲۲۵	۲۱	۵ ـ ابوعبدالله	۱۹ ـ ابوعبدالله
۲۵۲	۷	بشا	بشار
۲۵۴	۲۱	سهیل‌بن‌عثمان	سهل‌بن عثمان

صفحه	سطر	غلط	درست
۲۵۶	۱۸	ابوالحسن	ابوالحسین
۲۵۷	۴	جشنش	جشنس
۲۶۰	۹	کوداه	کوراه
۲۶۷	۲۵	سیرجانی	سریجانی
۲۷۱	۱۶	بوحاتم	ابوحاتم
۲۷۲	۱۱	فرح	فرج
۲۸۱	۲۱	سعیدالدین	سعدالدین
۲۸۳	۱۰	قبرستان شور	قبرستان شوری
۳۰۴	۶	مادنان	مارنان
۳۲۴	۱۹	وازسادات	ازسادات
۳۳۴	۱۳	سائرمشهدی	سائرا مشهدی
۳۵۳	۷	خانه تقدیر	خامه تقدیر
۴۵۷	۸	فیها	فیهما
۴۸۵	۱۹	لجاد	بحار
۴۸۷	۷	حسین	حسینی
۵۰۳	۲۳	۱ـ بامدایح	۱ـ مدایح
۵۰۳	۴	محمدحسن	محمد محسن
۵۱۶	۱۵	المالك	الممالك
۵۱۷	۱۴	الحسن بن علی	ابن الحسن بن علی
۵۴۹	۱۵	ذکی	زکی
۵۵۱	۲	انما قل	قل انما
۵۵۶	۲۴	مهتمله	مهمله
۵۵۹	۲۱	علی موسی الرضا	علی علی بن موسی الرضا

صفحه	سطر	غلط	درست
۵۷۵	۱۲	دردشت	در دردشت
۵۸۹	۲۳	محمدعلی	مهرعلی
۶۴۴	۱۵	زند	زید
۶۴۹	۱۴	لحمداسمعیل	لمحمداسمعیل
۶۷۹	۹	اعجار	اعجاز
۷۲۴	۱۸	شور	شوری
۷۳۶	۴	پائین	پائینی
۷۳۶	۱۴	مرقه	مرقد
۷۴۲	۳	(قرن۱۴هجری)	مربوط بسطر۲ وبعد از کلمه اکنون واقع است
۷۴۷	۹	لشریف	الشریف
۷۴۹	۱۲	جزر	جرز
۷۶۷	۱۹	بعلحا	بطحا
۸۰۲	۱۷	رسید	سید
۸۴۷	۳	مفرد	مزبور
۸۶۳	۲۳	کتیبه	کنیسه
۸۷۶	۱۱	صفا	صفه صفا
۸۹۳	۴	بعدازمیباشد	در دیه شهراب واقع و

فهرست اعلام اماکن

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها — شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات
بند امیر	۳۲۵
بندر سورت	۳۲۴
بندرعباس	۹۷-۱۱۰
بوان	۱۵
بهائیه نطنز	۱۰۴
بهشت آئین	۳۳۵
بهشت	۲۵۷-۳۷۲-۳۷۶-۴۷۹-۶۰۲-۷۹۴-۷۹۸-۸۱۲
بیابانك	۱۳۳-۱۳۴
بیت‌الادویة	۳۷
بیت‌الشتاء	۵۱۶-۵۳۲-۵۵۲-۵۸۸
بیت‌العتیق	۵۵۸
بیت‌الله‌الحرام	۵۱۲-۷۲۷
بیت‌المعمور	۷۰۷
بیت‌المقدس	۱۳-۶۳۶
بیدآباد	۱۹۳-۲۹۶-۷۳۸-۷۳۹
	۱۸۳
بیدان	۱۹۱
بیسبون	۸۱۴
بیشه محمد علی‌بیك	۲۲۰
بیمارستان ثریا	۷۳۱
بیمارستان ورنوسفادران	۹۷

(پ)

اعلام جایها	شماره صفحات
پاچنار	۲۴۰
پادرخت سوخته	۳۷۹-۳۹۸
پاشاخ	۱۰۲
پاقلعه	۱۸۷-۲۹۵
پایین دزوازه	۷۵۱
پزوه	۴۹
پستخانه	۶۴
پشت خیابان	۷۳۸
پشت مطبخ	۷۳-۱۷۷
پل‌اللهوردیخان	۶۲-۷۳-۱۷۱-۱۷۲-۳۰۲-۳۰۳-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۳-۳۲۵-۳۲۶
پل‌امیر	۳۲۵
پل انجیری	۷۰
پل اورگان	۳۰۲
پل باباركن‌الدین	۳۰۷-۳۱۳
پل‌بابا محمود	۳۰۲-۳۰۴
پل جلفا	۱۷۲-۳۱۸-۳۲۱
پل جوئی	۶۰-۶۲-۸۵-۳۰۳-۳۲۱
پل چوم	۳۰۳
پل چهل چشمه	۳۱۸-۳۲۵
پل حاج‌کاظم	۳۰۲
پل حسن‌آباد	۳۰۹-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۶
پل حسن بیك	۳۰۷-۳۰۸
پل حسن‌خان تركمان	۳۱۵-۳۱۶
پل حسین	۵۷-۲۰۴
پل خاجو	۲۱-۲۲-۶۰-۶۲-۷۸-۷۹-۹۵-۱۷۸-۲۱۵-۲۱۸-۲۲۰-۳۰۲-۳۰۶-۳۰۷-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۶
پل دشتی	۳۰۳
پل زاینده رود	۸۱-۳۲۲-۳۲۵
پل زمان خان	۱۷۵-۳۰۳
پل سرفراز	۳۰۴
پل سروش آذران	۳۰۳
پل سروشفادران	۳۰۳
پل سی‌وسه پل	۱۵۸-۱۵۹-۱۷۸-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۷
پل سی‌وسه چشمه	۱۶۶-۱۶۸-۳۱۵-۳۱۸-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۷
پل شاه عباسی	۱۶۶-۱۶۸-۳۱۸
پل شاهی تیموری	۳۱۳-۳۱۴
پل شاهی	۳۱۰-۳۱۴
پل شهرستان	۱۰۳-۱۴۶-۳۰۲-۳۰۵
پل شیراز	۳۱۳
پل شیری	۱۷۶-۱۷۷

(ج)

(ح)

(خ)

اعلام جایها شماره صفحات

(د)

(ر)

(ع)

(غ)

(ف)

(ق)

اعلام جایها　　شماره صفحات

اعلام جایها　　شماره صفحات

(ن)

فهرست اعلام طوایف و خانواده‌ها و کسان :

(آ)

(ز)

(س)

(غ)

(ف)

اعلام‌جایها شماره صفحات

فهرست تصاویر کتاب:

پایان

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار وابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثارملی ایران (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه وتاریخ (کنفرانس پروفسورهرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی درهمدان (تحقیق پروفسورهرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه دربارهٔ آثارملی و تاریخی ایران (ازمحمد علی‌فروغی‌و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا درپنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ یونسکو درفلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن سینا (به تصحیح آقای دکترمحمودنجم‌آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ‌نبض ابن‌سینا (به‌تصحیح‌آقای سیدمحمدمشکوة استاددانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقایان‌سیدمحمدمشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (به تصحیح‌آقای دکترموسی‌عمید استاددانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله‌ای درحقیقت و کیفیت سلسلهٔ موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سر گذشت ابن سینا (ازآقای دکترغلامحسین صدیقی)	ـ
۱۹	معراج نامهٔ ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)	ـ

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۰ـ	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)	ـ
۲۱ـ	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ
۲۲ـ	ظفرنامه منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳ـ	رسالهٔ کنوز المعزمین ابن‌سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴ـ	رسالهٔ معیار العقول ـ جر ثقیل ـ ابن سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵ـ	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا باترجمه وشرح فارسی آن ازیکی ازمعاصران ابن‌سینا (به تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا (مجلد اول ـ سرگذشت وتألیفات واشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷ـ	ترجمهٔ مجلد اول جشن نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعید نفیسی)	۱۳۳۱
۲۸ـ	ترجمهٔ اشارات وتنبیهات (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹ـ	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰ـ	آثار تاریخی کلات وسرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱ـ	جشن‌نامهٔ ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲ـ	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳ـ	جشن نامهٔ ابن سینا مجلدچهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن سینا به زبانهای آلمانی وانگلیسی وفرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴ـ	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵ـ	جبر ومقابلهٔ خیام (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶ـ	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (به تصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷ـ	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۳۸ـ	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹ـ	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰ـ	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی خان (باتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفرشهیدی)	۱۳۴۰
۴۱ـ	شرح احوال ونقد وتحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲ـ	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح واهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳ـ	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی‌اصغرحریری (به‌اهتمام آقای‌حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴ـ	دیوان غزلیات وقصائد عطار(به‌اهتمام وتصحیح آقای دکتر تقی‌تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس‌شورای‌ملی)	۱۳۴۱
۴۵ـ	جهانگشای‌نادری‌تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی(باتصحیح‌وتعلیق آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶ـ	طربخانه (رباعیات حکیم عمرخیام نیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمهٔ وتصحیح وتحشیهٔ آقای‌جلال‌الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷ـ	نادرهٔ ایام، حکیم عمرخیام ورباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸ـ	اقلیم‌پارس (آثارباستانی وابنیهٔ تاریخی‌فارس)ـ تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹ـ	سفارش‌نامهٔ انجمن‌آثارملی	اردی‌بهشت۱۳۴۴
۵۰ـ	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تألیف‌زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل‌جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی ـ دکترمحمد شهرداد ـ دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵شهریور۱۳۴۴

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۵۲ـ	دیوان صائب، باحواشی و تصحیح به خط خود استاد ـ مقدمه و شرح حال به خط و خامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳ـ	عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی به سال ۷۰۰ هجری با مقدمه و کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴ـ	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهر ری به عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵ـ	خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ماه ۱۳۴۶
۵۶ـ	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ماه ۱۳۴۶
۵۷ـ	خردنامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به کوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸ـ	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹ـ	کتابشناسی فردوسی، فهرست آثار و تحقیقات در بارهٔ فردوسی و شاهنامه، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰ـ	روزبهان نامه به کوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱ـ	کشف الابیات فردوسی (جلد اول) به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲ـ	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳ـ	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴ـ	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵ـ	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶ـ	تاریخ بناکتی به کوشش دکتر جعفر شعار	دی ۱۳۴۸
۶۷ـ	عهد اردشیر برگرداننده به فارسی سید محمدعلی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸ـ	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹ـ	ری باستان (مجلد دوم تألیف آقای دکتر حسین کریمان)	خرداد ۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار	
۷۰-	ازآستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول)، آثار وبناهای تاریخی گیلان بیه‌پس ، تألیف دکتر منوچهرستوده	تیر	۱۳۴۹
۷۱-	یادنامهٔ فردوسی‌حاوی‌مقالات وچکامه‌ها به مناسبت تجدیدآرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان	۱۳۴۹
۷۲-	فردوسی وشاهنامهٔ او به اهتمام‌آقای حبیب یغمائی	آذر	۱۳۴۹
۷۳-	فیلسوف ری، محمدبن‌زکریای‌رازی تألیف آقای‌دکترمهدی‌محقق	آذر	۱۳۴۹
۷۴-	سرزمین قزوین تألیف‌آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر	۱۳۴۹
۷۵-	یادنامهٔ شادروان سید حسن تقی‌زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن	۱۳۴۹
۷۶-	ذخیرهٔ خوارزمشاهی‌تألیف زین‌الدین‌ابوابراهیم‌اسماعیل‌جرجانی‌سنهٔ ۵۰۴هجری به‌اهتمام‌وتفسیر وتصحیح‌دکترجلال‌مصطفوی-(کتاب‌دوم)	بهمن	۱۳۴۹
۷۷-	نظری اجمالی به‌تاریخ آذربایجان وآثارباستانی وجمعیت شناسی‌آن تألیف آقای دکتر محمدجواد مشکور	بهمن	۱۳۴۹
۷۸-	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای‌کاخ گلستان نوشتهٔ‌آقای یحیی ذکاء	فروردین	۱۳۵۰
۷۹-	کشف‌الابیات‌شاهنامهٔ‌فردوسی-جلددوم-به‌کوشش‌دکترمحمددبیرسیاقی	خرداد	۱۳۵۰
۸۰-	آثارباستانی وتاریخی‌لرستان-جلدنخست-تألیف‌آقای‌حمید ایزدپناه	تیر	۱۳۵۰
۸۱-	دردربارشاهنشاه ایران، تألیف ا. کمپفر آلمانی-ترجمهٔ‌آقای کیکاووس جهانداری	مرداد	۱۳۵۰
۸۲-	نگاهی به شاهنامه، تألیف‌آقای پروفسورفضل‌الله رضا	شهریور	۱۳۵۰
۸۳-	مونس‌الاحرارفی‌دقایق‌الاشعار(جلد ۲) تألیف محمدبن بدرجاجرمی به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیرآقای میرصالح طبیبی	شهریور	۱۳۵۰
۸۴-	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی	شهریور	۱۳۵۰
۸۵-	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازادهٔ شفق	مهر	۱۳۵۰
۸۶-	دانش وخرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکترمحمود شفیعی	مهر	۱۳۵۰
۸۷-	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ عکسی) ازروی‌نسخهٔ مورخ به سال ۷۰۹ قمری زیرنظرآقایان مجتبی مینوی وایرج افشار	اسفند	۱۳۵۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۸۸-	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰
۸۹-	از آستارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰-	نصیحة‌الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ استاد جلال‌الدین همائی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱-	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنك	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲-	مجموعهٔ انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه ۱۳۵۱
۹۳-	مجموعهٔ مقالات فروغی دربارهٔ شاهنامه و فردوسی باهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه ۱۳۵۱
۹۴-	داستان داستانها - رستم واسفندیار - تنظیم متن وشرح وتوضیح از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵-	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن ۱۱ هجری) با مقدمه وتصحیح وتعلیق آقای جلال محدث	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶-	تاریخ تبریز تاپایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمدجواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷-	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری باهتمام وتفسیر وتصحیح دکتر جلال مصطفوی	شهریور ۱۳۵۲
۹۸-	ترجمه یك فصل از آثارالباقیه ابوریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناشرست با مقدمه والحاقاتی ازایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹-	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰-	سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دویست‌ساله مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date
	1200		
	1700		

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date